

McGill University Library



3 103 089 949 7

# قرآن مجید



کتابخانہ تجارت کتب اسلام آباد





McGill  
University  
Libraries

Islamic Studies Library



85578

58842

58840



C2P  
V1766g

28445



Qur'ān - i Majīd

# قرآن مجید



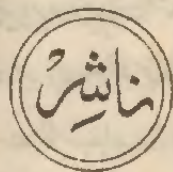
ترجمہ اول: حضرت امام شاہ ولی اللہ محدث دہلوی رحمۃ اللہ علیہ

ترجمہ دوم: حضرت شیخ الہند مولانا محمود حسن دیوبندی رحمۃ اللہ علیہ

بر حاشیہ فوائدِ میلخص

۱۔ تفسیر فتح الرحمن مؤلفہ شاہ ولی اللہ رحمۃ اللہ علیہ

۲۔ تفسیر عثمانی مؤلفہ مولانا شبیر احمد عثمانی رحمۃ اللہ علیہ



نور محمد اصح المطابع و کارخانہ تجارت کتب

آرام باغ پسر پروڈکراچی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# مُقَدِّمَةُ لِلشَّاهِ وَلِيِّ اللَّهِ الصَّلَوِيِّ

حمد نامحدود و خداست تبارک و تعالی را که برافت تا تتر قرآن را برایش بند بکشد خود را نازل فرمود تا مرضی او را از نامرضی باز شناسند و از مکار نفس و ظلمات اعمال قبیحه و اخلاقی خبیثه خلاص شوند و بظهور القدس راه یابند و نزد پروردگار خویش مرضی باشند، ممکن نبود که از این جهلکه بنجایه بستر شود اگر خود دستگیری نه فرمودی و منظور نبود که از این ظلمات مبرا که خلاصی بدست آید، اگر خود را از خود منقبت و تعالی قلب و قالب ما را احاطه کرده است. وجود او ظاهر و باطن ما را در گرفته درود و سلام بر آن حضرت عالی مقام که ما را بر سعادت و این مطلع ساخت و مصالح نشأتین بوجه اتم بیان فرمود. پس هیچ میانه نباشد واضح تر از بیان آن حضرت، و هیچ رحمتی نباشد بالاتر از رحمت آن حضرت. نیک بخت ترین ما آنست که آثار سنت آن حضرت کند و بد بخت ترین ما آنست که از راه متابعت منحرف شود. **وَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ وَ أَهْلِهِ وَسَلَّمَ**

اما بعد نصیحت و نیک خواهی مسلمان در هر زمان و در هر مکان رنگی و بگریز دارد و اقتضای دیگر می نماید و لهذا علماء دین و کبراء اهل یقین و تفسیر و احادیث و عقاید و فقه و سلوک نصایف متنوع ساخته اند و توالیف گویند و گوناگون پرداخته، طائفه شایسته را طناب اختیار نموده اند و فرقه کوچکی اختصار پیش کرده، جماعت بزرگان علم سخن گفته اند و گروهی به لغت عرب در سفته. و در این زمانه که ما در آنیم و در این اقلیم که ما ساکن آنیم، نصیحت مسلمانان اقتضای کند که ترجمه و تفسیر آن عظیم بزرگان فارسی سلیس و در دوزمه متداول به تکلف فضیلت نمائی و به فصیح عبارت آرائی بغیر تعریف قصص مناسب و بغیر ایراد توجیهات منسحبه تحریر کرده شود تا خواص و عوام همه یکسان فهم کنند و صغار و کبار یک دفعه ادراک نمایند. لهذا این فقیر را داعیه این امر خطیر بخاطر ریختند و خواه نخواه بر سر آن آورند و نیک چند در خصوص ترجمه با افتاد تا هر که از تراجم غیر آن که بخاطر مقرر شده است مناسب باید در ترویج آن کوشد و کفایت امکان پیش اهل عصر مرغوب نماید و بعضی تطویل مل یافت و در بعضی تقصیر خلل هیچ یک موافق آن میزان نیفتاد. لاجرم عزم تا بلیف ترجمه دیگر معتم شد و تسوید ترجمه زیر این بر روی کار آمد. بعد از آن سفر حرمین اتفاق افتاد و آن سلسله از هم گسست. بعد سالها که چند عزمی میباش این فقیر خواندن قرآن با ترجمه آن شروع کرد. این صورت سلسله جناب آن عزم شد و بر سر آن آورد که بقدر خواندن سابقا نوشته شود چون قریب ثلث قرآن رسیده شد آن عزیز را سفر پیش آمد و این تحریر در حین توقف افتاد و بعد مدتی باز تفریبه پیدا شد، و دیگر بار آن خطر پاریزه را با آورد و ثلث قرآن کشیده بود چون لا اکثر حکم اکل مقرر است بعضی بار آن گفته شد که آن مسوده را تبیین کنید و آن ترجمه را مقرون بآیات قرآن نویسد تا نسخه مستقل گردد و آن یار سعادت مندر روز عید الاضحی سنه خمسین بعد الالف و المائت در تبیین شروع نمود چون تبیین بهتر تسوید رسید باز عزم را بنگاشته پدید آمد و تا آخر قرآن مسود شد و کان ختم التسوید فی او ثلث







غریب و غیر آن اطلاع یابند و بسا فائده که پیش از مطالعه آن نه شنیده اند و نه دیده باشند بنازگی استفاده نمایند و این ترجمه بنا بر شفقیت خلق الله و کف شده ایشان استقصا و جوه اعراب و استیفاء توجیهات کلام را و استنباط قصص را احتمال ندارند و اگر تحصیل علوم الهیه تکلیف داده شود معلوم نیست که آن صورت متحقق شود یا نه و بعد تحقق آن صورت ممکن که داعیه تحقیق در این علوم پیدا شود و تمام عمر درین داعیه مصروف گردد چنانکه اکثر اهل علوم الهیه را می بینیم هیچ بهتر از آن نیست که درجه ادنی از علم تفسیر در اول عمر انکساب کرده شود تا اکثر علوم الهیه بدست آید این نیز متعذر و متوید در اتمام مقصد و بے بود و اگر بدست نیاید چه از مقصود بدست آورده باشد و خسارت محصل نیافته باشد

صنایع قلندر سزوار بمن نمانی ! که در از و در و دیدم ره و رسم پارسائی

و طریق تحریر در این کتاب آنست که هر آیه را جدا نوشته شد، مقرون به ترجمه آن نشان متعارف و در زمره متداول اختیار نمود آمد و هر چه زیاده از تحت اللفظ است اگر یک دو کلمه است بلفظ یعنی یا مثل آن متمیز ساخته شد و اگر کلامی است مستقل اول آن بلفظ مترجم گوید و آخر آن بلفظ و الله اعلم معلوم کرده شد و هجا ممکن در قصص متعلقه قرآن انکشاف یک دو فقره لازم دیده شد و در اسباب نزول از قصص منقول نکته انتزاع نموده شد و تا امکان رعایت سیاق آیات ضروری دانسته آمد و استناد این کتاب در آنچه متعلق به نقل است از اصح تفاسیر محدثین که تفسیر بخاری و ترمذی و حاکم کرده و تا امکان از اخبار ضعیفه و موضوعه احتراز نمود شد قصص اسرائیلیه را که از علمای اهل کتاب منقول است نه از حدیث خیر البشر علیه و آله الصلوات و التسلیمات داخل کرده اند و در جائی که کشف معنی بغیر اید آن نمی شود و القس و رسالت تنج المخطوئات و این ترجمه ممتاز است از ترجمه های دیگر و بجز بجهت وجهی که آنکه نظم قرآن را مثل مقدار آن از فارسی متعارف ترجمه کرده شد با اظهار مراد و لطافت تعبیر و از آنچه در ترجمه های دیگر یافته می شود از اطناب عبارت ترجمه و رکاکت تعبیر و انجام مراد بقدر امکان احتراز نموده شد و دیگر آنکه سائر تراجم از دو جا خالی نیست، یا ترک کرده اند قصص متعلقه بقرآن مطلقا یا استیفاء جمیع آن نموده اند و درین ترجمه راه متوسط اختیار نموده شد پس جائی که معنی آیه متوقف است بر قسقه بقدر ضرورت دو سه کلمه از آن انتخاب کرده آورده شد و جائی که معنی آیه متوقف که فقه بود ترک نموده آید سوّم آنکه از توجیهات متنوعه توجیه اقوی باعتبار عربیه و اصح باعتبار علم حدیث و علم فقه داخل در صرف اظهار اختیار نموده شد و کسی که تفسیر و چیز و تفسیر جلالتین که بمنزله اصل این ترجمه اند و بنا بر تفاسیر مطالعه کند درین حرف شک ندارد و چهارم آنکه این ترجمه بوجه واقع شده است که شناسنده خواند آن اعراب قرآن و تعیین مخدوف و مرجع ضمیر و محل لفظیکه در عبارت مقدم و مؤخر کرده شده است میتوان دانست و آنکه شناسنده نخوانست از اصل غرض محروم نه مانند آنچه است آنکه ترجمه خالی از دو حالت نیستند یا ترجمه تحت اللفظی باشد یا ترجمه حاصل المعنی و در هر یک وجه خلل بسیار در می باید و این ترجمه جامع است و در هر دو طریق و هر غلطی را از آن غلطها علاجی مقرر کرده شد و این سخن در از هست در رساله قواعد ترجمه بیان کرده آید و آنکه گفتیم این ترجمه مشعرا بوجود اعراب کلامیست مجملی بی معنی طلبداند که خاطر را با آن متوجه باید ساخت لفظ است علامت بر بطل است که در میان حاشیئین جمله سمیه و ظریفه باشد زید قائم است و زید کجا است و علامت آنست که بفاعل تقدیم فاعل متصل آوردن فعل زید است و عند الضرورة است و زید نیز می توان گفت و مفعول بنائب مناب فاعل می باشد یا نه بحرف را مقرون می شود زدم زید را و زده شد زید را و بوی از تراجم میتوان گفت زید زده شد و اگر قرنیه قائم باشد حذف را جاز هست و مفعول مطلق اگر بر لای عدد باشد بیک بار کردن



و دو بار کردن می توان تقریر کرد و اگر برلئے نوع باشد بیک نوع کردن و یک طور کردن و اگر غیر مصدر را بجای مصدر قائم کرده باشند گویند مَضَرَّ بْتُ سَوْطًا زدم یک چابک و اگر از غیر لفظ فعل باشد قَرَأْتُ سَرَّدَ أَخَانِم بِطَرِيقٍ پسر در پی خواندن و اگر مجرد برلئے تاکید باشد تا از قبیل سبحان الله و عدل الله از قبیل اختلاف لغتین است بدل تکلیف و ارجاع بحرف و بجز میسر نشود و اگر مفعول باشد معنی غرض باشد بلفظ برلئے بلفظ اول تصویر مصدر بصورت جمله مَضَرَّ بْتُ تَابِيَا زدمش برلئے ادب دادن یا تا ادب دهم و اگر بمعنی حاصل شد بلفظ بعلت و حکم و مقتضی و امثال آن قَعَدَ جُنُبًا نَشْت بَعَلَّت نامردی و اگر بمعنی احتراز باشد بلفظ برلئے احتراز و برلئے احتیاط و امثال آن ضَبْتَهُ اَنْ يَقُولَ النَّاسُ مَا ضَرَبَ بِهِ نَزَدَمَش برلئے اجتناب از آنکه گویند، نزدش و مفعول فیهِ بلفظ در مکان باشد یا زمان و مفعول مع بلفظ با اِسْتَوَى الْمَاءُ وَالْحَشْبَةُ برابر شد آب با چوب و حال اگر کلمه مفرد باشد با اشتقاق لفظی که مفعول برلئے حال باشد جَعَلْتُ سَرَاكِبًا سَوَارًا مدهام و اگر جمله ملتمه از فعل ذی الحال باشد با یصال لفظ کرده و کتا و مثل آن جَاءَ زَيْدٌ يَتِيمًا حَتَّى فِي مَشِيئِهِ زَيْدٌ تَخْتَرِكُنَا در رفتار خود و اگر جمله ملتمه از فعل غیر ذی الحال باشد لاچار لفظ حال آنکه زیاده کرده شود و هر چند در اصل لغت فارسی نیست حال در زبان عربی بمعنی شتی آید گاهی مَوَكَّدٌ باشد جَاءَ فِي الْبُؤْسِ عَطُوفًا و گاهی بمعنی تهیبا قَاتِلُهَا وَهَذَا خَالِدٌ يَتِيمٌ و گاهی بمعنی قصد آید جَعَلْتُ اِسْتَكْوَى اِلَيْهِ و در فارسی این معانی مستعمل نیست و تمیز اگر از عدد بیاید یا پیامد یا ماضی باشد بصیغه تمیز یا باضافت یا لفظ از بیان کرده شدنی است نزدیک رطل گندم یک صاع از خود اگر از اسم اشاره باشد بلفظ صفت مَادَا اَسْرَادَ اللهُ يَهْدِي اَمْتًا كَلَامًا چه چیز اراده کرده است خدا باین مثل و اگر نسبت باشد بخوبل فاعل یا مفعول کرده شد یا از رویه و از جهت و باعتبار فروده آمد زَيْدٌ حَسَنٌ و اسرا زید نیک است از رویه خانه و باعتبار خانه و گاهی در فارسی مضمون تمیز را بنوعی از تصرف که دو کلمه را یک کلمه ساختن است ادا کرده شود مَتَانٌ قَلْبًا تَنَگٌ دَل شَدَهُوَ قَامِي قَلْبًا و می سخت دل است و گاهی در عربی مفعول بغیر توسط حرف جر باشد و در فارسی ایراد حرف جر لازم شود و قَسَبَ كَيْفَ كَيْفَ هُمُ اللهُ کفایت خواهد کرد ترا خدا از شر ایشان و مثل قَالُوا اتَّخَذَ اللهُ وَلَدًا و گفته اند فرزند گرفت خدا و مثل اَعْطَيْتُ زَيْدًا اَوْ هَمَّا و هم و ادم زید را و مثل كَانَ زَيْدًا قَارِئًا زید استاده بود و جَعَلْتُ زَيْدًا عَجَبِي زید را بنده خود ساختم و برین صورتها تقدیم و تاخیر را بر خود میور باید ساخت و گاهی جمله را که بتاویل مصدر ساخته باشد بمصدر مفرد تقریر می توان کرد و مصدر مفرد را با جمله مصدره باین مصدریه تعبیر می توان نمود و همچنین موصول باصلاح کلمه مفرد و بالعکس و قَالِ الْاَنْبِيَاءُ اَمَنَّا كَفَتِ اَنْ سَلَامٌ و اَلَّذِيْنَ اَمَنُوا هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ هر آینه رسنگار شدند آن مسلمانان که ایشان در نماز خویش خشوع کنند گانند یعنی اگر موصول صفت اسمی واقع شده تقدیم لفظ آن بر آن و صوف کرده شد و علامتی تشخیصی که از تقدیم معمول مستفاد می شود در فارسی نیز تقدیم است کم و هم و متو و آتیا و در بعض مواضع بنوع تعبیر کرده می شود و در فارسی میتوان گفت شمار است گویند یا ایشان را راست گویند یا آن نیست که گویند ایشان را راست گویند و اگر مظهر را موضع مضموم وضع کرده باشد لفظ آن را اند کرده شده تا مربوط باشد و در فارسی علامت جمع بفعل ملحق کنند هر چند فاعل مظهر باشد قائم هو کلام است اند ایشان را و او و فالبسیار است که زیاده باشد و بسیار است که در فارسی معنی آن ربط بغیر ذکر عطف و تعقیب درست شود پس اگر رکایت لفظ درین صورت در ترجمه لازم می آید ترک کرده شد بالجمله و قاتی فن ترجمه بسیار است و مقصود این جابیان نمودن می است چوں این فقیر خوض در ترجمه بدون



معاونت کے وبدول رجوع بکتاب کے کردہ است و در اوقات تخلّف با وجود اشتغال بال بسان علوم محرّمہ احتمال دارد کہ در بعض مواضع و فایا این التزامات متحقق نشده باشد یا ران سعادت مند کہ آن قواعد را مستحضر داشته باشند حکم اخوت و بی نصیحت را منظور نظر دارند و در اصلاح آن کوشند و لیصلحہ من جاد مقولا و صیبت این فقیر رکاتہا این ترجمہ است کہ عبارت قرآن را بخط علی و اعتراف و حمرة از ترجمہ متمیز سازند و احتیاط کنند کہ در الفاظ مترجمہ تحریفی راہ نیابد و در مواضع اشتباه کلام نام را بنقطہ حمرة از بعد جدا نمایند و ترکیب اضافی و توصیفی را بحصره مضاف و موصوف معلّم سازند تا بر مبتدیان روشن تر شود و اگر در ترجمہ لفظی کہ نسبت بتدیان غریب می نماید تقریر کے بر اذان مبیدان معنوی می نهند یافتہ شود یا ران سعادت مند بر ماشیہ کتاب معنی آن نویسنده تا بر ہیچ فروغ شکل نشود

إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ

قال العبد الضعيف ولي الله بن عبد الرحيم عفي عنه قرات القرآن كله من اوله الى اخره بر رواية حفص عن عامر على الصّاحم الثقة صاحبى محمّد فاضل السندى رحمه الله قال تلوته الى اخره بر اية حفص على الشيخ عبدالحق المتوفى شيخ القراء بمصر سنة ١٠٠١ هـ قال قرات القرآن كله بالقراء السبع على الشيخ البقرى والبقرى ولا بها على شيخ القراء بزمانه الشيخ عبد الرحمن اليمنى وقرأ اليمنى بها على والده الشيخ سجادة اليمنى وعلى الشهاب احمد بن عبدالحق السنبلى بتلاوته كذلك على الشيخ السجادة المذکور وقرأ الشيخ سجادة كذلك على الشيخ ابى نصر الطهلاوى وقرأ الطهلاوى كذلك على الشيخ الاسلام نر كما بتلاوته على برهان القلقلى والرضوان ابى التيمم العقبى وقرأ كل منهما على امام القراء والمحدثين محمد الرى ايات والطرق ابى الخير محمد بن محمد بن على بن يوسف الجزرى صاحب كتاب النشر له طرق كثيرة اذكرها فى النشر منها سلسلة مختصرة تسلسل التلاوة والقراء ايضا يطلب من جهة صاحب التيسير فلتقتصر ههنا على ههنا تلك التسلسل قال الجزرى قرأت التيسير وقرأت بالقراء كله من اوله الى اخره على شيخى الامام القهاج العالم قاضى المسلمين ابى العباس احمد بن الشيخ الامام ابى عبد الله الحسين بن سليمان بن فزارة الحنفى بد مشق المحمّد رمة رحمه الله قال لى قرأته وقرأت به القرآن على والدى واخبرنى انه قرأه وقرأ به القرآن العظيم على الشيخ الامام ابى محمّد القاسم بن احمد بن الموفق العراقى قال قرأته وقرأت به على المشايخ الائمة المقرئين ابى العباس احمد بن على بن يحيى بن عون الله الخضر الى عبد الله محمّد بن سعيد بن محمّد المراءى ولى عبد الله محمّد بن القوب بن محمد بن نوح العافى الاندلسيين قال كل منهم قرأته وقرأت به على الشيخ امام ابى الحسن على بن محمد بن هذيل البلنسى قال قرأت وتلوت به على ابى داود سليمان بن نجاح قال قرأته وتلوت به على مؤلفه الامام ابى عمر الدانى قال الجزرى وهذا على سنا يوجد اليوم فى الدنيا متصلاً واختص هذا الاسناد بتسلسل التلاوة والقراءة والسماع ومنى الى المؤلف كلهم علماء ائمة ضابطون قال الدانى فى كتاب التيسير قرات القرآن كله بر اية حفص على ابى الحسن طاهر بن غلبون المقرئ قال قرأت بها على ابى الحسن على بن محمد قهاج الهاشمى الضربى المقرئ بالبصرة قال قرأت بها على ابى العباس احمد بن سهل الانشانى قال قرأت بها على ابى محمد عبيد بن القبايح قال قرأت على حفص قال قرأت على عامر قال الدانى واخذ عاصم القرآن عن ابى عبد الرحمن بن عبيد بن حبيب السامى وعن زرين جيلش ابا ابو عبد الرحمن فغن عثمان بن عفان وعلى بن ابى طالب وابى بن كعب وزيد بن ثابت وعبد الله بن مسعود عن النبى صلى الله عليه وسلم

تمت هذه الديباجة  
ابن نقل از ترجمہ و تفسیر فتح الرحمن قلمی کرده شد و آن نسخ در سال ١٢٠٠ و دوازده صد و ده سال  
هجری نوشته شده است و اخذ نمودم انما ان الحمد لله رب العالمين

سرا قلم الحروف غلام مصطفیٰ غفر له



# روز اوقات

م	علامه وقت لازم است، از ترک کردن آن در معنی غلظت و اقیع میشود، لذا وقت نهایت ضروری است.
ط	علامه وقت مطلق است، از اینجا نباید گذشت، بل حسن همین است که در اینجا وقت کرده از بعد از آنکه کرده شود.
ج	علامه وقت جائز است، در اینجا وقت و وصل هر دو جائز است اما توقف نمودن بهتر، وقت نه کردن هم روا است.
ر	علامه وقت مجوز است، در اینجا هم سبب وقت موجود است و هم از وصل ولی علت وصل قوی تر و واضح تر است، بنابراین گذشتن بهتر است.
ص	علامه وقت مخصص است، افراد از آن ایست که در اینجا تعلق با همی و چیز است لیکن از حیث معنی، هر چیز حیثیت مستقل را هم دارد می باشد، قاعده باید وصل خوانده شود لیکن اگر قاری در قرائت مانده گردد، برائش وقت رخصت است.
ق	علامه (قد قیل) و یا (قیل علیه الوقت) می باشد، نزد بعض علماء در اینجا وقت کردن جائز است اما این علامه (قی) بطرف ضعف وقت اشاره می کند، وقت نه کردن بهتر است.
لا	علامه لا وقت علیه در اینجا وقت نیست، می باشد و اشاره باین است که قاری در اینجا هرگز وقت نکند بعض علماء می گویند که اگر وقت واقع شود عاده قرائت واجب می باشد اگر در سر آیه نباشد.
قف	(۱) علامه ی وقت علیه (در این مقام ایستادن است) - (۲) جائیکه احتمال وصل نمودن از طرف قاری باشد، علامه وقت (یعنی ایستاده نشود) نوشته می شود.
سکته	بدون تنفس نمی ایستاده شدن است، قاری در اینجا نمی کشد و نفس خود را قطع نکند.
وقفه	علامه سکته در آن است، یعنی قاری نسبت به مدت تنفس کمتر وقت کند، در اصطلاح علم قرائت (سکته و وقفه) قریب المعنی است، اما سکته به وصل و وقفه به وقت قریب تر است.
صلی	علامه (الوصل اولی) است، یعنی وصل خواندن بهتر است.
○	علامه آیه مطلق است، جائیکه صرف همین علامه باشد وقت کرده شود و اگر بالای آن (لا) باشد، ترک وقت اولی است اگر احتیاج وقت پیدا شود بنا بر ماندگی مضائقه نیست، و درین قاریا هم مشهور است که وقف نشود، اگر بدون لا کدام آمد و اگر باشد همان علامه معتبر شمرده شود.

## تعداد الحروف و غیرها

(کما قال الفارسی عبد المعز بن عبد الله فی بستان القرآن)

۲۶۵۳۵	م	۸۳۲	ظ	۲۶۵۳۵	۱	۸۸۴۲	ا
۲۶۵۶۰	ن	۹۲۰	ع	۱۱۴۹۳	ب	۱۱۲۲۸	س
۲۵۵۳۶	و	۲۲۰۸	غ	۱۵۹۰	ت	۱۱۹۹	ز
۱۹۰۰۰	ه	۸۳۹۹	ق	۵۸۹۱	ث	۱۲۴۶	س
۳۰۲۰	ی	۲۸۱۳	ق	۲۲۵۳	ج	۳۲۴۳	ش
۳۱۱۵	ه	۹۵۲۲	ک	۲۰۱۳	ح	۹۴۳	ص
۲۵۹۱۹	ی	۱۳۳۲	ل	۱۶۰۰	خ	۲۳۱۶	ض
				۱۲۴۳	د	۵۶۳۲	ط





# فهرس الالفات الزائدة (٢٩ مقامات)

العدد	الكلمة	الصفحة	السطر	السورة	الجزء	ركوع السور
١	افأشن مات	٦٩	٣	٣	٣	١٥
٢	لا الى الله	٤١	١١	٣	٣	١٤
٣	تنبؤاً	١١٣	٥	٥	٦	٥
٤	ملأئه	١٦٢	١١	٤	٩	١٣
٥	لا اوضعوا	١٩٥	١١	٩	١٠	٤
٦	ملأئه	٢١٨	٤	١٠	١١	٨
٧	ملأئهم	٢١٩	٣	١٠	١١	٩
٨	شهوداً	٢٣٠	١١	١١	١٢	٦
٩	ملأئه	٢٣٣	١٣	١١	١٢	٩
١٠	امم لتتلوا	٢٥٣	٢	١٣	١٣	٢
١١	لن تدعوا	٢٩٥	٩	١٨	١٥	٢
١٢	لشأئ	٢٩٤	٣	١٨	١٥	٢
١٣	لكننا	٢٩٩	١	١٨	١٥	٥
١٤	افأشن مت	٣٢٥	١١	٢١	١٤	٣
١٥	ملأئه	٣٣٢	٢	٢٣	١٨	٣
١٦	شهوداً	٣٦٢	٦	٢٥	١٩	٢
١٧	لا اذبحته	٣٤٤	١٠	٢٤	١٩	٢
١٨	ملأئه	٣٨٨	٦	٢٨	٢٠	٢
١٩	شهوداً	٣٠٠	١	٢	٢٠	٢
٢٠	انقيم من رباليربوا	٣٠٤	٨	٣٠	٢١	٢
٢١	لا الى الجحيم	٣٣٨	٢	٣٤	٢٣	٢
٢٢	ملأئه	٣٩١	١٣	٣٣	٢٥	٥
٢٣	ولكن ليبلوا	٥٠٦	٥	٣٤	٢٦	١
٢٤	نبلوا	٥٠٩	٢	٣٤	٢٦	٢
٢٥	بئس الاسم الفسوق	٥١٥	١٢	٣٩	٢٦	٢
٢٦	شهوداً	٥٢٤	٦	٥٣	٢٤	٣
٢٧	سلسلاً	٥٤٩	١٣	٤٦	٢٩	١
٢٨	قواسيرياً	٥٨٠	٨	٤٦	٢٩	١
٢٩	قواسيرياً من	٥٨٠	٩	٤٦	٢٩	١



# فهرس الاجزاء

العدد	الجزء	الصفحة	آياته	السور التي يشتمل عليها
١	الم	٢	١٣٨	الفاتحة - البقرة ١-١١١
٢	سيقول	٢٣	١١١	البقرة ١١١-١١٢
٣	تلك الرسل	٣٣	١٢٥	البقرة ٣٣-٣٤ عمران ٩١
٤	لن تنالوا	٤٣	١٣٢	آل عمران ١-٩ النساء ٢٣
٥	والمحصنت	٨٣	١٢٣	النساء ١٢٣
٦	لا يحب الله	١٠٣	١١١	النساء ٣- المائدة ٨٢
٧	واذا سمعوا	١٢٣	١٣٨	المائدة ٣٨- الانعام ١١١
٨	ولواثنا	١٣٣	١٣٢	الانعام ٥٥- الاعراف ٨٤
٩	قال الملا	١٤٣	١٥٩	الاعراف ١١٩- الانفال ٣٠
١٠	واعلموا	١٨٣	١٢٨	الانفال ٣٥- التوبة ٩٣
١١	يعتذرون	٢٠٣	١٥٠	التوبة ٣٦- يونس ١٠٩- هود ٥
١٢	واما ذآبة	٢٢٣	١٤٠	هود ١١٨- يوسف ٥٢
١٣	وما أبرئ	٢٣٣	١٥٥	يوسف ٥٩- الرعد ٣٣- ابراهيم ٥٢- الحجر ١
١٤	سربها	٢٤٣	٢٢٦	الحجر ٩- النحل ١٢٨
١٥	سبحن الذي	٢٨٣	١٨٥	بني اسرائيل ١١١- الكهف ٤٢
١٦	قال الم	٣٠٣	٢٦٩	الكهف ٣٦- مريم ٩- طه ١٣٥
١٧	اقرب الناس	٣٢٣	١٩٠	الانبيا ١١٢- الحج ٤٨
١٨	قد افهم المؤمنون	٣٣٣	٢٠٢	المؤمنون ١١٨- النور ٦٣- الفرقان ٢٠
١٩	وقال الذين	٣٦٣	٣٣٣	الفرقان ٥٤- الشعراء ٢٢٤- النمل ٥٩
٢٠	اقن خلق السموات	٣٨٣	١٤٦	النمل ٣٣- القصص ٨٨- العنكبوت ٣٣
٢١	اقل ما اوى	٤٠٣	١٠٩	العنكبوت ٢٥- الروم ٦٠- لقمان ٣٣- السجدة ٣٠- الاحزاب ٣٠
٢٢	ومن يقتل	٤٢٣	١٦٣	الاحزاب ٣٣- سبا ٥٣- فاطر ٢٥- يس ٢١
٢٣	وما لي	٤٣٣	٣٦٣	يس ٦٢- الصافات ١٨٢- ص ٨٨- الزمر ٣١
٢٤	ومن اظلم	٤٦٣	١٠٥	الزمر ٣٣- المؤمن ٨٥- حم السجدة ٢٦
٢٥	اليه يرد	٤٨٣	٢٣٦	حم السجدة ٨- الشورى ٥٣- الزخرف ٨٩- الدخان ٥٩- الجاثية ٣٤
٢٦	حم	٥٠٣	١٩٥	الاحقاف ٣٥- محمد ٣٨- الفتح ٢٩- الحجرات ١٨- ق ٣٥- الذاريات ٣٠
٢٧	قال فاخطبكم	٥٢٣	٣٩٩	الذاريات ٣٠- الطور ٣٩- التجم ٦٢- القمر ٥٥- الرحمن ٤٨- الواقعة ٩٦- الحديد ٢٩
٢٨	قد سمع الله	٥٣٣	١٣٤	المجادلة ٢٢- الحشر ٢٢- الممتحنة ١٣- الصف ١٣- الجمعة ١١- المنافقون ١١- التغابن ١٨- الطلاق ١٢- التحريم ١٢
٢٩	تبارك الذي	٥٦٣	٣٣١	المالك ٣٠- القلم ٥٢- الحاقة ٥٢- المعارج ٣٣- ف ٢٨- الجن ٢٨- المزمل ٢٠- المدثر ٥٩- النبية ٣٠- الدهر ٣١- المرسلات ٥٠
٣٠	عم	٥٨٣	٥٦٣	النبأ ٣٠- التزلزل ٣٦- عبس ٣٢- التکویر ٢٩- الانفطار ١٩- التطفيف ٣٦- الانشقاق ٢٥- البروج ٢٢- الطارق ١٤- الاعلى ١٩- الغاشية ٢٦- الفجر ٣- البلد ٢٠- الشمس ١٥- الليل ٢١- الضحى ١١- الانشراح ٨- التين ٨- العلق ١٩- القدر ٥- البينة ٨- الزلزال ٨- الغدات ١١- القارعة ١٢- النافثات ٣- الهزلة ٩- الفيل ٥- القريش ٣- الماعون ٤- الكوثر ٣- الكافرون ٦- النصر ٣- الهب ٥- الاخلاص ٣- الفلق ٥- الناس ٦





فل منكم كويتى عالم  
انس و عالم جن و عالم طائر  
و على هذا القياس  
فتح الرحمن  
فل منكم كويتى عالم  
آنا كرام كرام كرام  
آنا كرام كرام كرام  
صدیقین شهداء و صابرين  
و مراد از آنا كرام كرام  
شد آنا كرام كرام  
گرامان كرامان آتین  
قبول كن دعاى ما را ۱۲  
فتح الرحمن

تفسیر عثمانی

الحم حم و حرم هر دو  
همین معنی است اما  
رحمن نسبت به رحیم  
مبالغه بیشتر است و این  
ترجمه تمام این دعاست  
شده

عبد خدا و این سوره  
عظیم را بر زبان هر کس  
خود فرمود تا بندگان را  
بیارگاه مآشفه و جنت  
مصل کند از حضرت  
مادرین سوال نیاز کنند  
ازین است که این سوره  
را تعلیم و تلاوت نمایند  
چون مساجد و خانقاه  
فاطمه ائمه ائمه است  
قاراده شده و کلام  
از قرآن مجید خارج و مستحب  
آن چنین است دعا  
اجابت کن دعاى ما را  
یعنی ما را به بندگى  
مقبول بارگاه تو انبیا  
دارا نیکو فرمان نوی  
پند و گردان پس  
نیز اول سوره فاتحه  
خداوند را ستایش  
و تحمید و مدح و ثناء  
نیاز و حاجت فاعلم  
غیر المغضوب بالذین  
مبشایه عفت او که این  
ترجمه مناسب آن است

سورة الفاتحة مكية وهي سبع آيات

سورة فاتحه در سوره نازل شد و این هفت آيات است

سورة فاتحه هفت آيه و سوره نازل شد و این هفت آيات است

الحمد لله رب العالمين الرحمن الرحيم

ستایش خدا تراست پروردگار عالمی بخشنده و مهربان

ملك يوم الدين اياك نعبد و اياك نستعين

خداوند روز جزا ترا می پرستیم و ترا می یارم

اهدنا الصراط المستقيم

ما را به صراط مستقیم هدایت کن

صراط الذين انعمت عليهم غير

راه کسانی که تو بر ایشان انعام کردی و نه

المغضوب عليهم ولا الضالين

راه کسانی که تو بر ایشان غضب کردی و نه گمراهان

الحمد لله رب العالمين الرحمن الرحيم

ستایش خدا تراست پروردگار عالمی بخشنده و مهربان

ملك يوم الدين اياك نعبد و اياك نستعين

خداوند روز جزا ترا می پرستیم و ترا می یارم





سورة البقرة نزلت في مكة و هي من القرآن المشتمل على ٢٨٦ آية و هي أول سورة في القرآن

سورة البقرة در مدینه نازل شد و آن دو صد و هشتاد و هشت آیت و چهل و یک رکوع است

سورة البقرة در مدینه نازل شده دو صد و هشتاد و هشت آیت و چهل و یک رکوع است

بنام خداوند بخشنده مهربان

آغاز میکنم بنام خداوند بخشنده مهربان نهایت با هم است

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي آتَى الْإِنسَانَ عِلْمًا وَإِنَّ إِلَىٰ رَبِّهِ أَلْسِنَةً حَسْرَةً

این کتاب نیست هیچ کس در آن عیب

هَدَىٰ لِلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْتُونَ

رهنماست برای متقین را آنکه ایمان می آورند

بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ

پنهان را و برپای دارند نماز را و از آنچه عطا کرده ایم ایشانرا

يُنْفِقُونَ وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ

خرج میکنند و آنکه ایمان می آورند به آنچه

أَنْزَلَ إِلَيْكَ وَمَا أَنْزَلَ مِنْ قَبْلِكَ

فرد آورده شده بسوی تو و آنچه فرد آورده شده پیش از تو

نازل شده بسوی تو و آنچه نازل شده پیش از تو

عنه این حرف مقطعی  
گویند مناسبت اصلی آن  
در میان بی برکتی تو است بلکه  
نازی است در میان خدا  
در پناه مروت علی احط علی  
و سلم که بنا بر حکمت و مصلحت  
آتشکش مکر و تدبیر آنچه از  
بعضی علما در معنی آن نقل  
است خاص بقصد تسل  
و تنبیه و توبه می باشد  
شما عباد را و الهی چنین  
بوده است کسی این  
تفسیرات را است شخصی  
می بیند که در نزد آن  
می برداند اندیشه خود  
آنها از بدنه شخصی و قیام  
با تحقیق علما می افتد است  
خمس این شیه نیست که  
قرآن کلام الهی و مروت  
آن همه است و الهی  
است اشتباه و کلام بود  
طریق نازی  
می شود  
یاد خود  
کلام خطا  
و نقل بیاید  
یاد و درک  
سایع فساد  
و تفسیر در صورت  
تست خود کلام کل ویب  
خواب بود و صورت ثانی  
البتة اورا آن دانند و  
این کلام حق و راست است  
و در کلام کسانیکه می اند  
بجست خود را در کسانیا  
محل ریب معلوم گردد و در  
این آیه رب صحت سخت  
نقی گردد و این شبه نیز  
نقشی شد که کافران قرآن  
را کلام خدا در حق تو است  
غیرا هستند و در این ریب  
و انکار اشتباه پس نقی  
ریب چه معنی دارد اشتباه  
صورت دوم پس ازین  
و گذشته دانستم فی ریب  
ما ازنا الآية



فتح الرحمن  
طالع بن ریمان خود  
تفسیر عثمانی

الْمَدَّ

م (۱) ۴ نزل

البقرة ۲

عنه از موافقت ظاهری  
با مسلمانان موافقت  
حقیقی با ایشان است لال  
نشود به آنها استیلا  
کنیم سوره لوحی شان را  
برودان آفریدی سازیم  
گفتار مخالف کردار  
با مسلمانان از بیخود  
بظواهرشان ما  
استادی کنند  
با مسلمان ی  
پندارند به مال و  
فرزند و ترس نمی  
گفتند از انانیت  
هم می دهند  
اولاد خود را به کجای  
ی نمایند اسرارشان  
را کشف می کنیم آنها را  
به دانی باین خبر از  
زیر و خدای آگاه  
نی شوند ۱۲  
عنه چون خداوند مولا  
را با موافقت که با  
و منافقان مانند مسلمانان  
معامله کنند و بخود آنها و  
احوال آنها را محسوس  
گفتند منافقان به بیخودی  
خود ازین کم کلام طعن  
شدند و پیدا شدند که بر  
مناقع مسلمانان حقیقی تنها  
با ظواهر بانی نایل شده  
هم این را محسوس یافتان  
و بصیبت بزرگ مبتلا  
می کنند و انجام شان تمام  
خوب است انصاف  
کنند استیلا ی حقیقی علیه  
مسلمانان است با  
بنافقان؟ یا غیر  
انجی این است که خدا  
جزا می زند این مستهزئین  
بمنافقان و ده

وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ ۝ أُولَٰئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ ۚ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۝ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أُنذِرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ۝ خَتَمَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ  
وَأُخْرَتِ الْإِثْثَانِ يَقِينِ دارند ایشانند بر هدایت از جانب پروردگار خویش و  
آن کرده استوره بر هدایت اند از جانب پروردگار شان و  
ایشانند رستگان بر آئینه آنانکه کافر شدند بر ابراست بر ایشان  
آن کرده ایشانند رستگاران بر آئینه آنانیکه کافر شدند بر ابراست بر ایشان  
وَأَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ۝ خَتَمَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ  
که ترسانی ایشان را یا نه ترسانی ایشان را ایمان نیارند مهر نهاده بر دلها  
که ترسانی ایشان را یا نه ترسانی ایشان را ایمان نمی آرند مهر نهاده است خدا بر دلها  
وَعَلَىٰ سَمْعِهِمْ وَعَلَىٰ أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ۝  
و بر شنوایی ایشان و بر چشمهای ایشان پرده است و ایشان را است عذاب بزرگ  
و بر گوشهای شان و بر چشمان شان یک نوع پرده است و ایشان را است عذاب بزرگ  
وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَيَا أَيُّهَا الْخَرُوفَاتُ هُمْ يَوْمِنِ  
و از مردمان کسی هست که میگوید ایمان آوردم بخدا و بر روز قیامت حال آنکه نمیشنند ایشان مردمان  
و بعضی از مردمان کسانی اند که میگویند ایمان آوردم بخدا و بر روز قیامت حال آنکه نمیشنند ایشان مردمان  
يُخَدِّعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَ  
غیب میدهند خدا را و مومنان را و بحقیقت نمی فریبند مگر خود را  
غیب میکنند با خدا و پاکسای که ایمان آورده اند و نمی فریبند مگر نفسهای خود را و  
مَآلِشَعْرُونَ ۝ فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَلَهُمْ  
آگاه نمی شوند در دل ایشان بیماری است پس افزودن داد ایشان خدا بیماری و ایشان را است  
و قوت نمی کنند دشمنان را در دلها ایشان یک نوع بیماری است پس افزودن داد ایشان خدا بیماری را و ایشان را است  
عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ ۝ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ لَا تَقْسِدُوا  
عذاب درد دهنده بسبب آنکه دروغ می گفتند و چون گفته شود ایشان را تنبیه کاری بخند  
عذاب دردناک بسبب آنکه دروغ می گفتند و بهنگامی که گفته شود ایشان کفر فساد میکنند  
فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ ۝ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ  
در زمین گویند جز این نیست که ما اصلاح کاریم آگاه شود حقیقی ایشان تنبیه کاران  
در زمین گویند جز این نیست که ما اصلاح کاریم آگاه با شهید بر آئینه نفس ایشانند ساد انجیران  
وَلَكِن لَّا يَشْعُرُونَ ۝ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ امْنُوا كَمَا آمَنَ النَّاسُ قَالُوا  
و لیکن آگاه نمی شوم و چون گفته شود ایشان را که ایمان آورده چنانکه ایمان آورده مردمان گویند  
و معنی دانند دشمنان را و بهنگامی که گفته شود ایشان که ایمان بیادید طریقه ایمان آورده مردم گویند  
أَمْؤِمِّنٌ كَمَا آمَنَ السُّفَهَاءُ ۝ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ وَلَكِن لَّا يَعْلَمُونَ ۝  
ایا ایمان آوریم چنانچه ایمان آورده بخردان آگاه شود حقیقی ایشانند بی خودان و لیکن نمی دانند  
ایا ایمان بیادید طریقه که ایمان آورده بخردان آگاه با شهید بر آئینه خاص ایشانند بخردان و معنی نمی دانند  
وَإِذَا قَالُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خُلِوا إِلَىٰ شَيْطَانٍ هُمْ  
و فرستاده ملاقات می کنند با اهل ایمان گویند ایمان آورده ایم و چون تنها شوند با شیاطین خود  
و بهنگامی که ملاقات کنند با مسلمانان گویند ایمان آوردم و بهنگامی که تنها شوند سوسه شیاطین شان  
قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزَءُونَ ۝ اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ  
گویند بر آئینه ما یا شایم جز این نیست که ما مستهزئیم و مستهزئیم و مستهزئیم و مستهزئیم  
گویند بر آئینه ما یا شایم جز این نیست که ما مستهزئیم و مستهزئیم و مستهزئیم و مستهزئیم  
عنه خدا جزا می زند این مستهزئین با ایشان همه



مترجم گوید حاصل مثل  
آنست که اعمال منافقان  
بهم خطا شود چنانکه روشنی  
آن جامع در روشد ۱۲

فل مترجم گوید که جان  
مثل آن است که منافقان  
در ظلمات نفسانی افتاده اند  
و چون مواظبت علی شرف شوند  
فی الجملة ایشان را تبیینی  
پیشود و آن فایده نکند  
مانند مسافران که در شب  
تاریک و در حیران باشند  
و در برق دوسه قدم برند  
و باز ایستند و الله اعلم ۱۳

تفسیر عثمانی

حله این مثال هم منافی  
است منافقان چون  
کسانی می باشند که شب  
محوش و تاریک ابر هائ  
جبر و غلبه افندی و بیده  
باشد قطرات درشت و  
مسلل باران را در فرود  
در میان امواج در پیش  
ظلمت رعد و برق و آتش برق  
با فرور و چون در تزلزل  
خود به و خشه و آهنا زلزل  
مرگ و کشتن خویش را  
در گوش نهفته تابا و از شد  
آه از قالب جوی گشتند  
این است حال منافقان  
که تکالیف تبهیدیه  
شرع را می شنوند ۱۲

۱۳ خوری و روانی و زلزل  
را می دانند ضیاع اغوا  
در مصالح و نبوی را قصود  
می کنند و از هر طرف و  
کشاکش و اضطراب هر یک  
شکفتی گرفتاری باشند و  
باز و در این می خواهند  
با تقصیر و بی پرواه از وظایف  
حفاظت کنند قدرت اوند  
مثال از هر طرف بران  
مستولیست از عذاب  
دردناک آن ابر و سنگار  
شده نتوانند ۱۳

وَيَذَرُهُمْ فِي طَعْنِهِمْ يَعْهَدُونَ ۵ أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا

و بخت میزدند ایشان را در گمراهی خویش سرگشته شده ایشان آنکسند خریدند  
و بخت میزدند ایشان را در سرکشی شان حال آنکه متعجبند ایشان آن گمانند که خریدند

الضَّلَّةَ يَأْتِيهِمْ فَمِنْ بَحْتِ بَحْتٍ تَجَارِعُونَ وَمَا كَانُوا يَهْتَدُونَ ۶

گمراهی را محض بدایت پس سود یافت تجارت ایشان و راه یاب نشدند  
گمراهی را محض بدایت پس معرود فایده تجارت شان و نبودند راه یافتگان

مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِي اسْتَوْقَدَ نَارًا فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُ

داستان ایشان مانند داستان کسی است که آتشی را روشن کرد پس چون روشن کرد آتش حوالی او را  
مثال ایشان چون مثال کسیست که آتشی را روشن کرد پس چون روشن کرد آتش حوالی او را

ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ وَتَرَكَهُمْ فِي ظُلُمٍ لَا يَبْصُرُونَ ۱۰ صَمٌ

در ساخت خدا نور این گروه را و بگذاشت ایشان را در تاریکیها هیچ نمی بینند گمراهند  
در کرد خدا روشنی آن بار را و گذاشت آن بار را در تاریکیها که هیچ نمی بینند (ایشان) گمراهند

بَكَرٌ لَهُمْ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ظَنٌّ وَلَا يُسْمِعُونَ ۱۱ أَوْ كَصَيْبٍ مِنَ السَّمَاءِ فِيهِ

گمراهند پس ایشان باز نمی گردند و گمراهند پس ایشان باز نمی گردند (از گمراهی)  
گمراهند پس ایشان باز نمی گردند و گمراهند پس ایشان باز نمی گردند (از گمراهی)

ظُلُمٌ وَرُعدٌ وَبَرْقٌ يَجْعَلُونَ أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ مِنَ

تاریکیها رعد و برق است و در می آید و بگذاشتن خود را در گوش خود بسبب  
تاریکیها رعد و برق است و در می آید و بگذاشتن خود را در گوش خود بسبب

الصَّوَاعِقِ حَذَرَ الْمَوْتِ وَاللَّهُ مُجِيبٌ دُعَاءِ الْكَافِرِينَ ۱۲ يَكَادُ الْبَرْقُ

آواز آید بر بول برترس مرگ و خدا حاضر کننده است کافران را نزدیک است که برق  
صاعقه از ترس مرگ و خدا حاضر کننده است کافران را نزدیک است که برق

يَخْطِفُ أَبْصَارَهُمْ كُلَّمَا أَضَاءَتْ لَهُمْ مَشْوَافٍ فِيهِ ۱۳ وَإِذَا أَظْلَمَ عَلَيْهِمْ

بر باد می چسباند ایشان را هرگاه روشنی دهد برق ایشان را راه روشن در آن تاریکی و در ایشان  
رانی چنان ایشان را هرگاه درخشند برق ایشان روند در آن (در تاریکی) و بگذاشتن که تاریک شود راه بر ایشان

قَامُوا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَذَهَبَ بِسَمْعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَى

بایستند و اگر خواسته خدا هر آینه بروی شنوای ایشان را و دیدن ایشان را بر آینه خدا بر  
بایستند و اگر می خواست خدا هر آینه بی برد شنوای ایشان را و بینش ایشان را بر آینه خدا بر

كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۱۴ يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَ

همه چیز تواناست و آنست که افرید شما را و پروردگار خویش را آنکه افرید شما را و  
همه چیز تواناست و آنست که افرید شما را و پروردگار شما را آنکه افرید شما را و

الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ۱۵ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ

کسائی را که پیش از شما بودند اند تا در پناه شود آنکه ساخت برائے شما زمین را  
آن کسائی را که پیش از شما بودند تا شما بر سرید (از خدا) آنکه ساخت برائے شما زمین را

فَرَأَيْنَا السَّمَاءَ بَنَاءً ۱۶ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ

بایست و آسمان را سقف و فرود آورد از آسمان آب پس بیرون آورد بسبب و  
بایست و آسمان را سقف و فرود آورد از آسمان آب پس بیرون آورد بسبب و

مِنَ الشَّجَرِ رِيشًا قَالُوا لَا تَنْفَعُكُمُ الْآيَاتُ إِلَّا أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۱۷

از انوار و درختان روزی برائے شما پس معجزه کنید بر شما بایست و آسمان را سقف و فرود آورد از آسمان آب پس بیرون آورد بسبب و  
از انوار و درختان روزی برائے شما پس معجزه کنید بر شما بایست و آسمان را سقف و فرود آورد از آسمان آب پس بیرون آورد بسبب و



والمی غیاثی و غیب  
 هیچ ساعت بخدا نیست  
 نه شکی و نه انشای علم  
 و لا کافران چون ذکر  
 ذباب و عکبوت در قرآن  
 شنیده طعن کردند گفتند  
 که خدا آفتابی بزرگ است  
 چیز ایست نیست چه ادا  
 کرده است این است  
 نازل شده است علم  
 تفسیر عثمانی  
 عه این پیش از ذکر  
 که درین کلام تعجب است  
 اشتباه و پیوسته شده  
 می توانست - یا خود گفت  
 کلام فخری می بود که آنرا  
 بنویسد "لاریب فی" و رفع  
 کرده اند یا در یک کلمه  
 عنوا یا قصیده که در این  
 بقرآن اشتباه می شد  
 صورت ثانی در تفسیر ممکن  
 بلکه مراد بود بر آنست  
 آن طریقی آسان لطیفی  
 بیان شد که گاهی پیوسته  
 که قرآن گفته انسان است  
 یکسوره همین فصاحت  
 و بلاغت بقدر است  
 بر آیه اثرش با بر فصاحت  
 و بلاغت از سوره کوثری  
 عاجز شد به بیانید که  
 قرآن کلام خداست  
 نه گفته بنده - این  
 آیت بر نبوت  
 حضرت می باشد  
 دلیل است ۱۲  
 عه اگر شادین علی  
 غرض را سنگین اند که  
 قرآن گفته بشر است از  
 دانشمندان شاعران  
 فصاحت و بلاغت که مراد  
 اند ما سواي خداوند  
 استوار کرده سوره کوثری  
 ساخته بیایید یا این  
 مطلب است که چو  
 خداوند در پیشگاه  
 مبعودان توفیق با گریه و خشوع دعا کنید تا این امر صعب بشمارد گفتند ۱۲

وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّمَّنْ  
 د اگر هستید در شک از آنچه نازل شد بر بنده ما پس بیارید سوره  
 د اگر هستید در شک از کلامی که ما فرستادیم بر بنده ما پس بیارید سوره را  
 مِّثْلِهِ ۚ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِمَّنْ دُونِ اللَّهِ إِنَّ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۝  
 مانند آن و بخوانید مددگاران خود را بخوانید مددگاران خود را بخوانید مددگاران خود را  
 مانند آن و بخوانید مددگاران خود را بخوانید مددگاران خود را بخوانید مددگاران خود را  
 فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَ  
 پس اگر نکردید و هرگز کرده نمی توانید پس ترسید از آتشی که بنزد آنست که مردم  
 الْحِجَارَةُ ۚ أَعَدَّتْ لِلْكَافِرِينَ ۚ وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ  
 سنگ باشد آماده کرده شده برای کافران و بشارت ده آنکس را که ایمان آورده اند و کردند کارهای شایسته  
 أَنْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ  
 با که ایشان راست بودند نه می رود زیر آن چرخها هرگاه داده شوند از آنجا رودی از  
 شَرِّهِ رُزِقُوا ۚ قَالَ لَوْلَا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأَتُوا بِه  
 قسم سوره بر آنست که خوردن این همان است که روزی شده بود از پیش ازین داده شود و ایشان میوه  
 مُتَشَابِهًا وَلَهُمْ فِيهَا زَوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ۝ إِنَّ  
 مانند یکدیگر و ایشان راست در آنجا زمان پاک کرده شده و ایشان در آنجا جاویدند و هر آنچه  
 اللَّهُ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَّا بَعُوضَةٌ فَمَا وَقِحَافًا ۚ إِنَّ الَّذِينَ  
 خدا شرم ندارد از آنکه بزند داستان پیش و بالاتر از آن اما آنکه  
 آمَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَيَقُولُونَ  
 ایمان آورده اند میدانند که این داستان راست است از پروردگار ایشان و اما آنکه کافران میگویند  
 مَا ذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا ۚ يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَيَهْدِي بِهِ كَثِيرًا ۚ وَ  
 چه چیز خواهد بود که خدا باین داستان خدا گمراه میکند بسیار و راه را هدایت میکند بسیار را  
 مَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ ۝ الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ  
 گمراه میکند بوسیله مگر بکافران را آن فاسقان گمراه میکند بوسیله عهد خدا  
 بَعْدَ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ  
 پس از استواری آن و قطع می کنند آنچه را امر کرده خدا به اتصال و پیوند آن و فساد میکنند  
 فِي الْأَرْضِ أُولَٰئِكَ هُمُ الْخٰسِرُونَ ۝ كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَ  
 در زمین آن گروه ایشانند زبایان کافران چگونه کافر میشوید بخدا حال آنکه

والمی غیاثی و غیب  
 هیچ ساعت بخدا نیست  
 نه شکی و نه انشای علم  
 و لا کافران چون ذکر  
 ذباب و عکبوت در قرآن  
 شنیده طعن کردند گفتند  
 که خدا آفتابی بزرگ است  
 چیز ایست نیست چه ادا  
 کرده است این است  
 نازل شده است علم  
 تفسیر عثمانی  
 عه این پیش از ذکر  
 که درین کلام تعجب است  
 اشتباه و پیوسته شده  
 می توانست - یا خود گفت  
 کلام فخری می بود که آنرا  
 بنویسد "لاریب فی" و رفع  
 کرده اند یا در یک کلمه  
 عنوا یا قصیده که در این  
 بقرآن اشتباه می شد  
 صورت ثانی در تفسیر ممکن  
 بلکه مراد بود بر آنست  
 آن طریقی آسان لطیفی  
 بیان شد که گاهی پیوسته  
 که قرآن گفته انسان است  
 یکسوره همین فصاحت  
 و بلاغت بقدر است  
 بر آیه اثرش با بر فصاحت  
 و بلاغت از سوره کوثری  
 عاجز شد به بیانید که  
 قرآن کلام خداست  
 نه گفته بنده - این  
 آیت بر نبوت  
 حضرت می باشد  
 دلیل است ۱۲  
 عه اگر شادین علی  
 غرض را سنگین اند که  
 قرآن گفته بشر است از  
 دانشمندان شاعران  
 فصاحت و بلاغت که مراد  
 اند ما سواي خداوند  
 استوار کرده سوره کوثری  
 ساخته بیایید یا این  
 مطلب است که چو  
 خداوند در پیشگاه  
 مبعودان توفیق با گریه و خشوع دعا کنید تا این امر صعب بشمارد گفتند ۱۲



كُنْتُمْ اَمْوَاتًا فَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ اِلَيْهِ رُجْعُونَ

حال آنکه بودید بے جان پس زنده گردانید شما را بعد از آن بمیرا، شما را باز زنده گردانید شما را باز بسوی دے گردانیده شود

هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَّا فِي الْاَرْضِ ثُمَّ اِسْتَوٰى اِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمُوٰتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ١٠

وے آنست که بیافرید برائے شما هر چه در زمین است پس استوار شد بر سوسے

آسمان پس راست کرد آن هفت آسمان را و در آن چیز داناست و یادکن چون

آسمان (پس) برابر کرد آنها را هفت آسمان را و ذات او بهر چیز داناست و بیگانه که

قَالَ رَبِّكَ لِلْمَلٰٓئِكَةِ اِنِّيْ جَاعِلٌ فِی الْاَرْضِ خَلِیْفَةً ۖ قَالُوْٓا

گفت پروردگارتو به فرشتگان که من آفرینده ام در زمین جانشین را گفتند

اَتَجْعَلُ فِیْهَا مَنْ یُّفْسِدُ فِیْهَا وَیَسْفِكُ الدِّمَآءَ وَیُخْسِفُ السَّبْحَ ۚ

آیا ای آفرینی در زمین کسی را که تباهی کند در وے و غرضی کند و آبی گردانی در زمین کسی را که فساد دے کند در آن و بی ریزان خون را و عالم را شیخ میکند

یُحْمَدُهُ وَیُنْقِذُ سُلٰٓكُ قَالَ اِنِّیْ اَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُوْنَ ۙ

بمجد تو و نجات دے سُلٰكُ گفت ای من میدانم آنچه شما نمیدانید و

عَلَّمَ اٰدَمَ الْاَسْمَآءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلٰی الْمَلٰٓئِكَةِ فَقَالَ اِنۡیۡٓ

بیاموخت آدم را نامهای مخلوقات تمام آن باز پیش آورد آن چیز را برابر فرشتگان پس گفت خبر دهید مرا

بِاَسْمَآءِ هٰٓؤُلَآءِ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِیْنَ ۙ قَالُوْٓا سُبْحٰنَكَ لَا عِلْمَ لَنَا

بنامهای این چیزها اگر راست گوئید گفتند بایک یاد کنیم تو هیچ دانش نیست ما را

اِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا ۖ اِنَّكَ اَنْتَ الْعَلِیْمُ الْحَكِیْمُ ۙ قَالَ یٰۤاٰدَمُ اَنْۢبِئْهُمْ

مگر آنچه تو آموختی ما را بر آنچه تو دانای آنست گفت ای آدم خبر ده فرشتگان را

بِاَسْمَآئِهِمْ ۖ فَلَمَّا اَنْۢبَاَهُمْ بِاَسْمَآئِهِمْ قَالَ اَلَمْ اَقُلْ لَّكُمْ اِنِّیْ

بنامهای آنها پس چون خبر داد ایشان را بنامهای آنها فرمود آیا نگفتم بود شما را که مرا آئینه من میدانم

اَعْلَمُ غَیْبِ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَ اَعْلَمُ مَا تُبْدُوْنَ وَمَا كُنْتُمْ

بهنان آسمان را و زمین را و میدانم آنچه آشکارا می کنید و آنچه

تَكْتُمُوْنَ ۙ وَاِذْ قُلْنَا لِلْمَلٰٓئِكَةِ اسْجُدُوْا لِاٰدَمَ فَسَجَدُوْٓا اِلَّا

پس بپوشید میداشتید و چون گفتیم به فرشتگان سجده کنید آدم را پس سجده کردند

اِبْلِیْسَ اَبٰی وَاَسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكٰفِرِیْنَ ۙ وَقُلْنَا یٰۤاٰدَمُ

ابلیس قبول نکرد و سرکش نمود و کشت از کافران و گفتیم ای آدم

اٰیِسْ عٰدَیْ وَزَیْنُ وَاٰدَمَ

ایس عادی و زین و آدم

تفسیر عثمانی  
آدم ۲۰۰ سال گردید و فرشتگان  
و جنیان را مامور شدند تا  
بسوسے او سجده نمایند  
و احدی قیام نمود و خویش را  
دست بآین شایان که  
صاف از نصب و سجده  
ایمان و دولت بفرستد  
در ایات مامور سازند  
۳ تا حدی را مجال نکرد  
نماید فرشتگان بخود کردند  
عجایلیس دی اصل  
چون بودی ملک آئینش  
تمام داشت علت  
تا فرانی ابلیس را چنین  
نویسید میبند جنیان  
چندین هزار سال زندان  
تصرف داشتند و گفست  
بر آسمان نیز سر میگردند  
در آخر غرضی و فساد  
ایشان خداوند فرشتگان  
را امر کرد که بیفتند آنها را  
بقتل رسانند و برقی را  
در جبر بود و در صحراها  
در کوه منتشر سازند و جنیان  
در میان جنیان مرد  
عادی و پارس بود و عفا  
جنیان آنها را ملائکه دینی  
نیکو و بد ساختند و فرشتگان  
مخوف و مامور در میان ایشان  
سکونت میکرد و در طبع  
اتفاق که بجای جنیان  
مطهر و تصرف زمین  
بوسے گذارشته شود  
در عبادت میگوشتند و  
در همیشه در هوای خلافت  
زمین بود چون حکم خدا  
بخلافت آدم را دریافت  
ابلیس مایوس شد و در  
اتلاف عبادت ربانی  
خویش و فرط حسد آنچه  
توالت انجام داد  
و ملعون نهادید گردید







وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ ۝ اَتَاَمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ

و نماز گزاریه با نماز گذارانگان آیای فرماید مردمان را به نیکوکاری و فراموش میکنید و نماز گذارید با نماز گذاران آیای فرماید مردم را به نیکوئی و فراموش میکنید

اَنْفُسَكُمْ وَاَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ اَفَلَا تَعْقِلُونَ ۝ وَاسْتَعِينُوا

خویشتر را و شما میخوانید کتاب یعنی تورات آیاتی فهمید و مدد طلبید و تفهیم خود را حال آنکه شما میخوانید کتاب را چنانچه توراتی کنید (محل زشت خوردن) مدد بخوانید

بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ ۚ وَاِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ اِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ ۝ الَّذِينَ

بشکایتی و نماز و بر آئین نماز دشوار است مگر بر فروتنی کنندگان آنانکه تعبیر و نماز و بر آئین نماز البته گران است مگر بر فروتنانی

يُطِئُونَ اَمْرَهُمْ مُّقْتَدِرِينَ ۚ وَهُمْ اَتَتْهُمُ الرَّحْمَةُ ۚ وَهُمْ اَتَتْهُمُ الرَّحْمَةُ ۚ وَهُمْ اَتَتْهُمُ الرَّحْمَةُ ۚ

میدانند که ایشان طاعت خواهند کرد بایراد و گاه خویش و آنکه ایشان بسوسه و باز خواهند گشت اے فرزندان یعقوب چنین دارند که بر آئین ایشان طاعت کنندگان پروردگار خودند و بر آئین ایشان بسوسه او باز گذرندگان ای نبی اسرائیل فرزندان یعقوب

اَذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي اَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَاَنْتُمْ تَنْسَوْنَ ۚ وَانْتُمْ تَنْسَوْنَ ۚ وَانْتُمْ تَنْسَوْنَ ۚ

یاد کنید آن نعمت مرا که ارزانی داشتم به ام بر شما و آنکه فضل و ادام شارا بر یاد کنید نعمت مرا آنکه انعام کردم بر شما و بر آئین من بزرگی و ادام شارا بر

الْعَالَمِينَ ۝ وَاشْكُوا يَوْمًا لَا يُخْزِي نَفْسًا عَنْ شَيْءٍ وَلَا

بر عالمها و روزی که کفایت نکند هیچکس از کس چیزی را و عالمیان (آن زمان) و بر رسید از روزی که کفایت نکند هیچکس از هیچ کس چیزی را و پذیرفته نشود

يَقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةً ۚ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ ۚ وَلَا هُمْ يَنْصُرُونَ ۝ وَاِذْ

پذیرفته نشود از هیچ کس شفاعت و گرفته نشود هیچ کس عرض و نه ایشان یاری داده شوند یا بگویند نعمت من آنوقت از او شفاعت و گرفته نشود از او عرض (در حق) و نه ایشان یاری داده شوند یا بگویند و حق را که

جَحَيْنَكُمْ مِنْ اِلٰهٍ فَرِعُونَ ۚ يَسْؤُمُوكُمْ سَوْءَ الْعَذَابِ بِئْسَ الْعَذَابُ ۚ

که در بایمید شما را از کسان فرعون بهرسانند شما سخت ترین عذاب ذبح میکردند نجات و دریم شما را از کسان فرعون که می چشاندند شما بدترین عذاب ذبح میکردند

اَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذٰلِكُمْ بَلَاءٌ مِّنْ رَبِّكُمْ ۚ

پسران شما را و زنده میکنند دختران شما و درین کار آزمائش بزرگ بود از پروردگار پسران شما را و زنده میکنند دختران شما و درین کار آزمائش بزرگ بود از رب شما

عَظِيمٌ ۚ وَاِذْ فَرَقْنَا بِكُمُ الْبَحْرَ فَاَنْجَيْنَاكُمْ وَاَغْرَقْنَا اِلٰهَ فِرْعَوْنَ وَ

بزرگ و آن وقت که فتر بر آید شما در یارای پس خلاص کردیم شما را و غرق ساختیم کسان فرعون را و یاد کنید و حق را که فتر بر آید شما در یارای باز نجات دادیم شما را و غرق کردیم اشرار فرعون را و

اَنْتُمْ تَنْظُرُونَ ۚ وَاِذْ وَعَدْنَا مُوسٰى اَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمْ

شما میدیدید و آن وقت که وعده کردیم موسی چهل شب پس گرفتید و یاد کنید و حق را که وعده دادیم موسی چهل شب را بعد گرفتید شما

الْعَجَلَ مِنْ بَعْدِ ۚ وَاَنْتُمْ ظَالِمُونَ ۝ ثُمَّ عَفُوًّا غَفَوْنَا عَنْكُمْ مِّنْ بَعْدِ

گوسار را پس از رفتن موسی و دشمنان گار بودید پس در زارییم از شما بعد و گوسار را و مهربانی پس از موسی حال آنکه شما ستمکار بودید پس عفو کردیم از شما بعد از

ذٰلِكَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ۚ وَاِذْ اَتَيْنَا مُوسٰى الْكِتَابَ وَالْفُرْقَانَ

ازین تا بعد که سعادتی کنید و آن وقت که دادیم موسی کتاب و حجت و یاد کنید و پیغامی که دادیم موسی کتاب و حجت بعد از آن تا شما شکر کنید

ول یعنی در جمیع عبادت  
نومصاب الشراعه ۱۲  
ول یعنی مالیات آن  
زمان ۱۲  
ول مترجم گوید سبب  
کشتن پسران آن بود که  
کامپان فرعون را زهر  
داده بودند که مدتی پس  
پسران پیدا شدند که  
بعضی بر افتاد  
یاد شاهی او  
مترجم گوید  
که خداوندی علیه السلام را  
و مدد داد که چهل شب در  
طرح مختلف شوق توبت  
عطا فرمایم و این است  
بنی اسرائیل با نوحه  
ساری که گویا بر آید  
که خداوند تعالی بعد  
عفو موسی حکم نمود که بعضی  
ایشان را بکشد  
و این تو را ایشان ستم  
و این موسی بعد از عفو  
تفسیر عثمانی  
ع بعض ظلمت یهود  
مبارک است بفرموده پسرانند  
که دین اسلام را در پی  
خوش بگری ستایش کنند  
ولی خدا ایمان نیاوردند  
و پیغمبر موانع علای یهود  
بیکر اکثر مردمان ظاهرین  
و این اشتباه بودند  
که چون ادر تعلیم احکام  
شریعت تعلیم میکردند و در  
روئے حق پرده می افکند  
پایندی در احکام شریعت  
ضرورتی باقی نیامد  
به بنای الدال بالخیبر  
کفا طرد صورتیکه مردم  
اعمال شرع را در اثر  
هدایات ما بجای آید  
آن اعمال انان است  
و چه ضرورت نکند

داخل عمل شوم این آیه که میر برای هر دو غیبه خطا بطلان میکند، مطلب - و عطا آنچه عطا میکند خود بران عمل نماید نه اینکه فاسق بکس عطا نکند



والمترجم كرمي موسى عليه السلام بفتح الكس را از بنی اسرائیل با خود و برود با و سه کلام ایستاد تا نایب ایشان بعد از شهادت خواهان دریت شدند و در طلب آن باز آمد و بایرون نهادن خدا تعالی آن همه را بجهنم بفرست و بازید عالمی موسی زنده ساخت و از آن باقیست است این آیه و بنی اسرائیل با خود شدند بجهنم و حاله و ایشان و مان باب تافل کوندا پس معاقبت باقیان در میان چهل سال و آنجا چون آب و طعام و نجسها مغفود شد خطای تعالی بدعا موسی علیه السلام من وسلوی نازل ساخت و از سکنه دوازده چشمه روان کرد و در اسبابان گرفتند قدر این نعمتها نشاءتند و کفران نعمت کردند اشارت بدین قصه است این آیه ۷ و بنی اسرائیل که در دنیا بودند موسی فرستاده بود ۱۲ و کلام بنی اسرائیل خطای حمله ۱۲ تفسیر عثمانی علی بن زبیر بن جراح صحراست بهنگامیکه آب زمزم از ضرب عصا بر سنگ دوازده چشمه را ۱۳ شد بنی اسرائیل ۶ بر دوازده قبیله تقسیم و تمام نفوس قبیله هاشم بود و طاعت معرفت هر چشمه اندوه موافقت کی و بنی نفوس بودیا بر اساس اختلاف اطراف سنگ از آنه نظری که ازین مجرات با بره انجاری آمدند و بنی اسرائیل از آن اجنب میگردید و در است که سنگ آب احبب و جانی بود

لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ۵ وَاِذْ قَالَ مُوسٰى لِقَوْمِهٖ يَقُوْمُ اِيْكُمْ ظُلُمَتُمْ  
تا بود که راه یابید و آن وقت که گفت موسی قوم خود را ای قوم من بر این شباهت ستم کردید  
و بر شکست که گفت موسی قوم خود را که ای قوم من بر این شباهت ستم کردید  
انفسکم با تخاذکم العجل فتوبوا الی باریکم و اقلوا انفسکم ذلکم  
بر خویشین بفرار کردن و بر توبه کردن پس باز آئید بسوئے آفریدگار خود بکشید خویشین را این  
بر توبه کردن پس باز آئید بسوئے آفریدگار خود بکشید خویشین را این  
خیر لکم عند باریکم فتاب علیکم ان الله هو التواب الرحیم ۶ و  
بجست است شما نزدیک آفریدگار شما پس خدا باز گفت بهر یانی بر شما بر آئید است باز گردید مهربان و  
بجست است بر سر شما نزد آفریدگار شما پس باز گفت خدا مهربانی بر شما بر آئید است بسیار توبه پذیر نهایت مهربان و  
اِذْ قُلْتُمْ یٰمُوسٰى لَنْ نُّؤْمِنَ لَكَ حَتّٰى نَرٰی اللّٰهَ جَهْرَةً فَاخَذْنَاکُمْ  
آن وقت که گفتید ای موسی هرگز با ما خدا را نمی بینیم ترا تا آنکه به چشم خدا را آشکارا پس گرفت شما را  
و گفتید و گفتی که گفتید ای موسی هرگز ایمان نیاریم به تو تا آنکه به چشم خدا را آشکارا پس گرفت شما را  
الصَّعِقَةُ ۷ وَاَنْتُمْ تَنْظُرُونَ ۸ ثُمَّ بَعَثْنَاکُمْ مِنْۢ بَعْدِ مَوْتِکُمْ لَعَلَّکُمْ  
صاعقه و شما می بینید باز زنده گردانیدیم شما را پس از مردن شما تا شما  
صاعقه و شما می بینید باز بر این شکست شما را پس از مردن شما تا شما  
تَشْكُرُونَ ۱۰ وَظَلَّلْنَا عَلَیْکُمُ الْغَمَامَ ۱۱ وَاَنْزَلْنَا عَلَیْکُمُ الْمَنَّٰۤیۤنَ ۱۲ وَالسَّلٰوٰی  
شکر گزاری کنید و ما سایبان را بر شما ایروا و فرو دادیم بر شما من و سلوی را گفتیم  
شکر گزاری و سایبان را بر شما ایروا و فرو فرستادیم بر شما من و سلوی را  
کَلٰۤیۤمًا مِّنْ طٰیۤبٍ مَاۤرِ فَعَلْتُمْ وَمَا ظَلَمْتُمْۤنَا وَلٰكِنْ كَانُوْۤا اَنْفُسَهُمْ  
بجورید از پاکیزه و ایستاد و آدمی شما را و ایشان ستم نکردند بر ما و ستم نکردند بر شما  
بجورید از پاکیزه و ایستاد و آدمی شما را و ایشان ستم نکردند بر ما و ستم نکردند بر شما  
یٰظْلِمُوْنَ ۱۱ وَاِذْ قُلْنَا ادْخُلُوْۤا هٰذِهِ الْقَرْیَةَ فَمَكَوْۤا مِنْهَا حٰثِثٍ  
ستم میکردند و آن وقت که گفتیم ادخلوا هذه القرية فمکوا منها حاثثین و این شهر را از آنجا با خود  
ستم میکردند و ادخلوا هذه القرية فمکوا منها حاثثین و این شهر را از آنجا با خود  
ثُمَّ رَغَدُوْۤا وَاَدْخُلُوا الْبَابَ سَجِدًا ۱۲ اَوْ قُوْلُوْا حِطَّةٌ تَغْفِرْ لَّکُمْ  
بر جا که خوابید خودی که از آنه و در آئید دوازده سجده کنان و بگوئید سوال ما آمرزش است تا بیا مریم شما را  
خوابید خودی که از آنه و در آئید دوازده سجده کنان و بگوئید بجنش تا بیا مریم شما را  
خَطٰۤیْکُمْ وَاَسْزِیۡدُ الْمُحْسِنِیۡنَ ۱۳ فَبَدَّلَ الَّذِیۡنَ ظَلَمُوْۤا قَوْلًا  
کنان شما و زیاده خوارید و بگوئید که کاران را پس بدل کردند کسانیکه ستمکار بودند سخن  
کنان شما و زود است که بسیار داریم که کاران را پس بدل کردند کسانیکه ستم کردند سخن را  
غَیۡرَ الَّذِیۡ قِیۡلَ لَّهُمْ فَاَنْزَلْنَا عَلَی الَّذِیۡنَ ظَلَمُوْۤا جَزَاۤءً مِّنَ السَّمَآءِ  
بجورید آنچه فرموده شد ایشان را و آنکه پس فرود آمدیم بر آن ستمکاران عذاب از آسمان  
بجورید آنچه گفته شد بر آنه شان پس فرود فرستادیم بر آنانیکه ستم کردند عذاب از آسمان  
بِهَآکُنَاۤیَ فَيَسْقُوْنَ ۱۴ وَاِذْ اَسْتَسْقِیۡ مُوسٰى لِقَوْمِهٖ فَقُلْنَا اضْرِبْ  
بسیب بر کار بودن ایشان و آن وقت که آب خواست موسی بر آنه قوم خود پس گفتیم بر آن  
بسیب فتق که میگویند بگویند آب خواست موسی بر آنه قوم خود پس گفتیم بر آن  
تَعْصَاۤتِ الْحَجَرِ فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عِیۡنًا ۱۵ قَدْ عَلِمَ كُلُّ  
بجمله خود سنگ را پس روان شد از سنگ دوازده چشمه بر آئید و است هر  
بجمله خود سنگ را پس روان شد از آن دوازده چشمه هر آئید و است هر



فتح الرحمن

والمؤمنين من اسرائيل

والمؤمنين من اسرائيل

والمؤمنين من اسرائيل

والمؤمنين من اسرائيل

والمؤمنين من اسرائيل

والمؤمنين من اسرائيل

والمؤمنين من اسرائيل

والمؤمنين من اسرائيل

والمؤمنين من اسرائيل

والمؤمنين من اسرائيل

والمؤمنين من اسرائيل

والمؤمنين من اسرائيل

والمؤمنين من اسرائيل

والمؤمنين من اسرائيل

والمؤمنين من اسرائيل

والمؤمنين من اسرائيل

والمؤمنين من اسرائيل

والمؤمنين من اسرائيل

والمؤمنين من اسرائيل

والمؤمنين من اسرائيل

والمؤمنين من اسرائيل

والمؤمنين من اسرائيل

والمؤمنين من اسرائيل

والمؤمنين من اسرائيل

والمؤمنين من اسرائيل

والمؤمنين من اسرائيل

والمؤمنين من اسرائيل

والمؤمنين من اسرائيل

والمؤمنين من اسرائيل

والمؤمنين من اسرائيل

والمؤمنين من اسرائيل

والمؤمنين من اسرائيل

والمؤمنين من اسرائيل

والمؤمنين من اسرائيل

والمؤمنين من اسرائيل

والمؤمنين من اسرائيل

والمؤمنين من اسرائيل

والمؤمنين من اسرائيل

الاناس مشركوا واشركوا من رزق الله ولا تعثوا في الارض

الاناس مشركوا واشركوا من رزق الله ولا تعثوا في الارض

مفسدين ۱ واذ قلتم يموسى لن نصبر على طعام واحد

مفسدين ۱ واذ قلتم يموسى لن نصبر على طعام واحد

فاذع لنا ربك يخرج لنا مما تنبت الارض من بقلها وقت ايهان

فاذع لنا ربك يخرج لنا مما تنبت الارض من بقلها وقت ايهان

فومها وعد بها وبصلها قال استبدي لئن الذي هو اذني

فومها وعد بها وبصلها قال استبدي لئن الذي هو اذني

بالذي هو خير اهدوا مصر ا فان لكم ما سالتكم وضربت عليهم

بالذي هو خير اهدوا مصر ا فان لكم ما سالتكم وضربت عليهم

الذلة والسكنة وباء وبغضب من الله ذلك بانهم كانوا

الذلة والسكنة وباء وبغضب من الله ذلك بانهم كانوا

يكفرون بايت الله ويقتلون النبيين بغير الحق ذلك بما

يكفرون بايت الله ويقتلون النبيين بغير الحق ذلك بما

عصوا وكانوا يعتدون ۲ ان الذين امنوا والذين هادوا و

عصوا وكانوا يعتدون ۲ ان الذين امنوا والذين هادوا و

النصاري والصابيين من امن بالله واليوم الآخر وعمل صالحا

النصاري والصابيين من امن بالله واليوم الآخر وعمل صالحا

فلهم اجرهم عند ربهم ولا خوف عليهم ولا هم يحزنون ۳ و

فلهم اجرهم عند ربهم ولا خوف عليهم ولا هم يحزنون ۳ و

اذ اخذنا ميثاقكم ورفعنا فوقكم الطور خذوا ما اتيناكم بقوة

اذ اخذنا ميثاقكم ورفعنا فوقكم الطور خذوا ما اتيناكم بقوة

اذكروا ما فيه لعلمكم تتقون ۴ ثم توليتم من بعد ذلك

اذكروا ما فيه لعلمكم تتقون ۴ ثم توليتم من بعد ذلك

فلولا فضل الله عليكم ورحمته لكنتم من الخسرين ۵ ولقد

فلولا فضل الله عليكم ورحمته لكنتم من الخسرين ۵ ولقد

اذكروا ما فيه لعلمكم تتقون ۴ ثم توليتم من بعد ذلك

اذكروا ما فيه لعلمكم تتقون ۴ ثم توليتم من بعد ذلك

اذكروا ما فيه لعلمكم تتقون ۴ ثم توليتم من بعد ذلك

اذكروا ما فيه لعلمكم تتقون ۴ ثم توليتم من بعد ذلك







فتح الرحمن

والمی بارئین  
خوش آن و بیان ۱۲  
والمی نعت پیغمبر  
آخر زمان ۱۳

تفسیر عثمانی

عنه منافقان پیرو  
تا پیش حضرت پیغمبر را  
که در کتاب ایشان بود  
از تعلق مسلمانان اظهار  
میداشتند میمان و نگه  
ایشان را ملامت میکردند  
و گفتند چرا از کتاب  
خویش به مسلمانان مسند  
میدادید و این مسلمانان  
و انرا اخبار خود شما را  
بجھو پیرو و کار ملزم  
کرده گویند پیرو پیغمبر  
آخر الزمان را صادق  
دانستند اما این نادانان  
آنگاه لا جواب خوانند  
عنه بنیان قاعد  
ایشان به پیشگاه خداوند  
تعالی در حق است حضرت  
او عبادت کند و دلائل  
کتاب آجبار بر مسلمانان  
آشکار سازد چنانچه  
مواقع آن اطلاع دارد  
است پیرو آیت جم را  
پنهان کرده خداوند  
آن را ظاهر نموده و سبب  
فنیعت پیرو گردانید  
چنین گردید ان شاء الله  
ایشان که دعوی دانش  
و کتاب داشتند ۱۲  
سه به دانش پیرو  
بر نبشتند با و تورات  
اطلاع ندارند مگر  
از دین چند کلام  
سخنان دوزخ علانی  
خویش شنیده اند افلا  
در محبت جز پیرو و نگه  
نتراند و دوا دادا  
حتما از شما عادت  
میکند این بر تحویل

بَعْضُهُمْ كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَى وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ

بعضی از کافران طعم زنده میکنند خدا مردگان را و مینماید شما را نشانهای خود تا بدو که  
بر باره از کافران بچینند زنده میکنند خدا مردگان را و می نماید شما نشانهای قدرت خویش را تا شما

تَعْقِلُونَ ۵ ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ

در یابید باز سخت شد دلهاست شما بعد از این پس آنجا مانند سنگ اند  
فکر کنید باز سخت شد دل ایستتان بعد از آن پس آنجا مانند سنگ اند

أَوْ أَشَدَّ قَسْوَةً وَإِنَّ مِنَ الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ وَ

بلکه زیاده تر و سختی و هر آینه از سنگها آنست که مدای می شود از روی جویها و  
بیشتر و سختی و هر آینه از سنگها آنست که مدای می شود از این جویها و

إِنْ مِنْهَا لَمَا يَشْقُقُ فَيُخْرِجُ مِنْهُ السَّاءُ وَإِنْ مِنْهَا لَمَا يَهْبِطُ

هر آینه از سنگها آنست که می شکافد پس بیرون می آید از روی آب و هر آینه بعضی از سنگها آنست که فرو می افتد  
هر آینه بعضی از سنگها آنست که شقی می شود و بیرون می آید از این آب و هر آینه بعضی از سنگها آنست که فرو می افتد

مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ۱۳ أَقْطَعُونَ

از ترس خدا و نیست خدا بے خبر از آنچه میکنید  
از ترس خدا و نیست خدا بے خبر از آنچه می کنید آیا ای مسلمانان قطع دارید

أَنْ يَوْمِنَا أَلَمْ يَكُنْ مِنْهُمْ فَرِيقٌ يَمَسْعُونَ كَلَامَ اللَّهِ

که پیرو شما نشنوند شما را و هر آینه گروهی از ایشان  
که آنها را بداند و "سخنان" شما را به تحقیق بود گروهی از ایشان که شنیدند کلام خدا را

ثُمَّ يَعْرِفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ ۱۴ وَإِذْ يَقُولُ

پس بداند پس از آنکه بعد از آنکه فهمیده بودند ادراک و چون ملاقات کنند  
باز تحریف میکنند آنرا بعد از آن که فهمیده بودند آراء ایشان میدانند و چون ملاقات کنند

الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَا بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ قَالُوا

با مؤمنان گویند ایمان آوردیم و چون تنها شوند بعضی از ایشان با بعضی  
با کسی که که ایمان آورده اند گویند ایمان آوردیم و هنگامی که تنها شوند بعضی از ایشان با بعضی گویند

اتَّخَذُوا إِلَهُهُمْ بِمَا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ لِيُحَاجُّوكُمْ بِهِ عِنْدَ رَبِّكُمْ أَفَلَا

آیا خیر میدید ایشان را آنچه گشاده است خدا بر شما و تا ما ظاهر کند با شما بآن دلیل نزد پروردگار شما آیا مدعی بایید  
چرا گویند یا خیر میدید ایشان را آنچه ظاهر کرده خدا بر شما تا ما ظاهر کند با شما بآن بجهت پروردگار شما آیا

تَعْقِلُونَ ۱۵ أَوَلَا يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ ۱۶

این چه دلالان آیا میدانند که خدا میداند آنچه پنهان میکنند و آنچه آشکارا می نمایند  
در نمی یابید عهه آیا میدانند که هر آینه ان شاء الله آنچه را پنهان میکنند و آنچه را آشکارا می نمایند عهه

وَمِنْهُمْ أُمِّيُونَ لَا يَعْلمُونَ الْكِتَابَ إِلَّا الْآمَانِيُّ وَانَّهُمْ

و بعضی از ایشان ناخواندگان نیستند کتاب را لیکن میدانند آنرا بآنکه باطل و نیستند  
و بعضی از ایشان ناخواندگان نیستند کتاب را مگر آنرا بآنکه دروغ و نیستند

الْأَيْطُونَ ۱۷ قَوْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ

مگر گمان کنند پس دایه آنگاه را که می نویسند نوشته بر دستهای خود باز  
مگر گمان میکنند پس عذاب است بکسانی که می نویسند کتاب را بر دستهای خود باز

يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لَيْسَ شَيْءٌ مِنْهُ إِلَّا قَلِيلٌ قَوْلٌ لِمَنْ

میکویند این از نزدیک خداست تا بجا نرسد عرض دے بهایه اندک پس عذاب است بایشان  
می گویند این از جانب خداست تا بجا نرسد عرض دے بهایه اندک







الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ آيَاتِنَا وَيُؤْتُونَ زَكَاةً وَيَسْتَكْفِرُونَ ١٥

ای آئینده خدا میدید عوض ایشان و حال آنکه حرام است بر شما

ایسران ندید میدید غرض بکنید ایشان را حال که آن حرام شده است

بَعْضُ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ فَمَا جَزَاءُ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ

بجزه از کتاب و کافر می شود به بعضی پس چیست جزا آنکه چنین کند

مِنْكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ الْقِيَمَةِ يُرَدُّونَ

از شما مگر خوار می گردانیم در زندگانی دنیا و روز قیامت گردانیده شوند

إِلَى أَشَدِّ الْعَذَابِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ١٦

بسوخته سخت ترین عذاب و نیست خدا بے خبر از آنچه میکنید و

الَّذِينَ اشْتَرَوْا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ فَلَا يَخَفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ

آن کسانی که خریدند زندگانی دنیا را به آخرت پس سب کرده نشود از ایشان عذاب

وَلَا هُمْ يَنْصَرُونَ ١٧ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَفَقَّيْنَا مِنْ بَعْدِهِ

و نه ایشان را کتاب و بر آئین دادیم موسی را کتاب و از پس او دادیم بعد از او

بِالرُّسُلِ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَا بِرُوحِ

پیغمبران را و دادیم عیسی پسر مریم را نشانه های روشن و تقویت دادیم او را روح

الْقُدُسِ أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ

القدس یعنی جبرئیل آیا در هرگاه بیاید و شما می ناپسندید آنهم دوست نهادن نفسهای شما

فَفَرِّقَانِ ١٨ فَفَرَّقْنَاكُمْ وَفَرَّقْتُمَوْنِ ١٩ وَقَالُوا قُلُوبُنَا غُلْفٌ ٢٠

پس دو گروه را و دو گروه را کشتید و گروهی را کشتید و گفتند دل های ما در برده است

لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَقَلِيلًا مَّا يُؤْمِنُونَ ٢١ وَلَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ

اللعن کرده است ایشان را بعد از سبب کفرشان پس اندک ایمان آوردند و آنگاه که آمد بایشان کتاب

مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَهُمْ وَكَانُوا مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ

از نزدیک خدا و حق باور کننده آنچه بایشان است و پیش ازین طلب حق میکردند

عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا ٢٢ فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَهُ اللَّهُ

بر کسانی که کفر کردند پس هرگاه آمد بایشان آنچه میشناختند منکر شدند و پس لعنت خدا است

عَلَى الْكَافِرِينَ ٢٣ يَتَّبِعُهُمُ الْغَوْ ٢٤ إِنَّهُمْ كَانُوا فِي شَكٍّ ٢٥

بر آن کافران و گمراه است آنچه فروخته و غش و غیبت را که کافر شوند یا آنچه زود آورده است خدا

وَالَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِنَا وَلَوْ كُنَّا

و کسانی که کفر کردند از اهل کتاب کفر میکنند بآیات ما و اگر ما بودیم

بِآيَاتِنَا لَكُنَّا بِآيَاتِنَا كَمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا ٢٦

بآیات ما بودیم بآیات ما همانگونه که بودند بآیات ما

وَالَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِنَا وَلَوْ كُنَّا

و کسانی که کفر کردند از اهل کتاب کفر میکنند بآیات ما و اگر ما بودیم

بِآيَاتِنَا لَكُنَّا بِآيَاتِنَا كَمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا ٢٧

بآیات ما بودیم بآیات ما همانگونه که بودند بآیات ما

وَالَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِنَا وَلَوْ كُنَّا

و کسانی که کفر کردند از اهل کتاب کفر میکنند بآیات ما و اگر ما بودیم

بِآيَاتِنَا لَكُنَّا بِآيَاتِنَا كَمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا ٢٨

بآیات ما بودیم بآیات ما همانگونه که بودند بآیات ما

وَالَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِنَا وَلَوْ كُنَّا

و کسانی که کفر کردند از اهل کتاب کفر میکنند بآیات ما و اگر ما بودیم

بِآيَاتِنَا لَكُنَّا بِآيَاتِنَا كَمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا ٢٩

بآیات ما بودیم بآیات ما همانگونه که بودند بآیات ما

فلان یعنی از خود شدند  
از کشتن بملاهی کنون و  
در علم سواد می نمودن  
سند بقدره اسیران  
و ایشان ازین برادران  
بغضه اسیران غش  
گردانیدند زیرا که موافق  
نفس ایشان انداختن  
طاعت نفس است  
خدا نیست ۱۲  
فلان مترجم گوید در روز  
قیامت بهر دو آنکه بکشد  
قلب یا عذاب یعنی در ک  
خود آنقدر استقامت دارد  
که هیچ شیطان راه نمی یابد  
و این خدا است و سبب  
۱۳ قبول نکردن دین اسلام  
حاصل جمل بود و گفت  
۱۴ زیرا که آثار تو سست  
در نگاه از ایشان ظاهر  
نمی شد و اشارت بهین  
معنی است بر آیات  
۱۵ یعنی قرآن ۱۶  
فلان قریش است بآن  
تقدیر که بهر دشمنان  
جنگ میکردند و هرگز  
می یافتند آفریده گردید  
بلفظ محمدی ای که  
خود او و آخر زمان  
موجود است و انصرت  
بعد از آن فتح یافتند  
۱۷ یعنی قرآن ۱۸  
تفسیر عثمانی  
۱۹ یعنی احکام ای پسر  
از بعضی احکامی در دین  
چون عزت ایمان ممکن  
نیست که بر بعضی جهل  
۲۰ از دوزخ کافر مطلق بود  
از ایمان برادران از  
احکام که ایمان را در  
نهیست نباید از این  
آیت واضح است که  
او را شرع را دینی نیست  
۲۱ و در تسلیم قسمتی که به

نوع و کج و نامان داشتند و تفسیر و زود آنچه را در بعضی احکام متابعت نموده بود و سست نمیشد



والباقی بزیان حال ۱۲  
 شک و تردید از کلمات پیوسته  
 آن بود که میبایست که در حق  
 خود را ندیده و بهشت و عذاب  
 کس که بهر دو این مطلب  
 است زیرا که کلمات بهشت و عذاب  
 مشتاق شدن بکلمات  
 خدا است ایشان بزرگوار  
 برسان بودند و اشارت  
 باین معنی است درین  
 آیت ۱۲

تفسیر عثمانی

۱۳ شادمانی و امید که  
 بر سر نعمت موسی پدید میآید  
 و شهادت خدا کانی تا  
 این دعا و شهادت  
 نیست شهادت موسی بجز  
 ران نشان و در و در و در  
 نمودن از راه امید -  
 دیان و خوشان از هم  
 درین حالت عاجز و بی  
 روزی چند بهر طور رفت  
 شادمانی و شادمانی را  
 بخدای عز و جل  
 حال آنکه حضرت موسی  
 حیات داشت و نبوت  
 خویش استوار بود ایمان  
 شادمانی به شرفیت او  
 در آن وقت که با او  
 بنا بر حد و دلی با حضرت  
 پیغمبر علی است علیه السلام  
 خویش را به شرفیت موسی  
 پنهان نمیکرد نشان میدهد  
 که از احاطه خدا باز  
 می نرید - بلا شک شادمانی  
 مستجاب پدیدان و  
 نیاکان شایسته مع  
 ستمگاران بودند -  
 این بود حال بنی  
 اسرائیل با موسی  
 پس ازین طبعی  
 ایمان شان را  
 نسبت به تورات ایمان  
 می فرماید ۱۳

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰتٰنَا الْكِتٰبَ لَا يَغِيٰرُ اَنْ يُّنَزَّلَ عَلٰى فِصْلٍ مِّنْ فَضْلِهِۦ عَلٰى مَنْ يَّشَآءُ مِنْ عِبَادِهِۦ فَاَعُوْا

بسیب حسد بر آنکه فرود آورد خدا بر هر که خواهد از بندگان خود پس باز گشتند  
 بسیب حسد که فرود فرستد خدا از فضل خویش بر هر که خواهد از بندگان خود پس باز گشتند

يَغْضَبُ عَلٰى غَضَبٍ وَلِلْكَافِرِيْنَ عَذَابٌ مُّهِينٌ ۝۵ وَاِذْ قِيلَ لَهُمْ

بالا می خیزد و کافران راست عذاب خوار کنند و چون گفته شود ایشان را  
 بالا می خیزد و کافران راست عذاب خوار کند و چون گفته شود ایشان را

اٰمِنُوْا بِمَا اَنْزَلَ اللّٰهُ قَالُوْا لَوْ اَنَّا نُرٰى عَلَيْهِمْ اَنْزَلَ عَلَيْنَا وَاَوْفٰوْا

ایمان آورید آنچه فرود آورده است خدا گویند ایمان می آوریم آنچه فرود آورده شد بر ما و ایشان کافری شوند آنچه بدو نیست  
 ایمان آورید آنچه فرود آورده است خدا گویند ایمان می آوریم آنچه فرود آورده شد بر ما و ایشان کافری شوند آنچه بدو نیست

وَهُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَهُمْ قُلْ فَلِمَ تَقْتُلُوْنَ اَنْبِيَآءَ اللّٰهِ مِنْ قَبْلُ

حال آنکه او راست است و آورنده است آنچه بایشان است بگو پس چرا می کشید پیغمبران خدا را پیش ازین  
 حال که آن راست است و آورنده است آنچه بایشان است بگو پس چرا می کشید پیغمبران خدا را پیش ازین

اِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِيْنَ ۝۶ وَلَقَدْ جَآءَكُمْ مُّوسٰى بِالْبَيِّنٰتِ ثُمَّ اخَذَ مِنْهُمْ

اگر مؤمن بودید و بهر آیه آمد به شما موسی به نشانهای روشن پس گرفتند گوساله را  
 اگر بستید مؤمنان و به تحقیق آورد به شما موسی بشارات روشن را پس گرفتند گوساله را و دیکهانی

مِنْ بَعْدِهِۦ وَاَنْتُمْ ظٰلِمُوْنَ ۝۷ وَاِذْ اَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَّرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّوْرَ

پس از او و شما ستمکار بودید و آنگاه که گرفتیم و بپایان شما و بعد از شهادت بالا می خیزد شما طور را  
 بعد از من و من و شما ستمکارانید و دیکهانی گرفتیم بپایان شما و بعد از شهادت بالا می خیزد شما طور را

خُذُوْا مَا آتٰنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَّاَسْمِعُوْا قٰلُوْا سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَاَنْشُرُوْا

گرفتم بگیری آنچه دادیم شما را بقرت و بشنوید گفته و شنیدیم و نافرمانی کردیم و در خبر کرده شد  
 گفتم بگیری آنچه دادیم شما را بقرت و بشنوید گفته شنیدیم و نافرمانی کردیم و در خبر کرده شد

فِيۡ قُلُوْبِهِمُ الْعِجْلُ يَكْفُرْهُمْ قُلْ يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا اِنْ

در دلهاست ایشان دوستی گوساله را بسبب کافری بودن ایشان بگوید چیز است آنچه میفرماید شما ایمان شما  
 در دلهاست ایشان محبت گوساله بسبب کفر آنها بگوید چیز است آنچه امر می کند شما را بآن ایمان شما

لَنْتُمْ مُّؤْمِنِيْنَ ۝۸ قُلْ اِنْ كُنْتُمْ لَكُمْ دَارُ الْاٰخِرَةِ عِنْدَ اللّٰهِ

بستید از اهل ایمان و اگر هست شما سراسر باز پسین نزدیک خدا  
 بستید مؤمنان و اگر هست شما سراسر آخرت نزد خدا

خَالِصَةً مِّنْ دُوْنِ النَّاسِ فَتَسَبُّوْا النَّاسَ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ ۝۹

بخصوص تنها بجز از مردمان دیگر پس آرزو کنید مرگ را اگر بستید راست گو  
 تنها بجز از مردم دیگر پس آرزو کنید مرگ را اگر بستید راستگو یان

وَلَنْ يُّؤْمِنُوْهُ اَبَدًا اِذَا قُلْتُمْ اٰیٰتِهِمْ وَاَللّٰهُ عَلِيْمٌ بِالظّٰلِمِيْنَ ۝۱۰

و هرگز آرزو نکنند او را هیچگاه بسبب آنچه پیش فرستاده است و شهادت ایشان و خدا و داناست به ستمگاران  
 و هرگز آرزو نخواهند کرد مرگ را هیچگاه بسبب آنچه پیش فرستاده است و شهادت ایشان و خدا و داناست به ستمگاران

وَلَنْتَجِدَنَّهٗمْ اَحْرَصَ النَّاسِ عَلٰى حَيٰوَتِهِمْ وَمِنَ الَّذِيْنَ اَشْرَكُوْا اَشْيُوْا

و هرگز آینه بیانی ایشان را حریص ترین مردم بر زندگی و حریص تر از آنانکه مشرک اند و دوست میدارند  
 و هرگز آینه بیانی ایشان را حریص ترین مردم بر زندگی و حریص تر از آنکه مشرک آرزو اند و دوست میدارند

اَحَدُهُمْ لَوْ يَعْلَمُ الْاَلْفَ سَنَةً وَمَا هُوَ بِمُزَحْزِحٍ مِّنَ الْعَذَابِ اَنْ يَّجْعَلَ

یکی از ایشان کاش عمر داده شود هزار سال و نیست در پانصد و سه از عذاب آنکه عمر داده شود  
 یکی از ایشان کاش عمر داده شود هزار سال و نیست آن را پانصد و سه از عذاب که عمر داده شود

اَحَدُهُمْ لَوْ يَعْلَمُ الْاَلْفَ سَنَةً وَمَا هُوَ بِمُزَحْزِحٍ مِّنَ الْعَذَابِ اَنْ يَّجْعَلَ

یکی از ایشان کاش عمر داده شود هزار سال و نیست آن را پانصد و سه از عذاب آنکه عمر داده شود  
 یکی از ایشان کاش عمر داده شود هزار سال و نیست آن را پانصد و سه از عذاب که عمر داده شود







فلا تفرحوا به فخرها  
 بیهوده آید که در مجلس پینام آمده  
 نظر اعتنا میگذرد  
 و این نظار در معنی است که  
 آنکه رعایت کن ما را  
 و شفقت کن بر ما در رنج و اندوه  
 ایشان سبب بوجوه  
 سعاد مسلمانان را  
 ازین کلمه می گوید برای سدا ب خدا و اوست  
 بپوشیدن معنی است در آیت ۱۲ و ۱۳  
 گوید و این آیه تفسیر است بوجوب بیوکه  
 انکسار نفس می کند و الله اعلم  
 امر کند بجهاد ایشان و الله اعلم  
 تفسیر شانی  
 علی بیو که بکس فرخنده حضرت نبوی  
 در صلی الله علیه و سلم حاضر می شدند کلام  
 تقدی نظام او را می شنیدند هرگاه بعضی  
 کلمات خوب میگذشت آنها می رسید و می  
 خواستند دوباره بپرسند می گفتند  
 در اعتنا یعنی بجانب ما توجه می کرد رعایت  
 نه مسلمانان نیز چون این کلمه را  
 از زبان پیروی شنیدند گاهی  
 استعمال میکردند خداوند از کتب  
 این کلمه نمی خواند که بجای ما اعتنا  
 و انظرنا بگویند که معنای آن فراموش  
 است اگر در اول به معنیان میفرمود تو چه  
 گوشت نمیداد سوال

يَعْلَمُونَ ۱۰ وَلَوْ أَنَّهُمْ آمَنُوا أَتَقْوُوا التَّشْوِيَةَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ خَيْرٌ لَّوْكَانُوا  
 می دانستند اگر ایشان ایمان می آوردند و تقوی می کردند هر آینه توای از نزد خدا بهتر بود که  
 می دانستند و اگر دهر ایشان ایمان می آوردند و تقوی می کردند هر آینه توای از نزد خدا بهتر است اگر  
 يَعْلَمُونَ ۱۱ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَقُولُوا انْظُرْنَا وَاسْمِعُوا  
 می دانستند ای کسانی که ایمان آورده اید ای مسلمانان مگویند راعنا و بگویند انظرنا و بشنویید  
 و الکافرين عذاب الیم ۱۲ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَلَا  
 و کافران راست عذاب درد دهنده دوست می دارند آنکه کافرانند از این کتاب و نه  
 و کافران راست عذاب درد دهنده دوست می دارند آنکه کافرانند از این کتاب و نه  
 الْمُشْرِكِينَ أَنْ يَنْزِلَ عَلَيْكُمْ مِنْ خَيْرٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَاللَّهُ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ  
 مشرکان که خود آورده شود بر شما هیچ علی از پروردگار شما و خدا مخصوص می کند بخشش خود  
 مشرکان که خود آورده شود بر شما هیچ علی از پروردگار شما و خدا مخصوص می کند بخشش خود  
 مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ۱۳ مَا نَنْسَخُ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ  
 هر که خواهد و خدا خداوند فضل بزرگ است هر چه نسخ می کنیم از آیه یا فراموش می گردانیم آنرا می آید  
 آنرا که خواهد و الله خداوند فضل بزرگ است اگر نسخ می کنیم از آیه یا فراموش می گردانیم آنرا می آید  
 خَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلَهَا أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۱۴ أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ  
 بهتر از آنست یا مانند آنست که خدا هر چه خواهد از کتاب و آیه انداخته که  
 بهتر از آن یا مانند آن یا نماند آن آیه ای هر آینه الله بر هر چیزی تواناست آیه انداخته که  
 اللَّهُ لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا  
 خدا راست یار داری آسمان با زمین و نیست شمارا بجز او و هیچ دوست و  
 التمراد و راست یار داری آسمان با زمین و نیست شمارا جز الله هیچ دوست و نه  
 أَنْصِرْ ۱۵ أَمْ تَرِيدُونَ أَنْ تَسْأَلُوا رَسُولَكُمْ كَمَا سَأَلَ مُوسَى مِنْ قَبْلُ  
 یاری دهنده آیه ای خواهیم که بپرسید پیغمبران را چنانچه پرسیده شد موسی پیش ازین و  
 هیچ یاری دهنده آیه ای خواهیم که بپرسید پیغمبران را چنانچه پرسیده شد موسی پیش ازین و  
 مَنْ يَتَّبِعِ الْكُفْرَ يَلْحَقْ بِهِ فَجْدٌ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ ۱۶ وَكَثِيرٌ مِنْ  
 و هر که بستاند کفر را عوض ایمان پس بر آید که گمراه میازاد دوست داشتند بسیار است از  
 هر که بستاند کفر را عوض ایمان پس بر آید که گمراه میازاد دوست داشتند بسیار است از  
 أَهْلَ الْكِتَابِ لَوْ يَرَوْكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَرًا أَحْسَنًا ۱۷ مِنْ عِنْدِ  
 ای کتاب که کافرانند شمارا پس از ایمان شما بسبب حسد از نزدیک  
 ای کتاب که کافرانند شمارا پس از ایمان شما بسبب حسد از نزدیک  
 أَنْفُسِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَاعْقُوا وَأَصْفَحُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهَ  
 نفس خود پس از آنکه واضح شد بر ایشان حق پس بگریزید و بگریزید تا آنکه خدا  
 نفس بای ایشان پس از آنکه واضح شد بر ایشان حق پس بگریزید و بگریزید تا آنکه خدا  
 بِأَمْرِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۱۸ وَاقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ  
 فرمان خود را پس بر آید که خدا بر همه چیز تواناست و بر پا دارید نماز را و بدهید زکوة را  
 فرمان خود را پس بر آید که خدا بر همه چیز تواناست و بر پا دارید نماز را و بدهید زکوة را  
 وَمَا تَقْدِرُوا إِلَّا أَنْفُسَكُمْ مِنْ خَيْرٍ مِمَّا تَدْعُونَ اللَّهُ إِنْ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ  
 و آنچه پیش می فرستید برای نفس بای تان از نیکی می یابید آنرا (توای آنرا) نزد خدا بر آید خدا بآنچه می کنید  
 و آنچه پیش می فرستید برای نفس بای تان از نیکی می یابید آنرا (توای آنرا) نزد خدا بر آید خدا بآنچه می کنید

بیهوده آید که در مجلس پینام آمده  
 نظر اعتنا میگذرد  
 و این نظار در معنی است که  
 آنکه رعایت کن ما را  
 و شفقت کن بر ما در رنج و اندوه  
 ایشان سبب بوجوه  
 سعاد مسلمانان را  
 ازین کلمه می گوید برای سدا ب خدا و اوست  
 بپوشیدن معنی است در آیت ۱۲ و ۱۳  
 گوید و این آیه تفسیر است بوجوب بیوکه  
 انکسار نفس می کند و الله اعلم  
 امر کند بجهاد ایشان و الله اعلم  
 تفسیر شانی  
 علی بیو که بکس فرخنده حضرت نبوی  
 در صلی الله علیه و سلم حاضر می شدند کلام  
 تقدی نظام او را می شنیدند هرگاه بعضی  
 کلمات خوب میگذشت آنها می رسید و می  
 خواستند دوباره بپرسند می گفتند  
 در اعتنا یعنی بجانب ما توجه می کرد رعایت  
 نه مسلمانان نیز چون این کلمه را  
 از زبان پیروی شنیدند گاهی  
 استعمال میکردند خداوند از کتب  
 این کلمه نمی خواند که بجای ما اعتنا  
 و انظرنا بگویند که معنای آن فراموش  
 است اگر در اول به معنیان میفرمود تو چه  
 گوشت نمیداد سوال















فما لم يدين ادرا  
 ۱۲ وای مترجم گوید  
 چون آنحضرت صلی الله  
 علیه وسلم به مدینه هجرت  
 فرمود شازده ماه یا  
 سبده ماه بطرف  
 بیت المقدس نماز  
 می گذارد و آرزو میکند  
 که خدا متعالی او را  
 قبله و سازد خدای  
 تعالی تازی که در نزد  
 تعالی آفریده از این  
 جواب غیبه سفارین  
 مسئل تا دل کرد  
 سیقول السفیه  
 و بعد از آن امر فرمود  
 بصبر بر مشاق جهاد  
 و در بیاض از احکام  
 تو میرود قصاص و حج  
 و صدقه و صدقه و نهج  
 و طلاق که اهل طایفه  
 تحریف کرده و دنیا  
 رعایت الضامن می  
 کردند بیان حقیقت  
 حال فرمود و در این  
 شبهات فی الضامن کرد  
 و سوالهای ایشان  
 را جواب داد و از این  
 سبب شفاست تا  
 آخر اسم توالی اندین  
 خیر و او الله اعلم ۱۲  
 تفسیر عثمانی  
 عه سبک سبک یکتوب  
 وصیت نمود شامو  
 بنوید او در باره  
 متابعت ملت  
 پیغمبر این موصوف  
 ارشاد نموده بود اما  
 شایان میگوید که  
 یهود گفتند جزایان دیگران  
 بدین معنی باشند خدا  
 گفتند جزایان دیگران  
 بر دین حق  
 نیستند  
 این جهت هر دو  
 به ذنب حق رسیده  
 مخالف شده اند این بار افترای شما

مسیحون ۳ تِلْكَ اُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُم مَّا كَسَبْتُمْ وَلَا

این گروه است که گذشته است و شماست آنچه کرده و شماست آنچه کرده و شماست آنچه کرده

تَسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۵ وَقَالُوا كَانُوا هُودًا اَوْ نَصَارَى تَهْتَدُونَ ۶

پرسیده می شود از آنچه آن گروه می کردند و گفتند شویید یهود یا ترسانان را یا مسیحیان

بَلْ يَلْعَنُ اَبْرَهَمُ حَنِيفًا وَاَمَّا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ۷ قُلُوْا اَمَّا بِاللّٰهِ وَاَمَّا

بلکه لعن می شود ابراهیم که حنیف بود و بود از اهل مشرک

اَنْزَلَ الْكِتَابَ وَاَنْزَلَ اِلٰى اِبْرٰهٖمُ وَاِسْمٰعِیْلَ وَاِسْحٰقَ وَیَعْقُوبَ وَاَلْاَسْبَاطَ

فرود آورده شد کتب و فرود آورده شد به ابراهیم و اسمعیل و اسحاق و یعقوب و اولاد یعقوب

وَمَا اَوْحٰی مُوسٰی وَعِیْسٰی وَاَوْحٰی النَّبِیُّوْنَ مِنْ رَّبِّهِمْ لَا تَفْرِقْ بَیْنَ

و آنچه وحی شده موسی و عیسی و آنچه وحی شده به پیغمبران از پروردگار خویش تفريق نمی کنی

مِنْهُمْ وَخٰنَ لَهُمْ مَسٰلِحُوْنَ ۹ فَاِنْ اَمَّنَا بِمِثْلِ مَا اَمَّنْتُمْ بِ فَقَدْ هَتَمْنَا

و اگر ما را بر استحقاق عذاب و اگر ما را بر استحقاق عذاب و اگر ما را بر استحقاق عذاب

اِنْ تَوَلَّوْا فَاِنَّهُمْ فِی شِقَاقٍ فَسِیْکَفِیْهِمُ اللّٰهُ وَهُوَ السَّمِیْعُ الْعَلِیْمُ ۱۰

اگر بر پشت کنند پس جز این نیست که ایشان در مخالفت اند پس زود باشد که کفایت کند خدا با شما و او است علو دان

صِبْغَةَ اللّٰهِ وَمَنْ اَحْسَنُ مِنْ اللّٰهِ صِبْغَةً وَخٰنَ لَهُ عِبْدُوْنَ ۱۱ قُلْ

قبول کردیم رنگ خدا را و کیست بهتر از خدا با اعتبار رنگ و ما او را پرستیدیم

اَتَا جَاوَنَّا فِی اللّٰهِ وَهُوَ رَبُّنَا وَاَعْمَالُنَا وَاَعْمَالُكُمْ وَنَحْنُ

آیا ما را در خدا می کنید یا او پروردگار ما و شماست و ما را پرستید و ما را پرستید و ما را پرستید

لَهُ مُخْلِصُونَ ۱۲ اَمْ تَقُولُوْنَ اِنَّ اِبْرٰهٖمَ وَاِسْمٰعِیْلَ وَاِسْحٰقَ وَیَعْقُوبَ وَاَلْاَسْبَاطَ

او را با خلاص پرستیدیم آیا می گوید که ابراهیم و اسمعیل و اسحاق و یعقوب و اولاد یعقوب

اَلَا تَسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا یَعْمَلُونَ ۱۳ تِلْكَ اُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ

آنها را می پرسید که نزد یک اوست از جانب خدا و نیست خدا چه خبر از آنچه می کنید این گروه است که گذشته است

لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُم مَّا كَسَبْتُمْ وَلَا تَسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا یَعْمَلُونَ ۱۴

و شماست آنچه کرده و شماست آنچه کرده و شماست آنچه کرده و شماست آنچه کرده



سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلَهُمْ

ذل فاجبت گفت بندگان از مردم چه چیز بر گردانید ایشان را

عَنْ قِبَلِهِمُ الَّذِي كَانُوا عَلَيْهِمْ قُلُوبُ اللَّهِ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ يَهْدِي مَنْ

ازان قبله که ایشان بودند بران یعنی از بیت المقدس بگو خدا راست مشرق و مغرب راه می نماید هر کرا

يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا

خواهد بسوی راه راست و هم چنین ساختیم شما را گردیست مختار تا گواه

شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ

باشید بر مردمان و تا باشد رسول گواه بر شما و مقرر گردیم آن قبله را

الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعُ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَى عَقْبَيْهِ

که بودی بران یعنی بیت المقدس را مگر برای آنکه بدانیم کسی را که پیروی میکند خدا ازان کس که باز گردد بر سر و پاشنه

وَأَنْ كُنْتَ لَكِبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ وَمَا كَانَ لِلَّهِ أَنْ يَضِلَّ

و بر آینه هست این خصلت دشوار مگر بر آنانی که راه غمزه است خدا و خداوند چنین نیست که ضلالت گرداند آن را

إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَعَرُوفٌ خَبِيرٌ قَدْ تَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ

بر آینه خدا بردمان بخشنده مهربان است تحقیق می بینم گشتن روئے تو در جانب آسمان

فَلَنُؤَلِّفَ لَكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ

پس آئینه ستودیم ترا بان قبله که خوشنودی شوی بوسی پس متوجه گردان روئے خود را بطرف مسجد حرام و هر جا که

كُنْتُمْ قَوْمًا أَوْ جُوهَكُمْ شَطْرَهُ وَإِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ

باشید که پس متوجه گردانید روی بایست خویش را بطرف و بی آئینه دانند که این

الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ وَلَئِنْ آتَيْتَ الَّذِينَ أُوتُوا

راست است از پروردگار ایشان و نیست خدا بی خبر از آنچه می کنند و دانستم است اگر بیاری نزد ایشان

الْكِتَابَ بِكُلِّ آيَةٍ فَاتَّبِعُوا قِبْلَتَكَ وَمَا أَنْتَ بِتَابِعٍ قِبْلَتَهُمْ وَأَبْضَعُ

کتاب هر نشانه بر تو پیروی کنند قبله ترا و پیروی کنند قبله ایشان را و نیست لطف ایشان پیروی کننده

قِبْلَةَ بَعْضٍ وَلَئِنْ آتَيْتَهُمْ أَهْوَاءَهُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ

قبله بعض دیگر را اگر تو پیروی کنی خواش بایست نفسانی ایشان را بعد آنچه آمده است بتو از دانش

أَنْتَ إِذَ الْيُسُفُوفُ الظَّالِمِينَ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا

بر آئینه تو باشی از ستمگران آنانی که دادیم ایشان را کتاب می شناسند و بر آنچه

بَرَأَيْنَاهُ كَوَافِرًا وَبِهِ تَخْلُقُ مِنْ سَمِّ الْكَافِرِينَ وَمَا يَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُرِيدُ

دل چون آنحضرت  
صلی الله علیه و آله  
بجست فرمود شانه  
با یا سینه او را بطرف  
بیت المقدس نماز  
سنگ زد و آن روی کرد  
که خدا می تعالی کعبه را  
قبله و سازد خلایق  
تقانی نازل کرد و فرست  
لقبلی آنرا بر ایشان  
جواب متنبه سفار و برین  
سنگ نازل کرد سيقول  
السفهاء لهذا ان انا  
فرمود بر صبر بر مشرق  
جهاد و در لیباده  
از احکام توحید و تقصیر  
و حج و صوم و مدینه و  
نوح و دلق که اهل  
جائیت تحریف کرده  
بودند یا عایت انفا  
شک و نسیان حقیقت  
حاصل فرمود و رد و الی  
شبهت فی بعض کرد  
سوال بایست ایشان  
را جواب داد این  
سیاق متداست تا الم  
ترالی التین حر جوا  
و قد یعنی آنچه در سابق  
علم الی مقرر شد آنست  
که قبله است محمد مصطفی  
صلی الله علیه و آله  
باشد و توحید برین باشد  
یک چند بنابر حکمت  
استحسان است ۳۳  
یعنی توحید منزل  
استقبال کعبه ۱۲  
تفسیر عثمانی  
عنه فانه و است  
وسط یعنی است مقول  
بدان سبب خوانند  
چون شده اند که ایشان  
بر او ای می باشند  
که کتب شانه می  
و او مان نیست  
از هر گونه افراط  
تفریط پاک می باشند







الْجَمْعُ وَنَقِصٌ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَنَبِئِ الصَّابِقِينَ

کریسمس و نقصان مالها و جانها و میوهها و نباتات و ده صابران را

الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ صَيْبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ

آنانی که چون برسد بدیشان صیبت گویند بر آئین ما از آن خدایم و بر آئین ما بسوی او رجوع کنند تا گفتم این گروه

عَلَيْهِمْ صَلَواتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ

بر ایشان است درود و مهربانی و رحمت و ایشان را هدایت کردیم

الصَّافِوَاتِ الْوُجُوهِ لَئِنْ أَشَاءَ اللَّهُ لَسُنَّ رَاجِعِينَ

و مروه از ایشان پاکست پس هر که بخواهد کند یا عمره بجا آورد

وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ

و آنانی که تقوا دارند

الَّذِينَ يَكْنُتُونَ مَا آتَاهُمْ مِنْهُنَّ وَيَتَذَكَّرْنَ أَنَّ لَهُنَّ أُولَئِكَ

بر ایشان آنانی که آنچه از ایشان می آید را بر خود نگه دارند و یاد کنند که ایشان را آنانی که

فِي الْكِتَابِ أُولَئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّعْنُونَ

در کتاب آن گروه لعنت می کند خدا و لعنت می کند ایشان را لعنت کنندگان هر که یک توبه کردند

وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنَّا فَاوْلَئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ

و سبب کاری پیش گرفتند و میان کردند پس این گروه مهربانی باری کردم بر ایشان و منم باز کرده مهربان

الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كَافِرُونَ أُولَئِكَ عَلَيْهِمُ لعنةُ اللَّهِ و

بر ایشان آنانی که کافرتند و کافر مردند آن گروه بر ایشان است لعنت خدا و

الْمَلَائِكَةُ وَالنَّاسُ أَجْمَعِينَ

فرشتگان و مردمان همه یکی

الْعَذَابُ وَآلَهُمْ يُنْظَرُونَ

عذاب و آل ایشان مهلت داده شوند

الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ

رحمن مهربان است

وَالْفُلُكُ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا

در دریا و کشتیها که در دریا می رود و در دریا آنچه سود می دهد

والبعض من السلام

عطا و موهوده را از

شما و طراحت

تجربان کرده از این است

باز دانستند پس نازل

شد این آیه ۱۲

تفسیر عثمان

عنه مراد از این مرد

می بود و است زیر این

تصدیق رسالت حق

میفرموده که در تورات

بود و پیشگویی که در

تورات نسبت به

توحید و ارادش

پیشانی می کردند

علاوه بر میوه تمام

آن کسی که علم الهی

را برای اغراض دنیوی

اختلاف کنند و حکم این

آیه داخلند

لعنت کنندگان

عبادت و از جنیان

مردمان و فرشتگان

همه شایسته ذی روح

زیر این آیه می رود

حق می رود و آنکه

کیفر خاتم ایشان

در سراسر کتب و خط و

و عام می شود و حق

بجود و مجادین

عنه می رسد

بر آنان لعنت میکند

مع اگر نسبت

حق پوششی نباشد

مردمان و فرشتگان

نمودان شدند اما

چون از اخلاقی حق

بعد توبه کردند و

آنها کاملاً آشکار

اختلاف بجای

لعنت بر آنها

و حق می فرستیم

زیرا ما تواب

در عظیم



علامه مزم گوید اهل  
جا بلیت چیزها را از  
نزد خویش حرام نشد  
پسند مانند بخار و  
سواب خدا تعالی  
در درویشان نازل  
کرد و فتح الرحمن  
تفسیر عثمانی  
دل عشق مومنان  
با خدا از دوستی  
مشکران به جودان  
آنها بیشتر است و  
تر است محبت مشرکان  
در مصائب این  
جهان زانلی گوید  
و هنگام مشایقه  
عذاب آخرت از  
معجودان باطن  
خویش بر کلی تیری  
می کنند (بعد از  
تفصیل می آید) بر  
عکس عشقی که در جهان  
به خدای خویش می  
ورزند زوال نمی  
پذیرد این عشق  
در هیچ دراحت در  
بهری و صحت در  
دنیا و آخرت ۲۰  
یکسان پائین می  
می باشد  
عشق مومنان ۲۱  
بجز این بیشتر از محبتی  
است که به واسطی  
الشیعی پیوسته این  
اولیا فرشتگان  
و المومنان عابدان  
پایه این به آبا و  
اجداد و احوال و  
اولاد خویش دارند  
مومنان جدا عشق  
اصلی و بالاستقلال  
دارند عشقی که نشانه  
شان و عظمت صفات  
آباده نیکان باطن است  
و در اثر حکم الهی بر  
وفق مراتب بر کلام  
محبت دارند و فرق مراتب عشق زندقی - خدا و دیگران را (هر که باشد) بیگانه انداخته دوست داشتن خالص مشرک و آئین مشرکان است -

انزل الله من السماء من ماء فاحياه الارض بعد موتها وبث  
فرد آورد خدا از آسمان آب پس زنده ساخت بسبب و زمین را پس از مردن آن و پراکنده ساخت  
فرو فرستاده الله از طرف آسمان از آب پس زنده گردانید آن زمین را پس از مردن آن و پراکنده ساخت  
فیهما من کل دابة و تصريف الرياح و السحاب المستخرين للسماء  
در زمین هر نوع جنبه و در گردانیدن یا و با و در ابراهام کرده شده میان آسمان  
و زمین از هر جنبه و در قلب یا و با و در ابراهام کرده شده میان آسمان  
والارض لايتقوم يعقلون ۱ و من الناس من يتخذ من دون  
و زمین هر آنچه را که است آنهاست آن کرده را که در می یا بند و از مردان که هست که میگرد  
و زمین هر آنچه را که است مرگ و می که خرد دارند و از مردان که است که می گرد  
الله انذارا لجنونهم بحب الله والذين امنوا اشد حبا لله ولؤي  
خدا بجهت ایمان را دوست میدارد ایشان را اما دوستی خدا و کسی که ایمان آورد دوستی خدا و عجب نیستند اگر بگویند  
خدا بجهت ایمان را دوست می دارد ایشان را اما دوستی ایشان خدا را و کسی که ایمان آورد و اندکی تر از دوستی خدا را  
الذين ظلموا اذ يرون العذاب ان القوة لله جميعا وان الله  
کسی که ستم کردند در آن حالت که می بینند که عذاب را بسبب آنکه او امانت خداست تمام آن و بسبب آنکه خدا  
شديد العذاب ۲ اذ تبار الذين اتبعوا من الذين اتبعوا و را  
سخت عقوبت کننده است در آن حالت که بر سر است پیروان کفر از تابعان و پیوسته  
سخت عقوبت کننده است در آن حالت که بر سر است پیروان کفر از تابعان و پیوسته  
العذاب وتقطعت بهم الأسباب ۳ وقال الذين اتبعوا ان كن  
عذاب را و بریده شود به نسبت ایشان همه اسباب یعنی وسیله ها و گویند پیروی کنندگان کاش ما را  
عذاب را و بریده شود از ایشان و سایر (محبت و قرابت) و گویند پیروی کنندگان کاش ما را  
لكن فتبارهم كذابا و ما تبارك الذي يرهم الله اعمالهم  
ما که گشتی باشد تا بیزاری کنیم از این پیروان چنانکه نیز از ایشان از آنچه بخواهند خدا را که از ایشان که در راهی ایشان  
ما که گشتی باشد تا بیزاری کنیم از این پیروان چنانکه نیز از ایشان از آنچه بخواهند خدا را که از ایشان که در راهی ایشان  
حسرت عليهم و ما هم بخارجين من النار ۴ يا ايها الناس كلوا  
و پیروانی را بر ایشان و پیوسته ایشان بر سر پیرون آیندگان از دوزخ است مردان بخورید  
و پیروانی را بر ایشان و پیوسته ایشان بر سر پیرون آیندگان از دوزخ است مردان بخورید  
فما في الارض حلالا طيبا و لا تتبعوا خطوات الشيطان ۵ الله  
حلال یا که در زمین است حلال یا که در پیروی کنندگان است شیطانی را بر آئین او  
از آنچه در زمین است حلال یا که در پیروی کنندگان است شیطانی را بر آئین او  
لكم عذر و مبين ۱ انما يامرکم بالسوء و الفحشاء و ان تقولوا  
شمارا دشمن آشکارا است و چنین نیست که می فرماید شمارا به بدکاری و بی حیالی و اما که اقرار کنند  
شمارا دشمن ظاهر است چنین نیست که امر می کند شمارا به بدکاری و بی حیالی و آن که بخورید  
علما لله ما لا تعلمون ۲ و اذا قيل لهم اتبعوا ما انزل الله قالوا  
بر خدا آنچه نمی شناسید و چون گفته شود ایشان را پیروی کنید از آنچه خدا فرود آورده است خدا گویند  
بر خدا آنچه نمی شناسید و چون گفته شود ایشان را پیروی کنید از آنچه خدا فرود آورده است خدا گویند  
بل نشيع ما الفينا عليه ابناء ناه اولو كان اباؤهم لا يعقلون شيئا  
بلکه پیروی می کنیم چیز را که یافته ایم بر سر پیروان خویش را آیا تفهیم کنید اگرچه پدران ایشان نمی فهمند چیزی را  
لی د بلکه پیروی می کنیم آنچه را که یافته ایم بر سر پیروان خویش را آیا متوجه نیستید پدران خویش را می کنند عمل آنکه پدران شما



وَلَا يَهْتَدُونَ ۝ وَمِثْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمِثْلِ الَّذِي يَنْعِقُ بِمَا

دوره نمی یافتند و مانند کسانی که کافران مانند حال کسی است که بانگ میزند آن چیز را که

لا يَسْمَعُ إِلَّا دَعْوًا وَنِدَاءً ۝ فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ ۝

نمی شنود مگر با صدای خواندن و آواز بلند کردن کافران که از آن گنگانند و گاه از ایشان هیچ نمی شنود

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كَلِمَاتٍ طَيِّبَاتٍ مَا زُرْتُمُوهَا فَتُكْفَرُوا ۝ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ

ای کسانی که ایمان آورده اید بخورید از چیزهای نیک و طهارت و طلال پاکیزه روزی دادیم شما را و سپاس گوید خدا را

إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ ۝ إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ

اگر او را می پرستید جز این نیست که حرام کرده است بر شما مردار و خون را و

لَحْمَ الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهْلَ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا

گوشت خوک را و آنچه که اهلی شده است برای غیر خدا پس هر که بچاره شود نه لایق گزیده و نه

عَادِفًا إِيَّاهُ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ

از حد در گزیده پس گناه نیست بر او پس هر آینه خدا آمرزنده مهربان است و هر آینه کسی که پنهان کند

مَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَيُشِيرُونَ بِهِ شِمًا قَلِيلًا أُولَٰئِكَ

آنچه فرود آورده است خدا از کتاب و می ستانند و سخن می گویند بهای اندک آن جماعه

مَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ إِلَّا النَّارَ وَلَا يَكْلَهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ ۝

آنچه خوردند در شکم های خود مگر آتش را و سخن نمی گویند با ایشان خدا روز قیامت و

لَا يُزَكِّيهِمْ ۝ وَهُمْ فِي عَذَابٍ أَلِيمٍ ۝ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا

نیکی را با کثرت ایشان را و ایشان راست عذاب و عذاب ستمنده ایشانند آنانکه خرید کردند

الضَّلَالَةَ بِالْهَدَىٰ وَالْعَذَابِ بِالْمَغْفِرَةِ ۝ فَمَا أَصْبَرَهُمْ

گمراهی را بر هدایت و عذاب را بر عفو و بخشش پس چه صبر میکنند ایشان

عَلَى النَّارِ ۝ ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ نَزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَإِنَّ الَّذِينَ

بر دوزخ این همه بسبب آنست که خدا فرود آورد کتاب را بر راستی و بر آینه آنانکه

اِخْتَلَفُوا فِي الْكِتَابِ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ ۝ لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُولُوا

اختلاف کردند در کتاب بر آینه در مخالفت دور از حق نیست نیکی آنکه شجره کنید

وَجْهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ

رو به خورشید و مشرق و مغرب و لیکن نیکی آنست که ایمان آورد

بِأَيِّ جَانِبٍ خَلَعَ رَأْسُكَ وَاسْتَضَاءَ وَنَزَلَ مِنْ رَبِّكَ آيَاتُكَ

با هر چه چرخ را بر سر نهادی و روشن شد و از رب تو آیات تو فرود آمد

وَأَنَّكَ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ ۝ وَاسْمِعْ بَيْنَ يَدَيْهِ وَيُنَادِ فِي السَّمَاءِ

و تو را بینایی است و شنید در پیش رو و ندا دهد در آسمان

فتح الرحمن  
و لیکن در خوردن  
آنچه را که از زمین  
نویسد که گوشتی که درین  
آیت حرام کرده شده  
تحریم دارد ایشانند  
حال آنکه در حدیث می آید  
و کار داشته آن را  
بهر حرام شده است  
پس در تطهیر چه  
باشد گوشت حرامی  
است به نسبت نجاست  
سوائی که حرام شده  
پس به جهت الانعام  
در حدیث می آید  
بهر نجاست مذکور  
در نجاست و سبیل  
و نجاست منقذ  
و الله اعلم  
یعنی توبه جهت مشرق  
و مغرب چنانکه می رود  
و نصایحی در حدیث  
نیکوکاری نیست بلکه  
منسوخ شده است  
و لیکن صاحب  
نیکوکاری که چهار  
اختلاف ندارد  
تفسیر شامی  
عمر مردار حیوانی  
را گویند که در نجاست  
نشده باشد و خود را  
باشد یا بر خلاف طریق  
شرع ذبح و شکار  
شده باشد مانند  
حیوانی که آنرا خفه  
کنند یا عضو حیوان  
زنده را بریده باشد  
یا حیوانی را بچوب و  
سنگ و مندوزق و  
مانند آن  
کشته باشند  
یا بفرسند  
حیوان دیگر مردار باشد  
یا حیوان درنده آوا  
چریده باشد یا از  
بندی آگاه باشد  
یا سنگام ذبح نموده

تکلیف نکند تمام این حیوانات مردار و حرام است مگر برای و بلع که حکم حدیث مستثنی و حلال است.











صل من مخرج کونید ظاهر  
 نزدیک این نزد است  
 که سوال کونید از شهر  
 چ که سوال دیکه در  
 و در از ای ای باشد  
 که آید ج وقت است  
 که آید یانه دیکه از  
 جابیت آن بود که در  
 حالت احرام از پاک  
 و بود جت و یا القبت  
 دیوار گذشته نمازی  
 آمدند از راه در و از  
 نمی آمدند پس نازل  
 شد این آیت ۱۲ و  
 یعنی تا مردمان احرام  
 ج نهند در آنها ۱۲  
 فتح الرحمن و یعنی  
 و متعابد از قتل جانور  
 است ۱۳  
 تفسیر عثمانی  
 ع چون در آیت  
 اول و کرج بود و  
 این حکم نیز جرج بود  
 است درین جا  
 بیان شد بعضی  
 علماء بر آنند که این  
 مراد از کلمه این  
 در این آیت ظاهر  
 ماه بای ج رشوال  
 ذیقده ده شب  
 ذی الحجه است که  
 احرام ج در آن ماه  
 می باشد مردم از  
 حضرت پیغمبر صلی الله علیه  
 و سلم پرسیدند که ج  
 خاص در این ایام  
 است یا در روزهای  
 دیگر نیز ج میتوان کرد  
 خداوند جواب آنها  
 گفت که برای ادای  
 ج ماه بای ج مقدس  
 و باین مناسبت گفت  
 ادخال خانه پناه و  
 اشای احرام ذکر کرده  
 از این احکام واضح  
 گردید که اگر حاجتی را  
 از طرف خود نیک پیدا نشن و از اداعل دین قرار دادن مذموم بلکه منوع است چنانچه از این ابدعت مذموم بودن بسیار چیزها معلوم میشود

عَلَّمَ اللَّهُ أَنْكُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ

و دانست خدا که شما حیانت می کردید در حق خویشتان پس مهربانی باز گشت بر شما و در گذشته از شما  
 دانست خدا هر آنچه شما بودید که حیانت می کردید با نفس خود پس بول کرد بر شما و در گذشته از شما

فَالَّذِينَ بَايَعُوا مِنْهُمْ وَابْتَغُوا مَالَهُمْ لِيُقَرَّبُوا إِلَى اللَّهِ كُفُّوا وَأَنْتُمْ أَبْتِغُوا

پس ای کسان که با بیعت کردند با شما و طلب کنند از شما مایه که شما را نزد خدا برسانند اولاد و بخورید و بنوشید تا آنکه  
 پس اکنون مباحثت کنید با شما و بخواهید آنچه مقدور کرد خدا بشارت فرزند و بخورید و بنوشید

يَتَبَيَّنُ لَكُمْ الْغَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْغَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَنْتُمْ

روشن شود بر آنکه شمارشته سفید از رشته سیاه مراد از رشته سفید است پس از آن مباحثت کنید  
 آشکار شود بشما تار سفید از تار سیاه از هیچ باز تمام کنید

الصَّيَامَ إِلَى الْكَيْلِ وَلَا تَبَايَعُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ عَمِلُوا فِي السَّجْدِ

روزی را تا شب و مناسبت نکنید زنان را در حالیکه معتكف باشند در مسجد یا  
 روزه را تا اول شب و مکتف مباحثت با شما در حالیکه معتكف باشند در مسجد

تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ

این با منیات خداست پس نزدیک نشوید با آنها همچنین بیان می کند خدا آیت های خود را برای مردمان  
 این حدود که برای احکام معین شده حدود خداست پس نزدیک نشوید آنرا این چنین بیان می کند خدا آیت های خود را مردم

لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ۝ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتَذْكُرُوا

تا پند بیزگاری کنند و بخورید اموال خویش را بباطل و مرسانید  
 شاید ایشان بیزبند و بخورید مال بای یک دیگر تا آنکه در میان خود بباطل و مرسانید

بِأَمْوَالِكُمْ لَكُمْ أَكْثَرُ ۝ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتَذْكُرُوا

اموال خود را بکتمان یعنی بر شت تا بخورید پاره از اموال مردم  
 آنرا به سوی حاکمان تا بخورید یک حصه از مال بای مردم به ستم راجح و شما

تَعْلَمُونَ ۝ يُسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجَّةِ

دانست می پرسند ترا از آنها یعنی از شهر حج بگو این با منیات است برای مردمان و برای حج  
 می دانند می پرسند ترا از سبب اختلاف ماه با بگو این اوقات مقدور است برای مردم و برای حج

وَلَيْسَ الْبِرَّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَى

و نیست بیکو کاری آنکه در آید در خانه ها در حالت احرام از پس پشت آنها و لیکن صاحب بیکو کاری آنست که بیزگاری  
 و نیست شکو این که در آید در خانه ها از پشت بای آن و لیکن شکو آنست که کسی از خدا بترسد

وَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ۝ وَقَاتِلُوا فِي

در آید در خانه ها از راه در و از  
 در آید در خانه با از در و از بای آن و ترسد از خدا تا شما کامیاب شوید و جهاد جنگ کنید در

سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا وَلَهُنَّ أَمْوَالٌ لَكُم مِمَّا كَفَرْتُمْ

راه خدا بای یک جنگ می کنند با شما و از حد بگذرید بر آنچه خدا دوست میدارد از حد گذرند گان را  
 راه خدا بای یک جنگ می کنند با شما و از حد بگذرید بر آنچه خدا دوست ندارد از حد گذرند گان را

وَاتْلُوهُمْ حِمَتْ تَقْفُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِنْ حِمْتِ أَخْرَجَكُمْ وَالْفَتْنَةِ

و بکشید مشرکان را بر جا که بیایید ایشان را و بیرون کنید ایشان را از آنجا که بیرون کردند شما یعنی آنکه فتنه  
 و بکشید ایشان را بر جا که بیایید ایشان را و بر آید ایشان را از آنجا که بر آوردند شما و از من بازداشتن دشمن

أَنْتُمْ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا تَقْتُلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يَقْتُلُوهُمْ

شما تر است از قتل و کارزار نکنید با ایشان نزدیک مسجد حرام تا آنکه کارزار کنند با شما و آنجا  
 سخت تر است از قتل و قتل نکنید با ایشان در نزد مسجد حرام تا آنکه قتل با شما و آنجا

وَأَنْتُمْ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا تَقْتُلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يَقْتُلُوهُمْ

و شما تر است از قتل و کارزار نکنید با ایشان نزدیک مسجد حرام تا آنکه کارزار کنند با شما و آنجا  
 سخت تر است از قتل و قتل نکنید با ایشان در نزد مسجد حرام تا آنکه قتل با شما و آنجا



فَان قَتَلْتُمْ مَا قَتَلْتُمْ هُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ ۝۳۱ فَاِنْ اَنْتُمْ وَاَفَاَنْ لِّلّٰهِ

پس اگر بکشید ایشان را باین چنین است جزای کافران پس اگر بکشید ایشان را باین چنین است جزای کافران پس اگر بکشید ایشان را باین چنین است جزای کافران

عَفْوٌ ۝۳۲ وَفِيْلَهُمْ حَتٰى لَا تَكُوْنُ فِتْنَةٌ وَيَكُوْنُ الدِّيْنُ لِلّٰهِ

آمرزنده مهربان است و بچنگید با ایشان تا آنکه ناپود شود شرک و خود دین محض برائے خدا

فَاِنْ اَنْتُمْ وَاَفَاَنْ لِّلّٰهِ ۝۳۳ الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ

پس اگر بازماندند فل پس نیست دست درازی مگر بر منتهی حرام ماه حرام عوف ماه

الْحَرَامُ وَالْحَرَمُ قِصَاصٌ ۝۳۴ فَمَنْ اَعْتَدٰى عَلَيْكُمْ فَاَعْتَدُوا عَلَيْهِ

حرام است و بزرگی با بایک دیگر عوف می شود پس هر که تعدی کند بر شما پس دست درازی کنید بر او

بِمِثْلِ مَا عَتَدٰى عَلَيْكُمْ ۝۳۵ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا اَنَّ اللَّهَ مَعَ الصّٰلِحِيْنَ

مانند دست درازی و بر شما و خدا کنید از خدا و بدانید که خدا با پیرمیز کاران است

وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا اَنَّ اللَّهَ مَعَ الصّٰلِحِيْنَ ۝۳۶

و خیر کنید در راه خدا و میفکند خویشین را بسوخته بکالت و نیکو کاری کنید

اِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِيْنَ ۝۳۷ وَاتَّبِعُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلّٰهِ فَاِنْ اُحْصِرْتُمْ فَمَا

برای خدا دوست می دارد و نیکو کاران را خد و تمام کنید و عمره را برای خدا پس اگر بازماندند

اَسْتَيْسِرَ مِنَ الْهَدْيِ وَلَا تَحْلِقُوا رُءُوسَكُمْ حَتّٰى يَبْلُغَ الْهَدْيُ

سهل باشد از قربانی و مزارعید سر بای خود را تا آنکه برسد قربانی

حُلَّةٌ ۝۳۸ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَّرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِّنْ رَّأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِّن

بجایش فل پس هر که باشد از شما بیمار یا دارا رنج باشد در سر او فل پس لازم است عوف آن از

صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ ۝۳۹ فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ فِي الْحَجِّ فَمَا

روزه یا صدقه یا قربانی پس چون این شد پس هر که بهره در شد بسبب ادائے عمره تا وقت نماز

اَسْتَيْسِرَ مِنَ الْهَدْيِ فَمَنْ لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ۝۴۰ فَمَن فَعَلَ

سهل باشد از قربانی پس باید پس لازم است روزه دهان سه روز در وقت حج و بوقت روزه

اِذَا جَعَلْتُمْ تِلْكَ عَشْرَةَ كَامِلَةٍ ۝۴۱ لِّمَن لَّمْ يَكُنْ أَهْلُهُ حَاضِرًا

و بقیه باز گردید از سفر این یک ده تمام است این حکم آن راست که نباشد قلیل و سه باشد

الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا اَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ۝۴۲

مسجد حرام را خدا کنید از خدا و بدانید که خدا سخت عقیبت است و

فلا یعنی از شرک  
فل حاصل این آیه  
آنست که در مسجد حرام  
و در شهر حرام اجتهاد  
لقتال نباید کرد و چون  
لاخون اجتهاد کنند در  
مقابل ایشان باید  
جنگ کردن که این یعنی  
باجر هست مسجد شهر  
تراجع ندهد و چنانکه  
اجتهاد انشعق مسلمان  
دست نیست و اگر  
خون ناحق ریخته باشد  
بکفایت حیوان کشت  
و فقها باین سبب تحریم  
نکرده اند که اقامت  
جریان کند بحدی که  
بودی نیست  
و الله اعلم  
و خدا بخیر می داند  
عمره و عمره از مسج  
بنی الهی و الهی  
نذر شوند بیکر و الله  
اعلم ۱۲ و الله اعلم  
بسیار داشته باشد و باین  
سبب حق کند پیش از  
عمل و الله اعلم ۱۳  
ش یعنی با عوف  
احرام بهره در شد ۱۴  
فل مداین آیت چند  
حکم مذکور شده است  
و جواب تمام حج و  
عمره بعد از شروع و  
حکم احصار و کفایت  
از کتاب امور عوف  
احرام بعد از عوف و  
باجیت توج و وجه  
قربانی بر تنق دالیه  
اعلم ۱۵  
تفسیر عثمانی  
۲۷ ع مطلب این  
است که احوال  
خویش را در  
اطاعت خدا و جهاد  
فی سبیل الله و غیره

مرف نماید خویشین را در ملک میفکند ترک جهاد و اسماک مال در راه آن شمار ضعیف و دوزخ است و دشمنان نان را نیز و منهد و دیر می گرداند











فلان امر است که ستمه الشجاری شده است با نیکو بخت هر سق میرد امت دعوت اختلاف واقع میشود از این شکل بناید شده الله اعلم ولا یعنی در حق ذوی القوه ذی الحج و محرم که در تربیت حضرت ابراهیم جنگ کردن و این با بهرام بود پس سوال کرد که در شریعت محمدی حکم محرم باقی مانده یا نه و الله اعلم ۱۳

تفسیر عثمانی

ع مراد از گویا گرانی و شواهدی بر نفس است از انکار و توهین که مخالف حکمت و صلحت پیدا شده شود مسلمانان را

اسباب افرودگی لغت کرده در این امر انزای فیت زندگی در نگاه انسان طبع گوارا و عزیز است و ازین جهت قتال در نظری و شواهد و صعب می باشد و صحت یعنی هر چه باشد حق و شریک تا فانی یا مقرر می پذیرد حقیقت

چنان فیما بین با هم چیز است که شایع از اسب زبان نویسی می پذیرد حقیقت

سنا و شای باشد آنچه را شایعانه و تمسک به زبان شماره آن است شایع بنابر دیدار و جهاد ضرر مالی و جانی است و در ترک جهاد برود و این می ماند شایعانه باشد که برادر و دنیا و غیره فواید عظیم دارد و اگر این فواید را بنگراند و حساب ببرد که شایعانه چه چیز است و در زبان شماره خدا بهتر میداند و شایعانه اینها احکام الهی

فَبَشِّرْهُنَّ وَمَنْذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ

بشارت دهنده و بیم کننده و نازل آورد بایشان کتاب براسستی تا حکم کند آن کتاب میان مردمان

بشارت دهندگان و ترسانندگان و فرستاد بایشان کتاب را براسستی تا حکم کند میان مردمان

فَمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا

در آنچه اختلاف کردند در آن و اختلاف نکردند در آن مگر کسانی که داده شد بایشان کتاب یعنی امت و دعوت بعد از آنکه در آنچه که اختلاف کردند در آن و اختلاف نکردند در آن مگر کسانی که داده شد بایشان کتاب یعنی امت و دعوت بعد از آنکه

جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ

بایشان نشانیها از جهت حسد در میان خود پیش راه نمود خدا مومنان را تا حق که اختلاف کردند بایشان را بجهت باسی روشن از جهت حسد در میان ایشان پس راه نمود خدا سالی را که ایمان آوردند به چیزهای حق که

مِنَ الْحَقِّ بِدِينِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

در حق بار داده خود و خدا راه می نماید کسی را که خواهد پس به راه راست و از حق بار داده او و الله راه می نماید کسی را که خواهد پس به راه راست

حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخِلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ

پنداشتید اے مردمان که در آنچه بهشت حال آنکه هنوز پیش نبوده است شما را حالت آن که پیش از شما می پندارید که می در آید در بهشت حال آنکه هنوز پیش نیامده شما را حالت آن که گذشتند پیش از شما

مُسْتَهْزِئِهِمُ السَّخَاءُ وَالضَّرَّاءُ وَزُلْزَلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا

و رسید بایشان سخی و محنت و جفا بنده شدند تا آنکه میگفت پیغمبر و کسانی که ایمان آوردند رسید بایشان سخی و محنت و جفا بنده شدند تا آنکه میگفت پیغمبر و کسانی که ایمان آوردند

مَعَهُ مَتَى نَصْرُ اللَّهِ إِلَّا أَنْ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ ۝ يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ

با دمی که باشد یاری دادن خدا آگاه شوید هر آنچه خداوند می پرسد زیرا که امت سوال میکند از کدام نوع از حق کردن با دمی که می آید مدد خدا آگاه شوید هر آنچه خداوند می پرسد زیرا که امت سوال میکند از کدام نوع از حق کردن

قُلْ مَا أَنْفَقْتُ مِنْ خَيْرٍ فَلِلَّهِ الدِّينُ وَالْآقِرْبَيْنِ وَالْيَتَامَى وَالْمَسْكِينِ

بگو آنچه خرج کردم از مال پس ما در پدر را باید و خویشاوندان و یتیمان و دورویشان و بگو آنچه خرج می کنید از مال پس برای دورو پدر را باید و خویشاوندان و یتیمان و دورویشان و

ابْنِ السَّبِيلِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ ۝ كُتِبَ عَلَيْكُمُ

مسافران را آنچه کنید از یتیمی پس بر آئین خدا بپس دانا است لازم کرده شد بر شما مسافران را آنچه می کنید از یتیمی پس بر آئین خدا بپس دانا است فرموده بر شما

الْقِتَالُ وَهُوَ كَرْهٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ

جنگ و آن دشوار است شما را و شاید که نپسندید چیزی را حال آنکه و سبب بهتر باشد شما را و شاید که و آن ناگوار است برای شما و شاید که نپسندید چیزی را حال آنکه و سبب بهتر است برای شما و شاید که

تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ۝ يَسْأَلُونَكَ

دوست دارید چیزی را حال آنکه و سبب بهتر باشد شما را و شاید که نپسندید چیزی را حال آنکه و سبب بهتر است برای شما و شاید که و دوست دارید چیزی را و آن شریک باشد شما را و شاید که نپسندید چیزی را حال آنکه و سبب بهتر است برای شما و شاید که

عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ وَصَدٌّ

از ماه حرام از جنگ کردن در آن و بگو جنگ کردن در آن و بازداشتن از ماه حرام از جنگ کردن در آن و بگو جنگ در آن و بازداشتن

عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ وَكُفْرٍ بِهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِخْرَاجِهِمْ

از راه خدا و کفر بخدا و بازداشتن از مسجد حرام و بیرون کردن اهل این مسجد از راه خدا و کفر بخدا و بازداشتن از مسجد حرام و بیرون کردن اهل این مسجد







اَحْتِ يُؤْمِنُوا وَلَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكٍ وَلَوْ اَعْجَبَكُمْ ؕ اُولٰٓئِكَ

تا آنکه ایمان آوردند و بر آینه بنده مسلمان بهتر است از مشرک اگر چه بد لغت آورده باشد شمار اول گروه مشرکان  
تا آنکه ایمان آوردند . البته غلام مسلمان بهتر است از مشرک و اگر چه بد لغت آورد شمار اول آن گروه

يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِ وَيُبَيِّنُ

و خدا میخواند بسوی بهشت و بسوی آرزش بقدرت خود و بیان می کند  
و دعوت می خواند بسوی آشتی و طاعت و بسوی بهشت و سر آرزش می کند خود و بیان می کند

اِنَّهُمْ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُوْنَ ۝۵۰ وَتَسْأَلُوْنَهُ عَنِ الْحِمْلِ

آیتہائے خود را برائے مردان تاباشد کہ پسند پذیر شوند و سوال می کنند ترا از حیض

وہی پرستش از حکم حق

بجورک سے بچاؤت است پس یسوعیہ از زمان و در حال حیض و نزدیکی مکینہ بالیثنا تا آخر

بخوان نخست است پس نثاره گرد از جمار زمان در وقت حیض غه و نزدیک مسوید ایشان را تا اینک

پس چون نیک پاک شوند و پس نزد یحییٰ بکنند بالمشافہ الازار و کسرا حرم است شیخ احمد استغناء عن قیام و سجده

پاک شوند پس وقتیکه خوب پاک شوند پس بید نزد ایشان ازان جانبیک حکم کرده بقتل الله براه الله

وَيُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ ﴿١٠٠﴾ نَسَاؤُكُمْ حَرَّتْ لَكُمْ فَاثِقُوا

دوست می دارد تو به کشندگان را و دوست می دارد به کمینز کشندگان را از سختی زمان شکست زار برای شهادت پس بیاید

حَرِّثَكُمْ اِنِّي شَيْعْتُمْ وَقَدْ مَوَّالًا نَفْسَكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاَعْلَمُوا

نشد زار خود را بهر کفی که خواهم بد و پیش دستید (اعمال صاحب را) برای خودتان و برترسید از آنکه بد آیند که

نُكْمٌ مَفْقُودٌ ۖ وَبَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ ۝ وَلَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً

برای این که شما عاقبت کننده اید و را به بشارت ده مومنان را و مکره امید خدا را بدو و شمال

(يَمَانِكُمْ أَنْ تَبَرُّوا وَتَتَّقُوا وَتُصْلِحُوا بَيْنَ النَّاسِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

برائے سوگند ای خود برائے اجتناب از آنکو کاری کنید پیرمیزگاری غایت و صلاح ابرید و میان مرقان و خداشناسی

عليه السلام يا اخي اخذكم الله واللغ فم اذ

انسانیت کی مواخذہ می کند شمارا خدا پر بیپروہ علوی و دوسو کند بائے شرافت و یکن مواخذہ می کند

در سوخته های تن و لیکن می برده شمار به آن سوخته های

آنچه که قصد کرده است و لیاقت شما و خدا آمرزنده بدبار است - مرا نکسان اگر اطمینان کنید از زنان خوش خلق

والله نيك امر از کار و برده بار است

پس اگر باز گشته یعنی ازین سو گنبد پس بر آید خدای عز و جل مهربان است و اگر قصد کند

پس اگر باز گشتند پس بر آئینه الله نیک آرزو نگاهان است و اگر قصد کردند

پس بر آئینه خدا نشو و اناست و آن زمان که ملاقات و امرش از غیر سزاوارتر

پس هرگز نیست التذقیق نشود اماست و زنا نیز حلال شده اند انتظار کشند بر نفس یا بی خود

نویسند. اما خوردن. نوشیدن. بود باش کردن همه جایگزینی باشد اقراط بود و نفی لغت لغت ی برد و مرد و قرار داده شود.



لَا يَجِلُّ لَهُمْ أَنْ يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ إِنْ

در کفایت و ایزت را در کتب معتبره ایشان را به پیشین دانسته اند خدا آفریده است در همه ای ایشان یعنی ولد و حقیر

يَوْمَ مِّنْ يَّوْمٍ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ تَعْلَمُ لَهُنَّ أَخْقَ بَرِّدِهِنَّ فِي ذَلِكَ

دوشنبه ۱۳۰۲/۱۰/۱۳

و زمان را هست مانند اینچه بر زبان است بوجه پندیده است و

رَحِمَ اللَّهُ رَحْمَةً وَاسِعَةً

و آن را به است برادرانشان بلند پیغ فراتر وائی و خدا غالب است و ازار است طلاق رجعی دو بار است  
و آن را بزرگان فضیلت است و الله غالب یا حکمت است طلاق رجعی دو بار است

مَسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْمِيَةٍ بِإِحْسَانٍ وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا بِالْأَيْمَانِ

از آن یار که اشتن است بخشنوی یار ما کردن به نیکی و حلال نیست شمارا که بگیرد به خنجر برآ ادا بخ  
ن نگه اشتن است به پسندیده یار ما کردن به نیکی و حلال نیست برای شمارا که بگیرد از آن بخ

يَتِيمٌ هُنَّ شَيْءٌ إِلَّا أَنْ يَخَافَ الْإِيقِيمَ أَحَدٌ وَدَلَّ اللَّهُ فَإِنْ خِفْتُمْ

واید زمان را چنانکه برسد (زن و شوهر) که بر پا دارند احکام الشرائع پس اگر ترسیدید

بِقِيَمَا حُدُودِ اللَّهِ لَا تَجْنَحْ عَلَيْهِمَا وَيَمَّا اقْتَدِرَتْ بِكَ تِلْكَ  
 بزرگوارانند این هر دو احکام خدا را پس گناه نیست بر ایشان در آنچه عرض خود دادند این

عَلَّمَ اللَّهُ فَاتَّعَدَّ وَهَاجَ وَهْمٌ. تَعَجَّلَ خَدَّاهُ اللَّهُ فَأَوَّلِي هَمِّهِ

[illegible]

ظَلَمُونَ ١ فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدُ حَتَّى تَتَّكِفَ شُرُوجًا

پس اگر حلاق داد یعنی سوّم بار پس بر گز حلال میشود این زن آن مرد را بعد از این تا آنکه مرد آید بشکاح مقرر  
(پس) اگر حلاق داد زن را سه بار (پس) حلال می شود این زن آن مرد را بعد از آن تا آنکه زن شوهر

بَرَهُ فَإِنْ طَقَّهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يَتَرَاجَعَا إِنْ ظَنَّا أَنْ يُقِيمَا

در (چون) اگر طلاق کردش شوهر مرد پس نیست گناهی بر مرد و اگر بایم رجوع کند (بر نوح) اگر گناهان دارند که بر می خوانند داشت

وَأَذِطْ لِقَمَّ

الحکم الله را و این احکام الله است که بیان می کند آنرا برای تو می گوید و می گوید طلاق دادید

ن را پس رسیدند بمیعاد خود و پس نگاهدارید ایشان را به نحوئی یار بار کنید ایشان را

مَعْرُوفٍ سَوَاءٌ لَّامْسِكُوهُنَّ خِزَارًا لِّتَعْتَدُوا ۚ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ

و نگاه مدارید ایشان را بر اسای ضربه رسانیدن تا ستم کنید و هر که این کند  
بندیده و نگاه مدارید ایشان را بر ای ضربه رسانیدن که تجاوز کنید و کسی که کند این را

بدرستی موافقت و حسن معاشرت باشند آنکه ز نامزد او رجس در عدد آزاد و پند چنانکه در چین مردم معمول بود که یک چوبه نوازانه زن را به آسانی و اختصار



والتی یستحق  
 شد ۱۳ یعنی با  
 شوهران دیگر با ایشان  
 رغبت پیدا کردند  
 تفسیر عثمانی  
 معنی را شوهرش  
 یک یا دو مرتبه طلاق  
 داده و در  
 عدت رجعت  
 نگرفته بود  
 زانی که عدت باجمعی  
 رسیده شوهر سابق  
 نیز بار حال دیگر پیام  
 نکاح داده زن با او  
 راضی شده اما مردش  
 برافروخته گردیده از  
 نکاح بازداشت باز  
 آن این حکم تازل  
 گردید که رضای شوهر  
 زن را رعایت نمایند  
 و موافق رضای او  
 نکاح کنند و در این  
 معاطعت و عدم رضای  
 خود او داخل نگردانند  
 این حقایق عمومی  
 است باز دارندگان  
 نکاح خواه شوهر طلاق  
 دهنده زن باشند که  
 زن را از نکاح دیگری  
 بازدارد یا دلی یا دار  
 زن باشد از آن نکاح  
 بدون باشوهر اول یا  
 دیگری منع نماید این  
 حکم برای ما نفع تمام  
 آنها فرود آمد بلی اگر  
 کدام امری مملکت  
 قاعده باشد مثلاً  
 زن از کسی شوهر  
 کند که کفو او نباشد  
 یا در این شوهر  
 اول یا دیگری نفعی  
 نماید بشک ما نفع  
 حق دارند و مقصود از  
 کلام بالمعروف پس  
 است همه احکامیکه  
 ذکر شد تبارک و تعالی  
 از آن پند می گیرند زیرا ایشان

فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ ۖ وَلَا تَتَّخِذْ وَايَاتِ اللَّهِ هُزُوًا ۚ وَادْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ  
 پس بر آئینه سخ کرد بر خود و بگریه آیتهای خدا را  
 پس بر آئینه ستم کرد بر خودش و بگریه  
 احکام الله را مسخره و دو کینه لغت الله را  
 عَلَيْكُمْ وَمَا أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنَ الْكِتَابِ الْحِكْمَةَ يَعِظُكُمْ بِهَا ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ  
 بر خویش و آنچه فرود آورد بر شما از کتاب و علم  
 که بر شماست و آنچه فرود فرستاد بر شما از کتاب و علم که پند می دهد شما را بر آن و بترسید از الله  
 وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ۝ وَإِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَلْيُغْنِ  
 و بدانید که هر آینه الله بهر چیز داناست و چنانکه طلاق دادید زنان را پس رسیدند  
 و بدانید که هر آینه الله بهر چیز داناست و چنانکه طلاق دادید زنان را (پس رسیدند  
 أَجْرَهُنَّ فَلَا تَعْصِبُوهُنَّ أَنْ يَنْكِحْنَ أَزْوَاجَهُنَّ إِذَا تَرَاضَوْا بَيْنَهُنَّ  
 ایجاد خود پس منع نکنید ایشان را از آنکه نکاح کنند با شوهران خویش و قطع نکنید بایک دیگر راضی شدند  
 بِطَهَارَتِ عَدَّتِ شَانِ (پس منع نکنید ایشان را که نکاح کنند شوهران شان را و قطع نکنید راضی باشند و میان خود  
 بِالْمَعْرُوفِ ۚ ذَٰلِكَ يُوعَظُ بِهِ مَنْ كَانَ مِنْكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ  
 در میان خویش بر دوش پسندیده این حکم پند داده میشود بآن هر کسی را که مؤمن باشد از شما بخدا و روز  
 الْحِسَابِ ۚ ذَٰلِكُمْ أَنْتُمْ لَكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ ۚ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ۝  
 قیامت و این کار خوشتر است شما را یا بیزه تر و خدای دانند و شما نمیدانید  
 قیامت و این کار نافع تر است شما را یا بیزه تر و خدای دانند و شما نمیدانید  
 وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ ۚ مِنْ أَرْدَانٍ يَتِيمِ  
 و مادران باید که شیر دهند فرزندان خویش را دو سال تمام این حکم آن راست که خواهد تمام کردن  
 و مادران شیر دهند فرزندان شان را دو سال کامل برای کسی که خواهد تمام کند  
 الرِّضَاعُ عَلَى الْبُؤْسِ ۚ وَكَسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ ۚ لَا  
 مدت شیر دهنده و بدست پوشاک این زنان شمرده است بوجه پسندیده واجب  
 مدت شیر دادن را و بدست پوشاک فرزند زاده شده برای او یعنی برای پدر طعام زن مرتجع و لباس زن موقع است موافق قاعده رایج  
 تَكْفِ نَفْسٍ إِلَّا وَشِعْرَاءَ ۚ لَا تَصْرُفْ أَوْلَادَهُ ۚ بُولَدُهُمْ أَوْلَادُكُمْ ۚ  
 کرده می شود و بدست کس الا قدر توانائی او را بچ نماید داد مادر را بسبب فرزند دهنده و نه پدر را  
 تحلیف داده نمی شود که را بکسر بقدر توانائی او را بچ نماید داد مادر را بسبب فرزند دهنده و نه پدر را  
 بُولَدُهُ ۚ وَ عَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَٰلِكَ ۚ فَإِنْ أَرَادَا فِصَا ۚ لَا عَن  
 بسبب فرزند دهنده و لازم است برومی مانند این پس اگر خواهند مادر پدر از شیر باز کردن حتی پیش از دو سال بعد  
 بسبب فرزندش و بر وارث است مانند این پس اگر مادر پدر خواستند جدائی طفل را از شیر در دو سال بعد  
 نَرَا ۚ مِنْهُمَا وَتَشَاوَرَا فَلَاحِقَ عَلَيْهِمَا ۚ وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ  
 رضامندی میان پدر و مادر مشورت کردن بایکدیگر پس نیت  
 از خود رسد بایکدیگر و مشوره کردن بایکدیگر پس نیت هیچ نمی بر آن و اگر خواستید که  
 تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا اتَّيْتُمْ  
 دایه گیرید برای فرزندان خویش پس هیچ گناه نیست بر شما چون تمام تسلیم نموده بچ را و بچ را مقرر گردید  
 دایه گیرید بچ را و فرزندان خود پس نیت هیچ بر شما چون تسلیم نموده بچ را و بچ را مقرر گردید و دادن آنرا  
 بِالْمَعْرُوفِ ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۚ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ۝  
 بخوش خوئی و بترسید از خدا و بدانید که خدا با آنچه می کنید بیناست  
 بخوش خوئی و بترسید از الله و بدانید که سر آید از الله به آنچه می کنید نیک بیناست

از آن پند می گیرند زیرا ایشان ابیت استقفا دارند و الامور نظایر مردم است و بعضی اختصاص ندارد از این اختصاص مومنان فتنه سرزنش و تحقیق و یقین



فلا یقین مهر ۱۲  
 فلیقین مهر ۱۲  
 تفسیر عثمانی  
 عه قصد زن است  
 زنا نیک از نواح طوبر  
 جدا شده اند اما امیکه  
 داخل عده باشد جائز  
 نیست که دیگری آنها را  
 در نواح خویش آورد  
 یا از آنها هر کجا عده  
 از دواج بگیرد یا دواج  
 بایشان در موضوع  
 از دواج بیخام فرستد  
 اما اگر کسی در دل نیت  
 می کند که بعد از انقضای  
 عدت بادی نواح می  
 نماید و این را اظهار  
 نمی کند یا مطلب خود  
 را اشتهای می نماید تا  
 دیگری پیش وستی نکند  
 مثلاً بزین برساند که تو  
 محبوب و لیسای دیا من  
 از دواج و ام که با کدام  
 کسی نواح می نمایم در  
 آنجا را این گویند و چنین  
 سخن نمی گویند بشرطیکه  
 این بیخام مرتجع نباشد  
 عده یعنی حق تعالی بر  
 خایر شما آگاه است آنچه  
 را بجا نیت اراده  
 کند و اگر اراده نمود  
 تو به نفع خدا می نیت  
 و اگر نیت است نگاه  
 گاری که گرفتار طلب  
 نمی شود شمار امانت  
 و اطمینان نشود زیرا خدا  
 حلیم است در نزول  
 عذاب شتاب نمی ورزد  
 سه نعلی که بدن ذکر  
 مهر انقاد یا به هیچ است  
 مهر بعد از عقد نیز نشود  
 میشود در این صورت  
 اگر قبل از بیاست و  
 خلوت صحیح طلاق واقع  
 شود مهر بر مرد لازم نمی  
 آید - اما تا عقد نکاح

وَالَّذِينَ يَتَّبِعُونَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَرْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِمْ  
 و کسانی که می بینند از شما و بگذرانند و بگذرانند و بگذرانند  
 و کسانی که می بینند از شما و بگذرانند و بگذرانند و بگذرانند  
 اربعة اشهر و عشرين فاذا بلغن اجلهن فلا جناح عليكم فيما  
 چهار ماه و دوه روز پس چون بپوشیدند میباید بپوشید پس گناه نیست بر شما در آنچه  
 چهار ماه و دوه روز پس چون بپوشیدند میباید بپوشید پس گناه نیست بر شما در آنچه  
 فعلن في انفسهن بالمعروف و الله بهما تعلمون خير  
 کردند در حق خویشان خود پس بپوشید یعنی نواح طوبر و خدا  
 کنند در حق خود موافق قاعده شرعی (بپوشید) و الله بهما می کند خوب یا خیر است  
 و اجناح عليكم فيما عرضتم به من خطبة النساء او اكنتم  
 و نیت گناه بر شما در سخن که کنایت کرده بود از خواستگاری زنان یا پنهان داشتید  
 و نیت بیخ نواحی بر شما در آنچه اشارت می کنید به آن از خواستگاری زنان یا پنهان داشتید  
 في انفسكم علم الله انكم ستدنكم و نهن ولكن لا تواعدوهن  
 در لباس خود و است خدا که شما را خواهد کرد این زنان را اینصورت بپوشید و لیکن وعده نیت بایشان  
 در لباس خود معلوم است به الله که هرگز شما را زود یاد می کند زنان را و لیکن وعده (نکاح) مدید ایشان را  
 سوا الا ان تقولوا قولكم و فاه و لا تعزموا عقدة النكاح  
 نواح را بگوئید و بپوشید را بپوشید بپوشید و عقد نکاح را  
 بپوشید مگر که گویند سخن موافق راجع شریعت (بپوشید) و عقد نکاح نکاح ایشان را  
 حتى يبلغ الكتاب اجله و اعلموا ان الله يعلم ما في انفسكم  
 تا آنکه رسد مبعود مقرر به نهایت خود و بدانید که خدا می داند آنچه در و لباس شماست  
 تا آنکه رسد مبعود مقرر به نهایت خود و بدانید که خدا می داند آنچه در و لباس شماست  
 فاخذروه و اعلموا ان الله غفور حلیم  
 پس بپوشید از و بدانید که هر آنچه از شما بپوشید بر شماست و نیت بیخ نواحی بر شما  
 پس بپوشید از و بدانید که هر آنچه از شما بپوشید بر شماست و نیت بیخ نواحی بر شما  
 ان طلقتم النساء ما لم تمسوهن او تفرضاوهن فريضة  
 اگر طلاق دادید زنان را و در آن وقت که هنوز دست نرسانیده اید بایشان یا معین نموده اید برائے ایشان مقدار عده  
 اگر طلاق کنید زنان را تا و تمسک مس نموده باشد بایشان یا معین نموده باشد برای ایشان مهر را  
 و متعهوهن على الموسع قدره و على المقتر قدره و متاعا  
 و بهره و برسد این چنین مطلقات را و لازم است بر تو مگر مقدار حال او بر تنگ دست مقدار حال او بهره و دادن  
 و مدید ایشان را چیزی که از آن نفع می گیرند (متعه) بر تو اگر است با اندازه قدرش و بر تنگ دست است با اندازه قدرش چیزی مطلق به  
 بالمعروف و حقا على المحسنين و ان طلقتموهن من  
 بخوبی لازم شده بر نیکوکاران و اگر طلاق داده اید زنان را  
 بقاعده شرع لازم شده بر نیکوکاران و اگر طلاق مدید ایشان را پیش  
 قبل ان تمسوهن و قد فرضتم لهن فريضة ف نصف ما  
 پیش از آنکه دست رسانید بایشان و معین نموده باشد برائے ایشان مقدار عده پس لازم است بر آنچه  
 از آن مس کنید بایشان و هر آنچه مقرر کرده باشد برای ایشان مهر را پس لازم است نصف آنچه  
 فرضتم الا ان يعفون او يعفو الذي سبى عقد النكاح  
 معین کردید مگر آنکه بخشند زنان یا بخشند آن کسی که سبب عقد نکاح  
 مقرر کرده اید مگر که بخشند زنان یا بخشند آن کسی که سبب عقد نکاح

و نیت بیخ نواحی بر شما در آنچه اشارت می کنید به آن از خواستگاری زنان یا پنهان داشتید



فلان مخرج گوید این  
آیت نزدیک ظهور من  
است باینکه از این  
عشره الله اعلم  
فلان مخرج گوید این  
قرن از این اسرائیل  
بودند که از ترس با یهود  
و نسطور آنگاه انجیل  
یکبار هلاک شدند باز  
بعد از حقیق زندگانی  
یا فخره الله اعلم  
تفسیر عثمانی  
عنه برگاه نماز جنگ  
یا از دشمنی ترسیدند و  
پلاده در حالیکه قوت  
نکین باشد در حال  
سوار و پاشا به هم  
می توانند نوازند اگر  
روی شاهان باشد  
عنه این حکم در ادب  
بود اما تفسیر آیت  
میراث خود آمد و هر  
زنان معین گردیدند  
زنان چهارم و ده روز  
قوله داده شد حکم این  
آیت خروج کرده است  
اگر این زنان برضای  
خویش بمانند  
یکسال از خانه  
خارج شوند  
و از آن درین باب  
برشانی نیست اگر  
آنها در حق خود مطلق  
شرع را رها کنند  
توانند شوهر کنند یا  
زنی بپوشند و غرض  
استحسان نماید  
در آیت سابقه عقول  
حکم لباس دادن به  
آن طلاق آمده است  
نه هرگاه شتر باشد  
و نه از جنس کرده  
باشد و این آیت حکم  
ذکر عادت گرامی  
قد فرق است که لباس  
کامل دادن به زنان  
مطلقه است نه لازم و در صورت اول ضروری باشد

وَأَنْ تَعْبُوا أَقْرَبَ لِلتَّقْوَىٰ وَلَا تَنْسُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ إِنَّ اللَّهَ

و آنکه در گذاردید نزد یک تراست به پند هر گاری و فراموش کنید احسان کردن و رحمان خویش بر آینه حسد

بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ۝ حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ

به آنچه می کنید بینا است نگهدارید بر هر نماز و نماز میانی خصوصاً بر نماز عصر

وَقَوْمُوا إِلَهِ قَنِينَ ۝ فَإِنْ خِفْتُمْ فِرْجَالًا أَوْ رُكْبَانًا فَإِذَا

و با کسی که بر سر خداوند برادر شده پس اگر ترسیدید یعنی از عدد و مانند آن پس روان بر پا ایستاد خود نماز گزارید یا سواره پس بخوابید

أَمِنْتُمْ فَأَذْكُرُوا اللَّهَ كَمَا عَلَّمَكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ ۝

این شوید پس یاد کنید خدا را چنانکه آموخته است شما را آنچه نمی دانستید

وَالَّذِينَ يَتَّقُونَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا وَصِيَّةً لِأَزْوَاجِهِمْ

و آنانکه قیض روح ایشان کرده شود از شما و بگذارند زنان را لازم کرده شد بر ایشان وصیت کردن بر زنان خویش

مَتَاعًا إِلَى الْحَوْلِ غَيْرِ إِخْرَاجٍ فَإِنْ خَرَجْنَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ

آنگاه بپوشانند تا یکسال خبر بر آورده نشود یعنی بپوشانند پس اگر بیرون روند پس گناه نیست بر شما

فِي مَا فَعَلْنَ فِي الْفُسْهِنِ مِنْ مَّعْرُوفٍ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ۝

در آنچه کردند در حق خویش از کار پسندیده یعنی نواحی بطور شرع و خدا غالب استوار کار است و

لِلَّهِ طَلَقُ مَتَاعٍ بِمَا لَمْ يَكُنْ لَكُمْ طَلَقٌ ۝ كَذَلِكَ

و برای زن طلاق لازم است به و مندرج است به طلاق یعنی نفقه و سکنی لازم کرده شد بر پدر بزرگواران همچنین

يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ۝ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ

بیان می کند خدا برای شما احکام خود را تا باینکه شما بفهمید

خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ النُّبُوتِ فَقَالَ

بیرون آمدند از خانه های خود و ایشان هزاران بودند از بیم مرگ پس گفت

لَهُمُ اللَّهُ مَوْتُوا فَمَا شَأْنُهُمْ إِنَّ اللَّهَ كَذُوفٌ فَضْلٌ عَلَى

ایشان را خدا نمیرد باز زنده گردانید ایشان را هر آنچه خدا صاحب بخشایش است

النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ ۝ وَقَاتِلُوا فِي

مردان و لکن بیشتر مردم از ایشان سباس نمی کنند و جنگ کنید در

سَبِيلِ اللَّهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ۝ مَنْ ذَا الَّذِي

راه خدا و بداند که خدا شنوا داناست کیست آنکه

راه خدا و بداند که هر آنچه خدا نیک شنوا داناست کیست آنکه



عنه چون روشن شد  
که حیات و دارائی شما  
بمردم قدرت خدا  
مختص است بر شماست  
که در راه خدا در راه  
دین با کافران جنگید  
آگاه باشید خدا  
مستحقان مردم بهانه  
جای خود را می شود و بر  
نیات و ادوات آنها  
آگاه است و در راه خدا  
آنچه در پیدای کند  
از بیخوابی و تنبلی  
بهر کسی که در راه  
مردم اختیار خداست  
و هر کسی را بازمی  
گرداند قرض حرام است  
که قرض و نهاده تقاضا  
نکند و قرض و نهاده  
نگذارد و عوض نشاند  
و بدین وجه از شر  
این بابت قرض حرام  
دادن در جهاد صرف  
نمودن و در محاسن  
دینی و دنیایان صدق  
است و از این  
قدر ثابت میگردد که بسط  
و تقیض و فراخی و تنگی  
در قدرت خدا است یعنی  
تنها او توانمند است و  
شایسته و پادشاهی  
راست و اگر اندانان  
را قوت دهد و اقویا  
را بحدود سازه و  
بهر از حضرت موسی  
مدتی کار بی اسرائیل  
منتظر بود چون نیت  
و از گنجه جلالت نام  
پادشاه کافری بران با  
مسئله گردید و آنها را  
از شیر برون کرد تا علاج  
نمود اسرائیل و غلام  
گردانید یعنی اسرائیل  
عزیزند و به بیت المقدس  
فرام آید و در آن وقت  
حضرت موسی علیه السلام

يَقْرِضُ اللَّهُ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَعِفُهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ  
وامداد دهد خدا وام دادن نیک پس دو چند سازد خدا آن مال را بر آنکه او بخواهد بسیار و خدا تنگ می سازد  
قَرْضًا دُونَ الَّذِي قَرْضُوهُ يَكُونُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَسَبْحًا  
قرض دیگر از آن قرض که شما قرض می گیرید و آنرا در روز قیامت بر او ضربه می زنند و آنرا بسیار می گردانند و آنرا برای او بخواهد بسیار و خدا تنگ می سازد  
وَيَبْصُرُ وَ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ۝ أَلَمْ تَرَ إِلَى الْمَلَكِ مِنْ بَنِي إِسْرَءِيلَ  
و مشاهده می کند روزی را و بسوی او باز گردانیده شود و آنرا بپسوند و بسوی او باز گردانیده می شود و آنرا بپسوند و بسوی او باز گردانیده می شود و آنرا بپسوند و بسوی او باز گردانیده می شود  
وَمُوسَى إِذْ قَالَ لِلنَّبِيِّ لَهُمْ ائْتِنِي بِمِثْقَالٍ نَقِيرٍ ۝ فَنَبَذْنَاهُ فِي سَبِيلِ  
و موسی چون گفت مرا بیاور یک مثقال خردل را که بر من است بر آنکه مایه شعله تا جنگ کنم در راه  
اللَّهُ قَالَ هَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ كَتَبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ أَلَّا تُقَاتِلُوا قَالُوا  
خدا گفت ای پیغمبر آیا تو می خواهی که من را حکم شود بر شما جنگ آنکه جنگ نکنید گفتند  
وَمَا لَنَا أَلَّا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَدْ أَخْرَجَنَا مِنْ دِيَارِنَا وَأَبْنَاءِنَا  
و چه شد ما که جنگ نکنیم در راه خدا و چه تحقیق بیرون کرده شدیم از خانه های ما و پسران ما  
فَلَمَّا كَتَبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ تَوَلَّوْا إِلَّا قَلِيلًا مِمَّنْ هُمْ ۝ وَاللَّهُ عَالِمُ  
پس آنگاه که واجب کرده شد بر ایشان جنگ رو گردانیدند مگر اندکی از ایشان و خدا دانایان است  
بِالظَّالِمِينَ ۝ وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ  
و گفت مرا ایشان را پیغمبر ایشان را آید خدا پادشاه مقرر کرده است بر آنکه شما  
طَاوُتَ مَلِكًا قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمَلَكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ  
طاووت را گفتند چگونگی باشد او را پادشاهی بر ما و ما  
أَحْسَنُ بِالْمَلِكِ مِنْهُ وَلَمْ يَكُنْ مِنْ سَعَةِ الْمَالِ قَالُوا  
سزاوارتریم به پادشاهی از او و او دانه شده است و دیرا فراخی از مال گفت هر یک  
اللَّهُ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ  
خدا برگزیده است او را بر شما و او دانه است او را فراخی در دانش و اخلاقی در بدن  
وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَلِكَةً مِّنْ يَّشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ۝  
و خدا می داند پادشاهی خود را به هر که خواهد و خدا بخواد و خدا دانایان است و  
أَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ  
گفت ایشان را پیغمبر ایشان را آید نشانه پادشاهی او آنست که بیاید بشما صندوق که  
فِيهِ سَكِينَةٌ مِّنْ رَبِّكُمْ وَبَقِيَّةٌ مِّمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَى  
در آن آرام و است از پروردگار شما و بقیه از آنچه آل موسی  
بِغَيْرِ مَوَظِعٍ ۝

پیغمبر موسی اسرائیل را گفت پادشاهی بر ما مقرون تا با وی اتفاق کرده و در راه خدا جهاد نماید







عالمین جنت میں  
 خدا کا ہر شے پس گویا  
 ہر کون نیست  
 اگر فی الجملہ  
 باشد و اللہ اعلم  
 تفسیر عثمانی  
 علی و ابن سورہ  
 حضرت امی و مرثیہ  
 و مملات احکام کثیرہ  
 بیان خودہ کہ تعیل  
 آن ہر نفس ناگوار  
 و دشوار است۔ اما  
 نسبت بہ ہر اعمال  
 ہر کار جان و دین  
 مال و حق نری باشد  
 و اگر احکام الہی کہ  
 اوردہ میشود یا بجان  
 تعیل داند یا بجان  
 آری محبت جان و  
 مال و بدن را بہ  
 گناہی آنگذرد  
 بستی باین دو امر  
 چتر گمان است  
 و بجات از آن بر طاعت  
 را بر انسان آسان  
 می گرداند از این جاست  
 کہ بیان از بیان احکام  
 بیان قتال و انفاق  
 مناسب است قاتلو  
 فی سبیل اللہ الخ  
 بیان اولی من الذل  
 یقرض الذل فضاخا  
 بیان امرائی است  
 بعد از آن تعطلات  
 بیان اولی را تا کہ  
 فرمودہ و اکنون بواسطہ  
 انفقوا امارت فقام  
 تاکید شق ثانی منظور  
 است۔ چوں بسیاری  
 از امور عبادات و  
 معاملات بر انفاق  
 مال مشغول است مفضل  
 و مکر بیان کردہ شد  
 چنانکہ کوغ آئندہ  
 اگر از امرائی یعنی از  
 بدل مال بحث میراند

**تلك الرسل فضلنا بعضهم على**  
 این پیغمبران فضل دادیم بعضی را از ایشان بر  
 بعضی از ایشان کیست کہ باو سخن گفت خدا بلند کرد بعضی را دیرتر با و دادیم پس مرثیہ را  
 بعضی از ایشان کیست کہ باو سخن گفت خدا بلند کرد بعضی ایشان را مرثیہ با و دادیم پس مرثیہ را  
**بعض منهم من كلم الله ورفع بعضهم درجات**  
 بعضی از ایشان کے بہت کہ باو سخن گفت خدا بلند کرد بعضی را دیرتر با و دادیم پس مرثیہ را  
**وايذنه بروج القدس ولو شاء الله ما اقتتل الذين من**  
 و وقت دادیم اورا بروج القدس و اگر خواست خدا یا یکدیگر نمی جنگیدند کسانیکہ  
 پیغمبر ہای مزج و وقت دادیم اورا بروج القدس (جبرئیل) و اگر خواست خدا جنگ نمی کردند آنانیکہ  
**بعدهم من بعد ما جاءتهم البينات ولكن اخذوا فيهم من امن**  
 بعد از پیغمبران بودند پس از آنکہ آمد بایشان بچہا و لیکن اخذات کردند پس از ایشان کے بہت کہ ایمان آورد  
 از پیغمبران بودند پس از آنکہ آمد بایشان را حکم بای روح و لیکن اخذات کردند پس از ایشان کے بہت کہ ایمان آورد  
**ومنهم من كفر ولو شاء الله ما اقتتلوا ولكن الله يفعل ما يريد**  
 و از ایشان کے بہت کہ کافر شد و اگر خواست خدا یا یکدیگر نمی جنگیدند و لیکن خدا می کند آنچه می خواهد  
 و از ایشان کے بہت کہ کافر شد و اگر خواست خدا یا یکدیگر نمی جنگیدند و لیکن خدا می کند آنچه می خواهد  
**يا ايها الذين امنوا اتقوا ما رزقكم من قبل ان ياتيكم يوم لا بيع فيه**  
 ای مسلمانان خراج کنید از آنچه روزی دادیم شما را پیش از آنکہ بیاید روز کہ نہ خرید و نہ فروخت دان  
 ای مسلمانان خراج کنید از آنچه روزی دادیم شما را پیش از آنکہ بیاید روز کہ نہ خرید و نہ فروخت دان  
**ولا خلة ولا شفاعة وهم الظالمون**  
 و نہ دوستی و نہ سہارشی و نہ در خواستی و نہ کافران ایشانند ظالمان خدا بیج محمود نیست و نہ دوستی  
 و نہ دوستی و نہ در خواستی و نہ کافران ایشانند ستم کاران اللہ نیست باج معبودی جزوی  
**الحق القيوم لا تاذنه سنة ولا نوم له ما في السموات وما في**  
 زنده است تدبیر کننده عالم نمی خورد و نہ می خوابد و نہ خواب و نہ است از آنکہ در آسمان است و آنکہ در  
 زنده است تدبیر کننده عالم نمی خورد و نہ می خوابد و نہ خواب و نہ است از آنکہ در آسمان است و آنکہ در  
**الارض من ذا الذي يشفع عنده الا باذنه يعلم ما بين ايديهم**  
 زمین است کیست آنکہ شفاعت کند نزد یک ادا را مہمانند آنکہ پیش دست ایشان است  
 زمین است کیست آنکہ شفاعت کند نزد یک ادا را مہمانند آنکہ پیش دست ایشان است  
**وما خلفهم ولا يحيطون بشئ من علمه الا بما شاء وبمعه كرسيه**  
 و آنچه پس پشت ایشان است و نہ می بیند مردمان از معلومات حق چہیزہ است و نہ می بیند مردمان از معلومات حق چہیزہ است  
 و آنچه پس پشت ایشان است و نہ می بیند مردمان از معلومات حق چہیزہ است و نہ می بیند مردمان از معلومات حق چہیزہ است  
**السموات والارض ولا يحوده حفظهم وهو العلي العظيم**  
 آسمان و زمین را و نہ می شمارد و نہ می شمارد نگہبانی این ہر دو داد بلند مرتبہ بزرگ قدر است عظیم  
 آسمان و زمین را و نہ می شمارد و نہ می شمارد نگہبانی این ہر دو داد بلند مرتبہ بزرگ قدر است عظیم  
**اكره في الدين قد تبين الرشد من الغي فمن يكفر بالكفر**  
 اگر ہر کون برانہ دین غل ہر آئینہ ظاہر شدہ است راہی از گمراہی پس ہر کہ منکرت شود  
 اگر ہر کون برانہ دین غل ہر آئینہ ظاہر شدہ است راہی از گمراہی پس ہر کہ منکرت شود  
**يومن بالله فقد استمسك بالعروة الوثقى لا انفصام لها والله**  
 ایمان آورد بخدا پس بر آئینہ چنگ زدہ است بہ دست آویزی محکم کہ نیست گسستن  
 ایمان آورد بخدا پس بر آئینہ چنگ زدہ است بہ دست آویزی محکم کہ نیست گسستن  
 ایمان آورد بخدا پس بر آئینہ چنگ زدہ است بہ دست آویزی محکم کہ نیست گسستن

ظاہر تقدیر آنست کہ وقت علی بین دنیا است و در آن جهان اعمال را کسی نمی پوشد و نہ دینی بدو کہ کسی شفاعت و دیگری جہان نمی یابد تا و نہ خداوند آنرا نجات ندہد۔



فلنعم بكم مستحق  
 لنفتم راسه كرام و  
 كس را كه مستحق گفتن  
 نيست ميكنم ان شاء الله  
 و من ترجم گويد آن  
 شخص جز بر بود  
 تفسير عثمانى  
 مقلين شخص  
 حضرت عزير بود كه  
 تمام نورات را حفظ  
 داشت و در ميان  
 اسراى مختصر بود  
 كه دوى پادشاهى  
 كافر بود و بيت المقدس  
 را درين كرده  
 از بنى اسرائيل اسراى  
 زياد باغوش برده بود  
 عزير چون انصارت  
 را بايافت و جانب  
 دهن خوش روان شد  
 در راه شهرى ويران  
 و محروم و نظر او را جلب  
 كرد با خود گفت خدا  
 چگونه ساكنان اين  
 جا را كه همچو منم  
 شده اند بفرستد  
 بخشد و اين شهر  
 ديوان را آبادان نمايد  
 روح دوى و را بخافى  
 شود خوش مرد و قاصد  
 سال در آن حال ماند  
 و كسى را پادشاه  
 مرد نيافت و از آن حال  
 او خبرى نشد مختصر  
 نيز در اين حال مرد  
 و پادشاه ديگرى  
 بيت المقدس را  
 آباد كرد و آن شهر  
 را نيز تير نمود عزير  
 بعد از همدسال جان  
 يافت آب و تان او  
 چون سابق و پير پيش  
 نهاده بود خدا و كرمه  
 و استخوانهايش بوسيد  
 و در او افتاد و در پيش  
 نگاه دوى زنده گردانيد  
 شد حدودان اين همدسال بنى اسرائيل كه از اسارت نجات يافته بودند و آن شهر ساكن شده بودند چهل حضرت عزير زنده شد شهر را آبادان يافت

سَمِيعٌ عَلَيْهِمُ اللَّهُ وَفِي الَّذِينَ آمَنُوا يَخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ

مؤمنان است بپروى آرد ايشان را از تاريكيها بسوسه

الَّذِينَ كَفَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ يَخْرِجُهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

كافران كه سازان ايشان بتاند بپروى آرد ايشان را از روشنى

الَّذِينَ كَفَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ

كافران كه سازان ايشان بتاند بپروى آرد ايشان را از روشنى

الَّذِي حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ أَنْتَهُ اللَّهُ الْمَلِكُ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّى

كه كه ملايمه كرد يا ابراهيم در باب پروردگار او و مقابل آخرداد او خدا پادشاهى بپوشد گفت ابراهيم پروردگار من

الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ قَالَ أَنَا الْحَيُّ وَأُمِيتُ قَالَ إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي

آهست كه زنده مى كند و مى ميراند گفت آن كافر من زنده مى كند و مى ميراند گفت ابراهيم پس بر آيينه خداى آرد

بِالشَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِيَهُمَا مِنَ الْمَغْرِبِ بَيَّضَ الَّذِي كَفَرَ وَاللَّهُ

آفتاب را از مشرق پس تو بپاراى را از طرف مغرب پس مغلوب شد كافر و خدا

لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ

راه نمى نمايد گروه ستمگران را يا نديدى اين شخص را كه گذشت بر روستاى وى و او خفته بود

عَلَى عُرُوشِهِمْ قَالَ أِنِّى يُحْيِي هَٰذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهِ فَأَمَاتَ اللَّهُ بَنِي عَادٍ

بر سقفهاى خود گفت چگونه زنده كند اين را خدا بعد مردن اين پس مرده گرد او را خدا استغنى حدسال

ثُمَّ بَعَثْنَا قَالَ كَمْ لَيْتَ لَكَ قَالَ لَيْتَ يَوْمًا أَوْ بَعْضُ يَوْمٍ قَالَ بَلْ

بعد از آن براى بخشش گفت چه قدر درنگ كردى گفت درنگ كردم يك روز يا چاره از روز گفت بلكه

لَيْتَ فَاِنَّ عَامٍ فَانْظُرْ إِلَى طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّوْا وَانْظُرْ إِلَى

درنگ كردى حدسال پس بر بين بسوسه طعام خود و آشاميدنى خود كه متغير نشده و بين بسوسه

جَمَارٍ لَهُمْ وَلِيَجْعَلَكَ آيَةً لِّلنَّاسِ وَانْظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِئُهَا ثُمَّ

در از كوش خود و بخوانيم كه گردانيم ترا نشانه براى مردمان و بين بسوسه استخوانها چگونه بخشى مى و بيم آن را بعد از آن

نَكْسُوهُمُ الْحَمَاحَ فَلْيَسْتَبِينَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

مى پوشانيم بر آن گوشت را پس چون شد اين حال گفت بيقين مى دانم كه خدا بر هر چيز توانا است

إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّى ارْنِى كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَى قَالَ أُولَئِكَ ثُمُومٌ قَالَ بَلَىٰ وَ

انگاه كه گفت ابراهيم اسه پروردگار من بخمار چگونه زنده ميكنى مردگان را گفت خدا اكنيا ياور نداشته گفت آرسه باور داشته ام

يَا دُرِّ جَوْنٍ لَقَدْ كُنْتُمْ أَفْوَاحًا بَلَدًا خَالٍ يَوْمَ بَعَثْنَا فِي هَٰذِهِ أُمَّةً مِّنْ قَبْلِكَ لِيُظْهِرَ أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْمَوْتَىٰ

يا درى جوانى بلكه تو بودى دهان يابى و در روزى كه ما را بپروى آرد ايشان را از روشنى



لَكِنْ لِيُطْمَئِنُّ قُلُوبُكُمْ قَالَ فَخُذُوا رِجْعَةً مِّنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكُمْ ثُمَّ اجْعَلُوا

ببین می نادم که آدم کرد دل من دل گفت خدا پس یک چهار تن از پند چون پس بهم آورید هر نزدیک خود بعد از آن بگذرد  
یعنی می خواهم که آرام کرد دل من گفت پس یک چهار تن از پند گان را پس بهم آور آنها را نزدیک خود پس بگذرد

عَلَى كُلِّ جَبَلٍ مِّنْهُنَّ جُزْءٌ مِّمَّا دَعَمْتُمْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اللَّهُ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ

بر هر کوهت پاره از ایشان بعد از آن خدا کن ایشان را البته بیاید پیش توشتان و بدانید که خدا  
بر هر کوه از ایشان یک پاره پس بخوان ایشان را می آیند نزد توشتان و بدانید که خدا

عَزِيزٌ حَكِيمٌ مِّثْلُ الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمِثْلِ

غالب و حکمت است مثالی آنکه خرج می کنند اموال خود را در راه خدا مانند  
غالب و حکمت است مثالی آنکه خرج می کنند اموالشان را در راه خدا مثالی

حَبَّةٍ أُنْتِجَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِّائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَعِفُ

صفت بی دانه است که برویاند هفت خوشه را در هر خوشه صد دانه است و خدا دو چندی دهد  
یک دانه است که برویاند هفت خوشه را در هر خوشه صد دانه و الله مضاعفی کند

لِمَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي

برای کسی که خواهد و خدا بسیار بخشنده و داناست آنکه خرج می کنند اموال خود را در  
برای کسی که خواهد و خدا بسیار بخشنده و داناست کسی که خرج می کنند اموالشان را در

سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يَتَّبِعُونَ مَأْنَفَقًا مِّنْهُمَا وَلَا أَذَى لَّهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ

راه خدا باز از پی آن اتفاق نمی آید منت نهادن راه و انداختن سبیل را ایشان راست در ایشان نزدیک  
پس از پی نمی آید آن چیزی را که نفقه کرده اند متقی و از آزاری مر ایشان راست ثواب ایشان نزد

رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ

پند و گوارش و نیست ترس بر ایشان و ایشان اندک بگین شود سخن عالم گفتن و هرگز نشستن و  
پند و گوارش و نیست ترس بر ایشان و ایشان نمی شوند سخن نیک بر زنی گفتن و هرگز نشستن

خَلِيمٌ يَتَّبِعُهُمُ الْآذَى وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَلِيمٌ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

بهر است از آن خیرات که از پی آن آزرده کردن باشد خدا بی نیاز بر داری است ای  
بهر است از آن خیرات که در پی باشد آزار آردی و خدا بی نیاز پس مقل است ای

أَمْوَالًا تَبْطُلُوا بِهَا نَفْسًا وَالَّذِي كَاذِبٌ يَنْفِقُ مَالَهُ

بموتان تمام کند خیرات خود را نکند نهادن و آزرده کردن آنچه کسی که کاذب است و مقل  
بموتان تمام کند خیرات خود را بر منت و آزار مانند آنچه خرج می کند مال خود را

رَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ كَمِثْلِ صَفْوَانٍ

برای نون مردمان و ایمان ندارد بخدا و روز قیامت پس صفت او مانند صفت سنگ صاف است  
برای نون مردمان و ایمان نمی آورد و روز قیامت عه (پس) امثال آن چون مثال سنگ صاف است

عَلَيْهِ رَأْبٌ فَاصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ فِيمَا

بر روی او اندک خاک پس رسد بوی باران عظیم پس گذاشت او را سخت و صاف مانده توانائی ندارد برای ربا بر چسب آید  
که بر او اندک خاک (پس) برسد او را بارانی شدید پس بگذارد او را صاف را از گرد خاک قدرت نمی یابند برای چیزی از آنچه

كَسْبُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ وَمِثْلُ الَّذِينَ يَنْفِقُونَ

علی کردند و خدا راه نمی نماید گروه کافران را و صفت آنکه خرج می کنند  
علی کردند و خدا هدایت نمی کند کافران را عه و مثالی آنکه خرج می کنند

أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَثْبِيتًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ كَمِثْلِ حَبَّةٍ بَرْبَةٍ

باها خوش را از جهت طلب رضا مندی خدا و بسبب اعتقاد ناسته از دل خویش مانند صفت با نیست مکان بلند  
و بسبب شان از جهت طلب رضای خدا و برای قیامت و یقین که صادر شد از نفس های شان چنانست اندک با می دیک بگذری

ثَابِتَةٍ كَمِثْلِ حَبَّةٍ بَرْبَةٍ

ثابت و پند و گوارش و نیست ترس بر ایشان و ایشان اندک بگین شود سخن عالم گفتن و هرگز نشستن و  
ثابت و پند و گوارش و نیست ترس بر ایشان و ایشان نمی شوند سخن نیک بر زنی گفتن و هرگز نشستن

ثَابِتَةٍ كَمِثْلِ حَبَّةٍ بَرْبَةٍ

ثابت و پند و گوارش و نیست ترس بر ایشان و ایشان اندک بگین شود سخن عالم گفتن و هرگز نشستن و  
ثابت و پند و گوارش و نیست ترس بر ایشان و ایشان نمی شوند سخن نیک بر زنی گفتن و هرگز نشستن

ثَابِتَةٍ كَمِثْلِ حَبَّةٍ بَرْبَةٍ

ثابت و پند و گوارش و نیست ترس بر ایشان و ایشان اندک بگین شود سخن عالم گفتن و هرگز نشستن و  
ثابت و پند و گوارش و نیست ترس بر ایشان و ایشان نمی شوند سخن نیک بر زنی گفتن و هرگز نشستن

ثَابِتَةٍ كَمِثْلِ حَبَّةٍ بَرْبَةٍ

ثابت و پند و گوارش و نیست ترس بر ایشان و ایشان اندک بگین شود سخن عالم گفتن و هرگز نشستن و  
ثابت و پند و گوارش و نیست ترس بر ایشان و ایشان نمی شوند سخن نیک بر زنی گفتن و هرگز نشستن

ثَابِتَةٍ كَمِثْلِ حَبَّةٍ بَرْبَةٍ

ثابت و پند و گوارش و نیست ترس بر ایشان و ایشان اندک بگین شود سخن عالم گفتن و هرگز نشستن و  
ثابت و پند و گوارش و نیست ترس بر ایشان و ایشان نمی شوند سخن نیک بر زنی گفتن و هرگز نشستن

ثَابِتَةٍ كَمِثْلِ حَبَّةٍ بَرْبَةٍ

ثابت و پند و گوارش و نیست ترس بر ایشان و ایشان اندک بگین شود سخن عالم گفتن و هرگز نشستن و  
ثابت و پند و گوارش و نیست ترس بر ایشان و ایشان نمی شوند سخن نیک بر زنی گفتن و هرگز نشستن

ثَابِتَةٍ كَمِثْلِ حَبَّةٍ بَرْبَةٍ

ثابت و پند و گوارش و نیست ترس بر ایشان و ایشان اندک بگین شود سخن عالم گفتن و هرگز نشستن و  
ثابت و پند و گوارش و نیست ترس بر ایشان و ایشان نمی شوند سخن نیک بر زنی گفتن و هرگز نشستن

ثَابِتَةٍ كَمِثْلِ حَبَّةٍ بَرْبَةٍ

ثابت و پند و گوارش و نیست ترس بر ایشان و ایشان اندک بگین شود سخن عالم گفتن و هرگز نشستن و  
ثابت و پند و گوارش و نیست ترس بر ایشان و ایشان نمی شوند سخن نیک بر زنی گفتن و هرگز نشستن

ثَابِتَةٍ كَمِثْلِ حَبَّةٍ بَرْبَةٍ

ثابت و پند و گوارش و نیست ترس بر ایشان و ایشان اندک بگین شود سخن عالم گفتن و هرگز نشستن و  
ثابت و پند و گوارش و نیست ترس بر ایشان و ایشان نمی شوند سخن نیک بر زنی گفتن و هرگز نشستن

ثَابِتَةٍ كَمِثْلِ حَبَّةٍ بَرْبَةٍ

ثابت و پند و گوارش و نیست ترس بر ایشان و ایشان اندک بگین شود سخن عالم گفتن و هرگز نشستن و  
ثابت و پند و گوارش و نیست ترس بر ایشان و ایشان نمی شوند سخن نیک بر زنی گفتن و هرگز نشستن

ثَابِتَةٍ كَمِثْلِ حَبَّةٍ بَرْبَةٍ

ثابت و پند و گوارش و نیست ترس بر ایشان و ایشان اندک بگین شود سخن عالم گفتن و هرگز نشستن و  
ثابت و پند و گوارش و نیست ترس بر ایشان و ایشان نمی شوند سخن نیک بر زنی گفتن و هرگز نشستن



فتح الرحمن

ط مزمم گوید صاحب  
این مثل آنست که عمل  
این اخلاص فائده ها  
می دهد از صاحبان  
باشد یا از اصحاب  
میں ۱۲ و حاصل  
این مثل آنست  
که عمل مثالی  
در وقت شرف اعتقاد  
حظ شود چنانکه بویست  
این شخص در وقت  
شرف اعتقاد بویست  
۱۲ تفسیر عثمانی  
ع مراد زبان  
شاید خرج  
مال بسیار و از  
شبه خرج مال  
انک است شیت  
ولها آن است که  
قلب خویش را برای  
تحصیل ثواب استوار  
نماید یعنی متیقن باشد  
که ضرر به ثواب حقیر  
برخورد میشود اگر  
بیت پاک است  
به صرف مال بسیار  
به ثواب زیاد حاصل  
می گردد و غیرات  
انک نیز نفع دهنده  
و چنانست که بر فراز  
زمین خالص و بلند  
بائی باشد و آن  
هر چه باران بیشتر  
بیاید بارش بیشتر  
مستفی میشود و اگر  
ثبت در دست نیست  
هر قندیل بیشتر فروغ  
شود و زبان بیشتر رسد  
که صرف مال بسیار  
ریا دهنده نانی نیز چنان  
قد زیاد می باشد  
و این چنانست که  
فراوانی و اندکی و به  
و هر چه باران بیشتر  
بیاید زبان بیشتر رسد  
۱۲ بر که را خدا  
نواهد و امور دینی دانای گرداند و در غیرت را نش

اصحابها و ابل فانت اكلها ضعفين فان لم يصبرها و ابل فطرد  
که رسید پس آید و میوه های خود را دو چندان و اگر نمی رسید او را باران عظیم پس شصت کفایت میکرد  
که رسید پس آن باران سخت پس آورد میوه های خود را دو چندان پس هرگز رسید کمتر باران عظیم پس کفایت بود باران عظیم

والله بما تعملون بصير ۵ ايوذا حدكم ان تكون له جنة من  
و خدا آنچه می کنید بینا است و آید دوستی دارد و می دهد از شما که باشد او را باغی از  
و خدا آنچه می کنید یک بیناست ع آید دوست میدارد و می دهد از شما که باشد او را باغی از

نخل و اعناب تجري من تحتها الانهار له فيها من كل الثمرات  
درختان خرم و انگور میرود زیر آن چوبها مراد است در آن بارش هر جنس از میوه ها  
درختان خرم و انگور میرود از زیر درختان آن چوبها مراد است در آن بارش از هر میوه

و صاب الكبر وله ذرية ضعفاء فاصابها اعصار فيه نار  
در سید باشد او را نسل و باشد او را اولاد تا آن پس درین حالت رسید آن بارش را که بادی و در آن شعله است  
در سید باشد او را پیری و باشد او را فرزندان تا نوان (صغار) پس رسید او را اگر بادی که در آن آتش است

فاحترقت كذا الذين الله لكم الايت اعلمكم تتفكرون ۵ يا ايها  
پس پاک سوخت و این را می سازد خدا بر آن شما آیتها تا باشد که متامل کنید و آن  
پس سوخت آن بار را چنانکه ظاهر میگردد و الله بر آن شما آیتها را تا باشد که متامل کنید

الذين امنوا اتقوا من طيبت ما كسبتم و فيما اخرجناكم من  
مومنان خیر کنید از پاکیزه با آنچه کسب کرده اند و از پاکیزه با آنچه بیرون آورده اند و در آن شما  
کسی که ایمان آورده اند خیر کنید از چیزهای پاکیزه آنچه کسب کرده اند و از آنچه بیرون آورده اند ایمان بر آن شما

الارض ولا تيسروا الخبيث منه تنفقون و لستم ياخذون الا ان  
زمین و تعد کنید به چیز ریزی را از آن خرج می کنید آن را و نیستید گریزان از آن و نمیگیرید الا آن  
به چیز ریزی از وی خرج می کنید حال آنکه نیستید گریزان از آن و نمیگیرید الا آن

لغو ضوا فيه و اعلموا ان الله غني حميد ۱ الشيطان يعدكم الفقر  
و چشم را بیهوده روشن کند و بداند که خدا غنی است و چشم را بیهوده روشن کند و بداند که خدا غنی است  
چشم را بیهوده روشن کند و بداند که خدا غنی است و چشم را بیهوده روشن کند و بداند که خدا غنی است

و يامركم بالفحشاء و الله يعدكم مغفرة منه و فضلا ۵ و الله  
و می فرماید به فحشاء و الله می دهد شما را مغفرت و فضل را و الله  
و می فرماید به فحشاء و الله می دهد شما را مغفرت و فضل را و الله

واسع عليهم ۵ يوتي الحكمة من يشاء و من يوت الحكمة فقد  
خداداد است و می دهد دانش را به هر که خواهد و هر که داده شد او را دانش پس بر آینه  
بسیار فضل نیک و داناست می دهد دانش را به هر که خواهد و هر که داده شد او را دانش پس بر آینه

اوتي خيرا كثيرا و ما يذکر الا اولوا الالباب ۵ و ما انفقتم من  
داده شد نیکی بسیار و آنچه یاد می شود مگر خداوندان هستند و آنچه خرج کردید از  
داده شد نیکی بسیار و آنچه یاد می شود مگر صاحبان عقلند و آنچه خرج کردید از

نفقة او نذرتم من نذر فان الله يعلمه ۵ و ما للظالمين من  
خیرات و یا لازم کرده بود بر خود از نذر پس بر آینه خدا میداند آنرا و نیست ستمگران را هیچ  
خیرات یا نذر کردید از نذری پس بر آینه الله میداند آنرا و نیست بر ستمگران از

انصار ۵ ان تبدوا الصدقات فنعما هي ۵ و ان تخفوها  
یاری و بدهد اگر آشکارا کنید خیرات را پس نیکی چیز است آن و اگر پنهان کنید آنرا  
یاری و بدهد آن اگر آشکارا کنید صدقات را پس نیکی چیز است آن و اگر پنهان کنید آنرا

نواهد و امور دینی دانای گرداند و در غیرت را نش

نواهد و امور دینی دانای گرداند و در غیرت را نش

نواهد و امور دینی دانای گرداند و در غیرت را نش

نواهد و امور دینی دانای گرداند و در غیرت را نش



فلا يخفى البصائر  
مطلوب الى الله  
فلا يخفى البصائر  
بجهاد كسب كردن حق  
توانند و انشا الله ۱۳  
فلا يخفى البصائر  
آيت تحریر گرفته باز  
گروانندش لازم نیست  
والله اعلم ۱۴  
يعني بعد از تحریر ۱۵  
تفسير عثمان  
عنه بنو كعبه حضرت  
ابن عمر بن الخطاب و سلم  
اصحاب خود را منع  
فرموده بود كه عداوت  
شان را سواي مسلمانان  
بدین گران ندهند و صلوات  
آن بود كه در میان به  
طرح مال بدین حق  
رعیت نمایند بعد از آن  
با این ثواب و تقی تا كل  
بیشتر بیکه مطلوب شما  
تنها رضای حضرت  
الهی باشد پس این  
ع این آیت  
ع فرموده و حكم  
عام شد كه در راه  
رضای الهی هر كه  
مال و بید به ثواب  
ببخشد آن تا كل می گردد  
مسلم و غیر مسلم تخصیص  
ندارد یعنی بیکسان  
می دهد ضرر نیست  
كه مسلمان باشد  
خداوند باید حاضر بیا  
رضای خدا باشد  
ع داد و ان هدی  
به کسانی ثواب بسیار  
دارد كه در راه خدا و  
امور دین چندان مشغول  
و مقید باشند كه نترسند  
و تنبیه طعام و لباس  
و غیره باز مانند و بکسی  
حاجت ندارند. منند  
اهل صفه كه از احوال  
خبر بودند برای سوسن  
توانند به اهل صفه را

تَوَلَّوْهَا الْفُقَرَاءُ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَيُكَفِّرُ عَنْكُمْ مِنْ سَيِّئَاتِكُمْ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ  
بدید آن را اهل فقران پس این بهتر است شما را و دور سازد از شما بعضی گناهان شما و خدا  
پسید آن را اهل فقران پس او بهتر است شما و دور سازد از شما بعضی گناهان شما و خدا  
يَا تَعْمَلُونَ خَيْرًا ۝ لَيْسَ عَلَيْكُمْ هُدُوءٌ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ ۝ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ  
آیت می کنید آگاه است لازم نیست بر تو احوال بدایت ایشان و لیکن خدا هدایت می کند هر که را  
بر آنچه می کنید آگاه است لازم نیست بر تو احوال بدایت ایشان و لیکن خدا هدایت می کند هر که را  
يَسْأَلُكُمْ وَمَا تَنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَا يُقْصِرْكُمْ وَتَنْفِقُونَ إِلَّا ابْتِغَاءَ  
نی خواهد و آنچه خرج کردید از مال هیچ برای ذات شماست و لا تقصیرت که خرج کنید مگر برای طلب  
نی خواهد و آنچه خرج کردید از مال هیچ برای ذات شماست و لا تقصیرت که خرج کنید مگر برای طلب  
وَجْهَ اللَّهِ وَمَا تَنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ يُوَفِّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ ۝  
روزی خدا و آنچه خرج کردید از مال تمام رسانیده شود بسوی شما و شما ستم کرده نخواهید شد  
رضای الله و آنچه خرج می کنید از مال تمام رسانیده میشود بسوی شما و شما ستم کرده نخواهید شد  
لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أَحْصَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا  
فقرات برای آن فقرات است که بند کرده شدند در راه خدا و لا تقصیرت که خرج کنید مگر برای طلب  
فقرات برای آن فقرات است که بند کرده شدند در راه خدا و لا تقصیرت که خرج کنید مگر برای طلب  
فِي الْأَرْضِ يُحْسِبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ  
در زمین تو نمی شناسی ایشان را نادانان بسبب طمع نه کردن  
در زمین تو نمی شناسی ایشان را نادانان بسبب طمع نه کردن  
يَسْمِعُهُمْ لَا يَسْمَعُونَ النَّاسُ الْأَحْقَابُ وَمَا تَنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ  
بقیة ایشان سوال می کنند از مردمان با کمال و آنچه خرج کنید از مال پس بر آینه  
ایشان را بخیر و ای ایشان سوال می کنند از مردم به کمال و آنچه خرج کنید از مال پس بر آینه  
اللَّهُ بِهِ عَلَيْهِمُ الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا  
خدا بدان انا است کسانی که خرج می کنند احوال خویش شب و روز پنهان و  
خدا بدان انا است کسانی که خرج می کنند مال بای خود را در راه خدا به شب و روز پلوشیده و  
عَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ۝  
آگاه را پس ایشان را است ثواب ایشان نزد پروردگار ایشان و نیست ترس بر ایشان از ایشان خدا بدین شنود  
آگاه را پس ایشان را است ثواب ایشان نزد پروردگار ایشان و نیست ترس بر ایشان از ایشان خدا بدین شنود  
الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا أَلَّا يَكْفُومَ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ  
کسانی که بخورند سود را بر نمی خیزند یعنی از گردن مگر چنانکه بر می خیزد و بگویند ساخته است او را  
کسانی که بخورند سود را بر نمی خیزند یعنی از گردن مگر چنانکه بر می خیزد و بگویند ساخته است او را  
الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا ۝  
شیطان بسبب آسبیدن این به آن سبب است که سود خواران گفتند جز این نیست که سود اگر می مانند سود و اگر فرق است  
شیطان بسبب آسبیدن این به آن سبب است که سود خواران گفتند جز این نیست که سود اگر می مانند سود و اگر فرق است  
وَاحِلَ اللَّهِ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ  
و حلال کرده است خدا سود اگر می را حرام ساخته سود را پس کسی که آمد بوی پند از جانب پروردگار او  
و حلال کرده است خدا سود اگر می را حرام ساخته سود را پس کسی که آمد بوی پند از جانب پروردگار او  
فَأَنْتَ هِيَ فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ  
پس باز مانند این کار پس او است آنچه گذشت و کار او موقوف است به خدا و هر که باز گشت سود خوار می پس آن گروه باشند گان  
پس باز مانند این کار پس او است آنچه گذشت و کار او موقوف است به خدا و هر که باز گشت سود خوار می پس آن گروه باشند گان

البقرة  
فلا يخفى البصائر  
مطلوب الى الله  
فلا يخفى البصائر  
بجهاد كسب كردن حق  
توانند و انشا الله ۱۳  
فلا يخفى البصائر  
آيت تحریر گرفته باز  
گروانندش لازم نیست  
والله اعلم ۱۴  
يعني بعد از تحریر ۱۵  
تفسير عثمان  
عنه بنو كعبه حضرت  
ابن عمر بن الخطاب و سلم  
اصحاب خود را منع  
فرموده بود كه عداوت  
شان را سواي مسلمانان  
بدین گران ندهند و صلوات  
آن بود كه در میان به  
طرح مال بدین حق  
رعیت نمایند بعد از آن  
با این ثواب و تقی تا كل  
بیشتر بیکه مطلوب شما  
تنها رضای حضرت  
الهی باشد پس این  
ع این آیت  
ع فرموده و حكم  
عام شد كه در راه  
رضای الهی هر كه  
مال و بید به ثواب  
ببخشد آن تا كل می گردد  
مسلم و غیر مسلم تخصیص  
ندارد یعنی بیکسان  
می دهد ضرر نیست  
كه مسلمان باشد  
خداوند باید حاضر بیا  
رضای خدا باشد  
ع داد و ان هدی  
به کسانی ثواب بسیار  
دارد كه در راه خدا و  
امور دین چندان مشغول  
و مقید باشند كه نترسند  
و تنبیه طعام و لباس  
و غیره باز مانند و بکسی  
حاجت ندارند. منند  
اهل صفه كه از احوال  
خبر بودند برای سوسن  
توانند به اهل صفه را



عنه منافعی که از سود

بدست آید خدا را

تباری کند یعنی برکت

تبار و بلکه سرمایه را نیز

از میان می برد و حیث

آنها که مال برترند سود

زیاده گردد و اینجا مش

افلاس است و مراد

از زیاده شدن مال و غیره

آنست که خدا متعلق

در آن برکت می بیند

و ثوابش را می افزاید

چنانکه در احادیث مذکور

است عنه مقصد آنست

که سود غوار شود و متعلق

قدیم عیون که شخص

محتاج را بدو سود

توض میداد اگر چه براد

لازم بود که او را بطریق

غیرت میداد و مالکری

پیش ازین چه باشد

سه اول تفصیل خبر

و هدایت احکام آن

بیان گردید ثانیا قیو

حزمت سود که مرشد

اکنون بیان مسلمات

توض است از این آیت

معلوم میشود که ۳۸

گرفتن قرض و عهده

ادای آن در

وقت مهین جائز است

چون مسلم قرض آید

متعلق است در آن

نیسان و خلاف و

نرخ احتمال دارد باید

معاذ مهین شود و چندان

اجمالی آید که آینده

موجب اختلاف و

منازعت نشود باین

صورت که موضوع بقیه

کتابت در آید و موعده

مهین گردد اساس

مسائل ازان و تفصیل

مسائل صاف و واضح

در آن مجتهد شود

نویسنده انبار نوروز

شرع و انصاف در هر

داشته بنویسد باید

باید باین خود بنویسد

و یا غرض کتابت

گوید در حق دیگران

بقدر یک ذره نقصان

نرساند

النَّارَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿۲۸﴾ يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ

دور خند ایشان در اینجا جا بداند تا بود میسازد خدا برکت سود را افزون میساخت برکت خیرات را و خدا

دور خند ایشان در اینجا جا بداند تا بود میسازد خدا برکت سود را افزون میساخت برکت خیرات را و خدا

لَا يَجِبُ كُلُّ كَفَالَةٍ إِثْمٍ ﴿۲۹﴾ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ

دوست ندارد بر ناسپاس گنهار را بر آینه گسایند ایمان آورده اند و کردند کارهای شایسته و

دوست ندارد بر ناسپاس گنهار را بر آینه گسایند ایمان آورده اند و کردند کارهای شایسته و

أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ

بر پا داشتند نماز را و دادند زکوة را بر ایشان است نژاد ایشان نزد یک پروردگار ایشان نیست ترس

بر پا داشتند نماز را و دادند زکوة را بر ایشان است نژاد ایشان نزد یک پروردگار ایشان نیست ترس

عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿۳۰﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا

بر ایشان و نه ایشان آنها باین شوند اے کسانی که ایمان آورید خدا را بترسید از خدا و ترک کنید

بر ایشان و نه ایشان آنها باین شوند اے کسانی که ایمان آورید خدا را بترسید از خدا و ترک کنید

مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ ﴿۳۱﴾ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ

آنچه مانده است از سود اگر بترسید از اهل ایمان پس اگر نکوید پس خبردار باشید جنگی

آنچه مانده است از سود اگر بترسید از اهل ایمان پس اگر نکوید پس خبردار باشید جنگی

مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ ﴿۳۲﴾ وَإِنْ تَبْتَغُوا فَلََكُمْ رَأْسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ

از طرف خدا و رسول او و اگر توبه کردید پس شمار است اصل مالهای شما نه شما ستم کنید

از طرف خدا و رسول او و اگر توبه کردید پس شمار است اصل مالهای شما نه شما ستم کنید

وَلَا تَظْلِمُونَ ﴿۳۳﴾ وَإِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ وَأَنْ

و نه بر شما ستم کرده شود و اگر باشد بنبوائی پس لازم است مهلت دادن تا توانگری و اگر

و نه بر شما ستم کرده شود و اگر باشد بنبوائی پس لازم است مهلت دادن تا توانگری و اگر

تَصَدَّقُوا خَيْرَ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿۳۴﴾ وَاشْتَرُوا يَوْمَ مَا تَرْجَعُونَ

خیرات کنید بهتر است شمارا اگر بترسید دانسته و خدا کنید ازان روز که بازگردانیده شوید

خیرات کنید بهتر است شمارا اگر بترسید دانسته و خدا کنید ازان روز که بازگردانیده شوید

فِيهِ إِلَى اللَّهِ تَتَمَوِّقُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿۳۵﴾ يَا أَيُّهَا

در آن بسوزد خدا پس تمام داده شود بر شفعه ما آنچه عمل کرده است و ایشان ستم کرده نشوند اے

در آن بسوزد خدا پس تمام داده شود بر شفعه ما آنچه عمل کرده است و ایشان ستم کرده نشوند اے

الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَتْ أَيْمَانُكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوا

مومنان اگر معامله کنید باید که بگویم بام و ادین تا میعاد مقرر پس بنویسد آن را

مومنان و قتی که معامله کنید باید که بگویم بام و ادین تا میعاد مقرر پس بنویسد آن را

وَلْيَكْتُبَ بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَلَا يَأْبَ كَاتِبٌ أَنْ

و باید که بنویسد میان شما نویسنده با لھفات و سر باز نرزد نویسنده اذان که

و باید که بنویسد میان شما نویسنده با لھفات و سر باز نرزد نویسنده اذان که

يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ فليكتب الله فليكتب وليميل الذي عليه الحق

نویسد چنانچه آموخته است او را خدا پس باید که و سب بنویسد و انشا کند آنکه دام نهد و سب است

نویسد چنانچه آموخته است او را خدا پس باید که و سب بنویسد و انشا کند آنکه دام نهد و سب است

وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا يَبْخَسَ مِنْهُ شَيْئًا فَإِنْ كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ

و باید که بترسد از خدا پروردگار خود و نقصان نکند ازان دام چیز را پس اگر باشد کسی که دام نهد و سب است

و باید که بترسد از خدا پروردگار خود و نقصان نکند ازان دام چیز را پس اگر باشد کسی که دام نهد و سب است

وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا يَبْخَسَ مِنْهُ شَيْئًا فَإِنْ كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ

و باید که بترسد از خدا پروردگار خود و نقصان نکند ازان دام چیز را پس اگر باشد کسی که دام نهد و سب است

و باید که بترسد از خدا پروردگار خود و نقصان نکند ازان دام چیز را پس اگر باشد کسی که دام نهد و سب است

و باید که بترسد از خدا پروردگار خود و نقصان نکند ازان دام چیز را پس اگر باشد کسی که دام نهد و سب است

و باید که بترسد از خدا پروردگار خود و نقصان نکند ازان دام چیز را پس اگر باشد کسی که دام نهد و سب است







ولا يعني انقسم نفاق  
واطلاق وحده  
نفيوت ومثل آن  
نذا قسم حديث نفس  
والشاعلم ١٢  
يعني بعض را محقده  
بعض مانكر في يكلم ١٣  
تفسير عثمان  
عنه آيت مختص  
اصحاب را باضطراب  
القلوب تسليت آريها  
دين دوايت آسن  
الرسول ولا يكلف الله  
نفسا الاية فزوده  
بعد اذان ربنا لا تؤذنا  
تا آخر سورة نازل شده  
وجدان اهل بيته و  
تيسين بولها بخير  
انديز مسوون مشقت  
يزداني شذير رفقو  
ازاديد كه باه آن محور  
شده اسم اين است  
كه بدن شذير گزوه حق  
حاكيت واستحقاق  
عبادت تو بر ما ثابت  
ست اما به پروردگار  
با برحق و كم خوش  
چنان مكي نبوت هم  
كرد امثال آن  
برا صوبت و  
مشقت متكيين بافاد  
به سهو فراموش اخذ  
نشوتم و مانند ام پنهان  
احكام و شوار برافرو  
قياد و حكم صادر كرده  
كه از طاقت خارج  
باشد با وجود اين  
سبوت اگر از انصاري  
آيد به حق و هراي  
خود آنرا حق و زود  
دارد شده كه تمام اين  
دعاها مقبول شده چنان  
ماز مشكلاي كه اصحاب  
به آن مصاب شده  
بودند به مهرباني خدا  
رسيد اين وقت تيز  
مي شايه كه برافران يزداني  
درم از طرف ايشان كدورت  
باي ديني و دنيوي و زمامت  
باي گوناگون پيش آيد و در انساني  
استيلاي شان به انديشه موجب  
بهي اهل حق ميگردد

الارض وان تبدوا ما في انفسكم او تخفوه يحاسبكم به الله فيغفر  
 زمين است و اگر آشكارا كنيد آنچه در دل شماست و يا پنهان داريد آنرا البته حساب آن بجز و از شما خدا پس بپايزد  
 زمين است و اگر آشكارا كنيد آنچه در دل شماست يا پنهان كنيد آنرا حساب مي كند با شما به آن خدا پس بپايزد  
 لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اَمِنْ  
 كس را كه خواهد و عذاب كند كس را كه خواهد و خدا بر هر چيز تواناست باورد است  
 كس را كه خواهد و عذاب كند كس را كه خواهد و خدا بر هر چيز تواناست بپايزد  
 الرَّسُولُ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمِنٌ بِاللَّهِ  
 پيغمبر آنچه فرو آورده شده بپايزد او و مؤمنان پيغمبر ايمان آورده بخدا و  
 پيغمبر آنچه فرو آورده شده بپايزد او و مؤمنان پيغمبر ايمان آورده و خدا  
 مَلِكٌ يَوْمَئِذٍ وَكُنْتُمْ وَرَسُولَهُ لَا تَفْرِقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا  
 فرستگان او و كتاب پيش و پيغمبرانش (ميگويند) فرق نمي بيند ميان پيغمبري كه از پيغمبران او است و گفتند  
 سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ لَا يَكْفُرُ اللَّهُ  
 شنيديم و فرمانبرداري كرديم بخوانيم آنچه فرستاد به ما پروردگار ما بپايزد است باز گشت خدا و اوجب مي كند پيغمبر كس  
 شنيديم و فرمانبرداري كرديم بخوانيم آنچه فرستاد به ما پروردگار ما بپايزد است باز گشت تخفيف مي كند خدا پيغمبر كس را  
 إِلَّا وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ عِلْمُهُ إِنَّ رَبَّنَا لَأَشَدُّ اخْدَانًا  
 الا مقدار طاقت او را در است آنچه علم كرده و برده باشد آنچه نگاه كرد گفتند اے پروردگار ما بپايزد است بخدا را  
 مگر بقدر طاقتش را در است آنچه كسب كرده (از حق) و برده است آنچه كرده (از يدي) و بپايزد اے پروردگار ما بپايزد است  
 نَسِينَا أَوْ أَخْطَانَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا اَوْرَثَةَ كَذِّبِينَ عَلَى الَّذِينَ  
 فراموش كنيم يا خطا كنيم اے پروردگار ما در من بر سر ما بار گران چنانكه نهاده اي آنرا بر كس نيك  
 فراموش كرديم يا خطا كرديم اے پروردگار ما در من بر ما بار گران چنانكه نهاده اي آنرا بر كس نيك  
 مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ  
 پيش از ما بودند اے پروردگار ما در من بر سر ما آنچه برداشتي از ما بپايزد است و در گزرا از ما و بپايزد  
 پيش از ما بودند اے پروردگار ما در من بر ما آنچه برداشتي طاقت ما به آن و در گزرا از ما و بپايزد  
 لَنَا وَارْحَمْنَا إِنَّكَ أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ  
 ما را و بر بخشش ما توئي خداوند ما پس بپايزد ما را بر گروه كافران  
 ما را و بر من بر ما توئي پروردگار ما پس بپايزد ما را بر گروه كافران  
 نِسْمَةُ الْإِيمَانِ مَدَنِيَّةٌ قَدْ هِيَ مَائَتَا أَيْتٍ وَعِشْرُونَ مَرَّةً  
 سورة آل عمران و در مدينه نازل شده و آن ٢٢ حد آيت است  
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 بسم خداي گنيم خداي كه بپايزد ما را  
 الْقَوْلَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ  
 خدايست زنده و زنده و زنده عالم كننده است فرو آورده بر تو كتاب را  
 الْحَقِّ مَصَدَّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَأَنْزَلَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ فِيهِ  
 راستي باورد آورده آنچه پيش دست و دے است و فرو آورده تورات و انجيل را  
 راستي باورد آورده آنچه پيش از دست كتاب بپايزد و نازل كرده اند قرآن و انجيل را



قُلْ هُدًى لِّلنَّاسِ وَآزَلٌ لِّلْغُرَقَانِ هَٰذَا الَّذِي كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ ۝

این برائے راه نمودن مردمان و فرود آوردن مجزیه را هر آینه کسی که کافر شدند بآیات خدا ایشانراست

عَذَابٌ شَدِيدٌ ۝ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ ۝ إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْفَىٰ عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ ۝ هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ

عذاب سخت و خدا غالب صاحب انتقام است و خدا غلبه را هر آینه خدا پرشیده نیست بروی

شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ ۝ هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ

چیزه در زمین و در آسمان و آنست که صورت می بخشد شما را در رحم

يُفَيِّضُ شَيْءٌ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝ هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ

چنانچه خواهد نیست هیچ معبود بخیر او و آنست که فرود آورد بر تو

الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا

کتاب بعضی از آن آیات است و واضح است و بعضی دیگر محتمل معانی یا هم مشتبه پس اما

الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَ

کسانی که در دل ایشان زنجی است پیروی می کنند آنرا که مانند یک دیگر شد از آن کتاب برائے طلب فتنه و

ابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ ۝ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ ۝ وَالرَّاسِخُونَ فِي

برائے طلب تاءویلش و نمی دانند تاءویل آنرا مگر خدا و ثابت قدمان و

الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا ۝ وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو

علم می گویند ایمان آوردیم باین منشیه این همه از جانب پروردگار ما فرود آمده و پند می گیرد مگر اولیای

الْأَلْبَابِ ۝ رَبَّنَا لَا تَجْعَلْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ

دلهاست که باز بعد از آنکه راه نمودی ما را و عطا کن برائے ما از خود تو

رَحْمَةً ۝ أَنْتَ الْوَهَّابُ ۝ رَبَّنَا إِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ

رحمت هر آینه توئی عطا کننده اے پروردگار ما هر آینه تو جمع کننده مردمانی در روزی که هیچ شک نیست

فِيهِ ۝ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِعَادَ ۝ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ تُغْنِيَ

دردال هر آینه خدا خلافت نمی کند وعده را و دردال هر آینه آنرا که کافر شدند و هیچ ننگند

عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا ۝ وَأُولَٰئِكَ هُمُ

از ایشان اموال ایشان و اولاد ایشان از عذاب خدا بخانه چیزه را و ایشانرا آتش آتش

النَّارِ ۝ كَذَّابٌ أَفِرَّغُونَ ۝ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا

دورج حال ایشان مانند حال کسان فرعون است و آنرا که پیش از ایشان بودند دروغ داشتند آیات ما را

دو آغ (عادت نشان) مثل دستور آل فرعون است و کسی که پیش از ایشان بودند تکذیب کردند آیات ما را

اینکه لهرانیان بران کفر و بیگانه عزاف نمودند امر نه از انجیل موجه نیز ثابت است

تفسیر عثمانی  
ع ۵ چنین گاه و گاه  
را بدین مجازات نمی  
گذارد و کسی از توانائی  
مطلق او دست نوازد  
در این جائز نشاء  
لغنی است باطلال  
الو بیت میخ علی السلام  
زیرا اقتدار و اختیار  
نمی که خدا راست  
درد و جو میخ بر گردید  
فی خود بلکه حضرت عیسی  
موافق عقیده نصاری  
نیز میگوید می توانست  
و بجزان در امر او بدو  
حالی که با تفرع و الحاق  
توانست خویش را  
از چنگ ستم قراران  
دارد و اندیس عیسی را  
خدا یا پسر خدا گفتن  
چگونه راست آید پس  
از نوع پدیده است پس  
خدا نیز باید خدا باشد  
مخلوق تا توانائی را پس  
حضرت توانائی مطلق  
بنداشتن پدیده پس  
بر عیب منسوب داشتن  
است الهیات باله  
عن چنانکه قدرت و  
اختیار او تمامه کامل  
است علم او نیز محیط  
می باشد و عالم بر سر  
بندگ و کوچک است  
لقد یکلف العین از  
علم وی غایب نیست  
بهر مشاهده گاران و کوه  
کاران کاذب جرات  
۸ با مقدار و نوعیت  
۹ آن از علم الهی مخفی  
نی باشد پس کدام  
گنہ گاری تواند از  
حضرت او درمان گردد  
در حق مقبله است که عیسی  
خدا شده می تواند بر ما  
وی علم محیط داشت و  
چندان می دانست که  
علا بوی و نامده بود







فما لبني حقيقة  
في حال التذکر  
تفسیر عثمانی

عنه اسلام چیز سے  
اشکار و روشن است  
ولا کی که از ان ثابت  
شده می تواند که روشنی  
و بیست و یکم از تورات  
و انجیل کتب آسمانی  
است نسبت به آنها  
دلائل زنده و زنده است  
ترو بهر موجود است  
که ثابت می نماید حضرت  
محمد صلی الله علیه وسلم  
پیغمبر خدا و قرآن کتاب  
الهی می باشد بلکه خود  
آن کتب به حقیقت  
و گویای می نمایند وجود  
خالق و افعال معنوی  
و افعال و آثار است  
بر قلوب آن فکر  
در دوا و بهر جیسانی  
تجرب است که هیچ اصل  
علمی آنرا تأیید نمی کند  
پس آن کسان از این  
کتاب که با اسلام  
مخالفت می ورزند و  
حقائق واضح از انکسیر  
می کنند و از احکام  
الهی سر باز می زنند  
و درباره آن با جزائری  
گویم از حرص - حسد  
خدا - عناد - محبت  
مال و جاه چنین می کنند  
و دیگر توان گفت  
و فرمود آیه ان الذين  
كفروا لن نقبضهم  
اموالهم اقرار با حاکم  
بن عمر و ریس و افند  
بخوان نقل شده این  
با حاکمات قدیم آنست  
تا به نجات می کنند که  
اختلاف با یهود و نصاری  
یا فرق بائی که در سائر  
مذاهب حادث شده  
این اختلاف به جنگ

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝ إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ ۝ وَمَا  
خَلَقَ الذِّكْرَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ يَغْيَابُتَهُمْ  
وَمَنْ يَكْفُرْ بآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ۝ فَإِنْ حَاجُّوهُ فَقُلْ  
أَسْلَمْتُ وَجْهِيَ لِلَّهِ وَمَنِ اتَّبَعَنِ وَقُلْ لِلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَ  
الْأُمِّيِّينَ أَسْلَمُوا فَقَدْ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا  
عَلَيْكُمُ الْبَلَاءُ وَاللَّهُ بِصِيرَتِي أَعْلَمُ ۝ إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ  
وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ حَقٍّ ۝ وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنْ  
الْأَمْرِ ۝ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ۝ أُولَئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ  
فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ۝ وَمَا لَهُمْ مِنْ شُرَكَائٍ ۝ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا  
الْكِتَابَ يَدْعُونَ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ يَتَوَلَّوْا  
أُخْرَى ۝ وَهُمْ مُعْرِضُونَ ۝ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَنْ نَمْسِسَ النَّارَ  
لَا آيَاتُ مَا مَعْدُودٍ ۝ وَغَرَّهمُ فِي دِينِهِمْ قَاكَاؤُا يُفْتَرُونَ ۝ فَكَيْفَ  
إِذَا جُمِعَتْهُمْ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ ۝ وَوَقِفْتُ كُلَّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ  
أَشْوَاجُ ۝ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ نَذْرٌ مِنْ رَبِّكَ قَبْلَ هَٰذَا ۝ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ نَذْرٌ  
مِنْ رَبِّكَ قَبْلَ هَٰذَا ۝ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ نَذْرٌ مِنْ رَبِّكَ قَبْلَ هَٰذَا ۝ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ نَذْرٌ مِنْ رَبِّكَ قَبْلَ هَٰذَا ۝

و این سخن بر جمل و دانستی بوده اکثر از حب جاه و محبت سیم و از یقین پیوسته است



فخ الرحمن  
 فلما ترجم كوكبه  
 در امر این دعا  
 بشاد است  
 مخلی شدن کافران  
 فلما یعنی در عهد خدا  
 نیست ۱۲  
 مترجم گوید که نهاد  
 با حضرت پیغمبر  
 صلعم در باب عیسی  
 علیه السلام گفتگو کردند  
 حق سبحانه این آیات  
 نازل ساخت بعد  
 از نزول این آیتها  
 نصاری را بمباهله گفت  
 کردند بعد عاجز شده  
 جز قبول نبودند ۱۲  
 تفسیر عثمانی  
 ع چون آنکه پیغمبر و کرم  
 شد ابو جاحش بن  
 علفه و بنی قریظ  
 گفته بودند اگر پیغمبر  
 ایمان از ما سلاطین  
 روم بعد از این اند  
 اعزاز یک از ما می کنند  
 و ما یک نامی و عهد  
 امتناع می در زند  
 شاید این جاد رنگ  
 دعا و مناجات جواب  
 وی داده شده باشد  
 یعنی شاکر بر احترام  
 سلاطین و عطای  
 آنان متعین می مع  
 می شود  
 بدانند که  
 مالک صلی  
 هم عزت او  
 سلطنت با  
 خدمت و در قضا  
 قدرت او است هر که  
 غایب می بخشد و از  
 هر که خواهی می ستاند  
 آیا ممکن نیست عزت  
 و سلطنت پارس  
 و روم از آنان اخذ  
 مسلمانان داده  
 شود و بلکه وعده می  
 دیم که ضرر داده بشود

لَا يظنون ۵ قل اللهم ملك الملك متوتى الملك من تشاء وتنزع  
 ستم کرده نشوند بگو بار خدایا ستم کننده را از ستمت  
 ستم کرده می شوند بگو بار خدایا ستم کننده را از ستمت  
 الملك من تشاء وتنزع الملك من تشاء وتنزع الملك من تشاء  
 پادشاهی را از هر که خواهی و از هر که می خواهی و از هر که خواهی  
 پادشاهی را از هر که خواهی و از هر که می خواهی و از هر که خواهی  
 انك على كل شيء قدير ۶ تولج الليل في النهار وتخرج النهار في  
 تو توانی بر هر چیزی توانایی شب را در روز و روز را در شب  
 تو توانی بر هر چیزی توانایی شب را در روز و روز را در شب  
 الليل وتخرج الحي من الميت وتخرج الميت من الحي وترزق من  
 شب و بیرون می آری زنده را از مرده و مرده را از زنده و روزی می  
 شب و بیرون می آری زنده را از مرده و مرده را از زنده و روزی می  
 تشاء بغير حساب ۷ لا يتخذ المؤمنون الكافرين اولياء من دون  
 می خواهی بے شمار فل باید که دوست نگیرند مسلمانان کافران را  
 می خواهی بے شمار فل باید که دوست نگیرند مسلمانان کافران را  
 المؤمنین ومن يفعل ذلك فليس من الله في شيء الا ان تتقوا  
 اهل ایمان و هر که این کند پس نیست در پیش خدا و مگر آنکه در حق  
 اهل ایمان و هر که این کند پس نیست در پیش خدا و مگر آنکه در حق  
 منهم تقية ۸ ويحذركم الله نفسه و الى الله المصير ۹ قل ان  
 بنده خود را از حذر کردن و می ترساند شما خدا از خود و بسوی خدا باز گشت است  
 بنده خود را از حذر کردن و می ترساند شما خدا از خود و بسوی خدا باز گشت است  
 تخفوا ما في صدوركم او تبدوا يعلمه الله ويعلم ما في السموات وما  
 پنهان کنید آنچه در سینه های شماست یا آشکارا کنید می داند خدا و میداند آنچه در آسمانهاست و آنچه  
 پنهان دارید آشکارا و پنهان شماست یا آشکارا کنید می داند خدا و میداند آنچه در آسمانهاست و آنچه  
 في الارض والله على كل شيء قدير ۱۰ يوم ترجد كل نفس مما عملت  
 در زمین است و خدا بر همه چیز تواناست آن روزی که حاضر باید بر کس آنچه عمل کرده است  
 در زمین است و خدا بر همه چیز تواناست آن روزی که حاضر باید بر کس آنچه عمل کرده است  
 من خير محضر ۱۱ وما عملت من سوء فتود ان توذوا ان بيننا وبينك اعداء بعيد  
 از نیکی حاضر کرده شده و آنچه کرده از بدی دوست دارد که کاش بودی در میان ما و در میان آن بدی مسافت دور  
 از نیکی حاضر کرده شده و آنچه کرده از بدی دوست دارد که کاش بودی در میان ما و در میان آن بدی مسافت دور  
 ويحذركم الله نفسه والله رءوف بالعباد ۱۲ قل ان كنتم تحبون  
 و می ترساند شما خدا از خود و خدا بسیار مهربان است بر بندگان اسے محو بگو اگر دوست می دارید  
 و می ترساند شما خدا از خود و خدا بسیار مهربان است بر بندگان اسے محو بگو اگر دوست می دارید  
 الله فأتبعوني يحبكم الله ويغفر لكم ذنوبكم والله غفور رحيم ۱۳  
 خدا را پس پیروی کنید تا دوست دارد شما خدا و بسیار رحیم شماست خدا و خدا آمرزنده مهربان است  
 خدا را پس پیروی کنید تا دوست دارد شما خدا و بسیار رحیم شماست خدا و خدا آمرزنده مهربان است  
 قل اطيعوا الله والرسول فان تولوا فإنا لله لا يحب الكافرين ۱۴  
 بگو فرمان برب خدا را و پیغمبر را پس اگر گردانید پس (بر آئید) خدا دوست ندارد کافران را و حق  
 بگو فرمان برب خدا را و پیغمبر را پس اگر گردانید پس (بر آئید) خدا دوست ندارد کافران را و حق

در هر دو از هر دو مسلمانان و نیروی دشمنان ایشان را می بیند و این امر را فیه می توانید از این جهت پیرو و منافقان



ان الله اصطفى ادم ونوحا وال ابراهيم وال عمران على العالمين

آدم را و نوح را و کن ابراهيم را و کن عمران را بر عالمها

ذرية بعضها من بعض والله سميع عليم اذ قالت امرات

عمران رب اني نذرت لك ما في بطني محررا فتقبل مني انك انت

السميع العليم فلما وضعتها قالت رب اني وضعتها انثى طوا

الله اعمرها وضعت وليس الذكر كالا انثى واني سميتها مريم و

اني اعينها بك وذرية من الشيطان الرجيم فتقبلا هاربا

بقيول حسن واثبتا ناباتا حسنا وكنها زكريا طوا

السميع العليم فلما وضعتها قالت رب اني وضعتها انثى طوا

الله اعمرها وضعت وليس الذكر كالا انثى واني سميتها مريم و

اني اعينها بك وذرية من الشيطان الرجيم فتقبلا هاربا

بقيول حسن واثبتا ناباتا حسنا وكنها زكريا طوا

السميع العليم فلما وضعتها قالت رب اني وضعتها انثى طوا

الله اعمرها وضعت وليس الذكر كالا انثى واني سميتها مريم و

اني اعينها بك وذرية من الشيطان الرجيم فتقبلا هاربا

بقيول حسن واثبتا ناباتا حسنا وكنها زكريا طوا

السميع العليم فلما وضعتها قالت رب اني وضعتها انثى طوا

الله اعمرها وضعت وليس الذكر كالا انثى واني سميتها مريم و

اني اعينها بك وذرية من الشيطان الرجيم فتقبلا هاربا

بقيول حسن واثبتا ناباتا حسنا وكنها زكريا طوا

السميع العليم فلما وضعتها قالت رب اني وضعتها انثى طوا

الله اعمرها وضعت وليس الذكر كالا انثى واني سميتها مريم و

اني اعينها بك وذرية من الشيطان الرجيم فتقبلا هاربا

بقيول حسن واثبتا ناباتا حسنا وكنها زكريا طوا

السميع العليم فلما وضعتها قالت رب اني وضعتها انثى طوا

الله اعمرها وضعت وليس الذكر كالا انثى واني سميتها مريم و

اني اعينها بك وذرية من الشيطان الرجيم فتقبلا هاربا

بقيول حسن واثبتا ناباتا حسنا وكنها زكريا طوا

السميع العليم فلما وضعتها قالت رب اني وضعتها انثى طوا

الله اعمرها وضعت وليس الذكر كالا انثى واني سميتها مريم و

فتح الرحمن  
فلما بعثنا نوحا  
والدين مائة  
فلما بعثنا نوحا  
بيت المقدس  
فلما بعثنا نوحا  
ورأيتان وميوة  
الاستان ورمستان  
فلما بعثنا نوحا  
دايد ١٢  
تفسير عثمانى  
عنه الكثر سلف  
رذوقه اذ خوراك  
ظاهر است كميده  
مهم دوم و كبر زده  
مزم ميرسيد ميده  
زستان ورمستان  
وميده تالستان  
زستان يك روايت  
اذ عباد نقل شده  
مراه از رزق صالح  
علی است كه بايد آنرا  
غذايي در حالى گفت  
بهر صورت در اين  
حال كرامات بركات  
وعلماء خلاق العادة  
در حضرت مزم آشكارا  
شروع شد چون حضرت  
زكريا بگوييد آنچيز بل  
رايد خود دارى نتوانست  
وازدوى تعجب پديد  
اى مزم اين اشياء  
تجواز كجائى و در حد  
جنس زكريا بسيار  
پيرزون دى قيم بود  
در ظاهر مزم اميد  
نداشت كه ملك فرست  
نمود چون خود را  
لوق العاده و حسنات  
و بركات مزم را ويد  
ناگهان چو ش و جنبش  
دردى وى پديد آمد كه  
من شير دعا فرزند خواهم  
ايد است تمام بدون  
موت ميمه بدست آيد  
يعنى و پيرى فرزندى  
علايت شود



فلما بعثنا نوحا  
آن فرزند ۱۲  
یعنی قرعی انداخته  
تفسیر عثمانی  
عادت و مشیت  
حضرت ادریس  
اسباب و الیه نیست  
اگرچه درین باب  
عادت اوست که  
میتواند از ۱۲  
اسباب عادی پی  
می آید - اما بی  
نق بعضی اشیا بر  
غلاف اسباب عادی  
و به صورت غیر معمولی  
نیز عادت خاص  
حضرت و سبب این  
این است که سیدین  
رزق فوق العاده  
مزم حدیقه و ظاهر  
گویی این امور غیر  
عادی از وی و بعد  
از معائنات این امور  
و عادی به اختیار  
حضرت ذکر ما در حق  
او و نصیب او و او را  
و بزرگ حقیقتش صورت  
نیز معائنات تمام این  
قدت را باید فهمید  
این است عظیم الشان  
دالت که بدین قدرت  
شهر از وجود مردم در  
نزدیکی فرزند یسید  
آهلی بود و با ولادت  
غیر معائنات می کرد خدا  
(که کذا یفعل ایضا)  
نیز فهمید (که کذا)  
یعنی الله (ایضا) است  
که بعد از این در سلسله  
ولادت غیر عادی می  
می آید عهده ۱۲  
خدا بسیار یاد کن  
از ابعاد تا شام به  
تسبیح و تهلیل برآورد  
معلوم شد سخن بگوین  
وی بامداد و عصر  
بود و این را هم که در این ایام به ذکر و شکر فارغ باشما داشتند و ذکر و شکر اندکی از احوال خود و به آن مامور شده بود -

أَمْرًا تَعَاظَمَ قَالَ كَذَلِكَ اللَّهُ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ ۝ قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي  
از من ناز است گفت چنین خدای کند آنچه می خواهد گفت ای پروردگار من چنین کن برای من  
از من ناز است گفت چنین خدای کند هر چه را خواهد گفت ای پروردگار من مقدور کن برای من  
إِيَّاهُ قَالَ إِيَّاكَ أَتَكَلِّمُ النَّاسَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ إِلَّا رَمْزًا وَاوَدَّكُمْ رَبُّكَ  
ثلاثه فلما فرمود که لشان تو است که سخن توانی گفت بامردمان سه روز مگر با اشارات و یاد کن پروردگار خود را  
لشانی گفت نشان تو است که سخن توانی مردم سه روز مگر با اشارات و یاد کن پروردگار را  
كَثِيرًا أَوْ سِبْحًا بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ ۝ وَإِذْ قَالَتِ الْمَلِكَةُ يَمْرُؤُكُمْ  
بسیار و تسبیح بخوبی شام و صبح و آنکه گفتند فرشتگان ای مردم هر آنچه  
بسیار و تسبیح کن شام و صبح عهده و آنکه گفتند فرشتگان ای مردم هر آنچه  
اللَّهُ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ ۝ يَمْرُؤُكُمْ  
خدا برگزید ترا و پاک ساخت ترا و فضیلت داده ترا بر زنان عالمیان ای مردم  
خدا برگزید ترا و پاک ساخت ترا و فضیلت داده ترا بر زنان عالمیان ای مردم  
اقْنَعِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ ۝ ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ  
فرمانبردار کن بر پروردگار خود را و سجده کن و نماز کن با نماز کنندگان ای من از خبرهای  
بخشود بندگی کن پروردگارت و سجده نما و رکوع کن با رکوع کنندگان این از خبرهای  
الْغَيْبِ نُوْحِيبُهُ إِلَيْكَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَقُولُ أَفَلَا هُمْ آيَهُمْ  
غیب است و می گویم آنرا بسوی تو و تو بودی نزد یک آن قوم چون می انداختند علمهای خویش و اتمام کس از ایشان  
غیب است و می گویم آنرا بسوی تو و تو بودی نزد ایشان و حق می گوید که علمهای شانرا که کدام از ایشان  
يَكْفُلُ مَرْيَمَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَخْتَصِمُونَ ۝ إِذْ قَالَتِ الْمَلِكَةُ  
خبر می مردم نمود و بوی نزد یک ایشان اله که با هم گفتگو می کردند اله که گفتند فرشتگان  
در تربیت خویش برگزیدم و نبودی نزد ایشان و حق می گوید که علمهای شانرا که کدام از ایشان  
يَمْرُؤُكُمْ إِنَّ اللَّهَ يَنْشُرُكُمْ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ  
ای مردم هر آنچه خدا بشارت میدهد ترا بقرصه از جانب خود که نام او مسیح است عیسی بن  
ای مردم هر آنچه خدا بشارت می دهد ترا به علی از جانب اله که نام آن مسیح است این  
مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ ۝ وَيَكَلِّمُ النَّاسَ  
مردم است بامرد و در دنیا و آخرت و از نزدیک کردگان حضرت عزت و سخن گوید بامردمان  
مردم است آبرو مند و در دنیا و آخرت و از مطربان اله است و گوید و سخن بامردمان  
فِي الدَّهْدِ وَكَهْلًا وَمِنَ الصَّالِحِينَ ۝ قَالَتِ رَبِّ أَنَّى يَكُونُ لِي وَلَدٌ  
در گهواره و وقت ممری و با شد از نشانه نشان گفت ای پروردگار من چگونه نمود مرا فرزند  
در جای که در گهواره و در حال ممری و با شد از نشانه نشان گفت ای پروردگار من چگونه نمود مرا فرزند  
وَلَمْ يَمَسَّ سِنِي بَشَرًا قَالَ كَذَلِكَ اللَّهُ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ إِذَا قَضَىٰ  
و دست نرسانیده است سخن از وی فرمود و چنین خدا پدید می کند هر چه می خواهد پس سر انجام می کند  
و دست نرسانیده سخن از وی گفت چنین خدا پدید می کند هر چه را خواهد برگاه اراده کند  
أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ۝ وَيُعَلِّمُهُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ  
کار می پس جز این نیست که می گوید او را که بشو پس می شود و بشارت داد که از سودا و راهها کتاب و دانش  
کار می پس جز این نیست که می گوید او را که بشو پس می شود و می آموزد او را احکام کتاب و حکمت  
وَالْتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ ۝ وَرَسُولًا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَءِيلَ أَنِّي  
و تورات و انجیل و گرداند او را پیغمبر بسوی بنی اسرائیل و باین دعوی که  
و تورات و انجیل و گرداند او را پیغمبر بطرف بنی اسرائیل هر آنچه من  
بود و این را هم که در این ایام به ذکر و شکر فارغ باشما داشتند و ذکر و شکر اندکی از احوال خود و به آن مامور شده بود -



قَدْ جَعَلَكُمْ آيَاتٍ مِنْ رَبِّكُمْ لَا تُبْذِرُوا الرِّبَا الَّذِي أَنْتُمْ آخِذُونَ بِهِ أَنْ يَأْكُلَ مِنْكُمْ أَكْلَ الْبَاطِلِ إِنَّكُمْ تَكُونُونَ رَاكِبِينَ

آورده ام پیش شما نشاند از پروردگار شما آنگاه من می سازم برائے شما از گل مانند گل  
بر حقیقت آورده ام بشما نشانی از جانب پروردگار شما هر آینه من می سازم بر شما از گل مانند گل

طَيْرًا نَفْخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا ابْتِأَذَنَ اللَّهُ وَأَبْرَأَ الْأَكْمَهَ وَالْأَجْمَرَ

پرنده پس دم نیز کم در آن پس باشد پرند حکم خدا و بهی گنم گور مادر زاد را و برص دار را

پہلے وہاں کے لوگ (پس) کی بات  
پہلے وہاں کے لوگ (پس) کی بات  
پہلے وہاں کے لوگ (پس) کی بات

دژنده می سازم مردگان را، حکم خدا و خبری دهم شمارا با پخش میخورد و آنچه و خبری می بینید

و در ده می سازم مردگان را حکم الله و خبری دهم شمارا به آنچه می خورید و آنچه ذخیره می بینید

در خفا بنائے خود ہر ایک نے دوسرے کا راز کھانسیں سن کر باور دار تھے کہ ان کو پتہ چلے گا۔

در خانه بستان این علامات کامل است لهذا اگر مستند مومنان و آمده ام تعذیق کننده به آنچه

لَهَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَلَا حِلَّ لَكُمْ بَعْضُ الَّذِي جُورَ عَلَيْكُمْ

بیش از من است از تورات و اما حلال گردانم برائے شما بعضی آنچه حرام شده بود بر شما  
بیش از من است از تورات و اما حلال گردانم بر شما بعضی آن چیزے را که حرام گردانیده شده بود بر شما

وَجَدْتُمْ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّكُمْ فَٱسْتَغْفِرُوا ٱللَّهَ ۚ وَٱطِيعُوا ۙ إِنَّ ٱللَّهَ

و آوردم نزد یک شاکانه از پروردگار شما پس بفرستید از خدا و فرمان من برید  
و آوردم شما شاکانی از جانب پروردگارتان پس بفرستید از خدا و گفته ام این برید

رَبِّی وَرَبِّکُمْ فَاعْبُدْهُمَا ۚ هَٰذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِیْمٌ ۝۱۰ فَلَمَّا احْتَسَبْ

پس پروردگار من و پروردگار شماست پس پرستش کنید و در این راه راست و پس انگاه که دریافت

پس برگاه دانست

پس از قوم خود گفتند یاری دهندگان من بسوی خدا گفتند

عَلَيْهِ أَزْنِي أَمْرًا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَيْفَ كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقُرْآنُ مِنْ دُونِ الْغُلَامِ مَنْ دَرَاهِ خُذَا كَقِفْ حَوَادِثُ

عن انصار الله امنا بالله واشهد بان مسلمون ۱۱ ربنا امنا

مردمان سرافراز آید ایمان آوردیم بدو و گواه باش که ما را برادر استم اے پروردگار ایمان آوردیم  
مردمان سرافراز آید ایمان آوردیم بدو و گواه باش که ما را برادر استم اے پروردگار ایمان آوردیم

بِمَا أَنْزَلْتُ وَاتَّبِعُوا الرُّسُولَ فَأَكْتُبَنَّامَ الشَّاهِدِينَ ﴿١٧﴾ وَفَكَّرُوا

آیه فرستادی و پیروی کردیم رسول را پس بنویس ما را با شاهدان و دیگر کردند (برای)

مَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ ﴿١٣﴾ إِذْ قَالَ اللَّهُ يٰعِيسَى ابْنِي

بدستایید خداوند قوی تراست از همه بدستگاران انچه که گفت خدا می عیسی هر آینه من  
خزای کرد و رضا و خوار است من جزا من گناهان و تقصیر گفت خدا می عیسی هر آینه من

وَلَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ شَيْءٌ يَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ

برنده توام و بردارنده توام بسوی خود پاک کننده توام از صحبت کسانی که لاف زدند و گردانده

و گردا می ۱۵ م

الَّذِينَ اتَّبَعُوا نَافِلًا لِّلَّذِينَ آمَنُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا رَزَقُوا مِنْهُ لِيَحْكُمُوا بِآيَاتِهِ

نایمان ترا غالب بر کسی که الای کردند ماروز قیامت باز بسوی من است

و در حضور ملا محمد که بر این مجلس ایامی کردم و پیغمبر را برپا بردی می کنم تو به فضل و توفیق خویش ان شاء الله در هر سرست نسیم کند فلان ثبت نام که با ایام و شش و بیست

واما القصة اين  
 يشارت ورتق عيسى  
 عليه السلام متحقق شده  
 وپيودما بدین خود  
 و عوت خود ۱۲ و  
 یعنی و در مرقه مشهوره  
 که کرامت اند و اثر  
 علم ۱۲ و یعنی بآن  
 مافران ۱۲ و یعنی  
 ازین جهان ۱۲ و  
 یعنی غالب بر ایشان  
 نفس عثمانی

عاصم الاصول  
بنای پادشاه ایران  
است که بدینند خدای  
خداوند متعال پروردگار  
من و پروردگار شماست  
علاقه پداری و فرزند  
را استوار نمایند به  
وی بندگی کنید راه  
سقیم و حوصله خدای  
ایلمی تنها توحید تقوی  
طاعت پیغمبر است  
عصا حواریان که  
دند و این لقب  
چگونگی برانان نهاده  
شده علماء و این  
اراه احوال مختلف  
است قول مشهور آنست  
که اول دو نفر که عیسی  
تسلیم کردند گار  
دند و شماست  
شبه حواریان

علم بار احواری  
 می گفتند علی  
 به آنها گفت  
 لباس چه پوشید  
 بن بشاطین مشفق  
 لهاد ای آموزم -  
 و او یون بوی پوشند  
 ما سر رفقایه  
 نیز بدین مناسبت  
 احواری شهرت  
 یافتند پس  
 از آنکه در پیشگاه  
 قیام حودت از آن





فتح الرحمن  
ف یخونان  
شده  
تفسیر عثمان

عده پادشاه بود  
حکم داد تا مسیح را  
گرفته صلیب نمایند  
و چند نفر غیر از مسیح  
مجازات دهند که مردم  
و غیر از متابعت  
دی باز آیند این  
کثیر گوید نبوت فی  
طلبه من یاخذ و  
یعلبه و یتکل به  
دکسی را به طلبه فی  
گماشت تا گرفتار  
صلیبش نماید و عذابش  
کند خدا را اثر این  
اقدام مسیح را مطمئن  
گردانید که اراکات  
و تزیینات این شیرو  
بختان را فاک بر این  
می کشد و اینها در پی  
قتل او انداخته و خواهند  
آورد در خلعت و بخت  
تو مطلوب است  
انجام یابد در این  
امر از لغت عظیم الهی  
قدنا شناسی می کنند  
اما من لغت خویش  
از آمان بازی تمام  
عمر تو مقدر است خدا  
بزرگی را که بر آن  
تعلق دارد یا انجام  
میرسانم ترا چنان  
به صحت و سلامت  
برم که سر موی از تو  
کم نماند بچای  
آنگه ترا آنان  
برند خدا ترا به  
پناه خویش  
می بریزد و خواهد  
ترا به صلیب بالا  
کشند خدا ترا به  
آسمان طبعی کند  
می خواهند ترا  
مجازات دهند که  
نایب عبت و احتضار شود مردم ترا در پی نزد آمدن می گذارد که دست ناپاک آنها بدامن تو رسد - بر صفحه ۵۹

مَرَجِعَكُمْ فَأَحْكُم بَيْنَكُمْ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ۱۱ فَاَمَّا الَّذِينَ

باز گفت شما پس دادی می کنم میان شما در آنچه اختلاف می کردید

كُفَرُوا فَاعْلَمْ عَنْهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ اِنِی الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ وَمَا لَنَهُم

کافران پس عذاب علم ایشان را عذاب سخت در دنیا و آخرت و این همه نیست ایشان را

مِنْ نَجْرٍ ۱۲ وَاَمَّا الَّذِينَ اٰمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ

یاری دهند و اما کسانی که ایمان آوردند و کردند کارهای شایسته پس پوره می دهد خدا

اَجْرَهُمْ وَاللّٰهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ ۱۳ ذٰلِكَ نَتْلُوهُ عَلَيْكَ مِنَ

ایشان را جزای ایشان و خدا دوست نمی دارد ظالمان را این را می خوانیم یا محمد بر تو که

الْاٰیٰتِ وَالَّذِيْ ذَكَرَ الْحَكِيْمُ ۱۴ اِنَّ مَثَلَ عِيسٰی عِنْدَ اللّٰهِ كَمَثَلِ اٰدَمَ

آیات و کتاب حکیم است هر آینه حال عیسی نزد خدا مانند حال آدم است

خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُوْنُ ۱۵ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ

آفرید او را از خاک باز گفت او را باش پس شد و حق است از پروردگار توست

فَلَا تَكُن مِّنَ الْمُنْزِلِينَ ۱۶ فَمَنْ حَاجَّكَ فِيْهِ مِنۢ بَعْدِ مَا جَاءَكَ

پس مباش از شک کنندگان پس هر که حاجت کند با تو در آنچه بعد از آنکه رسید ترا

مِّنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ ابْنَاءَكُمْ وَابْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَكُمْ وَنِسَاءَكُمْ

از دانش پس بگو بیایید تا بخوانیم فرزندان خود را و فرزندان شما را و زنان خود را و زنان شما را

وَاَنْفُسَكُمْ ۱۷ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلُ لُّعْنَتَ اللّٰهِ عَلٰی

و ذاتهای خود و ذاتهای شما پس بفریاد و عا کنیم پس بگوایم لعنت خدا را بر

الْكٰذِبِيْنَ ۱۸ اِنَّ هٰذَا لَهٗوَ الْقَصَصِ الْحَقِّ وَمَا مِنْ اِلٰهٍ اِلَّا اللّٰهُ

دروغ گوینان هر آینه اینست خبر راست و نیست هیچ معبود بخیر خدا

وَ اِنَّ اللّٰهَ لَهٗوَ الْعَزِيزِ الْحَكِيْمِ ۱۹ فَاَنْ تَوَلَّوْا فَاِنَّ اللّٰهَ عَلِيْمٌ

و هر آینه خدا غالب استوار کار است پس اگر روگردانید پس خدا داناست

بِالْمُفْسِدِيْنَ ۲۰ قُلْ يٰٓاَهْلَ الْكِتٰبِ تَعَالَوْا اِلٰی كَلِمَةٍ سَوَآءٍ بَيْنِنَا

به فساد کنندگان بگو ای اهل کتاب بیایید بیوگویی سخن مسک میان ما

وَبَيْنَكُمْ اَلَا نَعْبُدُ اللّٰهَ ۲۱ لَا شَرِيْكَ لَهٗ شَيْءٌ وَلَا يَخْذُ بَعْضُنَا

و شما که نه پرستیم بخیر خدا و شریک ندارد برای او چیزی را و نمیگیرد بعضی از بعضی را

وَمِنْ اٰمَنَ كَرِهَ لِمَنِ اسْمُهُ سَوَآءٌ يُّنَادٰی بِالْغَيْبِ ۲۲ وَنَزَّلْنَا سَمَآءً بِمِائِذٍ ۲۳

و میان شما که نه پرستیم بخیر خدا و نازل کردیم آسمان را با مائید



و لا یعنی بعض گفته  
 پیوستگی بود و بعض  
 گفته نصرانی بود ۱۲  
 و لا یعنی در مسائل  
 متضاد بود و تورات  
 اختلاف کرده و یا بغیر  
 متضاد بود چه رسد ۱۳  
 و لا مترجم گوید صیقل  
 آنرا می گفته اند استقبال  
 کرده اند و چ گفته اند  
 و حقه نماید و از جناب  
 غسل کند از حاصل  
 آنکه نام سس بود که  
 بشریت ابراهیمی  
 متدین باشد ۱۴  
 و لا یعنی یکدیگر  
 تفسیر عثمانی  
 و لا یعنی هر دو

خدا ترا از میان این  
جمیعت آلوده و ناپاک  
بطهارت و پاکی  
برمی دارد و بجای آنکه  
تو بجهنم عزت شوی و  
مردم ترسیده از تو  
بنا روی نکنند کسانی  
را که مطابق حکم الهی  
بصورت صحیح از تو  
پیروی میکنند تا نزدیک  
خسرت بر منکران تو فیرند  
و چهره می سازد تا  
آنکه کار میکنند از تو بترسند  
و باور کنند که آن مسلمان

وهدای در این  
چهارم باد کندگان  
بر سر مکان تو غالبی  
باشی و قتی ترا میرسد  
که تو دمو افغان و  
مخالفان تو بر یکم  
(۸) من راجه می کشد  
(۹) من سزایات  
شماره ابو زلفی  
فیصلی کنم و این  
سزایات من فصل  
می بریزد و هشتم این  
فصل چنانکه از آیه

أَرْبَابًا مِّنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ ١

دیگر را بجز غذا پس اگر روغن گردانند پس بپزند که گواه باشد که ماسما حتم  
پزود و گاران سوای غذا (پس) اگر روغن را بپزند (پس) بگویند که گواه باشد باینکه ماسما حتم

كَا هَلْ كَتَبَ لِمَنْ تَحَاوَنَ فِي أَرْهَمِهِمْ وَمَا أَنْزَلْتُ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ إِلَّا

اسے اہل کتاب چرا مکابره می کنند در باب ابراهیم و ذرود آورده شده است توریت و انجیل  
 سے اہل کتاب چرا مخاضمہ می کنند در باب ابراهیم و ذرود آورده شدہ تورات و انجیل

الْأَمِنْ يُعَدُّ ٤٥ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ٢ هَٰذَا نَمُوتُ فَأَحْيِجْهُمْ فَمِنْ

الا بعد ابراهيم آيا مخي نبيد آگاه شويد شما اے قوم دلا بره كريد در آ چرخ  
مگر بعد از ابراهيم آيا مخي دانند آگاه شويد شما اے مردم محض كريد در آ چرخ

لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ فَلَمْ تُحَاجُّوْنَ فِيهِ اَلَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ ط وَاللّٰهُ يَعْلَمُ

شماره ابوی دانیل است پس پتر املا بره می کند و در آنجا شماره ابوی دانیل نیست و خدا می داند  
شماره ابوی حسن است پس پتر املا بره می کند و در آنجا شماره ابوی حسن نیست و خدا می داند

وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ۝ مَا كَانَ ابْنُ مَرْيَمَ إِلَّا رَسُولًا قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ وَأَهُلَ عِيسَىٰ طُيُوتُوا بِآيَاتِهِ ۚ إِنَّكَ إِذَا عَمَدْتَ إِلَيْهِ فُجُورًا ۝

و شامی دارند	نمود	ابراهیم	جهود	و نه	سرس
و شامی دارند	نمود	ابراهیم	جهود	و نه	سرس

لَکِنْ کَانَ خَنِفًا مُّسْلِماً ۖ وَمَا کَانَ مِنَ الْبَشَرِ کَذِبًا ۝۴۷

و یکن بود خدایت مسلمان و نه بود از مشرک آرزندگان و هر آینه

وین بود از مد ایت با علم میرا علم بود از و نه بود از مشدگان بر آینه

نزدیک ترین مردم با ابراهیم آن کسان بودند که پیروی او کردند یعنی در زمان او و این پیغمبر و

منه الله الرحمن الرحيم

مؤمنان و خدا کار ساز مؤمنان است آرزو کردند طائفه از اهل

کسانی که ایمان آورند بر این پیغمبر و خدا کار سازم و مؤمنان است از خود دارند طائفه

کتاب که همراه سازند شهادت و همراهی سازند مگر غرضش را و آگاه می‌تند

کتاب که همراه سازند شد این معنی و همراهی سازند میگویند بگویند را و معنی دانند

بَابُ الْيَتِيمِ يَوْمَ تَقْرَأُ آيَاتِ اللَّهِ وَأَنْتُمْ شَاهِدُونَ ④

اے اہل کتاب چراغِ مہدیوید بابتہائے خدا دانستہ

اے اہل کتاب چرا انکاری کنید یہ آیت ہے اللہ دشمن معترید

یا اهل الکتب بحر فیلسون الحق بالباطل و تکتبون  
اے اہل کتاب چراغِ خدای کنید حق را بہ باطل و چراغِ شیوہ

کے اہل کتاب چرامی آمیزید حق را بہ باطل و چرامی پوشايند

حق را دانستند و گفتند گروهی از اهل کتاب که ایمان آرید

و گفتند بعضی از اهل کتاب ایشان میاورید

الَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَأَلْقُوا السَّيْفَ إِلَى اللَّهِ

روز و میگر شوید آخر روز

الذین کفروا غافل عما بهم غذاهاش یہ آقی الدینا بری آید معلوم است کہ منہاں آن پیش از وقوع آخرت بقدر این جہاں آغاز می شود ۱۲۰



فتح الرحمن  
والتين

ما يلقى في ربه  
انقذ الله من كل  
بلاء ودين عرب  
هم ودين ما يستند  
موافقه خواهد شد  
فتا يعني تبتكف  
از خود چيزي نوشته  
در كتاب خلاصه  
ي خواند ۱۲

تفسير عثمان  
بقبر مفر ۵۹

آنچه كافران خدا  
شديدي باشند  
همدگر را چيزي  
معاونتي نداشتند  
با مقابل اهل بيان  
را در نياو اخذ  
اجر كافي باشد

و نياو قاسان  
سنگيني كرده عقيد  
اجامعي است رجوم  
اسلام اين است  
كه خداوند چون  
مسح را به آسمان

بالبره و قتي بود كه  
يهود را بيز ناپاك  
خويش را با تمام  
رسانده بودند بر  
طبق احاديث حضرت  
پيغمبر صلي الله عليه وسلم  
بنظا ميگي قيامت  
نزديك گردد و نيا

را كفرو ضلالت  
و جاهليت و شيطنت  
استيلا كنند و آن  
وقت خداوند خاتم  
الانبيا صلي الله عليه وسلم  
يعني حضرت مسيح را بگيشت  
سپه سالار و نادر و حضرت  
خاتم الانبياء صلي الله عليه وسلم

يعني ذات فرخنده سرور  
كانات مي فرستد و بر  
و نيا و افق ميگرداند  
كه بپيچيدن گذشت  
را در باده حضرت  
بنوي صلي الله عليه وسلم  
چنانچه تقيست و جال را با يهودي كه گشتن از يهود نيز نجات يابد اشجاره اجماع گواهي دهد كه انيك در اين جا پديد است -

لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ۱ وَلَا تَتَّبِعُوا الْأَنْفُسَ الَّتِي تَبْعُ دِينَكُمْ قُلْ إِنْ أَرَادْتُمْ

تا شايد كه مسلمانان برگردند و متفاد مشوع مكرسي را كه يهودي دين شمارا بگوهر آيينه بد ايت همان است  
شايد ايشان باز گردند و صديق مكنيد مكرسي را كه يهودي دين شمارا بگوهر آيينه بد ايت همان است

هَدَى اللَّهُ أَنْ يُوَفِّيَ أَحَدًا مِثْلَ مَا أُوتِيْتُمْ أَوْ يَحْجِزْكُمْ عَنْ دَرَكِكُمْ ۲

كه بد ايت خداست گفتند يا در مكنيد آنچه داده شود بچس كس مانند آنچه داده شده ايد شما را كه به الزام دهند شمارا نيزه يك خدا  
كه البته بد ايت داده اين هر چيز براي آشتي كه چيزي داده شده ديگر را مانند آنچه داده شده شما را بگوهر غائب شوند بر خلاف يهود كه ايشان

قُلْ إِنْ أَرَادْتُمْ أَنْ يُوَفِّيَ أَحَدًا مِثْلَ مَا أُوتِيْتُمْ أَوْ يَحْجِزْكُمْ عَنْ دَرَكِكُمْ ۲

بگو گفتند بد است خداست ميدهد آنرا بغير كه خواهد و خدا فراخ نعمت و اناست  
بگوهر آيينه بر تری به يد خداست ميدهد آنرا بغير كه خواهد و الله فراخ نعمت و اناست

يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ۳

تخصيص مي كند به بخشاش خود بغير كه خواهد و خدا صاحب و فضل عظيم است و  
خاص مي كند به مهرباني خود بغير كه خواهد و الله داراي فضل عظيم است و

مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ إِنْ تَأْمَنَّا بِقِطَاعٍ يُتَوَدَّعُ إِلَيْكُمْ ۴

از اهل كتاب كسي هست كه اگر ايمان داري او را بخزان باز ده او را بگو  
از اهل كتاب است كه اگر امانت بدي ندي او را بگو و امانت او را بگو

وَمِنْهُمْ مَنْ إِنْ تَأْمَنَّا بِدِينَارٍ لَا يُؤَدِّي إِلَيْكُمْ إِلَّا مَا

و از ايشان كسي هست كه اگر ايمان داري او را بگو و دينار باز ده او را بگو و دينار او را بگو  
و از ايشان است كه اگر امانت بدي ندي او را بگو و دينار باز ده او را بگو و دينار او را بگو

دُمْتَ عَلَيْهِ قَلِيلًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْأُمُورِ

باخي بر سر او ايستاده و اين چنانست بسبب آنست كه گفتند نيست بر ما در كار حق ايمان  
باخي بر سر او ايستاده و اين چنانست بسبب آنست كه گفتند نيست بر ما در كار حق ايمان

سَبِيلٍ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ۵

بگو راست و دود را ميگويند بر خدا راست است و خدا را بگو  
بگو راست و دود را ميگويند بر خدا راست است و خدا را بگو

مَنْ أَوْفَى بَعْدَهُ وَاتَّقِ فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ ۶

هر كه وفا كنند بعهده خود و بغير گاري كنند پس هر آينه خدا دوست مي دارد و پيغمبر گاران را كساينك  
هر كه وفا كنند به پيمان خود و بغير گاري نماند ايس) هر آينه الله دوست مي دارد و پيغمبر گاران را كساينك

الَّذِينَ يَشْكُرُونَ بَعْدَ إِعْهَادِ اللَّهِ وَإِيمَانُهُمْ شُمُوكَ لَا أُولَئِكَ

ي ستايند عوض بپايند كه بخدا ايستاده و عوض سوگندان خويش بهائى اندك را آن گروه  
ي ستايند عوض بپايند كه بخدا ايستاده و عوض سوگندان خويش بهائى اندك را آن گروه

لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَلَا يَكْلِفُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ ۷

بگو كه صيب نيست ايشان را در آخرت و سخن نگويد با ايشان خدا و نگاه مكند بسوي ايشان  
بگو كه صيب نيست ايشان را در آخرت و سخن نگويد با ايشان خدا و نگاه مكند بسوي ايشان

يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۸ وَإِنْ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا

روز قيامت و نيك نسا ز ايشان را و ايشان را است عذاب دردنده و هر آينه از اهل كتاب گروه هستند  
روز قيامت و نيك نسا ز ايشان را و ايشان را است عذاب دردناك و هر آينه از ايشان گروه هستند

يَكُونُ أَلَسْتُمْ بِالْكِتَابِ لِحَسْبِهِمْ مِنَ الْكِتَابِ وَمَا هُمْ مِنْ الْكِتَابِ

كه ييچيند زبان خويش را نوشته تا مكنان كنند كه آن از كتاب است و نيست آن از كتاب و  
كه ييچيند زبان خويش را نوشته تا مكنان كنند كه آن از كتاب است و نيست آن از كتاب و







تفسیر عثمانی

بقیه صفحہ ۹۱

ابو البقار راجع به کلمہ "توفی" در کلیات خودی نظارہ التوفی الاماتہ و قبض الروح و علیہ استعمال الحامۃ و الاستیفاء اخذ الخ و علیہ استعمال البلاء الی اخرہ و یعنی "توفی" در کماورہ عالم و میرانیدن و جان ستانیدن استعمال می شود و نزہ بلغای بعضی وصول کامل و درست فرا گرفتن است گو یانزو آنها ازین جہت توفی برتوت اطلاق شدہ کہ موت کدام عضو خاص مراد نمی باشد بلکہ از طرف حضرت اہلبی کاظم روح اخذ می شود اکنون اگر فرض شود کہ خداوند روح کسی را بیدنش فرا گرفت بطریق اولی توفی گفته می شود بعضی از علمائے لخت کہ نوشتہ اند مفہوم توفی قبض الروح است نہیں توشیح ندادہ اند کہ قبض روح مع البقاہ را توفی نمی گویند و چنین قاعدہ نیز وضع کردہ اند کہ اگر ناعل توفی خدا و مفعول آن ذی روح باشد جز موت و گزینہی نیستد اشتہ باشد چون وقوع قبض روح عموماً جہا شدن آن از بدن است بنابر عادات و اکثریت کلمہ موت را یک ہماہ آن می نویسند و الاولی توفی این کلمہ قبض روح مع البدن است ۱۲ بقیہ صفحہ ۹۱

عَلَيْنَا وَمَا أَنْزَلَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَ

بر ما و آنچه فرستادہ شدہ بر ابراهیم و اسمعیل و اسحاق و یعقوب و

الْأَسْبَاطَ وَمَا أَنْزَلَ عَلَىٰ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَالَّذِينَ مِنْ بَيْنِهِمْ لَا نَفَقُ

بر ما و آنچه فرستادہ شدہ بر موسی و عیسی و پیغمبران را از جانب پروردگارشان فرق نمی کنیم

بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ ۳ وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ

میان یکی از ایشان و ما خدا را و ما او را و هر کہ طلب کند در راستی

الْإِسْلَامِ دِينًا فُلَن يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَيْرِينَ ۴

اسلام دین دیگر را پس هرگز قبول کردہ نخواہد شد از او در آخرت از زبان کاران است

كَيْفَ يَهْدِي اللَّهُ قَوْمًا كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ وَشَهِدُوا أَنَّ الرَّسُولَ

چگونه راه نماید خدا گروهی را کہ کافر شدند بعد اسلام خود بعد از آنکہ شناختند کہ پیغمبر

حَقٌّ وَجَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ۵ أُولَٰئِكَ

درست است و بعد از آنکہ آمد بایشان حجت های و خدا را می نماید گروه ستم کاران را این گروه

جَزَاءُ هُمْ أَنَّ عَلَيْهِمْ لَعْنَةَ اللَّهِ وَالْمَلَكُوتِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ ۶

مجازات ایشان آنست کہ باشند بر ایشان لعنت خدا و فرشتگان و مردمان ہمہ ایشان جزای ایشان این است کہ بر آیند بہشت بر ایشان لعنت اللہ و فرشتگان و مردمان ہمہ

خَالِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يَنْظُرُونَ ۷

جاویدان در آن لعنت سبک کردہ نشود از ایشان عذاب و نہ ایشان مہلت دادہ شوند

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ

الا آنہا کہ توبہ کردند بعد از این و نیکی کار سے نمودند پس ہر آئینہ خدا آمرزندہ

رَحِيمٌ ۸ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ ثُمَّ أَزَادُوا كُفْرًا

مہربان است ہر آئینہ ساینکہ کافر شدند بعد اسلام خویش باز زیادتی کردند در کفر

لَنَنْتَقِبَ لَهُمْ تَوْبَتَهُمْ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الصَّاغِرُونَ ۹

ہرگز قبول کردہ نشود توبہ ایشان و آن گروه ایشانند گمراہان ہر آئینہ ساینکہ

كَفَرُوا وَمَا نَوَّاهُمْ كَفَارًا فُلَن يُقْبَلَ مِنْ أَحَدِهِمْ مِلَّةٌ

کافر شدند و ما فرمودند ہرگز قبول کردہ نخواہد شد از ہر یکی یک ایشان مقدار پیری

أَرْضٍ ذَهَابًا وَلَوْ أَقْدَىٰ بِهَا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۱۰ وَالَّذِينَ تَابُوا

زمین از لہ و اگر عفو حق خود بد آنرا آن گروه ایشان راست عذاب دردناک و نیست ایشان از اینج مدد کاران







فلن بدین خدا ۱۲  
 فلن یعنی اوس و  
 خروج و عرب  
 معدیه و مینه و عرب  
 و غم بایکدیگر دشمنی  
 داشتند ۱۳  
 یعنی تفرق و موصول  
 دین حرام است ۱۴  
 که همه مغزلی بج  
 باشند و معنی  
 شیعه و علی و ائمه  
 ۱۵ یعنی واجب  
 بالکفایه است که  
 جمیع بامر معروف  
 و نهی از منکر تسمیاء  
 نمایند ۱۶  
 مانند یهود و نصاری  
 مشرک و کفر و  
 چند فرق گشتند ۱۷  
 تفسیر عثمانی  
 بقره ص ۶۳  
 ۱۸ یعنی با بیل و بیلیم  
 ما جرم بالهبار  
 (الهام رکوع ۴)  
 خداوند در وایت  
 توفی را بر نوم اطلاق  
 کرده حال آنکه قبض  
 روح در نوم تکلیف  
 نمی شود بکنایه اگر  
 در آل عمران دامنه  
 در وایت توفی بر  
 قبض روح مع الهی  
 اطلاق شده چنانچه  
 لازم می آید مخصوصاً  
 چون دیده شود که اطلاق  
 کلمه توفی بر موت و  
 نوم در قرآن آقا شده  
 زیرا نوم در عصر  
 جا بلیت چون باین  
 حقیقت آشتان بود  
 که خدا بتمام موت  
 و نوم چیز را از  
 انسان بازیگر  
 استعمال کلمه توفی  
 بر موت و نوم در آن  
 با شایع نبود برای  
 قس انکس بر حقیقت موت و نوم تحت قرآن کرم این کلمه را استعمال نموده است

أَوْتُوا الْكِتَابَ رَدُّوْكُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ كُفْرًا ۖ وَكَيْفَ تَكْفُرُونَ وَأَنْتُمْ  
 کتاب باز گردانید شمارا بعد از اسلام شما  
 کتاب باز گردانید شمارا پس از ایمان تان کافران  
 تَنَزَّلَ عَلَيْكُمْ آيَاتُ اللَّهِ وَفِيكُمْ رَسُولُهُ وَمَنْ يَعْتَصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ  
 خوانده می شود بر شما آیات خدا در میان شما هست پیاپی خدا و هر که چنگ استوار کرد بخدا پس بر آینه راه نموده شد  
 خوانده می شود بر شما آیت های خدا در میان شماست پیغمبر خدا و هر که چنگ انگذد (دین) خدا پس بر تحقیق ره نموده شد  
 إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ۚ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا  
 بسوی راه راست است مسلمانان بر رسید از خدا حق تر رسیدن از وی و  
 بسوی راه راست است ای مومنان بر رسید از خدا حق تر رسیدن از وی و  
 تَسْمُونَ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ۚ وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا  
 غیرید مگر مسلمان شده و چنگ زنید بر حسن خدا و جمع آمده و  
 غیرید مگر مسلمان و چنگ انگذد بر حسن خدا پسر شما و  
 تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ  
 پراکنده مشوید و یاد کنید نعمت خدا را که بر شماست چون بودید دشمن یکدیگر و پیوست پس آفت آدمیان  
 پراکنده مشوید و یاد آید نعمت خدا را که بر شماست وقتی که بودید دشمنان پس الفت انگذد میان  
 قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِّنْ  
 دلها پس شدید به نعمت خدا برادر با یکدیگر و بودید بر کناره مناهک از  
 دلهای شما پس شدید به نعمت خدا برادر و بودید بر کناره مناهک از  
 النَّارِ فَانْقُذْكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ۚ  
 آتش پس را بنید شمارا ازالا بپوشان بیان می کند برائے شما که آتش را تا باشد که راه یابید و  
 آتش پس نجات داد شمارا ازالا بپوشان بیان می کند خدا آیات خویش را شمارا تا راه یابید  
 وَلَئِنْ كُنْتُمْ مِنْكُمْ أَشَدُّ عَوْنًا إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ  
 و باید که باشد از شما کرمی که بخوانند بسوی نیکی کاری و بفرمایند بکار پسندیده و منع کنند  
 و باید که باشد از شما جماعتی که بخوانند بسوی کار نیکی و بفرمایند بکار پسندیده و باز دارند  
 عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۚ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَقَرَّوْا  
 از ناپسندیده و آن گروه ایشانند رستگاران و میباشید مانند کسی که پراکنده شده  
 از ناپسند و آن گروه ایشانند رستگاران و میباشید مانند کسی که نیک پراکنده شده  
 وَاسْتَغْفِرُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ۚ  
 و خلاص بایکدیگر کردند بعد از آنکه آمد بایشان حجت با اختلاف کردند بایکدیگر پس از آنکه آمد بایشان احکام واضح و آن گروه ایشان را است عذاب بزرگ  
 يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَفَكُنتُمْ  
 آنروز که سفید شود چو یک پاره رویها و سیاه گردد بپاره رویها اما آنکه سیاه شدت روی ایشان بدیشان گفته شود آیا کار کردید  
 روزی که سفید شود بعضی رو با و سیاه شود بعضی رو با پس اما کسی که سیاه شد روی ایشان بدیشان گفته می شود آیا کار کردید  
 بَعْدَ إِيمَانِكُمْ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ۚ وَأَمَّا الَّذِينَ  
 بعد از ایمان تان پس بپوشید عذاب بسبب کافر شدن خویش و اما آنکه  
 بعد از ایمان تان پس بپوشید عذاب را به عوض کافر شدن تان و اما کسی که  
 ابْيَضَّتْ وُجُوهُهُمْ فَفِي رَحْمَةِ اللَّهِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ۚ تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ  
 سفید شد رویهای ایشان پس در رحمت خدا باشند ایشان در آنجا جاویدند این آیات خداست  
 سفید شد رویهای ایشان پس در رحمت خدا باشند ایشان در آنجا جاویدند این حکم خداست



تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ بِالْحَقِّ ۚ وَاللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِّلْعَالَمِينَ ۝

می خوانم آنرا بر تو بستی و می خواهد خدا ستم کردن بر مردمان و خدا را است آنچه  
می خوانی من بر تو برانسی و نمی خواهد خدا ستم راه عالمیان و مر خدا را است آنچه

السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ۝ كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ

در آسمانهاست و آنچه در زمین است و به سوی خدا باز گردانیده میشود همه کار با هستی شما بهترین تمام است  
در آسمانهاست و آنچه در زمین است و به سوی خدا باز گردانیده میشود همه کار با هستی شما بهترین تمام است

خَرَجَتْ لِلنَّاسِ تَامُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَتَكْفَرُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتَوْبَتُهُمْ

که بیرون آورده شد و ایستاد مردمان می فرمایند بکار پسندیده و منع می کنند از ناپسندیده و باو امیدوارید  
که بیرون آورده شده برای مردم امر می کنند بکار پسندیده و بهی می کنند از کار ناپسند و ایستاد می آرید

بِاللَّهِ وَوَأَمِّنْ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَأَنْ خَيْرَ الْأَهْلِ مِنْهُمْ الْيُؤْمِنُونَ وَ

فدا و اگر ایمان می آوردند اهل کتاب هر آینه بهتر بود از ایشان را بعضی از ایشان مسلمانند و  
 فدا و اگر ایمان می آورد اهل کتاب هر آینه بهتر بود از ایشان بعضی از ایشان مسلمانند و

كَتَمَهُمُ الْفٰسِقُوْنَ ۝ لَنْ يَضُرُّكُمْ اِلَّا اَذًى وَّ اَنْ يَقَالُوْكُمْ بَوٰلُوْكُمْ

انترایشان بدکار اند  
هرگز زبان نه رسانند بشما که اندک رنج و اگر کار از رکنند با شما نیست  
کنشان نافرمان اند  
هرگز زبان نمی رساند شمار و مگر رنجانیدن زبانی و اگر حجت کنند با شما نمی گردانند

ادَّبَا قَتْلَهُمْ لَا يَمْضُونَ ۝ ٢٧ ۝ صُرِّتْ عَلَيْهِمُ الدَّلِيلَةُ اِنْ مَا تَقْوُوا اِلَّا

زده شده برایشان خوارق هر جا که یافت شوند مگر  
زده شده بر ایشان خوارق هر جا که یافت شوند مگر

مُحِبُّلٌ مِّنَ اللَّهِ وَحُبِّلَ مِّنَ النَّاسِ وَبَاءَ وَيَعُضِبُ مِّنَ اللَّهِ وَضَمَّتْ

بدست آویزی از خدا در دست آویزی از مردمان و باز کشید خطبه از خدا دزده شد  
به دست آویزی از خدا و دست آویزی از مردم و باز کشید به چشم از خدا و لازم شد

سَيُهِمُ السُّكَّانُ مَذْلِكَ يَاقُومَ كَانُوا يَكْفُرُونَ يَا أَيُّهَا اللَّهُ وَقْتُهُ

بزرگواران ناداری  
ایں سبب است که کافر به بودند  
بایات خدا و می گشتند

اَنْتَبِهْ بِغَيْرِ حَقٍّ ذٰلِكَ بِمَا عَصٰوْا۟ كَا۟نُوْا عٰتِدُوْنَ (۳) لِكُلِّ سَمَآءٍ

این بسبب آن که در این است و بسبب آنکه از حد می گذشتند پس بعد از آن

این به آن سبب بود که در آن می گردید و در حد کثرت بود و برابر می شد

برای راز اهل کتاب گزیده است این کتاب و می خوانند آیات خدا را در اوقات شب و

از این کتاب مرقدی است استاده برادر است میخوانند آیت بانی خدا را اوقات شب و

الشیان نبیره می کنند و آن مادر می دارند خدا را و روز گرامت را و میفرمایند بهار کنند یدیه

ایمان دارند بخدا و روز قیامت و امر می کنند بکار پسندیده

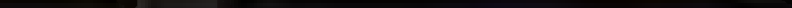
و سخی می کنند از نا پسندیده و شتابانی می کنند در پیشگی با

و بشی می کند از آن پسندیده و می شناسد در بینی با و آن گروه از شیعیان می کنند

وَأَقْبَلُوا إِلَيْنَا يَخِبُونَ وَيَقُولُونَ يَا أَيْدِي اللَّهِ عَالِمُ الْغُيُوبِ ۚ إِنَّ الْدِّينَ

و آنچه کنند از خیر پس هرگز قدر ناشناسی نمی شود و خدا داناست به پر خیزگان بر آینه آمانی

در این کتاب خداوند تعالی روح القدس پدید آمده آیا ممکن نیست که حکم خدا استماع بکردار مذهبیه و سیاسی و دینی و پدید دو نوعی و حکم الهی آورد و این را منوط





دل ما مل آنست  
که صدق ایشان را  
نموده است یعنی از غیر  
مسلمانان و کفار  
در غرض احد اهل نفاق  
میل کردند با آنکه در  
شهر محض شوند و  
اصحاب خواستند که  
بیرون آمده جنگ کنند  
بعد از آنکه خبریت  
واقع شد منافقان  
این را عمل حق  
نگرفتند و وقت حرب  
حضرت پیغامبر شریفی  
جاءت را معینند  
که از پیغامبر چون  
آمار فتح ظاهر شدن  
گرفت آنجا رفت در  
پس غارت افتادند  
و طعنان بی غیر کردند  
بنوی این خصایان  
پیغمبر هر مسلمان  
افتاد و همدرد کردند  
الاشاء الله و یوموا  
غیر شهادت حضرت  
پیغامبر شریف شد  
منافقان قصد تمام  
کردند پس در جواب  
طعن منافقان حق  
ظان امر کنندگان  
و تشیع یونانیان  
حق بجانب نازل کرد  
تفسیر شکی نیست  
علا بر حرف بیجا  
که شما را از دست آنها  
بیزند و آنها دوست  
شما را نکرده اند و حق  
کون شای باشند  
طوفان است که  
شما تمام کتاب ال  
اسمان را به هر  
کدام و هر زمانه و هر  
پیغمبری که فرود آمده  
بپند قول داده و بر  
آنها که خدا را می شناسد  
و او را می شناسد  
و بر آنها که امهای ایشان را

كُفَرُوا لَنْ تَغْنِي عَنْهُمْ اَمْوَالُهُمْ وَلَا اَوْلَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَاُولَئِكَ  
کافر شدند و فتح نکند از ایشان مال ایشان و اولاد ایشان از عذاب خدا چیزی را و ایشانند  
کافران هرگز بکار نیاید (و فتح نکند) از ایشان مال بای شان و فرزندان شان از عذاب خدا چیزی را و آن گروه  
اَصْحَابُ الدَّارِ لَهُمْ فِيهَا خِلَدٌ ۝ مَثَلُ مَا يُنْفِقُونَ فِي هَذِهِ الْحَيٰوةِ  
باشندگان و در آنجا جاویدند صفت آنچه خرج می کنند در این زندگانی  
الدُّنْيَا كَمَثَلِ رَيْحٍ فِيْهَا صِرٌّ اَصَابَتْ حَرْثَ قَوْمٍ ظَلَمُوْا اَنْفُسَهُمْ فَاَهَلَكَ  
و دنیا مانند صفت باد نیست که در آن سرمای سخت است برسد زراعت گروهی را که ستم کردند بر خویشانی پس نابود ساخت آن را  
و دنیا مانند باد نیست که باشد در آن سرمای سخت رسیده گشت قومی را که ستم کردند بر خویشانی پس نابود ساخت آن را  
وَمَا ظَلَمَهُمُ اللّٰهُ وَلٰكِنْ اَنْفُسُهُمْ يَظْلِمُوْنَ ۝ يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا  
و ستم نکرد بر ایشان خدا و لیکن بر خویشانی ستم می کردند ای مسلمانان دوست پنهانی  
و ستم نکرد بر ایشان خدا و لیکن بر خویشانی ستم می کردند ای مسلمانان ستمگرید کسی را  
بَطَانَةٌ ۝ مَنْ دُونَكُمْ لَا يَبْاُوْكُمْ خِبَاۤءًا وَاَمَّا عَنْكُمْ فَيَدْبَرُ الْبَعْضُ  
کمیارید از غیر خویشانی که تقصیر می کنند به نسبت شما فتنه انگیزی دوست درستی در حق شما را می پندارند و بعضی  
دوست پنهانی غیر از خود با کوتاهی نمی کنند در خرابی شما دوست دارند و بعضی شما را به حقیقت آشکارا شده و بعضی  
مِنْ اَقْوَامِهِمْ ۝ وَاَتَخَفِيْ صُدُوْرُهُمْ اَلَيْسَ اَلَا يَتَرَوْنَ  
از دهن بای ایشان و آنچه پنهان کرده است سینه ایشان سخت تر است هر آینه بیان کردیم برای شما که پنهانی  
از دهن بای ایشان و آنچه پنهان کرده است سینه بای شان کسان تر است به تحقیق بیان کردیم بشارت آنها را اگر  
كُنْتُمْ تَعْقِلُوْنَ ۝ هَآنَتُمْ اَوْلَادَ حُبُوْبِهِمْ وَلَا يُحِبُّوْكُمْ وَتُوْمِنُوْنَ  
و انما ستم کرد آگاه شوید شما ای قوم که دوست می دارید ایشان را و ایشان دوست نمی دارند شما را و ایمان می آرید  
شما عاقل هستید آگاه شوید شما ای مردم دوست می دارید ایشان را و ایشان دوست نمی دارند و ایمان دارید شما  
بِالْكِتٰبِ كُلِّهٖ وَاِذْ اَقْوَمَكُمْ قَالُوْا اٰمَنَّا وَاِذَا خَلَوْا عَضُّوْا عَلٰیكَ  
بهم کتاب الی و ایشان چون ملاقات کنند با شما گویند ایمان آوردیم و چون تنهایی بشوند بگویند بر شما  
بهم کتاب با و چون ملاقات کنند با شما گویند ایمان آوردیم و چون تنهایی بشوند میگویند بر شما  
اَلَا نَأْمِلُ مِنَ الْغِيْطِ قُلُومًا وَاَبْغِطْكُمْ اِنَّ اللّٰهَ عَلِيْمٌ بِذٰتِ  
انگشتان خود را از خشم بگویم بر سبب خشم خویش بر آینه خدا را تا است آنچه در  
انگشتان خود را از خشم بگویم بر سبب خود بر آینه انگشتانک تا است به آنچه  
الصُّدُوْرِ ۝ اِنْ تَسْسِكُمْ حَسَنَةً سَوْفَ تَكُوْنُ مِنْ اَهْلِهَا ۝ وَاِنْ تُصِبْكُمْ سَيِّئَةٌ  
سینه است اگر برسد بشما نفع تا خوش کند ایشان را و اگر برسد بشما ستم  
در سینه است اگر برسد بشما بی سودی تا خوش کند ایشان را و اگر برسد بشما بدی  
يَفْرَحُوْهَا وَاِنْ تُصِبْكُمْ سَيِّئَةٌ سَوْفَ تَكُوْنُ مِنْ اَهْلِهَا ۝ وَاِنْ تُصِبْكُمْ سَيِّئَةٌ  
خوش دل شوند بآن و اگر شکست کنند و پیروز گاری نمایند هیچ زیان نرسد بشما مگر ایشان  
خوش شوند بآن و اگر صبر کنند و پیروز گاری نمایند هیچ زیان نرسد بشما مگر ایشان  
اِنَّ اللّٰهَ بِمَا يَعْمَلُوْنَ خَبِيْرٌ ۝ وَاِذْ عَدُوْتُ مِنْ اَهْلِكَ تَبَوَّءُ  
بر آینه خدا با آنچه می کنند در گریزه است و یاد کن آنکه که پیروز آمد از میان اهل خانه خود را نشاند  
بر آینه خدا با آنچه می کنند در گریزه است و آنگاه که پیروز آمدی از منزل خود همسایه گردی  
اَلْمُؤْمِنِيْنَ مَقَاعِدُ لِلْقِتَالِ وَاللّٰهُ سَمِيْعٌ عَلِيْمٌ ۝ اِذْ هَمَّتْ طٰٓئِفَتٌ  
مسلمانان را در جای با برای جنگ و خداست نوا دانا است آنگاه که خواستند دو طرف  
مسلمانان را جای با برای جنگ و خداست نوا دانا است آنگاه که قصد نمودند دو طرف

و بر آنها که امهای ایشان را از تو جمع نداده علی الاجمال ایمان دارند بر خلاف مکه و مدینه و یثرب و حبش و غیره و اینها از این ۲۴







طریق در بار ۱۲

تفسیر عثمان

عنه این آیات را بخوان  
 بدو که از حد فرود آمده  
 آنکه که می بماند  
 از براحت خست  
 بودند آنکه که نقش  
 جویان نامورشان  
 روی بر روی آنها شد  
 شده افتاده بود و  
 شقاوت پیشه گان  
 بدوخت خود پیوسته  
 نیز مجروح گردانید  
 بودند و ظاهر آنکه  
 اسباب تیرمیت بنظر  
 میامد و بچشم این  
 بدو یاس ندای خود  
 متعالم شنیده که  
 "ولا حیوانا ولا نخوة  
 او انتم الا علون ان  
 کنتم مؤمنین" به  
 بینید از شداید و  
 نفوذ و در مقابل  
 و دشمنان خداست  
 و نامردی را بخوبی  
 راه می بیند و می  
 نیست که در جوارش  
 و مصائب قوم نشین  
 امروز نیز شما محزون  
 سر بلندید که در راه  
 حیات حق متعل رسوخ  
 و تکلیف میشود و  
 در انجام کارهای  
 فتح از شماست و شما  
 فیروز می شوید اگر  
 بیایان و ایمان  
 استوار باشید و به  
 پیمان خدا اعتماد کامل  
 داشته از اطاعت  
 و تقوی و جهاد فی سبیل  
 الله قدم باز نگذارید  
 آن ندای الهی دل  
 های سگفته را بپوشاند  
 نمود و در اجسام پشیمان  
 زنده گان تازه بخشد  
 آخرت این شد که  
 کفار و کفر را

وَسَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمُوتُ وَ

الْأَرْضُ أَعَدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يَنفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ

وَالْكَاطِبِينَ الْغَيْظِ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ

وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا

لذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يُغْفِرِ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَلَوْ يُصِرُّوا عَلَىٰ مَا

فَعَلُوا أَوْ هُمْ يَعْلَمُونَ ۝ أُولَٰئِكَ جَزَاءُ هُم مَغْفِرَةٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَ

جَنَّةٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَنِعْمَ أَجْرُ الْعَمِلِينَ

قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ ۖ لَّا يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَاتَّظَرُوا كَيْفَ

كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ ۝ هَٰذَا بَيَانٌ لِّلنَّاسِ وَهُدًى وَ

مَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ ۝ وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا ۚ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ

كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ۝ إِنْ يَسْأَلْكُمْ فِرْعَوْنُ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قُرْحٌ مُّثْلُهُ

وَيَلَاكِ الْيَوْمُ دَاوُدُ وَهُوَ آخِرُ مَا يُرِيتُكَ آيَاتُنَا ۚ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا

وَلِيُخْذَ مِنْكُمْ شَهَادَةً ۖ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ ۝ وَلِيُخْذَ مِنْكُمْ

شَهَادَةً ۖ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ ۝ وَلِيُخْذَ مِنْكُمْ شَهَادَةً ۖ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ

الظَّالِمِينَ ۝ وَلِيُخْذَ مِنْكُمْ شَهَادَةً ۖ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ ۝ وَلِيُخْذَ

مِنْكُمْ شَهَادَةً ۖ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ ۝ وَلِيُخْذَ مِنْكُمْ شَهَادَةً ۖ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ

الظَّالِمِينَ ۝ وَلِيُخْذَ مِنْكُمْ شَهَادَةً ۖ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ ۝ وَلِيُخْذَ

مِنْكُمْ شَهَادَةً ۖ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ ۝ وَلِيُخْذَ مِنْكُمْ شَهَادَةً ۖ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ

الظَّالِمِينَ ۝ وَلِيُخْذَ مِنْكُمْ شَهَادَةً ۖ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ ۝ وَلِيُخْذَ

مِنْكُمْ شَهَادَةً ۖ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ ۝ وَلِيُخْذَ مِنْكُمْ شَهَادَةً ۖ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ

الظَّالِمِينَ ۝ وَلِيُخْذَ مِنْكُمْ شَهَادَةً ۖ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ ۝ وَلِيُخْذَ

مِنْكُمْ شَهَادَةً ۖ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ ۝ وَلِيُخْذَ مِنْكُمْ شَهَادَةً ۖ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ

الظَّالِمِينَ ۝ وَلِيُخْذَ مِنْكُمْ شَهَادَةً ۖ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ ۝ وَلِيُخْذَ



الذین آمنوا ویحقی الکفرین ۱۰ ام حسبتکم ان تدخروا بحجۃ وکم

مستمنین را و دنا بود سازد کافران را آید گمان کردید که در راه حج می بینید و هنوز

یعلم الله الذین جاهدوا امنکم وبعلم الصیدین ۱۱ ولقد کنتم

تستمنون الموت من قبل ان تلقوه فقد رایتموه وانه تنظرون ۱۲

آوردی کردید مرگ را و پیش از آنکه ملاقات آن کنید پس می بینید که آن را و شما نمی بینید

وما محمد الا رسول قد خلت من قبله الرسل ۱۳ افان کانت

او نیست محمد مگر پیغمبر بر آینه گذشتند پیش از وی پیغامبران آیا اگر میگرد

او قبل انقلبتم علی اعقابکم ۱۴ ومن یقلب علی عقبیه فلن یتضر

بشکست شود بر گردید بر پشتها می خود را و هر که برگردد بر پشتها می خود را پس هیچ زیان نرساند

الله شیئا ویسخری الله الشکرین ۱۵ وما کان لنفس ان تموت

خدا را و خدا توابع خواهد داد شکر گزاران را و نیست هیچ نفس را که نمیرد

الا یردن الله کتباً وحرکات ۱۶ ومن یرد ثواب الذین انما نوتهم منها ومن

اما باری خدا نوشته شده است مقید بقدر وقت و هر که بخواند عوض دنیا را میدهد پیش از آن و هر که

یرد ثواب الاخره نوتهم منها ۱۷ ویسخری الشکرین ۱۸ وکان من

بخواند ثواب آخرت بد پیش از ثواب آخرت و نزدیک است که جزای نیاید بکم شکر گزاران را و بس

لی قتل معه ریحون کثیر فها وهنوا لبا اصابعهم فی سبیل

پیغمبر که قتل کردند با کفار همراه او خدا پرستان بسیار پس سستی کردند بسبب میبختن که این نزار سجد کرده

الله وما ضعفوا وما استکاثوا والله یحب الصیدین ۱۹

خدا و ناتوانی نکردند و بیچارگی نمودند و خدا دوست می دارد صابران را

وما کان قولهم الا ان قالوا اسر بنا غفر لنا ذنوبنا واسرافنا

و نبود سخن این خدا پرستان بجز آنکه گفتند اسیر ما را بیاور تا ما را از حد گذشته ما

فی امرنا وکنت اقد امننا وانصرنا علی القوم الکفرین ۲۰

در کار خود راستوار بکن پادشاه ما را و نصرت ده ما را بر قوم کافران

فالتهم الله ثواب الذین احسن ثواب الاخره ۲۱ والله یحب

پس بشارت کرد خدا ایشان را جزای نیک در دنیا و جزای نیک در آخرت و خدا دوست می دارد

و این یعنی اولوب ایشان را محکومند و این شهادت را ۱۲ یعنی مرتد شوید ۱۳ تقدیر عثمانی ع چون یکس نمی تواند جز بفرمان الهی نماید اگر چه اسباب مرگ دایم آمده باشد و وقت مقدمه مرگ فرا میرسد خواه به علت بیماری باشد یا قتل یا علقی دیگر باید متذکرین علی الله از آن در وحشت و هراس غرقند و در شنیدن مرگ بزرگان یا خود را شتر نزل و مالوس گردد و عسل پیش از شایبها مردم خدا پرست با پیغمبران اتفاق نموندند یا کافران بقتل برود و متحمل چنین رنج و مصیبت گردیدند اما ازین مشایید و رنجها و در اداوت شان و در دهرمت شان قوی و بدینا با اعباض و ناتوانی نگردند و در مقابل دشمن سرزود نیاروند خدا بخواص محبت می داند با کسانی که ثابت قدم شکوایان باین کسبند و سعادتمانی گردانند و عطف و مستی نشان داده بودند متلب و طرق محبت و غیرت شان را آخر یک نوعی یعنی ازین با اعتماد کرده بودند که در میان می ساخته از اوسقیان ۱۱۱ طلبیده شود مطلب از این است که چون خدا پرستان و کافران هم معاصی و شایسته و استکمال خویش را با ثبات رسانند تا این است که غیر از محبتی با شایسته و خالی تر







فتح الرحمن  
 صل و این کار بر  
 آن کرده شد که در علم  
 ای مقدر بود و در  
 یعنی کافران مسلمانان  
 و این چون میزند  
 درین حالت  
 تفسیر عثمانی  
 ع این من شش  
 یاست و افسوس  
 چیزی بدی آورد  
 آنچه را خدا در بار  
 اجل عمل برگزید  
 سبب و وقت آن  
 زحمت و مقدر کرده  
 است هرگز تغییر نمی کند  
 و تقاضای تو را می یابد  
 اگر شاد و درون خانه  
 ای خوش محصور  
 می شد و با فقر  
 رای شما علی بن شد  
 باز هم که شکست  
 آنها در و از من نزدیک  
 اند و مقدر و محتاج به سبب  
 از میان من صوب  
 میرفت و در جهان  
 موقع گشتی شد  
 این صوبت الهی است  
 که در آنجا کشتل آنها  
 مقدمه راه خدا  
 به قتلای دلاوری  
 و خوش بشماران رسید  
 حریت و آسایش برآ  
 چیت کار با انرا  
 قیاس از خود نمیز  
 عه خدایان  
 بای تمام است و  
 هیچ حالی از هیچ کس  
 و در حق و حق  
 نیست مقصد این بود  
 در محاسن اسکان  
 و در دگر تاهیه در  
 تلوپ شاست برآ  
 تراود و در دگر است  
 خالص از مشغول  
 متماز و در محاسن  
 صل و توفیق خورشید

فِي أَنْفُسِهِمْ مَا لَا يَبْدُونَ لَكَ يَقُولُونَ لَوْ كَانَ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ  
 در دل خویشان آنچه آشکارا نمی نمایند بگویند اگر می بود بماند این کار  
 مَا قَتَلْنَاهُمْ نَأْفِلُ لَوْ كُنْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ لَبَرَزَ الَّذِينَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ  
 کشته نمی شدیم در اینجا بگو اگر می بودید در خانه های خود بر می آمدند کسانی که مقدر شده است بر ایشان  
 الْقَتْلُ إِلَى مَضَاجِعِهِمْ وَلِيَبْتَلِيَ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَلِيُمَحَّصَ  
 کشته شدن بسوی جایی که خواهد بود تا آید خدا آنچه در سینه شما است و تا کامل عیار سازد  
 مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ۝۱۰  
 آنچه در دل شما است و خدا داناست آنچه در سینه است هر آنچه که می کند و هر آنچه که  
 مِنْكُمْ يَوْمَ الْتَفَاحِ مِنْ أَلْسِنَتِهِمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ كَسْبِكُمْ  
 از شما روزی که بهم آمده بود و طاعت جز این نیست که لغز ایند ایشان را شیطان بیو می بعضی آنچه کردند  
 وَلَقَدْ عَفَا اللَّهُ عَنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝۱۱  
 و هر آینه عفو کرد خدا از ایشان هر آینه خدا آمرزنده بر بار است اے مومنان  
 لَكُمْ لَوْ كُنْتُمْ تَدْرِكُونَ كَفَرُوا وَقَالُوا الْإِخْوَانُ مِنْهُمْ أَدْخُلُوا فِي الْأَرْضِ  
 میباشید مانند آنکه کافر شدند و گفتند در حق برادران خویش و قتل ستم کردند در زمین  
 أَوْ كَانُوا أَغْزَى لَوْ كُنْتُمْ عِنْدَنَا مَا تَدْرِكُونَ لَوْ كُنْتُمْ عِنْدَنَا مَا تَدْرِكُونَ  
 یا باشند بجا و بیرون آمده است اگر می بودند ایشان نزدیک نمی شدند و کشته نمی شدند تا گرداند خدا  
 ذَلِكَ حَسْرَةٌ فِي قُلُوبِهِمُ وَاللَّهُ يُتْلِي وَيُخَيِّرُ وَاللَّهُ بِاتِّخَاذِهِمْ  
 این سخن را پیچ و در دل ایشان و خدا زنده می کند و می میراند و خدا با آنچه می کند  
 بَصِيرٌ ۝۱۲ وَلَكِنْ قَتَلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مِتُّمْ لَمْ يَغْفِرَ اللَّهُ عَنْكُمْ  
 بیناست و اگر کشته شدید در راه خدا یا مردید هر آینه آمرزشی از خدا و  
 رَحْمَةً خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ ۝۱۳ وَلَكِنْ مَتَّكُمْ أَوْ قَتَلْتُمْ لَا إِلَى اللَّهِ  
 بخشایش بهتر است از آنچه جمع می کنند و اگر مردید یا کشته شدید البته بسوی خدا  
 خَشَرُونَ ۝۱۴ فِيمَا رَحْمَةً مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًا عَلَيْهِمْ  
 بر آنکه خواهی شد پس به سبب مهر بانی از خدا نرم شوی بر علیه ایشان و اگر می شدی در سخت  
 بر آنکه خواهی شد پس به سبب رفق که از جانب خداست نرم دل شدی بر ایشان و اگر می بودی تو در سخت  
 الْقَلْبُ لَا أَنْفُصُوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ  
 دل بر آنکه می شندی از حوالی تو پس در غم از ایشان و آمرزش خواه بر آید ایشان  
 دل بر آنکه می شندی از پیرامون تو پس در غم از ایشان و آمرزش خواه بر ایشان

در اینجا برای آینه دل های شان از سبب و ضعف پاک باشد لغزشهای منافقان آشکار شود و مردم کثرت باطن آنها را بداند ۱۲















فتح الرحمن  
 ١٨ و ما یستنبطون  
 ١٩ و یقولون ان الله  
 ٢٠ یغفر الذنوب  
 ٢١ و یغفر الذنوب  
 ٢٢ و یغفر الذنوب  
 ٢٣ و یغفر الذنوب  
 ٢٤ و یغفر الذنوب  
 ٢٥ و یغفر الذنوب  
 ٢٦ و یغفر الذنوب  
 ٢٧ و یغفر الذنوب  
 ٢٨ و یغفر الذنوب  
 ٢٩ و یغفر الذنوب  
 ٣٠ و یغفر الذنوب  
 ٣١ و یغفر الذنوب  
 ٣٢ و یغفر الذنوب  
 ٣٣ و یغفر الذنوب  
 ٣٤ و یغفر الذنوب  
 ٣٥ و یغفر الذنوب  
 ٣٦ و یغفر الذنوب  
 ٣٧ و یغفر الذنوب  
 ٣٨ و یغفر الذنوب  
 ٣٩ و یغفر الذنوب  
 ٤٠ و یغفر الذنوب  
 ٤١ و یغفر الذنوب  
 ٤٢ و یغفر الذنوب  
 ٤٣ و یغفر الذنوب  
 ٤٤ و یغفر الذنوب  
 ٤٥ و یغفر الذنوب  
 ٤٦ و یغفر الذنوب  
 ٤٧ و یغفر الذنوب  
 ٤٨ و یغفر الذنوب  
 ٤٩ و یغفر الذنوب  
 ٥٠ و یغفر الذنوب  
 ٥١ و یغفر الذنوب  
 ٥٢ و یغفر الذنوب  
 ٥٣ و یغفر الذنوب  
 ٥٤ و یغفر الذنوب  
 ٥٥ و یغفر الذنوب  
 ٥٦ و یغفر الذنوب  
 ٥٧ و یغفر الذنوب  
 ٥٨ و یغفر الذنوب  
 ٥٩ و یغفر الذنوب  
 ٦٠ و یغفر الذنوب  
 ٦١ و یغفر الذنوب  
 ٦٢ و یغفر الذنوب  
 ٦٣ و یغفر الذنوب  
 ٦٤ و یغفر الذنوب  
 ٦٥ و یغفر الذنوب  
 ٦٦ و یغفر الذنوب  
 ٦٧ و یغفر الذنوب  
 ٦٨ و یغفر الذنوب  
 ٦٩ و یغفر الذنوب  
 ٧٠ و یغفر الذنوب  
 ٧١ و یغفر الذنوب  
 ٧٢ و یغفر الذنوب  
 ٧٣ و یغفر الذنوب  
 ٧٤ و یغفر الذنوب  
 ٧٥ و یغفر الذنوب  
 ٧٦ و یغفر الذنوب  
 ٧٧ و یغفر الذنوب  
 ٧٨ و یغفر الذنوب  
 ٧٩ و یغفر الذنوب  
 ٨٠ و یغفر الذنوب  
 ٨١ و یغفر الذنوب  
 ٨٢ و یغفر الذنوب  
 ٨٣ و یغفر الذنوب  
 ٨٤ و یغفر الذنوب  
 ٨٥ و یغفر الذنوب  
 ٨٦ و یغفر الذنوب  
 ٨٧ و یغفر الذنوب  
 ٨٨ و یغفر الذنوب  
 ٨٩ و یغفر الذنوب  
 ٩٠ و یغفر الذنوب  
 ٩١ و یغفر الذنوب  
 ٩٢ و یغفر الذنوب  
 ٩٣ و یغفر الذنوب  
 ٩٤ و یغفر الذنوب  
 ٩٥ و یغفر الذنوب  
 ٩٦ و یغفر الذنوب  
 ٩٧ و یغفر الذنوب  
 ٩٨ و یغفر الذنوب  
 ٩٩ و یغفر الذنوب  
 ١٠٠ و یغفر الذنوب

خَيْرٌ ١ لَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَنَحْنُ

دانا است بر آینه شنید خدا سخن آنانکه گفتند که خدا فقیر است و ما

أَغْنِيَاءُ مَسْكُوبٌ مَا قَالُوا وَقَالَهُمُ الْأَنْبِيَاءُ بِغَيْرِ حَقٍّ ٢ وَنَقُولُ

نوعکم دل خواهم نوشت آنچه گفتید و بنویسیم لشان ایشان را باین حق و بگوئیم

ذَوُ قُوَّةٍ أَعَدَّ الْعَذَابَ ٣ ذَٰلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيَكُمْ وَإِنَّ اللَّهَ لَكَنَ

بخشید عذاب سوزنده این بدل آنست که پیش فرستاده دست های شما و آئینه خدا است

يُظْلِمُ الْعَمِيدُ ٤ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ عَهْدُ الْبَيْنَا الْأَنْتُمْ مِنْ

ستم کننده یست بر بندگان آنانکه گفتند که خدا حکم فرستاده است بگوی ما که ایمان بیاوریم

لِرَسُولٍ حَتَّىٰ يَأْتِيَنَا بِقُرْآنٍ تَأْكُلُهُ النَّارُ قُلْ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ

باین سخن تا آنکه بیاورد ما را قرآنی که بخورد آتش دل بگو آورده نزد یک شما پندارم بران

مَنْ قَبْلِي بِالْبَيِّنَاتِ وَبِالذِّكْرِ قُلْتُمْ قُلْتُمْ قُلْتُمْ قُلْتُمْ قُلْتُمْ قُلْتُمْ

پیش از من منزه و آنرا نیز که شما گفتید پس چرا گفتید ایشان را اگر بپسندید

صَادِقِينَ ٥ فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَ رَسُولٌ مِّنْ قَبْلِكَ جَاءُوا

راستگو پس اگر بدو رخ نسبت کردند ترا بدو رخ نسبت کرده شده بودند پندارم بران پیش از تو آورده

بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَالْكِتَابِ الْمُنِيرِ ٦ كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ

حجت بار و محقق بار و کتاب روشن را هر نفسی چشیده مرگ است

وَاللَّهِ أَتَوْقُونَ أَجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ ٧ فَمِنْ زَحْزَحٍ عَنِ النَّارِ

و جز این نیست که تمام داده خواهید شد مزد خویش را روز قیامت پس هر که دور داشته شد از دوزخ و

أَدْخَلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَوةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْعُرُودِ ٨

آورده شد به بهشت پس هر آینه نمرود رسید و نیست زندگی دنیا مگر بهر فرسوده

لَتَتَّبِعُونَ فِي أُمَمٍ إِلَهُكُمْ وَأَنْفُسَكُمْ وَلَسْتُمْ عَنْ الَّذِينَ أُوتُوا

البتّه ازایش کرده خواهند شد شمار اموال شما و جان شما و خواهید شد از آنانکه کتاب داده شده اند

الْكِتَابِ مِنْ قَبْلِكُمْ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذَىٰ كَثِيرٌ أَطِيعُوا

پیش از شما و از مشرکان سرزنش بسیار و اگر صبر کنید

وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ ٩ وَإِذَا أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ

و بپندارید گاری تا بید بر آئینه این خصلت از کارهای مقصود است و یاد کن چون گرفت خدا عهد



الَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ يَشْفَعُونَ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْفُرُونَ ۚ فَتُبَدِّلُوا

این کتاب که البته بیان کننده کتاب را برای مردمان و نه پوشیده آنرا پس بانه فتنه آن عهد را  
 این کتاب را که سر آینه بیان کننده آن را برای مردم و پنهان نگه داشتن آنرا پس انداخته آن را

بِأَنَّهُمْ أَشْرَوْا بِهَا نَفْسَهُمْ فَأَشْرَتِ بِهَا قَوْمَهُمْ فَلَمَّا أَصْبَحُوا وَجَدُوا قَوْمَهُمْ بِأَسْفَلِ الْمَوَدَّةِ فَكَرِهُوا مُرَادَهُمْ فَلَمَّا ذُكِّرُوا بِهَؤُلَاءِ أُولَئِكَ أَلْقَوْا أَصْوَادَهُمْ فِي أَعْيُنِ النَّاسِ فَأَعْرَضُوا عَنْهُمْ فَارْتَدَّ وَجُوهُهُم مُّصْرِفًا وَأَلْفَكُوا قَوْمَهُمْ هَلْ يَفْقَهُونَ

پس پشت خویش و گرفتند / غرض و سببها که اندک پس بد چیز است که می ستانند  
پس پشت خود و خریدند / بدلی آن بهای اندک پس چه بد است آنچه می ستانند

بِئْسَ الَّذِينَ يَفْرَحُونَ بِمَا آتَوْا وَيَجْهَلُونَ أَنَّ اللَّهَ بِمَا

سے را کہ شہر امان می شوند با یکدیگر کردند و دوست میباشند که ستم و ستم شوند  
بے را که شہر امان میباشند به آپ که کردند و دوست میباشند که ستم و ستم شوند

بِسْمِ اللَّهِ يَفْعَلُوا أَفَلَا تَحْسِبُنَا بِمُقَازَةٍ مِنَ الْعَذَابِ وَلَهُمْ

پندار ایشان را از خلاص از عذاب ایشان راست  
نمودند پس پندار ایشان را از خلاص از عذاب ایشان راست

أَلَيْسَ ۚ وَدَيْكَ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۚ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ

عذاب درد و سوزنده و خدا است پادشاهی آسمانها و زمین و خدا بر همه  
عذاب درد و ناک عه و مر خدا است پادشاهی آسمانها و زمین و خدا بر همه

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ اخْتَلَفَ فِي الْأَشْيَاءِ

بر آید در آفرینش آسمانها و زمین و آمدند شدن  
بر آید در آفرینش آسمانها و زمین و آمدند شدن

وَالنَّهَارَ لَا يَتْلَاوِي إِلَّا الْكِتَابُ ۚ الَّذِينَ يَدْعُونَ اللَّهَ قِيَامًا

هست مر خداوندان خرد را آنگاه یاد می کنند خدا را ایستاده و

عَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

در آرایش آسمان با زمین  
و بر آرایش خفته و نگر میکنند در پیدایش آسمان با زمین

قلت هذا باطل لا يبيحناك فقنا عبد اب الدار ربنا

بروردگار ما بنیادین را عیث پاکست عزرا از محمد عیث پاکست نیکو دار از عذاب دوزخ فرج آوردگار

کے من تدخیل التار فعدا خزیتہ و ما للظالمین من

[illegible]

اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَسْتَعِيْذُ بِكَ مِنْ اَلْجَنَّةِ اَمَّا بَعْدُ فَاِنَّا نَشْكُوْكَ اِلٰى اَلْحَمْدِ اِنَّ اِيْمَانًا اَمِنُوْا

کار است پروردگار ما بر آئین سرین حکم نداشتند را از بد اواز بلند ندا می کرد بسوی ایمان که ایمان آرید

ایک ایسا آدمی ہے جو کہ اسے پوروں دیکھ رہا ہے۔ یہی مرزا کا نام ہے اور وہ مرزا کا بیٹا ہے۔

پس ایمان آوریم اسے پروردگار پائس یماز پائشا پان مارا دور گرومن از ابدی پای مارا

این ماریا میگوید که این است که در کتاب و در حدیث آمده است که هر که در روز قیامت این دعا را بخواند...

و غلام کرده فی مابین بر واسطه و سحران خود

و چون در این کتاب اسرار و احوال مشاهده نمائید و از مشاهده آن متذکر شوید که اینها همه از جانب خداوند است و به کرم و در





وَأَخْرَجْنَا لَهُمُ الْقَبِيلَةَ إِنَّكَ أَلْمُتَّحِفُ الْمَعَادِ وَأَسْتَحَابُ لَهُمُ

در سواکن بار و روز قیامت  
بر آینه کو خلات نمی کنی وعده را (سیر) فتا که دو عالم بر آینه را

رَبِّهِمْ أَلَا ضَيِّعُ عَسَلٌ عَامِلٌ مِنْكَ مِنَ ذِكْرٍ أَوْ أُنْثَى بَعْضُهُ

پروود کار ایشان با یکدیگر منافع میسر دایم علی بیخ عمل کننده را از شما از مرد یازن <sup>لحمه</sup> شتا

مِنْ بَعْضِ الَّذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأُذُوا

ایس بعض است آنانکه بجهت گردند و بیرون کرده شده از خانه های خویش در تخریب شده اند  
تبعی است عا لیس آنانکه بجهت گردند و بیرون کرده شده از خانه های شان در تخریب شده اند

فِي سَبِيلِي وَقْتُوا أَكْفَرًا عَنْهُمْ سَيَاتُهُمْ وَ

در راه من و جنگ کردند و کشته شدند سرآئینه دوری کنم از ایشان بدی مای شان را و

وَأَدْخَلْنَاهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَابًا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ط

اینان را در باغها که میبرد از زیر آن بوها پاداش از نزد یک خدا  
برآیند می در ارم اینان را در باغها که میبرد از زیر آن جوی با آداب از جانب خدا

وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَحْسَنُ التَّوَابِ ۝ لَا يَسْرُبُ إِلَيْكَ تَقْلُبُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي

و خدا سر دیار دوست پاداش نهد / بایده که نه فریبده ترا آمد و شد کافران  
و خدا نمود و دست نیک کوپ / فریب نده ترا آمد و شد کافران در

لِبَادٍ ۝ مَتَاعٌ قَلِيلٌ ۝ ثُمَّ مَا لَهُمْ جَنَّتُهُمْ وَيُسْأَلُ الْعِبَادُ ۝

تسمہ بار این بہرہ مندی اندک است بعد از ان جائے ایشان دوزخ باشد دوسے پہچانے است  
تسمہ بار این بہرہ مندی اندک است پس باز گشت شان دوزخ است و پدجای است عہ

كُنَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ

چنین آنانکه ترسینند از پروردگار خود ایشان را است با آنها که می رود از سیران جو بهما جادیدان

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ عِنْدَ اللَّهِ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكَ بَرَّارٍ ۝ وَإِنْ مِنْ

و از مردی خدا داد آنچه نزد خداست بهتر است و آنچه کار آنرا و هر آینه از  
آن مهاباتی است از نزد خداست و آنچه نزد خداست بهتر است و آنچه کار آنرا و هر آینه از

فَلِالْكِتَابِ لَكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ وَمَا أُنْزِلَ

این کتاب یکی از آنهایی است که در آنجا و بایچه وود آورده شده است و بایچه وود آورده شده است و بایچه وود آورده شده است

لَهُمْ خَشْيَةُ اللَّهِ لَا يَشْكُرُونَ بَابِ اللَّهِ ثُمَّ تَأْتِيهِمْ أَفْئِدَةٌ وَلَهُ

شاهان عاجری کنندگان اند برای خدا نمی ستانند عو ض آیتهاست خدا بهای اندک آن گروه  
 ایشان عاجری کنندگان اند برای خدا نمی ستانند عو ض آیتهاست خدا بهای اندک آن گروه

هُمُ اجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ ۖ اِنَّ اللّٰهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ۝ لَا يَتَّبِعُهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا

شان راست مزد ایشان نزد یک پیروز و دگر ایشان  
شان راست مزد ایشان نزد پیروز و دگر ایشان

صَبِّرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿١٠٠﴾

میر کشید و محنت کشید و برای جهاد آماده بار کشید و پیر کشید از خدا بایستد که رستگار مقوید  
میر کشید و محنت کشید و برای جهاد آماده بار کشید و پیر کشید از خدا تا رستگار مقوید

خوانده شد که مهان در خوردن و نوشیدن اندیشه نمی داشت که باشد یا نه عزت و آسایش می نشینند و هر چیز بدون زحمت با و مهیا می باد.

غلہ چر کر بدستور چہ  
 زن مرغی کس در بارگاه  
 ماضیاتی نشو وهر چه  
 گفتی بیند این باطل  
 شرط است زن نیکو  
 کار مروغی استبداد  
 خویش در آخرت بفریاد  
 غایبی گرد و مردان  
 را نصیب نشو وهر  
 ای مردان و زنان  
 افرو یک نوع انسانند  
 و از یک آدم پر بداند  
 و در یک رشته اصلی  
 منسلک و در یک  
 حیثیات اجتماعی و امر  
 مساخری آبیانید باید  
 در اعمال و حرمت حق  
 نیز خرد بشن و امر  
 بداند و این است  
 که ام سلمه رضی اللہ  
 تعالیٰ عنہا عرض کرد  
 ای پیغمبر خدا! اگر  
 در آن بجزرت و دیگر  
 اعمال حسنہ از زنان  
 ہر تحقیص منور شد  
 بولب آن بایزایت  
 و از ہر شے آن  
 گفتار کہ ہر سو دست  
 پا زودہ بیازد و کانی  
 شروئی انقضد  
 و بگری در زندہ ہایہ  
 مسلمانان از ان ہا  
 فریب نغورند این را  
 ہر قیمت آبی و خانی  
 است چہ ہمیش خوشی  
 است کسی را کہ چند  
 روز با و غذا ہا  
 لطیف و ہندو پس  
 از ان او را بدلو کنند  
 یا بہر زمان از انی انانہ  
 ہمیش گوارا کسے  
 راست کہ بہر تحمل  
 رخ اندک و سایل  
 آسایش عالی و  
 ادبی را تا این نماید  
 بہر دلی سبب  
 ۱۶-



صلواته جالبست  
اولهائے و خزان  
یتیمها نماندند  
ایمام ایشان را -

بنکاح خدی آوردند  
والفحائے حقوق نفوح  
نی کردند خدای تعالی  
آیت فرستاد ۱۲  
یعنی بر سفید و جریله  
کرد و اموال ایشان  
که حقیقت هر یک  
آن شفع اندر وسط  
یا بواسطه دست ایشان  
داده ضایع نه باید  
ساخت و الله اعلم  
و این در ایام صبا  
و این باغ خوند  
۱۲ یعنی در سفر  
ایشان ۱۲ کس یعنی  
و می تهر آنرا و اگر  
باشد از اموال تنیم  
چیز دیگر ۳۰  
تفسیر عثمانی

ع از نواح بابک  
زن یا نماندند بر یک  
کثیر یا چند کثیر یا  
کردن یک کثیر یا  
چند کثیر بابک نواح  
از این سخنان تو حق  
آن است که شاز  
عدل و انصاف بخون  
تشریف زیر حقوق  
که این من مکرر است  
کثیر از ملوک را  
نیست اگر در میان  
آنها عدالت نکنند  
بر شما مافده حق  
باشد که بر او هر نیست  
و معاشرت آنها را  
کدام حد متعین می باشد  
فانده با مردیک چند  
نزد دارد بروی اوج  
است که خود را که  
و پوشاک و نوبت با  
شاز سادات و  
برای نماند که  
مسادات می کنند در قیامت

سُورَةُ النَّسَاءِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ ثَمَانِيَةٌ وَسِتُّونَ آيَةً وَارْبَعُونَ وَخَمْسُونَ كُوفَةً

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم







دل منی مایع برآید

بدر است ۱۱ و

یعنی برادران یا خواهر

حصه مادر ناقص

بسیارند اگر چه خود

چیزه نیانند یک

برادر و یک خواهر

ناقص نمی سازد

۱۰ الشداظم ۱۲ و

یعنی اگر وصیت با

نخست ادای وصیت

کنند اگر دین باشد

نخست ادای دین

کنند ۱۲ و

معنی آنست که پدر

فرزند ندارد ۱۲ و

یعنی اخای ۱۲ و

یعنی وصیت که زیاد

از ثلث بود اعتبار

ندارد و الشداظم ۱۲

تفسیر ثانی

ع اکنون میراث

پدر و مادر و سه

صورت بیان می کند

اول که میت اولاد

داشت باشد پدر

یا دختر حصه ششم مال

متره که به هر یک از

پدر و مادر می رسد

حصه صورت دوم این

است که میت یکی

اولاد نداشته باشد

تنها پدر و مادر و

او باشد یک ثلث

مال متروکه به مادر

و ثلث باقی مانده به

پدر می رسد سه

صورت سوم این است

که میت بیشتر از یک

برادر و خواهر داشته

باشد به این با حقیق

باشد به هر یک از یک

یا در مادر شریک باشد

وصیت اولاد نداشته

باشد حصه ششم مادر

میرسد و بقیه ثانی

پدر داده میشود برادر و خواهر را چیزی داده نمی شود

اگر میت یک برادر یا یک خواهر داشته باشد چنانچه در صورت دوم و اگر شریک ثلث به مادر و دو ثلث به پدر می رسد

وَلَا يُوْثِرُ لَكُمْ وَأَحَدٌ مِنْهُمَا الشَّدُّ سٌ مَا تَرَكَ إِنْ كَانَ لَهُ وَلَدٌ

و هست پدر و مادر میت را هر یک از ایشان شش حصه از آنچه بجا داشته است اگر باشد میت را فرزند

و مرد و مادر میت را برای هر یک از آن دو شش یک است از آن مالی که گذاشته اگر باشد میت را فرزند

فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ وَوَرِثَهُ أَبُوهُ فَلَا مِيرَاثَ لَهُ فَإِنْ كَانَ لَهُ

پس اگر نباشد او را فرزندی و وارث او پدر و مادر او شوند پس هست مادرش را سوم حصه دل پس اگر باشد میت را

اگر باشد او را فرزند و وارث مال او پدر و مادر او باشند پس مادر او است هر یک علی لیس اگر باشد او را

اُخْوَةٌ فَلَا مِيرَاثَ لَهُ سٌ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّتِهِ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٌ أَبَاكُمْ

پدر و آن هست مادرش را شش حصه دل و این تقسیم بجا ادای وصیتی است که میت بآن فرموده یا بعد از آنست که پدر

برادران پس مادر او است شش یک به بعد از ادای وصیت است که کرده بآن یا بعد از دین پدران شش

وَابْنَاهُ ثُمَّ لَا تِلْكَ رُونَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ لَكُمْ نَفْعًا وَفِيضَةً مِنَ اللَّهِ إِنْ

و بقیه آن شما نمیدانید که کدام یک از ایشان نزد بقیه است و بقیه رسانید آن حصه معین کرده شده از جانب خدا

و بقیه آن شما نمیدانید که ام آنها نزدیک تر است بشما و بقیه رسانید آن حصه معین شده است از جانب خدا هر یک از شما

اللَّهُ كَانَ عَلَيْكُمْ لَكُمْ نَصْفٌ مَّا تَرَكَ آزْوَاجُكُمْ إِنْ لَمْ

هست خدا و شما استوار کار و شمارا هست بقیه بگذر داشته اند زنان شما اگر بنیاد

هست و شما با حکمت و شمارا هست بقیه مالی که گذاشته زنان شما اگر بنیاد

يَكُنْ لَكُمْ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَكُمْ الرِّبْعُ مِمَّا تَرَكَ مِنْ

ایشان را فرزند پس اگر ایشان را فرزند پس باقیه شمارا هست چهارم حصه از آنچه بگذر داشته اند بعد

آن زنان را فرزند پس اگر باشد ایشان را فرزند پس باقیه شمارا هست چهارم حصه از آنچه بگذر داشته اند پس

بَعْدَ وَصِيَّتِهِ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٌ وَلَكُمْ الرِّبْعُ مِمَّا تَرَكَ إِنْ لَمْ يَكُنْ

ادایه وصیت که بآن فرموده یا بعد از ادای دین و زنان را است چهارم حصه از آنچه بگذر داشته اند پس

از وصیت که کرده یا بعد از آن یا بعد از ادای دین و زنان را است چهارم حصه از آنچه بگذر داشته اند پس

لَكُمْ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَكُمْ الرِّبْعُ مِمَّا تَرَكَ مِنْ بَعْدِ

شمارا فرزند پس اگر باشد شمارا فرزند پس باقیه شمارا هست چهارم حصه از آنچه بگذر داشته اند پس

بَعْدَ وَصِيَّتِهِ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٌ وَإِنْ كَانَ رَجُلٌ يُورَثُ كَلَالَةً أَوْ

ادایه وصیت که بآن فرموده یا بعد از ادای دین و اگر مرد مرده که از وی میراث می خواستند یا

وصیتی که کرده یا بعد از آن یا بعد از ادای دین و اگر باشد مردی که از وی میراث می خواستند یا بعد از ادای دین

أَوْ امْرَأَةٌ وَلَهُ أَخٌ أَوْ أُخْتٌ فَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا الشَّدُّ سٌ فَإِنْ

زن مرده کلاله یا شدت و او را برادر سه هست یا خواهر سه هست پس هر یک از ایشان را است شش حصه پس اگر







فتح الرحمن

و ملا یعنی مال بسیار  
 و در مهر واده باشد  
 و ملا یعنی مباشرت کردن  
 و ملا یعنی زیاج و  
 قبول بحضور شد و ملا  
 آمد ملا یعنی از اسیر  
 و ملا یعنی پس خوانده بنا  
 تفسیر عثمانی  
 ع بعد از بیان از حرم  
 مادر اندر حکم تا آن  
 زمان بیان می شود که  
 تراج نشان جائز نیست  
 و آن بارجند و نمند  
 اول زمانی ذکر می شود  
 که بنا بر علان و نسب  
 حرامند و آن هفت  
 اند - مادر - دختر خواهر  
 عمه - خاله - دختر برادر  
 و دختر خواهر - نکاح  
 این اجاتیز نیست  
 (فایده) مادر و  
 کلان پدری و  
 مادری بر پدر  
 الا برادر  
 حکم مادر و نو اسیری  
 یا دختری هر چه پانیا  
 باشد در حکم دختر و  
 خواهر یعنی و علانی  
 و اخپانی همه در حکم  
 خواهر و خواهر یعنی  
 یا علانی و اخپانی  
 اجداد در حکم عمه  
 سه نوع خواهر  
 و عده جد در حکم  
 خاله هر سه نوع دختر  
 برادر و اولاد اولاد  
 آن مادر حکم دختر  
 برادر و هر سه قسم اولاد  
 خواهر و اولاد اولاد  
 آن مادر حکم دختر  
 و عده جد و اولاد  
 محرمات نسبی اکنون  
 محرمات رضایی بیان  
 میشود و آن دو نوع  
 است مادر خواهر و  
 در این اشارت است  
 که آن صفت رشتی که

مُبَيَّنٌ وَعَاشِرُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ ۖ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى

آشکارا می توان ایذا داد و زندگی کنیزان بوجو پسندیده زیر اگر که ناپسند کنیز ایشان را پس شاید  
آشکارا و گذاره کنیزان بوجو پسندیده پس اگر پسند شما نپسند ایشان شاید

آشکارا و گذاره کنند بازماند بجهت پندیده پس اگر پند ستانایند ایشان شاید

أَنْ تَذَكَّرَهُ ۖ أَشْيَاءٌ وَيَجْعَلُ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا ۝ وَإِنْ

که ناپسند کنید چیزی را و پدید آید خدای تعالی در آن چیز خیر بسیار و اگر  
نپسند ننگند چیزی را و نگردد خدا در آن خیر بسیار و اگر

نهند نگهش را و نگارند خدا در آن خورشید بسیار

اَرَدْتُمْ اسْتِنْدَالَ زَوْجٍ مِّمَّا كَانَ زَوْجٌ ۗ وََاٰتَيْنٰمُ اَحَدَهُنَّ فِتْرًا

غواہد بدل کردن زن بجائے زنے و داده باشد بچے را از ایشان قضا روا

و دادہ باشید بے از ایشان را دل بسیار

فَلَا تَأْخُذْ وَامْنِ شَيْئًا ۖ تَأْخُذُ وَكَانَ بَهْتَانًا ۚ وَاشْمَأَزَّ بَيْنَنَا ۙ

یسر باز گمہ بد ازان مال چنبرہ آہامی گمہ بد انرا بستم و بندی آشکارا

پس یسیرید اذان مال چیزی آوایم یسیرید آشنا به ناصح و کتابی آشکارا و

كَيْفَ تَأْخُذُ وَهِيَ وَاقِدَةٌ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّهِمْ يَكْفُرُونَ

چگونه میگوید آن را حال آنکه رسیده است بعضی شما بعضی را و اگر فتد زمان  
چگونه میگوید آن را حال آنکه رسیده است بعضی شما به بعضی و اگر فتد اند از شما

4  
 5  
 6  
 7  
 8  
 9  
 10  
 11  
 12  
 13  
 14  
 15  
 16  
 17  
 18  
 19  
 20  
 21  
 22  
 23  
 24  
 25  
 26  
 27  
 28  
 29  
 30  
 31  
 32  
 33  
 34  
 35  
 36  
 37  
 38  
 39  
 40  
 41  
 42  
 43  
 44  
 45  
 46  
 47  
 48  
 49  
 50  
 51  
 52  
 53  
 54  
 55  
 56  
 57  
 58  
 59  
 60  
 61  
 62  
 63  
 64  
 65  
 66  
 67  
 68  
 69  
 70  
 71  
 72  
 73  
 74  
 75  
 76  
 77  
 78  
 79  
 80  
 81  
 82  
 83  
 84  
 85  
 86  
 87  
 88  
 89  
 90  
 91  
 92  
 93  
 94  
 95  
 96  
 97  
 98  
 99  
 100  
 101  
 102  
 103  
 104  
 105  
 106  
 107  
 108  
 109  
 110  
 111  
 112  
 113  
 114  
 115  
 116  
 117  
 118  
 119  
 120  
 121  
 122  
 123  
 124  
 125  
 126  
 127  
 128  
 129  
 130  
 131  
 132  
 133  
 134  
 135  
 136  
 137  
 138  
 139  
 140  
 141  
 142  
 143  
 144  
 145  
 146  
 147  
 148  
 149  
 150  
 151  
 152  
 153  
 154  
 155  
 156  
 157  
 158  
 159  
 160  
 161  
 162  
 163  
 164  
 165  
 166  
 167  
 168  
 169  
 170  
 171  
 172  
 173  
 174  
 175  
 176  
 177  
 178  
 179  
 180  
 181  
 182  
 183  
 184  
 185  
 186  
 187  
 188  
 189  
 190  
 191  
 192  
 193  
 194  
 195  
 196  
 197  
 198  
 199  
 200  
 201  
 202  
 203  
 204  
 205  
 206  
 207  
 208  
 209  
 210  
 211  
 212  
 213  
 214  
 215  
 216  
 217  
 218  
 219  
 220  
 221  
 222  
 223  
 224  
 225  
 226  
 227  
 228  
 229  
 230  
 231  
 232  
 233  
 234  
 235  
 236  
 237  
 238  
 239  
 240  
 241  
 242  
 243  
 244  
 245  
 246  
 247  
 248  
 249  
 250  
 251  
 252  
 253  
 254  
 255  
 256  
 257  
 258  
 259  
 260  
 261  
 262  
 263  
 264  
 265  
 266  
 267  
 268  
 269  
 270  
 271  
 272  
 273  
 274  
 275  
 276  
 277  
 278  
 279  
 280  
 281  
 282  
 283  
 284  
 285  
 286  
 287  
 288  
 289  
 290  
 291  
 292  
 293  
 294  
 295  
 296  
 297  
 298  
 299  
 300  
 301  
 302  
 303  
 304  
 305  
 306  
 307  
 308  
 309  
 310  
 311  
 312  
 313  
 314  
 315  
 316  
 317  
 318  
 319  
 320  
 321  
 322  
 323  
 324  
 325  
 326  
 327  
 328  
 329  
 330  
 331  
 332  
 333  
 334  
 335  
 336  
 337  
 338  
 339  
 340  
 341  
 342  
 343  
 344  
 345  
 346  
 347  
 348  
 349  
 350  
 351  
 352  
 353  
 354  
 355  
 356  
 357  
 358  
 359  
 360  
 361  
 362  
 363  
 364  
 365  
 366  
 367  
 368  
 369  
 370  
 371  
 372  
 373  
 374  
 375  
 376  
 377  
 378  
 379  
 380  
 381  
 382  
 383  
 384  
 385  
 386  
 387  
 388  
 389  
 390  
 391  
 392  
 393  
 394  
 395  
 396  
 397  
 398  
 399  
 400  
 401  
 402  
 403  
 404  
 405  
 406  
 407  
 408  
 409  
 410  
 411  
 412  
 413  
 414  
 415  
 416  
 417  
 418  
 419  
 420  
 421  
 422  
 423  
 424  
 425  
 426  
 427  
 428  
 429  
 430  
 431  
 432  
 433  
 434  
 435  
 436  
 437  
 438  
 439  
 440  
 441  
 442  
 443  
 444  
 445  
 446  
 447  
 448  
 449  
 450  
 451  
 452  
 453  
 454  
 455  
 456  
 457  
 458  
 459  
 460  
 461  
 462  
 463  
 464  
 465  
 466  
 467  
 468  
 469  
 470  
 471  
 472  
 473  
 474  
 475  
 476  
 477  
 478  
 479  
 480  
 481  
 482  
 483  
 484  
 485  
 486  
 487  
 488  
 489  
 490  
 491  
 492  
 493  
 494  
 495  
 496  
 497  
 498  
 499  
 500  
 501  
 502  
 503  
 504  
 505  
 506  
 507  
 508  
 509  
 510  
 511  
 512  
 513  
 514  
 515  
 516  
 517  
 518  
 519  
 520  
 521  
 522  
 523  
 524  
 525  
 526  
 527  
 5

اگر شما عهد محکم را ت و نکاح کنید کسی را که نکاح با او کرده باشند پدران شما از آن لیکن آنچه

مهد استوار و نکاح کند بامانیک نکاح کرده باشد پدران شما از زمان لیکن آینه

فان سلفه

گفته است عفو است هر آینه نکاح زمان پدران بے شرمی (بسیار زشت) و مسبب خشم الهی است بدتر از این که نام

عَلَيْكُمْ أَهْلَتَكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخْوَتُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَبَنَاتُ

بر شما مادران شما و دختران شما و خواهران مادران شما و دختران برادر و دختران  
بر شما مادران شما و دختران شما و علمه های شما و غایب های شما و دختران برادر

وَأَمَّا الْفُلُ فَأُرْسِلَتْ بِرَحْمَةٍ مِنَّا لِيُبَيِّنَ مَا بَيْنَ أَيْمَانِهِ هَذِهِ وَأَيْمَانِ ذُو الْأُنْثَىٰ هَذِهِ ۚ فَيَقْبِضُوا عَلَىٰ الْأُصْبَاحِ ۚ وَنَحْنُ فَاعْلَمُونَ

و بیلت (ا)خت و امهتلم الی بی ارضعتلم و اخوتلم من الرضاع  
و آن یاوران شما که شیر داده اند شماست و خواهران شما از جهت شیر خوارگی

و دختران خواهر ع و مادران شما آنانکه شیر داده اند سید ا و خواهران رضا غی شایعه

وَأَمَّهتُ نِسَائِكُمْ وَرَبَّائِبَكُمْ الَّتِي فِي حُجُورِكُمْ مِّنْ نِّسَائِكُمُ الَّتِي

و دختر این زمان شما که در کنار شما می یابند از این آن زمان شما که

وادران زمان و در اندران شما که در پیرایش شما باشند از زمان شما که

دَخَلْتُمْ فِيهِمْ زَوَانٍ لَمْ تَكُنْ مُؤَادِلَةً لَهُمْ فِي الْأَعْيَادِ

و هلی کردید با ایشان پس اگر و طبعی نه کرده باشند باز آن

محببت کرده ایند بالایشان پس اگر محبت نکرده باشند بالایشان پس نیست گنای از در گرفتن و دخیل اندوان ابرش

خَلَّاهُمْ مِنْ أَهْلِ الدِّينِ مِنْ أَصْلَابِكُمْ وَأَنْ تَجْمَعُوا إِلَيْهِمْ

زنان پسران شما که از پشت شما باشند و حرام کرده شد آن که جمع کنید همان  
زنان پسران شما که از پشت شما باشند و حرام است که جمع کنید بن

وَأَمَّا الْفُلُ فَأُرْسِلَتْ بِرَحْمَةٍ مِنَّا لِيُبَيِّنَ مَا نَالِ الْغَاثِ وَالْفَاطِثِ

اما حسين را كه ما قدس است ان الله كان عفورا غفيرا

دو ظاهر لیکن آیت گذشتہ عرفا است هر آینه التماس است آرزوگار مهربان

سبب بیان شده در مخالفت نیز حرام می باشد یعنی با خسر ع. قال و خسرنا هر دو خسر بود و در مخالفت نیز حرام می باشد که حکم آن در احادیث شرعی مجرب است



فلان لکن اگر  
زنه را از  
دارالحکمت  
اسیر کرده  
اند نکاح و تفری

او هیچ بود و هر چند آنجا  
زوج داشته باشد

والله اعلم ۱۲ و  
یعنی نکاح صحیح است

که با مهر باشد و نمید  
باشد و محکم ظاهر بر آن

که چون حاجت جماع  
همیشه است احصان

بدون عقد و موهب حاصل  
نشود والله اعلم ۱۳ و

یعنی بجماع تمام مهر  
لازم میشود و الله اعلم

و کما یحب مقرر کردن  
اگر بر اثری زیاده یا کم

کنید باک نیست و الله اعلم  
و بعضی نیز میگویند

بنات آدم اند و الله  
اعلم ۱۴ و کما یحب

نکاح و اتحاد انسان  
شرط شهود است و

احصان و سفاح  
موجب بودن عقد محکم

ظاهر و الله اعلم ۱۵ و  
یعنی بجماع تا زیاد و اگر

در جماع زوج نباشد  
نیز عقوبت او بجماع

تا زیاد است زیرا که  
ذکر این قید بحکم لغو

احتمال زیاده است  
و این معنی در حدیث

مبین شده ۱۶ و الله اعلم  
تفسیر عثمانی

عنه در حدیث امام  
شافعی و غیره میگویند

می گویند زنی آزاد  
را بجماع خویش و

آرد نکاح او با کینه  
حرام است - امام

ابوحنیفه رحمه الله علیه  
آنرا مکروه میگوید و

در حدیث دیگر نیز گفته اند  
که کسی که زن آزاد

وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا

و حرام کرده شدند زنان شوهر دار مگر  
در حرام کرده شدند بر شما زنان شوهر دار مگر

فَأَمَّا لَكُمُ النِّسَاءُ فَكُتِبَ عَلَيْكُمُ أَنْ تُؤَدُّوا لَهُنَّ ذَلِكُمْ إِنْ

آنچه مالک او شده است دست شماست لازم ساخته است خدا بر شما و حال کرده شد شمارا مساوی این بجهت جماع کردن

تَتَّبِعُوا أَمْرَهُنَّ بِمَا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنْ زَوَاجِهِمْ ذَلِكَ أَجْرُكُمْ

طلب نکاح کنید و حال خویش عفت طلب کنید که آن نه شهادت را اندگان تک پس کسی که لذت گرفته باشد با او

مِنْهُنَّ فَاتُوهُنَّ أَجْرَهُنَّ قَرِيبَةً إِلَىٰ أَعْنَاقِكُمْ وَلَكُمْ فِي تَزْوِجِهِمْ

از زنان بدیده ایشان را مهر ایشان مقرر کرده شده است و نیست بر شما گناه در آنچه با یکدیگر مقرر راضی

بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِیضَةِ إِنْ اللَّهُ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا ۝

شاید بعد مهر مقرر و هر آنچه خدا است و انا استوار کار و هر که

لَمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا أَنْ يَنْكَحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ

تواند از شما از جهت توانگری که نکاح کند زنان آزاد مسلمان را پس باید که نکاح کند از آنچه

فَأَمَّا لَكُمُ النِّسَاءُ فَكُتِبَ عَلَيْكُمُ التَّوْفِيقُ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِكُمْ

مالک او شده است دست شماست جمیع شمارا و نیز گمان شما اند که مسلمان باشند و خدا دانای تراست با ایمان شما

بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ فَإِنْ كُنْتُمْ هُنَّ بِأَدْنَىٰ أَهْلِهِنَّ وَأَتُوهُنَّ أَجْرَهُنَّ

بعض شما از بعض بعض است و پس نکاح کنید نیز کمتر یا بیشتر و هر چه ایشان و مهر ایشان را بجماع

بِالْمَعْرُوفِ مُحْصَنَاتٍ غَيْرَ مُسَفَحَاتٍ وَلَا مُتَخَلَّاتٍ أَخْدَانٍ ۝

بجوش خوئی در حالیکه عقیقه باشند نه زنا کنند و نه دوست بفرمایند که پس چون

أَحْصَنَ فَإِنْ أَتَيْنَ بِفَاحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى الْمُحْصَنَاتِ

در جماع زوج آورند اگر زنا کنند پس بر ایشان است نیم مقدار آنچه بر زنان آزاد است از

مِنْ الْعَذَابِ ذَلَا لِكُنَّ خَشْيَ الْعَنَتِ مِنْكُمْ وَأَنْ تَصْبِرُوا خَيْرٌ لَكُمْ

عقوبت و نکاح کنید گمان کسی است که بفرسد از گناه از شما و آنکه صبر کنید بهتر است شما را

وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ یُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ

و خدا آمرزنده مهربان است می خواهد خدا که بریان کند بر شما و نجاست شما را و راه باغی

الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَ يَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ۝

کسی که پیش از شما بودند و پشیمانید شما را و خدا دانای با حکمت است

نکاح اسلامیت نیز از حدیثی در حدیثی که از ابوحنیفه رحمه الله علیه نقل شده است و لی مقرر تمام اندک کسی که زن آزاد



فتح الرحمن  
 ملائکة الیکبر  
 بنات خدیجه و  
 گناه کبیره است که  
 بران حد شروع  
 شد یا و عده دوزخ  
 کرده آمد یا بفرستی  
 شد و قرآن یا مست  
 میجو و هر که از کبائر  
 اجتناب کند صغار  
 او را بخدود و  
 عده نالودی سازه  
 و الله اعلم  
 حلیف را رعایت  
 کردن یا وصیت کردن  
 میتواند ایضا نماید  
 میراث و غلظت  
 و میراث برای اقربا  
 مقرر کرده شد و الله  
 اعلم  
 انک مردان در اصل  
 جبلت بهتر اند از  
 زنان ۱۲-  
 تفسیر عثمانی  
 عه خدا انسان را  
 ناتوان آفریده و بر  
 حضرت وی روشن  
 است که این مخلوق  
 ضعیف بر شهوات  
 و تمایلات خویش تامل  
 کند هر گاه می تواند  
 لهذا در هر حکمی تحقیق  
 ملحوظ داشته چنانچه  
 نیست که هر چه انسان  
 با خود ندارد چه  
 آسان و چه سخت  
 بروی تحصیل کرده  
 شده باشد و مثلاً  
 از شهوات زن ۵  
 بر مرد پس ۶  
 و شود بود ۷  
 برای انجام ۲  
 خواست و خداوند  
 طریقه های مانعی  
 و اغوده است که  
 از این مطلب خوش  
 را حاصل نماید  
 انچه را از انعام

وَاللّٰهُ يُرِيدُ اَنْ يَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَيُرِيدُ اَلَّذِيْنَ يَتَّبِعُوْنَ الشَّهَوٰتَ  
 و خدا می خواهد که برتوبت باز گردد بر شما و می خواهد که آنانی که پیروی  
 و خدا می خواهد که متوجه شود بر شما (برتوبت باز گردد) می خواهد که آنانی که پیروی می کنند شهوات را  
 اَنْ تَسِيءُوْا مِثْلَ عَظِيْمًا ۝ يُرِيدُ اللّٰهُ اَنْ يَخَفِّفَ عَنْكُمْ وَخَلَقَ  
 که بخردی کنید بخردی عظیم می خواهد خدا که سبک کند از شما و انسان  
 اگر شما بگردید از راه بسوی او می خواهد خدا که سبک کند از شما و ۳ آمده شده انسان  
 الْاِنْسَانَ ضَعِيْفًا ۝ يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوا لَا تَاْكُلُوْا اَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ  
 طعيفت آفریده شده است اسے مومنان بخورید اموال خود را در میان خویش  
 نالوان اسے مومنان بخورید اموال خویش را در میان خویش  
 بِالْبَاطِلِ اَلَا اَنْ تَكُوْنَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ تَقُوْلُوْا  
 بناحق و لکن بخورید و قیلتکه آن داوستد تجارت باشد پس رضامندی یک دیگر از شما و کشید  
 بناحق مگر که باشد تجارت بخوشنودی یک دیگر از شما و کشید  
 اَنْفُسَكُمْ رَانَ اللّٰهُ كَانْ بِكُمْ رَحِيْمًا ۝ وَمَنْ يَفْعَلْ ذٰلِكَ عُدُوًّا وَاَنَافًا  
 خویش تن را بر آئینه خدا هست لبغا مهربان و بر کینه کند بتقدی و  
 خویش تن را بر آئینه خدا هست لبغا مهربان و بر کینه کند این کار را به تندی و  
 ظَلَمًا فَسَوْفَ نَصْلِيْهِ تَارًا وَاَوْ كَانَ ذٰلِكَ عَلَى اللّٰهِ يَسِيْرًا ۝ اِنْ  
 ستم در آید پیش بدو زح و این بر خدا آسان است اگر  
 ستم پس زود بتفصیل در آتش و هست این بر خدا آسان اگر  
 يَحْتَنِبُوْا كَبِيْرًا فَاسْتَكْبَرُوْنَ عَنْهُ يُكْفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلْكُمْ  
 استرازا کنید از کبائر منتهیات نابود سازیم از شما صغائر شمارا و در آیم ستمبارا  
 تها اجتناب کنید کبائر بزرگی را که نمی کرده شده اید از ان اودر گذاریم از شما بتفصیل کبائر ان صغائر شمارا و در آیم شمارا  
 لَمْ يَخْلُقْكُمْ اِنَّهٗ لَا تَقْتُلُوْا اَمْا فَضَّلَ اللّٰهُ بَعْضَكُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ  
 بخل گرامی و و متشکلت کنید مرتبه را که خدای تعالی بآن بزرگ داده بعضی را از شما بر بعضی  
 در مقام گرامی و و متشکلت کنید مرتبه را که خدای تعالی بآن بزرگ داده بعضی را از شما بر بعضی  
 لِلرِّجَالِ نَصِيْبٌ مِّمَّا كَسَبُوْا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيْبٌ مِّمَّا كَسَبْنَ وَلِلرِّجَالِ اِذَا  
 مردان را هست بهره از آنچه حاصل کرده اند و زنان را هست بهره از آنچه حاصل کرده اند و سوال کنید  
 مردان را هست از آنچه کسب کرده اند و زنان را هست از آنچه کسب کرده اند و سوال کنید  
 اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهٖ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمًا ۝ وَلِكُلٍّ جَعَلْنَا  
 بختاب خدا از بخشش یقین او بر آئینه خدا هست بهره چیز دانا و مقرر کردیم و از شما  
 بر ختاب الهی از بخشش او بر آئینه خدا هست بهره چیز دانا و مقرر کردیم و از شما  
 مَوَالِي مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْاَقْرَبُوْنَ وََالَّذِيْنَ عَقَدْتَ اِيْمَانًا ثُمَّ  
 برای هر چیزی از آنچه گذارسته اند پدر و مادر و خویشان و آنیکه شما را برود ساخته است عهد شما  
 از آنچه گذارسته اند و پدر و نزدیکان و کسانی را که بسته است عهد های شما  
 فَاتُوهُمْ نَصِيْبَهُمْ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا ۝ اِنَّ الرِّجَالَ  
 پس بدید ایشان را بهره ایشان بر آئینه خدا هست بر همه چیز حاضر و دل مردان تدبیر کار کننده  
 پس بدید ایشان را بهره ایشان بر آئینه خدا هست بر همه چیز حاضر و دل مردان تدبیر کار کننده  
 قُوْا مَوْنٌ عَلَى النَّسَاءِ فَمَا فَضَّلَ اللّٰهُ بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ فَمَا اتَّفَقُوا  
 سطر شده اند بر زنان بسبب آنکه فضل نبوده است خدا بعضی را بر بعضی بسبب آنکه خبر بهم کردند  
 سطر شده بر زنان بدان واسطه که بر خبری داده خدا بعضی شان را بر بعضی و بدان واسطه که خرج کردند



مِنْ أَمْوَالِهِمْ ۖ فَالْصَّالِحُ قَدِ انْتَحَفَتْ حِفْظُ الْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ

ز آل ای خویس پس زمان نیکی کار فرمان بر نگه دارنده اند (مال و آورده) در شب شوهر به سبب حفاظت خدا

وَالَّتِي تَحْمِلُ فِي بَوْنٍ نَشُوزُهُنَّ فِعْظُهُنَّ وَالْجُودُهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَ

آن زمان که معلوم کنید سرکشی ایشان پس بفرستید ایشان را و ترک کنید ایشان را در خواب گاه و در نایک می ترسید از بدخوی ایشان پس بفرستید ایشان را و جدا کنید ایشان را در خواب گاه

ضُرُّهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ

برخیزد ایشان را پس اگر فرمانبرداری شما کردند پس بحسب مکنند بر ایشان دای و اعی هر آینه خدا  
برخیزد ایشان را و اعلا (پس) اگر اطاعت نکنند بحسب مکنند بر ایشان راه الزام را هر آینه خدا

عَلِيًّا كَثِيرًا ① وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَنِهِمْ فَانْهَيْتُمْهُمْ عَنْهُ أَحْكَمُ أَمْ لَا أَحْكَمُ

است بلند مرتبه بزرگ قدر و اگر معلوم کردید اے حاکمان مخالفت میان زن و شوهر پس مجتنب کنید صلح کار را از خود  
است از همه بلند مرتبه بزرگ عده و اگر ترسیده خلاف بفرمایید و جد و جادای بفرمایید و عصبانیت بفرمایید

وَحُكْمًا مِّنْ أَهْلِهَا إِنَّ لِّدَا أُصْحَابِ قَوْفٍ

صالح کاره از خویشان زن اگر این صلح کاران بخوانند صلح را العتبه مواثقت کند خدا در میان ایشان سرانجامه سبقت دهد

عَلَيْكَ خَيْرٌ ۝ وَاللَّهُ أَشَدُّ عِلْمًا ۝ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تُصْنَعُونَ ۝

و نیز ستید خدا را و شریک او مقرر کنید چیز سزا و بر پدید و مادر

و بهر سبب خدا را و انهادن مگر دانید با او چیز بیا و به پدر و مادر

سینکھاری لنید و پوچستان و مینان و مدایان و بمبایه غوثیاند و

و به نیا زندان و به میان و به خویشتن و

مَحَارِبُ الْجَنَّةِ وَالْجَنَّةِ وَابْنُ السَّبِيلِ وَفَالِدَتِ إِيْمَانُكُمْ

نزدیک و سافر و آسینا انگ آن شد دست های شایع کثیر غلام

ان الله لا يحب من كان مختالا فخورا (۳) الذين يبعثون فيهم قرون

بر آینه خدا دوست نمی دارد کسی را که باشد متکبر غیبتکارانی که جعل می درزند و امری دهند مردم را

لنفس بالبحر ويكتمون ما اتهم الله من فضله واعتدنا

فصل دینمان می دارند آنچه داده ایشان را خدا از فضل خود و آماره کرده ایم

وَالَّذِينَ يَتَّبِعُونَ أَمْرَ الْهَمَزَاءِ

کافران غلاب ذلت آور و کسانی که خرج می کنند ملل های شان را برای کسان دادند

ثُمَّ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَكُنِ الشَّيْطَانُ

درمان و معده بپوشد بخدا و روز قیامت و هر که شیطان یار  
مردم و ایمان نمی آرند بخدا و نه بروز آخرت و کسی که با شیطان

وَمَا ذَا عَلَيْهِمْ لَوْ آمَنُوا بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ

و با استد پس وی بدیاری است و چه زیان بود بر ایشان اگر ایمان می آوردند سجدا در و در آخر  
دیاری پس ایاری است شیطان و چه ضرر است بر ایشان اگر ایمان می آوردند سجدا در و در سنا چیز

است در محاللات زنان بدمان به گناه اندک سزای بزرگ می دهد هر گناه هادی دارد و ذوق در مرتبه آخرین است ۱۲-

ولسی حق مال و آبرو در  
 ۱۲ آیت در این آیت  
 بیان فرمود که مرد و زن  
 رواست بسبب بعض  
 جلی و بسبب اتفاق  
 وزن حاصلی که  
 است که فراموشی  
 کند و حق طالع ناید  
 و الله اعلم ۱۳  
 یعنی مباشرت مکینه  
 و یعنی حیل ایضا  
 و دادن خمس مکینه  
 و الله اعلم ۱۴ و سکنی  
 غلامان و کنیزان ۱۵  
 تفسیر عثمانی  
 این برگاه را می باشد  
 پرش بدو خوشی و ستیزه  
 کند و او را شهر بر زبان  
 بپاشند و بدو اگر  
 اصلاح نشود و در حقه  
 دوم مرد در همان خانه  
 جدا نخواهد اگر بایز هم  
 پذیرد و در مرتبه سوم  
 او را بر ندانند آنچه کند  
 زن در حربه مانند  
 استخوان می شکند  
 بر قفسه می ریزد و از  
 که او را آن تادیب  
 و تنبیه بر علی آید و بر  
 مرتبه در این آیت مذکور  
 است زن در مرتبه  
 آخر زن است و در  
 مذکور زن جانز  
 نیست و در قصور  
 مرتبه باک ندارد و اما  
 استخوان شکند و در  
 زن باقی نماند و اگر  
 زن بپزد و بعد از  
 ضرب از بدو می داند  
 می باز آید و ظاهر  
 فی صلیع خود می  
 زن می کشد و گناه  
 زن بار اهل میگیرد و  
 خدا بر سر و در  
 اندازم آنها نشود  
 مگر بر سر شما غلب



ولی یغفر الذنوب  
نامی و نشانی نماید  
و این کلمه را از هر  
فرمودند و بدانستی  
با کلمه حرام شد و البته  
اعلم ۱۲ و مترجم گوید  
که خداوند عزوجل در  
پیرو و تو را دعا فرماید  
ایشان آیات است  
۱۲ و بعضی از بندگان  
حال ۱۲ و بعضی از بندگان  
عنه در این آیات  
بیان بعضی از بندگان  
و دسایس پیرو است  
پیرو را بر کفر و  
کفری شان و  
دیگران را به  
احترام از آن باطل  
می نماید چنان که از  
... ان الله لا یحب  
کافران خود را  
یا ایها الذین آمنوا  
تقرءوا الصلوة  
معا یا پیرو و کفر  
است در میان شما  
مناسبت مخصوصی  
ادای نماز در حال  
مکروه جنابت همانست  
شده و اینک باز می  
قباحت پیرو است  
پیرو پس از کتاب  
یا تقدیر یعنی کلمات را  
برای خواندن فرما کنند  
اما از عمل آن که مقصد  
اصیبت اعراض  
نموده و گمراهی را  
خزیند یعنی احوال  
اوصاف بیخبر از او  
را برای حصول غایت  
و یا فراموش نمودن بول  
شعوت پنهان می  
دارند و خود را به کمال  
انگیزه می خوانند و  
نیز ازین بگردند و  
گاه شوند ای مسلمانان  
خدا دشمنان شمارا  
خوبی ستاندا باشد از معرفت آنها هر چه عاجزید بفرمان خدا الطمان کنید و از ان با عذر نماید خداوند کبیر متعال برای دفع و نگهبانی شایسته نقص و زحمت که نیست

وَأَنْفَقُوا مِنْ رِزْقِهِمْ اللَّهُ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا ۝۱۰ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ۝۱۱  
و هر چه می کردند از آنچه خدا داده است ایشان را و هست خدا با ایشان دانای و هر آنچه خدا میسر کند  
و خرج می کردند از آنچه داده ایشان خدا و هست خدا به ایشان دانای و هر آنچه خدا میسر کند  
مَثَقَالِ ذَرَّةٍ ۝۱۲ وَإِنْ تَكَ حَسَنَةً لِيُضْعِفْهَا وَيُؤْتِ مِنْ لَدُنْهُ  
وزن ذره و اگر آن عمل نیک باشد و خداوند بزرگوار و بزرگوار از نزد خود  
بوزن ذره و اگر باشد نیک و دو چند میگرداند آنرا و میدهد از نزد خود  
أَجْرًا عَظِيمًا ۝۱۳ فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ  
مزد بزرگ پس چه حال باشد آنکه که بیاریم از هر قوم گواهی را و بیاریم ترا  
اجر بزرگ (پس) چگونه است آنکه که بیاریم از هر امت گواهی و بیاریم ترا  
عَلَىٰ هَؤُلَاءِ شَهِيدٌ ۝۱۴ يُؤْمِنُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَعَصُوا الرَّسُولَ  
گواه بر این امت آنروز آرزو کنند آنکه کافر شدند و از امرانی پیغمبر کردند  
بر این گواه آنروز آرزو کنند آنکه کافر شدند و از امرانی پیغمبر کردند  
لَوْ كُنَّا فِيهِمْ مِنَ الْأَرْضِ ۝۱۵ لَا يَكْفُرُونَ اللَّهُ حَدِيثًا ۝۱۶ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ  
کاش بر ایشان زمین را عوار کرده شود و بیورشند از خدا یا هیچ سخن ای مومنان  
کاش بر ایشان زمین را عوار کرده شود و بیورشند از خدا یا هیچ سخن ای مومنان  
آمِنُوا إِلَّا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَىٰ حَتَّىٰ تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ ۝۱۷  
نماز نزدیک مشوید حال آنکه شما مست باشید تا آنکه بفهمید آنچه می گویید و  
به نماز نزدیک مشوید در حالیکه شما مست باشید تا آنکه بدانید آنچه می گویید و نزدیک مشوید  
لَا جُنَاثَ إِلَّا مَعِيَ سَبِيلٌ حَتَّىٰ تَغْتَسِلُوا ۝۱۸ وَإِنْ كُنْتُمْ مَرَضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ  
بناز نزدیک مشوید در حال جنابت تا آنکه غسل کنید مگر آنکه بیمار باشید یا مسافر  
به نماز در حال جنابت مگر آن گاه که روان باشید بر راه سفر تا دو تپیکه غسل کنید و اگر بیمار باشید یا مسافر  
أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَمَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ يَجِدُوا مَاءً  
یا بیاید کسی از شما از جای ضرورت یا مباشرت زنان کنید و نیابید آب را  
یا بیاید یکی از شما از قضای حاجت یا مباشرت کند با زنان (پس) نیابید آب را  
فَتَيَسَّرُوا مِنْكُمْ ۝۱۹ فَاغْتَسِلُوا بِمَاءٍ أَوْ بِتُرابٍ ۝۲۰ وَإِنْ كُنْتُمْ مَرَضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ  
پس قصد کنید بر زمین پاک پس مسح کنید بروی خویش و دستهای خویش بر آنچه هست خدا  
اراده کنید زمین پاک را (پس) مسح کنید بر رویان و دستهایتان بر آنچه خدا است  
عَفُوا غَفُورًا ۝۲۱ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِنَ الْكِتَابِ يَشْتُرُونَ  
عفو کننده بخشاینده و ای آنهایی که نیک داده شده اند بهر از کتاب یعنی پیروی ستانند  
عفو کننده آمرزگار ای آنهایی که بسوی ک نیک داده شده اند حصه از کتاب می خرند  
الضَّلَالَةَ وَيُرِيدُونَ أَنْ تَضِلُّوا السَّبِيلَ ۝۲۲ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا عَمِلْتُمْ ۝۲۳  
گمراهی را و می خواهند که گم کنند بشما راه حق را و خدا دانای تراست ای دشمنان شما و خدا  
گمراهی را و می خواهند که گم کنند بشما راه حق را و خدا دانای تراست ای دشمنان شما و خدا  
بِاللَّهِ وَلِيًّا ۝۲۴ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ نَصِيرًا ۝۲۵ مِنَ الَّذِينَ هَادُوا ۝۲۶ وَإِخْرَاقُ  
دوست پس است و خدا پاری دهنده است از پیروی نوری است که لغیر می کنند  
خدا حافظ و کافی است خدا مددگار عه از پیروی نوری است که لغیر می دهند  
الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ ۝۲۷ وَيَقُولُونَ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا ۝۲۸ وَأَسْمَعُ غَيْرَ مَسْمُوعٍ  
کلمه را از جای آنهایی که می گویند و شنیدیم دعا می شنیدیم و می گویند اسمع غیر مسموع  
کلمه را از جای آنهایی که می گویند شنیدیم سخن ترا و نافرمانیم امر ترا و بپوشد و حالیکه غیر مسموعه شده باشی



وَارْعِنَالْيَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَسْتُمْ عَلَىٰ عَهْدِي وَلَا أُنِيقُ الْعَهْدَ لَكُمْ وَأَنِيقُ الْعَهْدَ لِمَن يَتَّقِ اللَّهَ لِيَمْلِكُنَّ لِصَالِحِينَ الْأَمْوَالَ لِيَبْنُوا بِهَا أُسُوسًا لِلْإِيمَانِ إِنَّ اللَّهَ مُجِيبُ الدُّعَاءِ سَرِيعٌ

در اعطای بیجا شدن سخن را بزمان خویش و طاعت میزیند و درین و اگر ایشان گفتند که شنیدیم

وَأَطَعْنَا وَأَسْمِعُوا نَاظِرًا لِّكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَأَقْوَمًا وَلَكِنْ

و فرمان بر داری کردیم و بجای اسمع غیر اسمع می گفتند و بجای راعنا نظرنا هر آینه بود سه بهتر ایشان را و دست تو و دیگر

لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

لعنت کرده است ایشان را خدا بسبب کفر ایشان پس ایمان نمی آرند مگر اندکی و لعنت کرده است ایشان خدا به سبب کفرشان پس ایمان نمی آرند مگر اندکی

أَوْ تَوَالِ الْكِتَابِ إِمْنًا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَكُمْ مِّن قَبْلُ إِن

ا بل کتاب ایمان آورید یا آنچه فرود آوردم باور کننده آنچه با شماست پیش از آنکه

نُظِيسَ وَجُوهًا فَنَزَّلْنَاهَا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ أَوَّلَ غَنَظِهِمْ كَمَا لَعَنَّا

خو کنیم صورت روی بارایس بگردانیم بر شکل پشت روی بارای لعنت کنیم ایشان را چنانکه لعنت کردیم

أَصْحَابَ السَّبْتِ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ

ا بل شنید را و هست اراده خدا کرده شده هر آینه خدا نمی آمرزد

شِرْكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَن يَشَاءُ وَمَن يُشْرِكْ بِاللَّهِ

ا و را شرک مقرر کرده خود و می آمرزد غیر آن هر که خواهد و هر که شرک خدا مقرر کند

فَقَدْ افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ

هر آینه افترا کرده است بگناه بزرگ آیا ندیدی بسوی کسانی که ستایش می کنند خود را

بَلِ اللَّهُ يَمِيزُ بَيْنَ مَن يَشَاءُ وَلَا يَظْلُمُونَ فَتِيلًا أَنْظِرْ كَيْفَ

بل خدا ستایش می کند هر که خواهد و قسم کرده بخوابد و بختد و رفته به بین چگونه

يَقْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَكَفَىٰ بِهِ إِثْمًا مُّبِينًا أَلَمْ تَرَ إِلَى

می بینند بر خدا دروغ را داین گناه آشکارا پس است و آیا ندیدی بسوی

الَّذِينَ أَوْتُوا نَصِيبًا مِّنَ الْكِتَابِ يُؤْمِنُونَ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ

کسانی که بهره از کتاب داده شده اند و معتقدی شوند بت را و معبود باطل را و

يَقُولُونَ لِلَّذِينَ لَا يَكْفُرُوا أَهْلًا أَهْدَىٰ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا سَبِيلًا

می گویند در حق مشرکان که ایشان راه یابنده تراند از مسلمانان

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ وَمَن يَلْعَنِ اللَّهُ فَلَن تَجِدَ لَهُ نَصِيرًا

ایشان آن گروه اند که لعنت کرد ایشان را خدا و هر که خدا لعنت کند پس نخواهی یافت مراد را یاری دهنده

آن گروه کسانی باشند که لعنت کرده برای ایشان خدا و کسی را که لعنت کند خدا پس هرگز نمی یابی او را مددگار

آوردند مگر آنکه انچه ای که ازین خبیث شرارت خود داری کردند و از لعنت خدا محفوظ ماندند مانند عبد الله بن سلام و برابان بود معنی الله بچشم ۱۱

دل مترجم گوید  
بیجایدن سخن آنست  
که سبب با جان کلام  
خلقه اند که کسی نشناخت  
و اسمع غیر اسمع و معنی  
داده ای که آنکه بشنود  
حالیکه معظم و محرمی  
و کسی با طاعت و محنت  
تو نتواند گفت دیگر آنکه  
بشنود در حالیکه محنتی  
و کسی با سخن می گوید  
و اعنا نیز معنی داد  
یکی آنکه رعایت کن  
اما اگر حق رعایت  
و داند غرض ایشان  
سبب بود که محنت میجو  
می گفتند و الله اعلم  
و المعنی می شنید که نمی  
اسرائیل بر گردان  
خداوند ایشان را  
عذاب نخواهد شد و هر چند  
روز ۳۰ و درین آیت  
تقریب است بآن که  
بهر روز از انزاب  
مددگار ایشان شدند  
تفسیر غنائی  
عنه خدا سخن مذوم  
بهر روز از انزاب  
بجایست و هدایت  
میفرماید اگر بود بجای  
و معنی ۱۱ اعنا آورد  
معنی و اسمع و معنی  
معنی رعایت اعنا  
می گفتند محال آنست  
بهر سخن راست و  
درست بود و بیجا  
نمی ماند که آن با خبیث  
باطن و شرارت خویش  
از کلمات مذکور معنی بد  
آنها را داده می کردند اما  
چون خدا را آموختند  
و شرکشان از دست  
و هدایت خویش دور کرد  
به سخن میفرمود است  
نمودند و ایمان نمی



دل نیکوئی است که  
برینت خسته خرابی باشد  
و دل درین آیت باشد  
است بقدر عثمان مجی  
که مفتوح کعبه از دست  
و سه گرفتند و مردان  
آزاد از حضرت پیغمبر  
صلی الله علیه و سلم طلب  
کردند آن حضرت قبول  
نموده بختان برودن خود  
تفسیر عثمانی  
علاوه بر خیال خود  
پیغمبری و سیادت نبوی  
را میراث خویش  
میدانستند و متنبها  
خود را سرزاداران می  
دانستند اینها را پیغمبر  
عرب را عاری  
شمرد و سی  
گفتند اگر چندی  
پادشاهی دیگران را  
باشد با آن نادر آخر  
از ان است این  
آیت و در آن باره فیه  
آیه طلب آیت این  
است که بگوید از  
سلطنت بهره و دلد بجز  
ندارد اگر پیغمبر و حکمران  
گردد به اندامه دخول  
را ندارد که چکی که بر  
بخت خسته خرابی باشد  
چیزی نمیداند یعنی چنان  
بختند که در سلطنت  
خویش بزرگ چک ترین  
چیزی را به بنیوالتی نمی  
دهند و خدا همیشه  
خانواده را بر ایم را  
بزرگی داده و اکنون  
نیز این بزرگی در  
خانواده است هر که  
بدون دلیل و خاص  
از روی حسد او را  
نیاید و آتش سوزان  
دراز به سوختن اند  
وی کافیت است  
در آیت که بیشتر ذکر  
موس و کار بود اینک

أَمَلَهُمْ نَصِيبٌ مِّنَ الْمَالِ فَإِذَا يُتَوَدَّ النَّاسُ تَقِيْرًا ۝ أَمْ  
آیا این را است بهره از پادشاهی پس آن بیستم نهند مردان مقدار لغیرے دل آیا  
آیا این را است حصه از پادشاهی پس آن بیستم نهند مردان مقدار لغیرے دل آیا  
يُحْسِدُونَ النَّاسَ عَلَىٰ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ  
حسد می کنند بر مردمان بر آنچه ایشان را الله تعالی داده است از فضل خود پس هر آنچه ما دادیم کسان  
حسد می کنند بر مردم بر آنچه داده ایشان را خدا از فضلش به تحقیق داده ایم به آل  
أَبْرَهِيْمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ فَلْكَأَعْظَمَ ۝ قَبْلَهُمْ مِّنْ أَمْنٍ  
ابراہیم را کتاب و دانش و دادیم ایشان را پادشاهی بزرگ پس از کفار کسی هست که ایمان آورد  
ابراہیم کتاب و علم و دادیم ایشان سلطنت بزرگ (پس) بعضی از آنها جاسوس که ایمان آورده اند  
بِهِ وَمِنْهُمْ مَّنْ صَدَّ عَنْهُ وَكَفَىٰ بِجَهَنَّمَ سَعِيرًا ۝ إِنَّ الَّذِينَ  
بآن کتاب و از ایشان کسی هست که باز ایستاد از وی و کفایت است دوزخ آتش از دوزخ بر آتش کس  
بآن و از آن کسی می باشد که باز ایستاد از وی و کفایت است دوزخ آتش از دوزخ بر آتش کس  
كُفِرُوا أَيَّائِنَا سَوْفَ نُصْلِيْهِمْ نَارًا كَلْبًا لَّيْسَتْ جُلُودُهُمْ بِلَدٍّ لَهُمْ  
کافر شدند با ما تا در آتش ایشان را با آتش بر گاه که بخت کرد و پوستهای ایشان بوقض پیدا کنیم برای این  
کافر شدند به آیت های ما زود در آتش ایشان را در آتش ما بر گاه که بخت کرد و پوست های ایشان تبدیل کنیم ایشان  
جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذَّوْقُوا الْعَذَابَ ۝ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَزِيزًا حَكِيمًا ۝  
پوستهای دیگر بخور آن تا بختند عذاب را بر آینه خدا است غالب است و کار  
پوستهای غیر پوستهای اول تا بختند عذاب را بر آینه خدا است غالب است و کار  
وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ  
و کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند زود در آتش ایشان را بر پوستهای آنها که میرود  
و کسانی که ایمان آورده اند و کرده اند کارهای شایسته زود در آتش ایشان را در آتش ما بر گاه که بخت کرد و پوست های ایشان  
تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ۝ لَّهُمْ فِيهَا زَوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ وَهُمْ  
زیر آن جوینها جاویدان آنجا همیشه ایشان را است آسمان زنان پاک کرده شده و  
زیر آن جوینها جاویدان آنجا همیشه ایشان را است آسمان زنان پاک کرده شده و  
لَنُدْخِلَهُمْ ظِلَالًا يُّظِلُّونَ ۝ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ  
در آتش ایشان را بسایه ظل یعنی راحت نام بر آینه خدا میاید شما که ادا کنید امانات با بسوی  
می دایم آنها را در سائ یا بنده هر کتاب در آن بختند و آینه خدا امر میکند شما که ادا کنید امانات با بسوی  
أَهْلِيهَا ۝ وَإِذْ أَحْكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ ۝ إِنَّ اللَّهَ  
ایمان آن وی فرماید که حکم بر استی کنید چون حکم کنید میان مردمان بر آینه خدا  
ایمان آن و متناهی که حکم می کنید میان مردم که حکم کنید به عدالت بر آینه خدا  
نِعْمًا يُعْظِمُكُم بِهِ ۝ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا  
نیکی چیز است که ایمان بپند میدهد شما را بر آینه خدا است ستمو اینها و آینه مومنان  
نیکی چیز است که ایمان بپند میدهد شما را بر آینه خدا است ستمو اینها و آینه مومنان  
أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ ۝ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ  
فرمان برداری کنید خدا را و فرمان برداری کنید پیغمبر را و فرمان برداری کنید از جنس خویش پس اگر اختلاف کنید  
فرمان برداری کنید خدا را و فرمان برداری کنید پیغمبر را و اطاعت کنید خداوندان حکم را پس اگر اختلاف کنید  
فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ ۝ إِنَّ كُنْتُمْ تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ  
در چیزی پس را جمع کنید او را بسوی خدا و پیغمبر اگر اختلاف می دارید بخدا  
در چیزی پس را جمع کنید او را بسوی خدا و پیغمبر اگر ایمان دارید بخدا



فتح الرحمن  
فل مردم  
ضعفت الاسماء

در خلاف بواسطه  
نفس حکم شرع را معنی  
نمی کنند و کلامی که

در میان کفر و جحش  
می گردند و چون آن کفر  
ایشان را برای معنی توبه

یا توبه فرموده  
سوگند خوردند  
که مخالف آن حضرت

مقصود ما نیست  
خدا تعالی در توبه  
آیات فرستاده ۱۲

و کلامی در میان  
خسوم ۱۲ و کلامی  
از توبه ایشان ۱۲

و کلامی واجب بر مردم  
تفسیر عثمانی  
عبر چه بود هر کدام

یا قیام منافقان در  
آن زمان چه خواهند  
کرد و اینکه بر تفسیر کرده

شخص عذاب فرود آید  
یعنی در تفسیر فصل  
خسومات از محضر

پیغمبر خود داری کرده  
و بخوان را از اذان باز  
می دانند منگامیک

عذاب آن آفا که در  
این منافقان چه کرد  
می توانست مگر این که

بجای خود می گویند  
خود ندانند که با محضر  
عمر زمان جهت رفتم

کدامی در میان عشق  
آگاهند و نه از اذن  
پیغمبر اعراض می گردیم

و هرگز خود داری نمی  
نمودیم و در این آیت  
که بر حضرت بار رحمتی

قسم باد و محضت رسالت  
منافقان را نکند یب  
فرموده می گویند منافقان

هر چه می گویند بگویند  
خدا نازل آنهارا  
خدا نازل آنهارا

وَالْيَوْمَ الْآخِرُ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا ۝ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ

در روز آخر این بهتر است و نیکوتر با اعتبار عاقبت و آید بدی بسوی سائیکه  
در روز رست خیر این بهتر و نیکوتر است اتمام آن آید بدی می گمانی را که

يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ

گمان می کنند که ایمان آورده اند با آنچه بسوی تو نازل کرده شده است و آنچه پیش از تو نازل کرده شد می خواهند  
می پندارند که هر آنچه ایشان ایمان آورده اند با آنچه فرود فرستاده بسوی تو آنچه فرود فرستاده پیش از تو می خواهند

أَنْ يَتَحَكَّمُوا إِلَى الظَّالِمِينَ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ

که تقاضا یا خویش دفع کنند بسوی سرکش و حال آنکه فرموده شد ایشان را که کفر نکنند و می خواهند  
و تقاضای خود را بطلبند که بسوی شیطان به تحقیق مامور شدند که کافر شوند بآن و می خواهند

الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا ۝ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ تَعَالَوْا إِلَى مَا

شیطان که گمراه سازد ایشان را گمراهی دور و چون گفته شود بایشان بیایند بسوی آنچه  
شیطان که گمراه گرداند ایشان را به گمراهی دور و می گمانی که گفته شد بایشان که بیایند بسوی چیزی که

أُنْزِلَ إِلَيْهِ مِنَ الرَّسُولِ فَإِنَّ الْإِنْفِيقِينَ يُصَلُّونَ عَنْ عَصَصٍ ۝

نازل کرده است خدا و بسوی پیغمبر یعنی آن منافقان باز می ایستند از توبه با عراض  
فرود فرستاده خدا و بسوی پیغمبر یعنی منافقان را که می ایستند از توبه باز ایستادگی

كَيْفَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا بَلْ أَتَيْنَاهُمْ ثُمَّ جَاءُوكَ

پس چه حال است آنگاه که برسد بایشان مصیبت بسبب آنچه پیش فرستاده است دست ایشان پس بیایند نزد  
پس چگونه باشد آنگاه که برسد ایشان را مصیبت به آنچه پیش فرستاده است دست بای ایشان باز بیایند نزد یک تو

يَخْلِفُونَ بِاللَّهِ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا أَحْسَنًا وَتَوَفَّقَا ۝ أُولَئِكَ الَّذِينَ

قسم می جویند بخدا که نخواسته بودیم مگر نیکو کاری و موافقت کردن و آن گروه آنند که  
سوگند می خوردند به خدا می خواستیم مگر نیکو کاری و موافقت عه

يَعْلَمُ اللَّهُ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَعِظْهُمْ وَقُلْ لَهُمْ فِي

می دانند خدا آنچه در دل ایشان است پس اعراض کن از ایشان و بپند ده ایشان را و بگو بایشان  
می دانند خدا آنچه را در دل بای ایشان است پس اعراض کن از ایشان و بپند ده ایشان را و بگو بایشان

الْأَنْفُسِ قُوا لَكُمْ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَعِظْهُمْ وَقُلْ لَهُمْ فِي

خود را که این جماعت او قلم که مست کردند بر خویشان بیایند و نزد یک تو پس امرزش طلب کردند از خدا و طلب از خدا  
خدا و امر ایشان آنکه که مست کردند بر خویشان آمدند نزد یک تو پس امرزش خواستند از خدا و امرزش

لَهُمُ الرُّسُولُ لَوْ جَدَّ اللَّهُ تَوَابًا رَجِيمًا ۝ فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ

برای ایشان پیغمبر هر آینه یافتند که خدا ابر رحمت باز آید و مهربان پس هم پند و دگر گو که ایشان مسلمان نباشند  
خواست بایشان پیغمبر بر آید می یابند خدا را پند و دگر گو به مهربان پس هم پند و دگر گو که ایشان نمی آرند

حَتَّى يَكُونُوا فِي قُلُوبِهِمْ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُ الْإِنْفِيقِينَ حَرْجًا مِمَّا

تا آنکه حاکم کنند ترا در اختلاف که در واقع شد میان ایشان باز نیایند در دل خویش تنگی از آنچه  
تا حاکم گرداند ترا در اختلاف که واقع شده میان ایشان باز نمی یابند در دل بای خویش تنگی از آنچه

قَضَيْتَ وَيَسْأَلُوكَ النَّاسُ ۝ وَلَوْ أَنَّا كُنَّا عَلَيْهِمْ لَأَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ

حکم فرمودی و بپول کنند با تقیاد و اگر بایستی بر ایشان که بکشید خویشان را  
حکم کردی و بپول می کنند به القیاد و اگر ما حکم می کردیم بر ایشان که بکشید خویشان را

بگوید تفسیر از منافقان و در دشمنان کامل آگاه و با جرئت تو نیز ای پیغمبر بگو خداوندی که بایستی خود را در میان منافقان اغراض کن منافقان و در نصایح آنها و تو هیچ مقاصد







مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ

مردان و زنان و کودکان طاعتگویی گویند ای پروردگار ما بیرون آر ما را

هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا ۚ وَاجْعَلْ لَّنَا مِن لَّدُنكَ وَلِيًّا ۚ

این ده که ستمگر است این آن و مقرر کن برای ما از نزدیک خود کارساز

اجْعَلْ لَّنَا مِن لَّدُنكَ نَصِيرًا ۚ الَّذِينَ آمَنُوا يَفْقَهُونَ فِي سَبِيلِ

مقرر کن برای ما از نزدیک خود یاری دهنده مومنان کارزار می کنند در راه

اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَفْقَهُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا

خدا و کافران می جنگند در راه معبود باطل پس جنگ کنید

أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا ۚ أَلَمْ تَرَ إِلَى

یادوستان شیطان هر آینه کید شیطان ضعیف است آیا ندیدی بسوی

الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كَفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ فَلَمَّا

آنکه گفتند بشان را بازدارید دست خود را و برپا کنید نماز را و بدهید زکوة را پس چون

كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِّنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ خَشْيَةَ اللَّهِ

نوشتند برایشان جنگ ناگاه گردید از ایشان می ترسند از مردمان مانند ترسیدن از خدا

أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً ۚ وَقَالُوا إِنَّا لَمُ كُتِبَ عَلَيْنَا الْقِتَالُ لَوْلَا أَخَّرْتَنَا

باز داده ترسیدن و گفتند ای پروردگار ما چرا لاشتی بر ما کارزار چنانچه ننگد استی ما را

إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ ۚ كُلُّ مَتَاعٍ دُنْيَا قَلِيلٌ ۚ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّمَنِ اتَّقَىٰ

تا دین نزدیک بگویند مندی دنیا اندک است و آخرت بهتر است کسی را که پرستشگری کند

وَلَا تُظْلَمُونَ فِتْنَةً ۚ إِنَّ مَا تَكُونُوا يَدْرِكُكُمْ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ

و ستم کرده نخواهید شد مقدار درشتی هر جا که باشید در باید شمار امرگ و اگر چه باشند

فِي بَرٍّ أَوْ فِي بَحْرٍ مُّشِيرَةً ۚ وَإِنْ نَصَبْتُمْ حَسَنَةً يَقُولُ أَهْلُهَا مِن

در خشکی یا در دریا و اگر برسد ایشان را بخوبی می گویند این از

عِنْدَ اللَّهِ وَإِنْ نَصَبْتُمْ سَيِّئَةً يَقُولُ أَهْلُهَا مِن عِنْدِكَ ۚ

از نزد خداست و اگر برسد ایشان شدت می گویند یا محمد این از نزدیک است

قُلْ كُلٌّ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ ۚ قُلْ هَؤُلَاءِ الْقَوْمُ لَا يَكَادُونَ

بگویم از نزدیک خداست پس چه حال است این قوم را نزدیک نیستند

بِحُجَّتِهِمْ ۚ هَؤُلَاءِ الْقَوْمُ لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ

بگویم از جانب خداست پس چه حال است این مردم را نزدیک نیستند

والبعضی میگویند

بدست کلام ۱۲ و

یعنی جنگ کنید ۱۲

والبعضی میگویند

کردند ۱۲

تفسیر عثمان

عنه قبل از هجرت

که مسلمانان سخت

بزحمت بودند کارها

ستمهای گوناگون بر

ایشان می کردند چون

بعضی میگویند ماضی

شدند شکایت می

کردند و اهل

می خواستند که

با کفایت قاتل کنند

انقام کنند حضرت

پیغمبر ایشان را منع

می کرد و می گفت بنده

با حکم قتال نیامده

بلکه حکم است که صبر

کنید و عمل نمانید

بخوانید و زکوة بدهید

و مطابق حدیث شما

فمود آمده و بخار نمانید

نیز با او امیکه این

اطاعت خدا و جهاد

نفس و رنج است

جسائی و صرف مال

خوگند جهاد نمودن

و از جنات و گداز شوق

پوی و شوق است مسلمانان

این اندر زود و دند

را پذیرفته بودند

عنه بعد از هجرت

چون حکم جهاد آمد

باید مسلمانان شاد

می شدند که داعیهشان

بغیر از جهاد مقبول

شده بود و بر مطلب

خویش فایز بودند

و بعضی مسلمانان

ضعیف چنان از

جهاد می ترسیدند که

کسی از عذاب الهی



فتح الرحمن

فل يفتح الله  
حق است که خیر از  
جانب خداست و  
شر از جانب بندگی  
مقصود این مردمان  
کار در صحت نیست  
و آن است که جهاد  
باجه قبل از عیب  
مقول نیست پس اگر  
فتح باشد یعنی غیر عیب  
است و اگر نه صحت  
باشد موافق حال این  
نمود است و چون  
جهاد با امری است  
بجهت صحت عقل و  
در اتحاد فعل و ادون  
می باشد و الله اعلم  
و کما یفی بقره صحت  
و ادست و پس اگر  
دفاعت کند بر تو  
مواخذه نیست  
و تفسیر عثمانی  
عنه خای فرایه  
اے محمد در پاسخ  
آنها بگو که خیر از  
جانب خداست و اگر  
گناه حقش نباشد  
حضرت ادست و دیگر  
را در آن و علی صحت  
و تدایر غیر نیز از  
سوی خدا الهام  
است الزام شمار  
بغیر نادر است مگر  
قصود از آن صفت  
این با هر حکمت الهی  
ی باشد که شمار است  
ی گرداند با شمار  
استحسان کند این  
جواب اجمالی بود در  
آیت آئینه الزام  
مناقضات به تفصیل  
ذکر می شود و هر چه  
است که اگر چه موجود  
نیکی با بدی با حضرت  
خداست اما نباید  
حناس را فضل و  
احسان خدا شناسد و بدی و

يَقْقَهُونَ حَدِيثًا ٥ مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَمَا أَصَابَكَ

كُرْهٍ فَقَدْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ٥ وَارْسَلْنَاكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا وَكَفَى بِاللَّهِ

شَهِيدًا ٥ مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ تَوَلَّى فَسْأَأَ

الرَّسُولَ فَقَدْ خَالَفَ مَا جَاءَهُ مِنَ اللَّهِ وَمَنْ يُخْلَفْ يَخْلَفِ أَهْلَ الْبَيْتِ وَكَفَى

بِاللَّهِ شَهِيدًا ٥ وَارْسَلْنَاكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا ٥

مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ تَوَلَّى فَسْأَأَ

الرَّسُولَ فَقَدْ خَالَفَ مَا جَاءَهُ مِنَ اللَّهِ وَمَنْ يُخْلَفْ يَخْلَفِ أَهْلَ الْبَيْتِ وَكَفَى

بِاللَّهِ شَهِيدًا ٥ وَارْسَلْنَاكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا ٥

مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ تَوَلَّى فَسْأَأَ

الرَّسُولَ فَقَدْ خَالَفَ مَا جَاءَهُ مِنَ اللَّهِ وَمَنْ يُخْلَفْ يَخْلَفِ أَهْلَ الْبَيْتِ وَكَفَى

بِاللَّهِ شَهِيدًا ٥ وَارْسَلْنَاكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا ٥

مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ تَوَلَّى فَسْأَأَ

الرَّسُولَ فَقَدْ خَالَفَ مَا جَاءَهُ مِنَ اللَّهِ وَمَنْ يُخْلَفْ يَخْلَفِ أَهْلَ الْبَيْتِ وَكَفَى

بِاللَّهِ شَهِيدًا ٥ وَارْسَلْنَاكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا ٥

مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ تَوَلَّى فَسْأَأَ

الرَّسُولَ فَقَدْ خَالَفَ مَا جَاءَهُ مِنَ اللَّهِ وَمَنْ يُخْلَفْ يَخْلَفِ أَهْلَ الْبَيْتِ وَكَفَى

بِاللَّهِ شَهِيدًا ٥ وَارْسَلْنَاكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا ٥

مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ تَوَلَّى فَسْأَأَ

الرَّسُولَ فَقَدْ خَالَفَ مَا جَاءَهُ مِنَ اللَّهِ وَمَنْ يُخْلَفْ يَخْلَفِ أَهْلَ الْبَيْتِ وَكَفَى

بِاللَّهِ شَهِيدًا ٥ وَارْسَلْنَاكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا ٥

مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ تَوَلَّى فَسْأَأَ

الرَّسُولَ فَقَدْ خَالَفَ مَا جَاءَهُ مِنَ اللَّهِ وَمَنْ يُخْلَفْ يَخْلَفِ أَهْلَ الْبَيْتِ وَكَفَى

بِاللَّهِ شَهِيدًا ٥ وَارْسَلْنَاكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا ٥

مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ تَوَلَّى فَسْأَأَ

الرَّسُولَ فَقَدْ خَالَفَ مَا جَاءَهُ مِنَ اللَّهِ وَمَنْ يُخْلَفْ يَخْلَفِ أَهْلَ الْبَيْتِ وَكَفَى

بِاللَّهِ شَهِيدًا ٥ وَارْسَلْنَاكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا ٥

مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ تَوَلَّى فَسْأَأَ

الرَّسُولَ فَقَدْ خَالَفَ مَا جَاءَهُ مِنَ اللَّهِ وَمَنْ يُخْلَفْ يَخْلَفِ أَهْلَ الْبَيْتِ وَكَفَى

بِاللَّهِ شَهِيدًا ٥ وَارْسَلْنَاكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا ٥



وَمَنْ يَشْفَعْ شَفَاعَةً سَيِّئَةً يَكُنْ لَكَ كِفْلٌ مِنْهَا ۖ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ

و دیگر که سفارت کند سفارشی بدی باشد اودا حصه از عذاب آن و هست خدا بر  
و دیگر که سفارش کند سفارشی بدی باشد باو بار آن و هست خدا بر

کُلُّ شَيْءٍ مُّقَيَّنًا ۙ وَإِذَا أُحْضِيتُمْ يَخْتَبِعُونَ فَيَوْمَ لَا حَسَنَ مِنْهَا آوُ

و چون تعلیم کرده شود بدلا می پس تعلیم کند بکلیه بهتر از آن  
و چون تعلیم کرده شود بدلا می پس تعلیم کند بکلیه بهتر از آن

وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا ۝۱۰ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

کلمه جواب دهید بر آئینه هست خدا بر همه چیز حساب کننده خدا نیست هیچ معبودی اگر  
کلمه را باز گردانید بر آئینه خداست بر همه چیز حساب کننده و خدا نیست هیچ معبودی اگر

يَجْزِيكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَأَسْبَغَ فِيهِ وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ

بیت بهم آرد شمار به روز قیامت هیچ شک نیست دران دلیست راست گو تر از خدا

خدا شاکه فی الذیفة فیه

حکایت اول که می بینیم و شستین و الله است که به ما  
 سخن است چو نیست ای مسلمان شمار در باب خلق کنندگان و کرده شد بدست و خدا گویند اسرار و انوار

مکن پس چیست شمارا که در باره منافقان و دگر و شایع و خدا و کتب و اساحت ایشان را به

سَبِّحُوا لِلَّهِ حَمْدًا مِمَّا هُوَ أَضْحَىٰ وَأَمِّنَ أَخْضَىٰ اللَّهُ وَمَنْ مَضَىٰ لِلَّهِ

کہ کب کرنے آئی ہو خواہید کہ بدایت کنید کہ را کہ خدا گمراہ گردانیدہ و ہر گمراہ کند خدا

لَنْ تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا ۝۱۰ وَذُو الْأَوْتَافِ كُفُّوا رُءُوسَكُمْ إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ ۚ فَمِمَّا كَسَبْتُمْ قَبْلَ الْإِسْلَامِ تُحْفُوا بِهِ ۚ لِكُلِّ فِتْنَةٍ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۖ

این برای او هیچ راهی نیست مگر آنکه بگوید که اگر من را از این کار فرستند پس باید

وَأَفْلَحَ الْمُتَّقُونَ ۝۱۰۱ وَأَمِنْهُمْ أُولَئِكَ حَتَّىٰ يُفْجَرُوا فِي سِنَابٍ مُّذَبْذَبٍ ۝۱۰۲

شید پس دوست یزید و یحیی را از ایشان تا آنکه به حیرت گفند در راه خداست پس اگر

پس اگر

وَأَحَدٌ وَسِتُّونَ أَلْفًا حَيْثُ وَجَلَ لِنُورِهِ وَ (تَتَجَلَّى وَأَمْنٌ مِّنْهُم  
افق کردند از اسلام و با هجرت پس امیر گردید ایشان را و بکشید هر جا که پابید ایشان را در دست و بار

من کردند بگوید ایشان را و بشنید ایشان را هر جا که بیایید ایشان را و بشنید کسی را از آن

تَبَاؤُا صَبِيْرًا ﴿٥٠﴾ اِلَّا الَّذِيْنَ يَصُوْنُ اِلَىٰ قَوْمِ بَيْنِكُمْ وَبَيْنَهُمْ

مگر کاشیک پیوسته شوند بسوی کومیکه میان شما و ایشان

يَتَّقُوا وَكَمْ حَصَرْتُهُمْ أَصْدُرُهُمْ أَنْ يَقُولُوا أَوْ يَقُولُوا

است یا میزند نزد یک شما حال آنکه من آمده است سینه را ایشان از آنکه بد بکنند یا شما یا بکنند  
است یا میزند نزد شما حال آنکه تنگ شده سینه های شان که قتل کنند یا شما یا قتل کنند

فَإِنْ

و بعد از آنکه خواست که این سلطان را بر سر تاج پادشاهی بنشیند و در میان پادشاهان و سلاطین  
و امیران و بزرگان و اعیان و اشراف و ارباب و اهل دولت و اهل کسب و اهل شرف و اهل کرامت و اهل  
و اهل علم و اهل ادب و اهل فن و اهل صنایع و اهل حرفه و اهل تجارت و اهل بازرگانی و اهل  
و اهل کسب و اهل شرف و اهل کرامت و اهل علم و اهل ادب و اهل فن و اهل صنایع و اهل حرفه و اهل تجارت و اهل بازرگانی و اهل

نَزَلَكُمْ فُلًا يَرْبِقُ لَهُمْ فِي الْقُرَى الْمَكْنُونَةِ

روحه قام بهاد و كره و القوا اليه الشتر فما جعل الله لهم

و بعد از جان فشانی و کشته شدن باخا و القاء کنند بقیه پیغام صلح را پس نداده خدا شمارا

عنوان مشرف خود این آیت در این باره و فرد آرد - هدایت و صلاحیت در اختیار خداست شما از من اندیخته ناکید می شنید به آنها همه یک جاسا ملحق کنید





فتح الرحمن

فل یعنی اگر اسلام  
آرند و هجرت کنند  
ایشان را دوست  
باید گرفت اگر اسلام  
نندند باید کشت  
مگر آنکه عاهد باشند  
و ثانیاً نرا بر عهده  
طغای صحابه از آن  
راه نتوان ایستاد  
والله اعلم بالصواب  
صلی علیه و آله و سلم  
نقض عهده می  
نماید و الله  
اعلم بالصواب  
گوید خدای تعالی  
احکام قتل خطایان  
می فرماید آنکه کف  
از کسی که اسلام  
ننهد و واجب  
است و قتل مجاهدان  
و وجوب هجرت از  
دار کفر به دار اسلام  
کیفیت نماز سفر و  
نماز خوف و بیماری  
کنده الله اعلم بالصواب  
یعنی مقتول مسلمان  
اگر از سنانان را او  
باشد ویت لازم نیست  
والله اعلم بالصواب  
و ادومین باشد و  
جهود مفسرین لغوی  
و ان کان من قوم  
بیکم و بینهم میثاق  
در مقتول کافر کردند  
بلاحظه آنکه توارش  
در میان مومن و کافر  
منقطع است سبیل  
دین سبیل میراث  
است و بنده ضعیف  
می گوید تمیز سبیل  
با کان مومن آن  
یقین مومن الاطلا  
تقدیر مومن در  
نیکو یا خبیث ظاهر  
است در آنجا ایضا  
قید ایمان مجرب است  
و لازم دین و هجرت و قایم دست نه بر سبیل میراث و نیکو شراب هرست در سبیل مومن از قوم تمایز بین در سوره متعبد الله اعلم الله تعالی فی عهده و عهده و عهده

عَلَيْهِمْ سَبِيلًا سَبِيلُ الْآخِرِينَ يُرِيدُونَ أَنْ يَأْمَنُوكُمْ وَيَأْمَنُوا  
بر ایشان راهی دل خواهند یافت قوی را که می خواهند این شوند از شما و این شوند  
بر ایشان راهی زود می یابید قوم دیگر را که می خواهند این باشند از شما و این شوند  
قَوْمَهُمْ كَمَا رَدُّوْا إِلَى الْفِتْنَةِ أُرْكَسُوا فِيهَا فَإِنْ لَمْ يُعْزِلُوْكُمْ وَ  
از قوم خود هرگاه باز گردانیده بشوند بسوی فتنه انگیزی بخورارند اخته شوند و ان و پس اگر کسی نشوند از جنگ شاد  
از قوم خود هر وقتی که باز گردانیده شوند جانب فتنه نکون را می اختیارند و ان و پس اگر کسی نشوند از جنگ شاد  
يَأْتُوا إِلَيْكُمُ السَّلَامَ وَيَكْفُرُوا إِلَيْكُمْ فَخُذْهُمْ وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ  
نیفتند بسوی شما پیغام صلح را و باز ندادند دست های خود را پس اسیر گردید ایشان را و قتل نمایند ایشان را هر جا که  
انها نکلند شما صلح را و باز ندادند دست های خود را پس اسیر گردید ایشان را و بکشید هر جا که  
تَقْتُلُوهُمْ وَأُولَئِكَ جَعَلْنَا لَكُمْ عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا مُبِينًا وَمَا  
یابید ایشان را و این جماعت داده ایم شمارا بر ایشان جهت ظاهر و  
بیابید ایشان را و آن گروه داده ایم شمارا بر ایشان جهت آشکارا و  
كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقْتُلَ مُؤْمِنًا آخِطًا وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَاً  
سزد مسلمان را که بکشد مسلمان را لیکن قتل واقع بشود خطای یعنی بی قصد و هر که بکشد مسلمان را بخفا  
سزد مسلمان را که بکشد مسلمان را مگر بدون قصد و هر که بکشد مسلمان را بدون قصد  
فَكَفِّرْ كَفْبَهُ مُؤْمِنًا وَ دِيَّةً مُسْلِمَةً إِلَى أَهْلِهِ إِلَّا أَنْ يَصَدَّقُوا  
پس لازم است آزاد کردن برده مسلمان و خون بهای رسانیده شده به کسان مقتولین مگر آنکه ابرائیم  
پس لازم است آزاد کردن کردن یک مومن خون بهای رسانیده شده به و در شاد و مگر ابرائیم  
فَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ عَدُوٍّ لَكُمْ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَتَخْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ  
پس اگر باشد مقتول از گروه دشمنان شما و او مسلمانست پس لازم است آزاد کردن برده مسلمان  
پس اگر مقتول باشد از قومیکه نه دشمن شماست حال آنکه مومن به باشد پس لازم است آزاد کردن کردن یک مسلمان  
وَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُم مِّيثَاقٌ فَدِيَّةً مُسْلِمَةً إِلَى  
و اگر باشد مقتول از قومی که میان شما و ایشان عهد است پس لازم است خون بهای رسانیده شده  
و اگر باشد از قومی که میان شما و میان شان عهد است پس لازم است خون بهای رسانیده شده  
أَهْلِهِ وَتَخْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ فَسَنْ لَكُمْ بِحَدِّ قُصَايَا مُتَّبِعِينَ  
یکسان او و آزاد کردن برده مسلمان پس هر که نباید برده را پس لازم است روزه و اخراج و دوا بهی در شاد  
به در شاد آن و آزاد کردن کردن یک مسلمان پس هر که نباید آن را پس لازم است روزه و دوا بهی متوالی  
تُوبَةً إِلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا  
جهت قبول توبه است از جانب خدا و هست خدا دانا با حکمت و هر که بکشد مسلمان را  
برای قبول توبه از جانب خدا و هست خدا دانا با حکمت و هر که بکشد مسلمان را  
مَتَّعِدًا أَجْرًا وَهُوَ خَالِدٌ فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ  
بقصد پس جزای او و دوزخ است جاوید است و خشم گرفته است بر او خدا و لعنت کرد او را  
بقصد پس جزای وی و دوزخ است جاوید باشد و ان و خشم گرفته خدا بر او و لعنت کرده بر او  
وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ  
و آماده ساخت برائے او عذاب بزرگ ای مسلمانان چون سفر کنید در  
و آماده کرده باو عذاب بزرگ ای مسلمانان هنگامی که سفر کنید در  
اللَّهُ فَتَبَيَّنُوا أُولَئِكَ تَقُولُوا آمَنَ الْفِتْيَةُ السَّلَامَ لَسْتُ مُؤْمِنًا  
خدا یعنی برای جهاد پس نیک محض کنید و نگویید کسی را که بسوی شما سلام انداخته است نیستی مسلمان  
خدا برای جهاد محقق کنید و نگویید کسی را که نکلند بسوی شما سلام که نیستی مسلمان  
و لازم دین و هجرت و قایم دست نه بر سبیل میراث و نیکو شراب هرست در سبیل مومن از قوم تمایز بین در سوره متعبد الله اعلم الله تعالی فی عهده و عهده و عهده







طایفه ای در راه قبل  
و صول بقصد ۱۲  
مترجم گوید مشهور  
آنست که این آیت  
در مکه مسافران  
شده است و خوف  
تبدل فانی است  
و آنچه نزدیک  
این بنده  
رجان یافته ۱۱  
است آنست که این  
آیت در صلوة خوف  
نازل شده است و  
مصرف با تقویت  
و مراد از خوف و رعیت  
دو رکعت و یک رکعت  
بایسته ادا میتوان  
کرد و در رکعت و یک  
و الله اعلم ۱۲  
یعنی وقت خوف ۱۲  
و یک رکعت مقابل عذاب  
و خوف خود و در  
و سیر او نموده ۱۳  
مترجم گوید این را  
صورتهاست یک  
آنکه امام در نماز  
گزارد یک رکعت یا بجا  
و دیگر یک رکعت یا بجا  
و اگر آنکه امام یک  
عادت یک رکعت  
نموده و در قیام  
توقف کند تا آنکه  
رکعت دیگر خوانده  
مقابل حدودند  
آنجا که دیگر آمده  
اقتضا کند اگر است  
و دیگر با بجا عادت خوانده  
در نوحه چندان توقف  
کند که از رکعت دیگر  
تدریج شمرده اند  
بایشان سلام و در  
این برود با صاحب  
و بجا عادت خوانده  
محل آنست ۱۴  
اعلم ۱۵ و بعضی از  
نمازین و الله اعلم  
تفسیر عثمانی -

اللَّهُ يَجِدُ فِي الْأَرْضِ مُرْعًا كَثِيرًا وَسَعَةً وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا  
خدا بیابد در زمین سوا منج بسیار و گشایش و هر که بیرون رود از خانه خود بهجرت کنان  
إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ تَعْدُ رُكُوتُ الْوُتِّ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ  
بسیاری خدا و پیغمبر او پس در باید ادا موت و ملا پس تحقیق ثابت شد نزد او بر خدا و هست  
اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۱۱ وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ  
خدا آمرزنده مهربان و چون سفر کنید در زمین پس نیست بر شما گناهی  
أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا  
در آنکه کوتاه سازید قدری از نماز اگر بترسید از آنکه در ملا نکلند شما را کافران  
إِنَّ الْكَافِرِينَ كَالْأَكْمَةِ عَدُوٌّ أَمِينٌ ۱۲ وَإِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقِمْ  
بر آئینه کافران هستند شمارا دشمن آشکارا و چون باشی در میان مومنین و ملا پس بر هر کدی  
لَهُمُ الصَّلَاةُ فَلْتَقِمُوا طَائِفَةً مِنْهُمْ مَعَكَ وَلِيَأْخُذُوا بِالْأَسْلِحَةِ ۱۳ وَإِذَا  
برای ایشان نماز پس باید کرد بایستد گروهی از ایشان با تو و باید که بگیرند سلاح خویش پس چون  
سَجَدُوا فَلْيَكُونُوا مِنْ زُرَّارِكُمْ وَلِتَأْخُذُوا طَائِفَةً أُخْرَى لَمْ يَكُنْ لَكُمْ  
سجده رند پس آن گروه دیگر باید که پیش از ایشان باشند و باید که بایستد آن گروه دیگر که بنور نماز سجده  
فَلْيَصْلُوا مَعَكَ وَلِيَأْخُذُوا بِالسِّلَاحِ ۱۴ وَإِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقِمْ  
نماز خود با تو و بگیرند احتیاط خود را و سلاح خود را دوست دارند کافران که بیگانه  
تَقْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَيْلَةً وَاحِدَةً ۱۵  
غافل شوید از سلاح خویش و متاع خویش پس حمل کنند بر شما یک باره  
وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ كَانَ بِكُمْ أَذًى مِنْ مَطَرٍ أَوْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَوْ أَنْ  
و هیچ گناه نیست بر شما اگر باشد شمارا بختی از باران یا بیمار باشید ابران که  
تَضَعُوا أَسْلِحَتَكُمْ وَخُذُوا حِذْرَكُمْ إِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا  
بیهوده سلاح خود را و بگیرند احتیاط خود را عدا بر آئینه خدا آماده کرده برای کافران عذاب  
فَهِمَّ نَارًا ۱۶ وَإِذَا قُضِيَتْ الصَّلَاةُ فَادْكُرُوا اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَى  
رسو انگیزه و پس چون نماز تمام گردید پس یاد کنید خدا را ایستاده و نشسته و بر  
جُنُوبِكُمْ فَإِذَا اطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِمُوا الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى  
پهلوی خویش پس چون آرامید بر پا کنید نماز را و هر آئینه هست نماز  
بسیاری خویش پس چون این شد به از خوف بر پا دارید نماز را هر آئینه نماز هست

و اگر بنابر بیان یا بعدی تا توانی برداشتن سلاح مثل باشد که استی آن نماز است اما برای حرمت خویش و در و سپرداد و نکلند نماز را



الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَّقْشُورًا ۝ وَلَا تَهْنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ إِنْ تَكُونُوا

مؤمنان قرصی وقت معین کرده شده و سستی نکنید در پیجوشی کفار اگر شما

تکونون فانهم ياكلون كما تاكلون وترجون من الله ما لا يرجون ۝

و اگر شما می خورد پس ایشان نیز در روز مندی می خوردند چنانکه شما می خوردید و شما امید دارید از خدا آنچه ایشان را امید نیست و

كان الله عليما حكيما ۝ انا انزلنا اليك الكتاب بالحق لتحكم بين

است خدا و انا استوار کار دل بر آید ما آردیم بسوی تو کتاب را بر راستی تا حکم کنی میان

الناس بما آراك الله ۝ ولا تكن للخائنين خصيما ۝ واستغفر الله

مردمان آنچه را که خدا ترا خدا و مباهل خصوصیت کننده برای قیامت چنانست که گاه و آمرزش خواه از خدا

ان الله كان عفورا رحيما ۝ ولا تجادل عن الذين يحتلون

بر آنچه خداست آمرزنده مهربان و خصومت کن از جهانب آنا که حیانت میکنند

انفسهم ان الله لا يحب من كان خوانا اثيما ۝ الذين يستخفون من

باجب خویش اگر آید خدا دوست ندارد آنرا که با حق حیانت کننده

الناس ولا يستخفون من الله وهو معهم اذ يبيتون ما لا يرضى

مردمان و پنهان نمیکند از خدا و او با ایشان است آگاه که بشب مشورت میکنند آنچه خدا نمی پسندد

من القول وكان الله بما يعملون محيطا ۝ هانم لهوا و جادلتم

از سخن و هست خدا با آنچه می کنند احاطه کننده آگاه باشید شما ای قوم که جدال کردید

عنهم في الحياة الدنيا فمن يجادل الله عنهم يوم القيمة ام من

از طرف ایشان که در زندگانی دنیا پس که خصوصیت خواهد کرد یا خدا از طرف ایشان روز قیامت یا کسیت

يكون عليهم و كبراه ۝ ومن يعمل سوءا او يظلم نفسه ثم يستغفر الله

باشد بر ایشان کار آسازنده و هر که بکند کار بد یا ستم کند بر خود پس آمرزش طلبد از خدا

يجد الله عفورا رحيما ۝ ومن يكسب اثما فانما يكسبه على نفسه ۝

یابد خدا را آمرزنده مهربان و هر که بکند گناه پس جز این نیست که آن را بر خود

وكان الله عليما حكيما ۝ ومن يكسب خطيئة او اثما ثم يزعم

است خدا و انا استوار کار و هر که بکند خطائی یا گناهی باز عیبت کند بان

ربا فقد حبل بهتانا و اثما مبينان ۝ و لو لا فضل الله عليك و

گناهی را پس بر خود برداشت اقرا و گناه ظاهرا و اگر نبود فضل خدا بر تو و

ربا فقد حبل بهتانا و اثما مبينان ۝ و لو لا فضل الله عليك و

گناهی را پس بر خود برداشت اقرا و گناه ظاهرا و اگر نبود فضل خدا بر تو و

ضعیف الاسلام  
اگر کسی از ایشان ترک  
گناه باشد و از دوزخ  
جلا باشد و بختیست  
آنحضرت بوجه اظهار  
میکنند که برات داد  
چنانچه مبارک برید  
و باید که بگفت  
۱۲ کرده از احوالات  
معرض شریف در میان  
آورده خدا استقل  
آیات فرستاد ۱۲  
تفسیر عثمانی  
عنه لمان قد سلطان را  
لقب نه مقامی آمد  
و چیزی از اسلام و  
و نه بد اتفاقا جلا صلا  
بوده که فاطمه و نه  
راه دیگر رفت و تبری  
اندر پیش یعنی مال امان  
خود بکند و شب  
نماز بکند از بویانی که  
یاد می دهی و داشت  
است گفتار میساک  
مال بر سر آورد و در  
بیدارها با چنانکه خانه  
او را بیشتر جست کثر  
یافت و نه به عدم اطلاع  
خوفش سرگشتگی و ملک  
به سوز که خوش بر خانه  
میروی رسید و در چرخ  
الاحزان خود آگفت  
این شخص شب نزد من  
انست گفتار من در دوی  
ام صاحب مال بحضرت  
بیگانه داری بر تو نمند  
اتفاق نموده تا به صورت  
باشد گفتار من می بوی  
ثبت شود و کوشش کند  
ببر و از دوزخ نشان دهد  
۱۲ قیود و خدمت حضرت  
میگردد و در برات داد  
سرگشته و دوزخ و گوی  
از دوزخ بیک بود از ام  
ببر و از دوزخ و در این

و لو لا فضل الله عليك و



ولا ترمي كريمة  
 دل بفرمان ۱۲  
 مترجم گوید انبیاء  
 قوم شرک بفرمایند  
 و مترجم گوید یعنی  
 مانند حق کردن و  
 سوزن زدن بریدن  
 تا سوزن یا برهنگانند  
 و الله اعلم ۱۲  
 تفسیر عتباتی تفسیر  
 عده بر گناه که بک  
 یا بزرگ کند و آندینست  
 ذی کما ای انگیزد روی  
 دو گناه لازم میشود  
 گناه بقتل و دو گناه  
 اصلی لهذا بر کندی  
 کند بر سر و تهمت  
 بنده و مال آن زیاد  
 میشود و بقیه منفعتی بوی  
 نمی رسد و معلوم شد که  
 چاره گناهان بکسر  
 و صیغه جز توبه  
 خاص جز توبه نیست  
 متعلق صغیر باشد ۱۲  
 در این آیت بر حضرت  
 پیغمبر خطاب میگردد  
 و فریب عاینار افشا  
 میشود و عظمت شان  
 و عظمت و کمال علی  
 حضرت می که بر سر  
 کمالات انفس اول  
 می باشد بیان میشود  
 و نفس می شناسد  
 سرفراز باری بر  
 ذات نرفته او کار  
 بیان انشاف از  
 توبه بگوید و اشارت  
 است باین طرف که  
 حضرت پیغمبر اگر توبه  
 را شایسته بر او نیست  
 بود لکن خدا جل جلاله  
 حال شنیدن شهادت  
 او قبول بود و اینجا اشارت  
 زیاده است میان حق  
 یا با حق است و الحق  
 این امر را نیز توبه  
 در این بین می شود

رَحْمَتُهُ لَهَيْتُ طَائِفَةً مِنْهُمْ أَنْ يُضِلُّوكَ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَ  
 بشارت اوست که گروهی از ایشان که همراه کنند شما و همراه میکنند مگر خود ایشان را  
 رحمت او بر آینه تعهد کرده بودند مردی از ایشان که از راه برگرداندند و در ضلالت می افتند مگر خود ایشان را  
**وَمَا يَضُرُّوْكَ مِنْ شَيْءٍ ۚ وَاتَّزَلَّ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَكَ**  
 آنچه زیان نرسانند بچیز و فرود آورده است خدا بر تو کتاب و حکمت و آنچه را که  
 نمی رساند زیان بچیز و چیزی و فرود رسانده خدا بر تو کتاب و حکمت و آنچه را که  
**مَا لَمْ تَكُنْ تَعْلَمُ وَكَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا ۝۱۱** **لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ**  
 آنچه نپیداست و هست فضل خدا بر تو بزرگ نیست بچیز و نیست بچیز و نیست بچیز  
 آنچه را که نمی دانستی و هست فضل خدا بر تو بزرگ نیست بچیز و نیست بچیز و نیست بچیز  
**مَنْ تَجَوَّعَكُمْ إِلَّا مَنْ أَمْرٌ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ**  
 از مشورت پنجاهی ایشان لیکن خوبی در مشورت هست که فرایده بعد تو یا بکار پسندیده یا بصلاح کاره میان  
 از مشورت شان مگر آنکه علم کرده بعد تو دادن یا کار نیک کردن یا آشتی انگیزدن میان مردم  
**وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا ۝۱۲**  
 و هر که این کند بطلب خوشنودی خدا بدینش مزد و هر که این کند بطلب  
 و هر که کند این را به طلب رضای الهی پس دود و بهیشش مزد بزرگ  
**وَمَنْ يَشَارِكِ الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّ لَهُ الْهُدَىٰ وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ**  
 و هر که مخالفت پیشا بکند بعد از آنکه معلوم شد او را هدایت و پیروی کند سواست  
 و هر که مخالفت کند با پیغمبر پس از آنکه معلوم شد بوی راه راست و پیروی کند و او را از حقان  
**الْمُؤْمِنِينَ ۚ وَلَهُ مَا قُوَّةٌ وَنَصْلُهُ جَهَنَّمَ ۖ سَاءَتْ مَصِيرًا ۝۱۳** **إِنَّ اللَّهَ**  
 مسلمانان متوجه بکنش با او میسر و دل و در آتش بدوزخ و او بدجال است و بر آینه خدا  
 مسلمانان است حواله کنیم او را بآن طرف که اختیار کرده و در آتش بدوزخ و بدوزخ است و دوزخ  
**لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ ۚ وَمَنْ يُشْرِكْ**  
 نمی آمرزد آنکه شرک با او نموده شود می آمرزد غیر شرک و هر که شرک خدا  
 نمی آمرزد آنرا که شرک آمده بودی و می آمرزد سواي شرک کسی را که خواهد و هر که انباشت  
**بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا ۝۱۴** **إِنْ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا أُنثَاءً ۚ**  
 مقرر کنند پس همراه شده برای دور مشران نمی پرستند بجز خدا که بجاست را که بنام دختران می پرستند  
 بر خدا پس بر آینه گواه شده دور افتاد (بر برای دور) نمی پرستند جزوی مگر زنان را و  
**إِنْ يَدْعُونَ إِلَّا شَيْطَانًا مَرِيدًا ۝۱۵** **لَعَنَهُ اللَّهُ وَقَالَ لَا تُخَدُّنَ مِنْ**  
 نمی پرستند مگر شیطان دور نرفته از حد لعنت کرد او را خدا لعنت شیطان البته بگیرم از  
 نمی پرستند مگر شیطان سرکش را لعنت کرد او را خدا و گفت شیطان البته بگیرم از  
**عِبَادِكَ نَصِيبًا مَفْرُوضًا ۝۱۶** **وَلَا ضَلَالَتَهُمْ وَلَا مِيتَتَهُمْ وَلَا مَرْتَبَهُمْ**  
 بندگان تو حصه که در علم ازلی تعیین شده و البته همراه کن ایشان را و البته در آرزوی باطل انگیز ایشان را و البته بفرمایم ایشان را  
 بندگان تو حصه مقدره و البته همراه کن ایشان را و امیدوار می سازم ایشان را و می فرمایم ایشان را  
**فَلْيَبْتَغُوا إِذًا أَنْعَامًا وَلَا أَمْثَلَهُمْ فَلْيَغْزِرْ خَلْقَ اللَّهِ وَمَنْ يَخْذِ**  
 تا باشد بندگان خواهش چهار پایان را و البته بفرمایم ایشان را تا بفرماید خدایا و هر که دست ببرد  
 که بفرماید خواهش های چهار پایان را و بفرماید بندگان را تا بفرماید خدایا و هر که بگوید  
**الشَّيْطَانُ وَلِيًّا ۚ مَنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خَسِيرًا ۝۱۷** **يَعْلَمُ هَمُّ**  
 شیطان را بجز خدا پس زیان کار شده زیان ظاهر و الله می داند (ایشان را و)  
 شیطان را دوست از غیر خدا به تحقیق زیان کرد (زیان) ظاهر و الله می داند (ایشان را و)  
 شیطان را دوست از غیر خدا به تحقیق زیان کرد (زیان) ظاهر و الله می داند (ایشان را و)

و الله اعلم ۱۲ تفسیر عتباتی تفسیر عده بر گناه که بک یا بزرگ کند و آندینست ذی کما ای انگیزد روی دو گناه لازم میشود گناه بقتل و دو گناه اصلی لهذا بر کندی کند بر سر و تهمت بنده و مال آن زیاد میشود و بقیه منفعتی بوی نمی رسد و معلوم شد که چاره گناهان بکسر و صیغه جز توبه خاص جز توبه نیست متعلق صغیر باشد ۱۲ در این آیت بر حضرت پیغمبر خطاب میگردد و فریب عاینار افشا میشود و عظمت شان و عظمت و کمال علی حضرت می که بر سر کمالات انفس اول می باشد بیان میشود و نفس می شناسد سرفراز باری بر ذات نرفته او کار بیان انشاف از توبه بگوید و اشارت است باین طرف که حضرت پیغمبر اگر توبه را شایسته بر او نیست بود لکن خدا جل جلاله حال شنیدن شهادت او قبول بود و اینجا اشارت زیاده است میان حق یا با حق است و الحق این امر را نیز توبه در این بین می شود



يَسْتَبِيحُهُمْ وَمَا يَعِدُّهُمْ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا ۝ أُولَٰئِكَ مَا لَهُمْ

ابرار و سادات کی خاطر و پیشکش واداد و خدمت کی کفایت  
 و سبب کی وجہ ایشان راد و عدہ مخی و دہ بایشان شعیب  
 و ابرار و سادات کی خاطر و پیشکش واداد و خدمت کی کفایت  
 و سبب کی وجہ ایشان راد و عدہ مخی و دہ بایشان شعیب

تَحْمِلُ وَلَا يَجِدُونَ عَنْهَا مَحْمَصًا ٦ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

در است و سببند اذان خلعتی و آنانکه ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند  
از است و نمی یابند از آنجا که عزیزی که و کسانی که ایمان آوردند و نکردند کارهای شایسته کردند

سَنَدُ خَلْقِهِمْ جَنَّتْ بِحُرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْفُسُ خُلْدَيْنِ فِيهَا أَبَدًا ٥

دوردم آیت را بنویسند که این را درود ویران  
دوردم آیت را در باطنها که دران است از زیران  
جایدهان آیت را بنویسند که این را درود ویران  
جایدهان آیت را در باطنها که دران است از زیران

وَعَدَ اللَّهُ خَقَاوَمَ مَنْ أَصْدَقَ مِنَ اللَّهِ قِيلًا ۝ لَيْسَ بِأَمَانِيكُمْ

پیمان خدا راست است و کیست راست تر از خدا (ذکر گفتار) نهاده ام بر آرزوهای شناست و

امامی اهل الکتب من یعمل سوء یجزیه لا یرایند که

نمبر آرزوهای این کتاب هر که کند کار بد جزا داده میشود بوسی و نهی یا بد بخود

مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلْيُؤَاغِرْ أَصْحَابَهُ ۝ وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ

عمر خاندانی و نه مددگار و هر کس از کارهای شایسته

دیر اوائلی وهو مؤمن فاولیک یدخلون الجنة ولا یظلمون  
در بادشاہی زن داد مسلمان است پس آجماعت در آید یہ بہتست و مستم کردہ نہ مٹوند

در پاش یازدن حال آنکه ادمسان با شربس آنکوه می در آید در بهشت دستم نمی شوند بقدر تجدی

بِإِيمَانٍ وَأَوْثَقَ دِينًا مِّنْ أَسْلَامٍ وَجِهَةً لِلَّهِ وَهُوَ شَيْخٌ وَآتَبَعَهُ

است و اینست. بنیوتر باعتبار دین از که نهاده چنین خود را بنگر خدا حالانکه او گوید که: «... پس و متوجه

ملت ابراهیم در دلت کز خفیه بود و نهاد دوست گرفت ابراهیم را و خدا دوست آنچ در

ایمان را بایم ده حالیکه بکفر و بسوی دین قدم بود و گرفت خدا ابراهیم را دوست خالص و مرخدا است آفرید

سَمُوتَ وَمَالِي الْأَرْضِينَ وَكَانَ اللَّهُ بَيْنَ سَيِّحِي ط ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰ ۵۱ ۵۲ ۵۳ ۵۴ ۵۵ ۵۶ ۵۷ ۵۸ ۵۹ ۶۰ ۶۱ ۶۲ ۶۳ ۶۴ ۶۵ ۶۶ ۶۷ ۶۸ ۶۹ ۷۰ ۷۱ ۷۲ ۷۳ ۷۴ ۷۵ ۷۶ ۷۷ ۷۸ ۷۹ ۸۰ ۸۱ ۸۲ ۸۳ ۸۴ ۸۵ ۸۶ ۸۷ ۸۸ ۸۹ ۹۰ ۹۱ ۹۲ ۹۳ ۹۴ ۹۵ ۹۶ ۹۷ ۹۸ ۹۹ ۱۰۰ ۱۰۱ ۱۰۲ ۱۰۳ ۱۰۴ ۱۰۵ ۱۰۶ ۱۰۷ ۱۰۸ ۱۰۹ ۱۱۰ ۱۱۱ ۱۱۲ ۱۱۳ ۱۱۴ ۱۱۵ ۱۱۶ ۱۱۷ ۱۱۸ ۱۱۹ ۱۲۰ ۱۲۱ ۱۲۲ ۱۲۳ ۱۲۴ ۱۲۵ ۱۲۶ ۱۲۷ ۱۲۸ ۱۲۹ ۱۳۰ ۱۳۱ ۱۳۲ ۱۳۳ ۱۳۴ ۱۳۵ ۱۳۶ ۱۳۷ ۱۳۸ ۱۳۹ ۱۴۰ ۱۴۱ ۱۴۲ ۱۴۳ ۱۴۴ ۱۴۵ ۱۴۶ ۱۴۷ ۱۴۸ ۱۴۹ ۱۵۰ ۱۵۱ ۱۵۲ ۱۵۳ ۱۵۴ ۱۵۵ ۱۵۶ ۱۵۷ ۱۵۸ ۱۵۹ ۱۶۰ ۱۶۱ ۱۶۲ ۱۶۳ ۱۶۴ ۱۶۵ ۱۶۶ ۱۶۷ ۱۶۸ ۱۶۹ ۱۷۰ ۱۷۱ ۱۷۲ ۱۷۳ ۱۷۴ ۱۷۵ ۱۷۶ ۱۷۷ ۱۷۸ ۱۷۹ ۱۸۰ ۱۸۱ ۱۸۲ ۱۸۳ ۱۸۴ ۱۸۵ ۱۸۶ ۱۸۷ ۱۸۸ ۱۸۹ ۱۹۰ ۱۹۱ ۱۹۲ ۱۹۳ ۱۹۴ ۱۹۵ ۱۹۶ ۱۹۷ ۱۹۸ ۱۹۹ ۲۰۰ ۲۰۱ ۲۰۲ ۲۰۳ ۲۰۴ ۲۰۵ ۲۰۶ ۲۰۷ ۲۰۸ ۲۰۹ ۲۱۰ ۲۱۱ ۲۱۲ ۲۱۳ ۲۱۴ ۲۱۵ ۲۱۶ ۲۱۷ ۲۱۸ ۲۱۹ ۲۲۰ ۲۲۱ ۲۲۲ ۲۲۳ ۲۲۴ ۲۲۵ ۲۲۶ ۲۲۷ ۲۲۸ ۲۲۹ ۲۳۰ ۲۳۱ ۲۳۲ ۲۳۳ ۲۳۴ ۲۳۵ ۲۳۶ ۲۳۷ ۲۳۸ ۲۳۹ ۲۴۰ ۲۴۱ ۲۴۲ ۲۴۳ ۲۴۴ ۲۴۵ ۲۴۶ ۲۴۷ ۲۴۸ ۲۴۹ ۲۵۰ ۲۵۱ ۲۵۲ ۲۵۳ ۲۵۴ ۲۵۵ ۲۵۶ ۲۵۷ ۲۵۸ ۲۵۹ ۲۶۰ ۲۶۱ ۲۶۲ ۲۶۳ ۲۶۴ ۲۶۵ ۲۶۶ ۲۶۷ ۲۶۸ ۲۶۹ ۲۷۰ ۲۷۱ ۲۷۲ ۲۷۳ ۲۷۴ ۲۷۵ ۲۷۶ ۲۷۷ ۲۷۸ ۲۷۹ ۲۸۰ ۲۸۱ ۲۸۲ ۲۸۳ ۲۸۴ ۲۸۵ ۲۸۶ ۲۸۷ ۲۸۸ ۲۸۹ ۲۹۰ ۲۹۱ ۲۹۲ ۲۹۳ ۲۹۴ ۲۹۵ ۲۹۶ ۲۹۷ ۲۹۸ ۲۹۹ ۳۰۰ ۳۰۱ ۳۰۲ ۳۰۳ ۳۰۴ ۳۰۵ ۳۰۶ ۳۰۷ ۳۰۸ ۳۰۹ ۳۱۰ ۳۱۱ ۳۱۲ ۳۱۳ ۳۱۴ ۳۱۵ ۳۱۶ ۳۱۷ ۳۱۸ ۳۱۹ ۳۲۰ ۳۲۱ ۳۲۲ ۳۲۳ ۳۲۴ ۳۲۵ ۳۲۶ ۳۲۷ ۳۲۸ ۳۲۹ ۳۳۰ ۳۳۱ ۳۳۲ ۳۳۳ ۳۳۴ ۳۳۵ ۳۳۶ ۳۳۷ ۳۳۸ ۳۳۹ ۳۴۰ ۳۴۱ ۳۴۲ ۳۴۳ ۳۴۴ ۳۴۵ ۳۴۶ ۳۴۷ ۳۴۸ ۳۴۹ ۳۵۰ ۳۵۱ ۳۵۲ ۳۵۳ ۳۵۴ ۳۵۵ ۳۵۶ ۳۵۷ ۳۵۸ ۳۵۹ ۳۶۰ ۳۶۱ ۳۶۲ ۳۶۳ ۳۶۴ ۳۶۵ ۳۶۶ ۳۶۷ ۳۶۸ ۳۶۹ ۳۷۰ ۳۷۱ ۳۷۲ ۳۷۳ ۳۷۴ ۳۷۵ ۳۷۶ ۳۷۷ ۳۷۸ ۳۷۹ ۳۸۰ ۳۸۱ ۳۸۲ ۳۸۳ ۳۸۴ ۳۸۵ ۳۸۶ ۳۸۷ ۳۸۸ ۳۸۹ ۳۹۰ ۳۹۱ ۳۹۲ ۳۹۳ ۳۹۴ ۳۹۵ ۳۹۶ ۳۹۷ ۳۹۸ ۳۹۹ ۴۰۰ ۴۰۱ ۴۰۲ ۴۰۳ ۴۰۴ ۴۰۵ ۴۰۶ ۴۰۷ ۴۰۸ ۴۰۹ ۴۱۰ ۴۱۱ ۴۱۲ ۴۱۳ ۴۱۴ ۴۱۵ ۴۱۶ ۴۱۷ ۴۱۸ ۴۱۹ ۴۲۰ ۴۲۱ ۴۲۲ ۴۲۳ ۴۲۴ ۴۲۵ ۴۲۶ ۴۲۷ ۴۲۸ ۴۲۹ ۴۳۰ ۴۳۱ ۴۳۲ ۴۳۳ ۴۳۴ ۴۳۵ ۴۳۶ ۴۳۷ ۴۳۸ ۴۳۹ ۴۴۰ ۴۴۱ ۴۴۲ ۴۴۳ ۴۴۴ ۴۴۵ ۴۴۶ ۴۴۷ ۴۴۸ ۴۴۹ ۴۵۰ ۴۵۱ ۴۵۲ ۴۵۳ ۴۵۴ ۴۵۵ ۴۵۶ ۴۵۷ ۴۵۸ ۴۵۹ ۴۶۰ ۴۶۱ ۴۶۲ ۴۶۳ ۴۶۴ ۴۶۵ ۴۶۶ ۴۶۷ ۴۶۸ ۴۶۹ ۴۷۰ ۴۷۱ ۴۷۲ ۴۷۳ ۴۷۴ ۴۷۵ ۴۷۶ ۴۷۷ ۴۷۸ ۴۷۹ ۴۸۰ ۴۸۱ ۴۸۲ ۴۸۳ ۴۸۴ ۴۸۵ ۴۸۶ ۴۸۷ ۴۸۸ ۴۸۹ ۴۹۰ ۴۹۱ ۴۹۲ ۴۹۳ ۴۹۴ ۴۹۵ ۴۹۶ ۴۹۷ ۴۹۸ ۴۹۹ ۵۰۰ ۵۰۱ ۵۰۲ ۵۰۳ ۵۰۴ ۵۰۵ ۵۰۶ ۵۰۷ ۵۰۸ ۵۰۹ ۵۱۰ ۵۱۱ ۵۱۲ ۵۱۳ ۵۱۴ ۵۱۵ ۵۱۶ ۵۱۷ ۵۱۸ ۵۱۹ ۵۲۰ ۵۲۱ ۵۲۲ ۵۲۳ ۵۲۴ ۵۲۵ ۵۲۶ ۵۲۷ ۵۲۸ ۵۲۹ ۵۳۰ ۵۳۱ ۵۳۲ ۵۳۳ ۵۳۴ ۵۳۵ ۵۳۶ ۵۳۷ ۵۳۸ ۵۳۹ ۵۴۰ ۵۴۱ ۵۴۲ ۵۴۳ ۵۴۴ ۵۴۵ ۵۴۶ ۵۴۷ ۵۴۸ ۵۴۹ ۵۵۰ ۵۵۱ ۵۵۲ ۵۵۳ ۵۵۴ ۵۵۵ ۵۵۶ ۵۵۷ ۵۵۸ ۵۵۹ ۵۶۰ ۵۶۱ ۵۶۲ ۵۶۳ ۵۶۴ ۵۶۵ ۵۶۶ ۵۶۷ ۵۶۸ ۵۶۹ ۵۷۰ ۵۷۱ ۵۷۲ ۵۷۳ ۵۷۴ ۵۷۵ ۵۷۶ ۵۷۷ ۵۷۸ ۵۷۹ ۵۸۰ ۵۸۱ ۵۸۲ ۵۸۳ ۵۸۴ ۵۸۵ ۵۸۶ ۵۸۷ ۵۸۸ ۵۸۹ ۵۹۰ ۵۹۱ ۵۹۲ ۵۹۳ ۵۹۴ ۵۹۵ ۵۹۶ ۵۹۷ ۵۹۸ ۵۹۹ ۶۰۰ ۶۰۱ ۶۰۲ ۶۰۳ ۶۰۴ ۶۰۵ ۶۰۶ ۶۰۷ ۶۰۸ ۶۰۹ ۶۱۰ ۶۱۱ ۶۱۲ ۶۱۳ ۶۱۴ ۶۱۵ ۶۱۶ ۶۱

جانهاست و آنچه در زمین است و هست خدا بهر چیز اعطا کننده و قوی می خواهد از تو

در باب زمان اولی که خدا متوکی می دهد شماره در باب زمان و آنچه خوانده میشود در کتاب و آنچه در کتاب نازل شده است

در باره زمان بگو خدا اجازه می دهد بشمار باره نشان دایم غوغا می شود بسما در قرآن پس حکم است

ایمان را زمین میسوزد که نمی دهم ایشان را آنچه فرض کرده شده است برای ایشان در رعایت کی تعلیم که آن تعلیم با ایشان و

بارد دانان بیمه آن زنانی که نمی‌توانستند ایشان را آینه مقرر شده بایشان و می‌خواهید که نکاح کنید ایشان را

از کوهستان و حکم است بآنکه تعهد الیمان کند بالصادق

در باره کودکان نابالغ و یکساله میسازند در باره بیماران (اصول فقهیه)



فل جواب این است  
تفصیل و اختصار  
خدا تعالی بعضی مسائل  
را در این فرصت بر شما  
مباحثه آن مسئله تشریح  
نظم بر تالی النصار  
است و بعضی اینها  
جواب داد و آن مسئله  
تشریح و تخریم میل می  
بیک زن و عارض  
از زن دیگر و باطل  
در صورت ضرورت  
و التماس و این  
از حق غائب نمی شود  
و آنرا می گزارند و الله  
اعلم و در متهم  
گوید محقق نیست که  
شهره باشد نه با شوهر  
مواقت کند  
تفسیر عثمانی  
اگر پیش از یک زن  
تفاح شهادت و شهادت  
توبه و رجوع و توبه  
به کار میان آنها برآید  
که چنین نیز نگردد  
بیک جانب کار می برد  
یا به دو طرف و در هر  
مصلحت بپردازد یعنی نه  
خود آنرا آلوده نگرد  
و در بدنه با اصل جدا  
می شود که دیگری با وی  
نجان کند عده  
اگر زن و شوهر جدا  
نیز خود را بماند و توبه  
بطلاق و صدق و حلال  
نیست خدا کار ساز  
بر انداخته حاجات است  
صدای این اشک است  
است باین طرف  
که شوهر یا به زن خود  
را آلوده نگذارد و  
طرف ایشان را نداند و  
اگر شوهر باین اصرار  
نداشته باشد طلاق  
و این مناسب است  
و التماس  
در توبه و رجوع و توبه

وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِهِ عَلِيمًا ۝ وَإِنْ امْرَأَةٌ خَافَتْ  
و آنچه می کنید از نیکی است خدا بان داناست و اگر زنی می ترسد  
مِنْ بَعْلِهَا ثَنُورًا أَوْ غَرَضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يَصِلَا حَبْلَ بَيْنِهِمَا  
از شوهرش سر کشی یا در گردانی پس نشاء نیست برای ایشان در آنکه مسلح آوند در میان خویش  
از جنگ شوهرش یارو گروهان پس نیست ثنای بر مرد و اگر اصلاح می کنند میان خود  
صَلَحًا وَ الصَّلَاحُ خَيْرٌ وَأَحْضَرْتِ الْأَنْفُسُ الشَّخْهُ وَ إِنْ تَحْسَبُوا  
لست از صلح و صلح کاری بهتر است و حاضر کرده اند لغوس نزدیک محل و اگر نیکی کاری  
در صلح و صلح بهتر است و حاضر است نفس با بر محل و اگر نیکی کاری کنید  
وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ۝ وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ  
و پرهیز کاری کنید پس بر آنچه خدا هست یا آنچه می کنید دانایان تواند هرگز  
و پرهیز کاری نمایند پس بر آنچه خدا به آنچه می کنید با خبر است و هرگز نمی تواند  
تَعْدُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ وَلَا تَكُونُوا كَالْمِيلِ فَتَذَرُوهَا  
کردن میان زنان اگر چه نهایت رغبت کنید پس بارسائی کنید تمام نمی بگذارد آن  
کنید میان زنان و اگر چه در آن حرص کنید و پس میل نکنید به تمام میل پس می گذارید آن زن را  
كَالْمُعَلَّقَةِ ۝ وَإِنْ تَصِلُوا أَوْ تَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا ۝  
مانند محلقه است و اگر اصلاح کنید و پرهیز گاری نمایند پس بر آنچه خدا هست آمرزنده مهربان  
مانند محلقه و اگر اصلاح می کنید و پرهیز کاری می نمایند پس بر آنچه خدا هست آمرزنده مهربان  
وَ إِنْ يَتَفَرَّقَا يُغْنِ اللَّهُ كُلًّا مِنْ سَعَتِهِ وَ كَانَ اللَّهُ وَاسِعًا حَكِيمًا ۝  
و اگر مرد و زن از یکدیگر جدا شوند کفایت کند خدا محال بر یکدیگر را از تو نگردی خود هست خدا بخوار است و کار ساز  
و اگر مرد و زن جدا شوند بی نیاز گرداند خدا هر یک را از گشایش خود و هست خدا صاحب گشایش باند بر خدا  
وَاللَّهُ مَا فِي السَّمُوتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَلَقَدْ وَصَّيْنَا الَّذِينَ أُوتُوا  
و خدا است آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین است و پرهیز گاری حکم فرمودیم آنرا که داده شده اند  
و خدا است هر چه در آسمان با و هر چه در زمین است و پرهیز گاری حکم فرمودیم آنرا که داده شده اند  
الْكِتَابِ مِنْ قَبْلِكُمْ وَ إِيَّاكُمْ أَنْ اتَّقُوا اللَّهَ ۝ وَإِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ  
کتاب پیش از شما و شما را که بر سید از خدا و اگر کافر شوید پس بر آنچه  
کتاب را پیش از شما و شما را که بر سید از خدا و اگر کافر شوید پس بر آنچه  
لِلَّهِ مَا فِي السَّمُوتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَ كَانَ اللَّهُ غَنِيًّا حَمِيدًا ۝  
خدا است آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین است و هست خدا تو نگردی خود شده  
خدا است هر چه در آسمان با و هر چه در زمین است و هست خدا ای بندگان هر چه در زمین است  
وَاللَّهُ مَا فِي السَّمُوتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَ كَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا ۝ وَإِنْ تَشَا  
و خدا است آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است و خدا کار ساز پس است اگر خواه  
و خدا است آنچه در آسمان با و آنچه در زمین است و کافی کار ساز است خدا اگر بخواهد خدا  
يُنْهَبِكُمْ أَهْلُ النَّاسِ وَيَأْتِ الْآخِرِينَ وَ كَانَ اللَّهُ عَلَى ذَلِكَ قَدِيرًا ۝  
در کند شما را از مردم و بگوید آخر و هست خدا بر این کار توانا  
می بود شما را ای مردم و می آورد و بگردان را و هست خدا بر این توانا  
مَنْ كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ كَانَ  
اگر که بایست طالب جزای دنیا و دنیا طلب کند پس نزد یک است ثواب دنیا و آخرت و هست  
بر که بخواهد ثواب دنیا را پس نزد خدا است ثواب دنیا و آخرت و هست  
وَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ ۝

در توبه و رجوع و توبه











لَا يُجِبُ اللَّهُ الْجَهْلَ بِالشَّرِّ مِنْ

دوست نمی دارد خدا بدست و بدست کفر  
دوست نمی دارد خدا آشکارا کردن سخن

الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا ۝۱۰۰  
بدست گفتن مگر کسی که ظلم کند و خدا شنوا داناست

خُفُّوْا أَوْ تُخَفَّوْا عَنْ سُوءٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُوًّا قَدِيرًا ۝۱۰۱  
پنهان کنید آزار یا عفو کنید از بدی پس هر آینه بدست خدا عفو کننده توانا بر آید

يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ يُقَرُّوْنَ أَنْ يُقَرُّوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيَقُولُونَ  
کافر می شوند ب خدا و پیغمبران او و کسی که می خوانند که کفر کند در میان خدا و پیغمبران او و کسی که می گویند

وَمِنْ بَعْضٍ وَتَكْفُرُ بَعْضٌ وَيُرِيدُونَ أَنْ يَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ  
و از بعضی و کفر بعضی را و می خواهند که بگویند که غیر از خدا و پیغمبران او و می گویند

أَوْلِيَاءَ هُمُ الْكَافِرُونَ حَقًّا ۝۱۰۲  
اولیای آن کافران به حقیقت و آگاه کرده ایم بر آن کافران عذاب خواهد کرد و کسی که

أَمْوَالَهُمْ وَرُسُلَهُمْ وَلَهُ يُقَرُّوْنَ أَنْ يُقَرُّوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِمْ  
مال و رسل خود را و کفر می کنند و کفر می کنند و کفر می کنند و کفر می کنند

أَجْرُهُمْ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ۝۱۰۳  
پاداش آن کافران به حقیقت و آگاه کرده ایم بر آن کافران عذاب خواهد کرد و کسی که

عَلَيْهِمْ كُتِبَ مِنَ الشَّيْءِ فَقَدْ سَأَلُوا مُوسَى أَكْبَرُ مِنْ ذَلِكَ فَقَالُوا أَرَأَيْتَ  
بر ایشان نوشته شده از آن کافران به حقیقت و آگاه کرده ایم بر آن کافران عذاب خواهد کرد و کسی که

لِلَّهِ جَهَنَّمُ فَآخِذْهُمْ الصُّعُفَةُ بِظُلْمِهِمْ ثُمَّ اتَّخَذُوا الْجِبْلَ مِنْ بَعْدِ  
بر ایشان نوشته شده از آن کافران به حقیقت و آگاه کرده ایم بر آن کافران عذاب خواهد کرد و کسی که

فَاجَاءَ تِلْكَ الْأَيَّامُ فَفَعَلُوا نَاعَنُ ذَلِكَ ۝۱۰۴  
پس در آن روزگار از آن کافران به حقیقت و آگاه کرده ایم بر آن کافران عذاب خواهد کرد و کسی که

رَفَعْنَا قُرُونَهُمُ الْفُورَ بِشَيْءٍ فَهُمْ وَقَلْنَا لَهُمْ ادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا أَوْ قُلْنَا  
پس در آن روزگار از آن کافران به حقیقت و آگاه کرده ایم بر آن کافران عذاب خواهد کرد و کسی که

لَهُمْ لَا تَعْدُوا فِي السَّبْتِ وَأَخَذْنَا مِنْهُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا ۝۱۰۵  
پس در آن روزگار از آن کافران به حقیقت و آگاه کرده ایم بر آن کافران عذاب خواهد کرد و کسی که

وَأَخَذْنَا مِنْهُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا ۝۱۰۶  
پس در آن روزگار از آن کافران به حقیقت و آگاه کرده ایم بر آن کافران عذاب خواهد کرد و کسی که

از توبه و پندار بران  
ایمان یار و خدا  
خداوند تعالی و شهادت  
سید و مکی که قرآن چرا  
یک نفس از او بی  
تا دل زنده این  
حق است تبار  
ای کتاب و تبار  
تفسیر عثمانی  
عمر از رسی در  
امور دین و دنیا عیسی  
مطلوب شود مشهور بنیاد  
کرد خدا بر سخنان را  
می شنود بر تمام کلام  
آگاه است و بر کلام  
بر وفق آن برای و  
این را رعایت می گویند  
تنها مظلومان مجازات  
که ظلم تمام کاران را  
بردم آشکارا برسان  
کنند هم چنین در بعضی  
مواقف دیگر است  
۱۰۲ در این جهان این  
اجت این عالم محمود  
شفا مسمان منافی  
را مشهور نسازد و  
علی الاطلاق وی را  
بدان نمک زهر را مکن  
است بیشتر بکنید پیدا  
کنند و بیگ شود  
بلکه منافق را به طرد  
بهم نصیحت کنند  
منافق خود خواهد داشت  
یا نفع نصیحت کنند  
شاید هدایت شود و چنانچه  
حضرت پیغمبر چنین  
میگوید نام کسی را به بیگ  
شهرت نمی داند  
کسی که بیگانه اند  
را جدا کردند بیگانه  
و همه بیگانه ای  
آوردند و همه  
خوشی ثواب عظیم











تفسیر غسانی -

عنه ای کتاب در  
نعمت و غیر خود غلو  
نموده از حد و دینی  
که نه چنانکه در لغت  
اصاری می باشد  
خدای گفت پس خدا  
فرمود که در حق و دین  
مرا غلو نکنید و ستایش  
کسی که بوی اعتقاد  
در راه از حد گذرید و  
از حقیقت مسلم  
بیشتر بگوید  
گویند و در  
شان غلو  
چیزه بگوید که در حق  
و محقق باشد و چیزه  
از خود تراشید این  
چه علم است که حضرت  
علیه السلام را که می فرمود  
و حکم می آفرید نه  
بر تلافی و بی پرده  
گفت باید و بهر خدا  
اعتقاد کرده اند  
خدا و معجوم  
ازین سخن باز آیند  
خدا و احد و یگانگی  
و که شریک او نیست  
و کسی نمی تواند پس او  
شود ذات او از این  
چیز پاک و منزله است  
تا این نقاش از  
انجاست که شایده  
اطاعت و پابندی  
نگرید اگر از حق است  
بگوید خدا پس در حق  
داوید و بهر خدا و حق  
و هر که مشرک حق  
شدید و بهر خدا  
محمد رسول الله  
سید المرسل و قرآن  
محیط فضل و کتب  
پرواخته و بزرگترین  
گفادی که در حد فائده  
طالع از این کتاب  
رسالت حضرت عیسی  
علیه السلام را قبول  
نمودند بیک عقل و دین

وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ

وگویند بر خدا مگر سخن راست جز این نیست که عیسی پسر مریم پیغمبر  
و گویند در شان خدا مگر سخن راست بیشک عیسی پسر مریم فرستاده

اللَّهُ وَكَلَّمْنَاهُ إِلَى مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِنْهُ فَامْنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ

خداست و کلام او است انداخت آنرا بسوی مریم و روحی است از جانب خدا پس ایمان آرید بخدا و پیغمبر او  
خدا و کلام او است انچه او را بسوی مریم و روحی است از جانب خدا پس ایمان آرید بخدا و پیغمبر او

أَتَقُولُوا إِنَّهُ خَلَقَ الْكُفْرَ إِنَّ اللَّهَ الْوَاحِدُ سُبْحَانَهُ

گویند خدا این همه اند باز ما بندگان نمی گفتار تا این بازماند بهتر باشد شما را جز این نیست که خدا معبود و یگانه است پاکست خدا از این  
نویسند که خدایان سرانند بلکه از این گفتار را باید دید آنچه بهتر است برای شما بیشک خدا معبود و یگانگی است و یکی است او را نگارند و شریک

يَكُونُ لَهُ وَلَدٌ وَلَمْ يَلِدْ مَا فِي السَّمُوتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا

باشد او را فرزند برادر است آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است و پس است خدا کارساز  
سر او را نیست که او را فرزندی باشد مگر او را است آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین است و کافی است خدا کارساز

لَنْ يَسْتَنْكِفَ الْمَسِيحُ أَنْ يَكُونَ عَبْدًا لِلَّهِ وَلَا الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ

ننگ ندارد عیسی اگر باشد بنده خدا و فرشتگان مقرب ننگ دارند  
در گن ننگ ندارد عیسی که باشد بنده خدا و فرشتگان مقرب

وَمَنْ يَسْتَنْكِفْ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيَسْتَكْبِرْ فَسَيَحْمِلْهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا

و هر که ننگ کند از بندگی او و سرکشی کند پس خواهد برانگیخت ایشان را نزد یک حویل برمیجا  
و هر که عار کند از بندگی او و استکبار کند پس دوزخ می کند ایشان را بسوی خود میجرا

فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَيَزِيدُهُمْ

پس اما کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند پس نام دهد ایشان را مزد ایشان و زیاده دهد ایشان را  
پس اما کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند پس کامل میدهد ایشان ثواب شان را و یاد میدهد ایشان را

مِنْ فَضْلِهِ وَأَمَّا الَّذِينَ اسْتَنْكَفُوا وَاسْتَكْبَرُوا فَيُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا

از فضل خود و اما کسانی که ننگ داشتند و سرکشی کردند پس عذاب کند ایشان را عذاب  
از فضل خود و اما کسانی که ننگ کردند و سرکشی کردند پس عذاب کند ایشان را عذاب

أَلِيمًا ۝ وَلَا يَجِدُونَ لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا

دوره و پیونده و نیابنده براسی حویل بجز خدا هیچ دو حجت و دینگی یاری دے  
درد ناک و نمی یابند ایشان سواي خدا حامی و مددگار

يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا

ای مردمان حقیق آمد نزدیک شما دین و شواهد نزل کردیم بسوی شما و روشنی  
ای مردمان حقیق آمد از جانب پروردگار تان و فرود آورده ایم بسوی شما روشنی

مُبِينًا ۝ فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ

آشکارا اما کسانی که ایمان آوردند بخدا و چنگ زدند  
در حق (پس) اما کسانی که ایمان آورده اند بخدا و استوار گرفتند بر کتاب پس دوزخ می در آورده ایشان را

فِي رَحْمَةٍ مِنْهُ وَفَضْلٍ وَكَمَدَتْهُمْ إِلَيْهِ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا

در رحمت و فضل از نزدیک خود و بنماید ایشان را بسوی خود راه راست  
در رحمت خود و فضل و می نماید ایشان را بسوی خود راه راست

يَسْتَفْتُونَكَ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِي الْكَلَالَةِ إِنْ أَمْرُو أَهْلًا

تسبب فتوی می کنند از تو بگو خدا فتوی میدهد شمار در باب میراث کسی که والد و والد ندارد اگر مرد است  
تکم و فتوی می خواهند از تو بگو خدا حکم فتوی می دهد در باب کلال اگر مردی است



لَيْسَ لَهُ وَلَدٌ وَلَهُ أُخْتٌ فَلَهَا نِصْفُ مَا تَرَكَ وَهُوَ يَرِثُهَا

که در غرض نیست یعنی و نه داد و آدا خواهد بود یا شده و پس خواهرش راست نیکو آید که گذشته است و اگر کین خواهرش است این برادر و اوست  
 در غرض نیست یا شده و آدا خواهری یا شده پس خواهرش راست نیکو آید که گذشته است و آن برادر میراث می بخشد از آن خواهر  
 اِنْ لَمْ يَكُنْ لَهَا وَكَلٌّ ط فَاِنْ كَانَتْ اُتَتْ بِهَا مِنْ اَوْلَادِهَا وَكَانَتْ لَهَا وَكَلٌّ ط

گرباشد بفرزند  
پس اگر خواهران دو باشند  
پس اگر دو دختر باشند  
پس اگر دو فرزند باشند  
پس اگر دو فرزند باشند  
پس اگر دو فرزند باشند

تَرَكَهُ وَإِنْ كَانُوا إِخْوَةً رَجُلًا وَنِسَاءً فَلِلَّذِي كَرِهَ مِثْرُ

[illegible]

خط اولیٰین یبیین للہ لکم ان رضوا ووالدکم بعلی علیہ السلام  
تغیر و زبان میکنہ خدا برائے شما تا همراه تشوید و خدا بہم خبر دانا مت

شیب دوران بیان کند خدا بجا که مراد شود و خدا بهر چیز داناست ع

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم ○

بنام خدا کے بخشا شدہ مہربان  
آغاز میکنم بنام خدا یکی بل اندازہ مہربان  
نهایت بارم است

بِئْسَ مَا يَفْعَلُونَ

ی مومنان و فاکند به عهد با حلال گردانیده شده برای شاه چهار پادشاهی

شمار در حالتیکه فرض باریتید بر آینه خدا حکم میکند آنچه کی خواهد

ایہا الذین امنوا لا تعجلوا بشئ امر الله ولا الشمس اذا حترت ام ولا القمر

۱۰۰  
۱۰۱  
۱۰۲  
۱۰۳  
۱۰۴  
۱۰۵  
۱۰۶  
۱۰۷  
۱۰۸  
۱۰۹  
۱۱۰  
۱۱۱  
۱۱۲  
۱۱۳  
۱۱۴  
۱۱۵  
۱۱۶  
۱۱۷  
۱۱۸  
۱۱۹  
۱۲۰  
۱۲۱  
۱۲۲  
۱۲۳  
۱۲۴  
۱۲۵  
۱۲۶  
۱۲۷  
۱۲۸  
۱۲۹  
۱۳۰  
۱۳۱  
۱۳۲  
۱۳۳  
۱۳۴  
۱۳۵  
۱۳۶  
۱۳۷  
۱۳۸  
۱۳۹  
۱۴۰  
۱۴۱  
۱۴۲  
۱۴۳  
۱۴۴  
۱۴۵  
۱۴۶  
۱۴۷  
۱۴۸  
۱۴۹  
۱۵۰  
۱۵۱  
۱۵۲  
۱۵۳  
۱۵۴  
۱۵۵  
۱۵۶  
۱۵۷  
۱۵۸  
۱۵۹  
۱۶۰  
۱۶۱  
۱۶۲  
۱۶۳  
۱۶۴  
۱۶۵  
۱۶۶  
۱۶۷  
۱۶۸  
۱۶۹  
۱۷۰  
۱۷۱  
۱۷۲  
۱۷۳  
۱۷۴  
۱۷۵  
۱۷۶  
۱۷۷  
۱۷۸  
۱۷۹  
۱۸۰  
۱۸۱  
۱۸۲  
۱۸۳  
۱۸۴  
۱۸۵  
۱۸۶  
۱۸۷  
۱۸۸  
۱۸۹  
۱۹۰  
۱۹۱  
۱۹۲  
۱۹۳  
۱۹۴  
۱۹۵  
۱۹۶  
۱۹۷  
۱۹۸  
۱۹۹  
۲۰۰  
۲۰۱  
۲۰۲  
۲۰۳  
۲۰۴  
۲۰۵  
۲۰۶  
۲۰۷  
۲۰۸  
۲۰۹  
۲۱۰  
۲۱۱  
۲۱۲  
۲۱۳  
۲۱۴  
۲۱۵  
۲۱۶  
۲۱۷  
۲۱۸  
۲۱۹  
۲۲۰  
۲۲۱  
۲۲۲  
۲۲۳  
۲۲۴  
۲۲۵  
۲۲۶  
۲۲۷  
۲۲۸  
۲۲۹  
۲۳۰  
۲۳۱  
۲۳۲  
۲۳۳  
۲۳۴  
۲۳۵  
۲۳۶  
۲۳۷  
۲۳۸  
۲۳۹  
۲۴۰  
۲۴۱  
۲۴۲  
۲۴۳  
۲۴۴  
۲۴۵  
۲۴۶  
۲۴۷  
۲۴۸  
۲۴۹  
۲۵۰  
۲۵۱  
۲۵۲  
۲۵۳  
۲۵۴  
۲۵۵  
۲۵۶  
۲۵۷  
۲۵۸  
۲۵۹  
۲۶۰  
۲۶۱  
۲۶۲  
۲۶۳  
۲۶۴  
۲۶۵  
۲۶۶  
۲۶۷  
۲۶۸  
۲۶۹  
۲۷۰  
۲۷۱  
۲۷۲  
۲۷۳  
۲۷۴  
۲۷۵  
۲۷۶  
۲۷۷  
۲۷۸  
۲۷۹  
۲۸۰  
۲۸۱  
۲۸۲  
۲۸۳  
۲۸۴  
۲۸۵  
۲۸۶  
۲۸۷  
۲۸۸  
۲۸۹  
۲۹۰  
۲۹۱  
۲۹۲  
۲۹۳  
۲۹۴  
۲۹۵  
۲۹۶  
۲۹۷  
۲۹۸  
۲۹۹  
۳۰۰  
۳۰۱  
۳۰۲  
۳۰۳  
۳۰۴  
۳۰۵  
۳۰۶  
۳۰۷  
۳۰۸  
۳۰۹  
۳۱۰  
۳۱۱  
۳۱۲  
۳۱۳  
۳۱۴  
۳۱۵  
۳۱۶  
۳۱۷  
۳۱۸  
۳۱۹  
۳۲۰  
۳۲۱  
۳۲۲  
۳۲۳  
۳۲۴  
۳۲۵  
۳۲۶  
۳۲۷  
۳۲۸  
۳۲۹  
۳۳۰  
۳۳۱  
۳۳۲  
۳۳۳  
۳۳۴  
۳۳۵  
۳۳۶  
۳۳۷  
۳۳۸  
۳۳۹  
۳۴۰  
۳۴۱  
۳۴۲  
۳۴۳  
۳۴۴  
۳۴۵  
۳۴۶  
۳۴۷  
۳۴۸  
۳۴۹  
۳۵۰  
۳۵۱  
۳۵۲  
۳۵۳  
۳۵۴  
۳۵۵  
۳۵۶  
۳۵۷  
۳۵۸  
۳۵۹  
۳۶۰  
۳۶۱  
۳۶۲  
۳۶۳  
۳۶۴  
۳۶۵  
۳۶۶  
۳۶۷  
۳۶۸  
۳۶۹  
۳۷۰  
۳۷۱  
۳۷۲  
۳۷۳  
۳۷۴  
۳۷۵  
۳۷۶  
۳۷۷  
۳۷۸  
۳۷۹  
۳۸۰  
۳۸۱  
۳۸۲  
۳۸۳  
۳۸۴  
۳۸۵  
۳۸۶  
۳۸۷  
۳۸۸  
۳۸۹  
۳۹۰  
۳۹۱  
۳۹۲  
۳۹۳  
۳۹۴  
۳۹۵  
۳۹۶  
۳۹۷  
۳۹۸  
۳۹۹  
۴۰۰  
۴۰۱  
۴۰۲  
۴۰۳  
۴۰۴  
۴۰۵  
۴۰۶  
۴۰۷  
۴۰۸  
۴۰۹  
۴۱۰  
۴۱۱  
۴۱۲  
۴۱۳  
۴۱۴  
۴۱۵  
۴۱۶  
۴۱۷  
۴۱۸  
۴۱۹  
۴۲۰  
۴۲۱  
۴۲۲  
۴۲۳  
۴۲۴  
۴۲۵  
۴۲۶  
۴۲۷  
۴۲۸  
۴۲۹  
۴۳۰  
۴۳۱  
۴۳۲  
۴۳۳  
۴۳۴  
۴۳۵  
۴۳۶  
۴۳۷  
۴۳۸  
۴۳۹  
۴۴۰  
۴۴۱  
۴۴۲  
۴۴۳  
۴۴۴  
۴۴۵  
۴۴۶  
۴۴۷  
۴۴۸  
۴۴۹  
۴۵۰  
۴۵۱  
۴۵۲  
۴۵۳  
۴۵۴  
۴۵۵  
۴۵۶  
۴۵۷  
۴۵۸  
۴۵۹  
۴۶۰  
۴۶۱  
۴۶۲  
۴۶۳  
۴۶۴  
۴۶۵  
۴۶۶  
۴۶۷  
۴۶۸  
۴۶۹  
۴۷۰  
۴۷۱  
۴۷۲  
۴۷۳  
۴۷۴  
۴۷۵  
۴۷۶  
۴۷۷  
۴۷۸  
۴۷۹  
۴۸۰  
۴۸۱  
۴۸۲  
۴۸۳  
۴۸۴  
۴۸۵  
۴۸۶  
۴۸۷  
۴۸۸  
۴۸۹  
۴۹۰  
۴۹۱  
۴۹۲  
۴۹۳  
۴۹۴  
۴۹۵  
۴۹۶  
۴۹۷  
۴۹۸  
۴۹۹  
۵۰۰  
۵۰۱  
۵۰۲  
۵۰۳  
۵۰۴  
۵۰۵  
۵۰۶  
۵۰۷  
۵۰۸  
۵۰۹  
۵۱۰  
۵۱۱  
۵۱۲  
۵۱۳  
۵۱۴  
۵۱۵  
۵۱۶  
۵۱۷  
۵۱۸  
۵۱۹  
۵۲۰  
۵۲۱  
۵۲۲  
۵۲۳  
۵۲۴  
۵۲۵  
۵۲۶  
۵۲۷  
۵۲۸  
۵۲۹  
۵۳۰  
۵۳۱  
۵۳۲  
۵۳۳  
۵۳۴  
۵۳۵  
۵۳۶  
۵۳۷  
۵۳۸  
۵۳۹  
۵۴۰  
۵۴۱  
۵۴۲  
۵۴۳  
۵۴۴  
۵۴۵  
۵۴۶  
۵۴۷  
۵۴۸  
۵۴۹  
۵۵۰  
۵۵۱  
۵۵۲  
۵۵۳  
۵۵۴  
۵۵۵  
۵۵۶  
۵۵۷  
۵۵۸  
۵۵۹  
۵۶۰  
۵۶۱  
۵۶۲  
۵۶۳  
۵۶۴  
۵۶۵  
۵۶۶  
۵۶۷  
۵۶۸  
۵۶۹  
۵۷۰  
۵۷۱  
۵۷۲  
۵۷۳  
۵۷۴  
۵۷۵  
۵۷۶  
۵۷۷  
۵۷۸  
۵۷۹  
۵۸۰  
۵۸۱  
۵۸۲  
۵۸۳  
۵۸۴  
۵۸۵  
۵۸۶  
۵۸۷  
۵۸۸  
۵۸۹  
۵۹۰  
۵۹۱  
۵۹۲  
۵۹۳  
۵۹۴  
۵۹۵  
۵۹۶  
۵۹۷  
۵۹۸  
۵۹۹  
۶۰۰  
۶۰۱  
۶۰۲  
۶۰۳  
۶۰۴  
۶۰۵  
۶۰۶  
۶۰۷  
۶۰۸  
۶۰۹  
۶۱۰  
۶۱۱

لَا الْقَائِدَ وَلَا أُمِّيْنَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ يَتَفَوَّنَ فَضْلًا مِّن رَّسْمِهِمْ وَ

آنکه تاه روزگرن اذانه اند و نه آینه دگان بیت الحرام را کرمی طلبند فضل از پروردگار خود و

صوانہ وادہ احمالتہ فاصطاد وادہ وادہ منہ شنان وادہ

و با عث نكند شما دشمن قوم كره باز

بر تجاوز کردن از حدود باید که در تنگدستی برین کار و بدین کار

لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۖ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ

برگناه و بزرگوار خدا بر آینه خدا سخت است  
و بزرگوار خدا بر آینه عذاب خدا سخت

کہ اگر امتداد کی روایات و صفیات الہی بر نظام عالمی جرات کے نسب کا فرق و امتیاز نمایان ہو۔ عاجز باطن ذات ہے چون وصفات ہے چگون اولیٰ















لَكُمْ لَثِيرًا مِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ

برای شما بسیار از آنچه پنهان می داشتید از کتاب الهی و او در گریز کند از تفصیلات بسیار

قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ

اے اهل کتاب! بر آینه آمد بشما از جانب خدا نور و کتابی روشن که به هدایت می نماید خدا کسی را که

الْبَعْضُ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى

بعضی را از تاریکی به راه های نجات و بیرون می آورد ایشان را از تاریکی به

النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ لَقَدْ

نور را به اذن خود و هدایت می کند ایشان را به راه راست و هدایت

كُفِّرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ قُلْ فَمَنْ

کسانی که گفتند که خدا همان است مسیح پسر مریم است پس کیست

مَوْلَاكُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ أَنْ يُهْلِكَ الْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ

چیز را از خدا چه کسی را اگر بخواهد که بپاک کند پسر مریم را و مادرش را که مرگم است

وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمُوتِ وَالْأَرْضِ

و آنچه در زمین است و خداوند است و خداوند است و زمین و

مَا بَيْنَهُمَا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

آنچه در میان اینها می آفریند هر چه خواهد و خداوند است و هر چیز توانا است و

قَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبَّاؤُهُ قُلْ فَلِمَ

گفتند یهود و نصاری ما پسران خدا ایم و دوستان او ایم پس چرا

يُعَذِّبُكُمْ بِذُنُوبِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بَشَرٌ مِّثْلُ خَلْقٍ يَغْفِرُ

عذاب می کند شما را بابت گناهان شما بلکه شما آدمیانید از جنس آنچه پدید آورده است می آمرزد

مَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمُوتِ وَالْأَرْضِ

آنچه خواهد و عذاب می کند هر که خواهد و خداوند است و زمین و

مَا بَيْنَهُمَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ

آنچه در میان اینها باشد و به سوی او است رجوع اے اهل کتاب! بر آینه آمده است بشما

سُورَتَا يَسِينَ لَكُمْ عَلَى فِتْنَةٍ مِّنَ الرُّسُلِ أَنْ تَقُولُوا مَا جَاءَنَا

دو سوره یسین برای شما در حالت القطار آمدن پیغمبران تا گوید که پیامبر نزد یکدیگر

فلانی حلال کرده است در وی الزامی نیست مگر گوید بعضی خدا را بدو میگویند و الله اعلم و مسلم مزمع گوید یعنی بود و میسر بخیر یا برادر است معیشت شده است میان ایشان یا ناصد و حضرت سال بود و الله اعلم و تفسیر عثمانی عه شام از خود روایت کرده که در حدیثی آمده و در تفسیر خود و نصاری که در حدیثی و فی الجمله از خود روایت داده و تفسیرهای دیگر و خود مرغان و در گوشت های طاف و حشرات و گزافان اند و بر آنکه شأن اهل این طاعت بصورت موجوداتی است امکان نداده بخوبی که بزرگ ترین روشنی خدا در رسیدن مگر میخواهد که بر او هیچ نجات ابدی بسیار شود و درین روشنی بر پیروی نمای خداوند که در طرق سلاسی و نجات را باز خواهد یافت و از تاریکی برآمده اند اندیشه در روشنی رحمت خواهد شد و به عون و عنایت کسی که برضای او رفتار کند بدون تنگی مراد مستقیم را طی خواهد کرد و میگویند خدا فریاد میجوید و مگر نمی باشد و می گویند که این عقیده آن فرقان است که آنرا یقین

نموده نزد آنها خدا و یکدیگر موعود طول کرده است در انبیاء باشد



فتح الرحمن

فلان یقین معجزات  
 عظیم از حق بخورد  
 دفع طوره الله اعظم  
 فلان یقین بوضع  
 و کائنات و کائنات  
 حکم کرد که این  
 زمین متعلق به حق است  
 تفسیر عثمانی -  
 عده شمار از اولاد  
 غالی ز غویان از کائنات  
 بخشید بران ملک  
 شان تصرف گردانید  
 بر عده بیشتر از زمین  
 شاه حضرت و سفا  
 را بر خزان و ملکت  
 مصر تسلط اودانی  
 فرمود و در متقل نیز  
 مثل حضرت سلیمان  
 پیغمبر و پادشاهان  
 و نبوت های دین  
 و دنیا شهادت مقصور  
 از انوار کرامت و کرامت  
 ترین نصب و نبی  
 در جوت می باشد و انبیا  
 در احوال افعال نبوی  
 از ادای و سلطنت و  
 این بود برای شما  
 رحمت گردید عده  
 در آردان که نبی علیه  
 السلام این خواب  
 می شد یقین بر این  
 نسبت بنام سائین  
 زمین بیشتر مورد  
 بای خدا واقع بودند  
 و اگر دانستن اهلین  
 بر عیون عمل شود از این  
 سبب هیچ نیست که  
 خود قرآن که در خصوص  
 امت محمدی است و حق  
 ناید که تم خیر است از حق  
 لاسن از آل عمران  
 در کتب ۷۸ و ۷۹  
 فرموده و که در کتب  
 این و سائین که  
 شبیه علی ایمن  
 در بقوه ربوبه ۱۴

مَنْ بَشِيرٌ وَلَا سَدِيرٌ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَشِيرٌ وَنَذِيرٌ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝  
 و این گروه دهنده و بیم کننده اگر چه هر یک از شما  
 این گروه دهنده و بیم کننده پس به تحقیق آمدن گروه دهنده و بیم کننده  
 شئی قَدِيرٌ ۝ و اذ قال موسى لِقَوْمِهِ يَقَوْمِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ  
 چیز تواناست و یاد کن چون گفت موسی قوم خود را ای قوم من یاد کنید نعمت خدا را  
 چیز تواناست و چون گفت موسی مر قوم خود را ای قوم من یاد کنید نعمت الله را  
 عَلَيْكُمْ اِذْ جَعَلْ فِيكُمْ اَنْبِيَاءَ وَجَعَلَ لَكُم مِّنْ دُونِهَا اٰلِهَةً ۝  
 بر خویش چون پدید آورد در میان شما پیغمبران را و پادشاه ساخت شمارا و ادبها آنچه نداد  
 بر خویش چون پدید آورد در میان شما پیغمبران را و گردانید شمارا پادشاهان ع و داد بشما آنچه نداد  
 اَحَدًا مِّنَ الْعَالَمِينَ ۝ يَقَوْمِ ادْخُلُوا الْاَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي  
 هیچ کس از عالمیان و ای قوم من در آئید به زمین پاک  
 هیچ کس را از عالمیان (زمین شما) عده ای قوم من در آئید زمین پاک گردیده آن زمین که  
 كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَرْتَدُّوا عَلَى اَدْبَارِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ ۝  
 مقرر ساخت امت از احوال برای شما و گردان مشوید بر سمت پشت خود انگاه زبانتان گردید یعنی فرار نکنید  
 مقرر ساخت امت از احوال برای شما و باز مگردید بهمان راه که آمده اید پس مگردید زبانتان کار  
 قَالُوا يٰمُوسٰى اِنَّا فِيْهَا قَوْمٌ مَّاجِنٌ ۝ وَاِنَّا لَنَدَّخُلُهَا حَذَرًا  
 گفتند ای موسی هر آینه آنجا گروهی هستند زور آور و دیر گزنا داخل نشویم آنجا تا آنکه  
 گفتند ای موسی بدرستی که آن زمین گروهی اند زور آوران و دیر گزنا داخل نشویم آنجا تا آنکه  
 يَخْرُجُوا مِنْهَا ۝ اَن يَخْرُجُوا مِنْهَا فَاِذَا دَخَلُوا ۝ قَالَ رَجُلٌ  
 ایشان بیرون آیند از آنجا پس اگر ایشان از آنجا بیرون شوند هر آینه مادر آیم گفتند  
 ایشان بیرون آیند از آنجا پس اگر ایشان بیرون شوند از آنجا پس ما در آئید گایم گفتند دوم  
 مِنَ الدِّينِ يَخَافُونَ اَنعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمَا ادْخُلُوا عَلَيْهِمُ الْبَابَ  
 از اهل تقوی که انعام کرده بود خدا بر ایشان و در آئید ای قوم برای شما از راه دروازه  
 از آنجا ترسیدند از خدا انعام کرده بود الله بر ایشان و در آئید بر ایشان دروازه  
 فَاِذَا دَخَلْتُمُوهُ فَاسْكُنْهُ غُلَبُونَ ۝ وَ عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلُوا اِنْ كُنْتُمْ  
 چون در آئید دروازه پس بر آئید شما غالب باشید و بر خدا توکل کنید اگر سائین  
 و چون در آئید پس بر آئید شما غالب باشید و بر الله توکل کنید اگر سائین  
 مَوْمِنِينَ ۝ قَالُوا يٰمُوسٰى اِنَّا لَنَدَّخُلُهَا اَبَدًا اَمْ اَوْفِیْهَا فَاذْهَبْ  
 مومنان گفتند ای موسی ما هرگز نه در این زمین هیچگاه مادام که ایشان در آنجا اند  
 مومنان گفتند ای موسی بدانکه ما هرگز در حق آیم آنجا هیچگاه مادام که ایشان در آنجا اند  
 اَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا اِنَّا لَهٰهُنَا قَاعِدُونَ ۝ قَالَ رَبِّ اِنِّیْ لَا اَمْلِكُ  
 و پروردگار تو بروید و جنگ کنید هر آینه ما اینی شسته گایم گفت موسی ای پروردگار من قادر نیست  
 تو و پروردگار تو پس جنگ کنید بدرستی که اینجا شسته گایم گفت موسی ای پروردگار من مالک نیستم  
 الْاَنْفُسِیْ وَ اَخِیْ فَا فَرَّقَ بَيْنَنَا وَ بَيْنَ الْقَوْمِ الْفٰسِقِیْنَ ۝ قَالَ فَاذْهَبْ  
 الای خود و برادر خود یعنی یارون پس فیصل کن میان ما و میان گروه گناه کاران گفت خدا این را  
 مگر نفس خود را و برادر خود را پس بجای کن میان ما و میان گروه گناه کاران گفت خدا این را  
 حَرَمًا عَلَيْهِمْ اَرْبَعِیْنَ سَنَةً یَتَبٰهَوْنَ فِی الْاَرْضِ فَلَا تَأْسَ عَلَى  
 حرام کرده شده است بر ایشان چهل سال و مسر گردان میشوند در زمین پس اندوختنک مباش بر  
 حرام کرده شده است بر ایشان چهل سال مسر گردان میشوند در زمین پس اندوختنک مباش بر

سوره یس و یس که نبوت از حضرت (یوشع ابن نون) و دال کسب این یوشع است که از خدای ترسیدند لهذا از عاقله و غیره خوف و هراس غماشتند



الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ ﴿١﴾ وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنِ آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبْنَا بَا

گروه ستمکاران و بخوان بر تو آن خبر خود خیر و دوسر آدم را براستی چون قربانی کرده قربانی را

مَقْتُلٍ مِنْ أَحَدِهِمَا وَكَمْ يُنْقَبِلُ مِنَ الْآخِرِ قَالَ لَا قَتْلَكَ قَالَ

کشته شود از یکی از ایشان و قبول کرد و شد از دیگری گفت بر آنچه بگویم ترا بگو گفت

إِنَّمَا يَنْتَقِبِلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ ﴿٢﴾ لَئِنْ بَسَطْتَ إِلَى يَدِكَ لَتَقْتُلَنِي

جز این نیست که خدا قبول می کند از متقین اگر دراز کنی بگوی من دست خود را تا بکشی مرا

فَأَنبَا بِسَطِّ يَدِي إِلَيْكَ لَا قَتْلَكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ ﴿٣﴾

من بگو دراز کنم بگوی تو دست خود را تا بکشی ترا هر آینه من می ترسم از الله که پروردگار عالمیان

إِنِّي أُرِيدُ أَنْ تَبُوءَ بِإِصْحَابِي فَأَشْكَ فَتَكُونَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ وَ

بر آنچه من می خواهم که ببری گناه مرا و گناه خود را پس بستی از اهل دوزخ و

ذَلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ ﴿٤﴾ فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ قَتْلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُ

این جزای ستمکاران است پس نفس او پس ساخت در نظر او کشتن برادرش را پس بکشت او را

فَأَصْبَحَ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٥﴾ فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ

و شد از زبان کاران و پس فرستاد خدا زاغی را که میگردد در زمین

لِيُرِيَهُ كَيْفَ يُوَارِي سَوْآتِهِ أَخْبَاهُ قَالَ يُوسُفُ قَالَ أَتَجِدُ مَا

تا بیاوردش چگونه پنهان کند تن خود را برادر خود را گفت ای یوسف ایضا چه می بینی از آنکه با هم

مِثْلَ هَذَا الْغُرَابِ فَأَوَارِي سَوْآتِي فَأَصْبَحَ مِنَ الْمُخْذِرِينَ ﴿٦﴾

مانند این زاغ پس پنهان می کنم تن خود را برادر خود پس شد از ایشان رسیده گان

مَنْ أَجِيلَ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَى بَنِي إِسْرَءِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ

بسیب این حادثه حکم کردم بر بنی اسرائیل که هر که بکشد کسی را بی

نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ

عوض کسی و فساد در زمین پس چنان است که کشته باشد مردمان را همه و هر که

أَحْيَاهُمْ فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا وَلَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولُنَا

سب زندگانی کسی شد پس چنان شد که زنده ساخت مردمان را همه و آید آمدند بنی اسرائیل پیغمبران ا

بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِن كَثِيرًا مِنْهُمْ بَعْدَ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ لَكَاذِبُونَ ﴿٧﴾

بر ایشان باست روشن باز بسیار از ایشان بعد از این در زمین تجاوز کنند گان و

گفت در این امر قصیر

فخ الرحمن

عالم بینی

بابل بیکترین گوسفند

نیلای برادر غیب

آتش ظاهر شد

خورد و تا بیل بفرین

گرم پیش آوردش

نارزش را قبول کرد و

صبح شد و الله اعلم

و الله اعلم

که چگونه و حق را دورا

بر پشت نهاد میگفت

والله اعلم

یعنی چون از تا بیل دم

قتل پیدا شد هرگز که

جهان واقع شود و در با

مراغه میکند و بچین

در هر روز که بکشد

نمکند بکشد و بچین

کس که بکشد و بچین

بچین و بکشد و بچین

بچین و بکشد و بچین

بچین و بکشد و بچین

بچین و بکشد و بچین

بچین و بکشد و بچین

بچین و بکشد و بچین

بچین و بکشد و بچین



فلما نزلت دست رست  
و پائے چپ و ادا علم  
فلما نزلت دست رست  
و حق و میان ساقط  
نیت و الله اعلم  
تفسیر عثمانی  
عنه جائے دیگر کرده  
آنرا محوین نماید چنانکه  
نمیب امام ابو حنیفه  
است و در تفسیر عثمانی  
عنه در کون گذشت  
مزیل اخروی و دنیوی  
کافی بیان شده بود  
که با خدا و پیغمبر  
جنگ می کردند  
و در زمین فساد  
می انگیزیدند در ۹  
این رکوع مسلمانان  
را از ان مزارع سائید  
و ارجح کرد این که آنرا  
کرد و ان شقی با خدا و  
پیغمبری جنگ شایع  
طرف داری خدا و  
پیغمبری جفا کند اگر  
آنها در زمین فساد می  
انگیزند شما از کوشش  
و حق عمل خود در راه  
قیام امن و کون نگارید  
عنه در آیت گذشت  
واضح شد که انسان به  
خوف الهی و حصول  
توبه و بیجا و خوف  
در راه دینی تواند  
کامیابی و صلاح را  
امید داشت همان  
آیت تفسیر فرموده است  
که کسی که از فساد  
اعراض می نماید  
یا اگر در آخرت تمام  
نعمت های زمین بگذرد  
از آن صرف کند  
و فدا دهد و بخواند  
خود را از عذاب نجات  
دهد هرگز محک نمی شود  
غلام در آن حال کامیابی  
بر تقوی و استقامتی  
جسادی نیستی الله صلی  
عنه و ثبوت و ندیه چیز می تواند

إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ  
جزاین نیست که جزائے کسانی که جنگ می کنند با خدا و رسول او و می شتابند در زمین  
جزاین نیست جزا کسانی که جنگ می کنند با الله و رسول او می شتابند در زمین  
فَسَادًا أَنْ يُقَاتِلُوا أَوْ يَصْلُبُوا أَوْ نَقِطَةً أَيُّهُمْ وَازْجِلْهُمْ مِنْ  
بقصد فساد یعنی قطع طریق می کنند آنست که کشته شوند یا برادر کرده شوند یا بریده شود دست پای ایشان و پای ایشان  
بقتل فساد آنکه کشته شوند یا برادر کرده شوند یا بریده شود دست پای ایشان و پای ایشان  
خِلَافٍ أَوْ يُنْفُوا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ جَزَائُ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ  
جانب مخالف و یا دور کرده شوند از وطن این رسوائی است ایشان را در دنیا و ایشان را است  
عذاب یاد و کرده شوند از زمین عه این رسوائی است ایشان را در دنیا و ایشان را است  
فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ۝ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَقْرَأُ  
در آخرت عذاب عظیم بجز کسانی که توبه کردند پیش از آنکه دست یابید  
در آخرت عذاب بزرگ بجز کسانی که توبه کردند پیش از آنکه توبه کنید  
عَلَيْهِمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَفُوٌّ رَحِيمٌ ۝ يَأَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا  
بر ایشان پس بدانند که خدا آمرزنده مهربان است و الله است مسلمانان بترسید  
بر ایشان پس بدانند که خدا آمرزنده مهربان است الله است مومنان بترسید  
اللَّهُ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ  
از خدا و بطریق قرب بسوی او و جهاد کنید در راه او تا شما  
تَقْلَحُونَ ۝ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَأَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا  
رستگار شوید هر آینه کافران اگر باشند دست ایشان را آنچه در زمین است هر یک جا  
رستگار شوید عه هر آینه کافران اگر باشند در ایشان را آنچه در زمین است هر  
مِثْلَهُ مَعَهُ لِيَفْتَدُوا بِهِ مِنْ عَذَابٍ يَوْمَ الْقِيَمَةِ مَا تُقْبَلُ مِنْهُمْ  
براه ادا کنند او مهتای برائے آنکه عوض خود دهند آنرا از عذاب روز قیامت هرگز قبول کرده و خود از ایشان و  
مانند آن براه او که عوض دهند آنرا از عذاب روز قیامت هرگز قبول کرده و خود از ایشان و  
لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝ يُرِيدُونَ أَنْ يُخْرِجُوكَ مِنَ الدَّارِ وَهُمْ بِخَارِجِ  
ایشان را است عذاب درد دهنده بخوانند که بیرون روند از دوزخ و نیستند بیرون رفتن از دوزخ  
و ایشان را است عذاب درد دهنده می خواهند که بیرون آیند از آتش و دوزخ و نیستند ایشان بیرون آیند  
مِنْهَا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ ۝ وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا  
و ایشان را است عذاب دائم و مردود دزد و دزدی پس برید دست های ایشان را  
از ان و در ایشان را است عذاب دائم و مردود دزد و دزدی پس برید دست های ایشان را  
جَزَاءُ لِمَا كَسَبُوا لَكَ مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ۝ فَمَنْ تَابَ مِنْ  
جزائے آنچه به عمل آورده اند غیرت از طرف خدا و خدا غالب دانست پس هر که توبه کرد  
جزائے آنچه به عمل آورده اند غیرت است از جانب خدا و خدا غالب دانست پس هر که توبه کرد  
بَعْدَ ظُلْمِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَحِيمٌ  
بعد از ظلم خود و کارش است عمل آورده پس بر آید خدا برحمت باز میگرد بر آید خدا آمرزنده مهربان است  
بعد از ظلم خود و اصلاح آورد کار خود را پس بر آید خدا برحمت باز میگرد بر آید خدا آمرزنده مهربان است  
أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمُوتِ وَالْأَرْضِ يَعِزُّبُ مَنْ يَشَاءُ  
آیا ندانستید که خدا مراد است پادشاهی آسمانها و زمین عذاب می کند هر که خواهد و  
آیا ندانستید که خدا مراد است پادشاهی آسمانها و زمین عذاب می کند هر که خواهد و







فتح الرحمن

وَاللَّهُ يَعْلَمُ  
كُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِحُسْنِ عِلْمٍ

مابین خوف و هوا  
 و نیاید که گدازد  
 بکند و محرمی می کند  
 حکام و اجبار آن را  
 انتقام خدا بر سبب  
 فیض و عظمت خدا  
 مقبولیت تو را ترویج  
 خطاب به آن رؤسا  
 علماء و پیرو شو که  
 بکلام نازل قرآن و  
 در خدا آیتها بود که  
 حکم و ملامت کند  
 بیگونی بای راکه می  
 قریب به یهود و  
 در معنی آن حضرت  
 شمس و کرم  
 خضایا است مسلم  
 است که شما  
 نند و دیگر اقوام از کسی  
 رسیده یا در حبس  
 و دجاء گرفتار شده  
 کتاب آسمانی خویش را  
 انان گردانید چنانکه  
 این است که الله حق  
 کتاب خود را خارج  
 و الله تا امروز  
 و تو تانمان آن که  
 فرشتگان مطهرین  
 همیشه خواهند  
 بخشیدن قدس  
 و گنایان  
 روح می شود چنانکه  
 بعضی احادیث  
 آمده بعضی مشرکین  
 آیت و اوداره  
 روح دارند و میگفتند  
 روح چهار ریه  
 و می رسان  
 بد شده و از ریه

الَّذِينَ هَادُوا وَالرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ بِمَا اسْتَحْفَظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ

براسه یهود و حکم می کنند خداپرستان را اجبار ایشان بحد معصی که دارند بآنچه حافظان گردانیده شده اند از کتاب خدا  
براسه یهود و حکم می کنند خداپرستان و علماء به آنچه حافظان گردانیده شده اند از کتاب خدا

وَكَاؤُا عَلَيْهِ شُهَدَاءُ فَلَا تَخْشَوُا النَّاسَ وَاخْشَوْنِي وَلَا تَشْرُوا

بران گوا بودند و پس تقسیم مزرعه از مردمان و مزرعه از من و حمید و حمید  
و بودند بران گواهان (پس) مزرعه از مردم و مزرعه از من و حمید

بِآيَاتِي شَيْئًا قَلِيلًا وَمَنْ لَمْ يُحْكَمْ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ

بایستهای من بهائے اندک و هر که حکم نکند باید خدا فرو فرستاده پس ایشانند  
به آیت های من بهائے اندک و هر که حکم نکند موافق آنچه فرو فرستاده خدا پس آن کرده ایشانند

الْكَافِرُونَ ۝ وَكُنَّا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنْ نَفْثَ فِيهِمُ الرِّجْسَ ۖ وَالْعَيْنِ

و لازم ساختیم برین بود در قدرت که مخصوص بر عوض شخص است یعنی بعضی او باید گشت دهم  
و فرض گردانیدیم برایشان در آن کتاب که در آن یکم شخص عوض شخص است و چشم

عوض چنگم است و بیعی عوض بینی است و کوشش عوض کوشش است و دندان عوض دندان و علم و عوض چنگم و بینی عوض بینی و کوشش عوض کوشش و دندان عوض دندان و

خُرُوجِ قِصَاصٍ فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ وَمَنْ لَمْ

نوعی از علم است پس هر که معارف کبیره قصاص را پس این عفو کفارات است و می راعی و هر که علم

بِحُكْمٍ مِّنَ اللَّهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٢٠﴾ وَقَفَّيْنَا عَلَىٰ

حکم زند آید و مدار فرستاده است پس ایشانند ستمگران و از پس فرستادیم بر پ  
نفسد موافق آنچه از فرستاده خدا پس آن گروه ایشانند ستم گاران و پس فرستادیم بر

تَارِهُمُ يَعِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ

پسر مزم را باور دارندد آنچه پیش از بود  
یعنی تودیت

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ فَأَلْهَمْنَا الْوَعْدَ الَّذِينَ آمَنُوا فَمِنْهُمْ شَرِيفٌ قَدْ أُلْهِمْنَا لِسَانَ الْبَاقِ

درویشی است و باور دارنده آنچه پیش وی بود  
درویشی است که در آن هدایت و باور دارنده چنانچه که پیش از او بود

مِنَ التَّوْرَةِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ ﴿٥٠﴾ وَلِيُحْكُمَ أَهْلُ

و فرمود باید که حکم کنند اهل  
و باید حکم کنند اهل

لَا يَجْعَلُ يَمَانُ أَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِ وَمَنْ لَمْ يُجِمْكُمْ بِهِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَأُولَئِكَ

باینچه زور فرستاده است خدا دوی و هر که حکم نکند باینچه زور فرستاده است خدا پس ای کسان

فَمُتَّحَدِّثُونَ ۖ وَإِنَّا لَنَالِكُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِّمَا

براستی باده دارنده آید  
دروغستانم بسوی تو کتاب را  
براستی باده دارنده مرا خراک

بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيْمِنًا عَلَيْهِ فَاحْكُم بَيْنَهُم بِمَا

از کتاب و نظمهای برودی پس علم کن در میان ایشان با چه  
 پس علم کن میان ایشان با چه

\_\_\_\_\_







ول مترجم گوید این  
و علاوه در زمان حضرت  
الو که صدق محقق شد  
و مهاجران و انصار  
و تابعان ایشان با  
توان جفا کردند  
والله اعلم  
مترجم گوید یعنی  
با اذان است  
کنند الله اعلم

تفسیر عثمانی  
عنه نزو یک است  
آن وقتی که خدا بر پیغمبر  
خود پیروزی با و غلبه  
های فیصله کن عنایت  
کنند و در کفر نیز که  
مرکز مسلم تمام عرب  
است حضرت اود را  
ناحقانه اخل کرده اند یا  
سوی آن از حکم عدت  
خویش چیزی بر روی  
کار آورده منافقان  
آزاده تمام تورات  
باطل شدن خاتم پیر  
دو بر آنها منکشف  
شود که تیرمورات با  
و دشمنان اسلام جز دل  
در سوای او دنیا  
و عذاب الیم  
در آخرت  
چیزی نیست چون  
تاج این نصیحت و  
خسران پیش آید آن  
گاه جز دامت نشین  
و کف افسوس بهم  
بالبدن چیزی حاصل  
نشود الا ان قد ندمت  
و استخ انتم و چنین  
شد دشمنان اسلام  
چون بنده عام دفع که  
و غیره را دیدند و حاصل  
های شان دگر شد  
بسیار بود که کشید و  
بسکه جای وطن گردید  
بر امیدهای منافقان  
بر بار رفت و در محار  
مقابل مسلمانان آورد و علوی شان ثابت گردید و کوششی که در ولایات بود که در خانه ها مشغول و طوق خسران و بوی و پاک بادی در گردنشان آویخته گردید و آری اینند همین معصومان بیان طوبه

مَنْ عِنْدَهُ فَيُصِيبُ عَلَى مَا اسْرَوْا فِي انْفُسِهِمْ نَذِيرٌ ۝ وَيَقُولُ  
از نزد یک خود پس بپایان بشوند بر آنچه پنهان داشتند در نفس های خود پشیمان عه دی گویند  
الَّذِينَ آمَنُوا هُوَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ قَسَمُوا بِاللَّهِ أَنِ يَكُونَ لَهُمْ  
مؤمنان یعنی روز قیامت آیا ایشانند آنانکه قسم خورده اند بخدا سخت ترین سوگند های خویش که البتة ایشان  
مسلمانان آیانان مردم اند که قسم می خورند به خدا به تاکید (سخت ترین قسم ها) که ایشان  
لَكُمْ حَبِطَتِ أَعْمَالُهُمْ فَاصْبِرُوا خَيْرٌ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا  
براه شانند امروز نابود شد عملهای ایشان پس گشتند زبان کار  
باشانند بر یاد رفت عمل های شان پس ماوند در لغصان (زبان کاران) اے مؤمنان  
مَنْ يَرِنْدَا مِنْكُمْ عَنْ دِينٍ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ  
هر که از شما برگردد از دین خود پس خواهد آورد خدا گروهی را که دوست می دارد ایشان را و ایشان دوست می دارند و در  
سبک از شما گشت از دین خود پس عفریب می آرد خدا قومی را که دوست می دارد ایشان را و ایشان را دوست میدارند ایشان  
أَذَلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ  
مترجم اند بر اے مؤمنان در سخت طبع اند بر کافران جهاد می کنند در راه  
نرم دل اند بر مؤمنان زبردست اند بر کافران جنگ می کنند در راه  
اللَّهُ وَلَا يَخَافُونَ أُمَّةً لَا تَعْلَمُونَ ۝ فَضَّلَ اللَّهُ يُونُسَ مِنْ نِسَاءِ  
خدا و نمی ترسند از طاعت طاعت کننده این بخشایش خداست می دهد آنها بهر که خواهد  
خدا و نمی ترسند از طاعت کردن هیچ طاعت کننده این فضل خداست خواهد داد کسی را که بخواهد  
وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ۝ إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا  
و خدا جواد داناست و این نیست که دوست شما خداست و رسول او و مؤمنان که  
و خدا صاحب کشایش داناست (جز این نیست) که مددگار شما فقط خدا و رسول او و مؤمنان اند  
الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ ۝ وَمَنْ  
بر پای دارند نماز را و می دهند زکوة را و ایشان بر ستم نماز گزارند و هر که  
کسی بر پای دارند نماز را و می دهند زکوة و آن عابری کنندگان اند و کور کنندگان و کسی  
يَقُولُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ ۝  
دوستی کند با خدا و رسول او و با مؤمنان پس هر آینه گروه خدا هاست غالب  
دوست دارد خدا و رسول او و مؤمنان را پس بر آینه کرده خدا ایشان بر همه غالب اند  
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُؤًا وَلَهْوَ  
اے مسلمانان دوست مگیرید کسانی را که دین خود را بازی می گرفته اند دین شما  
ای مؤمنان دوست مگیرید آن مردمان را که می گردند دین شما را خنده و بازی  
مَنْ الَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَالْكَافِرَ الْأُولِيَاءَ وَاتَّقُوا اللَّهَ  
از کسانی که داده شده ایشان را کتاب پیش از شما و دشمنان کافران را و بر سید از خدا  
آن مردمان که داده شده به ایشان کتاب پیش از شما و دشمنان کافران را و بر سید از خدا  
إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ۝ وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوا هُزُؤًا  
اگر مسلمان هستید و چون ندا کنید  
اگر سید شما مسلمان و آنگاه که شما ندا می کنید بر اے نماز می گیرند او را بخند  
وَلَعِبًا مَذَلِكُمْ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ ۝ قُلْ يَٰ أَهْلَ الْكِتَابِ  
آن را قُل این بسبب آنست که ایشان هر چه هستند که هیچ نمی فهمند بخو اے اهل کتاب  
و بازی این به ان سبب است که آنان قومی بی عقل اند بخو ای اهل کتاب

مقابل مسلمانان آورد و علوی شان ثابت گردید و کوششی که در ولایات بود که در خانه ها مشغول و طوق خسران و بوی و پاک بادی در گردنشان آویخته گردید و آری اینند همین معصومان بیان طوبه



هَلْ تَقِفُونَ مِمَّا آتَاكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ وَمَا نُزِّلَ إِلَيْكُمْ مِنْ أَنْزِلٍ

عیب نمی کنید بر آنکه ایسان آوردیم بخدا و آنچه فرو فرستاده شده است بر ما و آنچه نازل شده

مِنْ قَبْلُ ۝ وَآتَاكُمْ أَنْتُمْ فَيَسْقُونَ ۝ قُلْ هَلْ أَنْبِئُكُمْ بِشَرِّ مِمَّنْ

پیش ازین و دیگر آنکه پیشتر از شما بدکارانند و (بر آیدند) بیشتر شما نافرمان اند عه بگو آیا جز آدم شمارا بدتر از

ذَلِكَ مَثُوبَةً عِنْدَ اللَّهِ مَنْ لَعَنَهُ اللَّهُ وَغَضِبَ عَلَيْهِ وَجَعَلَ

این را با اعتبار جز نزدیک خدا آن بدتر کسی است که لعنت کرده او را خدا و خشم گرفت بروی و گردانید

مِنْهُمْ الْقُرْدَةَ وَالْحَنَازِيرَ وَعَبَدَ الطَّاغُوتِ ۝ أُولَئِكَ شَرٌّ مَكَانًا

از ایشان بوزن گان و خود گان و کسیکه پرستید معبود باطل را این گروه بدتر اند با اعتبار جائی

وَأَضَلُّ عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ ۝ وَإِذَا جَاءُوكُمْ قَالُوا آمَنَّا وَقَدْ

و گمراه تراند و اگر راه راست و چون بیایند پیش شما گویند ایمان آورده ایم حال آنکه

دَخَلُوا بِالْكَفْرِ وَهُمْ قَدْ خَرَجُوا بِهِ ۝ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا كَانُوا يَكْمُونَ ۝

با کفر در آمدند و با کفر بیرون رفتند و خدا دانای خفاست آنچه می پوشیدند

وَتَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يُسَارِعُونَ فِي الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَأَكْلِهِمْ

دی بین که بسیار از ایشان سستی می کنند در گناه و تعدی و حرام خوردن

السُّحْتِ ۝ لَيْسَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ لَوْلَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّانِيُّونَ

ویش بر آیدند بد چیز نیست که بعمل آورند چرا منع می کنند ایشان را خدا پرستان

وَالْأَحْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمْ إِلَّا تَقُوا اللَّهَ لَيْسَ مَا كَانُوا

و دانشمندان از دروغ گفتن ایشان و از خوردن حرام و ایشان بر آیدند بد چیز نیست که

يَصْنَعُونَ ۝ وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ

می کنند و گفتند یهود دست خدا بگردن بسته است و غل شد دستهای ایشان

وَالْأَحْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمْ إِلَّا تَقُوا اللَّهَ لَيْسَ مَا كَانُوا

و دانشمندان از دروغ گفتن ایشان و از خوردن حرام و ایشان بر آیدند بد چیز نیست که

يَصْنَعُونَ ۝ وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ

می کنند و گفتند یهود دست خدا بگردن بسته است و غل شد دستهای ایشان

وَالْقَيْنَ بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ ۝ كُلُّنَا

و گفتیم در میان فرقه های یهود دشمنی و بغض و بعضی و در میان شما دشمنی و بغض

وَالْقَيْنَ بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ ۝ كُلُّنَا

و گفتیم در میان فرقه های یهود دشمنی و بغض و بعضی و در میان شما دشمنی و بغض

فصل مترجم گوید این  
بدتر از آن عیب دار  
که شما بیان کردید ۱۲  
فصل یعنی بخل و ادا ۱۳  
فصل یعنی چون بخوانند  
که بعد از آن خود که درین  
بر بودیت نیستند جنگ  
کنند مقهور و مغلوب  
می شوند ۱۴  
تفسیر عثمانی  
عنه طعن زدنی و  
استهزاء نمودن بر  
امری از دنیا چیزی  
یا اصل آن که قابل  
استهزاء می باشد  
گفته آن - در آیت  
گذاشته توضیح کرده که  
افزون چینی نیست  
که جز بخل و خفیا الضل  
دیگری بر آن طعن و  
استهزاء کنند و درین  
آیت بر جهالت مقدس  
مؤمنان بر عنوان سوال  
میزد میگردد یعنی متوجه  
با وجود آنکه عین کامل  
کتاب و داناتی شرایع  
ی بارشده اند که انصاف  
آیند که با مسلمانیان  
چرا بنقد و ضد عناد  
دارند و چه بدی در ما  
مشاهده می کنند که در  
زعم آنها شاید استهزاء  
باشد جز اینکه بر  
خداوند واحد  
لا شریک له و بر همه  
عالمات و انبیای گذشته  
و فرستاده از صدق  
دل ایمان داریم و  
با مقابل حال استهزاء  
کنندگان این است  
که بر توحید حقیقی و  
صحیح خدا استوارند و  
بر تمام انبیاء و رسل  
تصدیق و تکیه می  
نمایند - اکنون شما را  
روئے انصاف بگویند

که در میان نافرمانان الهی را بر ستم گان فرمان برار آنچه حق طعن و تشنیع می ماند



فلان یعنی سائر کتب سابقه  
 و مترجم گوید حاصل  
 آنست که اگر بر پای  
 داشته علم توریت و  
 انجیل را پیش از نزول  
 قرآن پیش از آنکه حضرت  
 پیغمبر صلی الله علیه و سلم  
 مبعوث شود برکت  
 فرمود ان نصیب ایشان  
 میشد لیکن مخالفت  
 کردند پس با فساد بلا  
 مبتلا گشتند الله اعلم  
 ما یقی اگر یک آیت  
 هم نرساندی از ان علم  
 و مترجم گوید یعنی  
 قرآن و سائر کتب سابقه  
 و مترجم گوید حاصل  
 آنست که بر وفق  
 قول خود می  
 شوند زیرا که از کمال  
 شریعتی می کنند و حسب  
 آن فی رد قطع نظر از  
 انکار قرآن و الله اعلم  
 و فی این در اصل از  
 هر فردی که باشد چون  
 ایمان آورد اهل بیعت  
 است و خصوصیت  
 فرق را اعتبار  
 نیست و الله اعلم  
 تفسیر عثمانی  
 ازین معلوم شد که تا وقتیکه  
 در میان مسلمانان محبت  
 و اخوت حکم بوده پس با  
 جهل و رشد و صلاح  
 باشد و در اجتناب  
 از فساد و کوشش چنانکه  
 در میان اصحاب رسول  
 بود تا مسامی اهل  
 کتاب در مقابل آنها  
 پیروید می آید  
 با وجود این هر چه لازم شد  
 و اهل زشت اکنون  
 نیز اگر اهل کتب از  
 گوید خویش تا بید  
 می شدند و کفر تو غیر  
 علی الله علیه و سلم و قرآن  
 کریم ایمانی آوردند

أَوْ قَدْ وَاَنَّا لِلْحَرْبِ لَظُفَا هَا اللَّهُ لَا يُسْعِقُونَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا  
 بری از زند آید را براس جنگ فرو می کشد دش خدا می شتابند در زمین براس فساد  
 می از زند آید براس جنگ فرو می کشد آنرا خدا می شتابند در ملک براس فساد  
 وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ ٥ وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْكِتَابِ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا  
 و خدا دوست نمی دارد مفسدان را و اگر اهل کتاب ایمانی آوردند و پرستش گاری میکردند  
 و خدا دوست ندارد فاسق و گناهان را و اگر اهل کتاب ایمانی آوردند و پرستش گاری میکردند  
 لَكُنَّا لَهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَآدْخُلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ مُّزَيَّنَّاتٍ ٦ وَ لَوْ أَنَّهُمْ  
 تا بود ساحت از ایشان گناهان ایشان را و در آوردی ایشان را بویستهایست لعل تا اگر ایشان  
 البتة و در می کردیم از ایشان گناهان ایشان را و داخل می کردیم ایشان را در باغ های لعل و اگر ایشان  
 أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَ الْإِنْجِيلَ وَ مَا أُنْزِلَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكْمَلُوا  
 بر پامید استند حکم توریت و انجیل را و آنچه فرود آورده شده است بسوی ایشان از پروردگار ایشان و الله اعلم  
 قائم می داشتند تورات و انجیل را و آنچه نازل شده بر ایشان از جانب پروردگارشان البتة خود را  
 مِنْ قَوْمِهِمْ وَ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُّقْتَصِدَةٌ وَ كَثِيرٌ  
 از بالای خود و از زیر پایهای خود از ایشان گروهی است میان راه و بسیار  
 از بالای خود و از زیر پایهای خود از ایشان گروهی است میان راه و بسیار  
 مِنْهُمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ٧ يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ بَلِّغُوا مَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ مِنَ  
 از ایشان بدست که می کنند و ای پیغمبر برسان آنچه فرود آورده شده است بسوی تو از  
 از ایشان بدست آنچه می کنند ای رسول برسان آنچه بر تو نازل شده از  
 رَبِّكَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ وَ اللَّهُ يَعْصِيكَ مِنَ النَّاسِ  
 جانب پروردگار خود اگر نکردی و الله اعلم پس تو رسانیدی آنچه پروردگار او را و خدا نگاه می کند ترا از مردم  
 جانب پروردگار خود اگر چنین نکردی پس تو رسانیدی آنچه پروردگار او را و خدا نگاه می کند ترا از مردم  
 إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ ٨ قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَى  
 بر آنچه خدا راه نمی نماید گروه کافران را بگو ای اهل کتاب بنشینید بر  
 بر آنچه خدا راه نمی نماید قوم کفار را بگو ای اهل کتاب شما بنشینید بر  
 فَقُلْ خُذُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَ خُذُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَ خُذُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ  
 و چیز می تا آنکه بر پامید حکم توریت و انجیل را و آنچه فرود آورده شده است بسوی شما از پروردگار شما و  
 و چیز تا استوار دارید و انجیل را و آنچه نازل شده بسوی شما از طرف پروردگار شما و  
 لَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُم طُغْيَانًا وَ كُفْرًا ٩ فَلَا  
 البتة بفرزاید و حق بسیار است از ایشان آنچه فرود فرستاده شده است بسوی تو از جانب پروردگار تو یعنی قرآن طغیان و کفر پس  
 البتة بفرزاید و بار و بسوی از ایشان آنچه نازل شده بسوی تو از طرف رب تو تا طغیان و کفر پس  
 تَأْسَى عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ١٠ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ آتَوْا الذِّينَ هَادُوا وَ آوُوا  
 اندوه بگیری بسوی قوم کافران و تا آنکه بسوی مسلمانان و پیروان و همچنین است حال  
 اندوه من بر قوم کفار تا آنکه بسوی مسلمانان و و تا آنکه بسوی  
 الصَّابِرِينَ وَ النَّصْرَى مِنْ أَمِنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ عَلَى صِدْقِهِمْ  
 ستاره بر مسلمانان و نصاریان و هر که ایمان آورد از ایشان بخدا و روز آخر و کرد کار و صفا نیست  
 و فرق صفا و نصاری و هر که ایمان بخدا و روز قیامت و علی صفا نیست  
 فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ ١١ لَقَدْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَءِيلَ  
 و هیچ ترس نیست بر ایشان و ایشان اندوه بگیری و کینه و  
 از برادرشان چون بسوی و نداشتن از ایشان بگیری می نشیند بر آنچه بر تو فرمود عهده می امیران را

و آن جهان سر فرستی عهده می امیران را







فتح الرحمن

دل یعنی پیشوایان  
یهودیه و نصرانی  
که برائے ایشان  
مذہب قرار داده  
اند و اللہ اعلم  
تفسیر عثمانی  
ما چون مسجد را  
خدا افتد لازم است  
می آید که اورا  
موجود هم خوانند  
لیکن موجود شدن  
صرف بذات حق  
است که الکل بی روح  
نفی و ضرر و دارای  
افتد کامل باشد  
زیرا که عبادت  
تذلل انتہائی را  
نامند و انتہائی تذلل  
در پیشگاه ذاتی  
توان کرد که دارای  
متبانی عزت و  
غلبه باشد و در هر  
وقت شتوابه احوال  
بر کس کما حقہ انما  
قد این آیت با عقیده  
مشرکانه تشبیه عقیای  
تمام مشرکان روی خود  
عنه مقصد از مبالغه  
در عقیده ایست که  
یک بود بشری را  
خدا آفریده اند و ظلم  
و عدل آنست که  
در بیانیت گفته  
می شود و در بیانیت  
بنیاد و بالکتنها  
علیه السلام را خداوند  
از تمام قبایح یهود  
بیان شده قلمی شود  
که بنا بر اینها که در  
و نیا پرستی و تمکیل  
شبهات نفسانی  
دین و دینداران در  
نقد آنها بی غفلت  
و دقت نظر است  
حتی ابانت و قتل  
انبیاء علیهم السلام  
شمار آنها بود بر خلاف

وَلَا تَقْعَاطُ وَاللَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ۱۰ قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ

و نه سودے و خدا همان است شنوا و انا بخوای اهل کتاب

لَا تَتَّبِعُوا فِي دِينِكُمْ غَيْرَ الْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قُلْ

از حد مگزید در دین خود بناحق و پیروی نکنید خواهش نفس قومی را که

ضَلُّوا مِنْ قَبْلُ وَأَضَلُّوا كَثِيرًا وَضَلُّوا عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ ۱۱

گمراه شدند پیش ازین و گمراه کردند مردمان بسیار را و گمروی کردند از راه راست فل

لَعْنُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَءِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ

لعنت کرده شد کافران را از بنی اسرائیل بر زبان داود

عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ ۱۲ كَانُوا

عیسی پسر مریم این بسبب آنست که نافرمانی می کردند و از حد می گذشتند یک دیگر را

لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ۱۳

منع نمی کردند از ان عمل زشت که مرتکب آن میشدند هر آینه بد چیز است که می کردند

ثَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يَتَوَكَّنُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَكِبْسٍ مَا قَدَمَتْ لَهُمْ

نخچه بینی که بسیار است از ایشان دو دستی می کنند با کافران همه هر آینه بد چیز است که پیش فرستاده است برای ایشان

أَنْفُسَهُمْ أَنْ يَخْطُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَفِي الْعَذَابِ هُمْ خُلِدُونَ ۱۴

نفس ایشان آن چیز خشم خرقن خداست بر ایشان و ایشان در عذاب جاوید اند

وَلَوْ كَانُوا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ مَا اتَّخَذُوا هُمْ

و اگر بایمان آورده س ب خدا و پیغمبر یعنی پیغمبر خود و آنچه فرو فرستاده شده است بیوی دی البتہ دوست نه گرفتند

أَوْلِيَاءَ وَلَكِنْ كَثِيرًا مِنْهُمْ فَسِقُونَ ۱۵ لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ

مشرکان را دشمن بسیار از ایشان فاسقانه هر آینه بیایی سخت ترین مردمان

عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودُ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا وَلَتَجِدَنَّ

در عداوت مسلمانان یهود و مشرکان را و هر آینه بیایی

أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصْرِي ذَلِكَ

نزدیک ترین مردمان در دوستی مسلمانان که می گفتند ما نصاری ایم این

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ كَفَرُوا هُمْ أَشَدُّ بِغَاظٍ وَهَبَانًا وَأَلْهَمُوا

اینها که از جنس ایشان هستند دشمنان و دشمنان ایشان و بسبب آنست که ایشان تکبر می کنند

شمار آنها بود بر خلاف آنها نصاری و تعظیم انبیا و چندان غلو که اند که از این بنا بعضی را فعلا یا پس خدا خوانند و دنیا ترک و در میانیت اختیار نموده اند مراد از کافران و دین



وَإِذْ أَسْمَعُوا مَا أُنْزِلَ إِلَى الرَّسُولِ

و چون بشنوند آنچه فرو فرستاده شده بر پیاپی

و چون بشنوند آنچه فرو فرستاده شده بسوی پیشتر

تَرَىٰ أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا

به بینی چشمهای ایشان اشک میریزد بسبب آنچه شناختند از حق می گویند ای پروردگار ما

أَمَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ وَمَا لَنَا لَا نُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا جَاءَنَا مِنَ

ایمان آوردیم پس بنویس ما را با شاهدان و چیست ما را که ایمان نیاییم بخدا و آنچه آمده است به از

الْحَقِّ وَنَطْمَعُ أَنْ يَدْخُلَنَا رَبَّنَا مَعَ الْقَوْمِ الصَّالِحِينَ فَانَابَهُمْ

دین راست و طمع داریم که داخل کنی ما را پروردگار ما با قوم صالحان پس جزا داد ایشان را

اللَّهُ بِمَا قَالُوا اجْتَنِبُوا حُرْمِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَلِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ

خدا بر آن مقرر کرد گفتند بوستان ما می رود از زیر درختان آن چوبی با جاویدان در آنجا و این است

جَزَاءُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَانُوا يَابِيتُوا أَوْلِيَاءَ أَصْحَابِ

جزای بنیکوکاران است و بنیکوکاران شدند و بدو رخ نسبت کردند آیات ما را ایشانند اهل

الْبَغْيِ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَجْرِمُوا ظُلْمًا مَّا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ

دورج ای مؤمنان حرام مکنید لذت آنچه خدا حلال ساخته است شمارا

وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمْ

و از حد نگزیدید هر آنچه خدا دوست نمی دارد و از حد نگزیدند شمارا و بخورید آنچه روزی داده است شمارا

اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ

خدا حلال پاکیزه و بترسید از آن خدا که شما بوی ایمان آوردید

لَا يُؤْخَذُ بِكُمْ بِالْعُثُوفِ إِيْمَانُكُمْ وَلَكِنْ يُؤْخَذُ بِكُمْ

بازخواست نمی کند از شما بخلاف بلوغ و سوگند بانی شما و لیکن مواخذه می کند شمارا

بِمَا عَقَدْتُمْ مِنَ الْإِيْمَانِ فَكَفَّارَةُ إِطْعَامِ عَشْرَةِ مَسْكِينٍ مِنْ

بسبب محکم کردن سوگند با عقد و کفارت همین منعده طعام دادن ده مسکین راست از

أَوْسَطِ مَا تُطْعَمُونَ أَهْلِيكُمْ أَوْ كِسْفَتُهُمْ أَوْ تَحْرِيرَ رَقَبَةٍ فَمَنْ

از میان آنچه می خورد یا از میان اهل خود یا با کسف یا آزاد کردن برده یا رهایی دادن برده پس هر که

لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ذَلِكَ كَفَّارَةُ إِيْمَانِكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ

نیابد لازم است روزه داشتن سه روز اینست کفارت سوگند بانی شما چون سوگند خوردید یا حلف نمودید

وَابْرَأُوا لَهُمْ مَسْكِينًا غَدَاةً بِرَأْسِهَا أَلَمْ تَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ أَفَلَا تَعْلَمُونَ

و بپدید آورید برای مسکین غدا با سر بر او و ندانید که خدا می داند سیر و نجوا را آیا نمی دانید

یعنی به پشت ۱۲  
فصل مترجم گوید در  
آیات مذکور اشارت  
است بفضیلت قومی  
از نصحاء حبشه که همراه  
جعفر طیار بخدا مت  
آنحضرت آمده مسلمان  
شدند و الله اعلم ۱۲  
و این یعنی ترک کج  
یا ترک کل کج و امثال  
آن درست نیست  
والله اعلم ۱۳  
مترجم گوید معنی بنو  
کفارت واجب نیست  
چنانکه از دور شبیه  
مینورند یعنی گوید که الله  
۱۱ زید است و زید  
باشد و بر همین  
منعده اگر طاعت  
۱۲ شود کفارت  
واجب است چنانکه  
گوید و الله اعلم  
خود را بدین خانه  
نور آیم و علی بن ابی طالب  
و الله اعلم ۱۲  
تفسیر عثمانی  
۱۳ معنی با آنها در دنیا  
کفاره نیست شکی  
در همین منعده  
واجب است تفسیر  
تقسیم لغو را و احسن  
پاره سیقول گذشت  
است چنان در فوق  
ذکر که بحکم طیبات بود  
معنی هم یک قسم خوردن  
است لهذا احکام  
۱۴ معنی بیان میشود  
عنه یعنی بعد از شستن  
قسم این کفاره داد  
می خود به دادن نان  
مخیر است که ده مسکین  
را بخاند آورد و نان بدهد  
و اگر از آن بگذرد



فتح الرحمن

فلا یقن تأمده  
عاش نشوید و الله  
اعلم ان الله یعنی  
قبل از تحريم ۱۲  
فلا یقن تأمده یعنی  
آنچه قبل از تحريم خود  
عفو است چون در  
تقوی دسوخ پیدا  
کردند و این سخن بدان  
ماند که کسی گوید یا تو  
احسان کنم یا بد  
احسان کنم یعنی آنکه  
پوسته احسان کنم  
والله اعلم ۱۳  
تفسیر عثمانی  
ع چون ان  
شرابی خوره خود  
خالی می شود بعضی  
اوقات بدست  
شده با هم دگری  
جنگند حتی پس از  
رفع نشه نیز گاهی  
آنها جنگ یافته  
می ماند و دشمنی بر پا  
می شود و این  
کیفیت بلکه به  
مراتب بیشتر از آن  
از قمار پیدا شد  
می آید و در اثر  
بدون باختن ۱۴  
جنگ و فسادهای  
سخت بر پای شود  
و سلطان را برای  
بر پا کردن مملکت  
موقع خوب دست  
می دهد این بود فساد  
و تبع ظاهری اما  
نقصان باطنی این  
است که آن چون  
درین چیزهای ناپاک  
مشغول شود از یاد  
خدا و عبادات الهی  
کاملاً غافل می شود  
و دلیل آن مشاهده  
و تجربه است افرادی  
را که به شرط مشغول  
میشوند به چیزهای

وَاحْفَظُوا أَيْمَانَكُمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

و نگاه دارید سوگندها را خدا برای شما آیتها را خود را مایه ذکر شما کند

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّخَذُوا الْحِمَارَ الْمِيسِرَ وَالْإِنْصَابَ وَالْأَزْلَامَ رِجْسًا

ای مسلمانان جزاین نیست که قمار و نشانههای معبودان باطل و شیرهای نال پیدا است

مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ۝ إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ

از کردار شیطان است پس احتراز کنید از او مایه ذکر شما است که شیطان جزاین نیست که می خواهد شیطان

أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ

که بیندازد در میان شما دشمنی و ناخوشی بسبب قمار و بازو و در شمارا

عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ ۝ وَأَطِيعُوا

از یاد خدا و از نماز پس آیا شما باز ایستادید و فرمانبردار می کنید

اللَّهِ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأَحْذَرُوا فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ

خدا را و فرمانبردار می کنید پیغمبر را و ترسید پس اگر روگردانیدید پس بدانید که بر

رَسُولِنَا الْبَلَّغُ الْمُبِينُ ۝ كَيْسٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

پیغمبر ما نیست مگر پیغام رسانیدن آشکارا نیست بر کسی که ایمان آوردند و عمل صالح کردند

جَنَاحٌ فِيهِمَا طَعْنٌ إِذَا مَا اتَّقَوْا وَآمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ثُمَّ اتَّقَوْا

کتابی در آن دو پیک خورند و چون بر چیز گاری کردند و ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند باز بر چیز گاری کردند

أَمْنًا لِّبَنِيكُمْ تَأْلَفُ لَكُمْ الصَّيْدَ تَأْلَفُ لَكُمْ الصَّيْدَ وَرِمَا حَكْمَ لِبَعْدِ

مسلمان هر آینه می آید شما را پروردگار شما بخیر از شکار پرست بان دستهای شما و نیزه های شما را بخیر کند

اللَّهُ مِنْ خِيفَةٍ بِالْغَيْبِ فَمَنْ أَحْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ

خدا کسی را که غایب از وی ترسد پس هر که خدای کند بعد از این او را است عذاب

أَلِيمٌ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ وَمَنْ

درونده ای مسلمانان کشید صید را چون احرام بسته باشید و هر که

قَتَلَهُ مِنْكُمْ مُّتَعِدًّا فَعَرَأَ مِثْلَ مَا قُتِلَ مِنَ النَّعْوِ حَكْمَ بَعْدِ

کشد او را از شما قصد پس واجب است جزا او آن جزا باشد چیز نیست که او را کشته است از بعض چهار پایان حکم کند بان

کشد او را از شما قصد پس واجب است جزا او آن جزا باشد چیز نیست که او را کشته است از بعض چهار پایان حکم کند بر آن



ذَوَا عَدْلٍ مِّنْكُمْ هَدْيًا بَالِغَ الْكَعْبَةِ أَوْ كَفَّارَةٌ طَعَامُ مَسْكِينٍ أَوْ

و صاحب عدالت از شما باشد آن چهار پایه قرآنی رسیده بکعبه یا آن جزائے کفارت است طعام فقیران یا

و صاحب عدالت از شما در حالت که آن جزاء را برای ماند رسیده بکعبه یا برادست طعام داوون در ولایتان یا

عَدْلُ ذَلِكَ صِيَامًا لِّيَذُوقَ وَبَالَ أَمْرِهُ عَفَا اللَّهُ عَنْهُ لَسَفْط

برابر آن از روزه تا بخشد جزای کردار خود عفو کرده است خدا از آنچه گذشت

وَمَنْ عَادَ فَيَنْتَقِمُ اللَّهُ مِنْهُ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ ۝۲۰ أَحَلَّ لَكُمْ

و هر که دیگر بار کند انتقام کرد از وی خدا و خدا غالب انتقام است مطلقان کرده شد برائے

صَيْدِ الْبَحْرِ وَطَعَامَهُ مَتَاعًا لَّكُمْ وَلِلْعِيَارَةِ ۝۲۱ وَحَرَّمَ عَلَيْكُمْ صَيْدَ

شکار دریا و خوردن آن تا منفعت برای شما و برای کاروان شما و حرام کرده شد بر شما شکار

الْبَرِّ مَا دُمْتُ حُرْمًا ۝۲۲ وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ۝۲۳ جَعَلَ اللَّهُ

برایان تا و قنیکه احرام بسته باشد و برسد از آن خدا که بسوی دے حشر کرده خواهد شد گردانید خدای تعالی

الْكَعْبَةَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ قِيَمًا لِلنَّاسِ وَالشَّهْرَ الْحَرَامَ وَالْهَدْيَ وَ

کعبه را که خانه بزرگوار است سبب انتقام امور مردمان و ماه حرام را و قربانی را و

الْقَلْبَ ذَٰلِكَ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمُوتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ

آنچه در گردن نشن تلاوه اندازند این بیان برائے آنست که تا بداند که خدای دانند آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین است

وَأَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ۝۲۴ اَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ۝۲۵

داند آنکه خدا همه چیز دانا است بداند هر آنچه که خدا سخت عذاب است او و آنکه بداند آنکه

اللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ۝۲۶ مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ ۝۲۷ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ

خدا آمرزنده مهربان است نیست بر پیغمبر مگر رسانیدن پیام و خدای دانند آنچه آشکارا می کنید و

مَا تَكْمُلُونَ ۝۲۸ قُلْ لَا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ وَلَوْ أَعْجَبَكُمْ كَثْرَةُ

آنچه پنهان می کنید بگو اے محمد برابر نیست و پلید پاک و اگر چه در عجب آرد ترا بسیاری

الْخَبِيثِ فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ۝۲۹ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

پلید پس برسد از خدا ای خداوندان خرد تا شما بجات یا بید

أَمْوَالِكُمْ أَلَا تَسْأَلُونَ ۝۳۰ إِن تَبَدَّلَ لَكُمْ تِسْقٌ وَإِنْ تَسْأَلُوا عَنْهَا حِينَ

آسمان سوال کنید از آن چیزها که اگر ظاهر کرده شود حقیقت آنها پیش شما علین کند شمارا و اگر سوال کنید از آن و قنیکه

يُنَزَّلُ الْقُرْآنُ تُبَدِّلُكُمْ عَفَا اللَّهُ عَنْهَا وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ۝۳۱ قَدْ سَأَلَهَا

فرود آورده می شود قرآن البتة ظاهر کرده شود پیش شما عفو کرد الله تعالی از آن سوالات خدا آمرزنده بزرگوار است و هر آنچه سوال کرده

نازل می شود قرآن در گذشت خدا از آنها خدا آمرزنده محفل کننده است (به تحقیق) چنین بختها بر رسیده اند

فتح الرحمن  
و لا من جم یوید جزای  
صید یک از سر چیز تواند  
بود مائل صید را در  
حرم دین کند و مانند  
نزدیک شایع خلقت  
و بیت است و  
نزدیک الی صید  
بقیت یا بقیت صید  
طعام خرید نماید  
و مسکینان دید و  
نزدیک شایع بهر  
سکنه را مدد و  
نزدیک ایحیفه بر  
مسکینان را بیم صاع  
از کرم یا یک صاع  
از جو یا شمسکینان  
علی اختلاف المسکین  
روزه دارد و الله اعلم  
و لا من جم یوید یعنی بل  
حرام و مائل حلال برابر  
نیست اگر چه حرام  
بسیار جمع می شود  
والله اعلم ۱۲ و لا  
من جم یوید یعنی مردم  
از اخلافت نیز فرود  
سوال می کردند بکے  
گفت بدین کیست  
و دیگر بکے گفت که  
مرجع من بهشت  
است یا در فرخ دین  
ناپ نازل شد ۱۲  
تفسیر عثمانی  
عنه نزد صید مسند  
این است که اگر در  
۱۳ حال احرام  
صید را بگوید یا  
نمین آن فرض  
است و اگر گفت دو  
نفر مقبره بصره بخرید  
کار قیمت آنرا صحن  
نماید باندازه قیمت  
آن حیوانی را بخرد  
مثلا (بزی یا گاو یا شتر  
و غیره) و نزدیک کعبه  
یعنی در حدود حرام  
رسانده و جمع کند و  
خوار کرده و آن را بقیه از بقیه قدست او بر آید



فتح الرحمن

والتسليم كونهما  
بالبیت احواله چند  
اختراع کرده بودند  
در آنها بقل اسلاف  
خود شک نمودند و بیک  
یکدیگر آن ماده خشری  
است که او را برای  
تجان مقرر میکنند و  
بر یکدیگر نمیدانند و  
کبرای بیان جانور را  
میگزاشند و با بر  
پشت او نمی نهاده  
و صیل و آن ماده خشری  
که او را در او در  
شتر نهاده اند و  
بغیر فصل دیگر باره  
زاید بر آنرا بیان  
میگزاشند و بعد از آن  
از محله چند  
گرفته اند و  
داشته اند از کعب  
و جز آن و او را  
گفته اند خداوند  
این همه را فرستاده  
آیت فرستاده  
یعنی اگر شما صلاح کردید  
و شرا را مروت بجا  
آوردید کائنات می باشد  
خضر می کند و الله اعلم  
ایضا من جمیع کتب  
و اتفاق سفر و فتاد  
و در جائی که می باشد  
بود و خضر شد تا چار  
دود می دارد که خود  
سپرد و برود و صیت خود  
گواه ساخت ایشان  
از آن ترک حام نقره را  
خیانت کردند و چون  
ادبایت از ایشان  
مطالب نمودند قسم خوردند  
که با آن اطلاع ندایم  
بعد از آن جای نزدیک  
هوای پیدا شد گفت  
گراین دود که بدست  
من فروخته درین باب  
آیت نازل شد و در  
از اولی است قسم خورده آن جا را اگر شکند

قَوْمٌ مِّنْ قَبْلِكَ ثُمَّ أَصْبَحُوا نَافِرِينَ ﴿٢٠﴾ مَا جَعَلَ اللَّهُ مِنْ بَحِيرَةٍ وَلَا

قَوْمٍ مِّنْ قَبْلِكَ ثُمَّ أَصْبَحُوا نَافِرِينَ ﴿٢٠﴾ مَا جَعَلَ اللَّهُ مِنْ بَحِيرَةٍ وَلَا

سَائِبَةٍ وَلَا وَصِيلَةٍ وَلَا حَامٍ وَلَكِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَفْتَرَوْا عَلَى اللَّهِ

سَائِبَةٍ وَلَا وَصِيلَةٍ وَلَا حَامٍ وَلَكِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَفْتَرَوْا عَلَى اللَّهِ

الْكَذِبَ ۖ وَكَثَرُوا لَيَعْقِلُونَ ﴿٢١﴾ وَإِذْ أَقْبَلُ لَهُمْ تَعَالَىٰ إِلَىٰ مَا أُنْزِلُ

الْكَذِبَ ۖ وَكَثَرُوا لَيَعْقِلُونَ ﴿٢١﴾ وَإِذْ أَقْبَلُ لَهُمْ تَعَالَىٰ إِلَىٰ مَا أُنْزِلُ

اللَّهُ إِلَىٰ الرَّسُولِ قَالُوا أَحْسِنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا وَلَا لَوْ كَانَ

اللَّهُ إِلَىٰ الرَّسُولِ قَالُوا أَحْسِنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا وَلَا لَوْ كَانَ

أَبَاؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَلَا يَحْتَدُونَ ﴿٢٢﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ

أَبَاؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَلَا يَحْتَدُونَ ﴿٢٢﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ

أَنْفُسَكُمْ لَا تَضُرُّكُمْ مِّنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ

أَنْفُسَكُمْ لَا تَضُرُّكُمْ مِّنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ

جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٢٣﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَشْهَادُ

جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٢٣﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَشْهَادُ

بَيْنَكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدُكُمُ الْمَوْتُ حِينَ الْوَصِيَّةِ اثْنِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنكُمْ

بَيْنَكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدُكُمُ الْمَوْتُ حِينَ الْوَصِيَّةِ اثْنِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنكُمْ

أَوْ آخَرَانِ مِّنْ غَيْرِكُمْ إِنْ أَنْتُمْ ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَأَصَابَتْكُمْ مُّصِيبَةُ

أَوْ آخَرَانِ مِّنْ غَيْرِكُمْ إِنْ أَنْتُمْ ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَأَصَابَتْكُمْ مُّصِيبَةُ

الْمَوْتِ فَخُبِّرُوهُمَا مِنْ بَعْدِ الصَّلَاةِ فَيُقْسِمْنَ بِاللَّهِ إِنْ أَرَبْتُمْ

الْمَوْتِ فَخُبِّرُوهُمَا مِنْ بَعْدِ الصَّلَاةِ فَيُقْسِمْنَ بِاللَّهِ إِنْ أَرَبْتُمْ

الْأَرْبَعِينَ ﴿٢٤﴾ فَإِنْ عَزَّ عَلَىٰ أَحَدُهَا اسْتِخْفَاثًا فَآخَرُ ۚ وَمِنْ يَحْتَفِلُ فِي

الْأَرْبَعِينَ ﴿٢٤﴾ فَإِنْ عَزَّ عَلَىٰ أَحَدُهَا اسْتِخْفَاثًا فَآخَرُ ۚ وَمِنْ يَحْتَفِلُ فِي

مِنَ الَّذِينَ اسْتِخْفَىٰ عَلَيْهِمُ الْأُولَىٰ ۖ فَيُقْسِمْنَ بِاللَّهِ لَشَٰهَادَتِنَا ۚ

مِنَ الَّذِينَ اسْتِخْفَىٰ عَلَيْهِمُ الْأُولَىٰ ۖ فَيُقْسِمْنَ بِاللَّهِ لَشَٰهَادَتِنَا ۚ

وَالَّذِينَ اسْتِخْفَىٰ عَلَيْهِمُ الْآخَرَىٰ ۖ فَيُقْسِمْنَ بِاللَّهِ لَشَٰهَادَتِنَا ۚ

وَالَّذِينَ اسْتِخْفَىٰ عَلَيْهِمُ الْآخَرَىٰ ۖ فَيُقْسِمْنَ بِاللَّهِ لَشَٰهَادَتِنَا ۚ







فتح الرحمن  
فلما ما من ابن

ست که الهام فرستاد  
پسوی خود را بران در  
هفت که سوره طلب  
کردند و به الربع  
حسب مراد دیدند  
و مترجم گوید لید  
ازان خوانی نازل  
شد از آسمان بر  
گوش و نان پس  
خوردند و میرشدند  
اعلم ۱۲ که مترجم  
گوید خدا تعالی در  
قیامت نعمت های  
خود عیسی را یاد دهنده  
ازان سوال کند که  
خود را الهی می گوی  
بجهت تا بگوید  
برای قطع  
شبهه های  
باطل و وجه والید  
اعلم ۱۲ فتح الرحمن  
و ک یمن بر آسمان  
بروی مرا ۱۲

تفسیر عثمانی

ع یمنی من جهان  
سخن نایاب بگوید  
گفتی تو اسم ذات  
مقدس تو منزه از  
آنست که در الوهیت  
و غیره بان ابناء قرار  
داده شود بر اگر  
تو به منصب طویل  
دسالت سرازیر کنی  
شایسته نیست که  
حرفی ناقص از زبان  
او براید اقتضای  
سبوحیت تو و عظمت  
من آنست که من  
بچه گاه چنین سخن  
نایاب گفته تو نام  
صرف نظر از همه لایل  
آخرین سخن این است  
که از علم محیط تو هیچ  
چیز خارج شده نمی  
تواند اگر من و اقبا  
چنین می گفتیم و تو علم خود را

اتَّقُوا اللَّهَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ۚ قَالُوا لَنْ نَبْرُدَ اللَّهَ شَيْئًا ۚ فَاسْتَعْصَمَ

ترسید از خدا اگر مومن هستید و فل  
ترسید از خدا اگر مومن هستید

قُلُوبُنَا وَنَعْلَمُ أَنَّ قَدْ صَدَقْتُنَا وَنَكُونُ عَلَيْهِا مِنَ الشَّاهِدِينَ ۚ قَالَ

دل های ما و بدانیم که راست گفتی با ما و با شنیم بر نردن آن از  
دل های ما و بدانیم که راست گفتی با ما و با شنیم بر نردن آن از

عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ اللَّهُ رَبُّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ تَكُونُ لَنَا

عیسی پسر مریم یا خدا ما را پروردگار ما را فرود آور بر ما خواهی بر از طعام از آسمان تا باشد عید  
عیسی پسر مریم ای خدا پروردگار ما را فرود آور بر ما خواهی بر از طعام از آسمان تا باشد برای

عِيدٍ الْأَوَّلَيْنَا وَآخِرِنَا وَآيَةً مِنْكَ وَارْزُقْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ ۚ قَالَ

برای ما برای اول امت ما و آخر امت ما و معجزه از جانب تو و روزی ده ما را و تو بهترین روزی دهنده ای گفت  
عیدی برای اول امت ما و آخر امت ما و معجزه از جانب تو و روزی ده ما را و تو بهترین روزی دهنده ای گفت

اللَّهُ إِنِّي مَنَنْتُ بِهَا عَلَيْكُمْ فَخُذُوا مِنْهَا وَكُلُوا وَشَابِعُوا فِي حَتَّىٰ يَأْتِيَ الْبَرْقُ

خدا من خود آورنده ام آنرا بر شما پس هر که از شما کافر خود بعد ازین پس من لعنم او را خدا بیک لعن  
خدا من خود آورنده ام آن را بر شما پس هر که از شما کافر بعد ازین پس من لعنم او را خدا بیک لعن

أَعَذَّبَهُ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ ۚ وَإِذْ قَالَ اللَّهُ لِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ أَنْتَ

و یاد کن آن وقت که گوید خدا ای عیسی پسر مریم آیا تو گفتی  
و چون گفت خدا ای عیسی پسر مریم آیا تو گفتی

لِلنَّاسِ اتَّخَذُوا مِنِّي وَارْتَمَى الْهَيْئِينَ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالُوا سُبْحَانَكَ مَا يَكُونُ

بر مردمان که خدا گیرید مرا و مادر مرا  
بمردمان که بگیرید مرا و مادر مرا

لِي أَنْ أَقُولَ مَا لَيْسَ لِي بِشَيْءٍ إِنْ كُنْتُ قُلْتُهُ فَقَدْ عَلِمْتَهُ تَعْلَمَ مَا فِي

مرا که بگویم آنچه لایق من نیست اگر گفته باشم این قول پس تو آنرا دانستی  
مرا که بگویم چنین سخن که حق آن را نداریم اگر این را گفته باشم پس هر آنچه تو آنرا دانستی میدانی آنچه در

نَفْسِي وَلَا أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ ۚ مَا قُلْتَ لَهُمْ

ضمیر منست و نه میدانم آنچه در ضمیر منست هر آنچه تو دانستی  
نفس من است و نمیدانم آن چه در نفس منست هر آنچه تو دانستی امور پنهانی که گفته ام به ایشان مگر

مَا أَمَرْتَنِي بِهِ أَنْ أَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكَ وَكَذَّبْتُمْ عَلَيْهِمْ شِهَادًا فَمِنْ

آنچه فرموده بودی مرا بآن که پرستید خدا را پروردگار من و پروردگار شما بودم بر ایشان آنچه بیان دادی که در میان  
آن چه فرموده بودی بر منی که پرستید خدا را که پروردگار من و پروردگار شماست و بودم بر ایشان گواه او و بیک در میان ایشان

فِيهِمْ فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي كُنْتُ أَنْتَ الرَّقِيبُ عَلَيْهِمْ وَأَنْتَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ۚ

بودم پس و قریب بر هر چیزی مرا و تو بودی لایق بیان بر ایشان  
بودم باز شهادت می تو را بر داشتی بودی تو بیک بیان بر ایشان و تو بر همه چیز شهادت داری

إِنْ تَعْلَمَ لَهُمْ فَاتِهِمْ عِبَادًا ۚ وَإِنْ تَغْفِرَ لَهُمْ فَاِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۚ

اگر عذاب کنی ایشان را پس ایشان بندگان تو اند و اگر ببخیزی ایشان را پس تو بی غلبه استوار کار  
اگر عذاب کنی ایشان را پس ایشان بندگان تو اند و اگر ببخیزی ایشان را پس تو بی غلبه صاحب حکمت

قَالَ اللَّهُ هَذَا يَوْمُ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ

گوید خدا که این روز نیست که نفع کند در آن راست گویان را راستی ایشان را باشد بویستار آنها می رود  
گفت در گوید خدا این روز نیست که نفع کند راست گویان را راستی ایشان را باشد بویستار آنها می رود

جَنَّتَيْنِ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِ نَهْرَانِ مِنْ تَحْتِ الْأَوَّلَيْنِ تَجْرِي مِنْ تَحْتِ الْأَوَّلَيْنِ

جنت های دو رود می رود و تو خود میدانی که در خیره و در علایق چنین مناسب حرفی از زبان من برده بلکه در دل من نیز این گونه خیال غاصد می کنی



فِيهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أُولَئِكَ الَّذِينَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ

در این جویها باقی ماندند (خالدین) در آن همیشه خوشنود شد خدا از ایشان راضی شد و ایشان از خدا راضی

الْقَوَارِ الْعَظِيمَةِ ۝ اللَّهُ مُلْكُ السَّمُوتِ وَالْأَرْضِ وَمَا فِيهِنَّ وَهُوَ عَلَى

رستگاری بزرگ خدا است پادشاهی آسمانها و زمین و آنچه در آنهاست و او بر

سورۃ النبی مکیه فی سنه ۱۱ کل کلمی قدیر ۵

همه چیز تواناست همه چیز تواناست

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذي خلق السموات والأرض وجعل الظلمات والنور

ستایش آن خدا را است که آفرید آسمانها و زمین و پیدا کرد تاریکی را و روشنی

ثم الذين كفروا بآياته يؤمنون ۱ هو الذي خلقكم من طين ثم

باز آنکه کافر شدند به پروردگار خود بر ابر می کنند اوست آنکه پدید شما را از گل باز

ففي الآجال وأجل مسمى عندكم ثم أنتم تكفرون ۲ وهو الله في السموات

مقرر کرد وقت مرگ را و مرگ معین است نزد او و باز شما شکی نمی کنید و اوست خدا در آسمانها

وفي الأرض يعلم سرركم وجهركم ويعلم ما تكسبون ۳ وماتت بهم

در زمین می داند پنهان شما و آشکار شما و می داند آنچه عمل می کنید و نمی آید بکاران

من آية من آياتهم إلا كانوا عنها معرضين ۴ فقل كذبوا بالحق

از نشانه از نشانه های پروردگار ایشان الا ازان که رو گردان شدند پس ثابت شد که ایشان بدو رخ نسبت کردند

لن جاءهم فسوف يأتهم أبناءهم كانوا بهم يستهزئون ۵ ألم يروا أنهم

چون بیاید بایشان پس خواهد آمد بایشان فرزندان آنها که می خندیدند و استهزا می کردند آنکه چه قدر

أهلكنا من قبلهم من قرن مكنتهم في الأرض ما لم نمكن لكم

هلاک کرده ایم پیش از ایشان از اقوام که استقامت داده بودیم ایشان را در زمین آنچه را که استقامت داده ایم شما را

و أرسلنا السماء عليهم مدراراً وجعلنا الأنهار تجري من تحتهم

و فرستاده بودیم باران بر ایشان چه در چاه ریزنده و پیدا کردیم جویها زیر ایشان و

فأهلكناهم بآياتهم وأنشأنا من بعدهم قرناً آخرين ۶ ولولا أنزلنا

پس هلاک کردیم ایشان را بآیات ما و پدید کردیم بعد از ایشان امتی و دیگری بر همان و بجز اگر فرستاده بودیم

فأهلكناهم بآياتهم وأنشأنا من بعدهم قرناً آخرين ۶ ولولا أنزلنا

فتح الرحمن

طالع یعنی معبودان

باطل را ۱۲ ط

یعنی برای قیام

قیامت ۱۲ ط

یعنی متعین و فزاینده

۱۲ ط یعنی با صدق

آن خبر دارد و الله

طالع ۱۲ ط یعنی

۵ ط زیرمان ایشان

۶ ط تغییر غنائی

ط مراد از حق غالباً

قرآن کریم است که

عاقبت سوگنی

را که از ایشان

قدرت تلافی می دارند

و سزای این جهانی

و آن جهانی نشان را

بیان می کند و مگر نمی

که آنرا شنیده و نگذیرد

و استهزای می کردند

و آنچه فرموده اند

که هر چه در آسمانها

میگردید حقیقت ثابت

بود و تقریب مقال

شما خواهد آمد و در

آینده سوی اقوامی

حواله شده که بنا بر

تکذیب و استهزای

آیات الهی و از سبب

اعمال بد خویش هلاک

شدند - عده یعنی ما

و نمود و غیره آنها را

نسبت بشما نمودی

بزرگ و حشمت بزرگ

داده شده بود از کثرت

بارش و انهدا بارش

و کثرت آنها شاداب

بود و با عیش و سرور

در کار میسر میبردند

چون ببناد و

تکذیب می کردند

و به استهزای ایشان

با حق قدرت پرور شدند

پس بار پادشاه عالم

شان چنان سخت

گردید که تمامی از ایشان







بَصُرَ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يُنْسَسْكَ خَيْرٌ فَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝

بویست بصری که کشف نیست از او مگر او و اگر بپوشانند تو را خیر پس او بر همه چیز

قَدِيرٌ ۝ وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ ۝ قُلْ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ

قادر است و او است غالب بالای بندگان خود و او است دانایان آگاه بگو چه چیز

أَكْبَرُ شَهَادَةً قُلْ اللَّهُ شَهِيدٌ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَأُوحِيَ إِلَيَّ هَذَا

بزرگتر است در باب شهادت و خداست و من اظهار حق کننده است میان من و میان شما و وحی کرده شد بسوی من این

قُرْآنٌ لِأَنْذِرْكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ أَتَيْنَا لَكُمْ لَتُشْهَدُوا أَنْ مَعَ اللَّهِ إِلَهٌ

قرآن تا بیم کند شمارا بآن و بیم کند آنرا نیز که قرآن باو برسد آیا شما انبیا هستید خدا باین

آخَرَى قُلْ لَا أَشْهَدُ قُلْ إِنَّمَا هُوَ اللَّهُ وَاحِدٌ وَإِنِّي بِرِسَالَتِهِ

دیگر بگو من شاهد نیستم بگو جز این نیست که او خداست یگانه است و هر که بیزد من بیزد از او بگو شما

لَكُمْ كُونَ ۝ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْهُمْ كُتِبَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ آبْنَاءَهُمْ

سزاوارست مقرر می کنند آنرا که ایمان را کتاب داده ایم می شناسند حقیقت این قول را مثل چنانکه می شناسند پسران خود را

الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ۝ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى

آن که زیان کار شدند در حق خویش پس ایشان ایمان نمی آرند و کیست ستم گار تر از کسی که بر نسبت بر

اللَّهُ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُقَالُ الظَّالِمُونَ ۝ وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ

نقدار و روزی ما را شکستید گرد آیات او را هر آینه رستگاری نمی شود ستم گاران و یاد کن روزی را که حشر کنیم همه ایشان را

نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا آيِنُ شَرِكَاؤُكُمُ الَّذِينَ كُنتُمْ تَزْعُمُونَ ۝ ثُمَّ لَكُمْ تَذَكُّرٌ

گوییم شریکان را بخاندان شریکان شما که ایشان را بطن اشبات می کردید که باب آنها دعوی داشتند پس نباشد

فَتَنَّهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا وَاللَّهِ رَبَّنَا مَا كُنَّا مُشْرِكِينَ ۝ أَنْظِرْ كَيْفَ كُنَّا عَالَمًا

غدر ایشان مگر آنکه گویند قسم بخدا پروردگار ما که ما مشرک نبودیم بنگر چگونه دروغ گفتند بر

أَنْفُسِهِمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْكُرُونَ ۝ وَمِنْهُمْ مَن يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ وَ

خویشش و کم گشت از ایشان آنرا افشرد می کردند و از ایشان کسیست که گوش می بیند بسوی تو و

جَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِنْ يَرْجِعُونَ

بپدید آورده ایم بر دل ایشان پردی که بفهمند آن را و در گوش ایشان گرائی را دادیم بر ایشان

آيَةُ الْيَوْمِ مَوْتُهُمْ إِذَا جَاءُوكَ يُجَادِلُونَكَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا

آیه (نموده) ایشان میارند به آن تا چون بمیانند نزد تو جدال و محافهت کنند با تو گویند آنرا که کافران

فل یعنی اظهار حق کردن و الله اعلم ۱۲ فل یعنی کلمه توحید ۱۲ تفسیر عثمانی ع و تفسیر گفت خدا مالک هر نفس و ضرر و بر مذهب بندگان عا و تا بر د از پروردگار و با خبر است نسبت بر شهادت دے شهادت که بلند تر دے کوش تر شده می تواند من نیز در میان خود و شما در او آویزایم از نام زیر من دعوی رسالت کرده پیام او را بشمارانم و چیزیکه شما در جواب آن یابن و بیایم بر دانی بعل آورده ایم همه در پیشگاه الهی موجود است او خود موافق علم محیط خویش میان من و شما فصلی کند عه علاوه بر اینکه این دو مثال گواه صداقت من است و قرآن کریم در این باره بطور ناظر و غیر قابل تردید شهادت می دهد این کتاب (پروعه و نقدی) نیز که آنها را عالم به کتب آسمانی دانسته و باره من بایشان رجوع می نمایند در دل یقین دارند که باین نبی آخر الزمان کانیای ایشان در باره آن را بشارت می دانند آنها چنانکه در میان جماعت بزرگ اطفال در معرفت پسران خود به دقت احتیاجی نیست کم چنین در معرفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و سلم صداقت قرآن بیچ شبهه تردیدی نباشد البته حسد بکبر تقلید پدران حسب مال و جاه و امش آن اجازه نمی دهد که

مشترب بر اینان شده و ایشان را از زبان جادوان و پاک ایادی بخت رفته











فتح الرحمن  
وَلَمْ يَكُنْ

فَرَادَانِ وَادِيمَ وَنَدِيمَ

اَعْلَمَ وَنَدِيمَ بَعْنِي بَلَاك

رَوْدَه نشوند ۱۲

تفسیر عثمانی

عنه حضرت شاه

رحم الله من كونه دنگ

در توبه كنند چشم و

گوش و دلی که در این

وقت موجود است

شاید باز بدست

نیاید و توبه نوبه و

استغفار نیاید

و ناگهان یعنی عذابی

که علامات آن پیشتر

ظاهر نشده لهذا مراد

از "جهرة" آن

عذاب است که بعد علامت

آن ظاهر میشود و

اگر چه پیغمبر خدا از

نوع بشر نیست

ایمان او و دیگران

تفاوت از زمین تا

آسمانست قوی

بشری و نوع است

علی - علی - میان

پیغمبر و غیر پیغمبر و

بیروی علی چنان

تفاوت است که میان

اخی و لیجری بیافا و

ناپیدا تفاوتی

باشد چشم دل پیغمبر

برای برای نگاه

رضیات الهی تجلی

و بانی بازی باشد که

دیگران از مشایخ

آن بلا واسطه

محمودند اما حال

بیرونی علی

چنان است که

پیغمبر و غیر پیغمبر و

کردار خود و در جوش

و سکون خویش تاریخ

رسمی الهی و متفاد

علم قدسی باشد و

محافظ دینی باشد

قَسَتْ قُلُوبَهُمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ فَلَمَّا

سخت شد دل ایشان و زینت داد در نظر ایشان شیطان آنچه می کردند پس چون

سخت شد دل های ایشان و آراست در نگاه ایشان شیطان آنچه می کردند پس چون

نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ ۝ حَتَّى إِذَا فُزِّعُوا

فراموش کردند آنچه تذکر داده شد ایشان را باز گشایم برای ایشان در باطن هر چیز و تا آن هنگام که ایشان را گشود

فراموش کردند آن بختی را که داده شد به ایشان گشایم برای ایشان در باطن هر چیز تا هنگامی که ایشان را گشود

بِمَا أَوْتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً ۝ فَاذْهَبْهُمْ مُبْلِسُونَ ۝ فَفُطِمَ ذُرِّي الْقَوْمِ

بآنچه دادیم ایشان را و در غریب کشیدیم ایشان را تا که ایشان را گشود پس بریده شدند و گشود

بآنچه دادیم ایشان را و در غریب کشیدیم ایشان را تا که ایشان را گشود پس بریده شدند و گشود

الَّذِينَ ظَلَمُوا ۝ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَخَذَ

ستمگاران و ستمگاران خدا را راست برود و نگار عالم است

ستمگاران و ستمگاران خدا را راست برود و نگار عالم است

اللَّهُ سَمْعَكُمْ وَأَبْصَارَكُمْ وَخَتَمَ عَلَى قُلُوبِكُمْ ۝ مِنَ اللَّهِ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمُ

خدا شنوای شما را و چشم های شما را و مهر کند بر دلبسته شما کیست خدا غیر الله تعالی که آنرا بیارد

خدا شنوای شما را و چشم های شما را و مهر کند بر دلبسته شما کیست خدا غیر الله تعالی که آنرا بیارد

بِهِ أَنْظِرْ كَيْفَ نَصَرْنَا فِي الْآيَةِ ثُمَّ هُمْ يَصُدُّونَ ۝ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ

بشما پس چگونه گوناگون میان می کنیم آنها با شما ایشان را و گردان میشوند

بشما پس چگونه گوناگون میان می کنیم آنها با شما ایشان را و گردان میشوند

أَتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ بَغْتَةً أَوْ جَهْرَةً ۝ هَلْ يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمُونَ ۝

بیاید بشما عذاب خدا ناگهان یا آشکارا آیا پاک کرده شوند و گشود ستمگاران و

بیاید بشما عذاب خدا ناگهان یا آشکارا آیا پاک کرده شوند و گشود ستمگاران و

مَا تُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ ۝ قَمِيسٌ آمِنٌ وَأَصْلَحُ

نی فرستیم پیغمبران را مگر بشارت دهنده و بیم کننده پس هر که ایمان آورد و نیکی کردی کردی

نی فرستیم پیغمبران را مگر بشارت دهنده و بیم کننده پس هر که ایمان آورد و نیکی کردی کردی

فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ۝ وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْحَبُهُمْ

پس هیچ ترس نبود بر ایشان و نه ایشان اندر بپوشند و گشود بدو و گشود بدو و گشود بدو

پس هیچ ترس نبود بر ایشان و نه ایشان اندر بپوشند و گشود بدو و گشود بدو و گشود بدو

الْعَذَابُ مَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ۝ قُلْ لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ

عذاب بسبب ناسحق بودن ایشان

عذاب بدان جهت که ناسحق بودند

وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبُ وَلَا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ ۝ إِنْ أَتَيْتُمُ الرِّجَالَ حَتَّىٰ لَأِ

و نه می گویم که می دانم غیب را و نه می گویم که می دانم غیب را و نه می گویم که می دانم غیب را

و نه می گویم که می دانم غیب را و نه می گویم که می دانم غیب را و نه می گویم که می دانم غیب را

و نه می گویم که می دانم غیب را و نه می گویم که می دانم غیب را و نه می گویم که می دانم غیب را

و نه می گویم که می دانم غیب را و نه می گویم که می دانم غیب را و نه می گویم که می دانم غیب را



يَتَّقُونَ ۝ وَلَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ زُهْمًا بِالْعَدْوِ

و دور گمن گشته را که مناجات می کنند به پروردگار خویش بامداد و دور گمن گشته را که مناجات می کنند به پروردگار خویش بامداد

وَالْعَشَىٰ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ ۖ مَا عَلَيْكَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَمَا مِنْ

و سحر می طلبند و سحر می طلبند بر تو از حساب ایشان چیزی نیست و نیست از حساب تو بر ایشان چیزی نیست تا برای ایشان پس تو باشی از نظامان عالم چنین

حِسَابِكَ عَلَيْهِمْ مِنْ شَيْءٍ فَتَطْرُدَهُمْ فَكَفَرُوا مِنَ الظَّالِمِينَ ۝ وَكَذَلِكَ

حساب تو بر ایشان چیزی نیست تا برای ایشان پس تو باشی از نظامان عالم چنین و گنایان

فَتَابَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ يَكْفُرُوا ۚ أَمْ لَهُمْ آلَاءٌ مِنْ اللَّهِ عَلَيْهِمْ مِنْ بَيْنَاتٍ أَلَيْسَ

فشان کردند بعضی را بر بعضی که گویند آیا اینها نعمت الهی است خدا برای ایشان از آیهان ما خدا را نیست

اللَّهُ يَاعُلَمُ بِالشَّاكِرِينَ ۝ وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا

خداوند از شاکر کنندگان و چون بیایند پیش تو که آیه ها را آورده اند یا نیت باشد

فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَىٰ نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ ۚ أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ

پس بگو سلام علیکم لازم کرده است پروردگار شکر بر خود مهر بانی را لازم کرده است که هر که کند

مِنْكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝

از شما کار بد بنا دانی باز توبه کرد بعد از آن و نیکی کرد پس بخود آمرزنده مهر آن است

وَكَذَلِكَ نَقُصُّ عَلَيْكَ الْآيَاتِ وَلِتَسُبِّحَ سُبُّهُ الْمُسْلِمِينَ ۚ قُلْ

و همچنین تفصیل می کنیم نشانیها را و تا ظاهر شود راه سنجش کاران و تا پدید آید نشانیها را و تا ظاهر شود راه سنجش کاران

إِنِّي مُخَيِّمٌ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ ۚ قُلْ لَا آتِيَعُ

ایستادم که بپروردگار من را که مناجات کنم آن گشته را که مناجات می کنند به پروردگار من

أَهْوَاءَكُمْ ۚ قَدْ ضَلَلْتُ إِذَا مَا أَنَا مِنَ الْمُهْتَدِينَ ۚ قُلْ إِنِّي عَلَىٰ بَيِّنَةٍ

از راه راست گمراه شده باشم و گمراه باشم از راه راست گمراه شده باشم از راه راست گمراه شده باشم

مِنْ رَبِّي ۚ وَكَذَلِكَ بَيِّنَةٌ مَا عِنْدِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ ۚ إِنَّ اسْمَ اللَّهِ الرَّحْمَنِ

از پروردگار خود پروردگار را که مناجات کنم آن گشته را که مناجات می کنند به پروردگار من

يَقْضُ الْحَقُّ وَهُوَ خَيْرُ الْفَاصِلِينَ ۚ قُلْ لَوْ أَنَّ عِنْدِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ

بیان می کند حق را و او بهترین فیصله کننده گان است بگو اگر بودی من آنچه بخواهی می طلبیدش

بِهِ لَقَضَىٰ الْأَمْرَ بِلَيْتِي وَبَيْنَكُمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِالظَّالِمِينَ ۝ وَعِنْدَهُ

بر آید با تمام رسیده شده کار میان من و میان شما و خدا را تا فراموشی و نزدیکی اوست

بِرَأْسِهِ يَجْمَعُ السَّاعَةَ ۚ وَهُوَ خَيْرُ الْفَاصِلِينَ ۚ قُلْ لَوْ أَنَّ عِنْدِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ

بر آید با تمام رسیده شده کار میان من و میان شما و خدا را تا فراموشی و نزدیکی اوست

فلان رؤسای کفار یا حضرت گفتند که ما را امر است که با فقرا و مسکین صحبت داریم ایشانرا از مجلس خود بیرون نکن تا با تو بشنیم خدا را آیت فرستاد ۱۲ و ظاهر از نزدیک مترجم آنست که این را و زانند است شل و او و تحت ابوابها ۱۲ و این معنی است در اختیار نیست کفیر عثمان ۱۲ و ظاهر حال آنها بودی می سازد که شب و روز در عبادت و حصول رضای خدا مشغولند مناسب آن رفتار کن معاملات بر تقنین حساب این امر و توفیق نیست که حال آنان آنها چه میشود ۱۲ یا معنویت شان چون مدت حساب تو بر ذمت آنهاست و نه از آنها بر عهده تو فضا اگر توبه طبع پیدا تو اگر آن خلصان بیخوار از نزد خود برانی و در اذالافتا است و موضح القرآن است که بعضی از رؤسای کفار حضرت بگویند که ما میخواهیم سخنان ترا بشنوم اما نزد تو مردم هست می شنیدند که نمی توانیم برابر آنها بشنیم این آیت در این باره نازل شد یعنی طایف خدا اگر چه بخواست خاطر او مقدم می باشد

و اگر از این جهت است که آنها بخواهی بشنوند و نتیجه می کنند که بیخواران چو شایسته سخن خدا نباشند اول بای شایسته بندگان حق خدا را قبول کرده اند



فتح الرحمن

فل یعنی انواع علم  
غیب ۱۲ فل یعنی  
وقت نوم ۱۲ فل یعنی  
از محبت با سئ  
بیایان دور با ۱۲  
یعنی چنانکه سنگ بر  
نوم لوط بارید ۱۲  
فل یعنی چنانکه تار  
بر زمین رفت فل  
یعنی افواج مقتده  
پیدا شود و باید که  
جبرگ سند ۱۲  
آفرین عثمان  
ع ملای که  
مفتاح راجع  
فتح فتح  
بسم ترجمه کرده اند  
مفتاح الغیب را  
تجملهای غیب ترجمه  
کرده اند و نوزده گانه  
که فتح مفتوح به کسریم  
است آنها مفتاح  
الغیب را موافق  
مترجم ترجمه کرده اند  
گروه اند یعنی کلید  
بای غیب مطلب  
این است تجملهای  
غیب کلیده های آن  
تکلیف قدرت خداست  
از ان تجملها بر وقت  
و هر قدر به سر گذارد  
می کشاید دیگری را  
قدرت نیست که عقل  
و حواس یا دیگر آلات  
ادراک تواند فهم  
غیبی فرارسد یا بران  
مقدار غیوب که خدا  
بر وی مشکفی گرداند  
تواند از خود چیزی  
بیفزاید زیرا مفتاح  
علوم غیب دوست  
وی نبوده شد و اگر چه  
یکی از بندگان بر  
ملیون اجزایات و فل  
غیبی آگاه کرده شده  
باشد باز هم علم او  
و کمالات غیب را که

مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبُرُوجِ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ

کلید بای غیب فل یعنی دانندش مگر او و می داند آنچه در بیایان دور یا است و می افتد  
کلید بای غیب فل یعنی دانندش مگر او و می داند آنچه در بیایان دور یا است و می افتد

مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِي ظِلْمِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَكْبِتُ

برنج بزرگ الی دانندش و می افتد آنچه در تاریکی است زمین و نه هیچ تری و نه خشکی  
برنج بزرگ مگر می دانندش و می افتد آنچه در تاریکی است زمین و نه هیچ تری و نه خشکی

الْأَرْضِ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ۝ وَهُوَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُم بِاللَّيْلِ وَيَعْلَمُ مَا جَرَحْتُم

الا ثبت است در کتاب روشن و دوست آنکه قبض روح شما کند شب است و می داند آنچه کس کردید  
مگر ثبت است در کتاب روشن و دوست آنکه قبض روح شما کند شب است و می داند آنچه کس کردید

بِالنَّهَارِ ثُمَّ يَبْعَثُكُمْ فِيهِ لِيُقَظَّ أَجَلٌ مُّسَمًّى ثُمَّ إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ ثُمَّ

بروز باز برمی آید و شمارا در روز تا با تمام رسانیده شود و میعاد معین باز بسوخته و باز گشت شماست باز  
بروز باز برمی آید و شمارا در روز تا با تمام رسانیده شود و میعاد معین باز بسوخته و باز گشت شماست باز

يُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۝ وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَيُرْسِلُ

خبر دهد شمارا به آنچه می کردید و دوست غالب بالای بندگان خود و می فرستد  
خبر دهد شمارا به آنچه می کردید و دوست غالب بالای بندگان خود و می فرستد

عَلَيْكُمْ حَفَظَةً حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ

بر شما ملائکه که نگاهبان تا وقتیکه بیاید به کسی از شما مرگ قبض روح او کنند فرستادگان ما و ایشان  
بر شما ملائکه که نگاهبان تا وقتیکه بیاید به یکی از شما مرگ قبض روح او کنند فرستادگان ما و ایشان

لَا يُفِرُّونَ ۝ ثُمَّ رَدَدْنَاهُ إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمُ الْحَقُّ ۝ أَلَا لَهُ الْحُكْمُ وَهُوَ

نقیص نمی کنند باز گردانیده شوند مردگان بسوی خداوند ایشان که حق است مردان راست حکم و او  
نقیص نمی کنند باز گردانیده شوند مردگان بسوی خداوند ایشان که حق است مردان راست حکم و او

أَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ ۝ قُلْ مَنْ يُنْجِيكُمْ مِنْ ظِلْمِ الْبُرُوجِ وَالْبَحْرِ تَدْعُونَ

شما را برترین حساب کنندگان است بگو کیست که می داند شمارا از تاریکی بیایان دور یا که مناجات میکنند بگو  
شما را برترین حساب کنندگان بگو کیست که می داند شمارا از تاریکی بیایان دور یا که مناجات میکنند بگو

تَضَرَّعًا وَخَفِيَّةً لِّئِنْ أَنْجَيْنَا مِنْ هَذِهِ لَنُكَفِّرَنَّ مِنَ الشُّكُورِ ۝ قُلْ

بزرگی و نیاز و پنهانی می گویند اگر رهایی و به ما از این و محنت بر آید با شکر از شکر کنندگان بگو  
بزرگی و نیاز و پنهانی و اگر رهایی و به خدا را از این شدت بر آید با شکر از شکر کنندگان بگو

اللَّهُ يَنْجِيكُمْ مِنْهَا وَمِنْ كُلِّ كَرْبٍ ثُمَّ أَنْتُمْ مُشْكِرُونَ ۝ قُلْ هُوَ الْقَادِرُ

خدا می راند شمارا از آن محنت و از هر اندوه به باز شما شریک او مقرری کنید بگو دوست توانا  
خدا می راند شمارا از آن و از هر سختی باز شما شریک مقرری کنید بگو دوست توانا

عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِّنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ

بر آنکه فرستد بر شما عذاب از بالای شما یا از زیر پای شما یا از زیر پای شما یا از

يَلْسِكُمْ سُيُوفًا وَيَنْزِلْ بِكُمْ بَعْضُكُمْ بِبَعْضٍ أَنْظِرْكُمْ نَصْرًا وَلَا يَنْصُرْكُمْ

بجز آنکه شمارا با شمشیر براند و بعضی شما را بعضی بکشد بعضی شما را بکشد بعضی شما را بکشد بعضی شما را بکشد  
بجز آنکه شمارا با شمشیر براند و بعضی شما را بعضی بکشد بعضی شما را بکشد بعضی شما را بکشد بعضی شما را بکشد

لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ ۝ وَكَذَّابٌ بِهِ قَوْمُكَ وَهُوَ الْحَقُّ قُلْ لَسْتُ عَلَيْكُمْ

تا به نبیند و بدو و نسبت کرده قرآن را قوم تو و آن راست است بگو نیستم بر شما  
تا ایشان به نبیند و بدو و نسبت کرده قرآن را قوم تو و آن راست است بگو نیستم بر شما

تا ایشان به نبیند و بدو و نسبت کرده قرآن را قوم تو و آن راست است بگو نیستم بر شما



يُكَلِّمُ الْكُلَّ نَبِيًّا مَسْتَقَرًّا وَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ۝ وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُضُّونَ

وچون برین آما ملاک بحث شروع می کنند وچون برین آمان را که گفتگوی کنند

فِي أَيْتَانَا عَضُّ عَنَهُمْ حَتَّى يَخُضُّوا نَأْتِيهِمْ مِنْ غَيْرِهِ ۝ وَإِنَّمَا يُنِيبُكَ

در آیت های ما پس رو بگردان از ایشان تا در فتنه بحث شروع کنند در غیری و اگر فراموش گردانند ترا

الشَّيْطَانُ فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرِىٰ مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ۝ وَمَا عَلَى الَّذِينَ

شیطان پس نشین بعد یاد آوردن با گروه ستمکاران و نیست بر کسی

يَتَّقُونَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَلَٰكِنْ ذُكِّرُوا لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ۝ وَإِذَا رَأَيْتَ

بهریز گاری که روند از حساب کافران چیزی نیست و لیکن در تذکره اند که بترسند و اگر

تَخْذُلْهُمْ لِيُذْهِبَ اللَّهُ عَنْهُمْ أَصْحَابَ الدُّنْيَا وَذُكِّرُوا بَلَّاسًا ۝ وَإِنَّمَا يُنِيبُكَ

درین خود گفتند باری و لیه و فریفت ایشان را از دنیا و پندیده بفرمان برائے احتیاط از آنکه ستمکاران

نَفْسٌ يَأْكُسِبُ كَيْسَ لَهَا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيٌّ وَلَا تَضْلِكُ ۝ وَإِنَّمَا يُنِيبُكَ

نفس را بسبب آنچه کرده است نیست او را بجز خدا هیچ دوست و نه شفاعت کننده و اگر

تَعْدِلْ كُلَّ عَدْلٍ لَّا يُؤْخَذُ بِهَا ۝ وَإِنَّمَا يُنِيبُكَ كَيْسَ لَهَا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيٌّ وَلَا تَضْلِكُ ۝

عوض خود بد بر بد است که خواند گرفته نشود از دین آن جامه آنرا که ستمکاران است و اگر

شَرَّابٌ مِّنْ حَمِيمٍ ۝ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝ كَاذِبُونَ ۝ قُلْ أَدْعُوا إِلَىٰ مَا نَدْعُوا ۝

آتش میدانی از آب جوشانیده و عذاب درد دهنده بسبب آنکه کافری بودند بگو آیات مناجات

اللَّهُ مَا لَنَا نَنْفَعُهُ وَلَا يُضِرُّكَ وَأَنْزَلَ عَلَيْنَا عَاقِبَةَ أَعْتَابِنَا ۝ وَذُكِّرُوا بَلَّاسًا ۝

خدا کسی را که نفع ندهد و زیان نرساند ما را باز گردانیده شویم بر پا شهادت خود بعد از آنکه راه راست نموده است راه را خدا

أَسْتَهْوَتْهُ الشَّيْطَانُ فِي الْأَرْضِ حَيْرَانٌ ۝ لَهُ أَصْحَابٌ يَدْعُونَهُ إِلَىٰ

گمراه کرده باشند او را پریان در زمین حیران مانده مراد ایا دارند که می خوانندش بسوی

الْهُدَىٰ ۝ إِنَّمَا يُنِيبُكَ كَيْسَ لَهَا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيٌّ وَلَا تَضْلِكُ ۝ وَإِنَّمَا يُنِيبُكَ

راه راست که بسوی هدایت خدا جان است هدایت حق و دهنده شده است راه را خدا

الْعَالَمِينَ ۝ وَإِنَّمَا يُنِيبُكَ كَيْسَ لَهَا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيٌّ وَلَا تَضْلِكُ ۝ وَإِنَّمَا يُنِيبُكَ

عالمین را و بر پا دارنده نماز را و بر سید از خدا دوست آنکه بسوی او حشر کرده خواهد شد

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ بِالْحَقِّ ۝ وَهُوَ يَقُولُ كُنْ فَيَكُونُ ۝

و اوست آنکه بیافرید آسمانها و زمین را بحدیث حق و درینیک بفرماید و ک بشود

و اوست آنکه بیافرید آسمانها و زمین را بحدیث حق و درینیک بفرماید و ک بشود

فصل فی تفسیر عثمانی  
عنه صفت ستمکاران  
این است که گمراهان  
را نصیحت کرده براه  
راست آرند و کسی  
از خدا اگر بترسد به آستان  
دیگری سر نهاده اند  
برای سجده کردن  
در پیشگاه حضرت  
خداوند بکار فکر کنند  
از مسلمان این توقع  
نیخواست که جز خدا  
بجستجوستی دیگری  
سر خم نماید که در اختیار  
وی نه سود است و نه  
زیان یا در صحبت  
ایم باطل جامه بپوشد  
توحید و ایمان را  
باز گرداند و یا بسوی  
راه های ستمکاران و غیبا  
شرب بر گردد اگر  
مساده الله چنین کند  
مثال وی چون مسافر  
که بارش قای  
را ششاس در  
آنجا سفری کرد  
تا گنجهن طویل میدان  
فرشش داد و از راه  
برد او حیران و بهت  
زده هر طرفی می گود  
رفقایش بدل سوزی  
فرادی گفته اینجا  
بیا این طرف راه  
راست اما وی  
حیران و غمناک الحواس  
شده نه چیزی میداند  
و نه آن طرفی آید  
بدانیکه برای مسافر  
آشفت نیز راه است  
اسلام و توحید است  
و آنکه بهت باعث  
و میبش این سفر  
بیایان می رسد حضرت  
پیغمبر است و متابعت  
وی پیروی می کند  
چون ستمکاران را که  
درینیک بفرماید و ک بشود  
و اوست آنکه بیافرید آسمانها و زمین را بحدیث حق و درینیک بفرماید و ک بشود



فتح الرحمن

وَلَا يَخَافُ عَذَابَ رَبِّهِ

ظاهر کردیم که بتعالی

عبادت نیستند نیز

ظاهر ما بنیم که ستاره

و هر چه در آسمانهاست

در زمین لایق عبادت

نیست و او قادر و

لیکن زانکه است

والله اعلم

یعنی از انواع محبت ۱۲

تفسیر عثمان

عده دانشمند شهر

یورپ و یونان گوید

مکن نیست حرکات

کنونی ستارگان محض

نتیجه فعل قوه جاذبه

عومی باشد قوه جاذبه

ستاره گان را سوس

خورشید جذب می

کند اما برای حرکت

ستارگان بر مدار

خورشید باید قدرت

خدا می موجود باشد

قدرتی که با وجودش

قوه جاذبه می تواند

ستاره گان را بر مدار

شان استوار

نگهدارد و در هیچ یک

از اسباب طبیعی

چنان اعلی وجود

نیست که تواند این

قوله الحق و لعل الملك يوم ينفخ في الصور علم الغيب والشهادة

حق او درست است و مراد است پادشاهی روزی که دمیده شود در صوردا شده پنهان و آشکار است

و هو الحكيم الخبير و اذ قال ابراهيم لابيه ان اتخذ اصناما

داو استوار کار آگاه و یاد کن چون گفت ابراهیم پدر خود آید خدا میگری بستان را

الاله اتني اراك وقومك في ضلال مبين و كذالك نرى ابراهيم

بر آید من می بینم ترا و قوم ترا در گمراهی ظاهر و هم چنین می نمودیم ابراهیم را

ملكوت السموات والارض ليكون من الموقنين و فلما سخن عليه

ملک آسمانها و زمین تا از یقین کنندگان باشد و پس چون تاریک شد بدو

النیل را اوكما قال هذا اني فلما اقل قال لا احب الاذلين و فلما

شعب دید ستاره گفت ایست پروردگار من پس چون فرو رفت گفت دوست ندارم فرودندگان را پس چون

را القمر بازغا قال هذا اني فلما اقل قال لئن لم تهدني ربی لاكون

دید ماه را طلوع کرده گفت ایست پروردگار من پس و قتی که فرو رفت گفت اگر به ایت نماند مرا پروردگار من شوم

من القوم الضالین و فلما را الشمس بازغا قال هذا اني هذا

از غروب گرایان پس و قتی که دید آفتاب را طلوع کرده گفت ایست پروردگار من این

اکبر فلما اقلت قال يقوم اني بری فلما تشرکون و انی و تهمت و تهمی

بزرگتر است پس چون فرو رفت گفت ای قوم من بر آید من بزرگتر از آنچه شرک می کنید بر آید من متوجه ساجده می نمود

للذی فطر السموات والارض حنیفا و ما انا من المشرکین و حاجه

بپس کسی که بیافرید آسمانها و زمین در حالتیکه حنیف و بیستم از مشرکان و جدال کردند با او

قوله قال اتعاجلونی فی الله وقد هدین ولا اخاف ما تشکون

قوم او گفت آیا جدال می کنید با من در باب خدا و تحقیق هدایت کرده است مراد می ترسم از آنچه شما شرک می کنید

بانه الا ان تشاء انی شیاء و یسمع ربی کل شیء علیها افلا تتنبهون

با خدا و لیکن می ترسم از آنکه پروردگار من اراده کند چیزی که نخواهد کرد و حق او را هر چه می گوید

و کیف اخاف ما اشركتم ولا تخافون انکم اشركتم بالله ما لم ينزل به

و چگونه ترسم از کسی که او را شرک می کنید و شما نمی ترسید از آنکه شرک کردید چیزی را که فرود نمانده است

علیکم سلطان فاقی الفرقین احی بالامن ان کنتم تعلمون

بر شما دین بر آید آن پس کدام یک ازین دو گروه سزاوارتر است با من بگویند اگر می دانید

بر شما دین بر آید آن پس کدام یک ازین دو گروه سزاوارتر است به من بگویند اگر می دانید

استوار شده

که هیچ مسبب طبیعی نمی تواند آن نوایس محفوظ و منظم را مربوط نموده پس باید معترف شد که تمام این نظام تحت فرمان حکیم و علیمی است - یعنی بر مفعول ۱۳



الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ

و این چنین کردند و دنیا میمنتی را بر خود را بشکر آن جماعت راست ایمنی و ایشانند

ویریک حاجتنا اینها ابراهیم علی کوفه رفیع درجیت

مَنْ تَشَاءُ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ ① وَهَذِهِ آيَاتُ الْعِزَّةِ الْعَظِيمِ

پیر کریم خان پیر و دگار تو استوار کار و نا است و عطا کریم ابراہیم راسحاق و یعقوب  
 پیر کریم خان پیر و دگار تو با حکمت و انانیت و شہدیم ابراہیم راسحاق و یعقوب

وَوَهَدَيْنَا مِنْ قَبْلُ وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِ دَاوُدُ وَسُلَيْمَانُ وَ

وَيُؤْتِيهِمُ الْيُسْرَىٰ وَإِنَّهُمْ لَكَاثِبُونَ ﴿٥٠﴾

ایوب و یوسف و موسیٰ	و یاروں را	و ہم چین جزامی و ہم	نیکو کاران را
ایوب و یوسف و موسیٰ	و یاروں را	و ہم چین جزامی و ہم	نیکو کاران را

وَأَنْذِرْ يَا وَحِيدٌ وَعِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ إِمَّا يَأْتِيَنَّكَ السَّاعَةُ تَتَنَجَّسُ بِالْحَبِيبِ ۚ

و درایت کردیم و گریا و فغان و یاس را هر یک از صاحبان بود و در دایت کردیم اسمعیل و

د هر یک را فضل دادیم بر اهل زمان و هدایت کردیم بعضی را از بیداران ایشان و  
د هر یک را فضیلت دادیم بر عالمیان و هدایت کردیم بعضی را از بیداران ایشان و

وَإِخْوَانِهِمْ وَأَجْتَنِبْنَهُمْ وَهَدَيْنَهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ٥

اولاد ایشان و برادران ایشان و بر خیزدیم ایشان را و ولایت کردیم ایشان را بموسی و نام داشت

ہدایت خدا دالت می کند بدان هر کس را خواهد از زندگان خویش و اگر کسی یک مقرر میکرد و ناله و دردها

لَهُمْ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٦﴾ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ اتَّيْنَهُمُ الْكِتَابُ الْحَكِيمَ

این جمله آنراست که دادیم ایشان را کتاب و شربت و پنهانبری

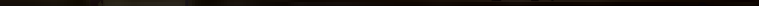
وَأَن يَتْلُوهُ هُوَ (۱) قَدْرًا مِّنْ لَّدُنَّهَا وَلِيًّا (۲) فَوَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ الْبَيْتَ أَن يُقَرَّبُوا إِلَيْهِ كَذُوبٌ سَاءٌ (۳)

وَالَّذِينَ هَدَىٰ اللَّهُ فَيُتْلُوا حُكْمًا مُّسْتَقِيمًا ۖ فَتُحْمَلُهُمُ الْمَلَائِكَةُ حَقْلًا ۚ ذَٰلِكَ جَزَاءُ الَّذِينَ هَدَىٰ اللَّهُ ۚ وَاللَّهُ يَهْدِي مَن يَشَاءُ ۚ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ۚ

کے لئے اندک بہایت کرو ایسا خدا پس پرورش ایسا ان اقتدار کن جو سواری کی کھمبا شہر پر بیٹھا رہا، یہ نیدن از خدا کے پیغمبر و سید تائین

وَمَا قَدْ رَوَى اللَّهُ عَنْهُ وَمَا قَدْ رَوَى اللَّهُ عَنْهُ وَمَا قَدْ رَوَى اللَّهُ عَنْهُ

و لعلیم فکر و خدا را چنانچه سزاوار تعلیم باشد چون گفتند و فرمود است خدا پر





آیات توبیت و قرآن  
 اظهار کرد و الاسبق  
 بیقین پیدا است ۱۲  
 و حاصل آنست که  
 اگر بود گویند که خدا  
 تعالی هیچ بشر و حی  
 نمیفرستد نقض کرده  
 میشود تورات و اگر  
 گویند میفرستد استبعاد  
 فرستادن قرآن مجید  
 تعصب است پس  
 اذ قوا ایلمه ان  
 قالوا کفر شد ۱۲  
 و مترجم گویند ایلمه  
 ادلاعب را کرده شد  
 که زبان بی نمی فهمد  
 ثانیاً جمع اهل ارض  
 را بواسطه ترجمه پس  
 اینجا اقتدار اول مرا  
 دست مانند آیت  
 بود الذی بعث فی  
 الایمین رسولاً منهم  
 یتلو علیهم آیات اللّه  
 و در آیت و تالیفات  
 الارقمه لعلهم یفهم  
 از اولی و تالیفات  
 ۱۲ و لیست اعتقاد  
 مثلاً که بجا رسوای  
 از هر آیه ای است و  
 اتفاق سلف و پس  
 بر آنست و تالیفات  
 و لیست انسانی  
 کتابی مثل قرآن و تالیفات  
 کرد انشاء بطریق  
 مثل انزال  
 گفته شد ۱۲  
 یعنی میفرستد انشاء  
 تفسیر عثمانی  
 علی نه کلامی برود  
 کفشی بپاییدست  
 ی آید سازد سال  
 که بان فری  
 کردید با خود  
 بنادیده و تالیفات  
 می آید شده  
 کسینگی می آید  
 بنیام سنی نشاء

بیشتر من ثمنی عاقل من انزل الکتب الذی جاء به موسی نوراً و  
 هیچ آدمی چیز (بجو) بهر س که فرو فرستاد کتابی که آورده است او را  
 موسی روشن و  
 موسی روشن و  
 هدی للناس تجعلونه قراطیس تبدوها و تخفون كثيرا و علیکم  
 هدایت مردمان را می گردانید و او قسم در تها آشکارا می کنید آنرا و پنهان می کنید بسیاری را و آموخته شدید یعنی در قرآن  
 هدایت مردمان را می گردانید و او قسم در تها آشکارا می کنید آنرا و پنهان می کنید بسیاری را و آموخته شدید  
 قال تعلموا انکم ولا ابائکم ما قبل الله لکم درهم فی خوضهم یلعبون  
 آنچه می دانستید شما و نه پدران شما بگو آنکه آورد و باز بگزاران آن را در خرافات شان بازی می کنند  
 و هذا کتب انزلناه مبرک مصدق الذی بین یدیه و لیستند راکم  
 و این قرآن کتاب باریک است که فرستادیم او را باریک است با و در دانه آنچه پیش از او بود و تا بیم کنی  
 و این آن کتابی است که فرستادیم آن را باریک است که تقدیر کننده آنچه پیش از او بود و تا بیم کنی  
 القری و من حولها و الدین یؤمنون بالآخرة یؤمنون به و هم علی  
 که را و کسانی را که گرد که ساکن اند و محققان آخرت البیت ایمان می آرند بقرآن و ایشان بر  
 که را و کسانی را که گرد که ساکن اند و آن کسانی که ایمان آورده اند با آخرت ایمان می آرند بقرآن و ایشان بر  
 صلاتهم یحافظون و من اظلم من انتری علی الله کذباً و قال  
 نماز خود محافظت می کنند و کیست ستمگر تر از کسی که بر بخت بر خدا دروغ می یاف  
 نماز خود محافظت می کنند و کیست ستمگر تر از کسی که بر بخت بر خدا دروغ می یاف  
 اوحی الی و لم یوح الی شیء و من قال سائر مثل ما انزل الله و لو تری  
 وحی فرستاده شده است و تحقیق که فرستاده شده است بسوی و چیزی از کسی که گفت خود خواهم آورد مانند خود آورده خداوند تعالی  
 که می فرستاده شده من و حال آنکه می فرستاده شده بودی چیزی و کیست ظالم تر از آن کس که گفت خود را میگردانم مانند آنچه خداوند تعالی  
 از الظالمون فی غمرات الموت و المملکة باسطوا یدیهم آخر حی  
 و تکیه ظالمان در شداید مرگ با شنید و فرشتگان دست خود را دراز می کنند و میگویند بیرون آرید  
 چون باشند ظالمان در شداید مرگ با شنید و فرشتگان دست خود را دراز می کنند و میگویند بیرون آرید  
 انفسکم الیوم تجزون عذاب الهون بما کنتم تقولون علی الله غیر  
 رو چاهای خود را امروز جزا داده خواهید شد عذاب رسوا کننده بسبب آنچه می گفتید بر خدا  
 رو چاهای خود را امروز جزا داده خواهید شد عذاب رسوا کننده بسبب آنچه می گفتید بر خدا  
 الحق و کنتم عن ایت تستکبرون و لقد جمعنا نافرادی کما  
 ناحق و بسبب آنچه از تقدیر آیات او سرکشی می کردید و گوئیم بر آینه آید پیش ما منیا چنانکه  
 ناحق و بودید که از آیات او سرکشی می کردید و بدو سرسنگ آید برای حساب بسوی ما یک چنانکه  
 خلقکم اول مرة و ترککم ما خولکم و اراء ظهورکم و ما نری موعک  
 آفریده بودیم شما را اول بار و بجزا استید آنچه عطا کرده بودیم شما را پس پشت خویش و می بینیم شما  
 آفریده بودیم شما را اول بار و بجزا استید آنچه عطا کرده بودیم شما را پس پشتتان عهد می بینیم شما  
 شفعاکم الذین زعمتم انهم فیکم شرکوا لقد نقطع بینکم و ض  
 شفیعان شما را آنکه گمان برده بودی ایشان (در تربیت) شمشیر می باشد (شریک خداوند) هر آنچه برده شد و ندانید و گشت  
 شفیعان شما را آنکه گمان برده بودی ایشان (در تربیت) شمشیر می باشد (شریک خداوند) هر آنچه برده شد و ندانید و گشت  
 عنکم فانکم تزعمون ان الله فیک الحی و التوی یخرج الحی من  
 از شما آنچه گمان می کردید بر آنچه خدا عطا فرموده و آنها وحشت داشتند بیرون می آرد  
 از شما آنچه گمان می کردید بر آنچه خدا عطا فرموده و آنها وحشت داشتند بیرون می آرد

بنیام سنی نشاء استیگری می کنند و در حال مصیبت یا شهادی باشند بجا نهد امروز می بینیم که از شما شفاعت و حمایت کنند و عطا داد و نعمت گشت و دعای ای طوبی شاه











وَلَوْ اَنَّا نَزَّلْنَاهُ الْيَهُودَ الْمَسِيحَ وَ

و اگر ما می فرستادیم یسوی ایشان فرستادگان را و

كَلَّمَ هُمُ النُّوٓى وَحَشَرْنَا عَلَيْهِمْ كُلَّ شَيْءٍ فَمَا كَانُوا يُوْمِنُوْا اِلَّا

سخن می گفتند بایشان مردگان و زنده میگردیدیم بر ایشان همه چیز را و هر چه میخواستیم بر ایشان میفرستادیم و

اِنْ يَشَاءُ اللّٰهُ وَلٰكِنْ اَكْثَرُهُمْ يَجْهَلُوْنَ ۝۱ وَكَذٰلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ

چیزی که خواسته خدا و لیکن بسیاری از ایشان نادان می کنند و این چنین گردانیدیم بر ایشان هر چه میخواستیم و

نَبِيٍّ عَدُوٍّ وَّاشِيْطٰتِيْنَ الْاِنْسِ وَالْجِنِّ يُحِيْ بِبَعْضِهِمْ اِلَىٰ بَعْضٍ

پیغمبری و دشمنان را که شیاطین انداز آدمیان و از جن بطریق و سوسه می افکند بعضی ایشان بسوی بعضی

خَرَفَ الْقَوْلَ غَرُوْرًا وَّ لَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوْهُ فَذَرْهُمْ وَايَقُمْ وُنْ ۝۲

سخن بیهوشانه را فریب دیند اگر خواسته بودی که هر چه میخواستی بر ایشان میفرمودی و اگر میخواستی بر ایشان میفرمودی و

وَلْيَنْصَبْ اِلَيْهِ اَفْدَةُ الدِّیْنِ لَا يُؤْمِنُوْنَ بِالْآخِرَةِ وَلَيْسَ صَوْرَةُ

و ایضا می کنند سخن بظاهر آراسته تا باینکه گفتند یسوی و در لباسی که بپوشیدند و تا پسند کنند و او را و

يَقْرَءُوْا اَمَّا هُمْ مُّقْرِءُوْنَ ۝۳ اَفَغَيْرَ اللّٰهِ اَتَتَّبَعِيْ حَكَمًا وَّ هُوَ الَّذِيْ

تو می خوانی که ایشان گفته اند باینکه ای یسوی ایست بگو تا طلب کنم کیس را بپوشد و او است آنچه

اَنْزَلَ اِلَيْكُمْ الْكِتٰبَ مُفَصَّلًا وَّ الَّذِيْنَ اَتٰتٰهُمْ الْكِتٰبَ يَعْلَمُوْنَ

که فرستاد بسوی شما قرآن واضح کرده و کتابی که دادیم ایشان را کتابی است که در آن است

اَنَّهُ مُنْزَلٌ مِّنْ رَّبِّكَ بِالْحَقِّ وَلَا تَكُوْنُ مِنَ الْمُسْتَكْبِرِيْنَ ۝۴ وَكَذٰلِكَ

که قرآن نازل شده است از جانب پروردگار تو بر راستی پس مباحث از شک کنندگان و تمام شد

كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَّ عَدْلًا مُّبِيْنًا لِّكَلِمَتِهِ وَّهُوَ السَّمِيْعُ

سخن پروردگار تو در راستی و انصاف نیست هیچ تبدیلی که نه سخنان او را و او است شنوا

الْعَلِيْمُ ۝۵ وَاِنْ تُطِيعْ اَكْثَرُ مَنْ فِی الْاَرْضِ يَعْصُوْكَ عَنْ سَبِيْلِ

و ایضا و اگر تو اطاعت کنی بسیاری را از اهل زمین گمراه کنند ترا و اگر تو فرمان ببری اکثران مردم را که در دنیا (زمین) اند گمراه کنند ترا

اللّٰهِ اِنْ يَتَّبِعُوْنَ اِلَّا الشَّيْطٰنَ وَاِنْ هُمْ اِلَّا يَخْضَعُوْنَ ۝۶ اِنْ رَّبُّكَ

خدا پیروی نمی کنند مگر همان را و نیستند مگر دروغ گو و هر چه بگویند پروردگار تو

هُوَ اَعْلَمُ مَنْ يَضِلُّ عَنْ سَبِيْلِهِ وَّهُوَ اَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِيْنَ ۝۷

و ایضا او است کسی که گمراه می شود از راه راست و او است که می داند راه راست را و او است که می داند راه راست را

فَخَرَجَ الرَّحْمٰنُ

و ایضا و رحمت

یَسْمُوْهُمُ اِلٰهًا وَّ اَللّٰهُ عَلٰی سَمٰوٰتٍ

و در قرآن و لایزال

موجود است مترجم

گوید در سوره تها

یکم مذکور شده است

که بود تصدیق می کنند

قرآن را در سوره تها

مدینه مذکور شده

است که بود تکذیب

می کنند آنرا و وجه

تطبیق آنست که چون

آنحضرت صلی الله علیه

و سلم در مکه بود هنوز

دعوت یهود نکرده

بود بعد صدق قرآن

مترجم بود تذکر حکم

آل بر عرب لازم است

و بپس از ایشان

انکار نکرد و چون هجرت

فرمود ایشان دعوت

کرد و بنیاد را آمدند

سیرت ابن اسحاق

چند قصه این معنون

مذکور است الله اعلم

و ایضا اینها که در

درباب تحرم تکمیل

اشیای شبهات

می کردند باطل است

والله اعلم

تفسیر عثمانی

عنه از موافاق بقا

آنها بلکه از آن نیز

فرا تر باشد و فرستادگان

از آسمان فرود آیند

حضرت پیغمبر الهی

کنند و مومنان از قرآن

بر خیزد و با آنها سخن

گوید و تمام اعم که شد

دو باره زنده شوند

مقابل با آنها ایستند

باز می آیند از سر

باز می آیند از سر







عَنْدَ اللَّهِ وَعَذَابٌ شَدِيدٌ لِّمَن كَانُوا يَسْكُرُونَ ﴿٣﴾ فَمَنْ يَدْعُ اللَّهَ أَنْ

نزدیک غذا و غذای سخت بسبب آنکه بدمی اندیشیدند پس هر کراحت غذا خواهد کرد  
نزد غذا و غذای سخت بسبب آنکه مکر می کردند پس هر کرا که بخاورد غذا کرد

هَدْيُهُ يَشْرَحُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يَرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ

بدین گدباؤ کشادہ می کند سینہ اورا برائے جمل اسلام و کسے را کہ بخوابد گمراہ کند غش می گرداند سینہ اورا

خَيْفًا حَرْجًا كَانَمَا يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرِّجْسَ عَلَى

در نہایت تنگی گویا بالا میرود در آسمان ہم چنین می اندازند خدا نایاب کی را  
تنگی نہایت تنگی گویا بہ تکلف بالا می رود در آسمان ہم چنین می گردد خدا عذاب را

الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ ۖ وَهَذَا صِرَاطُ رَبِّكَ مُسْتَقِيمٌ ۖ لَقَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ

سایه ایمان نمی آردند و این اسلام راه پروردگار گشت راست آمده هر آینه تفصیل کردیم نشانها را  
سایه ایمان نمی آردند و این راه پروردگار گشت راست به تحقیق واضح کردیم نشانها را

لَقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ ۝ اَلَمْ يَدْرِ السَّامِعُ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَهُوَ وَلِيُّهُمْ بِمَا كَانُوا

برای گروهب که بنده پذیرد ایشان را است سرانجام سلامتی بجای بهشت نزد پروردگار ایشان و او را سازاوار است بسبب آنچه  
برای (گروهب) که خودی کند پذیرد ایشان را خاص برای ایشان است فخر سلامتی نزد پروردگارشان و او را سازاوار است بسبب افعالشان

يعملون (٤) يوم يحشرهم جميعا يوم عشرين الجن قد استكثرت من

از آنکه در دوزخ کمرش کند خدا را این دعا باشد بجا گوید است گروه جن و انس  
تا بعل خود بسیار گرفتند از  
بسیار تا بعل گرفتند از

الْأَرْضِ وَقَالَ أُولَئِكَ هُم مِّنَ الْإِنسِ رَبَّنَا اسْقِمْتَعِ بَعْضُنَا بَعْضًا

مردمان و گفتند دوستان ایشان از آدمیان و اسب پروردگار ما بهره مند شدند بعضی ما از بعضی و

بَلِّغْنَا أَجْلَنَا الَّذِي أَجَّلْتَ لَنَا قَالَ النَّارُ فَأَنْتُمْ خُلِدْتُمْ فِيهِ الْأَمَلُ

رسید تم برکن و دعدہ خود کہ معین کردہ بودی برائے ماعن گوید آتش جائے شہادت جاوید ان آنجا لیکن آپتہ

شَاءَ اللَّهُ إِنَّ رُسُلَكَ حَكِيمٌ عَلَيْهِمُ ۝ وَكَذَلِكَ نُوَلِّي بَعْضَ الظَّالِمِينَ

مذاخر است. است بود نیست و شهادت بیرون در گذار تو استوار کار دانا است و هم چنین مسلط می کنم بعضی مستعاران را  
مذاخر است بیرون در گذار تو صاحب حکمت و داناست و هم چنین غلط (مسلط) می کنی بعضی مستعاران را

وهم حين خط (سلسله) الى يمينه بعضي ستمه را انبار

بر بعض اہل سنت آپ ہی مروت مند اسے گروہ جن  
والس آیا نہادند بشما ہنجران

۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱  
 ۴۷۲  
 ۴۷۳  
 ۴۷۴  
 ۴۷۵  
 ۴۷۶  
 ۴۷۷  
 ۴۷۸  
 ۴۷۹  
 ۴۸۰  
 ۴۸۱  
 ۴۸۲  
 ۴

از جنس سخامی خوانند بر شما آیات مرا و یم می کردند سخام را از طاقات این روز شما گویند

از جنس ششگرمی خوانند بر شما حکم بای مرا و حق ترسایند شما را از پیش آمد این روز شما گویند

عزتاف کردیم بر غوثیشتن و فریب داده بود ایشان را ز زندگی دنیا

بر گناه خویش و قریب داد ایشان را زنده گردانید و تامل شدند بر خویش

این ارسال رسل بسبب آنست که هرگز پدید و درگاه تو پاک کننده شهر را نباشد و هرگز ایشان را فرمودند و

این ارسال رسل برائے ایشان گزیده بود که باریک و کلفت و کلاه و بایر علم ایشان در آن

بہارِ ازلہ وادہ مغنہ و دقایق مناشفہ گردد مردم مشرک چنین عذر گفتند کہ اے پروردگار ما! ما یہ کہ سستش پیرا عظیم بلکہ درہمین خود بہ کار







ولا یمنی بکم جازرو  
سوابی باشد ۱۲  
ولا یمنی درختان  
انگورو مانند آن  
والله اعلم ۱۳  
یعنی درختان بر ساق  
الیتاده والله اعلم ۱۴  
نک یعنی افراد نوحه  
یا اعتبار صورت مانند  
یکدیگر اند به اعتبار  
مزه والله اعلم ۱۵  
ن یعنی نرو ماه از  
هر یک والله اعلم ۱۶  
نک یعنی تقصیر  
بیایه از ابراهیم  
۱۷  
۱۸  
۱۹  
۲۰  
۲۱  
۲۲  
۲۳  
۲۴  
۲۵  
۲۶  
۲۷  
۲۸  
۲۹  
۳۰  
۳۱  
۳۲  
۳۳  
۳۴  
۳۵  
۳۶  
۳۷  
۳۸  
۳۹  
۴۰  
۴۱  
۴۲  
۴۳  
۴۴  
۴۵  
۴۶  
۴۷  
۴۸  
۴۹  
۵۰  
۵۱  
۵۲  
۵۳  
۵۴  
۵۵  
۵۶  
۵۷  
۵۸  
۵۹  
۶۰  
۶۱  
۶۲  
۶۳  
۶۴  
۶۵  
۶۶  
۶۷  
۶۸  
۶۹  
۷۰  
۷۱  
۷۲  
۷۳  
۷۴  
۷۵  
۷۶  
۷۷  
۷۸  
۷۹  
۸۰  
۸۱  
۸۲  
۸۳  
۸۴  
۸۵  
۸۶  
۸۷  
۸۸  
۸۹  
۹۰  
۹۱  
۹۲  
۹۳  
۹۴  
۹۵  
۹۶  
۹۷  
۹۸  
۹۹  
۱۰۰

۱۲۰  
۱۲۱  
۱۲۲  
۱۲۳  
۱۲۴  
۱۲۵  
۱۲۶  
۱۲۷  
۱۲۸  
۱۲۹  
۱۳۰  
۱۳۱  
۱۳۲  
۱۳۳  
۱۳۴  
۱۳۵  
۱۳۶  
۱۳۷  
۱۳۸  
۱۳۹  
۱۴۰  
۱۴۱  
۱۴۲  
۱۴۳  
۱۴۴  
۱۴۵  
۱۴۶  
۱۴۷  
۱۴۸  
۱۴۹  
۱۵۰  
۱۵۱  
۱۵۲  
۱۵۳  
۱۵۴  
۱۵۵  
۱۵۶  
۱۵۷  
۱۵۸  
۱۵۹  
۱۶۰  
۱۶۱  
۱۶۲  
۱۶۳  
۱۶۴  
۱۶۵  
۱۶۶  
۱۶۷  
۱۶۸  
۱۶۹  
۱۷۰  
۱۷۱  
۱۷۲  
۱۷۳  
۱۷۴  
۱۷۵  
۱۷۶  
۱۷۷  
۱۷۸  
۱۷۹  
۱۸۰  
۱۸۱  
۱۸۲  
۱۸۳  
۱۸۴  
۱۸۵  
۱۸۶  
۱۸۷  
۱۸۸  
۱۸۹  
۱۹۰  
۱۹۱  
۱۹۲  
۱۹۳  
۱۹۴  
۱۹۵  
۱۹۶  
۱۹۷  
۱۹۸  
۱۹۹  
۲۰۰

یَقْتَدِرُونَ ۱ وَقَالُوا مَا فِي بَطُونِ هَذِهِ إِلَّا نَعَامٌ خَالِصَةٌ لِّذِكْرِنَا وَ  
الترجمی کردند و گفتند آنچه در شکم این چهار پایان باشد دل علان است برائے مردمان ما و  
اخرای کنند و می گویند آنچه در شکم این مواشی است این خاص (پایان است) به مردمان ما و  
مَحْرَمٌ عَلَىٰ زَوَاجِنَا ۲ وَإِنْ يَكُنْ مَدِينَةً فَهُمْ فِيهِ شَرٌّ كَأَمْطِ سَيْحِ رَبِّهِمْ  
حرام است بر زنان ما و اگر مرده باشد بر مردان شریک اند جزا خواهد داد  
حرام است بر زنان ما و اگر باشد مرده پس بدمر خود آن شریک اند سزا خواهد داد ایشان را  
وَصَفَّهِمْ إِنَّهُ بَرَأَيْتُهُمْ إِذْ سَأَلُوهُمُ أَنْ يَخْرُجُوا مِنْ دَارِهِمْ أَنْ يَكُنْ لَكُمْ فِيهِمْ عَدُوٌّ ۳  
بر این بیان (ایشان) بر آئینه او صاحب حکمت داناست هر آینه زبان کار شدند آنانکه نشندند که زمان خود را جهت بخر و  
بر این بیان (ایشان) بر آئینه او صاحب حکمت داناست هر آینه زبان کار شدند آنانکه نشندند که زمان خود را جهت بخر و  
تَغْيِيرِ عِلْمِهِمْ ۴ حَرَّمُوا مَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ افْتِرَاءً عَلَى اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا أَوَمَا كَانُوا  
بخر و دانش و حرام کردند آنچه روزی داد ایشان را خدا بسبب دروغ بستن بر خدا بجهتین گمراه شدند ایشان و نشندند  
بخر و دانش و حرام کردند آنچه روزی داد ایشان را خدا بسبب دروغ بستن بر خدا بجهتین گمراه شدند ایشان و نشندند  
فَهْتَدَيْنَ ۵ وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَعْرُوشَاتٍ وَغَيْرِ مَعْرُوشَاتٍ  
و خدا آنست که پیدا کرد بوستانهای پرداشته شده بر آبهاست و بوستانهایی غیر پرداشته شده بر آبهاست  
براه راست و دوست که پیدا کرده یاغبهار اگر بزم کرده میشود بر آب و آنچه بزم کرده غنی شود بر آب و  
وَالنَّخْلُ وَالزَّرْعُ مُخْتَلِفًا أَكْثَرَهُمُ النَّارُ ۶ وَالزَّيْتُونُ وَالرَّيْحَانُ مِثْلَ الْبَلْبَلِ ۷ وَغَيْرِ  
و پیدا کرد درختان خرم را از درخت را گوناگون میوه های هر یک درختان و انار را مانند یکدیگر و غیر  
و درخت دریا و درخت را که مختلف اند میوه آن و پیدا کرده زیتون و انار را مانند یکدیگر و غیر  
مِثْلَ الْبَلْبَلِ ۸ كَلَّا مِنْ شَرِّ ذَٰلِكَ أَشَرُّ وَأَشَدُّ حَقًّا ۹ يَوْمَ حَصَادِهِ زَوْلا  
آنست که بگفتند کلا از میوه های آن چون میوه بیرون ورد و بدیدید که کوه او را در دودن و اسیران  
نشدند که از میوه های آن چون میوه آورد و داد کنند حق او را روز درد کردش و بگفتند  
لَسَوْفَ نَأْتِيهِمْ ۱۰ لَاحِقًا ۱۱ لِيُجِبَ الْكُفْرَ ۱۲ وَمِنَ الْأَنْعَامِ حَمُولَةٌ ۱۳ وَفَرَسَاتٌ ۱۴  
شبه بر آئینه خدا دوست نداد و اسیران کنندگان را و پیدا کرد از چهار پایان بار بردارنده را و جاقوسه را که بر زمین غلط اند بجهت دوزخ  
خرج کنند (بر آئینه) او دوست نداد و بی حرق کنندگان را و پیدا کرد از مواشی بار بردارنده و بزین متصل شده  
كَلَّا مَتَّارُنَا فَكُفُّوا اللَّهَ وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ ۱۵ إِنَّهُ لَكُمْ  
گوید از آنچه روزی داده است خدا شمارا و پیروی کنید گامهای شیطان را هر آینه او شمارا  
گوید از آنچه روزی داد شما خدا و پیروی کنید قدمهای شیطان را (بر آئینه) او بر آئینه شما  
عَدُوٌّ مُّبِينٌ ۱۶ شَنِيبَةٌ ۱۷ أَرْوَجُ ۱۸ مِنَ الصَّنَائِنِ ۱۹ وَمِنَ النَّعْرِ  
دشمن ظاهراست آفرید بجهت قسم را از گوسفند دو قسم و از بز  
دشمن ظاهراست پیدا کرده بجهت نرو ماه را از گوسفند دو و از بز  
أَنْثَيْنِ ۲۰ قُلْ إِنَّ الدَّكْرَيْنِ حَرَّمَ أَمَّا الْأَنْثِيَتَانِ ۲۱ إِنْ أَشْتَمْتُمْ عَلَيْهِمَا ۲۲  
دو قسم و گوئید آیا این دو نر را حرام کرده است خدا بخای یا این دو ماده را یا اگر اشتد بر روی و همبای  
دو (گو) برسان کن آیا هر دو نر را حرام کرده خدا یا هر دو ماده را یا این که اشتد بر روی است بر او و همبای  
أَنْثِيَتَيْنِ ۲۳ نَبَوْنِي بِعِلْمٍ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۲۴ وَمِنَ الْأَنْثِيَتَيْنِ ۲۵  
این دو ماده خبر دهید مراد از این دو اگر همیشه راست گو و پیدا کرد از شتر دو قسم  
دو ماده خبر دهید مراد از این دو اگر همیشه راست گو و پیدا کرد از شتر دو قسم  
وَمِنَ الْبَقَرِ اثْنَيْنِ ۲۶ قُلْ إِنَّ الدَّكْرَيْنِ حَرَّمَ أَمَّا الْأَنْثِيَتَانِ ۲۷ إِنْ أَشْتَمْتُمْ  
و از گاؤ دو قسم گوئید آیا این دو نر را حرام کرده است خدا یا این دو ماده را یا اگر اشتد بر روی است  
و از گاؤ دو ماده برسان کن آیا هر دو نر را حرام کرده یا هر دو ماده را یا این که اشتد بر روی است

این مواشی ناسوده و این هر آفریده است که بر کفر این گستاخی های خویش پرسند و نه آنچه که آن بر پیروی می برآید مانند انگور و انان که آن و آنچه چنین







ول یعنی معبود باطل  
 را و الله اعلم ۱۲  
 و یعنی برزخا و اوست  
 ۱۳ و یعنی بقصاص  
 و مثل آن ۱۴ و  
 یعنی گواهی دید یا  
 حکم کنید و الله اعلم ۱۵  
 و یعنی نذر او  
 نفسه عثمانی

عرب بنابر تہذیبی  
انگلیسی اولاد خود را  
می کشند و می  
گفتند ما که خود  
ما جزای سرا ای بخور و نان

ندایم فرزندان خود  
را چه دیمم از این  
جهت فرموده است

روزی و سپیده خدا  
هم بشما و هم به اولاد  
شما بجای و بجز عوض  
مطلق خسته اطلاق

تغیر شده یعنی از  
توسعه پیدا می‌کند  
ممكن است این جا

و کہ سالی باشد کہ  
فی الحال ہے نوافی  
باشد امامی ترسند  
مذکور کہ عالمی نشان

افزون شود از کجایه  
آنها طحا آمدند چون  
طبقه اول را پیش

از عیال فله طعام خود  
شان و طبقه ثانی را  
اندیشه کثرت عیال  
مرکشان می داشت

شاید با من اطلاق -  
در این - نزلتکم و ایام  
و در آن آیت با -

مع لصریح شد و دامنهٔ تجدیدین را برانجام است۔

فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ فَلَوْ شَاءَ لَهَدَيْكُمْ أَجْمَعِينَ ٥٠ قُلْ هَلْ

خدا را است دلیل محکم پس اگر خواستی خدا را بدایت کردی شمارا به یک جا بگو بیارید  
 خدا را است دلیل محکم پس اگر خواستی خدا را بدایت کردی همه شمارا بگو بیارید

شَهِدَاءُ كُمْ الَّذِينَ يَشْهَدُونَ أَنَّ اللَّهَ حَرَّمَ هَذَا فَإِنْ شَهِدُوا

گوان خود آنگاه گواهی دهند پدرش که خدا حرام ساخت است این را پس اگر گواهی دهند

فلا سهل مني لهم ولا يسير ما بين يديهم ولا ييسر ما بين يديهم ولا ييسر ما بين يديهم

لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَهُمْ يَرِثُهَا مِمَّا يَعْبُدُونَ ۖ قُلْ تَعَالَى اللَّهُ ۖ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ عَلِيمٌ

عفتان دارند با حُرّت و آلتان با پروردگار خود برابر می کنند و با بگو می آیند تا بخوانم آنچه حرام کرده است  
این ندارند به آخرت و آلتان با پروردگار خود برابر می کنند و دیگران را بگو می آیند تا بخوانم آنچه حرام کرده است

رَبُّكُمْ عَلَيْهِمُ الْأَنْشُرُ كَذَّبَهُ شَيْعَةُ وَبِالْإِذْنِ احْسَانًا وَلَا تَقْتُلُوا

برادر و گارضا بر شما (فرموده است) که مشرب نکنید با و پیغمبر را و با والدین نیکنوی کنید و

ولاد خود را از عرس فقر ماروزی می دهم شمار و ایشان را و نزدیک مشوید بر سر جانی بافت  
و در خود را فقر ماروزی می دهم شمار و ایشان را و نزدیک مشوید بر سر جانی بافت

مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ

آنکه ظن بر باشد از آن واجب پوشیده باشد و نمکند نفس را که حرام ساخته است خدا شش مجزعی است

ذَلِكُمْ وَصَّيْتُ بِهِ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿١٠﴾ وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ

بن حکم فرموده است شما را تا روزگاری بفرموده و نزدیکی مال یتیم

این حکم فرموده است شمارا تا (بود کم) شما بفیضه و مشوید نزدیکی با ما

۱۰۰

۱۰۱

۱۰۲

۱۰۳

۱۰۴

۱۰۵

۱۰۶

۱۰۷

۱۰۸

۱۰۹

۱۱۰

۱۱۱

۱۱۲

۱۱۳

۱۱۴

۱۱۵

۱۱۶

۱۱۷

۱۱۸

۱۱۹

۱۲۰

۱۲۱

۱۲۲

۱۲۳

۱۲۴

۱۲۵

۱۲۶

۱۲۷

۱۲۸

۱۲۹

۱۳۰

۱۳۱

۱۳۲

۱۳۳

۱۳۴

۱۳۵

۱۳۶

۱۳۷

۱۳۸

۱۳۹

۱۴۰

۱۴۱

۱۴۲

۱۴۳

۱۴۴

۱۴۵

۱۴۶

۱۴۷

۱۴۸

۱۴۹

۱۵۰

۱۵۱

۱۵۲

۱۵۳

۱۵۴

۱۵۵

۱۵۶

۱۵۷

۱۵۸

۱۵۹

۱۶۰

۱۶۱

۱۶۲

۱۶۳

۱۶۴

۱۶۵

۱۶۶

۱۶۷

۱۶۸

۱۶۹

۱۷۰

۱۷۱

۱۷۲

۱۷۳

۱۷۴

۱۷۵

۱۷۶

۱۷۷

۱۷۸

۱۷۹

۱۸۰

۱۸۱

۱۸۲

۱۸۳

۱۸۴

۱۸۵

۱۸۶

۱۸۷

۱۸۸

۱۸۹

۱۹۰

۱۹۱

۱۹۲

۱۹۳

۱۹۴

۱۹۵

۱۹۶

۱۹۷

۱۹۸

۱۹۹

۲۰۰

۲۰۱

۲۰۲

۲۰۳

۲۰۴

۲۰۵

۲۰۶

۲۰۷

۲۰۸

۲۰۹

۲۱۰

۲۱۱

۲۱۲

۲۱۳

۲۱۴

۲۱۵

۲۱۶

۲۱۷

۲۱۸

۲۱۹

۲۲۰

۲۲۱

۲۲۲

۲۲۳

۲۲۴

۲۲۵

۲۲۶

۲۲۷

۲۲۸

۲۲۹

۲۳۰

۲۳۱

۲۳۲

۲۳۳

۲۳۴

۲۳۵

۲۳۶

۲۳۷

۲۳۸

۲۳۹

۲۴۰

۲۴۱

۲۴۲

۲۴۳

۲۴۴

۲۴۵

۲۴۶

۲۴۷

۲۴۸

۲۴۹

۲۵۰

۲۵۱

۲۵۲

۲۵۳

۲۵۴

۲۵۵

۲۵۶

۲۵۷

۲۵۸

۲۵۹

۲۶۰

۲۶۱

۲۶۲

۲۶۳

۲۶۴

۲۶۵

۲۶۶

۲۶۷

۲۶۸

۲۶۹

۲۷۰

۲۷۱

۲۷۲

۲۷۳

۲۷۴

۲۷۵

۲۷۶

۲۷۷

۲۷۸

۲۷۹

۲۸۰

۲۸۱

۲۸۲

۲۸۳

۲۸۴

۲۸۵

۲۸۶

۲۸۷

۲۸۸

۲۸۹

۲۹۰

۲۹۱

۲۹۲

۲۹۳

۲۹۴

۲۹۵

۲۹۶

۲۹۷

۲۹۸

۲۹۹

۳۰۰

۳۰۱

۳۰۲

۳۰۳

۳۰۴

۳۰۵

۳۰۶

۳۰۷

۳۰۸

۳۰۹

۳۱۰

۳۱۱

۳۱۲

۳۱۳

۳۱۴

۳۱۵

۳۱۶

۳۱۷

۳۱۸

۳۱۹

۳۲۰

۳۲۱

۳۲۲

۳۲۳

۳۲۴

۳۲۵

۳۲۶

۳۲۷

۳۲۸

۳۲۹

۳۳۰

۳۳۱

۳۳۲

۳۳۳

۳۳۴

۳۳۵

۳۳۶

۳۳۷

۳۳۸

۳۳۹

۳۴۰

۳۴۱

۳۴۲

۳۴۳

۳۴۴

۳۴۵

۳۴۶

۳۴۷

۳۴۸

۳۴۹

۳۵۰

۳۵۱

۳۵۲

۳۵۳

۳۵۴

۳۵۵

۳۵۶

۳۵۷

۳۵۸

۳۵۹

۳۶۰

۳۶۱

۳۶۲

۳۶۳

۳۶۴

۳۶۵

۳۶۶

۳۶۷

۳۶۸

۳۶۹

۳۷۰

۳۷۱

۳۷۲

۳۷۳

۳۷۴

۳۷۵

۳۷۶

۳۷۷

۳۷۸

۳۷۹

۳۸۰

۳۸۱

۳۸۲

۳۸۳

۳۸۴

۳۸۵

۳۸۶

۳۸۷

۳۸۸

۳۸۹

۳۹۰

۳۹۱

۳۹۲

۳۹۳

۳۹۴

۳۹۵

۳۹۶

۳۹۷

۳۹۸

۳۹۹

۴۰۰

۴۰۱

۴۰۲

۴۰۳

۴۰۴

۴۰۵

۴۰۶

۴۰۷

۴۰۸

۴۰۹

۴۱۰

۴۱۱

۴۱۲

۴۱۳

۴۱۴

۴۱۵

۴۱۶

۴۱۷

۴۱۸

۴۱۹

۴۲۰

۴۲۱

۴۲۲

۴۲۳

۴۲۴

۴۲۵

۴۲۶

۴۲۷

۴۲۸

۴۲۹

۴۳۰

۴۳۱

۴۳۲

۴۳۳

۴۳۴

۴۳۵

۴۳۶

۴۳۷

۴۳۸

۴۳۹

۴۴۰

۴۴۱

۴۴۲

۴۴۳

۴۴۴

۴۴۵

۴۴۶

۴۴۷

۴۴۸

۴۴۹

۴۵۰

۴۵۱

۴۵۲

۴۵۳

۴۵۴

۴۵۵

۴۵۶

۴۵۷

۴۵۸

۴۵۹

۴۶۰

۴۶۱

۴۶۲

۴۶۳

۴۶۴

۴۶۵

۴۶۶

۴۶۷

۴۶۸

۴۶۹

۴۷۰

۴۷۱

۴

وَالْيِزَانَ بِالْقِسْطِ لَا تَكْفِ نَفْسًا إِلَّا وُسْعُهَا وَإِذَا قُلْتُمْ

و در اردو : بالانصاف      تکلیف نمی دهم بی محاسن را مگر قدر طاقت او و چون سخن گویند

وَأَعْلَىٰ أُولَٰئِكَ كَانَ ذَا الْقُرْبَىٰ وَرَحِمَةُ اللَّهِ وَأَوْفُوا بِذِكْرٍ كَرِيمٍ

سرخانیت انسان نماید و اگر چه محکوم علیه صاحب فرزند و اولاد باشد و در این محکوم علیه است شایان

ناتوانید که بگویند و خبر داده است که آنچه مذکور شد را همین است راست در دست آمده پس بی‌خودی او کنید

وَلَا تَتَّبِعُوا السَّبِيلَ فَتَنَاقُ بِكُمْ عَنْ سِرِّيهِ ذَلِكُمْ وَصِيَّتِي

تیزان میله راه پای دیگر را که این راه با چله کند شمارا از راه خدا این حکم فرموده است شمارا  
میله تیزای راه پای دیگر را که (این راه) جدا شود از شمارا از راه خدا به این حکم فرموده است شمارا

ناتوانان از نظر پذیراقت با نام است. حله استثنای: الا بالحق. نیرو بود زیرا در آن کشتن تا قبل از زوالی حصن. مرتد عن الاسلام نیز داخل است.



فتح الرحمن  
 دل متوسل کو یہ ظاہر  
 نزدیکی میں ہے  
 آنست کہ حرم کو نزدیک  
 اشیائی مذکورہ را  
 در اول بر قوم  
 نوح و ہلم جبرائیل  
 بازادیم موسیٰ را  
 کتاب و اللہ اعلم  
 طالعینی برائے قبض  
 ارواح ۱۲ فکد حق  
 ہا ہلک قوم ۱۲  
 یعنی طلوع نفس از  
 مغرب یاد اید الا  
 واللہ اعلم ۱۲  
 یعنی آرزو تو یہ کہ  
 و ایمان کا قبول  
 نشود واللہ اعلم ۱۲  
 دل یعنی تو مواء  
 غنائی کہ واللہ اعلم ۱۲  
 تفسیر عثمانی  
 عہ معلوم می شود  
 احکامیک در فوق از  
 قرآن و احکام  
 علیکم خوانند و  
 شنوائند شد  
 ہمیشہ جریان داشت  
 و ہم سبب ان شراخ  
 بر آن متفق بودند  
 پس ہر آن خداوند  
 تورات را بر موسیٰ  
 علیہ السلام فرود آورد  
 کہ در آن احکام شرع  
 بتفصیل فرمود  
 بود تورات مطاوع و  
 حکوکاران آن روز  
 کا نعمت خدا تمام  
 گردید و دیات با  
 شرح و بسط بیان  
 شد ابواب باریت  
 در رحمت گشاده گردید  
 کہ مردم آن را بدانند  
 و بہ تقای پروردگار  
 خویش یقین کامل  
 حاصل کنند۔ عہ  
 کیست ستم کاراناکہ  
 بعد از فرود آمدن  
 چنین کتاب روشن

لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ۝ ثُمَّ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ تَمَامًا عَلَى الَّذِي أَحْسَنَ

بما پر ہیز گاری کنید یا تم کو ہم کہ دادہ بودیم موسیٰ را کتاب تمام کتب بر سر کہ پیشکار بود

و تفصیلاً لکل شیء و ہدًی و رحمۃ لعلکم یلقاؤہم یومنون ۝

و بیان کنیم ہر چیز را و ہدایت و مہربانی تا ایشان بلاقات پروردگار خویش ایمان آرند دل و

و برای بیان ہر چیز و ہدایت و مہربانی تا ایشان بلاقات پروردگار خود ایمان آرند و

ہذا یتب انزلہ فلیک واتبعہ و اسقوا العکم ترحمون ۝ ان

این قرآن کتابست کہ فرود فرستادیمش بابرکت پس پیروی او کنید و پرہیز گاری کنید تا مہربانی کردہ شود بر شما و

تقوا و انما انزل الکتاب علی طائفتین من قبلک و ان کما

تو بیدار گزین نیست کہ فرود آورده شد کتاب یعنی تورت و ایمل پرورد کردہ پیش از ما و تحقیقی بودیم ما

عن دراستہم لغفلین ۝ او تقولوا لو انما انزل علینا الکتاب لکننا

از تلاوت ایشان بے خبر یا گویند اگر فرود آورده شد بر ما کتاب اگر آئینہ ما بودیم

اھدی منہم فقد جاءکم بینہ من ربکم و ہدی و رحمۃ ۝

راہ یا کہ تر از ایشان پس آمدہ است ہدایت از پروردگار شما و ہدایت و بخشایش

راہ یا کہ تر از ایشان پس بدستید آمد ہدایت از پروردگار شما و ہدایت و بخشایش

فمن اظلم من کذب بایت اللہ و صدق عنہما سجنری الذین

پس کیست ستم کار تر از کسی کہ بدرویعت نسبت کند آیت خدا را و اعراض کند از ان جزا خواهیم داد

یصدقون عن ایتنا سوء العذاب ہما کانوا یصدقون ۝ هل

اعراض کنندگان را از آیات خویش بدترین عذاب بسبب آنکہ اعراض می کردند آیا

یظنرون الا ان تاتہم السلیکۃ او یاتی ربک او یاتی بعض

منتظر نیستند مگر آن کہ بیانند بدیشان فرشتگان یا بیاید حکم پروردگار تو یا بیاید بعض

ایت ربک یوم یاتی بعض ایت ربک لا ینفع نفسا ایمانہا

شانیہای پروردگار تو روزیکہ بیاید بعض ایت ربک ہا پروردگار تو لایق ندید نفسے را کہ ایمان

شانیہای پروردگار تو روزیکہ بیاید بعض ایت ربک ہا پروردگار تو لایق ندید نفسے را کہ ایمان

لم تکن امننت من قبل او کسبت فی ایمنہا خیر لقل انتظرون ۝

نہاوردہ بود پیش ازین ایمان او یا لایق ندید نفسے را کہ کسب نکندہ بود در ایمان خود عمل خیر تو بہ ادعا بجو انتظار کنند بر آئینہ ما

منتظرون ۝ ان الذین فرقوا دینہم و کانوا شیعاً کسبت منہم

منتظریم بہ تحقیق کسی کہ پرانندہ کردند دین خود را و گروہ کردند شدت کشتی از ایشان

فی شئ انما امرہم الی اللہ ثم یندہم ہما کانوا یفعلون ۝

در تاج حساب و جزاین نیست کہ کار ایشان گذارستہ ہست ہوی خداست باز خبر دہ ایشان را بعلت آنکہ می کردند ہر

در تاج جزئی جزاین نیست کہ کار ایشان با خداست باز خبر دہ ایشان را بعلت آنکہ می کردند ہر



جاء بالحسنة فله عشر امثالها ومن جاء بالسيئة فلا يجزيه  
 پس اور است ده چندان و هر که آورد بدی جزا داده نمی آید  
 پس اور است ده چندان و هر که آورد بدی پس سزا داده نمی آید

الايمان اياهن ولا يطعنن في احد منهن ولا يخرجن من بيوتهن  
 الاصل آن و ايمان ستم کرده نمی آید  
 الاصل آن و ايمان ستم کرده نمی آید

مستقيمة ديناً قايماً لآبائهم حنيفاً وما كان من المشركين  
 مراوی دارم دين درست کيش ابايهم را حنيف شده و نبود  
 مراوی دارم دين درست کيش ابايهم را حنيف شده و نبود

قل ان صلاتي ونسبي ومحياي ومماتي لله رب العالمين  
 بگو هر آينه نماز من و نسب من و قرباني من و زندگاني من و موت من همه براي خداست پروردگار عالميا  
 بگو هر آينه نماز من و نسب من و قرباني من و زندگاني من و موت من همه براي خداست پروردگار عالميان است

لا شريك له ويدراك امرت وانا اول المسلمين  
 يارنج شريك نيست مراد او و باين توحيد فرموده شد مراد من نخستين مسلمانانم  
 يارنج شريك نيست مراد او و باين توحيد فرموده شد مراد من نخستين مسلمانانم

اغيد الله ابغى رجا وهو رب كل شئ ولا تكسب كل نفس الا  
 آيا طلب كنم پروردگار است غير خدا او است پروردگار هر چيز و عمل نمی كند بجز آنچه  
 آيا طلب كنم پروردگار است غير خدا او است پروردگار هر چيز را و عمل نمی كند بجز آنچه

عليها ولا تزرزرة وزر اخرى ثم الى ربكم مرجعكم  
 بر ذات خود و بر ندارد و بزرز را بار ديگر را باز به رب خود باز مي گردانيد  
 بر ذات خود و بر ندارد و بزرز را بار ديگر را باز به رب خود باز مي گردانيد

فمنبئكم بما كنتم فيه تختلفون وهو الذي جعلكم  
 پس خبر داور شما را آنچه كه در آن اختلاف مي كرديد و او آنست كه ساخت شمارا  
 پس خبر داور شما را آنچه كه در آن اختلاف مي كرديد و او آنست كه ساخت شمارا

خلف الارض ورفع بعضكم فوق بعضكم في حبس ليلتكم  
 پشت بپاين زمين و بلند كرد بعضي را بالا ي بعضي در جهان از شمار و جرات يني را بر ديگري تا بياز مايد شمارا  
 پشت بپاين زمين و بلند كرد بعضي را بالا ي بعضي در جهان از شمار و جرات يني را بر ديگري تا بياز مايد شمارا

في ما اتاكم ان ربك سر يع العاقب قد و انك لغفور رحيم  
 در آنچه كه ده است بشما بر آيند پروردگار تو شيب كننده عفو است و هر آينه او آمرزنده مهربان است  
 در آنچه كه ده است بشما بر آيند پروردگار تو شيب كننده عفو است و هر آينه او آمرزنده مهربان است

سورة الاحزاب  
 سوره الاحزاب  
 سوره الاحزاب

بسم الله الرحمن الرحيم  
 بسم خداي بخشنانده مهربان  
 بسم خداي بخشنانده مهربان

الحق انزل اليك فلا يكن في صدورهم حرج منه  
 اين كتاب نازل شد كه فرود آورده شد بسوي تو پس بايد كه نباشد در سينه تو حرجي از مبلغ او  
 اين كتاب نازل شد كه فرود آورده شده بسوي تو پس بايد كه نباشد در سينه تو حرجي از مبلغ او

الحق انزل اليك فلا يكن في صدورهم حرج منه  
 اين كتاب نازل شد كه فرود آورده شده بسوي تو پس بايد كه نباشد در سينه تو حرجي از مبلغ او  
 اين كتاب نازل شد كه فرود آورده شده بسوي تو پس بايد كه نباشد در سينه تو حرجي از مبلغ او

عنه و ثم يتبين ما  
 كذا يفعلون  
 حجات افعال شنيده  
 نها تبينه شده و قائلون  
 عام سزاي نيك بد  
 بان توشيح گرديد كه  
 پاداش نيك كم از كم  
 ده چيزه اكثر انگيزي  
 برابر انگيزي هر كه  
 يك نيك كنند آفاده برك  
 مثل آن ثوابي يابد  
 فزون از آن حد و  
 اندازه ندارد و الله  
 يصف عني من يشاء  
 هر كه مكنب يك بدی  
 شود بقدر سنان يك  
 بدی سزای آن قرار  
 داده شده فزون از  
 آن نمی شود تخفيف و  
 بخشایش در اختيار  
 اوست جای كه هست  
 بدین وفقت باشد ظلم  
 امركان ندارد و الله  
 مفسران عموماً گویند  
 مطلب ان و اما اول  
 المسلمين آنست كه  
 حضرت بيقر صل الله  
 عليه وسلم اعتبار  
 امت محمدی اول المسلمين  
 می باشد اما چون ذات  
 فرشته و وی بر وفق  
 حدیث جامع  
 حضرت بنی بران است  
 گفت نبی و آدم بین  
 الهی و المجد و در  
 اول المسلمين بودند  
 نبی صلی الله علیه و آله  
 سخن است درین جا  
 اولیت نالی مراد نبی  
 بلکه اتمام رتبی مراد بانی  
 یعنی من در تمام ایتی بر  
 صف مطیعان اولتر  
 و بیشتر از همه میباشم  
 شاید ترجمه محققان  
 سره که در ترجمه بجای



والباقی من عباده  
 باطل که دوست می  
 گرفتند و خدا عالم  
 و یقینی بر اعمال  
 ایشان را ۱۲  
 تفسیر عثمانی  
 عهده نگاه که علم و  
 عدان کفر و علم  
 آسمان از حد گذشت  
 در لذات و شهوات  
 این جهان فرو رفتند  
 و از عذاب الهی بگریختند  
 نیندیشیدند و خواستند  
 از خواب آسایش  
 متلذذ شوند ناگهان  
 عذاب با فرارسید  
 در این منظره مهلک  
 وحشت زانو میخاستند  
 گیر و دار همه حشت  
 و کبریا فی خویش را  
 فرو بخش کردند از  
 چاره جت جز فریاد  
 آنان فکین چیزی  
 شنیده نمی شد گویا  
 در آن وقت بر آن  
 با آشکار گردید و به  
 اقرار آمدند که خدایا  
 کسی نمی کشید ا  
 ما خود بر خویش ا  
 ظلم نمودیم  
 تنبیه - در قاف -  
 فجاد باستان اسفلین  
 را چند قول است  
 غالباً مترم تحقق ر  
 آن را تفسیر و تفسیر  
 «الملک» قرار داده  
 مثلاً اگر گفته شود تو  
 خدا فضل و جود و زلی  
 زین فلان کس وضو  
 کرد پس نشست روی  
 دست خویش را بر زمین  
 مثال نشستن و تفسیر  
 و تفسیر وضو است  
 هم چنین در این جا  
 از بیان کیفیت غذا  
 (بلای کردن) تفسیر  
 و تفسیر می شود و الله اعلم

لَتَنْذِرُ بِهِ وَيُذَكِّرُ لِلْمُؤْمِنِينَ ۵۰ اَتَبْعُوا مَا آتٰهُنَّ لِيَكُنَّ مِنَ رَّجُلٍ  
 فرود آورده شد تا مردم نمی بان و برای پند مسلمانان را و پیروی کنید آنرا که فرود آورده شد بسوی باز چنانچه برود و کار  
 تا ترسانی به آن و نصیحت است مومنان را پیروی کنید آنرا که فرود آورده شد بر شما از جانب پروردگار شما  
 وَلَا تَتَّبِعُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ طَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ ۵۱ وَكَمْ مِنْ قَوْمٍ  
 و پیروی کنید بجز وی دوستان اول اند که پیروی می پذیرید  
 و پیروی کنید بجز وی دوستان اول اند که پیروی می پذیرید  
 اهلکم با فجاها با سنا بیات او هم قاصون ۵۲ فساگان دعوه  
 با کسی کرد پیش پس آمد بوسی عقوبت ما و ایشان سنا بیات او هم قاصون ۵۲ فساگان دعوه  
 با کسی کرد پیش پس آمد بوسی عقوبت ما و ایشان سنا بیات او هم قاصون ۵۲ فساگان دعوه  
 اذ جاءهم بالسنا الا ان قالوا انما كنا ظالمين ۵۳ فَلَنَسْئَلَنَّ الَّذِينَ  
 چون بیاید ایشان عقوبت ما ۵۳ انما كنا ظالمين ۵۳ پس البتة سوال خواهیم کرد آن کس را که  
 چون بیاید ایشان عقوبت ما ۵۳ انما كنا ظالمين ۵۳ پس البتة سوال خواهیم کرد آن کس را که  
 ارسل اليهم و لنسئلكن المرسلين ۵۴ فَلَنَقْصُصَ عَلَيْهِمْ بَعْلَهُمْ وَمَا  
 بیا بفرستاده شد بسوی ایشان و البتة سوال خواهیم کرد و بیا بفرستاده شد بسوی ایشان و البتة سوال خواهیم کرد و بیا بفرستاده شد بسوی ایشان  
 کتانی را که فرستاده شده بدیشان پیغمبران و هر آینه پیغمبر فرستاده شد کتانی را که فرستاده شده بدیشان پیغمبران و هر آینه پیغمبر فرستاده شد کتانی را که فرستاده شده بدیشان پیغمبران  
 كَتَا غَابِیْنِ ۵۵ وَالْوَنُومِ مِیْدِ الْحَقِّ ۵۶ فَسَنُثَقِّلُ مُوَازِیْنَهُ  
 بنویم غائب و سنجید ان اعمال بالحق آن روز بود نیست پس هر که گران شد باید تنگی باشد او  
 بنویم غائب و سنجید ان اعمال آن روز درست است پس هر که گران بود داخل و وزن شده او  
 فَاُولَئِكَ هُمُ السَّالِحُونَ ۵۷ وَمَنْ خَفَّتْ مُوَازِیْنُهُ فَاُولَئِكَ الَّذِينَ  
 پس ایشانند رستگار و هر که سبک شد باید تنگی باشد او پس ایشانند رستگار  
 پس آن گروه ایشانند رستگار و هر که سبک شد داخل پای و وزن شده او پس آن گروه ایشانند رستگار  
 خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَظْلِمُونَ ۵۸ وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي  
 زیان کردند در حق خویشین بسبب آنچه آیات ما انکار می کردند و هر آینه اسرار دادیم شمارا در  
 زیان کردند در حق خویشین بدان جهت که از آیات ما انکار می کردند و هر آینه اسرار دادیم شمارا در  
 الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ طَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ ۵۹ وَلَقَدْ  
 زمین و پیدا کردیم برای شما در اینجا اسباب معیشت اند که شکر می کنید و هر آینه  
 زمین و پیدا کردیم (افزیدیم) برای شما در اینجا و زی (اسباب زندگانی) اند که شکر می کنید (و هر آینه)  
 خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا  
 آفریدیم شمارا اینی پدر شمارا باز صورت بستیم شمارا اینی پدر شمارا باز گفتیم به ملائکه که سجده کنید آدم را پس سجده کردند  
 آفریدیم شمارا باز صورت بستیم شمارا باز حکم دادیم فرشتگان را که سجده کنید به آدم پس سجده کردند  
 إِلَّا إِبْلِيسَ ط لَمْ يَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ ۶۰ قَالَ مَا مَنَعَكَ آلَا تَسْجُدُ  
 مگر ابلیس نبود از سجده کنندگان گفت خدا چه چیز منع کرد ترا از آنکه سجده کنی  
 مگر ابلیس نبود از سجده کنندگان گفت خدا چه چیز منع کرد ترا از آنکه سجده کنی  
 إِذَا مَرَّكَ ط قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ  
 او که مر کرد ترا گفت من بهترم از او آفریده مرا از آتش و آفریده او را از  
 چون حکم کردم ترا گفت من بهترم از او آفریده مرا از آتش و آفریده او را از  
 طِينٍ ۶۱ قَالَ فَهَبْطْ مِنْهَا فَيَا كُونُ لَكَ إِنْ تَتَكَبَّرُ فِيهَا فَاخْرُجْ  
 گفت پس فرود در آسمان زیرا که لایق نیست ترا که سر کشی کنی در آن پس بیرون شو  
 گفت خدا پس فرود شو از آن پس لایق نیست ترا که سر کشی کنی در آن پس بیرون شو

و تفسیر می شود و الله اعلم



قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يَبْعَثُونَ ۝ قَالَ

گفت باز خدا مهلت ده تا روزی که آدمیان برانگیخته شوند گفت خدا

قَالَ فِيمَا أُغْوِيْتَنِي لَا تَعْدَنْ لَهْمُ حُرُوطًا

پس گفت بسبب آنکه گمراه کردی مرا البته بشمارم برای آدمیان براه

الْمُسْتَقِيمَ ۝ ثُمَّ لَا تَبْتَلُهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ

راست تو یعنی تا از آن منع کنم پس البته بیایم بسوی ایشان از پیش ایشان و از پس پشت ایشان و از

أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ ۝ قَالَ خُزْجْ

از آن که در جانب راست ایشان و از جانب چپ ایشان و نیایی اکثر ایشان را شکردار گفت بیرون رو

وَمَا قَدْ خُورَ أَطْرَافُكَ مِنْهُمْ لَمَّا نَعْنِ جَهَنَّمَ مِنْكُمْ

و از آن که از آسمان بخوبی دیده رانده شده بخدا هر که پیروی کند شما از آدمیان البته پیرکنم و در حق را از شما

أَجْمَعِينَ ۝ وَيَا أَدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ فَكُلَا مِنْ حَيْثُ

جمع کنید و گفتیم ای آدم ساکن شو تو و زن تو در بهشت پس بخورید از هر جای که

شَاءْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ ۝ فَوَسْوَسَ

که خواهید شد از سمت گاران (پس) خواهید شد از گنه گاران (پس) وسوسه کرد لغزافه

لِلشَّيْطَانِ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوَائِهِمْ وَقَالَ مَا

ایشان را شیطان تا آشکارا گرداند برآی ایشان این دو شیعه بود از نظر ایشان از شرمگاه بایه ایشان گفت

تَمْنَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ الْإِنَّا نَكُونُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ ۝ أَوْ تَكُونَا

میخواهید این درخت را ازین درخت مگر برآی احتیاط از آنکه شوید دو فرشته یا شوید

مِنَ الْخَالِدِينَ ۝ وَقَالَهُمَا إِنِّي لَكُمَا لَكِينٌ ۝ فَدَلَّهُمَا

از جای دیگر باشند گان و قسم خورد برای ایشان که من از وصیت کند کام شما پس بسوی یسعی ایشان را

بَعُورًا فَلَمَّا ذَاكَ الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوَاءُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفْنَ

پس از آنکه دیدند آن درخت را ظاهر شد از آن در شرمگاه ایشان و شروع کردند که بر سرگی بر سرگی چسبند

عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ طَوَّافًا فَسَاءَ لَهَا أَلَمَ أَنْفُكُمَا عَنْ تَبْكُمَا

از برگ درختان بهشت و نوا کرد ایشان را پروردگار ایشان که آیا منع نموده بودم شما از این

الشَّجَرَةَ وَأَقْبَلُ لَكُمَا إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمَا عَدُوٌّ مُبِينٌ ۝

درخت و گفت بودم شما که هر آینه شیطان شما دشمن آشکارا است درخت و گفت بودم شما که هر آینه شیطان شما دشمن آشکارا است

عنه از مخلوق خدا  
بهشت یا آسمانها  
ماندوی تواند که سراپا  
مصلح و فرمان بر حق  
او باشد آنگاه خود  
خواهد این سرکش را  
گنجایش نیست بهر  
حال شیطان ملعون  
که بران مقام است  
بنا بر کثرت عبادت  
و غیره تا آنکه فایز شد  
بوده را خود خواهی  
و مگر فردا آنگاه شد  
تنبیه از شمولیت  
ایست در مروت و شکر  
تاملت در از تنبیه شد  
که خداوند قدرت بیخ  
یک از مطلقان حتی  
ایست این جهان را  
فریده که خاص اینان  
هری مجبور و معطر  
باشد بلکه به اعتبار  
فطرت اصلی خبیث  
شرین موجودات نیز  
صلاحیت آنرا دارد  
که بر کسب و اخلاق  
نیکی و تقوی با نتهی  
ترقی برسد و با  
مردم ناشکری باشد  
نی تو اند عاریانی  
برسانند عاقبت  
کامیابی و فلاح از آن  
این وفاست اگر چه  
انگ باشند کثرت  
جاساسان نذر  
دورخ می شود و گویا  
باین صورت واضح  
شد که جنود شیطان  
هر قدر بیل باشند  
توانند سپاه علیل  
التماس و حلقه اند  
را مغلوب و مقهور  
کنند و به آدم و حوا  
آگاه بود که طاعت بر  
چیز نخواهند خورد و  
نوشند جز یک لحظ

این سخن از زبان خداوند است که میفرماید و این سخن از زبان شیطان است که میفرماید



فتح الرحمن  
والم یسوی کبریا  
والم یسوی سر و یارب  
خفته انگر و محشور

نور علی

تفسیر عثمانی

ع

مراد از فردا درون

آفرینش او و غیره

توضیح تفسیر است

کلمه فردا درون اکثر

در اینجا استعمال می

شود و چنانچه از ۲

بلا به پایان آورده

شود اما در اینجا ۱۵

چهار از آن فوق ۹

و تحت مکانی مراد می

باشد بل در باره کسی

که در مرتبه بلند باشد

اگر چیزی بریزد و ست

خوابش بخشد تیر این

کلمه اطلاق می شود

چنانکه در این آیت

کریمه و انزل نم

من الانعام ثمانية

از و ان یا و انزلنا

لحمیه فیما سجد

عنه اخراج و تنوع

بسی سبب این معنی

شده یعنی سبب معانی

آدم و حوا از بهشت

و بر آوردن لباس

آنها و می شد اکنون

شمار از آنها فریب

خود بود و مقابل عمر

آن با شویبار باشد

سه و شش که در اینجا

بینده ما و او دیده

نقوایم حلا و خطرناک

و دعوت او سخت

و شوار می باشد باید

بسیار مستعد بیدار

بود چاره این معنی

نامی آنست که

بایدانی پناه جویم که

اوامی بیند و می

اورا دیده می تواند

الذکر الاله

قَالَ رَبِّنا ظَلَمْنا اَنْفُسَنا ۝ وَاِنْ لَّمْ تَغْفِرْ لَنا وَتَرْحَمْنا لَنَكُونَنَّ

گفتند ای پروردگار ما ستم کردیم بر خویش و اگر نیامیزی ما را و مهربانی نه کنی بر ما البته از

گفتند ای پروردگار ما ستم کردیم بر نفس ما و خود و اگر نیامیزی ما را و مهربانی نه کنی بر ما البته از

مِنَ الْخاسِرِينَ ۝ قَالَ اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوًّا وَلَكُمْ فِي

زیاکاران با شما گفت خدا فرودید بعض شما بعض را دشمن خواهد بود و شما را در

الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتاعٌ إِلَىٰ حِينٍ ۝ قَالَ فِيما تَحْيَوْنَ وَفِيها

زمین استقرار و بهره مندی باشد تا وقتی گفت در زمین زندگانی خواهید کرد و در آنجا

تَسْتَوُونَ ۝ وَمِمَّا تَخْرُجُونَ ۝ يَبْنِي اٰدَمُ قَدْرًا لَّنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا

خواهید مرد و از آنجا بیرون آورده شوید ای فرزندان آدم هر آینه ما نزد آوریم بر شما لباس

يُؤَارِي سَواتِكُمْ وَرِيشًا وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذٰلِكَ خَيْرٌ ذٰلِكَ مِنْ

که پوشد شما را و فرود آوریم جام های زینت را و لباس بریزد بر کمری و آن را بهر بهتر است این از

اٰتِ اللّٰهِ لَعَلَّكُمْ يَتَّقُونَ ۝ يَبْنِي اٰدَمُ لَا يَفْتِنُكُمْ الشَّيْطٰنُ ۝

ایش بنا می خدا است تا ایشان پند پذیر شوند ای فرزندان آدم هر که نه کند شمار شیطان چنانکه

اَخْرَجَ اَبُو يَكْمُ مِنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمْ اَلْبَاسَ لِيَرَّهَمُ اَسْوَاهُمْ

بیرون آورد و پدر و مادر شمارا از بهشت بر کشد از آنها جامه ایشان را عدا تا بنماید ایشان شرم گاه آن بار

اِنَّهٗ يَرٰكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ اِنَّا جَعَلْنا الشَّيْطٰنَ

هر آینه شیطان و قوم او می بیند شمارا از آنجا که شما نمی بینید ایشان را هر آینه ما که در اینجا

اَوَّلِياءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ ۝ وَاِذا فَعَلُوا فاحِشَةً قَالُوا وَجَدْنا

کار گذار که نیک ایمان ندارند و کار گذار آنان چون بکنند کار زشت گویند یا قیوم

عَلَيْها اَباءُنا وَاللّٰهُ اَمْرًا نَهٰهُمُ اِنَّ اللّٰهَ لَا يَمُرُّ بِالْفَحْشٰءِ ۝

برین کار پدران خود را و خدا فرموده است ما را آن بگو هر آینه خدا می فرماید بکار زشت

اَتَقُولُوْنَ عَلٰى اللّٰهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ۝ قُلْ اَمْرٌ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَاَقْبِلُوْا

آیای می گویند بر خدا آنچه نمی دانند بگو چه ده پروردگار من ببرد و راست کنید

وَجْهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوْهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ ۝ هٰذَا

روی خود را و نزدیک هر نماز پرستید او را برائی او خالص کرده عبادت را چنانچه

بَدَا كُمْ تَعْبُدُوْنَ ۝ فَرِيقًا هَدٰى وَفَرِيقًا حَقَّ عَلَيْهِمُ الضَّلٰلَةُ ۝ اِنَّ

آفرید شمارا هم چنان دیگر بار خواهد شد و گروهی را راه نمود و گروهی را ثابت شد بر ایشان که گمراهی بر ایشان

بَدَا كُمْ تَعْبُدُوْنَ ۝ فَرِيقًا هَدٰى وَفَرِيقًا حَقَّ عَلَيْهِمُ الضَّلٰلَةُ ۝ اِنَّ

آفرید شمارا هم چنان دیگر بار خواهد شد و گروهی را راه نمود و گروهی را ثابت شد بر ایشان که گمراهی بر ایشان

بَدَا كُمْ تَعْبُدُوْنَ ۝ فَرِيقًا هَدٰى وَفَرِيقًا حَقَّ عَلَيْهِمُ الضَّلٰلَةُ ۝ اِنَّ

آفرید شمارا هم چنان دیگر بار خواهد شد و گروهی را راه نمود و گروهی را ثابت شد بر ایشان که گمراهی بر ایشان

بَدَا كُمْ تَعْبُدُوْنَ ۝ فَرِيقًا هَدٰى وَفَرِيقًا حَقَّ عَلَيْهِمُ الضَّلٰلَةُ ۝ اِنَّ

آفرید شمارا هم چنان دیگر بار خواهد شد و گروهی را راه نمود و گروهی را ثابت شد بر ایشان که گمراهی بر ایشان







فتح الرحمن

وَلَا يَنْفَعُ نَفْسًا

كَمَقْتَدَرِهِ شَيْءٌ

يَأْتِي بِرَسُولٍ أَعْلَمُ

مِنَ الْيَقِينِ تَابِعِينَ

عَذَابٍ كَفَّرَ تَعْلِيدَهُ

وَعَذَابٍ لِّمَنْ أَضَلَّ

وَاللَّهُ أَعْلَمُ

بِغَيْبِ عَالَمَاتٍ

وَاللَّهُ

أَعْلَمُ

تفسير شریف

عذاب از یک حساب

کنه گذشتهگان آنها

دو چندی است که خود را

شدند و آیندگان را نیز

از راه دور خوانند

یک حساب گناه آینه

گان و چندی شود که

خود گمراه شدند و

احوال پیشین را

و دیده و شنیده عبرت

نظر کنند با چون و عذاب

دو فریق بر وفق

درجات شان و قدر

وقت می آفرید لهما

خداوند آفرید

عذاب هر کدام

مغایض می

شود هنوز در آغاز

تقدیر مید و از انجام

آن خبر نماند یعنی از دور

چند شدن عذاب

گذشتهگان براس

آیندگان شایسته

راحق فیض نبی شود

این بیان در آن مرتبه

است که در اول از اصل

شعف برود و فرقی

می باشد اما این کفر

براست که در این آیت

خداوند آیندگان را مطلع

فرموده یعنی بدون شک

ما عذاب بر کسی از شما

شمارا بر وفق مدتها

آینده و چندی آیند

ایم چنانکه در آیت دیگر

است الذین کفروا

و صدوا عن سبیل الله

يُنَالَهُمْ صَيْدُهم مِّنَ الْكِتَابِ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُمْ رَسُولُنَا يُتَوَفَّوْهُمْ

بِرَسُولِهِمْ يَوْمَئِذٍ هُمْ فِي شَكٍّ مِّنْهُ لَوْ كُنُوا يَعْلَمُونَ

قَالُوا أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا وَشَهِدُوا

بِعَذَابِنَا أَسْمَاءُ

وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِغَيْبِ عَالَمَاتٍ

وَاللَّهُ

أَعْلَمُ

تفسير شریف

عذاب از یک حساب

کنه گذشتهگان آنها

دو چندی است که خود را

شدند و آیندگان را نیز

از راه دور خوانند

یک حساب گناه آینه

گان و چندی شود که

خود گمراه شدند و

احوال پیشین را

و دیده و شنیده عبرت

نظر کنند با چون و عذاب

دو فریق بر وفق

درجات شان و قدر

وقت می آفرید لهما

خداوند آفرید

عذاب هر کدام

مغایض می

شود هنوز در آغاز

تقدیر مید و از انجام

آن خبر نماند یعنی از دور

چند شدن عذاب

گذشتهگان براس

آیندگان شایسته

راحق فیض نبی شود

این بیان در آن مرتبه

است که در اول از اصل

شعف برود و فرقی

می باشد اما این کفر

براست که در این آیت

خداوند آیندگان را مطلع

فرموده یعنی بدون شک

ما عذاب بر کسی از شما

شمارا بر وفق مدتها

آینده و چندی آیند

ایم چنانکه در آیت دیگر

است الذین کفروا

و صدوا عن سبیل الله

ندنا هم عذابا فوق العذاب

بما هم یعملون







فتح الرحمن

ولا فراموش نمون خدا ترک ایشان است و در روز و اندک علم و این یعنی مسلمان شویم و بت راند پرستیم و این یعنی گناه جزا شب را بلباس نهاده پوشانیده در حساب نهاری گردانده و اندک علم را یعنی از پی در آمدن شبانه روز مشایه آنست که گویا کسی که را دو ان دستبایم طلبی تفسیر عثمانی و در زحان و اس فراموش را باخته مضطر باندیش این جنت دست نیاز و از می کننده می خورد سوختن اندکی آب بریزید یا از انجلی که خداوند بشمار از ان داشته ادا مستفید گردانید جواب داده میشود که این اشیاء بر کافران حرام گردانیده شد این همان کافراست که زمین الهی را با بیجه قرار داده و بر تنم دنیا فرو رفته بودند چنانکه آفتاب و زلزله در دنیا نیکی گاه از آخرت اندیش میکردند باینکه امروز اکتسب یا نهایی و بیم و چنانکه آنها آیات ادا انکار می کردند ماینور و حق شان را اجماعت نمی گنیم عمل در حال و چه و کثانی مانند آن کرد و آن علیه فروغی پنهان علی موجود است و هر چه را آگاهی و صراحت تمام بیان می کند چنانچه مومنان بخوبی از آن برخوردار می گردند تعجب است که این مسلمانان خود خواه طوری به عاقبت خویش نگردند اکنون پیشانی سودمند-

عليكم ولا انتم تحزنون ٥ ونادى احببنا لى احببنا لى

بر شما و نه شما اند و بگین شوید و ندا کنند  
دو روز اول بهشت را اول بهشت را

افيضوا علينا من السماء اوبين ان الله قال ان الله حرمها

بریزید بر ما چیزه از آب یا از سائر آنچه روزی داده است  
بریزید بر ما چیزه از آب یا از سائر آنچه روزی داده است

على الكافرين ٥ الذين اتخذوا دينهم لهما ولعبا و عرتهم الجحيم

بر کافران آنانکه دین خود گرفتند  
بر کافران آنانکه دین خود گرفتند

الدينا قال يوم ننسهم كما نسوا لقاء يومهم هذا وما كان له بالدين

دنیا پس امروز فراموش کنیم ایشان را چنانکه ایشان فراموش کردند ملاقات این روز خویش را و چنانکه انکاری کردند  
دنیا پس امروز فراموش کنیم ایشان را چنانکه ایشان فراموش کردند ملاقات این روز خویش را و چنانکه انکاری کردند

يجحدون ٥ ولقد جندهم بكتب فصله على علم هدى و رحمة

بایات و فل و هر آینه آورده ایم بر آینه ایشان کتابی که مفصل کردیم آنرا به دانش برای رهنمایی و رحمت  
انکاری کردند و هر آینه آورده ایم بر آینه ایشان کتابی که مفصل کردیم آنرا به دانش برای رهنمایی و رحمت

لقوم يومئذ ٥ هل ينظرون الا تاويله ط يوم ياتي تاويله

مومنان را انتظار می کنند کفار مگر مصداق این وعده را روزیکه بیاید  
برای مومنان قطع آید بنور انتظار که مضمون آن می باشد روزیکه ظاهر شود مضمون (مصداق) آن

يقول الذين نسوه من قبل قد جاءت رسلنا بالحق فمنهم

گویند کسانی که فراموش کرده بودند از ایشان هر آینه آمده بودند پیغامبران پروردگار ما برستی پس آیا هستند  
و انتظار می برند کفار مگر مصداق این وعده را خواهند گفت کسانی که فراموش کرده بودند از ایشان هر آینه آمده بودند پیغامبران پروردگار ما برستی پس آیا هستند

لنا من شفعا فيشفعوا لنا او نرد فنعمل غير الذي كنا نعمل

برای ما شفیعان تا شفاعت کنند برای ما باز گرداننده شویم پس عمل کنیم غیر آنچه می کردیم  
برای ما شفاعت کنندگان تا که شفاعت کنند برای ما باز گرداننده شویم پس عمل کنیم غیر آنچه می کردیم

خسر وانفسهم و ضل عنهم ما كانوا يفترون ٥ ان ربكم الله

زیان کردند در حق خویش و گم شدند از ایشان آنچه افتراسه کردند  
تباه کردند نفس بانه خود را و گم شد از ایشان آنچه افتراسه کردند

الذي خلق السموت والارض في ستة ايام ثم استوى على

که آفرید آسمانها و زمین را در شش روز باز مستقر شد  
که آفرید آسمانها و زمین را در شش روز پس قرار گرفت و ثلثه و قمره کرد

العرش يعني الليل النهار يطيبه حثيثا والشمس والقمر والنجوم

عرش می پوشاند شب را و روز را طبعی لطیف روز را بلباس و آفرید آسمانها ماه ستارگان را  
عرش می پوشاند شب را و روز را طبعی لطیف روز را بلباس و آفرید آسمانها ماه ستارگان را

مسخرت يا مريم الا له الخلق والا مريد تبارك الله رب العالمين ٥

رام شده یا مریم الا که خدا آگاه شود راست آفریدن و فرمانروائی بخلایت بزرگ است خدا پروردگار عالم  
رام شده مگر خود آگاه شود خاص کار دوست بهد کردن و فرمانروائی بیکت بزرگ خداست که پروردگار همه جهانهاست

ادعوا ربكم تضرعا وخفية ط انه لا يحب المعتدين ٥ ولا تقصدوا

بر پرستید پروردگار خود را زاری نمان و پوشیده از مردان هر آینه او دوست ندارد از عذر گذراند و تقصد  
بخواهند پروردگار خود را بزماری و آهسته آهسته (پوشیده) هر آینه او دوست ندارد از عذر گذراند و تقصد



فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ

در زمین بعد اصلاح آن و بجهت پرستید او را به ترس و امید بر آئیند بحث ایشان خدا

قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ ۝ وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيحَ بَشِيرًا يَكْبِتُ

نزدیکی است از نیکوکاران و اوست آنکه می فرستد باد را بشارت دهنده پیش از

رَحْمَتُهُ حَتَّىٰ إِذَا أَفْلَحَ سَمَاءُ بَارِقًا لَّسْقَنْهُ لُبْكُ مَمِيَّةٍ فَأَنزَلَ لَنَا بَهْ

رحمت خود حتی تا وقت که تاوقتیکه برادر آسمان را روان کین آنرا بسوی شهر مرده پس فرو آردم بواسطه آن

الْمَاءِ فَأَخْرَجْنَا بِهِ مِّنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ كَذَلِكَ يَخْرِجُ الْمَوْتَىٰ لَعَلَّكُمْ

آب را پس بیرون آوردم بآن آب از جنس هر میوه بم چشیدن بیرون آوردم مردگان را و حق تعالی

تَذَكَّرُونَ ۝ وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتًا بِإِذْنِ رَبِّهِ ۝ وَالَّذِي

بندید بر شویید و شهر پاکیزه بر می آید بفرمان پروردگار او و زمین

حَبَّتْ لَمْ يَخْرِجْ إِلَّا نَكِدًا كَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْأَيَّاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ ۝

نایاب بود بر می آید رستی او مگر نایاب بود بر می آید هم چنین گو تا گویان بیان می کنم نشانه را برای قومی که شکر گذاری کنند

قَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَقَالَ يَقَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِّنْ إِلَٰهٍ

وای آنکه فرستادیم نوح را بسوی قوم او پس گفت ای قوم من عبادت کنید خدا را نیست شمارا بجز میبود

عَلَيْهِ هَٰذَا خَوْفٌ عَلَيْكُمْ عَذَابِ يَوْمٍ عَظِيمٍ ۝ قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ

نفرده بر آنکه من ترسم بر شما از عقوبت روز بزرگ و گفتند ایشان از قوم او

إِنَّا لَنَرَاكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ۝ قَالَ يَقَوْمِ لَيْسَ بِي ضَلَالَةٌ ۝

بر آنکه ای قوم من ترا در گمراهی می بینیم گفت ای قوم من نیست بامن گمراهی و

لَكِنِّي رَسُولٌ مِّنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ أَبْلَغُكُمْ رَسُولًا مِّنْ رَبِّكُمْ

لیکن من پیغامبرم از جانب پروردگار عالمیان می رسانم بشما پیغام باری پروردگار خود را و تصدیق می کنم

لَكُمْ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ۝ أَوْحَيْتُمَا أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرُهُنَّ

برای شما می دانم از حکم خدا آنچه نمی دانید آیا نوح کردید از آنکه آمد به شما پسندید از جانب

رَبِّكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ مِّنْكُمْ لِيُنذِرَكُمْ وَلِتَتَّقُوا وَلَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ۝

پروردگار را بر شما فرمود آمد بر من که بشما را و تا پیریز نگاری کنید و تا مهربانی کرده شود بر شما

فَكَذَّبُوهُ فَأَنْجَيْنَاهُ وَالَّذِينَ مَعَهُ فِي الْفُلِ وَأَعْرَقْنَا الَّذِينَ

پس رد کردند او را پس نجات دادیم او را و کسان را که با او بودند در کشتی و غرق ساختیم کسان را که

مَعَهُ ۝ وَنَاوَلْنَاهُمُ الْكِتَابَ وَطَمَسْنَا أَعْيُنَهُمْ فَذُكِّرُوا بِلِقَائِهِمْ رَاكِبِينَ

با او و دادیم کتاب را و پنهان نمودیم چشمتان را تا یاد شود در کشتی و غرق ساختیم کسان را که

مَعَهُ ۝ وَنَاوَلْنَاهُمُ الْكِتَابَ وَطَمَسْنَا أَعْيُنَهُمْ فَذُكِّرُوا بِلِقَائِهِمْ رَاكِبِينَ

فتح الرحمن

وای آنکه سبب

بعثت رسول الله صلی

الله علیه وسلم ۱۲

یعنی پیش از باران

وای آنکه سبب

کرم ۱۲ وای آنکه سبب

عوبه این مثل است

برای تاثیر بند در

کتاب سلیم و علم تاثیر

آن در غیر سلیم و علم

علم ۱۲ وای آنکه سبب

قیامت ۱۲

تفسیر عثمانی

ع وای آنکه سبب

السلام در آغاز سوره

گذارش یافت پس

از وی نوح علیه السلام

ببخشید او را العزم و

ع مشهور است که

برای بدایت

کمال آن زمین و

مقابل مشرکان و

مگوید اگر چه بعثت

ایشان باید باعتبار

شریعت خاص آنها

سوی قوم خودشان

باشد باز هم باعتبار

آن اصول اساسی

که در تعلیم تمام پیغمبر

مشترک است چنان

گفت که تمام افراد بشر

نوعی از جنس انسانی است و در هر یک از این جنسها تفاوتی است و این تفاوتها را باید در نظر گرفت و در هر یک از این جنسها تفاوتی است و این تفاوتها را باید در نظر گرفت

نوعی از جنس انسانی است و در هر یک از این جنسها تفاوتی است و این تفاوتها را باید در نظر گرفت و در هر یک از این جنسها تفاوتی است و این تفاوتها را باید در نظر گرفت



فتح الرحمن

واینها بیار

عقوبت ۱۲

واینها بیار

اس است ۱۲

تفسیر عثمانی

عقوبت ۱۲

واینها بیار

تفسیر عثمانی

عقوبت ۱۲

واینها بیار

تفسیر عثمانی

عقوبت ۱۲

واینها بیار

تفسیر عثمانی

عقوبت ۱۲

واینها بیار

تفسیر عثمانی

عقوبت ۱۲

واینها بیار

تفسیر عثمانی

عقوبت ۱۲

واینها بیار

تفسیر عثمانی

عقوبت ۱۲

واینها بیار

تفسیر عثمانی

عقوبت ۱۲

واینها بیار

تفسیر عثمانی

عقوبت ۱۲

واینها بیار

تفسیر عثمانی

عقوبت ۱۲

واینها بیار

تفسیر عثمانی

عقوبت ۱۲

واینها بیار

تفسیر عثمانی

عقوبت ۱۲

گَدَّ جَوَابِیْنَا لَهُمْ كَانُوا قَوْمًا عَمِیْنٌ ۝ وَ اِلٰی عَادٍ اَخَاهُمْ هُوْدٌ ۝

دروغ داشتند آیات مارا بر آینه ایشان بودند مردی نایب و فرستادیم بسوی قوم عاد برادر ایشان هود را

تجربه یی کردند آیات مارا بر آینه ایشان بودند مردی نایب و فرستادیم بسوی قوم عاد برادر ایشان هود را

قَالَ یَقُوْمُ اعْبُدُوا اللّٰهَ مَا لَكُمْ مِنْ اِلٰهِ غَیْرِہٖ ؕ اَفَلَا تَتَّقُوْنَ ۝

گفت ای قوم من عبادت کنید خدا را نیست شمارا شیخ معبود غیر او

گفت ای قوم من عبادت کنید خدا را نیست شمارا شیخ معبود غیر او

اَللّٰہُ الَّذِیْنَ کَفَرُوْا مِنْ قَوْمِہٖ اِنَّا لَنَرٰکَ فِیْ سَفَاہَةٍ وَّ اِنَّا لَنُنَبِّئُکَ

اشرفان کفار از قوم او بر آینه نامی بیستم ترا در بے خبری و هود را می بیند اسم ترا

سرداران کفار از قوم او بر آینه نامی بیستم ترا در بے خبری و هود را می بیند اسم ترا

مِنْ الْکٰذِبِیْنَ ۝ قَالَ یَقُوْمُ لَیْسَ بِیْ سَفَاہَةٍ وَّلٰیْکِیْ رَسُوْلٌ ۝

از دروغ گویان گفت ای قوم من نیست با من شیخ بے خبری و لیکن من پیغام برم از

از دروغ گویان گفت ای قوم من نیست مرا شیخ بے خبری و لیکن من پیغام برم از

رَّبِّ الْعٰلَمِیْنَ ۝ اُبَلِّغُکُمْ رِسٰلَتِ رَبِّیْ وَاَنَا لَکُمْ نَاصِحٌ اٰمِیْنٌ ۝

جانب پروردگار عالمیا می رسانم بشما پیغام های پروردگار خود من برای شما نیک خواه بامانم

جانب پروردگار عالمیا می رسانم بشما پیغام های پروردگار خود من برای شما نیک خواه بامانم

اَوْ عَجَبْتُمْ اَنْ جَاءَکُمْ ذِکْرٌ مِنْ رَبِّکُمْ عَلٰی رَجُلٍ مِّنْکُمْ لَیْسَ ذِکْرٌ ۝

آیا تعجب کردید از آنکه بشما پند از جانب پروردگار شما فرود آید مردی از شما تا بگویم که شمارا و

آیا تعجب کردید از آنکه بشما پند از جانب پروردگار شما فرود آید مردی از شما تا بگویم که شمارا و

اَذْکُرُوْا اِذْ جَعَلْکُمْ خُلَفَآءَ مِنْۢ بَعْدِ قَوْمِ نُوْحٍ وَّ زَادْکُمْ فِی الْخَلْقِ

یاد کنید نعمت الهی آن وقت که گردانید شمارا جانشین بعد از قوم نوح و افزود برای شما در خلقت

یاد کنید چون گردانید شمارا جانشین بعد از قوم نوح و افزود برای شما در خلقت

بَصۜطَةٍ ۝ فَادْکُرُوْا اِلَآءَ اللّٰهِ لَعَلَّکُمْ تَفْلَحُوْنَ ۝

قوت را پس یاد کنید نعمت الهی خدا را تا شمارا شکر شود گفتند آیا آمده پیش ما تا عبادت کنیم

قوت را پس یاد کنید احسان های خدا را تا شمارا شکر شود گفتند آیا آمده پیش ما تا عبادت کنیم

اللّٰهُ وَحَدَّہٗ وَنَدَّرَ مَا کَانَ یَعْبُدُ اٰبَاؤُنَا ۝ فَاتَّبٰۤیہُمْ تَعْدُنَا اِنْ کُنْتَ

خدا را تنها و بجز از نام او نمی پرستیدند پدران ما پس بیار پیش ما بگو و عید می کنی دل اگر هستی

خدا را تنها و بجز از نام او نمی پرستیدند پدران ما پس بیار پیش ما بگو و عید می کنی دل اگر هستی

مِنْ الصّٰدِقِیْنَ ۝ قَالَ قَدْ وَقَعَ عَلَیْکُمْ مِّنْ رَّبِّکُمْ رِجْسٌ مِّنْ غَضَبِ

از راست گویان گفت ثابت شد بر شما از جانب پروردگار شما عقوبت و خشم

از راست گویان گفت بد رسیده ثابت شد بر شما از جانب پروردگار شما عقوبت و خشم

اِتِّجَادِ لَوْ نَبِیْ فِیْ اَسْمَآءٍ سَمَّیْتُمْہَا اَنْتُمْ وَاٰۤیَاکُمْ ۝ فَانْزَلَ اللّٰهُ

آیا مرا براهی کنید با من در باب نامهای چند که شما مقرر کرده اید آنرا پدران شما مقرر کرده اند و فرستاد خدا را

آیا مرا براهی کنید با من در باب نامهای چند که شما مقرر کرده اید آنرا پدران شما مقرر کرده اند و فرستاد خدا را

مِنْ سُلٰطٰنٍ ۝ فَاتَّخِذُوْا اِلٰی مَعٰکُمْ مِنَ الْمُنْظَرِیْنَ ۝ فَانْجِیْہِ

شیخ و دلیل پس انتظار کنید بر آینه من نیز بر شما از منتظرانم

شیخ و دلیل پس انتظار کنید بر آینه من نیز بر شما از منتظرانم

وَالَّذِیْنَ مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِّنَّا وَّقَطَعْنَا دَۤیْرَ الَّذِیْنَ کَذَبُوْا

و کسانی را که با او بودند مهربانی از جانب خویش و بریدیم بیخ آنان را

و کسانی را که با او بودند مهربانی از جانب خویش و بریدیم بیخ آنان را

و کسانی را که با او بودند مهربانی از جانب خویش و بریدیم بیخ آنان را



۹  
ع  
۱۶  
احسان و  
مکر و مکر

در زمین خداوند  
میکنید و عده  
منکر و مکر  
بے نوا و ضعیف است  
می گفتند و ممکن است  
که باشند و حال بزرگ  
و دانش منزه از روز  
ندالت باشد مگر  
بشما معلوم شد که  
صالح فرستاده خدا  
مسلمانان جواب داد  
بی آنرا از دل پذیرفت  
و بران ایمان آوردند  
و مکرین ازین جواب  
حکایت نقل شدند  
و گفتند چیزی بر شما  
پذیرفتید یا آنرا نمی  
پذیریم و اگر مانند شما  
چند نفر ایشان و  
درمانده ایمان آرند  
ازان چه کامیابی بزرگ  
حاصل میشود  
چندان آنرا مده شتر  
چندان قوی میل و  
بزرگ بود که کلام  
چوین سائر چهار پایی  
از وی دم می کرد و می  
می گفتند در روز یک  
لوت آن می بود تمام  
آب چاه را می نوشید  
و آنرا چینی می کرد گویا  
چنانکه خلقت دی غیر  
معمولی بود و ازین  
آثار حیات و انقیاد  
او نیز بطور حارق الهاد  
آفریده شده بود  
انجام مردم بخشش آید  
و بقل آن اتفاق گرفته  
و قدر شقی یا بیامی  
اورا قطع کرد و پس  
ازان بقل خود حضرت  
صالح علیه السلام

بایتنا و ما کانوا مؤمنین و الی شهودا خاهم ضلیما قال یقوم  
آیات در و نه بودند از مؤمنان و فرستادیم بسوی قوم خود برادر ایشان صالح را گفت ای قوم من  
آیات در و نه بودند مؤمنان و فرستادیم بسوی قوم خود برادر ایشان صالح را گفت ای قوم من  
عبدوا الله ما لکم من الیه غیره اذ جاءکم بینه من ربکم  
عبادت کنید خدا را نیست شمارا هیچ معبود غیر او  
عبادت کنید خدا را نیست شمارا هیچ معبود غیر او  
هذه ناقة الله لکم آیه فذروها تا کل فی ارض الله ولا تمسوها  
این ماده شتر نیست پیدا کرده خدا را نشانه برای شما پس بگذارید پیش که چرود در زمین خدا و مسامند او را  
این ماده شتر خداست (آفرید) برای شما نشانه پس بگذارید پیش که چراند در زمین خدا و مسامند او را  
یسوء فیاخذکم عذاب الیم و اذکروا اذ جعلکم خلفاء من  
بسیار سختی پس آنگاه بجزو شمارا عذاب درد دهنده و یاد کنید آن وقت که گردانید شمارا جانشینان  
بسیار بدی پس آنگاه بجزو شمارا عذاب درد دهنده و یاد کنید آن وقت که گردانید شمارا جانشینان  
بعد عادی و بواکم فی الارض تتخذون من سهولها قصورا و  
بعد از قوم عاد و استقامت را در شمارا در زمین می سازید  
بعد از قوم عاد و استقامت را در شمارا در زمین می سازید  
تتخذون الجمال بیوتاج فاذکروا الاء الله ولا تعثوا فی الارض  
تراشیده خانه های سارید کوه بار را پس یاد کنید نعمت باطنی خدا را و تبااهی مکنید در زمین  
تراشیده کوه بار را خانه ها پس یاد کنید احسانات خدا را و تبااهی مکنید در زمین  
مفسدین قال البلاء الذین استکبروا من قومی الذین استضعفوا  
ساده افغان گفتند آن اشرفان که سر کشی کرده بودند از قوم او آنرا که هر کس ضعیف داشت ایشان را  
ساده افغان گفتند آن اشرفان که سر کشی کرده بودند از قوم او آنرا که هر کس ضعیف داشت ایشان را  
لین امن منکم تعلمون ان صلیا مرسل من رب قال انابکم  
مرسانه را که ایمان آورده بودند از ایشان ایامی و اندک صالح فرستاده شده است از جانب پروردگار و گفتند ایان بر آئین باقی بمانید که  
مرسانه را که ایمان آورده بودند از ایشان ایامی و اندک صالح فرستاده شده است از جانب پروردگار و گفتند ایان بر آئین باقی بمانید که  
ارسل به مؤمنون قال الذین استکبروا و انابکم  
فرستاده شده است به مؤمنان گفتند سرکشان بر آئین باقی بمانید مقتدران شدید  
فرستاده شده است به مؤمنان گفتند سرکشان بر آئین باقی بمانید مقتدران شدید  
ففرور فحقروا التافة و عتوا عن امر ربهم و قال ایصلح ائتنا  
کار فرایم پس کشند آن ماده شتر را و بخارزد کردند از فرمان پروردگار خویش و گفتند ای صالح بیا را  
کار فرایم پس بی گردانید کشند آن ماده شتر را و بخارزد کردند از فرمان پروردگار خویش و گفتند ای صالح بیا را  
بما تعدنا ان کنت من المرسلین فاخذتهم الرجفة فاصبحوا  
آید و عیدی می اگر پیشی از پیشا بران پس در گرفت ایشان را بر زلزل پس کشند  
آید و عیدی می اگر پیشی از پیشا بران پس در گرفت ایشان را بر زلزل پس کشند  
فی دارهم جحیم فتولی عنهم و قال یقوم لقد ابلغتمکم  
مرده بزارو افتاده در سرای خویش پس صالح اعراض کرد از ایشان و گفت ای قوم من رسانیدم بشما  
مرده بزارو افتاده در سرای خویش پس صالح اعراض کرد از ایشان و گفت ای قوم من رسانیدم بشما  
رسالة ربی و نصحت لکم و لکن لا تحبون النصیحة و لو طأ  
پیغام پروردگار را و نصیحت کردم برای شما و لیکن دوست نمی دارید بیک خواهی گفتن من و او فرستادیم لوط را  
پیغام پروردگار را و نصیحت کردم برای شما و لیکن دوست نمی دارید بیک خواهی گفتن من و او فرستادیم لوط را

فرستاده شده درین طریق احکام خدا را که از حق به صالح و ناقة بود و قتل می کنند



فتح الرحمن

فل یسئوا جنان  
 بود که همه متفق میشدند  
 برایان و چون متفق  
 نشدند منتظر فیصل  
 کرده باشند از خدا  
 تفسیر عثمانی  
 ع و ط عبد السلام  
 برادر زاده ابراهیم  
 علیه السلام بود با علم  
 از عراقی هجرت کرده و به  
 شام آمد خداوند آنها  
 جانب مدینه و قری  
 اطراف آن مبعوث  
 گرفتار آمد آنجا را  
 اصلاح کننده از امور  
 ناپاک و تنگی مخالف  
 فطرت و بی حیائی  
 که جنگ با مکه موجود  
 آن بودند باز  
 دادند پیش از  
 این با در جهان کسی  
 این مرض مسلک را  
 فی شناخت می گویند  
 نخست این فعل محزون  
 را شیطان جاهلی  
 ستم آساخت و از  
 آنجا مقامات دیگر شتر  
 که حضرت طوط علیه السلام  
 مردم را به حوا قبایلین  
 فصل شنیع ناپاک متبر  
 نمود و خواست این جهل  
 را از مملکت بگردانید  
 تا به بر جبارت تنگی  
 جاهلین انجیل موجود  
 باید گرفت که نسبت  
 به چنین پیغمبر معصوم که  
 برای تطهیر دنیا اند  
 این عمل جنس تنگی  
 مبعوث شده بود و این  
 اعلان ناپاک را مشوب  
 گردانند از شنیدن  
 آن کسی که حیا دارد  
 موبر نش راست  
 می شود کبریت کلمه  
 تخریب من افواههم  
 یقون الا کلامه  
 ع شانه بر تفریک گناه می باشد بلکه از کتاب این فعل مخالف فطرت و دلیل است بر این که شانه از حد انسانیت تجاوز کرده اید

اذ قال لقومه اتاتون الفاحشة فاسبقکم بها من احد من  
 آن وقت که گفت بگویم خود آیدای کنید آن به جهانی که پیش از شما  
 آن وقت که گفت بگویم خود آیدای کنید آن به جهانی که پیش از شما  
 العاکین ۵ انکم لتاتون الرجال شهوة من دون النساء بل انکم  
 عالمها هر آینه شما میروید بطیوت بسوی مردمان بجز زنان بلکه شما  
 عالمها هر آینه میروید بسوی مردمان بطیوت بجز زنان بلکه شما  
 قوم مسرفون ۹ وما کان جواب قومہ الا ان قالوا اخرجوهم من  
 کرده مسرفانند و نه بود جواب قوم او الا آنکه گفتند بیرون کنید ایشان را از  
 کرده مسرفانند و نه بود جواب قوم او مگر آنکه گفتند بیرون کنید ایشان را از  
 قریبتکم انهم اناس یطمثون ۱۰ فان جینا و اهلک الا امراتہ  
 دیر خود که هر آینه ایشان مردم پاکیزگی طلب کننده اند پس بجات دادیم او را و اهل خانه او را مگر زنی را  
 ده خود که هر آینه ایشان مردی اند که پاکیزگی طلبند پس بجات دادیم او را و کسان او را مگر زنی را  
 کانت من الغیرین ۱۱ وامطرنا علیهم مطرا فافظر کیف کان عاقبتہ  
 کرد از بانی ماندگان در آنجا و بارانیدم بر ایشان بارانی یعنی از سنگ پس بجز چگونه بود آخر کار  
 کرد از بانی ماندگان در آنجا و بارانیدم بر ایشان بارانی یعنی از سنگ پس بجز چگونه بود آخر کار  
 المجرین ۱۲ والی مدین اخاهم شعیب قال یقوم عبد الله ما  
 کنایه از آن و فرستادیم بسوی قوم مدینه برادر ایشان شعیب را گفت ای قوم من هر چه ستمه خدا را نیست  
 کنایه از آن و فرستادیم بسوی قوم مدینه برادر ایشان شعیب را گفت ای قوم من عبادت کنید خدا را نیست  
 لکم من الی غیرہ طقد جاءکم بدین من ربکم فاقولوا للکیل و  
 شمارا این معبود بخیر او هر آینه آمده است بشما و بپس از پروردگار شما پس کنید پیمان و  
 شمارا این معبود بخیر او هر آینه آمده است بشما و بپس از پروردگار شما پس تمام کنید پیمان و  
 البیزان ولا تبخسوا الناس شیئہم ولا تفسدوا فی الارض بعا  
 ترازد را و ناقص مبدید مردمان اشیای ایشان را و فساد کنید در زمین بید  
 وزن (ترازم) را و ناقص مبدید مردمان اشیای ایشان را و فساد کنید در زمین بید  
 اصلا حملاذ لکم خیر لکم ان کنتم مومنین ۱۱ ولا تقعدوا لکم  
 اصلاح آن این کار که کنیم بهتر است شمارا اگر باور دادند نمایند و متشکند  
 اصلاح آن این کار که کنیم بهتر است شمارا اگر بپسندید گردیدگان و متشکند  
 صراط یوعدون و تصدق عن سبیل الله من من یبتغونها  
 راه که بپسندید و باز دارید از راه خدا را که ایمان آورده بود و می بخواهد برای آن  
 عوجا و اذکروا الذکرتکم قلیلا فکثرکم وانظر و کیف کان عاقبتہ  
 بجز و یاد کنید آن وقت که شما اندک بودید پس بسیار گردانید شمارا و بجز چگونه شد آخر کار  
 عیب (بجز) و یاد کنید آن وقت که شما اندک بودید پس بسیار گردانید شمارا و بجز چگونه شد آخر کار  
 المفسدین ۱۲ وان کان طایفت منکم کنوا بالذی ارسلت بہ و طایفة  
 مفسدان و اگر هست گروهی از شما مومن با آنچه فرستاده شدم همراه او و گروهی  
 مفسدان و اگر هست گروهی از شما که ایمان آورده اند با آنچه فرستاده شدم به همراه او و گروهی  
 لم یؤمنوا فاصبر و احسب انکم لکنتم من عند الله بینا و هو خیر الحکامین ۱۳  
 نامومن پس صبر کنید تا آنکه فیصل کند خدا از میان ما و او بهترین حکم کنندگان است و من  
 که ایمانی نیافته اند پس صبر کنید تا آنکه فیصل کند خدا از میان ما و او بهترین حکم کنندگان است  
 که ایمانی نیافته اند پس صبر کنید تا آنکه فیصل کند خدا از میان ما و او بهترین حکم کنندگان است



دل بین عادت  
از زمانه است که  
کتابه سجد و

گفت راحت می باشد  
از باب مواخذه بر  
اعمال زود و الله اعلم  
تفسیر عثمانی  
ع سنی "عود از

چیز است بر آمدن دوباره  
بازگشت است اطلاق  
آن حقیقه را بحجاب

حضرت شعیب علیه  
السلام صادق شده  
می تواند زیرا از کفر باز

گشته داخل اسلام  
شده بودند در باب  
خود حضرت شعیب

علیه السلام قطعا گفته  
نمی توان کرد که او ش  
در ادل (معاذ الله)

در بین کفار داخل بودند  
بعد از مسلمان شدنند  
ناچار یا به اعتبار

آن باین خطاب  
تقلید خواهد بود  
یعنی کما ینکر در

حق مؤمنین نمی  
استعمال شده  
فوق اکثریت غایب را

منع نموده برای  
حضرت شعیب که  
جدا گانه خصوص در

نشد و این کار در حق  
ای مطابق نعم گفته  
انگفته شد زیرا پیش

از وقت تازه ینکه  
حضرت شعیب علیه  
السلام در وقت

تنبیخ را استوار کرد  
بود این مدین خاموشی  
شعیب علیه السلام

راه باب کفریات  
خود حس کرده شاید  
علمان کرده باشند که

شعیب علیه السلام  
تیر میخواست اوده بپنا  
راض است دیه خود

قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ

گفتند آن اشرفان که سرکش کرده بودند از قوم او

خَرَجْنَاكَ يَشْعِيبَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَكَ مِنْ قَرْيَتِنَا أَوْلَىٰ لِلْعُودِ فِي

خارج کردن تو را از قریه ما و کسانی که ایمان آوردند از قریه خود یا ایست که باز گردید در

لَيْلَتِكَ قَالَ أُولَٰئِكَ نَكَارَ هَٰؤُلَاءِ قَدْ أَقْرَبْنَا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا إِنْ عُدْنَا

گفتند آن بندگان ما را که با شما هستیم هر آینه بر بسته باشیم بر خدا دروغ اگر باز گردیم

لَيْلَتَكُمْ بَعْدَ إِذْ جَعَلْنَا اللَّهُ مِنْهَا مَوْءِجًا وَمَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَعُودَ فِيهَا إِنْ

در شب بعد از آنکه بر ما نیند خدا ما را از دهن و هرگز لایق نیست باز از آن عود کنیم در آن مگر آنکه

بَعْدَ اللَّهِ رَبُّنَا وَسِعَ رَبُّنَا كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا مَسْ بَنَّا

بعد از خدا پروردگار ما احاطه کرده است پروردگار ما به هر چیز از روی علم بر خدا توکل کردیم اے پروردگار ما

خَرَجْنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاحِشِينَ وَقَالَ لَمَلَأُ

خارج کردیم از میان قوم ما و در میان قوم ما راستی و تو بهترین فاحشان هستی و گفت آن اشرفان

لَيْلِنَا كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَئِنْ أَتَيْتُمْ شَعْبِيًّا إِنَّكُمْ إِذَا الْخُسُوفُ

در شب کفر کردند از قوم او (بمعاد خود) اگر متابعت کنید شعیب را هر آینه شما آن وقت زیان کار باشید

خَذَلْتُمْ أَوَّلَ الْجَحْفَةِ فَاصْبِرُوا فِي دَارِهِمْ جَمْعِينَ الَّذِينَ كَذَّبُوا شَعْبِيًّا

در گرفت ایشان را زلزله پس هیچ کردند در سرای خویش مرده بر زانو افتاده آنانکه دروغ داشتند شعیب را

لَمْ يَخَوْفُ يَوْمَ الْفَصَادِ الَّذِينَ كَذَّبُوا شَعْبِيًّا كَانُوا هُمُ الْخُسُوفُ

نترسیدند از آنکه غرق شدند در سرای خویش مرده بر افتاده آنانکه کذب کردند شعیب را

قَالَ يَقَوْمُ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رَسُولِي وَصَحْتُ لَكُمْ فَكَيْفَ

گفت ای قوم من رسانیدم به شما پیغامهای پروردگار خود و شکایت کردم برای شما پس چگونه

نَهَىٰ عَلَىٰ قَوْمٍ كَافِرِينَ وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا

نهی کردیم بر قوم کافران و نه فرستادیم در هیچ دیهتی پیغامبری را مگر آنکه گرفتار کردیم

بِأَسْبَابِ الْبِاسِ وَالضَّرَاءِ لَعَلَّهُمْ يَضُرَّعُونَ ثُمَّ بَدَلْنَا فُكَّانَ

بوسیله آسایش و سختی تا بود که ایشان زاری کنند باز دادیم بایشان بجای

بِأَسْبَابِ الْبِاسِ وَالضَّرَاءِ لَعَلَّهُمْ يَضُرَّعُونَ ثُمَّ بَدَلْنَا فُكَّانَ

بوسیله آسایش و سختی تا بود که ایشان زاری کنند باز دادیم بایشان بجای

بِأَسْبَابِ الْبِاسِ وَالضَّرَاءِ لَعَلَّهُمْ يَضُرَّعُونَ ثُمَّ بَدَلْنَا فُكَّانَ

بوسیله آسایش و سختی تا بود که ایشان زاری کنند باز دادیم بایشان بجای

بِأَسْبَابِ الْبِاسِ وَالضَّرَاءِ لَعَلَّهُمْ يَضُرَّعُونَ ثُمَّ بَدَلْنَا فُكَّانَ

بوسیله آسایش و سختی تا بود که ایشان زاری کنند باز دادیم بایشان بجای







الْحَقُّ إِلَّا اللَّهُ قَدْ جِئْتُمْ بَيْنِي مِنْ رِبِّكُمْ فَأَرْسِلْ مَعِيَ بَنِي

نسخه من آیه است آمده ام پسران من را بفرست با من و فرزندان

عِيسَى قَالَ إِنْ كُنْتُمْ حَسِبْتُمْ بِآيَاتِي فَأْتِ بِهَا إِنْ كُنْتُمْ مِنْ

عیسی گفت اگر شما را آیه ها می آید پس حاضر کن آنرا اگر نباشی از

بَنِي إِدْرِيسَ قَالَ فَاتْلُ عَصَاكَ فَإِذَا هِيَ تَلْعَبُ تَحْتِ يَدَيْهِ وَتُزْعِجُ

بنی ادریس گفت عصای خود را پس ناگهان آن عصا از دستان او افتاد و در دست خود را

بَنِي إِدْرِيسَ قَالَ فَاتْلُ عَصَاكَ فَإِذَا هِيَ تَلْعَبُ تَحْتِ يَدَيْهِ وَتُزْعِجُ

بنی ادریس گفت عصای خود را پس ناگهان آن عصا از دستان او افتاد و در دست خود را

بَنِي إِدْرِيسَ قَالَ فَاتْلُ عَصَاكَ فَإِذَا هِيَ تَلْعَبُ تَحْتِ يَدَيْهِ وَتُزْعِجُ

بنی ادریس گفت عصای خود را پس ناگهان آن عصا از دستان او افتاد و در دست خود را

بَنِي إِدْرِيسَ قَالَ فَاتْلُ عَصَاكَ فَإِذَا هِيَ تَلْعَبُ تَحْتِ يَدَيْهِ وَتُزْعِجُ

بنی ادریس گفت عصای خود را پس ناگهان آن عصا از دستان او افتاد و در دست خود را

بَنِي إِدْرِيسَ قَالَ فَاتْلُ عَصَاكَ فَإِذَا هِيَ تَلْعَبُ تَحْتِ يَدَيْهِ وَتُزْعِجُ

بنی ادریس گفت عصای خود را پس ناگهان آن عصا از دستان او افتاد و در دست خود را

بَنِي إِدْرِيسَ قَالَ فَاتْلُ عَصَاكَ فَإِذَا هِيَ تَلْعَبُ تَحْتِ يَدَيْهِ وَتُزْعِجُ

بنی ادریس گفت عصای خود را پس ناگهان آن عصا از دستان او افتاد و در دست خود را

بَنِي إِدْرِيسَ قَالَ فَاتْلُ عَصَاكَ فَإِذَا هِيَ تَلْعَبُ تَحْتِ يَدَيْهِ وَتُزْعِجُ

بنی ادریس گفت عصای خود را پس ناگهان آن عصا از دستان او افتاد و در دست خود را

بَنِي إِدْرِيسَ قَالَ فَاتْلُ عَصَاكَ فَإِذَا هِيَ تَلْعَبُ تَحْتِ يَدَيْهِ وَتُزْعِجُ

بنی ادریس گفت عصای خود را پس ناگهان آن عصا از دستان او افتاد و در دست خود را

بَنِي إِدْرِيسَ قَالَ فَاتْلُ عَصَاكَ فَإِذَا هِيَ تَلْعَبُ تَحْتِ يَدَيْهِ وَتُزْعِجُ

بنی ادریس گفت عصای خود را پس ناگهان آن عصا از دستان او افتاد و در دست خود را

بَنِي إِدْرِيسَ قَالَ فَاتْلُ عَصَاكَ فَإِذَا هِيَ تَلْعَبُ تَحْتِ يَدَيْهِ وَتُزْعِجُ

بنی ادریس گفت عصای خود را پس ناگهان آن عصا از دستان او افتاد و در دست خود را

بَنِي إِدْرِيسَ قَالَ فَاتْلُ عَصَاكَ فَإِذَا هِيَ تَلْعَبُ تَحْتِ يَدَيْهِ وَتُزْعِجُ

بنی ادریس گفت عصای خود را پس ناگهان آن عصا از دستان او افتاد و در دست خود را

بَنِي إِدْرِيسَ قَالَ فَاتْلُ عَصَاكَ فَإِذَا هِيَ تَلْعَبُ تَحْتِ يَدَيْهِ وَتُزْعِجُ

بنی ادریس گفت عصای خود را پس ناگهان آن عصا از دستان او افتاد و در دست خود را

تفسیر عثمانی

ع و آ و با شدن

آن پنج شک و شبه

بنویسند این آیه ها

با دانه کلاه سیوی

فرعون شتافت فرعون

مضطرب شد از

موسای علیه السلام

خواهش نمود که از او

خود را بگذرد و بگوید

علیه السلام دست

پیش کرد باز عصا

گشت عصا چون

دست خود را

بگریه بیان برد و در

بغل فشرده بیرون

آورد مردم به چشم

دیدند که مثل

خارق العاده سفید

و درختان بود این

سفیدی درختان از

مرض بیرون و غیره بنویسد

چنان معلوم می شد که در

دانش او از طریق اینها بود

انواعی که کرده است

در معلوم می شود

فرعون از معجزات

موسای علیه السلام

مزعج شده بنوم

مردم را جمع کرد و اول

خودش اصوات و جفا

در حدیث آمده است

نیز برای پیغمبر می کرد

از طرف موسی علیه

السلام اظهار شد و

حیات خود جز جادو

توجیه بهتری نیافتد

لغوی می خواهد شجده

بای سحر و جادو و

نمایش دید مردم را

به خود داخل کند با آفر

تو از قدرت و شجده



فلان یمنی دست است  
 و باطنی چپ و الله اعلم  
 تفسیر عثمانی  
 عه از درگاه پروردگار  
 مانده بر تن آیتش  
 در نظر و جرم قلوب افتد  
 ایم در خواست کی گیم  
 که مادر بر خا و زرات  
 و سختی هست تو میر  
 جس عطا کند و تادم  
 مرگ بر اسلام مستقیم  
 دارو تا میاد اعظم  
 و متزلزل شه کاری  
 کیم که خلاف تسلیم  
 رضای او باشد  
 عه چون از  
 مشایخ ایشان  
 حق ساعیرین بگوید  
 افتاده بنی اسرائیل  
 بهرامی مری علیه  
 السلام پافشاری  
 کردند بلکه بعضی قبطیان  
 یم بطرف اوسیلان  
 نمودند سرداران فوج  
 شمش و مضطرب  
 شدند و فرعون را  
 بدینگونه این کلمات به  
 تشدد آگاه گردیدند  
 موشی و قوم ادنی ایشان  
 را سوختند که آزاد  
 در ملک فتنه و فساد  
 بر پا کنند و عوم مردم  
 را بخود مائل گردانند  
 بر علیه حکومت علم  
 بغاوت برافرازند  
 و در آینده پرستش  
 تو و موجودات را که تو  
 بخود مکرر موشخ  
 قرار دهنده  
 فرعون خود را  
 رب اعلی  
 یعنی پروردگار اعلی  
 میخواند از کلام اعلی  
 ظاهر است که برای  
 قوت علویت خود  
 بعضی پروردگاران  
 ادنی تمیز کرده بودند چنانکه کلام البیتک  
 هوید است بعضی گفته اند این معبودان ادنا بحسب بای و غیره بود و بعضی مراد از ان آفتاب و ستارگان را می دانند

سَرَّ مُوسَى وَهَارُونَ ۱۴ قَالَ فِرْعَوْنُ اَمَنْتُمْ بِرَبِّ قَبْلَ اَنْ اُذِنَ لَكُمْ  
 خداست سر موسی و هارون گفت فرعون ایمان آوردید بخدا پیش از آنکه دستور دهم شما  
 ان هَذَا لَكُمْ مَكْرُتٌ مَوْهَةٌ فِي الْمَدِينَةِ لَتَخْرِجُوا مِنْهَا اَهْلَهَا فَسَوْفَ  
 بر آید این تدبیر است که اندیشیده اید از درین شهر تا بیرون کنید از ان ساکنان آنرا پس زود  
 تَعْلَمُونَ ۱۵ لَا قِطْعَانَ اَيْدِيكُمْ وَاجْلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ ثُمَّ لَاصِلُهُ  
 خواهید دانست البته بر سر دست های شما و پای نهایی شما اختلاف یکدیگر است باز برادر کنم شما را  
 اَجْمَعِينَ ۱۶ قَالُوا اِنَّا اِلَى رَبِّنَا مُتَعَلِبُونَ ۱۷ وَمَا نَنْقُصُ مِمَّا آتَاكُم  
 همه یک جا گفتند بر آید ما بسوی پروردگار خود رجوع کننده گانیم و انکار نمی کنی بر ما آنکه  
 اَمَّا بَايَتِ رَبِّنَا لِمَا جَاءَنَا مُرَبَّنَا اَفْرِغْ عَلَيْنَا صِدْرًا وَتَوْفِقًا مَسْلُومًا  
 ایمان آوردیم بنشانیهای پروردگار خود پیش چون بیاید ما ای پروردگار ما بریز بر ما تسکین و توفیق و احسان را که حق است  
 وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ اتَذَرُ مُوسَى وَقَوْمَهُ لِيَفْسِدُوا فِي  
 و گفتند اشرف از قوم فرعون آیمی گذاری موشی و قوم او را تا فساد کنند در  
 الْأَرْضِ وَيَذَرَكَ وَالْهَيْكَلَ قَالَ سَتَقْبِلُ اَبْنَاءَهُمْ وَنِسَاءَهُمْ  
 زمین و تا بگذارد عبادت ترا و معبودان ترا گفت عا لیم گشت پسران بنی اسرائیل را و زننده خوا هم گذاشت  
 نِسَاءَهُمْ وَاَنَا فَوْقَهُمْ قَاهِرُونَ ۱۸ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا  
 دختران ایشان را و ما بر ایشان غالب ایم گفت موشی لایم خود مدد طلبید  
 بِاللّٰهِ وَاصْبِرْ وَاِنَّ اِلَّاهَ الْيُوسُفَ لَشَهِيدٌ ۱۹ قَالُوا اَوْذَيْنَا مِنْ قَبْلُ اِنْ تَأْتِيَنَا مِنْ بَعْدِ  
 از خدا و صبر کنید هر آینه زمین خدا است و ارث آدمی کند هر گرا خواهد از بندگان خویش  
 الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ ۲۰ قَالُوا اَوْذَيْنَا مِنْ قَبْلُ اِنْ تَأْتِيَنَا مِنْ بَعْدِ  
 آخر کار برای پر پیروز گاران است گفتند اید ادا ده شوم پیش از آنکه بیای نزدیک ما و بعد از آنکه  
 جَعَلْنَا قُلُوبَكُمْ غٰسِيَةً اَنْ يُهْلِكَ عَدُوُّكُمْ وَنُخَلِّقُكُمْ فِي الْاَرْضِ  
 آدمی نزدیک ما گفت امید است که پروردگار شما را پاک کند دشمن شما را و خلیفه گرداند شما را در زمین  
 فَيَنْظُرُ كَيْفَ تَعْمَلُونَ ۲۱ وَلَقَدْ اخَذْنَا اِلَ فِرْعَوْنَ بِالْجَنِينِ وَنَقَطَ  
 پس بنگرد چگونگی عمل می کنید و بر آید گرفتار گردیم کسان فرعون را بقطعه ها و به نقصان  
 مِنَ الشَّجَرِ لَعَلَّهُمْ يَدْعُونَ ۲۲ فَاِذَا جَاءَهُمْ الْحَسَنَةُ قَالُوا  
 نیوه ما تا شود که ایشان یمن پذیرند پس چون آمدی ایشان را فرا می گفتند این  
 از میوه ها شاید ایشان یمن گیرند پس چون آمدی ایشان را فرا می گفتند این







چون بنی اسرائیل از  
برون پریشانی بگریختند  
از موسی و هرون  
فرمودند که اکنون برای  
ما شرعی آسمانی ببار  
تا با طینان خاطر به  
آن عمل کنیم موسی  
عرض شان را به بار  
آبی تقدیم کرد خدای  
تعالی بادی و عذوق  
که آسمانی روز و اکثر  
چهل روز مسلسل  
بروزه بگذارد و در  
طرح مختلف شورت  
چو طایفه شود از مکر  
کرد و بدعت و کم  
بیش باشد این  
مطلب بود که اگر  
در آسمانی ریاضت  
به اعتبار انجام  
دادن و طائف  
عبودیت و آداب  
تقرب به نور تفسیر  
از وی مستندست  
اقل یعنی روزی که  
می کند و باید اکثر  
الاجلیین یعنی چهل روز  
را تکمیل کند و یا شریعت  
این سی روز را بجا آورد  
فروزی خواهد بود و  
اکمال آن چهل روز از  
حیث اختیاری و  
استحالی بود و تکلیف  
تقریب اصل می باشد و مقرر  
شده باشد چنانکه  
شعیرت و کلام و خبر  
خود را به موسی داد و گفت  
«علی ان تا جری ثانی»  
یعنی کان التمام عشر  
الجزء القصص کوهم  
و بعضی معتقدین هم  
گفته اند چنانکه در  
سوره بقره مذکور است  
اصل می باشد چهل روز  
بود و در اینجا هم در  
نظم میقات ریه  
اشاره شده است این یک پیرایه میان آن چهل روز است که ماسی روز و عده کرده بودیم که تفرق آن ده روز دیگر بود تا اشاره خود که یک ماه کامل (تذقیقه) را تکمیل از ده روز

يَعْكُفُونَ عَلَىٰ أَصْنَامِهِمْ ۖ قَالُوا يَمُوسَىٰ جَعَلَ لَنَا الْهَآكِمَ ۚ اَلِهَهُمْ  
جوارت می کردند بر شان خویش گفتند بنی اسرائیل ای موسی ایسا برای ما معبودی چنانکه ایشان را هستند معبودان  
عبادت (اقامت) می کردند بر شان خویش گفتند بنی اسرائیل ای موسی ایسا برای ما بانی (معبودی) چنانکه ایشان را هستند معبودان  
قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ مَّجْهُلُونَ ۙ اِنَّ هَؤُلَاءِ مَتَّبِعُوا هُمْ فِيهِ وَبَطِلٌ مَّا  
گفت بر آئین شما گمراه هستید که نادانی می کنید هر آینه این جامع باطل کرده شده است نه چنانکه ایشان در اندیشه و باطل است آنچه  
گفت بر آئین شما گمراه هستید که نادانی می کنید هر آینه این جامع باطل کرده شده است آنچه (مذنبی) که ایشان در اندیشه و باطل است آنچه  
كَانُوا يَعْمَلُونَ ۙ قَالَ أَغَيْرَ اللَّهِ أَبْغِيكُمْ إِلَهًا وَهُوَ فَضَّلَكُمْ عَلَىٰ  
گفت موسی آیا غیر خدا طلب كنم برای شما معبودی داد فضل داد است شما را بر  
می کردند گفت موسی آیا غیر خدا طلب كنم برای شما معبودی داد و برتری داد شما را بر  
الْعَالِيَيْنَ ۙ وَإِذْ أَخْبَرْنَاكَ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكَ سُوءَ الْعَذَابِ  
و یاد گفت نعمت با چون نجات دادیم شمار از گمان فرعون میرسانند به شما عقوبت عاقبت  
جهان (عالمهای زمان تان) و یاد گفت چون نجات دادیم شمار از گمان فرعون میرسانند به شما عقوبت عاقبت به  
يَقْتُلُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ ۚ وَفِي ذَٰلِكُمْ بَلَاءٌ مِّن رَّبِّكُمْ  
می کشتند پسران شمار و زنده می گذاشتند دختران شمار و درین مقدمه آزمایش بزرگ بود از جانب  
می کشتند پسران شمار و زنده می گذاشتند زنان شمار و در این احسان (آزمایش) بزرگ بود از جانب  
عَظِيمٍ ۙ وَوَعَدْنَا مُوسَىٰ ثَلَاثِينَ لَيْلَةً فَاتَمَمْنَا بِعَشْرِ فِتْنَةٍ مُّبَآثًا  
پروردگار شما و وعده کردیم با موسی سی شب و تمام کردیم آن وعده را ده شب پس کامل شد میعاد  
پروردگار شما و وعده کردیم با موسی سی شب و تمام کردیم آن وعده را ده شب پس کامل شد میعاد  
رَبِّهِ اَرْبَعِينَ لَيْلَةً ۚ وَقَالَ مُوسَىٰ لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي  
پروردگار او چهل شب و گفت موسی برادر خود هارون را جانشین من باش در قوم من  
پروردگار او چهل شب و گفت موسی برادر خود هارون را جانشین من باش در قوم من  
وَاصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ ۙ وَلَمَّا جَاءَ مُوسَىٰ لِمِيقَاتِ  
و اصلاح کاری کن و پیروی من را راه تباه کاران و چون آمد موسی بوعده گاه  
و اصلاح کن کار آنها را و پیروی من را راه تباه کاران و چون آمد موسی بوعده گاه  
وَكَلَّمَ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ ارْنِي أُظَرِّ الْبَيْتَ ط قَالَ لَنْ تَرَانِي وَلَكِنْ  
و سخن گفت با پروردگار او گفت ای پروردگار من بنمای مرا آنچه می بینی تو گفت خدا نخواهی دید مرا و لیکن  
و سخن گفت با وی پروردگار او گفت ای پروردگار من بنمای من خود را تا بفرم لبوی تو گفت (خدا) هرگز نخواهی دید مرا و لیکن  
اَنْظُرْ اِلَى الْجَبَلِ فَاِنْ اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ فَسَوْفَ تَرَانِي فَلَمَّا تَبَيَّنَ رَبُّهُ  
نظر کن بسوی کوه پس اگر قرار گیرد بجای خود خواهی دید مرا پس و تثبیت ظهور کرد پروردگار او  
نظر کن بسوی کوه پس اگر قرار گیرد بجای خود خواهی دید مرا پس و تثبیت عظمی کرد پروردگار او  
لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَخَرَّ مُوسَىٰ صَعْقًا فَلَمَّا آفَقَ قَالَ سُبْحٰنَكَ  
بر آن کوه گردانید آن کوه را زمین بویار ساخت و افتاد موسی به پیش چو نهاده پس آمد گفت بیا کی یادمی گم ترا  
بسوی کوه گردانید او را ریزه ریزه زمین بود و افتاد موسی به پیش چو نهاده پس آمد گفت بیا کی یادمی گم ترا  
تَبَّتْ إِلَيْكَ وَانَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ ۙ قَالَ يَمُوسَىٰ اِنِّي اصْطَفَيْتُكَ  
باز گشتم بسوی تو من اول مسلمانانم گفت ای موسی بر آئین من برگزیدم ترا  
باز گشتم بسوی تو من اول ایمان آورده گانم گفت ای موسی بر آئین من برگزیدم ترا  
عَلَى النَّاسِ بِرِسَالَتِي وَبِكَلَامِي فَخُذْ مَا آتَيْتُكَ وَكُن مِّنَ الشَّاكِرِينَ  
بر مردمان به پیمانی من خود و بشنو اندن سخن خود پس بجز آنچه عطا کردم ترا و باش از شکر کنندگان  
بر مردمان به رسانیدن پیغام من خود (بشنو اندن) سخن خود پس بجز آنچه عطا کردم ترا و باش از شکر کنندگان







فلنبيته تاعذركم  
 از عبادت گوساره  
 این جماعت اگر چه  
 عبادت نکرده بودند  
 بر عبادت کنندگان  
 نه هم بخند پس  
 خدا بخانی پاک است  
 والله اعلم ١٨  
 یعنی اگر در بنی  
 اسرائیل پاک  
 می شدند جهت قتل  
 بر منشی نه نهادن  
 والله اعلم ١٩  
 تفسیر عثمانی  
 ٢٠ اگر چه بارون  
 علیه السلام برادر حق  
 حضرت موسی علیه السلام  
 است مگر نیست دی  
 بدار بدان جهت بود  
 که برتری و مهربانی  
 آماده کرده در این  
 آیت بیان محذرت  
 بارون است خلاصه  
 من باندازه توان خود  
 آنها را دانانم بکن  
 مرا به اجماعت خداوند  
 بر عکس بر قتل بر آورده  
 شدند اکنون توان  
 این کار دشمنان را  
 موقع ده که بر پیش رو  
 شوند در هنگام عقاب  
 و شتم و زمره ظالم  
 شال نکرده اند  
 از راه بد حتی شرک و  
 کفر توبه کنند و ایمان  
 آورده و رحمت بخشایند  
 خدای بخود و چه عجب  
 نیست این بخشایش  
 و غیره به آخر متفق  
 است گویا اشاره  
 بافت که متواتر است  
 که بر گوساله پرستان  
 ابرو شده و حق آنها  
 شرف قبول توبه شرده  
 شده بود توبه الی  
 باو نمیکشید و انفسهم  
 و البقره اکنون مواخذه اخروی بر آنها ای نمائند بعد از مرگ و عیوی در اینجا بیان حالت اخروی رسیده است که خدای تعالی در جای دیگر بعد از این آیه و سوره

إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضَعُّوْنِي وَكَادُوا يُقْتُلُوْنِي ۖ فَلَا تَشْمِتْ بِي

بر آئینان قوم ضعیف شدند مرا و نزدیک بودند که بکشند مرا پس شادان من بسبب امانت من

الْأَعْدَاءُ وَلَا تَجْعَلْنِي مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ٢٠ قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي

دشمنان را و دشمنان مرا با گروه ستمکاران گفت موسی ای پروردگار من بپارز مرا و دشمنان را و ستمکاران مرا با قوم گمراه (ستمکاران) گفت ای پروردگار من بپارز مرا و

لَا رَحْمِي وَأَدْخِلْنِي فِي رَحْمَتِكَ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّحِيمِينَ ٢١ إِنَّ الَّذِينَ

برادر مرا و داخل کن مرا در رحمت خود و تو بهترین ترین بخشنده گان هستی بر آئینک و برادر مرا و داخل کن مرا در رحمت خود و تو مهربان ترین مهربانانی بر آئینک

تَتَّخِذُوا الْعِجْلَ سَبِيلًا لَهُمْ غَضَبٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَذِلَّةٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا

معبود گرفتند گوساله را خواب رسیده باین جماعت عجله از پروردگار ایشان در سواهی در حیات دنیا گرفتند معبود گوساله را (زود) خواب رسیده ایشان عجله از جانب پروردگار ایشان در سواهی در زندگی دنیا

وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُفْتَرِينَ ٢٢ وَالَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ ثُمَّ تَابُوا مِنْ

و بهم چنین جزای دایم افرا کنندگان را و هر آئینکه گناه یا کردند باز توبه نمودند و بهم چنین جزای دایم افرا کنندگان را و هر آئینکه گناه یا کردند باز توبه نمودند

بَعْدُ هَآؤُلَآءِ أَمَّنُوا أَنْ رَبُّكَ مِنْ بَعْدِهَا الْغُفُورُ الرَّحِيمُ ٢٣ وَلَمْ تَسْكُتْ

بعد از آن گناهان و ایمان آوردند البته پروردگار تو بعد از توبه آمرزنده مهربان است و چون ساکن شد عجله به و ایمان آوردند هر آئینکه پروردگار تو بعد از توبه البته آمرزنده مهربان است و چون ساکن شد

عَنْ مُوسَى الْغَضَبِ أَخَذَ الْوَاحِشَ وَفِي سُخْرِيهَا هُدًى وَرَحْمَةٌ

خشم از خاطر موسی گرفت الواح را و در کتوب دس هدایت بود و بخشایش از موسی خشم گرفت الواح را و در کتوب آن هدایت بود و بخشایش

لِلَّذِينَ هُمْ لِرَبِّهِمْ يَرْهَبُونَ ٢٤ وَاخْتَارَ مُوسَى قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا

آنرا که ایشان از پروردگار خود ترسند و اختیار کرد موسی از قوم خود هفتاد و یک نفر را که ایشان از پروردگار خود ترسند و اختیار کرد موسی از قوم خود هفتاد و یک نفر

لِيُقَاتِلَآءَ فَلَمَّا أَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ قَالَ رَبِّ لَوْ شِئْتَ أَهْلَكْتَهُمْ

برای بجاده و پس وقتی گرفت ایشان را زلزله گفت موسی ای پروردگار من اگر می خواستی پیش از این برای بجاده پس وقتی گرفت ایشان را زلزله گفت موسی ای پروردگار من اگر می خواستی بپاک می کردی

مِنْ قَبْلُ وَإِنِّي أَنُفِّلُكَ إِنَّمَا فَعَلَ السَّفَهَاءُ إِنَّمَا هِيَ إِسْرَافٌ

ایشان را در پیش از این و سرا آید پاک می کنی ما را بخیرای آنچه کردند بخودان از ما نیست این مگر ایشان را پیش از این و سرا آید پاک می کنی ما را بخیرای آنچه کردند بخودان از ما نیست این مگر

فَتَنَّاكَ فُتْنًا وَأَمَّا تَشَاءُ وَتَهْدِي مَنْ تَشَاءُ أَنْتَ وَلِيُّنَا

امتحان تو گمراه می کنی ما را هر گاه خواهی در راه می نشانی ما را هر گاه خواهی تو کار ساز ما را امتحان تو گمراه می کنی ما را هر گاه خواهی در راه می نشانی ما را هر گاه خواهی تو کار ساز ما را

فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ ٢٥ وَكَتَبْنَا فِي هَذِهِ

پس بپارز ما را و مهربانی کن بر ما و تو بهترین آمرزندگان هستی و بنویس بپس مقدس کن برای ما درین پس بپارز ما را و مهربانی کن بر ما و تو بهترین آمرزندگان هستی و بنویس (مقرر کن) بپارز این

الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ إِنَّا هُنَا الْبَلَاءُ قَالَ عَذَابِي أُصِيبُ

و دنیا بخیر و در آخرت نیز سبکی بر آید و جوارج گردیم بسوی تو گفت خدا عذاب من میرساند عذاب و دنیا بخیر و در آخرت نیز سبکی بر آید و جوارج گردیم بسوی تو گفت خدا عذاب من میرساند عذاب

وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّكَ فِي هَذِهِ ۚ وَكَتَبْنَا فِي هَذِهِ

و آخرت نیز سبکی بر آید و جوارج گردیم بسوی تو گفت خدا عذاب من میرساند عذاب و آخرت نیز سبکی بر آید و جوارج گردیم بسوی تو گفت خدا عذاب من میرساند عذاب







فلان مترجم گوید باین  
 در ستم بودند  
 قسسه شندی کردند و  
 قسسه ازان بخیی کردند  
 و قسسه نه شکار می کردند  
 و زنا ازان منع می کردند  
 و الله اعلم بالصواب  
 یعنی قسم ثالث می کنند  
 همان را و الله اعلم  
 تفسیر شمان  
 عده و باب و اقرب  
 ساکنین آن دیدار کرد  
 عهد و عهد علیه السلام  
 پیش آمده بود از عهد  
 عمر خود بطور تنبیه و  
 توحیح سوال کن اکثر  
 مفسرین ازین تفسیر  
 ۱۰۰ ایل و امراد  
 گرفتار اند که در  
 ساحل بکوه  
 تفسیر این  
 ۱۰۰ این  
 ۱۰۰ دکه  
 عده این  
 بود اهل آن  
 دیار بنا بر قرب  
 دریا بنا بر مای  
 عادت دارم  
 خداوند روز شنبه  
 شکار را به یهود  
 حرام گردانیده  
 بود باشندگان - این  
 به نافرمانی و تجاوز از  
 حکم عادی بودند و از  
 طرف خدا مورد آزار  
 و عتاب شدند زیرا  
 روز شنبه مای بکشت  
 پیدا می شد و بر سطح  
 دریا شنا می کردند و بر  
 پای دیگر موقوف میشد  
 آخر طاعت آنها طاق  
 گردیده مقام حکم  
 الهی به جیل برداشته  
 و جوی با جدا کرده  
 حوض با ساختند  
 چون بر روز شنبه مای  
 در حوض بای ساختن آنها جمع می شد راه بر آمدن  
 در مسدود می کردند و فرای آن مای می گزشتند تا سحر  
 به روز شنبه عبادی نشود و یا خواستند (مسدود) خدا را فریب دهند

عَلِمَ كُلُّ أَنَاثٍ مِّمَّنْ جَعَلَ لَهُمْ آيَةً فَظَلَمُوا عَلَيْهِمُ الْقِصَاصَ وَأَنزَلْنَا عَلَيْهِمُ الْمَنَاسِكَ  
 به است بر گردیده آب خور خود را و سبب بر ایشان ایراد نازل کرده است  
 و انشد بر گردیده آب خور خود را و سبب بر ایشان ایراد نازل کردیم  
 وَالسَّلَوى كَلِمَةً يُنَادَى بِهَا زَوْجَانِ مِنَ الْمَنَاسِكَ وَهِيَ الْقِيَامَةُ وَمَا يَدْعُونَ وَلَكِن كَانُوا  
 و سلوی را کفیم بخورید از پاکیزه بانی آنچه روزی داده ایم شمارا و ایشان بر ما ستم نکنند  
 و سلوی را (کفیم) بخورید از پاکیزه بانی آنچه روزی داده ایم شمارا و ستم نکنند بر ما  
 أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ۝ وَأَذَقِلْ لَهُمُ اسْكُنُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ وَكُلُوا مِنْهَا  
 و یاد کن چون گفتند ایشان را که ستم کنید خود درین دیر و بخورید ازین دیر  
 و یاد کن چون گفتند ایشان را که ستم کنید خود درین دیر و بخورید ازین دیر  
 حَيْثُ شِئْتُمْ وَقُولُوا حِطَّةٌ وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا نَّغْفِرْ لَكُمْ خَطِيئَتَكُمْ  
 هر جا که خواسته باشید و بگوئید حطه و داخل شوید دروازه معیده کنان تا بیمار زیم برای شما گناہان شمارا  
 که خواسته باشید و بگوئید بیمار زارا (سراول ماحط است) و داخل شوید دروازه معیده کنان تا بیمار زیم برای شما گناہان شمارا  
 سَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ ۝ فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي  
 زیاده خواهیم داد بنیکو کاران را پس بدل کردند ستم کاران از بنی اسرائیل سخنی غیر آنچه  
 زود افزون کردیم جزای نیکو کاران پس بدل کردند ستم کاران از بنی اسرائیل سخنی غیر آنچه  
 قِيلَ لَهُمْ فَارْجِعُوا إِلَى آبِائِكُمْ أَفَبِالْبِطُولَةِ يَأْمُرُكُمُ اللَّهُ أَن تَرْجِعُوا إِلَى آبِائِكُمْ  
 فرموده شد ایشان را پس فرستادیم بر ایشان عقیقه از آسمان بمقابل آنکه ستم می کردند و سوال کن یا محمد پیور را  
 فرموده شد ایشان را پس فرستادیم بر ایشان عذابی از آسمان بسبب آنچه ستم می کردند و سوال کن یا محمد پیور را  
 عَنِ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ حَاضِرَةَ الْبَحْرِ مَأْذِنًا لِّمَنْ فِي السَّبْتِ أَذْنًا لَهُمْ  
 از حال دبی که بود ساکن بر لب دریا چون از حد می گزشتند در روز شنبه و قنیک می آمد  
 از حال دبی که بود کن دریا به چون از حد می گزشتند در روز شنبه و قنیک می آمد ایشان  
 حِينَئِذٍ يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرَّعًا يَوْمَ لَا يُسَبِّتُونَ لِاتِّبَاعِهِمْ ۝ كَذَلِكَ  
 ما میان ایشان ظاهر شده روزیکه ایشان بتعلیم شدند مشغول می شدند و روزیکه تعلیم شدند می کردند می آمدند ایشان هم چنین  
 ما میان ایشان روز شنبه ایشان ظاهر بر روی آب و روزیکه تعلیم شدند می کردند می آمدند ایشان هم چنین  
 نَبَلُّوهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ۝ وَإِذْ قَالَتْ أُمَّةٌ مِّنْهُمْ لِمَ تَعِظُونَ قَوْمًا  
 آوردیم ایشان را بسبب آنکه فسق می کردند و یاد کن چون گفت گروهی از اهل آن دیر چرا این می دهید گروهی را که  
 آوردیم ایشان را بسبب آنکه فسق می کردند و یاد کن چون گفت گروهی از اهل آن چرا این می دهید گروهی را که  
 اللَّهُ مَهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ أَوْ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ وَادْعُوا إِلَى مَعْرِضِهِ إِلَى رَبِّكُمْ  
 خدا استعاضه بلاك خواهد کرد ایشان را یا عذاب خواهد کرد ایشان را عذاب سخت گفتند تا از عذوبت شد نزدیک پروردگار شدند  
 خدا بلك خواهد کرد ایشان را یا عذاب خواهد کرد ایشان را عذاب سخت گفتند تا از عذوبت شد نزدیک پروردگار شدند  
 وَلَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ۝ فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ الْأَجْمِيعُ الَّذِينَ يَسْمُونَ  
 و تا بماند که ایشان بر بیزگاری کنند پس و قنیک فراموش کردند آنچه بماند داده شد ایشان را بخت دادیم که ستم می کردند  
 و تا بماند که ایشان بر بیزگاری کنند پس و قنیک فراموش کردند آنچه بماند داده شد ایشان را بخت دادیم که ستم می کردند  
 عَنِ السُّوءِ وَآخِذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَدَابِ رَبِّكَ يُبَيِّنُ لَهُمْ لَعْنَهُمْ  
 از کار بد و گرفتار کردیم ستم کاران را ب عذاب سخت بسبب آنچه  
 از کار بد و گرفتار کردیم ستم کاران را ب عذاب سخت بسبب آنچه  
 يَفْسُقُونَ ۝ فَلَمَّا عَتَوْا عَنْ مَا نُهُوا عَنْهُمْ قُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ  
 فاسق بودند پس چون تکر کردند از ترک آنچه منع کرده شد ایشان را اذان کفیم ایشان را شوید بوزنگان خوار شده  
 فاسق می کردند پس چون تکر کردند از ترک آنچه منع کرده شد ایشان را اذان کفیم ایشان را شوید بوزنگان و لیس







فتح الرحمن

والبی پس تقدیر  
ایشان کردیم و  
بیت تابع شهادت  
نفس شد و تابع شهادت  
نفس عالم توان  
گفت ۱۲ و بعضی علم  
باور که کتب الهی خواند  
بود بعد از آن با خواند  
زن خود ایدان  
حضرت موسی علیه  
السلام تقدیر کرد چون  
شده الله اعلم ۱۳  
و بعضی منزلت او  
۱۲ و بعضی برون و  
و اندون ۱۱  
تفسیر عثمانی  
اکثر مفسرین بر آنند  
که این آیات در باره  
بلعیم بن باقر و نازل  
شده و بلعیم عالمی  
در پیش خدا تعالی  
بود و اثر انجلی یک  
زن و دلی و نبوی آیات  
و دیایات خدا ترک  
داده آگاه آن گروه  
که مقابل حضرت موسی  
تقرات خود را بکار  
اندازد و تدابیر بخیر  
فوقین انجیل و آری  
موسی علیه السلام زیاده  
در این تواتر  
اما خود را مردود و ادیان  
گرمایند علم آیات  
الله چندان به بلعیم  
ارزانی شده بود که اگر  
خواست خدای بود  
به مراتب از وی رسید  
به وی توفیق از زانی  
می شد تا بلعیم خود را  
در آیات الهی طاعت  
می کرد و بی چنین نشد  
زیرا خود از برکات و  
آیات آسمانی اعراض  
نمود و بشهر آلودنات  
زیفی منک شد و در پی  
خواستن نفسا

عَنْ هَذَا غَفْلِينَ ۱۱ اَوْ تَقُولُوا لِنَا اَشْرَكَ اَبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ وَ

یا بگوئید که ما را شریک پدران ما پیش از ما و

كُنَّا ذُرِّيَّةً مِنْ بَعْدِهِمْ اَفْتَحِلْ كُنَّا بِمَا فَعَلَ الْمُبْطِلُونَ ۱۲ وَكَذَلِكَ

ما را پس از آنکه از ایشان آید ما را شریک می کنی ما را متقوت ای پدران ما کردند و

نَقْصِلُ الْاٰیَاتِ وَلَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ۱۳ وَاَثَلْ عَلَيْهِمْ نَبَا الَّذِي

و ما را بیان می کنیم از ایشان و ما را از ایشان باز گردانند و بخوان بر ایشان خبر کسی

اَتَيْنَا اٰیَاتِنَا فَانْسَخْنَهَا فَاَتَّبِعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْعَوْنِ ۱۴

و ما را آوردیم و آن آیات خود پس بیرون رفت از آن آیات پس در پی او شد شیطان پس گشت از گمراهان

وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ اِلَى الْاَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ ۱۵

و اگر می خواستیم بر او می رفود و ما را سبب این آیات و لیکن او سبقت نمود زمین کرد پسوی یقی و پیردی خواش خود کرد

فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ اِنْ تَحْمِلْ عَلَيْهِ يَلْهَثْ اَوْ تَتْرَكْهُ يَلْهَثْ ۱۶

پس صفت او مانند صفت سگ است اگر مشقت اندازی بر او و لیکن او سبقت نمود زمین کرد پسوی یقی و پیردی خواش خود کرد

ذٰلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِيْنَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا ۱۷ فَاقْصُصِ الْقَصَصَ

این صفت گروه بیست کرده و دروغ می روند آیات ما را پس بخوان بر ایشان این پند

لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ۱۸ سَاءَ مَثَلًا لِّلْقَوْمِ الَّذِيْنَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا ۱۹

تا ایشان تا نال کنند با اعتبار صفت بد اند این قوم کرده و دروغ می روند آیات ما را و

اَنْفُسَهُمْ كَانُوا يَظْلِمُونَ ۲۰ مَنْ يَهْدِ اللّٰهُ فَلَهٗ اهْتِدٰى ۲۱ وَ مَنْ

بر خود یقین نسبی کردند هر گاه راه ناید خدا به ناستدایا بنده و هر که

يَضِلُّ فَلَهٗ اِهْتِدٰى ۲۲ هُمُ الْخٰسِرُونَ ۲۳ وَلَقَدْ ذَرَاكَ لَاجِهَةً كَثِيْرًا ۲۴

گمراه سازدش پس آنجا به ایشانند زبان کاران و هر آینه بیافریدیم برای او درج بیدار از

الْجِنِّ وَالْاِنْسِ لَهُمْ قُلُوْبٌ لَا يَفْقَهُوْنَ ۲۵ وَهُمْ اَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُوْنَ ۲۶

جنیان و آدمیان ایشان را دلهاست که نمی فهمند و آن و ایشان را چشم با است که نمی بینند

يَاۤ اٰدَمُ اَسْمِعْ هٰٓؤُلَآءَ اَلْوَحْيَ ۲۷ وَ اَلْبَرَّاءَ ۲۸ وَ اَلْاَشْقٰى ۲۹ وَ اَلْاَشْقٰى ۳۰

ای آدمی بشنود اینها را و بر آن و ایشان را چشم با است که نمی بینند

وَلَهُمْ اَنْۢبَاۡءٌ ۳۱ وَ اَلْاَشْقٰى ۳۲ وَ اَلْاَشْقٰى ۳۳ وَ اَلْاَشْقٰى ۳۴

و ایشان را خبر است که نمی شنوند بر آن ایشان از خبر پانان اند بلکه ایشان گمراه تر اند

وَلَهُمْ اَنْۢبَاۡءٌ ۳۵ وَ اَلْاَشْقٰى ۳۶ وَ اَلْاَشْقٰى ۳۷ وَ اَلْاَشْقٰى ۳۸

ایشانند بی خبران و خدا را راست نامها که نیک پس بخوانند و این نامها

و این را در پیش از آن که در آن وقت حال وی شبیه سگی بود که زبانش بیرون بر آید و چشمش زنده که بالقرص اگر مراد باد



وَذُرُوا الَّذِينَ يَلْحَدُونَ فِي أَسْجَادِهِ طَسِيرٌ جَزُونَ مَا كَانُوا

وَذُرُوا الَّذِينَ يَلْحَدُونَ فِي أَسْجَادِهِ طَسِيرٌ جَزُونَ مَا كَانُوا

يَعْمَلُونَ ٩ وَمَنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ ١٠

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ ١١

وَأُولَئِكَ لَهُمْ فِي أَعْيُنِنَا ذُرِّيَّتٌ ١٢ وَلَهُمْ فِيهَا مَنَازِلُ مُتَتَابِعَةٌ ١٣

وَأُولَئِكَ لَهُمْ فِي أَعْيُنِنَا ذُرِّيَّتٌ ١٢ وَلَهُمْ فِيهَا مَنَازِلُ مُتَتَابِعَةٌ ١٣

وَأُولَئِكَ لَهُمْ فِي أَعْيُنِنَا ذُرِّيَّتٌ ١٢ وَلَهُمْ فِيهَا مَنَازِلُ مُتَتَابِعَةٌ ١٣

وَأُولَئِكَ لَهُمْ فِي أَعْيُنِنَا ذُرِّيَّتٌ ١٢ وَلَهُمْ فِيهَا مَنَازِلُ مُتَتَابِعَةٌ ١٣

وَأُولَئِكَ لَهُمْ فِي أَعْيُنِنَا ذُرِّيَّتٌ ١٢ وَلَهُمْ فِيهَا مَنَازِلُ مُتَتَابِعَةٌ ١٣

وَأُولَئِكَ لَهُمْ فِي أَعْيُنِنَا ذُرِّيَّتٌ ١٢ وَلَهُمْ فِيهَا مَنَازِلُ مُتَتَابِعَةٌ ١٣

وَأُولَئِكَ لَهُمْ فِي أَعْيُنِنَا ذُرِّيَّتٌ ١٢ وَلَهُمْ فِيهَا مَنَازِلُ مُتَتَابِعَةٌ ١٣

وَأُولَئِكَ لَهُمْ فِي أَعْيُنِنَا ذُرِّيَّتٌ ١٢ وَلَهُمْ فِيهَا مَنَازِلُ مُتَتَابِعَةٌ ١٣

وَأُولَئِكَ لَهُمْ فِي أَعْيُنِنَا ذُرِّيَّتٌ ١٢ وَلَهُمْ فِيهَا مَنَازِلُ مُتَتَابِعَةٌ ١٣

وَأُولَئِكَ لَهُمْ فِي أَعْيُنِنَا ذُرِّيَّتٌ ١٢ وَلَهُمْ فِيهَا مَنَازِلُ مُتَتَابِعَةٌ ١٣

وَأُولَئِكَ لَهُمْ فِي أَعْيُنِنَا ذُرِّيَّتٌ ١٢ وَلَهُمْ فِيهَا مَنَازِلُ مُتَتَابِعَةٌ ١٣

وَأُولَئِكَ لَهُمْ فِي أَعْيُنِنَا ذُرِّيَّتٌ ١٢ وَلَهُمْ فِيهَا مَنَازِلُ مُتَتَابِعَةٌ ١٣

وَأُولَئِكَ لَهُمْ فِي أَعْيُنِنَا ذُرِّيَّتٌ ١٢ وَلَهُمْ فِيهَا مَنَازِلُ مُتَتَابِعَةٌ ١٣

وَأُولَئِكَ لَهُمْ فِي أَعْيُنِنَا ذُرِّيَّتٌ ١٢ وَلَهُمْ فِيهَا مَنَازِلُ مُتَتَابِعَةٌ ١٣

وَأُولَئِكَ لَهُمْ فِي أَعْيُنِنَا ذُرِّيَّتٌ ١٢ وَلَهُمْ فِيهَا مَنَازِلُ مُتَتَابِعَةٌ ١٣

وَأُولَئِكَ لَهُمْ فِي أَعْيُنِنَا ذُرِّيَّتٌ ١٢ وَلَهُمْ فِيهَا مَنَازِلُ مُتَتَابِعَةٌ ١٣

وَأُولَئِكَ لَهُمْ فِي أَعْيُنِنَا ذُرِّيَّتٌ ١٢ وَلَهُمْ فِيهَا مَنَازِلُ مُتَتَابِعَةٌ ١٣

وَأُولَئِكَ لَهُمْ فِي أَعْيُنِنَا ذُرِّيَّتٌ ١٢ وَلَهُمْ فِيهَا مَنَازِلُ مُتَتَابِعَةٌ ١٣

وَأُولَئِكَ لَهُمْ فِي أَعْيُنِنَا ذُرِّيَّتٌ ١٢ وَلَهُمْ فِيهَا مَنَازِلُ مُتَتَابِعَةٌ ١٣

وَأُولَئِكَ لَهُمْ فِي أَعْيُنِنَا ذُرِّيَّتٌ ١٢ وَلَهُمْ فِيهَا مَنَازِلُ مُتَتَابِعَةٌ ١٣

وَأُولَئِكَ لَهُمْ فِي أَعْيُنِنَا ذُرِّيَّتٌ ١٢ وَلَهُمْ فِيهَا مَنَازِلُ مُتَتَابِعَةٌ ١٣

وَأُولَئِكَ لَهُمْ فِي أَعْيُنِنَا ذُرِّيَّتٌ ١٢ وَلَهُمْ فِيهَا مَنَازِلُ مُتَتَابِعَةٌ ١٣

وَأُولَئِكَ لَهُمْ فِي أَعْيُنِنَا ذُرِّيَّتٌ ١٢ وَلَهُمْ فِيهَا مَنَازِلُ مُتَتَابِعَةٌ ١٣

وَأُولَئِكَ لَهُمْ فِي أَعْيُنِنَا ذُرِّيَّتٌ ١٢ وَلَهُمْ فِيهَا مَنَازِلُ مُتَتَابِعَةٌ ١٣

وَأُولَئِكَ لَهُمْ فِي أَعْيُنِنَا ذُرِّيَّتٌ ١٢ وَلَهُمْ فِيهَا مَنَازِلُ مُتَتَابِعَةٌ ١٣

وَأُولَئِكَ لَهُمْ فِي أَعْيُنِنَا ذُرِّيَّتٌ ١٢ وَلَهُمْ فِيهَا مَنَازِلُ مُتَتَابِعَةٌ ١٣

فتح الرحمن  
طسیر یعنی ابرو المصح و  
ابو الملائکی گفتند  
فتح و طسیر مشتق  
شده است  
استن قیامت  
۱۰ طسیر یعنی عالم  
۱۱ طسیر

تفسیر عثمان  
عالم چیست که آیات  
اللهم انکذیبی کنته  
و از عالمیت سوز آن  
عالمی که از دانه این آیت  
و سنان آیت را در دانه  
خرد نیست و بی تمام  
نزد و نه بود با حوال  
جزئی و کلی او علم دار  
عقل و دانش او -

لما من و دیانت او از  
اولین عالم و  
مخوف است این  
آیات را از پیشگاه  
متعالی آورده که ماک  
و شهنشاه مطلق تمام  
کائنات و آفریننده  
هر چیزی است برگاه  
نظام سلطنت او که  
سپاهیت استوار است  
دقت نماید بلکه بر آن  
خود و بزرگی خود و نظر  
کنند بر این

فی بایان مخوفی  
و آیات  
تقریبی او را  
تقریبی نماید و بر  
تسلیم آیات الهی  
بانی نماید آنها را

کشیاید و وقت موت  
و ملکشان نزدیک  
شده باشد لهذا  
برای حیات بعد از موت  
بزرگی آماده شوند  
عالمی و دین و طاعت  
و هر چیزی در قبضه  
اگر اتمای خواهد بود  
و سید مایه بد و بدی  
خود و آن از چیز

خداوند را از راه غایتی احوال خود را می کند

خداوند را از راه غایتی احوال خود را می کند

خداوند را از راه غایتی احوال خود را می کند

خداوند را از راه غایتی احوال خود را می کند



فتح الرحمن

والتسليم

است

خدا تعالیٰ

آدم و حوا را

کرد و از ایشان

نسب بسیار پیدا

آورد بعد از آن تفصیل

انتشار نسل بر فراز آید

و مترجم گوید این

تصویرات حال آدمی

را که نزدیک نقل

عمل نیست اخلاص

درست کند و چون

فرزند بوجود آید آنرا

نرا موش سازد و در

تسمیه اش را کند بنطبق

بر حال او چنانکه در

حدیث صحیح آمده که

حوا حاد شد شیطان

بدش و سو اس

انداخت و چون

فرزند متولد شد نام

او عبد الحارث مقرر

کرد و چون وجود شیخ

قیوم در امثال این

مواضع ضرورت نیست

آدم از لوث شرک برآ

باشد این آیت

خصمت او را مصاد

مت کند کفایت

و از اینجا دانسته شد

که شرک در تسمیه

نوعیت از شرک است

این بابا خداوند تعالیٰ

نامی بنهاد و این

اگر بنویسد خود را

بیان میدهد هیچ کارکنند

تفسیر عثمانی

عنه بنانی را که مبرور

مردانیه و تمام خدا

می شناسد چه بدرد

شناختن او در صورتیکه

به حفظ خود قادر نیستند

علاوه بر اینکه مخلوقی اند

از ان کمالات که مخلوقی

را به خلق دیگر تفوق و امتیاز

میدهند و خداوند

همچون شما را می

شناسد و این

دست و پای چشم و گوش

و غیره می سازد و لیکن این

مواضع را ای تو ای نیستند که

اطلاق عقوبت بر تو

نیز

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و



وَالَّذِينَ تَدْعُوْنَ مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُوْنَ نَدْعُوْكُمْ وَلَا

نفسهم ينصرون ۹ وَإِنْ تَدْعُوْهُمْ إِلَى الْهُدَى لَا يُصِغُوْا

وَلَهُمْ يُنْظَرُونَ وَإِلَيْكَ وَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ ۱۰ خُلِ الْعَفْوَ وَأَمْرٌ

بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِيْنَ ۱۱ وَإِنَّمَا يَزْعُمُكَ مِنَ الشَّيْطَانِ

تَرْغُ فَاسْتَعِذْ بِاللّٰهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ۱۲ إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا

مَسَّهُمْ طَیْفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ ۱۳ وَ

إِذَا هُمْ يَدْعُوْنَهُمْ فِي النَّارِ ثُمَّ لَا يَقْصِرُونَ ۱۴ وَإِذَا الْمَأْتَتُهُمْ

بِآيَةٍ قَالُوا أَوْ لَا اجْتَبَيْنَاهَا قُلْ إِنَّمَا اتَّبَعْتُ مَا يَوْحِيَ إِلَيَّ مِنْ رَبِّيْ هَذَا

بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ وَهَدًى وَرَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ ۱۵ وَإِذَا قُرِئَ

الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ۱۶ وَادْكُرْ رَبَّكَ

فِي نَفْسِكَ تَضَرَّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ

وَالْأَصَالِ وَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ ۱۷ إِنَّ الَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ

لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيُسَبِّحُونَهُ وَلَهُ يَسْجُدُونَ ۱۸

وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ عِبَادَتِهِ غَافِلُونَ أُولَٰئِكَ

سَيُجْزَوْنَ أَلْفَ سَنَةٍ بِأَلْفِ سَنَةٍ بِغَيْرِ حِسَابٍ ۱۹

وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ عِبَادَتِهِ غَافِلُونَ أُولَٰئِكَ

سَيُجْزَوْنَ أَلْفَ سَنَةٍ بِأَلْفِ سَنَةٍ بِغَيْرِ حِسَابٍ ۲۰

وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ عِبَادَتِهِ غَافِلُونَ أُولَٰئِكَ

سَيُجْزَوْنَ أَلْفَ سَنَةٍ بِأَلْفِ سَنَةٍ بِغَيْرِ حِسَابٍ ۲۱

وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ عِبَادَتِهِ غَافِلُونَ أُولَٰئِكَ

سَيُجْزَوْنَ أَلْفَ سَنَةٍ بِأَلْفِ سَنَةٍ بِغَيْرِ حِسَابٍ ۲۲

وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ عِبَادَتِهِ غَافِلُونَ أُولَٰئِكَ

سَيُجْزَوْنَ أَلْفَ سَنَةٍ بِأَلْفِ سَنَةٍ بِغَيْرِ حِسَابٍ ۲۳

وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ عِبَادَتِهِ غَافِلُونَ أُولَٰئِكَ

سَيُجْزَوْنَ أَلْفَ سَنَةٍ بِأَلْفِ سَنَةٍ بِغَيْرِ حِسَابٍ ۲۴

وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ عِبَادَتِهِ غَافِلُونَ أُولَٰئِكَ

سَيُجْزَوْنَ أَلْفَ سَنَةٍ بِأَلْفِ سَنَةٍ بِغَيْرِ حِسَابٍ ۲۵

وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ عِبَادَتِهِ غَافِلُونَ أُولَٰئِكَ

سَيُجْزَوْنَ أَلْفَ سَنَةٍ بِأَلْفِ سَنَةٍ بِغَيْرِ حِسَابٍ ۲۶

وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ عِبَادَتِهِ غَافِلُونَ أُولَٰئِكَ سَيُجْزَوْنَ أَلْفَ سَنَةٍ بِأَلْفِ سَنَةٍ بِغَيْرِ حِسَابٍ ۲۷

وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ عِبَادَتِهِ غَافِلُونَ أُولَٰئِكَ سَيُجْزَوْنَ أَلْفَ سَنَةٍ بِأَلْفِ سَنَةٍ بِغَيْرِ حِسَابٍ ۲۸



و اما سورة انفال  
در قصه بدر فرود آمده  
است در آیات این  
سوره اشارت به تاریخ  
این غزوه واقع شده  
انسان جلد آنست که  
مسلمانان غنیمت  
مباحث می کردند تا آنکه  
غارت کرده بودند  
خواستند که تنه ابرار  
متصرف شوند دیگران  
خواستند که علی السویه  
قسمت شود خدا متعالی  
نازل ساخت که  
متصرف و مختار در  
غنائم خدا و رسول  
است و دیگر بر ا  
درین باب دخل نیست  
و آنچه اهل جاہلیت  
می کردند از استیلا  
غارت کنند غنیمت  
باطل است لهذا  
حکم فرمود که غنیمت را  
در پنج قسم باید کرد چنانچه  
قسم در میان غانمان  
قسمت کنند و بیک  
در بیت المال نگاه دارند  
بقدر آن که در آنجا  
تصرف می است و طایفه  
است بجز دخل غارت  
کنندگان پس بقیه انفال  
بدره رسول و علم است غیر  
خبر و بقیه این متصرف  
در قلم ایشانند که  
دیگر اختیار است از خدا  
اعلم و لا یستحقون  
کلام حق و نام بر حق  
حکم است بر حق  
آنکه در نفس چنانکه  
بر حق آورده و چون بر  
دست بود نزد یک خدا  
بر حق آورده و حق است  
اعلم و لا یستحقون  
حق بر حق نیست که در  
بدره است مسلمانان  
اختیاران اصحاب  
رضی الله عنهم و ذریه

سُورَةُ الْاِنْفَالِ مَكِّيَّةٌ وَفِيهَا ثَمَسٌ وَتِسْعُونَ آيَةً وَعَشْرُ كَوَاكِبَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْاِنْفَالِ قُلِ الْاِنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ فَاتَّقُوا اللَّهَ

ی پرسند ترا از غنیمت یا قل غنیمت با خدا و رسول راست و پس ترسد از خدا و

أَصْلِحُوا إِذَا تَبَيَّنَ بَيْنَكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

بصالح آرید و اگر میان شما است و فرمانبرداری کنید خدا و رسول او را اگر مسلمان هستید

إِنَّمَا لِلْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا دُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ

جز این نیست که مؤمنان آنانند که چون یاد کرده شود خدا بترسد دل ایشان و چون خوانده شود

عَلَيْهِمْ آيَتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رِزْقِهِمْ يُتَوَكَّلُونَ ۝۲۰

بر ایشان آیات خدا زیاده سازند آن آیات ایمان ایشان را و بر پروردگار خویش توکل می کنند آنکه

يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ۝۲۱

برپای می دارند نماز را و از آنچه روزی داده ایم ایشان را خرج می کنند این جماعت ایشانند مؤمنان

حَقَّاهُمْ دَرَجَاتٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ۝۲۲

حقیق ایشان را است مرتبه ها نزد یک پروردگار ایشان و آمرزش و روزی نیک و چنانکه

أَخْرَجَكَ رَبُّكَ مِنْ بَيْتِكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّ فَرِيقًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

بیرون آورد ترا از بیت پروردگار تو از خانه تو به حق و بر آینه گردید از مسلمانان

لَكَرَهُونَ ۝۲۳

تا دوست نداشتند و با تو در سخن راست بود از آنکه ظاهر شد عیوب پندیده ایشان

النُّبُوتِ وَهُمْ يُبْطِلُونَ ۝۲۴

مرگ و ایشان دوران می گردند و یاد کن نعت الهی را نگاه که عده عده میداد ایشان از دو گروه که ستار بارش

وَوَدُّونَ أَنْ عِبْرَاتٍ الشُّوْكَ تَكُونُ لَكُمْ وَيُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخْرِجَ

و دوست می داشتید که عمر فوج جنگی شما بود و می خواست خدا که ثابت کند

الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعُ دَابِرَ الْكَافِرِينَ ۝۲۵

دین حق را بقرآن با آن خویشت و ببرد بنیاد کافران را اینخواست تا ثابت کند دین حق را بر طرف کند

و دین حق را بقرآن با آن خویشت و ببرد بنیاد کافران را

و دین حق را بقرآن با آن خویشت و ببرد بنیاد کافران را







فَلَمْ يَقْتُلُوهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَ

پس شانه گشته اید اینجا را و لیکن خدا گشت ایشان را و تو با همه نا انگیزی دل و تکیه انگیزی و  
پس شما نرفته اید ایشان را و لیکن خدا گشت ایشان را و نی انگیزی مستی خاک و تکیه انگیزی و

پس شما نغمه ای از ایشان را و لیکن خدا گشت ایشان را و نیفتندی مشتی خاک و قیفا افتندی و

لَٰكِنَّ اِلٰهَ رَحْمٰى وَلِيْبِي الْمُوْمِنِيْنَ مِنْهُ بَلَاٌۢءٌ حَسَنًا اِنْ

لیکن خدا انگند تا عطا کند مسلمانان را از نزدیک خویش عطاے ینگو ہر آئینہ

بیکون خدا آنگند و تا عطا کند مسلمانان را از نژاد خود عطای بشکو سر آینه

اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ۝ ذٰلِكُمْ وَاَنَّ اللّٰهَ مُؤْمِنٌ كَذِبًا لِّكَفَرٍ ۝ اِنَّ

خدا شنید انا است و الله حال اینست و بداند که خدا است گفته است حیل کافران را ای کافران

خدا استخوانا نامست این است (کاری) که شد و بر آئینه خدا است گفته است جمله کافران را

تَسْتَفْتِي ۖ اَفَقَدْ جَاءَكُمْ الْفَتْحُ ۚ وَاِنْ تَنْتَهُوا فَاَفْوَ خَيْرٌ لَّكُمْ ۚ وَ

طلب بخیر می کردید پس آمدن شما نعمه  
 دایم را باز ایستاد پس آن بهتر است شما را و

طلب فرمایند پس آمد بشمار (۱) فیصلہ داور باز ایستد پس آن بہترست شمارا

إِنْ تَعُودُوا أَعَدَّ وَلَنْ نَغْنِي عَنْكُمْ شَيْئًا وَكَثُرْتُ وَأَنْ

امروز از گزند بدی بختی بپناهی باز گردیم و دفع نکند از شما جماعت شما هیچ چیزی را از من پس نماند و بداند که

اگر باز گردید باز گردیم و بر گردن نهند از شما تمامه شما هیچ چیز را اگر چه بسیار باشد و بدانند

اللَّهُ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ ۝ يٰٓأَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ

خدا: با مسلمانان است و کسی اے مسلمانان فرمانبرداری کنید خدا و رسول ادا

خدا ہا ملانان است اے مومنان فرمان برید خدا را وفرستادہ اورا

وَلَا تُولُوا اَعْنَهُ وَاَنْتُمْ مُسْمِعُونَ ۝ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ قَالُوا سَمِعْنَا

دروی مگر دیند ازوے و حال آئی شامے شنوید و مشوید مانند اینک گفتند سینه تم

روی مگره ایند از دی حال آنکه شما می شنوید و مشوید مانند کینک گفتند شنیدم

وَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ ۚ إِنَّ هُوَ الَّذِي وَابٍ عِنْدَ اللَّهِ الصَّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ

وایشان می‌شنوند که میرآیند بدترین جهنمیان نزد یک خدا که راستند گفتارند آنانکه

والشان غی ششوند      ابر آینه بدترین جنبه گان نزدیک خدا گرانند      گمانند آنانکه

لَا يَقُولُونَ ۝ وَلَوْ عَلِمَ اللَّهُ فِيهِمْ خَيْرًا لَأَسْمَعَهُمْ ۖ وَلَوْ أَسْمَعَهُمْ

درمے یا مہند واکر دالیتے خدا دایان تینو کی البتہ شواہدے لایان رافل واکر ستوا مہندے لایان

درے بامند **۵** و اگر داسی خداداد ایشان نیکی البتہ نمایند ایشان را و اگر ستوانیدے ایشان را

لَتَوَلَّوْا وَهُمْ لَغَضُوبٌ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ

روزی کرد و ایامه خدا را اسنان اے مسلمانان بیوں نینده خواندن خدا و رسول را

ہماری روئی مڑاؤ اور اس لئے کہ اے مومنان قبول کنید حکم خدا و رسول را

إِذَا عَاثُمْ لَهَا يَحْيِيكُمْ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ

و چون که اندر سعادتی ای که در دلم دل سار و سعاداد و بدایند خدا عاقل میشود در میان مرد و دل او فی

چون نتواند سوار بر آبی است که رنده سوار و عطارا و بداند که هر آینه خدا بازی دارد (حائیل میشود میمان مرد دل ادا)



وَأَذْكُرُوا إِذْ أَنْتُمْ قَلِيلٌ مُسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ تَخَافُونَ

و یاد کنید اے مہاجرین وقت ایچ آتن وقت که شما اندک بودید ناتوان شمرده در زمین یعنی در کمی ترسیدید  
و یاد کنید آن وقت که شما اندک بودید ناتوان شمرده میشدید در زمین که کمی ترسیدید

ان يُخَفِّفَ اللَّهُ نَارَهُ فَاَوْكُمُ وَاَيُّدِكُمْ بِنَصْرِهِ وَرِزْقٍ مِّنْ

از آنکه بر اینده شمار مردمان پس جای داد شمار اینجی و مدینه دقوت داد شمار اینجی و روزی داد شمار  
از آنکه بر اینده شمار مردمان پس جای داد شمار و قوی کرد شمار ایاری دادن خود و روزی داد شمار

الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٥﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ

چیز بے پایہ کیزہ تا شود کہ سیاست داری کنید اے مسلمانان خیانت مکنید با خدا  
چیز بے پایہ کیزہ تا شود کہ سیاست کنید اے مومنان خیانت مکنید با خدا

وَالرَّسُولُ وَتَخَوُّوا أَمْنِيَّتَكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۝ وَأَعْلَمُوا أَنَّهَا

در سول و خیانت کند امانت بانه یک دیگر را و شامی دانند و بداند که بر آید

أَمْوَالَكُمْ وَأَوْلَادَكُمْ فِتْنَةً وَأَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ

۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱  
 ۴۷۲  
 ۴۷۳  
 ۴۷۴  
 ۴۷۵  
 ۴۷۶  
 ۴۷۷  
 ۴۷۸  
 ۴۷۹  
 ۴۸۰  
 ۴۸۱  
 ۴۸۲  
 ۴۸۳  
 ۴۸۴  
 ۴۸۵  
 ۴۸۶  
 ۴۸۷  
 ۴۸۸  
 ۴۸۹  
 ۴۹۰  
 ۴۹۱  
 ۴۹۲  
 ۴۹۳  
 ۴۹۴  
 ۴۹۵  
 ۴۹۶  
 ۴۹۷  
 ۴۹۸  
 ۴۹۹  
 ۵۰۰  
 ۵۰۱  
 ۵۰۲  
 ۵۰۳  
 ۵۰۴  
 ۵۰۵  
 ۵۰۶  
 ۵۰۷  
 ۵۰۸  
 ۵۰۹  
 ۵۱۰  
 ۵۱۱  
 ۵۱۲  
 ۵۱۳  
 ۵۱۴  
 ۵۱۵  
 ۵۱۶  
 ۵۱۷  
 ۵۱۸  
 ۵۱۹  
 ۵۲۰  
 ۵۲۱  
 ۵۲۲  
 ۵۲۳  
 ۵۲۴  
 ۵۲۵  
 ۵۲۶  
 ۵۲۷  
 ۵۲۸  
 ۵۲۹  
 ۵۳۰

عَظِيمٌ ۙ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ تَقْوَى اللَّهِ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا

بزرگ اسے مومنان کو ترسید از خدا پیدا کند برائی شایفصل

وَيُفَرِّغُهُمْ سُبَاتِلَهُ وَيَغْفِرْ لَهُمْ ذُنُوبَهُمُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿١﴾

درد گذارد از شما گناهان شمارا و بیمار زد شمارا و غذا صاحب بفضل بزرگ است

در گذارند از شما گنایان شمارا و پیامزد شمارا و خدا صاحب فضل بزرگ است

وَرَادِي سَمَرْكَاتِ الدِّينِ نَعْرُو الْيَمِينُوكَ وَيَقْتُلُوكَ أَوْ يَخْرِجُوكَ ۛ

در یاد کن آنگاه که مگر کردند بتو آنانکه نگر ویده اند تا جوس کنند ترا. یا بشند ترا یا بپردن کنند ترا از که

[illegible]

والایشان بدستگاری کنند (جزای و هدیه خدا ایشان را) و اندر بر می کند خدا و خدا بهترین خطبه تدبیر کند که آنست چون خوانده شود

آیات گویند سنجیدم اگر خواهم بخویم مانند این نیست این مگر آیه

آن را گویند بدستیکد شنیدم اگر خواهم بگویم مانند این نیست این مگر افسانه

و انچه که گفتند بار خدا یا اگر هست این قرآن راست از نزدیکی کو

وَأَمَّا أَنْ تَمَنَّاهُ بِالسَّيِّئَاتِ فَاسْتَغْزَلِ الْغُلَامَ فَمَا يَصْبِرُ لَهُ أَنْ يَأْتِيَهُ بِالْقُرْآنِ يُنْزِلُ اللَّهُ السُّورَ أَتَمًّا وَلَقَدْ أَنْزَلَهُ أَتَمًّا وَلَقَدْ أَنْزَلَهُ أَتَمًّا وَلَقَدْ أَنْزَلَهُ أَتَمًّا وَلَقَدْ أَنْزَلَهُ أَتَمًّا

پس بیاید بر آستان را از آسمان یا بیاید بر آستان در دانا را دانست

كَانَ اللَّهُ لِعِبَادِهِمْ وَأَنْتَ فَهُمْ ط وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ

خدا که عذاب کند ایشان را دو توبه میان ایشان باشی و هرگز نیست خدا عذاب کند ایشان  
خدا که عذاب کند ایشان را و توبه میان ایشان باشی و نیست هرگز خدا عذاب کند ایشان

فرموده آید این چنین خورده از آن ها که در می کشید آن گاه که حضرت محمد رسول الله صلعم ما از که جدا سا عظیم الی می کرده عذاب - هر که قتل آ

...



فتح الرحمن

فلان یحیی سنت الله  
 آنست که تا اینجا بر  
 در میان قوم باشد  
 عذاب عام نمی کند  
 و همچنین تا آنکه ایشان  
 استغفاری کنند عذاب  
 نمی آید و اگر بخواهند  
 بجز حضرت سید الشهدا  
 از میان ایشان ۱۲  
 و این اصل کتاب  
 عذاب دارند و لیکن چون  
 پشیمان و میان ایشان  
 مانع بود و حال را  
 برخواست ۱۲  
 مترجم گوید و این  
 تصویر است حال  
 کسی را که نخواهد جز  
 کل چیز را باطل  
 سازد و فتح کند ۱۲  
 و این نیز از اسلام ۱۲  
 تفسیر عثمانی  
 عذاب و نیز مانع نزول  
 عذاب است که بر او بود  
 پیغمبر میان آنها در  
 استغفار یعنی چه که  
 کرم به من قدم آید  
 صلوات عذاب منحل بود  
 اکنون بر آنها هم  
 عذاب فرود آمد  
 پس عذاب را  
 میگردانند ۱۸  
 باشد و به توبه ادا  
 دهد و عذاب را عذاب  
 نمی شود و در هر یک  
 ترین گناه که در آن  
 حضرت پیغمبر فرمودند  
 عذاب را دو چیز است  
 یک وجود من و دیگری  
 استغفار که ذاتی  
 الهی و غیره  
 کسی را که نذران  
 حقیقی را از مسجد باز  
 می دارند تا روز قیامت  
 چه از دشمنان و چه  
 بطریق کبر و افشن  
 بکای و کفر خدا صفر  
 کشیدن و کفر زدن چنانکه در اکثرین امر و نیز نوازش

وَهُوَ يَسْتَغْفِرُونَ ۵ وَمَا لَهُمْ أَلَّا يُعَذِّبَهُمُ اللَّهُ وَهُمْ يَصُدُّونَ  
 و ایشان استغفاری کنند و چیست مراد از آنکه عذاب نکند ایشان را و خدا اهل آنکه ایشان باز میمانند یعنی مردمان را  
 و ایشان معفرت خواهند عذاب آن بار که عذاب نکند ایشان را خدا و ایشان باز میمانند مردمان را  
 حَرَّمَ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ وَمَا كَانُوا أَوْلِيَاءَهُ ط إِنَّ أَوْلِيَاءَهُ إِلَّا  
 از مسجد حرام و نیستند سزاوار آنجا نیستند سزاوار آنجا نیستند  
 از مسجد حرام و نیستند آنها متولیان امر مسجد حرام نیستند سزاوار آنجا نیستند  
 السَّاقُونَ وَلَكِنْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ۶ وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ  
 متقیان و لیکن بیشترین ایشان نمی دانند و نیست نماز ایشان نزدیک  
 پرستشگران و لیکن بیشتر ایشان نمی دانند و نیست نماز ایشان نزدیک  
 الْبَيْتِ الْأَمْكَاءُ وَتَصَدَّقَتْ فِدْوَةُ الْعَذَابِ بِمَا كُنْتُمْ  
 خانه گنبد بجز صفر کردن و دستک زدن پس بچشید اسه کافران عذاب را بسبب  
 خانه گنبد بجز صفر کردن و کف زدن پس بچشید ای کافران عذاب را بسبب  
 تَكْفُرُونَ ۷ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيُفْقُونَ أَمْوَالَهُم لِيَصُدُّوا عَنْ  
 کافر شدن خود هر آینه کافران خرج می کنند اموال خود را تا باز دارند مردمان را از  
 کافر شدن خود عذاب هر آینه کافران خرج می کنند اموال خود را تا باز دارند مردمان را از  
 سَبِيلِ اللَّهِ فَسَيُفْقُونَ نَهَاكُمْ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً ثُمَّ يُغْلَبُونَ ۸  
 راه خدا پس زود باشد که خرج کنند آنرا باز باشد آن خرج کردن ایشان را برای آن باز مغلوب شوند و  
 راه خدا پس زود لغو کنند مال خود را باز باشد آن خرج کردن بر ایشان افسوس باز مغلوب شوند و  
 الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَى تَحْتِهِمْ يَحْشُرُونَ ۹ لِيُمِيزَ اللَّهُ الْأَخْيَافَ مِنَ الصَّابِرِينَ  
 کافران بسوی دوزخ رانده شوند تا جدا سازد خدا ناپاک را از پاک  
 آنرا ثابت باشند بر کفر بسوی دوزخ رانده می شوند تا جدا سازد خدا ناپاک را از پاک  
 وَيَجْعَلُ الْخَبِيثَ عَلَى بَعْضٍ فَيَرْكَبُهُ جَمِيعًا فَيَجْعَلُهُ فِي  
 و بنهد ناپاک را بر بعضی آن را بر بعضی پس نوده سازد آنرا بر یک جا پس در آن در  
 و بنهد ناپاک را بر بعضی آن را بر بعضی پس نوده سازد آنرا بر یک جا پس بپاشد در  
 جَهَنَّمَ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ۱۰ قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ يَنْتَهُوا  
 دوزخ ایچا که ایشانند زیاده کاران و بگو کافران را اگر باز ایستند  
 دوزخ آن جماعه ایشانند زیاده کاران بگو برای آنها که کافران اگر باز ایستند  
 يُغْفِرْ لَهُمْ قَدْ سَلَفَ وَإِنْ يَعُودُوا فَقَدْ مَضَتْ سُنتُ الْأَوَّلِينَ ۱۱  
 آمرزیده شود ایشان را آنچه گذشت و اگر عود کنند پس بر آینه گذشته است روش پیشینان  
 آمرزیده شود ایشان را آنچه گذشت و اگر عود کنند پس بر آینه گذشته است روش پیشینان  
 وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كَلَهُ لِلَّهِ  
 و کارزار کنید ای مسلمانان با ایشان تا آنکه نیامد هیچ فتنه علیه کفر و باشد دین همه برای خدا  
 و کارزار کنید با ایشان تا آنکه نیامد هیچ فتنه علیه کفر و باشد دین همه برای خدا  
 فَإِنْ أَنْتَهُوا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ۱۲ وَإِنْ تَوَلَّوْا  
 پس اگر باز ایستند از شرک پس بر آینه خدا با آنچه می کنند بیناست و اگر روی بگردانند و  
 پس اگر باز ایستند از شرک پس بر آینه خدا با آنچه می کنند بیناست اگر روی بگردانند  
 فَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَوْلَاهُمْ نِعْمَ الْبَوَلَى وَنِعْمَ الْبَصِيرُ ۱۳  
 پس بدانند که خدا مددگار شماست نیک مددگار است و نیک یاری دهنده است  
 پس بدانند که بر آینه خدا مددگار شماست نیک مددگار است و نیک یاری دهنده است

کشدین و کفر زدن چنانکه در اکثرین امر و نیز نوازش







فل در این حال  
 ابو جبریل و سایر ملائکه  
 ۱۲ من تحت تحقیق  
 پاوسته تواله انصاف  
 یافتن پانا الحوب و زادی  
 جنگ شود پیر بیگانه  
 تشدید بیگانه گریزنا  
 تقصیر عثمانی  
 عه قریش به قوت  
 و جمعیت خویش منور  
 بودند و اتمام باجی کن  
 سازند و محاصره می نمودند  
 و در اندیشه بودند که بیگانه  
 بی گنا سدر راه کاشین  
 شان کرده دوران ایشان  
 نور ایشان احسن احوال  
 رئیس گناهی یعنی سراقه  
 این مالک با فوجی از  
 زریه خویش نمودند  
 شد تا قریش را از قوه  
 و ترسید بهت نماید  
 و ابو جبریل بر سر  
 و انشای همین  
 داد که ما هم ۲  
 ملک و حمایت شما را  
 از طرف کنایه بی ظاهر  
 جمع باشند که ما با شما  
 چون در راه  
 جنگ شدت کرد  
 شیطان جبرئیل و  
 دیگر فرشتگان را دید  
 از همدستی ابو جبریل با  
 کشیده راه فرار پیش  
 گرفت ابو جبریل گفت  
 ای سراقه اکنون که  
 باید ملک کنی کجا می ریزی  
 جواب داد که من باشا  
 بودم و می توانم من چیزها  
 بای رومی بنم که شاز  
 مشابه آن تا هر چه  
 آنچه فرشتگان خدا  
 از ترس دین نوح  
 خدای امید دل ندهام  
 و پیش ازین تاب  
 و مقاومت در من  
 نماند چه می ترسم که  
 در عذاب شدید افت و خیزم گرفتار آیم متاد می گوید «لعن» دروغ گفت که خدای داد و داشتاده چون می دانست که وقت ملک لشکر قریش فراموش کرده است و بیخ قوی آنها را

وَرَسُولُهُ وَلَا تَنَازَعُوا فِي شَأْنِهِ وَأُتِيَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ وَرَسُولُ الْأَوَّلِ  
 و رسول او را و با یکدیگر نزاع نکنند که درین صورت بزدل شوید و برود دولت شما و شکست خاکی و درید  
 و رسول او را و با یکدیگر نزاع نکنند که در این صورت بزدل شوید و میرود دولت و قوت شما و شکست خاکی و درید  
 إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ ۲ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ  
 بر آینه خدا با شکستیاان است و صابرند مانند کسانی که بیرون آمدند از خانه های خود  
 بر آینه خدا با شکستیاان است و صابرند مانند کسانی که بیرون آمدند از سر راه های خود  
 بَطْرًا أَوْ رِئَاءَ النَّاسِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَاللَّهُ بِمَا  
 از روی سرکشی و خود نمایی مردمان و باز می دارند از راه خدا و خدا با آنچه  
 از روی سرکشی و خود نمایی مردمان و باز می دارند از راه خدا و خدا با آنچه  
 يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ ۳ وَادْرَأْهُمْ لَهْمُ الشَّيْطَانِ أَعْمَالَهُمْ وَقَالَ لَا  
 می کنند در گیرنده است فل و انگاه که شیطان بیار است برای این کافران کردار بای ایشان را و گفت هیچ کس  
 می کنند احاطه کننده است و انگاه که بیار است برای کافران شیطان کردار بای ایشان را و گفت هیچ کس  
 غَالِبَ لَكُمْ الْيَوْمَ مِنَ النَّاسِ وَإِنِّي جَارٌ لَكُمْ فَلَمَّا تَرَأَتْ الْفِئَتَيْنِ  
 از مردمان غلبه کننده نیست بر شما امروز و بر آینه من بدو کننده ام شمارا پس چون رو بردند برود و گروه  
 غلبه کننده نیست بر شما امروز از مردم و بر آینه من بدو کننده ام شمارا پس چون رو بردند برود و گروه  
 نَكَصَ عَلَى عَقِبَيْهِ وَقَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِّنْكُمْ إِنِّي أَرَىٰ مَا لَا تَرَوْنَ  
 بازگشت شیطان بر پاشنه های خود و گفت برگردید من بی لطمه از شما بر آینه من می بینم آنچه شما نمی بینید  
 بازگشت شیطان بر پاشنه های خود و گفت برگردید من بیزارم از شما برگردید من می بینم آنچه شما نمی بینید  
 إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ ۴ إِذْ يَقُولُ الْمُبْفِقُونَ  
 بر آینه من می ترسم از خدا و خدا سخت عقوبت است انگاه که می گفتند منافقان  
 بر آینه من می ترسم از خدا و خدا سخت عقوبت است انگاه که می گفتند منافقان  
 وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ يُضِلُّونَ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَنْ يُتَّبِعْ كُلَّ  
 و آنانکه در دل ایشان بیمار است فریب گرفته است این مسلمانان را دین ایشان و هر که توکل کند  
 و آنانکه در دل بای ایشان بیماری است فریب گرفته این بار دین ایشان و هر که توکل کند  
 عَلَى اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ۱ وَلَوْ كَرِهَ الَّذِينَ فِي الدِّينِ  
 بر خدا بر آینه خدا غالب و درست گذار است و کفایت می کرد ای گری دیدی اے یزید چون فرشتگان بعضی ارواح  
 بر خدا پس بر آینه خدا غالب با حکمت است و اگر می دیدی چون بعضی می کنند ارواح  
 كَفَرُوا وَاللَّهُ يَكْفِي بَعْضُهُمْ وَأَذْبَارَهُمْ وَذُو قُوَّةٍ عَذَابُ  
 کافران می کنند میزنند بر روی ایشان و بر پشت ایشان و می گویند بخت عذاب  
 کافران را فرشتگان میزنند رو بای ایشان را و پشت بای ایشان را و می گویند بخت عذاب  
 الْحَقِيقُ ۲ ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيَكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ  
 سوزان این بسبب آن کردار است که پیش فرستاده است دست شما بسبب آنست که خدا هم کننده نیست  
 سوزان را این بسبب آن کردار است که پیش فرستاده است دست بای شما بسبب آن است که خدا نیست ظلم کننده  
 لِلْعَبِيدِ ۳ كَذَّابٌ أَلْ فِرْعَوْنُ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَفَرُوا بِآيَاتِ  
 بر بندگان مانند عادت قوم فرعون و آنانکه پیش از ایشان بودند کافران بودند کافرانند بآیات  
 بر بندگان مانند عادت قوم فرعون و آنانکه پیش از ایشان بودند کافران بودند کافرانند بآیات  
 اللَّهُ فَآخِذْهُمْ اللَّهُ بِدُونِهِمْ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ ۵  
 خدا پس گرفتار کرد خدا ایشان را بمانای ایشان بر آینه خدا کوانا سخت عقوبت است  
 خدا پس گرفتار کرد ایشان را خدا بمانای ایشان بر آینه خدا توانا سخت عقوبت است



ذَلِكَ يَأْتِي اللَّهُ لَكُمُ الْيَوْمَ مَغِزْرًا نَعْتَمُ أَنْفَعَهَا عَلَى قُوَّةٍ حَتَّى يَغِيرُوا مَا

این سبب آنست که خدا هرگز نیست نیز دهنده نعمتی که انعام کرده باشد آنرا بر قوی تا آنکه ایشان بدل کنند حال را

بِأَنْفُسِهِمْ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ۝ كَذَّابُ آلِ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ

کرد ذات ایشان است و سبب آنست که خدا استخوانا است مانند عادت کسان فرعون و آنانکه

مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَأَغْرَقْنَا

پیش از ایشان بودند و در غرقند آیات پروردگار خویش را پس هلاک ساختیم ایشان را بگناهان ایشان و غرق ساختیم

بِأَلْفِ فِرْعَوْنَ وَكَانَ غَاسِقِينَ ۝ إِنَّ شَرَّ الدِّينِ وَأَبْغَضُ اللَّهِ لِلَّذِينَ

کسان فرعون را و پریل ستار بودند هر آینه بدترین جنیدگان نزد خدا آنانند

كَفَرُوا فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ۝ الَّذِينَ عَاهَدُوا مِنْهُمْ ثُمَّ يَنْقُضُونَ

که کافر شدند پس ایمان نمی آورند آنانکه عهد بسته با ایشان باز می شکنند

عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَكْرَةٍ وَهُمْ لَا يَتَّقُونَ ۝ فَاَمَّا اتَّقَوْهُمْ فِي الْحَرْبِ

عهد خود را در هر مرتبه و ایشان پیریز نمی کنند پس اگر بیای ایشان را در جنگ

فَقَرَّذِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَلْذَرُونَ ۝ وَإِنَّمَا تَخَافُونَ مِنْ قَوْمٍ

متفرق ساز بسبب کشتن ایشان آنان را که پس پشت ایشان باشند بدین می ترسند و اگر برتری از گروهی

مِنْهُمْ فَانْبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَى سَوَاءٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِبِينَ ۝

بیانست را پس باز گردان بسوی ایشان عهد ایشان را بخواهی که همه برادر شوند و بر آینه خدا دوست نمیدارد و بیانست

وَالَّذِينَ كَفَرُوا اسْبِقُوا إِلَهُكُمْ لَا يُعْجِزُونَ ۝ وَاعِدُوا

و باید که نه پندارند کافران که ایشان پیش دستی کرده اند بر آینه ایشان عاجز شوند و بسیار به اسلمانان

لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ

برای ایشان آنچه توانید از توانائی و از آماده داشتن اسبان پیرسانند

عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَالْآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ

دشمن خدا را و دشمن خویش را و قوم دیگر نیز بجای ایشان نمی دانید ایشان را خدا

يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُفْقَهُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَوْفُ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ

می دانید ایشان را و آنچه خرج کنید از هر چه باشد در راه خدا تمام داده شود بپشتان و شما

لَا تَظْلُمُونَ ۝ وَإِنْ جُنَحُوا لِلْسَّلَامِ فَأَجْزِلْ لَهُمْ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ

ستم کرده و ظلمید و اگر میل کنید به صلح توهم میل کن بسوی آن و توکل کن بر خدا

وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ يَلْعَنُونَ ۝ وَالَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ يَلْعَنُونَ ۝

و اما کفارند و لعنت بر ایشان باد و کفارند و لعنت بر ایشان باد

ولا يفتنكم

بمكران نعمت طاعت

را بمعصيت ۱۲

وق منترم كويد توفيق

است تقابل بهر دو

آنحضرت صلی الله علیه

و سلم ایشان صلح کرد

بودند ایشان وقت

بعد وقت عقد بنمودند

والله اعلم ۱۳ و الله

طاعت نقض عهد

بر شما هم بناید والله

اعلم ۱۴ و الله

استعمال آلات جنگ

مثل تیرانداز ۱۵ و مثل

و بعضی اهل تفنن

را و الله اعلم ۱۶ و الله

یعنی توبه او و الله

اعلم ۱۷ و الله

گوید این امر برائے

اباحت است والله

اعلم ۱۸ و الله

تغیر عثمانی

عنه یعنی توکل نمودن

بجای این نیست که

الاصحاب ضروری و

تعم مشرور ترک شده

بلکه بر مسلمانان فرض

است که حق الوسخ

و مسافر جهاد افرازم

نمایند و در عهد فسخه

بنوی مشق اسب

سواری مستحضر زدن

تیراندازی داخل

اسب جهاد بود امر

سابق و استعمال

نمودن توپ تفنگ

طیاره کشتی پاشی

تحت البحری، تا آنکه

تسویق فنون جنگی

در زش و سایر تفریبات

بدنی بر دستان جهاد

است و همچنین اسلحه

و آلات حربی که هر

آینده آماده میشود

و در این آیت داخل باشد راجع به اسب حضرت پیغمبر است و الخیل معنوی فی الاموال یعنی خداوند خیر را تا قیامت در پیشانی اسب کند است



فتح الرحمن

و منزه منزه گوید چون  
 این آیت نازل شد  
 واجب گشت ثبات  
 داده جندان از کفار  
 جدا از انان منوح شد  
 و چون ثبات در مقام  
 و جندان و الله اعلم  
 اول منزه گوید که  
 را میران بدد خدا  
 فرقت با جهاد و غیر  
 مرضی نزدیک خدا  
 خالتن ایما ع  
 و لیکن چون بعض  
 مرغی بمنوع ندره  
 و غوغ فرود  
 این آیت  
 نازل شد ۱۲  
 یعنی بعضی غیر  
 مقصود و الله اعلم  
 تفسیر عثمانی  
 در این آیت  
 مسلمانان ترغیب  
 بهاد است یعنی اگر چه  
 مذکر باشند دل از  
 دست نهند بنیان  
 لمی برد خنی که ده بر  
 نمان باشند غرغریه  
 شوند زیرا مسلمانان  
 خاص و راه هدای  
 یکنند و جزوهای که  
 طبعی نداده و مردن  
 در راه خدا اصل  
 ندی دانسته و بهنگ  
 حاضر میشوند و در حال  
 ق و شکست یقین  
 اند که در زینهار به  
 توجرتی پای خوشتر  
 و آخرت نایزنگوند  
 در آخر ج پای کرد  
 و اعلا کلن الله  
 کشند و مرمت ایس  
 ام خوشی می شوند و  
 انگاه که باین بیت  
 بهاد کنند تا ثبات  
 بانی روی کنند و انگاه  
 بر برکنار می گردد

إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ۝ وَإِنْ يُرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ

بر آینه وی شنوا دانا است  
بر آینه وی شنوا دانا است

واگر خواهند که فریب دهند ترا پس  
واگر خواهند که فریب دهند ترا پس بر آینه

پیر آئینہ دی شنوار دانامست

۱. و اگر خواهند که فریب دهند ترا پس هر آینه

حَسْبُكَ اللَّهُ ۖ هُوَ الَّذِي أَيْدَكَ بِنُصْرَةٍ ۖ وَالْمُؤْمِنِينَ ۖ (٣) وَأَفْ

کفایت کننده است ترا خدا بخیر است آنکه قوت داد ترا بیاری دادن خود و مسلمانان و هموست آنکه الفت داد  
کفایت کننده است ترا خدا است آنکه قوت داد ترا بیاری دادن خود و به مسلمانان و پیوند افکند بدوستی

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا اَنْفَقُوْا مِنْ اَمْوَالِكُمْ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ لَعَلَّكُمْ تَكُوْنُوْنَ سٰكِنِيْنَ

میان دلہائے ایشان اگر خرچ می کردی آبخور در زمین است ہمیک جا آفت نمی دادی میان دل ہائے ایشان  
میان دلہائے ایشان اگر خرچ می کردی آبخور در زمین است ہمیک جا آفت نمی دادی میان دل ہائے ایشان

لَكَ يَا بَيْتِي يَا غَيْرُ حَكِيمٍ يَا كَاهِنًا الشَّيْءُ حَسْبُكَ اللَّهُ

و لیکن خدا القہر انگند میان ایشان ہر آئینہ دے غالب با حکمت است اسے پیغامبر گفایت کندہ است ترا خدا

مِنْهُ لَمْ يَمْنَنْ ۖ لَكُمُ الْكَيْدُ ۖ وَاللَّهُ مَنَّانٌ ۝

و کفایت کند ترا آنانکه پیروی تو کرده اند از مسلمانان اے پیغمبر و عبت ده مسلمان را

و لایق بنده ان را که پیروی کو کرد از سلطانان اسے پیغمبر رغبت ده مومنان را

بر چنین اگر باشند از شما بیست کس میرکنند غالب شوند بر ده صد کس

بر چنگ اگر باشند از شاه بیت گس صبر کننده غالب شوند بر دزد حد گس

و اگر باشند از شما عدکس غالب شوند بر شما کس از کافران لبب آنجا اشان کمر و دستند

و اگر باشند از شما حد کس غالب شوند بر بزار کس از آنان کافر شدند زیر آبرو آئینه ایشانند گردی



١١) اِنْ خَفِيَ عَنْكَ اللهُ عِلْمُكَ وَعِلْمُكَ ضَعْفٌ فَإِنْ

که یکی چهند غم اکنون سبک ساخت خدا از شما و الت کرد میان شما متع میست پس اگر

يَلِينُ مِنْكُمْ قَائِلَةً صَاحِبَةٌ يُعَلِّبُهَا مَا تَتَيْنِ وَإِنْ يَلِينُ مِنْكُمْ الْفُ

باشند از شما صد گس شکلیا غالب شوند بر دو صد و اگر باشند از شما هزار گس

يُغْلِبُوا الْفَرِيقَيْنِ يَا ذُنُودَ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّادِقِينَ ﴿٢٠﴾ مَا كَانَ لِشَيْءٍ

عالم ایستد یردو سیرار کس یغران خدا و خدا یا صابران است  سمنزادار نبود پیغامبردا  
عالم شونده یردو سیرار یغران خدا و خدا یا صابران است  سمنزادار نبود پیغامبردا

أَنْ يَكُونُ لَهُ أَكْثَرُ حَتَّى يُتَخَنَ فِي الْأَرْضِ تُرِيدُونَ عَرَصَ

که بدست دے اسیران باشند تا آنکه قتل بسیار بچود آرد در زمین می خواهمد مال  
که بدست وی اسیران باشند تا آنکه قتل بسیار بچود آرد در زمین می خواهمد مال

الدُّنْيَا وَاللَّهُ يُرِيدُ الْأُخْرَةَ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٣٠﴾ لَمَّا كُنْتُمْ

دنیار د خدا می خواہد فصلحت آخرت را و خدا غالب یا حکمت است اگر نیو دے حکم

الله سَمِيعٌ خَدِيعٌ

عذاب بزرگ پس بخورید از آنچه غنیمت گرفتید

عذاب بزرگ پس موریہ از آچی عفت مرقفہ



عَالِ طَبَا وَأَتَقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٥﴾ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ

و برسد از خدا بر آینه خدا آمرزنده مهربان است  
و برسد از خدا بر آینه خدا آمرزنده مهربان است

لَسْ فِي أَيْدِيكُمْ مِنَ الْأَشْيَاءِ إِنْ يَعْلَمَ اللَّهُ فِي قُلُوبِكُمْ خَيْرًا

آن را که در دست نشانده از اسیران اگر دادند خدا در دلهاست شافی بدید شمارا بهتر  
آن را که در دست نشانده از اسیران اگر دادند خدا در دلهاست شافی بدید شمارا بهتر

وَأَتَاكُمْ خَيْرًا مِّمَّا أَخَذَ مِنْكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ①

و این شکر فیه از شما و بیامزد شما و خدا آمرزنده مهربان است

ان یزید و اجمانتک فقد خا و الله بین یس و املین منہم

گرفتند خیانت با تو پس هرگز خیانت کرده بودند با خدا پیش از این پس قدرت داد بر ایشان

وَاللّٰهُ عَلِيمٌ حَلِيمٌ ﴿١٠٠﴾ اِنَّ الدِّينَ اسْتَوٰى اَوَّلَهُۥ خَيْرٌ وَّاَوَّلُهَا هَٰذَا  
وَقَدْ وَاثَقَا حَكِيْمٌ اَسْتَوٰى اَوَّلُهُ خَيْرٌ مِنْ اَوَّلِهَا هَٰذَا

وَعَدَا دَانِ بَا مَلِكُ اسْتِ هِرْ اَيْنِهْ اَنَانِكِهْ اَيَانْ اَدُورْدَهْ وَ بِيْجَرْتْ كَرْمَهْ وَ بِيْجَادْ مَوْدَهْ

مال خود و جان خود	در راه خدا	و آنانکه حاسه دادند و نصرت کردند
مال خود و جان خود	در راه خدا	و آنانکه حاسه دادند و نصرت کردند

وَلَكُمْ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٌ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَهُمْ يَٰهَا جُرُؤًا لَّكُمْ

این جماعه بعضی ایشان کارسازان بعضی اند و تعداد آنانکه ایمان آوردند و هجرت نه کرده اند نیست  
این جماعه بعضی ایشان کارسازان بعضی اند و آنانکه ایمان آوردند و هجرت نکردند نیست شمارا

مَنْ لَا يَتَّبِعْهُم مِّنْ شَيْءٍ يَّخْتَبِئْهُمُ جُرُوءًا وَإِنِ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي

از کار سازی ایشان هیچ چیز تا آنکه بکثرت کنند و اگر مدد طلب کنند از شما در

الَّذِينَ فَعَلْتُمْ النَّصْرَ الْأَعْلَى قَوْمٌ يُؤْتِيهِمْ وَبَيْنَهُمْ مِمَّا تَأْتِي

کار دین پس لازم است بر شما یاری کردن مگر بر جماعه که میان شما و میان ایشان عهد باشد

والله بما تعملون بصير<sup>۳</sup> والذين كفروا بغيرهم

و خدا با حق می کند بیست و آنکه کارشند و بعضی ایشان

کلاس از آن بعضی اند اگر نه کنید ای مسلمانان این کار را و سلا باشد فتنه در زمین

وَقَدْ كَفَرَ اَوَّلَ مَا دُعِيَ لَكَ وَكَانَ صِدْقًا عَلٰى رُسُلِ الْاَوَّلِينَ

و آنگاه ایمان آوردند و بهجرت کردند : جهاد نمودند  
و فدا شدند : جهاد نمودند

فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَتَصَرُّوْا أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ

در راه خدا	و آنانی که جان دادند نصرت کردند این جماعت ایشانند مومنان
در راه خدا	و آنانی که جان دادند و نصرت کردند این جماعت ایشانند مومنان

بابت تعین محکم چند چیز بود، آغاز ہجرت مسلمانان اندک قوت و جلالت نشان معلوم بود۔ پس از چندی اکثر ہیروان توانائی گنبد و نسل عبد

فتح الرحمن  
وفا تو فیض  
است بیاس  
بن عبد المطلب  
بنی مهران  
والعنا بیکدیگر باید که  
نصرت دهند و موافقا  
کنند و ان شاء الله ۱۲  
بنی کاسران  
یا یک دیگر ۱۲  
تفسیر عثمانی  
بقیه صفحہ ۱۰۹ بنیہ  
ذکر اعداد ۲۰ و ۱۰  
مکن است بدین جهت  
یا شکر که در آن وقت  
آمد اسماعیلان در  
سر به اطمینان  
در پیش حد نفوذی بود  
و آیت آمینہ بیدار  
مدتی فردا که گذرد  
مسلمانان افزوده و پیش  
سرحد نفوذی بود  
دو آیت در مواضع  
نسبت نفادت آمد  
و امینان بیکدیگر  
نزد آیت آمینہ  
مسلمانان بیشتر  
بودند از این جهت  
در بخاری منقول  
حکمی که در این آیت  
شد بود که مسلمانان  
مقابل کف یافتند  
نایب اگر چه در حد  
برابریشان باشد  
مسلمانان گران  
این آیت نازل شد  
ان تحفظ الله  
یعنی خداوند حفظ  
شماره دیگر حکم  
تحقیق نمود که آن  
مسلمانان حکم میشد  
که اگر دشمن در وجه  
آنها باشد ایشان  
قائم فرض و کف  
حرام می باشد  
ضعف مسلمانی  
نزد مباحر و القمار پیش

و در ایام بیهوشی و استقامت و تسلیم بود و شایسته آنکه در این روز که ماهی خنجر و آینه در کف او قرار گرفته است - بقیه صفر ۱۴۸۴



فتح الرحمن

طایفه ای که توبه کردند  
میان این قرابت که  
اصحاب فروض و  
عبادت اند لازم است  
و الله اعلم بالصواب  
گوید سال هم حضرت  
پیامبر صلی  
الله علیه و آله  
و سلم علی رفیق  
و ادوم  
ع فرستاد تا بگوید  
مشرکان را براندازد  
الاجبار ماه ایشان  
را فرصت داد تا در امر  
طاعت کند مگر و  
فرقه ای صغیر بنویسند  
که خیانت در عهد نموده  
بودند پس خدا استعالی  
عهد ایشان را تاسیاد  
آن مقرر داشت و  
تا آنکه از عهد بگذرند  
بجای مشرک نیاید  
و پنج برینه طاعت  
کعبه کنند و اصل سوره  
براست بر ایشان  
رغوا و الله اعلم  
و کاینکه آن چهار ماه  
که ایشان را فرصت  
داده بودند ۱۲  
تفسیر عثمانی  
بقیه موقوف  
خاصه بشماست که چون  
کار شود بر مردم که تمیز  
شود بشمارات آنرا  
انجام دهند و هر کس پیش  
از نیروی خویش بذل  
جهت نماید و اگر با انجام  
آن جمیع بزرگی  
موظف شوند یکی بکلیان  
دیگر باشد و بپندارد  
که تنها شخص دی سوره  
انجام آن نیست ازین  
روش و جهت آنرا  
کم شود حضرت شاه  
فرمایند چون بعضی  
مسلمانان عیسایی  
توبه کردند که آنها امر شد که اگر کافران ده برابرشان باشند نیز جهاد کنند مسلمانان را بجهاد که قوی عقیدت توبه کردند حکم شد که با دو چند خویش جهاد نمایند تا اکنون نیز این حکم نافذ است

حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ۝ وَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْ بَعْدِ

تحقیقت ایشان را آمرزش در روزی نیک و آنانی که ایمان آوردند پس ازین و  
تحقیقت ایشان راست آمرزش در روزی عزت و آنانی که ایمان آوردند پس از این و

هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا مَعَكَ فَأُولَٰئِكَ مِنْكُمْ وَأُولَٰئِكَ حَامِل

بجرت نمودند و جهاد کردند همراه شما این گروه نیز از شماست و  
بجرت کردند و جهاد کردند همراه شما پس این جماعه از شماست و خداوندان قرابت

بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ۝

بعض ایشان را نزدیک تراند به بعضی در حکم خدا و هر آینه خدا به همه چیز داناست و  
بعض ایشان را نزدیک تر است به بعضی در حکم خدا و هر آینه خدا به همه چیز داناست

سُورَةُ التَّوْبَةِ مِائَتًا وَتِسْعٌ وَعِشْرُونَ آيَةً عَشْرٌ وَرَكْعَتَانِ

بِرَاءَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ۝ تَسْبِيحٌ

للع صاف است از جانب خدا و رسول او تسبیحی آنانی که عهد بسته بودید با ایشان از مشرکان پس بپس بپس بپس  
جواب آشکارا بیزاری است از طرف الله و رسولش بسوی آنانی که عهد بسته بودید با ایشان از مشرکان پس بپس بپس بپس

فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةٌ أَشْهُرٌ وَعَلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ ۝ وَأَنَّ

در زمین چهار ماه ویدانید که شما نه عاجز کننده خدا باشید و بیدانید آنکه  
در زمین چهار ماه ویدانید که پیشک شما عاجز کننده الله نیستید و تحقیق

اللَّهُ يُخْزِي الْكَافِرِينَ ۝ وَأَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ

خدا رسوا کننده کفار است و خبر رساننده نسبت از جانب خدا و رسول او بسوی مردمان  
الله رسوا کننده کفار است و اعلام است از الله و رسولش بسوی مردم

بِمَا حُجِّجَ الْأَكْبَرُ أَنَّ اللَّهَ يَرَىٰ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولَهُ فَإِنْ

بروز بزرگ که خدا بیزار است از مشرکان و رسول او نیز بیزار است پس اگر  
بروز بزرگ که (بایک) تحقیق الله بیزار است از مشرکان و رسولش (بیزار است) پس اگر

تَبَيَّنَ لَهُمْ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي

توبه کنید آن بهتر باشد شما و اگر روی برگردانید پس بدانید که شما نه عاجز کننده  
توبه نمایند از کفر با تقدیر آن توبه خیر است برای آنان و اگر اعراض گردید از اسلام پس بدانید تحقیق شما نیستد عاجز کننده

اللَّهُ ۝ وَبَشِّرِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَعِدْهُمْ أَلَيْسَ ۝ إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ

خدا ایست و خبر ده کافران را بحداب و ده دهنده مگر آنانی که با ایشان عهد بسته بودید  
الله و مژده دهد آن کسان را که کافر شدند بعد از توبه مگر آنانی که ایمان کرده اند (با ایشان)

مِنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْقُصُوكُمْ شَيْئًا وَلَمْ يُظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ ۝

از مشرکان باز نمی کردند با شما در چیزی و مدد ندادند بر شما  
از مشرکین باز نمی کردند با شما هیچ چیز و مدد نکردند بر شما

أَحَدًا فَأَتَوْا إِلَيْهِمْ عَهْدُهُمْ إِلَىٰ مَدَنٍ يَحْمِلُهُ اللَّهُ يُجِيبُ

کسی را پس بوفارسانید بسوی ایشان عهد ایشان را تا مدت مقررشان پیشک الله دوست می دارد  
کسی را پس تمام کند با ایشان بپیمان شان را تا مدت مقررشان پیشک الله دوست دارد

الْمُتَّقِينَ ۝ فَإِذَا السَّلَاحُ رَأَىٰ الْحَرَمَ فَأَقْبَلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ

پیر بیزارگان را پس چون آفر شوند ماه با سینه حرام و پیشک مشرکان را بر حاکم  
پیر بیزارگان را پس چون بگذرد ماه با سینه حرام پس بپسید مشرکان را بر حاکم







والمی تکلیف چهار  
نشود و در مترجم  
توبه توبه است  
بجواب مغفرت توبه  
باعت سجد حرام ۱۲  
تفسیر عثمانی  
بقیه صفحہ ۱۸۱  
اگر مبینہ از  
وقت وجوب و ساز  
و برگ کلامی است  
دل پدید آید باید  
خوف خدا و دلہائی  
شان بیشتر باشد نیک  
بدانکہ چون خوف  
خدا در دل جا کند دیگر  
خوف با فرار کن تلافی  
ایمان آنست که میند  
از نافرمانی خدا قهر  
وی در بر اس باشد  
زیر انفع و طریقی  
در قدرت او تعالی  
است و بیج خلق  
بے مشیت او تعالی  
بر کو چک ترین نفع  
و ضرر تو انباشد  
عنه ایجا حکمت  
دیگر شریعت جهاد  
فرموده شد یعنی  
کسیکه بزبان  
و عوی بندگی و  
ایمان می کند بسیار  
اندولی تا محکم امتحان  
در میل نباشد خالص  
و متخشوش تریز گردد  
خدای تعالی بوسیله  
جهاد آشکاری سازد  
که کدام مسلمان در  
راه و بی نشان است  
و دارای آماده است  
و نخواست جز خدا و  
رسول و مسلمانان  
اورا دوست و دشمن  
باشد هر چند آن کس  
اورا قوی و خویش بود  
این جهاد است که  
مبین بر آن از مبین  
میشود تا به جهاد علی

فَقَاتِلُوا أَيُّهَا الْكُفْرُ إِنَّهُمْ لَا آيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ ①  
پس کاردار کنید یا پیشوایان کفر هر آینه شوند نیست ایشان را بود که ایشان باز مانند  
پس جنگ کنید یا پیشوایان کفر بشک ایشان را جنگ قسمها نیست جنگ کنید یا ایشان تا باز آیند (از سر توبه و طاعت)  
الْإِتْقَانُونَ قَوْمًا شَكُّوا آيْمَانَهُمْ وَهُوَ أَخْرَاجَ الرَّسُولِ وَهُمْ  
آیا جنگ می کنید یا گروهی که شکستند سوگند آن خویش را و قصد کردند جلا وطن ساختن پیغمبر را و ایشان  
آیا کاردار نمی کنید یا قومی که شکستند قسمهای خود را و قصد مشوره کردند بودند به پیرون کشیدن رسول از کفر و ایشان  
بَدَّوْكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ أَنْ تَخْشَوْهُمْ فَاذْكُوا حَتَّى أَنْ تَخْشَوْهُمْ إِنْ كُنْتُمْ  
ابتدا کردند نقص عهد با شما اول مرتبه ایما می ترسید از ایشان پس خدا سزاوار تر است تا آنکه ترسید از وی اگر  
ابتدا نمودند بقتال شما اول بار آیا می ترسید از ایشان پس الله سزاوار تر است که ترسید از وی اگر ترسید  
مُؤْمِنِينَ ② قَاتِلُوا هُمُ يَعْلَمُ اللَّهُ بِأَيِّكُمْ وَخَرَّجَهُمْ وَيَنْصَرُّكُمْ  
مسلمانان جنگ کنید یا ایشان تا عذاب کند ایشان را خدا بدست می آید و رسول الله تبار و لغت دهد شمارا  
مومنان عه جنگ کنید یا ایشان تا عذاب کند ایشان را الله بدست می آید و رسول الله تبار و لغت دهد شمارا  
عَلَيْهِمْ وَيُكَفِّرُ صُدُورَهُمْ مِمَّا مَنَيْنَ ③ وَيَذْهَبُ غِيظًا قُلُوبِهِمْ  
بر ایشان و شفا بخشد سینہهای گروه مسلمانان را و دور کند اندوه دل ایشان را  
بر ایشان و شفا دهد سینہهای قوم مومنان را و ببرد اندوه دل مومنان را  
وَيَتُوبُ اللَّهُ عَلَى مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ④ أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ  
در رحمت باز گردد بر هر که خواهد و خدا دانای استوار کار است آیا گمان کردید که  
و توبه می دهد از جور هر رحمت می کند (الله) بر هر که خواهد و الله دانای بزرگ خداوند حکمت عظیم است آیا می بیند پندای مومنان  
تَتْرَكُوا أَوْ لَسَّا يَعْلَمُ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَلَمْ يَتَّخِذُوا مِنْ  
ترک شده شود و لست می شناسد الله آنکه سزاوار جهاد کردند از شما و نگرفتند  
دُونِ اللَّهِ وَلَا رَسُولِهِ وَلَا الْمُؤْمِنِينَ وَلِجَنَّةٍ ⑤ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا  
جز خدا و جز پیغمبر و جز مومنان هیچ دوست نیمانی و خدا داناست با آنچه  
جز الله و جز رسول او و جز مومنان دوستی نیمانی و الله خوب خبردار است به آنچه می کنید  
تَعْمَلُونَ ⑥ مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْبُرُوا مَسْجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ  
می کنید عه روان باشند مشرکان را که آباد سازند مسجد الهی خدا را عتراف کرده  
نیست سزاوار برای مشرکان که عبادت کنند ساجد الله را و حالیکه گواهی دهند تسلیم کنند  
عَلَى أَنْفُسِهِمْ بِالْكُفْرِ أُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ وَفِي النَّارِ هُمْ  
بر خود به کفر آن بجاء باطل شد عملهای ایشان و در آتش بهر  
بر نفس بای خود کفر را آن کرده شاه شد عملهای ایشان و در آتش ایشان  
خُلِدُوا ⑦ إِنَّمَا يَعْبُرُ مَسْجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ  
پاشند گمانند و جز این نیست که عبادت مسجد الهی خدا را سبک ایمان آورده است سجدا و برود آخر و  
جاویدند جز این نیست که آبادی می کنند مسجد الله را کسیکه یقین کرده باشد و برود آخر اگر در یقین است  
أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَحْشُوا إِلَّا اللَّهَ فَكَفَعْنَا أُولَئِكَ  
بر پا داشته است نماز را و داده است زکوة را و ترسیده اند از هیچ کس مگر از خدا پس توبه است که این جماعت  
بر پا داشته نماز را و داده زکوة را و ترسیده اند از هیچ کس مگر از الله پس امید است به این جماعت  
أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُتَّقِينَ ⑧ أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَالْعِمَارَةِ  
از راه یا نیکان باشند آیا کردید آب نوشانیدن حاجیان را و آباد ساختن  
که باشند از راه یا نیکان سجات آیا کردید آینه آب دادن حاجیان و آبادی



المسجد الحرام كمن امن بالله واليوم الآخر وجاهد في

مسجد حرام را برابر با اعمال آنکس که ایمان آورده باشد و در روز آخر و جهاد کرده است در

سبيل الله لا يستون عند الله والله لا يهدي القوم الظالمين

راه خدا برابر نیستند نزد یک خدا و خدا راه نمی نماید گروه ستم کاران را

الذين امنوا وهاجروا وجاهدوا في سبيل الله باموالهم و

و آنان که ایمان آوردند و هجرت کردند و جهاد نمودند در راه خدا با اموال خویش و

انفسهم اعظم درجة عند الله واولئك هم الفاعلون

جان خویش بزرگ تراند در مرتبه نزد یک خدا و این جماعه ایشانند مژده می دهد ایشان را

لهم در حمة منة ورضوان و جنت لهم فيها نعیم

برای آنان در گنجی از نعمت خود و بخشش و پاداشی که ایشان را در آن جا نعمت دائم بود باشند

ففيها ابدان الله عنده اجر عظیم

و در آنجا ابدان خداست و بزرگ است پاداشی که برای ایشان در آنجا باشد نعمت دائمی که حال آنکه جاوید باشند

يا ايها الذين امنوا استجدوا

ای کسانی که ایمان آورده اید تجدید کنید

اباءكم وراخوانكم اولياء ان استجبوا الكفر على الايمان ومن

پدران خود را و برادران خود را و دوستان اگر بپذیرند کفر را بر ایمان و هر که

يتولاهم منكم فاولئك هم الظالمون

که از شما دوستی دارد و از شما پس ایشانند ستمکاران

والله اعلم وراخوانكم واولاءكم و عشيبتكم و اموال

و خداوند داناست و برادران شما و زنان شما و خویشاوندان شما و آن مالهاست که

افترقتموها و تجارة تخشون كسادها و مسكين ترضونها

که جدا کرده اید آن را و تجارتی که می ترسید از بی رواجی آن و منزلی که بستانند می کنند

احب اليكم من الله ورسوله و جهاد في سبيله فترضوا

محبوب تر است نزد یک شما از خدا و رسول او و از جهاد در راه او پس منتظر باشید

حتى ياتي الله باخرة طواف الله لا يهدي القوم الفاسقين

تا آنکه بیاید خدا عاقبت خود را و خدا راه نمی نماید گروه فاسقان را

نصرهم الله في مواطن كثيرة و يوم نحین

راستواران خدا را در جایگاه بسیار در روز حنین نیز چون بگفتند

و لا مترحم گوید بعد غزوه فتح در غیبیه جبهه مشرکین و اهل کلمه نازل شد ۱۲ لغت کلمات به روان بخوانا سودی کار روانی متدا جز آن ۱۲ و لا مترحم گوید در غزوه حنین شکست نمودن مسلمانان بود بعد از آن خدای تعالی نصرت داد و بجیت تذکیر نعمت این آیات فرستاد تفسیر عثمانی ۵۵ ثواب و در جنت نزد او تهنیت فرمودن است بر کمال قدر که خواهد از آن میدارد در آیت ما قبل ذکره چیز آمده است (۱) ایمان (۲) هجرت (۳) جهاد و این سه را بر سه نعمت نشاند آمده است (۱) نعمت (۲) رضوان (۳) عفو فی الجوارح و حیوان می نویسند رحمت بر ایمان مرتب است آنکه ایمان ندادن رحمت الهی محروم است رضوان که لطیف ترین نعمات است صلوات جهاد فی سبیل الله می باشد زیرا عباد فی سبیل الله جمیع لذات نفسانی و تعلقات شخصی را ترک کرده چنانکه اهل خود را در راه خدا نظر می کند و برای خوشنودی و حضرت وی تقدیر و تهنیت قربانی آخرین خواهر بهی می کند پس عرض شد است مبارک و داد

نیز چون بگفتند آورد شمارا انداخت شمارا











فتح الرحمن

فما منكم من يوم أحد إلا ياتوا  
 صلي الله عليه وسلم  
 وقت عسرت وكنت  
 بواضع عنقه  
 شند و بسیار  
 از محاسن او وقت کشتن  
 و از مسلمین هر کس  
 بے عقد و خلف  
 کردند و توبه  
 ایشان بعد از آن  
 روز قبول افتاد و از  
 منافقان کلمات نفی  
 هرگز و خدای تعالی  
 در مدح ایشان و دم  
 آنان و عفو از آن  
 کس آیات متعدد است  
 و البته ابو بکر صدیق  
 را ۱۲ ساله در  
 حالیکه اسب او ضعیف  
 بسیار در آید یا بنجر  
 قدر ضروری بدست  
 شتابان شد و با این  
 توجیه آیت حکم باشد  
 فیفسوخ والله اعلم  
 تفسیر عثمانی  
 و تفسیر بر غرر احوال  
 برای آنکه حساب  
 ماه بای خود را درست  
 نگذارند و زبانی  
 یک ماه معین را بعد  
 از هر سال زیاد  
 می کنند این در نسی  
 داخل نیست از  
 بعضی اکابر سلف  
 راجع به نسی نقل کرد  
 اند که عرب در زمان  
 جاهلیت عده ماه را  
 سال را تبدیل می  
 کردند مثلاً بجائے  
 ۱۰ ازده ماه میگفتند  
 و یا ساب و اطوی  
 اخلال کردند که  
 ذوالقعدة به ذوالحجه  
 بدل میشد حتی در سال  
 ۹ هجری رجب را بکرم  
 نیز حساب میشد

**زِيَادَةً فِي الْكُفْرِ يَضِلُّ بِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا أَيْحَاؤُنَهُ عَامًا وَ**  
 زیاد نیست در کفر هرگاه که در آن می شوند یا آن کافران علیل می شوند آن ماه را یک سال و حرام  
 زیادتی است در کفر هرگاه که در آن می شوند یا آن کافران علیل می شوند آن ماه را یک سال و  
**يَجْرِمُونَهُ عَامًا لِيُؤْخَذَ بِهِ مَا حَرَّمَ اللَّهُ فَيَحِلُّوا مَا حَرَّمَ اللَّهُ**  
 می شوند آن را سال دیگر تا موافقت کنند با شمار آنچه حرام ساخته است خدا پس علیل سازند چیزی را که حرام ساخته است خدا  
 حرام می شوند آن را سال دیگر تا موافقت کنند با شمار آنچه حرام ساخته است خدا پس علیل سازند چیزی را که حرام ساخته است خدا  
**زَيْنَ لَهُمْ سُوءُ أَعْمَالِهِمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ**  
 آراسته کرده شده است برای ایشان کردار مایه بد ایشان و خدا راه نمی نماید قوم کافران را و  
 آراسته کرده شده است برای ایشان کردار مایه بد ایشان و خدا راه نمی نماید قوم کافران را و  
**يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَالَكُمْ أَذْ قِيلَ لَكُمْ أَنْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ**  
 ای مسلمانان چیست شمارا که چون به شما گفته میشود بیرون آید در راه خدا  
 ای مسلمانان چیست شمارا که چون گفته می شود بیرون آید در راه خدا  
**أَنَّا قَدْ نَزَّلْنَا إِلَى الْأَرْضِ أَرْضِيَّتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ**  
 گر آن تازه میل می کنید بسوی زمین آید رضامند شدید بزندگانی دنیا عوض آخرت  
 گر آن تازه میل می کنید بسوی زمین آید رضامند شدید بزندگانی دنیا عوض آخرت  
**فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ ۝**  
 پس نیست متاع زندگانی دنیا در برابر آخرت مگر اندکی اگر بیرون نیامد  
 پس نیست متاع زندگانی دنیا در برابر آخرت مگر اندکی اگر بیرون نیامد  
**يَعْلَمُ بَكُمْ عَدَا أَبَا أَيْمَانَ ۝ وَيَسْتَبْدِلُ قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَصْزُوهُمْ شَيْئًا**  
 عذاب کند شمارا عذابی در دهنده و بدل شما کند قومی را بجز شما و ضرر رسانده نتواند خدا را  
 عذاب کند شمارا عذابی در دهنده و بدل شما کند قومی را بجز شما و ضرر رسانده نتواند خدا را  
**وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝**  
 و خدا بر همه چیز توانا است اگر تصرف نمیدید بین ما را چه باک بر آنچه نصرت داده است و خداستانی آنکه بیرون کند  
 و خدا بر همه چیز توانا است اگر تصرف نمیدید بین ما را چه باک بر آنچه نصرت داده است و خداستانی آنکه بیرون کند  
**الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَا نِي اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ**  
 کافران دوم و کسی انگاه که این دو کس در غار بودند انگاه که می گفت یار خود را  
 کافران دوم و کسی انگاه که این دو کس در غار بودند انگاه که می گفت یار خود را  
**لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ**  
 اندوه مخور هر آینه خدا یاماست پس فرو فرستاد خدا تسکین خود را بر پیغمبر و قوت دادش  
 غم گین مشو بیشک الهه همراه ماست پس فرود آورد الهه تسکین خود را بروی و تقویت داد او را  
**بِجُودٍ لَمْ تَكْرُوهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السَّفَلَةَ ۝**  
 به لشکر با اینکه ندیدید آنرا و فرو تر ساخت سخن کافران را و سخن  
 به لشکر با اینکه ندیدید آنرا و فرو تر ساخت سخن کافران را و سخن  
**اللَّهُ هُوَ الْعَلِيُّ ۝ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ۝**  
 خدا بگو نیست بلند و خدا غالب در است کار است بیرون آید سبیل و درگاهش را و سخن  
 الهه است بلندتر و الهه غالب خداوند حکمت بزرگ است بر اینده برای جهاد سبک باران و گران باران  
**جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ**  
 جهاد کنید بآموال خود و جان خود و نفس بای خود و در راه خدا این بهتر است  
 جهاد کنید بآموال خود و جان خود و نفس بای خود و در راه خدا این بهتر است  
 جهاد کنید بآموال خود و جان خود و نفس بای خود و در راه خدا این بهتر است

در ده ذوالقعدة در آن حدیث ۱۱ ان الزمان قد استدار كهيئة النجف نیز بر طبق همین اصول توضیح شده است حافظ ابن کثیر به تفسیر آن سخن را نداده است که یک سخن است



اِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٢﴾ لَوْ كَانَ عَرَضًا قَرِيبًا وَسَفَرًا قَاصِدًا

اگر بوی دیند اگر بودے ایچ بان دعوت می کنی نفع قریب الحصول و سفری آسان  
اگر بوی دیند اگر بودی دآخیزه آن دعوت می کنی مال قریب الحصول و سفر میانہ

تَبَعُوا وَلَكِنْ بَعَثْنَا عَلَيْهِمُ الشَّقِيطَ وَسَيُخْلِفُونَ بِأَمْرِ اللَّهِ

بر آینه پیروی می کردند ترا و لیکن دور شد بر ایشان مسافت و زود قسم خوردند به خدا

وَأَسْتَطْعُنَا لِحَرْجِنَا مَعَهُ يَهُودُ بْنُ أَنْفُسِهِمْ ۖ وَاللَّهُ يَعْلَمُ  
اگر می توانستیم بیرون می آمدیم با شما یهود می کنند خویش را فلان و خدا می داند

[illegible]

که ایشان دروغ گویند عفو کند خدا از تو جداستوری دادی ایشان را منع اذن نماند بود که بپایند استوند  
چونک ایشان برآیند دروغ گویند عفو کند خدا از تو جداستوری دادی ایشان را منع اذن نماند بود که بپایند استوند

أَلَا الَّذِينَ صَدَقُوا وَتَعْلَمَ الْكَافِرِينَ ① لَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ

دست نویسی محلی طلمی از تو آنا که  
مخاطب است از تو

ویدانی دروغ گویان را  
چون آنکه راست گفتند و می دانستی دروغ گویان را

۸۳ ۷۲ ۶۱ ۵۰ ۴۹ ۳۸ ۲۷ ۱۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱

يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَأَنَّى لَهُ الْمَتَابُ  
يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَأَنَّى لَهُ الْمَتَابُ  
يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَأَنَّى لَهُ الْمَتَابُ

ایمان دارند بالبدن و بروز آخر در حلقه ازینکه چهار گفتند بالهای خود و نفس پای خود

و هذا انماست عتقان جبر این نیست که دستور می طلبد از تو آنگاه ایمان می آرند

بِاللهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأُزَيِّنَاتُ قُلُوبِهِمْ فِي رِيْبِهِمْ

مکمل در درخت آخر و شکل آورده است دل ایشان پس ایشان در شک خود

يَتَرَدَّدُونَ ﴿٣٠﴾ وَلَوْ أَرَادُوا الْخُرُوجَ لَأَعَدُّوا لَهُ عُدَّةً وَلَكِنْ كَرِهَ

(سرگردانده) عا. و اگر اراده می داشتند بیرون شدن را هر آینه تبادلی کردند بران اصیاب و لیکن نالیند داشت

الله انبئناهم فشببهم وقيل اقعوا مع القعدين ﴿٧﴾ لو

الذی یتام یتیم را پس باز داشت ایشان را و گفته شد بختینید یا نکستگان

برای آمدن میان شما می آفرودند در حق شما سگ و فادرا و البته مرگ می تا خلد میان شما

يُنْفِخُ فِيهِمُ الْفَيْيَظَ وَفِيكُمْ سَمْعُونَ لَهُمْ وَاللَّهُ عَزَّ

فقط جریان در حق شما و میان شما سخن شنوایند از ایشان و خدا داناست  
و خدا داناست

الظَّالِمِينَ ۝ لَقَدْ ابْتَغُوا الْفِتْنَةَ مِنْ قَبْلُ وَقَلَّبُوا لَكَ الْأُمُورَ

بسمت کاران هر آینه طلب کرده بودند فنزرا از پیش ازین و بگردانیده بد برای او  
بسمت کاران عده (بیشک) می جستند فنزرا از پیش و بگردانیده بد برای او مصاحبت

استعداد و حیثیت بودن این جاسوسان مفید است زیرا بر اعزام و اراده و جاسوسان بسیار است که با یکدیگر در میان می‌آیند و در میان

۱۱ فل یعنی بسوگند  
 در شامک دامن تھو  
 است القای عزم  
 مختلف لود فایر نشان  
 ۱۲ فل یعنی سخی و فتنه  
 می گردد ۱۳ یعنی  
 سخن ایشان بول میکند  
 تفسیر عثمانی  
 عا شک دینک دل پائے  
 نشان بایمان و تقوی  
 ۱۴ در روشن است ایشان  
 لسترد کربان کشتند  
 ۱۵ و از چهار کنار رویند  
 اجازه خامنه آچنرا  
 ایشانرا سزاوار  
 است در آخر این  
 باره میاید تلو و  
 انیم تقیض من المع  
 جز ناان لایجدو اما  
 بینفون یعنی اگر  
 انلاس و غیره ایشان  
 را از شرف جبا ننے  
 سبیل الله می بهره  
 سازد دل بایستان  
 ہے قرار و جنانان  
 پیر سر شک گرد و رستا  
 ننگینی که از جها کنار  
 می جویند اجازه  
 نرفتنی طلبند شیو  
 طایف الیست که برود  
 های گرد و کار بقین زند  
 وزندگی آخرت را  
 نیشنا سند در شست  
 بای خدا به پیروزی  
 اسلام و مسلمین نظر  
 سکی می نگرند عد  
 اکنون نیز جاسوس  
 بای نشان در میان  
 شهابست بر جی از  
 شناساده روح اند  
 دخی اند لیشند اند  
 جنت ایشان که بر شتر  
 ستا فرخشو ندان این کفر  
 هر چند این زمره چنانکه  
 مقتضی شراوت شان  
 بود وقت بر بار کرده  
 بود و از راه دین

والتفاد، یک حیث بود این جاسوسان مفید است زیرا عزم و اراده و جانبازی مسلمانان را بچشم سمری گمروند و برای دیگران می گویند و دولتیان هیبت مسلمانان را بجا می گویند



فما یخبر مراد بآن

دوم برید که چنانچه

دیده مفتون غایب

شد و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

حَتَّىٰ جَاءَ الْحَقُّ وَظَهَرَ أَمْرُ اللَّهِ وَهُمْ كَرِهُون ۝۶ وَمِنْهُمْ مَّن

تا آنکه بیاید نصرت حق و غالب شود کار خدا و ایشان ناخوایان بودند و از ایشان کسی است که

بگوید و ستوری ده مراد در فتنه میزد از مراد اول آگاه شود که در فتنه افتاده اند و پیر آئینه دور

کسیت که می گوید اذن ده مرا و طبع از مراد فتنه آگاه باشد در فتنه افتاده اند و بیشک چشم

لَمْ حِطْ بِالْكَافِرِينَ ۝۷ إِنْ تُصِيبْكَ حَسَنَةٌ تَسُوءَهُمْ ۝۸ وَإِنْ

در گیرنده است کافران را اگر برسد به تو یعنی ناخوش کند ایشان را و اگر

تحقیق احاطه کننده بکافران است عا اگر برسد به تو بخوبی بدی نماید (عین کند) ایشان را و اگر

برسد به تو مصیبت می گویند تحقیق گرفته بودیم کار خود را از پیش و باز می گردند و حالیکه ایشان

هَمْ فَرِحُونَ ۝۹ قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا

شادمان شده بگو هرگز نرسد بنا مگر آنچه نوشته است خدا برای ما اوست کار ساز ما

وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ۝۱۰ قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَا أَلَّا

و بر خدا باید که تو هم کنید مسلمانان بگو انتظار نمی برید در حق ما مگر بیک

و خاص بر الله باید تو هم کنید مومنان بگو انتظار نمی برید بنا مگر بیک

أَحْسَنِينَ وَحَسْبُ نَذْرٍ لِّكَ إِنْ يُصِيبُكَ اللَّهُ بِعَذَابٍ مِّنْ

از دو مصیبت نیک تر است و ما انتظار می کشیم در حق شما که برساند خدا به شما عذاب را از

از دو نیکوتری و ما انتظار می کشیم شما که برساند شما را الله عذابی از

عِنْدَهُ أَوْ بَأْسٍ مِّنَّا قُلْ تَرَبَّصُوا إِنَّا مَعَكُمْ فَلْيَتَبَصَّوْنَ ۝۱۱ قُلْ الْفَقْرُ

نزدیک خود یا بدست ما پس انتظار کشید سر آید ما نیز با شما منتظر ایم بگو ای منافقان خرج کنید

نزد خود یا بدستهای ما پس منتظر باشید بجهت ما یا شما انتظار کنید گایم بگو خرج کنید

طَوْعًا أَوْ كَرْهًا لَّنْ يَقْبَلَنَّ مِنْكُمُ الْإِثْمَ كُنْتُمْ تَوَافِسُ قُلُوبُكُمْ ۝۱۲

بخوشی یا ناخوشی هرگز قبول کرده نخواهد شد از شما هر آنچه شما هستید قوم فاسقان و

بخوشی یا ناخوشی هرگز قبول کرده نمی شود از شما بیشک شما می دانید قلوب ما و انما دیر و اسلام بیرون رفته اند

مَّا مَنَعَهُمْ أَنْ يَقْبَلُوا مِنْهُ نَفَقَتُهُمْ إِلَّا أَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَ

بازنداشت ایشان را اذن که قبول کرده شود از ایشان خرج ایشان الا آنکه ایشان کافر شدند بخدا و

بازنداشتند ایشان را که قبول کرده شود از ایشان خرجهایشان مگر آنکه تحقیق ایشان کافرانند و باطلند و

رَسُولُهُ وَلَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا وَهُمْ كُسَالَىٰ وَلَا يُنْفِقُونَ ۝۱۳

رسول او و نمی آیند به نماز مگر کاسالی گمان و خرج نمی کنند

بِرَسُولِهِ وَلَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا وَهُمْ كُسَالَىٰ وَلَا يُنْفِقُونَ ۝۱۳

رسول او و نمی آیند به نماز مگر کاسالی گمان و خرج نمی کنند

بِرَسُولِهِ وَلَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا وَهُمْ كُسَالَىٰ وَلَا يُنْفِقُونَ ۝۱۳

فما یخبر مراد بآن

دوم برید که چنانچه

دیده مفتون غایب

شد و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم







فتح الرحمن  
والبیضاء ایمان  
برایان خود ۱۳  
تفسیر عثمانی  
عنه منافقان را  
بایشان از اسلام  
و غیر آن غیبت و  
بر مومنین مادی  
استیلا می کرده و  
دین را باطل کرده  
پنداشتند و اگر  
گاهی تصور آن می شد  
که سخنان شان حقیقت  
پیغمبری رسدی گفتند  
چون باک پیغمبر را  
نخواست است بر تاول  
و تبلی می که تا می می  
شود و می پذیرد اما  
چون انشوی الهی  
نفاق و خفت باطن  
شان آشکار میگردد این  
میرسیند که مبادا  
یک صورت  
قرآن از  
مخالفان پویند  
و نجات نهانی  
شان برده  
بردارد در  
حقیقت دل  
منافق از جهنم  
و اتوای نیو اند  
یک طرف قیام کند  
ازین جهت همیشه  
منزلزل بودند اگر  
گاهی از مشاهده  
انقاض و کرامت  
نفس حضرت پیغمبر  
متسل می شدند از  
بیم مایه قرآن  
مضطرب می گردیدند  
از این جهت خداوند  
فرمود بهتر است شما  
بر تضرع و استغاثه ای  
خویش را اوست کنید  
و نسبت به پیغمبر  
در جوانی و کفایت  
خود را تسلیم دارید اما

يَحْجِزُكَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ قَاتِلَهُ نَارُ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا  
خلاف کند با خدا و رسول او پس هر آینه اوست آتش دوزخ جاویدان آنجا  
می رفت می کند الله و رسول او را پس (هر آینه) هست برای او آتش دوزخ که جاوید باشد در آن  
ذَلِكَ الْخِزْيُ الْعَظِيمُ ۝ يَحْذَرُ الْمُنْفِقُونَ أَنْ تُنْزَلَ عَلَيْهِمْ  
اینست رسوائی بزرگ می ترسند منافقان از آنکه فرود آرد بر مسلمانان  
اینست رسوائی بزرگ می ترسند منافقان از آنکه نازل کرده شود بر مومنان  
سُورَةُ تَبَيَّنَتْ بِمَا فِي قُلُوبِهِمْ قُلْ اسْتَهِزْءُوا رَأْيَ اللَّهِ  
سوره که خبر دهد ایشان را بآنچه در دل منافقان است بگو مسخر کنید بر آئینه خدا  
سوره که خبر دهد ایشان را بآنچه در دل بای منافقانست بگو استهزا کرده باشید تحقیق الله  
خُجِرَ مَا تَحْذَرُونَ ۝ وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ لَيَقُولُنَّ إِنَّا كُنَّا حُزُورَ  
پدید آمده است چیزی را که می ترسید و اگر سوال کنی ایشان را گویند جز این نیست که ملازم منزل تنوع بنمودیم و  
پدید آمده است آنچه را می ترسید و (قسم است) اگر بپرسی از منافقان هر آینه گویند جز این نیست که ملازم بنمودیم  
نَلْعَبُ قُلْ أَبَا اللَّهِ وَآيَتِهِ وَرَسُولَهُ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِءُونَ  
بازی می کردیم بگو آیه ها و آیت های او و پیغامبر او مسخر می کردید  
بازی می کردیم بگو آیات الهیه و آیت های او و فرستاده او استهزا می کردید  
لَا تَعْتَدُوا قَدْ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ إِنْ تَعْفُ عَنْ  
عذر نگویید هر آینه شما کافر شدید بعد از ایمان خود دل  
عذر نگویید تحقیق کافر شده اید بعد از ایمان تان اگر عفو کنیم  
طَائِفَةٌ مِّنْكُمْ تَعْدِبُ طَائِفَةٌ بِاللَّهِ كَانُوا مُجْرِمِينَ ۝  
سرگروهی از شما البته عذاب کنیم گروهی را بسبب آنانکه گنجه بودند  
گروهی از شما عذاب کنیم گروهی را دیگری را باین سبب که تحقیق ایشان بودند مجرمان  
الْمُنْفِقُونَ وَالْمُنْفِقَتُ بَعْضُهُمْ مِّنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ  
مردان منافق و زنان منافق بعضی ایشان از بعضی اند می فرمایند بکار ناپسندیده  
مردان منافق و زنان منافق بعضی ایشان (ممنوع و منتهای) را بعضی دیگرند و دیگرند و این امری که بکار  
وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ وَيَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ نَسُوا اللَّهَ  
دست می کشند از کار پسندیده و می بندند دستهای خود را فراموش کردند خدا را  
و بازی دارند از کار پسندیده و می بندند دستهای خود را فراموش کردند الله را  
فَنَسِيَهُمْ إِنَّ الْمُنْفِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ۝ وَعَدَ اللَّهُ  
پس خدا فراموش ساخت ایشان را هر آینه منافقان ایشانند فاسقان و عده داده است خدا  
پس فراموش (ترک) کرد ایشان را بیشک منافقان ایشانند بجز بر آمدگان اطاعت و عده کرده الله  
الْمُنْفِقِينَ وَالْمُنْفِقَتِ وَالْكَافِرَاتِ زَجْجَهُنَّ خِلْدِينَ فِيهَا  
مردان منافق را و زنان منافق را و کافران را آتش دوزخ همیشه باشندگان آنجا  
مردان منافق و زنان منافق و کافران را آتش دوزخ جاوید باشند در آن  
هِيَ حَسْبُهُمْ وَلَعْنَهُمُ اللَّهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِيمٌ ۝ كَالَّذِينَ  
دوزخ پس است ایشان را و لعنت کرد ایشان را خدا و ایشان را است عذاب دائم مانند آنجا  
آن لعنه است ایشان را و دوزخ را لعنه الله از رحمت و برای ایشان است عذاب برقرار بمثل آن کسانی  
مِنْ قَبْلِكُمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْكُمْ قُوَّةً وَكَثُرَ أَمْوَالُهُمْ وَأُولَادُهُمْ  
پیش از شما بودند بودند قوی تر از شما و ثروت و بیشتر در اولاد و اولاد  
که پیش از شما بودند شدید تر از شما از حیث ثروت و ثروت و بیشتر در اولاد و اولاد

خدا آشکارای کند چیز را که متا از آن میترسید و خدا را شمارا ناش نموده و سواي تان می گرداند - عده آید و نفع سنگینی خاطر در نکال این است که با خدا و پیغمبر



اسْتَمْتَعُوا بِخُلُقِهِمْ فَاَسْتَمْتَعْتُمْ بِخُلُقِكُمْ كَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ

پس بهره مند شدند به خصلت خود پس شما نیز بهره مند شدید به خصلت خود چنانکه بهره مند شدید

الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ مِنْ خُلُقِهِمْ وَخَضْتُمْ كَالَّذِي خَاضُوا

آنکه پیش از شما بودند به خصلت خود و مشروب در برابر آنکه پیش از شما بودند به خصلت خود و مشروب

وَلَيْكَ حِجَّتُ اَعْمَالِهِمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاُولَئِكَ هُمُ

و آنست که حجت نمودند اعمال خود در دنیا و آخرت و آن گروه ایشان

الْخٰسِرُونَ ۱۳ اَلَمْ يَأْتِهِمْ نَبَاُ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ

زبان گویان آیا نیامده است بایشان خبر آنکه پیش از ایشان بودند قوم نوح و عاد و

ثمودَ وَقَوْمِ اِبْرٰهِيْمَ وَاَصْحٰبِ مَدْيَنَ وَالْمُؤْتَفِكَةَ اَتَاهُمُ السَّاعَةُ

نمود و قوم ابراهیم و اهل مدین و اهل مولات که آمدند بایشان پیغامبران ایشان

بِالْبَيِّنٰتِ فَمَا كَانَ اللّٰهُ لِيُظْلِمَهُمْ وَلٰكِنْ كَانُوْا اَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُوْنَ

بر روشن بای روشنی پس برگزشت که خدا ظلم کند بر ایشان و لیکن ایشان بر نفس های خود ظلم می کردند

وَالْمُؤْمِنُوْنَ وَالْمُؤْمِنٰتُ بَعْضُهُمْ اَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يٰۤاَمْرُوْنَ

و مردان مسلمان و زنان مسلمانان بعضی ایشان کارسان بعضی اند می فرمایند

بِالْمَعْرُوْفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُوْنَ الصَّلٰوةَ وَيُؤْتُوْنَ

بکار پسندیده و منع می کنند از کار ناپسندیده و برپای دارند نماز را و می دهند

الزَّكٰوةَ وَيُطِيعُوْنَ اللّٰهَ وَرَسُوْلَهُ اُولٰٓئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللّٰهُ اِنْ

زکوة را و فرمانبرداری می کنند خدا و رسول او را این جماعت را هم خواهد کرد بر ایشان خدا آمرزیده

اللّٰهُ عَزِيزٌ حَكِيْمٌ ۱۴ وَعَدَ اللّٰهُ الْمُؤْمِنِيْنَ وَالْمُؤْمِنٰتِ جَنَّتٍ خَيْرٰتٍ

خدا غالب و درست کار است و وعده کرده است خدا مردان مسلمانان و زنان مسلمانان را بهشتها را میبرد

مِنْ خَيْرِهَا اَلَّا يَدْخُلُوْنَ فِيْهَا وَمَسْكِنٌ طَيِّبٌ فِيْ جَنَّتِ عَدْنٍ

از زیور درختان آنجا جو میبارد و عایک جاوید باشند در آن و مسکنهای پاکیزه در باغهای اقامت را میبندد

وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللّٰهِ اَكْبَرُ ذٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيْمُ ۱۵ يٰۤاَيُّهَا النَّبِيُّ

و خوشبختی خدا بزرگتر است از همه اینها و در حق این است که مبارکی بر من

جَاهِدِ الْكٰفِرِيْنَ وَالْمُنٰفِقِيْنَ وَاَعْلٰظَ اَلْيَمِيْنِ وَمَا وَكَّلَ مِنْهُمْ

و بجاد کن با کافران و با منافقان و با دشمنان که در حق کن بر ایشان و بجای ایشان دو: رخ است

و بجاد کن با کافران و با منافقان و در حق کن بر ایشان و بجای ایشان دو: رخ است

فل یعنی از دنیا

فل یعنی یسیر

فل یعنی بزمان

تفسیر عثمانی

عنه قوم لوح به طاعت

قوم عاد به بار و قوم

ثمود به صبر و تقوی

پاک شدند خدای

متوال حضرت ابراهیم

عنه اسلام را به طریق

شگفت و خارق عاده

تائید نمود که از مشاهد

آن قومش ذلیل و

کام و غرور و شهنش یار

شان بمنت و دولت

جان سپردا محراب

مدین به مسجد و حبه

و زلزله و غوغا و کرب

شدند مساکن قوم

نوح را بر درویش

و سنگباران گردید

تقصیر این اقوام

باستغاثی قوم ابراهیم

در سوره اعراف گذشت

عنه و آقا زکوة

و حواله منافقان

بیان شد این جا

در مقابل آن صفات

صفتان مذکور می شود

یعنی منکر منافقان

مردم را از جنگی باز

داشتند به پستی و تحقیر

می دهند و زمین مردم

را از بدی باز داشته

به حنات آگاه می گرد

مشقت منافقین

دست مسلمان گشاد

است منافق از

تخل نمی داند بلی

خود را بجای معرفت

اند مسلمانان و

دارای خویش بر طبق

تواضع و زکوة

و صفات می بینند

منافق خدا را بجای

و خویش کرده مسلمان

و بجاد کن با کافران و با منافقان و در حق کن بر ایشان و بجای ایشان دو: رخ است







اللَّهُ لَهُ ذَلِكْ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ

ایشان را خدا این بسبب آسودگی که ایشان کافر شدند بخدا و رسول او و خدا راه نمی نماید خدا ایشان را این بسبب آسودگی که ایشان کافر شدند بخدا و رسول او و خدا راه نمی نماید

فَرَحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ

شادمان شدند و پس گذشتگان به کشتن خویش بر خلاف پیغمبر خدا شادمان شدند باز ماندگان به کشتن خویش بر خلاف پیغمبر خدا

وَكَمْ هُوَ أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَالُوا

وای بسند کردند که جهاد کنند با اموال خویش و جان خویش در راه خدا و گفتند وای بسند کردند که جهاد کنند با اموال خویش و جانهای خویش در راه خدا و گفتند

لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرْبِ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ

باید دیگر بیرون مروید و گرمی بجو آتش دوزخ سخت ترست در گرمی اگر در می یافتند چنین نکرده بیرون مروید در گرمی بجو آتش دوزخ سخت ترست در گرمی اگر در می یافتند چنین نمی کردند

فَلْيَضْحَكُوا قَلِيلًا وَلْيَبْكُوا كَثِيرًا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

پس باید که بخندند اندکی و بگرند بسیار جزای آنچه می کردند پس اگر پس باید بخندند اندک و بگرند بسیار جزای آنچه می کردند پس اگر

رَجَعَكَ اللَّهُ إِلَى طَائِفَةٍ مِنْهُمْ فَاسْتَأْذَنُوكَ لِلْخُرُوجِ فَقُلْ لَنْ

باز آورده مرا خداست به طایفه ای از ایشان پس دستور می طلبید از تو برای بیرون آمدن و بگو بیرون باز آورده مرا خداست به طایفه ای از ایشان پس دستور می طلبید از تو برای بیرون آمدن پس بگو برگرد

تُخْرَجُوا مَعِيَ أَبَدًا وَلَنْ تُقَاتِلُوا مَعِيَ عَدُوًّا إِنَّكُمْ رَضِيتُمْ بِالْقُعُودِ

خواهید آمد با من هرگز و جنگ نخواهید کرد همراه من یا هیچ دشمنی بر آئینده شما مانند شدید به کشتن بیرون نخواهید آمد همراه من یا هیچ راهی نخواهید کرد همراه من یا هیچ دشمنی بر آئینده شما مانند شدید به کشتن

أَوَّلَ حَرَّةٍ فَالْقُعُودُ أَمَعَ الْخَالِفِينَ وَلَا تَصِلْ عَلَى أَحَدِهِمْ مَاتَ

اول بار پس برکشید با پس ماندگان و یا عهد نماز مگذار بر هیچ یکی از ایشان که نمیرد دل بار پس برکشید با پس ماندگان و نماز مگذار بر هیچ یکی از ایشان که نمیرد

أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَمَا تَوَّاهُمْ

هرگز و باقیست بر کوروی هر آینه ایشان کافر شدند بخدا و رسول او و مردند و ایشان هر آینه ایشان کافر شدند بخدا و رسول او و مردند و ایشان

فَيَسْقُونَ ۝ وَلَا تَحْجُكَ أَمْوَالُهُمْ وَأُولَادُهُمْ إِنَّهُمْ بَرِيدُ اللَّهِ أَنْ

ناش بودند و بکشتند نیارد ترا اموال ایشان و فرزندان ایشان جز این نیست که بخوابد خدا که فاسق بودند و بکشتند نیارد ترا اموال ایشان و فرزندان ایشان جز این نیست که بخوابد خدا که

يَعْلَمُ هُمْ فِي الدُّنْيَا وَتَرْهَقَ أَنْفُسُهُمْ كُفْرُهُمْ ۝ وَإِذَا أَنْزَلْتُ

مقرر است که ایشان را بدان در دنیا و بیرون شود روح ایشان و ایشان کافر باشند و چون زود آورده شود عقوبت کند ایشان را به آن در دنیا و بیرون شود روح ایشان و ایشان کافر باشند و چون زود آورده شود

سُورَةٌ أَنْ آمَنُوا بِاللَّهِ وَجَاهِدُوا مَعَ رَسُولِهِ اسْتَأْذَنُكَ أُولُوا

سوره ای باین مضمون که ایمان آرید بخدا و جهاد کنید همراه رسول او دستور می طلبید از تو خداوندان سوره ای که ایمان آرید بخدا و جهاد کنید به صحبت رسول او دستور می طلبید از تو خداوندان

الطَّوْلِ مِنْهُمْ وَقَالُوا إِذْ نَأْتِيَنَّكَ مَعَ الْقُعُودِينَ ۝ رَضُوا بِأَنْ يَكُونُوا

در سبب از ایشان و گویند بگذار ما را تا با شما بیستستان راضی شدند آنچه باشند وقت از ایشان و گویند بگذار ما را تا با شما بیستستان راضی شدند به آنچه باشند

وَيُؤْتِيهِمْ مِنْ فَخْرِكُمْ وَأَوْفَىٰ أَوَّلَ مَا نَمَسَ مِنْهُمْ فِي هَٰذِهِ السُّورَةِ أَكْثَرُ

و می دهد به شما از فخر خود و وفا می نماید آنچه اولی از شما نامیدید در این سوره بیشتر است از آنچه نامیدید

فتح الرحمن  
ول من هم كوفي مراد  
خبرست بآنکه در دنیا  
خواهند خنید و در  
آخرت خواهند  
گرگشت ۱۳  
یعنی برای احراز  
۱۴ غنائم  
تفسیر عثمانی  
عنه چون عبد الله  
ابن ابی ریحان  
المناقبین در مدینه  
منیده مرد حضرت  
پیغمبر صلی الله علیه و آله  
پیر این مبارک  
خویش را بر کفن  
وی دارد و لعابین  
فخره را در دامن  
او نمکند نمازخانه  
وی را خواند و در بلاد  
اش دعای مغفرت  
کرد حضرت عمر فاروق  
شد گفتن ای پیغمبر  
خدا او کس بود که گفت  
با انوی رنج بادیم  
و بهار علم بردار کفر  
و نفاق بود آیا خدا  
تکلفه استغفر لهم  
اولا تستغفر لهم انهم  
بیخبر گفت ای عمر  
خدا مرا از استغفار  
باز نداشت و مراد  
این آرا و گذاشته  
که از زش خواهم یا  
خواهم بخشایش  
کد خداست اگر  
استغفار من در  
باره آنها مانع زند  
نشد ممکن است و  
بدر دیگران مفید  
نماند کرد و عثمان  
بندگ اگر این دوست  
اخلاق در رحمت عالم  
پیغمبر خدا را سمانید  
گفتند با سلام آید  
چنانچه این امر  
بوقوع پیوست  
باز خبر استغفار و عفو را در این سوره بیشتر است از آنچه نامیدید



تفسیر عثمانی

مَعَ الْخَوَافِ وَطَبَعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ ۝ لَكِنِ الرَّسُولُ

بازنان پس مانده و مهر نهاده شد بر دل ایشان پس ایشان فهم نمی کنند

وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ جَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَأُولَئِكَ

و آنانکه ایمان آوردند با او جهاد کردند با اموال خود و جان های خود و این جماعه

لَهُمُ الْخَيْرُ نَؤُوءُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۝ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ جَنَّاتٍ

ایشان را است نیکی با و این جماعه ایشانند رستگاران آماده ساخته است خدا برای ایشان بستان

تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ۝

میرود زیر آن جویها جاوید آن آبی اینست فیروزی بزرگ

وَجَاءَ الْمُعَذِّرُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ لِيُؤْذَنَ لَهُمْ وَقَعَدَ الَّذِينَ

و آمدند اهل عذر از صحرا نشینان تا دستوری داده شود ایشان را و نشستند آنانکه

كَذَّبُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ سَيُصِيبُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ

دروغ گفتند یا خدا و رسول او یعنی در اظهار اسلام خواهر رسید بکافران از ایشان عذاب

أَلِيمٌ ۝ لَيْسَ عَلَى الضَّعَفَاءِ وَلَا عَلَى الْمَرْضَى وَلَا عَلَى الَّذِينَ

درد دهنده نیست بر ناتوانان و نه بر بیماران و نه بر آنانکه

لَا يَجِدُونَ مَا يَنْفِقُونَ حَرْبًا إِذْ أَنْصَحُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ مَا عَلَى

نمی یابند آنچه خرج کنند جنگ گناه چون نیک خواهی کنند یا خدا و رسول او نیست بر

الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلِ اللَّهِ غُفُورٌ رَحِيمٌ ۝ وَلَا عَلَى الَّذِينَ

نیکی کاران از سبیل راه عذاب و خدا آمرزنده مهربان است و نیست گناه بر آنانکه

إِذَا مَا تَوَلَّوْا لَتَجَاهِلْهُمْ قُلْتُ لَا أَجِدُ مَا أَحْبَبْتُكُمْ عَلَيْهِ تَوَلَّوْا

چون بپایند پیش تو سواری دبی ایشان را گوئی نمی یابم آنچه سوار کنم شما را بر آن بازگردند و

أَعْيَنَهُمْ تَفِيضٌ مِنَ الدِّمَاءِ حَزَنًا أَلَا يَجِدُونَ مَا يَنْفِقُونَ ۝ أَلَا

چشم ایشان روان باشد یا مشک بهجت اندوه گم نمی یابند آنچه خرج کنند جز این نیست که

السَّبِيلِ عَلَى الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ وَهُمْ أَغْنَاءُ عَنْ رِضْوَانِ

راه عتاب بر آنان است که دستوری می طلبند از تو و ایشان توانگر اند راضی شدند با تو

يَكُونُوا مَعَ الْخَوَافِ وَطَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ۝

باشند بازنان پس مانده و مهر نهاده شد بر دل ایشان پس ایشان نمی فهمند

باشند بازنان پس مانده و مهر نهاده شد بر دل ایشان پس ایشان نمی دانند

عنه چنانکه باشد  
مدینه هم منافقین و هم  
مومنین مخلص سید  
شود در اعراب  
نشین نیز از مختلف  
موجودی باشند و  
طایفه از آنها که  
شده بدویان مخلص  
در خانه این رکوع  
ومن الاعراب من  
يؤمن بالله  
اليوم الآخر  
الایم ذکر شود  
ایضا ذکر دو  
طایفه اعراب است  
محرورن - منافقین  
در مصداق طائفه  
اول (محرورن)  
مفسرین سلف را  
اختلاف است که  
آیا مراد از آن  
منافقانی است که  
بهانه های دروغ  
میزارند و چنانکه  
از ترجمه معلوم می شود  
و یا مسلمانانیکه به  
راستی عذر در می آورند  
و حقیقه از شرکت  
جهاد مذور بودند  
المرشق اول گرفته  
شود در این آیت  
قسم متاق بیان  
شده (۱) محرورن  
یعنی کسانی که با وجود  
تفاقی محض برای  
ظاهر داری حیل با  
دروغ تراشیده از  
آنحضرت صلی الله  
علیه وسلم اجازه می  
طلبیدند (۲) قاعده  
یعنی آنانکه نخست  
بدروغ دعوی ایمان  
نمودند و ظاهر داری  
نیز کردند پس که نام  
جهاد را شنیدند در  
خانه های خویش  
آرمیدند و چندان بی باک  
شدند و از جهاد شستند که برای  
عذر خواهی می کردند به این  
تقدیر که سبب الیوم کفر و انهم  
و معنی آن

آرمیدند و چندان بی باک شدند و از جهاد شستند که برای عذر خواهی می کردند به این تقدیر که سبب الیوم کفر و انهم و معنی آن



يَعْتَدِرُونَ إِلَيْكُمْ إِذَا رَجَعْتُمْ

عذر خواهی کنند پیش شما چون باز آید  
عذر کنند بسوی شما بیگانه باز گردید

إِلَيْهِمْ قُلْ لَا تَعْتَدِرُونَ لَكُمْ قَدْ تَبَيَّنَ اللَّهُ مِنْ أَعْيَابِكُمْ

بسوی ایشان بگو عذر خواهی نکنید باور نکنیم سخن شما را هر آینه آگاه ساخته است خدا ما را بپنج خبری شما  
بسوی شما بگو عذر نکنید هرگز باور نمی کنیم سخن شما را به تحقیق آگاه گردانیده ما را خدا از جرمای شما

وَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ تَمُوتُ رُءُوسُ الَّذِينَ ظَلَمُوا فِي الْحَمِيَّةِ

وخواهد دید خدا و رسول او عمل شما را یعنی در دنیا باز گردانیده شوید بسوی دامن زده نهان و آشکارا  
و زردی بیند خدا کار شما را و فرستاده او پس باز گردانیده می شوید بسوی دانی پوشیده و آشکار

فَيَنْبَغِيكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۝ سَيُخَلِّفُونَ بِاللَّهِ لَكُمْ إِذَا انْقَلَبْتُمْ

پس چو بدید شما را آنچه میکردید سوگند خوانند خود بخدا پیش شما چون باز آید  
پس آگاه می گرداند شما را به آنچه قهای کردید زود است که قسم خورند باله برای شما چون باز گردید

إِلَيْهِمْ لَتَعْرِضُوا عَنْهُمْ فَأَعْرِضُوا عَنْهُمْ ۝ أَنَّهُمْ بِرُحْسٍ وَمَا لَهُمْ

بسوی ایشان تدا بگردانند از ایشان پس شما را بگردانند از ایشان هر آینه ایشان پلید اند جای ایشان  
بسوی ایشان تا اعراض نمایند از ایشان پس اعراض کنید از ایشان بیشک ایشان پلیدند و مسکین ایشان

جَهَنَّمَ جَزَاءُ عِبَادِكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا ۝ يُخَلِّفُونَ لَكُمْ لَتَعْرِضُوا عَنْهُمْ

و در ج است سزای آنچه می کردند سوگند بخورند برای شما تا حاضر شوند از ایشان  
چهارم است برای جزای اعمالی که می کردند قسم خورند برای شما تا خوش شوید از ایشان

فَإِنْ تَرْضَوْا عَنْهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَرْضَىٰ عَنِ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ ۝ الْأَعْرَابُ

پس اگر رضامند شوید از ایشان هر آینه خدا رضامند نشود از گروه فاسقان صحرا نشینان  
پس اگر اعرابی شوید از ایشان بیشک الله را نمی شوی از قوم مکه (ماتق) نافرمانند برای از اعراب بایستد

أَشَدُّ كُفْرًا وَنِفَاقًا أَجْدَرُ أَلَّا يَعْلَمُوا حُدُودَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَىٰ

کفر ترند در کفر و نفاق دل و سزاوارترند بآنکه ندانند احکام شریعت را که نازل کرده است خدا بر  
شما بدترند از کفر و نفاق و سزاوارترند باینکه ندانند حدود شرعی را که نازل کرده الله بر

رَسُولِهِ وَاللَّهُ عَلَيْهِ حَكِيمٌ ۝ وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَن يَتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ

پس از خود و خدا نادان در است کار است و برخی از اعراب کسی هست که تاوان می شمارد چیزی را که خرج  
رسول خود می داند و با حکمت است و برخی از اعراب صحرا نشینان آنست که می بیند از خرج خود را

مِنْ مَّا وَكُنْزُوا إِلَيْهِمْ دَائِرَةً الشُّوْءِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ

می کند و انتظار می کشد در حق شما مصائب را بر ایشان باد و مصیبت بد و خدا شنوا  
نزدان و انتظار می کشد ببقا گردش پای زمانه را بر ایشان باد گردش بد و الله شنوا

عَلِيمٌ ۝ وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَن يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَتَّخِذُ مَا

داناست و از اعراب کسی هست که ایمان می آورد بخدا و روز آخر و می شمارد چیزی را  
داناست و بعضی از صحرا نشینان آنست که ایمان می آورد بالله و بروز آخرت می گردود و بدل آنچه

يُنْفِقُ قَرُبَتْ إِلَى اللَّهِ وَمَوْلَايَ الرَّسُولُ الْأَنْفَاقُ قَرُبَتْ إِلَى اللَّهِ

که خرج می کند سبب قربت نزدیک خدا و وسیله دای نیک بخاطر آگاه باش هر آینه دس و قربت ایشان  
خرج می کند (سبب) قربت نزد الله و (سبب) دایمانی رسول آگاه باش بیشک این خرج موجب نزدیکی (الله)

سَيَسْأَلُ خَلْقَهُمُ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ ۝ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ۝

داخل خواهد کرد ایشان را خدا در رحمت خود هر آینه خدا آمرزنده مهربان است  
ست بر آن باز در داخل گرداند ایشان را الله در رحمت خود بیشک الله بخشنده مهربان است

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالَاتِ هُمْ فِي رَحْمَةِ رَبِّهِمْ

و کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح کردند در رحمت ربشان  
و کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح کردند در رحمت ربشان

اعمال باحقان و  
مؤمنان مخلص مدینه  
بیان شده بود اکنون  
از کج او ضلع اعراض  
صحرا نشینان می  
شود در میان آنها  
نیز چند نوع مردمند  
کافر متناقض مسلمان  
مخلص چون بادیه  
نشینان فطرتاً  
خود سخت مزاحمت  
چنانکه در حدیث است  
ممن سکن البادية  
حقاً و از حمالس  
علم و حکمت دور اند  
فروع تهذیب مدینه  
علم و عرفان در آنها  
کمتر تاثیر می کند کفر  
و نفاق آنها نسبت  
به کفر و منافقین  
بلا شد بدتر می باشد  
موقع نمی یابند که به  
محبت اهل علم و  
صلاح برسند احوال  
دیانیت و تدریس  
را که خدا به پیغمبر  
فرستاده می آموزند  
بدی است بدون  
علم و معرفت دل انسان  
طایم و مذهب نمی گردد  
پس کس نیک مستغرق  
جهال قند بر آینه دل  
بای شان سخت می  
باشد و در راه کفر و  
نفاق که در اختیار  
می کنند مانند سبیل  
آبراهیم که گویا  
در او ان می باشد  
سنگدلی اعراب  
در احادیث معتبره  
دارد است در یکی  
از احادیث مذکور  
که خداوند

از اعراب که در حدیث است







حَكِيمٌ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ

وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ

وَالْمُؤْمِنِينَ وَرِصَادًا لِّلَّذِينَ حَارَبُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ

لِيُخْلِفَ فِيهِ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ

وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ

وَالْمُؤْمِنِينَ وَرِصَادًا لِّلَّذِينَ حَارَبُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ

لِيُخْلِفَ فِيهِ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ

وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ

وَالْمُؤْمِنِينَ وَرِصَادًا لِّلَّذِينَ حَارَبُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ

لِيُخْلِفَ فِيهِ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ

وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ

وَالْمُؤْمِنِينَ وَرِصَادًا لِّلَّذِينَ حَارَبُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ

لِيُخْلِفَ فِيهِ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ

وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ

وَالْمُؤْمِنِينَ وَرِصَادًا لِّلَّذِينَ حَارَبُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ

لِيُخْلِفَ فِيهِ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ

وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ

وَالْمُؤْمِنِينَ وَرِصَادًا لِّلَّذِينَ حَارَبُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ

لِيُخْلِفَ فِيهِ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ

وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ

وَالْمُؤْمِنِينَ وَرِصَادًا لِّلَّذِينَ حَارَبُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ

لِيُخْلِفَ فِيهِ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ

وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ

وَالْمُؤْمِنِينَ وَرِصَادًا لِّلَّذِينَ حَارَبُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ

لِيُخْلِفَ فِيهِ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ

وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ

وَالْمُؤْمِنِينَ وَرِصَادًا لِّلَّذِينَ حَارَبُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ

لِيُخْلِفَ فِيهِ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ

وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ

وَالْمُؤْمِنِينَ وَرِصَادًا لِّلَّذِينَ حَارَبُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ

مل مترجم گوید چنانچه  
از منافقان مسجدی  
ساخته بودند بنیت  
ناسد تا تفریق مسلمین  
باشد و کینه کافران  
خداست را برهم آن  
افزود و الله اعلم  
و لا کلمات منافقین  
بر اساس تقوی  
کلمات است از  
افعالی در اعمال  
و عمارت منافقین بر  
بر کلمات خود و خود  
کلمات از بر یا و حبیب  
در اعمال و التقای علم  
و لا کلمات منافقین  
تفسیر عثمانی  
عنه در لایح طبقه کوی  
انامالی مدینه بیان  
شده است حقیقت  
اینست تخلفین عن  
توبه که کسانیکه توبه  
شرکت نور دیده بخواهند  
دو نوع بودند یکی  
منافقان که در طریق  
شک و نفاق از  
مسلمانان جدا مانده  
و دوم بعضی مسلمانان  
که بنا بر توبه آسانی  
از جبار محروم  
گشته و سستی اخیر  
باز دو نوع بودند آخر  
آنها که پس از اطلع  
مرحبت چنانکه سابق  
تفهم خود را بپشتون  
بای مسجد بسته و دم  
سر لغوی که نه خود را  
بر مستحق بسته و نه  
غذر آوردند و چه واقع  
شد و بود تقصیر خود را  
بدان که و کاست گفتند  
میفرمود الله علیه وسلم  
بیان کردند در باب  
آنها آیت و آخرین  
مرحون لمر الله علیه  
نازل شد یعنی امر آنها  
و بیکر مسلمانان را از

و اینست تخلفین عن توبه که کسانیکه توبه شرکت نور دیده بخواهند دو نوع بودند یکی منافقان که در طریق شک و نفاق از مسلمانان جدا مانده و دوم بعضی مسلمانان که بنا بر توبه آسانی از جبار محروم گشته و سستی اخیر باز دو نوع بودند آخر آنها که پس از اطلع مرحبت چنانکه سابق تفهم خود را بپشتون بای مسجد بسته و دم سر لغوی که نه خود را بر مستحق بسته و نه غذر آوردند و چه واقع شد و بود تقصیر خود را بدان که و کاست گفتند میفرمود الله علیه وسلم بیان کردند در باب آنها آیت و آخرین مرحون لمر الله علیه نازل شد یعنی امر آنها و بیکر مسلمانان را از

و اینست تخلفین عن توبه که کسانیکه توبه شرکت نور دیده بخواهند دو نوع بودند یکی منافقان که در طریق شک و نفاق از مسلمانان جدا مانده و دوم بعضی مسلمانان که بنا بر توبه آسانی از جبار محروم گشته و سستی اخیر باز دو نوع بودند آخر آنها که پس از اطلع مرحبت چنانکه سابق تفهم خود را بپشتون بای مسجد بسته و دم سر لغوی که نه خود را بر مستحق بسته و نه غذر آوردند و چه واقع شد و بود تقصیر خود را بدان که و کاست گفتند میفرمود الله علیه وسلم بیان کردند در باب آنها آیت و آخرین مرحون لمر الله علیه نازل شد یعنی امر آنها و بیکر مسلمانان را از



الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى الْغَيْبِ وَالْكَافِرِينَ ۚ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى الْغَيْبِ وَالْكَافِرِينَ ۚ

الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى الْغَيْبِ وَالْكَافِرِينَ ۚ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى الْغَيْبِ وَالْكَافِرِينَ ۚ

الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى الْغَيْبِ وَالْكَافِرِينَ ۚ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى الْغَيْبِ وَالْكَافِرِينَ ۚ

الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى الْغَيْبِ وَالْكَافِرِينَ ۚ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى الْغَيْبِ وَالْكَافِرِينَ ۚ

الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى الْغَيْبِ وَالْكَافِرِينَ ۚ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى الْغَيْبِ وَالْكَافِرِينَ ۚ

الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى الْغَيْبِ وَالْكَافِرِينَ ۚ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى الْغَيْبِ وَالْكَافِرِينَ ۚ

الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى الْغَيْبِ وَالْكَافِرِينَ ۚ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى الْغَيْبِ وَالْكَافِرِينَ ۚ

الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى الْغَيْبِ وَالْكَافِرِينَ ۚ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى الْغَيْبِ وَالْكَافِرِينَ ۚ

الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى الْغَيْبِ وَالْكَافِرِينَ ۚ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى الْغَيْبِ وَالْكَافِرِينَ ۚ

الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى الْغَيْبِ وَالْكَافِرِينَ ۚ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى الْغَيْبِ وَالْكَافِرِينَ ۚ

الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى الْغَيْبِ وَالْكَافِرِينَ ۚ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى الْغَيْبِ وَالْكَافِرِينَ ۚ

الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى الْغَيْبِ وَالْكَافِرِينَ ۚ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى الْغَيْبِ وَالْكَافِرِينَ ۚ

الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى الْغَيْبِ وَالْكَافِرِينَ ۚ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى الْغَيْبِ وَالْكَافِرِينَ ۚ

الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى الْغَيْبِ وَالْكَافِرِينَ ۚ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى الْغَيْبِ وَالْكَافِرِينَ ۚ

الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى الْغَيْبِ وَالْكَافِرِينَ ۚ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى الْغَيْبِ وَالْكَافِرِينَ ۚ

الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى الْغَيْبِ وَالْكَافِرِينَ ۚ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى الْغَيْبِ وَالْكَافِرِينَ ۚ

الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى الْغَيْبِ وَالْكَافِرِينَ ۚ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى الْغَيْبِ وَالْكَافِرِينَ ۚ

الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى الْغَيْبِ وَالْكَافِرِينَ ۚ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى الْغَيْبِ وَالْكَافِرِينَ ۚ

الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى الْغَيْبِ وَالْكَافِرِينَ ۚ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى الْغَيْبِ وَالْكَافِرِينَ ۚ

الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى الْغَيْبِ وَالْكَافِرِينَ ۚ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى الْغَيْبِ وَالْكَافِرِينَ ۚ

الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى الْغَيْبِ وَالْكَافِرِينَ ۚ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى الْغَيْبِ وَالْكَافِرِينَ ۚ

علا من بعد حساب  
مگر ایمان نمی شناسد و توبه  
را ۱۲۱ یعنی تا  
پیغامبر نیاید و تبلیغ  
نکند و خداوند آنرا  
تفسیر غنائی  
علا از حد و ضیق و  
که خداوند همین فرموده  
تجاوز نکند خلاصه  
بدون حکم شرع قدری  
بر ندارد این همه  
ستایش و ستان  
است آنها که جان و  
مال خود را به خدا سپرد  
اند و خداوند مومنان که  
همی و در ادای غرض  
را بجا می آورده اند  
باید هر تن خاص او  
باشد و باک اینکه  
عادت شدن با خدا  
ست و با شتاب رسید  
باز که این چنینند و  
محبت نه اشتیاق باشد  
اگر چه این با او پیوسته  
یا هم و خال و یا بر او  
حققتی شان باشد  
و سخن خدا دوست  
آنها می شود پس  
در باره کسی که حق الهی  
محقق شود که در حق  
است یا به کفر و شرک  
غلامی مرده باشد  
استغفار و طلب  
آمرزش ممنوع است  
در بعضی روایات است  
که این آیت در باره  
والده مایه حضرت  
پیغمبر صلی الله علیه و سلم  
(آیه) فرود آمده  
بر طبق بعضی از  
احادیث نسبت به  
عم پیغمبر صلی الله علیه و سلم  
و سلم الوطاب فرود  
آمده - بعضی گویند  
مسلمین خواستند  
در باره پدرانشان  
که بفرموده استغفار کنند و امرزش طلبند و این آیه منع شد بهر حال نشان نزول هیچ باشد حکم این است که حق کلام و فراموشی که فائده آنها به کفر و شرک محقق گردد و استغفار







فلان یعنی با اراض و  
مصائب ۱۳ صلا  
یعنی سوره که در  
بیان اتفاق ایشان  
باشد ۱۴ یعنی  
نخاسته خود ۱۲  
و یعنی چنانکه  
تأدست عرض را  
نگاه می دارد و ترائز  
نگاه می دارد و شتر  
لاقران و منافقان  
تفسیر عثمانی  
ع ۱۵ اقرار بر سال  
نمود و بارنا فغان  
مورد غنم و آزمایش  
قرارداده می شوند  
مثلاً در قحط و بیماری  
و دیگر آفات ارضی و  
سایر بتلا می گردند  
و یا زبان پیغمبر علی السلام  
تفاق شان علانیه  
بهمان آمده باعث  
رسوایی شان می  
گردد و یا دشمنی  
جنگ جهاد زمین  
و ظلمت باطن شان  
پرو برده شده می  
شود و گمراهی بی  
حیا و بد باطن اند  
ازین تازیانه ها و  
واریه املوح  
نی آید و از  
خطای  
گذشته توبه  
نی کنند و برای  
آینده پند  
پذیرند و  
بنگاهیک و می  
نزل می شد  
و منافقین در  
مجلس حاضر میوند  
شنیدن کلام الهی  
آنها شوق میگذاشت  
خصوصاً آیاتیکه  
آنها را آشکار می  
کرد و این در آن وقت  
بر یک و یک زبانه

مَعَ الْمُتَّقِينَ ۱) وَإِذَا مَا أَنْزَلَتْ سُورَةٌ فَمِنْهُمْ مَن يَقُولُ آيُكُمُ  
باعتقاد است و چون فرود آورده شود سوره پس از منافقان کسی هست که می گوید در حق کدام یک از شما  
بار خیزد که این است (عون و نصرت الهی شامل حال ایشان است) و چون نازل کرده شود سوره پس بعضی از ایشان آنست که می گوید  
زَادَتْهُ هَذِهِ آيَةً فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا أَفَرَادَتُهُمْ إِيْمَانًا وَهُمْ  
افزون کرده است این سورت ایمان را اما اهل ایمان پس تحقیق زیاده کرده است در حق ایشان ایمان را و ایشان  
که زیاده کرده اند این سورت ایمان پس آنرا که ایمان آورده اند (پس) زیاده نموده این سورت برای ایشان ایمان و ایشان  
يَسْتَبْشِرُونَ ۲) وَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ حَسَاسًا  
شادمان می شوند و اما آنرا که در دل ایشان  
خوش می شوند و اما آنرا که در دل بای شان  
بیمار است پس زیاده کرده است در حق ایشان بیماری را  
مرض (تفاق) است پس زیاده ساخته ایشان را بیماری  
أَلِي رَحِيحُهُمْ وَمَا تَوَّاهُمْ كُفْرًا ۳) أُولَئِكَ يَرَوْنَ اللَّهَ يَفْتَنُونَ فِي  
همراه پلیدی ایشان و موند و ایشان کافروند آیا نمی بینند که ایشان عقوبت کرده می شوند در  
بر پلیدی و موند در حالیکه کافروند آیا نمی بینند منافقان که ایشان آزموده می شوند در  
كُلِّ عَامٍ مَّرَّةً أَوْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ لَا يَتُوبُونَ وَلَا هُمْ يَذْكُرُونَ ۴) وَإِذَا مَا  
هر سال یک بار بار بار و باز توبه نمی کنند و نه ایشان پند میگیرند و چون  
هر سال یک دفعه یاد و توبه باز هم توبه نمی کنند و نه ایشان پند می گیرند و چون  
أَنْزَلَتْ سُورَةٌ لَّظَرَ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ هَلْ يَرِيكُمْ مِّنْ أَحَدٍ  
فرود آورده شود سوره پس و لظروند بعضی ایشان به بعضی از جهت سرزنش می گوید آیا می بینید هیچ کس شمارا  
نازل کرده شود سوره پس می بیند بعضی از ایشان بسوی بعضی دیگر آیاتی می بیند شمارا هیچ کس (از مسلمانان)  
ثُمَّ انْصَرَفُوا صَرَفَ اللَّهِ قُلُوبَهُمْ بَلَّغَهُمْ قَوْمًا لَا يَفْقَهُونَ ۵) لَقَدْ  
پس با و گردند و باز گردانیده است خدا دل ایشان را بسبب آنکه ایشان گروهی هستند که نمی دانند اے خدا  
پس بازمی گردانیده خدا دل های ایشان را (از هدایت) باین سبب که ایشان قومی اند که نمی دانند هر چه  
جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ  
آمده است بشما پیغامبر از قبیله شما دشوار است بروی رنج شما حریص است بر بدایت شما  
آمده بشما رسول از خود شما دشوار است بروی رنج شما حریص است بر بدایت شما  
بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ ۶) فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ  
مسلمانان بخاطر مهربان رحیم است پس اگر باز گردند بگو بس است مرا خدا هیچ معبود نیست  
بمؤمنان نهایت مهربان رحیم است پس اگر رج گردانند از ایمان (پس) بگو بکنده است مرا الله نیست  
إِلَّا هُوَ ط عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ۷)  
بجز او نیست توکل کردم و او خداوند عرش بزرگ است و عظیم  
بجز سزاوار معبودیت مگر او بر او توکل کردم و او است خداوند عظیم  
سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ رَبُّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ  
پایام خدا بخشاینده مهربان  
آغاز می کنم بنام خدا یکی بے اندازه مهربان نهایت بار حق است  
الْقُدُّوسُ إِلَهٌ لَّا يَأْتِيهِ الْمَوْتُ أَكَانَ لِلنَّاسِ عَجَبًا إِنَّ أَوْحِينَ  
این آیت بای کتاب با حکمت است آیات شریفه را که روحی فرستادیم  
این آیت بای کتاب با حکمت است آیات شریفه را که روحی فرستادیم  
إِلَى رَجُلٍ مِّنْهُمْ أَنْ أَنْذِرِ النَّاسَ وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنَّ لَهُمْ قَدَمٌ  
بسی مردی از ایشان که بیگ کن مردمان را و بشارت ده مسلمانان را باینکه ایشان را هست پای  
بسی مردی از ایشان که بیگ کن مردمان را و بشارت ده مسلمانان را باینکه ایشان را هست پای  
بر یک و یک زبانه







فلما بین ما و بین مقام  
بالله ان شاء الله  
تفسیر عثمانی  
نه و تفسیر عثمانی  
اندیشه و ادوات  
بای دینی بایان  
میرسد و بعضی تفسیر  
بسیار است  
شود و بعد از این  
بسیار است  
یعنی خود  
و این تفسیر  
کسی که تفسیر  
و امید ملاقات  
ندارد جای نشان  
و درج است  
درین موقع و انمود  
می شود که مجربان در  
دنیا خود را خود تفسیر  
بلکه مصلحت می یابند  
حال آنکه در حقیقت  
این است که گاهی  
بسیار و بیجا است  
خودشان می خواهند  
زود عذاب بر آنها  
نازل شود مثلاً می  
گویند «اللهم ان  
کان هذا هو الحق  
عندک فاعط علینا  
حجارة من السماء»  
(انفال رکوع ۱۲)  
گاهی از حوادث  
و نبوی به تنگ می  
آیند و ذر باره خود  
و فرزندانش خود را  
دعای بد میکنند چنانکه  
از تجربه ظاهر است  
پس اگر خدا می خواهد  
بقدره خواست  
عذاب و یا بدی را  
بر آن زودی بر او  
نشان نازل کند که  
به همان لحظه خود  
رسیدن خبر را در حد  
یقین است که اگر  
و بال بدی که تفسیر  
نقصت نیاند و

تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ فِي جَنَّاتٍ النَّعِيمِ ۝ دَعَوْهُمْ فِيهَا سَبْعًا  
یعنی در آنجا که از زیر ایشان می آید در بوستان های نعمت و دعای ایشان در آن جا سی بار  
اللَّهُمَّ وَجِّهْهُمْ فِيهَا سَلَامًا ۝ وَاخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ  
اللهم باشد یعنی یا کی تراست یا خدا یا و دعای خیر ایشان باینکه بگر سلام بود و نهایت دعای ایشان اینست  
اللهم باشد یعنی یا کی تراست یا خدا یا و در دو ملاقات ایشان در بهشت سلام بود و آخر دعای ایشان اینست که حمد خدا را ستودند  
وَوَجَّهَ اللَّهُ لِلنَّاسِ الشَّرَّ اسْتِجَارًا لَهُمْ بِالْخَيْرِ لِقَاضِي إِلَيْهِمْ أَجَلَهُ  
و اگر زود رساندی خداست که بخواهد برودمان سختی را مانند آنکه زودی طلبند لطف دایمی و نعمت میباید با انجام رساندند که در حق خود  
و اگر زود رساندی خدا برودمان بدی (سختی را) مانند آنکه زودی طلبند لطف را با انجام رساندند شدی نبوی ایشان اجل ایشان  
فَنَذَرَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ۝ ۱۰ وَإِذَا هُمْ  
پس می گذاریم آنان را که امید ملاقات ما ندارند سرگردان شده در پیرایه خویش و چون برسد  
پس می گذاریم آنان را که امید دارند ملاقات ما را در شرافت ایشان سرگردان میروند و چون برسد  
الْإِنْسَانَ الضَّرَّادَ عَنِ الْجَنَّةِ ۝ أَوقِعْهُ أَوْ قَاعًا ۝ فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ غُطَّتْ  
در یک یادی و عاکن بجناب ماحقه بر پهلوی خود یا بسته یا بسته پس آنگاه که برداشته از دست بر سر  
بر آدمی را بچرخانند و حقه بر پهلوی خود یا بسته یا بسته پس چون برداریم از دست بر سر دی را  
مَرَّكَانَ لَمْ يَدْعُنَا إِلَى ضَرْبٍ مَسَّةٍ ۝ كَذَلِكَ زَيْنٌ لِلْمُسْرِفِينَ ۝ مَا كَانُوا  
برود و گویا خوانده بود ما را بدفع کردن رنجی که رسیدش هم چنین آراسته کرده اند از حد گذشتگان را  
برود و گویا که بر سر خوانده بود ما را بدفع کردن رنجی که بدو رسیده بود هم چنین آراسته کرده شده مرا بر آن گذارند  
يَعْمَهُونَ ۝ ۲ ۝ وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَمَّا ظَلَمُوا ۝ وَجَاءَهُ  
می کردند و هر آینه ملک کرده ایم قرن بارها پیش از شما چون ستم کردند و آمدند یا ایشان  
می کردند و هر آینه ملک کرده ایم جماعت بارها پیش از شما چون ستم کردند و آمدند یا ایشان  
رَسَلَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ وَمَا كَانُوا إِلَيْهِ غَوَّاهِينَ ۝ كَذَلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ ۝  
بسیار بران ایشان ایشان را در روش و نبوتند ایشان که ایمان آرند هم چنین جزا میدهم گویا که با ایشان  
بسیار بران ایشان ایشان را در روش و نبوتند ایشان که ایمان آرند هم چنین جزا میدهم گویا که با ایشان  
ثُمَّ جَعَلْنَاكَ خَلِيفَ فِي الْأَرْضِ مِنْ بَعْدِهِمْ لِنَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ  
باز جانشین را هستیم شما را در زمین پس از ایشان تا به ششم چگونه کار می کنید  
باز کرده اند هم شما را جانشین گذشتگان در زمین پس از ایشان تا به ششم چگونه کار می کنید  
وَإِذْ أَنْتَ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ ۝ قَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا انْتِزِعْ  
و چون خوانده شود بر ایشان آیات ما و اگر آمده بودند آنانکه امید ملاقات ما ندارند بیدار  
و چون خوانده شود بر ایشان آیات ما و اگر بودند آنانکه امید ندارند ملاقات ما بیدار  
يَقْرَأْ فِيهَا فَلَا يَمْلِكُ لَهُمْ فِيهَا شَيْءٌ وَلَا يَسْمَعُونَ ۝ وَإِذْ يَرْجُونَ الْخُرُوجَ ۝ فَأَنزَلْنَا  
هم آینه بخوانند یا بخوانند که بخوانند از جانب  
هم آینه بخوانند یا بخوانند که بخوانند از جانب  
نَفْسِي ۝ إِنِ اتَّبَعُوا إِلَّا مِثْقَالَ ذَرَّةٍ ۝ وَإِنِ اتَّبَعُوا إِلَّا مِثْقَالَ ذَرَّةٍ ۝ وَإِنِ اتَّبَعُوا إِلَّا مِثْقَالَ ذَرَّةٍ ۝  
خود پیروی می کنم الا باینکه و می فرستاده شد بسو من من هر آینه من می ترسم اگر نافرمان برود و کار خود را  
خود پیروی می کنم الا باینکه و می فرستاده شد بسو من من هر آینه من می ترسم اگر نافرمان برود و کار خود را  
يَوْمَ عَظِيمٍ ۝ قُلْ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا تَلَوْتُمْ عَلَيْكُمْ وَلَا أَدْرِكُمْ بِهِ ۝ فَقَدْ  
روز بزرگ بخواند خواسته خدا بخواند می آید بر شما و جز در بخردی خدا شما را باینکه  
روز بزرگ بخواند خواسته خدا بخواند می آید بر شما و جز در بخردی خدا شما را باینکه  
نَفْسِي ۝ إِنِ اتَّبَعُوا إِلَّا مِثْقَالَ ذَرَّةٍ ۝ وَإِنِ اتَّبَعُوا إِلَّا مِثْقَالَ ذَرَّةٍ ۝ وَإِنِ اتَّبَعُوا إِلَّا مِثْقَالَ ذَرَّةٍ ۝



لَيْسَ فِيكُمْ عَمْرَأٌ مِنْ قَبْلِهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ۝ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَىٰ

آنکه ام میان شما عمری پیش از وی آید و نمی یابید پس کیست ستم کارتر از کسی که بی خبرند و نگردد من در میان شما عمری پیش از وی آید و نمی یابید پس کیست ستم کارتر از کسی که بی خبرند

عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْمُبْرِمُونَ ۝ وَيَعْبُدُونَ

بر خدا دروغ را یا دروغ میگویند آیات او را یا آیه ها را آینه سخن نیست که راستگاری می شود کنندگان می پرستند بر خدا دروغ یا تکذیب کند آیات او را یا آیه ها را آینه سخن نیست که راستگاری می شود کنندگان می پرستند

مَنْ دُونَ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُهُمْ وَلَا يَضُرُّهُمْ وَيَقُولُونَ هُوَ إِلهُ شُفَعَاؤُنَا

بجز خدا چیزی که مضر نکند ایشان را و سود نرساند ایشان را و می گویند ایشان شفاعت کنندگان مانند بجز خدا چیزی که مضر نکند ایشان را و سود نرساند ایشان را و می گویند ایشان این شفعیان مانند

عِندَ اللَّهِ قُلْ أَتَشْفَعُونَ لِلَّهِ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ

زیرین خدا بگو آیا خبر داری که خدا را آنچه خبر نمیداند در آسمان و زمین زید خدا بگو آیا خبر داری که خدا را آنچه خبر نمیداند در آسمان و زمین

يَسْجُدُ وَتَعْلَمُ عَمَّا يُشْرِكُونَ ۝ وَمَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً

پس سجده و می دانست از آنکه شریک مقرر می کنند و بودند مردمان مگر یک امت و پان دیر است و برتر است از آنچه ایشان شریک او میدادند و بودند مردمان مگر یک امت

فَاخْتَلَفُوا لَوْلَا كُلُّنَا كُنَّا تِلْكَ قُلُوبًا مِّنْ قَبْلِهِ ۝ قُلْ إِنَّمَا

پس اختلاف کردند و اگر نبود که سابق مصادره شده است از پروردگار و هر کس که می گوید که میان ایشان در این اختلاف پس اختلاف کردند و اگر نبود که سابق مصادره شده است از پروردگار و هر کس که می گوید که میان ایشان در این

يَخْتَلِفُونَ ۝ وَيَقُولُونَ لَوْلَا أَنزَلُ عَلَيْهِ آيَةً مِّنْ رَبِّهِ قُلْ إِنَّمَا

اختلاف دارند و می گویند چرا فرستاده نشده است بر این پیغمبر که آنکه از پروردگار و هر کس که می گوید که میان ایشان در این اختلاف دارند و می گویند چرا فرستاده نشده است بر این پیغمبر که آنکه از پروردگار و هر کس که می گوید که میان ایشان در این

الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْظُرُوا إِلَيَّ مَعْكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ ۝ وَإِذَا أَذَقْنَا

علم غیب خدا راست پس انتظار بنشینید بر آینه من بشما از منتظرانیم و چون بخشاییم علم غیب خدا راست پس انتظار بنشینید بر آینه من بشما از منتظرانیم

النَّاسَ رَحْمَةً مِّنْ بَعْدِ ضَرْأٍ مِّسْتَهْمٍ إِذَا لَهُمْ نَكْرٌ فِي آيَاتِنَا قُلْ لِلَّهِ

مردمان را رحمت پس از سختی که رسیده بود یا ایشان ناگهان ایشان را بداند کسی با ندهد ایشان را یا ندهد ایشان را رحمت از خود پس از سختی که رسیده بود یا ایشان ناگهان ایشان را بداند کسی با ندهد ایشان را یا ندهد ایشان را

مَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ رَسُلَنَا يَكْتُوبُونَ مَا تُنْكِرُونَ ۝ هُوَ الَّذِي يُسَيِّرُكُمْ

زود ترست در بداند کسی بر آینه فرستادگان مانی نویسد آنچه بداند کسی می کند و آنکه او است آنکه روان می کند شما را زود ترست از خدا رسالین جزای مکر شما هر آینه فرستادگان مانی نویسد آنچه بداند کسی می کند و آنکه او است آنکه روان می کند شما را

فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ حَتَّىٰ إِذَا كُنْتُمْ فِي الْفُلِكِ وَجَرَّتْكُمْ عُيُونُكُمْ لَمَنْ طَبَقَتْ

در غشی دور دریا تا و قتی که باشد در غشی با و دروان شدند لغتی با با سوادان خود بیاد غشی و در غشی دور دریا تا و قتی که باشد در غشی با و دروان شدند لغتی با با سوادان خود بیاد غشی و

وَجَاءَ بِهَا عَارِضٌ مُّضِيٌّ فَجَاءَ هُمْ يَسْتَدْفِعُونَ ۝ وَجَاءَ هُمْ يَسْتَدْفِعُونَ

شادان شدند ایشان بان باد موافق ناگاه برسد بان لغتی با با و آمد و بیاید ایشان موج از هر جا و شادان شدند ایشان بان باد ناگهان آید بادی سخت و بیاید ایشان موج از هر جا و

ظَنُّوا أَنَّهُم مُّحِيطُونَ بِهِمْ ۝ دَعَا اللَّهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَئِنْ

بدانند که از هر جهت که رفتار کنند دعا کنند بجناب خدا خالص کرده بر آنکه او عبادت را که اگر بدانند که از هر جهت که رفتار کنند دعا کنند بجناب خدا خالص کنند ایشان به وی در عبادت اگر

فلا یمنی بر تو حیدر  
ملت ابراهیمی حاد  
یعنی سبب غروب کوی  
فلا یعنی بخیران نعمت  
۱۱ فتنه مخرج گوید بود  
از ان خدا شکلی بیان  
میفرماید کیفیت کمر  
و کفران نعمت را  
والله اعلم  
تفسیر غنائی  
عن کفران کار چنان  
کلیه خبر و دلالت  
نایل شده نمی تواند  
اکنون شایسته فیصله  
کنند سزاوار مجرم  
کیست اگر از این فرض  
محل امن دروغ  
تویم و آن را سزاوار  
منسوب کنم به کس  
از من ظالم تر خواهی  
بود از منی که در  
آیت گذشت میان خود  
ثابت گردید که این  
۱۲ محبت یک ثابت است  
۱۳ من راست میگویم  
۱۴ دشمنی من و خدا  
کلام خدا را انکار  
میکنید پس و در  
تاسر جهان کسی ظالم  
تر از شما نمی باشد  
عدو تا اینجا بیاوریم  
آنها با خدا و پیغمبر  
اکنون صورت خدا  
پرستی شان را بشنوید  
خدا می گذارد و  
چیزی را ای پرستند  
که هیچ نوع و ضرری  
در دست آنها نیست  
بندهای که از ایشان  
یاری رسد گویند مومن  
شبه خدای بزرگی که  
سازند و زمین را  
پیدا کرده یکی است  
اما صانع از آن  
جهت رعایت باید کرد  
که از او خدود و

و در غشی دور دریا تا و قتی که باشد در غشی با و دروان شدند لغتی با با سوادان خود بیاد غشی و در غشی دور دریا تا و قتی که باشد در غشی با و دروان شدند لغتی با با سوادان خود بیاد غشی و

سلسله عبادت شریعت شود تا بجا می رسد شفاعت مای پروانه ندر کارهای خود و



ملا یعنی در دست  
خداست تسلط  
تفسیر عثمانی  
عنه بجم خدا نگه  
در روزی شب آفتی  
رسید و مثل طوفان باد  
فرو آمدن ز آلاء بیکم  
شیخ و علی بن القیس  
و تمام از در راحت را  
چنان برهم زد که گوی  
گویی در آنجا نرسد  
بود چنین است مثل  
و دنیا که چندی زیاده  
خرم به نظر حلوه میکند  
بے خدا بی دل انگیزی  
و حال آن مفتون  
می شوند و حاصل  
حقیقت را فراموش  
می کنند اما این شایع  
و آری است که روزی چند  
بیش نیست و زود  
است که ستوش  
خدا زوال شده اند  
ظاهر را فراموش کرده  
صرف شاه رجم الله  
این مثال را بفرست  
لطیفی بر حجاب مخفی  
بشری که پیش نموده  
است یعنی روح  
مانند آب از آسمان  
"عالم بالا" فرو  
آمد و در کلاه خلک  
آینه قوت گرفت  
از اغلاط آش فک  
انسان پدید آمد و  
کردار انسانی حیوانی  
برود را انجام داد  
چون در هر یک کامل شد  
و متعلق بر روی اختیار  
کردند تا گنایان  
فراموش در آن  
این نمایش را خاتم  
داد و چنین نوشتند  
که از پیش بر روی  
زمین بر نشان نهادند  
و نامیده اند و اینها  
و مستجاب و اینها

انجیتنا من هذه لئلا نكون من الشكرين ۵ فليما انجهم اذاهم  
خدا من کنی را ازین بلا بکشید تا ما را از شکر کنندگان  
خلاص کنی را از این بر آید یا شکر کنندگان پس چون نکات داد ایشان را تا گنایان ایشان  
يَبْعُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا بَخِيكُمْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ  
بهرای می کنند در زمین ناحق ای مردمان جز این نیست که بهر ای شما زیان بر جان شماست  
سرمی کنند در زمین بغیر حق ای مردمان جز این نیست که سهم شما بر نفس های شماست  
مَتَاعِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ  
یا فقید بهره زندگانی دنیا باز بسوی ما رجوع شماست پس خبردار بگویم شما را با آنچه می کردید  
یا فقید بهره زندگانی دنیا باز بسوی ما باز گشت شماست پس خبردار بگویم شما را با آنچه می کردید  
إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَثَلِ الْغَيْثِ الْمُنْزِلِ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَفَ فِي الْأَرْضِ  
جز این نیست که صفت زندگانی دنیا مانند آب است که فرو آید و میخ از آسمان پس در هر آنجا میخفت بسبب دی و زمین  
جز این نیست که صفت زندگانی دنیا مانند آب است که فرو آید و میخ از آسمان پس در هر آنجا میخفت بسبب دی و زمین  
مِمَّا يَكُلُّ النَّاسُ وَالْأَنْعَامُ حَتَّىٰ إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازْبَيَّتْ  
از آنچه می خوردند مردمان و چهار پا یان تا وقتیکه بدست آورد زمین پیرایه خود را و آراسته شد  
از آنچه می خوردند مردمان و چهار پا یان تا وقتیکه از کرمت زمین پیرایه خود را و آراسته شد  
و ظَنُّ أَهْلِهَا أَنَّهُم قَدِירוْنَ عَلَيْهِمْ لَدُنَّهَا أَفْئِدَةٌ كَاخْفِ الْأُنْثَىٰ ۚ ثُمَّ أَفْجَعَهَا  
و گمان کردند ساکنان آن زمین که ایشان توانا اند بر آنستغفار از آن ناگهان بیاید بزمین فلان مادرش بیاورد پس گردانیدند  
و گمان کردند ساکنان آن که ایشان توانا اند بر آنستغفار از آن ناگهان بیاید فلان مادرش بیاورد پس گردانیدند  
حَتَّىٰ إِذَا كَانَ لَكُمْ آيَاتُنَا فَسَبَّحُوا لِلَّهِ سُبْحَانَ اللَّهِ حَتَّىٰ تَذُكَّرُوا ۚ وَتَعْلَمُونَ  
متن زراعت از نوح بریده گویا بنزد و بیرون هم چنین بیان می یکنم نشان را بر آری که می گوی که کامل می کنند  
متن زراعت در دود گویا که باقی بودند و بیرون هم چنین بیان می یکنم نشان را بر آری که می گوی که کامل می کنند  
وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَىٰ دَارِ السَّلَامِ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ  
و خدا می خواند بسوی سرای سلامتی و دلالت می کند بر هر که خواهد بسوی راه راست  
و خدا می خواند بسوی سرای سلامتی و دراه می نماید بر هر که خواهد بسوی راه راست  
لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ ۚ وَلَا يَرْهَقُ وُجُوهَهُمْ قَتَرٌ وَلَا ذِلَّةٌ ۚ  
آنان را که شیکو کاری کردند حالت نیک باشد و زیاده بر آن و نه پودش روی ایشان را هیچ سیاهی و نه هیچ خوار  
آنان را که شیکو کاری کردند حالت نیک باشد و زیاده بر آن و نه پودش روی ایشان را هیچ سیاهی و نه هیچ خوار  
أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ ۖ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ۚ وَالَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ  
این جماعت اهل بهشت اند ایشان را آنجا جاوید باشند گانند و آنان را که بس آوردند گردانند به  
این جماعت اهل بهشت اند ایشان را آنجا جاوید باشند گانند و آنان را که بس آوردند گردانند به  
جَزَاءً سَعِيَّةٍ يَشَاءُونَ لَوْ تَرَكَهُمْ ذُلُّهُمَا لَمَكُنَّا مِنَ الْمَلَأَةِ ۚ وَمِنَ الْمَلَأَةِ  
جزای بدی مثل آنست و بیورش ایشان را خوار می بندد ایشان را از خدا هیچ پناه دهنده گویا  
جزای بدی مثل آنست و بیورش ایشان را خوار می بندد ایشان را از خدا هیچ پناه دهنده گویا  
أَعْيُنُهُمْ فِيهَا مَكِينٌ ۖ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ۚ وَالَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ  
پوشانیده شده است روی ایشان را بیک تار یک آمده این جماعت اهل آتش اند ایشان  
پوشانیده شده است روی ایشان را بیک تار یک آمده این جماعت اهل آتش اند ایشان  
فِيهَا خَالِدُونَ ۚ وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا مَكَانَكُمْ  
آنجا جاوید باشند گانند و بیورش از روی یک بر اینک از ایشان را همه یک جا باز گردیم مشرکان را با اینک بجای خود  
آنجا جاوید باشند گانند و بیورش از روی یک بر اینک از ایشان را همه یک جا باز گردیم مشرکان را با اینک بجای خود



لَهُمْ وَشُرَكَائِهِمْ فَرَيْلُنَا بِهِمْ وَقَالَ شُرَكَاءُهُمْ مَا كُنْتُمْ يُرَايَانَا

و در میان ایشان و گویند شریکان ایشان بنوید شما را

عِدُّوْنَ ۝ فَكُفُّوا عَنِ اللَّهِ شَهِيدًا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ إِنْ كُنَّا عَنْ عِبَادَتِكُمْ

پس بس است خدا گوید میان ۱ و میان شما هر آینه ما بودیم از پرستش شما  
پرستید با شید پس بس است خدا گوید میان ۱ و میان شما هر آینه ما بودیم ما از پرستش شما

٩ هَذَا لِكَيْ تَبْلُغُوا نَفْسَ مَا اسَلَفَتْ وَرَدُّوا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمْ

آغا دریا بد هر شخصه آنچه پیش فرستاده بود و گردانیده شوند بسوی خداوند  
آغا دریا بد هر شخصه آنچه پیش فرستاده بود و بار گردانیده شوند بسوی خداوند

لَقَدْ قُلْنَا لِلَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّهُمْ قَالُوا يَوْمَ الْآخِرَةِ أَكْثَرُ  
بِالْحَقِّ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ١٠ قُلْ مَنْ يُزِيلُ مِنَ السَّمَاءِ

بنان دهم شد از ایشان آنچه افزای کردند بخور دوزی می دهد شمارا از جانب آسمان  
رشن دهم کرد از ایشان آنچه افزای کردند بخور دوزی می دهد شمارا از آسمان

وَالْأَمْرُ مِنْ أَمْنٍ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَمَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ

از زمین آبیالیت که خداوند باشد گوشت و چترم را ف و لیست که بیرون آید زنده را از مرده  
از زمین آبیالیت که خاک باشد گوشت و چترم را ف و لیست که بیرون آید زنده را از مرده

يُخْرِجُ النَّبِيَّ مِنَ الْحَيِّ وَمَنْ يُدَارِ الْأَمْرَ فَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ

بهر زن آرد مرد را از زن ده دگیت که تدبیر کند کار را  
بهر زن آرد مرد را از زن ده دگیت که تدبیر کند کار را

فَلَا تَتَّقُونَ ۝ فَذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمُ الْحَقُّ ۚ فَمَاذَا بَعْدَ الْحَقِّ إِلَّا

پس اینست خدا پروردگار شما حقیقی پس چیست بعد از اسی

صَلِّ فَاِنْ تَصْرَفُونَ ﴿٢﴾ كَذَلِكَ حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ

گزارى پس از گنج بزرگوارنده مى شويد هم چنین ثابت شد حکم پروردگار تو بر آنانکه

فَسَقُوا لَهُمْ لَا يَوْمَنُونَ ﴿٣﴾ قُلْ هَلْ مِنْ شَرِكَائِكُمْ مِنْ يُدْعَوْنَ

و معان که ایشان ایمان نیارند بگو آیا هست از مشربان شما کسی که بگوید  
بیرون شدند از دایره صلاح که ایشان ایمان نمی آرند بگو آیا هست از مشربان شما کسی که آغاز کند

الخلق ثم يعيدكم إلى الله يبدؤا الخلق ثم يعيدكم فإني توفون

آدمش را باز دو باره کندش بگو خدا عازمی کند آدمش را باز دو باره کندش پس از کجا برگردانده می گوید  
آدمش را باز دو باره کندش بگو خدا عازمی کند آدمش را باز دو باره کندش پس از کجا برگردانده می گوید

فل هل یمن شرکاءکم من یہادی اى الحق من اللہ ھذا

الحق اهدني الى الحق الحق ان يتبع امن لا يهدي الى

بوسه دینی حق پس کسی که راه نماید بوسه حق لائق تر است با کسی پیروی کرده شود یا کسی که خود راه نمی یابد مگر آنوقت  
بوسه حق از آن راه نماید بوسه حق سزاوارتر است با کسی پیروی کرده شود یا کسی که خود راه نمی یابد مگر آنوقت

ان شهادتي فيما لك كيف تحكون ٥ وما يتبع اكثرهم الاض

گوراء غزوہ شود ویرا ایس چلیست شمارا چگونہ حکم مے کند دپیروی مے کند پیتر از ایشان مگر کمالی را  
گوراء غزوہ شود ویرا ایس چلیست شمارا چگونہ حکم مے کند دپیروی مے کند پیتر از ایشان مگر کمالی را

[illegible]



اِنَّ الظَّنَّ لَا يَغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا اِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ ۝۹

ہر آئینہ و ہم کفایت نمی کند از معرفت حق چیزے را - ہر آئینہ خدا داناست با آنچه می کند و ہر آئینہ گمان بے نیاز بخداوند کسی را از حق چیزے

مَا كَانَ هَذَا الْقُرْآنُ أَنْ يَقْتَرَى مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ تَصْدِيقُ

نیست این قرآن - اقرا - بجز حق - خدا - و لیکن تصدیق یابد و از داند - نیست این قرآن - کہ بر داند شود - بجز حق - خداوند - و لیکن تصدیق می کند

الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلُ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝۱۰

آنچه پیش از و است - و بیان مقرر می آید است کہ کورست شد بر مردمان - بجز سبب نیست در آن از پروردگار عالمی است - آنچه را پیش از وی است - و بیان می کند آنچه را کہ کورست شد بر مردمان - بجز سبب نیست در آن از پروردگار عالمی است

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا مَنِ اسْتَعْظَمُ

آیا می گویند بر گزیده است آنرا بگو پس بیارید سوره ای مانند آن و بخوانید بر گزرا - توانید - آری می گویند بر گزیده است آنرا بگو پس بیارید سوره ای مانند آن و بخوانید بر گزرا - توانید

مَنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۝۱۱

بجز خدا اگر راست گویان - بلکه بگویند کہ در دین چیزے را کہ فراتر از سبب است و خدا - اگر راست گویان - بلکه بگویند کہ در دین چیزے را کہ فراتر از سبب است

لَسَاءَ مَا يَحْكُمُونَ تَأْوِيلَهُ كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَانْظُرْ كَيْفَ

بہتر نیامده است مصداق و عدہ و سے ہم چنین و روغ داشته اند آنرا کہ پیش از ایشان بود پس بگویند - چیزے نیامده است مصداق و عدہ و دی - ہم چنین بگویند کہ در آنرا که بودند پیش از ایشان پس بگویند

كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ ۝۱۲ وَمِنْهُمْ مَنْ يُؤْمِنُ بِهِ وَمِنْهُمْ مَنْ لَا يُؤْمِنُ

شد عاقبت ستمکاران - و از ایشان کسی است کہ ایمان سے آورد بوسے و از ایشان کسی است کہ ایمان نمی آورد - شد عاقبت ستمکاران - و از ایشان کسی است کہ ایمان سے آورد بوسے و از ایشان کسی است کہ ایمان نمی آورد

بِهِ لَوْ رَأَوْا كَذِبَ الْفَقْدَانِ ۝۱۳ وَإِنْ كُنْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْكُمْ

بوسے و پروردگار تو و انرا تراست بفقیدان - و اگر بگویند کہ ترا پس بگو تراست علم من و شمار است - بوسے و پروردگار تو و انرا تراست بفقیدان - و اگر بگویند کہ ترا پس بگو تراست علم من و شمار است

عَمَلَكُمْ أَنْتُمْ بِرِيعُونِ ۝۱۴ وَإِنْ أَنْبَأْتِ الْغَائِبِينَ ۝۱۵

علم شما شما بے علم ای - از آنچه من می گویم و من بگویم از آنچه شما می گوید - و از ایشان - علم شما شما بے علم ای - از آنچه من می گویم و من بگویم از آنچه شما می گوید - و از ایشان

مَنْ يَسْمَعُونَ إِلَيْكَ أَفَإَنْتَ تَهْدِي الْعُمْيَ وَلَوْ كَانُوا لَا يَبْصُرُونَ ۝۱۶

کسی است کہ می شنود از تو آیا تو می شنوای گران را اگر چه درستی یا غلط - کسی است کہ می شنود از تو آیا تو می شنوای گران را اگر چه درستی یا غلط

مِنْهُمْ مَنْ يَنْظُرُ إِلَيْكَ أَفَإَنْتَ تَهْدِي الْعُمْيَ وَلَوْ كَانُوا لَا يَبْصُرُونَ ۝۱۷

از ایشان کسی است کہ می شنود از تو آیا تو می شنوای گران را اگر چه درستی یا غلط - از ایشان کسی است کہ می شنود از تو آیا تو می شنوای گران را اگر چه درستی یا غلط

إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَلَكِنَّ النَّاسَ أَنْفُسُهُمْ يَظْلِمُونَ ۝۱۸

بر آئینہ خدا هیچ ستم نمی کند بر مردمان - و لیکن مردمان بر خود می ستم می کنند - بر آئینہ خدا هیچ ستم نمی کند بر مردمان - و لیکن مردمان بر خود می ستم می کنند

يَوْمَ يُحْشَرُهُمْ كَانُكُمْ يُكَلِّمُونَ ۝۱۹

روزیک بر آئینہ خدا ایشان را گویا کہ درنگ نہ کرده بودند الا ستمی از روز ستماسا باشند یا یکدیگر - روزیک بر آئینہ خدا ایشان را گویا کہ درنگ نہ کرده بودند الا ستمی از روز ستماسا باشند یا یکدیگر

ما بین ایشان و ما بین و گویا که روزی که ایشان را گویا که درنگ نہ کرده بودند الا ستمی از روز ستماسا باشند یا یکدیگر







ملایمی خدا باشد  
چون که در درستی  
تفسیر عثمانی  
عنه این بابین نشر  
با قرآن مجید است  
قرآن از نافع تا نافع  
پند است چندیکه در  
را از مضرات مبدل  
بازی در قرآن شفا  
رجع دول است و حق  
قرب در قیام الهی  
روشن میگردد قبول  
سمتگان خود از این  
جهان آن جهان  
سزاوارست الهی  
میدهد از محققان  
یعنی برادر که درین  
آیت بر آب کمال نفس  
انسان اشراف است  
یعنی کسی که قرآن مجید  
تسک کند به نام الهی  
مراتب ناز میگردد و الهی  
تأثیری از اهل حق  
پاک بشود و کمال  
اشاره به آن است  
در باطل نه  
عقاید فاسده  
و ملات رویه  
میگردد و این از  
شفا الهی العبد  
مفهوم میشود و نشر  
دی به عقاید حق و  
اخلاق فاضله آراسته  
میشود و کمال بهی  
بسیار مناسب  
آست (در پس از  
اصلاح ظاهر و باطن  
مورد نزول رحمت  
الهی میگردد و چنانکه  
از کلام رحمت الهی  
است. (۱) فتح الرحمن  
رازی در تفسیر خود  
تفسیر خود نوشته  
این چهار لفظ را  
است به شریعت  
طریقت و حقیقت  
ثبوت و حکایت علی

لله ما في السموات والأرض ۱۰ وَاللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا وَلَكِنْ  
خدا ترست آنچه در آسمانها و زمین است ۱۰ و الله عز و جل وعده خدا است حقیقت و لیکن  
خدا ترست آنچه در آسمانها و زمین است ۱۰ و الله عز و جل وعده خدا است حقیقت و لیکن  
اكثرهم لا يعلمون ۱۱ هُوَ يَحْيِي وَيُمِيتُ وَاللَّهُ يَرْجِعُونَ ۱۲  
بیشترین ایشان نمیدانند ۱۱ او زنده می کند و می میراند و الله برگرداننده مخلوق است  
بیشتر از ایشان نمیدانند ۱۱ او زنده می کند و می میراند و الله برگرداننده مخلوق است  
الناس قد جاءكم موسى بآية واضحة ۱۳ وَنُوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ لَمَّا فِي الصُّدُورِ  
مردمان آمده است بشما پیغمبران از پروردگار شما و شفاعت آن علت را که در سینه ها است و  
مردمان به تحقیق آمده است بشما پیغمبران از پروردگار شما و شفاعت آن علت را که در سینه ها است و  
هَدَىٰ وَرَحْمَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ ۱۴ قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ  
راه نمودنی و بخشایشی مسلمانان را ۱۴ بگو بفضل خدا و برحمت او باین چیزها  
راه نمودنی و رحمت مسلمانان را ۱۴ بگو بفضل خدا و برحمت او پس بدین خبر  
فَلْيَفْزِعُوا ۱۵ هُوَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْعَلُونَ ۱۶ قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا أَنزَلَ اللَّهُ لَكُمْ مِنْ  
باید گشت و مان شوند آن بهتر است از آنچه می کنند بگو آیا دیدید چیزی را که فرود آورده است خدا برای شما  
باید گشت و مان شوند آن بهتر است از آنچه می کنند بگو آیا دیدید چیزی را که فرود آورده است خدا برای شما  
رِزْقٍ فَجَعَلْنَاهُ حَرَامًا وَحَلَالًا قُلْ اللَّهُ أَذِنَ لَكُمْ أَمْ عَلَى اللَّهِ  
چون روزی پس سزا عقید بعضی آنرا حرام و بعضی آنرا حلال بگو آیا خدا اذن داده است شما را یا بر خدا  
روزی پس سزا عقید بعضی آنرا حرام و بعضی آنرا حلال بگو آیا خدا اذن داده است شما را یا بر خدا  
تَقْتُلُونَ ۱۷ وَمَا ظَنُّ الَّذِينَ يَفْكَرُونَ ۱۸ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۱۹  
دروغ می بنویسید و چیست گمان آنانی که افکار می کنند ۱۸ بر خدا ۱۹ دروغ را به روز قیامت  
دروغ می بنویسید و چیست گمان آنانی که افکار می کنند ۱۸ بر خدا ۱۹ دروغ را به روز قیامت  
إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ ۲۰  
هر آینه خداوند فضل است بر مردمان و لیکن بیشتر از ایشان سپاسداری نمی کنند  
بدرستی که خدا هر آینه خداوند فضل است بر مردمان و لیکن بیشتر از ایشان شکر نمی کنند  
وَمَا تَكُونُ فِي شَأْنٍ وَمَا تَتْلُو مِنْهُ مِنْ قُرْآنٍ وَلَا تَعْمَلُونَ مِنْ عَمَلٍ  
و نه باشی در هیچ شغلی و نه خوانی هیچ کتابی را از او و نه می کنید هیچ کاری  
و نه باشی در هیچ شغلی و نه خوانی هیچ کتابی را از او و نه می کنید هیچ کاری  
الْكِتَابَ عَلَيْكُمْ شَهَادَةُ إِذْ يَقْبُضُونَ فِيهِ وَمَا يُعْزَبُ عَنْ رَبِّكَ مِنْ  
مگر بهیتم بر شما مطلع چون درستی آنچه در آن کار می شود و شهادت می شود از پروردگار تو  
مگر بهیتم بر شما مطلع چون درستی آنچه در آن کار می شود و شهادت می شود از پروردگار تو  
مَثَقَالِ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَلَا أَصْغَرَ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرَ ۲۱  
هم سنگ ذره در زمین و نه در آسمان و نه خردتر از آن و نه بزرگتر  
هم سنگ ذره در زمین و نه در آسمان و نه خردتر از آن و نه بزرگتر  
الْأَرْضِ كِتَابٌ مُبِينٌ ۲۲ إِلَّا أَنْ أُولَئِكَ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ  
الاورشته شده است در کتاب روشن آگاه باش هر آینه درستان خدا هیچ ترس نیست بر ایشان و نه ایشان  
مگر او شسته شده است در کتاب روشن آگاه باش هر آینه درستان خدا هیچ ترس نیست بر ایشان و نه ایشان  
يَحْزَنُونَ ۲۳ الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ ۲۴ لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ  
انده بدین شوند آنانی که ایمان آوردند و تقوی می کردند ایشان را رحمت بشارت در زندگانی  
انده بدین شوند آنانی که ایمان آوردند و تقوی می کردند ایشان را رحمت بشارت در زندگانی



الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

وَمَا لَكُمْ فِي آيَاتِهِ لَا تُعْقِلُونَ خُذُوا زِينَتَكُمْ مِمَّا فِي بَيْوتِكُمْ ۚ وَكُلُوا وَشَرِبُوا لَا تُفْسِدُوا ۚ وَتِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تُتَّقُونَ

وَلَا يَخْزِيكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ٥

وَالَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ مَتَاعًا يُدْرِكُ الْأَرْضَ وَرَأْسَ الْقَبْرِ وَيُسَوِّغُونَ لِقَاءَ رَبِّهِمْ أُولَٰئِكَ يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ الَّتِي لَا تَنفَعُهُمْ وَلَا تُضَارِجُهُمْ فَبِئْسَ الْوَصْفُ

لِلَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ ٦

وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ ٦

وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ ٦

وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ ٦

وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ ٦

وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ ٦

وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ ٦

وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ ٦

وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ ٦

وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ ٦

وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ ٦

وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ ٦

وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ ٦

وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ ٦

وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ ٦

وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ ٦

وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ ٦

وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ ٦

وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ ٦

وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ ٦

وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ ٦

وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ ٦

وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ ٦

وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ ٦

وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ ٦

وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ ٦

وَمَا لَكُمْ فِي آيَاتِهِ لَا تُعْقِلُونَ خُذُوا زِينَتَكُمْ مِمَّا فِي بَيْوتِكُمْ ۚ وَكُلُوا وَشَرِبُوا لَا تُفْسِدُوا ۚ وَتِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تُتَّقُونَ

وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ ٦



تفسیر عثمان  
 علی بر کرمه حضرت  
 است به تمام  
 کنایه را که چش  
 نوع عیال مدد  
 سال به آنها نصبت  
 کرد از نفع و ضرر  
 آگاه بود چون بخوان  
 دی و بر تین بود که  
 خدا و فراد آنها  
 از دین مشایخ  
 الهی آنها طوفاقی  
 شد و کذبین همه  
 غرق گردیدند تنبا  
 نوع عیال مدد  
 حق که بادی و کشتی  
 بود از تحفظ ماندند و  
 آیند نفس لسان  
 از آنها پدید آمد و  
 دیدند در کتب وجود  
 آنها مکتوب شد قسمتی  
 از تقدیر نوع عیال مدد  
 در صورت اعوان گذشت  
 است و در بود  
 نوع عیال مدد  
 مولا ابوالحسن  
 علیه السلام و دیگر  
 انبیاء و ائمه  
 اقوام شریفان  
 در حق فرستاد  
 چنانکه پیش از بعثت  
 انبیاء در حال نبوت  
 و کفر بودند اموری را  
 که پیش از بعثت نبود  
 توفیق یافتند که بعد  
 از بعثت و تبلیغ انبیا  
 به یزید بن ابی  
 محضی را کفر و  
 کذب نمود و  
 دیگران نیز قبول  
 آن انبیا و در یزید  
 چنان سخت رفت  
 گفتند و انبیا  
 کردند و انبیا  
 به ابایی و تائید حق  
 تا آخر ماندند  
 که اینک در کتب و

مَنْ أَجْرَانِ أَجْرِي إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَأَمَرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ

بگو بر خدا و فرموده شد مرا که باشم از مسلمانان

فَكَذَّبُوهُ فَجَعَلْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفَلَكِ وَجَعَلْنَاهُمْ خَلِيفَةً وَأَعْرَفْنَا

پس دروغ گفتند و او را و آنرا که با او است را در فضا و او را و آنرا که با او است را در فضا

الَّذِينَ كَذَّبُوا بآيَاتِنَا فَأَنْظِرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُتَكَبِّرِينَ

آنرا که دروغ گفتند آیات ما را پس بنگر چگونه شد آخر کار بندگان که متکبر شدند

بَعَثْنَا مِنْ بَيْنِهِمْ رَسُولًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا

فرستادیم از میان آنها را رسولی را به قوم آنها پس آوردند براهین روشن پس هرگز مسلمانان

لِيَوْمِنَا كَذَّبُوا بِهِ مِنْ قَبْلُ كَذَلِكَ نَطْبَعُ عَلَى قُلُوبِ

که ایمان آورند یا بخند دروغ داشتند بودند آن را پیش از این هم چنین مقرر است بر دل

الْمُتَكَبِّرِينَ ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَيْنِهِمْ مُوسَى وَهَارُونَ إِلَى فِرْعَوْنَ

از حد گذاردند بندگان ما را فرستادیم بعد از ایشان موسی و هارون را بسوی فرعون و

مَلَائِكَةٍ بآيَاتِنَا فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا مُجْرِمِينَ

فرستادیم از میان آنها را فرستادیم پس متکبر کردند و بودند قوم گناهکاران پس چون آمد بایشان

الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا إِنَّ هَذَا السَّحَرُ مِثْلُ بَعْضِ

حق درستی از نزد ما گفتند هر آنچه این سحر ظاهر است

الْقَوْلُونَ لِلْحَقِّ لَمْ يَأْتِ إِلَّا بِالْحَقِّ لَمْ يَأْتِ إِلَّا بِالْحَقِّ

آیا چنین می گویند حق درستی را چون بیاید بر شما آیا سحر است این درستی که می گویند سحر است

قَالُوا أَجِئْتَنَا لِنَعْبُدَكَ وَنَحْمُكَ وَأَنْتَ أَكْبَرُ

گفتند آیا آمده ای پیش ما تا بپرستیم و تو بزرگتر از ما هستی

فِي الْأَرْضِ وَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ

در زمین و ما نیستیم برای تو را پرستندگان و گفت فرعون بپایه و پیش من

سَجَّ عَلَيْنَا فَلَمَّا جَاءَ السَّحَرَةُ قَالَ لَهُمْ مُوسَى الْقَوَامِ أَنْتُمْ

سحر دانان را پس و گفت که آمدند سحران گفت ایشان را موسی با کلمه ۳

مَلْعُونُونَ فَلَمَّا قَالَ مُوسَى مَا جِئْتُمْ بِهِ السَّحَرُ إِنَّ اللَّهَ

آنگاه که ایستاد پس چون گفتند که گفت موسی آنچه آورده اند سحر است هر آنچه خدا

عادات حق از حد بیرون می آید و این است که اول کتب می گویند پس بر آن اصرار می ورزند و حق را در پیش می سازند تا آخر حق



سَيُطْلَقُ إِنَّ اللَّهَ لَا يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ وَيُخَيِّتُ اللَّهُ الْحَقَّ

با حق و اید سادت آنرا هر آینه خدا راست می آورد کار مفسدان را و ثابت خواهد کرد خدا حق را

يَكْفُرُ بِهِ وَلَوْ كَسِرَ الْجَبْرُوتُونَ ۱۲ فَمَا أَمَّنَ لِمُوسَى إِلَّا ذُرِّيَّتُهِ مِنْ قَوْمِهِ

خود را کفر کند و اگر چه تا خوش دارند گناه کاران پس ایمان نه آوردند به موسی مگر عاقله از قوم و س

عَلَى خَوْفٍ مِنْ فِرْعَوْنَ وَفُلَاةٍ يُفْتَنُهُمْ وَإِنْ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ

بر خوف از فرعون و از اشرف قط که عقوبت کند ایشان را و هر آینه فرعون سرکش بود

فِي الْأَرْضِ وَأَنَّ كَيْسَ الْمَسْرِفِينَ ۱۳ وَقَالَ مُوسَى يَقَوْمِ انْصَبُوا

در زمین و هر آینه دوی از حد گذرند گناه بود و گفت موسی ای قوم من اگر

أَمْنَكُمْ بِاللَّهِ فَعَلَيْهِ تَوَكَّلُوا إِنَّ كَثَرْتُ مُسْلِمِينَ ۱۴ فَقَالَ أَعْلَى اللَّهِ

ایمان آورده اید بخدا پس بروی توکل کنید اگر زیاد شد مسلمانان هستند پس گفتند بر خدا

لَوْ كُنَّا نَرَى بَنَاتِنَا لَفَتَنَّا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ۱۵ وَنَجِّنَا بِرَحْمَتِكَ

توکل کردیم ای پروردگار ما را که توکل قوم ستمکاران و خلاص کن ما را بر رحمت خود

مِنَ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ۱۶ وَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى وَأَخِيهِ أَنْ تَبَوَّآ الْقَوْمَ كَمَا

از گروه کافران و وحی فرستادیم بسوی موسی و برادر و س که سخن گفتند قوم خود را

بِصِرَاطٍ يَبِينُ وَأَجْعَلُوا بَيْنَكُمْ قِبْلَةً وَأَقِمُوا الصَّلَاةَ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ ۱۷

بر صراطی که روشن باشد و بگذارید میان خود قیامت و بر پا دارید نماز را و بشارت ده مومنان را

وَقَالَ مُوسَى رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَفُلَاةَ زَيْنَبَ ۱۸ وَأَمَّا فِي

و گفت موسی ای پروردگار ما هر آینه تو دادی فرعون و عیله او را زینت و مال بانی بسیار در

أَحْيَاؤُ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِكَ رَبَّنَا طِفْلٌ عَلَى مَوَالِيهِمْ

زندگانی دنیا ای پروردگار ما که گم کند عالم را از راه تو ای پروردگار ما سخن بانی ایشان را و

الْشَّدَادَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّى يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ ۱۹ قَالَ قَدْ

مهر کن بر دلی ایشان که ایمان نیاورند تا نبینند عذاب دردناک گفت خدا هر آینه

أَحْبَبْتُ دَعْوَتَكُمْ أَسْتَقِيمَ وَلَا تَتَّبِعَنِ سَبِيلَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ۲۰

بگوش کرده ام به دعای شما پس ثابت باشم و پیروی نکنم راه جاهلان را

وَجَاوَزَ بِبَنِي إِسْرَءِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَبَعَهُمْ فِرْعَوْنَ وَجُنُودُهُ

و گذرانیدم بنی اسرائیل را از دریا پس از پی برداشتند ایشان را فرعون و لشکر او

وَجَاوَزَ بِبَنِي إِسْرَءِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَبَعَهُمْ فِرْعَوْنَ وَجُنُودُهُ

و گذرانیدم بنی اسرائیل را از دریا پس از پی برداشتند ایشان را فرعون و لشکر او

فزع الزمحل  
و لا یمنی صوابیست  
بناکنه

تغیر عثمانی

علا برین کثوبه

در سر و دلیف و جن

زان بر و انبشت

الاولیکه بر قوت مالک

خود و استغیر یا شهر

که بر قدرت و انبشت

بے پایاں غلاقیان را

در هر بر خدای دانا

توکل کن بر اثبات

استوار آنکه شیشه و

نهاد خود را غلاقیان

ببهار و حکم الهی را

مرا بخت نماید و با تمام

جهد جهاد چشم امید کن

تتبع جانب او باشد

عده در اشرفیست

موسی علیه السلام افکار

خوش را ظاهر گردند و

گفتند بیک توکل

ببر خدا بر شجرت

او دعای یکم را

توقی مشق ستمکاران

شکر داد تا بر قوت خود

بیشتر ماست که در دانا

مقابل کادی کرده

تو ایتم زیر او را این

صورت مرین او در

بی افت و ستمکاران

و لا یمنی صوابیست بناکنه  
تغیر عثمانی  
علا برین کثوبه  
در سر و دلیف و جن  
زان بر و انبشت  
الاولیکه بر قوت مالک  
خود و استغیر یا شهر  
که بر قدرت و انبشت  
بے پایاں غلاقیان را  
در هر بر خدای دانا  
توکل کن بر اثبات  
استوار آنکه شیشه و  
نهاد خود را غلاقیان  
ببهار و حکم الهی را  
مرا بخت نماید و با تمام  
جهد جهاد چشم امید کن  
تتبع جانب او باشد  
عده در اشرفیست  
موسی علیه السلام افکار  
خوش را ظاهر گردند و  
گفتند بیک توکل  
ببر خدا بر شجرت  
او دعای یکم را  
توقی مشق ستمکاران  
شکر داد تا بر قوت خود  
بیشتر ماست که در دانا  
مقابل کادی کرده  
تو ایتم زیر او را این  
صورت مرین او در  
بی افت و ستمکاران



صلی الله علیه و آله و سلم  
 دریم تر از او است یعنی  
 تا که هر شوقی که بر شما  
 سابق نیز می آید  
 میشد و الله اعلم  
 تا بهیچ شریکی در  
 عذاب  
 تشریفاتی  
 در روح القرآن  
 است چنانکه اهل  
 نبیند نام روشن به  
 رفت خداوند نش  
 اورا از دایره آورد  
 و بر فرشته الهی  
 تا بنی اسرائیل  
 چون در وی  
 نگرند پاس ۱۱۳  
 نگذارند و آینه کار را  
 مایه عبرت گردد و اگر  
 چنین بودی در بر  
 آورده نشود  
 مفادی متعبر نشد  
 چنانکه اهلش بودی  
 توفیق در بنی اسرائیل  
 مفادی بنو اسرائیل  
 کنونی بری آید که جسم  
 فرعون بتادد کرد  
 محفوظ ماند و امانت  
 کلمات قرآن بر نبوت  
 آن موقوف نیست  
 بنات فرزانان اسرائیل  
 و غرق در خون در روز  
 عاشوراء اتفاق افتاد  
 و اکنون که من این  
 مسطور را می نهادم  
 روز عاشورای سال  
 ۱۳۳۸ هجری می  
 باشد خداوند دین  
 جهان و آن جهان  
 از عذاب خود نگاهدارد  
 و در دوشمنان دین  
 فرقه اسلام را  
 فرق گرداند آمین  
 عاقلان و عوام را  
 هر دو انداخته و هر دو  
 را از دین اسرائیل  
 که یهودی بعد شام را به ایشان کرامت و عاقلان را از آنجا بده آورد و هر دو مرز بین شهاب و خضر است و انشیای پاک و گواها از آن به افراط و تفریط و خلاصی

بِغَاوَعِدٍ وَ لَاحِظٍ إِذَا دَرَكَهُ الْغَرَقُ قَالَ آمَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا  
 از او استم و جدی تا دقتیک رسیدش مشقت غرق گفت باور دارم که نیست هیچ معبود مگر  
 از راه ستم و جدی تا دقتیک دریافت اورا غرق گفت ایمان آوردم من که نیست هیچ معبودی غیر  
 الذی آمَنْتُ بِهِ بَنُو إِسْرَءِیْلَ وَ أَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ ۵ الْفَنُ وَ  
 آنکه ایمان آورده اند بوسی بنی اسرائیل و من از مسلمانانم گفته شد آیا اکنون ایمان آری  
 آنکه ایمان آورده اند بوسی بنی اسرائیل و من از مسلمانانم ایمان می آری اکنون حال آنکه  
 قَدْ عَصَيْتَ قَبْلَ وَ كُنْتَ مِنَ الْمَقْسِدِينَ ۹ فَالْيَوْمَ نَجْعَلُكَ بَدَنًا  
 تا زمانی کرده بودی پیش ازین و بودی از مقصدان پس امروز بر ما نهم بدنه ترا  
 تا زمانی کرده بودی پیش ازین و بودی از مقصدان پس امروز بر ما نهم بدنه ترا  
 لَتَكُونَ لِمَنْ خَلَقَكَ آيَةً ۱۰ وَ إِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ عَنْ آيَاتِنَا  
 تا باطنی شاهد آنرا گویند از توانمند و هر آینه بسیار از مردمان از ایشان که  
 تا باطنی به اخلاق خود نشاند و هر آینه بسیار از مردمان از ایشان که  
 لَعْلَهُمْ ۱۱ وَ لَقَدْ بَوَّأْنَا بَنِي إِسْرَءِیْلَ مَبَوعًا صَدَقَ وَ زُرِقْنَاهُمْ مِنْ  
 بی جبراند و هر آینه جادادیم بنی اسرائیل را بمقام نیک و روزی دادیم ایشان را از  
 میخیزانند ع و هر آینه جای دادیم بنی اسرائیل را بمقام نیک و روزی دادیم ایشان را از  
 الطَّبِیْعَاتِ فَمَا اخْتَلَفُوا حَتَّى جَاءَهُمُ الْعِلْمُ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ  
 پاکیزه با پس اختلاف نگردد تا آنکه آید بایشان دانش یعنی قرآن هر آینه پروردگار تو حکم کند میان ایشان  
 پاکیزه با پس اختلاف نگردد تا آنکه آید بایشان دانش یعنی قرآن هر آینه پروردگار تو حکم کند میان ایشان  
 يَوْمَ الْقِيَمَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ۱۱ فَانْ كُنْتَ فِي شَكٍّ مِمَّا  
 روز قیامت در آنچه اختلاف می داشتند پس اگر در شک از آنچه  
 روز قیامت در آن چیزیکه در آن اختلاف می کردند پس اگر تویی در شک از آنچه  
 أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ فَسْئَلِ الَّذِينَ يَقْرَءُونَ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكَ ۱۲ لَقَدْ  
 فرود ستادیم بسوی تو پس بپرس آنان را که می خوانند کتاب پیش از تو هر آینه  
 فرود ستادیم بسوی تو پس بپرس آنان را که می خوانند کتاب را پیش از تو هر آینه  
 جَاءَكَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُ مِنَ الْمُتَرَدِّينَ ۱۳ وَلَا تَكُ مِنَ  
 آمده است و پیش تو حق درست از پروردگار تو پس متو از شک گردان و مباهل  
 آمده است پیش تو سخن درست از پروردگار تو پس متو از شک گردان و مباهل  
 مِنَ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ فَتَكُونُ مِنَ الْخَسِرِينَ ۱۴ إِنَّ الَّذِينَ  
 از آنانکه دروغ داشتند آیات خدا را آنکه شوی از زبان کاران هر آینه آنانکه  
 از آنانکه کذب کردند بر آیت های خدا را پس شوی از زبان کاران (هر آینه) آنانکه  
 حَقَّتْ عَلَيْهِمْ كَلِمَتُ رَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ ۱۵ وَلَوْ جَاءَتْهُمْ كُلُّ آيَةٍ  
 ثابت شد بر ایشان علم پروردگار تو ایمان نیارند اگر چه بیاید بایشان هر نشانه  
 ثابت شد بر ایشان سخن پروردگار تو ایمان نیارند اگر چه بیاید بایشان هر نشانه  
 حَتَّى يَرَوُا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ ۱۶ فَلَا كَانَتْ قَرِيبًا آمَنْتُ فَقَعُوا إِيَّاهُ  
 تا آنکه به چنند عذاب در دهنده پس چرا نشند و هیچ که ایمان آورد پس سوگو کنند حال آنکه  
 تا آنکه ببینند عذاب در دهنده را پس چرا نشند و هیچ که ایمان آورد پس سوگو کنند حال آنکه  
 إِلَّا قَوْمَ يُونُسَ لَمَّا آمَنُوا كَشَفْنَا عَنْهُمْ عَذَابَ الْخُرْجَى فِي الْحَيَاةِ  
 مگر قوم یونس چون ایمان آوردند برداشتیم از ایشان عذوبت رسوائی در زندگانی  
 مگر قوم یونس چون ایمان آوردند برداشتیم از ایشان عذاب رسوائی را در زندگانی



الدُّنْيَا وَمَتَعْنَهُمْ إِلَىٰ حِينٍ ۖ وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ الْمُنَّ فِي الْأَرْضِ

و اگر خواستی خدا ایمان آورد و بت آفانند و زمین اند  
و اگر خواستی پروردگار تو هر آینه می آورد و هر کرد زمین است

كُلُّهُمْ جَمِيعًا أَفَإِنَّكَ تَكْسِرُهَا النَّاسَ حَتَّى يَكُونُوا مَوْمِنِينَ ۝ وَمَا كَانَ

بیمه ایشان یک جا آیا تو گمراهی کنی مردمان را  
تا مملکت شوند در و اینود  
بیمه ایشان یک جا آیا تو گمراهی کنی مردمان را  
تا مملکت شوند در و اینود

نَفْسٍ أَنْ تُؤْمِنَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَيَجْعَلُ اللَّهُ مَن يَشَاءُ

سے را کہ ایمان آرد مگر بخواست خدا وی اندازد پلیدی را بر آنکه در حقے پیاوند  
سے را کہ ایمان آرد مگر بخواست خدا وی انگند پلیدی (عذاب را) بر آنکه در حقے پیاوند

قُلْ انظُرُوا مَاذَا فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَمَا تُعْجِبُ الْاٰيٰتِ وَالنُّذُرِ

بگویند چه چیز است در آسمان با وزین و نایده می کنند شاهها و خراسندگان  
بگویند چه چیز است در آسمان با وزین و نایده (دویم) می کنند شاهان و خراسندگان

عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ ۖ فَبَلِّغْ بَلِّغْ وَنَ الْاِمْتِلَامِ تَامَ الَّذِيْنَ خَلَا

کراچی کے راکر باور سے کہتے ہیں انتظار ہے کہ شہر مگر ماضی کی نصیبت باغی اٹھائے گا۔

من قبله فانتظروا في محله من المنتظر (٢) من قبله

پیش از این بنیاد استوار یکشده هر آینه من نیز با شما از مشرق انجم باز قدام من یمیر

منه الى الله الملك المولى

نیز بران خود را و آنان را که ایمان آورده اند هم چنین خلاص یکنم مسلمانان را و عده داده ایم و عده درست لازم بر خودی

١٣. ۱۰۸

اگر هستید در ششم از دین من پس بشتویید که عبادت می کنم آن را که شما می پرسید

منه و من الله و اليه المرجع

بجز خدا ولیکن عبادت می کنم آن خدا را که جمیع ارواح شمای کند و فرموده شد مرا اگر با شرم

۱۰۸

از مسلمانان و فرموده شد اگر راست کن روئے خود را برائے دین خفیف شده و مباشر از

[illegible]

مشریان و سخاوت بخیرند از چهره را که سود بکنند ترا و زبان نرسند بگو

سیدان و محبان - جبر خدا - جزا که سود داند - و بریان برسد -

از کمر بر ساعد خدا یار

(بسم الله الرحمن الرحيم) الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين  
 (بسم الله الرحمن الرحيم) الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين

پس نیست ببرد اندک آتشی که او را گر خواهد در حق گوئی پس نیست آن دفع فتنه نقل و ادرا میسراندیش

پس یست بردارنده آنرا مگر او و اگر خواهد در حق تو لغتی پس نیست هیچ و نه کلمه در عقل و او را میرساند عقل عظیم

بسم الله الرحمن الرحيم

تفسیر عثمانی

علی برای این موعظه  
 چون همانکه در کتب  
 و طاعتی در این موعظه  
 جز این چیزی نیست که  
 نظر افکند و حادلی  
 باشند که بکنند  
 به پیشین فرود آید و  
 است و او شاد و شاد  
 آن وقت باشد تا پای  
 کار است و جوان  
 در دوای توین و در  
 عن از مسکن و دینی  
 سر اندازد و شادمانی  
 بکنند و در آن روز  
 فلک و شبها تیر و  
 اصل اصل و دین خود  
 که تو خود خاص است  
 بشاید تا تمام خلاص  
 من از پرستش و جوان  
 سوم شاه ستم بزم  
 و هر چه در یاد کسی  
 هم از آنرا خواهم کرد  
 من خاص خدای  
 از او مسکن و دینی  
 پرستم و در شاد و  
 قدرت است چون  
 داده کند و در امان  
 شاه کند و در چون  
 یک که بر آمد پس باید  
 که را عبادت نو کرد  
 مرگ حیات و دیدار  
 عبادت تنها از جمله  
 ساخته نیست هر آنچه  
 آن را بداند و در  
 کوید و در آن کمال  
 متغیر شود و در  
 و چنان که این دین  
 حقیق که در این ایام  
 خلیل الله است  
 روی است و در  
 با آن که شوی و شرک  
 علی حقیقی پاک گردد  
 چنانکه خاص و دینی  
 عبادت می کند خاص  
 انداد است و چه  
 زیرا و در این موعظه







وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا

در زمین	مگر	و نیست یاق	چنینده
در زمین	مگر	و نیست یاق	چنینده

ويعلم مستقرها ومستودعها كل ذي كبد

ہر ایک در کتاب

لَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ

ت آنکه آفرید آسمانها و زمین را در شش روز و بود

ت ایکی آید آسمان و زمین را در شش روز عرش و بود

سأعطيهم ثلثي ما كانوا يعملون

اینده گان کند با شما که کدام کس از شما نیکوتر است از جهت عمل و اگر کوفی که هر آینه شما

ت اگویند کہ از انیمت این سخن حکم چادوئے

از موت بر این کونند آنانکه کافرند نه نیست این سخن مگر عادی

وَاٰخِرُ نَصْرِي لِيْ اِنَّ مَعَ الْعِزَّةِ لِلْعَلَّةِ

خیر کلمہ اذالشان عذاب را تا مدت مفرده شدہ بر آئینہ گویند چہ چیز

فَرِيَاتِهِمْ لَيْسَ مَصْرُوفًا عَنْهُمْ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا

گاه باش روزیکه بنیاید با ایشان نباشد بازداشته از ایشان و فراگرد ایشان را آنچه

وَلَيْسَ أَذَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً ثُمَّ نَزَعْنَاهَا مِنَّا

داعمر بچشایم آدمی را از نزد خود رخصت باز گیریم آن را از دی

وَلَيْنِ اَذْقَنَهُ نَعْمَاءُ يَحْدُ ضَرَّاءَ مَسْتَكَّة

و نامشاس است و اگر بچشم آویز را نماند یعنی که رسیده باشد بود  
نامشاس است و اگر بچشم آویز را نماند یعنی که رسیده باشد

السَّيِّئَاتِ عَنِّي إِنَّهُ لَفِيهِمْ خَوْفٌ مِّنَ اللَّهِ إِلَّا الَّذِينَ

از من بر آینه و شادمان خود ستا بیداست  
از من بر آینه و شادمان خود ستا است

الصلح إليك لهم مغفرة وأجر كبير (٣)

در باستان است که درند آنچه که ایشان داشت آموزش و مزد بزرگ

عضو (الحج) الملك و ضاعف به صدرا

چهارم آنکه در فرستاده می شود بسوی تو و تکلیف میشود بان سینه تو و

و باقی بعضی از آنکه در می زیستاده می شود بسوی خود و مثل می شود و به آن

از او آرد و شد بدو گنج یا چراغ آید همراه او فرشته جبرائیل نیست که

را رود آورده شد بر دی کنجی یا چراغیاده باد فرشته بزمین میست که

بسم الله وادوار محققان ایران بنویسده به بیت سوزی رسیده است ۱۰۰۰ است و برین مکتوب



۱۱ انجم آگاهیت در  
 کعبی مستقر شود  
 ۱۲ مغفلان را گفت  
 ۱۳ الهیید است در  
 تفسیر سوره انفاک  
 ۱۴ از آن نکاستیم این  
 ۱۵ کفر گوید این بیاس  
 ۱۶ بر آست و کشیدند  
 ۱۷ افغان در جات این  
 ۱۸ جهان مستقر و عشق  
 ۱۹ دی پس ازین عشق  
 ۲۰ نامیده میشود مجاهد  
 ۲۱ عوید را از مستقر  
 ۲۲ رحم مادر باز ستود  
 ۲۳ صلیب بد است و  
 ۲۴ عطا بر نفس آن زن  
 ۲۵ راه بعضی تفاسیر  
 ۲۶ مسکن فعلی حوانات  
 ۲۷ ابر ازین مستقر خود  
 ۲۸ و مقامی را که قبل از  
 ۲۹ وجود فعلی در آن بودند  
 ۳۰ مستور و پنداشته  
 ۳۱ پنداشته اند

120



صلوات بر محمد و آل محمد  
به سوره نوحی واقع  
شد چون از آن عاجز  
شدند بیک سوره  
نوحی فرموده است  
یعنی بر اسلام ثابت  
باشد و استیعوب  
ثواب صدقه صلوات  
که از کفار بود می باید  
در دنیا میدهند و توبه  
نزد و محبت بدن  
نکاتی یعنی درین معنی  
و شایسته قرآن  
و این یکی کرامات است  
تفسیر عثمانی  
عنه قبول سخنان  
مطلوبه آنها مصلحت  
نیست بزرگ ترین  
معجزات یعنی قرآن  
رو بروی آنهاست  
که می پذیرند و می گویند  
ساخته و پیرا افتد  
معاد الله بگویند  
ترجمه و معنی اش  
و باقیست هر چه می بیند  
و ده سورت مانند  
قرآن پیش آورده و در  
این کار از آنها توان  
بل که معجزاتی که  
آنها را از خداوند  
دانستند استعانت  
جویند اگر نتوانستند  
و هرگز نمی توانند پس  
بدانند که قرآن کلام  
حضرت آفریده است  
کلامی که هر مردمان  
انرا دردن مثل آن  
عاجز آیند کلام خداست  
که در عالم خویش بر  
بی غیر خود آورده بدان  
خبر چنانکه کلام او را  
اندکی نیست ذات  
و صفات وی نیز چه  
مثال و نامشیک می  
باشد پس این کتاب  
بسیار کلام خداست  
که شریک و مثل ندارد و این همه دلایل واضح برای قبول خداوند است که چه چیز را انکار می برد (تفسیر)  
القول بقرآن انما کی در سوره یونس علیه السلام گذشت در اول

أَنْتَ نَذِيرٌ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ ۝ أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ  
تَوَيْمُ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْفٰكِرِينَ ۝ أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ تَوَيْمُ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْفٰكِرِينَ ۝  
فَأْتُوا بِعَشْرِ سُورٍ مِّثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ ۝ وَأَدْعُوا مَنَ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ  
پس بیارید ده سوره را مانند این برافزایید و بخوانید هر کرا خوانید  
پس بیارید ده سوره را مانند این برافزایید از خود و بخوانید هر کرا خوانید  
اللَّهُ إِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِينَ ۝ فَالْكَافِرِينَ ۝ فَالْكَافِرِينَ ۝ فَالْكَافِرِينَ ۝ فَالْكَافِرِينَ ۝  
خدا اگر راست گو هستید پس اگر قبول نکنند آن کافران حق بخارید که قرآن نازل کرده شده است  
خدا اگر راست گوید پس اگر اجابت نکردند مرگشان بداند آنچه فرو فرستاده شده  
يَعْلَمُ اللَّهُ وَأَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۝ فَهَلْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ۝ مَنْ كَانَ يَرْجُوا  
بعدم خدا و بداند که هیچ معبود نیست مگر من پس آیا شما مسلمان هستید هر که خواسته باشد  
به علم خداست و بداند که نیست هیچ معبود غیر وی پس آیا هستید شما مسلمانان عه هر که باشد می خواهد  
الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا وَزَيَّنَّا لَكُمُ الْآثٰمَ فِيهَا وَلَهُمْ فِيهَا أَلٰسِيَسُونَ ۝  
زندگانی دنیا و مجمل آن بنام رسانیم بسوئی این جماعت جزای اعمال ایشان در دنیا و ایشان در آخرت داد و ستد  
زندگانی دنیا و آرایش آنرا بنام رسانیم بسوئی ایشان جزای عمل ایشان در دنیا و ایشان در آخرت داد و ستد  
أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ وَحِطَّ لَهُمْ فِيهَا مَا صَنَعُوا فِيهَا ۝  
این جماعت آنانند که نیست ایشان را در آخرت مگر آتش و باطل شد در آخرت آنچه کرده بودند و  
انگروه کافران اند که نیست مرگشان را در آخرت مگر آتش و باطل شد آنچه کرده بودند و دنیا و  
بَطْلٌ تٰكَا فَاكُلُوا يَعْمَلُونَ ۝ أَفَمِنْ كَانَ عَلَىٰ بَيْتٍ مِّنْ سَرَابٍ أَوْ يَتْلُو شَاهِدًا  
ناپودست آنچه بلبل می آوردند آیا کسی که باشد بر بیتی از جانب پروردگار خود و متصل دی آن بود که  
باطل است آنچه می کردند آیا کسی که باشد بر راه و از هر جانب از هر دو طرفی می رسد بر این اورا کلامی  
مِّنْهُ وَمَنْ قَبْلَهُ كَتَبَ مُوسَىٰٓ اٰمًا وَرَحْمَةً ۝ أُولَٰئِكَ يُؤْمِنُونَ ۝ وَمَنْ  
از جانب پروردگار او و کسی پیش از قرآن گواه دے بود موسی پیشوا دے و محشای عقل در میان باشد جماعت ایمان می آورد  
از خدای و پیش از آن کلامی و می بود کتاب موسی پیشوا و محشای عقل در میان ایمان می آورد بقرآن و هر که  
يَكْفُرْ بِهِ مِنَ الْاٰخِرٰتِ ۝ فَالْاٰخِرَةُ مَوْعِدُهُ ۝ فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِّنْهُ ۝ إِنَّهُ  
آفریند بان از گروه با پس آتش و عده گاه و گاه است پس مباشر در شب از نزل قرآن هر آینه دے  
کافر شد به آن از گروه با پس آتش و عده گاه و گاه است پس مباشر در شب از نزل قرآن هر آینه دے  
الْحَقُّ مِنْ رَّبِّكَ وَلٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ ۝ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ  
درست است آمده از پروردگار تو و لیکن بیشتر مردمان ایمان نمی آرند و گیسست ستمکارتر از کسی که  
درست است از جانب پروردگار تو و لیکن بیشتر مردمان ایمان نمی آورند و گیسست ستمکارتر از کسی که  
اِفْتَرٰى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا ۝ أُولَٰئِكَ يُعْرَضُونَ عَلَىٰ رُءُوسِهِمْ وَيَقُولُ اَلْاَشْهَادُ  
بر گیسست بر خدا دروغ می را این جماعت آورده شوند پیش پروردگار طویل و گویند گواهان است  
بر گیسست بر خدا دروغ می را این جماعت عرض کرده شوند پروردگار خود و گویند گواهان  
هُوَ اَعْمٰى الَّذِيْنَ كَذَبُوْا عَلَىٰ رَبِّهِمْ ۝ اَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّٰلِمِيْنَ ۝ الَّذِيْنَ  
ایشانند آنانکه دروغ بستند بر پروردگار خویش آگاه باش لعنت خداست بر ستمکاران بر آنانکه  
ایشانند آنانکه دروغ بستند بر پروردگار خویش آگاه باش لعنت خداست بر ستمکاران بر آنانکه  
يَصْدُوْنَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُوْنَهَا عِوَجًا ۝ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ  
باز می دارند مردمان را از راه خدا و می خواهند بر آن راه بجای و ایشان به آخرت و ایشان  
باز می دارند از راه خدا و می خواهند بر آن راه بجای و ایشان به آخرت و ایشان  
باز می دارند از راه خدا و می خواهند بر آن راه بجای و ایشان به آخرت و ایشان



فَرُونَ ۝ أُولَٰئِكَ لَمْ يَكُونُوا مُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا كَانْ لَهُمْ

این جامعه	نباشند	عاجز کننده در	زمین	و نباشند ایشان را
این جامعه	نباشند	عاجز کننده در	زمین	و نباشند ایشان را

لَنْ دُونَ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءٍ يَضَعُ لَهُمُ الْعَذَابُ مَا كَانُوا يَسْتَطِيعُونَ

بختر	مندا	دوستان	دو چند کرد و شود ایشان را عذاب	بخی توانستند
بختر	مندا	دوستان	دو چند گمراه شود ایشان را عذاب	بخی توانستند

فَمَعْرِفُوا كَانُوا يَبْصُرُونَ ﴿٣٠﴾ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ خَيْرُوا أَنْفُسَهُمْ وَضَلَّ

و چون باین سبب شدت نافرمانی وی دیدند و این چنانکه که زبان کردند در حق خویش و کم شد  
آن گروه آنانند که زبان کردند نفس بای خویش را و کم شد

لَهُمْ تَكَاثُفٌ يَوْمَئِذٍ ۚ وَلَا جَزَاءَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمْ وَالْخَسِرُونَ ﴿١٣﴾

ایشان آنچه بر می بافتند بیشک این جهان در آخرت ایشانند زبان کار  
ایشان آنچه افروزی کردند بیشک هر آینه ایشان در آخرت ایشانند بسیار زبان کاران

الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَاخْتَبَأُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ

و انکار آن آرد و مدخل هائے شائسته کردند و (آرام گرفتند) چنان کردند بسوی پروردگار خود آن گزیده ایلی

جَنَّةٌ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿١٥﴾ مَثَلُ الْفَرِيقَيْنِ كَالْأَعْمَى وَالْأَصْمَى وَالْبَصِيرِ

سید الشان ایما جادوید اند	صفت این دو فریق	ایشان مانند در و دگر	و بینا
ملک اند ایشان ایما جادوید اند	صفت این دو فریق	مانند گور و دگر است	و مانند بینا

سَابِقِهِ هَلْ يَسْتَوِينَ مِثْلًا أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿١٤﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا

آیا برادر اند این دو فوج در صفت آیانند نمی گمیرد و برادران فرستادیم فوج را

فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ يَوْمِهِ ۚ إِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا عَذَابًا شَدِيدًا يَوْمَئِذٍ ۚ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْخَافِ

و اما گفت که من برای شناسیدن گنده ام آشکارا به آنکه پیرستید مگر خدا را بدستیکه من می ترسم

لِيَكُنَّ عَذَابٌ يَوْمَ الْيَوْمِ فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِ مَا نَزَّلَكَ

پس گفتند سردارانی که کافر بودند از قوم ادغی بیهوش ترا

بشر قتلنا وما نترك أتبعك إلا الذين هم أزاد لنا بادي الترابي

آری مانند عیش و تنی بنیم ترا که پیروی کرده باشی ترا مگر آنکه ایشان فرومایگان مانند در ظاهر برای پلانیان

ما نرى لكم علينا من فضل بل نظنكم لنا دين (٣) قال يعقوب

بزرگی بیک کمان می برسم شاد دروغ گویان عد گفت اے قوم من

و اینهمان است علی پیشه من شری و اتی سرحمة من عندی

برای دیدن اگر باشم من بر آنجا داده است از هر دو کار خود داده باشد من بخوابم از نزد خود

فحسبت عليكم انزفله وهاوانتم لها يرهون ويهولوا استسلم

یادداشت‌هاست بر شما آیا الزام کنم بر شما آنرا؟ شما آنرا (ناخواهید گنید) میزاید ای قوم من سوال نمی کنم از شما

و ما سترجم گوید در میان  
 گفت که بزور استغفار  
 انصاری می بخورم است  
 یعنی آبا می توانستند  
 شدند و آیا می بودند  
 تفسیر عثمان  
 علی بابا پیغمبر در مقابل  
 قوم خود اختیار آخر کار  
 داشتند باشد مای پیغمبر  
 توانند از انوشیروانی  
 خود مرسته آسمان پیغمبر  
 که انسان در مقابل  
 آن گردن بندگان در میان  
 بشر نیز که امام زمین  
 و برتری خاص ندارد می  
 تواند و نه مالک  
 حکومت و جواهر و  
 تویزه همه به خود زایل  
 و از طبقات پیوسته  
 محاسن آنها با یک  
 شرفانیم اصحاب  
 عاری باشد اما  
 خدا را همه مردم تنها  
 توبه مقرب رسالت  
 شد است یافتند میان  
 ما خود را و اندام  
 حسب و نسب در آن  
 دولت و خلق خلق  
 در چه از تو که بودیم که  
 باین منصب انتخاب  
 شدیم و اقلای پیران  
 تو باید امشب عزت  
 و بزرگی می بودند  
 ابتلاء این مردم خواب  
 موجب کدام فضل و  
 شرف نمی گردد و چه  
 سان بعد از دلیل  
 میشود اگر باین مردم  
 تا هر بین که پستی و  
 ذات شان معروف  
 است بدون تشخیص و  
 ترقی به ظاهر اعلان  
 آن چه که می تواند آن  
 است بندگان ما این است  
 که تو در هر مرتبه بدو  
 می گوید تو حق می تراشید  
 پس ازین می آید



مل مترجم گوید این  
جزیه را که در دست  
و مطهر قوم نور تا  
تبدیل باشد بر طبع  
حال مشرکین که با  
حال قوم حضرت روح  
والله اعلم -  
تفسیر عثمانی  
عنه نور علیهم  
قبل از طوفان میان  
قوم خویش بنمود  
پنجاه سال زندگانی  
کرد شب روز پیدا  
و پنهان پند میداد  
بجواب شبهاتشان  
می پرداخت سلسله  
این تبلیغ و بحیث  
داشت - قرنهای  
جدال پیری و کافران  
از مباحث عقلی و  
امرویی فوج بر ستود  
آید و گفتند این سلسله  
گفته شود اگر تو  
صادق خدای را که  
بان تلمذیدی کنی بر  
قوی فرد آرتان  
جهان هر روزه غم تو  
خدا را بجا کنی قدر  
احمد دارد بد با کمال  
شرف و جلال می آید  
غلاب فرد آید پس  
اراده خدا بر این است  
که شمار او غایت کند  
عاقبت ملک گرداند  
چون خدا در اثر سوره  
اعمال شایسته بود  
است من بر قدرت  
کنم و نخواهم بشمار  
انتفاع برسانم  
منه بقتل و  
بیک گونه تاثیر  
نه بخشد پروردگار  
شناختی است که از  
امور در قبضه تصرف  
اوست هر چه خواهد  
نمود اندام از او  
مردان می دانست

عَلَيْهِ مَا لَكُمْ أَنْ جَرَىٰ أَلْفًا عَلَى اللَّهِ وَمَا أَكْبَرُ دَارَ الَّذِينَ آمَنُوا  
بر این پیغام رسانیدن آنرا نیست مزد من مگر بر خدا و نیست یکسوزنده مسلمانان یعنی از محبت خود  
بر این پیغام پاسخ مالی نیست مزد من مگر بر خدا و نیست من را ننده آنکه گویید اندام ایشان ملاقات  
اَلَهُمْ مَلَقُوا رُحْمًا وَلَكِنِّي أَرْكَبُكُمْ قَوْمًا يَجْهَلُونَ ۵ وَيَقُولُ مَنْ  
بر ایشان ملاقات کند گمانند با پروردگار غرور و لشکر و لشکر من می بینم شمارا قومی که جهالت می کنند و آنست که  
کنندگان با پروردگار غرور و لشکر و لشکر من می بینم شمارا قومی که جهالت می کنند و آنست که  
يَنْصُرُنِي مِنَ اللَّهِ إِنْ طَرَدْتَهُمْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ۶ وَلَا أَقُولُ لَكُمْ  
نصرت دهم مرا از عقوبت خدا اگر برانم ایشان را آیا بپند نمی گیرید و می گویم بشما  
نصرت دهم مرا از عقوبت خدا اگر برانم ایشان را آیا بپند نمی گیرید و می گویم بشما  
عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبُ وَلَا أَقُولُ إِنِّي مُلْكٌ  
که نزد یک من خزاینه است خداست و نه آنکه میدانم غیب را و می گویم که من فرستادم  
که نزد یک من خزاینه است خداست و نه آنکه میدانم غیب را و می گویم که من فرستادم  
لَا أَقُولُ لِلَّذِينَ تَزْدِرِي أَعْيُنُكُمْ لَنْ يُؤْتِيَهُمُ اللَّهُ خَيْرًا ۷  
می گویم آنرا که بخواری می گردد بر ایشان چشم شاکر نخواهد داد خدا بدیشان هیچ نیکی  
می گویم آنرا که بخواری می گردد بر ایشان چشم شاکر نخواهد داد خدا بدیشان هیچ نیکی  
أَعْلَمُ بِمَا فِي أَنْفُسِهِمْ ۸ إِنْ إِذَا الْبَيْنَ الظَّلِيمِينَ ۹ قَالُوا يَنْصُرُهُ  
و آنرا که در ضمیر ایشان است بر آینه من نگاه از ستارگان باشم گفتند ای نوح  
و آنرا که در ضمیر ایشان است بر آینه من نگاه از ستارگان باشم گفتند ای نوح  
قَدْ جَادَلْتَنَا فَكُنتَ مِنْ جَادِلِيْنَا فَتَبَا تَعْدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ  
مکابره کردی با ما پس بسیار کردی مکابره ما پس بسیار آنچه دعه می کنی اگر هستی  
بر آنچه مجادله کردی با ما پس بسیار کردی جدال را با ما پس بسیار آنچه دعه می کنی اگر هستی  
الصَّادِقِينَ ۱۰ قَالَ إِنَّمَا يَأْتِيَكُمْ بِهِ اللَّهُ إِنْ شَاءَ وَمَا أَنَا  
راست گویان گفت جز این نیست که بیاورد آنرا بشما خدا اگر خواهد و شما  
راست گویان گفت جز این نیست که بیاورد آنرا بشما خدا اگر خواهد و شما  
بِعَجْزٍ ۱۱ وَلَا يَنْفَعُكُمْ نَصْحِي إِنْ أَرَدْتُ أَنْ أَنْصَحَ لَكُمْ  
عاجز کننده نیستید و سود نمی کند شمارا نصیحت من اگر خواهم که نصیحت کنم شمارا  
(عاجز کننده گان) که هر بگویم خدا را عاجز گردانید و قطع نمی کند شمارا نصیحت من اگر خواهم که نصیحت کنم شمارا  
إِنْ كَانَ اللَّهُ يَرِيدُ أَنْ يُغْوِيَكُمْ هُوَ رَبُّكُمْ قُلْ وَاللَّهِ تَرْجِعُونَ  
اگر خدا خواهد که گمراه کند شمارا اوست پروردگار شما و بگویند او باز گرداننده شماست  
اگر هست خدای که نخواهد آنکه شمارا گمراه سازد اوست پروردگار شما و بگویند او باز گرداننده شماست  
أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ إِنْ افْتَرَيْتُهُ فَعَلَيْ إِجْرَامِي وَأَنَا بَشَرٌ  
یا حق آیا می گویند بر بسته است و آنرا بگو اگر بر بسته است پس بر من است گناه من و من بیزارم  
آیا می گویند بر بسته است و آنرا بگو اگر بر بسته است پس بر من است گناه من و من بیزارم  
فَمَا تَجْعَلُونَ ۱۲ وَأَوْحِي إِلَى نُوْحٍ إِنَّهُ لَمِنْ قَوْمِكَ إِلَّا  
از کن و کردن شایسته و وحی فرستاده شد بگویند نوح که ایسان نخواهد آورد از قوم تو الا  
از آنچه شما گناه می کنید و وحی فرستاده شد بگویند نوح که ایسان نخواهد آورد از قوم تو الا  
مَنْ قَدْ آمَنَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۱۳ وَاصْنَعِ الْفُلَ  
آنکه من شده است پس اندوه مخور بسبب آنچه می کردند و بسیار زشتی را  
آنکه من شده است پس اندوه مخور بسبب آنچه می کردند و بسیار زشتی را

مردان می دانست خدا و همه جز اعراف حضرت اوی باشد در حدیث شریفی که در پیش پادشاهان و اعیان می دانستند که قوم بنی اسرائیل را که



بَاعَيْنَا وَوَحَيْنَا وَلَا تَخَاطِبُنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُخْرَجُونَ

بخرام و بخرام و سخن گو بامن در باب آنکه ستم کردند بر آئین ایشان غرق گردانند

بخرام و بخرام و سخن گو بامن در باب آنکه ستم کردند بر آئین ایشان غرق شده گانند و

یَصْنَعُ الْفُلُكُ وَكَلِمَاتٍ عَلَيْهِ مَلَأَ مِنْ قُوَّتِهِ سَخِرُوا مِنْهُ قَالَ إِنْ

ی ساخت نوح کشتی را و برگاه که گزشت بر آن مرداران رجالت از قوم او سخر می کردند ی دی گفت اگر

سَخِرُوا مِنْكَ فَإِنَّا سَخِرُومِنَكُمُ كَمَا تَسْخَرُونَ فَنَسُوفُ تَعْلَمُونَ

سخر می کنید با ما پس بر آئین ما سخر خواهیم کرد با شما چنانچه شما سخر می کنید پس زود می دانند

مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُقِيمٌ

آن را که بیایدش عذاب که رسوا کندش و فرود آید بر وی عذاب دائمی

إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُورُ فَذُنُوبُهُ أُولَئِكَ نَسْخَرُ مِنْهُمْ كَمَا نَسْخَرُ مِنْ الْأَوَّلِينَ

اگر آمد امر ما و جوشید تنور و فرود آید بر وی عذاب دائمی

ثَانِينَ وَاهْلَاكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ وَمَنْ آمَنَ طَوْعًا

دوین و هلاک را مگر آنکه سبقت کرده است بر وی قول ما و درود مسلمانان را و

مَنْ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ وَقَالَ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ

ایسان با در دند با و مگر اندکی و گفت زور (و گفت زور) سوار شوید در کشتی بنام خداست روان شدن وی و

مَنْ سَبَقَ الْحَرَامَ وَكَانَ غَافِلًا يُخَذِّبُ لِمَنْ أَسْرَأَ مِنْكُمْ مِنْهُمَا إِلَى الْأَنْفِ وَالْآخِرَةِ لَعَلَّ هَؤُلَاءِ يَهْتَفُونَ بِهِنَّ

ایستاده کردن و به آئین پروردگار من آمرزیده میباشند و آن کشتی می برد ایشان را در موچه

كَالْجِبَالِ وَكَانَ فِي نُوحٍ آيَةٌ لِّلَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ آلِهِمْ أَقْرَبُونَ وَكَانَ فِي مُوسَىٰ آيَةٌ أَنَّهُ كَلَّمَ رَبَّهُ بَعْضَ اللَّيْلِ وَكَانَ فِي هَارُونَ آيَةٌ أَنَّهُ كَلَّمَ رَبَّهُ بَعْضَ اللَّيْلِ وَكَانَ فِي هَارُونَ آيَةٌ أَنَّهُ كَلَّمَ رَبَّهُ بَعْضَ اللَّيْلِ

مانند کوه ها و آواز داد نوح بر خود را و دیور در کرانه اے پسر سوار شو

مَعَنَا وَلَا تَكُنْ مَعَ الْكَافِرِينَ قَالَ سَأُووِي إِلَىٰ جَبَلٍ يَعْصِمُنِي

با ما و ما را با کافران گفت پناه خواهم گرفت بسوی کوهی که نگاه دارد مرا

مِنَ الْمَاءِ قَالَ لَا عَاصِمَ الْيَوْمَ مِن أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ رَحِمَ وَحَالَ

از آب گفت نوح هیچ نگاه دارنده نیست امروز از عذاب خدا مگر کسی که بخشد خدا و حامل شد

بَيْنَهُمُ النَّوْجُ فَكَانَ مِنَ الْمَغْرِقِينَ وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكِ

برج میان ایشان پس شد از غرق گردان و گفته شد اے زمین فرو بر آب خود را

وَيَسْمَأْ أَقْلِي وَغِيضَ الْمَاءِ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَاسْتَوَتْ عَلَى الْجُودِيِّ

و اے آسمان باز من دست و کم کرده شد آب و سراج تمام نموده شد کار و قرار گرفت بر کوه جودی

و ارض است و در فوق و دی را مقدم داشتیم و سوی سایه نشسته شده بودیم و ارض است و در فوق و دی را مقدم داشتیم و سوی سایه نشسته شده بودیم

فصل فی تفسیر نوح  
آیه ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ و ۲۲ و ۲۳ و ۲۴ و ۲۵ و ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ و ۳۰ و ۳۱ و ۳۲ و ۳۳ و ۳۴ و ۳۵ و ۳۶ و ۳۷ و ۳۸ و ۳۹ و ۴۰ و ۴۱ و ۴۲ و ۴۳ و ۴۴ و ۴۵ و ۴۶ و ۴۷ و ۴۸ و ۴۹ و ۵۰ و ۵۱ و ۵۲ و ۵۳ و ۵۴ و ۵۵ و ۵۶ و ۵۷ و ۵۸ و ۵۹ و ۶۰ و ۶۱ و ۶۲ و ۶۳ و ۶۴ و ۶۵ و ۶۶ و ۶۷ و ۶۸ و ۶۹ و ۷۰ و ۷۱ و ۷۲ و ۷۳ و ۷۴ و ۷۵ و ۷۶ و ۷۷ و ۷۸ و ۷۹ و ۸۰ و ۸۱ و ۸۲ و ۸۳ و ۸۴ و ۸۵ و ۸۶ و ۸۷ و ۸۸ و ۸۹ و ۹۰ و ۹۱ و ۹۲ و ۹۳ و ۹۴ و ۹۵ و ۹۶ و ۹۷ و ۹۸ و ۹۹ و ۱۰۰ و ۱۰۱ و ۱۰۲ و ۱۰۳ و ۱۰۴ و ۱۰۵ و ۱۰۶ و ۱۰۷ و ۱۰۸ و ۱۰۹ و ۱۱۰ و ۱۱۱ و ۱۱۲ و ۱۱۳ و ۱۱۴ و ۱۱۵ و ۱۱۶ و ۱۱۷ و ۱۱۸ و ۱۱۹ و ۱۲۰ و ۱۲۱ و ۱۲۲ و ۱۲۳ و ۱۲۴ و ۱۲۵ و ۱۲۶ و ۱۲۷ و ۱۲۸ و ۱۲۹ و ۱۳۰ و ۱۳۱ و ۱۳۲ و ۱۳۳ و ۱۳۴ و ۱۳۵ و ۱۳۶ و ۱۳۷ و ۱۳۸ و ۱۳۹ و ۱۴۰ و ۱۴۱ و ۱۴۲ و ۱۴۳ و ۱۴۴ و ۱۴۵ و ۱۴۶ و ۱۴۷ و ۱۴۸ و ۱۴۹ و ۱۵۰ و ۱۵۱ و ۱۵۲ و ۱۵۳ و ۱۵۴ و ۱۵۵ و ۱۵۶ و ۱۵۷ و ۱۵۸ و ۱۵۹ و ۱۶۰ و ۱۶۱ و ۱۶۲ و ۱۶۳ و ۱۶۴ و ۱۶۵ و ۱۶۶ و ۱۶۷ و ۱۶۸ و ۱۶۹ و ۱۷۰ و ۱۷۱ و ۱۷۲ و ۱۷۳ و ۱۷۴ و ۱۷۵ و ۱۷۶ و ۱۷۷ و ۱۷۸ و ۱۷۹ و ۱۸۰ و ۱۸۱ و ۱۸۲ و ۱۸۳ و ۱۸۴ و ۱۸۵ و ۱۸۶ و ۱۸۷ و ۱۸۸ و ۱۸۹ و ۱۹۰ و ۱۹۱ و ۱۹۲ و ۱۹۳ و ۱۹۴ و ۱۹۵ و ۱۹۶ و ۱۹۷ و ۱۹۸ و ۱۹۹ و ۲۰۰ و ۲۰۱ و ۲۰۲ و ۲۰۳ و ۲۰۴ و ۲۰۵ و ۲۰۶ و ۲۰۷ و ۲۰۸ و ۲۰۹ و ۲۱۰ و ۲۱۱ و ۲۱۲ و ۲۱۳ و ۲۱۴ و ۲۱۵ و ۲۱۶ و ۲۱۷ و ۲۱۸ و ۲۱۹ و ۲۲۰ و ۲۲۱ و ۲۲۲ و ۲۲۳ و ۲۲۴ و ۲۲۵ و ۲۲۶ و ۲۲۷ و ۲۲۸ و ۲۲۹ و ۲۳۰ و ۲۳۱ و ۲۳۲ و ۲۳۳ و ۲۳۴ و ۲۳۵ و ۲۳۶ و ۲۳۷ و ۲۳۸ و ۲۳۹ و ۲۴۰ و ۲۴۱ و ۲۴۲ و ۲۴۳ و ۲۴۴ و ۲۴۵ و ۲۴۶ و ۲۴۷ و ۲۴۸ و ۲۴۹ و ۲۵۰ و ۲۵۱ و ۲۵۲ و ۲۵۳ و ۲۵۴ و ۲۵۵ و ۲۵۶ و ۲۵۷ و ۲۵۸ و ۲۵۹ و ۲۶۰ و ۲۶۱ و ۲۶۲ و ۲۶۳ و ۲۶۴ و ۲۶۵ و ۲۶۶ و ۲۶۷ و ۲۶۸ و ۲۶۹ و ۲۷۰ و ۲۷۱ و ۲۷۲ و ۲۷۳ و ۲۷۴ و ۲۷۵ و ۲۷۶ و ۲۷۷ و ۲۷۸ و ۲۷۹ و ۲۸۰ و ۲۸۱ و ۲۸۲ و ۲۸۳ و ۲۸۴ و ۲۸۵ و ۲۸۶ و ۲۸۷ و ۲۸۸ و ۲۸۹ و ۲۹۰ و ۲۹۱ و ۲۹۲ و ۲۹۳ و ۲۹۴ و ۲۹۵ و ۲۹۶ و ۲۹۷ و ۲۹۸ و ۲۹۹ و ۳۰۰ و ۳۰۱ و ۳۰۲ و ۳۰۳ و ۳۰۴ و ۳۰۵ و ۳۰۶ و ۳۰۷ و ۳۰۸ و ۳۰۹ و ۳۱۰ و ۳۱۱ و ۳۱۲ و ۳۱۳ و ۳۱۴ و ۳۱۵ و ۳۱۶ و ۳۱۷ و ۳۱۸ و ۳۱۹ و ۳۲۰ و ۳۲۱ و ۳۲۲ و ۳۲۳ و ۳۲۴ و ۳۲۵ و ۳۲۶ و ۳۲۷ و ۳۲۸ و ۳۲۹ و ۳۳۰ و ۳۳۱ و ۳۳۲ و ۳۳۳ و ۳۳۴ و ۳۳۵ و ۳۳۶ و ۳۳۷ و ۳۳۸ و ۳۳۹ و ۳۴۰ و ۳۴۱ و ۳۴۲ و ۳۴۳ و ۳۴۴ و ۳۴۵ و ۳۴۶ و ۳۴۷ و ۳۴۸ و ۳۴۹ و ۳۵۰ و ۳۵۱ و ۳۵۲ و ۳۵۳ و ۳۵۴ و ۳۵۵ و ۳۵۶ و ۳۵۷ و ۳۵۸ و ۳۵۹ و ۳۶۰ و ۳۶۱ و ۳۶۲ و ۳۶۳ و ۳۶۴ و ۳۶۵ و ۳۶۶ و ۳۶۷ و ۳۶۸ و ۳۶۹ و ۳۷۰ و ۳۷۱ و ۳۷۲ و ۳۷۳ و ۳۷۴ و ۳۷۵ و ۳۷۶ و ۳۷۷ و ۳۷۸ و ۳۷۹ و ۳۸۰ و ۳۸۱ و ۳۸۲ و ۳۸۳ و ۳۸۴ و ۳۸۵ و ۳۸۶ و ۳۸۷ و ۳۸۸ و ۳۸۹ و ۳۹۰ و ۳۹۱ و ۳۹۲ و ۳۹۳ و ۳۹۴ و ۳۹۵ و ۳۹۶ و ۳۹۷ و ۳۹۸ و ۳۹۹ و ۴۰۰ و ۴۰۱ و ۴۰۲ و ۴۰۳ و ۴۰۴ و ۴۰۵ و ۴۰۶ و ۴۰۷ و ۴۰۸ و ۴۰۹ و ۴۱۰ و ۴۱۱ و ۴۱۲ و ۴۱۳ و ۴۱۴ و ۴۱۵ و ۴۱۶ و ۴۱۷ و ۴۱۸ و ۴۱۹ و ۴۲۰ و ۴۲۱ و ۴۲۲ و ۴۲۳ و ۴۲۴ و ۴۲۵ و ۴۲۶ و ۴۲۷ و ۴۲۸ و ۴۲۹ و ۴۳۰ و ۴۳۱ و ۴۳۲ و ۴۳۳ و ۴۳۴ و ۴۳۵ و ۴۳۶ و ۴۳۷ و ۴۳۸ و ۴۳۹ و ۴۴۰ و ۴۴۱ و ۴۴۲ و ۴۴۳ و ۴۴۴ و ۴۴۵ و ۴۴۶ و ۴۴۷ و ۴۴۸ و ۴۴۹ و ۴۵۰ و ۴۵۱ و ۴۵۲ و ۴۵۳ و ۴۵۴ و ۴۵۵ و ۴۵۶ و ۴۵۷ و ۴۵۸ و ۴۵۹ و ۴۶۰ و ۴۶۱ و ۴۶۲ و ۴۶۳ و ۴۶۴ و ۴۶۵ و ۴۶۶ و ۴۶۷ و ۴۶۸ و ۴۶۹ و ۴۷۰ و ۴۷۱ و ۴۷۲ و ۴۷۳ و ۴۷۴ و ۴۷۵ و ۴۷۶ و ۴۷۷ و ۴۷۸ و ۴۷۹ و ۴۸۰ و ۴۸۱ و ۴۸۲ و ۴۸۳ و ۴۸۴ و ۴۸۵ و ۴۸۶ و ۴۸۷ و ۴۸۸ و ۴۸۹ و ۴۹۰ و ۴۹۱ و ۴۹۲ و ۴۹۳ و ۴۹۴ و ۴۹۵ و ۴۹۶ و ۴۹۷ و ۴۹۸ و ۴۹۹ و ۵۰۰ و ۵۰۱ و ۵۰۲ و ۵۰۳ و ۵۰۴ و ۵۰۵ و ۵۰۶ و ۵۰۷ و ۵۰۸ و ۵۰۹ و ۵۱۰ و ۵۱۱ و ۵۱۲ و ۵۱۳ و ۵۱۴ و ۵۱۵ و ۵۱۶ و ۵۱۷ و ۵۱۸ و ۵۱۹ و ۵۲۰ و ۵۲۱ و ۵۲۲ و ۵۲۳ و ۵۲۴ و ۵۲۵ و ۵۲۶ و ۵۲۷ و ۵۲۸ و ۵۲۹ و ۵۳۰ و ۵۳۱ و ۵۳۲ و ۵۳۳ و ۵۳۴ و ۵۳۵ و ۵۳۶ و ۵۳۷ و ۵۳۸ و ۵۳۹ و ۵۴۰ و ۵۴۱ و ۵۴۲ و ۵۴۳ و ۵۴۴ و ۵۴۵ و ۵۴۶ و ۵۴۷ و ۵۴۸ و ۵۴۹ و ۵۵۰ و ۵۵۱ و ۵۵۲ و ۵۵۳ و ۵۵۴ و ۵۵۵ و ۵۵۶ و ۵۵۷ و ۵۵۸ و ۵۵۹ و ۵۶۰ و ۵۶۱ و ۵۶۲ و ۵۶۳ و ۵۶۴ و ۵۶۵ و ۵۶۶ و ۵۶۷ و ۵۶۸ و ۵۶۹ و ۵۷۰ و ۵۷۱ و ۵۷۲ و ۵۷۳ و ۵۷۴ و ۵۷۵ و ۵۷۶ و ۵۷۷ و ۵۷۸ و ۵۷۹ و ۵۸۰ و ۵۸۱ و ۵۸۲ و ۵۸۳ و ۵۸۴ و ۵۸۵ و ۵۸۶ و ۵۸۷ و ۵۸۸ و ۵۸۹ و ۵۹۰ و ۵۹۱ و ۵۹۲ و ۵۹۳ و ۵۹۴ و ۵۹۵ و ۵۹۶ و ۵۹۷ و ۵۹۸ و ۵۹۹ و ۶۰۰ و ۶۰۱ و ۶۰۲ و ۶۰۳ و ۶۰۴ و ۶۰۵ و ۶۰۶ و ۶۰۷ و ۶۰۸ و ۶۰۹ و ۶۱۰ و ۶۱۱ و ۶۱۲ و ۶۱۳ و ۶۱۴ و ۶۱۵ و ۶۱۶ و ۶۱۷ و ۶۱۸ و ۶۱۹ و ۶۲۰ و ۶۲۱ و ۶۲۲ و ۶۲۳ و ۶۲۴ و ۶۲۵ و ۶۲۶ و ۶۲۷ و ۶۲۸ و ۶۲۹ و ۶۳۰ و ۶۳۱ و ۶۳۲ و ۶۳۳ و ۶۳۴ و ۶۳۵ و ۶۳۶ و ۶۳۷ و ۶۳۸ و ۶۳۹ و ۶۴۰ و ۶۴۱ و ۶۴۲ و ۶۴۳ و ۶۴۴ و ۶۴۵ و ۶۴۶ و ۶۴۷ و ۶۴۸ و ۶۴۹ و ۶۵۰ و ۶۵۱ و ۶۵۲ و ۶۵۳ و ۶۵۴ و ۶۵۵ و ۶۵۶ و ۶۵۷ و ۶۵۸ و ۶۵۹ و ۶۶۰ و ۶۶۱ و ۶۶۲ و ۶۶۳ و ۶۶۴ و ۶۶۵ و ۶۶۶ و ۶۶۷ و ۶۶۸ و ۶۶۹ و ۶۷۰ و ۶۷۱ و ۶۷۲ و ۶۷۳ و ۶۷۴ و ۶۷۵ و ۶۷۶ و ۶۷۷ و ۶۷۸ و ۶۷۹ و ۶۸۰ و ۶۸۱ و ۶۸۲ و ۶۸۳ و ۶۸۴ و ۶۸۵ و ۶۸۶ و ۶۸۷ و ۶۸۸ و ۶۸۹ و ۶۹۰ و ۶۹۱ و ۶۹۲ و ۶۹۳ و ۶۹۴ و ۶۹۵ و ۶۹۶ و ۶۹۷ و ۶۹۸ و ۶۹۹ و ۷۰۰ و ۷۰۱ و ۷۰۲ و ۷۰۳ و ۷۰۴ و ۷۰۵ و ۷۰۶ و ۷۰۷ و ۷۰۸ و ۷۰۹ و ۷۱۰ و ۷۱۱ و ۷۱۲ و ۷۱۳ و ۷۱۴ و ۷۱۵ و ۷۱۶ و ۷۱۷ و ۷۱۸ و ۷۱۹ و ۷۲۰ و ۷۲۱ و ۷۲۲ و ۷۲۳ و ۷۲۴ و ۷۲۵ و ۷۲۶ و ۷۲۷ و ۷۲۸ و ۷۲۹ و ۷۳۰ و ۷۳۱ و ۷۳۲ و ۷۳۳ و ۷۳۴ و ۷۳۵ و ۷۳۶ و ۷۳۷ و ۷۳۸ و ۷۳۹ و ۷۴۰ و ۷۴۱ و ۷۴۲ و ۷۴۳ و ۷۴۴ و ۷۴۵ و ۷۴۶ و ۷۴۷ و ۷۴۸ و ۷۴۹ و ۷۵۰ و ۷۵۱ و ۷۵۲ و ۷۵۳ و ۷۵۴ و ۷۵۵ و ۷۵۶ و ۷۵۷ و ۷۵۸ و ۷۵۹ و ۷۶۰ و ۷۶۱ و ۷۶۲ و ۷۶۳ و ۷۶۴ و ۷۶۵ و ۷۶۶ و ۷۶۷ و ۷۶۸ و ۷۶۹ و ۷۷۰ و ۷۷۱ و ۷۷۲ و ۷۷۳ و ۷۷۴ و ۷۷۵ و ۷۷۶ و ۷۷۷ و ۷۷۸ و ۷۷۹ و ۷۸۰ و ۷۸۱ و ۷۸۲ و ۷۸۳ و ۷۸۴ و ۷۸۵ و ۷۸۶ و ۷۸۷ و ۷۸۸ و ۷۸۹ و ۷۹۰ و ۷۹۱ و ۷۹۲ و ۷۹۳ و ۷۹۴ و ۷۹۵ و ۷۹۶ و ۷۹۷ و ۷۹۸ و ۷۹۹ و ۸۰۰ و ۸۰۱ و ۸۰۲ و ۸۰۳ و ۸۰۴ و ۸۰۵ و ۸۰۶ و ۸۰۷ و ۸۰۸ و ۸۰۹ و ۸۱۰ و ۸۱۱ و ۸۱۲ و ۸۱۳ و ۸۱۴ و ۸۱۵ و ۸۱۶ و ۸۱۷ و ۸۱۸ و ۸۱۹ و ۸۲۰ و ۸۲۱ و ۸۲۲ و ۸۲۳ و ۸۲۴ و ۸۲۵ و ۸۲۶ و ۸۲۷ و ۸۲۸ و ۸۲۹ و ۸۳۰ و ۸۳۱ و ۸۳۲ و ۸۳۳ و ۸۳۴ و ۸۳۵ و ۸۳۶ و ۸۳۷ و ۸۳۸ و ۸۳۹ و ۸۴۰ و ۸۴۱ و ۸۴۲ و ۸۴۳ و ۸۴۴ و ۸۴۵ و ۸۴۶ و ۸۴۷ و ۸۴۸ و ۸۴۹ و ۸۵۰ و ۸۵۱ و ۸۵۲ و ۸۵۳ و ۸۵۴ و ۸۵۵ و ۸۵۶ و ۸۵۷ و ۸۵۸ و ۸۵۹ و ۸۶۰ و ۸۶۱ و ۸۶۲ و ۸۶۳ و ۸۶۴ و ۸۶۵ و ۸۶۶ و ۸۶۷ و ۸۶۸ و ۸۶۹ و ۸۷۰ و ۸۷۱ و ۸۷۲ و ۸۷۳ و ۸۷۴ و ۸۷۵ و ۸۷۶ و ۸۷۷ و ۸۷۸ و ۸۷۹ و ۸۸۰ و ۸۸۱ و ۸۸۲ و ۸۸۳ و ۸۸۴ و ۸۸۵ و ۸۸۶ و ۸۸۷ و ۸۸۸ و ۸۸۹ و ۸۹۰ و ۸۹۱ و ۸۹۲ و ۸۹۳ و ۸۹۴ و ۸۹۵ و ۸۹۶ و ۸۹۷ و ۸۹۸ و ۸۹۹ و ۹۰۰ و ۹۰۱ و ۹۰۲ و ۹۰۳ و ۹۰۴ و ۹۰۵ و ۹۰۶ و ۹۰۷ و ۹۰۸ و ۹۰۹ و ۹۱۰ و ۹۱۱ و ۹۱۲ و ۹۱۳ و ۹۱۴ و ۹۱۵ و ۹۱۶ و ۹۱۷ و ۹۱۸ و ۹۱۹ و ۹۲۰ و ۹۲۱ و ۹۲۲ و ۹۲۳ و ۹۲۴ و ۹۲۵ و ۹۲۶ و ۹۲۷ و ۹۲۸ و ۹۲۹ و ۹۳۰ و ۹۳۱ و ۹۳۲ و ۹۳۳ و ۹۳۴ و ۹۳۵ و ۹۳۶ و ۹۳۷ و ۹۳۸ و ۹۳۹ و ۹۴۰ و ۹۴۱ و ۹۴۲ و ۹۴۳ و ۹۴۴ و ۹۴۵ و ۹۴۶ و ۹۴۷ و ۹۴۸ و ۹۴۹ و ۹۵۰ و ۹۵۱ و ۹۵۲ و ۹۵۳ و ۹۵۴ و ۹۵۵ و ۹۵۶ و ۹۵۷ و ۹۵۸ و ۹۵۹ و ۹۶۰ و ۹۶۱ و ۹۶۲ و ۹۶۳ و ۹۶۴ و ۹۶۵ و ۹۶۶ و ۹۶۷ و ۹۶۸ و ۹۶۹ و ۹۷۰ و ۹۷۱ و ۹۷۲ و ۹۷۳ و ۹۷۴ و ۹۷۵ و ۹۷۶ و ۹۷۷ و ۹۷۸ و ۹۷۹ و ۹۸۰ و ۹۸۱ و ۹۸۲ و ۹۸۳ و ۹۸۴ و ۹۸۵ و ۹۸۶ و ۹۸۷ و ۹۸۸ و ۹۸۹ و ۹۹۰ و ۹۹۱ و ۹۹۲ و ۹۹۳ و ۹۹۴ و ۹۹۵ و ۹۹۶ و ۹۹۷ و ۹۹۸ و ۹۹۹ و ۱۰۰۰ و ۱۰۰۱ و ۱۰۰۲ و ۱۰۰۳ و ۱۰۰۴ و ۱۰۰۵ و ۱۰۰۶ و ۱۰۰۷ و ۱۰۰۸ و ۱۰۰۹ و ۱۰۱۰ و ۱۰۱۱ و ۱۰۱۲ و ۱۰۱۳ و ۱۰۱۴ و ۱۰۱۵ و ۱۰۱۶ و ۱۰۱۷ و ۱۰۱۸ و ۱۰۱۹ و ۱۰۲۰ و ۱۰۲۱ و ۱۰۲۲ و ۱۰۲۳ و ۱۰۲۴ و ۱۰۲۵ و ۱۰۲۶ و ۱۰۲۷ و ۱۰۲۸ و ۱۰۲۹ و ۱۰۳۰ و ۱۰۳۱ و ۱۰۳۲ و ۱۰۳۳ و ۱۰۳۴ و ۱۰۳۵ و ۱۰۳۶ و ۱۰۳۷ و ۱۰۳۸ و ۱۰۳۹ و ۱۰۴۰ و ۱۰۴۱ و ۱۰۴۲ و ۱۰۴۳ و ۱۰۴۴ و ۱۰۴۵ و ۱۰۴۶ و ۱۰۴۷ و ۱۰۴۸ و ۱۰۴۹ و ۱۰۵۰ و ۱۰۵۱ و ۱۰۵۲ و ۱۰۵۳ و ۱۰۵۴ و ۱۰۵۵ و ۱۰۵۶ و ۱۰۵۷ و ۱۰۵۸ و ۱۰۵۹ و ۱۰۶۰ و ۱۰۶۱ و ۱۰۶۲ و ۱۰۶۳ و ۱۰۶۴ و ۱۰۶۵ و ۱۰۶۶ و ۱۰۶۷ و ۱۰۶۸ و ۱۰۶۹ و ۱۰۷۰ و ۱۰۷۱ و ۱۰۷۲ و ۱۰۷۳ و ۱۰۷۴ و ۱۰۷۵ و ۱۰۷۶ و ۱۰۷۷ و ۱۰۷۸ و ۱۰۷۹ و ۱۰۸۰ و ۱۰۸۱ و ۱۰۸۲ و ۱۰۸۳ و ۱۰۸۴ و ۱۰۸۵ و ۱۰۸۶ و ۱۰۸۷ و ۱۰۸۸ و ۱۰۸۹ و ۱۰۹۰ و ۱۰۹۱ و ۱۰۹۲ و ۱۰۹۳ و ۱۰۹۴ و ۱۰۹۵ و ۱۰۹۶ و ۱۰۹۷ و ۱۰۹۸ و ۱۰۹۹ و ۱۱۰۰ و ۱۱۰۱ و ۱۱۰۲ و ۱۱۰۳ و ۱۱۰۴ و ۱۱۰۵ و ۱۱۰۶ و ۱۱۰۷ و ۱۱۰۸ و ۱۱۰۹ و ۱۱۱۰ و ۱۱۱۱ و ۱۱۱۲ و ۱۱۱۳ و ۱۱۱۴ و ۱۱۱۵ و ۱۱۱۶ و ۱۱۱۷ و ۱۱۱۸ و ۱۱۱۹ و ۱۱۲۰ و ۱۱۲۱ و ۱۱۲۲ و ۱۱۲۳ و ۱۱۲۴ و ۱۱۲۵ و ۱۱۲۶ و ۱۱۲۷ و ۱۱۲۸ و ۱۱۲۹ و ۱۱۳۰ و ۱۱۳۱ و ۱۱۳۲ و ۱۱۳۳ و ۱۱۳۴ و ۱۱۳۵ و ۱۱۳۶ و ۱۱۳۷ و ۱۱۳۸ و ۱۱۳۹ و ۱۱۴۰ و ۱۱۴۱ و ۱۱۴۲ و ۱۱۴۳ و ۱۱۴۴ و ۱۱۴۵ و ۱۱۴۶ و ۱۱۴۷ و ۱۱۴۸ و ۱۱۴۹ و ۱۱۵۰ و ۱۱۵۱ و ۱۱۵۲ و ۱۱۵۳ و ۱۱۵۴ و ۱۱۵۵ و ۱۱۵۶ و ۱۱۵۷ و ۱۱۵۸ و ۱۱۵۹ و ۱۱۶۰ و ۱۱۶۱ و ۱۱۶۲ و ۱۱۶۳ و ۱۱۶۴ و ۱۱۶۵ و ۱۱۶۶ و ۱۱۶۷ و ۱۱۶۸ و ۱۱۶۹ و ۱۱۷۰ و ۱۱۷۱ و ۱۱۷۲ و ۱۱۷۳ و ۱۱۷۴ و ۱۱۷۵ و ۱۱۷۶ و ۱۱۷۷ و ۱۱۷۸ و ۱۱۷۹ و ۱۱۸۰ و ۱۱۸۱ و ۱۱۸۲ و ۱۱۸۳ و ۱۱۸۴ و ۱۱۸۵ و ۱۱۸۶ و ۱۱۸۷ و ۱۱۸۸ و ۱۱۸۹ و ۱۱۹۰ و ۱۱۹۱ و ۱۱۹۲ و ۱۱۹۳ و ۱۱۹۴ و ۱۱۹۵ و ۱۱۹۶ و ۱۱۹۷ و ۱۱۹۸ و ۱۱۹۹ و ۱۲۰۰ و ۱۲۰۱ و ۱۲۰۲ و ۱۲۰۳ و ۱۲۰۴ و ۱۲۰۵ و ۱۲۰۶ و ۱۲۰۷ و ۱۲۰۸ و ۱۲۰۹ و ۱۲۱۰ و ۱۲۱۱ و ۱۲۱۲ و ۱۲۱۳ و ۱۲۱۴ و ۱۲۱۵ و ۱۲۱۶ و ۱۲۱۷ و ۱۲۱۸ و ۱۲۱۹ و ۱۲۲۰ و ۱۲۲۱ و ۱۲۲۲ و ۱۲۲۳ و ۱۲۲۴ و ۱۲۲۵ و ۱۲۲۶ و ۱۲۲۷ و ۱۲۲۸ و ۱۲۲۹ و ۱۲۳۰ و ۱۲۳۱ و ۱۲۳۲ و ۱۲۳۳ و ۱۲۳۴ و ۱۲۳۵ و ۱۲۳۶ و ۱۲۳۷ و ۱۲۳۸ و ۱۲۳۹ و ۱۲۴۰ و ۱۲۴۱ و ۱۲۴۲ و ۱۲۴۳ و ۱۲۴۴ و ۱۲۴۵ و ۱۲۴۶ و ۱۲۴۷ و ۱



که گوی و نه  
بای آسمان  
گشاده و پرده بانی  
شیخ فرشته بود و گوی  
منج در عقاب سر فراز  
در آب پوشیده شده  
جز مینویشتن در دیگر  
همه مردم که نوح علیه السلام  
در باره شان نفرین  
کرد بود و نوحی گردیدند  
آنگاه خدای متعال  
برین فریاد و آه های  
خویش را برین آنگاه  
دیده ای با حکم کرد که  
بایست که احوال آن  
بود که در امتثال فرمان  
به مثل و طریقه الهی  
درنگ می کرد آب  
خسیدن گرفت کشتی  
په کوه جودی است  
(جودی به عقیده بعضی  
نزدیک مریخ است)  
آنچه خدا خواهد یعنی کشتی  
که گران را بپایان  
میرساند به تمام گدازان  
گفته شد از رحمت الهی  
دور شوند و بیخود  
گودال صیبت  
و لکت  
مع  
بانه  
تفسیر  
احکامات  
است که مومنان  
تمام گویی را اگر گرفتند  
به دیاری خاص بود این  
جائز تفسیر نیست  
بر این و اقوال بعضی  
محققان ارد با که در  
دایرة المعارف نقل شده  
طوائف نبوی را تا نیند  
می نمایند اکثر این  
به طوائف نبوی تا نیند  
نسل موجوده انسان  
از سر پر نوح سام، عام  
یا فت است و جملگان  
فردیه هم الهی اوجی بود که  
و حیوانی که در طوائف

وَقِيلَ بَعْدَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ۙ وَنَادَىٰ نُوْحٌ رَبَّهُ فَقَالَ رَبِّ اِنِّیْ  
و گفته شد هاک باد قوم ستمکاران را و آواز داد نوح پروردگار خود را پس گفت ای پروردگار من مرا آینه برین  
و گفته شد (هاک باد) دوری باد قوم ستمکاران را و آواز داد نوح پروردگار خود را پس گفت ای پروردگار من مرا آینه برین  
مِنْ اَهْلِیْ ۚ وَاِنْ وَعْدُكَ الْحَقُّ وَاَنْتَ اَحْكَمُ الْحَاكِمِیْنَ ۝۱۰ قَالَ یٰنُوْحُ  
از اهل من است و هر آینه وعده تو راست است و تو بهترین حکم کننده ای گفت ای نوح  
از اهل من است و هر آینه وعده تو راست است و تو بهترین حکم کننده ای گفت ای نوح  
اِنَّهٗ لَیْسَ مِنْ اَهْلِکَ اِنَّهٗ عَمِلَ غَیْرَ صَالِحٍ فَلَا تَشْعَلْنِ مَا لَیْسَ لَکَ  
هر آینه وی نیست از گران تو خداوند کار ناست ایست است پس سوال کن تو را از چیزیکه نیت فر  
هر آینه وی نیست از گران تو خداوند کار ناست ایست است پس سوال کن تو را از چیزیکه نیت فر  
یَبِّ عَلَیَّ اَنْیُّ اَعْطٰکَ اَنْ تَكُوْنَ مِنَ الْجَاهِلِیْنَ ۝۱۱ قَالَ رَبِّ اِنِّیْ اَعُوْذُ  
دانش آن هر آینه من بپندمیدم ترا بر این است از آنکه با منی از جاهلان گفت ای پروردگار من مرا آینه برین  
دانش آن هر آینه من بپندمیدم ترا از آنکه با منی از جاهلان گفت ای پروردگار من مرا آینه برین  
بَاکَ اَنْ اَسْئَلَکَ مَا لَیْسَ لِیْ یَبِّ عَلَیَّ ط ۝۱۲ تَغْفِرْ لِیْ وَرَحْمَتِیْ اَنْ  
پس از آنکه پرسیدم از تو آنچه نیست مرا دانش آن و اگر نیامری مرا در وقت غنی برین با ششم از  
پس از آنکه پرسیدم از تو آنچه نیست مرا دانش آن و اگر نیامری مرا در وقت غنی برین با ششم از  
الْخٰسِرِیْنَ ۝۱۳ قِیْلَ یٰنُوْحُ اهْبِطْ بِسَلٰمٍ مِّنَّا وَبَرَکَتِ عَلَیْکَ وَعَلٰی اٰلِ  
زبان کاران گفته شد ای نوح فرود آ بر ما سلامتی از جانب ما و براه برکت با فرود آمد و برود و برست ای  
زبان کاران گفته شد ای نوح فرود آ بر ما سلامتی از جانب ما و براه برکت با فرود آمد و برود و برست ای  
فَمَنْ مَّعَکَ ط وَاَمَّا سَمِیْعٌ فَهُمۡ یَحْمِلُوْنَ مَثٰلَکَ ۝۱۴ تِلْکَ مِنْ  
پس از آنکه از هر یکان تو است بانی دیگر اند که بر مندی کنی این ترا در دنیا باز برسد و ایشان از جانب ما خدای در دهنده این خدا  
از آنجا که با تو اند و امت بانی دیگر اند که فرود ببرد مندی کنی ایشان را باز برسد و ایشان از جانب ما خدای در دهنده این خدا  
اِنَّ اَعْلٰی غَیْبٍ نُّوحِیْہَا اِلَیْکَ مَا کُنْتَ تَعْلَمُهَا اَنْتَ وَاَنْتَ لَا قَوْمَ لَکَ مِنْ قَبْلِ  
و اخبار غیب است و می میرسیم آن را بپس تو می دانستی آنرا تو و نه قوم تو پیش  
و اخبار غیب است و می میرسیم آن را بپس تو می دانستی آنرا تو و نه قوم تو پیش  
هٰذَا فَاصْبِرْ اِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِیْنَ ۝۱۵ وَاِلٰی عَادٍ اٰخَاهُمۡ هُوْدٌ ۝۱۶  
ازین پس مبر کن هر آینه عاقبت مرستقیان راست و فرستادیم یونس عاد برادر ایشان بود را  
ازین پس مبر کن هر آینه عاقبت مرستقیان راست و فرستادیم یونس عاد برادر ایشان بود را  
قَالَ یَقُوْمُ اَعِدُوْا لِلّٰهِ مَا لَکُمْ مِنْ اِلٰہٍ غَیْرِہٖ ط اِنَّکُمْ اِلَّا مَفْرُوْنَ ۝۱۷  
گفت ای قوم من عبادت کنید خدا را نیست خدا را هیچ مبودی بخود و نیستید شما مگر از آنکه  
گفت ای قوم من عبادت کنید خدا را نیست خدا را هیچ مبودی بخود و نیستید شما مگر از آنکه  
یَقُوْمُ لَا اَسْئَلُکُمْ عَلَیْہِ اَجْرًا اِنْ اَجَرٰی اِلَّا عَلٰی الَّذِیْ فَطَرَنِیْ  
ای قوم من نمی طلبم از شما بر این پیغام مزده را نیست مزد من مگر بر کسیکه آفریده است مرا  
ای قوم من نمی طلبم از شما بر این پیغام مزده را نیست مزد من مگر بر کسیکه آفریده است مرا  
اَفَلَا تَحْقُلُوْنَ ۝۱۸ وَیَقُوْمُ اسْتَغْفِرْ وَاَرْسَلْنَا اِلَیْہِ رَسُوْلًا  
آیا در نمی یابید و ای قوم من آمرزش طلبید از پروردگار خود باز دروغ کنید بپسوی او تا بفرستد از آسمان  
آیا در نمی یابید و ای قوم من آمرزش طلبید از پروردگار خود باز دروغ کنید بپسوی او تا بفرستد از آسمان  
عَلَیْکُمْ قَدْ سَأَلُوْا زَكٰوةً اِلَیْ قَوْمِکُمْ وَلَا تَتْلُوْا مَجْرٰمِیْنَ ۝۱۹  
بر شما بارانی بپسوست و بپسرایید شما قومی را که بر شما دروغ کرد و ان مشوید گناهکار شده  
بر شما بارانی بپسوست و بپسرایید شما قومی را که بر شما دروغ کرد و ان مشوید گناهکار شده  
هٰکِیۡمٌ تَدْعُوْا لِحُرَّتِہِمْ یٰنُوْحُ اِنِّیْ جَعَلْتُ لَکَ ذٰلِکَ اٰیٰتًا لِّمَنْ یَّرٰکَ وَیَرْکَبُ ط ۝۲۰  
هکیم است که در حقان می خواند که با دیگر و سایل طبعی را هم مرگ داد و می شود خداوند بر آنها نیز مرگ داد و کرده و این حکم می باشد و مومن نیز که در



هَودًا مَاجْتَنِبِينَ وَمَا كُنْ بِتَارِكِي الْهِتَانِ عَنْ قَوْلِكَ وَمَا نَحْنُ لَكَ

بمورد نیاروی ما و نیل و نیستیم ترک کننده معبودان خود را بگفته تو و نیستیم ما ترا

بمومنین ۵۰ اِنْ تَقُولْ اِلَّا اعْتَرَاكَ بَعْضُ الْهِتَانِ بِسُوءِ مَا قَالِ اِلَى

بمومنان یعنی گویم الا آنکه رسائیده اند به تو بعض معبودان ما هر رس گفت بر آئینده من

بشاهد الله واشهدوا الی بری قاتلش کون ۵۱ مِنْ دُونِهِ فَكَيْدُ بَنِي

تو به شاهد خدا و شاهد کن بر من که کتلم از این قاتلش می گیرد بخیزد پس بدست می کند در حق من

بمعاذ لا تنظرون ۵۲ اِنِی تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّیْ وَرَبِّكُمْ مَا مِنْ دَابَّةٍ

برای ما باز مهلت میدهیم برای آئینده من تو کل کردم بر خدا پروردگار من و پروردگار شما نیست هیچ جنبه

لا هو اخذ بناصيته ۵۳ اِنْ رَزَقْنِي عَلٰی صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ۵۴ فَاِنْ

خدا نگیرد بنصبت من و پیشانی او را بر آئینده پروردگار من بر راه راست مستقیم پس اگر

لَوْ اَقْدَرْتُ اَنْ اَبْلُغَكُمْ مَا اُرْسِلْتُ بِهٖ اِلَيْكُمْ ۵۵ وَيَسْتَخْلِفُ رِبِّيْ قَوْمًا

و اگر توانم که بگویم آنچه را که فرستاده شدم همراه آن بسوی شما و جایگزین سازد پروردگار من قومی

فَاِذَا كُنْ مِنْكُمْ ۵۶ وَلَا تَنْظُرُوْنَ شَيْئًا اِنْ رَزَقْنِيْ عَلٰی كُلِّ شَيْءٍ حَفِيْظًا ۵۷ وَلَكِنَّا

و اگر از شما بودم و شما را از هر چیزی پروردگار من بر همه چیز نگهبان است و چون

جاء امرنا نَحْنُ اَوَّلُ الْاٰتِیْنَ ۵۸ اَمِنَّا وَآلِیْنَا اَمِنَّا وَآلِیْنَا اَمِنَّا وَآلِیْنَا اَمِنَّا وَآلِیْنَا اَمِنَّا

و اگر از ما بودیم و ما را از هر چیزی پروردگار من بر همه چیز نگهبان است و چون

مِنْ عَذَابٍ غَلِيْظٍ ۵۹ وَتِلْكَ اَعَادُ جَحْدًا وَاٰیَاتِیْ سَرِیْهَةً ۶۰ وَتِلْكَ اَعَادُ جَحْدًا

و این است سرگذشت عاد که گم کردند آیات پروردگار خود را و تا زمانی نمودند

سَلِّوْا وَاَتَّبِعُوا اَمْرًا كُلَّ جَبَّارٍ عَنِیْ ۶۱ وَاتَّبِعُوا فِیْ هَذِهِ الدُّنْيَا

و از پی او بروید و از پی او بروید و از پی او بروید و از پی او بروید و از پی او بروید

لَعْنَةُ یَوْمِ الْقِيٰمَةِ ۶۲ اِنَّ اَعَادًا کُفْرًا وَاَرْثَهُمُ الْاَبْعَادُ ۶۳ قَوْمٌ

لعنت روز قیامت نیز آگاه باش هر آینه عاد کافر شدند به پروردگار خود آگاه باش لعن بر باد عاد را که قوم

هَودٌ ۶۴ وَاِلٰی شُعْدَادٍ اَخَاهُمْ صٰلِحًا قَالَ یَقُوْمُ اَعْبُدُوْا اللّٰهَ مَا لَكُمْ

بمردود و ای شعداد برادر ایشان صالح را گفت ای قوم من عبادت کنید خدا را نیست شمارا

مِنْ اِلٰهٍ غَیْرِہٖ ۶۵ هُوَ الَّذِیْ اَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَآءً فَسَالَتْ اَنْۢحَارٌ مِنْ تَحْتِہٖ

از هیچ الهی بخیزد او میدارد از زمین و گردانید شمارا بارش شده در زمین و باستاند گردانید شمارا در زمین

و این یعنی ملک اوست  
تفسیر عثمانی  
عنه بوقت شب و  
بوقت روز مسلسل  
طوفان با و بود چنانکه  
در روز قیامت مکرر  
شد تا با هر توبه مستغنی  
با پاشان گردید و در دنیا  
از رخ کشته شده و در  
آخرت پادشاهان  
تبر آگین بود که از این  
ی در آمد و پادشاهان  
بری آمد و بدن را اند  
همی شکست، بود  
علیه السلام و پادشاهان  
را که پادشاهان و پادشاهان  
می شدند از آن توبه  
پادشاهان نگذاشتیم  
و پادشاهان ایمان و عمل  
صالح از عذاب است  
آخرت تیر خفتن و تیر  
عنه (تنبیه) شاید  
از این جهت در سوره  
نفس شده که تفسیر  
یک تفسیر تفسیر است  
پنجبر این است - زیرا  
هم در تفسیر و اصول  
دین متفق و هم در  
مفسرین  
لعنت خدا در پی  
آنهاست هر که در  
در قیامت شان رود  
تا سزاوار لعنت  
و کفر شوند بلکه پس از  
قیامت نیز لعنت  
شان باز تا قیامت  
لعنت بهره در زمین  
نشان باشد  
لعنت  
مفسرین  
بر اینست که روز قیامت  
نمای شود - الامان عا  
کفر و الا به ذکر کفر  
پادشاهان پادشاهان  
جهت باشد که تفسیر  
پادشاهان از این  
پادشاهان از این







رَأَيْسَ إِلَيْهِ نَكِرَ هَمًّا وَاجْتَسَمَ مِنْهُمْ خَيْفَةً قَالُوا لَا تَخَفْ إِنَّا أَرْسَلْنَا

پرسد بان ببرد از ایشان و بخطر آورد از ایشان گفتند مترس بر آئینده فرستاده شده ایم

لِيُؤْمِرَ لُوطٌ وَأَمْرَانَهُ قَلِيلَةً فَضَحِكْتَ فَلَبِثْتَ نَارًا لَاحِقًا وَمِنْ وَرَاءِ

پس قوم لوط و امرایان او را اندک زمانی در آنجا بماند و از آنجا که از آنجا دور شد و از آنجا که از آنجا دور شد

الْحَقِّ يَعْقُوبُ قَالَتْ يَوَاسْتُكَ اللَّهُ وَانَا عَجُوزٌ وَهَذَا بَعْلِي شَيْخٌ خَالِدٌ

حق یقوب گفت ای خداوند تو را نگهدار و من پیرم و این شوهر من است کهن سال شده هر آینه

هَذَا الشَّيْءُ عَجِيبٌ قَالُوا الْمُجِيبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحِمَتُ اللَّهِ وَبَرَكَتُهُ

این چیز عجیب است گفتند فرشتگان آیا عجب می کنی از قدرت خدا بخشایش خدا و برکات او

عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ فَلَمَّا أَذْهَبَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ

بر شماست ای اهل این خانه هر آینه خدا ستوده بزرگوار است پس چون رفت از ابراهیم

الرُّوحُ وَجَاءَتْهُ الْبُشْرَى بِمُحَمَّدٍ لَنَا فِي قَوْمِ لُوطٍ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَحَلِيمٌ

روح و آمدش بشارت جدال کردن با مردم قوم لوط هر آینه ابراهیم بردبار

وَالْمُنِيبُ يَا إِبْرَاهِيمَ أَعْرِضْ عَنْ هَذَا إِنَّهُ قَدْ جَاءَ أَمْرُكَ وَ

و بازگشتار روح کند بخدا و گویند ای ابراهیم روی بگردان از این خیال بدستگیر (حال این است) آمده است فرین برود و

لَهُمْ أَنْتُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ دُونَ ذَلِكَ جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِيقًا

بر شماست عذاب بزرگ است باریشان عقوبتی که باز کرده اند و چون آمدند فرستادگان ما پیش لوط اندوختن و باریشان

ضَاقَ بِهِمْ ذُرْعًا وَقَالَ هَذَا يَوْمٌ عَصِيبٌ وَجَاءَهُ قَوْمُهُ يُهْرَعْنَ

نگین دل شد بسبب ایشان و گفت این روزی سخت است و آمدند پیش قوم او مشتایان بهو سے اد

وَمِنْ قَبْلِ كَانُوا يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ قَالَ يَوْمَ هُوَ لَبِيقٌ لِي مِنْ أَطْفَالِ

و پیش از آن می کردند کارهای بدی گفت ای قوم من این دختران من اند یعنی بگانه کنند این را با لیزه تراند

لَكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تَخْزَوْا فِي صَيفِي الْيَسْ مِنْكُمْ رَجُلٌ رَشِيدٌ

برای شما پس بترسید از خدا و در سوا مکنید مرا در باب همانان من آیا نیست از شما یکی مرد شایسته

قَالَ لَقَدْ عَلِمْتُ مَا لَكَ مِنْ حَقٍّ وَإِنَّكَ لَتَعْلَمُ مَا

گفتند هر آینه تو دانستی که چیست مرا در دختران تو حاجتی و هر آینه تو میدانی آنچه

رَبِّكَ قَالَ لَوْ أَنَّ لِي بِكَ قُوَّةٌ أَوْ آوِي إِلَى رُكْنٍ شَدِيدٍ قَالُوا

ای خداوند گفت اگر مرا بمقابلت شما قوت بود یا پناه گرفته بودم زور آور میزدی بر من فرشتگان گفتند

دل مترجم گوید یعنی بسبب غرض و تقی از بایک قوم لوط است مترجم گوید یعنی ایشان از او خوش و دوست بودند و عادت قوم مسلم بود پس خوف قتل پیدا شد و از اسلام تفسیر عثمانی عهده حقیقت ساره که در آنجا برای خدمت یا جهت کار دیگران بود از برداشتن شدن خوف شاد شد و خنده کرد - خداوی خنده دیگر از بختی تراد این عجز پسری (اسحق) از ذاتی میگنیم و از نسل وی بنام یعقوب نواده پسر یعقوب از یعقوب بنی اسرائیل که از اوقاف بزرگ دنیا است بوجه می آید این بشارت بر سره از آن جهت داده شد که ابراهیم علیه السلام قبل از این با جبره پسری بنام اسحق داشت و ساری خواست و بی خبری می داشت باشد از پسری نامیده شده بود بعضی علماء خندیدن سارها بودند و دیگر توجیه نموده اند که هر آنست که ایمان آوردیم علماء از او من در آنجا یعقوب است و لایل میگویند که حضرت اسمعیل ذبیح بود و اسحق را این کثیر علیه این چنان است که زمان در کاره می گویند که این ناتوان در اینجهت اولاد پیدا کرد و گویند ساره در آن وقت زود دو سال داشت و

این عجز پسری (اسحق) از ذاتی میگنیم و از نسل وی بنام یعقوب نواده پسر یعقوب از یعقوب بنی اسرائیل که از اوقاف بزرگ دنیا است بوجه می آید این بشارت بر سره از آن جهت داده شد که ابراهیم علیه السلام قبل از این با جبره پسری بنام اسحق داشت و ساری خواست و بی خبری می داشت باشد از پسری نامیده شده بود بعضی علماء خندیدن سارها بودند و دیگر توجیه نموده اند که هر آنست که ایمان آوردیم علماء از او من در آنجا یعقوب است و لایل میگویند که حضرت اسمعیل ذبیح بود و اسحق را این کثیر علیه این چنان است که زمان در کاره می گویند که این ناتوان در اینجهت اولاد پیدا کرد و گویند ساره در آن وقت زود دو سال داشت و



والمعنى بعد ۱۲  
 والمعنى بلاك كنهه ۱۲  
 والمعنى بلاك كنهه ۱۲  
 شهادته ۱۲  
 فويل للمعبدين ۱۲  
 يتركوا بيوتهم  
 والاعلام ۱۲  
 على من اضطراب و  
 على من اضطراب و  
 شهادته ۱۲  
 انهم يمشون باضطرار  
 وفساده ظلم الله  
 ايمكم انهم باك وبنه  
 كذا فيهم اي باي توان  
 بنات ياني دارد  
 كنهه ۱۲  
 هدي سار  
 در مقام صراحت آنها  
 در دوازده را شكسته يا  
 كوشش كرده اند از راه  
 ديده فرود آيند چنانچه  
 عليه السلام بفرمان الهي  
 بوطا جدا كرده بلندي  
 خود را اندكي بسوي آنها  
 حركت و دو قوم كود كور  
 شدند و بركهاره  
 فرياد بر آوردند و بركزار  
 بهائين بوطا سواران  
 بركزار عده بركزار  
 جمع عذاب فرودمي آيد  
 پاس از مشب نامده با  
 خاوه و خويش از اين جهان  
 سرفكر بر او است و را  
 هدايت ده تا بهشت بركزار  
 بركزار كدام بركزار بركزار  
 زوجهات يا قومي رود  
 يا بازي كرده بدين سلسله  
 در عذاب كيه قوم فرود  
 آمدند نيست بركزار  
 شود نوين اين دن  
 قوم را از دوزخ و بهائين  
 اذاع داده بود و  
 چركل اين ساكن  
 شرف از ديك آسمان  
 بركزار باين بركزار  
 خاوه باين بركزار  
 بركزار بركزار

يَلْعَبُ اَنَّا رَسُلُ رَبِّكَ لَن يَصْلُوَا الْبَلَاكُ فَاسْرِ يَا هَلَاكُ بِقُطْعٍ مِّنْ اَيْلٍ  
 ۱۱ سوط سر آينه فرستادگان پروردگار تو ايم بخوانند رسيد بنويس بيرگان خود را بهاره از مشب  
 ۱۱ سوط سر آينه فرستادگان پروردگار تو ايم بخوانند رسيد بنويس بيرگان خود را بهاره از مشب  
 وَلَا يَلْتَفِتْ مِنْكُمْ أَحَدٌ إِلَّا أَمْرًا تَكُنْ إِنَّهُ مُصِيبُكُمْ مَا أَصَابَكُمْ مِنْ  
 ۱۱ بايد كه واپس ننگرد بچس از شما الاذن تو كر رسيدني مست اورا آنچه رسيد باين قوم  
 ۱۱ بايد كه واپس ننگرد بچس از شما الاذن تو كر رسيدني مست اورا آنچه رسيد باين قوم  
 مَوْعِدٌ هُمْ الصَّبْحُ اَلَيْسَ الصَّبْحُ بِقَرِيبٍ فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا جَعَلْنَا عَلَيْهِ  
 ۱۱ بشارت ايشان وقت صبح است آيا صبح نزديك نيست پس چون آمد فرمان ما رسيدم زير آن را  
 ۱۱ بشارت ايشان وقت صبح است آيا صبح نزديك نيست پس چون آمد فرمان ما رسيدم زير آن را  
 سَافِرًا وَأَمْرًا عَلَيْهِمْ جَارَةٌ مِّنْ سَجِيلٍ مِّنْ صَوْمَةٍ عِنْدَ  
 ۱۱ زير آن و بارانيدم بر آنها سنگها از قسم سنگ گل نه بركزار نشان كرده شده نزديك  
 ۱۱ زير آن و بارانيدم بر آنها سنگها از قسم سنگ گل نه بركزار نشان كرده شده نزديك  
 رَبِّكَ وَمَا هِيَ مِنَ الظَّالِمِينَ بِبَعِيدٍ ۱۱ وَالْيَمِينِ اخَاهُمْ شَعْبًا قَالِ  
 ۱۱ پروردگار تو از اين سنگها نيستند دور از ستمگران و بسوي قوم مدين فرستادم برادر ايشان شبيب را گفت  
 ۱۱ پروردگار تو از اين سنگها نيستند دور از ستمگران و بسوي قوم مدين فرستادم برادر ايشان شبيب را گفت  
 يَقُومُ عَبْدُ اللَّهِ مَالَكُمْ مِنَ الْغِيَرَةِ وَلَا تَقْصُوا الْمِكْيَالَ وَالْبِيزَانَ  
 ۱۱ اسه قوم من عبادت كنند خدا را نيست شمارا بچس معبوده كرده و كم كنيد پيمانه و تر از دوز  
 ۱۱ اسه قوم من عبادت كنند خدا را نيست شمارا بچس معبوده كرده و كم كنيد پيمانه و تر از دوز  
 إِنِّي أَرْسَلْتُكُمْ بِخَيْرٍ وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُّحِيطٍ ۱۱ وَيَقُومُ  
 ۱۱ هر آينه من مي بفرست شمارا با سودي و هر آينه من مي ترسم بر شما از عذاب روز در گيرنده و اسه قوم من هم كين  
 ۱۱ هر آينه من مي بفرست شمارا با سودي و هر آينه من مي ترسم بر شما از عذاب روز در گيرنده و اسه قوم من هم كين  
 الْمِكْيَالَ وَالْبِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ هُمْ يَوْمُ  
 ۱۱ پيمانه و تر از دوز را بالضاوت و كم مرسايند بركزاران چيزي بانه ايشان را و بركزار كاري كنند  
 ۱۱ پيمانه و تر از دوز را بالضاوت و كم مرسايند بركزاران چيزي بانه ايشان را و بركزار كاري كنند  
 فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ۱۱ بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ ۱۱  
 ۱۱ در زمين فساد كنندگان ببقيه كه خدا ناسه سلاطه است بهتر است شمارا اگر پاوه دارند كين  
 ۱۱ در زمين فساد كنندگان ببقيه كه خدا ناسه سلاطه است بهتر است شمارا اگر پاوه دارند كين  
 مَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِخَفِيظٍ ۱۱ قَالُوا يَشْعِبُ أَصْلُكَ تَأْمُرُ أَنْ تَقْرَأَ مَا  
 ۱۱ بيم بر شما بركزاران گفتند اسه شبيب آيا با زانو مي رايه ترا كه بركزارم آنچه  
 ۱۱ بيم بر شما بركزاران گفتند اسه شبيب آيا با زانو مي رايه ترا كه بركزارم آنچه  
 بَعْدَ آبَاؤُنَا وَإِنْ تَفْعَلْ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ إِنَّكَ لَأَنْتَ الْحَلِيمُ  
 ۱۱ اي بركزاران بركزاران ايا بركزارم آنچه كنيم در ما بانه خود هر چه خواهيم هر آينه نمرود بركزاران  
 ۱۱ اي بركزاران بركزاران ايا بركزارم آنچه كنيم در ما بانه خود هر چه خواهيم هر آينه نمرود بركزاران  
 الرَّشِيدُ ۱۱ قَالَ يَقُومُ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُمْ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّنْ رَبِّي وَ  
 ۱۱ سوار و مقصود ايشان است بركزاران گفت اسه قوم من آيا بركزارم آنچه بركزارم از پروردگار خود و  
 ۱۱ سوار و مقصود ايشان است بركزاران گفت اسه قوم من آيا بركزارم آنچه بركزارم از پروردگار خود و  
 زُرْقِي مِّنْهُ رُحًا حَسَنًا وَمَا أَرِيدُ أَنْ أُخَالِفَكُمْ إِلَىٰ مَا أَنْهَأَكُمْ عَنْهُ  
 ۱۱ داده باشم من از جانب خود روزي نيك و دي خواهم كه خلافت كنم با شما بركزاران بركزاران  
 ۱۱ داده باشم من از جانب خود روزي نيك و دي خواهم كه خلافت كنم با شما بركزاران بركزاران  
 ۱۱ داده باشم من از جانب خود روزي نيك و دي خواهم كه خلافت كنم با شما بركزاران بركزاران



إِنْ أَرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ

اگر خواهم مگر اصلاح کاری تا بخواهم و نیست توفیق من مگر به خدا بروی توکل کردم

وَالْيَدِ أَنْ يُبَدِّلَ مَا يَشَاءُ اللَّهُ مِنْ أَمْرٍ وَلَا يَمْنَعُ الْغِنَى

و ای دست از آنکه بخواهد آنچه خدا بخواهد از امری و نه مانع فقر

وَمَا يَكُنْ لَكُمْ فِيهِ جُنَاحٌ أَوْ قَوْلٌ يُنَادَى بِهِ يُؤْمَرُ بِحَوَالِهِمْ إِذْ يَقُولُ

و نه باشد بر شما در آن گناه یا کلامی که خوانند بر او بگویند که بگویند

وَمَا يَكُنْ لَكُمْ فِيهِ جُنَاحٌ أَوْ قَوْلٌ يُنَادَى بِهِ يُؤْمَرُ بِحَوَالِهِمْ إِذْ يَقُولُ

و نه باشد بر شما در آن گناه یا کلامی که خوانند بر او بگویند که بگویند

وَمَا يَكُنْ لَكُمْ فِيهِ جُنَاحٌ أَوْ قَوْلٌ يُنَادَى بِهِ يُؤْمَرُ بِحَوَالِهِمْ إِذْ يَقُولُ

و نه باشد بر شما در آن گناه یا کلامی که خوانند بر او بگویند که بگویند

وَمَا يَكُنْ لَكُمْ فِيهِ جُنَاحٌ أَوْ قَوْلٌ يُنَادَى بِهِ يُؤْمَرُ بِحَوَالِهِمْ إِذْ يَقُولُ

و نه باشد بر شما در آن گناه یا کلامی که خوانند بر او بگویند که بگویند

وَمَا يَكُنْ لَكُمْ فِيهِ جُنَاحٌ أَوْ قَوْلٌ يُنَادَى بِهِ يُؤْمَرُ بِحَوَالِهِمْ إِذْ يَقُولُ

و نه باشد بر شما در آن گناه یا کلامی که خوانند بر او بگویند که بگویند

وَمَا يَكُنْ لَكُمْ فِيهِ جُنَاحٌ أَوْ قَوْلٌ يُنَادَى بِهِ يُؤْمَرُ بِحَوَالِهِمْ إِذْ يَقُولُ

و نه باشد بر شما در آن گناه یا کلامی که خوانند بر او بگویند که بگویند

وَمَا يَكُنْ لَكُمْ فِيهِ جُنَاحٌ أَوْ قَوْلٌ يُنَادَى بِهِ يُؤْمَرُ بِحَوَالِهِمْ إِذْ يَقُولُ

و نه باشد بر شما در آن گناه یا کلامی که خوانند بر او بگویند که بگویند

وَمَا يَكُنْ لَكُمْ فِيهِ جُنَاحٌ أَوْ قَوْلٌ يُنَادَى بِهِ يُؤْمَرُ بِحَوَالِهِمْ إِذْ يَقُولُ

و نه باشد بر شما در آن گناه یا کلامی که خوانند بر او بگویند که بگویند

وَمَا يَكُنْ لَكُمْ فِيهِ جُنَاحٌ أَوْ قَوْلٌ يُنَادَى بِهِ يُؤْمَرُ بِحَوَالِهِمْ إِذْ يَقُولُ

و نه باشد بر شما در آن گناه یا کلامی که خوانند بر او بگویند که بگویند

وَمَا يَكُنْ لَكُمْ فِيهِ جُنَاحٌ أَوْ قَوْلٌ يُنَادَى بِهِ يُؤْمَرُ بِحَوَالِهِمْ إِذْ يَقُولُ

و نه باشد بر شما در آن گناه یا کلامی که خوانند بر او بگویند که بگویند

وَمَا يَكُنْ لَكُمْ فِيهِ جُنَاحٌ أَوْ قَوْلٌ يُنَادَى بِهِ يُؤْمَرُ بِحَوَالِهِمْ إِذْ يَقُولُ

و نه باشد بر شما در آن گناه یا کلامی که خوانند بر او بگویند که بگویند

وَمَا يَكُنْ لَكُمْ فِيهِ جُنَاحٌ أَوْ قَوْلٌ يُنَادَى بِهِ يُؤْمَرُ بِحَوَالِهِمْ إِذْ يَقُولُ

و نه باشد بر شما در آن گناه یا کلامی که خوانند بر او بگویند که بگویند

عنه که گشتن من  
و نهست که حال دنیا و  
دینش اصلاح شود  
گوشش کند از حقیقت  
ذلت خلق و بزرگو  
ایمان در زمان نایز  
شود مقصد من جز  
اصلاح نیست در  
ای حال باندازه  
توان و استطاعت  
خویش ازین نمی گذم  
اما ای که سخن من است  
شود و در گوش خود  
کایب گردم هر چه  
نصرت خدای پاک  
است به توفیق و  
امداد همایون  
میشود توکل من کفایت  
اوست و در هر کاری  
به وی رجوع می کنم  
عنه از افراط به  
حدیث و مشق با  
کاری کند که بران  
اقوام سلف خویش  
را مستوجب عذابی  
گردانید که موجب  
بربادی می شود  
عذابی که به شامت  
نگذیرد و شقی برات  
نوح اهورا صاحب زنده  
مخفی نیست مخصوصاً  
داستان قوم لوط که  
پس از همدان است  
نزدیک واقع شده  
آزاده شاست نظایر  
آنرا از یاد میرسد  
آن من هر چند در  
آن گشته گناه کرده  
و بسیار شقی باشد  
چون از حد حق می آید  
آگاه می باز گردد  
و بخشایش طلبید  
کلامی که می آید  
و در پیش دارد و  
بر جان بسته اند  
عذاب و خفای حق می  
میشود و

و نه باشد بر شما در آن گناه یا کلامی که خوانند بر او بگویند که بگویند



فَرْعُونَ وَمَا أَمْرُ فِرْعَوْنَ بِرَشِيدٍ ۱۰ يَقْدُمُ قَوْمَهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ

فرعون را دین خود فرعون برادر است / فرعون را دین خود فرعون برادر است

فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ وَيُسَّ الِوَرْدِ الْمَوْرُودِ ۱۱ وَاتَّبِعُوا فِي هَذِهِ لَعْنَةَ

پس برآورد ایشان را آتش و بد جایست که دارند آن شدند و درخ / پس برآورد ایشان را آتش و بد مکانی است که دارند آن شدند (دورخ) عهده دار بی در آنده شدند فرعون و قوادین

وَيَوْمَ الْقِيَمَةِ يَكُنُ الرَّفْدُ الْمَرْفُودِ ۱۲ ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْقُرْآنِ نَقُصُّهُ

و در روز قیامت نیز بد جایست که داده شده بر ایشان / این از اخبار و بیهاست گری خوانیم آثرا

عَلَيْكَ مِنْ قَائِمٍ وَحَصِيدٍ ۱۳ وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ

بر تو بگفته از آن بایستی و برقی از آن بریده / وستم بگویم ایشان را و میکن ایشان سم کردند بر خود ایشان

فَمَا أَعْنَتُ عَنْهُمْ الْبَهِيمَةُ الَّتِي يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ لَهَا

پس هیچ دفع نکردند از ایشان سمیودان ایشان که میخواهند / پس هیچ دفع نکردند از ایشان سمیودان ایشان که میخواهند

جَاءَ أَمْرُ رَبِّكَ ۱۴ وَوَمَا زَادَهُمْ إِلَّا تَتَنَبَّيْ ۱۵ وَكَذَلِكَ أَخْذُ رَبِّكَ إِذَا

آمد فرمان پروردگار تو / و نه افزودند ایشان را بجز بلامی / و هم چنین است گرفتار کردن پروردگار تو چون

أَخَذَ الْقُرْآنُ وَهِيَ ظَالِمَةٌ إِنَّ أَخْذَهُ إِلَيْهِمْ شَدِيدٌ ۱۶ إِنَّ فِي ذَلِكَ

در گرفت کند دین بار و آنها سمکار باشند هر آنچه گرفت و سه درود شده تحت است هر آنچه درین سخن

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ خَافَ عَذَابَ الْآخِرَةِ ۱۷ ذَلِكَ يَوْمَ مَجْمُوعٍ لَهُ النَّاسُ وَ

نشانه است که را که ترسیده است از عذاب آخرت آن روز روزیست که جمع کرده شوند در آن مردمان و

ذَلِكَ يَوْمَ مَشْهُودٍ ۱۸ وَمَا تَوْخِيفُ إِلَّا إِلَاجٌ مَعْدُودٌ ۱۹ يَوْمَ يَأْتِ

آن روز روزیست که همه حاضر شوند در دین و موقوف فی دایم آنرا مگر نماند متعین / روزی که بیاید

لِكُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ ۲۰ فَسَمْعُ شَقِيٍّ وَسَعِيدٍ ۲۱ فَمَا لِلَّذِينَ شَقُوا

سخن بگوید هیچ کس مگر بدستوری حق پس بعضی ایشان بدست بمانند و بعضی نیک بخت اما آنکه بدست بمانند

فَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ النَّارِ ۲۲ فَسَمْعُ شَقِيٍّ وَسَعِيدٍ ۲۱ فَمَا لِلَّذِينَ شَقُوا

پس در آتش باشند ایشان را آنچه آید و نرسد و نماند / و نمانند جاویدان آنجا مدت بقای آنها

وَالْأَرْضُ الْأَمَّا شَاءَ رَبِّكَ ۲۳ إِنَّ رَبَّكَ فَاعِلٌ لِمَا يُرِيدُ ۲۴ وَامَّا

در زمین مگر آنچه خواهد پروردگار تو هر آنچه بدست بمانند و نماند / و نمانند جاویدان آنجا مدت بقای آنها

الَّذِينَ سَجَدُوا فِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمُوتُ وَالْأَرْضُ ۲۵

آنکه نیک بخت کرده شدند پس در بهشت بمانند جاویدان آنجا مدت بقای آنها / در زمین

درین جهان امام کفر و  
تکذیب بود و در آنجا  
نیز جهان باشد کسایت  
در دنیا کور کورانه  
تعلیم ادبی بود و اعتقاد  
به تعقیب او در آنجا  
تا منزل آخرین روز  
برسد و در آن  
جایست که بگویند  
آب سرد آتش سرد  
دارد - عهده داران  
بای مل باستان  
بنا شده کعبه  
به تکذیب پیغمبران  
بود اعتقاد گستاخی  
نمودند و چگونه تیار  
شدند ماسن بعضی  
مانند مهر که مقام  
فرعون بود تا بنزد  
آباد است منازل  
برخی مانند قوم لوط  
و بران شده و قلیا  
آن بحال خواب بر  
جاست و بختی  
چنان از بخت و دین  
مانند که بر صفت  
بسی نشانی از این  
باقی نماند پس خدا  
بجای گنای را  
مواخذه نمیکند تا  
بر حضرت او مملون  
ستم رود چون آنها  
خود را در کتاب جبرام  
از حد تجاوز کردند و  
کلی خویش را متحق  
سزا گردانیدند عذاب  
خدا فرود آمد نگاه کند  
معبودانیک بر آنها  
اعتلا قوی داشتند  
و از آن با قوت  
بزرگ می نمودند و  
معصیت بپنج بار  
شان بنامند و الله  
از معبود ملل صغار  
ساخته می شد و بر کس  
باید ملک می گردیدند  
چون آنها را ملک سود و نیاورد











یوسف بنی لا تقصص رویا علی اخوتک فیکیدوا لک کیدا

همچو کنند گفت است پسرک من بیان کنی خواب خود را پیش برادران خود که آنگاه اندک کنند در حق تو خصل  
سجده کنان گفت است پسرک من بیان کن خواب خویش را بر برادرانت که اندک کنند در حق تو خصل

ان الشیطن لا لسان عدو قهین و کذلک یجتنبک سرک و

هر آینه شیطان آدمی را دشمن آشکار است و چنانکه خواب تو نمودیم چنین برگزید ترا برادر و کار تو و  
الشیطن آدمی را دشمن آشکار است و بدین سان بر تو گزید ترا برادر و کار تو و

یعلیک من تاویل الاحادیث و یتیم نعمت علیک و علی ال یعقوب

پایه ز ترا از علم تاویل الاحادیث یعنی تعبیر رویا و کام کند نعمت خود را بر تو و بر فرزندان یعقوب  
پایه ز ترا از تعبیر خواب با دهم کند نعمت خویش را بر تو و بر آن یعقوب

کما اتهم علی ابویک من قبل ابرهیم واسحق ان سرک علیهم

چنانکه تمام کرد آن را بر پدر و جد تو پیش ازین ابراهیم و اسحق هر آینه برادر و کار تو و دانا  
چنانکه تمام کرد آن را بر پدر و جد تو پیش ازین ابراهیم و اسحق هر آینه برادر و کار تو و دانا

حکیم لقد کان فی یوسف و اخوته آیت للسائلین اذ قالوا

استوار است هر آینه هست در قصه یوسف و برادران او نشان ها سوال کنندگان را چون گفتند که  
حکمت است هر آینه هست در داستان یوسف و برادران وی نشان ها برای پرسندگان عه چون گفتند

لیوسف و اخوه احب الی ابینا منا و نحن غصبه ان ابانا انفی ضلل

یوسف و برادر حقیقی او دوست تراند نزدیک پدر ما از ما و ما چنانچه ایم هر آینه پدر ما در خطای  
ابو یوسف و برادر اعمالی وی دوست تراند نزد پدر ما از ما و مردم توانیم هر آینه پدر ما در خطای

همین اذ قالوا یوسف اطر حوه ارضنا یغل لکم و جاب ایتهم و کونوا

همچو است گفتند یوسف را یا باغچه بش زمین غیر معلوم تا خالی شود بر آن شما و بر شما دانا با شعله  
آشکار است بگشاید یوسف را یا باغچه بش در زمین تا خالی باشد شما و بر پدران تان و با شعله

من بعدة و ما صلحین قال قابل قمنه لا تقبلوا یوسف و القوة

بعد از این گروهی شانه می توید کنید گفت گویند از ایشان کشید یوسف را و با بگشایدش  
پس از وی گروهی شانه می گفت گویند از ایشان کشید یوسف را و با بگشایدش

فی غیبت الحب یلک قطه بعض السیارة ان کنتم فاعلین و قالوا یا انا

در جاه تاریک تا برگردد او را بعضی سواران اگر کنند بکشید گفتند است پدر ما  
در قوچایی تا فراگردش بعضی ره گزریان اگر کنند بکشید گفتند است پدر ما

مالک لا تمنا علی یوسف و انا له لکنا صحن و ارسل معنا غلاما یترع

پسیت حال تو که امین می پنداری ما را بر یوسف و هر آینه ما و او را یک خوابیم بفرست او را با ما و او را سیوه و سیار حور  
پسیت ترا که امین پنداری ما را بر یوسف و ما و او یک خوابیم بفرست یوسف را با ما و او را سیوه و سیار حور و دیوه

و بلغ و انا له الحفظون قال ابی لیجزنی ان تذهبوا به و اخاف

و باز کرد و هر آینه ما و او را نگاه داریم گفت بر آینه اندک بپوشی کند مرا و من بپوشدش و می ترسم  
و باز کرد و هر آینه ما و او را نگاه داریم گفت یعقوب بر آینه اندک بپوشی کند مرا که شما بر پدرش ازین من و می ترسم

ان یتاکله الذئب و انتم عن غفلون و قالوا الین اكله الذئب و

از آنکه بخورد او را گرگ و شما از دوسه بپوشید گفتند اگر بخورد او را گرگ و  
که بخورد او را گرگ و شما از دوسه بپوشید گفتند اگر بخورد او را گرگ و

نحن غصبه ان اذ الخسرون فلما ذهبوا به و اجمعوا ان یجعلوه

ما می کشیم ایم هر آینه ما و او را نگاه داریم با هم پس چون بر پدرش و غنیمت کردند که با بگشایدش  
ما می کشیم ایم هر آینه ما و او را نگاه داریم با هم پس چون بر پدرش و غنیمت کردند که با بگشایدش

تألفهم من شانه یوسف و انا له لکنا صحن و ارسل معنا غلاما یترع

ما می کشیم ایم هر آینه ما و او را نگاه داریم با هم پس چون بر پدرش و غنیمت کردند که با بگشایدش  
ما می کشیم ایم هر آینه ما و او را نگاه داریم با هم پس چون بر پدرش و غنیمت کردند که با بگشایدش

یوسف در سر گذشت  
یوسف و برادرانش  
کسانی که خواستند  
او را که چنین و چنان  
تجربه کردند با آنها  
و قدرت پیدا کرد  
بر شنیدن آن قدرت  
و علم عظیم الهی در دل  
با نقش بند و صدا  
حقیقت پیوسته با نجات  
رسیده ثابت کرد که  
حضرت یوسف را وصف  
آنکه ای پسر دانا  
کتاب و آموزگار  
استفاده می کرد  
حقایق شریع و فطرت  
آنکه در آن عالم  
موج و تگر و مشکاف  
می خواید خاصه بفرست  
کند که بر تو یک پیوست  
و این بده از حضرت  
سوال نمود و پدید آمد  
این داستان در میان  
طبیعت انچه است  
چنانکه یوسف را  
برادرانش از خانه  
بدر نمودند از خواص  
به کشتن و جلای او از  
وطن با هم نشو و کرد  
هر گونه رنجها رسانیدند  
و رمانت و استغاث  
و ای کوچک ترین فرد  
و کلماتی بگویند حقیقت  
رضای فرارسید که  
باز آید خدای متعال  
یوسف را بامانات  
در این جهان و آن  
جهان برگزید و ای  
شکوهت و توانایی  
از نگاه برادران چشم  
پوشید با سینه فراخ  
تا آنکه بپوشد شانه  
بپوشید چمن اقام  
احضرت یوسف را  
یوسف در سر گذشت



عنه مفران در ضمن  
سخنان درو از بزرگوار  
آوردی و گوی کنند که  
سنگ از آن بنامی  
آید با خدای دانند که تا  
بکار است است قوت  
کرم با عباد الله  
خاص خود این همه  
تقصیلات را شایان  
ذکر در ذوق انصافی  
دانند بر اہمیت  
این جزئیات  
مربوط نیست  
قرآن بخواند  
ہای سامعین خویش  
را بر وقت آورد و لا یشک  
مشد آن خاص را بیان  
و طرآن باشد قرآن  
عادت ندارد کہ با این  
عامه نظیر در وقت  
عادی را کہ کا ضرر  
مسلمان حتی حیوانات  
نیز طبعاً در آن متشنج  
مورد توجه شد قرار  
دہد و این جائز نیست  
تمام واقعات ۱۳  
متضمن حذف ۱۲  
و انجام سخن بیان  
شد یعنی برادران  
یوسف را بہ لطایف  
الخیل از نزد پدر  
برند و چنانکہ قرار  
دادہ بودند آنادہ شد  
کہ ہر چاہش میکنند  
در آن وقت بطوریکہ  
بچشم نماند یوسف  
اشارہ کردیم بہ پریشان  
مشوہ روزی بیاید کہ  
این ہمہ اہل مہادیو  
آری و تو بچنان معانی  
بلند ناز گوی کہ تہ  
رسدہ نتواند و از  
طول عہد ترا نشاند  
تفصیل این مسئلہ کہ  
اشدت خدای در  
غاب بود یا بیاداری  
بطریق الہام بود یا بواسطہ

فی غیبت الحب و اوحینا الیہ لتنبئہم بامرہم هذا و ہم لا یسعون  
در چہ تاریک و وحی فرستادیم بوسے او کہ البتہ جزو اوحی ساخت ایشان را باین اجرائے الین و الین از ایشان نشاند  
و انہ کریم و وحی فرستادیم بوسے او کہ البتہ آگاہ گردان ایشان را باین کارشان و انہا نشاند  
و جاء و اباهم عشاء یبکون ۱۰ قالوا یا انا انما ذهبنا لشیق و ترکنا  
و آمدند پیش پدر خود شبانہا غمگینان گفتند اے پدر ما ہر آئینہ بخود کردیم در مسافرت و گذاریم  
و آمدند نزد پدر خود شبانہا غمگینان گفتند ای پدر ما ہر آئینہ بخود کردیم بوسے می کریم بر یکدیگر و گذاریم  
یوسف عند متاعنا فاکلہ الذئب و ما انت بہؤمن لنا و لو کنا  
یوسف را نزدیک رخت خویش پس بخورد و اگر گرس و یسوی کو باور دارند ما اگر ہم بہستیم  
یوسف را نزد رخت خویش پس بخورد و اگر گرس و یسوی کو باور دارند ما اگر ہم بہستیم  
صدیقین ۱۱ و جاء و علی قیصرہ بد و کذب قال بل سؤلتکم  
راست گو و آوردند بالائے قیصر او خون دروغ گفتے بلکہ آراستہ است برای شما  
راست گویان و آوردند بر بیزاب او خون دروغ گفتے بلکہ آراستہ است برای شما  
انفسکم امرافق صابر جمیل و اللہ المستعان علی ما تصفون ۱۲ و  
نفس شما تدبیرے را پس کار من صبر نیک است و خدا مدد طلبیدہ میشود ازو سے برا بچہ شما بیان می کند و  
نفس او سے شما تدبیرے را پس کار من صبر نیک است و خدا مدد طلبیدہ میشود ازو سے برا بچہ شما بیان می کند و  
جاءت سبابة فارسلوا و اردهم فادلی دلوۃ قال یبشری هذا  
آمد کار دانستے پس فرستادند سقائے خود را پس انداخت دلو خود گفت اے مزہ این  
آمد کار دانستے پس فرستادند سقائے خود را پس انداخت دلو خود گفت اے مزہ این  
علموا سبابة بضاعة و اللہ علیم بما یعملون ۱۳ و شرۃ بہمن بخس  
تو جوائے است و اہل فائدہ پنہاں سا عقند اورا سرمایہ داشتہ و خدا داناست با بچہ می گردند و برادران خود عقندت بہما  
تو جوائے است و پنہاں سا عقند اورا سرمایہ داشتہ و خدا داناست با بچہ می گردند و عقند اورا بہ ہای ناخوش  
در اہم معدودۃ و کانوا فیہ من الزاہدین ۱۴ و قال الذی اشترى  
در بے چند ہنرہ شدہ و بودند در باب یوسف از بے رغبتان و گفت بچہ کہ خرید یوسف را  
در بے چند ہنرہ شدہ و بودند در شان یوسف از بے رغبتان و گفت بچہ کہ خرید یوسف را  
من مصر لایم اتہ اگر ہی مشوہ عس ان یتفعنا و نخرجہ و لایم  
از اہل مصر بزن خود گرامی دار جائے اورا شاید کہ بفع دہد ما را یا فرزند گیم اورا و  
از اہل مصر بزن خود گرامی دار جای اورا شاید کہ بفع دہد ما را یا فرزند گیم اورا و  
کذلک مکتا یوسف فی الارض و لتعلمنہ من تاویل الاحادیث  
بہم چنین قرار دادیم یوسف را در ان زمین و تا بیا سوزیم اورا از علم تاویل الاحادیث  
بہم چنین جائے دادیم یوسف را در زمین مصر و تا بیا سوزیم اورا از علم تاویل الاحادیث  
اللہ غالب علی امرہ و لکن اکثر الناس لا یعلمون ۱۵ و لما بلغ أشد  
خدا تواناست بر امر خود و لیکن اکثر مردمان نمیدانند و چوں رسید یوسف بہایت قوت خود  
خدا غالب است بر امر خود و لیکن بیشتر مردمان نمیدانند و چوں رسید بقوت خود  
اتینہ حکما و علما و کذلک نجزی للمحسنین و راودۃ التي  
دادیم اورا دانای و علم و ہم چنین جزا میدیم بیکو کاران را و گفت و شنید کردہ یا یوسف زنے کہ  
دادیم اورا دانای و علم و ہم چنین جزای دیم بیکو کاران را و طلب کردہ از یوسف زنے کہ  
هو فی بیتنا عن نفسه و غلقت الابواب و قالت ہیت لك ما قال  
او در خانہ اش بود تا بگذرد از حفظ خود و این کنایت از طلب جاس است و بہست در بار او گفت پیش آ گفت  
او در خانہ اش بود از نفس او دبست و در بار او گفت پیش آ گفت  
غاب بود یا بیاداری  
بطریق الہام بود یا بواسطہ



مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ زَنَىٰ أَحْسَنَ مَثْوًى إِنَّهُ لَا يَفْلَحُ الظَّالِمُونَ ۝ وَلَقَدْ

فرمان بخدا این شخص صاحب من است بنکوحاشا جائے مراد بر آئینه رستگار می شوند ظالمین و هر آینه

بدرستی که بخدا بد رستگار او صاحب من است بنکوحاشا جای مرا بد رستگار رستگار می شود ستم کاران و هر آینه

هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنَّ رَأْيَ رَّبِّهِ مَكَّنَّ لَكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ

تصد کرد آن زن بوسه یوسف و قصد کرد یوسف بسوخته او اگر نه بودی که دیدی یوسف و کین بود و کار خود را بچنین رویه باز کرد و

السُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ ۝ وَاسْتَبَقَا الْبَابَ

بدی دے چنانچه را هر آینه دے از پس دران خالص کرده است و باید که بگرفتند یوسف دروازه

وَقَدَّتْ قَيْصُصَهُ مِنْ دُبُرٍ وَأَلْفَيْ سِدِّهَا لَدَا الْبَابَ قَالَتْ فَاجْرَأْ مِنْ

و دید آن زن پیر این یوسف را از پس پشت و یافتند شوهر زن را از نزدیک دروازه گفت بپشت چنانچه سید

أَرَادَ بِأَهْلِكَ سُوءًا إِلَّا أَنْ يُسَبِّحَ أَوْ عَذَابُ إِلِيمٍ ۝ قَالَ هِيَ رَأودَتْنِي

خواست باشد باین تو کار بد مگر آنکه بزدان کرده شود یا عذوبه در دستان یوسف گفت این زن گفت شنیدم که با من

عَنْ نَفْسِي وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِّنْ أَهْلِيَاءِ إِنْ كَانَ قَيْصُصُهُ قَدْ مَنَّ

از غافل کند مرا از محافظت نفس من و گواهی داد گواهی از بندگان زن که اگر هست پیر این یوسف در دیده از پیش

فَصَدَقَتْ وَهُوَ مِنَ الْكَذَّابِينَ ۝ وَإِنْ كَانَ قَيْصُصُهُ قَدْ مَنَّ

پس این زن راست گفته است و یوسف از دروغ گویاست و اگر هست پیر این او در دیده از پشت

فَكَذَّبَتْ وَهُوَ مِنَ الصَّادِقِينَ ۝ فَلَمَّا رَأَىٰ قَيْصُصُهُ قَدْ مَنَّ

پس این زن دروغ گفته است و یوسف از راست گویان است پس شوهرش چون دید پیر این را در دیده از پیش گفت این بفری

مَنْ كَيْدُكَ إِنْ كَيْدُكَ عَظِيمٌ ۝ يُوسُفُ اعْرِضْ عَنْ هَذَا سَعَىٰ

از کجاست این زن هر آینه مگر شما است زان بزرگ است اے یوسف در گذر از این ماجرا

وَاسْتَغْفِرِي لِذَنبِكِ لِإِنَّكَ كُنتِ مِنَ الْخَاطِئِينَ ۝ وَقَالَ نِسْوَةٌ

دای زن طلب آمرزش کن برائے گناه خود هر آینه تو بوده از خطا کنندگان و گفتند زانان چند

فِي الْمَدِينَةِ امْرَأَاتُ الْعَزِيزِ تَرَ آدَمَ فَمِنْ هُنَّ نَفْسٌ قَدْ شَغَفَهَا حُبُّ

در شهر کن عزیز گفت در شنید میگند با تو جوان خود تا غافل کند او را از حفظ نفس خود هر آینه به نفس جاگرفته است از دوسری

أَنَّ لَهَا فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ۝ فَلَمَّا سَمِعَتْ بِمَكْرِهِنَّ أَرْسَلَتْ إِلَيْهِنَّ

بر آینه ای چشم او را در گمراهی ظاهر پس چون شنید زن عزیز غیبت ایشان را آدم فرستاد بسوخته ایشان

وَأَعَدَّتْ لَهُنَّ مَتَّكَ وَأَنْتَ كُلِّ وَاحِدَةٍ مِّنْهُنَّ يَسْكُنُ وَاقِلَتِ

و بهار کرد برائے ایشان مجلس و داد هر یک را از ایشان کار دے و گفت

وَأَعَدَّتْ لَهُنَّ مَتَّكَ وَأَنْتَ كُلِّ وَاحِدَةٍ مِّنْهُنَّ يَسْكُنُ وَاقِلَتِ

دل بی خیانت داد  
تو اتم کرد و دل بی  
صورت یعقوب حاضر  
شد انگشت را بدینا  
گرفت ۱۲  
تفسیر عثمانی  
۵ پناه بخدا هرگز  
چنین کاری نخواهم کرد  
عزیز مرے من است  
عزیز عزیزت و  
آسایش نگهداشته  
چگونه من به چنگ و  
ناموس کسی بردارم  
که من احسان خود  
عمن کش ستم دار روز  
خوشی و روی کاسیانی  
ز بنده کسیک تریه  
گفته ظاهری را  
چنین رعایت نماید  
باید از پروردگار حقیقی  
چونقدار جدا کند و اگر  
عزیز عزیزت خویش  
تر میت فرموده و دست  
خود را برای خدمت  
آسایش من برگداشته  
و تعبیر بعضی مفسرین نیز  
۵ اندیش را با بری خدای  
شکلی را به دانسته اند  
او را بر این اینه با شک  
پیر این چیست و کجاست  
که یوسف از زن بزرگ من  
چون بزرگ خود فرود چنان  
۹ چه در خدا را و چه  
۱۲ هر گاه می رسیده بود  
سعد و با تمام حقیقت  
شد لب لب من کشود و  
گفت او خواست نفس  
مرا از راه بیرون کند  
عزیزم و خوشتر را  
نجات دادم در این  
گفت و گو و ند که گواهی از  
قاندان ز بخار طبعی  
یوسف بلای ز شگفت  
گواهی داد از بنده  
روایات بری آید و  
کودکی بخواره بود که  
را اله و اله اعلم ۱۲



فلانی مشورت کرده  
که یوسف را بزنند  
بایک دانا نزدیک  
مردمان برات زینجا  
ظاهر شود ۱۲-

تفسیر عثمانی

عنه زینجا زان مذکور  
را بهمانی خوانده غلطی  
براز احمه و آخره کسر  
دور سفر و چیزه بود  
که با کار خورده می شد  
بدست بر زن کاروی  
دادا و خوردن آن  
زمت انتظار میدادند

چون این همه میباشند  
به یوسف گفت تبارک  
آید یوسف برآمد دور  
حالی که عذاروی چون  
آفتاب می درخشید  
زنان بجزه دیدن جمال  
یوسف از خود رفتند  
و بجای میوه و مسکن  
خوش را بریدند  
تیز سیل جدا گانیم  
بود که بر صداقت  
و نزاهت یوسف

آهسته زینرا  
در حالی که زان قاشقی  
بیک جلوه جمال بے  
مثال یوسف از خود  
رفتند و یوسف از کار

جانی بی بر آن ما  
نیفتند پس حرم است  
که چون زینجا از قلابه  
بال و دلا داده و غفلت  
شد یوسف مانع فرست  
بے گناه و امن بخت  
خویش را سباده از آن  
آزمون گاه مشرباک  
بر آمد عه زینجا چون  
رنگ آنها را دید به  
الهام حقیقت پرداخت  
و گفت بدون عقیدین  
میخواهم دل وی را مید  
نایم لایوسف چنان  
استوار نگاه میش کرد که  
بیایه صورت من ندا افتادند باین صورت ده نفر یکی از زمان شمر برای اظهار کمال عصمت و عفت و شهبای توهمیت و طهارت یوسف یک نور قوت اقبال بود

اخرج عليهن فلما راينه اكبرنه وقطعن ايديهم وقطن حاش

اے یوسف بیرون آی بر این زنان پس چون دیدنش بزرگ یافتندش و بریدند دست و پایش و گفتند پاک است  
اے یوسف بیرون آی بر این زنان پس چون دیدندش بزرگ یافتندش و بریدند دست و پایش و گفتند پاک است

الله ما هذا بشرا ان هذا الا ملك كريم قال فذليكن الذي

خدا نیست این نوجوان آدمی نیست این شخص مگر فرشته گرامی زن عزیز گفت ایست ۷  
خدا نیست این نوجوان آدمی نیست این شخص مگر فرشته گرامی گفت زن عزیز ایست ۸

لنتنفي فيه ولقد راودته عن نفسه فاستعصم ولو لئن لم

طاعت کرده بودید مرا در عشق و سه و چهار آینه گفت و شنید کردم با دستان باغی که از حفظ نفس وی پس نگاه داشت خود را در  
طاعت کرده بودید مرا در عشق و سه و چهار آینه گفت و شنید کردم با دستان باغی که از حفظ نفس وی پس نگاه داشت خود را در

يفعل ما امره ليسجن وليكونا من الصغرين قال رب اليسجن

نقند آنچه می فرمایم او را البتہ بزدان کرده شود و البتہ باشد از عوارض دکان یوسف گفت اے پروردگار من زندان  
نقند آنچه می فرمایم او را البتہ بزدان کرده شود و البتہ باشد از عوارض دکان یوسف گفت اے پروردگار من زندان

احب الي مني اذ عوني اليه والا تصرف عني كيدهن اصاب

دوست تراست نزدیک من از آنچه میخواهند مرا بپوشان آن و اگر گویا زنادی از من فریب این زنان را البتہ من کنم  
دوست تراست من از آنچه میخواهند مرا بپوشان آن و اگر گویا زنادی از من فریب این زنان را البتہ من کنم

اليهن واكن من الجهيلين فاستجاب له ربه فصرف عنه

بایشان و با دشمن از نادان پس قبول کرد دعای او و پروردگار او پس باز داشت از یوسف  
پس قبول کرد دعای او و پروردگار او پس باز داشت از یوسف

كيدهن ان الله هو السميع العليم ثم بد الهمم من بعد ما راوا الاية

فریب ایشان را بر آینه دے شنود اناست باز ظاهر شد آنچه را بعد از آن که دیدند بودند نشان با  
فریب ایشان را بر آینه دے شنود اناست باز ظاهر شد آنچه را بعد از آن که دیدند بودند نشان با

ليسجنه حتى حين ودخل معه السجن فتيان قال احدهما

که البتہ بزدان در آورند او را نادمی فل و دامل شدند بزدان همراه یوسف و دو جوان یکی از ایشان گفت  
بر پای یوسف که البتہ بزدان در آورند او را نادمی و در آمدند با وی بزدان دو جوان گفت یکی از ایشان

اني اذ نيتي اعصر خمرًا وقال الآخر اني ارسني احملا فوق راسي

بر آینه خواب می بینم خود را کی افشارم آب انگور و دیگر گفت که بر آینه خواب می بینم خود را که بر دوشم تمام بر سر خود  
بدستیک من می بینم خود را در خواب که می افشارم انگور را و گفت دیگری بدستیک من می بینم خود را بر سر دلم بر سر خود

خبر انا كل الطير منه يذعن ابتا و يله انا نراك من المحسنين

تاخه که مرغان از آن میخورند خبر دار کن ما را بهیچ این خواب بر آینه ما می بینم ترا از شیو کاران  
تاخه که مرغان از آن میخورند خبر دار کن ما را بهیچ این خواب بر آینه ما می بینم ترا از شیو کاران

قال لا ياتيكما طعام تزرعنه الا نبتا تكما ابتا و يله قبل ان ياتيكما

گفت نخواهد آمد به شما هیچ طعامی که داده میشود آن را بپاشید در خاک مگر خبردار که شما را بهیچ این خواب بر آینه ما می بینم ترا از شیو کاران  
گفت نخواهد آمد به شما هیچ طعامی که داده میشود آن را بپاشید در خاک مگر خبردار که شما را بهیچ این خواب بر آینه ما می بینم ترا از شیو کاران

ذليكما ماعلمي ربي اني تركت ملة قوم لا يؤمنون بالله

این بجز اینان بخیل است که آموخته است مرا پروردگار من هر آینه من ترک کردم گیش قوم که ایمان نمی آرند بخدا  
این که گفت شما از آن چیزه است که آموخته است مرا پروردگار من هر آینه من ترک کردم گیش قوم که ایمان نمی آرند بخدا

وهم يا اخوة هم كفرون واتبع ملة ابائي ابراهيم

و ایشان با خیرت نامعتقد اند و پیروی کردم گیش پدران خود ابراهیم  
و ایشان با خیرت نامعتقد اند و پیروی کردم گیش پدران خود ابراهیم

و ابراهيم



وَالْحَقُّ وَيَعْقُوبُ مَا كَانَ لَنَا أَنْ نُشْرِكَ بِاللَّهِ مِنْ شَيْءٍ أَذْكَاءَ

فَصِّلِ اللَّهُ عَلَيْنَا وَعَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ

فصل خداست بر ما	و بر مردمان	و لیکن بیشتر مردمان	شکری نمی کنند
فصل خداست بر ما	و بر مردمان	و لیکن بیشتر مردمان	شکری نمی کنند

صَاحِبِ السَّجْنِ أَرْبَابٌ مُتَفَرِّقُونَ خَيْرٌ أَمِ اللَّهِ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ

وَالْعَبْدُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا أَسْمَاءَ سَمَّيْتَهُنَّ أَنْتُمْ وَأَبَاؤُكُمْ مِمَّا

عبدات نمی کنید بجز خدا      مگر نامها را که شما مقدر کرده اید آن را و پدران شما مقدر کرده اند  
فقط پرستید بدون خدا      مگر نام را که شما پرستید و نامهای پدران شما را و فرزند

نَزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ إِنْ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ أَمَرَ الْأَتَقِيْدُ وَالْأَلَا

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَكِنْ أَكْثَرُ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٥٠﴾

سَجِّنَ أَمْ أَحَدٌ كَمَا قَيْسَتُنِي رَبِّي سَجْرًا ۖ وَقَالَ الْآخَرُ فَيَصْلُبُ فَمَا كُنْ

اَخْبَرُ مِنْ رَأْسِهِ قَضَى الْأَمْرَ الَّذِي فِيهِ تَسْتَفْعِلِينَ ۖ وَقَالَ لِلَّذِي  
 مَرْغَانِ اَزْمَرَاو      فَمَيْلُ كَرْدَمِ شَدَّ كَارِي كَرْدَرُو      سَوَالِی كُنْدَرُو دَفْتُ یُوسُفِ بِه تَحْقِیْقِ كُ

هَلْ أَتَاكَ نَاجٍ مِّنْهُمْ أَذْكَرَ لِي عِنْدَ رَبِّكَ فَاسْتَسْأَلُ الشَّيْطَانَ وَذَكَرَ رَبَّهُ

فَلَيْسَ فِي السَّجِّينِ بَضْعٌ سِوَيْنِ ۖ وَقَالَ الْمَلِكُ إِنِّي أَرَى سَبْعَ

بقرات سمان با گلشن سیم عجاو و سیم سنبلت حسی و آخر  
 کاوریه می خورد آهوار هفت کاو لایع می نیم هفت خوشه سبز او هفت خوشه دیگر  
 کاوریه خورد آهوار هفت کاو لایع می نیم هفت خوشه سبز او هفت خوشه دیگر

وَيَا أَيُّهَا الْمَلَأُوهُ فِي رِيَايَ إِنْ كُنْتُمْ لِلْعَذَابِ تَوَّابُونَ ①

قَالَ أَصْفَاكَ أَحْلَامٌ وَمَا تَحْسِبُنَا وَبَنَّا وَبَنَّا لَكَ خَلْقٌ يُغْلِبُونَ ۝ وَقَالَ لِي

این کتاب را که در این شهر است و در هر یک از اینها



فتح الرحمن

يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِالنَّاسِ الَّذِينَ آمَنُوا بِآيَاتِنَا وَلَكِن لَّمْ يَكُن لَّهُمْ بِلَآئِنَا حَافِظِينَ

یَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِالنَّاسِ الَّذِينَ آمَنُوا بِآيَاتِنَا وَلَكِن لَّمْ يَكُن لَّهُمْ بِلَآئِنَا حَافِظِينَ

يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِالنَّاسِ الَّذِينَ آمَنُوا بِآيَاتِنَا وَلَكِن لَّمْ يَكُن لَّهُمْ بِلَآئِنَا حَافِظِينَ

يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِالنَّاسِ الَّذِينَ آمَنُوا بِآيَاتِنَا وَلَكِن لَّمْ يَكُن لَّهُمْ بِلَآئِنَا حَافِظِينَ

يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِالنَّاسِ الَّذِينَ آمَنُوا بِآيَاتِنَا وَلَكِن لَّمْ يَكُن لَّهُمْ بِلَآئِنَا حَافِظِينَ

يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِالنَّاسِ الَّذِينَ آمَنُوا بِآيَاتِنَا وَلَكِن لَّمْ يَكُن لَّهُمْ بِلَآئِنَا حَافِظِينَ

يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِالنَّاسِ الَّذِينَ آمَنُوا بِآيَاتِنَا وَلَكِن لَّمْ يَكُن لَّهُمْ بِلَآئِنَا حَافِظِينَ

يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِالنَّاسِ الَّذِينَ آمَنُوا بِآيَاتِنَا وَلَكِن لَّمْ يَكُن لَّهُمْ بِلَآئِنَا حَافِظِينَ

يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِالنَّاسِ الَّذِينَ آمَنُوا بِآيَاتِنَا وَلَكِن لَّمْ يَكُن لَّهُمْ بِلَآئِنَا حَافِظِينَ

يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِالنَّاسِ الَّذِينَ آمَنُوا بِآيَاتِنَا وَلَكِن لَّمْ يَكُن لَّهُمْ بِلَآئِنَا حَافِظِينَ

يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِالنَّاسِ الَّذِينَ آمَنُوا بِآيَاتِنَا وَلَكِن لَّمْ يَكُن لَّهُمْ بِلَآئِنَا حَافِظِينَ

يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِالنَّاسِ الَّذِينَ آمَنُوا بِآيَاتِنَا وَلَكِن لَّمْ يَكُن لَّهُمْ بِلَآئِنَا حَافِظِينَ

يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِالنَّاسِ الَّذِينَ آمَنُوا بِآيَاتِنَا وَلَكِن لَّمْ يَكُن لَّهُمْ بِلَآئِنَا حَافِظِينَ

يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِالنَّاسِ الَّذِينَ آمَنُوا بِآيَاتِنَا وَلَكِن لَّمْ يَكُن لَّهُمْ بِلَآئِنَا حَافِظِينَ

يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِالنَّاسِ الَّذِينَ آمَنُوا بِآيَاتِنَا وَلَكِن لَّمْ يَكُن لَّهُمْ بِلَآئِنَا حَافِظِينَ

يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِالنَّاسِ الَّذِينَ آمَنُوا بِآيَاتِنَا وَلَكِن لَّمْ يَكُن لَّهُمْ بِلَآئِنَا حَافِظِينَ

يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِالنَّاسِ الَّذِينَ آمَنُوا بِآيَاتِنَا وَلَكِن لَّمْ يَكُن لَّهُمْ بِلَآئِنَا حَافِظِينَ

يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِالنَّاسِ الَّذِينَ آمَنُوا بِآيَاتِنَا وَلَكِن لَّمْ يَكُن لَّهُمْ بِلَآئِنَا حَافِظِينَ

يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِالنَّاسِ الَّذِينَ آمَنُوا بِآيَاتِنَا وَلَكِن لَّمْ يَكُن لَّهُمْ بِلَآئِنَا حَافِظِينَ

يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِالنَّاسِ الَّذِينَ آمَنُوا بِآيَاتِنَا وَلَكِن لَّمْ يَكُن لَّهُمْ بِلَآئِنَا حَافِظِينَ

يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِالنَّاسِ الَّذِينَ آمَنُوا بِآيَاتِنَا وَلَكِن لَّمْ يَكُن لَّهُمْ بِلَآئِنَا حَافِظِينَ

يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِالنَّاسِ الَّذِينَ آمَنُوا بِآيَاتِنَا وَلَكِن لَّمْ يَكُن لَّهُمْ بِلَآئِنَا حَافِظِينَ

يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِالنَّاسِ الَّذِينَ آمَنُوا بِآيَاتِنَا وَلَكِن لَّمْ يَكُن لَّهُمْ بِلَآئِنَا حَافِظِينَ

يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِالنَّاسِ الَّذِينَ آمَنُوا بِآيَاتِنَا وَلَكِن لَّمْ يَكُن لَّهُمْ بِلَآئِنَا حَافِظِينَ

يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِالنَّاسِ الَّذِينَ آمَنُوا بِآيَاتِنَا وَلَكِن لَّمْ يَكُن لَّهُمْ بِلَآئِنَا حَافِظِينَ

يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِالنَّاسِ الَّذِينَ آمَنُوا بِآيَاتِنَا وَلَكِن لَّمْ يَكُن لَّهُمْ بِلَآئِنَا حَافِظِينَ

يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِالنَّاسِ الَّذِينَ آمَنُوا بِآيَاتِنَا وَلَكِن لَّمْ يَكُن لَّهُمْ بِلَآئِنَا حَافِظِينَ

يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِالنَّاسِ الَّذِينَ آمَنُوا بِآيَاتِنَا وَلَكِن لَّمْ يَكُن لَّهُمْ بِلَآئِنَا حَافِظِينَ

يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِالنَّاسِ الَّذِينَ آمَنُوا بِآيَاتِنَا وَلَكِن لَّمْ يَكُن لَّهُمْ بِلَآئِنَا حَافِظِينَ

بوسه یوسف فرستاده  
و ملاقات کرد و انشا الله  
و پادشاه این تعبیر  
شعره مشتاقان  
یوسف شرف و دوست  
علیه السلام مدتی توقف  
فرمود تا برآورد و بعد از  
ظاهر گردید انشا الله  
و ملا یعنی شهادت بر  
افراد را بجا می آید  
یوسف پادشاه اند  
والله اعلم  
تفسیر عثمانی  
عنه صفت یوسف  
از این جهت همه را به  
که بنده و بنده را  
یکی که در یوگمان  
مهادت نمودند و  
شاید از اصل فرستاده  
بنا بر حقوق پرورش  
یا حیث نام بنده را  
یوسف علیه السلام  
میدانست  
حقیقت خود بود  
آتش را بشود گذا  
فی الموضع  
برای تحقیق بطریق  
میش که در گوشتان  
موضوع امید است  
تا زمان بدو در جنت  
نکند و احتمال دارد  
صورتیات یوسف  
علیه السلام نیز به  
اثر کرده باشد زیرا  
دید یوسف بنی خواب  
بدون برآورد از زندان  
برآید و از آن ربی  
بگید من عظیم گفته  
که آتش را از آتش  
کرد و احتمال دارد  
ساقی بنده را  
تفصیل داد و تفرات  
یوسف و کید و تفرات  
تا به که و باشد  
این همه تحقیق و تفسیر  
برای آن بود که  
قرآنی و روایات یوسف











جَعَلَ السَّقَايَةَ فِي رَحْلِ أَخِيهِ ثُمَّ أَذِنَ مُؤَدِّنُ أَيَّتُهَا الْعِيرَاتُ كَمْ

بها آورد آب خوردن و در خرمن برادر خود بعد از آن آواز داد آواز گفتند که اسے کاروان ہر آئینہ شما

سقاوتی را در بار دهن برادر خود بعد از آن آواز داد آواز گفتند کہ اسے کاروان ہر آئینہ شما

لَسَارِقُونَ ۲ قَالُوا أَوَاقْبُوا عَلَيْهِمْ قَدْ أَتَفَقَدُونَ ۳ قَالُوا نَفَقَدُ

دزدید گفتند و بسوی ایشان در آورده چیست کہ غنی یابید گفتند غنی یابیم

صَوَاعِ الْمَلِكِ وَلِمَنْ جَاءَ بِهِ حِمْلُ بَعِيرٍ وَأَنَا بِهِ زَعِيمٌ ۴ قَالُوا نَالِلَهُ

بیانہ بادشاہ را و کسی را کہ میاورد و حمل بارش باشد و من باین وعدہ ضامنم گفتند بخدا

مَقْدُ عَلَيْهِمْ قَدْ جَعَلْنَا لِنَفْسِنَا فِي الْأَرْضِ وَمَا كُنَّا سَارِقِينَ ۵ قَالُوا إِنْ

بر آئینہ داشتید اگر نیامده ایم تا فساد کنیم در زمین و ہرگز دزد نبوده ایم گفتند پس چیست

جَزَاءُكَ إِنْ كُنْتُمْ كَذِبِينَ ۶ قَالُوا جَزَاءُكَ مَنْ وَجَدَ فِي رَحْلِهِ فَهُوَ

جزائے آن کس کہ اگر در دھن ہو گفتند جزای این فعل سے است کہ یافتہ شود و مشعل در خرمن لوہے میں ہے

جَزَاءُكَ كَذَلِكَ جَزَى الظَّالِمِينَ ۷ فَبَدَأَ أَبَا عِيسَى قَبْلَ وَعَاءِ أَخِيهِ

جزای او ہم چنین جزای ظالمین گفتند پس شروع کرد یوسف متحس خرمینہائی ایشان پیش از خرچہ برادر خود

ثُمَّ اسْتَخْرَجَهَا مِنْ وَعَاءِ أَخِيهِ كَذَلِكَ كُنَّا لِيُوسُفَ مَا كَانَ لِيَأْخُذَ

بعد از آن بر آورد و بیجا نہ را از خرچہ برادر خود ہم چنین تدبیر کردیم براسے یوسف مستند نبود کہ اسیر گیرد

حَاةُ فِي دِينِ الْمَلِكِ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ نَرْفَعُ دَرَجَتَهُ مِمَّنْ نَشَاءُ طَوَّ

برادر خود را در دین بادشاہ لیکن اسیر گرفتن مشیت خدا بلندی کردیم در درجہاں سے را کہ خواهیم و

فَوْقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ عَلَيْهِ ۸ قَالُوا إِنْ يَشِئْكَ فَقَدْ تَرَقَّى أَخْرَجَهُ مِنْ

بالای ہر خداوند دانش دانائے ہست گفتند اگر دزدی کند این شخص و در نسبت کرد دزدی کردہ بود برادر او پیش

قَبْلِ فَاسْتَرْهَاهُ يُوسُفُ فِي نَفْسِهِ وَلَمْ يُبَيِّهَا لَهُمْ قَالَ أَنْتُمْ شَرٌّ مَكَانًا

ازین پس ہمراہ داشت یوسف این سخن را در غیر خود و آشکارا نکرد و از پیش ایشان گفت در دل خود شما بدیدہ در منزل خود

وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَصِفُونَ ۹ قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ إِنَّ لَهُ أَبًا شَيْخًا كَبِيرًا

و خدا داناست با آنچه بیان می کنید گفتند اسے عزیز ہر آئینہ او را پدر است پیر کلان سال

فَخَذَ أَحَدُ نَاكِرَاتِ أَنْ تَرِيكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ ۱۰ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ

پس بگیر یکی را از نا بجاے او ہر آئینہ ماے بنیم ترا از شیو کاران گفت می یابیم از خدا

أَنْ نَأْخُذَ إِلَّا مَنْ وَجَدْنَا مَتَاعَنَا عِنْدَهُ وَإِنَّا إِذًا ظَالِمُونَ ۱۱ فَلَمَّا

و از آن بگیریم مگر کسی را کہ یافتہ ایم رخت خویش را نزدین او آنگاہ سترگار باشیم پس چون

فَلَمَّا كُنَّا فِي بَيْتِ الْمَلِكِ نَمُوتُ وَنَحْنُ نَسْتَعِينُ بِأَنْفُسِنَا وَأَنْفُسِ آبَائِنَا بِالْغُلَامِ يَسْ جَل

فلیما کہ در بخت ہستند و امکان نہادہ کہ مل سرور از نزد آن ہا ظاہر شود و از این جهت با تو را خود ما خود شدہ اند ۱۲

فل یفعل اورا غلام  
گیرند و انرا علم ۱۲  
فل حضرت یوسف  
ہستہ از ظلم از آن جو  
ماری خود بدزدید تا  
از عبادت منم ہاندا  
یامشا بہ این قصہ جزیکہ  
سبب جہت او باشد  
بہندی یو قور آمدہ  
ہوہ اللہ اعلم ۱۲  
تفسیر عثمان  
چون بفرمان یوسف  
نہد ما بار شدہ مساعی  
سفر را بدہمردیدہای  
سین بدن اطاعت  
بنیامین و اسباب  
وی گذشتہ چون  
کاروان عزم رحیل  
کرد محافظان تجوی  
وام اقتادہ کاروان  
طرف اشتباہ واقع  
شدہ ہنوز اندکی دور  
شدہ بودند کہ از  
محافظین فریاد و شا  
یفتاد و زدید تعلیم  
اگر بفرمان یوسف چنین  
گفتند مطلب این است  
و غیر مال می دزدند  
شما آنانید کہ برادر را  
از پدر دزدیدہ و قید  
رفتہ و کردہ ایم  
مردان مصر معلوم است  
کیست درین جا کہ  
نشان دہد کہ شہوت  
کردہ یا شہوت برای شہ  
آمدہ باشیم از  
خاندان و در دامن  
باشیم سزای دزد و  
شریعت را بجا  
بود یوسف از نزد ہر کہ  
مال دزدی می برآمد  
۹ بد سال نامی  
۱۱ شدہ مراہلن  
۱۲ بروقی تا تو نشو  
سزای دزد را بدی  
استاد کہ کردہ و زبرد



دل ایست که جز از  
من و من فی  
دخلة فخر جوده

والترالم ۱۲  
تفسیر عثمانی

ع یعقوب چون در  
مرتبه تخت به پیران  
خود اعتماد کرده بود

نسبت به بے اعتبار  
گذاشته و این مرتبه  
تیز بخت را پیران اعتماد

نکرد اما سخن پیغمبر و  
نبی باری پیران وی  
سخنی ساخته بودند

یوسف نیز پیر بود  
کذا فی الموضع گویا  
مخاطب بکم جنس

انسان است و الله اعلم  
بعض مفسران چنین  
تفسیر کرده اند خیار

حفاظت وی در اینجا  
چهار بیان بسته و باین  
اصول او را بخود

بروید آنجا این توره  
هم گفتند اگر چه  
از ستاره وی بر آمد

و زوی ایشان بشود  
شاید بگری بمان  
کرده باشد و شایع

آنکه مدافع کند گفتند  
برادرش نیز در دنیا  
در جم او را قتل کردند

اگر در دل خویش چنین  
غش فی و داشتی چنین  
فی کردی حال فراموش

آمده ای که از خود سخن  
فری تراخید بهر حال  
من در این مصیبت

نیز میری گم و لب به  
شکایت نمی کشایم  
از توانی و مهریانی

خدای متعال بعید  
نیست که یوسف و  
بنیامین و آن برادر

دیگر مان را که برای  
خاطر بنیامین جدا  
نماید برادرش باز آورد

اَسْتَأْتِسُوا مِنهُ خَلَصُوا نَجِيًّا قَالَ كَبِيرُهُمْ اَلَمْ تَعْلَمُوْا اَنَّ اَبَاكُمْ  
نامیده شده اند و آنکه بخت و شورت کنان گفت بزرگ ایشان آید که پسر شما

نامیده شده اند از وی بختیار گفتند بخت و شورت کنان گفت بزرگ ایشان آید که پسر شما

اَخَذَ عَلَیْكُمْ مَوْتًا مِّنَ اللّٰهِ وَمِنْ قَبْلُ مَا فَرَّطْتُمْ فِیْ یُوسُفَ فَكُنْ  
گرفته است بر شما عهد از خدا و پیش از این قصه غرض بودید در باره یوسف پس جدا

اَبْرَحَ الْاَرْضَ حَتّٰی یَاْذُنَ لِیْ اِیْنِیْ اَوْ یَحْكُمَ اللّٰهُ لِیْ وَهُوَ خَیْرٌ  
خواجه شد ازین سرزمین تا دلتنگی آن دهم را پدر من یا حکم کند خدا مرا داد بهترین

اَلْحٰكِمِیْنَ ۝ اَرْجِعُوْا اِلٰی اَبْنٰیكُمْ فَقُوْا اَیُّا بَا نَا اِنَّ اِبْنَكَ سَرَقٌ وَّ  
حکم کنندگان است اسے برادران باز روید بسوی پدر غیبتش پس بخندید اسے پسر خود را پسر خودی کرد و

عَمَّا شَهِدْنَا اَلَا یَسْمَعُ عَلٰی مَا كُنَّا لَیْغِیْ خَفِیْطِیْنَ ۝ وَ سَمِعَ الْقَرْیَةَ  
گواهی ندادیم الا با آنچه می دانستیم و تو ویم علم غیب را یاد دادند و پسران از وی

اَلَّتِیْ كُنَّا فِیْهَا وَالْعِیْرَ اَلَّتِیْ اَقْبَلْنَا فِیْهَا وَاِنَّا لَصٰدِقُوْنَ ۝ قَالَ بَلْ  
که بودیم در آن و از کار دانی که آمدیم در آن و البتہ راست گویایم گفت یعقوب بلکه

سَوَّلْتُ لَكُمْ اَنْفُسَكُمْ اَمْ اَرَا قَصْبًا یَّمِیْلُ عَنِ اللّٰهِ اَنْ یَّاتِیْنِیْ بِهٖمْ  
آراسته کرده است بر اسے قیام نفس شما که در پس حال من میسر یک است نمیدانست که خدا باین صفت پس این را

جَمِیْعًا اِنَّ اللّٰهَ هُوَ الْعَلِیْمُ الْحَكِیْمُ ۝ وَ تَوَلٰی عَنْهُمْ وَقَالَ یٰ اَسَفٌ عَلٰی یُوسُفَ  
همه یک جا بر ایشان او را با محبت است و در بگویند از ایشان و گفت ولسے اندوه من بر یوسف

وَابِیَضَّتْ عَیْنُهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِیْمٌ ۝ قَالَ وَاِنَّا لَنَقْتُوْا اَسَدًا كَرِیْمًا  
و سفید شد عین و چشم او بسبب اندوه پس او پر شده بود از غم گفتند بخدا همیشه حق که یاد می کنی

یُوسُفَ حَتّٰی تَكُوْنَ حُرًّا وَّاَوْتَكُوْنَ مِنَ الْاَهْلِ لٰكِنِّیْنَ ۝ قَالَ اِنَّمَا اَشْكُو  
یوسف را تا آنکه طوی بیمار که شوی عداوت را بپایان یا شوی از مردم گان گفت جز این نیست که بیان می کنم

بَنِّیْ وَ حُزْنِیْ اِلٰی اللّٰهِ وَاَعْلَمُ مِنَ اللّٰهِ مَا لَا تَعْلَمُوْنَ ۝ یٰ بَنِّیْ اَذْهَبُوا  
حق بخت خود را رانده خود را بجناب خدا می دانم از جانب خدا آنچه نمیدانید اسے پسران من بروید

فَتَحْسَبُوْا مِّنْ یُّوسُفَ وَاَخِیْهِ وَاَنْ تَأْتِسُوْا مِّنْ رُّوْحِ اللّٰهِ اِنَّ  
پس بگویند از یوسف و برادر او و تا امید میباشید از رحمت خدا بر ایشان سخن است که

اَلَا یَأْتِسُ مِنْ رُّوْحِ اللّٰهِ اِلَّا الْقَوْمُ الْکٰفِرُوْنَ ۝ فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَیْهِ  
تا امید نمی شود از رحمت خدا بجز کفر کرده کافران پس چون داخل شدند بر یوسف

فَیَقُوْلُوْنَ اِنَّ یُوسُفَ وَاَخِیْهٖ لَفِیْ هٰذَا ضَلٰلٍ اَبْرَ ۝ و لومید مشوید از فیض خدا هر آینه سخن است که

اَلَا یَأْتِسُ مِنْ رُّوْحِ اللّٰهِ اِلَّا الْقَوْمُ الْکٰفِرُوْنَ ۝ فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَیْهِ  
تا امید نمی شود از رحمت خدا بجز کفر کرده کافران پس چون داخل شدند بر یوسف











فَأَشِيتُ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ أَتَاتِهِمُ السَّاعَةُ بَفْتَةٍ وَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ۳

موتی عام از عذاب خدا یا بیاید یا ایشان قیامت ناگهان و ایشان آگاه نباشند

موتی از عذاب خدا یا بیاید یا ایشان قیامت ناگهان و ایشان آگاه نباشند

فَلْ هَذِهِ سَبِيلُ أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي ۵

بگو این راه من است می خواهم بسوی خدا باجمت ظاهر من پیروان من نیز میخوانند و

بگو این راه من است می خواهم بسوی خدا بر (بینائی) دیده و دانسته من و هر که پیروی من کرده است و

سُبْحَنَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ ۶ وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رَجُلًا

پاک خداست و یسیتیم من از مشرک مقرر کنندگان و نفرستاده ایم پیش از تو مگر مردانی را

پاک خداست و یسیتیم من از مشرک آوندگان خدا و نفرستادیم پیش از تو مگر مردانی را

نُوحٍ إِلَىٰ آلِهِمْ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ ۷ أَلَمْ نَسِيرْ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ يَنْظُرْ

کردی میفرستادیم یا ایشان از اهل دیه با آیا سیر نکردیم در زمین و در زمین که میدیدند

نُوحٍ إِلَىٰ آلِهِمْ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ ۷ أَلَمْ نَسِيرْ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ يَنْظُرْ

کردی میفرستادیم یا ایشان از اهل دیه با آیا سیر نکردیم در زمین و در زمین که میدیدند

كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ ۸ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ

چگونه شد آخر کار همانا پیش از ایشان بودند و هر آینه سرانجام آخرت بهتر است

كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ ۸ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ

چگونه شد آخر کار همانا پیش از ایشان بودند و هر آینه سرانجام آخرت بهتر است

لِلَّذِينَ اتَّقَوْا أَفْلا تَعْقِلُونَ ۹ حَتَّىٰ إِذَا اسْتَأْذَنُكَ الرَّسُولُ

مستحقان را آیا نمی فهمید مهربان دادیم تا وقتیکه تا میخواستند پیغامبران و

لِلَّذِينَ اتَّقَوْا أَفْلا تَعْقِلُونَ ۹ حَتَّىٰ إِذَا اسْتَأْذَنُكَ الرَّسُولُ

مستحقان را آیا نمی فهمید مهربان دادیم تا وقتیکه تا میخواستند پیغامبران و

وَلَمَّا أَتَاهُمْ ذُكِّرُوا بِمَا كَانُوا يُفْعَلُونَ ۱۰ لَوْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۱۱

و چون آمدند به ایشان یادگذاشته شد آنچه با ایشان نمیکردند و اگر می دانستید

وَلَمَّا أَتَاهُمْ ذُكِّرُوا بِمَا كَانُوا يُفْعَلُونَ ۱۰ لَوْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۱۱

و چون آمدند به ایشان یادگذاشته شد آنچه با ایشان نمیکردند و اگر می دانستید

وَلَمَّا أَتَاهُمْ ذُكِّرُوا بِمَا كَانُوا يُفْعَلُونَ ۱۰ لَوْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۱۱

و چون آمدند به ایشان یادگذاشته شد آنچه با ایشان نمیکردند و اگر می دانستید

وَلَمَّا أَتَاهُمْ ذُكِّرُوا بِمَا كَانُوا يُفْعَلُونَ ۱۰ لَوْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۱۱

و چون آمدند به ایشان یادگذاشته شد آنچه با ایشان نمیکردند و اگر می دانستید

عذاب را من توبه  
فانص است من  
مرا تا سر جهان را  
دعوت می دهم که از  
ادبام اندیشه رانند  
یا اهل بنگاه ندیده  
خدا را بنگاه درج کنند  
بر کوبیدی به صفات  
و کمالات وی به احکام  
معرفت صحیح از انج  
حاصل نمایند و  
پیران من به این  
راه است بفرغ  
حجت و بران و بر تو  
بصیرت و در جهان  
ردایم خداوندی من  
کرامت کرده که در  
پرتو کنون تا میران  
من روشن گردیده  
است و در این جا که  
کودمانه نفس تعلیم  
غنی شود و هر دو ان فاضل  
توحید بر حق که بری  
داند و در این خورشید  
فدوخ خاص معرفت  
و بصیرت را می بینند  
و لذت خاص عبودیت  
محض را حس کرده  
اقتیاد فریادی برآوردند  
بجان الله و اما  
من المشركين  
عذاب بیشتر  
و دشمنان آسمان را  
چون توبت فرستاده  
بودیم انبیا و الباقين  
مردانی بودند که توبه  
نکردند و اشتیاق پس  
ببنی که بر نیکو بکنند  
لکن آن باور و نیاز  
شد حلاکت در دنیا  
و آخرت که از اوقات  
عیش نصیب میشود  
لیکن بهر روی آخرت  
ناقص برای کسی  
است که از شرک و کفر  
بریزد و بکنند این تفسیر  
در این کتاب است



سوره در مقابل آسمان  
باقی بلند زمین است  
مذکور شده و با آسمان  
از آفتاب و ماه که  
حرکت جداگاهه دارند  
مختلف دارند بیانی رفت  
کاری که از افق بر  
حرکت آفتاب وجود  
می آید از هر دو جهت  
ما را ساخته می شود یعنی  
احوال مختلف زمین  
و چیزهای مختلفی که  
بر زمین تعلقی دارند  
جمله کورگره که جانی  
کوه های است و در  
جائی دریاها و دره  
است و میوه ها یا عقابر  
شکل و صورت رنگ  
و لذت خوردنی و گلاب  
تذکیه و تماشای مختلف  
اندر زمین وجود دارد  
شب گاهی روشن و  
زمانی تاریک می باشد  
و تعجب است اگر چه  
چند قطعه مختلف زمین  
از یک جنس بوده و  
از یک آب سیراب  
می گردد و از تابش  
آفتاب حرارت می گیرد  
همه یک هوای دارد  
اما تفاوت مختلف و  
متنوع می دهد و در حرکت  
و ثقل محصولات هم  
آنها تفاوت می باشد  
که می بیند و حیران بشود  
اهل نکره وقت از  
مشاهده این همه آثار  
قدرت بآن می رسند  
که انسان هم اگر چه  
بهر از یک نوع اند و  
یک است و همت و یک  
آفتاب هدایت او را  
ترمیم می کند اما باز هم  
از حیث ماده و معنی  
اختلافات زیاد دارند  
و همان قدرت غیر  
محدوده است که از زمین تا آسمان نظام ترکیبی تمام مخلوقات را بجهت خود گرفته است و بر وفق استعداد هر چیز دایره عمل و اطران را بسیار استوار می تعیین نموده است پس برای آن

بَغِيرَ عَمَلِكُمْ تَرَوْنَهَا ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ وَسَخَّرَ الشَّمْسُ الْقَمَرَ كُلَّ  
بغیر استون با که می بینید آنرا بعد از آن مستقر شد بر عرش و رام کرد آفتاب و ماه را هر یک  
بغیر استون با که می بینید آنرا پس (مقدور کرد) تدریس بر عرش و رام کرد آفتاب و ماه را هر یک  
يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى يَدَّبُّ بِرَأْسِهِ الْفَجْرَ لَعَلَّكُمْ يَلْقَاءَ رَبَّكُمْ  
سیر می کند بجهت و سیمین تدبیر کاری نماید بیان می کند نشان دارد تا شاهد اعلانات پیرامون کار خود  
سیر و بروقت مقرر تدبیر می کند کار خود را بیان می کند نشان باین قدرت خود را تا شاهد اعلانات پیرامون کار خود  
لَوْ قَتَلْتُمْ ۖ وَهُوَ الَّذِي مَلَأَ الْأَرْضَ وَجَعَلَ فِيهَا رِوَاسِيَ وَأَنْهَارًا  
یقین آید و او آنست که گسترده زمین را و آفرید در آنجا کوه ها و نهرا و  
یقین کند و او آنست که گسترده زمین را و نهرا و در آن کوه های و نهرا و  
مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا رِوَجَيْنِ أُنْثَيْنِ يُغْشَى الْبَيْلَ النَّهَارَ وَاللَّيْلَ  
از هر کوه و دریا و میوه آفرید دو زمین و دو قسم از ترش و شیرین یعنی از میوه ها و درختان را بر زمین  
از کوه میوه آفرید در آن دو عطف می پوشد و شب را بر روز (بر آینه)  
فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ۝۳ وَفِي الْأَرْضِ قِطْعٌ مُّتَبَعِرٌ  
در این نشان است قوسی را که تقریبی کند و در زمین قطعه مختلف است پیوسته با یکدیگر و  
در این نشان است قوسی را که تقریبی کند و در زمین قطعه مختلف است پیوسته با یکدیگر و  
جَنَّاتٍ مِنْ أَعْنَابٍ وَرِيَّاتٍ مِّنْ نَّخِيلٍ صُنُوفٌ وَغَيْرُ صُنُوفٍ يُسْقَوْنَ مِنْهَا  
بوستانهاست از درختان انگور و گشت و درختان بسیار شاخ و بعضی از آن سیراب کرده میشود و از یک  
بوستانهاست از درختان انگور و گشت و درختان بسیار شاخ از یک اصل رسته و غیر آن بحد متفاوت الاصول آب  
وَاحِدٍ وَنُقُضِلُ بَعْضُهُمَا عَلَىٰ بَعْضٍ فِي الْأَكْمَلِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ  
آب و فصل می دهم بعضی را بر بعضی در قسم میوه ها بر آینه و در این نشان است  
یک آب و بر جری می دهم بعضی را بر بعضی در قسم میوه ها (بر آینه) در این نشان است  
لَقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ۝۴ وَإِنْ تَعْجَبْ فَعَجَبٌ قَوْلُهُمْ إِذْ أَتَاكَ تِبَاعًا تَأْتِي  
قوسی را که می بیند و اگر تعجب کنی پس تعجب است سخن ایشان که آیا و قتی که خاک خودیم آیا مادر  
قوی را که خودی کنند و اگر تعجب کنی پس تعجب است سخن ایشان که آیا و قتی که خاک خودیم آیا مادر  
خَلَقَ جَدِيدًا ۝۵ وَأُولَٰئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ وَأُولَٰئِكَ الْأَغْلَىٰ فِي  
آفرینش نو خوانیم بود ایشان که آنرا نامعقد شدند بر پروردگار خویش و ایشانند باین صفت که قوی در  
آفرینش نو خوانیم بود آن گروه که آنرا که نکر و بداند بر پروردگار خود و ایشانند باین صفت که قوی در  
أَعْنَابِهِمْ وَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ۝۶  
کردن ایشان باشد و ایشانند اهل آتش کردن ایشان باشد و ایشانند اهل آتش  
کردن ایشان باشد و ایشانند اهل آتش آنها در آنجا جا دیدان باشند و  
يَسْتَعْجِلُونَكَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ وَقَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمُ الْمَثَلَاتُ  
بشتاب می طلبند از تو عقوبت پیش از راحت و بر آینه گذشت است پیش از ایشان عقوبت با  
بشتاب می طلبند از تو بدی پیش از نیکی و بر آینه گذشت است پیش از ایشان عقوبت با  
وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ لِّلنَّاسِ عَلَىٰ ظُلُمِهِمْ وَإِنَّ رَبَّكَ لَشَدِيدُ  
دیر آینه پروردگار تو خداوند آمرزش است مردمان را با وجود ستمکار بودن ایشان و دیر آینه پروردگار تو سخت  
و دیر آینه پروردگار تو خداوند آمرزش است مردمان را با وجود ستمکار بودن ایشان (و دیر آینه پروردگار تو سخت  
العَقَابِ وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا الْوَلَا أُنْزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ ۝۷  
عقوبت است و می گویند کافران چرا فرستاده نشد بر این و میگویند که او را ما عهد جزایی نیست  
عقوبت کند است و می گویند کافران چرا فرستاده نشد بر این و میگویند که او را ما عهد جزایی نیست  
و همان قدرت غیر محدوده است که از زمین تا آسمان نظام ترکیبی تمام مخلوقات را بجهت خود گرفته است و بر وفق استعداد هر چیز دایره عمل و اطران را بسیار استوار می تعیین نموده است پس برای آن







ولا كاذب متفقا  
 تاوان سجد  
 ی کنند نزدیک  
 شدت یا ترس  
 شمشیر و فرشته بکن  
 دشمنان و امان  
 و الله اعلم  
 مزجم گوید هیچ کس نیست  
 که در هر نفس خیر و شر  
 با هم چنین لا یکن  
 که در آسمان بیگانه  
 و به کلام باشد و کلام  
 نیوکا را بعد استقر  
 میازد و کار ایشان  
 را پیش میبرد و دیگران را  
 را با کسی کند و الله  
 اعلم لا یغیر شافی  
 عا آبا سجد و شافی  
 مانند خدا چیزی نیست  
 آفریده توانسته اند  
 که اذن در اشتباه  
 افتاده آن بهر چیزی  
 پذیرفته اند و هرگز نمی  
 تواند که یک با یکی  
 با یکی باشد و با سجد  
 بلکه خداوند نیز مانند  
 سائر اشیا آفریده  
 جان خدای یگانه  
 توانای باشد پس  
 چنین چیزهای مختلف  
 در آفاق و انحاء  
 پذیرفته و چنانست  
 و هر چه پیش است  
 ندیده و نابهر  
 صورت میگردد  
 در آخر جهان  
 پریشان و در عالم  
 باشند که اگر  
 تا هزاران  
 دنیا در  
 و ستر ستان  
 باشد نظیر آن در عالم  
 گفته که آن همه را  
 فیه همدست  
 انهم سرگردانی  
 بکرات پند وانی  
 و الله اعلم

وَالْأَصَالُ قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلْ لِلَّهِ قُلْ أَفَاتُخَذَ  
 دشمنان یگو کیست پروردگار آسمانها و زمین یگو از طرف ایشان خداست یگو آیا غیر  
 دشمنان یگو کیست پروردگار آسمانها و زمین یگو خداست یگو آیا غیر  
 مَنْ دُونَهُ أَوْلِيَاءُ لَا يَمْلِكُونَ أَنْ يُنْفِضَهُمْ نَفَعًا وَلَا ضَرًّا قُلْ هَلْ  
 بجزوے دوستمانی که نمی توانند برآیند برآیند خلیفین  
 بجزوے دوستمانی که نمی توانند برآیند برآیند خلیفین  
 يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَهْلُ السُّبُوٰى لَطَمَتِ وَالتُّورُ أَمْ جَعَلُوا  
 برابریست نابینا و بینا یسے آیا برابریست تاریکی با درویشی آیا سحر کرده اند  
 برابری شود نابینا و بینا یسے آیا برابریست تاریکی با درویشی آیا سحر کرده اند  
 لِلَّهِ شَرِكٌ كَافَّةً خَلَقَهُ فَتَشَابَهُ الْخَلْقُ عَلَيْهِمْ قُلِ اللَّهُ خَالِقُ  
 خدا را شریک یسے که آفریده باشند مانند آفریدن خدا پس مشبه شده است خورشید برایشان یگو خدا آفریننده  
 برای خدا شریکان که آفریده باشند مانند آفرینش خدا پس مشبه شده است خورشید برایشان یگو خدا آفریننده  
 كُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِأَجَلٍ مُّعَيَّنٍ أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ  
 هر چیز است و دوست یگانه غالب فرد فرستاد از آسمان آب را پس روان شد  
 هر چیز است و دوست یگانه غالب فرد فرستاد از آسمان آب را پس جاری شد  
 أَوْ دِيَّةً بِقَدَرٍ هَآؤُلَاءِ الْبَاقِيَاتُ زَبَدًا أَلْوَبًا وَمَا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ  
 رودها باندازه خورشید پس برداشت آب رودها کف برآورد آب آینه و از آن پخته میکند از ندش  
 رودها باندازه خورشید پس برداشت سبل کفی آسپیده و از آن پخته می کنند  
 فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حَبِيبٍ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِّثْلَهُ مَثَلُ الْفَخْرِ وَالْكَثْرِ  
 در آتش بطلب ویرایه یا بطلب رخت خانه کفست اند کف آب هم چنین بیان می کند خدا مثل حق  
 در آتش می گذاردندش بر آتش برای خواستن برآید یا بطلب سبب که در آن کفی است مانند آن هم چنین بیان می کند خدا حق  
 وَالْبَاطِلُ لَهُ فَا مَّا الزَّبَدُ فَيَذَّ هَبٌ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَكُونُ  
 و باطل اما آن کف پس میرود ناچیز شده اما آنچه سود میرساند به مردمان می ماند  
 و باطل را اما آن کف آب پس میرود خشکیده و آنچه سود میرساند به مردمان پس می ماند  
 فِي الْأَرْضِ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ  
 در زمین هم چنین بیان می کند خدا مثل باران  
 در زمین هم چنین بیان می کند خدا مثل باران  
 الْحَسَنَةُ وَالَّذِينَ لَا يَسْتَجِيبُوا لَهُ وَآَن لَّهُمْ قَافِي الْأَرْضِ جَمِيعًا  
 حالت نیک است و آنانی که قبول نکردند سخن او را اگر بایستد ایشان را آنچه در زمین است همه یک جا  
 حالت نیک است و آنانی که قبول نکردند حکم او را اگر بایستد ایشان را آنچه در زمین است همه  
 وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَا قُدْرَةَ عَلَيْهِ أُولَٰئِكَ لَهُمْ سُوءُ الْحِسَابِ وَمَا لَهُمْ  
 و مانند آن همراه آن در بدن خود آن جماعه ایشان راست بد حساب و جائز ایشان  
 و مانند آن همراه آن در بدن خود آن جماعه ایشان راست بد حساب و جائز ایشان  
 جَمِيعًا وَيَسْأَلُ السَّاهِدُ أَقْسَمُ يَعْلَمُ أَنَّهَا أَنْزَلَ إِلَهُكَ مِنْ رَبِّكَ  
 دوزخ است و آن بد جایست آیا کسی که میداند که آنچه فرو فرستاده شده بسوی تو از جانب پروردگار  
 دوزخ است و آن بد جایست آیا کسی که میداند که آنچه فرو فرستاده شده بسوی تو از جانب پروردگار  
 الْحَقُّ كَسُنَّ هُوَ أَعْمَىٰ لَمْ يَأْتِنْدُكَ إِلَّا بِالْبَابِ الَّذِينَ يُوَفُّونَ  
 راست است مانند کسی باشد که دی نایب است خاص میداند از خدا و ندان فرد پند پذیر می شود تا کسی تمام می کند  
 راست است مانند کسی باشد که دی نایب است خاص میداند از خدا و ندان فرد پند پذیر می شود تا کسی تمام می کند



بَعْدَ اللَّهِ وَلَا يَفْقَهُونَ الْيَتِاقَ ۝ وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ

بعد خدا و نمی شنند عهدا و آنانکه می پیوندند آنچه فرموده است خدا

بِهِ أَنْ يُوَصَّلَ وَيَجْشُونَ رَهْمًا وَيَخْتَفُونَ سُوءَ الْحِسَابِ ۝ وَالَّذِينَ

به آن می رسانند از پروردگار خویش و می ترسند از سختی حساب و آنانکه

صَابِرُونَ الْبِنَاءِ وَجَزْزَهُمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَانْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا

استقامتی کردند بطلب رسته پروردگار خویش و بر پا داشتند نماز را و خرج کردند از آنچه ما روزی و درم داشتیم پنهان

وَعَلَانِيَةً وَيَذَرُونَ بِالْحَسَنَةِ الشَّيْءَ أُولَئِكَ لَهُمْ عَقُوبٌ لَدَارِ

و آشکارا و دفع می کنند به نیکی اینها را است جزای آن سراسی

جَنَّتْ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَمَنْ صَلَحَ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ أَرْوَاهُمْ وَذَوِّبَهُم

در بهشت نهاده همیشه مانند در آینه آسمان و هر کس از پدران ایشان و زنان ایشان و اولاد ایشان که

وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ ۝ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ

و فرشتگان داخل شوند بر ایشان از هر دروازه می گویند سلامتی بر شماست بسبب صبر کردن شما

وَعَقُوبُ الدَّارِ ۝ وَالَّذِينَ يَفْقَهُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ

و جزای آن سراسی و آنانکه می شنند عهد خدا را بعد استواری کردن آن و

يَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ

قطع می کنند آنچه فرموده است خدا به پیوند کردن آن و کساد می کنند در زمین آنچه

لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ ۝ اللَّهُ يَسْطُرُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ

ایشان لعنت است و ایشان سراسی خدا کثاده می سازد روزی را بر آن هر که می خواهد و قدرت می کند

وَفَرَحُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مَتَاعٌ ۝ وَ

و فرحان شدند با زندگی دنیا و نیست زندگی دنیا به نسبت آخرت مگر متاع اندک و

قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا الْوَلَا أُنْزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ قُلْ إِنْ اللَّهُ يُضِلَّ

بگویند کافران چرا نه فرود آورده شد بر پیامبر ایشان از جانب پروردگار اولی بگوهر آینه خدا همراه می کند

مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ أَنْابَ ۝ الَّذِينَ آمَنُوا وَكُتِبَ لَهُمُ

هر که خواهد و راه می نماید بسوی خویش هر که را رجوع کرد آنانکه گمرویدند و آرام می یابند در این ایشان

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَكُتِبَ لَهُمُ الْقَوْلُ ۝ الَّذِينَ آمَنُوا وَكُتِبَ لَهُمُ

و آنان که ایمان آوردند و کلام بر آنهنگ و آنانکه ایمان آوردند و کلام بر آنهنگ

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَكُتِبَ لَهُمُ الْقَوْلُ ۝ الَّذِينَ آمَنُوا وَكُتِبَ لَهُمُ

و آنان که ایمان آوردند و کلام بر آنهنگ و آنانکه ایمان آوردند و کلام بر آنهنگ

فتح الرحمن  
اولین بابت برای  
تفسیر عثمانی  
عنه غلت و جلال  
ای را در نظر گرفته  
براسان پیا شدند  
دو پیوسته درین بکارند  
روزی که در دوره حاکم  
گرفتاری شود یا چه حال  
خواهم داشت عنه  
باید بدانی جواب  
می دهند و در مقابل  
دشمنی ملافت می کنند  
کسی را که بد آن با  
ستم کند می بخشد  
در پیش آن دشمنی  
و هم افزونی نیات  
نیات می یابد را  
گذشته بنگاشته  
آمر به عمل می یابد  
ایشان سرزنش  
مقابل آن کارشک  
یعنی توبه می کنند و  
به تلافی گناه می پردازند  
سه کلمه آباد بگوید  
تغلیب است آنها  
نیاز در آن شال اند  
به کلامی شمرده جنت  
داده شده این باشد  
دیگر است یعنی علاوه  
بر سر کس که برای آنها  
ماصل می شود این  
نعمت نیز از آنانی  
می شود که پادشاهان  
و ماموران و ازواج  
خودشان که آنها  
نیز بسبب اعمال  
حسن خود به بهشت  
داخل شده اند  
شوند حتی اگر از جمله  
مشقین آنها که  
در مرتبه کم باشند خداوند  
لطیف و رحمت خود  
در رزق او افزوده بکن  
کاملان نزدیک میسر  
و الذین آمنوا و کتب لهم  
و الذین آمنوا و کتب لهم



فل مترجم گوید یعنی  
 از کسی که در خواست  
 می کند **ف** مترجم  
 گوید و آن گناهیست  
 از شدت که از کسی  
 خوف پاک بر ایشان  
 مستولی شود و آخرت  
 نجات یابند و الله اعلم  
**ف** مترجم گوید یعنی  
 اوصاف ایشان را  
 ذکر کند تا با اوصاف  
 خصا مقابل گردد و خود  
 نقی حالت ظاهر گردد  
 و الله اعلم **ف** یعنی  
 تقلید یا بایستد در  
 سخن بے اصل و اندر  
 علم **ف** تفسیر سخنانی  
 عا این جملاد از  
 قرآن تمام کتاب است  
 چنانکه در یک حدیث  
 صحیح برزبور نقل قرآن  
 اطلاق شده یعنی اگر  
 کسی بی فرستاده دید  
 که بواسطه آن نشان  
 های معلوم  
 تکمیل می یافت  
 فی ازین قرآن ۱۰  
 کتاب و بجز نبی بود که  
 پس قرآن است که  
 مردمان را مکش بود  
 استوار بودند بطور  
 روحانی از چهارجا  
 کرده است زمینی  
 قلوب بشر را شکافته  
 چشمدی معرفت الهی  
 را از ان جاری نمود  
 راه باطنی و وصول  
 الی الله را که با یصل  
 بهای می شد آسان  
 مردانند که کمون  
 بیگانه اندیشه شود  
 در مرد و دین روح  
 زنگی می جاودید و بعد  
 بچند آیه قرآنی بشنا  
 شگاه هدایت نصیب  
 نشده بالمرض آن  
 ن سماعی در ظاهر

الصَّالِحِينَ طُوبَى لَهُمْ وَحَسَنُ مَا يَرْجُونَ كَذَلِكَ أَرْسَلْنَاكَ فِي أُمَمٍ قَدْ  
 كُفِرَتْ مِنْ قَبْلِهَا أُمَمٌ لِيَتْلُوا عَلَيْهِمُ الذِّكْرَ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَهُمْ يَكْفُرُونَ  
 الْرَّحْمَنُ قُلْ هُوَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ مَتَابُ  
 وَلَوْ أَنَّ قُرْآنًا سُيِّرَتْ بِهِ الْجِبَالُ أَوْ قُطِعَتْ بِهِ الْأَرْضُ أَوْ خُفِيَ بِهَا سِرُّ  
 الْمَوْتِ بَلْ لَكُمُ الْآزِمُ جَمِيعًا أَفَلَا يَأْتِيَنَّ الَّذِينَ أَمِنُوا أَنْ لَوْ شَاءَ  
 اللَّهُ لَهَدَى النَّاسَ جَمِيعًا وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا أُصِيبُهُمْ بِمَا  
 صَنَعُوا قَارِعَةً أَوْ تَحُلُّ قُرْآنًا مِنْ دَارِهِمْ حَتَّى يَأْتِيَ وَعْدُ اللَّهِ إِنَّ  
 اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ إِذْ قَالَ  
 لَهُمْ يَا قَوْمِ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُنْذِرِينَ لَا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي أَخَافُ  
 أَنْ يُصْبِحَ بِكُمْ آلُكُمْ وَإِلَهُكُمْ إِلَهٌ آخَرٌ فَاعْبُدُوا اللَّهَ مَا كَانُوا  
 يَعْبُدُونَ وَأَنْتُمْ أَعْيُنُهُمْ فِي غَافِلَةٍ وَأَنْتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ  
 وَإِنْ يَرَوْا كِسْفًا مِنَ السَّمَاءِ سَاقِطَةً فَلَا إِيمَانَ لَكُمْ بِهِمْ  
 لَنْ يَخَفُوهَ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا كَانُوا ضَالِّينَ يَتَّبِعُونَ الْهَوَىَّ  
 وَالنَّهْوَى وَيَتَّبِعُ الْهَوَىَّ أَسْفَلَ سَافِلِينَ ذَلِيلِينَ وَإِنْ يَرَوْا  
 كِسْفًا مِنَ السَّمَاءِ سَاقِطَةً فَلَا إِيمَانَ لَكُمْ بِهِمْ لَنْ يَخَفُوهَ  
 إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا كَانُوا ضَالِّينَ يَتَّبِعُونَ الْهَوَىَّ وَالنَّهْوَى وَيَتَّبِعُ  
 الْهَوَىَّ أَسْفَلَ سَافِلِينَ ذَلِيلِينَ وَإِنْ يَرَوْا كِسْفًا مِنَ السَّمَاءِ  
 سَاقِطَةً فَلَا إِيمَانَ لَكُمْ بِهِمْ لَنْ يَخَفُوهَ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا  
 كَانُوا ضَالِّينَ يَتَّبِعُونَ الْهَوَىَّ وَالنَّهْوَى وَيَتَّبِعُ الْهَوَىَّ  
 أَسْفَلَ سَافِلِينَ ذَلِيلِينَ



لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَاقٍ ۳ مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا

ایشان را از خداوند بزرگوار و عظیمه دارنده صفت بهشت که وعده کرده شده است متقین را اینست که هر روز

مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ۴ أَمْ لَهُمْ خِلَافٌ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۵

زیر آن رودخانه ها ۴ آیا برای آنکه آنچه می کردند خدایا برایشان خدایا

عَذَابُ الْكَافِرِينَ ۵ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمُ أَجْرٌ غَيْرُ الْغَايِبِ ۶

عذاب کافران ۵ و آنکه ایمان را با ظلم آمیخته اند و آنکه ایمان را با ظلم آمیخته اند

لَهُمْ فِيهَا نِسَاءٌ مُطَهَّرَاتٌ ۷ وَالَّذِينَ كَانُوا يَتَّقُونَ أُولَٰئِكَ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ الْغَايِبِ ۸

در آنجا برای آنکه در آنجا برای آنکه در آنجا برای آنکه در آنجا برای آنکه در آنجا برای آنکه

لَهُمْ فِيهَا نِسَاءٌ مُطَهَّرَاتٌ ۷ وَالَّذِينَ كَانُوا يَتَّقُونَ أُولَٰئِكَ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ الْغَايِبِ ۸

در آنجا برای آنکه در آنجا برای آنکه در آنجا برای آنکه در آنجا برای آنکه در آنجا برای آنکه

لَهُمْ فِيهَا نِسَاءٌ مُطَهَّرَاتٌ ۷ وَالَّذِينَ كَانُوا يَتَّقُونَ أُولَٰئِكَ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ الْغَايِبِ ۸

در آنجا برای آنکه در آنجا برای آنکه در آنجا برای آنکه در آنجا برای آنکه در آنجا برای آنکه

لَهُمْ فِيهَا نِسَاءٌ مُطَهَّرَاتٌ ۷ وَالَّذِينَ كَانُوا يَتَّقُونَ أُولَٰئِكَ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ الْغَايِبِ ۸

در آنجا برای آنکه در آنجا برای آنکه در آنجا برای آنکه در آنجا برای آنکه در آنجا برای آنکه

لَهُمْ فِيهَا نِسَاءٌ مُطَهَّرَاتٌ ۷ وَالَّذِينَ كَانُوا يَتَّقُونَ أُولَٰئِكَ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ الْغَايِبِ ۸

در آنجا برای آنکه در آنجا برای آنکه در آنجا برای آنکه در آنجا برای آنکه در آنجا برای آنکه

لَهُمْ فِيهَا نِسَاءٌ مُطَهَّرَاتٌ ۷ وَالَّذِينَ كَانُوا يَتَّقُونَ أُولَٰئِكَ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ الْغَايِبِ ۸

در آنجا برای آنکه در آنجا برای آنکه در آنجا برای آنکه در آنجا برای آنکه در آنجا برای آنکه

لَهُمْ فِيهَا نِسَاءٌ مُطَهَّرَاتٌ ۷ وَالَّذِينَ كَانُوا يَتَّقُونَ أُولَٰئِكَ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ الْغَايِبِ ۸

در آنجا برای آنکه در آنجا برای آنکه در آنجا برای آنکه در آنجا برای آنکه در آنجا برای آنکه

لَهُمْ فِيهَا نِسَاءٌ مُطَهَّرَاتٌ ۷ وَالَّذِينَ كَانُوا يَتَّقُونَ أُولَٰئِكَ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ الْغَايِبِ ۸

در آنجا برای آنکه در آنجا برای آنکه در آنجا برای آنکه در آنجا برای آنکه در آنجا برای آنکه

لَهُمْ فِيهَا نِسَاءٌ مُطَهَّرَاتٌ ۷ وَالَّذِينَ كَانُوا يَتَّقُونَ أُولَٰئِكَ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ الْغَايِبِ ۸

در آنجا برای آنکه در آنجا برای آنکه در آنجا برای آنکه در آنجا برای آنکه در آنجا برای آنکه

لَهُمْ فِيهَا نِسَاءٌ مُطَهَّرَاتٌ ۷ وَالَّذِينَ كَانُوا يَتَّقُونَ أُولَٰئِكَ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ الْغَايِبِ ۸

در آنجا برای آنکه در آنجا برای آنکه در آنجا برای آنکه در آنجا برای آنکه در آنجا برای آنکه

لَهُمْ فِيهَا نِسَاءٌ مُطَهَّرَاتٌ ۷ وَالَّذِينَ كَانُوا يَتَّقُونَ أُولَٰئِكَ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ الْغَايِبِ ۸

در آنجا برای آنکه در آنجا برای آنکه در آنجا برای آنکه در آنجا برای آنکه در آنجا برای آنکه

لَهُمْ فِيهَا نِسَاءٌ مُطَهَّرَاتٌ ۷ وَالَّذِينَ كَانُوا يَتَّقُونَ أُولَٰئِكَ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ الْغَايِبِ ۸

فلان یعنی چون فلان  
آیهی بوجهی متعلق شود  
آزاد عالم ملکوت  
ثبت می کنند ۱۲  
مترجم گوید صورت  
حادثه در عالم ملکوت  
خلق می نماید بعد از آن  
اگر خواهد بود کند و اگر  
خواهد ثابت دهد و  
شاید که حق چنین باشد  
که بر زبان می آید  
بست نسخ می کند  
خداوند تعالی آنچه خواهد  
و ثابت می کند آنچه  
خواهد و نزدیک است  
نوع محفله و الشاهین  
و این نوع بود  
شربت اسلام بزرگ  
عرب منتظر بشود و  
دعا خوب ناقص می  
داده و فراوان  
آن عدد منسوب  
این آیه تا حدیث  
۱۱ و عدد نزدیک مترجم  
لایم نیست که علی  
باشد و مراد از تقاضا  
دعا خوب اسلام است  
و تقاضا و بجزیه و غیره  
و تبار این است  
پیش از هجرت ۱۲  
تفسیر عثمانی  
عکس آنکه اکنون  
برای شان قرآن معلوم  
کرده شده (این مسلمانان)  
و کسی که برای شان  
در سابق - قوما -  
و انجیل و غیره داده  
شده و یعنی بعد از هجرت  
خوش بشوند از چیزی که  
که بر تو نازل شده  
خوش شدن مسلمانان  
ظاهر است زیرا این  
کتاب را که در قرآن  
اهدای میدادند و برای  
آن گمان بود و  
خوار می گشتی و اعلا  
و جبر و اجبار و...



فَلِلَّهِ الْمَكْرُ جَمِيعًا يَعْلَمُ مَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ وَسِعِلَهُ الْكَفَرُ

پس خدا راست بدستگاری همه را میداند آنچه بعلی آورد هر نفسی و خواهند داشت این کافران

لِمَنْ عَقَبَى الدَّارُ وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ

که گویا باشد جزای آن سرای می گویند کافران یعنی پیغامبر بخو

كُفَّ بِاللَّهِ شَهِيدًا ابْعَثْنِي وَبَيْنَكُمْ وَرَأَوْ مِنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ

پس است خدا گواه در میان من و شما و پس است کسیکه نزد او دست علم کتاب است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَتَسْمِعُ مِصْرَ رُؤْيُ

بسم خداوند بخشنده مهربان

الرَّحْمَنُ أَنْزَلَ إِلَهُكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ

این کتاب است که فرود فرستادم آنرا بسوی تو تا بیرون آری مردمان را از تاریکی بآبوی روشنی

رَحْمَهُ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ۱ اللَّهُ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمُوتِ وَمَا فِي

پروردگار ایشان بسوی راه خدا غالب ستوده بسوی راه خداست که او را است آنچه در آسمانهاست و آنچه در

الْأَرْضِ وَوَيْلٌ لِلْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ شَدِيدٍ ۲ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ

زمین است و وایست کافران را از عذاب سخت آنانکه اعتبار می کنند

الْحَيَاةِ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا

زندگانی دنیا را بر آخرت و باز می دارند مردمان را از راه خدا و می طلبند در دین

عِوَجًا أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ ۳ وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانِ

گویی و ایشانند در گمراهی دور و نه فرستادیم هیچ پیغمبری را مگر بپزبان

قَوْمٍ لَيْسَانٍ لَهُمْ قِيَصُ مَا لِلَّهِ مِنْ شَاءَ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ

قوم او تا بیان کند برای ایشان پس گویا سازد خدا هر گاه خواهد و راه نماید هر گاه خواهد و او است

الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۴ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ

غالب با حکمت و هر آینه فرستادیم موسی را با نشانه های خود بگویم که بیرون آید قوم خود را از

الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكَرَهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِكُلِّ

تاریکی با بسوی روشنی و یاد کرد ایشان را بر آیات خداست که هر آینه در این نشانه ها است

صَبَّارٍ شَكُورٍ ۵ وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ

شکیباست و یاد کن آن وقت که گفت موسی قوم خود را یاد کنید نعمت خدا را

مَنْ كَفَرَ بِهِ كَذَّبَ وَتَوَلَّى وَكَفَّتْ مَوَاسِي قَوْمٌ خُودُوا بِأَكْفِيدَ نِعْمَتِ خُودُوا بِرُوحِشِ

است که مذهب باطل چپ می و عیب طلبی و علی بنیاء العباد و السلام خبر داده بودند خدا گواه باش که تحقیق پیغمبری که ذات او دو صاحبان کتاب

و اینها اخبار بود  
میدانند که رسالت  
آنحضرت صلی الله علیه  
و سلم صحیح است و او را  
اعلم است یعنی به  
مشبهات ثابت می  
کنند که کج است  
تاریکی  
پوشانی که از  
جانب او بودند  
گفتم عثمانی  
عنه نور دیده که در مشیت  
انجام می فرموده اند  
به کف و موجود هم کند  
عاقبت معلوم میشود  
عده از تکذیب شما  
چیزه ساختن می شود  
چون خدای پاک نشد  
با ی بزرگ عداقت  
مرا آشکار میکند قرآن  
که کلام او است هم  
چنانکه بر فرود آمدن  
خود از بارگاه الهی  
گواهی میدهد بر نبوت  
من نیز شاهد است  
اگر دیده بخت میدی  
بیند که در احوال بسیار  
ناسا عداقت  
راستی باین صورت و  
تأثیر آن در دل  
و شوق و مغلوب  
و مقهور شدن به حق  
هم برای حقانیت من  
و این آشکارا از  
طرف خداست سه  
بسیار که از علم قرآن  
و تحقیق آن آگاه شد  
اند نیز از وی گواهی  
میدهند که در وی نبوت  
ام هم چنین دل بانی  
آنانی که در کتب سابقه  
سوابقه و پیشگویی ها  
آن بار در خصوص من  
علم دارند گواهی می  
دهند که محمد صلی الله  
عنه و سلم مطهر جان  
چون گویی با طهر بوده



لَا يَنْفَعُكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُوءَ وُتَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ وَيُذِيقُونَ أَبْنَاءَكُمْ

اول خدمت کرد شما از گیسان فرعون میرسد بیدند به شما سختی عذاب و می کشند پسران شما را  
دوم خدمت کرد شما از گیسان فرعون میرسد بیدند به شما به عذاب و می کشند پسران شما را

وَيَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا هَذِهِ السَّيِّئَاتِ وَمَنْ يَتَّبِعْهُنَّ يَأْكُلْ مِنْهُنَّ حَتَّى يَكُونَ كَالْعِزَّةِ وَالْجَانَةِ ۚ

زبان بسته شد و درین حال آزمایش بزرگ بود از هر دو کارشما و آن وقت که

اِنَّ رَبَّكُمْ لَیْنٌ شَکُورٌ لَا یَزِیْدُ نَکْمَ وَلَیْنٍ کَفُورٌ اِنَّ عَلَیْکَ لَشَدِیْدٌ

خبر راحت پیرو در کار شما که اگر شکر کنید زیاد به هم شمارا و اگر ناسپاسی کنید در آینه عذاب من محنت است  
خبر راحت پیرو در کار شما که اگر شکر کنید زیاد به هم شمارا و اگر ناسپاسی کنید در آینه عذاب من محنت است

وَقَالَ مُوسَى إِنَّ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ

و گفت بوسی اگر کافر شوید شما و هر که در زمین است بجهنم (پس بر آئینه خدا

فَقَدْ حَمِيدٌ ۲) اَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبُوءُ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِكُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَ

در گذشته است ایامی که است به شما خبر آنکه پیش از آنکه بودند غم و عار و

وَالَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ قَالَ بَعْضُهُمْ أَلَّا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ جَاءَهُمْ رُسُلُهُمْ

و کبریا بعد از ایشان (آمدند) یعنی داند ایشان را مگر خدا آوردند بایشان بپوشان بر سرشان

بپایان رسید و ایستاد و فرمود ای ایها المسلمین

شانی پس باز آورند دست بای خود را در دهن های خود و گفتند (بهر آئیند) آشکریم آنچه فرستاده شد

وَالْتَرْسِدْهُمْ إِلَى اللَّهِ  
يُخَالِفُ هُنَا أَيْضًا مَا رَأَيْنَا فِي نُسَخَاتِهِ

و ان در این مذهب که از آیه خوانید ما را بسوی آن کشید  
و ان در این مذهب که از آیه خوانید ما را بسوی آن کشید

شماره است آفریننده آسمانها و زمین میخواند شمارا تا بیا مرزد برائے ششایان شما و

وَيُخَوِّدُ إِلَى أَجْلِ مَسْئُومَةٍ أَنْ تَنْتَفِزَ الْكَلْبُ مِثْلَهُ أَطْرُقُونَ

مکتوب دارد شمار امانده من معین کفنه نیستید شما مگر آدمی مانند ما میخواهید که

ان تصدقنا عما كان بعد انا ونا فانا نؤمنوا بسلطانهم <sup>٥</sup> قالت

از آید ما را از آنچه عبادت می کردند پدران ما پس بیارید پیش ما  
از آنچه عبادت میکرد پدران ما پس بیارید پیش ما

لَهُمْ رِيسَالُهُمْ أَنْ تَخْرُجَ الْإِبْرَاهِيمُ مِنْكُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَمُنُّ عَلَى مَنْ يَشَاءُ

بنابر ان ایشان نیستند ما مگر آدمی مانند شما و لیکن خدا نعمت میدهد بر هر که خواهد  
بنابر ان ایشان نیستند ما مگر آدمی مانند شما و لیکن خدا نعمت میدهد بر هر که خواهد

مِنْ عِبَادِدُ وَمَا كَانَ لَنَا أَنْ نَأْتِيَكُمْ بِسُلْطٰنٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَعَلَى

بندگان خود نیست ممکن را که بیاریم بختی مگر بکلم خدا و بر  
بندگان خود نیست (مکن) را که بیاریم بختی مگر بکلم خدا و بر

نظم مانند مراحلمی و نیز آنها از نقد نامشناسی سوی پیچیدگیان مستور گردید هیچ کدام آن را چندی نرفتند چنانکه محاوره است من مال غلله را داور و بنهر

و اما این کلام و صفا  
 ایشان را ۱۲ و  
 یعنی از نهایت نجس  
 و انا را شکست به  
 و بدان گردیدند  
 و الله اعلم  
 التقریر عثمان  
 و این کلام از طرف  
 غبطه دست مایه خود را  
 گردیدند چنانکه عیسی  
 و دیگر است در عضا  
 علیکم السلام این این  
 با یونان سخن ایشان را  
 شنیدند از طرف نجس  
 دست بردوان نهادند  
 یاد دست سوی دین  
 برده اند و کردند  
 پس است خدایش  
 با یسای ازین  
 زبان باز ازین  
 جواب که آئیده می  
 آمد که تو کینه با  
 من نه بلکه سخن غیر  
 از من شنید علی  
 خدایتند و براس  
 آنکه خدای خویش  
 را عیب کنند  
 دست بردن می  
 گذاشتند و ممکن  
 است محضر اید بگویم  
 سوی کفار و حقیر  
 و اوقات هم جاس  
 رسل را وجع باشد  
 یعنی آن گروه ملعون  
 دست خود را بدان  
 پیچان نهادند که آنها  
 بر گردن می زده بودند  
 و امروزه و محرم پیچان  
 را جع می باشد یعنی از  
 فرسایش دست  
 پیچان را بدین من  
 و آن کردند و چنانچه  
 مراد از اید که در  
 آنجا نعت است  
 یعنی نعت ای بزرگ  
 که می توان آنرا عطر  
 نام کرد و این



ول یبینه اسباب

موت بیا پیش ۱۲

ول یبینه اعمال النبیین

و در خط شوند ۱۳

بدان منتفع

گردند از اعمال

نفس خانی ۱۴

عنه آنها بگویند شما

افراد می نمایند

فلان را بیشتر

ی کنیم و برای پیشتر

انجام دهی تا هم بگو

تواند باز گردند

بجای آنها شاهدگان

مخلص شمارا در آن

زمین آبادی گردانیم

چگونه بگذرد که

بی کرمی بسطی

و مسلمانان

برای همیشه از

خارج نمایند عاقبت

افراد آنها مسبب شد

که اسلام و مسلمانان

در آنجا سلاطین

یا خاندان از کافران

نشانی بر جانند

عنه کامیابی فوق

کافی است که از

خدای ترسند و می

اندیشند که حضرت

دی کاذب اعمال آن

بارا پیوسته می

و روزی مجبور اند که

برای حساب ددان

محشور و بالینند

و در آنجا هیچ کس نمی

تواند از عذاب شریک

دی نجات دهد

پیغمبر در دعا بودند

که امداد و دشمن

رسید و از سرکش

و خدی برای پیش

تا مراد مانند هر چه

خیال به ده بودند

یک گرفت خدای

ر امان رسیدند آنها

مانند در لوحات آنها

اللّٰهُ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ۵ وَمَا لَنَا لَا نَتَوَكَّلُ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا

خدا ما بیکر توکل کنند مسلمانان و چیست ما را که توکل نکنیم بر خدا و چه آیتنه خود است ما را

وَمَا لَنَا لَا نَتَوَكَّلُ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا ۵ وَمَا لَنَا لَا نَتَوَكَّلُ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا

و چیست ما را که توکل نکنیم بر خدا و چه آیتنه خود است ما را

سُبُلَنَا وَلَنَصْبِرَنَّ عَلَى مَا آذَيْنَا وَنَاوِلْهُمُ الْبِرَّ أَكْثَرُ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

راه پائے ما و البرت میر خواهیم کرد بر ایدای شما بر ما و بر خدا ما بیکر توکل کنند توکل کنندگان

وَمَا لَنَا لَا نَتَوَكَّلُ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا ۵ وَمَا لَنَا لَا نَتَوَكَّلُ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا

و چیست ما را که توکل نکنیم بر خدا و چه آیتنه خود است ما را

وَمَا لَنَا لَا نَتَوَكَّلُ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا ۵ وَمَا لَنَا لَا نَتَوَكَّلُ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا

و چیست ما را که توکل نکنیم بر خدا و چه آیتنه خود است ما را

مَلِكِنَا وَقَوْمِي إِلَيْهِمْ رَبِّهِمْ لَنُقَالَنَّ الْظَّالِمِينَ ۱ وَلَنَسُكِّنَنَّ الْأَرْضَ

دین ما پس دمی فرستاد بسوی ایشان پروردگار ایشان که ملک خواهیم کرد مستظرفان و اوسان خواهیم ساخت ملک در زمین

وَمَا لَنَا لَا نَتَوَكَّلُ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا ۵ وَمَا لَنَا لَا نَتَوَكَّلُ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا

و چیست ما را که توکل نکنیم بر خدا و چه آیتنه خود است ما را

وَمَا لَنَا لَا نَتَوَكَّلُ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا ۵ وَمَا لَنَا لَا نَتَوَكَّلُ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا

و چیست ما را که توکل نکنیم بر خدا و چه آیتنه خود است ما را

وَمَا لَنَا لَا نَتَوَكَّلُ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا ۵ وَمَا لَنَا لَا نَتَوَكَّلُ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا

و چیست ما را که توکل نکنیم بر خدا و چه آیتنه خود است ما را

وَمَا لَنَا لَا نَتَوَكَّلُ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا ۵ وَمَا لَنَا لَا نَتَوَكَّلُ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا

و چیست ما را که توکل نکنیم بر خدا و چه آیتنه خود است ما را

وَمَا لَنَا لَا نَتَوَكَّلُ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا ۵ وَمَا لَنَا لَا نَتَوَكَّلُ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا

و چیست ما را که توکل نکنیم بر خدا و چه آیتنه خود است ما را

وَمَا لَنَا لَا نَتَوَكَّلُ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا ۵ وَمَا لَنَا لَا نَتَوَكَّلُ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا

و چیست ما را که توکل نکنیم بر خدا و چه آیتنه خود است ما را

وَمَا لَنَا لَا نَتَوَكَّلُ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا ۵ وَمَا لَنَا لَا نَتَوَكَّلُ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا

و چیست ما را که توکل نکنیم بر خدا و چه آیتنه خود است ما را

وَمَا لَنَا لَا نَتَوَكَّلُ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا ۵ وَمَا لَنَا لَا نَتَوَكَّلُ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا

و چیست ما را که توکل نکنیم بر خدا و چه آیتنه خود است ما را

وَمَا لَنَا لَا نَتَوَكَّلُ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا ۵ وَمَا لَنَا لَا نَتَوَكَّلُ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا

و چیست ما را که توکل نکنیم بر خدا و چه آیتنه خود است ما را

وَمَا لَنَا لَا نَتَوَكَّلُ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا ۵ وَمَا لَنَا لَا نَتَوَكَّلُ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا

و چیست ما را که توکل نکنیم بر خدا و چه آیتنه خود است ما را

وَمَا لَنَا لَا نَتَوَكَّلُ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا ۵ وَمَا لَنَا لَا نَتَوَكَّلُ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا

و چیست ما را که توکل نکنیم بر خدا و چه آیتنه خود است ما را

وَمَا لَنَا لَا نَتَوَكَّلُ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا ۵ وَمَا لَنَا لَا نَتَوَكَّلُ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا

و چیست ما را که توکل نکنیم بر خدا و چه آیتنه خود است ما را

وَمَا لَنَا لَا نَتَوَكَّلُ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا ۵ وَمَا لَنَا لَا نَتَوَكَّلُ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا

و چیست ما را که توکل نکنیم بر خدا و چه آیتنه خود است ما را

وَمَا لَنَا لَا نَتَوَكَّلُ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا ۵ وَمَا لَنَا لَا نَتَوَكَّلُ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا

و چیست ما را که توکل نکنیم بر خدا و چه آیتنه خود است ما را

وَمَا لَنَا لَا نَتَوَكَّلُ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا ۵ وَمَا لَنَا لَا نَتَوَكَّلُ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا

و چیست ما را که توکل نکنیم بر خدا و چه آیتنه خود است ما را

وَمَا لَنَا لَا نَتَوَكَّلُ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا ۵ وَمَا لَنَا لَا نَتَوَكَّلُ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا

و چیست ما را که توکل نکنیم بر خدا و چه آیتنه خود است ما را

وَمَا لَنَا لَا نَتَوَكَّلُ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا ۵ وَمَا لَنَا لَا نَتَوَكَّلُ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا

و چیست ما را که توکل نکنیم بر خدا و چه آیتنه خود است ما را

وَمَا لَنَا لَا نَتَوَكَّلُ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا ۵ وَمَا لَنَا لَا نَتَوَكَّلُ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا

و چیست ما را که توکل نکنیم بر خدا و چه آیتنه خود است ما را

وَمَا لَنَا لَا نَتَوَكَّلُ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا ۵ وَمَا لَنَا لَا نَتَوَكَّلُ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا



اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ قَالُوا هَذَا نَبَا اللَّهِ لَهْدَ يَنْكُهُ سَوَاءٌ عَلَيْنَا

عذاب خدا گویند اگر راه نمودی ما را خدا را راه نای می گردیم شما را بر ابراست بر ما

أَجْعَلْنَا أَمْصِرُّنَا مَا لَنَا مِنْ مَّحِيصٍ ۝ وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَهَا

که قطرب کیم یا شیکیانی در زیم نیست مارانچ و گفت شیطان و قتیله که قطرب کیم یا مبرنا نیم نیست مارا شیخ محمدی و گفت قتیله

لَقِىَ الْاَكْمَرُ اِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعْدَ الْحَقِّ وَعَدَلْتُكُمْ فَاخْلَفْتُكُمْ

یعنی کرده شد کار دل هر آینه خدا وعده داد شما را وعده راست و وعده دادم شما را پس خلاف کردم من باشا

وَمَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطٰنٍ اِلَّا اَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي

و نبود مرا بر شما سلطه یعنی بود آنکه بخوانم شما را پس قبول کردید سخن مرا

فَلَا تَلُمُوْنِي وَاَنْفُسَكُمْ مَا اَنَا بِمُصْرِحِكُمْ وَمَا اَنْتُمْ

پس ملامت کنید مرا و ملامت کنید خویش را نیستم فریاد رس شما و شما نیستید

بِمُصْرِحِي ۝ اِلٰى كَفَرْتُمْ بِمَا اَشْرَكْتُمْ مِنْ قَبْلُ اِنَّ الظَّالِمِيْنَ

فریاد رس من هر آینه من بیزد شدم از آنکه مرا شرک مقرر کردید پیش ازین هر آینه ستم گاران

لَهُمْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ ۝ وَاَدْخَلَ الَّذِيْنَ اٰمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحٰتِ

ایشان را است عذاب درد دهنده و در آورده شدند آنان که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند

جَنَّاتٍ جَزٰى مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهَارُ خٰلِدِيْنَ فِيْهَا يَادْنُ رَبُّهُمْ

به بهشت با میرود زیر آن جوئها جا دید آن در آن جا حکم پروردگار خویش

فِيْهَا سَلٰمٌ ۝ اَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً

و عاے غیر ایشان با یکدیگر با سلام است آیا ندیدی چگونه بیان کرد خدا مصلی کلمه پاکیزه

كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ اَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ ۝ تُؤْتِيْ اُكْلَهَا

مانند درخت پاکیزه که ریشه خش است و شاخه در آسمان میدهد میوه های خود را

كُلَّ حَيْنٍ يُادْنُ رَبُّهَا وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْاَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ

هر لحظه حکم پروردگار خویش و پدید می آید خدا مثل را برای مردم تا بود که

يَتَذَكَّرُوْنَ ۝ وَمِثْلُ كُلِّ خَبِيْثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيْثَةٍ

و مثل هر پلید شونده و مثل هر ناپاکیزه مانند درخت ناپاکیزه است

اَجْعَلْتُ مِنْ قَوْقِ الْاَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ ۝ يٰثَبَّتْ اللَّهُ

که بر کرده شد از بالای زمین نیست او را هیچ استوار سے قلم و استواری سازد خدا

دل منم گوید یعنی  
و قتیله بشتیان به  
بهشت در آید  
و در جهان بدند  
و اندر اعظم است  
یعنی شریعت حق  
و ملکوت ثابت  
ست دور دنیا سرور  
روایه تازه می یابد و  
مردمان شمع میشوند  
و ملت جا بلیت در  
ملکوت استحقاقند  
یک چند در میان مردم  
شایع شود باز بریم  
کرده آید و اندر اعظم  
تفسیر عثمانی عه  
بخش می دهم بشتیان  
و بهر کجک ترین باشد  
کند می شود و گویا بر یک  
و کمی دو آن ظاهر شد  
حاصل می دهم و مثل  
آفت که عوای گمان  
و توحید مملکت راست  
و درست می باشد  
زیرا دلایل آن پس  
روشن و صمیم و استیلا  
است و چون موافق  
به نظرت است بخدا  
آن در اعظم دل با  
ریشه می داند و شایع  
اعمال صالح به آسمان  
قبول میرسد الیه  
بصعد العظم العلیب  
و اصل الصالح میرسد  
(نخل کوع ۲) کام  
موجودان از فر گوید  
و شیرین آن به شعله  
می بردار و ظاهر  
نهان همیشه بهار حق  
و صداقت و توحید و  
معرفت و نور بر روی  
باله و دوام می ناید  
بر عکس و دروغ و فر  
سفر عوای باطل  
جیاد می نهد و یک  
خدا انک با و از بیخ  
و توحید و توحید و توحید



فتح الرحمن

وایستد وقت درگ

زین شهر در

وقت بوال

بقول حق گویا

میسازد و انعام

اولا یعنی

نسیبی کردند

بشوی آن نعمت

منقوشند پس گویا

نعمت دادند و نظر

خریدند و انعام

و استمرار گوید یعنی

پسرا بی واسطه

در انرا علم

تغییراتی

عمر ادا از این با

مردان کفرد

مشرکان است خاص

رو ساری قریش که

زام عرب تا آنگاه

دست ایشان بود

خداوندان چنان

برایشان احسان

فرمود حضرت پیغمبر

صلی الله علیه وسلم

به هدایت آنهاست

و عیان

گرمایه قرآن را

فرود آورد و بناور

خانه و حرم خویش

را گردانید و ریاست

عرب را در آن بایر

قرار ساخت آنهاست

بدل این عمل احسان

و انعام بناسیله

او که برستد و سخنش

را دروغ انگاشتند

تا فرمایند و

جنگیدند و قوت

را قوت خود

نزدیک

آنها و مدینه

برده تا کار احوال

نقار به منین متخلص

تنبیه بشود که آنها را

بیدار

نشدند و اند

نمی زدنی

عبودیت به یل آید از

الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ

مسلمانان را به سخن درست در زندگانی دنیا و در آخرت

وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ ۝۱۰

و گمراه میسازد خدا ستمکاران را و می کند خدا آنچه خواهد و

وَمَا يَسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ ۝۱۱

و آنچه میسازد خدا (همان) بے افساسان را و نمی کند خدا آنچه می خواهد

بَدَلًا وَلَا نِعْمَتًا لِلَّهِ كُفَرًا أَوْ أَحْقَارًا ۝۱۲

بدل کردند نعمت خدا را بناسیاهی و فرود آوردند قوم خود را بسراستای

بَصَاوِئِهِمْ ۝۱۳

در آیند آنها و آتش قرارگاه است و مقرر کردند خدا را بپشیمانان

سَبِيلِهِ ۝۱۴

راه او و بگو بهر مذهب شوید هر آینه بازگشت شما بسوئے آتش است

الَّذِينَ آمَنُوا يَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيَزَكُّوا نَفْسَهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً

که ایمان آورده اند بر پا دارند نماز را و خرج کنند از آنچه باورزی و ایمان ایشان را

مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمَ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خِلَالٍ ۝۱۵

پیش از آنکه بیاید روزیکه خرید و فروخت نیست در آن و نه بایکدیگر دوستی

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ

آسمانها زمین را و فرستاد از آسمان آب را پس بیرون آورد بآب روزه

الشَّجَرَاتِ زُرْقًا ۝۱۶

برای شما از قسم میوهها درام ساخت برای شما شجراتی را تا برود در دریا

وَسَخَّرَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ ۝۱۷

رام ساخت برای شما بویها و رام ساخت برای شما آفتاب و ماه را همیشه روندگان درام ساخت برای شما

الْبَلَدِ وَالنَّهَارِ ۝۱۸

شهر و روز را و داد شمارا از هر چه خواستید و اگر بشمارید

وَأَذَقُوا

نعمت خدا را

نعمت خدا را

نعمت خدا را

نعمت خدا را

نعمت خدا را

نعمت خدا را

نعمت خدا را

نعمت خدا را

نعمت خدا را

نعمت خدا را

نعمت خدا را

نعمت خدا را

نعمت خدا را

نعمت خدا را

نعمت خدا را

نعمت خدا را



الْأَصْنَافُ ۱ رَبِّ اشْهَدْ أَنْصَلْنِ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ قَسْمًا تَبَعْنِي فَانْجِلْ

جہاں سے روئے کرے اس میں جان گواہ کرو وہ اندر سے را از مردمان دین اس پر کہ پیروی کرو پس ہر آئینہ او

مِنِّي وَمَنْ عَصَانِي فَإِنَّكَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ۲ رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ

ازان میں است و ہر کافرانی کرد مرا پس ہر آئینہ تو آمرزنده مہربانے اسے پروردگار ما ہر آئینہ میں ساکن با حق بعض

ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَدَرِيٍّ ذَرْبُكُمْ عِنْدَ بَيْتِكَ الْحَرَامِ رَبَّنَا لِيَقِمْهُمُ الصَّلَاةَ

ازود خود را بودی بے زراعت نزد یک خانہ محرم تو اسے پروردگار ما بر یا دارند کار را

فَاجْعَلْ أَفْتِدَةً مِّنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْتَقِهِم مِّنَ الْمَرَاتِ

پس بکن دے چند را از مردمان رغبت کنند بسوئے ایشان در روزی وہ ایشان از بیوہ یا

عَلَّامٌ شُكُّوْنَ ۳ رَبَّنَا إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا خَفِيَ وَمَا نُخْفِي ۴

بود کہ ایشان سپاسداری کنند اسے پروردگار ما ہر آئینہ تو میدانی آنچه پنهان میداریم و آنچه آشکارا میکنیم و تو غیبی

عَلَى اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ ۵ أَحْمَدُ لِلَّهِ الَّذِي

بر خدا هیچ چیز در زمین و نہ در آسمان سپاس آن خدا را است کہ

وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعٌ دَلِيلٌ

عطا کرد مرا باوجود کلاں سالی اسمعیل و اسحق ہر آئینہ پروردگار من شنونده دعا است

رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي ۶ رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءَ

اسے پروردگار من بکن مرا پروردگار ما و از اولاد من نیز اسے پروردگار ما و قبول کن دعائے مرا

رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ ۷

اسے پروردگار ما یا مہربان مرا و پدر مرا و مسلمانان را روزیکہ قائم شود حساب

وَالْحَسْبُ لِلَّهِ غَا فَاَعْمَأ يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ إِنَّمَا يُؤَخَّرُهُم

و ہندار خدا را بے خبر از آنچه می کنند ظالمان جز این نیست کہ مہلت میدہد ایشان را

يَوْمَ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ ۸ هُطُوتٍ مَّقْشَعَةٍ رَّوَاهِمٍ كَرِيهَةٍ

بر اسے روزیکہ خیزه شوند در آل چشم ہر شتاب کنندگان سرخود پروردگار ما باز نمی گردد

وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آلِهَتِهِمْ هَارُونَ ۹ وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آلِهَتِهِمْ هَارُونَ

و ہستند ایشان چشم ایشان و وہاں ایشان خالی است و ہر سال مردمان را از روزیکہ باید ایشان عذاب

يَقُولُ الَّذِينَ ظَلَمُوا رَبَّنَا آجِلْ لَنَا إِلَىٰ آجِلٍ قَرِيبٍ مَّجِبٍّ نَعْوَتِكَ

ظالمان اسے پروردگار ما توفیق دار ما تا میجاہ سے نزدیک تا قبول کنیم خواندن ترا

ظالمان اسے پروردگار ما مہلت دہا تا اسے نزدیک تا قبول کنیم خواندن ترا

تفسیر ختمانی  
عہ و آسمان و  
نہیں ہر چیز حضرت  
وی تحقیقیت پس  
پیدا و پنهان باطن  
پوشیدہ اند و روا  
تحقیق را آئینہ و مہل  
را چندی احوال آن  
لیکن تحقیق ہی  
ندارد الفاظ ما تحقیق  
و مانند عام ویر  
کافہ چیز ہای پوشیدہ  
و آشکارا مثل است  
حضرت شاہ رحمۃ اللہ  
می فرماید در ظاهر دعا  
برای ہمہ فرزندان و  
در باطن منظور وی  
پیغمبر آخر زمان بود  
صلی اللہ علیہ وسلم  
عہدہ بنیامیری  
لہو فی مرقعہ امین  
را از باطن ہاجرہ و  
اسحق را از باطن ساق  
رحمت فرمودی چنانکہ  
دعای مرا کہ در بارہ  
اولاد عرض کردم  
پدر منی ہر رب محبوب  
لی من الہم لعلہ این  
دعای مرا نیز بپذیر  
دعا غائبان  
دعا ادنی گوی  
بود کہ از مردن پدر  
در حال کفر خندانست  
پس مقصد این است  
کہ اگر اہل اسلام بچینی  
کن و روز قیامت  
شاید آمرزش گردد  
و اگر پس از وصول خبر  
مرگ وی دعا کردہ  
باشد شاید تا آن  
سہام خداوند حضرت  
ابراہیم را آرد  
نگردانیدہ بود کہ کافر  
شاید دعای مغفرت  
نی باشد مغفرت کافر  
عقل احوال نیست اما  
سخن متعجب است  
پس علم آن را نہ

نہ باشد و قبل از معین عقل مغفرت است از آل شیعہ نکاتہ امیر امام کہ در قرآن کارخانہ شدہ یہ تحقیقی او ہر وہ کا کا با و نجوی ذہن کان خانہ وادہ اش نور اللہ



فلا يظن كرايتان  
 ضعيف است ۱۲  
 قطران چيزه سياه  
 بدو درست كرايت  
 در اين زودى كودلا  
 و اين نازل كرده  
 شريعت برائى خلق  
 ۱۲- لغز عثمان  
 عه انراين گفتند  
 در دنيا باشند پس از  
 مشاهده شدت عذاب  
 و دين مرگ مطلب  
 ظاهر است يعنى بگويد  
 پروردگار چقدر دند  
 ديگر عاقبت بد ما  
 و عده كى كى گرفتار  
 خود را اصلاح كنيم  
 دعوت حق را اجابت  
 و بغير ان را اجابت  
 كنيم كاتل الله تعالى  
 حتى اذا جاء احدهم  
 الموت قال رب  
 ارجعون على اهل  
 صالحو المومنون  
 ركع ۹ و اگر اين  
 مقلد روز قيامت  
 گفته شود مراد از خود  
 مهلت است كه بيايد  
 اندك بدنيا باز  
 فرصت است كه مدين  
 چه اظهار دهند و كى  
 نعيم كاتل الله تعالى  
 و دو ۱۱  
 ترى از الحجر ۱۹  
 تا كساره و هم عند  
 ربه هم رتبه بفرمايد  
 معنات جنان  
 صالح را سوره كوا  
 ۱۱- عه كذا شكان  
 شادى توى ياد  
 اطراف آن آبادند  
 آنجا كه ستم گران  
 پيشين سكوت داشتند  
 بعد از اخلاق آنجا  
 رفتند كودند و حال  
 كه برده بابت تارى  
 و اجاره و قرض آنجا

وَتَّبِعِ الرَّسُولَ اُولَئِكَ يَنْفَكُوا مِنْكُمْ قَبْلَ مَا كُنْتُمْ مِنْهُمْ زَوَالًا

و بپيروى كنيم رسولان را گفته خود يايران آيا قسم نى خوريد  
 و بپيروى كنيم رسولان را عه آيا قسم نى خوريد

وَسَكُنْتُمْ فِي بِلَادِنَا لَمَّا كُنْتُمْ نَكُودًا ۝۱۲

و ساكن شديد در منازل آنجا كه  
 و ساكن (ساكن) شديد در منازل آنجا كه

فَعَلْنَا بِهِمْ وَضْرًا بِمَا كَانُوا يَكُونُونَ ۝۱۳

كرديم بايران و پديد ساكن برائى شما داستان با  
 كرديم بايران و زودى شما را مثل با عه و پديد ساكن كودنى كردند در جلاى آنجا كه ساكن كودنى بودند

اللَّهُ مَكْرُوهٌ وَإِنْ كَانُوا مَكْرُوهًا لِرَسُولٍ مِنْكُمْ ۝۱۴

خدا است علم بدستگارى ايران و نيست بدستگارى ايران بدال مشابه از جلست و دند بديال كودها طابى مدين  
 خدا است جزاى كرايتان و نيست مكر ايران نماز جاى برود از ان كودها پس پندار

اللَّهُ خَلِيفٌ وَعَلَى رُسُلِهِ أَنْ يَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ۝۱۵

خدا را خلافت كند و عده خود يا رسولان خود بر آيند خدا غالب صاحب انتقام است و روزيك بدل كرده شود  
 خدا را خلافت كند و عده خود يا رسولان خود بر آيند خدا غالب صاحب انتقام است و روزيك بدل كرده شود

وَالْأَرْضُ غَيْرُ الرَّحْمٰنِ وَالسَّمٰوٰتُ وَبَرَزُوا لِلَّهِ اَوْ اَحَدًا لِّقَهَّارٍ ۝۱۶

اين زمين بغير اين زمين و بدل كرده شوند آسمان با و ظاهر شوند حضور خداى يگانه  
 زمين بغير اين زمين و بدل كرده شود آسمان با و دروم ظاهر شوند حضور خداى يگانه غالب

وَتَرَى الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ مُّقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ ۝۱۷

و بر بينى تو آنروز كرايتان را در دست و پا بهم بسته در زنجيرها  
 و بينى كرايتان را دران روز دست و پا بهم بسته در زنجيرها پيران ايران

مِنْ قِطْرٍ اِنْ تَعْتَشَىٰ وَجْوهَهُمُ النَّارُ ۝۱۸

از قطران باشد و چهره روى ايران را آتش و تاجزاد بد خدا بر سره را  
 از قطران باشد و چهره روى ايران را آتش تاجزاد بد خدا بر سره را آنچه

كَسَبَتْ اِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ۝۱۹

كرده است هر آينه خدا زود حساب كنده است اين قرآن خبر رسانيدن است مردمان را و كذا و نعيم كرده شود  
 كرده است (هر آينه) خدا زود حساب كنده است اين قرآن خبر رسانيدن است مردمان را و نعيم كرده شود

يَا وَيْلَكُمْ وَاَتَا هَؤُلَاءِ وَاَحَدٌ وَلَيْتَ كَرِهُوا الْاَلْبَابَ ۝۲۰

يا آن و تاجزاد است كه جز اين نيست كودى خداى يگانه است و تاجزاد بد خدا بر سره را  
 يا آن و تاجزاد است كه جز اين نيست كودى خداى يگانه است و تاجزاد بد خدا بر سره را و تاجزاد بد خدا بر سره را

لَسَوْفَ اَلْجَحِيْمُ مَكْنِيَةٌ ۝۲۱

لَسَوْفَ اَلْجَحِيْمُ مَكْنِيَةٌ ۝۲۱

لَسَوْفَ اَلْجَحِيْمُ مَكْنِيَةٌ ۝۲۱

لَسَوْفَ اَلْجَحِيْمُ مَكْنِيَةٌ ۝۲۱

لَسَوْفَ اَلْجَحِيْمُ مَكْنِيَةٌ ۝۲۱







فل یخیر یزید

مورثه صفی است

که از آنجا می آید

۱۲ فل یخیر غلامان و

یاوران و اهل علم

تفسیر عثمانی

عنه هر چه بر او آید

که خواهد بود می کند

و تعب و محنت و

لاحق و نشو و نما

اراده کند و فرمود

ی شود که با خرد

تا آنکه بر قدرت

محدود اوست که

آن بر چیز بر دق

سکنت و تخت یک

نظام معین و اندازه

مقرر بدن می دوشی

بر آید می رود

بادی بادی ابرای

عظیم و آب

کرده می آید تا

از آن بادهان

فرود آید در چشم

کار برده و چاه

طوت فتح شاد و

شود اگر خدای تعالی

میخواست آنرا

نوشیدن شام

اما از لطف عنایت

عام خود آبهای

در زمین را بر آید

و اندازه و در تمام

زمین فرا می رود

در بالای بادهان

در پایان چشم و چاه

در اختیار شایسته

منه که خدا خواهد

باران ببارد و

نیز کرده می تواند

و بخاشش بنوازد

می تواند اگر آب

چشمه باورد و چاه

با در خشک کند و

آنها را باین قدر

از دسترس شایسته

خود می تواند که

و الارض مددناها و القینا فیها و اسی و انبتنا فیها من کل شئ

۱۰ زمین کشتایش و دانه های

در آنجا کوه بار و دریا

در آنجا کوه بار و دریا

در آنجا کوه بار و دریا

در آنجا کوه بار و دریا

در آنجا کوه بار و دریا

در آنجا کوه بار و دریا

در آنجا کوه بار و دریا

در آنجا کوه بار و دریا

در آنجا کوه بار و دریا

در آنجا کوه بار و دریا

در آنجا کوه بار و دریا

در آنجا کوه بار و دریا

در آنجا کوه بار و دریا

در آنجا کوه بار و دریا

در آنجا کوه بار و دریا

در آنجا کوه بار و دریا

در آنجا کوه بار و دریا

در آنجا کوه بار و دریا

در آنجا کوه بار و دریا

در آنجا کوه بار و دریا

در آنجا کوه بار و دریا

در آنجا کوه بار و دریا

در آنجا کوه بار و دریا

در آنجا کوه بار و دریا

در آنجا کوه بار و دریا

در آنجا کوه بار و دریا

در آنجا کوه بار و دریا

در آنجا کوه بار و دریا

در آنجا کوه بار و دریا

در آنجا کوه بار و دریا

در آنجا کوه بار و دریا

در آنجا کوه بار و دریا

در آنجا کوه بار و دریا

در آنجا کوه بار و دریا

در آنجا کوه بار و دریا

در آنجا کوه بار و دریا

در آنجا کوه بار و دریا

در آنجا کوه بار و دریا

در آنجا کوه بار و دریا

در آنجا کوه بار و دریا

در آنجا کوه بار و دریا

در آنجا کوه بار و دریا

در آنجا کوه بار و دریا



حَمِيمًا مُسْتَوْنًا ۱۰ قَالَ فَاخْرِجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ ۱۱ وَإِنْ عَلَيْكَ لَعْنَتُ

الهِ يَوْمَئِذٍ سَبْعًا ۱۲ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ۱۳

إِلَى يَوْمِ الدِّينِ ۱۴ قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ۱۵

قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ ۱۶ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ ۱۷ قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي

أَلْزَمْتَ لِي الشَّجَرَةَ ۱۸ تِلْكَ الْأَشْجَارُ الَّتِي لَا يَدْخُلُ فِيهَا الْعَالَمِينَ ۱۹

إِلَّا الظَّالِمِينَ ۲۰ وَالْكَافِرِينَ ۲۱ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا ۲۲

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِرُسُلِهِمْ ۲۳ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا كَانُوا يَعْلَمُونَ ۲۴

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا كَانُوا يَعْلَمُونَ ۲۵ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا كَانُوا يَعْلَمُونَ ۲۶

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا كَانُوا يَعْلَمُونَ ۲۷ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا كَانُوا يَعْلَمُونَ ۲۸

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا كَانُوا يَعْلَمُونَ ۲۹ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا كَانُوا يَعْلَمُونَ ۳۰

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا كَانُوا يَعْلَمُونَ ۳۱ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا كَانُوا يَعْلَمُونَ ۳۲

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا كَانُوا يَعْلَمُونَ ۳۳ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا كَانُوا يَعْلَمُونَ ۳۴

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا كَانُوا يَعْلَمُونَ ۳۵ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا كَانُوا يَعْلَمُونَ ۳۶

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا كَانُوا يَعْلَمُونَ ۳۷ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا كَانُوا يَعْلَمُونَ ۳۸

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا كَانُوا يَعْلَمُونَ ۳۹ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا كَانُوا يَعْلَمُونَ ۴۰

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا كَانُوا يَعْلَمُونَ ۴۱ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا كَانُوا يَعْلَمُونَ ۴۲

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا كَانُوا يَعْلَمُونَ ۴۳ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا كَانُوا يَعْلَمُونَ ۴۴

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا كَانُوا يَعْلَمُونَ ۴۵ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا كَانُوا يَعْلَمُونَ ۴۶

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا كَانُوا يَعْلَمُونَ ۴۷ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا كَانُوا يَعْلَمُونَ ۴۸

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا كَانُوا يَعْلَمُونَ ۴۹ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا كَانُوا يَعْلَمُونَ ۵۰

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا كَانُوا يَعْلَمُونَ ۵۱ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا كَانُوا يَعْلَمُونَ ۵۲

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا كَانُوا يَعْلَمُونَ ۵۳ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا كَانُوا يَعْلَمُونَ ۵۴

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا كَانُوا يَعْلَمُونَ ۵۵ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا كَانُوا يَعْلَمُونَ ۵۶

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا كَانُوا يَعْلَمُونَ ۵۷ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا كَانُوا يَعْلَمُونَ ۵۸

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا كَانُوا يَعْلَمُونَ ۵۹ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا كَانُوا يَعْلَمُونَ ۶۰

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا كَانُوا يَعْلَمُونَ ۶۱ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا كَانُوا يَعْلَمُونَ ۶۲

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا كَانُوا يَعْلَمُونَ ۶۳ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا كَانُوا يَعْلَمُونَ ۶۴

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا كَانُوا يَعْلَمُونَ ۶۵ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا كَانُوا يَعْلَمُونَ ۶۶

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا كَانُوا يَعْلَمُونَ ۶۷ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا كَانُوا يَعْلَمُونَ ۶۸

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا كَانُوا يَعْلَمُونَ ۶۹ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا كَانُوا يَعْلَمُونَ ۷۰

درست کن و درین  
قابلیت یونی چشم که  
تواند نفس روح  
انسانی خود پس  
دران روح انگیز که  
بازان قادران  
گزارشگاه دنیا حکمی  
شود که همه بجهت  
(تجلی) روح انسان  
را که خدا بسوی خود  
اضاعت نموده انسان  
جهت است که شریف  
و تکویم و ادب روح  
انسانی پیوسته گردد  
یعنی آن روح خاص  
که دران خود علم و  
تجرب و سانس و صفات  
من است از اصل  
فطرت پذیرد که من  
بردارد و در لغات  
خصوصی نسبت با من  
علاقه قوی دارد  
لما غزالی رحمه الله  
عبد بنیامین دیگر  
توضیح کرده و می  
گوید اگر آفتاب  
نیروی گویائی پیدا  
کند گوید من نیل  
نور خود را بر زمین برافشانم  
آیا که نور خود غلط  
می باشد چنان این سخن  
درست است و چنانکه  
نه آفتاب در زمین غلط  
می کند نه نور آن را  
جدا شود بلکه با هم  
هم دران بین  
دوری از زمین نیز  
روشنی و تصرف خود  
است و زمین  
نیچ اقتضای ندارد  
که بقدر استعداد از  
آن منتفع گردد پس  
اگر خدای که در او انوار  
سه چنان نورانی که  
در آن روح خود  
گردانده اند و آن نورانی



ولایت الرضا علیه السلام  
 شهادت خواهد نمود  
 نیک من است  
 والذی اعلم لا اله الا هو  
 این حمد و وسط  
 قصه حضرت لوط و نادر  
 کرده شد تا بنیاد  
 بر طبق حال شریکین  
 که بر حال قوم لوط  
 امثال ایشان  
 اعظم  
 کفر عثمان  
 چون بنیاد  
 در از وقوع و غیر  
 ناول بود که  
 سالی خدنگاه  
 کرد و چندی نگفت  
 به نظر آمد غاصه  
 طبیعت انسانی است  
 دنیا میگوید خبری است  
 یکی میگوید که بر  
 غلات توقع و غیر  
 ماحول و ناگهانی  
 باشد اگر چه بر آن  
 یقین داشته باشند  
 پیشتر کادش و بخت  
 ی غایب و بخت  
 اختیار کنی که خبر  
 و نه یکمال تا که  
 و تفریح به تکرار  
 خبری پس از آنکه  
 آن احتمال بود  
 غلامی و نادر و  
 التماس نادر گویا  
 مقصد از اظهار  
 تعجب آنست که  
 بشدت خوبه از  
 و استوار شود از  
 تکرار مع لذت تو  
 حاصل گردد حضرت  
 ابراهیم علیه السلام  
 باین صورت اظهار  
 تعجب نمود این  
 چنین گوید  
 متعجبانم که  
 زحمت و مستحق  
 ناپا جوید

عَلَى أَنْ مَسْنَى الْكِبَرُ قَبْلَ تَبَشُّرُونَ ۱۰ قَالُوا أَبَشِّرُكَ بِإِخْلَافٍ فَلَا تُكَلِّمُنَا  
 با وجود آنکه رسیدن من بیری پس بچه قسم بشارت می دهید گفتند مژده مدایم ترا بر آستی پس مباحش  
 با وجود این که رسیدن من بیری پس بچه قسم بشارت می دهید مژده مدایم ترا بر آستی پس مباحش  
 مِنَ الْقَانِطِينَ ۱۱ قَالَ وَمَنْ يَهْتَدِ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّكَ إِلَّا الضَّالُّونَ ۱۲  
 از نا امیدان گفت و کیست که نا امید شود از رحمت پروردگار خود مگر گمراهان  
 از نا امیدان گفت و کیست که نا امید شود از رحمت پروردگار خود مگر گمراهان  
 قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ أَهْلَ الْمُرْسَلُونَ ۱۳ قَالُوا إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَى قَوْمٍ  
 گفت پس چیست خبر شما ای فرستادگان گفتند (بر آئین) ما فرستاده شده ایم لیستی گروهی  
 گفت پس چیست خبر شما ای فرستادگان گفتند (بر آئین) ما فرستاده شده ایم لیستی گروهی  
 مَجْرِمِينَ ۱۴ إِلَّا آلَ لُوطٍ إِنَّا لَنَنبِئُهِمْ أَعْمَعِينَ ۱۵ إِلَّا أَفْرَاقَهُ قَدْ رَأَى  
 مجرمان مگر آن لوط (بر آئین) ما البته بشارت خواهیم داد ایشان را بجهنم یک جا غرض از آنست که مقرر کرده ایم  
 مگر آن لوط (بر آئین) ما البته بشارت خواهیم داد ایشان را بجهنم یک جا غرض از آنست که مقرر کرده ایم  
 أَهْلَ الْغَابِرِينَ ۱۶ فَلَمَّا جَاءَ آلَ لُوطٍ الْمُرْسَلُونَ ۱۷ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ  
 که بر آئین دس انداز ماندگان است پس و دقیقه آمدند بلسان لوط فرستادگان گفت (بر آئین) شما گروهی  
 که (بر آئین) دی از باز ماندگان است پس چون آمد بلسان لوط فرستادگان گفت (بر آئین) شما گروهی  
 مُنْكَرُونَ ۱۸ قَالُوا بَلْ جُنُنُكَ مَا كُنَّا أَفِيئَةً يَسْتَرْوُونَ ۱۹ وَأَنْتَ نَاكِحٌ  
 نا آشنا ای گفتند بلکه آورده ایم پیش تو آنچه در آن شب میگردید یعنی عقوبت و آورده ایم پیش تو عداوت  
 نا آشنا ای گفتند بلکه آورده ایم پیش تو آنچه در آن شب میگردید یعنی عقوبت و آورده ایم پیش تو عداوت  
 وَإِنَّا لَصِدْقُونَ ۲۰ فَاسْرِبْ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِنَ اللَّيْلِ وَاتَّبِعْ أَدْبَارَهُمْ  
 و بر آئین ما البته راست گویم پس بگریز از خود را بپاره از شب و تو از پی ایشان رو  
 و بر آئین ما راست گویم پس بگریز از خود را بپاره از شب و تو از پی ایشان رو  
 وَلَا يَلْتَفِتْ مِنْكُمْ أَحَدٌ وَامْضُوا حَيْثُ تُؤْمَرُونَ ۲۱ وَقَضَيْنَا إِلَيْهِ  
 و باید که پس ننزد از شما هیچ کس و برودید آسما که فرموده شود و از زمین شام بود و وحی فرستادیم بپسند لوط  
 و باید که ننزد از شما هیچ کس و برودید آسما که فرموده شده است و وحی فرستادیم بپسند لوط  
 ذَلِكَ الْأَمْرُ أَنْ دَاخِرُ هَوَاكُمْ مَقْطُوعٌ مُصْبِحِينَ ۲۲ وَجَاءَ أَهْلَ الْمَدِينَةِ  
 این سخن که پنج ایشان بریده خود چون بوقت صبح در آیند و آمدند اهل شهر  
 این سخن را بدیدارستند بنیاد این گروه بریده شده است در حالتیکه هیچ در آیند و آمدند اهل شهر  
 يَسْتَبْشِرُونَ ۲۳ قَالَ إِنَّ هَؤُلَاءِ ضَيْفِي فَلَا تَفْضَحُون ۲۴ وَاتَّقُوا  
 خوش و شگفت کنان گفت لوط (بر آئین) ایشان مهمان من اند پس رسوا می کنید مرا و بر سرید  
 خوش و شگفت کنان گفت لوط (بر آئین) ایشان مهمان من اند پس رسوا کنید مرا و بر سرید  
 اللَّهُ وَلَا تَخْزَوْنَ ۲۵ قَالُوا أَوَلَمْ نُنْهَكْ عَنْ الْعُلَافِينَ ۲۶ قَالَ هَؤُلَاءِ  
 از خدا و غوار کنید مرا گفتند آیا منع نکرده بودیم ترا از (میزبانی غریبان) غایت عالم گفت اینها  
 از خدا و غوار و غول مسازید مرا گفت آیا منع نکرده بودیم ترا از (میزبانی غریبان) غایت عالم گفت اینها  
 بَنِيَّ إِنْ كُنْتُمْ فَعِلَاءِينَ ۲۷ لَعَسَ أَنْ أَهْمَ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْنَهُونَ ۲۸  
 دختران من اند اگر هستید کننده کاری قسم بزند گاهی تو که این کاران در گمراهی خویش سرگردان میشوند و  
 دختران من اند اگر هستید کننده کاری قسم بزند گاهی تو که این کاران در گمراهی خویش سرگردان میشوند و  
 فَاخْذِلْهُمْ الصَّبِيَّ مُشْرِقِينَ ۲۹ فَجَعَلْنَا عَلَيْهِمْ سَافِلَهَا وَأَظْلَمْنَا  
 پس دریافت ایشان را از هر توانا چون بوقت مشرق در آمدند پس ساقط بالاسه آن شهر باران بر آن  
 پس دریافت ایشان را از هر توانا در حالتیکه داخل بودند در وقت طلوع آفتاب پس گردانیدیم بر آن شهر باران و باران  
 بشود به تحقیق و بشارت بعد بشارت چون از کلام تو میدی تو می شنود آن سرسراخانی نشان بندگان خاصه غیر آن و



عَلَيْهِمْ حِجَابٌ مِّنْ سَبِيلٍ ۚ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّلْمُتَوَسِّمِينَ ۝

بر ایشان است از هر سوی که بخواهند بر ایشان راه است و در این آیه نشانه است برای متوسمین و

أَنَّا لَبَسِيلٌ مُّقِيمٌ ۚ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ ۝ وَإِنْ كَانَ

ما را آینه مستحضر است بر ما که در این راه است و در این آیه نشانه است برای مؤمنان و اگر

أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ الظَّالِمِينَ ۚ وَأَنفَعْنَا مِنْهُمْ وَأَنفَعْنَا مِنْهُمْ ۝

بر صاحبان آینه است که در این راه است و در این آیه نشانه است برای متوسمین و

وَلَقَدْ كَذَّبَ أَصْحَابُ الْحِجْرِ الْمُرْسَلِينَ ۚ وَأَتَيْنَهُمُ الْبَتَاءَ فَكَفَرُوا ۚ

و در آیه دروغ می گفتند که ما را فرستادند و ما را فرستادند و در این آیه نشانه است برای متوسمین و

مُحْرَضِينَ ۚ وَكَأَيُّ حِجَابٍ مِّنْ لِّحْيَةٍ يُؤْتَوْنَ ۚ فَآخَذَهُ

در گردان و بودند که در این راه است و در این آیه نشانه است برای متوسمین و

الصَّيْحَةُ مُصْبِحِينَ ۚ فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ تَاكَاثُفُوكُمْ ۚ وَمَا

آواز سخت و در وقت صبح و در این آیه نشانه است برای متوسمین و

خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا ۚ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْخَافِقُ الْعَلِيمُ ۝

ما را آینه مستحضر است بر ما که در این راه است و در این آیه نشانه است برای متوسمین و

وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِّنَ التَّنْزِيلِ ۚ وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ ۝ لَا تَمْلِكُ

و در آیه دادیم تو را هفت آیه از آنچه در کتاب خود خوانده می شود و در این آیه نشانه است برای متوسمین و

عَيْنُكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَاهُ ۚ أَزْوَاجًا مِّنْهُمْ وَلَا تَحْزَنَ عَلَيْهِمْ ۚ وَخَفَضَ

در چشم خود را به آنچه به تو داده ایم و ما را از آنچه در کتاب خود خوانده می شود و در این آیه نشانه است برای متوسمین و

جَنَاحَكَ لِّلْمُؤْمِنِينَ ۚ وَقُلْ إِلَىٰ أَنَا التَّنْزِيلُ ۚ كَمَا أُنزِلْنَا

بر تو که در این راه است و در این آیه نشانه است برای متوسمین و

عَلَى الْمُقْسِمِينَ ۚ الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ ۚ وَرَبُّكَ

بر تو که در این راه است و در این آیه نشانه است برای متوسمین و

لَتَسْلُتَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ ۚ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۚ فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ ۚ

و در آیه مستحضر است بر ما که در این راه است و در این آیه نشانه است برای متوسمین و

و در آیه مستحضر است بر ما که در این راه است و در این آیه نشانه است برای متوسمین و

و در آیه مستحضر است بر ما که در این راه است و در این آیه نشانه است برای متوسمین و



نصایح فخریه و ...  
و تعذیب کفار و یقین  
شکنی است چراغ  
میکنید و الله اعلم  
تفسیر عثمانی  
عنه یعنی هرگز کلام  
نه یقین را از آن  
کرم در جای دیگر  
هم چنین معنی استعمال  
کرده است و کن  
نگذیب یوم الدین  
حتی انا الیقین  
(مذکر و مؤنث)  
آنحضرت صلی الله  
علیه و سلم را جمع عین  
در حدیث فرموده -  
«اما یونقد جاء الیقین»  
و انی لا رجول الخ  
درین آیت جمع بود  
سلف یقین یعنی  
مرگ گرفته اند یعنی تا  
آخرین نفس عبادت  
خدا مصروف باش  
«انما یومر بهی تراش  
و بخراش بشوادم  
آخری در غمهاش  
بعض عارفان یقین  
را درین موقع معنی  
دارند و علیه گرفته  
اند و توجیه آن در در  
المعانی مفسر است  
ملاحظه شود علم  
مراد از روح و حی  
الهیست که بطور  
از بار ۴ خدا پیوسته  
و بصورت غیر مادی  
می آید چنانکه جای  
دیگر فرموده یقین  
الروح من امره علی  
سن یثاب من عباده  
(المومن و المؤمنه)  
و در توجیه دیگر نسبت  
بقرون گوید و آنکه  
۱- حینا الیک دعا  
امرنا لا یخوری روح  
۵- در تعبیر قرآن با  
دلیلی در درج است که

أَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ ۝ إنا كفيناك المستهزئين ۝ الذين  
مشرکان از مشرکان  
هر آنچه بایستد ایم ترا از مستهزئین کنندگان  
روزی بگردان از مشرکان  
(مهر آینه) بایستد ایم ترا از مستهزئین کنندگان  
يَجْعَلُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ۝ وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّكَ  
مقرر می کنند به خدا معبود دیگر پس زود بدانند و هر آنچه بایستد ایم از حال تو که  
مقرر می کنند با خدا معبود دیگر پس زود بدانند و هر آنچه بایستد ایم از  
يُضِيقُ صَدْرُكَ بِمَا يَقُولُونَ ۝ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَكُنْ مِنَ  
تنگ میشود سینه تو بسبب آنچه می گویند  
پس سبای بیاد کن پروردگار خود را با ستایش او باش از  
تنگ میشود سینه تو بسبب آنچه می گویند  
پس سبای بیاد کن پروردگار خود را با ستایش او و باش از  
السَّاجِدِينَ ۝ وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّى يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ ۝  
سجده کنندگان  
و عبادت کن پروردگار خود را تا وقتیکه برسد یومر  
سجده کنندگان  
و عبادت کن پروردگار خود را تا وقتیکه برسد یومر  
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۝  
بسم الله الرحمن الرحيم  
نمائی بخشایند مهربان  
آغازی نم تمام خدا یکی به اندازه مهربان نهایت بار حق است  
إِنِّي أَمُرُّ اللَّهَ فَلَا تَسْتَعْجِلْهُ ۝ إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا تُبْدِي ۝  
پاک است خدا و بلند قدر است از آنچه می گویند و مقرر میکنند فردی از تو که  
پاک است خدا و بلند قدر است از آنچه می گویند و مقرر میکنند فردی از تو که  
بِالْرُّوحِ مِنْ أَمْرِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ أَنْ أَنْذِرُوا أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا  
یوحی باراده خود بر هر که خواهد از بندگان خود که ترسانند باین مضمون که خداوند فرمود که نیست هیچ معبود مگر  
یوحی علم باراده بود بر هر که خواهد از بندگان خود که ترسانند باین مضمون که نیست هیچ معبود مگر  
أَنَا فَالْقُيُومُونَ ۝ خَلَقَ السَّمُوتِ وَالْأَرْضِ بِأَحْسَنِ تَعْلِيمٍ ۝  
من پس بر سرید از من آفرید آسمان با در زمین را بتدبیر درست بلند قدر است از آنچه می گویند و مقرر میکنند  
من پس بر سرید از من آفرید آسمان با در زمین را بتدبیر درست بلند قدر است از آنچه می گویند و مقرر میکنند  
خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ ۝ وَالْإِنْعَامَ  
آفرید آدمی را از منی پس ناگهان ده ستیزنده آشکارا شده و چهار پایان را  
آفرید آدمی را از منی پس ناگهان ده ستیزنده آشکارا شده و چهار پایان را  
خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنَافِعُ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ ۝ وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ  
آفرید برای شما از آنجا که شستنی منفعت ماست و دیگر است و بعضی آنها را بخورید و شمارا در آنها آبرودست  
آفرید برای شما از آنجا که شستنی منفعت ماست و دیگر است و بعضی آنها را بخورید و شمارا در آنها آبرودست  
حِينَ تَرْجُونَ وَحِينَ تَسْرَحُونَ ۝ وَتَحْمِلُ أَثْقَالَكُمْ إِلَى بَلَدٍ لَكُمْ تَكُونُونَ  
چون وقت شام از همرا بازی آید و چون بوسه همرا می برد و بر میدارند بار شمارا بوسه شهرتیکه  
چون وقت شام از همرا بازی آید و چون بوسه همرا می برد و بر میدارند بار شمارا بوسه شهرتیکه  
يَلْبِغُكَ اللَّهُ يَشِيقُ الْإِنْفُسَ أَنْ يَكُونَ رَكْعَةً كَرِهُوا فِيهِ كَلِمَةً ۝ وَاحْمِلْ الْبَغَالَ  
نمی رسد بد آن مگر مشقت جانها  
هر آنچه بایستد پروردگار بخشایند مهربان است و آفرید دستان را و استخوان  
رسند بدان مگر مشقت جانها  
هر آنچه بایستد پروردگار بخشایند مهربان است و آفرید دستان را و استخوان  
وَاحْمِلْ لِرَبِّكَ وَهَؤُلَاءِ يَنْظُرُونَ ۝ وَاللَّهُ يَصْطَلِحُ مَا يَشَاءُ ۝ وَعَلَى اللَّهِ قَصْدُ  
و خزان را تا سوار شوید بران و بران را آریش و می آفریند آنچه می خواهید  
و خزان را تا سوار شوید بران و بران را آریش و می آفریند آنچه می خواهید  
و خزان را تا سوار شوید بران و بران را آریش و می آفریند آنچه می خواهید

دلیلی در درج است که خدا یکی به اندازه مهربان نهایت بار حق است











وَقِيلَ لِلَّذِينَ اتَّبَعُوا مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا خَيْرٌ اللَّهُ يَسِّرُ

و گفتند متقین را چیست آنچه فرو فرستاد پروردگار شما گفتند فرود آورده است بهترین سخن آنانرا که

أَحْسَنُ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَلَدَارِ الْآخِرَةِ خَيْرٌ وَلَنِعْمَ

دو این سرائے برای شان حالت نیک است ۵۵ و (سرائے) سرائے آخرت بهتر است و سرائے نیک  
 یکلای کردند

وَالْمُتَّقِينَ ۝ جَبَّتْ عَنْ يَدِ خُولَاهَا نِي مِنْ تَحْتِهَا ۝

برائے متقیان است آخرت پوستا نہائے ہمیشہ ماندن در ایند آسجا میرود  
برائے متقیان است (آخرت) پوستا نہائے ہمیشہ ماندن در آسجا میرود

هَمْزُهُمَا وَالنَّشَاءُ وَنُكُنْ لَكَ يَحْيَىٰ اللَّهُ الْمُتَّقِينَ ﴿٦﴾ ۝

و ایشان راست در آل بهر چه خواهند بجزا امید بد خدا متقیان را ۵۲۲

قَالَ لَهُ الْمَلِكُ طَبِّبْ لِي فَقَالَ لَوْ أَنَّ سُلَيْمَانَ عَلِمَكَ أَذْخَلَ الْأَكْبَادُ

شماره پنجم از این کتاب می گویند که در این کتاب است که در این کتاب است

[illegible]

یہ کہیں سے آیا ہے یا نہیں؟

الآنکہ بیابان ہوا آفرینش کا یا بیاں

مگر آید بیاید پادشاه فرستدگان یا بگوید

[illegible]

ان هر دو را که بهم چسبیدند آنانکه پیش از ایشان بودند وستم نکرد بر ایشان خدا و

پس بفرشستم می کردند آتش رسیده باشد جزائے گناهان از اعمال ایشان و

میکان بودند بر نفس بایست خود ستم می کردند پس رسید با ایشان جزای آن بدیها که کردند و

زود آمد ایشان آنچه بان استقامت می کردند و گفتند مشرکان

بایشان آنچه به آن استنزا می کردند و گفتند آنرا که شکر آوردند

وَبَشِّرِ الصَّالِحِينَ الَّذِينَ إِذَا أُتُوا بِالْحَبَرِ قَالُوا هَذَا الَّذِي قُلْنَا لَكُمْ بِهِ قَدْرًا  
وَبَشِّرِ الصَّالِحِينَ الَّذِينَ إِذَا أُتُوا بِالْحَبَرِ قَالُوا هَذَا الَّذِي قُلْنَا لَكُمْ بِهِ قَدْرًا

کفر است خدا نمی پندارم بجز دوست با حق چنانچه را (نما) و نه پدران ما

فَمَنْ مِّنْكُمْ مَّنْ لَّمْ يَفْعَلْ مِثْلَ هَٰذَا فَعَلْ مِثْلَ هَٰذَا

بغیر زمان و سے بیچ چیزے را ہم جین کردن آنا عیش از ایشان بودند پس نیست

الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْبَيِّنُ ① وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا

بجز خبر رسا نیدن آشکارا و هر آینه مستانیم در گردن پیغامبر رسا  
پیغامبران بجز خبر رسا نیدن آشکارا و هر آینه مستانیم در هر گردن پیغامبر رسا

يَا عَبْدُ اللَّهِ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَبَدَّوْهُم مِّنْ هَدَى اللَّهِ وَ

و استرازا کنگد از جهان پس از ایشان ایستاد و در راه خودش غذا و  
غلات کنگد غذا و استرازا کنگد از جهان پس از ایشان کسے بود کرد و خودش غذا و

[illegible]

است و این سخن آن رحمت ایا است چنانچه در حدیث است: «اذا لم یقلدنا المذنب لم یحرم»



وفا و اسعد و قق  
شده و بهایران را  
مدینه جلست و امام  
پسین پیغمبران سابق  
آوی بودند فرشته  
نمودند و الله اعلم  
و الله اعلم  
پیغمبران و خدایان  
۱۳ تفسیر عثمانی  
عبدالحکیم  
دید پیغمبر کرد و صبر  
و توکل استوار بستند  
در هر دو جهان دوان  
نصرت و اعطای ثواب  
از عادت جدیدانیت  
بیشتر از این پیغمبران  
را از پیغمبران مردم فرستاد  
بودیم تا احکام ما را بشنود  
کنند و مردم را به تمام  
شای و بدی آگاه گردانند  
اگر شما نمیدانید از  
دانش مدالی که به  
حوال اعم سابق و  
واقعات تاریخی  
پیغمبران آگاه میشوید  
کثیرت اسلوس شود که  
پیغمبران و انبیا  
را به منصب پیغمبر  
سرور از گردانیده باز  
برودینت و کتب  
و پیغمبران فرستاده  
بودیم یا بهایران  
که آنرا باید به قدرت یا  
انکه که بودند و ان  
شد این حق بر برکت  
میر و توکل چنان  
منصور و کامیاب  
شدند و چگونه رسانیدند  
حاکم پس از انعام یافت  
تبار گردیدند و وقت  
حکمت ربک الحسی  
علی بنی اسرائیل با  
میر و او در نالمان  
یشتن فرعون و قوم  
و لا اولیون  
(اعراف رکوع ۱۶)  
مردان این فکر خاص در کتاب را مگر تمسک یافتند و عایت کردیم که اهل کتاب پیروان شایع است و در روح المعانی است و تامل فرمای و از هر ج و از هر ج و از هر ج

مِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ فَيَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا  
از ایشان کسی بود که ثابت شد بر وی گمراهی پس میر کنید در زمین پس میر کنید  
كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ ۱۰ اِنْ تَخْصُصْ عَلَى هَذِهِمْ فَانظُرُوا  
چگونه شد آخر کار دروغ دارندگان اگر کوشتن کنی بر بدایت ایشان چه سود هر آینه  
لَا يَهْدِي مَنْ يَضِلُّ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ ۱۱ وَأَقْبَهُمُ اللَّهُ جَهَنَّمَ  
را نهاده آنرا که گمراه میسازد و نیست ایشان را هیچ یاری دهنده و قسم خوردند جهم ترین  
رأى نایب سزاگر گمراه میسازد و نیست ایشان را هیچ یاری دهنده و قسم خوردند جهم ترین  
أَيُّهَا هُمُ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَنْ يَمُوتُ بَلَى وَعَلَىٰ أَعْيُنِكُمْ حَقٌّ وَلَمُنْ  
سوگند بآنچه خود کردید انگیزد خدا مرده را آری بر انگیزد و عده درست لازم شده بر وی و لیکن  
أَكْثَرُ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ۱۲ لَيْسَ لَهُمُ الَّذِي يُخْتَلَعُونَ فِيهِ وَ  
بیشترین مردمان نمیدانند آری بر انگیزد تا این که برانگیزد ایشان آنچه اختلاف می کنند در میان و  
لِيَعْلَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ كَانُوا كَذِبًا ۱۳ إِنَّا فَتَقْنُوا لَنَا لَشَيْءٍ إِذَا  
تا بدانند که از آن که ایشان دروغ می گویند نیست زبان ما بر آنست چیزی که چو  
أَرَدْنَاهُ أَنْ نَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ۱۴ وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ  
خواستیم آفریدنش مگر گوئیم او را بشو پس بشود و آنکه ترک دیار خود کردند برانست خدا  
بَعْدَ مَا ظَلَمُوا النَّبِيَّ ثُمَّ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً ۱۵ وَلَا جَزَاءَ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ  
بعد از آن که ستم کرده شد بر ایشان البته جادوستیم ایم ایشان را در دنیا بر آنست نیک و در آخرت بزرگتر است  
كَانُوا يَعْلَمُونَ ۱۶ الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ۱۷ وَمَا أَرْسَلْنَا  
می دانستند آنانکه صبر کردند و بر پروردگار خویش توکل می نمایند و لغزت و ایم  
مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رَجُلًا ظَلَمَ فِي الْيَمِينِ فَرَسَوَا لَهُ الْيَمِينَ فَرَسُوا لَهُ الْيَمِينَ فَرَسُوا لَهُ الْيَمِينَ  
پیش از تو مگر مردانی را که در حق پیغمبر ستم کردند پس سوال کنید از اهل کتاب اگر  
لَا تَعْلَمُونَ ۱۸ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّا أَنزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَإِنَّا لَنَافِلُ  
نمیدانید و ای کسانی که ایمان را بدلائل و کتاب ما درود و دریم بسوی تو کتاب تا بیان کنی بر آنست  
كَانُوا يَعْلَمُونَ ۱۹ إِنَّا أَنزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَإِنَّا لَنَافِلُ  
که می دانند و ای کسانی که ایمان را بدلائل و کتاب ما درود و دریم بسوی تو کتاب تا بیان کنی بر آنست  
أَن يَخْشِفَ اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ وَيَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ ۲۰  
از آنکه فرو برد خدا ایشان را بر زمین یا بیاید بایشان عذاب از آنجا که ندانند  
از آنکه فرو برد خدا ایشان را در زمین یا بیاید بایشان عذاب از آنجا که ندانند

مردان این فکر خاص در کتاب را مگر تمسک یافتند و عایت کردیم که اهل کتاب پیروان شایع است و در روح المعانی است و تامل فرمای و از هر ج و از هر ج و از هر ج























والمترجم گوید و آن  
 بی آنقسم باشد بر او  
 یعنی نام او را در  
 مذکور کرده اند و او  
 یعنی بر آن منفعات  
 دنیا و آخرت و منازل  
 زیاده باست  
 آوردن مترجم  
 گوید برادر مترجم  
 بین غموس  
 است و حاصل مثل  
 آنست که احوال خود را  
 ضبط کنی و چنانکه این  
 زن عمل خود را بجا  
 کرد و الله اعلم و گویا  
 این جا اشاره است  
 بآنکه بین غموس ضبط  
 کننده احوال است  
 و الله اعلم و مترجم  
 گوید یعنی در باب و بعد  
 کرده و قسم خود را  
 کردن بیدب آنست  
 که کافران من بعد قول  
 ایشان را مقبول نماند  
 و بالایشان محبت  
 ندارند بلکه مسلمانان  
 در مشرقت و اندک الله  
 اعلم و تفسیر عثمان  
 علیه السلام آن روز  
 بود که تا بیاورد  
 داشتند است و قتل  
 بر غیر محال است  
 خود را به ارگاه احییت  
 بیان کن آنحضرت  
 صلی الله علیه و سلم نیز  
 حالت امت خود را  
 بیان خواهند کرد بلکه  
 بر دق قول بعضی مفسرین  
 آنحضرت صلی الله علیه  
 و سلم برای تزکیه شهادت  
 تمام شده است و شهادت  
 میدهد که پیش از آن  
 و لیس خود را ادا کرده  
 و در حدیث آمده است  
 که احوال امت بر دق  
 بمشهور آنحضرت  
 صلی الله علیه و سلم پیش

فِي امْتَرْتُمْ هَيْدًا عَلَيْهِمْ مِّنْ اَنْفُسِهِمْ وَجُئْنَا بِكَ تَهْمِيْدًا اَعْلٰى  
 در بر آنست که بر ایشان از قبیل ایشان و بیادیم ترا خواه برای  
 در بر امت غموسی را بر ایشان از ایشان و بیادیم ترا خواه برای  
 هُوَ لَا وَتَزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتٰبَ تَبْيٰٓئًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهَدٰى وَّ رَحْمَةً  
 کافران و فرود آوردیم بر تو کتاب بر آنست که بیان کردن هر چیز و بر آنست که راه نمودن و بخشایش و  
 کافران و فرود آوردیم بر تو کتاب را بر آنست که بیان کردن هر چیز و بر آنست که راه نمودن و بخشایش و  
 لَبٰٓسًا لِّلْمُسْلِمِيْنَ ۝ اِنَّ اللّٰهَ بِاَمْرِ بِالْعَدْلِ وَالْاِحْسَانِ وَالْاِيْمَانِ  
 مژده دادن مسلمانان را (بر آینه) هدای فرماید بالصفات و بیگو کاری و عطا کردن  
 مژده دادن مسلمانان (بر آینه) هدای فرماید بالصفات و بیگو کاری و عطا کردن  
 ذٰى الْقُرْبٰى وَيَهْدِىْ عَنِ الْفَحْشَآءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ  
 بخویشانداندان و موعی کند از بیهوشی و کار ناپسندیده و تعدی پند می دهد و بدستار تالیف و کشتا  
 بخویشانداندان و موعی کند از بیهوشی و کار ناپسندیده و تعدی پند می دهد و بدستار تالیف و کشتا  
 تَذَكَّرُوْنَ ۝ وَاَوْفُواْ بِعَهْدِ اللّٰهِ اِذَا عٰهَدْتُمْ ۚ وَلَا تَنْقُضُواْ الْاَيْمٰنَ  
 پند بپذیرش و وفا کنید بعهده خدا چون عهد بندید و شکنید سوگند بدار  
 پند بپذیرش و وفا کنید بعهده خدا چون عهد بندید و شکنید سوگند بدار  
 بَعْدَ تَوْكِيدِهَا وَقَدْ جَعَلَكُمْ اللّٰهُ عَلَيْكُمْ كَفِيْلًا ۚ اِنَّ اللّٰهَ يَعْلَمُ  
 بعد حکم ساختن آنها و بر آینه ساخته اید خدا را بر خویش تا بهمان و بر آینه خدا میداند آنچه  
 بعد حکم ساختن آنها و بر آینه ساخته اید خدا را بر خویش تا بهمان و بر آینه خدا میداند آنچه  
 تَفْعَلُوْنَ ۝ وَلَا تَكُوْنُوْا كَالَّذِيْ نَقَضَتْ غَزٰٓءُهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ اَنَّا  
 می کنید و میباشید مانند زنی که گسست رشته خود را بعد از استواری پاره پاره ساخته  
 می کنید و میباشید مانند زنی که گسست رشته خود را بعد از استواری پاره پاره ساخته  
 تَخٰجِلُوْنَ اِيْمَانَكُمْ دَخَلَا بَيْنَكُمْ اَنْ تَكُوْنَ اُمَّةٌ هِيَ اَرْبٰى مِنْ  
 می سازید سوگند بدار خلیش را مگر در میان خود تا افزون تر خود گردید  
 می گیرید سوگند بدار خود را بهمان در میان خود بلیب آنکه باشند گردی ایشان زیاده از گردی  
 اِنَّمَا يَبْلُوْكُمْ اللّٰهُ بِهِ ۚ وَلِيَبَيِّنَ لَكُمْ لِيَوْمِ الْقِيٰمَةِ مَا كُنْتُمْ فِيْهِ  
 جز این نیست که می آزماید خدا شما را با آن آزمودنی و البته بیان کند بر آنست که شمار روز قیامت آنچه در آن  
 جز این نیست که می آزماید خدا شما را با آن آزمودنی و البته بیان کند بر آنست که شمار روز قیامت آنچه در آن  
 خَتٰٓفُوْنَ ۝ وَلَوْ شَاءَ اللّٰهُ جَعَلَكُمْ اُمَّةً وَّاحِدَةً وَّلٰكِنْ يَّبْخِلُ  
 اختلاف می نمودید و اگر خواسته خدا سلسله شمار یک کرده و لیکن گزیده می کند هرگز  
 اختلاف می نمودید و اگر خواسته خدا (بر آینه) ساخته اید خدا را بر خویش تا بهمان و بر آینه خدا میداند آنچه  
 تَشَآءُ وَيَهْدِىْ مَنْ يَّشَآءُ مَوْلٰٓئُكُمْ سُلٰٓٔنٌ عَمَّا كُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ ۝ وَلَا تَتَّبِعُوا  
 خواهد و راه می نماید هرگز خواهد و البته پرسیده خواهد شد از آنچه می کردید و سزاوار  
 خواهد و راه می نماید هرگز خواهد و البته پرسیده خواهد شد از آنچه می کردید و سزاوار  
 اِيْمَانَكُمْ دَخَلَا بَيْنَكُمْ فَتَرٰٓءُ قَدَمٌ بَعْدَ ثُبُوْتِهَا وَتَنْوِقُوْنَ  
 سوگند بدار خود را تا در میان خویش و آنرا بپذیرد و قدم بعد از استواری آن و بچشمید  
 عهد و پیمان خود را در میان خود پس بپذیرد و قدم بعد از استواری آن و بچشمید  
 الشُّعْرَ بِمَا صَبَدْتُمْ عَنْ سَبِيْلِ اللّٰهِ وَلَكُمْ عَذَابٌ عَظِيْمٌ ۝  
 عقوبت بپسندید از راه حق از راه خدا و شمار بپسندید عذاب بزرگ و  
 عقوبت بپسندید از راه حق از راه خدا و شمار بپسندید عذاب بزرگ و



اَلشَّارِكُ وَابْعَثِ اللّٰهُ ثَمَنًا قَلِيْلًا اِنَّمَا عِنْدَ اللّٰهِ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ

شاید عمن عهد خدا بهائے اندک هر آنچه نزد یک خداست بهتر است شمار  
شاید عمن عهد خدا بهائے اندک هر آنچه نزد خداست بهتر است شمار

اِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ ۝۶ مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللّٰهِ بَاقٍ ۝۷

اگر آنست اید آنچه نزد یک شماست فنا شود و آنچه نزد خداست پاینده است و  
اگر آنست اید آنچه نزد شماست تمام زغالی شود و آنچه نزد خداست پاینده است و

لَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝۸

ما بران را جزا دهیم از بهترین آنچه می کردند  
ما بران را جزا دهیم از بهترین آنچه می کردند

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً

مرد باشد یا زن و او مسلمان است هر آینه زنده کنیم  
مرد باشد یا زن و او مسلمان است پس هر آینه زنده کنیم میدیم زندگانی

طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝۹

پس و بدیم آن جان را از بهترین آنچه می کردند  
پس و بدیم آن جان را از بهترین آنچه می کردند

فَرَأَتِ الْقُرْآنَ فَأَسْتَبَعْدَ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطٰنِ الرَّجِيْمِ ۝۱۰

وای قرآن خواندن پناه طلب کن بخدا از شیطان رانده شده هر آینه  
قرآن را خوانی قرآن خواند پس پناه طلب کن بخدا از شیطان رانده شده عه (هر آینه)

لَيْسَ لَهُ سُلْطٰنٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ۝۱۱

نیست شیطان را علیه ایمان آوردند و بر پروردگار خود توکل می کنند  
نیست شیطان را علیه ایمان آوردند و بر پروردگار خود توکل می کنند

اِنَّمَا سُلْطٰنُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَكَّلُوْنَ وَالَّذِينَ هُمْ بِهِ

جز این نیست که طاعت او بر آنست که دوستداری او می کنند و آنانکه ایشان با خدا  
جز این نیست که طاعت او بر آنست که دوستداری او می کنند و آنانکه ایشان با خدا

مُشْرِكُونَ ۝۱۲ وَاِذَا بَدَأْنَا آيَةً مَّكَانٍ اٰيَةً وَّاللّٰهُ اَعْلَمُ بِمَا

شریک معرفی کنند و چون بدین نیم آیت بجای آیت و خدا داننده ترست آنچه  
شریک معرفی کنند و چون بدین نیم آیت بجای آیت و خدا داننده ترست آنچه

يُنَزِّلُ قَالُوا اَلَا اِنَّمَا اَنْتَ مُفَرِّطٌ بَلْ اَكْثَرُ هُمْ لَا يَعْلَمُونَ ۝۱۳

فرودی آورد گویند جز این نیست که تو افرا گذرند بلکه اکثر ایشان نمیدانند  
فرودی آورد گویند جز این نیست که تو افرا گذرند بلکه اکثر ایشان نمیدانند

قُلْ نَزَّلَهُ رُوْحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ لِيُثَبِّتَ الَّذِينَ

بگو فرود آورده است او روح القدس از جانب پروردگار تو برستی تا مستقیم سازد خدا مومنان  
بگو فرود آورده است او روح القدس از جانب پروردگار تو برستی تا مستقیم سازد مومنان

اٰمَنُوْا وَهُدًى وَّبَشٰرَىٰ لِلْمُسْلِمِيْنَ ۝۱۴ وَلَقَدْ نَعْلَمُ اَلَهُمْ

ما و بران راه نمودن و هدیه دادن مسلمانان را و هر آینه ما میدانیم که کافران  
ما و بران راه نمودن و هدیه دادن مسلمانان را و هر آینه ما میدانیم که کافران

يَقُوْلُوْنَ اِنَّمَا يَعْلَمُهُ بَشَرٌ لِّسَانُ الَّذِي يُلْحِدُوْنَ اِلَيْهِ

می گویند جز این نیست که می آموزد این پیغامبر را آدمی زبان کسی که  
می گویند جز این نیست که می آموزد این پیغامبر را آدمی زبان کسی که

دل نبیند در دنیا  
نعمت و بیم و  
یعنی یک آیت بابت  
و دیگر یک آیت  
تفسیر عثمانی  
عنه در حدیث است  
و غیره من تعلیم قرآن  
و علم به بهترین شما  
شخص است که قرآن  
را یاد بگیرد و بخواند  
را یاد آموزاند و این مومن  
شد که برای مومن تعلیم  
و تعلیم قرآن بهترین  
کار است و در آیات  
ما قبل و در موعظه  
ذکر شده است که  
در عرض کارهای نیک  
اجز داده شود و بپردازد  
درین موعظه بعض  
آدمی قرآن قرآن  
را تعلیم می فرمایند تا  
شخص از بهر احتیاجی  
اجرای این بهترین کار را  
ضایع نکند شیطان  
و اما توفیق می کند  
از مردم را از کارهای  
نیک باز دارد و مخصوصا  
کاری مثل قرائت  
قرآن که سرشت تمام  
انسان را است بر  
۱۹ شیطان گوار نمی  
آید یقینا به این روش  
است که مومن را از این  
باز دارد و اگر درین  
مقصود کامیاب نشود  
او به چنان آغوش مبتلا  
سازد که از استیصال  
نایده حقیقی قرائت  
قرآن مانع نگردد تمام  
این تدابیر را خداوند  
و خدایی باینکه پیش  
میشود هر لحظه حفاظت  
پس دست که چون  
مومن به قرائت  
قرآن اراده کند  
اولا صدق دل  
و ثانی قرائت بر زبان

و هر آینه ما میدانیم که کافران و هر آینه ما میدانیم که کافران

اولا صدق دل















فتح الرحمن  
صلی الله علیه و آله

سبحان  
از خود  
آسمانها  
راصلی الله علیه  
و آله  
و سائرها  
در مرتبه  
گنجد  
در وعده  
شده تسلیم  
جلاوت بادشاه  
مالک و ملک مترجم  
گوید و این معنی در  
خلافت حضرت  
داوود ظاهر  
شده

تفسیر حقانی  
عنه نفس در یک نموت  
معه و مشب و مخصوص ترین  
منه خود و در میل حقانی  
صلی الله علیه و آله و سلم  
حرم که تا بهیت المقدس  
برود آید... لغزیه من  
آیاتها... به غرض و  
مقصود این مسافران  
خدا است خلاصه  
مطلب اینست که  
منتظر خداوند چنان  
بود که در این سفر و یا از  
بیت المقدس بر میآید  
بعده علوی به بندگی  
خود آیات بزرگ قدرت  
و نموده ای بجز غیب  
و استقامت حکیمان را به  
و نشان بدید در صوره  
نجم چینی این آیات  
تکامل یافته است نشان  
برای آید که سخرت  
تا به سده انجمنی تفریق  
بر دو آیت نهایت  
عظیم الشان را مشاهده  
فرموده و تقدیر آنرا  
بیت المقدس را تسبیح

سُبْحَنَ الَّذِي فِي يَدَيْهِ الْمَصِيرَاتُ ۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۲

سُبْحَنَ الَّذِي فِي يَدَيْهِ الْمَصِيرَاتُ ۳

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ۴

لَا تَأْخُذُ بِهِ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ ۵

لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۶

يُجِبُّ الدُّعَاءَ ۷

لَا يُسْأَلُ عَنِ السَّاعَةِ ۸

بِخَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۹

يَوْمَ تَبْيَضُّ الْوُجُوهُ ۱۰

وَتَسْوَدُّ الْوُجُوهُ ۱۱

وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَكَبِّرُونَ ۱۲

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ ۱۳

يَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ ۱۴

وَنُفِخُ فِي الصُّورِ ۱۵

وَنُفِخُ فِي الصُّورِ ۱۶

وَنُفِخُ فِي الصُّورِ ۱۷

وَنُفِخُ فِي الصُّورِ ۱۸

وَنُفِخُ فِي الصُّورِ ۱۹

وَنُفِخُ فِي الصُّورِ ۲۰

وَنُفِخُ فِي الصُّورِ ۲۱

وَنُفِخُ فِي الصُّورِ ۲۲

وَنُفِخُ فِي الصُّورِ ۲۳

وَنُفِخُ فِي الصُّورِ ۲۴

وَنُفِخُ فِي الصُّورِ ۲۵

وَنُفِخُ فِي الصُّورِ ۲۶

وَنُفِخُ فِي الصُّورِ ۲۷

وَنُفِخُ فِي الصُّورِ ۲۸

وَنُفِخُ فِي الصُّورِ ۲۹

وَنُفِخُ فِي الصُّورِ ۳۰

وَنُفِخُ فِي الصُّورِ ۳۱

وَنُفِخُ فِي الصُّورِ ۳۲

وَنُفِخُ فِي الصُّورِ ۳۳

وَنُفِخُ فِي الصُّورِ ۳۴

وَنُفِخُ فِي الصُّورِ ۳۵

وَنُفِخُ فِي الصُّورِ ۳۶

وَنُفِخُ فِي الصُّورِ ۳۷

وَنُفِخُ فِي الصُّورِ ۳۸

وَنُفِخُ فِي الصُّورِ ۳۹

وَنُفِخُ فِي الصُّورِ ۴۰

وَنُفِخُ فِي الصُّورِ ۴۱

وَنُفِخُ فِي الصُّورِ ۴۲

وَنُفِخُ فِي الصُّورِ ۴۳

وَنُفِخُ فِي الصُّورِ ۴۴

وَنُفِخُ فِي الصُّورِ ۴۵

وَنُفِخُ فِي الصُّورِ ۴۶

وَنُفِخُ فِي الصُّورِ ۴۷

وَنُفِخُ فِي الصُّورِ ۴۸

وَنُفِخُ فِي الصُّورِ ۴۹

وَنُفِخُ فِي الصُّورِ ۵۰

وَنُفِخُ فِي الصُّورِ ۵۱

وَنُفِخُ فِي الصُّورِ ۵۲

وَنُفِخُ فِي الصُّورِ ۵۳

وَنُفِخُ فِي الصُّورِ ۵۴

وَنُفِخُ فِي الصُّورِ ۵۵

وَنُفِخُ فِي الصُّورِ ۵۶

وَنُفِخُ فِي الصُّورِ ۵۷

وَنُفِخُ فِي الصُّورِ ۵۸

وَنُفِخُ فِي الصُّورِ ۵۹

وَنُفِخُ فِي الصُّورِ ۶۰

وَنُفِخُ فِي الصُّورِ ۶۱

وَنُفِخُ فِي الصُّورِ ۶۲

وَنُفِخُ فِي الصُّورِ ۶۳

وَنُفِخُ فِي الصُّورِ ۶۴

وَنُفِخُ فِي الصُّورِ ۶۵

وَنُفِخُ فِي الصُّورِ ۶۶

وَنُفِخُ فِي الصُّورِ ۶۷

وَنُفِخُ فِي الصُّورِ ۶۸

وَنُفِخُ فِي الصُّورِ ۶۹

وَنُفِخُ فِي الصُّورِ ۷۰

وَنُفِخُ فِي الصُّورِ ۷۱

وَنُفِخُ فِي الصُّورِ ۷۲

وَنُفِخُ فِي الصُّورِ ۷۳

وَنُفِخُ فِي الصُّورِ ۷۴

وَنُفِخُ فِي الصُّورِ ۷۵

وَنُفِخُ فِي الصُّورِ ۷۶

وَنُفِخُ فِي الصُّورِ ۷۷

وَنُفِخُ فِي الصُّورِ ۷۸

وَنُفِخُ فِي الصُّورِ ۷۹

وَنُفِخُ فِي الصُّورِ ۸۰

وَنُفِخُ فِي الصُّورِ ۸۱

وَنُفِخُ فِي الصُّورِ ۸۲

وَنُفِخُ فِي الصُّورِ ۸۳

وَنُفِخُ فِي الصُّورِ ۸۴

وَنُفِخُ فِي الصُّورِ ۸۵

وَنُفِخُ فِي الصُّورِ ۸۶

وَنُفِخُ فِي الصُّورِ ۸۷

وَنُفِخُ فِي الصُّورِ ۸۸

وَنُفِخُ فِي الصُّورِ ۸۹

وَنُفِخُ فِي الصُّورِ ۹۰

وَنُفِخُ فِي الصُّورِ ۹۱

وَنُفِخُ فِي الصُّورِ ۹۲

وَنُفِخُ فِي الصُّورِ ۹۳

وَنُفِخُ فِي الصُّورِ ۹۴

وَنُفِخُ فِي الصُّورِ ۹۵

وَنُفِخُ فِي الصُّورِ ۹۶

وَنُفِخُ فِي الصُّورِ ۹۷

وَنُفِخُ فِي الصُّورِ ۹۸

وَنُفِخُ فِي الصُّورِ ۹۹

وَنُفِخُ فِي الصُّورِ ۱۰۰

وَنُفِخُ فِي الصُّورِ ۱۰۱











طایفه در صورت  
بعل ۱۲ شکلی در

صورت اسراف ۱۲

و بعضی حق تعالی را

تفسیر عتاق

اندر سوره ۲۸۵

بغلام اسیری نمیده

راه این منتهی گرفتن که

خداوند خود را در

خواب و بیدار عالم روحانی

از کبریت الهی

برده باشد است

که شخصی فاسد

بعبادی راه این

منتهی نگردد ای سبوی

بندگان مرا ای بزرگوار

را در خواب و بیدار

در عالم روحانی از

مصر بشنیده و یار

سوره کیف که حضرت

موسی علیه السلام برای

ملاقات حضرت خضر

علیه السلام رفت میبرد

او سرگرد که برای

آزاد کردن جانور

ناقله آمده است

مطلب آن چنین

گرفته شود که این همه

حرکت محض در خواب

و یا سر در جانی بوقوع

پیوسته است باقی

را این به کل در یار

که در قرآن حکیم آمده

این عباس و زبده

است و در یارین

در پیغام رسول الله صلی

الله علیه و سلم مفرجین

از کلام عرب خواهد

آورده اند که کلمه روح

گاه گاهی به معنی مطلق

رویت چشم استعمال

می شود لهذا اگر از آن

بین و اقواس مراد

باشد باید معنی مطلق

نظاره گرفته شود که

بر دیده ظاهری مثل

آمده است تا با خواهر نفوس و حقیقه مجید است حق تعالی

۱۲

عَنْهُمْ ابْتِغَاءَ رَحْمَةٍ مِنْ رَبِّكَ تَرْجُوهَا فَقُلْ لَهُمْ قَوْلًا مَيْسُورًا وَلَا

از ایشان بابتغاء مهربانی در نظر از پروردگار خود که امید در آن باشد پس بگو این را از حق ملامت

جَعَلَ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطُهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعَلَ مَلُومًا

دست خود را بسته با گردن خود و دست خود را از تمام گشادگی که بشینی ملامت کرده شد

حَسْرًا ۚ إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّكَ كَانَ بِعِزِّهِ

در مانده حسرت و بر آئینه پروردگار قوی گشتید و تنگ می گزید روزی بر آنکه خواهد بر آئینه او بر سر کار خود

خَيْرٌ الْبَصِيرَ ۚ وَلَا تَقْنَطُوا أَوْلَادَكُمْ فَخَشِيَةٌ إِنَّهُمْ قَوْمٌ نَزَّاهُونَ

در مانده (بر آئینه) پروردگار قوی گشتید و تنگ می گزید روزی برای هر که خواهد و تنگ می گزید (بر آئینه) او بر سر کار خود

إِنَّا بَيْنَاكُمْ وَبَيْنَهُمْ حُجُوبٌ ۚ وَلَا تَقْنَطُوا أَوْلَادَكُمْ فَخَشِيَةٌ إِنَّهُمْ قَوْمٌ نَزَّاهُونَ

دانا بینا است و مکتب اولاد خود از ترس تنگدستی روزی می بیند ایشان را و دانا بینا و مکتب اولاد خود از ترس تنگدستی روزی می بیند ایشان را

إِنَّا كُنَّا نَقْصُرُ الْبَصِيرَ ۚ وَلَا تَقْنَطُوا أَوْلَادَكُمْ فَخَشِيَةٌ إِنَّهُمْ قَوْمٌ نَزَّاهُونَ

شمارا هر آینه کشتن ایشان است گنبد عظیم و نزدیک میشود به زمان سر آئینه و سبوی حیوانی است

وَسَاءَ سَبِيلًا ۚ وَلَا تَقْنَطُوا أَوْلَادَكُمْ فَخَشِيَةٌ إِنَّهُمْ قَوْمٌ نَزَّاهُونَ

و بدراست است و مکتب نفس را که محترم ساخته است خدا مگر بحق و هر که گشته شود و بدراست است و مکتب نفس را که محترم ساخته است خدا مگر بحق و هر که گشته شود

مَطْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيٍّ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ

به ستم پس دادم ایمن و ارث او را گوشتی پس باید که زیادتی نماند در کشتن بر آئینه و سبوی

مَنْصُورًا ۚ وَلَا تَقْنَطُوا أَوْلَادَكُمْ فَخَشِيَةٌ إِنَّهُمْ قَوْمٌ نَزَّاهُونَ

یاری داده شده و نزدیک میشود به زمان سر آئینه و سبوی حیوانی است

أَشَدَّ ۚ وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُورًا ۚ وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ

بجهالت قوت خود و وفا کنید به عهد بر آئینه عهد پر سیده خواهد شد از و وفا کنید بجهالت قوت خود و وفا کنید به عهد بر آئینه عهد پر سیده خواهد شد

إِذَا كَلِمَةٌ أَوْ كَلِمَةٌ تَوَعَّدَ بِهَا الْقِسْطُ سَلِّسْ لِمَنْ يَسْتَقِيمُ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا

بجمله ای و بسجید به تر از و سبوی این بهترین است و سبوی تر است از جهت عاقبت

وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَٰئِكَ

در و سبوی چیزی که ترا دانش آن نیست هر آینه گوش و چشم و دل هر یک از این ها

كَانَ عَنْهُ مَسْئُورًا ۚ وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَٰئِكَ

باشد از نفس خود پر سیده شده و در زمین خرامان (بر آئینه) تو بخوابی شکایت زمین را

وَلَنْ نَبْلُغَ الْجَهْلَ طَوْلًا ۚ كُلُّ ذَلِكَ كَانَ سَيِّئُهُ عِنْدَ رَبِّكَ مَكْرُوهًا ۚ

در نزدی بجهت و در و سبوی این خصلت با بدی و در و سبوی این خصلت با بدی و در و سبوی این خصلت با بدی

وَلَنْ نَبْلُغَ الْجَهْلَ طَوْلًا ۚ كُلُّ ذَلِكَ كَانَ سَيِّئُهُ عِنْدَ رَبِّكَ مَكْرُوهًا ۚ

در نزدی بجهت و در و سبوی این خصلت با بدی و در و سبوی این خصلت با بدی و در و سبوی این خصلت با بدی

وَلَنْ نَبْلُغَ الْجَهْلَ طَوْلًا ۚ كُلُّ ذَلِكَ كَانَ سَيِّئُهُ عِنْدَ رَبِّكَ مَكْرُوهًا ۚ

در نزدی بجهت و در و سبوی این خصلت با بدی و در و سبوی این خصلت با بدی و در و سبوی این خصلت با بدی

وَلَنْ نَبْلُغَ الْجَهْلَ طَوْلًا ۚ كُلُّ ذَلِكَ كَانَ سَيِّئُهُ عِنْدَ رَبِّكَ مَكْرُوهًا ۚ

در نزدی بجهت و در و سبوی این خصلت با بدی و در و سبوی این خصلت با بدی و در و سبوی این خصلت با بدی

وَلَنْ نَبْلُغَ الْجَهْلَ طَوْلًا ۚ كُلُّ ذَلِكَ كَانَ سَيِّئُهُ عِنْدَ رَبِّكَ مَكْرُوهًا ۚ

در نزدی بجهت و در و سبوی این خصلت با بدی و در و سبوی این خصلت با بدی و در و سبوی این خصلت با بدی

وَلَنْ نَبْلُغَ الْجَهْلَ طَوْلًا ۚ كُلُّ ذَلِكَ كَانَ سَيِّئُهُ عِنْدَ رَبِّكَ مَكْرُوهًا ۚ



ذَلِكَ مِمَّا أَوْحَى إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ ۖ وَلَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ

این از جمله است که دینی فرستاده است بسوی تو و اگر تو از علم  
این از این که است که دینی فرستاده است بسوی تو و اگر تو از علم

فَنَلَقْنَاهُ فِي جَهَنَّمَ مُلَوًّا قَدْحُورًا ۝ اَفَاَصْفَاكُمْ رَبُّكُمُ بِالْبَنِينَ وَالْجَنِّ

نکته: انداخته شوی در دوزخ ملاحت کرده شده رانده گشته آیا برگزیده شما را برودگار متشابه پسران دوزخ گرفت از  
پس انداخته شوی در دوزخ ملاحت کرده شده رانده گشته آیا برگزیده شما را برودگار متشابه پسران دوزخ گرفت از

لَمَلِكَةٍ اَنَا اَنْتُمْ لَتَقُولُوْنَ فَاَعْظِيْمًا ۝ وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِيْ هٰذَا

دشمنان و دشمنان را بر آینه شاهی گویند سخن بزرگان و بدر سینه گردانند نام برات خود را از دل در آید

الْقُرْآنَ لِيَذْكُرُوا وَمَا يُرِيدُ لَهُمُ الْاِتْفَاقُ ۝ قُلْ لَوْ كَانَ مَعَهُ آلِهَةٌ كَمَا

زان ناپسند پذیر شوند و نمی افزاید در حق ایشان مگر رسیدن را بگو اگر بودند به خدا معبودان دیگر چنانکه  
زان ناپسند پذیر شوند و نمی افزاید در حق ایشان مگر رسیدن را بگو اگر بودند با خدای معبودان دیگر چنانکه

يَكُونُونَ إِذَا لَمْ يَنْفَعُوا إِلَىٰ ذِي الْعَرْشِ سَبِيلًا ﴿١٧﴾ سُبْحَانَ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ

ی گویند آنگاه طلب کردند پس بوی خداوند عرش راه منازعت را پاست و دست از آنچه می گویند  
ی گویند آنگاه طلب کردند پس بوی خداوند عرش راه منازعت را پاست و دست از آنچه می گویند

وَكَبِيرًا تَسْبِيحُ لَهُ السَّمَوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ

برای یاد می کنند و آسمان بهشت گانه و زمین دهر که در میان اینهاست و نیست  
برای یاد می کنند و آسمان و زمین دهر که میان اینهاست و نیست

مَنْ شِئَ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَقْهَوْنَ تَسْبِيحَهُمْ إِنْ كَانُوا حَلِيمًا

مگر بیای یادی کند باستانی او و لیکن شما هم نمی کنید یاد کردن ایشان را هر آینه دست جفت بر زبان

فَقُورًا ۝ وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ

و چون میخواست قرآن را میسازم در میان تو و در میان آسمانیکه با و در غایت دارد  
و چون میخواهی قرآن را میسازم در میان تو و در میان آسمانیکه با و در غایت دارد

الْآخِرَةِ حِجَابًا مَّسْتُورًا ۝ وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي

در	بر دل ایشان پوششها تا مقبندش	ومی بینم	پرده پوشیده
در	بر دل ایشان پوششها تا مقبندش	ومی بینم	پرده پوشیده

اَلَهُمْ وَقَدْ اِذَاذْكُرْتَ رَبَّكَ فِي لَيْلٍ مِّنَ اللَّيْلِ وَتَنَازَعُ الْوُجُوهُ حَوْلَكَ وَقُلْتَ عَلٰى اَدْبَارِهِمْ

این کتاب را در این یادگنی پروردگار خود در قرآن تنهار و گردان شوند بر جانب پشت خود  
این کتاب را در این یادگنی پروردگار خود در قرآن تنهار و گردان شوند بر جانب پشت خود

٦) مَنْ أَعْلَمَ بِمَا يَسْتَمْعُونَ بِهِ إِذْ يَسْتَمْعُونَ إِلَيْكَ وَإِذْ هُمْ

مادانہ تریم بچہ کے کی ستونہ لبیب آن و قند گوش می بند بسوی تو و قندک ایشان  
مادانہ تریم بچہ کے کی ستونہ لبیب آن و قند گوش می بند بسوی تو و قندک ایشان

ی اذ یقول الظالمون ان تتبعون الا رجلا مسحورا ۝ انظر کیف

کرمان باشد و تنبیه می گویند این ستم کاران پیروی نمی کنند  
سنگ چگونگی

وَالَّذِينَ آمَنُوا أَفَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا ۝ وَقَالُوا أَإِذَا كُنَّا

راستے کو پس گمراہ شہزاد پس نہی توازند راہ یافتن و گفند آیا چون شہزاد

و اما اگر بعضی خلقات شنیده و نهفته می شود و اگر شخص با وجودی که بجهت آسایش پذیرد و یا به مقتضای آن عمل کند این تمهید

... ..



والمسلمین

والله اعلم

تفسیر عثمانی

عنه این دولت در هر

حال دانش انسان است

که بیشتر دردی زندگی

بود است در خود

ذرات خاک اگر آنرا

حیات پیدا شود

چندان متعجب نیست

و قدرت کامله حکم

علی الاطلاق بقدر

بزرگ است که

نی توان برای

آن حدی تعیین نمود

غذای که انسان را از

عدم بوجود میاورد

دوباره استخوان های

بوی بوی میاورد

نخل وجود در آن

باقتی اگر جهات

بکشد حیرت آور نیست

حتی اگر کفرات وجود

شاید شکل سنگ و

آهن را دید که ظاهر

از شکل حیات محرم

است باز هم

پیشتر که قدرت الهی

زنده کردن و بوجود

آوردن آن مشکل نبی

باشد بالاتر از آن اگر

بر موندنای مطلق هم

دچار شود خداوند

قدرت و قدرت و شایان

جان نازده و بی حیات

فون برگزیده

آنرا در جیل دارد و با

آفتاب غواهد پیدا

گردد و نیایان دیر

زیرت نموده و دیدار

موعده بنیاد و با صد سال

عمر انسان در مقایله

بنیادان سالی آنرا

عِظًا مَا وَرَفَاتًا ۱۰ اِنَّا لَمُبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا ۱۱ قُلْ كُونُوا حِجَارَةً اَوْ

استخوانی چند و اعضائی بوسیله از هم پاشیده آید بر اینکه شوم با فریض نو بگوئید سنگ یا

استخوانی چند و اعضائی بوسیله آید بر اینکه شوم با فریض نو بگوئید سنگ یا

حَدِيدًا ۱۲ اَوْ خَلْقًا مِّمَّا يَكْبُرُ فِي صُدُورِكُمْ ۱۳ فَسَيَقُولُونَ مَن يُعِيدُ

آهن شود یا نوسه دیگر شود از آنچه بزرگ نماید در خاطر شما پس خواهند گفت که باز پیدا کن ما را

آهن یا نوسه دیگر شود از آنچه بزرگ نماید در خاطر شما پس خواهند گفت که باز پیدا کن ما را

قُلْ الَّذِي فَطَرَكُمْ اَوَّلَ مَرَّةٍ ۱۴ فَسَيُبْغِضُونَ الْبَيْتَ ۱۵ وَهُمْ يَقُولُونَ

بگو کسی که اول بار باز پس خواهند بنمایند پس بگوئید که خود را و گویند

بگو کسی که اول بار باز پس خواهند بنمایند پس بگوئید که خود را و گویند

مَتَى هُوَ ۱۶ قُلْ عَسَىٰ اَنْ يَكُونَ قَرِيْبًا ۱۷ يَوْمَ يَدْعُوكُمْ فَتَسْتَجِيبُوْنَ بِحَمْرٍا

کے باشد آن بگوئید که نزدیک باشد روزی که خدا بخواهد شما را پس قبول می کنید خواندن وی را حد گویند

کے باشد آن بگوئید که نزدیک باشد روزی که خدا بخواهد شما را پس قبول می کنید خواندن وی را حد گویند

وَتَطَّوْنُ ۱۸ اِنْ لَبِيتُمْ اِلَّا قَلِيْلًا ۱۹ وَقُلْ لِّعِبَادِي يَقُولُوا الَّذِي هِيَ اَحْسَنُ

و نماز کنید که در تنگ بگوید بگویند که در تنگ بگویند که در تنگ بگویند

و نماز کنید که در تنگ بگوید بگویند که در تنگ بگویند که در تنگ بگویند

اِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَكُمْ ۲۰ اِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْاِنْسَانِ عَدُوًّا مُّبِيْنًا ۲۱

ببین با کفر بر آید شیطان نزاع می افکند میان مردمان (هر آینه) شیطان هست آدمی را دشمن آشکارا

ببین با کفر بر آید شیطان نزاع می افکند میان مردمان (هر آینه) شیطان هست آدمی را دشمن آشکارا

رَبِّكُمْ ۲۲ اَعْلَمُ بِكُمْ ۲۳ اِنْ يَشَاءْ يُحْكَمْكُمْ اَوْ اِنْ يَشَاءْ يُعَذِّبْكُمْ ۲۴ وَمَا اَرْسَلْنَاكَ

و مراد از آن که ایست که هر دو کار شما را تا ترست بحال شما اگر خواهی هر دم کند شما را و اگر نخواهد عقوبت کند شما را و نه فرستادم نه را یا

و مراد از آن که ایست که هر دو کار شما را تا ترست بحال شما اگر خواهی هر دم کند شما را و اگر نخواهد عقوبت کند شما را و نه فرستادم نه را یا

عَلَيْهِمْ وَكِيْلًا ۲۵ وَرَبُّكَ اَعْلَمُ بِمَنْ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۲۶ وَلَقَدْ

بر ایشان دان که بهان و پروردگار تو و انرا ترست بهر که در آسمان ها و زمین است و هر آینه

بر ایشان دان که بهان و پروردگار تو و انرا ترست بهر که در آسمان ها و زمین است و هر آینه

وَصَلَّيْنَا بَعْضَ النَّبِيِّنَ عَلَىٰ بَعْضٍ ۲۷ وَابْتَدَا اَوْ ذُرِّيْرًا ۲۸ قُلْ دَعُوْا الَّذِيْنَ

بعض داریم بعضی پیغمبران را بر بعضی و داریم و ذرری را بگوئید آنرا که

بعض داریم بعضی پیغمبران را بر بعضی و داریم و ذرری را بگوئید آنرا که

رَعَبْتُمْ ۲۹ مِّنْ دُونِ فَلْيَحْمِلُوْا كَثْفَ الصُّلْبِ عَنْكُمْ ۳۰ وَلَا تَحْمِلُوْا ۳۱ اُولٰٓئِكَ

آنرا که از روی ترسید از بعضی پیغمبران را بر بعضی و داریم و ذرری را بگوئید آنرا که



ذَٰلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا ۝ وَمَا مَنَعَنَا أَنْ نُرْسِلَ بِالْآيَاتِ إِلَّا أَنْ

نیر و عدد در لوح نوشته شده و باز نداشت مار از آنکه بفرستیم نشان با مگر آنکه

کَذِبَ هَآءِذَا وَكُنْ وَاتَيْنَاكَ السَّوَادَ مَبْعُورَةً فَظَلَمُوا أَبْهَاطًا وَمَا

دردا نموده بودند آنرا پیشینان و دادیم خود را اشتراک داده تا نشان باشد پس کافران شدند بوسه و

نُرْسِلُ بِالْآيَاتِ الْخَوِيفَا ۝ وَإِذْ قُلْنَا لَكَ إِنَّ رَبَّكَ أَحَدٌ بِالنَّاسِ

می فرستیم نشان را مگر بر آنکه ترسانیدن و یاد کن چون گفتیم ترا که پروردگار تو در گرفته است بر هر مردمان که این در دست خود

مَجْعَلْنَا السَّعْيَ الَّذِي أَرَيْكَ الْإِفْتِنَ لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي

سایه نمائیم ترا که خودم بنویسم مگر امتحان مردمان را و آن خلیج درختی را که لعن فرموده شد در

الْقُرْآنِ وَخَوْفُهُمْ ۝ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا ۝ وَإِذْ قُلْنَا

آن مگر امتحان می فرستیم ایشان را پس می افزاید ترسانیدن در حق ایشان مگر سرش می بزرگ داشت و یاد کن چون گفتیم

لِلْمَلِكَةِ السُّجْدَ وَالْإِدْمَ قَبْحُودًا ۝ قَالَ أَسْجُدْ لِمَنْ خَلَقْتَ

فرستگان را سجده کنید بپسند آدم پس سجده کردند الا ابلیس گفت آیا سجده کنم بر کسی را که آفریده

طَائِفًا ۝ قَالَ أَرَأَيْتَ هَٰذَا الَّذِي كَرَّمْتَ عَلَيَّ لَنْ يَخِرَّنَّ إِلَى يَوْمِ

را که باز گفت آیا دیدی این شخص را که فضل داده بر من اگر موقوف گزاری مرا تا روز

الْقِيَامَةِ أَخْتَنُكَ ذَرِيَّتُهُ إِلَّا قَلِيلًا ۝ قَالَ أَذْهَبُ مِنْ تَبَعِكَ فَهُمْ قَانِ

قیامت البته از من برکنم اولاد او را الا اندک خدا فرمود بر دین پس هر کس که پیروی تو کند از ایشان پس

جَهَنَّمَ جَزَاءُكُمْ جَزَاءُ مَوْفُورًا ۝ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ مَنْ اسْتَطَاعَتْ مِنْهُمْ

دور از من است همه شصت سزای کامل و از جای بجهنم هر که توانی از ایشان

صُورَتِكَ وَأَجْلِبْ عَلَيْهِمْ بِخِيْلِكَ وَرَجُلًا وَشَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ الْأَوَّلَى

باز خود را در آواز کن بر لبک ایشان سواران خود را و پیادگان خود را و شریک شو با ایشان در اموال و فرزندان

وَعَدْلُهُمْ وَمَا يَعُولُ هُمُ الشَّيْطَانُ الْآخِرُ وَرَأَى ۝ إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ

و عدل او را نشان داد عده نمی دهد ایشان را شیطان مگر فریب (هر آینه) نیست ترا برندگان من

عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ وَكَفَى بِرَبِّكَ وَكِيلًا ۝ رَبُّكُمْ الَّذِي يُزَيِّجُ لَكُمُ الْفَلَاحَ فِي الْبَحْرِ

آنست و پس است پروردگار تو کار ساز پروردگار شما آنست که در او میگذرانم شما را در دریا

لَسْتُمْ عَمَلٌ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهٗ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا ۝ وَإِذْ أَمْسَكُ الصُّرُوفَ فِي الْبَحْرِ

تا غلبه معیشت کنید از فضل او هر آینه او هست شما را در دریا و چون پرسد شما معیشت در دریا

لَسْتُمْ عَمَلٌ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهٗ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا ۝ وَإِذْ أَمْسَكُ الصُّرُوفَ فِي الْبَحْرِ

تا غلبه معیشت کنید از فضل او هر آینه او هست شما را در دریا و چون پرسد شما معیشت در دریا

و ما یعنی چون کافران  
و بعد مراجع شدند  
و آیت ان شجرة الزقوة  
طعام الانعام با ایشان  
رسید است و کوفه کردند  
محل طعن ساختند  
و ما مترجم گوید این  
تصویر است معنی شیطان  
را در گاه کردن ایشان  
ما خود از فضل ریش  
و زبان چون و بیست  
را غارت کنند و ایشان  
نموده میزند و سوادان  
و بسیار جان خود را  
آوازی دهد که این  
سو بیکر و از آن سو

تفسیر عثمانی

طاف در حدیث است  
که این که از آن حضرت  
صلی الله علیه وسلم  
مروی است چند نفر بودند  
مشغول این که ده عطا  
را طاعت می کردند و ما را  
از اطاعت و جواب  
دادن کرده زمین را  
بمورد و قایلند و احوال  
ناخوش و آنک ایستاد  
می گفتند که اگر اینگونه  
خواهش ما را بپذیرد  
آوردی ترا قبول توام  
کرد و بطلب آن  
خواست این آیت  
نازل گشت یعنی از برای  
چنین کارها مقرر  
قدرت کلام خداوندی  
قطعا و غور نیست  
چنانچه این گونه آیت  
مطابق خواستش ام  
سابقه برای ایشان  
شان داده شد  
با انهم آنها نیز بودند  
دستی در تو و همگان  
خود انزوا نماباد آخر  
بروق منت الشد  
انجام آنها چنین شد

چون که در این آیت در حق این است و طاعت و طاعت است



بل یعنی برو داب

و کشتی ١٢

تفسیر عثمانی

طه بعضی از کور با

چنان فرموده اند

که مکتب خودشان را

نمی آیند بکلی فرستند

افراد بیرون فرستند

از دره بکشند بجهانی و

جسارت افند که را

بگویند که خود را

دام قریب خود نمایند و

احکامی را که خود نوشته اند

فرستاده یک قسمت آنرا

بخاطر ایشان ارسال نمایند

ترک می دیند بیدلیل

گاهی حکومت و دولت

زن خود را بر سر جگر

می کنند گاهی میگویند

و حق متابعت و پیروی

نمایم که آن آیت

را که در شرک است

بت پرستی است

از قرآن برون نمی

آورد و اینها را

بفرض عمل چنین درنگ

میکنی بیک شراکت

صحیحی خودی ساخته

دین جواب آسمانی

حقانی است علیه السلام

بود که به خدا قسم

آگاه و از خود آگاه

در یک کف و دست من

آتش را زود آورده

در کف دست دیگر من

بگفته اند باز هم محمد

صلی الله علیه و سلم آن

چیز را اترک دادنی

نیست که خداوند

دی را باین واحد و

مطلق فرموده است

تا آنکه کار خود را به

تکلیف رساند و یاد بر

راه سر بگذارد

دست از طلبند

تا کام من بر آید

یا جان رسد بجانان یا جان نرسد بر آید

ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا آيَاهُ فَلْيَنْجَحْكُمْ إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ وَكَانَ

که شود هر که را میخواند مگر خدا پس چون خلاص ساختن بخدا بسوی من میگردید و هست

الْإِنْسَانُ كَفُورًا ۝ أَفَأَمْنُكُمْ أَنْ يُخْشِفَ بِكُمْ جَانِبَ الْبَرِّ أَوْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ

آدمی ناسپاس آیا امن شده اید از آنکه فرو برد و بپوشد از جانب البر یا بفرستد بر شما

حَاصِبًا ثُمَّ لَا يَجِدُ وَالَكُمْ وَكِيلًا ۝ أَمْ أَمْنُكُمْ أَنْ يُعِيدَكُمْ فِي تَارَةٍ

با و برسد که مگر ببرد و بگرداند و نیابد برای خود و بگرداند شما را در تارگی

أُخْرَى فَيُرْسِلَ عَلَيْكُمْ قَاصِفًا مِنَ الرِّيحِ فَيَغْرقَكُمْ بِهَا كَغْرَقَ ثَمُودَ

و دیگر پس بفرستد بر شما از جنس باد و بپوشد را پس غرق گرداند شما را بپوشش آنکه کادوستید باز

لَا يَجِدُ وَالَكُمْ عَلَيْكُمْ تَبِيعًا ۝ وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَجَعَلْنَاهُمْ فِي الدُّنْيَا

نیابید برات خود هیچ موانع کننده برما بسبب آن غرق و در آینه بزرگ ما هستیم فرزندان آدم را و بر ما هستیم از آریان و

الْبَحْرُ وَزَعَمْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا

در دریا و در روزی و ادیم ایشان را از طایفه پاکیزه و فضل دادیم ایشان را بر بسیاری از آنچه آفریده ایم

تَقْضِيًّا ۝ يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمامِهِمْ فَمَنْ أَتَى كِتَابَهُ يَمِينًا

فضل دادنی روزی که بخوانیم بر هر فرد را با پیشوای ایشان پس هر که داده شود نامه اعمال او بدست راست

فَأُولَئِكَ يَفْرَحُونَ كُتِبَتْ لَهُمْ وَلَا يَظْلُمُونَ فِتْنًا ۝ وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ

پس آنکه بخوانند نامه خود را و قسم کرده شوند مقدار یک رشته و هر که باشد در دنیا

أَعْمَى فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَى وَأَضَلُّ سَبِيلًا ۝ وَإِنْ كَادُ الْيَقِينُونَ

کور پس در آخرت نیز کور است و خطا کننده و گمراه است راه را و اگر آینه نزدیک بودند که بفریب بازدارند ترا

عَنِ الَّذِينَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ تَقْرَىٰ عَلَيْنَا غَيْرَةً ۝ وَإِذَا لَا تُجِدُ

از آنچه وحی فرستاده ایم بسوی تو تا بر بینی بر ما غیر آن را و اگر آینه بودی که میل کنی بسوی ایشان اندک

خَلِيلًا ۝ وَلَوْ لَا أَنْ تَبْتَئَكَ لَقَدْ كُنْتَ تَرْكُنَ إِلَيْهِمْ شَيْئًا قَلِيلًا ۝ إِذَا

که گفتند ترا و اگر نه آن بودی که ثابت داشتیم ترا در آینه نزدیک بودی که میل کنی بسوی ایشان اندک

لَا ذَنْبَكَ ضَعْفَ الْحَيَاةِ وَضَعْفَ النَّبَاتِ ثُمَّ لَا يَجِدُ لَكَ عَلَيْكَ نَصِيرًا ۝

ی جزا میدهم ترا و چند عذاب زندگانی و دو چند عذاب مرگ باز نمی بمانی برات خود مدد کننده بر ما

وَإِنْ كَادُ الْيَقِينُونَ وَنَكَ مِنْ الْأَرْضِ لِيُجِزَّ جُحُوكَ مِنْهَا وَإِذَا الْيَقِينُونَ

و اگر آینه نزدیک بودند که بفریب بازدارند ترا از زمین تا جلا وطن کنند ترا و اگر آینه بودی که میل کنی بسوی ایشان اندک















و غنوا و غیره و این  
موقع مذکور در خدا  
نما کردن او بر مناسبت  
و عبادت آیت آئین ذکر  
صلوة کرده شده و اقرار  
اینست که از چیزهای  
خداوند متعالی و رب

اسم... را  
بیشتر استعانت  
می کردند - باسم

در حق و بعد از آن  
بنمودند - انرا در پیش نام  
در حق و بگویند استعانت

می نمودند و اینست که  
این نام مانند ملائکه  
بود و از طرف دیگر

میلاد کذاب و غیره  
خود را در حق  
الیهام قرار داده

بود - و غنوا نیست  
که شریک از اطلاق  
اسم در حق بر حق تعالی

متوجه شده و می  
خوردند چنانچه در تفسیر  
از زبان آنحضرت

صلی الله علیه و سلم نقل  
در حق و اینرا میگویند  
انجبار می کردند که

محمد و ارا ازین  
سخن می کنند که خدا  
بخود و خود را غیر

الله تعالی و غیره  
در حق و اینرا میگویند  
بیورد و شکایت و استغفار

که در حق و اینرا میگویند  
سلم مانند آنکه  
در حق و اینرا میگویند

اندر جواب هر دو  
این آیت را در وسط  
کرده اند و در حق

و زمانی است که حق  
یک وقت میفرماید  
و از حق و صفات و

اسرار خود را در حق  
می آید و اینرا میگویند  
توحید دانسته میگویند

و اینرا میگویند که چنانکه  
در حق و اینرا میگویند  
در حق و اینرا میگویند

الَّذِينَ آوَوْا إِلَى اللَّهِ مِنْ قَبْلِهِ إِذْ أَنْتَ عَلَيْهِمْ يَجْرُونَ لِلَّذِينَ كَانُوا

وَيَقُولُونَ سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا نَعْمَلُونَ سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا نَعْمَلُونَ

يَقُولُونَ وَيَزِيدُ هُمْ خَشْيَةَ اللَّهِ قُلْ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيُّهَا

تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَلَا تَجْهَرُوا بِصَلَاتِكُمْ وَلَا تَخَافُوهَا وَاتَّقُوا

بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا وَقُلْ كَسَدُ اللَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ

لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَهْبٌ مِنَ الدُّلِّ وَكَثِيرَةٌ تَكْبِيرًا

لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَهْبٌ مِنَ الدُّلِّ وَكَثِيرَةٌ تَكْبِيرًا

لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَهْبٌ مِنَ الدُّلِّ وَكَثِيرَةٌ تَكْبِيرًا

لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَهْبٌ مِنَ الدُّلِّ وَكَثِيرَةٌ تَكْبِيرًا

لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَهْبٌ مِنَ الدُّلِّ وَكَثِيرَةٌ تَكْبِيرًا

لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَهْبٌ مِنَ الدُّلِّ وَكَثِيرَةٌ تَكْبِيرًا

لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَهْبٌ مِنَ الدُّلِّ وَكَثِيرَةٌ تَكْبِيرًا

لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَهْبٌ مِنَ الدُّلِّ وَكَثِيرَةٌ تَكْبِيرًا

لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَهْبٌ مِنَ الدُّلِّ وَكَثِيرَةٌ تَكْبِيرًا

لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَهْبٌ مِنَ الدُّلِّ وَكَثِيرَةٌ تَكْبِيرًا

لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَهْبٌ مِنَ الدُّلِّ وَكَثِيرَةٌ تَكْبِيرًا

لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَهْبٌ مِنَ الدُّلِّ وَكَثِيرَةٌ تَكْبِيرًا



























**أَنْ يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَىٰ وَيَسْتَغْفِرُوا رَبَّهُمْ ۚ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمْ**  
 از آنکه ایمان آرند چو بیاید بایشان هدایت و از آنکه طلب آمرزش کنند از پروردگار خود مگر با تضرع و استغفار آنکه بیاید بایشان  
**سُنَّةَ الْأَوَّلِينَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ قُبُلًا ۝ وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ**  
 روش پیشینیان یا بیاید بایشان عذوبت گوناگون شده و محنت فرستیم بر ایشان را  
 روش پیشینیان یا بیاید بایشان عذاب در وی شده و محنت فرستیم بر ایشان را  
**الْأَمْبِثِينَ ۚ وَمَنْ يُدْرِكُنْ وَيُجَادِلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالْبَاطِلِ**  
 مگر بشارت دهنده و ترساننده و خصومت می کنند آنانکه کافران هستند به خصوصت باطل  
 مگر بشارت دهنده و ترساننده و خصومت می کنند کافران به خصوصت باطل  
**لِيُدْحِضُوا إِلَيْهِ الْحَقَّ وَاتَّخِذُوا آيَاتِي وَمَا أَنْذَرُكُمْ وَأَهْزُوا ۝ وَمَنْ**  
 تا بفرستد بسبب آن سخن حق را و مستغفر گرفتند آیات مرا چیز بزرگتر از آن ترساننده شوند و کیست  
 تا بفرستد بسبب آن سخن حق را و مگر گفتند کلام مرا و چیز بزرگتر از آن ترساننده شدند و گفتند حق را و کیست  
**ظَلَمَ فَمَنْ ذَكَرَ آيَاتِ رَبِّهِ فَاَعْرَضَ عَنْهَا وَنَسِيَ مَا قَدْ مَتَّ بَدَا ۚ**  
 ستمکار ترا از کسی که بیداد داد به نشانیات پروردگار خویش پس روگردان گشت از آن و فراموش کرد آنچه پیش فرستاده  
 ستمکار ترا از آنکه نهانید و داد به نشانیات پروردگار خویش پس روگردان گشت از آن و فراموش کرد آنچه پیش فرستاده  
**أَنْ جَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا ۚ**  
 بر آنکه ماساخته ایم بر دل ایشان پرده بماند و نمهند و آن را و در گوشهای ایشان گمانی و  
 بر آنکه ماساخته ایم بر دل ایشان پرده بماند و نمهند و آن را و در گوشهای ایشان گمانی و  
**أَنْ تَدْعُهُمْ إِلَى الْهُدَىٰ فَلَنْ يَهْتَدُوا إِلَّا ذُرِّيَّةً ۝ وَرَبُّكَ الْغَفُورُ**  
 اگر بخوانی ایشان را بسوی هدایت راه نیابند آنکه هرگز و پروردگار تو آمرزنده  
 اگر بخوانی ایشان را بسوی هدایت پس نیابند برای هیچ گاه و پروردگار تو آمرزنده  
**ذُو الرَّحْمَةِ ۚ لَوْ يَوَدُّ أَحَدُهُمْ بِمَا كَسَبُوا الْعَجَلَ لَهُمُ الْعَذَابُ طَبْلٌ**  
 خداوند رحمت است اگر بخواهد که یکی از ایشان را بچه کرده اندشت تاب فرستاده بدیشان عذوبت را بطلد  
 خداوند رحمت است اگر بخواهد که یکی از ایشان را بچه کرده اند بر آینه برودی بینند بر ایشان عذاب را بطلد  
**لَهُمْ مَوْعِدٌ لَنْ يَجِدُوا مِنْ دُونِهِ مَوْيلًا ۚ وَتِلْكَ الْقُرَىٰ أَهْلَكْنَاهُمْ**  
 ایشان را میباید است که نیابند این طرف از آن پناست و این ویرانه ها و تِلْكَ الْقُرَىٰ أَهْلَكْنَاهُمْ  
 ایشان را میباید است که نیابند بجز او پناهی و آن قریه ها را و تِلْكَ الْقُرَىٰ أَهْلَكْنَاهُمْ  
**لَا تَظْلُمُوا وَجَعَلْنَا لِكُلِّ مَوْعِدَةٍ ۝ وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَتْلِهِ**  
 چو ستم کردند و زمین کردیم برای هر یک از ایشان میباید و یاد کن چو گفت موسیٰ از جوان خود را  
 چو ستم کردند و مقرر کردیم برای هر یک از ایشان میباید و یاد کن چو گفت موسیٰ از جوان خود را  
**أَنْ أَبْرَحَ حَتَّىٰ أَبْلُغَ مَجْمَعَ الْبَحْرَيْنِ أَوْ أَمْضِيَ حُقُبًا ۝ فَلَمَّا بَلَغَا**  
 بجز راه میردم تا آنکه برسم محل جمع شدن دو دریا یا بروم مدت های دراز پس چو رسیدند  
 بجز راه میردم تا آنکه برسم محل جمع شدن دو دریا یا بروم مدت های دراز پس چو رسیدند  
**مَجْمَعَ بَيْنَهُمَا نِسَاءُ تَهْتَبُنَّ فِي سَبِيلِهِ فِي الْبَحْرِ سَرَبًا ۝**  
 محل جمع شدن دو دریا را فراموش کردند مایه خود را پس راه خود گرفت در دریا مانند نهی  
 محل جمع شدن دو دریا را فراموش کردند مایه خود را پس فراموش کرد در دریا توب زده  
**فَلَمَّا جَاوَزَا قَالَ لِقَتْلِهِ إِتْيَاكَ نَارُكَ لِقَيْنًا مِنْ سَعِيرٍ ۚ**  
 پس چو گذشتند گفت موسیٰ از جوان خود را بپا برآید بر آید بر آید بر آید  
 پس چو گذشتند گفت موسیٰ از جوان خود را بپا برآید بر آید بر آید بر آید

عه نظریه علما آنها  
 ایشان گفت که کوفه را  
 از آنکه ایشان را هدایت  
 عظیم ایشان را هدایت  
 رسیدن ایمان نیابند  
 و توبه نکند و بچند  
 معصیاتی که کردند از خود  
 قبول حق چو استغفار کنند  
 و بر ایشان عذاب را بطلد  
 ایشان را فراموش کرد  
 خداوند ایشان را هدایت  
 بپا برآید و اگر توبه  
 کرده نشود تا عذاب  
 او بر وی صورت یابد  
 مختلف و بی رحم است  
 حاضر شود بلکه انهم  
 تفسیر این و غیره  
 حضرت شاه فرمود  
 بچند اظهار بیگانه  
 مگر این که اقامت  
 پاک شود و عذاب  
 قیامت را بچشم می بیند  
 ستمکاران اختیار  
 ندارد که هر گاه شایسته  
 کشیده یا توبه نکند  
 بچند عذاب را بطلد  
 تا آنکه ستمکاران  
 مجادله های ده و شصت  
 سخن با او از حق را بپست  
 نمایند بزرگوار می  
 قریه های صداقت را  
 بچند عذاب می بیند  
 ستمکاران  
 کوفه را ستمکاران  
 مورد تضرع و استغفار  
 ستمکاران آن را  
 تضرع حق و استغفار  
 که میل میفرماید چنان  
 فراموش نموده که بپوشم  
 گاهی بچند سخن می گذرد  
 ستمکاران  
 بپا برآید و استغفار  
 بپا برآید ایشان را  
 های ایشان را هدایت  
 و بر گوشهای ایشان  
 اشتیاق ایشان را



فل یفزعہ را  
یا فتد ۱۲ انفسہما  
عہ آن ہند ہمارت  
از حضرت خضر علیہ السلام  
بود و حق تعالی او را از  
دست خصمی خود نجات  
داد علم اسرار کویتھ  
و از حق فرمود بود  
در این کتاب انما فاست  
کو حضرت خضر علیہ السلام  
کنیم و یا نبی و یا خضر  
در اینجا ایگو نہ ہماش  
فیصلہ من شد با  
ایں ہمارت بر طرف  
رحمان و در کلام  
نبی ہمانند و ہماش  
بعض تحقیقین فی الدن  
کہ انیا نیک شریعت  
ہوید نیارودہ باشند  
بایشان اینکہ ہمارت  
و اخیرا آدم و نوح  
کہ باہر مصالح خضر  
از شریعت مستوفی  
عکاد القیہ مطلق و یا  
از خداوند بلیغ ہستی  
را استنای کنند ہستی  
تعلقات جزئی حضرت  
خضر ہم حاصل بود  
و الشاہد بر سر  
حال موسی علیہ السلام  
با حضرت طاہر کو ۲۱  
بہذا سلام و تحیات  
خضر علیہ السلام علت  
تسلیم آوردی را از  
موسی علیہ السلام بجا  
شد و حضرت موسی علیہ  
السلام در جواب علت  
آمدن خود را گفت  
۱۱ حضرت خضر علیہ السلام  
گفت : ای موسی  
بدون شبہ التلقی  
تا بدین زودہ لیکن  
حقیقت این است کہ  
علیکہ الذہن و حیات  
کوینہ از طرف استنای  
از حق شدہ و آن  
مقدس بی شائبہ است

نصبا ۳ قال اریئت اذ اوینا الی الصخرۃ فانی نسیت الخوت

سفر خود گفت آیا دیدی چون آرام کریمیم تلبیہ کردہ سبک پس من فراموش کردم ماہی را  
زخمت گفت آیا دیدی چوں بمانے کریمیم بہ نزد آن سنگ پس من فراموش کردم ماہی را

وما اسئنبہ الا الشیطن ان اذکرہ واتخذ سبیلہ فی البحر

یعنی آنچه فراموش نشاخت مرا از آنکہ یاد کنم شیطان در راہ خود گرفت در دریا  
و فراموش من نکرد و اندازم کہ شیطان گریاد کنم از او و گرفت ماہی راہ خود را در دریا

بحما ۴ قال ذلک ما کنا تبع فارتد اعلی اثارہما قصصا ۵

بمعنی کتب گفت موسی ایں بود آنچه می جستیم پس باز رفتند بر نشان اقدام خود  
لبرز بجنب گفت موسی ایں است آنچه می جستیم پس باز رفتند بر اقدام خود شناختہ و قصص کنان

فوجد عبد امن عمادنا اتینہ رحمۃ من عندنا و علمتہ

پس یافتند بندہ را از بندگان ما کہ دادیم او را رحمتی از نزدیک خود و آموختیم او را  
پس یافتند بندہ از بندگان ما کہ دادیم او را رحمتی از نزد خود و آموختیم او را

من لدنا علما ۶ قال لہ موسی هل اتبعک علی ان تعلمین ما

از نزدیک خود علمے فل گفت او را موسی آیا پیروی تو کنم بشرط آنکہ بیاموزی مرا از آنچه  
از نزد خود علمے گفت او را موسی آیا پیروی تو کنم بشرط آنکہ بیاموزی مرا از آنچه

علمت رشد ۷ قال انک لن تستطیع معی صبرا ۸ و کیف

آموختہ شدی از راہ باہی گفت بر آئینہ تو نتوانی با من استکیانی کردن و چگونه  
آموختہ شدہ از راہ باہی گفت دہر آئینہ تو نتوانی با من استکیانی کردن و چگونه

تصبر علی ما لم یخط بہ خبر ۹ قال سجد فی ان شاء اللہ صابرا

استکیانی کنی بر چیزیکہ در نگرفتہ از او سجد گفت خواہی یافت مرا اگر خدا خواستہ است صابرا  
استکیانی کنی بر چیزیکہ داخل آن در اختیار تو نیست گفت خواہی یافت مرا صبر کنندہ اگر خدا خدا

ولا اعصی لک امر ۱۰ قال فان اتبعنی فلا تسئلنی عن شیء حتی

و خلاف حکم یا تو در هیچ فرمانے گفت پس اگر پیروی من میکنی پس سوال مکن از من از هیچ چیز تا آنکہ  
و تا فراموشی نکنم ترا در هیچ امر گفت اگر یافتہ پیروی من میکنی پس سوال مکن از من از هیچ چیز تا آنکہ

احدک لک منہ ذکر ۱۱ فانطلقا حتی اذ اکبانی السفینۃ

خود را غایب برانے تواز حال آن بیلے پس راہ رفتند تا وقتیکہ سوار شدند بر کشتی  
خود را غایب برای توازان و کرمی پس برود در نقد تا وقتیکہ سوار شدند در کشتی

خرقها قال اخرقها للغرق اهلها لقد جئت شیئا امرا ۱۲

خضر شکن کرد آن را گفت موسی آیا شکافتی کشتی را تاغرق کنی اہل آن را ہر آئینہ آوردی چیزے عظیم را  
بارہ کرد آن را گفت موسی آیا بارہ کردی آنرا تا فراموش کنی اہل آن را ہر آئینہ کردی چیزے عجیب را

قال اقم اقل انک لن تستطیع معی صبرا ۱۳ قال لا تو اخذنی

گفت آیا شکستہ بودم کہ تو نتوانی با من استکیانی کردن گفت موسی مواخذہ مکن مرا  
گفت آیا شکستہ بودم کہ تو نتوانی با من صبر گفت موسی مواخذہ مکن مرا

بما نسیت ولا ترہقنی من امری عسرا ۱۴ فانطلقا حتی اذ لقی

با من آنچه فراموش کردم و بر سر من مینداز در مقدمہ من سختی را پس راہ رفتند تا وقتیکہ بر خود  
بہ آنچه فراموش کردم و مینداز بر من در کار من دشواری پس برود در نقد تا آنکہ ملاقات کردند

علا فقتلہ قال اقلت نفسا زکیۃ تغیر نفسی لقد جئت شیئا فکر ۱۵

با تو جوای خضر بشت او را گفت موسی آیا کشتی نفس پاک را بگزینم نفسی ہر آئینہ آوردی شے نا پسندیدہ  
با پیروی پس بشت او را گفت موسی آیا کشتی نفس پاک را بگزینم نفسی ہر آئینہ کردی چیزے نامعقولی

مقدس بی شائبہ است ۱۲ تقدیر خداوند کہ بتاوان و او پس و او شدہ ہمد از ان طرف کوفتہ از دوا آب بنویس اشارہ کردہ گفت کہ علم ما و شایک نام علم



قال الماقل لك انك لن تستطيع

گفت آيا نمي گفتم بودم ياقو که هر آينه تواناي

معي صبرا قال ان سالتك عن شئ بعد ما فلا تصحبنى قد

با من صبري كردن گفت موسي اگر بپرسم ترا از چيزي بعد از اين پس سخت كن با من بپراييني

بلغت من لدني عدرا فانطلقا حتى اذا اتيا اهل قريتي استطع

رسيدني از جانب من بحد عذر پس راه رفتند تا وقتي آمدند بآل و بيبي طعام طلب كردند

اهلها فابوا ان يضيفوهما فوجد افها جدارا يريد ان ينقض فاقام

از اهل آن دين پس قبول نمودند اهل دين كه مهاجران كنند ايشان را پس يافتند در آنجا ديوار را كه ميخواست بانهافت

قال لو شئت لتخذت عليه اجرا قال هذا فراق بيني وبينك

گفت موسي اگر ميخواستم بپرستي بر تو بگيرم اين ديوار مزد است گفت خدايي در ميان من و تو

سالتك يتاويل ما لم تستطع عليه صبرا اما السفينة فكانت

چرخ طاهم داور ترا بستم آنچه نخواستي بران شكياني كردن اما شكياني پس بود

لمسكين يعملون في البحر فاردت ان اعياها وكان وراءهم ملك

از اهل درويش آن چنده كاهن مي كردند و در ده پايس خواستم كه ميبوب كنم آنرا و بود پيش روي ايشان يادگار

تخذ كل سفينة غصبا اما العلم فكان ابو مؤمنين فخشينا ان

كه ميگرفت هر كسي در دست رايه زير دستي و اما آن بچه پس بودند پدر و مادر او مسلمان پس ترسيديم از آنكه

يذهبها طغيانا وكفرا فاردنا ان يهد لها سببا خبر امده زكوة و

عالم ايد بر ايشان در سر كشي و كفر پس خواستيم كه عوف دهد ايشان را و پروردگار ايشان بهتر از دوست از روي پايزي

اقرب رحما اما الجبار فكان لعالمين يتيمين في المدينة وكان تحته

نزديك تر از جهت شفقت و اما آن ديوار پس بود از دو نوجوان يتيم در شهر و بود زير آن

كنز لها وكان ابوهم صاكا فاردت ان يبلغا اشد هما ويخرجا

كنز از ايشان و بود پدر ايشان بيوكار پس خواست برود و گاه كه برسد ايشان بجا آن خود و بر آردند

كنزها رحمة من ربك وما فعلته عن امري ذلك تاويل ما لم تستطع

كنز خود از روي رحمتي بپرستي بر تو كردم آنرا از حكم خود اين است سر آنچه نخواستي

عليه صبرا و يسأله انك عن ذي القرنين قل سأتلوا عليك منه

بر من صبري كردن و سوال مي كنند ترا از دو القرنين بگو خواجه خواهد بر شما از حال دس

بدي صبري و مي پرسند ترا از دو القرنين بگو خواجه خواهد بر شما از حال دس

تفسير عثمان  
عنه ان صبري بودي  
مطلة مسلمان پيدا  
نموده و گويد از اهل  
تا فرات خارجي ده  
عين صباوت در  
بعضي بنيادها نهاده  
يشود و ما كرم علم يعني  
كامل آن مخصوص  
خداست بپرسم ايشان  
آنان را بظلال ايشان  
هم ميرسد الله تعالى  
در باب آن بوضوح  
خبر عظيم السلام ما آگاه  
نموده و ما او را نهاده  
شده - اگر طمان مي شد  
نمود و به اخلاق مي  
برآمد طوريك كه هر چه  
والدين خود را هم فرق  
يكروند و نهاده محبت او  
كافري گردانند بپندارند  
كسلك و حق الدين  
در وقت دو سبكه  
خداست آنرا گريه  
به ظهور خدا آن بود  
كه او را پدر او را پسر  
استوار بماند بركت  
و ايشان مقتضي شد كه  
انهاست آينه از راه  
آنرا در شود به خضر  
علم را كه بچند ايشان  
خبر عليه السلام ايشان  
امر نمود - با اينكه بعضي  
از اهل حق سوال كند بعضي  
خواهند گفت كه بچند  
اصلا نمي آيد و اگر  
آزاد بود و نمي ماند كه  
اين قدر شريف شود و  
چون بگويند كه او را  
دنيا موجودند كافر  
شدن و الدين او هم  
ايشان نداشت و يا  
چگونه با اينكه خدا آنها  
به نهاده شود و ايشان  
بپرستند آنها  
به بغير اين راه مي  
تا آيا ايشان مقتضي  
نموده و خداست او را

الكهف  
قال الماقل  
م ۳۰۳ منزل  
تفسير عثمان



من نبي بحسب نظر  
مردمان از آن منزل  
گوید و این کنایت  
است از قدرت او  
برین دو کار ١٢-  
تفسیر عثمان  
بقیه صفحہ ١٣٣-

قبل کوه اندر باب  
مکونیت ازین قبیل  
بجز بواسطت خود  
اندا جواب آن بجز  
اعتزان مجز و قصور  
چیزی دیگر نیست درین  
موقع منظور آن بود  
که ملائکه حقیر که خود  
آن را دانند و کندند  
کس حکمت با معالجه  
نکونین فدای قضا  
در احاطه کوه نمی تواند  
گنجی صورت واقع در  
ظاهر خراب و قبیح و یا  
به موقع معلوم بشود  
که یکو اوقات باطنی  
علم و ادبی چند کوه  
حکمت بسیار پوشیده  
می باشد - خضر  
عزیز السلام خضر کشتی را  
بشکست حالانکه کشتی  
بانان با آنها احسان  
کرده بودند چه در دریا  
بدون اجرت سوار  
کرده بودند یک چرخ را  
که معروف بازی بود  
بکشت و این چرخ کشت  
ظاهر انبیا است  
بنظری آید - حضرت  
خضر بر است کردن  
دیو ابراهیم این قرص  
احسان کرده بایشان  
بر نهایت بی مروتی  
پیش آمده بود و اندک  
خود خضر علیه السلام در  
آخر توهمات این  
افعال خود را بیان  
نمی کرد تا دانیات را  
در طاعتی انکس  
دیا خضر را انکس

ذَكَرَ ١١ اِنَّا مَكْنَالَهُ فِي الْاَرْضِ اَتَيْنَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ سَبِيًّا ١٢ فَاتَّبَعِ سَبِيًّا  
خبر می آید که ما در زمین و در هر یک از چیزها سبب را می آید و در هر یک از چیزها سبب را می آید و در هر یک از چیزها سبب را می آید  
حَتَّى اِذَا بَلَغَ مَغْرِبَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَوْبِقُ فِي عَيْنِ حَمَئَةٍ وَوَجَدَ عِنْدَهَا  
تا آنکه رسید محل غروب در توبق آنرا که فرو میرود در چشمه گل دلائی دریافت نزد یک آن چشمه  
تأجیل رسید محل غروب در توبق آنرا که فرو میرود در دل دلایلی دریافت نزد یک آن  
قَوْمًا قَلِيلًا يَذْكُرُونَ اِنَّمَا اَنْ تَعْلَبَ وَاَقَانِ تَتَجَلَّى فِيهِمْ حُسْنًا ١٣  
گروهی را که قلیل ای ذوالقرنین اختیار بدست داشت یا اینست که عقوبت کنی یا اینست که در میان ایشان مظهر شود  
قُلْ اِنَّمَا اَمْرٌ ظَلَمْتُ لَكُمْ فِيهِ اَنْ تَعْلَبَ ثُمَّ يَكُونُ اِلَى رَبِّهِ فَيَعْلَمُ بِهِ عَدْلًا ١٤  
گفت اما کسی که پس عذاب خواهم کرد و او را باز گردانیده شود پسوی پروردگار خویش پس عذاب کند او را عذاب سخت  
وَاَمَّا مَنْ اٰمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهٗ جُزْءٌ اَلْحُسْنِ وَسَنَقُولُ لَهُ مِنْ اَمْرًا  
و اما آنکه ایمان آورد و کارش استوار کرد و او را باز گردانیده شود پسوی پروردگار خویش پس عذاب کند او را عذاب سخت  
يَسِّرًا ١٥ ثُمَّ اَتْبَعِ سَبِيًّا ١٦ حَتَّى اِذَا بَلَغَ مَطْلِعَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَطْلُعُ عَلٰى  
آسانی باز در پی سببی افتاد تا آنکه رسید محل بر آمدن آفتاب یافت که آن بر می آید  
قَوْمًا لَّيْسَ لَهُمْ مِنْ دُونِهَا سِتْرٌ اَلَمْ يَكُنْ لَكَ وَوَقَدْ اَحْطٰنَا بِكَ يٰ دَاوُدُ  
گروهی که کف حتمی برای ایشان این طرف از آفتاب هیچ پرده چنین بود و قدره بر آید در گرفته ایم باینکه نزدیک و دور  
قَوْمًا لَّيْسَ لَهُمْ مِنْ دُونِهَا سِتْرٌ اَلَمْ يَكُنْ لَكَ وَوَقَدْ اَحْطٰنَا بِكَ يٰ دَاوُدُ  
گروهی که کف حتمی برای ایشان این طرف از آفتاب هیچ پرده چنین بود و قدره بر آید در گرفته ایم باینکه نزدیک و دور  
خَبْرًا ١٧ ثُمَّ اَتْبَعِ سَبِيًّا ١٨ حَتَّى اِذَا بَلَغَ بَيْنَ السَّدَّيْنِ وَجَدَ مِنْ دُونِهَا  
از روی تهر داری باز در پی سببی افتاد تا آنکه رسید در میان سدين یافت این جانب سدين  
از حیث علم باز در پی سببی افتاد تا آنکه رسید در میان دو کوه یافت در پیش آن دو کوه  
قَوْمًا لَّيْسَ لَهُمْ مِنْ دُونِهَا سِتْرٌ اَلَمْ يَكُنْ لَكَ وَوَقَدْ اَحْطٰنَا بِكَ يٰ دَاوُدُ  
گروهی که کف حتمی برای ایشان این طرف از آفتاب هیچ پرده چنین بود و قدره بر آید در گرفته ایم باینکه نزدیک و دور  
قَوْمًا لَّيْسَ لَهُمْ مِنْ دُونِهَا سِتْرٌ اَلَمْ يَكُنْ لَكَ وَوَقَدْ اَحْطٰنَا بِكَ يٰ دَاوُدُ  
گروهی که کف حتمی برای ایشان این طرف از آفتاب هیچ پرده چنین بود و قدره بر آید در گرفته ایم باینکه نزدیک و دور  
مُفْسِدُونَ فِي الْاَرْضِ قَهْلُ لَكَ خُرْجَاعُ اَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَ  
فاساد کنند گانند در زمین پس آیا مقرر کنیم بر آنکه تو باجی بر سر هر آنکه بسازی در میان ما و  
فاساد کنند گانند در زمین پس آیا مقرر کنیم برای تو مزدی برای یک بسازی میان ما و  
بَيْنَهُمْ سَدًّا ١٩ قَالَ مَا مَكْنِي فَيُرِي خَيْرًا فَاَعْيُنُوْنِي بِقُوَّةٍ اَجْعَلَ بَيْنَكُمْ  
ایشان سده گفت آنچه میسر شده داده است مراد آن پروردگار من بهتر است پس بدو که در این نزد ما تابانند  
و بَيْنَهُمْ رَمًا ٢٠ اَتُونِي زُرِّي اَلْحَدِيدَ حَتَّى اِذَا سَاوَى بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ قَالَ  
و ایشان را چایه حکم بیاورید پیش من باری که آهن تا آنکه رسید بر سر ساخت میان آن دو کوه گفت  
اَنْفَعُوا حَتَّى اِذَا جَعَلَهُ نَارًا قَالَ اَتُونِي اَوْ رَغَّ عَلَيَّ قَطْرًا ٢١ ثُمَّ اسْطَاعُوا  
آتش بر میداد آنکه آتش ساخت آن آهن تا آنکه رسید بر سر ساخت میان آن دو کوه گفت  
بسیار تا چون مراد از آهن آتش گفت بیاورید من رسد تا بر سر ساخت میان آن دو کوه گفت پس نتوانستند

و گفت خود کرد و سید (الیه و بالتد) ازین مثال تا افعال فدای تو حکمت بای آورد اندازد که شد ١٢٣















تقریباً  
عده و تقریباً  
آغوش خود برداشته  
پیش قوم خود آمد مردم  
اورا دیده بلی حیران  
گشتند و گفتند ای سیرم  
چه لایق کردی این چیز  
ساختگی را از کجا آوردی  
زیاده ازین مدتی  
بزرگ چه باشد که یک  
دختر باکره دے شوهر  
دعوی کند که مرا یک  
پسر پیدا شده - عده  
اقوام حرم و باره او  
بدگمان شده و گفتند  
مادر و پدر و خاندان  
تو همیشه مردان نیک  
بودند این خلقت بد  
تو از کجا پیدا شد از  
مردمان نیک اولاد بد  
محل فجیع است این  
مردم را... اخت باردی  
ازین گفتند که از نسل  
باردن و علی السلام  
برادر حضرت موسی  
علیه السلام بودند  
مقتود از او اخت  
باردن... اخت باردی  
می باشد چنانکه در  
... و از کجا خاندان  
علیه السلام را برادر  
... عاده گفته حال  
آنکه... عاده تمام  
مورث اعلای آن  
قوم بود و ممکن است  
... اخت باردی...  
سختی ظاهری گرفته  
شود از بعضی احادیث  
میجو ظاهر میشود که باید  
نام برادر مریم بود  
بطوریکه در عصر اودان  
است در آن عصر نام  
مردمان مهای و در  
اساسی انبیاء صالحین  
میگذشتند و میگویند که  
آن برادر مریم یک مرد  
صالح بود... پس حاصل  
کلام این است که باید  
برادر و کوردان نیک و مانتها را رسالود و نسبت قوه باردن علیه السلام سختی میشود - پس این حرکت نامستوار چه طور مرتکب شدی ۱۲-

مِنَ الْبَشَرِ احْدَا دَفَعُوْنِي اِلٰی نَذْرٍ لِلزَّحٰرِیْنِ صَوْمًا فَلَیْنَ اَكْمَلُ الْیَوْمِ

از آدمیان من را پس بگو هر آینه من نذر کرده ام برآستانه خدا  
از آدمیان من را پس بگو هر آینه من نذر کرده ام برای خدا

اَنْسِیَا فَانْتَبِهْ قَوْمَهَا تَحْمِلُهُ ط قَالَ اَوَیْسٌ رَیْمٌ لَقَدْ جِئْتَ شَیْئًا فَرِیًّا ۱۷

بیخ آدمی پس آورد عیسی را پیش قوم خود برداشته گفتند اے ریم هر آینه آوردی چیزی از رشت را  
بیخ آدمی پس آمد با پسر خود نزد قوم و حالیکه برداشته بود اود را گفتند اے ریم هر آینه آوردی توکاری که به آدمی آورده

بَاخْتِ هٰرُونَ مَا كَانَ اَبُوکَ اَمْرًا سَوِیًّا وَمَا كُنْتَ اَمْلًا بَغِیًّا ۱۸ وَاشَارَ

اے خواهر باردن نه بود پدر تو مرد بد و نه بود مادر تو زنا کننده پس مریم اشارت کرد  
اے خواهر باردن نه بود پدر تو مرد بد و نه بود مادر تو زنا کننده پس مریم اشاره کرد

النَّبِیُّ ط قَالَ اَوَکَیْفَ نَكَلَمُ مَنْ كَانَ فِی الْهَمْدِ صَبِیًّا ۱۹ قَالَ اِنِّیْ عَبْدٌ

نطق خود گفتند چگونه سخن گوئیم یا کسیه هست در گهواره در حال کودکی گفت عیسی من بنده  
سوی آن بچه گفتند چگونه سخن گوئیم یا شخصی که است در خور گهواره کودکی گفت هر آینه من بنده

اللّٰهُ ط اَتَشْفِی الْکِتَبَ وَجَعَلَنِیْ نَبِیًّا ۲۰ وَجَعَلَنِیْ مَدْرَسًا اِنْ مَا کُنْتَ مَدْرَسًا

خدا ام داده است مرا کتاب و ساخته است مرا پیشانی و ساخته مرا خاندان و بدست بر جاده با ششم  
خدا ام داده است مرا کتاب و ساخته است مرا پیشانی و گردانیده مرا سبک بر جا که با ششم و

اَوْصِیْ بِالصَّلٰوةِ وَالزَّکٰوةِ مَا دُمْتَ حَیًّا ۲۱ وَبَرَ اَبُو الدَّیُّ وَکَمْ

سخن فرموده است مرا به نماز و زکوة مادام که زنده باشم و ساخت مرا نیکو کار بهر در خود  
حکم مود فرموده است مرا به نماز و زکوة مادامیکه زنده باشم و نیک سلوک کننده با مادر خود و

یَجْعَلَنِیْ جَبَّارًا شَقِیًّا ۲۲ وَالسَّلَامُ عَلٰی یَوْمٍ وُلِدْتُ وَیَوْمَ اَمُوتُ وَیَوْمَ

نه کرده است مرا گردن کش بد بخت و سلام بر من است روزیکه متولد شدم و روزیکه بمیرم و روزیکه  
نه ساخته مرا گردن کش بد بخت و سلام است بر من در روزیکه پیدا شدم و روزیکه بمیرم و روزیکه

اَبْعَثْ حَیًّا ۲۳ ذٰلِكَ عَلِیْسِیْ اَبْنُ مَرْیَمَ ط قَوْلَ الْحَقِّ الَّذِیْ فِیْهِ یَمْرُؤُنَ

برای خود شوم زنده شده ایست فقر عیسی پسر مریم مراد میدارم سخن راست را که در دوسه مرقع اختلاف میکنند  
برای خود شوم زنده بهیچ است در حال عیسی پسر مریم گفت سخن راستی که در آن مردم نزاع می کردند

مَا كَانَ لِلّٰهِ اَنْ یَّتَّخِذَ مِنْ وَلَدٍ سُبْحٰنَهُ اِذَا قَضٰی اَمْرًا فَاَنشَا

نیست لایق خدا آنکه بگیرد هیچ فرزندی و بالی او را است چون سر انجام کند کار سے جنب نیست که  
نیست مزار او در خدا که بگیرد ولد ذاتی است پاک چون خواهد (الحقاد) امری را پس جز این نیست که

یَقُولُ لَهُ کُنْ فِیْکُوْنُ ۲۴ وَاِنَّ اللّٰهَ رَیُّ وِیْرَیْکُمْ فَاَعْبُدُوْهُ هٰذَا

میگوید بدش شو پس می شود و گفت عیسی بر آینه خدا پروردگار نیست و پروردگار شما پس عبادت او کنید و نیست  
میگوید او را شو پس ادبی خود و گفت هر آینه الله پروردگار من است و پروردگار شما پس بپرستید ادا این است

صِرَاطٌ مُّسْتَقِیْمٌ ۲۵ فَاخْتَلَفَ الْاَحْزَابُ مِنْ بَیْنِهِمْ فَوَیْلٌ لِلَّذِیْنَ

راه راست پس اختلاف کردند جماعت ها میان خویش پس و آنه  
راه راست پس اختلاف کردند فرقه ها در میان خود پس خالی است آنرا که

کَفَرُوا مِنْ مَّشْهَدِ یَوْمٍ عَظِیْمٍ ۲۶ اَسْمِعْ بِهِمْ وَاَبْصُرْ یَوْمَ یَا تَوْنًا

کاران را از حاضر شدن روز بزرگ چه کند رسنوا باشد چه قدر چنان باشد روزی که بپایند پیش  
کارشند از دیدن روز بزرگ چه خوب بشنوند ایشان و چه خوب بینانند در روزیکه می آیند پیش

لٰکِنَ الظَّالِمُوْنَ الْیَوْمَ فِی ضَلٰلٍ مُّبِیْنٍ ۲۷ وَاَنْذَرَهُمْ یَوْمَ الْحَشْرِ

لیکن این ستم کاران امروز در گمراهی ظاهر اند و بترسان ایشان را از روز پشیمانی  
لیکن این ظالمان امروز در گمراهی آشکارند و بترسان ایشان را از روز حسرت

برادر و کوردان نیک و مانتها را رسالود و نسبت قوه باردن علیه السلام سختی میشود - پس این حرکت نامستوار چه طور مرتکب شدی ۱۲-







فضیلت حضرت  
اسمعیل بر حضرت  
اسحاق ظاهر میشود زیرا  
که او را تنها نبی  
فرموده اند اسمعیل را  
« رسول بنی » گفته  
حدیثی است در صحیح  
المسلم « ان الله  
اصطفى من اول ابراهيم  
اسمعیل الذی فی اولاد  
اولاد ابراهيم اسمعیل  
را برگزید حضرت  
اسمعیل صورت  
اعلی عرب حجاز  
و از اجداد پیغمبر ما  
علیه السلام است کثرت  
ابراهیمی را حاصل بوده  
بهرت « بنی جرهم »  
« سبوت و ده صادق  
او بود » پوشش مشهور  
بوده عده را که اعدا  
یابدگان میکرد البقاء  
می نمود - با یک شخص  
و عده گرد - تا مانند  
نویس بیانی من  
پس جاستم  
گویند که او تا  
یکسال نماند -  
اسمعیل در هاجنا یا  
نزد - از بنی کریم  
صلی الله علیه و سلم هم  
منقول است که نسل  
نسل ایشان  
« ان الله بنی الی الحجاز »  
یا حضرت گفت که  
در شما هم جا باشد  
من قوتاً بر میگویم  
و آنحضرت تا سر روز  
هاجم قیام داشت  
چون مادت کوه  
پاد فرمود که « مر ابراهيم  
زمت وادی و برون  
از سر روز بای طرف  
پس جاستم حضرت  
اسمعیل و بنی کمال  
صداقت را در و عده  
ظاهر گردد که پدر خود گفت «

كَانَ رَسُولًا نَبِيًّا ۝ وَنَادَيْنَاهُ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَقَرَّبْنَا نَبْحَهُ  
بود فرستاد نیکو خا بر سه و ندا کردیم او را از جانب راست کوه طور و نزدیک من جستم و او را از گویان  
بود رسول بنی و ندا کردیم او را از جانب کوه طور و راست (موسی) و نزدیک من جستم و او را از گویان  
و هَبْنَاهُ مِنْ رَحْمَتِنَا أَخَاهُ هَارُونَ نَبِيًّا ۝ وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إسماعِيلَ  
و عطا کردیم او را از رحمتش خود برادر او هارون بنی است و یاد کن در کتاب اسمعیل را  
و بخشدیم برای او از رحمت خود برادرش هارون را بنویس ده ساجیم برای او از رحمت خود برادرش هارون را بنویس ده ساجیم برای او  
إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا ۝ وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ  
بر آینه دسه بود راست وعده و بود بر آینه دسه بود راست وعده و بود بر آینه دسه بود راست وعده و بود بر آینه دسه بود راست وعده و بود  
بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا ۝ وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ  
بنام و زکوة و بود نزدیک پروردگار خویش پسندیده و یاد کن در کتاب  
یمن از و زکوة و بود نزدیک پروردگار خود پسندیده عه و یاد کن در کتاب  
أَدْرِيسَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا ۝ وَرَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيًّا ۝ أُولَئِكَ الَّذِينَ  
ادریس را بر آینه دسه بود راست کرد از پیغمبر و برداشتیم او را به مقام بلند ایشان آمانند و  
ادریس را از هر آینه او بود نهایت راست بنی و برداشتیم او را به مقام بلند ایشان آمانند و  
أَنعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ مِنْ ذُرِّيَةِ آدَمَ وَمِنْ حَمَلَةِ مَرْيَمَ وَجِجْ  
انعام کرده خدا بر ایشان از زمره پیغمبران از فرزندان آدم و از نسل آنکه بر مریسم با لوح و  
انعام کرده الله بر ایشان از پیغمبران از اولاد آدم و از اولاد آنکه بر مریسم با لوح و  
وَمِنْ ذُرِّيَةِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْرَءِيلَ وَمِنْ هَدْيِنَا وَابْتَلَيْنَا إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ  
و از ذریه ابراهیم و یعقوب از جمله آنکه را راست نمودیم ایشان را و برگزیدیم چون خوانده می شد  
از اولاد ابراهیم و اسماعیل و از جمله کسیکه هدایت نمودیم ایشان را و برگزیدیم چون خوانده می شد  
عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرَوْا وَسُجِدُوا وَبُكِّيَّا ۝ فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ  
بر ایشان آیات رحمتی افتادند سجده کنان و گریین پس جانشین شد بعد از ایشان تا خلق چند  
بر ایشان آیات رحمتی افتادند سجده کنان و گریین پس آمد بعد از ایشان تا خلق  
أَصْنَعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبِعُوا الشَّهَوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا ۝ إِلَّا مَنْ  
که ترک کردند نماز را و پیروی کردند خواهش باطن پس خواجه یافت جزای کرامی لیکن هر که  
که صلاح کردند نماز را و تبعیت کردند خواهشات را پس زود پادشاه گردیدند پس از آنکه  
تَابَ وَامِنْ وَعَمِلْ صَالِحًا وَلْيَاكُفِّرْ بِكُلِّ إِثْمٍ كَانَ يُغْنِي عَنْهُ صَالِحًا وَلَا يُلَظْمُونَ  
توبه کرد و ایمان آورد و در کارش شسته بعمل آورد آنجا که در آید در بهشت و بیستی ستم کرده نشود  
توبه کرد و ایمان آورد و در کارش شسته بعمل آورد آنجا که در آید در بهشت و بیستی ستم کرده نشود  
شِعَارًا ۝ جَنَّاتُ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدَ الرَّحْمَنُ عِبَادَهُ بِالْغَيْبِ ۝ إِنَّهُ كَانَ  
بر ایشان بوستان نهایی بیشتر مانند کرده داده است خداوند گان خود را نادیده بر آینه هست  
چیزه جنت هست (نامت کرده عده داده است رحمتی پسندگان خود را بغیب بر آینه هست  
وَعَدَاهُ مَا تَبَيَّنَ ۝ لَا يَدْخُلُونَ فِيهَا الضَّالُّونَ إِلَّا سَلَامًا وَلَهُمْ فِيهَا مَرْفَعٌ مُرْتَبَعٌ  
و عده او البته آینه بشنوند آنجا هیچ سخن پنهان بوده لیکن سلام نشوند و ایشان را بود روزی ایشان آینه  
بر و عده او رسیدن البته آینه نشوند در آن سخن پنهان بوده لیکن سلام و ایشان را راست روزی ایشان و آن  
بُكَرَةٌ وَعَشِيًّا ۝ تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي نُورِثُ مِنْ عِبَادِنَا مَنْ كَانَ تَقِيًّا ۝  
صبح و شام ایست آن بهشت که عطا کنیم از بهندگان خویش که زکات بر میگیر کار بود و  
صبح و شام این همان جنت است که میراث میدهم از بهندگان خود آنرا که بر بهیز کار باشد و

یابن اقل تا آخر مسجد فی انشاء الله من الضامین (مناجات رکوع ۳) و میا بطن طور ثابت کرد عه و بطن را باریت میکرد و دو







طایفه در قیامت  
 صلی الله علیه و آله  
 و در عهد قیامت  
 تفسیر عثمانی  
 بقیه صفی ٣١٢ (نیز در)  
 از او پیش روی او  
 پس ما آسان و زمین  
 است یعنی در جبین پایا  
 شدن زمین پیش روی  
 و آسمان و پس است  
 و در جبین بالا رفتن آن  
 پیش روی زمین پس  
 می باشد و اگر از پیش  
 روی عقب و تقدم  
 و تا خزانه می باشد  
 زمانه متقبل پیش روی  
 و زمانه پیش  
 است و زمان  
 حال بین هر دو  
 (تشییه دوم) اول  
 فرموده که در آستان  
 جنت اقیانوس است  
 مستند که از خداوند  
 میزند و در بر آید  
 و در آیت خلعت  
 شان خود که لایق  
 تر سید لادوی  
 نقطه ذاتی است  
 که تمام از زمانه  
 و در قیامت است  
 و در آن علم و  
 اجازه او بر هر چیزی  
 فرستاده هم با خود  
 جنایانده نمی تواند  
 اگر آنان می تواند  
 میراث جنت و ابدیت  
 خود بردارند است که  
 مثل فرشته گان  
 و منتهای حکم الهی گردد  
 و در هر طرف بهر شایسته  
 شد که خدای تعالی بفرماید  
 که آنان منجس خود  
 را از او سر برافکنند و در آنجا  
 هم از او سر برافکنند و در آنجا  
 آنبار به جنت می رسند  
 و در هر چه می رسند

أَهْدُوا هَدًى وَالْبَقِيَّةَ الصَّالِحَاتِ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ لَّكَ  
 راد بایان را هدایت و حسنات پاینده شایسته بچند نزدیک پروردگار تو از روی جزا و نیکوترین جزا است بازگشت  
 اگر راه یافته اند هدایت و نیکوئی پای پاینده بهتر است نزد تو از روی ثواب و بهتر از حجت مرجع  
 أَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا بآيَاتِنَا وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ الْغَيْبِ  
 آیا دیدی آن را که کافرشه بایات ما و گفت البتة داده شود مرا و مال و فرزند آیا مطلع شده است بر غیب  
 آیا دیدی آن را پس هر چه بود که کافرشه به آیات ما و گفت هر چه بود داده میشود مرا و مال و فرزند آیا مطلع شد و غیب را  
 أَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا بآيَاتِنَا وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ الْغَيْبِ  
 یا گرفتار است از نزدیک خدا عهد سه نه چنان بود خوانیم نوشت آنچه می گوید و افزون بیش  
 را گرفتار از تو در حق عهد نه چنین است نوشته نگاه میداریم آنچه می گوید و زیاده می گیریم برای او از  
 الْعَذَابِ أَفْهَمًا وَنُورُهُ مَا يَقُولُ وَيَأْتِينَا فَرْدًا ١٥ وَأَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ  
 عقوبت افزون دادن و باز ستاییم پس از وی آنچه می گوید و باید پیش ما تنها شده و خدا یان گرفته اند  
 عذاب درازی می گیریم از او بطریق میراث آنچه می گوید و می آید نزد ما تنها دست حالی و گرفتار شد و مشرکان نیز از  
 اللَّهُ الْمَهْلِكُ لَكُمْ نَوَارِهِمْ عَزَّ ١٦ كَلَّا سَيَكْفُرُونَ بِعِبَادِكُمْ وَيَكُونُ  
 بجز الهی تا باشند ایشان را سبب عزت نه چنان بود منکر خواهند شد بهشت میبودان خود را و خواهند شد  
 خداست و آن تا باشند برای ایشان در سبب عزت نه چنان است که دوست منکر شوند از پیش ایشان و میشوند  
 عَلَيْهِمْ صُدَّ ١٧ أَلَمْ تَرَ أَنَّا أَرْسَلْنَا الشَّيَاطِينَ عَلَى الْكَافِرِينَ تَوْرَهُمْ  
 بر ایشان سبزه آید آیا دیدی که می فرستیم شیاطین را بر کافران می بینانند ایشان را  
 بر ایشان مخالف آید آیا دیدی که در هر آیه ما مسلط کردیم شیاطین را بر کافران که بر ایشان می سازند ایشان را  
 أَلَمْ تَجْعَلْ عَلَيْهِمْ إِسْمًا نَعْلَمُهُمْ عَذَابًا ١٨ يَوْمَ نُخَسِّمُ الشَّقِيْنَ إِلَى  
 جنایانده پس شتاب کن بر ایشان جز این نیست که مدت می شماریم برای ایشان شمار کردی روزی که بر ایشان سبزه  
 بر ایشان پس شتاب کن بر ایشان جز این نیست که مدت می شماریم برای ایشان شمار کردی روزی که بر ایشان سبزه  
 الرَّحْمَنِ وَفَدًا ١٩ وَلَسَوْفَ الْمَجْرُمِينَ إِلَى جَهَنَّمَ وَرِثَةً لَا يُنْكَرُونَ  
 در حق میمان آید و در آن کنیم گز کاران را بسوزند و در زنج کشند شتاب کن  
 در حق میمان آید و در آن کنیم گز کاران را بسوزند و در زنج کشند شتاب کن  
 الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ اتَّخَذَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا ٢٠ وَقَالَ اتَّخَذَ الرَّحْمَنِ  
 شفاعت کردن الا سبب گرفته است نزدیک خدا عهد سه و گفتند فرزند گرفته است  
 شفاعت منکر سبب گرفته است از نزد حق و عهد می گویند که در دوزخ گرفته است  
 وَلَدًا ٢١ لَقَدْ جِئْتُمْ شَيْئًا إِذَا تَكَادُ السَّمُوتُ تَنفَطِّرُ مِنْهُ وَتَنْشَقُّ  
 خدا فرمود ایشان را هر آنچه آوردید چیزی نیست زشتی نزدیک اند آسمان با که بشکند ازین سخن و بشکند  
 فرزند هر آنچه گرفتار آمدید را آوردید چیزی نیست زشتی نزدیک است آسمان با که بشکند ازین سخن و بشکند  
 الْأَرْضُ وَتَنْخَرُ الْجِبَالُ هَدًى ٢٢ أَنْ دَعَا الرَّحْمَنِ وَلَدًا ٢٣ وَمَا يَنْبَغِي  
 زمین و یا نفع گوید باره پاره شده بسبب آنچه اقامت کردند خدا فرزند و نه سوز  
 زمین و یا نفع گوید باره پاره شده بسبب آنچه اقامت کردند خدا فرزند و نه سوز  
 الرَّحْمَنِ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا ٢٤ إِنَّ كُلَّ مَنْ فِي السَّمُوتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا رَجُلًا  
 خداست را که فرزند گیر نیست هیچ از آنکه در آسمان و زمین اند مگر آنست  
 راجع را که فرزند گیر نیست هیچ از آنکه در آسمان و زمین اند مگر آنست  
 الرَّحْمَنِ عَمِلًا ٢٥ لَقَدْ احْصَيْنَاهُمْ وَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا ٢٦ وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا يَوْمَ الْقِيَمَةِ  
 پیش بر حق سبزه است و در هر آیه ما مسلط کردیم شیاطین را بر کافران که بر ایشان می سازند ایشان را  
 راجع را که فرزند گیر نیست هیچ از آنکه در آسمان و زمین اند مگر آنست  
 رَبِّكَ يَوْمَ الْقِيَمَةِ  
 راجع را که فرزند گیر نیست هیچ از آنکه در آسمان و زمین اند مگر آنست  
 رَبِّكَ يَوْمَ الْقِيَمَةِ



فَرَادَ اِنَّ الدِّينَ اَمْنٌ اَوْ عَمَلٌ الصَّلَاةُ سَيَجْعَلُ لَكُمْ رَحْمَةً

بیت شد هر آینه آنکه ایمان آورد نه کار باشد شایسته گردند برادران خدا دوستی را و

وَاللَّيْسُ مِنْكُمْ بِلِسَانِكَ لَتُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَتُنذِرَ بِهِ قَوْمًا لَّهُمْ وَلَئِنْ

خبر نیست که آسان است ختم قرآن را بر زبان گویند و بدی بآل متقیان را و بیمانی گروه ستم نندگان را و بسیار

اهلكا قَبْلَهُمْ مِنْ قَوْمٍ هَلْ يَخْشَى مِنْهُمْ مِنْ اَحَدٍ اَوَلَمْ يَكُنْ مِنْكُمْ

هلاک کردیم پیش از ایشان از ایشان حقیقت مردم آیمانی یعنی هیچ کس را از ایشان یا می ترسند از ایشان آن آیه است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بسم خداوند بخشنده مهربان

طه مَا اَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى ۝ اَلَا تَذَكَّرُ ۝ اَمْ لَمْ يَنْفَعِي دَرَسًا

طه فرستادیم تو را قرآن را تا نارنج کنی لیکن فرو فرستادیم برت پند دادن کنی را که برسد فرو فرستادن

تَنْسُ خَلْقَ الْاَرْضِ وَالسَّمٰوٰتِ الْعُلٰی ۝ الرَّحْمٰنُ عَلَى الْعَرْشِ مُسْتَوٍ ۝

از جانش سید آفریده است تا زمین را و آسمانهاست بلند را و بسیار بختا نموده است بر عرش و از گرفت

لَهُ مَا فِی السَّمٰوٰتِ وَمَا فِی الْاَرْضِ مَا بَيْنَهُمَا وَمَا تَحْتَهُمَا ۝ اِنْ تَنْزِيلُ الْكِتٰبِ

براست آید که آسمانهاست و آنچه در زمین است و آنچه در میان آسمانهاست و آنچه زیر زمین است و آنچه در میان زمینهاست و آنچه در میان آسمانهاست و آنچه در میان زمینهاست

فَاَنْ يَعْلَمَ السَّامِعُ ۝ اَللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ لَهُ الْاَسْمَاءُ الْحُسْنٰی ۝ وَهَلْ

تا که می شنود شنیده را و حق خدا را می شنود معبود نیست مگر اوست مراد است نامهاست نیکی و آید

اِنَّكَ حَدِیْثٌ مُّوسٰی ۝ اِذْ رَاْنَا اَوْفًا ۝ اَلْهٰلِكَةُ اَلَّتِیْ اَنْشَأَتْ نَارًا

ایست که تو خبر موسی را و چون دید آتش پس گفت ای خود را درنگ کنید هر آینه من دیده ام آتشی

یَعْنِ اَتِیْتُمْ مِنْهَا یَقْبَلُونَ اَوْ اُجِدُ عَلَى النَّارِ هَدًی ۝ فَلَمَّا اَنْشَأَتْ نَارًا

یعنی ایست که می شنود شنیده را و چون دید آتش پس گفت ای خود را درنگ کنید هر آینه من دیده ام آتشی

اِنَّ اَنْزَارَیْكَ فَاخْلَعْ نَعْلَیْكَ اِنَّكَ بِالْاَوْدِ الْقُدْسِ ۝ اِنَّا اَنْزَلْنٰ

ایست که تو خبر موسی را و چون دید آتش پس گفت ای خود را درنگ کنید هر آینه من دیده ام آتشی

فَاَسْمِعْ لِمَا نُوْحٰی ۝ اِنِّیْ اَنَا اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنَا فَاعْبُدْنِیْ ۝ وَاَقِمْ

ایست که تو خبر موسی را و چون دید آتش پس گفت ای خود را درنگ کنید هر آینه من دیده ام آتشی

الصَّلٰوةَ لِذِكْرِیْ ۝ اِنَّ السَّاعَةَ اَتَتْ اَكَادَ اَخْفِیْهَا لَتَجْزِیْ

ایست که تو خبر موسی را و چون دید آتش پس گفت ای خود را درنگ کنید هر آینه من دیده ام آتشی

مِنْ اَرْضِکُمْ ۝ اِنَّ السَّاعَةَ اَتَتْ اَكَادَ اَخْفِیْهَا لَتَجْزِیْ

ایست که تو خبر موسی را و چون دید آتش پس گفت ای خود را درنگ کنید هر آینه من دیده ام آتشی

والتی یبیک یبیک  
دوست ما شد  
یعنی هر چه از این عالم  
میداند  
تفسیر عثمانی  
عنه تصدیق  
علیه السلام را از  
ایضا باسط و  
تفسیر یابی  
بیان فرموده تا  
اسامین بدانند که حق  
قرآن بعرفت حضرت  
نبی کریم صلی الله علیه  
وآله و سلم چه حدیثی نیست  
و شکی نیست بر موسی  
علیه السلام و می نازل  
شد همان طور اخفقت  
صلی الله علیه و آله و سلم  
نیض و می ایستاید  
شده دشمنی که در حق  
موسی علیه السلام از  
تعلیم توحید و غیره متصل  
بود و در حق اخفقت  
صلی الله علیه و آله و سلم همان  
اصول تاکید و مراعات  
شده است طوریکه  
حضرت موسی در  
تعلیم حق شکایت  
و شهادت را تحمل  
نمودند اخفقت  
صلی الله علیه و آله و سلم هم  
تحمل فرمودند چنانکه  
موسی علیه السلام بر سر  
مواضع و مقامات غله  
حاصل کرده و دشمنان  
ایشان را محذول و عقیده  
گردیدند بجهن و تیره  
حضرت نبوی هم فاش  
و مضبوط گردیده و  
مسامدین ایشان تبا  
و خلیل تو آمدند شد  
چون روا غار سورده  
ازان قرآن و کتبش  
بود مطابق آن قصه  
آغاز نبوت موسی را  
بیان فرموده و حدیث  
ایست که تو خبر موسی را







عَلَى عَيْنِي إِذْ تَشَقَّى اخْتِكَ فَقُولْ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ مَن يَكْفُلُهُ

چون میرفت خواهر تو پس می گفت آیا دلائل کنن شمارا بر کسی که نگه داری این طفل کنن

وَجَعَلْنَاكَ إِلَىٰ آفَتِكَ كَيًّا نَقْرَعُ عَيْنَهُمَا وَلَا نَحْزَنُ ۚ وَوَقَّعْتَ نَفْسًا

پس باد آوردم ترا بسوی مادر تو تا حنک شود چشم دس و اندک بلبین نباشد

فَجَبَّكَ مِنَ الْعَمَىٰ وَقَتْنَاكَ فِتْنَانًا فَلَيْسَتْ سِنِينَ فِي أَهْلِ مَدْيَنَ

پس خاص ساختیم ترا از اندوه و در محنت انگیزیم ترا باز مودن پس در رنگ کردی سالیهای چند در اهل مدین

ثُمَّ جِئْتُكَ عَلَىٰ قَدَرٍ مِّنْهُنَّ ۚ وَاصْطَنَعْتُكَ لِنَفْسِي ۚ إِذْ هَبَّ آتُ

پس آمدی تو را بر قدری از تقدیر از آنکه من می خواهم و ساختم ترا خاص برای خود

خَوْدُ بَابِي وَلَا تَنِيكَ فِي ذِكْرِي ۚ إِذْ هَبَّ آتُ فِرْعَوْنَ ۖ إِنَّهُ طَغَىٰ ۚ فَقُولْ

برادر تو بپا نشانه من و سستی نکن در یاد کن من

لَهُ قَوْلًا لِّبَنَاتِكَ يَتَذَكَّرْنَ أَوْ يَنْخَسِعْ ۚ قَالَ رَبِّ إِنِّي مَنَعْتُ غُلَامًا مِّنْ بَنَاتِي

بوست سخن منم بود که منم پدر شود با ترسد گفت دس پروردگار ما هر آنچه می ترسمم از آنکه تقدیر کند بر ما

إِن طَغَىٰ ۚ قَالَ لَا تُخَافُنِي مَعْ كِبَا أَسْمِعْ ۚ وَأَرَىٰ ۚ فَإِنَّهُ قَوْلُكَ إِنَّا أَرْسَلْنَا

از حد گذر و گفت من ترسمم بر آنکه منم با شام می شوم و می بینم پس برود پیش دس پس بگوید بر آنکه منم از حد گذر

رَبِّكَ فَارْسِلْ مَعْنَا بَنِي إِسْرَءِيلَ ۚ وَلَا تَعْدُ بِهِمْ قَدْ جُتُّكَ بِأَيَّةِ

برادر کار تو ایمن پس بفرست با ما بنی اسرائیل را و عذاب کن ایشان را هر آنچه از آوردم پیش تو نشانه

مِّنْ رَبِّكَ وَالسَّلَامُ عَلَىٰ مَن اتَّبَعَ الْهُدَىٰ ۚ إِنَّا قَدْ أَوْرَجْنَا أَلْيَا أُنَّ

از جانب برادر کار تو و سلامتی کنن را بر کسی که راه هدایت کند

الْعَذَابُ عَلَىٰ مَن كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ ۚ قَالَ فَمِنْ رَبِّكَ آيَةٌ مِّنْ رَبِّكَ

عذاب کنن دس را باشد که دروغ شود و درو گردان شود و فرعون گفت پس کیست پروردگار شماست موسی گفت پروردگار ما

الَّذِي آتَىٰ كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَىٰ ۚ قَالَ فَمَا بَالُ الْقُرُونِ الْأُولَىٰ ۚ

آنست که از او هر چیزی را صورت و خلق داد و باز راه نمودن بسطط معاش خود می گفت پس چیست حال قرونهای نخستین

قَالَ عَلَيْهِمُ الْعَذَابُ لِي فِي كِتَابٍ لَا يَحْضِلُ رِزْقِي وَلَا يَنْصُرُنِي ۚ الَّذِي جَعَلَ

گفت علم من نزد یک پروردگار من است در کتابی که عذاب کند پروردگار من و نه فراوانی سازد و آفت کمر ساخت

لَكُمْ الْأَرْضَ هَذَا أَوْسَلَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً ط

في فتح الرحمن  
في دل انصاف  
في بنام رب نیند  
في تفسیر عثمانی

در وقت دعوت  
جلیلیه و عطا نصیحت  
سخنی بگوید هم آسان  
رقت آورد و علی باشد  
اگر چه بدتر و دلفشان  
از امید قبول نیست با  
این همه تو این جنل  
که شاید قدری خود و  
وقت نموده نصیحت  
پایزد و با جلال و  
جسوت خدا را شنیده  
بترسد و فرمان برداری  
باین شود سخن خود را  
بفری قلمها کن این  
فرمایش خداوند  
برای دعا و سفین  
دستور اصل عالی و  
مفسد نیست چنانچه  
در جانی دیگر خداوند  
پوضاخت ارشادی  
فریاد را و ای صلیب  
ریکا با حکم و دلالت  
اکنه و جاد بمرانی  
ای احسن از سخن رکوع  
عده تفصیل  
ترس از فرعون بود  
ازین می باید قبل حضرت  
موسی عدم اقبال خود  
جاه و جلال فرعون  
را دیده و گشت بر سر  
که با مستعد سخن خندان  
است میان ممکن است  
که پیش از آنکه سخن مارا  
کامل بشود و دست تری  
در آن کند یا بعد از  
شدیدن بجهت و غضب  
آمده نسبت به بلوگاه  
که برای گشتاخی و زبان  
در آن ناید و یا مارا  
از بیت کند که مقصد  
اصلی است خود (تقلید)  
بین این خوف محظرت  
موسی علیه السلام و شریعت  
بمقابله می برد از حد

در کار بر ایشان نصیب شد و هیچ منافعت و حود ندادند و گاه پیش از نزول بلا میسر و استیازه میانه بین چون بنا نازل شود بزم و قواح و عملی بمقابله می برد از حد



تیسری طرح ایداره اندرو و صراط آنها مانند آخاب روشن افکار است موسی علیه السلام گفت خوراست برود چنین بیج بزرگ شایسته نام چاشت میزدن باید آماده باشد تا مقابل او آید یعنی توانای کوشش عظمی است و خلق زیادی یافت می نمایند و باید در روز روشن باین کار صورت گیرد تا بینندگان بحد او زیاد حاضر باشند و در روزی که بیکس اشتباه و القاب واقع نشود حضرت شاه تکی علیه که از مقابل در میدان عظمی بود و فرزندش را داشت به این فرعون میخواست موسی را در حضور تمام مردم گفت بدید موسی علیه السلام اندوی شکست فرعون را داشت در تمام شهر بانی مصر بود و از آنکه فرعون سخن گفتند و عده واضح است که قدرت موسی علیه السلام در آن جمیعت بزرگ هر شخصی را حسب حق و حال خودش بنده نصیحت کرد چون چادر گردان و قدر کرده بودند که در مقابل حق بکمر بیاورند و حق را باطل نمونی تا بیز از حضرت موسی بطور اظهار باطن فرمودند و آگاه باشند بدست خود و نفیق در ملک کشیدند و از آنکه خدای و معجزات جوی را

**فَاخْرِجْنَاهُ مِنْ اَرْضِنَا وَمِنْ ثَمَرَاتِهَا** ۱۹ **وَاَوْارِعُوا نَعْمَكُمُ اِنْ فِي ذَلِكَ**  
 پس برون آیدیم این را از زمین ما و از ثمرات آن و اوارع کنیم شما را اگر در آن  
 پس برون آیدیم این را از زمین ما و از ثمرات آن و اوارع کنیم شما را اگر در آن  
**لَا يَتْلُو الشَّعْيَ وَمِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ**  
 ایشان را است خداوند نکرده و از زمین آیدیم شما را و در زمین باز آیدیم شما را و از زمین برون کشیم شما را  
**تَارَةً اُخْرٰى ۱۰ وَلَقَدْ اَرَيْنَاكَ اٰيٰتِنَا كَافًا كَذٰبًا وَاٰبٰى ۱۱ قَالَ اٰجِئْنِيْ**  
 بار دیگر و بر آیدیم خود را از زمین آیدیم شما را و در زمین باز آیدیم شما را و از زمین برون کشیم شما را  
**بَيْنَا وَبَيْنَكَ مَوْعِدًا لَا تُخْلَفُهٗ ۱۲ وَتَنْتَظِرُ ۱۳**  
 میان ما و میان تو وعده که نه اخلات کنیم آنرا و منتظر باشی  
**مَوْعِدًا يَوْمَ الزَّيْنَةِ وَاَنْتَ يَحْشُرُ النَّاسَ ۱۴ فَتَقُولُ فَرْعَوْنُ**  
 وعده که تو روز جزا است و آنکه جمع کرده متوکل مردم وقت چاشت عه پس باز گفت فرعون  
**فَجَمْعُ كَيْدٍ ۱۵ قَالَ لَهُمْ مُّوسٰى وَيٰكُمُ لَا تَقْتُلُوْا عَلٰى اَللّٰهِ كِذٰبًا**  
 پس جمع کرد کید را با یارید گفت موسی ساخران را و اے شما ایستاد بر خدا دروغ را  
**فَيَسْجُدْ لِعِزَابٍ وَّقَدْ خَابَ مِنْ اَفْئِرٰى ۱۶ فَنَادٰهُمُ اٰمُرْهُمْ بَيْنَهُمْ وَاَنْتَ**  
 پس سجده کند برای عذاب و در خاب از افتری و ندا کرد از ایشان بفرمودند که در میان خویش  
**اَسَاوُءَ الشَّعْبِ ۱۷ قَالَ اِنَّ هٰذِهِ اَنْسَابُكُمْ يُرِيدُنَ اَنْ يَخْرُجَكُمْ مِنْ**  
 ایشان گفتند که اینها بدترین و بدترین است و ندا کرد از ایشان بفرمودند که در میان خویش  
**اَرْضِكُمْ بِسُوءِهَا وَاِنْ هٰذَا بَطْلٌ يَّتَكَلَّمُ اَنْتُمْ ۱۸ فَاجْعَلُوْا اٰيٰتَكُمْ اَنْتُمْ اَتَوَا**  
 در این شما بسوء خود را و اگر اینها که در اینها است شما را و اگر اینها که در اینها است شما را  
**صِدْقًا ۱۹ وَقَدْ اَفْلَحَ الْيَوْمَ مَنْ اَسْتَعٰى ۲۰ قَالَ اَلَيْسَ اَقَانُ تَلَقٰى وَاَمَّا**  
 حقیقت شد و در این روز هر که استعاضد شد از اینها که در اینها است شما را و اگر اینها که در اینها است شما را  
**اَنْ تَكُوْنُ اَوَّلُ مَنْ اَقْبٰى ۲۱ قَالَ بَلِ الْقَوٰءِ اَفَاذِ اٰجِبَالَهُمْ وِعَصِيَّتُهُمْ**  
 پس برون آیدیم این را از زمین ما و از ثمرات آن و اوارع کنیم شما را اگر در آن  
**يَخْتَلِ الْيَوْمَ مِنْ اَسْمَاءِ اَنْتُمْ ۲۲ فَكُوْنُ جَسَدًا ۲۳**  
 پس برون آیدیم این را از زمین ما و از ثمرات آن و اوارع کنیم شما را اگر در آن  
 پس برون آیدیم این را از زمین ما و از ثمرات آن و اوارع کنیم شما را اگر در آن







والمی بیدادون  
توریت ۱۲ و ۱۳ مترجم  
توید چون موسی باهنگام  
کس از قوم خود بجانب  
و چون حضرت موسی  
از هم سبقت کرد خطاب  
رسید و الله اعلم  
یعنی مدت مقارفت  
من ۱۱ و ۱۲ یعنی مدت  
تفسیر عثمانی  
عنه بعضی میگویند که  
ساری هم موسی نام  
داشت برقی به این  
تفسیر اندک و اما ساری  
بود در نزد بعضی قطعی  
به هر حال موسی چنین  
رای دارند که این  
شخص در عصر حضرت  
موسی منافق بوده  
و از منافقین پیش  
در صدد آن بود که در  
افزودن حیل برای  
کوتاه کردن پیرودان  
حضرت موسی علیه السلام  
را و گناه ناپایدار است  
این نیز باشد که کتب  
اسرائیلیه باین  
است علیه با اختیار  
خود این کار نکرده بلکه  
ساری از کتاب آنرا  
برآورد و حقیقت  
چنین بود که انوارات  
قوم خود را با خود  
برداخته بود و موسی  
دانست که آنرا چه کنیم  
بعد از مشوره با جمعی آنرا  
از وی خود برآوردیم  
ساری آنها را در آن  
گذاشت و بعضی گو  
سار تشکیل نموده عا  
نشان داد و این قصد  
را در فوائد سورده ۳۴  
اعوان ملاحظه

الیه ما عشیبهم ۲ و اصل فرعون قومه و ما هدی ۳ یعنی اسرائیل  
در یا آبیخه پوشانید ایشان را و گمراه کرد فرعون قوم خود را و راه نمود  
در یا آبیخه و حرکت ایشان را و گمراه کرد فرعون قوم خود را و گمراه نمود  
قد اخیبکم من عدوکم و وعدکم جانب الطور الايمن و نزلنا  
بر آئینه نجات دادیم شما را از دشمنان شما و وعده دادیم شما را در جانب راست کوه طور و نازل کردیم  
(بر آئینه) نجات دادیم شما را از دشمنان شما و وعده دادیم شما را در جانب راست کوه طور و نازل کردیم  
علیکم المن والسلوی ۴ گوا من طیبیت ما رزقکم و لا تطغوا فیه  
بر شما من و سلوای  
(تفصیل) بخورید از یاغیر ای آبخیز روزی دادیم شما را و از حد مگذرید در آن  
فیجلی علیکم غضبی و من یجلی علیہ غضبی فقد هوی ۵ واری  
آنگاه ثابت شود بر شما خشم من و هر که ثابت شد بر من خشم من از غضب من و هر که از غضب من  
پس فرود خواهد آمد بر شما غضب من و هر که بر من خشم من پس بخشیش پاشد و هر آینه من  
لغفار لمن تاب و امن و عمل صالحا اهتدوا و ما اتجلك عن  
آمرزنده ام که راکه توبه کرد و ایمان آورد و کارش شایسته کرد باز راه راست یافت و چه چیز است که او را غافل ماند  
بزرگ آمرزنده ام برای کسی که توبه کرد و ایمان آورد و کارش شایسته کرد باز راه راست یافت و چه چیز است که او را غافل ماند  
قوله یسوی ۶ قال هم اولاء علی انری فیحلت لیک رب لترضی ۷  
از قوم خود اے موسی گفت قوم من ایشان اند بر پستی من و درشتانم بسوی تو اے پروردگار من تا خود رضای  
تو مت اے موسی گفت ایشان اینک را در نزد من و درشتانم بسوی تو اے پروردگار من تا خود رضای  
قال فاقصد قوما من بعد و اصلهم السامری ۸ فجمع موسی  
گفت خدا را آئینه ما را از قوم تو و گمراه ساخت ایشان را ساری پس باز گشت موسی  
گفت از آئینه ما از قوم تو و گمراه کرد آنها را ساری پس باز گشت موسی  
الی قومه غضبان اسیفاة قال یقوم الی بعد کبر ربکم و عدا حسناة  
بسوی قوم خود غضبان اسیفاة گفت اے قوم من آیا وعده نماده بود شما را پروردگار شما وعده نیک  
بسوی قوم خود غضبان اسیفاة گفت اے قوم من آیا وعده نماده بود شما را پروردگار شما وعده نیک  
افطال علیکم العهد اذ انتم ان یجلی علیکم غضب من ربکم  
آید از شما بر شما مدت و عهد استید که واجب شود بر شما  
آید از شما بر شما مدت و عهد استید که واجب شود بر شما  
فاخلفتم موعدی ۹ قالوا اما اخلفنا موعدک بیدک لو کننا حلیا  
پس خلاف کردید و عهد مرا گفتند خلاف نکردیم و بیدان ما را بیدک کردی تا ببرد  
بنا بران (پس) خلاف کردید و عهد مرا گفتند خلاف نکردیم و بیدان ما را بیدک کردی تا ببرد  
اوزار امن زینة القوم فقد فها و کذلک القى السامری ۱۰ فاخرج  
باز از میان قوم قبیل پس انگشت از آنرا و از آنرا انگشت ساری باز بیرون آورد  
باز از میان قوم قبیل پس انگشت از آنرا و از آنرا انگشت ساری باز بیرون آورد  
لهم عجل جسد الہ خوارق الہ اهل الہکم و الہ موسی فتشی ۱۱ افلا  
برائے ایشان کوساله را برآورد و کالبدی که او را آرد و کالبدی که او را آرد و کالبدی که او را آرد  
برائے ایشان یک کوساله را برآورد و کالبدی که او را آرد و کالبدی که او را آرد و کالبدی که او را آرد  
یرون الا یرجع الیهم قولا ۱۲ و لا یسلک لہم صراطا ولا نفعان ولقد  
نمودند این که باز نمی گرداند بسوی ایشان سخن را و نمی تواند برآید ایشان را نفعی و سودی و هر آینه  
نمی بیند که جواب میدهد بایشان سخن را و نفعی ندارد بر ایشان را و نفعی  
و هر آینه







ول یسئرنی انما لیس فی  
 کتبه و یسئرنی  
 باشد از این جهت  
 علی ذالک من قرآن  
 عظیم ایشان را در قرآن  
 برای لغو و بیهوده  
 خود باین افکار  
 سخنان راست  
 در مقام مفید  
 شنوایان حد  
 چون قرآن خلی مفید  
 عجیب است مان  
 بتدریج و تازان  
 می گویند و هر یک  
 اخلاق از جبریل  
 تعین کن - و قیام  
 فرشته و می خوانده  
 بشنوند و بجلالت او  
 محزون - چه استعبد  
 شد مایه که قرآن از  
 سین تو زایل نشود  
 پس چرب این اندیشه  
 بیتا بشوی که مباد  
 فراموش کنی بیکجای  
 آن چنین دعا بکن  
 پروردگار من بار  
 بفرماید من قرآن  
 بیش از پیش علوم و  
 مهارت بر من آردانی  
 بفرماید منی که تبحر  
 تعجیل به موقع آید  
 علیه السلام و یک چیز  
 جهت حضرت شاه  
 میونس گاهی که جبریل  
 قرآن می آورد خود  
 آن حضرت متصل قرآن  
 جبریل امین شروع  
 به تلاوت می نمود تا  
 فراموش نشود خداوند  
 رسول اکرم را در آن  
 در سورة قیامت گوید  
 آیت را در حرکت لسان  
 شکیل بر آن علیا  
 و قرآن ازین کمال  
 داده بود که نگذاشتن  
 آن در حافظه خود ابلغ  
 آن همه بر تو است

سَاءَ يَوْمًا يُقَيِّمُ اللَّهُ الْحِسَابَ ۝ يَوْمَ يَنْفُخُ فِي الصُّورِ وَنَحْشُرُ الْجَبْرِيْنَ ۝  
 و ساء بد با روزی است این روز قیامت بار کشیدن روزی که دمیده شود در صور و بر جبریه هم کشته گاران را  
 و است برای نشان و روز قیامت بار کشیدن روزی که دمیده شود در صور و بر جبریه هم کشته گاران را  
 يَوْمَ يَذْرِقُنَا وَيَذْرِقُنَاكَ وَالْجَبْرِيْنَ ۝ يَوْمَ يُصْعَقُونَ فِي الْبُحْرِ وَيَسْفَوْا كَالْأَشْجَارِ ۝  
 آن روز بود چشم کشته باین حرمت زنده در میان خویش که درنگ نه کردید یعنی در دنیا مگر در شبانه روز  
 آن روز بود چشم کشته آهسته می گویند در میان خودشان که درنگ نه کردید در دنیا مگر در روز  
 اَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ اِذْ يَقُولُ امثالهم طرِيقَةً اِنْ لَبِثْتُمْ اِلَّا يَوْمًا ۝  
 و انما ترسم حقیقت آنچه می گویند چهل گوید بهترین ایشان در روزی که درنگ نه کردید مگر یک روز  
 و انما ترسم به آنچه می گویند چهل گوید بهترین ایشان در روزی که درنگ نه کردید مگر یک روز  
 وَلَيَسْأَلُنَا عَنْ الْجِبَالِ فَقُلْ يَنْسِفُهَا رَبِّي نَسْفًا ۝ فَيَذَرُهَا قَاعًا  
 و می پرسند ترا از کوه ها بگو بپراند که آنرا پروردگار من پراکنده کردن پس بگذارد زمین را میدانه  
 و می پرسند ترا از احوال کوه ها پس بگو بپراند که آنرا پروردگار من پراکنده کردنی پس بگذارد زمین را میدانه  
 صَفْصَفًا ۝ اَلَا تَرَىٰ فِيهَا عِوَجًا وَاُولَاٰ اَمْتًا ۝ يَوْمَ يُنْفَخُ الْفُجَارُ  
 بخواه - نه پیش و را بخا و بی و نه هیچ بلند می - آن روز از این آواز کشته بودند و  
 صاف - می بینی در آن - می بینی بلند می - در آن روز می شنوایند و حال دائمی خوانند  
 لَا عِوَجَ لَهُ وَخَشَعَتِ الْاَصْوَاتُ لِلرَّحْمَنِ فَلَا تَسْمَعُ اِلَّا هَمْسًا ۝  
 هیچ - می نشاند آن انبساط راه - و پست شوند آوازه برای خدا پس نشوی مگر آواز نرم  
 هیچ - می نشاند آن سخن را - و پست میشود آوازه از ترس رحمن نمی شنوی مگر آواز نرم در شرف پای  
 يَوْمَ يُنْفَخُ الْفُجَارُ اِلَّا مِنْ اِذْنِ لَهُ الرَّحْمَنِ وَرَضَىٰ لَهُ ۝  
 آن روز نفخند فوج مگر برای کسی که بخواهد داده است خدا او را و پسند کرده است او را  
 در آن روز نفخند فوج مگر برای کسی که بخواهد داده است او را و پسندیده سخن او را  
 قُلْ ۝ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ اَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِ  
 از روی گفتار من میدانند آنچه پیش از آید میان من و آنچه پس پشت این است و او می بیند که خداوند از روی علم  
 میدانند آنچه پیش از آید میان من و آنچه پس پشت این است و او می بیند که خداوند از روی علم  
 وَعَسَىٰ اَلْوَجْهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ وَقَدْ خَابَ مَن حَمَلَ ظُلُمًا ۝  
 و عیاشی تقدیر دایه مردمان برساننده جبریه نه هر آینه طلب ترسیده هرگز پراشت  
 و عیاشی در روی با خود را بخوار شوند اصحاب روی با محضوری کیوم و خراب گزیده بر آینه به بهره اند که بیکر نیست با قدر  
 مَن يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا يَخْفُظُ ظُلُمًا وَاَلْهَضًا ۝  
 هر که بجا آورد کارهای شایسته و او مؤمن باشد پس و سه هر صدمه نرسد و نه از نقصان  
 هر که بجا آورد کارهای شایسته و او مؤمن باشد پس و سه هر صدمه نرسد و نه از نقصان  
 وَكَذٰلِكَ اَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا وَهُوَ قُرْآنٌ مُّبِينٌ ۝  
 و بهمین چنین فرستادیم کتاب را قرآن عربی و گویند بیان کردیم اندک ترسانان را تا بود که  
 و بهمین چنین فرستادیم قرآن عربی و گویند بیان کردیم اندک ترسانان را تا بود که  
 يَتَقُونَ اَوْ يَحْدِثُ لَهُمْ ذِكْرًا ۝ فَعَلَّمَ اللّٰهُ الْمَلِكَ الْحَقَّ وَلَا تَجْعَلْ  
 بترسند که شوند یا پیدا کند در حق ایشان میداند پس بلند در دست خدا باشد ثابت و مستحکم  
 بترسند یا پیدا کند در حق ایشان فکر پس بلند قدر است خدا باورش است ثابت و مستحکم  
 بِالْقُرْآنِ مَن قَبْلُ اَنْ يُفَصِّلَ الْاٰيَاتِ وَحِجَّةً ۝ وَفَلْيُذَكِّرْهُنَّ عِلْمًا ۝  
 خواندن قرآن پیش از آنکه بجا می رسد و شود بهیچ تو می واد بگو - به پروردگار من بفرماید و ادب  
 بگفتار در خواندن قرآن پیش از آنکه بجا می رسد و شود بهیچ تو می واد بگو - به پروردگار من بفرماید و ادب  
 يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا اِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْمَعُوْا ۝  
 ای کسانی که ایمان آورده اید هنگامی که قرآن خوانده شود گوش دهید و در آن روز







صلی الله علیه و آله و سلم  
 مت برقصه و غیره  
 آن هوا فریاد می کرد  
 تفسیر عثمانی  
 معنی  
 قوین و ندان  
 و متعلقین خود را  
 بهم به ناز تاکید کن  
 در حدیث است که  
 آن حضرت صلی الله علیه  
 و سلم فرمود که پس چون  
 بهفت سال شود برای  
 تحصیل اعتقاد او را  
 به ناز خواندن ملاحظه  
 سازیده چون ده سال  
 شود او را از نیکوکار  
 بخواند و حدیث  
 شاه عباس میگوید  
 در کتب سابقه خبر  
 بعثت رسول خدا را  
 داده شده و یا مقصد  
 این است که نشانی  
 پیغمبران سابق کافی  
 و شافی بوده و این  
 پیغمبر هم اصول همان  
 سخنان سابق را تقلید  
 می کرد چه چیزی گوید و  
 یا نشانی این است که  
 واقعات را بر روی کتب  
 سابق بیان میفرماید  
 و بهترین تفسیر به نزد  
 من آنست که این خبر  
 و غیره اعتقاد کرده اند  
 یعنی این مردم از روی  
 مخالفت و اصرار می  
 گویند که چرا کدام شایعه  
 نیارود - آیا بر علاوه  
 حدیث آیات و نبیات  
 از جمله زیاد و قرآن  
 و غیره انشان به  
 آنهار رسیده و چگونه  
 معاینه فرمودی  
 و بهم کتب سابقه  
 را عادی ملاحظه  
 و برای صداقت آنها  
 محبت و گواهی است و  
 انجا که آنرا آفتاب روشن

الْآخِرَةَ أَشَدُّ وَابَقَةً ۖ أَفَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمَا أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مَمْنًا

آخرت سخت تر و پابنده تر است پس چرا هدایت ندادیم آنها را همانگونه که پیش از ایشان را هدایت نمودیم

الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسْجِدِهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّأُولِي النُّهَى

طیقات مردم در ایامی روند و منازل آن ملک شدگان هر آینه درین مقبره نشانی است خداوندان خود را

وَلَوْ لَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَكَانَ لِزِمَامِهَا وَاجِلٌ مِّنْهُ ۖ

و اگر جزو سبقتی که سابق صادر شد از پروردگار تو نبود و سبقت معین بر آینه عذاب لازم نشده

فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ

پس صبر کن بر آنچه می گویند و تسبیح کن با حمد پروردگار خویش پیش از برآمدن آفتاب و

قَبْلَ غُرُوبِهَا ۚ وَمِنْ آنَاةِ الْبَيْتِ فَمِصْرًا ۖ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ لَعَلَّكَ

پیش از فروشدن آن و بعضی ساعتها سب و اطراف روز تسبیح کن و اطراف روز تسبیح کن

تَرْضَىٰ ۚ وَلَا تَتَّبِعْ عَيْنُكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَاهُ أَزْوَاجًا ۚ إِنَّهُمْ زَخْرَفَ

خوشنودی شوی و بازگشتی و دین خود را بپوشی آنچه بهر چند ساخته ایم بآن جماعت بار از ایشان از چشم آرایش

الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۚ لَنَنفِثَنَّهُمْ فِيهِ وَنَرِشِقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ ۚ وَآمُرُ

زندگانی دنیا تا چه کنیم ایشان را و در آن روزی پروردگار تو بهتر است و پاینده تر است و بفرما

أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا تَسْأَلُكَ رِزْقًا ۚ نَحْنُ نَرْزُقُكَ

ای انسان خود را به نماز و خود نیز بر آن قائم باش (صایر) ما شایسته طبع از تو روزی ما روزی میدهم ترا

وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَىٰ ۚ وَقَالُوا لَوْلَا يَأْتِيَنَا بَيِّنَاتٌ مِّنْ رَبِّهِ ۚ أَوَلَمْ

و عاقبت نیک بریز کاران راست و مردم می گویند چرا نمی آید بایک نشانی از پروردگار خود

تَأْتِيَهُمْ بَيِّنَاتٌ مِّنَّا فِي الصُّحُفِ الْأُولَىٰ ۚ وَلَوْ أَنَّا أَهْلَكْنَاهُمْ بِعَذَابٍ

نیامده است دلیل واضح از جنس آنچه در کتب سابقه است پس در کتب اولی و اگر ما بایک کردیم ایشان را بقتل

مِّنْ قَبْلِهِ لَقَالُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنُتَّبِعِ آيَاتَكَ

پیش از فرستادن پیغمبر گفتند ای پروردگار ما چرا نفرستادی بپوشی تا پیغمبر تا پیروی می کردیم کتاب ترا

مِّنْ قَبْلِ أَنْ نُنْزِلَ وَنُنْزِلَ ۚ قُلْ كُلُّكُمْ ذَرٌُّّ فَتَرْصَدُوا

پیش از آنکه غبار شویم در هوا کردیم و پیش از آنکه ذلیل و سوار شویم بگوهر یک نظر است پس شما هم نظر باشید

فَسَتَعْلَمُونَ مَنِ أَصْحَابُ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ وَمَنِ اهْتَدَىٰ ۚ

خواهید دانست که صاحبان راه راست و گمراه یافت زود میدانند که گمراهان راه راست و گمراه یافت







فلان یغفر الذنوب

احوال شایسته

یعنی ذنوب و گناهات

و این منافع و نفع

است حاصل آنکه

در رسل این است

جاری نیست که چرا

آدمی رسول باشد

آزاد و تنزه از زن

و فرزند می توان تفریق

کرد که اگر خدا ازین

فرزند می بود و خود

واجب او بود جان

او صاف کمال میبودند

و الله اعلم بالصواب

عالم اعلم و این

ذهب و فخر و رفعت

مرا ازین کلام درست

بر عبادت استقامت

تفسیر عثمانی

عبد بن عذاب را

بجسم سر پند بجا می

خدا اعترف کرده و بگویم

فریاد نمودند که یقیناً

کلام و بگویم این وقت

تاسف و ندامت

سودی نخواهد بخشید

چون وقت قبل بود

بنود این امت ازین

ندامت و در آن وقت

فایده نرساند بلکه

چنان خوشترند که گویی

بر آن واحد و در گریه

از بابت افتاده اند و یا

انند چون می شنیدند که

بود از سخن خاکستر

می شود - العباد و الله

عبد یعنی چنین نیست

که در آن حکمت باشد

و غرض می باشد تا

بر آن دانشمند را

باید که قایم آفرینش عالم

در بقعه و دنیا و آخر

نبودند نداشتند از

آیام خود غافل نباشند

بل خوب بداند که دنیا برای آخرت

افزیده شده و انسان بکازات و مقامات

بر نیاید و خواهد یافت و زود زود از عذاب

گرفته خواهد شد - ۱۲

كَانَتْ ظَالِمَةً وَأَنْشَأْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا آخَرِينَ ۱ فَلَمَّا أَحْسَسُوا بِأَسْئَارِنَا

کهستم کار بود و لایق اسامیت بعد آن کرده دیگر و پس چون دیدند عذاب ما

هم منهار کفون ۲ لَا تَرْكُضُوا وَارْجِعُوا إِلَى مَا أُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَمَسْكَنَتِكُمْ

تا که انراش از انجا سید دیدند لغتم که میزدید و باز روید بسوئے مکانی که آسودگی داده شد شمار از ان بسوئ خانه های خویش

لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ۳ قَالُوا يٰوَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ ۴ فَمَا زِلْتَ تِلْكَ دَعْوَاهُمْ

تا بود که پرسیده شود قل گفتند ای ما را بر آید باوریم مستعار پس بجز این بود گفتار ایشان

خَتَّ جَعَلْنَاهُمْ حَصْبًا خَالِدِينَ ۵ وَما خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالأَرْضَ وَمَا

تا و ختت کرد انیدیم ایشانرا مثل زراعت و در ده شده مانند آتش خاصش میخ و دنیا فریدیم آسمان و زمین را و آنچه

بَيْنَهُمُ الْعَيْنِينَ ۶ لَوْ أَرَدْنَا أَنْ نَتَّخِذَ لَهُمْ آلًا تَتَّخِذُهُمْ مِنَ الدُّنْيَا إِنَّا

در میان آنهاست بازی کن اگر می خواستیم که بسازیم بازی و هر آینه می ساختیم آنها از نزد خود

كُنَّا فَعَلِينَ ۷ بَلْ نَقْذِرُ الْبَاطِلَ عَلَى الْبَاطِلِ مُدًا مَعًا ذَاهِقًا هَوًّا هَاقًا

کنده می بودیم و قل بل که می کنیم حق را بر باطل پس سرش میزند پس تا که باطل ناپدید شود

وَلَكُمْ أَلْوِيلٌ مِمَّا تَصِفُونَ ۸ وَلَهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالأَرْضِ وَمَنْ

دوای شماست از آنچه می گفتم و او را است هر که در آسمان با و زمین است و آنکه

عِنْدَهُ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ ۹ لَا يَسْتَكْبِرُونَ

نزدیک او نیستند و کس سر کشی نمی کنند از عبادت او و مانده می شوند

الْبَلِّ وَالتَّهَارُ لَا يَفْتُرُونَ ۱۰ أَوْ اتَّخَذُوا آلَهُمُ مِنَ الأَرْضِ هُمْ يَشْكُرُونَ

شک و در روز سستی نمی نمایند آیا این چنین را بیان گرفتند از آسمان زمین و که انرا از ابدیت باز میگردانند

لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلاَّ اللهُ لَفَسَدَتَا ۱۱ فَسُبْحَانَ اللهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا

اگر بود در آسمان و زمین خدا باین چند خدا بود و تبارک است یا که خدا را است خداوند عرش از آنچه

يَصِفُونَ ۱۲ لَا يَسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْأَلُونَ ۱۳ إِمَّا اتَّخَذُوا آلَهُمُ مِنَ

صفت می کنند پرسیده نمی شود خدا از آنچه می کند و ایشان پرسیده می شوند آیا معبودان گرفته اند

الْهَةِ طَمَلِ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ هَذَا ذِكْرٌ مِمَّنْ قَبْلِي بَلْ

بجز خدا بگو بیارید دلیل خود را ایست کتاب آنکه با من اند و ایست کتاب آنکه پیش از من بودند بلکه

اَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ الْحَقَّ فَهُمْ مُعْرِضُونَ ۱۴ وَما أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ

انرا انراست نمی دانند حق را پس ایشان را و گردانند و نه فرستادیم پیش از تو

اَكْثَرًا لَّنَا لَمْ يَكُنْ لَكَ بَلَدٌ مِمَّا نَدْعُوا لَكُمْ عَلَيْهِمْ وَهُمْ كَارِهُونَ ۱۵

انرا انراست نمی دانند حق را پس ایشان را و گردانند و نه فرستادیم پیش از تو



مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوْحِيَ إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ ۝ وَقَالُوا اتَّخَذَ

الاولی فی فرستادیم بپوسته او که نیست هیچ معبودی غیر من پس بر من تسلیم کنید و گفتند فرزندان که گفت است

الرَّحْمَنُ وَلَدًا سُبْحَنَهُ بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ ۝ لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَ

بانی اورا است بلکه آنرا که در حق ایشان این زعم دارند بنده گانند که امری اندیشدستی نمی کنند بر خدا هیچ سخن و

هُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ ۝ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يَشْفَعُونَ

ایشان فرمان دهنده کاری کنند میداند خدا آنچه در پیش روی ایشان است و آنچه پس پشت ایشان است و شفاعت نمی کنند

أَلَيْسَ أَرْضُهُمْ مِنْ خَشْيَتِهِ مُشْفِقُونَ ۝ وَمَنْ يَقُلْ مِنْهُمْ

آیا برای کسی که خدا خشنود شده است و ایشان از ترس خدا مضطرب باشند و هر که بگوید از ایشان

إِلَّا إِلَهٌ مِنْ دُونِهِ فَذَلِكَ نَجْزِيهِ جَهَنَّمَ كَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ ۝

اگر من خدا را بجز الهی پس سزاوارتم اورا و اگر من خدا را بجز او میگویم سزاوارتم است که گران را آید

لَهُ الْدِّينَ لَقَرَوْا أَنَّ السَّمُوتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمْ وَجَعَلْنَا

برای دین او کافران که آسمانها و زمین گسسته بودند پس واکردیم این باران و پدید آوردیم

مِنْ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ ۝ وَجَعَلْنَا فِي الْأَرْضِ رَوَاسِي

از آب هر چیز زنده را آبیایان می آرند و پدید آوردیم در زمین کوهها

أَنْ تَبْصُرَ بِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ ۝ وَجَعَلْنَا

برای آنکه از راه آبیایان را ببینند و راه را تا یابند که ایشان راه یابند و راه حقیم

السَّمَاءَ سَفًّا مُحْفُوظًا ۝ وَهُمْ عَنْ آيَاتِنَا مُعْرِضُونَ ۝ وَهُوَ الَّذِي

آسمان را سفلو نگاه داشته شده و ایشان از ایشان بایستی آسمان روگردانند و او است آنکه

خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ ۝ وَمَا

ساخت شب و روز را و آفتاب را و ماه را هر یک از ستارها در آسمانهای گوناگون و

جَعَلْنَا الْبَشَرَ مِنْ قَبْلِكَ الْخَلْدَ أَفَلَا يَنْفَكُونَ عَنْ آلِهَتِهِمْ كَمَا

ساختیم بشر را پیش از تو زنده گان را و اگر تو میبری ایشان همیشه باشند گانند

نَفْسٍ ذَلِيلَةٍ السَّوْتِ وَنَبَأُكَ بِالْشَّرِّ وَالْخَيْرِ فَنَقَّبْتَ ۝ وَالْبَنَاتُ تَرْجِعُونَ ۝

نفس پست و خوار است و خبری که بدی و خوبی را سودی و سودی را سودی از سودی که سودی از سودی که سودی

وَإِذَا رَأَوْا إِلَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا يَسْجُدُونَ إِلَّا هُوَ الَّذِي يَدْعُرُهُمْ

و اگر آنرا که کفر را می خوانند و آنرا که کفر را می خوانند و آنرا که کفر را می خوانند

بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا ۝ وَكَانَ اللَّهُ عَلَى الْعَالَمِينَ عَظِيمًا ۝

و چون آنرا که کفر را می خوانند و آنرا که کفر را می خوانند و آنرا که کفر را می خوانند

منزل مزمع گوید و  
کردن آسمان با نازل  
کردن مطهرت و پاکیزه  
فرمودند و اینها گناه  
از سوره ۱۲  
تفسیر عثمان  
عنه در حق من است  
و هر که بگوید اعلان است  
ابتداء آسمان با زمین  
برود و طلعت عدم از  
یکدیگر غیر متناهی افتاده  
بودند و در هر طرف ابتدائی  
وجود هم با یکدیگر مخلوط  
بودند بعد از آن قدرت  
خالق مقتدر بود و در  
از هم جدا فرمود پس  
از این جدائی یک  
به طبقات جدا گانه تقطیل  
گروه به باین بود -  
بهست بودند از  
آسمان با زمین نازل  
ی شدند و در زمین سبزه  
و نباتات پدید آمدند  
بلکه خدای تعالی برای  
خانه بی نوع انسان  
برود و از هم جدا ساخت  
از آبیایان بیابانی  
آفتاب کرد و از آبیایان  
زمین باز کرد و درین قسم  
فصلی بی تملی چشمه ها  
و دریاها جریان داد و  
انواع و اقسام نباتات  
در آن دریاها پدید آمدند  
و در دل خاک تفحص  
داد و آسمان را ستارگان  
به شادترین فرمود  
برای هر یک ستاره  
مدارها را محصور کرد و  
گردش هر یک را مختلف  
گردانید -  
وجودات ماندی را  
که شغری آیند با کوه  
و ایلا داخل از آب  
پدید آید ماده حیات  
آنها آب است اگر  
در بعضی مخلوق ثابت



فصل این کنایت  
سرت از غلبه استخوان  
بر آدمی و الله اعلم  
و فیما بین این بجهت کلام  
تفسیر عثمان  
مفسر این مردم از انجاء  
یکی غافل ماند و بر تفسیر  
علیه السلام استند  
می نماید چنانچه بطریق  
تفسیر و تخریج می گویند  
« هذا الذي يذكره الله فيكم  
آيا من نقص است  
و مبعودان شمارايد و  
ذكري كنهه و اخذ  
شان شرم ندارد و  
از ذكر مبعود حقیقی  
انعام - الرحمن ۹  
بدی بر بند و از  
کتاب بر حق او  
انگاری کنند و چون  
از زبان پیغمبر صلی  
مبعودان یا علی را  
میشنوند نهایت آفریده  
می گردند و قیام صورت  
حال این طور است  
پس باید تقادوت  
نمود که آیا حاکمیت  
خود آفریننده او است  
و یا از فوق مقابله  
عنه بعبودیت  
استند و تفسیر کفار  
را مشاهده می نمودند  
از آدمی که در کعبه  
است برین اشخاص  
بے جفا و گستاخ  
نازل شود و خود کفار  
بهم بطور استند و محبت  
آنها طلب کردند و  
با و حاجت تمام گفتند  
که اگر ما نزد شما افتاد  
استحقاق عذابیم پس چرا  
خود را بر ما عذاب داد  
می سازید ؟ خداوند  
بهره و اگر در فراق و دور  
کدامین است و اگر

الْهَيْكَلُ وَهُمْ يَذْكُرُ الرَّحْمَنَ هُمْ كُفْرُونَ ۝ خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ ۝  
مبعودان ما را از ایشان یاد خدا را  
نام مبعودان شمارايد و بدی و از ایشان از یاد حق می کنند ع  
آفریده شده انسان از شتاب  
سأورثكم آيتي فلا تستعجبون ۝ و يقولون متى هذا الوعد ان  
خواهم نمود شمارايش نهائى خوش پس استتاب طلب کنید از من و می گویند کى خواهد بود این وعده اگر  
برودى و انمودى بگویم بشارت آن بآن خود را پس استتاب طلب کنید از من ع و می گویند کى بلى می آید این وعده اگر  
کنتم صدقین ۝ لَوْ يَعْلَمُ الَّذِينَ كَفَرُوا حِينَ لَا يَكْفُونُ عَنْ وَجْهِهِ  
راست گو هستید اگر بدان را کاران صورت حال آن وقت که باز نتوانند داشت از دانه خویش  
شمارا است گو هستید اگر بدان را کاران آت وقت را که باز در استخوان است از دانه خویش خود  
النَّارُ وَلَا عَنْ ظَهْرِهِمْ وَلَا هُمْ يَنْصُرُونَ ۝ بَلْ تَأْتِيهِمْ بَغْتَةً فَتَبْهَتُهُمْ  
آتش را و نه از پشت خویش و نه ایشان نصرت داده خود چنین نه گفتند بلکه باید ایشان قیامت تا کجا پس حیران گردانید ایشان  
آتش را و نه از پشت های خود و نه ایشان مدد می رسد و نه ایشان یاری داده خود چنین نه گفتند بلکه باید ایشان قیامت تا کجا پس حیران گردانید ایشان  
فلا يستطيعون ردّها و اّلا هم ينظرون ۝ ۱۱ ۝ ولقد استهزئ بر رسل  
پس نتوانند دفع کردن و نه ایشان مهلت داده خود و هر آنکه شکر کرده شد به پیغامبران  
پس بخندند و توانست روان را و نه ایشان فرست خواهند یافت و نه ایشان مهلت داده خود و هر آنکه شکر کرده شد به پیغامبران  
مَنْ قَبْلِكَ فَخَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَسْتَهْزِءُونَ ۝ ۱۲ ۝ قُلْ  
پیش از تو پس در گرفت با آنها شکر کردند از ایشان آنچه با آن استهزای کردند پس  
پس از تو باز پس نازل گردید از احاطه کرد آنرا که استهزای کردند از ایشان آنچه به آن استهزای کردند پس  
مَنْ يَكُونُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مِنَ الرَّحْمَنِ ۝ بَلْ هُمْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِمْ  
کى نگهبانی می کنند شمارا شبها و روز از محبت خدا بلکه ایشان از یاد پروردگار خویش  
که نگهبانی می کنند شمارا در شب و روز از (عذاب) رحمت بلکه ایشان از یاد پروردگار خود  
معرضون ۱۱ ۝ أم لهم الهة تسمعهم من دوننا لا يستطيعون نصر  
رو گردان آند آیا ایشان را مبعودان غیر از نگاه می دارند ایشان را از معاصی می توانست نصرت دادن  
رو گردانند آیا برای ایشان مبعودانی است که باری دارند ایشان را غیر از ما می توانست یاری دادن  
انفسهم ولا هم منها ينصرون ۱۲ ۝ بَلْ مَتَعْنَاهُمْ أَهْلَ الْأَرْضِ وَأَبَاكَ هُمْ حَقٌّ طَال  
خویش را و نه ایشان از عاقبت ما به محبت خود محفوظ ماندند بلکه بهره مند ساختند اهل ایشان را و پدران ایشان را و تبار ایشان را و  
لكن بآية خود را و نه ایشان از طاعت ما مستحق رانند اندر محفوظ داشت شوند بلکه پیش دادیم و این را و پدران ایشان را و تبار ایشان را و  
عليهم العسر اّلا يرون انّا انّا في الارض ننقصها من أطرافها  
بر ایشان مدت عمر آیم می بینند که دور گرفت می گیریم زمین و در حرب دایمی کایم آن را از جوانب آن  
بر ایشان زندگی آیم می بینند که دایمی آیم زمین را می کایم (آفرین) کناره بآن آن  
افهم الغالبون ۱۳ ۝ قُلْ إِنَّمَا أُنذِرُكُمْ بِالْوَحْيِ وَلَا يَسْمَعُ الصَّمَّةُ لِلدَّعَاءِ  
آیا ایشان غلبه کنند و استحقاق جز این نیست که می ترسانم شمارا و احاطی می کنم (و می) و می شنوند که این آواز خواندن را  
آیا ایشان غلبه کنند گان اند بگو جز این نیست که می ترسانم شمارا و احاطی می کنم (و می) و می شنوند که این آواز خواندن را  
إذا ما يندرون ۱۴ ۝ وَلَئِنْ مَسَّتْهُمُ نَفْخَةٌ مِنْ عَذَابِ رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ  
بگو ترسانیده می شوند و اگر رسد بایشان اندک از عذاب بپروردگار تو هر آنکه گویند  
بگو ترسانیده می شوند و اگر رسد بایشان (نهی) اندک از عذاب بپروردگار تو هر آنکه گویند  
يُوبِلُنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ ۱۵ ۝ وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَمَةِ  
اسه دای ما را بر آینه المیزان هم گارون و در میزان بیم ترازو عدل را روز قیامت  
اسه دای ما را بر آینه المیزان هم گارون و می گذاریم ترازو بای القیاس را بر روز قیامت  
و غلبت غیر شده بدید دای می میر کشید نگاه من علامت بآن استقامت خود را بشمار و نمود می کنم ۱۶



فَلَا تَطْمَئِنُّ نَفْسٌ شَيْئًا وَاِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ اَتَيْنَاهَا بِمِثْلِهَا

بر سر کرده خود بر هیچ شیئی و اگر باشد عن یک سنگ و از سبیلان حاضر کنیم آنرا و

بهر ستم خواهد شد بر هیچ نفس چیزی و اگر باشد برابر دانسته از خردل یا دریم آنرا و

بهر ستم کننده بسم و هر آینه و اویم مونس و بارون را کتاب فیصل کند و درستی و

اگر ستم بر او باشد و هر آینه و اویم مونس و بارون را کتاب فیصل کند و درستی و

و ذکر المتقين الذين يخشون ربهم بالغيب وهم من الساعة

بندگی بر بندگان را آنانکه می ترسند از پروردگار خویش غایبان و ایشان از قیامت

آنانکه می ترسند از پروردگار خود بدون دیدن و ایشان از قیامت

مشفقون وهذا اذ كبر مبرك انزلناه افا ننتقم له منكرون

برسانند و این قرآن بندگان است که در قیامت و در قیامت و این قرآن بندگان است که در قیامت

لقد اتينا ابراهيم رشدا من قبل و كتابنا عليهم اذ قال لبيك

و این قرآن بندگان است که در قیامت و در قیامت و این قرآن بندگان است که در قیامت

فوق ما هذه التماثيل التي انتم لها عاكفون قالوا وجدنا ابائنا على

و این قرآن بندگان است که در قیامت و در قیامت و این قرآن بندگان است که در قیامت

عبدین قال لقد كنتم انتم واباؤكم في ضلال مبين قالوا اجئنا

و این قرآن بندگان است که در قیامت و در قیامت و این قرآن بندگان است که در قیامت

بالحق امرت من العبدین قال بل ربكم رب السموت والارض

و این قرآن بندگان است که در قیامت و در قیامت و این قرآن بندگان است که در قیامت

الذي فطرهن وانا على ذلكم من الشهدین و قال الله لا كيد

و این قرآن بندگان است که در قیامت و در قیامت و این قرآن بندگان است که در قیامت

اصنامكم بعد ان تولوا مدبرین فجعلناهم جنداً للاکبیر الهم لعلهم

و این قرآن بندگان است که در قیامت و در قیامت و این قرآن بندگان است که در قیامت

الیهم رجعون قالوا من فعل هذا بالهتدان لکن الظالمین قالوا

و این قرآن بندگان است که در قیامت و در قیامت و این قرآن بندگان است که در قیامت

بمعانفتهم یذکرهم یقال لکن ابرهیم قالوا فاقوا به علی اعین الناس

و این قرآن بندگان است که در قیامت و در قیامت و این قرآن بندگان است که در قیامت

لعلهم یشهدون قالوا انت فعلت هذا بالهتدیا لکن ابرهیم قال بل

و این قرآن بندگان است که در قیامت و در قیامت و این قرآن بندگان است که در قیامت

عصای خدای تعالی  
و صاحب نهانی است  
و بعد از آن که می  
و دیگر صورت می گیرد  
برای عبادت اهل  
تمام مخلوق معادن و  
مددگاری قطعا فرست  
ناریم بعد از آن  
خداوند نشان دهد  
اگر ستم کننده و  
تو خدایت از  
عصای خدای تعالی  
طریقت پیرو  
برایان داشته است  
و آنچه را که هر روز  
حضرت محمد صلی الله  
علیه و آله و سلم می  
ترسانند انبیای سابق  
هم مردم را از آنها  
میرسانند و خدا  
حضرت خلیل به پدر  
و قوم خویش گفت که  
انگلی از اصلیت و  
حقیقت آنها بسیار  
کنید که این بت های  
سنتی بدست خود  
تراشیده اند بکدام  
دین خدا اگر دیده اند  
عقل و فطرت و نقل  
مصدق بهادر تا به قول  
ما وجوده بوده لیکن  
بزرگویش و پس بر حقیقت  
بت پرستی این است  
که آباء اجداد ما از قیام  
الایام پرستش اصنام  
می کردند پس طریقی  
بزرگان اسلاف خود را  
چگونه ترک نمایند  
لعل ما بین دلیل  
حقانیت و دانش خدا  
ثابت نشد البتة  
است که بدانند  
شش شاگرد و بی خود  
بودند شاگرد بوده  
تقدیر کرد و آنرا  
تقدیر کرد و آنرا

و این قرآن بندگان است که در قیامت و در قیامت و این قرآن بندگان است که در قیامت



صل الله عليه وآله

انما افقته

زمین شام ۱۲

تفسیر عثمانی

مردود بر مبدن از

من نیست فرض کنیده

که این بیت کلام صحیح و

سالم الی شایسته است

و او شکتی هم نزدش

موجود است این کلام

را که در یادش دایم

در شایسته بحث تحقیق

بهر الزام و حکایتی

واقع می شود که کبریت

کلام به شکتی خود

را شایسته دانستن

شایسته دلیل دارد که

این کلام از ادب و قبح

نیست زیرا می دانند

که در دنیا با دای کلام

دارای خود را دایمی

قیمت باقی کو یک را

مبلغی کند و مسامحت

کلام مسامحت با دای

خود و اجتناب و محکوم

نی سازند بنا بر این

طریق بهتری بر سر

فیض و دعوی ما و شای

این است که خود شای

از این مبدن اگر

سخن زده بخواهند

بهر سبب که این اجزا

چگونه صورت گرفت

البته در این مبادی

فاصله می باشد

در دین و دامت

راضی می کنند

ز قبیله از طرف

سیان ما و شای

گفتن بی غرض که

بنا بر اخبار معتد

واقعه بود حقیقت

در دین گفته شد بلکه

کلام شریفی است که

موضوع تحقیق و تمجید است

بنا بر اخبار معتد

واقعه بود حقیقت

در دین گفته شد بلکه

کلام شریفی است که

موضوع تحقیق و تمجید است

بنا بر اخبار معتد

واقعه بود حقیقت

در دین گفته شد بلکه

فعله ی کبیرهم هذا فسوهم ان كانوا یطقون

فرجعو الی انفسهم

فقالوا انکم انتم الظالمون

ثم نکسوا علی رؤسهم لقد علمت ما هؤلاء

ینطقون

قالا تعبدون من دون الله

اولکم ولما تعبدون من دون الله

انصروا الیه ان کنتم فعلین

انصروا الیه ان کنتم فعلین

انصروا الیه ان کنتم فعلین

انصروا الیه ان کنتم فعلین

انصروا الیه ان کنتم فعلین

انصروا الیه ان کنتم فعلین

انصروا الیه ان کنتم فعلین

انصروا الیه ان کنتم فعلین

انصروا الیه ان کنتم فعلین

انصروا الیه ان کنتم فعلین

انصروا الیه ان کنتم فعلین

انصروا الیه ان کنتم فعلین

انصروا الیه ان کنتم فعلین

انصروا الیه ان کنتم فعلین

انصروا الیه ان کنتم فعلین

انصروا الیه ان کنتم فعلین

انصروا الیه ان کنتم فعلین

انصروا الیه ان کنتم فعلین

انصروا الیه ان کنتم فعلین

انصروا الیه ان کنتم فعلین

انصروا الیه ان کنتم فعلین

انصروا الیه ان کنتم فعلین

انصروا الیه ان کنتم فعلین







فلینزل من ربی

ست و اختلاف در وقت

بیاض در وقت صبح

اصل وین ۱۲

تفسیر عثمان

عنه این خطاب به

مشرکین که است که

بت بارای پرستیدند

یعنی شادان و شادان

بر آتش آتش و پیروز

مستجاب و قوی با انکار

و الحجة و البقرة و کرم

س) مطلب این نیست

کی مشاهد می شود

بل غرض اینست که

مجت بر بت پرستان

تمام تر شود. شکی در

آینده میفرماید

و کان یولوا

آلتیاد و دوا

و حشر شان زیاد

شده و حاققت شان

و خضر گردد که از پیوستن

که تو قیام خیر و کشتن آنها

امر و خود را نگاه داشته

نواست. پس حقاقت

مار چطور می تواند؟

(تفسیر) مردانه و

تبدون من دون الله

در اینجا فقط مقام می

باشند زیرا خطاب

فقط به پرستگان آنها

ست. لیکن اگر ما

را عام بگنایم قریه

به نظر عدم المانع

معتبر می باشد چه معبود

تجسوسی و فخری که می تواند

از خود نادر مانع شوند.

آنها با عبادین خود هم

آتش آتش و دروغ سازند

می شوند مثلا شیطان و

انعام. باقی حضرت

سج و عزیز و ملائکه اش

که بسیار در مردم آنها

موجود دارند و اعتقاد

و و حاجت این قیامت

فرمای مانع است که از اندرون علوم شان کرده و از بین

و کذبت فی الدنیا و الاخری و کذب فی الدنیا و الاخری

و کذب فی الدنیا و الاخری و کذب فی الدنیا و الاخری

و کذب فی الدنیا و الاخری و کذب فی الدنیا و الاخری

و کذب فی الدنیا و الاخری و کذب فی الدنیا و الاخری

و کذب فی الدنیا و الاخری و کذب فی الدنیا و الاخری

و کذب فی الدنیا و الاخری و کذب فی الدنیا و الاخری

و کذب فی الدنیا و الاخری و کذب فی الدنیا و الاخری

و کذب فی الدنیا و الاخری و کذب فی الدنیا و الاخری

و کذب فی الدنیا و الاخری و کذب فی الدنیا و الاخری

و کذب فی الدنیا و الاخری و کذب فی الدنیا و الاخری

و کذب فی الدنیا و الاخری و کذب فی الدنیا و الاخری

و کذب فی الدنیا و الاخری و کذب فی الدنیا و الاخری

و کذب فی الدنیا و الاخری و کذب فی الدنیا و الاخری

و کذب فی الدنیا و الاخری و کذب فی الدنیا و الاخری

و کذب فی الدنیا و الاخری و کذب فی الدنیا و الاخری

و کذب فی الدنیا و الاخری و کذب فی الدنیا و الاخری

و کذب فی الدنیا و الاخری و کذب فی الدنیا و الاخری

و کذب فی الدنیا و الاخری و کذب فی الدنیا و الاخری

و کذب فی الدنیا و الاخری و کذب فی الدنیا و الاخری

و کذب فی الدنیا و الاخری و کذب فی الدنیا و الاخری

و کذب فی الدنیا و الاخری و کذب فی الدنیا و الاخری

و کذب فی الدنیا و الاخری و کذب فی الدنیا و الاخری

و کذب فی الدنیا و الاخری و کذب فی الدنیا و الاخری

و کذب فی الدنیا و الاخری و کذب فی الدنیا و الاخری

و کذب فی الدنیا و الاخری و کذب فی الدنیا و الاخری

و کذب فی الدنیا و الاخری و کذب فی الدنیا و الاخری

و کذب فی الدنیا و الاخری و کذب فی الدنیا و الاخری

و کذب فی الدنیا و الاخری و کذب فی الدنیا و الاخری

و کذب فی الدنیا و الاخری و کذب فی الدنیا و الاخری

و کذب فی الدنیا و الاخری و کذب فی الدنیا و الاخری



عَنْهُمْ مَبْعَدُونَ ۝ لَا يَسْمَعُونَ حَسِيسَةً ۝ وَهُمْ فِي مَا اشْتَكَتْ أَنْفُسُهُمْ

از دوری دور کرده شوند ۝ نمی شنوند ۝ و ایشان را آنچه خواهی خواهی در آن

خَلْدُونَ ۝ لَا يَجْرُزُهُمْ الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ ۝ وَتَتَلَقَّوهُمْ الْمَلَائِكَةُ ۝ هَذَا يُؤْمَرُكُمْ

تا بمانند ۝ از بزرگ ترس ایشان بزرگ و بیش آید ایشان را فرشتگان گویند ایست آن روز که

الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ ۝ يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجِلِّ لِلْكُتُبِ ۝ كَمَا

است و آن روز که ما آسمان را مانند سجد کردن طوطی را در کتابها

بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نَعِيدُهُ ۝ وَعَدَّ عَلَيْنَا لِمَا كُنَّا فَعَلِينَ ۝ وَلَقَدْ كَتَبْنَا

آغاز کردیم اول آفرینش را و دیگر باره ایم آفرینش و عده لازم شده بر ما و آنچه ما کرده ایم و در آنچه نوشتیم

فِي الزُّبُورِ ۝ بَعْدَ الذِّكْرِ ۝ إِنَّ الْأَرْضَ يَرثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ ۝ إِنَّ

در زبور بعد از ذکر آن شوند بنده گان شایسته ما ۝ (بر آئین)

فِي هَذِهِ الْبَلَاغَةِ الْقَوْمَ عِبَادِينَ ۝ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ ۝ قُلْ

در این بشارت نصیحت است کرده عبادان را ۝ و نفرستادیم ترا مگر رحمت برای جهانیان ۝ بگو

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا إِلَهُ الْوَاحِدُ ۝ فَهَلْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ۝ فَإِنْ

جز این نیست که منی فرستاده می شود بسوی من که معبود شما خداست یکتاست پس آیا کردن نهاده بستمید پس اگر

لَوْ كُنَّا أَقْبَلُ أَذْنَكُمْ عَلَى سِوَاءِ طُورٍ ۝ أَدْرِي أَقْرَبُ أَمْ يُعِيدُكُمْ أَوْ عَذَابُهُمْ

اگر من بپذیرم آنچه شما را بر سوا طوری ۝ آیا نزدیک تر است یا دور است آنچه و عده داده میشود

إِنْ يَعْلَمُ الْغَيْبُ مِنْ الْقَوْلِ وَيَعْلَمُ مَا تَكْتُمُونَ ۝ وَإِنْ أَدْرِي لَعَلَّهُ

اگر آید خداوند دانند آشکارا از سخن می دانند آنچه پنهان می کنید ۝ و منی دانم شاید تا خبر خود

فِتْنَةً لَّكُمْ وَمَتَاعًا إِلَىٰ حِينٍ ۝ قُلْ دَرَبٌ أَحْكَمُ بِالْحَقِّ وَرَبُّنَا الرَّحْمَنُ

آزمون باشد شما را و بهره مندی باشد تا مدتی ۝ بگو در راه راست است پروردگار من حکم کن براسی و پروردگار ما بخشنده است

سَيُفَكُّ الْغَيْظَ وَيُخَوِّدُ الْغَمَامَ ۝ السَّيِّئَاتُ عَلَىٰ مَا تَصِفُونَ ۝ ۝

از وی دور کند غم و غم را ۝ بدیها بر آنچه شما توصیف می کنید ۝

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم خدا ۝ بخشایند ۝

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ ۝ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ ۝ يَوْمَ تَرَوُنَّ

ایها مردم بترسید از پروردگار خویش ۝ هر آینه زلزله آن روز یک قیامت باشد چیزی بزرگ است روزی که ببینید آنرا

أَسْمَاقًا يَصْرِفُهُمْ بِرُءُوسِهِمْ ۝ فَتُكْفَرُ بِهِمْ الْأَبْنَاءُ ۝ وَتُكْفَرُ بِهِمُ الْأَبْنَاءُ

از آنش شکار که در شانی این صحت می گردانند و سرش را با سرش بگردانند و بپوشانند و بپوشانند و بپوشانند

فصل فی دعای آخر زمان  
پیش از آنکه بموت شود  
و امت او بر زمین  
غالب شود و آنرا نعمت  
تفسیر غلظت  
عده ای است بیان  
و رسالت باو میدهد  
لب لباب رحمت میفکند  
که آن حضرت با خود آورده  
اند با تا تو میداند که  
است انسان نیاید  
در پند و تلقین و قبولی  
ایم و نعمت بزرگ  
مقدس و معین و بزرگ  
و بیعی و او اول و پس  
آیا شاد و قبول حق و  
تسلیم بآن مستعد و  
حاضر و اگر آماده  
باشند بپوشانند و در نه  
من تبلیغ نموده برانست  
و معنودم ایست خود  
توان عاقبت خویش  
را بپذیرد و عده اگر  
باین تمام محبت و  
اطلاع کامل حق را قبولی  
نکرد و یا شادمانی نپایم  
کوس در شادی و بزم و شادمانی  
هم از من جدا شد  
شادمانی و من من باین  
است و هر کس نیت  
اعمال خود را می بخرد  
حضرت شاه رحمت الله  
علیه منوب و هر طرف  
یا هر چه را از دست حق  
بافتل برود  
فصل فی دعای آخر زمان  
پیش از آنکه بموت شود  
و امت او بر زمین  
غالب شود و آنرا نعمت  
تفسیر غلظت  
عده ای است بیان  
و رسالت باو میدهد  
لب لباب رحمت میفکند  
که آن حضرت با خود آورده  
اند با تا تو میداند که  
است انسان نیاید  
در پند و تلقین و قبولی  
ایم و نعمت بزرگ  
مقدس و معین و بزرگ  
و بیعی و او اول و پس  
آیا شاد و قبول حق و  
تسلیم بآن مستعد و  
حاضر و اگر آماده  
باشند بپوشانند و در نه  
من تبلیغ نموده برانست  
و معنودم ایست خود  
توان عاقبت خویش  
را بپذیرد و عده اگر  
باین تمام محبت و  
اطلاع کامل حق را قبولی  
نکرد و یا شادمانی نپایم  
کوس در شادی و بزم و شادمانی  
هم از من جدا شد  
شادمانی و من من باین  
است و هر کس نیت  
اعمال خود را می بخرد  
حضرت شاه رحمت الله  
علیه منوب و هر طرف  
یا هر چه را از دست حق  
بافتل برود



عزلهای بزرگ  
قیامت و قیامت  
درین قیامت و  
یا بعد از آن  
و در اندکی پیش از قیامت  
که از علامات قیامت  
بشارت میدهند و اگر در این  
موقع از زمین مراد باشد  
است بر معنای ظاهر  
قویانی میباشد اگر قویانی  
مراد باشد و احتمال  
دادن تخت آنکه قیامت  
زلزله شود و زمان قیامت  
دیده باز آن حال  
بیست و هفت و شصت و هشت  
و باز زلزله احوال و  
شداید انجام داد  
و اگر علم قیامت  
تبدیل شود و بعد از  
تبدیل عمل شود چنین  
معنی دارد که آنقدر  
اضطراب و سختی و  
اختلال و اسرار و  
مبادک اگر زمان  
شیر و دهنه موجود باشد  
از فطرت و برینسانی  
اطفال خود را فرستاد  
می کنند و حق زان  
حادثه باشد بگوید آن  
وقت مردم جنون می  
دیده خبر میشوند که قیامت  
آنهاست خراب  
می پندارد حال آنکه  
در آنجا نشسته بودند  
نیست بلکه از مشاوه  
عذاب خدا در دین  
مقامات و عقوبت و پادشاهی  
و عس خود را می بازند  
(تفسیر) اگر این  
پیشانی و اختلال  
برای مردم باشد  
در لایحه بنم افروخته  
الاکر و نفی با فضا را اکثر  
احوال است و در این  
انقیات با قیامت را محقق  
تبدیل می باشد اگر این  
ما تفرقه در حق اکثر مردم باشد و در حق تمام مردم قطعاً اشکالی نیست

تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَ تَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا وَ تَرَى

فانق شود بر شیر و دهنه از طلق که شیر می دهد و دهنه بر زن باردار شکم خود را در پیشانی  
غافل میشود و آن بر زن شیر و دهنه از طلق که شیر می دهد و دهنه بر زن حامله عمل خود را و بینی

النَّاسُ سُكْرًا كَمَا هُمْ سُكَرَى وَلَٰكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ ۝ وَمَنْ

سردمان را مست شده و رنند مست و لیکن عذاب خدا سخت است از  
مردم را مست و می کنند مست (مست عظیمی) و لیکن عذاب خدا سخت است و بعضی

النَّاسِ مَنْ يَّجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطَانٍ مُّجْرِمٍ ۝ كَيْفَ

مردمان کسی هست که گفتگو می کند در شان خدا بغیر دانش و پیروی می نماید هر شیطان مجرّم را که در فضای الهی توفیق شده  
مردم آن است که گفتگو میکنند در شان خدا بغیر علم و پیروی می نمایند هر شیطان مجرّم را که توفیق شده

عَلَيْهِمْ أَنْ يَنْصُرُوا بَيْنَهُمْ وَ يَنْصُرُوا بَيْنَهُمْ وَ يَنْصُرُوا بَيْنَهُمْ ۝ وَ يَهْدِيهِ إِلَىٰ عَذَابٍ أَلِيمٍ ۝

بر دهنه که بر کرد و دست داری او کند پس دهنه کندش و راه نماید بسوی عذاب آتش  
بر دهنه که (بر آید) کسی که دوستی کند با کسی که دشمنی کند با او و راه نماید بسوی عذاب دوزخ آتش

النَّاسُ إِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّنْ نَّبَاتٍ ۝

مردمان اگر در شک اید از بعثت پس بر آئیند ما آفریدیم شما را از خاک باز  
مردم اگر هستید در شک از زنده شدن دوباره پس (بر آئیند) آفریدیم شما را از خاک باز

نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِنْ مُّضْغَةٍ مُّخْتَلَفٍ ۝ وَ غَيْرِ مَخْلُوقٍ لَّيْسَ لَكُم

نطفه باز از خون بسته باز از گوشت پاره صورت داده و غیر صورت داده می گویند تا در رحم مادر برای شما  
نطفه می باز از خون بسته باز از پاره گوشت صورت داده و غیر صورت داده تا در رحم مادر برای شما

وَنَقْرُ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَدَّدٍ ۝ ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ

و قرار میدهم در درونها چیزی را که خواهیم تا میعاد تعیین  
قرار میدهم در درونها آنرا که خواهیم تا وقت معینی

لِنَبَاغُوا أَشَدَّكُمْ ۝ وَ مِمَّنْ يَتَّقِي ۝ وَ مِمَّنْ يَمُوتُ ۝ وَ مِمَّنْ يَرُدُّ إِلَىٰ أَرْضِهَا ۝ وَ

تا برسد به شدت شما را و بعضی از شما آن است که زنده گردد و بعضی از شما آن است که باز گردانیده میشود بدین زمین  
تا برسد به شدت شما را و بعضی از شما آن است که زنده گردد و بعضی از شما آن است که باز گردانیده میشود بدین زمین

لِكَيْ لَا يَعْلَمَ مِنْ بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا ۝ وَ تَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً ۝ فَإِذَا أَنزَلْنَا

تا ندانند چیزی را بعد از آنکه دانسته اند و می بینید زمین را خستیده پس و تحقیق کرد و فرستادیم  
تا ندانند چیزی را بعد از آنکه دانسته اند و می بینید زمین را خستیده پس و تحقیق کرد و فرستادیم

عَلَيْهَا الْمَاءَ أَهْلَتْ وَ رَبَّتْ وَ انبَتَتْ مِنْ كُلِّ رَوْحٍ فَهَبْ ۝ وَ ذَلَّلْنَا

بر آن آب را جفتش کند و با فراز و پدیدانند از هر قسم رطوبتی و او را بشیر به موجب آفت که  
بر آن آب تازه شود و حرکت کند و میغزاید و پدیدانند از هر قسم رطوبتی و او را بشیر به موجب آفت که

اللَّهُ هُوَ الْحَقُّ وَ اللَّهُ يَحْيِي الْمَوْتَى وَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ وَ أَنَّ

الله همواره حقیقت است و آنکه زنده می کند مردگان را و آنکه او را هیچ چیز تواناست  
الله اوست ثابت و آنکه او زنده می کند مردگان را و آنکه او را هیچ چیز تواناست

السَّاعَةِ آتِيَةٌ ۝ لَّا رَيْبَ فِيهَا وَ أَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ ۝ وَ مِمَّنْ لَّا تَأْخُذُ

قیامت آمدنی است نیست هیچ شبهه در آن و آنکه خدا بر آنکه زنده را که در گور است  
قیامت آمدنی است نیست هیچ شبهه در آن و آنکه خدا بر آنکه زنده را که در گور است

مَنْ يَّجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُّبِينٍ ۝ تَأْتِي

که گفتگو کند در شان الله بغیر دانش و بجز هدایت و بجز کتاب روشن  
آفت که مجادله می کند در شان الله بدون علم و بدون هدایت و بدون کتاب روشن



عُطِفَ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَنَذِيرُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ

بزرگواران خود را فلان تا گمراه کند از راه خدا اورا است در دنیا رسوائی و بخت بد اورا روز قیامت  
پهلوی خود را تا گمراه کند (مردم را) از راه خدا برای اورا است در دنیا رسوائی و بخت بد اورا روز قیامت

پهلوی بودا      نامه فراتراند (فرموده را) از راه خدا بیزای دوست در تیار دسوانی وی چشم نیم اورا      بروز قیامت

عَذَابَ الْحَرِيقِ ٩ ذَٰلِكَ بِمَا قَدَّمْت يَدَكَ وَإِنَّ اللَّهَ لَبِصِيرٌ بِظُلْمٍ

عذاب سوختن گویم این به سبب آن اعلیٰ صفت که پیش فرستادش و دوست قوود به سبب آن صفت که خدا نیست هم کننده عذاب آتش است و از طرف غلبه آبی به آن صفت که پیش فرستاد و دوست که در آتش خدا صفت که خدا نیست و دوست

الْعَبِيدَ وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُعَدُّ لِلَّهِ عِلًّا خَوْفًا

و از مردمانی که بہت کہ عبادت می کند خدا را بر کنناہ پس اگر برسد اورا حقے  
و بعضی از مردمان کہ است کہ بندگی میکنند خدا را بر کنناہ پس اگر برسد اورا حقے

اَصْلَانِ يَوْمَئِذٍ اَصْلَانِ فَتَنِي الْعَقْلُ

آدم گرد باں عبادت و اگر برسد ادرا بلائے  
بر گردد بر مدئے خود زبان کا رشہ رد دنیا :

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله الذي هدانا لهذا الذي كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

آخرت	احیاء	زیاں	ظاہر	یہ دنیا کیلئے عیواندہ بجز خدا چیز ہے اگر زیاں نہ رسد اندیش
------	-------	------	------	--

و ان فیه ذلک

دور	میخاندن	راکزبان	اولن	دیک	ترجمت	از
-----	---------	---------	------	-----	-------	----

دور از من است. یحیٰی اندک (کمی) از عمر او نزدیک تر است از

ہر آئینہ بد خداوند سے مست دید مارے مست ہر آئینہ خدا دارد و آمان را که ایمان آورده اند

برای این که دوست و پدرش است. این را که این آرد دهانه

نارنجی شالیس کرده اند در بوستانها که میرود فیه آن جوینها هر آینه غذای کند آینه می خواند

زیر آن جوی باغ (بر آئینه اندکی کند آبی خواهد بود)

و آخرت پس باید که بیاد نیز درستی

در مکانی که هرگز مدخلی نگردد اورا الله و آخرت پس بیاید و زیارت

آبادوری کند این تداوم را بخیر و برادر بخیر آورد و در این

وے آسمان (بالا) پس مطلع کند آنگاه بپایند آریا تا اعلیٰ کند حلا و چتر بیدار که خشم آورده و در آن ۱۵۱۲

وَأَنَّ اللَّهَ يَهْدِيَ صِرَاطَ الْمُسْلِمِينَ وَأَنَّ إِلَهَ الْأَدْيَانِ فَتَاوُ

در ستایش قرآن را آیات روشن و اینکه الله را هیچ نمایی جز خداوند (بر آفریننده) آفاق آسمان کرده اند

چین کاهدا و اوا الصابین والنصر والتمجید والبرکات والرحمة والبرکات والبرکات والبرکات  
ان که یزد و شرنه و ستاره پرستان و در سایان و کبریا و شکران

نیکو بخت نهاده ماسین و نصاری و مجلس لکده و آتیک شرک آورده اند

اللہ یفصل بینہم یوم القیمۃ ان اللہ علیٰ کل شیء شہید

۱۹. فیض الشریعہ کی تشریح و تفسیر در روز قیامت (محمد آصفیہ الشیرازی) چھ ۲۲۰ رشتہ

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته

کس طرح کوام مقام اکوام سوز است ۱۲۔











والمؤمنون

والمؤمنات

سبب آيات

نظام شده است

درین آیت

بر صحت

در هر یک از

مهاجرین

و مکن

پس هم

ملوه و

از این

و همین

باین

همان

تفسیر

عده

تفسیر

یعنی

چنانچه

خود

خداوند

یا حق

لاهی

حاصل

و این

بر خاست

رسیده

تقوی

توضیح

که

و این

تا

و این

و این

و این

و این

و این

و این

و این

و این

و این

و این

و این

و این

و این

و این

و این

و این

و این

الصلاة و مما رزقهم ينفقون والبدن جعلتهما لكم من

و اما آنرا که از آنرا رزق دادیم ای شما را خرج کنید و بدن را ساخته ایم برای شما

و اما آنرا که از آن رزق دادیم ای شما را خرج کنید و بدن را ساخته ایم برای شما

شعائر الله لكم فيها خير فاذا ذكروا اسم الله عليه فاصوات فاذا

شعائر خدا شما را در آن نیکی است پس یاد کنید نام خدا را

و اینها را که از آن رزق دادیم ای شما را خرج کنید و بدن را ساخته ایم برای شما

وجبت جنوبها فكلوا اطعموا الفقارع والمعترا كذلك

بر زمین افتد پس بگویند آن بخورید از آن و بخورانید فقرا و معترا را

و اینها را که از آن رزق دادیم ای شما را خرج کنید و بدن را ساخته ایم برای شما

سخرتهما لكم لعلكم تشكرون لن ينال الله حرمها ولا دماؤها

رام گردانیدیم شما را اینها را که از آن رزق دادیم ای شما را خرج کنید و بدن را ساخته ایم برای شما

و اینها را که از آن رزق دادیم ای شما را خرج کنید و بدن را ساخته ایم برای شما

لكن يناله التقوى منكم كذلك سخرها لكم ليشكرها الله على ما

لیکن میرسد بگویند از شما و اینها را که از آن رزق دادیم ای شما را خرج کنید و بدن را ساخته ایم برای شما

و اینها را که از آن رزق دادیم ای شما را خرج کنید و بدن را ساخته ایم برای شما

هداكم وكثير المحسنين ان الله يدفع عن الذين امنوا

راهد نمود شما را و بشارت دهد بیکای شما را دفع می کند از شما

و اینها را که از آن رزق دادیم ای شما را خرج کنید و بدن را ساخته ایم برای شما

ان الله لا يحب كل خوان كفوره اذن للذين يفتلون بانهم

ای خداوند دوست نمی دارد هر خوانی که ناسپاس را هدایت کند و اینها را که از آن رزق دادیم ای شما را خرج کنید و بدن را ساخته ایم برای شما

و اینها را که از آن رزق دادیم ای شما را خرج کنید و بدن را ساخته ایم برای شما

طلبوا وان الله على نصرهم لقدير الذين اخرجوا من ديارهم

می کنند و اینها را که از آن رزق دادیم ای شما را خرج کنید و بدن را ساخته ایم برای شما

و اینها را که از آن رزق دادیم ای شما را خرج کنید و بدن را ساخته ایم برای شما

بغير حق الا ان يقولوا ربنا الله ولو ادفع الله للناس بعضهم بعضا

بغیر حق الا ان بگویدند ای خداوند اگر تو دانی که خدا را بدست بعضی

و اینها را که از آن رزق دادیم ای شما را خرج کنید و بدن را ساخته ایم برای شما

لهدمت صوامع وبيع وصوت واسبغ يدك كرفيها اسم الله كثير

و اینها را که از آن رزق دادیم ای شما را خرج کنید و بدن را ساخته ایم برای شما

و اینها را که از آن رزق دادیم ای شما را خرج کنید و بدن را ساخته ایم برای شما

ولينصرن الله من ينصره ان الله لقوي عزيز الذين ان

و اینها را که از آن رزق دادیم ای شما را خرج کنید و بدن را ساخته ایم برای شما

و اینها را که از آن رزق دادیم ای شما را خرج کنید و بدن را ساخته ایم برای شما

مكتهم في الارض اقاموا الصلوة واتوا الزكوة وامروا بالعرفه

و اینها را که از آن رزق دادیم ای شما را خرج کنید و بدن را ساخته ایم برای شما

و اینها را که از آن رزق دادیم ای شما را خرج کنید و بدن را ساخته ایم برای شما

و اینها را که از آن رزق دادیم ای شما را خرج کنید و بدن را ساخته ایم برای شما

و اینها را که از آن رزق دادیم ای شما را خرج کنید و بدن را ساخته ایم برای شما

و اینها را که از آن رزق دادیم ای شما را خرج کنید و بدن را ساخته ایم برای شما

و اینها را که از آن رزق دادیم ای شما را خرج کنید و بدن را ساخته ایم برای شما

و اینها را که از آن رزق دادیم ای شما را خرج کنید و بدن را ساخته ایم برای شما

و اینها را که از آن رزق دادیم ای شما را خرج کنید و بدن را ساخته ایم برای شما

و اینها را که از آن رزق دادیم ای شما را خرج کنید و بدن را ساخته ایم برای شما

و اینها را که از آن رزق دادیم ای شما را خرج کنید و بدن را ساخته ایم برای شما

و اینها را که از آن رزق دادیم ای شما را خرج کنید و بدن را ساخته ایم برای شما

و اینها را که از آن رزق دادیم ای شما را خرج کنید و بدن را ساخته ایم برای شما

و اینها را که از آن رزق دادیم ای شما را خرج کنید و بدن را ساخته ایم برای شما

و اینها را که از آن رزق دادیم ای شما را خرج کنید و بدن را ساخته ایم برای شما

و اینها را که از آن رزق دادیم ای شما را خرج کنید و بدن را ساخته ایم برای شما



فَبَاهِمَ فَوْقَ رُوحٍ وَعَادُ وَتَوَدُّ ۝ وَقَوْ مُرَابِرَاهِيمَ وَقَوْ مُرَابِرَاهِيمَ

پیش از ایشان قوم لوح و عاد و تود و قوم ابراهیم و قوم ابراهیم

أَصْحَابُ مَدْيَنَ وَكَانَ بَ مُوسَى فَأَمَلْتُ لِلْكَافِرِينَ ثُمَّ أَخَذْتُهُمْ

و دروغی که دروغ می بود پس مملکت دادیم این کافران را و مملکتی که دروغ می بود پس مملکت دادیم این کافران را

فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ ۝ فَكَانَ مِنْ قَرِيبٍ أَهْلُ كَنْهَاءَ وَهِيَ ظَالِمَةٌ فَمِنْ

پس چگونه بود عقوبت من پس با و پیوسته که بلال را قطع آنرا و پس چگونه بود عقوبت من پس با و پیوسته که بلال را قطع آنرا

خَاوِيَةً عَلَى عُرُوشِهِمْ أَوْ يَنْتَظِرُ مَعْظِلَةٍ ۝ وَقَصْرٍ مُشِيدٍ ۝ أَفَلَمْ يَسِيرُوا

از دره است بر سقفهای خود و بسیار جاه بسیار مانده و بسیار مملکتی که دروغ می بود پس مملکت دادیم این کافران را

فِي الْأَرْضِ فَتَكُونُ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ

در زمین تا بود ایشان را و دلها که گویند کنند با و گوشتها که گویند کنند با و گوشتها که گویند کنند با

بِهَا فَأَنهَآ لَتَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ ۝

در سینه حال نیست که نا بینا می شوند با و لیکن نا بینا می شوند با و لیکن نا بینا می شوند با

وَلَسْتَ بِخَالِكِ بِالْعَنَابِ ۝ وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ ۝ وَإِنْ يَوْمًا عِنْدَ

در روزی که نیست از تو و عذاب را و هرگز خلاف نمی کند خدا و وعده خود را و هرگز خلاف نمی کند خدا و وعده خود را

رَبِّكَ كَأَن لَّكَ يَمِينٌ قِيَامًا عِنْدَ ۝ وَكَانَ مِنْ قَرِيبٍ أَهْلُ كَنْهَاءَ

پس تو را در روز قیامت است از آنچه می شمارد و دلها که گویند کنند با و گوشتها که گویند کنند با

هِيَ ظَالِمَةٌ ثُمَّ أَخَذْتُهَا وَالِىَ الصَّيْرِ ۝ فَلَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا

اینست که دروغ می بود پس مملکت دادیم این کافران را و مملکتی که دروغ می بود پس مملکت دادیم این کافران را

أَنَّا كُنَّا نَذِيرُ مُبِينٍ ۝ فَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ

پس آنانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند ایشان را مغفرت است از گناهانشان

وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ۝ وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي آيَاتِنَا مُجْرِمِينَ ۝ أُولَئِكَ أَصْحَابُ

و رزق نیک و آنانی که سعی کردند در آیات ما مجرمین و آنانی که سعی کردند در آیات ما مجرمین

الْمُجْرِمِينَ ۝ وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَنَّى

در روزی که فرستادیم پیش از تو و هیچ فرستاده و نبی را و هیچ فرستاده و نبی را

الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ فَيَمْنَسُهُ اللَّهُ مَا يَلْقَى الشَّيْطَانُ ثُمَّ يَجْعَلُ اللَّهُ آيَةً

شیطان چیزی را در آرزوی او پس از آنکه شیطان را می بیند و شیطان را می بیند و شیطان را می بیند

وَأَن يَكُونَ آيَةً ۝ وَكَانَ مِنْ قَرِيبٍ أَهْلُ كَنْهَاءَ

و آنانی که سعی کردند در آیات ما مجرمین و آنانی که سعی کردند در آیات ما مجرمین

صل یعنی اگر خدا را  
نیز سال هر یک روز  
تا آنکه در میان  
عزیزت بگذرانید  
معامله که جز او کسی  
نمیداند ۱۲  
تفسیر همان  
صل و اگر بگویم دیده  
بدل خود نشوند این  
دین یا عیبی نیست  
است و یا اگر چشم های  
ظاهر آنها با ناست  
لیکن چشم های باطنی  
شان نوراست و در  
حقیقت کوری و در  
نا بینا می شوند و در  
تراست و اینها در  
عین مذهب در  
وقت همین بقیه اند  
می شود پس از راه آنرا  
و مملکتی که دروغ می بود  
خواستن به بوده است  
در سالها  
برابر یک روز آن  
است و در آنچه امر  
موجب و قیامت و نشت  
اوست بعد از خلق  
۱۲ هزار سال نیز در حق  
۱۰ قیامت و اخیری  
بوده جای که فرستاده  
۱۳ تواند و یا مطلب  
این است که کار خود  
سال را او قیامت در  
یک روز انجام میدهد  
مگر عمل که مطابق  
حکمت و معصیت  
اوست و اگر میکند  
عقب مملکت کسی  
در آن تاثیر ندارد  
و اینست که هر که  
و عده عذاب اخروی  
حقا می شود یعنی  
قیامت می آید و این  
سزای کامل و او می  
شود و بعد از آن  
قیامت و ایمان نمود

این یک روز می باشد و در آن برابر هزار سال است پس بر آن طلب بجزای و معصیت ترا تحویل می نماید ۱۲







هُوَ الْبَاطِلُ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ۚ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ

مَاءً فَسَوَّيْنَا بِهِ الْأَرْضَ وَبِهَا نَاسٌ لَّا يَرْجُونَ الْآخِرَةَ ۚ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ

مَاءً فَسَوَّيْنَا بِهِ الْأَرْضَ وَبِهَا نَاسٌ لَّا يَرْجُونَ الْآخِرَةَ ۚ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ

مَاءً فَسَوَّيْنَا بِهِ الْأَرْضَ وَبِهَا نَاسٌ لَّا يَرْجُونَ الْآخِرَةَ ۚ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ

مَاءً فَسَوَّيْنَا بِهِ الْأَرْضَ وَبِهَا نَاسٌ لَّا يَرْجُونَ الْآخِرَةَ ۚ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ

مَاءً فَسَوَّيْنَا بِهِ الْأَرْضَ وَبِهَا نَاسٌ لَّا يَرْجُونَ الْآخِرَةَ ۚ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ

مَاءً فَسَوَّيْنَا بِهِ الْأَرْضَ وَبِهَا نَاسٌ لَّا يَرْجُونَ الْآخِرَةَ ۚ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ

مَاءً فَسَوَّيْنَا بِهِ الْأَرْضَ وَبِهَا نَاسٌ لَّا يَرْجُونَ الْآخِرَةَ ۚ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ

مَاءً فَسَوَّيْنَا بِهِ الْأَرْضَ وَبِهَا نَاسٌ لَّا يَرْجُونَ الْآخِرَةَ ۚ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ

مَاءً فَسَوَّيْنَا بِهِ الْأَرْضَ وَبِهَا نَاسٌ لَّا يَرْجُونَ الْآخِرَةَ ۚ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ

مَاءً فَسَوَّيْنَا بِهِ الْأَرْضَ وَبِهَا نَاسٌ لَّا يَرْجُونَ الْآخِرَةَ ۚ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ

مَاءً فَسَوَّيْنَا بِهِ الْأَرْضَ وَبِهَا نَاسٌ لَّا يَرْجُونَ الْآخِرَةَ ۚ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ

مَاءً فَسَوَّيْنَا بِهِ الْأَرْضَ وَبِهَا نَاسٌ لَّا يَرْجُونَ الْآخِرَةَ ۚ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ

مَاءً فَسَوَّيْنَا بِهِ الْأَرْضَ وَبِهَا نَاسٌ لَّا يَرْجُونَ الْآخِرَةَ ۚ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ

مَاءً فَسَوَّيْنَا بِهِ الْأَرْضَ وَبِهَا نَاسٌ لَّا يَرْجُونَ الْآخِرَةَ ۚ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ

مَاءً فَسَوَّيْنَا بِهِ الْأَرْضَ وَبِهَا نَاسٌ لَّا يَرْجُونَ الْآخِرَةَ ۚ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ

مَاءً فَسَوَّيْنَا بِهِ الْأَرْضَ وَبِهَا نَاسٌ لَّا يَرْجُونَ الْآخِرَةَ ۚ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ

مَاءً فَسَوَّيْنَا بِهِ الْأَرْضَ وَبِهَا نَاسٌ لَّا يَرْجُونَ الْآخِرَةَ ۚ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ

مَاءً فَسَوَّيْنَا بِهِ الْأَرْضَ وَبِهَا نَاسٌ لَّا يَرْجُونَ الْآخِرَةَ ۚ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ

مَاءً فَسَوَّيْنَا بِهِ الْأَرْضَ وَبِهَا نَاسٌ لَّا يَرْجُونَ الْآخِرَةَ ۚ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ

مَاءً فَسَوَّيْنَا بِهِ الْأَرْضَ وَبِهَا نَاسٌ لَّا يَرْجُونَ الْآخِرَةَ ۚ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ

مَاءً فَسَوَّيْنَا بِهِ الْأَرْضَ وَبِهَا نَاسٌ لَّا يَرْجُونَ الْآخِرَةَ ۚ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ

مَاءً فَسَوَّيْنَا بِهِ الْأَرْضَ وَبِهَا نَاسٌ لَّا يَرْجُونَ الْآخِرَةَ ۚ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ

مَاءً فَسَوَّيْنَا بِهِ الْأَرْضَ وَبِهَا نَاسٌ لَّا يَرْجُونَ الْآخِرَةَ ۚ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ

فل منزم گوید بدین  
آیت اشاره است  
بآنکه اختلافی مبین  
سبب اختلاف  
عصود است و همه  
مشارع حق صحت و  
زبان خود معلوم است  
پس نواح در حقیقت  
آنهاست باید کرد  
تفسیر غنائی بچند  
چنانکه به نیت عمر  
را شروع کردند لیکن  
درین راه مجبورند  
که احرام را بشکنند  
در سال دوم توبه  
صورت گرفت و باید  
بر حضرت و عده غلبه  
بکافران داد و در وقت  
نمودند که جنگ علیه  
این و دهه علی خواهد  
باشد و در وقت وقوع  
نبرد سرتیبه بگریختند  
باز آنکه سید را بدیدم  
یاد دهه بقدیم  
موسم لغات موجود  
نیست آری در خیال  
و اجتماع خود بفرق  
مکن نسبت بنی مکه  
حتی التورع را با آنها  
متحی خودی آیم  
بر کدام را جدا گانه  
اشاهی ننود و درین  
صورت نسبت سالقا  
به شیطان چنانکه موا  
ان فی الا شیطان  
ان اذکره «نسبت  
لعمدانی» به او شده  
است و اینچنین  
این افتلا بات  
عظیم است که را بدین  
الذکر که گفته اند در  
حقیقت موجود حقیقی  
همان خدای بیچاره است  
که غریبی همه را صحت  
باید همه این ذات را  
خدا بخوانند و معبود

فذل للناس



دل یعنی مایه و سر  
 و بی یعنی در کتب است  
 تفسیر عثمانی  
 ع چون ابراهیم  
 علیه السلام علی  
 از اجداد است  
 علی الله علیه السلام است  
 از اجداد است گفتند  
 خدا یا مرد این است  
 که پدر عرب است زیرا  
 اولین مخاطب قرآن  
 ایشان اند ع  
 شد انبیا سبب  
 انتخاب بود تا غلام  
 دیگر را تسلیم نمایند  
 شمار رسول تعظیم و مدد  
 این است باین فرض  
 از دیگران متافرد  
 تا غلبه ی ای ام ساقه  
 را اصلاح نماید و آن  
 را برادر راست بپارند  
 گو یا اعطای عهد و وفات  
 باین است از بی سبب  
 است که برای دنیا  
 معلوم گردد و چه تعلیمی  
 کند از تعلیم مفسرین  
 دیگر و شهید و  
 بر شهادت را  
 یعنی در کتب  
 گرفت از این  
 در دنیا است  
 ام دیگر انکار کنند  
 که پیغمبر با تبلیغ  
 شکوه اند از پیغمبر  
 گوای خواسته شود  
 ایشان است محمد  
 را الهی گوای پیش  
 خوانند که این است  
 گوای خواهند داد که  
 لا شک و بی سبب این  
 دعوت و تبلیغ نموده  
 بحق خدا ابرار  
 مردم هم گوید  
 چون از ایشان  
 سواد شود که شایسته  
 و انجید چوب و هند که  
 بیچاره را در دهر و در

قُلْ أَفَأَنْتُمْ تُشْرِكُونَ بِاللَّهِ ذِكْرُ النَّارِ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَلَوْ  
 بگو ای کفار چه شهادت از این آن در دوزخ است و وعده داده است خدا آن را بکاران  
 بگو ای کفار چه شهادت از این آن در دوزخ است و وعده داده است خدا آن را بکاران  
**بِئْسَ النَّصِيرُ ۝ يَأَيُّهَا النَّاسُ خُذُوا حُزْبًا مِمَّنْ لَكُمْ شُرَكَاءُ الَّذِينَ**  
 دس بد حاجت ای مردان بد آرد و مدد است از پس بخوبی آن را هر آینه  
 بد درج است آن ای مردان میان مکره علی پس بدست بد آنرا (برهان)  
**الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا وَلَا يُجْمَعُونَ لَهُ وَلَا**  
 آنکه بخوانند بخدا نه فراموش آنکه را که می پرستید بخدا نه فراموش آنکه را که می پرستید  
**أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الدَّابُّ شَيْءًا لَّيْسَتْ لَهُمْ دَابُّهُمْ وَلَا لَهُمْ بِهِ قُوَّةٌ وَلَا يَتْلُو**  
 برآید از دست ایشان پس چیزی را که از آن آید از آن آید از آن آید از آن آید  
**مِنْ دُونِ اللَّهِ حَقٌّ قَدَرٌ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ ۝ اللَّهُ يَصْطَلِفُ مِنْ**  
 قلم مکره خدا را حق قلم او (برهان) خدا را قلم او (برهان) خدا را قلم او (برهان)  
**الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَمِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ ۝ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ**  
 فرشتگان و از مردان (برهان) خدا را قلم او (برهان) خدا را قلم او (برهان)  
**أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَرَأَى اللَّهُ رُجْعَ الْأُمُورِ ۝ يَأَيُّهَا الَّذِينَ**  
 روی ایشان است و آنچه پس پشت ایشان است و بوی خدا را ندانند و آنچه پس  
**أَمْوَالَكُمْ أَوْ أَنْجِدُوا أَوْ أَعْمِدُوا أَوْ كَلِمَةً أَوْ فَعَلُوا الْخَيْرَ لَكُمْ**  
 مسلمان رزق کنید و سجد بجا آرید و عبادت نماید پروردگار خود را و بکنند کار نیکی  
**تَقْلِحُونَ ۝ وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ قُلُوبًا مِمَّا رَزَقَكُمْ اللَّهُ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَهُوَ**  
 اگر ستار شود و جهاد کنید در راه خدا حق جهاد است که بران خدا یا شده و بر کتب شهادت  
**جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ عَزْجِ مَلَأَةِ أَيْدِيكُمْ أَيْدِيهِمْ هُوَ**  
 راحت بر شما در دین بکنید (برهان) خدا را قلم او (برهان) خدا را قلم او (برهان)  
**سَمِعَ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلِ وَفِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ مِنْكُمْ**  
 نام نهاد شهادت مسلمان پیش ازین و در قرآن نیز (برهان) خدا را قلم او (برهان) خدا را قلم او (برهان)  
**عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ**  
 بر شما و بکنید شهادت بر مردان پس برآید نماز را و بدهید زکوة را و  
**اعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ ۝**  
 چنگ زنید بگو اوست خداوند شما پس چنگ خداوند است و چنگ مددگار است  
 اعتماد کنید بر الله اوست الله پس است انگ است و چنگ مددگار است

بیلجا و شهادت در صحافت آنکه بگویند خدا را و آن کیم از پیغمبر و این فضل و شرف همان این است داده خدا که در کتب ای پیغمبر و در کتب ای پیغمبر و در کتب ای پیغمبر











الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ۝ وَقُلْ رَبِّ ارْزُقْنِي مَزَلًا مَبْرُكًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنَازِلِينَ ۝ إِنَّ

سنگ را در آن و بجوای پیر و در گذشتن خود را در منزل مبارک و گوهرترین خود را در گنجی بهر آینه درین

فِي ذَلِكَ آيَاتٍ وَإِنْ كُنَّا لَلْبَتِلِينَ ۝ ثُمَّ أَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ ۝

در آن آیتها و اگر ما را بیهوده گندگان باز میفرماییم بعد ایشان قریب دیگران

فَأَرْسَلْنَا فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهِ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ ۝

پس فرستادیم در میان ایشان را از ایشان را بپندارید خدا را که عبادت خدا کنید نیست شما را هیچ معبود جز او نیست آیا شما را

وَقَالَ الْمَلَأَمِنْ قَوْمِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاللَّهُ يَوْمَهُمْ فِي

و گفت سرور ایشان از قوم او آنان که کافر شدند و کذب کردند بر آیات ما و خداوند روز ایشان را

الْحَيَاةِ الدُّنْيَا مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ لَا يَأْكُلُ مِمَّا تَأْكُلُونَ مِنْهُ وَيَشْرَبُ مِمَّا

زندگانی دنیا نیست این شخص مگر آدمی مانند شما و از آنچه میخورید و آشامید از آنچه شما

يَشْرَبُونَ ۝ وَلَئِنْ أَطَعْتُم بَشَرًا مِّثْلَكُمْ إِنَّكُمْ إِذْ الْخَيْرُونَ ۝ يَبْعُدُكُمْ

میفرستد و اگر فرمان بدهد آدمی را مانند شما و اگر شما اطاعت کنید او را از بدیها دور است و دور است

إِنَّكُمْ إِذَا مِتُّمْ وَكُنْتُمْ تُرَابًا وَعِظَامًا إِنَّكُمْ مَخْرُجُونَ ۝ هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ

راست دور شوید و گوید غایب و دور است چندان دور است و دور است و دور است

لِمَا تُوْعَدُونَ ۝ إِنَّ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَحَيَاتُنَا مَبْعُوثِينَ ۝

آنچه وعده داده میشود و دنیا را نیست زندگانی الا زندگانی این جهان است و میمیریم و میزنده می شویم و میمیریم و میزنده می شویم

إِنَّ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كِبَارًا مَا نَحْنُ لَهُ بِمُؤْمِنِينَ ۝ قَالَ رَبِّ

اینست این شخص مگر مردی است که افترا کرده بر خدا و بزرگوار است بر خدا و بزرگوار است بر خدا

النَّصْرَ لِي بِمَا كَذَّبْتُ ۝ قَالَ عَمَّا قَلِيلٍ لِّيُصْبِحُنَّ نَدِيمِينَ ۝ فَاتَّخَذْتُهُمْ

فرستادم و مرا یار و یار شد و گفت باندگاری من و من را یار و یار شد پس گرفت ایشان را

الْقَبِيلَ بِنَاحِيٍّ فَبَعَثْنَا فِيهِمُ عَمَلًا فَبَعَثْنَا فِيهِمُ الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ۝ ثُمَّ أَنْشَأْنَا مِنْ

و بفرستادم در میان ایشان را و بفرستادم در میان ایشان را و بفرستادم در میان ایشان را

بَعْدَهُمْ قَرْنًا آخَرِينَ ۝ مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسْتَأْخِرُونَ ۝

بعد از ایشان قریبهاست و دیگران سبقت نمیدهند هیچ گروهی از میعاد خود و نه پس میمانند

ثُمَّ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا تَتْرًا أَمْ يَكُنَّ أَجَاءً أَمْ يَسْتَعْجِلُونَ ۝ بَشَرًا مِّثْلُكُمْ أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ ۝

پس فرستادیم رسولان را تترهاست یا میسرانند یا میسرانند یا میسرانند یا میسرانند

تفسیر عثمانی

عده که در آنجا

در میان مردم و در میان

از میان مردم و از میان

از میان مردم و از میان

از میان مردم و از میان

از میان مردم و از میان

از میان مردم و از میان

از میان مردم و از میان

از میان مردم و از میان

از میان مردم و از میان

از میان مردم و از میان

از میان مردم و از میان

از میان مردم و از میان

از میان مردم و از میان

از میان مردم و از میان

از میان مردم و از میان

از میان مردم و از میان

از میان مردم و از میان

از میان مردم و از میان

از میان مردم و از میان

از میان مردم و از میان

از میان مردم و از میان



طاعتی بقیعت نیست  
بلکه در مع است  
تفسیر عثمان  
عنه شاید این بیان  
بقتی با زمین بلند باشد  
که در وقت و فتح حق  
حضرت مریم در آنجا  
قربین داشت خواجه  
آیات سه مرتبه - فناء  
من تمامان و عذقی  
قد جمل یک تنگ سزا  
و نیز یکی چندی  
الفتح فقط علیه  
رطباً جنياً و دامت  
ی که کان تبه بلند  
بود - و در این بیان  
چند و بیای چنان  
است و در وقت  
فرانز یک بود  
کذا فرعون یخوسه  
لیکن یفرجین فرعون  
بنو لند کین داف  
از طفولیت حضرت  
میست - یک  
باعتاد کلام بنام سید  
و نفس از جنین  
مشهد که حضرت علی  
پیر و در سر سفرای  
ناش خواهد شد لهذا  
از این طوفان باد  
دشمن شده و سه  
قتلش بود - حضرت  
مریم از اهل باطن  
او اگر نه مهر  
رخت و عهد از مرگ  
کلام کور بر شام  
مراحت کرد خواجه  
دره ابله حق چنان  
دانه ذکر شده و غنچه  
مهر - اعتبار و در  
نیل است و در  
عزقی می شد و مراد از  
ساده چین - و در دل  
است - صغی در سربو  
جای اهل شام  
نظمین رعد و غر  
از دیب چید نیست که

بعضاً وجعلناهم آحادیث فبعث القوم لا یؤمنون ۱۲ ثم ارسلنا موسیٰ  
عقب بعضی دور ملک او گردانیدیم ایشان را پس دوری با و گردیدی را که ایمان نمی آورند  
و اخاه هرون هابیثا و سلطان مبین ۱۳ الی فرعون فاستلوا  
و برادر او هارون را با شتابی غریب و با دلیل ظاهر  
و برادرش هارون را با نشان با حق خود حق روشن  
و کاتوا فاما الین ۱۴ فقالوا الی من لبشرین مثلنا و قومهم مثلنا  
و بودند کرده تکرار کنند پس گفتند آیا ایمان آریم بعد از این ما نیز خدایان و قوم ایشان را  
و بودند گردی سر تسل پس گفتند آیا ایمان آریم بعد از این ما نیز خدایان و قوم ایشان را  
عبدون ۱۵ فکذبوا هم کافران من الیه لکین ۱۶ ولقد اتینا موسیٰ  
خدمت کنند گانند پس دروغ گفتند ایشان را پس شدند از ملک کرده شدگان و در آئینه دادیم موسی را  
الکتب لعلهم یتدرون ۱۷ وجعلنا ابن مریم و امة ایه و اتهم الی ربوة  
کتاب بود که ایشان را عطا کردیم و گردانیدیم بر سر ریم و دایره شد ایشان را جای دادیم ایشان را یک بلایه (نعم لیس)  
ذات قراری و معین ۱۸ یا ایها الرسل کلوا من الطیبات و اعلموا اصالحکم  
خداوند استقامت دادند آن رسل را و تقسیم است ایشان را خوردن از اطعمه پاکیزه و بخند کار خیر  
الی بما تعملون علیهم ۱۹ وان هذه امة واحدة واحدة و اکامر بکم  
هر آنچه من بخواهم بکنم و انهم و در آئینه انداخت ملت شما ملت ایشان و در هر کار شما  
فانفقون ۲۰ فمطعوا امرهم بینهم زبیرا کل حزب بما لدیه فرعون ۲۱  
پس بر سرید از من پس متفرق ساختند ایشان را هر چه در میان خویش پاره پاره بر سرید و با یک نزدیک است خداوند است  
قد رهقونی عنهم حتی جین ۲۲ ان یحسبون اننا لنمد لهم من مال و  
پس گدازیم ایشان را و در غفلت ایشان تامل کنی که آید ندارند که آنچه امدی بخواه ایشان را آن زمان و  
بنین ۲۳ نسا ربهم فی الخیر بل لا یشفعون ۲۴ ان الذین هم  
از زندان سستی در شکیبایی بای کیم براسه ایشان بطلب می دانند و هر آینه آنان که ایشان  
من خشية ربهم یشفعون ۲۵ والذین هم یأیت ربهم یؤمنون ۲۶  
از ترس پروردگار خویش شکر می دانند و آنان که ایشان را یات پروردگار خویش ایمان می آورند  
والذین هم یؤمنون ۲۷ والذین یؤمنون ما اتوا و قلوبهم  
و آنانکه ایشان را پروردگار خویش شکر می دانند و آنانکه می بینند و دل ایشان  
وجه الیه الی ربهم رجعون ۲۸ اولئک یسارعون فی الخیرات و  
ترسانند و سبب آنکه ایشان بسوی پروردگار خویش باز خواهند گشت این چنان سستی کنند در شکیبایی  
ترسان است لیسبب آنکه ایشان بسوی رب خویش رجوع کنند کان اندک است شتابند در شکیبایی

از دیب چید نیست که جهات چند که حضرت مریم و ده قن و فتح حق داشت و در وقت بر خطره بود همان جا پناه می برد - و الله اعلم -



لَهَا سَبِقُونَ ۝ وَلَا تَكِفْ نَفْسًا إِلَّا أَوْسَعَهَا ذَوَّلَدَيْنَا كَيْبَ يَنْطِقُ

ایران در آن سبقت کند و از آن و تکلیف میزدیم و میخواستیم که هر کس را میخواستیم طاقت او و نزدیکی داشت بهیست که سخن میگوید  
این را بگویند آن سبقت کند و از آن و تکلیف میزدیم و میخواستیم که هر کس را میخواستیم طاقت او و نزدیکی داشت بهیست که سخن میگوید

بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ ﴿١٧﴾ بَلْ قُلُوبُهُمْ مُّغْمَضَةٌ عَنْ هَذَا وَهُمْ أَعْمَالٌ

برای کسی که در این کتاب اسم کرده خود  
بلکه من اسم این کتاب  
برای کسی که در این کتاب اسم کرده خود  
بلکه من اسم این کتاب

مَنْ دُونَ ذَلِكَ هُمْ لَهَا عِزْلُونَ ﴿١٣﴾ حَتَّى إِذَا اخَذْنَا مِنْهُم بِالْعِزَابِ

پہاڑیں اعلیٰ نیو، گر ایشد آخرا کفند کا منند  
تاچوں بجیکم آسودہ گھن ایشا ترا

ادهم يحجرون ﴿١٣﴾ لا تحجزوا اليوم انتم منا لا تنصرون ﴿١٤﴾ قد كانت

در وقت الشان زیاد می کنند (کفر مشهور) زیاد کنید امروز (بهر آئینه) شما از انصاف داده نخواهید شد (بهر آئینه) بود

اِنِّیْ سَئِیْءٌ عَلَیْکُمْ وَلَیْسَ لَکُمْ اَعْقَابُیْکُمْ تَتْلُوْنَ ۝۱۶۱ مَسْتَدْرِیْنَ ۝۱۶۲

چنانچه من که خوانده می شود بر شایسته بودید که بر سینه های خود را می گردید (اعراض خود را) که گمان به آن

فَلَمْ يَدَّبَّرُوا الْقَوْلَ أَمْ جَاءَهُمْ مَا أَبَاءَ اللَّهُم

[illegible]

الاولين امة يعزوا رسولاهم وهم لم يملكون

نکست نشان (آریا) گشت خفته رسول خود را پس ایشان را کهر می کنند از این (آریا) می گویند باده

حَتَّىٰ يَأْتِيَ جَبَّارُهُم بِالْحَقِّ وَأَكْثَرُهُم لِلْحَقِّ كِرْهُونَ ۖ وَاللَّهُ نَبِذَ الْحَقَّ

۱۰۱) من است یکه آورده است پیش از این کتاب من راست را و بیشتر بن ایشان سخن راست را و عاقلانند و اگر پیروی کردند عاقلانی  
 ۱۰۲) من است یکه آورده است ز ایشان را سخن راست و اکثر ایشان سخن حق را ناپا خواهند و اگر پیروی کردند خدای حق

هَؤُلَاءِ هُمُ الْمُفْسِدُونَ السَّمُوتُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِمْ بَلْ أَتَيْنَهُمُ

وہاں سے ایشیائیوں نے اس خطہ کو سکند سے آساںجا زمین و ہرگز در میان ایشیائیوں سے جگہ آور دیم بدیشیوں

لَكَرَهُمْ عَنْ دُرِّهِمْ مَغْرُصُونَ ﴿٥١﴾ أَمْ تَسْأَلُهُمْ خُرَاجَ رِيكٍ

ایستاد این از بند خویش روگردانند گاه نیز آید ایچو ای از ایشان مزدی پس مزد پسر و دادگو  
دانش ترا پس آید از محبت خود روگردانند یا آید ایچو ای از ایشان مزدی پس مزدی رب کو

وَأَنذَرْتَهُمْ يَوْمَئِذٍ فَأَنبَأَهُم بِالْحَقِّ وَقَالُوا مُنْجِئُهُمُ الْمَسْكُونَةُ ۖ فَانقَلَبُوا خَائِبِينَ ﴿٢٧﴾

راست واد بختیروز دی وسه د کانت و چر آئینه قومی ایشانرا بسوسه راه راست  
راست واد بختیروز دی وسه د کانت و چر آئینه قومی ایشانرا بسوسه راه راست

۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱  
 ۴۷۲  
 ۴۷۳  
 ۴۷۴  
 ۴۷۵  
 ۴۷۶  
 ۴۷۷  
 ۴۷۸  
 ۴۷۹  
 ۴

را به یسوی خودگان اند و اگر چه میگویم بر ایشان و بر همه ایشان  
 از این راه بگذرند گاهند و اگر چه میگویم بر ایشان و بر همه ایشان

عَمَّ مِنْهُمْ لِكُلِّ شَيْءٍ فَطَعْنَاهُمْ بِعَبْرُونٍ ۝ وَلَقَدْ أَخَذْنَاهُم بِالْعَذَابِ

پادشاه از سوغی بر آینه دست می شدند در پیرای خود سرگشته شدند و هر آینه گرفتار کردیم الهی را بپنداد

عالم بر روی پای قرآن مجید و حقیقت فیکشور و نه حقیقت جاهلی است. آنها شکست می‌شد که به خیر این کلام ابراهیم است که در این علاج فیکشور امر را می‌آید به آنها

\_\_\_\_\_

[illegible]



عده به گوشه آیات  
تشریف آورده اند  
به چنان آیت تفسیر  
و اینها به حدیث  
در این باب است  
بر دو چیز تفسیر  
کنند سبب تفسیر  
ای مذکور این بود که  
قوت بانی خدا داد  
بکار این انداخته اند  
چنین نشانه می دهد  
در اکثر اوقات این  
قوت بار اوجها صرف  
نموده عده برای  
آن قدرت عظیم که در  
زنده مرد و زنده  
زنده پناهی روشنی  
و از روشنی تاریکی پیدا  
میکند چه اشکال دارد  
که شمار او باده زنده  
کند و از چشم پاره  
ای خلقت در جیل را  
در نماید که بعد از این  
حقایق اشیا که با او  
حق متکشف شود -  
چنانکه در قیامت چنین  
میشود فیهما انهم  
حدید و مس و سیمین  
سختی باز عقل و فهم  
نیست بلکه محض پر  
تقید کور و تاریکی  
جاری است و همان  
شک و دقت انوس را  
پیش میکنند که تفسیر  
آنها پیش میگردانند  
به جای که در خاک  
مخلوط شدیم و درین  
ریزه کشیم بطور  
زنده می شویم چنین  
سخنان دود از عقل  
که با گفته میشود بیا  
و اهدا و بهم گفته  
شده و لیکن با اهدا  
نمیگویم که در اوقات  
خاک درین بانی  
استخوانها آدم ساخت  
شده باشد این اشکاف

فَمَا اسْتَكَاؤُ الرِّهْمُ وَمَا يَنْصُرُ عَوْنٌ ۝۷ حَتَّىٰ إِذَا فُتِنَا عَلَيْهِمْ بِآبَاءِ  
پس این پیش میگردند به پدر و در خود او را می ترسانند و غفلت خویش مانند نادانیت که این ایم برایشان دست خدا داد  
پس فرود می خوردند به بر خود و زاری نمی گویند تا آنکه گوشت او را برایشان  
عَذَابِ شَدِيدٍ إِذْ أَهْمُ فِيهِ مُبْلِسُونَ ۝۸ وَهُوَ الَّذِي أَنشَأَكُمُ السَّمْعَ  
عذاب سخت تا گهاس ایشان در اینجا امید برند تا کنند وادست آنکه بیا فرید برائے شما شنوایی  
عذاب سخت تا گهاس ایشان در این بانی امید بخوند گاه  
وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ ۝۹ وَهُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي  
و دید با و دل با اندک شکر گذاری می کنند وادست آنکه پیدا کرد شمارا در  
و چشم با و دل با نهایت اندک شکر می کنند عده وادست آنکه آفریده بر آنگاه راحت شمارا داد  
الْأَرْضِ وَاللَّهُ يَخْشَرُونَ ۝۱۰ وَهُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ وَلَهُ اخْتِلَافُ  
زمین و بسوی او بر اینگونه خوابید شد وادست آنکه زنده میکند و می میراند و او را راست آمد و شد  
زمن و بسوی او جمع کرده میشود وادست آنکه زنده می گرد و می میراند و او را راست تبدیل  
الْبَلِّ وَالنَّهَارِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ۝۱۱ بَلْ قَالُوا امْثِلْ مَا قَالَ الْأَوَّلُونَ ۝۱۲  
شب و روز آیتانی بنمید وادست آنکه گفتند مانند آنچه گفتند بودند عده استیمنان  
شب و روز آیتانی بنمید وادست آنکه گفتند مانند آنچه گفتند بودند عده استیمنان  
قَالُوا إِنْ أَرَادَ امْتَنًا وَكَثُرَ آيَاتُ عِظَامًا أَمْ أَنَا لَنَبْقَىٰ ۝۱۳ لَقَدْ وُعِدْنَا نَحْنُ  
گفتند آیا چون میسر شد و شکم خاک و استخوانهای منم آید بر اینگونه خواهیم شد نهر آنگاه عده داده شد باین سخن را  
گفتند آیا چون میسر شد و شکم خاک و استخوانهای منم آید بر اینگونه خواهیم شد نهر آنگاه عده داده شد باین سخن را  
وَأَيُّ نَاهِذٍ مِنْ قَبْلُ إِنَّ هَٰذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ۝۱۴ قُلْ لَيْسَ  
و پادان ما پیش از این نیست این سخن از آسمانهاست بر اینهاست و پادان ما پیش از این نیست این سخن از آسمانهاست بر اینهاست  
و پادان ما پیش از این نیست این سخن از آسمانهاست بر اینهاست و پادان ما پیش از این نیست این سخن از آسمانهاست بر اینهاست  
الْأَرْضُ وَمَنْ فِيهَا إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۝۱۵ سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا  
زمین و آنچه در آنست بگویند اگر می دانند وادست آنکه گفت این همه خداست بگو آیتا  
زمین و آنچه در آنست اگر شما امید دارید در حال گویند اندر راست بگو آیتا  
تَذَكَّرُونَ ۝۱۶ قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ۝۱۷  
پند پذیر می شنید بگو نیست پروردگار آسمانهاست بهشتگاه و پروردگار عرش بزرگ  
پند نمی گیرید عده بگو نیست رب آسمان بانی بهشتگاه و رب عرش بزرگ  
سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ ۝۱۸ قُلْ مَنْ يَدِينُكُمْ مَلَكُوتُ كُلِّ  
خواهند گفت البته خدا را است بگو آیتا می رسید وادست آنکه گفت این همه خدا را است بگو آیتا  
در حال گویند این همه الله است بگو آیتا پس می ترسید بگو نیست که بدست او است سلطنت بر  
لَنَنْتَ وَهُوَ يُحْيِيهِمْ وَلَا يُخَارِعُهُ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۝۱۹ سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ  
چیز وادست آنکه میداد و درینها داده میشود بر خلاف او بگویند اگر می دانند وادست آنکه گفت البته خدا را است بگو  
بجز وادست که سجات می دهد و بجات داده می شود بر خلاف او اگر شما امید دارید در حال گویند ملکوت همه الله را است بگو  
فَأَنِّي تُسْخَرُونَ ۝۲۰ بَلْ أَنشَأْنَاهُمْ بِالْحَقِّ وَاللَّهُ لَكِنْ بَوْنٌ ۝۲۱ مَا أَنشَأَ  
پس از این که خراب داده می شود بلکه آمده ایم ایشان سخن راست را در آینه ایشان در دو رخ گویند هیچ فرزند  
پس از این که چون میگردند و میگویند از آسمانهاست بهشتگاه بلکه آمده ایم ایشان سخن راست را در آینه ایشان در دو رخ گویند هیچ فرزند  
اللَّهُ مِنْ وَلَدٍ وَمَا كَانَ مَعَهُ مِنَ الْإِلَٰهِ إِذْ هَبْ كُلُّ الْإِلَٰهِ نَسْخًا خَلَقَ  
خبر از است خدا و نیست همراه او هیچ خداست دیگر آن گاه بر دے هر خداست و چیزیکه آفریده بود  
مخبر است الله هیچ فرزندی نیست با او و شریک را و نیست هیچ معبودی که آنگاه هر آینه ای بر د بر معبود چیزیکه آفریده است  
مخبر است الله هیچ فرزندی نیست با او و شریک را و نیست هیچ معبودی که آنگاه هر آینه ای بر د بر معبود چیزیکه آفریده است



وَلَا يَعْظُمُ عَلَيْهِمْ عَلَى بَعْضِ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ ۝ عَلِيمُ الْغُيُوبِ ۝

وَلَا يَعْظُمُ عَلَيْهِمْ عَلَى بَعْضِ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ ۝ عَلِيمُ الْغُيُوبِ ۝

الشَّهَادَةُ فَذَلِكُمْ عَلَيْكُمْ كُنُوزٌ ۝ قُلْ رَبِّ أَمَّا تُبَيِّنُ مَا يُوْعَدُونَ ۝

رَبِّ فَلَا تَجْعَلْنِي فِي الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ۝ وَإِنَّا عَلَى أَنْ تُرِيكَ مَا

نَعْلَمُ لَهُمْ لَقَدِيرُونَ ۝ إِذْ فَعَّمَا تَبَيَّنَ هِيَ أَحْسَنُ السَّيِّئَاتِ مَا نَحْنُ بِأَعْلَمُ

بِمَا يَصِفُونَ ۝ وَقُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ ۝ وَ

أَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونَ ۝ حَتَّى إِذَا أَجَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ

رَبِّ ارْجِعُونِ ۝ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ

قَالَهَا وَمَنْ ذُرِّيَّتُهُ لَبِثَ فِي السَّجْدِ ۝ وَإِذَا نَفَخَ فِي الصُّورِ

فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ ۝ وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ

فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۝ وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ

خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ ۝ تَلْفَحُ وَجوهُهُمُ النَّارَ وَهُمْ

فِيهَا كَالْحُوتِ ۝ أَلَمْ تَكُنْ أَنْتَ تَشَاءُ عَلَيْهِمْ فَلَنَتُوبَ إِلَيْكَ ۝ قَالُوا

رَبَّنَا عَلِمَتْ عَلَيْكَ أَسْفَوْنَا وَكُنَّا قَوْمًا ضَالِّينَ ۝ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا

وَمَا تَجْزِيهِمْ مِنْهَا شَيْءٌ وَلَهُمْ فِيهَا مِهَنٌ شَدِيدٌ ۝ وَإِذَا نَفَخَ فِي الصُّورِ

فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ ۝ وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ

فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۝ وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ

خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ ۝ تَلْفَحُ وَجوهُهُمُ النَّارَ وَهُمْ

فِيهَا كَالْحُوتِ ۝ أَلَمْ تَكُنْ أَنْتَ تَشَاءُ عَلَيْهِمْ فَلَنَتُوبَ إِلَيْكَ ۝ قَالُوا

رَبَّنَا عَلِمَتْ عَلَيْكَ أَسْفَوْنَا وَكُنَّا قَوْمًا ضَالِّينَ ۝ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا

وَمَا تَجْزِيهِمْ مِنْهَا شَيْءٌ وَلَهُمْ فِيهَا مِهَنٌ شَدِيدٌ ۝ وَإِذَا نَفَخَ فِي الصُّورِ

فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ ۝ وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ

فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۝ وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ

خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ ۝ تَلْفَحُ وَجوهُهُمُ النَّارَ وَهُمْ

فِيهَا كَالْحُوتِ ۝ أَلَمْ تَكُنْ أَنْتَ تَشَاءُ عَلَيْهِمْ فَلَنَتُوبَ إِلَيْكَ ۝ قَالُوا

رَبَّنَا عَلِمَتْ عَلَيْكَ أَسْفَوْنَا وَكُنَّا قَوْمًا ضَالِّينَ ۝ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا

وَمَا تَجْزِيهِمْ مِنْهَا شَيْءٌ وَلَهُمْ فِيهَا مِهَنٌ شَدِيدٌ ۝ وَإِذَا نَفَخَ فِي الصُّورِ

فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ ۝ وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ

فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۝ وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ

عالم الغیوب و  
آسمان و مقعر و  
بروز و تنها خداوند  
قلمی است نادر  
مفردت به پسر  
دارد و در اختیار  
هر کدام ملک و نذر  
مکرم و سلطنت  
او کسی می تواند شریک  
شود و نه جز او کسی  
بیک ذره اختیار مستقل  
دارد و اگر چنانچه بودی  
هر حاکم اختیار  
رحمت خود را گرفته  
علیه می نشاند و بعین  
خود را فرام آورده  
بره یگری بجز او بود  
و این نظم حکم و  
حیر العقول عالم برهم  
و متقلب میگردد  
برای ترغیب و سلب  
تفسیر آیات و کلامها  
آیه الله العظمی  
زاد و سرور انبیا  
مطالع کنید علی  
چون در باب آخر  
چنین گشای را  
مرتب میشوند بقی  
یک هذب شدیدی  
میشود و باین راه  
مومن به ایت داده  
مندی که از هذب الله  
ترسیده چنین دعا  
کند که هرگاه بر  
ظالمین هذب بانی  
شود الهی مرا با آنها شل  
نمادی چنانکه در  
حدیث است و اولی  
اروت بقوم فتنه  
فتون فی غیبتون  
مطلب نیست که  
خداوند ابا مادر را  
ایمان و احسان مستقیم  
و ثواب تمام بداند که  
از تفسیر میسر نزد  
که البیاض باشد امام  
نموده و در حقیقت

در بیان این شریف و در بیان طاعت می توان کرد



فَإِنْ عُدْنَا فَنَاطِلِمْهُمْ ۝ قَالَ اخْسِئُوا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُون ۝ إِنَّكَ كَانَ

در دنیا بحضور پ  
 خود ما واسـت  
 خاکروندش است  
 استیزار میگرد  
 به استغفر خدای  
 آنها افتد رشخ  
 بودید کس هم زیاد  
 شاد فخر گویا  
 تعویذ میگوید  
 برین حرکات شاد  
 احوالی ناید و  
 شرات استان  
 مدد و سلام

فَرَّقَ مِنْ عِبَادِي يَقُولُ رَبَّنَا اَمَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَاَنْتَ خَيْرُ

مردی از ہندوستان کہ حقیقتاً اسے پروردگار مایمان آوردیم پس پیاوندارادہ بخشائیے بر او تو بہترین  
کردی از ہندوستان کہ حقیقتاً اسے پروردگار مایمان آوردیم پس پیاوندارادہ بخشائیے بر او تو بہترین

الرَّحِيمِينَ ۝ فَاشْرَحْ لَهُمْ سُبُحَانَكَ حَتَّىٰ تَسْكُوَ كُرْسِيَّ وَكُنْتَ مُنَادِيًا

پس سفره کریمه ایست که را اتحاد یک کلام می گردانند دنیا را از دیو شقا و شمشاد و پریشان  
 رگم کنند گانی پس کریمه ایست که را سفره سعادتی که را در هر کس گردانند روزگار را در آغوش شادمانی و شادمانی و شادمانی

١٨ اِنِّى جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَدَرُوا ۚ اِنَّهُمْ هُمُ الْفٰرِقُونَ ۙ

نخستین بار در هر آئینه من جزا دادم ایشان را هر روز بمقامای هم ایشان آنکه ایشانند بمقام رسدگان گوید خدا

قُلْ كَمْ لَكُمْ فِي الْأَرْضِ عَدَدٌ سِنِينَ ۝ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُونَ

چند مدت درنگ کردید در زمین بحساب ششاد سالها گفتند درنگ کردیم یکروز یا بعضی روز  
فرمود چقدر درنگ کردید در زمین بحساب سالها گفتند درنگ کردیم یکروز یا بعضی روز

فَسَمِعَ الْعَادِيُّ ٢٦ قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ الْإِسْلَامَ فَاتَّبِعُونِي أُوْىٰى حَقِّهِ ٢٧

چس بیس از شمار کنندگان گفت خداوند نه کرده اید گرانده کامل شما می دانستید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ لَنَا دِينَنَا وَخَلَقَ لَنَا دِينَنَا وَخَلَقَ لَنَا دِينَنَا

آیا بند اشتد که آفریدم شمارا بے جوده و آنکه شما بوسه اگر درنده نشوید پس برترست خدا

ایماندا استبداد ازین هم آرا محبت و اینک شد بوی که گرانید، نشوید پس برتر است خدا

الملك الحق لا اله الا هو رب العالمين

پادشاه و امانت نیست شیخ محمود قزوینی در روز و کار غرض گرامی قدر  
دیر که بخواند یا خدا

و هر چه پیشتر گفتند با الهی

مجموعه بجز که اینجا نیست پرستند و را بر بنیاد آن محمود جزائی نیست که حساب او نزد یسوع و اهل دوست بر می آید و در کتاب

مجموعه و دیگری را از این بقیه بیست مرگ میکنند و به این جهت آن مجموع بیست و نه بیست که حساب او از هر مرد و کار او است هر آنکه رسته کار میکند

[illegible]

وینواسه دهن بیمارز درم من و دو بهترین رحم کنندگان

سورة التوبة

شہزادہ خدائے بخشا ہے مہربان

آغازی از تمام حدایت که اندازه مهربان

سوره الزلزالی هر صفا و اشرفها  
این سوره چیست که زلزله استادیم آنرا از مرض سالم آنرا و زلزله آورده ایم در آن آیات

و این سوره ایست که خداوند ایمان آورده ایم از خود تمام کرده ایم را احکام آنرا بر خود رخصت نمود و خود آورده ایم و هر چه سوره ایست که

و انچه را که در این کتاب مذکور است و در این کتاب مذکور است و در این کتاب مذکور است





يَسْتَلِمْ لَعَلَّكُمْ تَدْرِكُونَ ① الْبُرْهَانِيَّةُ وَالزَّائِنِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ

دانش آگاهان کهنه و مدرسان کهنه و پیش برتر  
دانش آگاهان کهنه و مدرسان کهنه و پیش برتر

مِنْهُمَا يَأْتِيَنَّكَ الْقُرْآنُ فَخُذْ مِنْهُ مِمَّا رَأَيْتَ فِي دِينِ الْكَلْبَانِ

از ایشان صد در صد و شاید (نیمه) ششاد به آن دور هم در اجراء حکم است. اگر

كَلِمَةً مِّنْ يَّكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَسَّ شَهِيدٌ عِنْدَ رَبِّهَا طَائِفٌ مِّنْ

ایمان آورد و این بهمان روز آخر و باید که حاضر شوند بمقربین ایشان جامع اند

١٢) كَلَّا لَئِنْ أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَجُلًا فَتًى

مسلمانان مرد و زن را کشته و تاج و تخت را کشته و یا شمشیر و زین را کشته و بزرگانی را کشته

مردودا لکند و سگاسی می کند مگر در زمانه ما را یا بعضی را درین زمانه به کجای می کشد این را

و حاتم كاهن بني نصر من بني زناط بن الحارث بن ابراهيم بن قيس بن زيد بن مالك بن النضر بن كنانة بن خزيمة بن مدركة بن إلياس بن مضر بن نزار بن معد بن عدنان

سکرمه زانگونه یا مشک و حریم کرده شد این بر خوشنشان و آنانکه در ششام و ناکار و میسند

مخصّصت لكم يا قوايا ربعة شهلاء فاجلدهم ثمانين جلداً

زبان عقیق را باز دنیا خوردند چپار مرد گواه بزمید ایشان را هستاد دره

وَأَشْبَهُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿٥٠﴾ إِلَّا الَّذِينَ

[illegible]

مما اذا كان في

کتاب کردند بعد از آن دو سال و پنج ماه در کار خود را پس هر آینه خدا آمرزنده مهربان است و ۴۲۸

بدر این دامع کوه تند و نفس بانه طوطا پس و بر این (بند) اندر کار هر من است و ۲۰۰۰

يَتَوَلَّوْنَ اَرْوَاحَهُمْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ شُهَدَاءُ اِلَّا اَنْفُسُهُمْ فَشَفَّاهُ

مشتاق و ناکامی میسر شد و زمان خود را حال آنکه بنابر ادب ایشان را گواهان مگر قفس های ایشان پس نوازی

أَخْبَدَهُمْ أَرْبَعٌ شَهِدَتْ بِأَلَلِهِ إِنَّهُ لَمِنَ الشُّمُوكِينَ وَالْخَامِسَةُ أَنَّ

چهار ایشان است چهار بار که جدا هر ایشان دے از در است تو با من است و تو با من است  
چهار ایشان جدا است با من است با من است با من است با من است

أَعْتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِ أَنْ كَانَ مِنَ الْكَذِبِينَ ④ وَيَذَرُوا عَنْهَا الْعَذَابَ

عزت خدا بر او باد از دودغ گویان باشد و بارمی گرداند آتش زین عقوبت را

وَقَدْ كُنَّا مِنْ أَفْوَاجٍ

آلو گوانی دہ چل مار جلد ابر آئینہ اشیا خوب ہزار دروغ گوین است دگرانی و + ہر پار یاسی صفت

نیکوکاری به بد چهار بار شهادت یابن که (هر آینه) او از درد هکلیان است و بیخود را

ان عصب الله عليها ان كان من الصديقين ولو كان خصم الله

الفصل الله باشد بی این زن اگر باشد و در استخوانان دگر بودی نفس خدا

مازند با کبار محل آید آخر با نعل باطن ترور داده است تغییر نفس دارد. با پای یا نعل سهل و بجه نصف است درین نوعی معنی لایق است معنی کلان و در

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_



و الله اعلم  
در غزوه نجی  
مصطفی حضرت  
و انشاء مستم شده  
منافقان در مشامت  
بدنای سنی کردند  
عالم اظهار برات  
نمودند و جافه وقت  
نمودند خدا شایسته  
برکت صدق اهل  
ساخت و دم منافقان  
و بدین وقت کنه  
و تنهید وقت کنه  
خود را با بیغی  
عبد الله این بیان  
اوست یعنی عیسی که  
ی گفتند نکل و نکل  
چنین میگویی و مانده  
ایم و به تحقیق پیدا نم  
تفسیر عثمانی  
علا این خطاب و  
کلمات برای تسلی آن  
مسلمان است که  
اخراج و اقصای ایشان  
مردم سید با انصاف  
به حاضر مدینه و خانواد  
ایش ظاهر است که  
آنها فوق السحاب و فلیکن  
و پریشان بودند یعنی  
اگر این شهرت نبوت  
کرد و در رخ نموده و  
ناگوار بودند لیکن در  
حقیقت دعا حق آن  
برای شایسته و بهتری  
مسعود بوده تا این  
قد و مدت به حلات  
بگر خراش و اینهای  
مندی صبر کردن آیا  
خالی از اجر میباشد  
آمین شرف کم است  
که خود حق تعالی در  
کلام پاک خود بهر جهت  
در ارات شمار اندازد  
که در دشمنان شیدا  
و سواست خدا نماید  
قیامت که هر شمشاد

عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَأَنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ حَكِيمٌ ۝۱۸ إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ

بر شما و رحمت از و آنکه خدا توبه پذیرنده با حکمت است چه چیز با کرده اند که آید و در دهن تهمت را

عَصَبَةٌ مِنْكُمْ لَا تَحْسَبُونَهُ شَرًّا لَكُمْ بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ لَئِنْ أَفْرَى

جمله اند از شما عصبه ایست که تهمت را بدید حق خویش بدان که بهترین است بر آنست شما هر کسی را

مِنْهُمْ مَّا أَكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ وَالَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ

از ایشان چه کسی است که حاصل کرد از معصیت و آنکه سر انجام داد عذبت از آن تهمت را از ایشان و عذاب

عَظِيمٌ ۝۱۹ لَوْلَا رَأْسُ مَعْصُومَةٍ خَلَّتِ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنْفُسِهِمْ

بزرگ و چرا چشم کشید که و تنه کشید از آن گمان می کردند مردان مؤمن و زنان مسلمان در حق خویش

خَيْرٌ أَوْ قُلُوبُ أَهْلِ الْفِتْنَةِ ۝۲۰ لَوْ أَجَاءُوا عَلَى بَارِعَةٍ شَهِيدًا

خوبتر را و می گفتند این از آنست ظاهر است چه از آنجا بودند برای سخن چهار گواه

فَإِذْ لَمْ يَأْتُوا بِالشَّهَادَةِ فَأُولَئِكَ عِنْدَ اللَّهِ هُمُ الْكَذِبُونَ ۝۲۱ وَلَوْلَا

پس چون نیاروندند گواهان را پس آن جماعت نزد خدا ایشانند دروغ گو و اگر نمی بود

فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ لَمَسَّكُمْ فِي مَا أَنْفَضْتُمْ

فضل خدا بر شما و رحمت او در دنیا و آخرت هر آنکه میرسد بشارت بر خود و گفتند بشارت

فِيهِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ۝۲۲ أَذْ تُلْقُونَهُ بِالْأَسْنَتِكُمْ وَقُولُونَ بَأْفٍ إِلَيْكُمْ مَّا

در آن عذاب بزرگ و در آن عذاب بزرگ و در آن عذاب بزرگ و در آن عذاب بزرگ و در آن عذاب بزرگ

لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَتَحْسَبُونَهُ هَيِّئًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ ۝۲۳ وَلَوْلَا

که نبود شما را بحقیقت آن دانش می بیند استغید از آن آسان و او نزدیک خدا بزرگ بود و خدا چنان شد

أَذْ تُلْقُونَهُ قُلْتُمْ وَيَا كُفْرًا لَنَا أَنْ تَكْفُرُوا هَذَا سُبْحَنَكَ هَذَا أَهْتَانٌ

که چون شنیدید از آن می گفتند بخیر ما که بزبان آوریم این سخن را یا کفر یا کفر یا کفر یا کفر یا کفر یا کفر

عَظِيمٌ ۝۲۴ يَعِظُكُمُ اللَّهُ أَنْ تَعُودُوا إِلَى الْبَيْتِ أُولَئِكَ كُنْتُمْ مَوْمِنِينَ ۝۲۵

بزرگ است پند میدهد خدا تا باز بعل بنارید مانند این هرگز اگر مسلمان باشید

وَيُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ۝۲۶ إِنَّ الَّذِينَ يَخِيضُونَ

و بیان می کند خدا برای شما آیات را و خدا دانای حکمت است بر آنکه آنرا دوست می دارند آنکه

تَشِييعَ الْفَاحِشَةَ فِي الَّذِينَ آمَنُوا اللَّهُ عَذَابُ الْإِيمَانِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

تا کسی شود تهمت بدکاری در مسلمانان ایشانراست عقوبت در دوزخ نموده در دنیا و آخرت

اخراج گردد از جهت بدکاری در دشمنان آنرا که ایمان آورده اند برای سخن عذاب در دنیا و آخرت

بدرمان قرآن خوانان جاری فرمود و برای اینکه مسلمانان حق از باطل و اهل بیت علیهم السلام را از دشمنان چنان معلوم داد که گاهی فراموش نشود و علامه محمد علی زکریا



وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ٩ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ إِنَّ

و اگر بودی فضل خدا بر شما در رحمت او و اینکه (بر شما)

لِللّٰهِ عَرْفٌ رَّحِيمٌ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ

معاذ بندہ مہربانست چہ چیز ناکہ غیثتہ اسے مسلمانان از پی مرید گامہائے شیطان را  
نہ زنی کند و مہربان است چہا کہ غیثتہ اسے مومنان پیروی کنند قدامتہ شیطان را

مَنْ يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنكَرِ

برکہ ہمدی گامہائے شیطان کند پس بر آئینہ دے میفراید بے حیائی و کارنا پسندیدہ و اگر نہ بودے  
نیکویری کند ذمہائے شیطان را پس (بر آئینہ او) استغفار از کثرت اوزی و بد کردہ و حلال و حرام و غیرہ و اگر نہ

فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّكُمْ مِنَ الْمُهْتَدِينَ

بر شما در رحمت او  
بر شما در رحمت او

کَلِمَاتٍ مِّنْ تَشَاءُ ۖ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ۝۱ وَلَا تَأْتِلْ ۙ اُولَ الَّذِیْنَ الْفَضْلُ مِنْهُ

ک میزاد هر که خواهد خدا شنوا و اتا است د باید که سوگند نوزند خداوندان نهی

شَعَقَ أَنْ يُؤْتِيَ أُولَى الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسْكِينِ وَاللَّهُ فِي شَيْءٍ حَسِيبٌ

سنت از شما بر آنکس چیز نیست مگر خویشتن و دلقان را و دینوایان را و خاغل ترک کند گاه ترا در راه

و اما در این باب که میگوید و اما در این باب که میگوید

آید دوست نگیرد بد که بیاموزد خدا شمارا و خدا آمرزنده

داده اید که گفتند در گذرند آید دوست نمیدارید که سیار مرزد الله استندار و الله آموزنده

این است که برآیند آن‌ها را که در ششام می‌روند زمان یک و اتمان را از یک کلامی بخواب را ایمان که ندگان را نعت کرده و می‌دند

این است در آئین آنکه دست تمام زنان کاری میدهند زنان پاک دامن بے خیر و موافقت اعتنا نکرده اند

وَالْأَنبِيَاءُ وَالْأَوَّلِيَّةُ وَهُوَ عِلْمُ الْأَبْنَاءِ عَزَّ وَجَلَّ

دنيا و آخرت و ايشان داست قذاب بزرگ روزيک گواهي دهد بر ايشان

سندھم وایا یکم واز جا کم بہا کاوا یچہ مون یو مید یو ویہ ہوا

[illegible]

وَيَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ

سزاوار ایشان و بداند و در آن روز که خدا دوست راست ظاهر کننده زمان پدید

مردمان ناپاک و مردمان ناپاک / فانی مانند بزمان ناپاک / وزان پاک / فانی اند مردمان پاک و مردمان پاک

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين أجمعين

اولئك مبغضون فَمَا يَفْعَلُونَ لِمَا يُعَذِّبُهُمْ وَأَسْرَارُكُمْ (٥)

استند برای زنان پاکیزه آن گروه یا کلاس بری هستند از این برای میگرد در خیلان بایک آن راست آموزش و روزی با کرامت

امان روان نیست اگر کس خرد ایمان از ایقده چنین سوگند صرف نظر کند و گفته آن را ادا نماید ۱۲.











صل حاصل این شل  
تشبیه نوری است  
که بسبب سواطیت  
بر طهارت و عبادت  
در دل مسلمانان حاصل  
میشود بنور چراغ کرد  
غایت درخشندگی باشد  
و بصیحت اشک بآب  
سواطیت می فرایند ۱۱  
صل حاصل این شل  
آنست که اعمال کافر  
حبط شود و در آخرت  
از هیچ ثواب نباشد  
۱۲ صل حاصل این  
شل آنست که کافر  
قلبات بصیحت می آید  
شده است و فواید بکثرت  
از دست بلی صدمه شده  
است ۱۳  
تفسیر عثمانی  
صل ذکر بر بندگان خدا  
شاید ازین سبب جدا  
گاز فرود که آنها در وقت  
پریدن در زمین آسمان  
و زمین مطلق می بارند  
و این طور برین آنها  
در پراشیدن بزرگ  
قدرت است ص ۱۴  
حق قلم به هر چیز  
مناسب حال آن  
طریق نامت و مبدی  
و هیچ خلقی را الهام  
فرود هر چیز آن طریق  
را نمیداند و طیفه فرود  
ادامیکند لیکن  
جائے انوس ۱۵  
و تعبیر است ۱۱  
که با از اودان  
به فرود غفلت و غفلت  
و جهالت گزشتا آید  
از یاد الهی حقیق غافل  
و از ادای وظیفه  
عبودیت روگردان  
میارشد ۱۶  
فایده به تسبیح مخلوقات  
القدس مخفیه در  
یاد پا نوزدهم داده ایم

وَيُضِرُّ بِاللَّهِ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ۝۱۱

و همان می فراید خدا را سستایان بآید بر سران و امان و خدا بهر چیز داناست و در خانه های که اجازه داده است خدا  
برای مردم و الله بهر چیز داناست و در خانه های که اجازه داده است الله

أَنْ تَرْفَعَهُ وَيَذْكُرُ فِيهَا اسْمَهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ ۝۱۲

که بلند کرده شود و آنرا یاد کرده شود آنجا نام او بهای یاد می کنند خدا را آنجا صبح و شام  
که بلند کرده شود آنجا یاد کرده میشود در آنجا نام او بهای یاد می کنند خدا را در آنجا صبح و شام

رِجَالٌ لَا تُلَاقِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ ۝۱۳

مردانی که بازرگانان و باستان را سوداگری و نه خرید و فروش از یاد کردن خدا و برپا داشتن نماز و دادن  
مردانی که غافل می سازد ایشان را سوداگری و نه بیع از یاد الله از برپا داشتن نماز و دادن

الرَّكُوعِ سَبِّحًا قُلُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ ۝۱۴

زکوة می ترسند از آن روز که مضطرب شوند در آن روز و دیدن  
زکوة می ترسند از روزی که مضطرب میشوند در آن روز و دیدن

اللَّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَزَيَدَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ ۝۱۵

خدا بهوض بهترین آنچه کردند و زیاده دهد ایشان را خدا از فضل خویش و خدا روزی میدهد هر کس را خواهد  
الله جزای بیکو نری از آنچه کرده اند و زیاده دهد ایشان را از فضل خود و الله روزی میدهد کسی را که خواهد

يُغَيِّرُ حِسَابَهُ ۝۱۶ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ يَفْجِعُ بِمَاطِئِهِمْ حَسَبَهُ ۝۱۷

بغیر شمار یعنی بسبار و آنانکه کافر شدند اعمال ایشان مانند سراب است بمیدانهای بیواری پسندش  
بغیر شمار و آنانکه کافر شدند اعمال ایشان مانند سراب است بمیدانهای بیواری پسندش

الظَّمَانُ مَاءٌ حَتَّى إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَيْءٌ وَوَجَدَ اللَّهُ عِنْدَهُ قُوَّةً ۝۱۸

تشنه آب است تا وقتی که بیايد نزدیک آن نیاید شش چیزی و یافت خدا را نزدیک آن پس تمام رسانید بوی  
تشنه آب تا چون بیايد آن نمی یابد آنرا چیزی و یافت الله را نزدیک او پس تمام رسانید او را

حِسَابُهُ ۝۱۹ وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ ۝۲۰ أَوْ كَظُلُمٍ فِي بُحْرٍ مُجِيِّ يَغْشَاهُ ۝۲۱

حساب و برادر خدا از دو کفنه حساب است و با مانند تاریکی در دریای عمیق می پوشد شای کافر را  
حساب دی و الله زود کننده حساب است یا مانند تاریکی در بحر عمیق که می پوشد شای کافر را

مَوْجٌ مِنْ قُوَّةٍ مَوْجٌ مِنْ قُوَّةٍ سَحَابٌ ظَلَمَتْ بَعْضُهُمْ قُوَّةَ بَعْضٍ ۝۲۲

موجی از بالائی آن موجی دیگر از بالائی آن بر روی تاریکی است بعضی آن بالائی بعضی دیگر  
موجی از بالائی آن موجی دیگر از بالائی آن بر پاشد تاریکی است بعضی آن بالائی بعضی دیگر

إِذَا أَخْرَجَ يَدَهُ لَمْ يَكُنْ يَرَهُمَا وَمَنْ لَمْ يُجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ ۝۲۳

چون برون آورد دست خود نزدیک نیست که به بیندش و هر که در آسمانهاست و زمین است و در غایت  
چون برون آورد دست خود را نزدیک نیست که بیند آنرا و هر که نداده الله او نور پس نیست او را هیچ

نُورٍ ۝۲۴ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْطَّيْرِ ۝۲۵

روشنی صل آید دیدی که خدا بهای یاد می کندش هر که در آسمانهاست و زمین است و در غایت  
نوری آید دیدی که الله بهای یاد میکندش هر که در آسمانهاست و زمین است و در غایت

صَفَتْ كَيْفَ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ ۝۲۶ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ ۝۲۷

پاک نشاده هر چه دانست خدا دعای او را و سجده او را و خدا داناست با آنچه میکنند  
پاک نشاده و هر یک حقیق دانسته است دعا و سجده او را و الله داناست با آنچه می کنند

وَاللَّهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ ۝۲۸ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ

و خدا را است بادشاهی آسمانها و زمین و بسوی خداست بازگشت آید دیدی که خدا  
و الله را است بادشاهی آسمانها و زمین و بسوی الله است بازگشت آید دیدی که الله

یاد پا نوزدهم داده ایم خلاصه شود در حدیثی آمده که حضرت نوح علیه السلام پس از آنکه خود را در کشتی نوح فرموده و انبیا الصلوة الخلق را درین کشتی فرستاد و بایانده است



يُرْسِلُ سَحَابًا مِمَّنْ يَنْزِلُ فَيَنْجِيهِمْ مِنْهُ رُكَا مَافَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ

در آبی که از ابرها باز می آید میان آن باز می بارد و در آن قطره را که می بارد از

میرد و بر آب پس ترکیب می کند میان او بعضی را به بعضی باز می گرداند آنرا قوی بر آب پس

قطره های باران را که می بارد از

سحاب آن در خود می آورد از جانب بالا از کوه ها که آنجا هست از آنرا

پس می رساندش به هر که

تَشَاءُ وَيَصْرِفُهُ عَنْ مَنْ يَشَاءُ لِيُكَادَّسَنَا بَرَقُهُ يَذْهَبُ بِالْأَبْصَارِ

و خواهد و باز می داند و در آن هر که خواهد نزدیک است که روشنی برق آن بر باید دیده باران

و باز می دارد آنرا از هر که خواهد نزدیک است که روشنی برق آن بر باید دیده باران

يَقْلِبُ اللَّهُ الْكَلِمَ وَاللَّهُ شَاطِطٌ فِي ذَلِكَ كَعِبْرَةٍ لِّأُولِي الْأَبْصَارِ

ای گرداند خدا کلمات را و در آن هر آنچه درین مقدمه می کند است خداوندان چشم را

چرا که می کند اندک شب و روز را در آن عبرت است برای صاحبان بصیرت و

اللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَّاءٍ فَمِنْهُمْ مَنْ يَشْتَرِي عَلَى بَطْنِهِ وَمِنْهُمْ مَنْ

خدا آفرید هر جانوری را از آب پس از اینهاست آنکه می رود بر شکم خود و از اینهاست که

از آبی پس از اینهاست آنکه می رود بر شکم خود و از اینهاست آنکه

بیشتر می خرد بر جبین و از اینهاست آنکه می خرد بر جبین و از اینهاست آنکه

بیشتر می خرد بر جبین و از اینهاست آنکه می خرد بر جبین و از اینهاست آنکه

بیشتر می خرد بر جبین و از اینهاست آنکه می خرد بر جبین و از اینهاست آنکه

بیشتر می خرد بر جبین و از اینهاست آنکه می خرد بر جبین و از اینهاست آنکه

بیشتر می خرد بر جبین و از اینهاست آنکه می خرد بر جبین و از اینهاست آنکه

بیشتر می خرد بر جبین و از اینهاست آنکه می خرد بر جبین و از اینهاست آنکه

بیشتر می خرد بر جبین و از اینهاست آنکه می خرد بر جبین و از اینهاست آنکه

بیشتر می خرد بر جبین و از اینهاست آنکه می خرد بر جبین و از اینهاست آنکه

بیشتر می خرد بر جبین و از اینهاست آنکه می خرد بر جبین و از اینهاست آنکه

بیشتر می خرد بر جبین و از اینهاست آنکه می خرد بر جبین و از اینهاست آنکه

بیشتر می خرد بر جبین و از اینهاست آنکه می خرد بر جبین و از اینهاست آنکه

بیشتر می خرد بر جبین و از اینهاست آنکه می خرد بر جبین و از اینهاست آنکه

بیشتر می خرد بر جبین و از اینهاست آنکه می خرد بر جبین و از اینهاست آنکه

بیشتر می خرد بر جبین و از اینهاست آنکه می خرد بر جبین و از اینهاست آنکه

بیشتر می خرد بر جبین و از اینهاست آنکه می خرد بر جبین و از اینهاست آنکه

نفس خدای  
کوه های رنگ است  
قول بعضی سلف همد  
طوره انسان کوهانی  
ژالو چو دیار شدیم  
بروق آن قوه کرده  
است لیکن راجع تر  
دقوی تر این است که  
از ... به یاد برساند  
باشد مطلب این است  
که بر بانی که در کثافت  
و ثقات است که  
می باشد از آبی باران  
انکه که از آن بلیاری  
مردم نقصان جانی و  
یابی می رسد و برقی  
از آن محفوظ ماند  
مثل مشهور است  
که از البریک شبح  
کاوی بار و شبح  
غش می ماند  
بعد از روز و شب بود  
از شب روز فقط بقدر  
اوقالی می آید و اوقالی  
گاهی روز و گاهی شب  
را دراز و کوتاه می کند  
و گاهی آنها را به روز  
و سوره ای آنها را به شب  
تبدیل می نماید  
بنی آدم باید از دیدن  
چنین نشان های  
ظلم ایشان قدرت  
بصیرت و عبرت حاصل  
کنند به آن شب نشاء  
حقیقی به صدق و  
اخلاص دل رجوع کنند  
که در بعضی و قدرت  
از نام تمام تصرفات  
و تقلبات می باشد  
لله آیات مکتوبه و  
تشریف آنقدر واضح  
است که بعد از دیدن  
و شنیدن آن  
نیاید از آن  
عجا که می گرد و دل  
بر راه راست شخصی  
روان می شود که خدای

تا به اوقتی به این داده باشد - لیونهارم این نشان های واضح و روشن را می بینند لیکن به اعتبار توجیه دیدن و ندیدن آنها یک برابر است -



دل یعنی چنانکه نبی

اسرائیل را بعد از آنکه

پادشاه ساخت ۱۲

دل یعنی چنانکه تاملان

حضرت عثمان می گویند

مترجم گوید تفسیر این

آیت در حدیث آمده

این خلاقی بعدی بشنود

سنة الثمانین

تفسیر عثمانی

عقوبت منافعین

قسم های سخت تالی

خود می خوانند به تو

یقین به بندگی اگر تو

علم ببری نام خدای

داین و عیال را ترک

داده تبار بر چشم که در

راه خدا بر آید

نقطه ای اشاره کنند

بینت که چگونه همه

مال و دولت خود را در

راه الله قرار دهی

نظر به اعتبار آیه

که این قدر قسم های

کمال و سوگند های

لجول ضرورت نیست

حقیقت فراموشی

شمار بر هر تکلف

شده است که نه

و عادی بسا می کنند

در وقت خلوت

پاس می کشد بر شهادت

است که در خلوت

الهی مثل مسلمانان

صادق اعظم شان

و بعد از قسم خوردن

چه حاصل با فرض

کنند که بندگان را

بقسم متیقن و قانع

بر اندازد لیکن بعضی

الله چنانکه در تفسیر

بیکس تاثیر

عبارت دعا و تعالی

به تمام سخنان

آشکارا و پوشیده

آنگاه دلد بالا خیر

تمام مکاری و لغات

إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ يُجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لِيُخْرِجَهُمْ مِنَ الْإِيمَانِ أَنْ يَقُولُوا أَسْمِعْنَا وَأَطِيعُوا وَأُولَئِكَ

بوسه خدا و رسول او تا علم کنند در میان ایشان آنکه گویند شنیدیم و فرمانبرداری کردیم و این جا

هم المفلحون ومن يطع الله ورسوله ويخش الله ويتقوه أولئك هم

ایشانند رستگاران و هر که فرمان برداری کند خدا و رسول او را و ترسد از خدا و بیزد از عذاب او پس این

هم الفاعلون و أقسموا بالله جهدا أيها هم لين أقرتهم ليتبين

ایشانند زمره رستگاران و قسم خوردند بخدا و هر که درین قسمها به خود را اگر بفرمانی از امر الله می رسد و در

هم الفاعلون و أقسموا بالله جهدا أيها هم لين أقرتهم ليتبين

ایشانند زمره رستگاران و قسم خوردند بخدا و هر که درین قسمها به خود را اگر بفرمانی از امر الله می رسد و در

هم الفاعلون و أقسموا بالله جهدا أيها هم لين أقرتهم ليتبين

ایشانند زمره رستگاران و قسم خوردند بخدا و هر که درین قسمها به خود را اگر بفرمانی از امر الله می رسد و در

هم الفاعلون و أقسموا بالله جهدا أيها هم لين أقرتهم ليتبين

ایشانند زمره رستگاران و قسم خوردند بخدا و هر که درین قسمها به خود را اگر بفرمانی از امر الله می رسد و در

هم الفاعلون و أقسموا بالله جهدا أيها هم لين أقرتهم ليتبين

ایشانند زمره رستگاران و قسم خوردند بخدا و هر که درین قسمها به خود را اگر بفرمانی از امر الله می رسد و در

هم الفاعلون و أقسموا بالله جهدا أيها هم لين أقرتهم ليتبين

ایشانند زمره رستگاران و قسم خوردند بخدا و هر که درین قسمها به خود را اگر بفرمانی از امر الله می رسد و در

هم الفاعلون و أقسموا بالله جهدا أيها هم لين أقرتهم ليتبين

ایشانند زمره رستگاران و قسم خوردند بخدا و هر که درین قسمها به خود را اگر بفرمانی از امر الله می رسد و در

هم الفاعلون و أقسموا بالله جهدا أيها هم لين أقرتهم ليتبين

ایشانند زمره رستگاران و قسم خوردند بخدا و هر که درین قسمها به خود را اگر بفرمانی از امر الله می رسد و در

هم الفاعلون و أقسموا بالله جهدا أيها هم لين أقرتهم ليتبين

ایشانند زمره رستگاران و قسم خوردند بخدا و هر که درین قسمها به خود را اگر بفرمانی از امر الله می رسد و در

هم الفاعلون و أقسموا بالله جهدا أيها هم لين أقرتهم ليتبين

ایشانند زمره رستگاران و قسم خوردند بخدا و هر که درین قسمها به خود را اگر بفرمانی از امر الله می رسد و در

هم الفاعلون و أقسموا بالله جهدا أيها هم لين أقرتهم ليتبين

ایشانند زمره رستگاران و قسم خوردند بخدا و هر که درین قسمها به خود را اگر بفرمانی از امر الله می رسد و در

هم الفاعلون و أقسموا بالله جهدا أيها هم لين أقرتهم ليتبين

ایشانند زمره رستگاران و قسم خوردند بخدا و هر که درین قسمها به خود را اگر بفرمانی از امر الله می رسد و در

هم الفاعلون و أقسموا بالله جهدا أيها هم لين أقرتهم ليتبين

ایشانند زمره رستگاران و قسم خوردند بخدا و هر که درین قسمها به خود را اگر بفرمانی از امر الله می رسد و در

هم الفاعلون و أقسموا بالله جهدا أيها هم لين أقرتهم ليتبين

ایشانند زمره رستگاران و قسم خوردند بخدا و هر که درین قسمها به خود را اگر بفرمانی از امر الله می رسد و در

هم الفاعلون و أقسموا بالله جهدا أيها هم لين أقرتهم ليتبين

ایشانند زمره رستگاران و قسم خوردند بخدا و هر که درین قسمها به خود را اگر بفرمانی از امر الله می رسد و در

هم الفاعلون و أقسموا بالله جهدا أيها هم لين أقرتهم ليتبين

ایشانند زمره رستگاران و قسم خوردند بخدا و هر که درین قسمها به خود را اگر بفرمانی از امر الله می رسد و در

هم الفاعلون و أقسموا بالله جهدا أيها هم لين أقرتهم ليتبين

ایشانند زمره رستگاران و قسم خوردند بخدا و هر که درین قسمها به خود را اگر بفرمانی از امر الله می رسد و در

هم الفاعلون و أقسموا بالله جهدا أيها هم لين أقرتهم ليتبين

ایشانند زمره رستگاران و قسم خوردند بخدا و هر که درین قسمها به خود را اگر بفرمانی از امر الله می رسد و در

هم الفاعلون و أقسموا بالله جهدا أيها هم لين أقرتهم ليتبين

ایشانند زمره رستگاران و قسم خوردند بخدا و هر که درین قسمها به خود را اگر بفرمانی از امر الله می رسد و در

هم الفاعلون و أقسموا بالله جهدا أيها هم لين أقرتهم ليتبين

ایشانند زمره رستگاران و قسم خوردند بخدا و هر که درین قسمها به خود را اگر بفرمانی از امر الله می رسد و در







فَسَلِّسُوا عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ نَجْمَةَ تَمَنَّىٰ عَنْ اللَّهِ مَبْرُكَةً طَبِيبٌ كَذَلِكَ يَسِيرٌ

پس سلام گویند بر قوم خویش عافیت خیر یا برکت یا کبره فرود آمده از نزد یک خدا

اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتُ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ۝ إِنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ الْمَنَّانُ الَّذِي يَرِيقُ الرِّيحَ قُدْرَتُهُ حَتَّىٰ يَسْأَلَ الْغُلَامَ

خدا برای شما آیات را بود که بشنید

بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَىٰ أَمْرٍ جَامِعٍ لَمْ يَتَبَوَّأُوا حَتَّىٰ يَسْأَلَ الْغُلَامَ

بجدا و رسول او و چون باشند با او بر کاری که جمع گردان ایشان می طلبند نه در آنجا سکون می طلبند نه می

إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ

بر آئینه آنان که دستور می طلبند از تو ایشان آنان اند که ایمان آورده اند بخدا و بر رسول او

فَإِذَا اسْتَأْذَنُوكَ لِبَعْضِ شَأْنِهِمْ فَأَذِنَ لَمَنْ شَاءَ مِنْهُمْ وَاسْتَفْضَرُ

پس اگر دستور می طلبند از تو بر است بعض کار خود دستور می ده هر که خواهی از ایشان و طلب منفعت کن

لَهُمُ اللَّهُ إِنْ اللَّهَ غُفُورٌ رَحِيمٌ ۝ لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ

برای ایشان از خدا بر آئینه خدا آمرزنده مهربانست

كُدَّ عَاءٍ بَعْضُكُمْ بَعْضًا قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الَّذِينَ يَتَسَلَّلُونَ مِنْكُمْ لِوَاذِهِ

نمانند طلبیدن بعضی از شما بعضی دیگر را هر آینه می دانند خدا آنرا که بسبب بیرون می روند از شما پناه جوینان

فَالْيَحْذَرُ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ

پس باید که بترسند آنانکه خلاف حکم پیغمبری کنند از آنکه برسد بدیشان فتنه یا برسد بدیشان

عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝ أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ قَدْ يَعْلَمُ مَا أَنْتُمْ

خدا آگاه دارد و بداند

عَلَيْكُمْ وَيَوْمَ تَرْجَعُونَ إِلَيْهِ فَيَنْبِتُ لَهُمْ أَعْيَادَهُمْ ۝ إِنَّ اللَّهَ لَسَمِيعٌ عَلِيمٌ ۝

بر شما و روزی که برگردانیده شوند بسوی او پس خبر دهد ایشان را آنچه کرده اند و خدا بهر چیز داناست

لَسَوْفَ يَكُونُ الْفِتْنَةُ مِثْلًا لِّمَا كَانَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا أَوْ يَكُونُ عَذَابًا لِّمَنْ هُمْ

سوفی که فتنه می شود

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بسم الله الرحمن الرحيم

تَبٰرَكَ الَّذِیْ نَزَّلَ الْفَرْقَانَ عَلٰی عَبْدِهِ لِيَكُوْنَ لِلْعٰلَمِیْنَ نَذِیْرًا ۝

سبح را یا برکت است آنکه فرود آورد قرآن را بر بنده خویش تا باشد ترس منده عالمیان

سبح را یا برکت است آنکه فرود آورد کتاب فیصله قرآن را بر بنده خود تا باشد برای عالمیان ترس منده

عنه یعنی بخوانستن  
آنحضرت (صلی الله علیه وسلم) هرگز نشود  
خواستی آنحضرت  
لی الله علیه  
و سبب مشایخ دیگران  
نیست که قرار خویش  
خود اگر آن را بلیس  
باید یا نگوید فرقی کند  
از کسی بدو است آنحضرت  
صلی الله علیه وسلم  
عاقبت نشود باید اند  
عای بدین غیر بترسد  
زیرا که عای بیغیر  
اندر آن زمان عادی  
نیست نیز در محفل  
آنحضرت را بد  
عظمت را باید کان  
ملاحظه نظر داشت  
نباید در امتثال مردم  
عام یا محمد و غیره  
گفته صد گفته بلکه  
نام است او را  
بالقاب یعنی چون  
و یا بنی الله و یا  
رسول الله یا بنو الله  
حضرت شاه صفت  
می نویسد که از  
خاستن پیغمبر عافیت  
شدن فرخ می  
گردد بر است  
بر کاری که  
میخواست بر  
علاء این حکم هم بود  
که بدون اجازه نباید  
از آنجا برخواست  
و بداند درین ایام  
هم بر همه مسلمانان  
لایم است که با او  
مسلمان خود همین را  
عاقبت کند عافیت  
این را ما ائمه یونیم  
که نشستن در مجلس بزرگ  
در شنیدن میزند  
نصحت بر ایشان است  
باشد آنکه اکثر

باشد آنکه اکثر مجبور و بیچاره می باشد از مجس بودن اجازه آیه می باشد مثلاً آنکه کدام مسلمان اجازه گرفت و در آنجا است این من



الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَلَهُ يَتَّخِذُ وَلَدًا ۚ أَتَمَكِّنُ لَهُ

آنکه در است پادشاهی آسمان با و زمین و آنچه فرزند گرفت و هیچ شریک نیست

شَرِيكٌ فِى الْمُلْكِ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدْ أَرَادَ تَقْدِيرًا ۚ وَٱلْخُنُودُ

در پادشاهی و بیافرید هر چیزی را پس اندازه کرد او را یا اندازه کردن و گرفتند کفار

مِنْ دُونِهِ ۚ إِلَٰهٌ لَّا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ وَلَا يَمْلِكُونَ

جز آنکه معبودان را که نمی آفرینند چیزی را و خود و آنچه معبودانی که نمی آفرینند چیزی را و ایشان را ملک نیستند

لَا أَنْفُسَهُمْ خَيْرًا ۚ أَوْ لَا نَفْعًا وَلَا يَمْلِكُونَ مَوْتًا وَلَا حَيٰوةً ۚ وَلَا شَرْهًا

برای خویش زیانی و نه سودی و نمی توانند مرگ را و زنده گانی را و نه شتر را

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّا هَذَا إِلَّا رَافِكٌ إِفْتَرَاهُ عَلَيْهِ

و گفتند کافران نیست این مگر دروغی که بر یافته است آنرا و یاری داده اند او را بر افزای و

قَوْمًا آخَرُونَ فَقَدْ جَاءَ ظُلْمًا وَزُورًا ۚ وَكَانَ ٱلسَّاطِرُ ٱلْأَوَّلِينَ

گروه دیگر پس این آوردند ستم و دروغ را و گفتند قرآن افشا نهاده است پیشینان است

اَكْتَتَبَهَا فَمِنْ ثَمَرِهَا عَلَيْهِ بُكْرَةٌ ۚ وَأَمَّا إِلَٰهَ ٱلَّذِي

که برآید خود نوشته است آنرا پس آن خوانده می شود بدو و هیچ دشنام و بگو خود آورده است آنرا پس

يَعْلَمُ السِّرَّ فِى السَّمٰوٰتِ وَٱلْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا ۝

می داند آن پنهانی که در آسمان با و زمین است هر آنچه می آید و هر آنچه می آید و هر آنچه می آید

قَالَ أَمَّا ٱلْأَمْرُ هَٰذَا ۖ ٱلرَّسُولُ يَأْتِى بِٱلْبَيِّنَاتِ ۖ فَمِنْ ثَمَرِهَا

گفتند چیست این پادشاهان را که می آید و هر آنچه می آید و هر آنچه می آید و هر آنچه می آید

لَهُ ۥ مُلْكٌ فَيَكُونُ مَعَهُ نَذِيرٌ ۚ أَوَّلُكَ إِلَٰهٌ كُنَّا أَتَوْنُ لَهُ جَنَّةً

پس او است پادشاه و هر آنچه می آید و هر آنچه می آید و هر آنچه می آید و هر آنچه می آید

كُلُّ مِنْهَا ۚ وَقَالَ الظَّالِمُونَ إِن تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مُّشْرِكًا ۚ

که خود را از آن و گفتند این ستمکاران پیروی نمی کنید مگر مردی که شرک کرده را

كَيْفَ نَكُونُ ٱلْأَمْثَالَ فَمَضَىٰ ۚ أَفَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا ۚ تَبَارَكَ

چگونه باشیم امثال او پس فرمود که چگونه می توانست که این را با برکت است

الَّذِي إِن شَاءَ جَعَلَ لَكَ خَيْرًا مِّنْ ذَٰلِكَ جَنَّتْ بَحْرِي مِنْ تَحْتِهَا

آنکه اگر خواهد بدید ترا بهتر از این را که می آید و هر آنچه می آید و هر آنچه می آید

و اما سببی تا با او کرد  
تفسیر عثمانی  
در صورتیکه مانند  
باطل و بخود و برای  
خود و فرزند یا از  
با و در بین ما و چه  
فرق و اعتباری داشت  
و اگر اعتباری بود  
بالتی چون و شکیان  
از خود و نوسیدن  
و حیوان طلب مایش  
نار و خدی و س  
اگر با او یک دست  
و شکیان نمی بود آنکه  
یک نفر از شکیان  
خدا با ید برای اثبات  
صدقت و اتمام  
مع  
دعا همراه او  
ی بود تا مردم او را  
دید و بگوید پیغمبر  
تسلیم میگذاشتند  
ازین که محض یک  
نفر در عالم ضعف  
و نهایت میکی عوای  
پیغمبری میکند چه  
حاصل می شود  
و اگر از شکیان هم  
بعیت او نمیکند  
آنکه از آسمان یک  
خزانه غیبی ظاهر  
نموده می آید و آنکه  
بدست تا ازین یک  
درین شرح کرده  
مردم و ابوی خود  
المب می کرد اگر این  
هم قطع نظر کنیم باید  
از نزد سزاوار  
زیر اندان با غی  
از آنکه را غری  
و غیره میداشت  
که اگر بدین بیان ازین  
داده نمی توانست که  
کم خودش به ایشان  
و آسودگی میبست و  
گذاشتن خود را میکرد







وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا لَوْلَا

وگفتند آنانی که امید ندارند ملاقات ما را چرا

أَنْزَلَ عَلَيْنَا الْمَلِيكَ أَوْ نَرَى رَبَّنَا لَقَدْ اسْتَكْبَرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ وَعَتَوْا

فرود ستاده شد بر ما فرشتگان را یا چرا نمی بینیم پروردگار خود را هر آینه بزرگ شدند و از خود غیور شدند و

عَتَوْا كِبَارًا يَوْمَ يَرَوْنَ الْمَلِيكَ لَا يُبْشِرُ يَوْمَئِذٍ الْمُنْجَرِمِينَ وَ

بزرگ شدند روزی که ببینند فرشتگان را هیچ خبری نیست از روزی که کاروان را

يَقُولُونَ جَحْرًا خُبْرًا وَقَدْ مَنَّا إِلَى مَا عَلِمُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ

گویند که بازداشته شود بازداشته شدن موهله و متوجه شدیم بگوئیم آن چه کردند از کردار پس ساختیم آنرا

هَبَاءً مُنْفَرًّا أَصْحَابُ الْجَنَّةِ يَوْمَئِذٍ خَيْرٌ مُسْتَقَرًّا وَأَحْسَنُ مَقِيلًا

پودری که بکشد آسمان بسبب ایرو فرود آورده شوند فرشتگان خود آوردن حق یاد شده حقیقی

وَيَوْمَ تَشْقُقُ السَّمَاءُ بِالْغَمَامِ وَنَزَّلَ الْمَلِكُ تَنْزِيلًا

و روزی که بشکند آسمان بسبب ابر و فرود آورده شوند فرشتگان خود آوردن حق یاد شده حقیقی

وَمِنْ الْحَقِّ لِلرَّحْمَنِ وَكَانَ يَوْمًا عَلَى الْكَافِرِينَ عَسِيرًا

از روز حشر است و باشد آرزو بر کافران روز دشوار و روزی که

يُخَسِّصُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَلْبِثُنِي أَخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا

بزرگ استگار و دوست خود را گوید اے کاش من گرفته همراه پیمبر را

وَيَلْبِثُنِي لَمْ أَخْذُ فَلَا تَأْخِيْلًا لَقَدْ أَصْبَحْتُ عَنْ الذِّكْرِ بَعْدًا

و ای دای من کاش من گرفته خود را در حالیکه گوید کاش من می گرفتم همراه رسول را

أَجْعَلَنِي وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا وَقَالَ الرَّسُولُ يَوْمَ

را نداده بود من و هست شیطان آدمی را در محنت تنها گزارانده و گفت پیغمبر اے پروردگار من

إِنْ تَوَدَّى اتَّخَذْتُ وَأَهْلًا الْقَدْرَانِ مَهْجُورًا وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَفْسٍ

را اگر بخواهد من را بگذرد این قرآن را متروک و هم چنین گردانیدیم برای هر پیغمبری

عَدُوًّا وَمِنْ الْمُجْرِمِينَ وَكَفَى بِرَبِّكَ هَادِيًا وَنَصِيرًا وَقَالَ الَّذِينَ

استغنیان از کینه کاران و بس است پروردگار را راه گاه نصرت دهنده و گفتند کاران

نَفَرُوا لَوْلَا نَزَّلَ عَلَيْنَا الْقُرْآنَ بَجُمْلَةٍ وَاحِدَةٍ لَكُنَّا لَكَ بِنْتِيبًا

فرود آورده شد بر ما قرآن را به یک دفعه هم چنین بد خات آوردیم تا استوار سازیم بان

آنان چنان فرود آورده شد بروی قرآن همه بیک دفعه هم چنین کم فرود آوردیم تا ثابت و استوار گردانیم بان

عشق علی و

حقیقت کردیم او را

عزیز یعنی آسمان بر

بهشت معناده خود

باش را با برگاه

منطق شود و السلام

تفسیر عثمانی

عزیز آنکه امید

ندارند که روزی بکشد

ما حق خواهد شد

و حساب اعمال خود

را خواهند داد

خوف سزای خداوند

عالم گردیده و مخفیان

سوداگران و گنایان

بزیان میآیند مثلاً

میگویند فرشتگان

که بر محمد صلی الله علیه

و سلم حق آورند

چرا با آن وحی ما

نازل نشدند یا

خداوند قیامت

روبرو با خود ما سخن

نگفت الا هم بود که بر

تصدیق قول تو اتلا

فرشتگان نزد ما می

آمدند و یا خداوند

را و بر او میدیدیم

که دعوی تر تصدیق

و تأیید میکرد چنانکه

در خانه دیگر فرماید

و قاتل او من نوسن

ند حتی تویی مثل

ما و تو مثل الله

و تمام رکعت ۵۱

و در سوره الاسراء

اولی بالک

و املاک قبله

را در رکوع ۱

عده آنها چو در

بزرگ خوشی می

اند که نزل می

و شده فرشتگان

را آورد و میگردد

و مشرف میشوند



وعدت کم که فرستاد  
قرآن آنکه بگوشت  
نصیر کرده اید اگر  
غولیند بدینسان  
فرستادن قرآن  
درای فواید زیاد

است چه در  
صور یک یک یاد  
فرو فرستاده

میش اینان  
چنانچه باید و شاید  
ارآن هر گرفته نمی  
توانست شنادین

صورت خدا کردن  
قرآن آسان تر شد  
و لایق آن سبوت  
دست داد و کلام

لما جوت و منقطع  
را و در زمانه قاصیل  
مصارف و صحت بای  
که در آن رعایت

گرفته شده موقع  
موقع اطلاع یافتند  
و در آن نزول جدا

هر آیت را از یک روز  
تسلیس و بسبب  
ایمانند فتنه و جان

را و باین سوال حج  
و موقع دریا فتنه  
تکلیف میفرستادن

را اسلیم حاصل شد  
و گویا به نزول به  
آیت دعوی انجیل

تجدید شده رفت  
بیر نیل علیه السلام  
کرات و مرات نازل

شد و آن فی نفسیک  
برکت مستقل بود و  
برافرازد دیگر در آن

موجود است که از آن  
چو در خجالت و فقر  
فوا اشد از راه فرموده

فَوَاعِدُكَ وَرَتْلُهُ تَزِيلًا ۱۱ وَلَا يَأْتُكَ بَعَثُ إِلَّا جَهَنَّمَ بِالْحَقِّ ۱۲

و نیدرند کارن پیش تو یقین و استندست مگر بیایم پیش تو بچای راست و  
دل ترا و خواندیم آنرا اندک اندک بجهنمت رسد و می آرد تا از آن نزد تو پیش رسالی مگر می آید تو جواب راست و

أَحْسَنَ تَفْسِيرًا ۱۳ الَّذِينَ يَحْشُرُونَ عَلَىٰ وُجُوهِهِمُ إِلَىٰ جَهَنَّمَ أُولَٰئِكَ

نیکوتر در بیان آنکه بر آینه نشینند ایشان بر روی خود خورش لبوسه در پیش این چهره  
نیکوتر از روی بیان آنانی که بر آینه نشینند و در پیش روی خود لبوسه در پیش این چهره

ثُمَّ مَكَانًا ۱۴ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَىٰ لِكُتُبٍ وَجَعَلْنَا مَعَهُ

پس فرستاد با عیسی و مکیان و غلط کنند و فرستاد راه را و هر آنچه دادیم موسی را کتاب و ساحتیم همراه او  
پس فرستاد از روی درجه و لبوسه در دور افتاد گاه از راه و هر آنچه دادیم موسی را کتاب و ساحتیم همراه او

أَخَاهُ هَارُونَ وَزَيَّرْنَا فَقُلْنَا أَذْهَبَا إِلَىٰ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا

برادر او هارون را و زیدیم پس گفتیم بر روی خود لبوسه در دور افتاد گاه از راه و هر آنچه دادیم موسی را کتاب و ساحتیم همراه او  
برادرش هارون را و زیدیم پس گفتیم بر روی خود لبوسه در دور افتاد گاه از راه و هر آنچه دادیم موسی را کتاب و ساحتیم همراه او

فَلَمَّا مَرُّهُمْ تَدَايَرُوا فِی سُبُلِهِمْ فَاصْبِرْ لَهُمْ رُسُلُكَ إِنَّهُمْ كَانُوا ذَٰلِكُمْ فَاعْتَبِرْ ۱۵

القصه پس هلاک ساحتیم آن قوم را هلاک کرد و قوم خود چون در سبیل خود ساحتیم را از راه و هر آنچه دادیم موسی را کتاب و ساحتیم همراه او  
پس هلاک ساحتیم آن قوم را از سبیل برکت و قوم خود را و وقتیکه گذشت بر روی خود لبوسه در دور افتاد گاه از راه و هر آنچه دادیم موسی را کتاب و ساحتیم همراه او

لَتَأْتِيَ سَبِيلُكَ ۱۶ وَأَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ عَذَابًا أَلِيمًا ۱۷ وَعَادَا وَشُودَا ۱۸

برای مردمان نشان و همیما کردیم برای ستمگران عذاب درد سنده و هلاک ساحتیم عداد نمود و  
برای مردم نشانی (طغوت) و همیما کردیم برای ستمگران عذاب درد ناک و هلاک ساحتیم عداد نمود و

أَصْحَابُ الرِّسِّ وَفَرُّوْنَا بَيْنَ ذَٰلِكَ كَثِيرًا ۱۹ وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُثْمَلِينَ ۲۰

اهل ریش را و طغوت بسیار را در میان ایشان و برای هر یکی بیان کردیم داستانها و ستمگران را  
اهل چاه را و طغوت بسیار را در میان ایشان و برای هر یکی بیان کردیم داستانها و ستمگران را

وَلَا تَبْرَأْنَا تَشْكِرًا ۲۱ وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ عَلَىٰ الْقَرْيَةِ الَّتِي أَمْطَرْنَا مَطَرًا شَدِيدًا ۲۲

هلاک ساحتیم هلاک کردی و هر آنچه دادیم ستمگران را و برای هر یکی بیان کردیم داستانها و ستمگران را  
هلاک ساحتیم ستمگران را و هر آنچه دادیم ستمگران را و برای هر یکی بیان کردیم داستانها و ستمگران را







ملایحه تو وضع برایش  
 غالب است ۱۲  
 تفسیر عثمان  
 معنی ستارگان  
 بزرگ را تعبیر  
 پای آسمانی را  
 فرشتگان آنرا  
 نظارت میکنند  
 یا ممکن است  
 منازل  
 دوازده گانه  
 آفتاب و ماه  
 باشد که  
 بیست و هفت  
 بیان کرده اند حضرت  
 شاه صاحب غریبه  
 آسمان بدوازده  
 حلقه تقسیم است و هر  
 یک را اسم برج گویند  
 و ثانی بر یک ستاره  
 است این حدود را  
 برای حساب مقرب  
 کرده است و از  
 القرآن است افزون  
 و کاستن و یا تمدن  
 و در متن در محقق  
 فرموده و در محاسب  
 این است که در  
 عوض دیگری درخت  
 است مثلاً اگر کار  
 روزانه از آن برش  
 انجام میدهند و اگر  
 و بیع شب یا قیام  
 آنرا بپردازند  
 نمایند که در وقت  
 مع بنده گان خدا  
 باشند مشرکین از  
 شنیدن نام و حق  
 لغوت می کنند بیکر  
 بر گفتار و کردار خود  
 اظهار بندگی مینمایند  
 از رفتار و کردار آنها  
 واضح مینماید خاک  
 دینی یعنی آشنایی  
 که آن مشرکین بر زمین  
 خرافان خرافان راه

عَلَىٰ الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَسُبْحَانَ مُحَمَّدٍ وَكَفَىٰ بِهِ يَدُ نُوْبٍ عَمَادَةٍ  
 و بیای که بدین آمده است پیش او پس دست و سینه یاران من و خورشید  
 و بیای که بدین آمده است پیش او و کانی جز او راست و بیایان من و خورشید  
 خَبِيرًا ۱۱) الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ  
 آنکه بیاورد آسمانها و زمین و آنچه در میان آنهاست در شش روز  
 آنکه آفریده آسمانها و زمین و آنچه در میان آنهاست در شش روز  
 ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ ۚ الرَّحْمَنُ فَسُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ ۚ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ  
 او است بر عرش بر عرش او خداوند رحمت بزرگ است پس سبوح است خداوند از آنچه  
 اسجُدُوا لِلرَّحْمَنِ قَالُوا أَوْفَاكَ الرَّحْمَنُ السُّجُودَ لِمَا تَأْمُرُنَا وَزَادَهُمْ نُفُورًا ۱۲  
 و سجده کنید بر رحمن را گویند و چیت و سخن آیا سجده کنیم و میفرماید یا و زیاد کرد این سجده را و فرار  
 تَبَرَّكَ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَجَعَلَ فِيهَا سِرَاجًا وَقَمَرًا مُنِيرًا ۱۳  
 بزرگوار است آنکه ساخت در آسمان برجها را و ساخت در آن چراغی و ماه را روشن و درست  
 وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ خِلْفَةً لِّمَنۢ أَرَادَ أَنْ يَنْزِلَ ۚ أَرَادَ أَنْ يَنْزِلَ  
 آنکه ساخت شب و روز را جانشین یکدیگر برای آنکه خواهد بود که رفتن یا خواهد  
 وَجَعَلَ الْبُحْرَيْنِ مَلَأًا مَّا بَيْنَهُمَا مَاءً ۚ وَجَعَلَ بَيْنَهُمَا بَارَاجًا ۚ وَجَعَلَ بَيْنَهُمَا بَارَاجًا ۚ  
 و بزرگوار است آنکه کرد و بیندگان خدا را آمانند که میروند بر زمین یا بستی دل و چون  
 خَاطِبُهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا أَسْلَمْنَا ۚ وَالَّذِينَ يَبْدِئُونَ كَذِبًا ثُمَّ يُنۢسِفُونَ  
 سخن گویند یا ایشان گنادان گویند سلام بر شما باد و آنکه شب میکند بر آنکه پروردگار خویش سجده کنان و  
 قِيَامًا ۚ وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَ جَهَنَّمَ كَانَ غَرَامًا ۚ  
 قیام کنان و آنکه می گویند ای پروردگار ما بگذار از ما عذاب دوزخ را هر آینه  
 عَذَابُ دُوزَخٍ لَّزِمٌ مَّوَدَّةً ۚ أَمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ۚ وَالَّذِينَ  
 عذاب دوزخ است شدید لازم (هر آینه) دوزخ بد جائه بقدره است و بد مقدس است و آنکه چون  
 إِذَا الْفُقَرَاءُ الْمُسْرِفُونَ أُولَٰئِكَ يَقْتَرُونَ وَآوَاكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا ۚ وَالَّذِينَ لَا  
 خرج کنند اسراف نه نمایند و شکلی نیکند و باث و عطای ایشان میان چاهین معتدل و آنکه نمی پرستند  
 خرج می کنند اسراف نمی کنند و شکلی نیکند (در خرج) و باث و میان اسراف و تعلی معتدل و آنکه نمی پرستند  
 يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ ۚ وَالَّذِينَ  
 با خدا معبود دیگر را و نمی کشند هیچ نفسی را که حرام کرده است خدا مگر بحق  
 بِاللَّهِ مَعْبُودًا ۚ وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ ۚ وَالَّذِينَ  
 و نمی کشند آن نفسی را که حرام گردانیده (الله) بحق  
 وَلَا يَزْنُونَ ۚ وَمَنۢ يَفْعَلْ ذَٰلِكَ يَلِقْ أَثَامًا ۚ يُضَاعَفْ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ  
 و نمی کشند و هر که بکند این کار بر خود بد ثوابت و عوار و چند کرده شود او را عذاب روز  
 و نمی کشند و هر که بکند این کار بر خود بد ثوابت و عوار و چند کرده شود او را عذاب روز

و نمی کشند و هر که بکند این کار بر خود بد ثوابت و عوار و چند کرده شود او را عذاب روز



القيمة ويحسد فيه مكانة الامن تاب وامن وعمل عملا

دست و چاود انداخته آماجی خوار گزیده شده سحر آینه تویی که: دایمان آورد و علی شانه نمود:

اولئك يبدل الله سيئاتهم حسنات وكان الله شفوفا

وہ بیت خدا آفرینہ مہربان و

و

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ كَثِيرٌ

بر کوب کند و کند کار تنگ پس (هر آینه) و ای رجوع می کند بسوی اندر رجوع گرفتار زیندی و نه و آید

شهد من الزور وادعوا باللعن من وكراما<sup>١٣</sup> والذين اذ

در این بیماری که در میان مردم بسیار شایع است و در بعضی موارد به قدری شدید می شود که باعث مرگ بیمار می گردد و در بعضی موارد نیز به قدری خفیف می باشد که با درمان مناسب و زود هنگام بهبودی حاصل می شود.

يَتَرَكُهُمْ لَمْ يَجِدْ وَأَعْلَاهَا صَاعًا وَعُشْرَانَا ۖ وَالَّذِينَ يَتَّبِعُوكَ فَرِحُوا بِهَذَا الْفَتْحِ الَّذِي كُنْتُمْ تُبْتَغُونَ

بات پروردگار ایشان گردو کور نه آفتند بشتن در آن دل و آنانگی گویند از پروردگار ماه بخش

[illegible]

از زبان ما و از فردان ما      روشنی چشم      و این بار پیشتر از همه متفکران

از زنان ما و از فرزندان ما خلی چشم و بگردان ما برای پر میز کار و پیشوا آن گروه

زُونَ الْعَرْقِ مَا صَبَرُوا وَيَلْقَوْنَ فِيهَا خِزْيًا وَسَلَامًا ﴿٥﴾ خُلِدَ فِيهَا بِ

ش داده شود ایشان را آنکه صبر کردند در خوارانده شود ایشان را آنجا که شکست نیرو و سلام چادمان بک

سُنْتُ مُسْتَقْرًّا أَوْ مُتَقَامًا (١٧) قُلْ مَا يَكُونُ لَكُمْ أَنْ تُقَدِّسُوا لَهُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ ۚ قُلْ هِيَ تَقْدِسُ أُولَٰئِكَ لَمَّا صَبَّحُوا تَوَجَّهُوا كَذِبًا إِلَىٰ ظُهُورِهِمْ يُحَافِظُونَ ۚ أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ يَأْخُذُ بِالْإِنْسَانِ عَهْدَهُ ۚ إِنَّ اللَّهَ مُدْرِكُ أَعْيُنِنَا ۚ أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ۚ

ت نیک آرم گاه مست و نیک مقام است بگوینا قدر نمی شمارد شمارا پروردگار من اگر نداشت عبادت شایسته بر آید

وہی کہتے ہیں کہ اگر شافعیوں کی دعاؤں کی تعداد شمار کیا جائے تو وہ بھی کہیں شافعیوں کی دعاؤں کی تعداد سے کم نہیں ہے۔

و دروغ را مستند پس البتہ باشد جزاے آن لازم

تکذیب کردند پس زود است که باشد (جزای) تکذیب لازم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جنگ خدا کے  
بے اندازہ مہربان  
نہایت مہربان

تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ ﴿١٣٥﴾ اُولَٰئِكَ يَخْشَوْنَ اللَّهََ الْعَلِيمَ

این آیات کتاب روشن است شاید تو ملاک گفته خویش را به سبب آنکه

این آیت های کتاب روشنی است زطافه کننده حق شاید توانمندین کنند (در باب کینه) نفس خود را با شیخی

٢١٠  
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

از آسمان نشاند پس شود گردن ایشان  
اگر خواهیم خود آوردیم بر ایشان

خَاضِعِينَ ۝ وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ ذِكْرِ مِنَ الرَّحْمَنِ مُعَدِّتٍ أَلَّا يَخَذُوا مِنْهُ لَاحِظِينَ ۝

دری آید بد کشان و بیخ بندے از جانب پروردگار ایشان نوید آید و ده سحر می باشد.

مکتبہ اسلامیہ دہلی

گفتند اگر اسمی بگوئید و خود را بزرگ بگوئید و در پیشگاه عظمت حضرت او سر اطاعت فرود نیارید و نگاه برای سرگردانان قیام بشید که عسکر



صلی بنی مکه گفتن  
بنی اسرائیل گفتند  
پس بنی مکه پرسش  
کردن که بآن صورت  
بود گفت بنی مکه  
تفسیر عثمانی  
آنجا که بنی اسرائیل  
اعراض می نمودند  
بنی مکه استهزا  
می کردند پس بنی مکه  
در دنیا و آخرت  
سزای کردند  
بای خود را خواهند  
یافت و در آن وقت  
حقیقت چیزیکه بآن  
تفسیر می کردند برآید  
شان آشکار خواهد  
شد. عاصی اگر این  
کذب بر احوال بنی  
مکه یا افتاده نشان  
نماید کردند برآید  
حصول معرفت میداد  
و میداد کافی بود آگاهی  
بینند که ازین خاک  
بپزد و حقیقت سخت  
یک نظام استوار  
تکوینی چه گهمانست  
رنج رنگ و انواع  
واقسام ندهد و بدو  
باید بدی آید آگاهی  
دلیل بران نیست که  
مانند قدرت و  
حکمت بی انتها دارد  
و زمام دود و در حق  
او مست این چنین بود  
روقی را بدو گویند  
و زینت بخند است  
و تمنا او قلم است  
که هر وقتی خواهد آرد  
و بران بدو براتی  
دو باره آباد نماید  
علیه میداد بنی مکه  
آیات تکوینی خوب  
نموده شود برآید  
تصدیق آیات شریع  
اشکالی باقی نمی ماند  
ای اگر کسی نخواهد که این آیت را بدو آید آن سخن جداگانه است ۱۲

عَنْهُ مُعْرِضِينَ ۱۵ فَقَدْ كَذَّبُوا فَسَيَأْتِيهِمْ أَنْبَاءُ مَا كَانُوا يَكْفُرُونَ ۱۶  
از آن روگردانند پس ثابت شد که ایشان دروغ می کردند پس خواهد آمد بایشان بامصدق دهنده که بآن  
از آن روگردانم بآن پس را بدست که تکه تکه می کردند پس زود آید بایشان خبرهای آنچه می آید  
بسته می شوند ۱۶ اوله یروا الی الارض که انبیا فیها من کل زب  
مخبر می کردند آید بدیده اند یوست زمین چه قدر رویا می بینیم در آنجا از هر جنس  
استهزای کردند عاصی آید بدیده بزمین که قدر رویا می بینیم در آن از هر جنس  
گرم ۱۷ ان فی ذلک لآیه و ما کان اکثرهم مؤمنین ۱۸ وان ربک  
بنی هر آینه درین ماجرا نشان است و نیستند بیشترین ایشان مسلمانان و هر آینه پروردگار تو  
مستند به (هر آینه) در این رویا نشان است و نیست اکثر ایشان یقین کنندگان صدق  
لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ۱۹ وَاذْنَادِي بِكَ مُوسَى اَنْ اَنْتَ الْقَوْمُ الظَّالِمُونَ ۲۰  
همان است غالب مهربان و آنگاه که آواز داد پروردگار تو موسی را که بیا پیش کرده است کاران  
همان غالب مهربان و چون ندا کرد پروردگار تو موسی را که برو پیش قوم ظالمان  
قَوْمٌ فَرْعَوْنُ ۲۱ اَلَا يَتَّقُونَ ۲۲ قَالَ رَبِّ اِنِّي اَخَافُ اَنْ يَكُونُ ۲۳ وَ  
بیایش قوم فرعون آیا بریز گاری نمی کنند گفت اسے پروردگار من برآیند من سے ترسم از آنکه دروغ می گوید مرا و  
به قوم فرعون آیا نمی ترسند گفت اسے پروردگار من (هر آینه) من می ترسم از آنکه تکیه کنی مرا و  
يَضِيقُ صَدْرِي وَلَا يَنْطَلِقُ لِسَانِي فَأَرْسِلْ اِلَيَّ هَرُونَ ۲۴ وَلَوْ  
تنگ شود سینه من و جاری نمی گردد زبان من پس بپناهی فرست یوسته باورن و قوم فرعون را  
تنگ میشود سینه من و روانی ندارد زبان من پس بپناهی فرست یوسته باورن و هست ایشان را  
عَلَيَّ ذَنْبٌ فَأَخَافُ اَنْ يَقْتُلُونِ ۲۵ قَالَ كَلَّا فَادْهَبْ اِلَيْنَا اِنَّا مَعَكُمْ  
بر من گناه است پس می ترسم که بکشند مرا گفت نه چنین باشد پس بروید بپناهی ما هر آینه ما را  
بر من و گواهی گناه پس می ترسم که بکشند مرا گفت نه چنین است پس بروید بپناهی ما هر آینه ما را  
لَسَنَتُهُمْ ۲۶ فَاتَّبَعَ فَرْعَوْنُ فَقَوْلَا اِنَّا رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۲۷ اَنْ  
شونده ایم پس بپناهی فرعون پس بگویند هر آینه ما فرستاده پروردگار عالمیان ایم بپناهی  
شونده ایم بروید پروردگار فرعون پس بگویند هر آینه ما فرستاده پروردگار عالمیانیم بپناهی  
اَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَءِيلَ ۲۸ قَالَ اَلَمْ نُرِيكَ قَبْلَكَ قَوْمًا مِثْلَهُمْ فَمَا أَصْبَرُوا ۲۹  
فرست ما بنی اسرائیل را گفت اسے موسی آید پیش بگویم که در میان این خویش در حال طفل و رنگ کردی  
فرست ما بنی اسرائیل را گفت فرعون آیا بدو ش بگویم که در خانه خود مثل پسر در حال طفل بودی و در راندی و بدو  
مِنْ عَمَلِهِمْ سِنِينَ ۳۰ وَفَعَلْتَ فَعَلْتَكِ الْتِي فَعَلْتَ وَأَنْتَ مِنَ الْكَافِرِينَ ۳۱  
از عمر خود سالها و کردی آن کرده خود را که کردی حال آنکه تو از ناسپاسان  
از عمر خود سالها و کردی آن کرده خود را که کردی حال آنکه تو از ناسپاسان  
قَالَ فَعَلْتُهَا إِذْ أَوْأَنَا مِنَ الضَّالِّينَ ۳۲ فَفَرَرْتُ مِنْهُمْ لَمَّا خِفْتُهُمْ فَمَا جَافِي ۳۳  
گفت کردم بنی کردار آنگاه و من از گمراهان بودم پس برنجیم از پیش شما چون ترسم از عقوبت شما پس  
گفت موسی کردم بن کار را آن وقت در حینکه در حال گمراهان بودم پس فرستم از شما چون ترسم از عقوبت شما پس  
لِي بَنِي حُكَمَا وَجَعَلْنِي مِنَ الْمُرْسَلِينَ ۳۴ وَتِلْكَ نِعْمَةٌ تَمُنُّهَا عَلَيَّ اَنْ  
مرا پروردگار من دانش و سادگی را از پناهیبران و آید این نفعی است که منت می کنی بر من که  
مرا ب من حکم و مقرر نمود مرا از مرسلین و آن نعمت است که منت می کنی بر من که  
حَكَمْتُ بَيْنَ بَنِي إِسْرَءِيلَ ۳۵ قَالَ فَرْعَوْنُ وَمَا رَبُّ الْعَالَمِينَ ۳۶ قَالَ رَبُّ السَّمَوَاتِ  
بنده گرفتی بنی اسرائیل را گفت فرعون و چیست پروردگار عالمیان گفت موسی پروردگار آسمان  
تمام ساحلی بنی اسرائیل را گفت فرعون چیست رب عالمیان گفت (موسی) پروردگار آسمان با



وَالْأَرْضِ مَا بَيْنَهُمَا إِنْ كُنْتُمْ مُوقِنِينَ ١٥ قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْتَمِعُونَ

وَأَنَّهُمْ يَرْجِعُونَ ١٦ قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْمَعُونَ ١٧ قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْمَعُونَ ١٨ قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْمَعُونَ ١٩

قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْمَعُونَ ٢٠ قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْمَعُونَ ٢١ قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْمَعُونَ ٢٢

قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْمَعُونَ ٢٣ قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْمَعُونَ ٢٤ قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْمَعُونَ ٢٥

قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْمَعُونَ ٢٦ قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْمَعُونَ ٢٧ قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْمَعُونَ ٢٨

قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْمَعُونَ ٢٩ قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْمَعُونَ ٣٠ قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْمَعُونَ ٣١

قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْمَعُونَ ٣٢ قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْمَعُونَ ٣٣ قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْمَعُونَ ٣٤

قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْمَعُونَ ٣٥ قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْمَعُونَ ٣٦ قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْمَعُونَ ٣٧

قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْمَعُونَ ٣٨ قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْمَعُونَ ٣٩ قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْمَعُونَ ٤٠

قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْمَعُونَ ٤١ قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْمَعُونَ ٤٢ قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْمَعُونَ ٤٣

قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْمَعُونَ ٤٤ قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْمَعُونَ ٤٥ قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْمَعُونَ ٤٦

قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْمَعُونَ ٤٧ قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْمَعُونَ ٤٨ قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْمَعُونَ ٤٩

قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْمَعُونَ ٥٠ قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْمَعُونَ ٥١ قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْمَعُونَ ٥٢

قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْمَعُونَ ٥٣ قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْمَعُونَ ٥٤ قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْمَعُونَ ٥٥

قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْمَعُونَ ٥٦ قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْمَعُونَ ٥٧ قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْمَعُونَ ٥٨

قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْمَعُونَ ٥٩ قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْمَعُونَ ٦٠ قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْمَعُونَ ٦١

قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْمَعُونَ ٦٢ قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْمَعُونَ ٦٣ قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْمَعُونَ ٦٤

قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْمَعُونَ ٦٥ قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْمَعُونَ ٦٦ قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْمَعُونَ ٦٧

قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْمَعُونَ ٦٨ قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْمَعُونَ ٦٩ قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْمَعُونَ ٧٠

قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْمَعُونَ ٧١ قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْمَعُونَ ٧٢ قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْمَعُونَ ٧٣

قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْمَعُونَ ٧٤ قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْمَعُونَ ٧٥ قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْمَعُونَ ٧٦

قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْمَعُونَ ٧٧ قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْمَعُونَ ٧٨ قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْمَعُونَ ٧٩

قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْمَعُونَ ٨٠ قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْمَعُونَ ٨١ قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْمَعُونَ ٨٢

قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْمَعُونَ ٨٣ قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْمَعُونَ ٨٤ قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْمَعُونَ ٨٥

قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْمَعُونَ ٨٦ قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْمَعُونَ ٨٧ قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْمَعُونَ ٨٨

قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْمَعُونَ ٨٩ قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْمَعُونَ ٩٠ قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْمَعُونَ ٩١

عنه فرعون و...  
والله اعلم  
مسلما برهم زنديرا  
البحر اكرهه والى فوجوا  
براهموا منان موسى  
عليه السلام راسيت  
وانه كذا كذا كذا  
مى شخوذا كذا موسى  
مضاج مبرود و...  
مى كذا كذا كذا  
تدقيق ميكند كذا  
من ويگرى مبرود و...  
ان و...  
عنه حضرت موسى  
عليه السلام همان سخن  
را بيان نموده حضرت  
ابراهيم عليه السلام  
آخريه و...  
مى كذا كذا كذا  
است تدبير طلوع و...  
غروب چهره سيارت  
را مطابق يك نظام حكم  
و استوارى نمايد اگر  
شاكى عقل و...  
باشيد كذا كذا  
كذا كذا كذا  
نظام نظريات ان جز  
خدايگرى نيست آيا  
كسى قدرت و قوت دار  
كدر نظام برپا كند  
او براى يك شايه خلل  
اندازد و با تدين كند  
فرعون چون اين سخن  
آخري را شنيد بهوت  
گفت و...  
مى كذا كذا كذا  
و توبيه آنا كند  
چنانكه مدينى كند  
حضرت شاه صاحب  
مى كذا كذا كذا  
موسى براى نشان  
دادن قدرت خدايان  
يك سخن را بجا آورد  
مى كذا كذا كذا  
انهاى حال فرعون



ع بعض علامه

ب بار اگر در بعض

فرون است قسیم

گرفتند بی قسم به اقبال

فرون که آقا غالب

عنه شیخ ابرو

است آن صورت های

دارد که اسرار خودند

عصای موسی یکدم فرو

بردند بر آسمانها

عصاها بصورت اصلی

باقیاند سه موسی

استاد بزرگ شمس

شما این خود سازش

نموده اند که چنان کن

و چنین میگویم حضرت

شاه صاحب فیض

که فرعون اند

کلیکم را بر

در باب اطلاق

نموده و مقصدش

این است که موسی و

شماره گردان یک

مبتدی و التعلیم

لله بر حال ی

و بجزر عذار حقین

اگر این طریق بودیم

در جبهه شهادت میایم

تا این مطالب در

سوره اعراف و

گذشته است در اینجا

مطالعه شود

بالکتابک مدد در

ازید فرعون شیخ الفیوم

گردیده آیات الهی

نشان داده شد

ترقی را بدین وقت د

دست از اینها

اسرائیل کشید پس

ای موسی حکم دادیم که

قوم خود اگر فتنه در

انهای شب از اینجا

هجرت کنید آگاه

باشید که فرعون

به نقاب شاعرانه

برداشت مکرر

و پریشان نشود ۱۲

اِنَّا لَنَحْنُ الْغَالِبُونَ ۱۱ فَاَلْقَىٰ مُوسَىٰ عَصَاهُ فَاِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ ۱۲

پس انداخت موسی عصا را پس ناگهان و سه ذری بود آنچه و غباری میکردند

پس انداخت موسی عصای خود را پس همانم او ذری بود آنچه فرو کرده بودند

پس انداختند و انداختند عصا را پس انداختند و انداختند عصا را پس انداختند و انداختند

پس انداختند و انداختند عصا را پس انداختند و انداختند عصا را پس انداختند و انداختند

پس انداختند و انداختند عصا را پس انداختند و انداختند عصا را پس انداختند و انداختند

پس انداختند و انداختند عصا را پس انداختند و انداختند عصا را پس انداختند و انداختند

پس انداختند و انداختند عصا را پس انداختند و انداختند عصا را پس انداختند و انداختند

پس انداختند و انداختند عصا را پس انداختند و انداختند عصا را پس انداختند و انداختند

پس انداختند و انداختند عصا را پس انداختند و انداختند عصا را پس انداختند و انداختند

پس انداختند و انداختند عصا را پس انداختند و انداختند عصا را پس انداختند و انداختند

پس انداختند و انداختند عصا را پس انداختند و انداختند عصا را پس انداختند و انداختند

پس انداختند و انداختند عصا را پس انداختند و انداختند عصا را پس انداختند و انداختند

پس انداختند و انداختند عصا را پس انداختند و انداختند عصا را پس انداختند و انداختند

پس انداختند و انداختند عصا را پس انداختند و انداختند عصا را پس انداختند و انداختند

پس انداختند و انداختند عصا را پس انداختند و انداختند عصا را پس انداختند و انداختند

پس انداختند و انداختند عصا را پس انداختند و انداختند عصا را پس انداختند و انداختند

پس انداختند و انداختند عصا را پس انداختند و انداختند عصا را پس انداختند و انداختند

پس انداختند و انداختند عصا را پس انداختند و انداختند عصا را پس انداختند و انداختند

پس انداختند و انداختند عصا را پس انداختند و انداختند عصا را پس انداختند و انداختند

پس انداختند و انداختند عصا را پس انداختند و انداختند عصا را پس انداختند و انداختند

پس انداختند و انداختند عصا را پس انداختند و انداختند عصا را پس انداختند و انداختند

پس انداختند و انداختند عصا را پس انداختند و انداختند عصا را پس انداختند و انداختند

پس انداختند و انداختند عصا را پس انداختند و انداختند عصا را پس انداختند و انداختند

پس انداختند و انداختند عصا را پس انداختند و انداختند عصا را پس انداختند و انداختند

پس انداختند و انداختند عصا را پس انداختند و انداختند عصا را پس انداختند و انداختند

پس انداختند و انداختند عصا را پس انداختند و انداختند عصا را پس انداختند و انداختند

پس انداختند و انداختند عصا را پس انداختند و انداختند عصا را پس انداختند و انداختند











لَتَكُونَنَّ مِنَ السَّارِجِينَ ١٥ قَالَ رَبِّ اِنَّ قَوْمِي كَذَّبُون ١٦ فَافْتَحْ

الجنة لى از سلسله ساريجان گفت ای پروردگار من هر آینه قوم من دروغ میگویند و من را

بَلِّغْنِي وَبَلِّغَهُمْ فَتَحْنَا وَنَجَّيْنِي وَمَنْ مَعِيَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ١٧ فَانْجِئْنَاهُ وَ

میان من و میان ایشان بفصل کردن عظیم و خلاص کن مرا و آنرا که همراه من انداز مشایمان پس نجات دادیم او را و

مَنْ مَعَهُ فِي لَفْلَكِ الْمَشْحُون ١٨ ثُمَّ اخْرَجْنَا بَعْدَ الْبَقِيَّةِ ١٩ اِنْ فِي

آنرا که همراه او بود و در لطفی پر کرده شده باز عرق ساقیم بعد از آن باقی ماندگان را هر آینه درین

ذَلِكَ آيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ٢٠ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ

اجرا نشان است و نیستند اکثر ایشان مسلمانان و هر آینه پروردگار تو همان است غالب

الرَّحِيمُ ٢١ كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهُ إِذِ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ هُودُ أَلَا

همایان دروغ میگویند و داشتند قبیله عاد پیش از ایشان را چون گفت بایشان برادر ایشان هود آیا

تَقْوُونَ ٢٢ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ٢٣ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاطِيعُونَ ٢٤ وَمَا

ای ترسید هر آینه من برای شما پیغامبر بالاسم پس ترسید از خدا و فرمانرواری من کنید

أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجَرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ٢٥ أَتَبْكُونَ

سوال می کنم از شما بر بلیغ رسالت هیچ مزدی نیست مزد من مگر بر پروردگار عالمیان آیا عمارت می کنید بهر

بَلْ رِيعَ آيَةٍ تَعْبَثُونَ ٢٦ وَتُبْخَذُونَ ٢٧ مَصَالِحَ لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ ٢٨ وَإِذَا

بلندی علامتی بیفایده مشغول شده و بسیار زیاده طلبی استوار گویا جادید خواهید داد و چون

بَطِشْتُمْ بَطِشْتُمْ جَبَّارِينَ ٢٩ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاطِيعُونَ ٣٠ وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي

دست می کشد بر دستهای کافران استغفار شده پس ترسید از خدا و فرمانرواری من کنید و ترسید از کسی که

أَمَلَكُمْ بِهَا تَعْمَلُونَ ٣١ أَمَلَكُمْ بِأَنْعَامٍ وَبَيْنَ ٣٢ وَجَنَّتْ وَعَمِيُونَ ٣٣

امداد کرده شما را با آنچه می دانید امداد کرده شما را بچهار پایان و پیران و با غنای و حیوانات

إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ٣٤ قَالُوا اسْوَأُ عَلَيْنَا وَعَظَمْتَ أَمَلَكُمْ

ای پر آینه من می ترسم بر شما از عذاب روز بزرگ عه گفتند ایسان است بر ما که بپند داری یا نه با کسی

تَنْكُرُ مِنْ أَوْ أَعْظَمِينَ ٣٥ إِنْ هَذَا إِلَّا خُلُقُ الْأَوَّلِينَ ٣٦ وَمَا مَحْنُكُمْ مَعَدَّيْنِ ٣٧

از پند دهنده گان نیست این مگر عادت پیشینیان و تیم ما عذاب کرده شدگان

فَكَذَّبُوهُ فَأَهْلَكَنَّهُمْ إِنْ فِي ذَلِكَ آيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ٣٨

پس دروغ میگویند و داشتند دشمنی پس با کسی عظیم ایشان را هر آینه درین اجرا نشان است و نبودند اکثر ایشان مسلمانان

در این آیه اجداد پیشین است با هیچ صورت از آن باز نمی آید و نه به تهدیدات عذاب تلفت میشود ۱۲

تفسیر عثمان  
طایفه قوم عاد بنام  
تجارت از آن حاصل می  
شد شوق زیاد  
داشتند و عمارات  
بود و با شوقش را  
به گفتن زیاد آباد  
می کردند و در آن  
مضامین بزرگ مشغول  
را با برده پول  
عزیزان حاصل می کردند  
گویا چنان می بیند که  
با کمال تهاجد و دان  
میشدند این عمارات  
و یاد که با دانه را  
می خورد بیک امر در  
از آنرا و فرایه  
آنها را باقی نماند  
است عهده یاد نور  
کمی می کشد که این نعمت  
بای گوشتان را بشنا  
از آن می فرموده است  
آیا بر سر شما هیچ حق  
ندارد و اگر این خدمت  
در کشتی شما و امثال  
مراد از این است  
که بسیار است اما قوام  
سابق در عذاب شد  
که فرستاده شد و بلیغ  
بپند و بصیرت را ادا  
کردم شما را انجام خود  
بپند و بصیرت را ادا  
توبه نمانده است  
این جادوی تو بر ما  
تا شری نماند از تو  
الایم این طریقت  
و ستوری جاری است  
که چند شخص خود را  
بپند و بصیرت خود را  
را از عذاب می رساند  
سلسله از این مردان  
که از قدیم الایام جریان  
دارد از آن ملامت  
در ظاهر نیست و در حق  
مرا حق



تقر عثمانی  
عہد قیامی پیر ایبر  
کر ازین عشق و  
آرام دیا نیا ۱۸  
دوبستان ۱۱  
چشما و ادا لذت  
اندوز خواہد بود  
پیر از ان خانہ بائے  
پیر لعل تریا نیک  
کوہ ہار اتر شیدہ آتہا  
بر پاکوہ دایا نیا  
بناہ دایا نیک آیین  
عشرت حکم و عین شارا  
از عذاب خدا سزاوار  
خواہد بود و یاید این جور  
خام را از سر غور بکشید  
و لا خدای قوی تر سید  
سخن مرا بہر سر و پیر  
برای خیر و بہبود شا  
ہی گویم عہد اگر تو  
پیغمبری و نسبت ما  
درین مسئلہ قوی  
خدا بگو چنان آتی  
برماناید کہ از دیدن  
آن نام نہ یکنیم  
سپس فراموش گوید  
کہ دین ملک یک  
دادہ شتر بر آ کر حق  
و چنین باشد حضرت  
صالح و کارہ حق  
توئے بقدرت کلا  
خدا این لٹ ان  
عمر و داند و فرود  
دست در موضع القرون  
آمدہ است و قد  
خدای قوی را شہای  
حضرت صالح شتر  
دادہ از سنگ پدید  
آمد و آزادی گشت  
۸  
چلی کربلا  
برین دوشی  
برای نوشتن ۱۹  
اب ہرست ۱۳  
واشی از دم خورہ  
دری گشت خورہ  
نہی قرارہ دادہ شد کہ  
لٹ بگذر شتر دادہ  
عوض آب برود

وَلَا يَرْبِكُ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ۝ كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهُ إِذِ

و سزاوایند بفرود کار و پنهان گشت غائب مهربان  
و سزاوایند (ب) تو دوست غائب مهربان

قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ حَالِدُ بْنُ الْفَقْعَانِ ۖ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ۝ (٣)

گفت بایران برادر ایشان صاحب آیتامی ترسید  
گفت بایران برادر ایشان صاحب آیتامی ترسید

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا ۖ وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى

پس تبرید از خداد فرایندی من گنبد و سوال بی گنم از شما بر مبنای رسالت هیچ مزدی نیست مزد من مگر بر  
پس تبرید از الله و زمان برید مرا و بی خواهم از شما بر مبنای رسالت هیچ مزدی نیست مزد من مگر بر

رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٥﴾ أَتَشْكُرُونَ فِي مَا هُمْنَا أَمِينٌ ﴿٦﴾ فَرِحْتُمْ بِهَا وَيَسِّرَ اللَّهُ لَكُمُ الْيُسْرَى ﴿٧﴾

مردود و همکاران یا این نگاشته خواهد شد در آنچه انجاست  
مردود و همکاران یا این نگاشته خواهد شد در آنچه انجاست

وَنُخْلِ طَلْعَهَا هُضِيمًا ۖ وَتُنْجِثُونَ مِنَ الْجِمَالِ يَوْمَئِذٍ

و کشتی و غارتی که شد و آن نازک است و در تراشید از کوه خان  
و کشتی و غارتی که شد و آن نازک است و در تراشید از کوه خان

فَإِذْ يَخُوفُونَ ۖ فَلْيَقُوْا اللَّهَ وَأَطِيعُوْا ۖ وَلَا تَطِيعُوْا أَمْرَ النَّاسِ فَلَئِنْ

آشکار شده پس بترسد از خدا و فراموشداری من کشید  
در حالیکه با مردم ترسد از ایشان و فراموشد از خدا

الَّذِينَ يَفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أَصْحَابُهَا أَصْحَابُهَا ۚ أُولَٰئِكَ هُمُ الرُّسُوفُ ۚ

۲۲۲ خاکی لنگه در زمین و اصلاح نمی نمایند گفتن جز این نیست که نواز جادو و دکانی

انت لا تشككتنا انك يا ابي انا كنا في الصدقة

فستق کو عرادی آشتیا پس بپارفتند اگر از راست گویایی گفت این

١٥

ماہ حضرت ویرا ایک نویت گپ خوردن مست و طیارا توین دوزے عین و وصیت و رسانند ادر البیقریت کران لقاہ در گریز مشمارا

سورۃ المائدہ ص ۱۸۸

عذاب روز بزرگ پس در آن روز است که پشیمان پس در گرفت ایشانرا عذاب

عذاب رور بدست خود پس سینه دروایان پشیمان پس گشت ایشان را عذاب

بر آئینه درین آجران است و بنود پیشین ایشان سلمانان و بر آئینه پروردگار گویان است

در این کتاب که در این کتاب است و در این کتاب است و در این کتاب است

غالب هرمان در جبهه میروند قوم لوط میمانند را چون گفت بایشان برادر ایشان

باب هرمان      سندیب در قد      خرم لوط پیغمبران را      و کتیک لغت بایست      برادرش کن

لوہ کیا ہی کر سید  
ہر آئینہ میں برائے شہنا بچا میرا نا لکھ  
پس بترسد از خدا و زمان من بربد

لوٹ آیا تھی ترسید (مہر آئینہ) من مرائے شاعرانہ کام پس بتہ سید از اللہ و فرمان برید مرا



وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ٥

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ٥

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ٥

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ٥

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ٥

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ٥

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ٥

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ٥

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ٥

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ٥

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ٥

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ٥

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ٥

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ٥

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ٥

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ٥

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ٥

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ٥

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ٥

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ٥

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ٥

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ٥

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ٥

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ٥

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ٥

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ٥

عنه درین مقام  
مردمان جهان محض  
مردمان احمد شجوت  
رانی خود قرار داده اند  
و با یکدیگر در میان یافتن  
آن حق تنها شکر است  
این فعل رشت می شود  
عنه این وعده و نعت  
را بگذارد اگر آید به  
اراد این گفتار خود  
ازین خودی هر آینه  
تر ازین شهر بیرون  
می گنیم قریه با  
آنان را خلع کردیم  
و از آسمان سنگ باران  
نمودیم تا بیک توده  
خاک گردیده و دفن آنها  
هم مفعله در اعراض  
و غیره گذشت  
این کینه میباید کرد  
با اصحاب بیکه  
عبادت از همان قوم  
مدین است - بیکه  
در حق خود که این مردم  
آزادی پرستند  
بیان نسبت  
اصحاب الایک  
نامیده شده اند  
برین شعبه را بیک  
افزودیم تا تغییر نفوذ  
زیر که اوت اینبار  
محض بر تعلقات قوی  
و نبی زیاده داشت  
اگر مدین گفتی  
شد البته کلام افهم  
موندن می بود چون  
بخوان اصحاب الایک  
یاد شدند که اشاره  
به نسبت مذمبی آنها  
ست لهذا افهم  
نامیدن شما نشان  
حضرت شعبه بود  
بر همان مدین هو  
اصحاب الایک یک  
قوم است و شعیب  
بطین بین قوم بوث







وَمَا تَزَلْ بِهِ الشَّيَاطِينُ ١٩ وَمَا يَنْبَغِي لَهُمْ وَمَا يَسْتَظِعُونَ ٢٠ إِنَّهُمْ

و فرود نیارند نزد قرآن را شیطانان و سزاوار نیست ایشان را و نمی توانند (هر آینه) ایشان

عَنِ السَّمْعِ لَمْعًا ٢١ فَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ ٢٢ كُونْ مِنْ

از شنیدن دور گردانند و پس بخوان با خدا معبود دیگری را نگاه باشی از

الْمَعْدِلِينَ ٢٣ وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ ٢٤ وَاخْفُضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ

غلاب گردان و بیم کن قبیله خود را و بگفت کن باز دانه خود را و بر آن آنگاه

تَبْعًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ٢٥ فَإِنْ عَصَوْكَ فَقُلْ إِنِّي بَرِحْتُ مِمَّا تَعْمَلُونَ ٢٦

پیروی و گردان از مسلمانان پس اگر نافرمانی کنند پس بگو بر آئینه من بے شکم از آنچه شما می کنید

وَتَوَكَّلْ عَلَىٰ تَعْزِيزِ الرَّحِيمِ ٢٧ الَّذِي يَرِيكَ حِينَ تَقُومُ ٢٨ وَتَقْلَبُ فِي

و توکل کن بر غالب مهربان آنکه می بیند ترا چون بر می خیزی یعنی وقت سجود و می بیند نشستن تو و در میان

السَّجْدِينَ ٢٩ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ٣٠ هَلْ أَنْبَعَكُمْ عَلَىٰ مَنْ نَزَّلَ

بگو که گمان داشت (هر آینه) آنکه در میان است شما و انا آیا خبر دهیم شمارا بر چه کسی فرود می آید

الشَّيَاطِينُ ٣١ تَنْزِيلٌ عَلَىٰ كُلِّ آفَاكٍ أَنْتُمْ ٣٢ يَكْفُونَ السَّمْعَ وَ أَكْثَرُ هُمْ

شیطانان فرودی آید بر هر ده و گوشتی که شمارا می انگشت سخن شنیده را و اکثر آنها

كَذِبُونَ ٣٣ وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ ٣٤ أَلَمْ تَرَأَهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ

در هر گویا باشند و شاعران پیروی ایشان می کنند گمراهان (شاعران را پیروی می کنند گمراهان) آیا ندیدی که ایشان در هر میدان

يَهْمُونَ ٣٥ وَاللَّهُ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ ٣٦ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا

سرگردان شوند و آنکه ایشان می گویند آنچه نمی کنند مگر آنکه ایمان آورده اند و عملها می

الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَانْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا ٣٧ وَسَيَعْلَمُ

شایسته گردند و ذکر خدا را بسیار و انتقام کشیدند بعد از آنکه مظلوم شدند و خواهند دانست

الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ ٣٨

تاکسان که کدام جا باد خواهند گشت

سَيُؤْتِيهِمْ اللَّهُ أَجْرًا خَالِدًا فِيهِ وَلَهُمْ فِيهِ يَرْجُونَ ٣٩

بنام خدا بخشایند مهربان

طَسَّ تِلْكَ آيَةُ الْقُرْآنِ وَكِتَابٍ مُبِينٍ ٤٠ هُدًى وَبُشْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ ٤١

اینها آیات قرآن و کتاب روشن است هدایت و بشارت است برای مسلمانان

این آیت های قرآن و کتاب روشن است هدایت و بشارت است برای مسلمانان

و ما تزل به الشیاطین و ما ینبغی لهم و ما یتظعون و فرود نیارند نزد قرآن را شیطانان و سزاوار نیست ایشان را و نمی توانند (هر آینه) ایشان از شنیدن دور گردانند و پس بخوان با خدا معبود دیگری را نگاه باشی از (معادلین) و اندر عشیره تیران اقربین و اخفض جناحک لمن غلاب گردان و بیم کن قبیله خود را و بگفت کن باز دانه خود را و بر آن آنگاه تبعاً من المؤمنین و ان عصوک فقل انی برحمتی مما تعملون و توکل علی تعزیز الرحیم الذی یریک حین تقوم و تقلب فی السجدين ان هو السميع العليم هل انبعکم علی من نزل الشیاطین و الشعراء یتبعهم الغاؤون ا لم ترأهم فی کل واد یمون و الله یقولون ما لا یفعلون الا الذین امنوا و عملوا الصالحات و ذکروا الله کثیرا و انتصروا من بعد ما ظلموا و سيعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون و سیتویهم الله اجرًا خالدًا فیہ و لهم فیہ یرجون طس تلك آية القرآن و کتاب مبین هدی و بشاری للمؤمنین اینها آیات قرآن و کتاب روشن است هدایت و بشارت است برای مسلمانان



فلما سئلوا عن كيد كيد  
 قد آتاهم من الله ما لم  
 يظنوا به ولا يخطر على  
 بالهم من قبله ولا يخطر  
 على بالهم من بعده  
 واما قوله تعالى  
 الذين آمنوا وادخلوا  
 الدار من حيث يريدون  
 فاعلموا انهم قد  
 فازوا بالثبات والبر  
 والبر هو الثبات على  
 الدين والبر هو الثبات  
 على الحق والبر هو  
 الثبات على الله والبر  
 هو الثبات على رسوله  
 والبر هو الثبات على  
 كتابه والبر هو الثبات  
 على سنته والبر هو  
 الثبات على ما امر به  
 ونهى عن

الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ وَاقُونَ  
 ٢٤٦  
 ٢٤٧  
 ٢٤٨  
 ٢٤٩  
 ٢٥٠  
 ٢٥١  
 ٢٥٢  
 ٢٥٣  
 ٢٥٤  
 ٢٥٥  
 ٢٥٦  
 ٢٥٧  
 ٢٥٨  
 ٢٥٩  
 ٢٦٠  
 ٢٦١  
 ٢٦٢  
 ٢٦٣  
 ٢٦٤  
 ٢٦٥  
 ٢٦٦  
 ٢٦٧  
 ٢٦٨  
 ٢٦٩  
 ٢٧٠  
 ٢٧١  
 ٢٧٢  
 ٢٧٣  
 ٢٧٤  
 ٢٧٥  
 ٢٧٦  
 ٢٧٧  
 ٢٧٨  
 ٢٧٩  
 ٢٨٠  
 ٢٨١  
 ٢٨٢  
 ٢٨٣  
 ٢٨٤  
 ٢٨٥  
 ٢٨٦  
 ٢٨٧  
 ٢٨٨  
 ٢٨٩  
 ٢٩٠  
 ٢٩١  
 ٢٩٢  
 ٢٩٣  
 ٢٩٤  
 ٢٩٥  
 ٢٩٦  
 ٢٩٧  
 ٢٩٨  
 ٢٩٩  
 ٣٠٠  
 ٣٠١  
 ٣٠٢  
 ٣٠٣  
 ٣٠٤  
 ٣٠٥  
 ٣٠٦  
 ٣٠٧  
 ٣٠٨  
 ٣٠٩  
 ٣١٠  
 ٣١١  
 ٣١٢  
 ٣١٣  
 ٣١٤  
 ٣١٥  
 ٣١٦  
 ٣١٧  
 ٣١٨  
 ٣١٩  
 ٣٢٠  
 ٣٢١  
 ٣٢٢  
 ٣٢٣  
 ٣٢٤  
 ٣٢٥  
 ٣٢٦  
 ٣٢٧  
 ٣٢٨  
 ٣٢٩  
 ٣٣٠  
 ٣٣١  
 ٣٣٢  
 ٣٣٣  
 ٣٣٤  
 ٣٣٥  
 ٣٣٦  
 ٣٣٧  
 ٣٣٨  
 ٣٣٩  
 ٣٤٠  
 ٣٤١  
 ٣٤٢  
 ٣٤٣  
 ٣٤٤  
 ٣٤٥  
 ٣٤٦  
 ٣٤٧  
 ٣٤٨  
 ٣٤٩  
 ٣٥٠  
 ٣٥١  
 ٣٥٢  
 ٣٥٣  
 ٣٥٤  
 ٣٥٥  
 ٣٥٦  
 ٣٥٧  
 ٣٥٨  
 ٣٥٩  
 ٣٦٠  
 ٣٦١  
 ٣٦٢  
 ٣٦٣  
 ٣٦٤  
 ٣٦٥  
 ٣٦٦  
 ٣٦٧  
 ٣٦٨  
 ٣٦٩  
 ٣٧٠  
 ٣٧١  
 ٣٧٢  
 ٣٧٣  
 ٣٧٤  
 ٣٧٥  
 ٣٧٦  
 ٣٧٧  
 ٣٧٨  
 ٣٧٩  
 ٣٨٠  
 ٣٨١  
 ٣٨٢  
 ٣٨٣  
 ٣٨٤  
 ٣٨٥  
 ٣٨٦  
 ٣٨٧  
 ٣٨٨  
 ٣٨٩  
 ٣٩٠  
 ٣٩١  
 ٣٩٢  
 ٣٩٣  
 ٣٩٤  
 ٣٩٥  
 ٣٩٦  
 ٣٩٧  
 ٣٩٨  
 ٣٩٩  
 ٤٠٠  
 ٤٠١  
 ٤٠٢  
 ٤٠٣  
 ٤٠٤  
 ٤٠٥  
 ٤٠٦  
 ٤٠٧  
 ٤٠٨  
 ٤٠٩  
 ٤١٠  
 ٤١١  
 ٤١٢  
 ٤١٣  
 ٤١٤  
 ٤١٥  
 ٤١٦  
 ٤١٧  
 ٤١٨  
 ٤١٩  
 ٤٢٠  
 ٤٢١  
 ٤٢٢  
 ٤٢٣  
 ٤٢٤  
 ٤٢٥  
 ٤٢٦  
 ٤٢٧  
 ٤٢٨  
 ٤٢٩  
 ٤٣٠  
 ٤٣١  
 ٤٣٢  
 ٤٣٣  
 ٤٣٤  
 ٤٣٥  
 ٤٣٦  
 ٤٣٧  
 ٤٣٨  
 ٤٣٩  
 ٤٤٠  
 ٤٤١  
 ٤٤٢  
 ٤٤٣  
 ٤٤٤  
 ٤٤٥  
 ٤٤٦  
 ٤٤٧  
 ٤٤٨  
 ٤٤٩  
 ٤٥٠  
 ٤٥١  
 ٤٥٢  
 ٤٥٣  
 ٤٥٤  
 ٤٥٥  
 ٤٥٦  
 ٤٥٧  
 ٤٥٨  
 ٤٥٩  
 ٤٦٠  
 ٤٦١  
 ٤٦٢  
 ٤٦٣  
 ٤٦٤  
 ٤٦٥  
 ٤٦٦  
 ٤٦٧  
 ٤٦٨  
 ٤٦٩  
 ٤٧٠  
 ٤٧١  
 ٤٧٢  
 ٤٧٣  
 ٤٧٤  
 ٤٧٥  
 ٤٧٦  
 ٤٧٧  
 ٤٧٨  
 ٤٧٩  
 ٤٨٠  
 ٤٨١  
 ٤٨٢  
 ٤٨٣  
 ٤٨٤  
 ٤٨٥  
 ٤٨٦  
 ٤٨٧  
 ٤٨٨  
 ٤٨٩  
 ٤٩٠  
 ٤٩١  
 ٤٩٢  
 ٤٩٣  
 ٤٩٤  
 ٤٩٥  
 ٤٩٦  
 ٤٩٧  
 ٤٩٨  
 ٤٩٩  
 ٥٠٠  
 ٥٠١  
 ٥٠٢  
 ٥٠٣  
 ٥٠٤  
 ٥٠٥  
 ٥٠٦  
 ٥٠٧  
 ٥٠٨  
 ٥٠٩  
 ٥١٠  
 ٥١١  
 ٥١٢  
 ٥١٣  
 ٥١٤  
 ٥١٥  
 ٥١٦  
 ٥١٧  
 ٥١٨  
 ٥١٩  
 ٥٢٠  
 ٥٢١  
 ٥٢٢  
 ٥٢٣  
 ٥٢٤  
 ٥٢٥  
 ٥٢٦  
 ٥٢٧  
 ٥٢٨  
 ٥٢٩  
 ٥٣٠  
 ٥٣١  
 ٥٣٢  
 ٥٣٣  
 ٥٣٤  
 ٥٣٥  
 ٥٣٦  
 ٥٣٧  
 ٥٣٨  
 ٥٣٩  
 ٥٤٠  
 ٥٤١  
 ٥٤٢  
 ٥٤٣  
 ٥٤٤  
 ٥٤٥  
 ٥٤٦  
 ٥٤٧  
 ٥٤٨  
 ٥٤٩  
 ٥٥٠  
 ٥٥١  
 ٥٥٢  
 ٥٥٣  
 ٥٥٤  
 ٥٥٥  
 ٥٥٦  
 ٥٥٧  
 ٥٥٨  
 ٥٥٩  
 ٥٦٠  
 ٥٦١  
 ٥٦٢  
 ٥٦٣  
 ٥٦٤  
 ٥٦٥  
 ٥٦٦  
 ٥٦٧  
 ٥٦٨  
 ٥٦٩  
 ٥٧٠  
 ٥٧١  
 ٥٧٢  
 ٥٧٣  
 ٥٧٤  
 ٥٧٥  
 ٥٧٦  
 ٥٧٧  
 ٥٧٨  
 ٥٧٩  
 ٥٨٠  
 ٥٨١  
 ٥٨٢  
 ٥٨٣  
 ٥٨٤  
 ٥٨٥  
 ٥٨٦  
 ٥٨٧  
 ٥٨٨  
 ٥٨٩  
 ٥٩٠  
 ٥٩١  
 ٥٩٢  
 ٥٩٣  
 ٥٩٤  
 ٥٩٥  
 ٥٩٦  
 ٥٩٧  
 ٥٩٨  
 ٥٩٩  
 ٦٠٠  
 ٦٠١  
 ٦٠٢  
 ٦٠٣  
 ٦٠٤  
 ٦٠٥  
 ٦٠٦  
 ٦٠٧  
 ٦٠٨  
 ٦٠٩  
 ٦١٠  
 ٦١١  
 ٦١٢  
 ٦١٣  
 ٦١٤  
 ٦١٥  
 ٦١٦  
 ٦١٧  
 ٦١٨  
 ٦١٩  
 ٦٢٠  
 ٦٢١  
 ٦٢٢  
 ٦٢٣  
 ٦٢٤  
 ٦٢٥  
 ٦٢٦  
 ٦٢٧  
 ٦٢٨  
 ٦٢٩  
 ٦٣٠  
 ٦٣١  
 ٦٣٢  
 ٦٣٣  
 ٦٣٤  
 ٦٣٥  
 ٦٣٦  
 ٦٣٧  
 ٦٣٨  
 ٦٣٩  
 ٦٤٠  
 ٦٤١  
 ٦٤٢  
 ٦٤٣  
 ٦٤٤  
 ٦٤٥  
 ٦٤٦  
 ٦٤٧  
 ٦٤٨  
 ٦٤٩  
 ٦٥٠  
 ٦٥١  
 ٦٥٢  
 ٦٥٣  
 ٦٥٤  
 ٦٥٥  
 ٦٥٦  
 ٦٥٧  
 ٦٥٨  
 ٦٥٩  
 ٦٦٠  
 ٦٦١  
 ٦٦٢  
 ٦٦٣  
 ٦٦٤  
 ٦٦٥  
 ٦٦٦  
 ٦٦٧  
 ٦٦٨  
 ٦٦٩  
 ٦٧٠  
 ٦٧١  
 ٦٧٢  
 ٦٧٣  
 ٦٧٤  
 ٦٧٥  
 ٦٧٦  
 ٦٧٧  
 ٦٧٨  
 ٦٧٩  
 ٦٨٠  
 ٦٨١  
 ٦٨٢  
 ٦٨٣  
 ٦٨٤  
 ٦٨٥  
 ٦٨٦  
 ٦٨٧  
 ٦٨٨  
 ٦٨٩  
 ٦٩٠  
 ٦٩١  
 ٦٩٢  
 ٦٩٣  
 ٦٩٤  
 ٦٩٥  
 ٦٩٦  
 ٦٩٧  
 ٦٩٨  
 ٦٩٩  
 ٧٠٠  
 ٧٠١  
 ٧٠٢  
 ٧٠٣  
 ٧٠٤  
 ٧٠٥  
 ٧٠٦  
 ٧٠٧  
 ٧٠٨  
 ٧٠٩  
 ٧١٠  
 ٧١١  
 ٧١٢  
 ٧١٣  
 ٧١٤  
 ٧١٥  
 ٧١٦  
 ٧١٧  
 ٧١٨  
 ٧١٩  
 ٧٢٠  
 ٧٢١  
 ٧٢٢  
 ٧٢٣  
 ٧٢٤  
 ٧٢٥  
 ٧٢٦  
 ٧٢٧  
 ٧٢٨  
 ٧٢٩  
 ٧٣٠  
 ٧٣١  
 ٧٣٢  
 ٧٣٣  
 ٧٣٤  
 ٧٣٥  
 ٧٣٦  
 ٧٣٧  
 ٧٣٨  
 ٧٣٩  
 ٧٤٠  
 ٧٤١  
 ٧٤٢  
 ٧٤٣  
 ٧٤٤  
 ٧٤٥  
 ٧٤٦  
 ٧٤٧  
 ٧٤٨  
 ٧٤٩  
 ٧٥٠  
 ٧٥١  
 ٧٥٢  
 ٧٥٣  
 ٧٥٤  
 ٧٥٥  
 ٧٥٦  
 ٧٥٧  
 ٧٥٨  
 ٧٥٩  
 ٧٦٠  
 ٧٦١  
 ٧٦٢  
 ٧٦٣  
 ٧٦٤  
 ٧٦٥  
 ٧٦٦  
 ٧٦٧  
 ٧٦٨  
 ٧٦٩  
 ٧٧٠  
 ٧٧١  
 ٧٧٢  
 ٧٧٣  
 ٧٧٤  
 ٧٧٥  
 ٧٧٦  
 ٧٧٧  
 ٧٧٨  
 ٧٧٩  
 ٧٨٠  
 ٧٨١  
 ٧٨٢  
 ٧٨٣  
 ٧٨٤  
 ٧٨٥  
 ٧٨٦  
 ٧٨٧  
 ٧٨٨  
 ٧٨٩  
 ٧٩٠  
 ٧٩١  
 ٧٩٢  
 ٧٩٣  
 ٧٩٤  
 ٧٩٥  
 ٧٩٦  
 ٧٩٧  
 ٧٩٨  
 ٧٩٩  
 ٨٠٠  
 ٨٠١  
 ٨٠٢  
 ٨٠٣  
 ٨٠٤  
 ٨٠٥  
 ٨٠٦  
 ٨٠٧  
 ٨٠٨  
 ٨٠٩  
 ٨١٠  
 ٨١١  
 ٨١٢  
 ٨١٣  
 ٨١٤  
 ٨١٥  
 ٨١٦  
 ٨١٧  
 ٨١٨  
 ٨١٩  
 ٨٢٠  
 ٨٢١  
 ٨٢٢  
 ٨٢٣  
 ٨٢٤  
 ٨٢٥  
 ٨٢٦  
 ٨٢٧  
 ٨٢٨  
 ٨٢٩  
 ٨٣٠  
 ٨٣١  
 ٨٣٢  
 ٨٣٣  
 ٨٣٤  
 ٨٣٥  
 ٨٣٦  
 ٨٣٧  
 ٨٣٨  
 ٨٣٩  
 ٨٤٠  
 ٨٤١  
 ٨٤٢  
 ٨٤٣  
 ٨٤٤  
 ٨٤٥  
 ٨٤٦  
 ٨٤٧  
 ٨٤٨  
 ٨٤٩  
 ٨٥٠  
 ٨٥١  
 ٨٥٢  
 ٨٥٣  
 ٨٥٤  
 ٨٥٥  
 ٨٥٦  
 ٨٥٧  
 ٨٥٨  
 ٨٥٩  
 ٨٦٠  
 ٨٦١  
 ٨٦٢  
 ٨٦٣  
 ٨٦٤  
 ٨٦٥  
 ٨٦٦  
 ٨٦٧  
 ٨٦٨  
 ٨٦٩  
 ٨٧٠  
 ٨٧١  
 ٨٧٢  
 ٨٧٣  
 ٨٧٤  
 ٨٧٥  
 ٨٧٦  
 ٨٧٧  
 ٨٧٨  
 ٨٧٩  
 ٨٨٠  
 ٨٨١  
 ٨٨٢  
 ٨٨٣  
 ٨٨٤  
 ٨٨٥  
 ٨٨٦  
 ٨٨٧  
 ٨٨٨  
 ٨٨٩  
 ٨٩٠  
 ٨٩١  
 ٨٩٢  
 ٨٩٣  
 ٨٩٤  
 ٨٩٥  
 ٨٩٦  
 ٨٩٧  
 ٨٩٨  
 ٨٩٩  
 ٩٠٠  
 ٩٠١  
 ٩٠٢  
 ٩٠٣  
 ٩٠٤  
 ٩٠٥  
 ٩٠٦  
 ٩٠٧  
 ٩٠٨  
 ٩٠٩  
 ٩١٠  
 ٩١١  
 ٩١٢  
 ٩١٣  
 ٩١٤  
 ٩١٥  
 ٩١٦  
 ٩١٧  
 ٩١٨  
 ٩١٩  
 ٩٢٠  
 ٩٢١  
 ٩٢٢  
 ٩٢٣  
 ٩٢٤  
 ٩٢٥  
 ٩٢٦  
 ٩٢٧  
 ٩٢٨  
 ٩٢٩  
 ٩٣٠  
 ٩٣١  
 ٩٣٢  
 ٩٣٣  
 ٩٣٤  
 ٩٣٥  
 ٩٣٦  
 ٩٣٧  
 ٩٣٨  
 ٩٣٩  
 ٩٤٠  
 ٩٤١  
 ٩٤٢  
 ٩٤٣  
 ٩٤٤  
 ٩٤٥  
 ٩٤٦  
 ٩٤٧  
 ٩٤٨  
 ٩٤٩  
 ٩٥٠  
 ٩٥١  
 ٩٥٢  
 ٩٥٣  
 ٩٥٤  
 ٩٥٥  
 ٩٥٦  
 ٩٥٧  
 ٩٥٨  
 ٩٥٩  
 ٩٦٠  
 ٩٦١  
 ٩٦٢  
 ٩٦٣  
 ٩٦٤  
 ٩٦٥  
 ٩٦٦  
 ٩٦٧  
 ٩٦٨  
 ٩٦٩  
 ٩٧٠  
 ٩٧١  
 ٩٧٢  
 ٩٧٣  
 ٩٧٤  
 ٩٧٥  
 ٩٧٦  
 ٩٧٧  
 ٩٧٨  
 ٩٧٩  
 ٩٨٠  
 ٩٨١  
 ٩٨٢  
 ٩٨٣  
 ٩٨٤  
 ٩٨٥  
 ٩٨٦  
 ٩٨٧  
 ٩٨٨  
 ٩٨٩  
 ٩٩٠  
 ٩٩١  
 ٩٩٢  
 ٩٩٣  
 ٩٩٤  
 ٩٩٥  
 ٩٩٦  
 ٩٩٧  
 ٩٩٨  
 ٩٩٩  
 ١٠٠٠

عالمنا هذا كله متبعي يشهدون ان لا اله الا الله محمد رسول الله صلى الله عليه وسلم



عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ ٥ وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَ الْخَمْدُ لِلَّهِ

آفریدار مفسدان و آفریدار داورم داود و سلیمان را علم و گفتند سبایش آن خدا را است

الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ ٦ وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ

که فضل ما را بر بسیاری از بندگانش مؤمنان و وراثت شد سلیمان داود را

وَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ عُطِبْنَا مِنْ طَيْرٍ وَأَوْتِينَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ ٧ إِنَّ

و گفت ای مردم ما را از طایر عطا شد و ما را از هر چیز دادند و ما را از هر چیز

هَذَا هُوَ الْفَضْلُ الْبَیِّنُ ٨ وَحَسْبُ لِسُلَيْمَانَ جُودُهُ ٩ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ

این است فضل آشکار و بهر آفریده شد بر او سلیمان لشکر بانی او از جن و آدمیان

وَالطَّيْرِ فَهُمْ يُوزَعُونَ ١٠ حَتَّىٰ إِذَا أَتَوْا عَلَىٰ وَادٍ مُّثَلٍّ ١١ قَالَتْ ثَغُلَةٌ يَا أَيُّهَا

در طایر پس این جماعت را تار میدان بعضی استاده کرده می شدند و تکیه بر سر نه میدانان موران گفت مورچه ای

الْمَثَلُ ادْخُلُوا مَنَاسِكُكُمْ لَا يَحْطِطُكُمْ سُلَيْمَانُ وَجُودُهُ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ١٢

مورچگان در آمدند بجای نهاده خود را در هم شکستند سلیمان و لشکر بانی او در هر جا که ایشان نداشتند

فَتَبَسَّ ضَاحِكًا مِّنْ قَوْلِهَا وَقَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي

پس خندان لبخند کرد از گفتار مورچه و گفت ای پروردگار من الهام کن که مرا که شکر این نعمت تو کنم که

نَعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ ١٣ وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ

نام کرده باشی بر پدر و مادر من و الهام کن مرا که بجا آورم کرد از شایسته که فرستاده شوی بآن و در آورم بر نعمت خود

فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ ١٤ وَتَفَقَّدَ الطَّيْرُ فَقَالَ مَا لِيَ لَا أَرَىٰ لِهَذَا هَذَا

در از راه بندگان شایسته خویش و باز جست احوال مرغان پس گفت چیست بمن که نمی بینم به بند را

أَمْ كَانُ مِنَ الْغَائِبِينَ ١٥ لَّا عُدُّ بُنَىٰ عَبْدًا أَبًا شَدِيدًا أُولَادًا حَتَّىٰ تَبْلُغُوا

یاست از غایب شده گان و آفریدار علمت کنم او را عقوبت سخت یا تو منم او را باین مت که بسیار می بینم

سُلْطٰنٌ مُّبِينٌ ١٦ فَتَنَّتْ غَيْرُ بَعِيدٍ فَقَالَ أَحَطْتُ بِمَا لَمْ تَحْطُ بِهِ ١٧ وَ

تسلط ظاهر و روشن پس درنگ کرد و بعد از آن در از چون حاضر شد پس گفت احاطه کرده ام به آن سلطانی که تو احاطه نداشتی

حَتَّىٰ تَكُونَ مِنْ سِبَاكِنَا يَاقِينُ ١٨ إِنِّي وَجَدْتُ تُرَاثًا تَرَكْتُهُمْ وَأَوْتِيْتُ

تا آنکه باشی از سبای من یقین را و آفریدار من یافتم زنی را که پادشاهی می کند بر ایشان و داده شده است او را

مِنْ كُلِّ شَيْءٍ ١٩ وَلَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ ٢٠ وَجَدْتُهَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ

از هر چیز هر نعمتی داد او را و پادشاهی بزرگ یافت او و قوم او سجده می کنند

عنه برای اینکه  
چشمهانی ایشان  
از او شود و عقاب را  
از او بداند ایشان را  
و توانا و قوت مجرب را  
ایشان داده می شد  
ایشان می پنداشتند  
که این همه جادو است  
و آنکه بدل یقین  
داشتند که موسی  
علیه السلام صادق  
است و آیا ایشان  
میدانند یا نه جزای  
خداست جادو  
و مشبه نیست مگر  
بعضی از این انصافی  
و فرار دید و دانسته  
بر طاعت غیر خود به  
شکری حق ابرار  
از راستی انکار میکنند  
در نتیجه پس از چند  
روزی دریا نرفتند  
که انجم چنین مفسران  
معاذ خود شده همه  
را اسوان بحر طهر  
خود برده کسی را گوار  
کنن هم نصیب کنند  
عنه حضرت سلیمان  
پس حضرت داود  
علیه السلام است  
الذی تعالی بر یک از  
پادشاهان ایشان  
دی بهر آن مخصوصی از  
علم و طاعت خود در حق  
لقد علم تمام علوم شایع  
و احکام و اصول و  
سیاست و حکمرانی  
و غیره مندرج است  
عنه از جمله پسران  
داود علیه السلام  
باشین اصلی است  
حضرت سلیمان علیه السلام  
بود که الله تعالی در  
ذات وی نبوت و  
پادشاهی هر دو را  
جمع فرمود ملک و

سلطان به از از انانیت که پیش از او نبوده از وی کسی نصیب نشد جن و پادشاهان را برای وی سخن فرمود چنانکه موصوفه به سبای می آید







نَفْرُونَ ٥ اَرْجِعْ اِلَيْهِمْ فَلَا تُبَيِّنْهُمْ بِجُنُودٍ اَقْبَلَ لَهُمْ نَهَاوَلْنُورُجَتَهُمْ مِنْهَا

فادای ملی قومیہ بازو بسوئے ایشان پس ہر آئینہ بیاہیم برایشان لشکر ہائے کہ طاقت برآید ایشان را عطا کرد آن و ہر آئینہ سیر  
نار مشوید باز کرد بسوئے ایشان پس (ہر آئینہ) میرسیم بایشان با لشکر ہای کہ طاقت مقابلہ نہاد ایشان را بآہند (ہر آئینہ) بیرون کنیم ایشان را

اذلّةٌ وهم صاعرون ﴿٦﴾ قال يا ايها الملأ اياكم يا ليتني بعريتها قبل ان ياتوني

وایں دروازه داشتند گفت (سیهان ای عجمان در باو کدام یک از شامی آرد پیش من تخت) و او پیشتر از آنکه بیان نزد

مسلمین ۴ قال یفریت من اخرجنا اننا لنبک به قبل ان تقوم من مقعدک و  
 مسلمان شده گفت بختی از جرمن بر سرش نزد یک تو پیش از آنکه از من بر خیزد

گفت قوی تر بی از جمله جن من می آرم پیش تو آنرا قبل از بر حاققت از جان خود

بر آینه من بر آن عرش توانائی یا ما قسم گفتم که نزد یک اد علم بود از کتاب الهی من بیدارش نزد یک تو پیش

بر اینسان برین تخت توانایان اسم لغت کن حصص از نزد او بود علمی از کتاب الهی من می آرم بیو آنرا پیش

زبان باز گردد و گوشه چشم تو پس چو سیلان دیده آن فر گرفته نزد یک خویش گفت ای خارق عادت از فضل پروردگار مستور

سَلَامٌ عَلَى الشُّكْرَةِ وَالْكَفْرِ وَمَنْ شَكَّ فِي نَفْسِهِ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ

[illegible]

شَفِى كَرِيمٌ ۙ قَالَ نَدُّوْهُمَا عَرْشَهَا نَنْظُرْ أَتَهْتَدِيْ اَمْ تَكُوْنُ مِنَ الَّذِيْنَ لَا

بازگرم کنده است گفت سلیمان متغیر سزاید برای امتحان این زن محنت و در این محرم آید راه شناخت می یابد یاری شود آنگاه  
سازگرم کنده است گفت سلیمان متغیر سزاید برای امتحان بلقیس محنت و در این محرم آید راه شناخت می یابد یاری شود آنگاه

يَسْتَدْرِكُونَ فَلَمَّا جَاءَتْ قِيلَ أَهَكَذَا عَسَيْتُمْ قَالَتْ كَأَنَّهُ هُوَ وَأُوتِيْنَا الْعِلْمَ مِنْ

و ای که بگوید چون بلیس بقیس گفتند (بله) آری ایام چنین است تخت و گفت گویا این همان است و با هم تیره (دوداد شده) و

فِيهَا وَكَتَابُ الْمُسْلِمِينَ وَصَلَّاهَا مَا كُنْتَ تَعْبُدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنَّهَا كَانَتْ مِنْ قَوْمٍ

دانش از حق و شد عالم فرمان بردار و باز داشت اورا ابلیس را اذاجه می پرسید بجز الله را جزا اولود از گروه

بازن گفتند بوسه که در آبی بایں کوشک پس چون بیدید آنرا ایند استنش جو غرض آب و جامه برداشت از در ساق خود

نفسه به آن زن در آتی درین تقریر چون دیدار زمین آنرا بنده است آب شبنم و جامه برداخت از هر دو ساق خود

فقت سبلان اینی کو شے مستی نقش در رخسار ساختند از آب کینما گفت بقیس اسے برودگار من ہر آغوش من تم کردہ ام پر خوشی اسلام

سید بن ابی حمزه این قری است که مرا خواند و در این کتاب بعضی از این روایات را در این کتاب آورده است و در این کتاب

سیدان برائے خدا پروردگار عالمها و ہر آنہ فرستادیم بسوئے نمود برادر ایشان صاحبِ عمر و عبادتِ گنبدِ مقدسہ در  
۱۰ سال نمود فرستادیم و کہ بودی نمود برادر ایشان صاحبِ عمر و عبادتِ گنبدِ مقدسہ در

فَإِذَا هُمْ فِي يَقِينٍ مُّخْتَصِمُونَ ① قَالَ يَقَوْمِ لِمَ تَسْتَعْجِلُونَ بِالسَّيِّئَةِ

آن زمان آن قوم دگر که شدند با یکدیگر خصومت می نمودند گفت ماریخ اے قوم من چرا اشتیاق طلب می کنید که نمی آید  
آن اعیان ایشان دو گروه شدند که میخواستند که با یکدیگر گفت اے قوم من چرا اشتیاق می طلبیدیدی (از نزل عذاب ادا)

مسلّم گردد که مال شخص حربی قبل از اسلام، انقیاد ادا میاب است ۱۲-

ملک مترجم گوید بیلان  
 علیه السلام خواست که  
 نقیض را مجرب نماید  
 عقول جاهل را در اندک  
 بازیاد اگر مناسب اند  
 بیاجاز آرد پس در کس  
 ساخت ۱۲  
 تفسیر عثمانی  
 ناصر بر گشت  
 ملک خود پیغام ،  
 جنگ را رسانید -  
 نقیض یقین گردید  
 این شخص پادشاه  
 حمادی نیست مآذ را  
 خداوند بزرگی و قوه  
 بخود بخشوده است - جلال  
 قتل سودی نخواهد  
 بیش از کارگرد  
 بیستواند بالغ بر فرض  
 اظهار اطاعت اقلیم  
 سازد و صانع زیاد  
 و ان شدن آن بکنند  
 حضرت سلیمان علیه  
 السلام حاضر شود  
 چون ملک نزدیک  
 ملک شام رسید  
 حضرت سلیمان  
 بامیان خود فرود که  
 زمین شکایت کرد  
 بیش از رسیدن ،  
 نقیض تخت شام  
 در آنجا حاضر  
 شد ، در آن مقصود  
 حضرت سلیمان علیه  
 السلام این بود که  
 از چندین پسر  
 غنیمت و قوت  
 خدا داد خود را به  
 نقیض اخبار نماید  
 آسان بداند که این  
 شخص تنها پادشاه  
 است بلکه دارای  
 ب قوت ثقیل العاده  
 ملکی نیز می باشد  
 تمیز از قبیل ان











وَلَا يَخَافُ عُقْبَتَهُ  
تغیر عاقبتی

عقب بسیاری عوین  
درین دنیا سزاوار است

ناک یا نترسند فرمود  
بغیر از حق تعالی

پیوست از زمین با بر  
قیاس کند که فیض

را که انبیا علیهم السلام  
در باب بحث جهنم است

و عذاب اخروی می  
داده اند و تینا و توح

بسی استیست این  
خاسته سر و پا انجام

نیست که هیچ کس  
برای فاکم نباشد

در عایای خود را مهمل  
گذرد چون تمام بخیزد

در بیجا عیالات کان  
فی یا بعد پس بفریاد

حمات دیگری است  
که بر نفس در است

یکفر کردار خود برسد  
اگر تکذیب شناسد

طوره نام داشت چنانکه  
سراخام و دیگر گذشت

در دنیا ظهور رسید  
گذشتی شایسته بخیرای

خود خوانند رسید -  
عقب هر چند قرآن

فیصل کن قوی علی  
است مگر تیز دقت

فیصل علی ترسیده -  
در انصر بنی اسرائیل

بزرگترین علای علم  
سادی و مسائل شهری

پنداشته می شدند  
گور باب اختلاف

شدیدی که آنها را بر  
به عقائد احکام نقص

در ادبات حاشیه  
قرآن حکیم فیصل علی

داد در حقیقت قرآن  
پایان کنای است که

آخرین پیغام خداوند  
قدوس را به ایشان

لَمْ يَخْرُجُوا ۝ لَقَدْ وَعَدْنَا هَٰذَا النِّحْلَ ۝ وَابَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ ۝ اِنْ هَٰذَا

بیرون آورد گایم یعنی از قبور هر آینه وعده داده شد باین مقدمه را و پدران ما را پیش ازین نیست این

بیرون آورده شد گایم ازین پدر است که وعده داده شد که باین ما را پیش نیست این

الْاَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ۝ قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ

نمونههای پیشینان  
مگر از نمونههای پیشینان

عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ ۝ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُنْ فِي ضَيْقٍ مِمَّا يَمْكُرُونَ ۝

انجام کار گناهکاران  
انجام گناهکاران

وَيَقُولُونَ مَتَى هَٰذَا الْوَعْدُ ۝ اِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۝ قُلْ عَسَىٰ اَنْ يَكُونُ

دی گویند که باشد این وعده  
دی گویند که باشد این وعده

رَدْفُ لَكُمْ بَعْضُ الَّذِي تَسْتَعْجِلُونَ ۝ وَاِنْ رَدِّكَ لَذُو فَضْلٍ

شده باشد بکاف بعضی از آنچه مشتاق می طلبید  
رسیده باشد بعضی از آنچه می طلبید

عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ ۝ وَاِنْ رَدِّكَ لَيَعْلَمَنَّ

بر مردمان  
بر مردمان

تَكُنْ صَدُورُهُمْ وَمَا يَعْلَمُونَ ۝ وَمَا مِنْ غَائِبَةٍ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ

پنهانی می کنند سینه های ایشان و آنچه ظاهری نمایند و نیست هیچ مقدمه ای شده در آسمان و زمین

الْآ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ۝ اِنَّ هَٰذَا الْقُرْآنَ يَقُصُّ عَلَى بَنِي إِسْرَءِیْلَ كَـ

مکرم و شریف است در کتاب  
مکرم و شریف است در کتاب

الَّذِي هُمْ فِيهِ خَتِيفُونَ ۝ وَاِنَّهُ لَهْدَىٰ وَرَحْمَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ ۝

آینه ایشان در آن خلاص می گردند  
آینه ایشان در آن خلاص می گردند

اِنَّ رَدِّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ بِحُكْمٍ ۝ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ ۝ فَتَوَكَّلْ

هر آینه پروردگار تو فیصل کند میان ایشان بحکم خود و اوست قاطع دانای پس تو هم کن

عَلَى اللَّهِ ۝ اِنَّكَ عَلَى الْحَقِّ الْمُبِينِ ۝ اِنَّكَ لَا تَسْمِعُ الْمَوْتَىٰ وَلَا تَسْمِعُ

بر خدا  
بر خدا

الضُّمَمِ الدَّاعِیَ اِذَا دَاوَا مَذْبَرِیْنِ ۝ وَمَا اَنْتَ بِهَدَى الْعَمَى ۝

قرآن را آواز غافل و قیصر و بگرداننده پشت داده  
قرآن را آواز خواستن را و قیصر و بگرداننده پشت دادگان



وَقَمَّ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ

محقق شود عذاب برای ایشان بیرون آید بر آنی ایشان جانور سے از زمین که سخن گوید بایشان بسبب آنکه

النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ ۝ وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا

مردان بآیات ما یقین نمی آوردند و آن روز که بر ایشانیم از هر استی طایفه را

مَنْ يَكْذِبْ بِآيَاتِنَا فَهُم بِوُزْعُونَ ۝ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُمْ وَقَالَ

از آنانکه دروغ می سرودند آیات ما را پس از ایشان بعض را تا رسیدن بعضی رسانده کرده میشود تا وقتیکه حاضر آیند گوید

لَكُمْ بَلَاءٌ بَأْسٌ وَلَا تُخَيِّطُوا لَهَا عَزْلًا ۝ أَمَّا ذَاكُنَّكُمْ تُعْمَلُون ۝ وَ

خدا آید دروغ آشوب آید آیات ما در هر گروهی دید بان از روی دلش یا چه کار می کردید و

وَقَمَّ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ بِمَا ظَنُّوا فَهُمْ لَا يَبْتِغُونَ ۝ أَلَمْ يَكُونُوا أَتَانَا

نات شده عذاب برای ایشان بسبب ستم کردن ایشان پس آن جماعت سخن نگویند آیات دیده اند که ما

جَعَلْنَا الْيَلَّ لَيْسَ كُنُوفِيهِ وَالتَّهَارُ مَبْصُرًا ۝ فِي ذَلِكَ لَا يَت

پیدا کرده ایم شب را تا آرام گیرند در آن و پیدا کرده ایم روز را در وطن شده بر آید درین مقدمه کتابهاست

لَقَوْمٍ يُفَالِقُونَ ۝ وَيَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ قَفَرٌ مِّنَ السَّمُوتِ وَمِنَ

سوی را که باور میدارند و یادکن آنروز که میدید خود در صور پس مضطرب شوند آنانکه در آسمانها آید آنانکه

فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَن شَاءَ اللَّهُ ۝ وَكُلُّ أَتَوْهَ ذَاخِرِينَ ۝ وَشَرَىٰ

در زمین اند مگر کسی که خدا خواسته است و هر یک بر آیند پیش خدا خوار شده و بی بینی

حُجَالٍ تَحْشِبُهَا جَمَادَةٌ ۝ وَهِيَ تَكُومُ السَّحَابِ صُنْعَ اللَّهِ الَّذِي أَتَقَنَ

و در آن روز پنداری آنرا بر جای ایستاده و آن میرود مانند رخن آید و سنگاری آن خدای که استوار ساخت

كُلِّ شَيْءٍ إِنَّهُ حَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ ۝ مَن جَاءَ بِحَسَنَةٍ فَلَهُ خَيْرٌ مِّنْهَا ۝

هر چه بیاورد خیر دارست بآنچه می کند هر که بیارد بدی پس او را بهتر باشد از آن

وَهُمْ مِّنْ قَرْنٍ يَّؤْمِنُونَ ۝ وَمَن جَاءَ بِالسَّبِّعَةِ فَلْيَكْبِتْ

در ایشان از اضطراب آن روز ایمان باشند و هر که بیارد بدی پس شکستار کرده شود

وَجُوهُهُمْ فِي النَّارِ هَلْ تَجْزُونَ ۝ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۝ إِنَّمَا أَمْرُهُ

در آتش ایشان در آن روز جزا داده نمی شود مگر بوقت آنچه می کردید بخواهت جز این نیست که فرموده شد ما

إِن أَعْبَدَ رَبِّ هَذِهِ الْبَلَدَةِ ۝ الَّذِي حَرَّمَ هَاوَلَهُ كُلِّ شَيْءٍ ۝ وَأَمْرُهُ

در آن روز که خداوند این شهر را یعنی که آنکه محرم ساخت آن را و هر چه فرموده شد ما

وَأَمْرُهُ ۝ إِنَّمَا أَمْرُهُ ۝ إِنَّمَا أَمْرُهُ ۝ إِنَّمَا أَمْرُهُ ۝

وَأَمْرُهُ ۝ إِنَّمَا أَمْرُهُ ۝ إِنَّمَا أَمْرُهُ ۝ إِنَّمَا أَمْرُهُ ۝

وَأَمْرُهُ ۝ إِنَّمَا أَمْرُهُ ۝ إِنَّمَا أَمْرُهُ ۝ إِنَّمَا أَمْرُهُ ۝

وَأَمْرُهُ ۝ إِنَّمَا أَمْرُهُ ۝ إِنَّمَا أَمْرُهُ ۝ إِنَّمَا أَمْرُهُ ۝

عده حضرت شاه صاحب رده الله در استناد به پیش ۴ تنی می امیر بایک ۱۲ پیش از قیامت ۱۲ کوه صفا که نزدیک آن واقع است شگفتا میشود و از آن جانوری می بر آید که با مردم سخن خواهد زد و خواهد گفت که حالا قیامت نزدیک است ایما ندارد آن صادق و مستجاب حقی را جدا جدا تقریبی خواهد کرد و صریح القرآن از بعضی روایات معلوم میشود که این واقعه زمانه آخر در روزی که آفتاب از مغرب طلوع کند و قوس خواهد پذیرفت قیامت نام واقعه ایست که تمام نظام موجوده عالم در هم و بر هم شود و لهذا بر چنین خواهی که کلبور علامات قریبه مقدسه الحیث این برود خواهد نمود نهایت عجیب کرد شایسته بود و دایه الارض نشان دادن این آیت مطالبات جزئی را که شما از زبان می بینید فی بدیهه نقد امروز آن را بجا آورده اند و یک جانور قبول می کند لیکن بدین وقت در آن جماعت سودی ندید و تنها جمعی و تحقیق مکن بدین معهود است زیرا وقت پذیرفتن گذشته است عده هیچ گوش نکرده اند و شایسته کار و شایسته



عنه بندگان هزار  
شکر و خدای راست  
که مرا بادی و مبدی  
ساخت و حقیقت  
سحق و صیوت و  
ستایش تنها ذات  
اقدس الهی  
است و دیگر کما  
بر خدای و یا  
کلی رسد ۳  
از ان بارگاه قدس  
میرسد عسل و عسک  
گفته اند که در حق خدایی  
دید بود که بندگان چنین  
تعبیر کردند که بدست  
یک شخص یعنی اسرائیل  
سلطنت تو برپا می  
شود و بنا بر این  
فرعون بطور حفظ ما  
تقدیم این تدبیر حق  
و ظالم را سنجید  
که بادی بنی اسرائیل  
ما پیشه ضعیف گرد  
تا بمقام حکومت او  
بیچ و عدل و حیرت  
نفاست باشد و  
آینده تمام این اسرائیلی  
که از بنی اسرائیل پیدا  
شود باید بقتل برسند  
تا بدین وسیله از  
مضیبت آینده جلوگیری  
گردد و چون از  
طریق دختران اندیشه  
نیست لهذا باید آنها  
زنده بمانند که چون  
بزرگ شوند مثل  
کنیزان خدمت ادا  
کنند و این کنیز می  
نویسد که بنی اسرائیل  
میں خود از یک پیشانی  
صورت بپوشیده غیظ  
علیه السلام صحبت  
می نمودند که در این خبر  
داده شده بود بدست  
یک جوان اسرائیلی  
تجاری سلطنت مصر  
مقداد است و گفته اند این سخن بگوش فرعون رسید و آن بے خود از برای جلوگیری قضا و قدر این تدبیر ظلم و ستم را جاری نمود ۱۲

أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ ۱ وَأَنْ أَتْلُو الْقُرْآنَ فَمَنِ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَقُلْ إِنَّمَا أَنَا مِنَ الْمُنذَرِينَ ۲ وَقُلْ

که یا مسلم از مسلمانان و فرموده شد آنکه بخوانم قرآن پس هر که راه یافت پس جز این نیست که یا مسلم از مسلمانان و فرموده شد ام که بخوانم قرآن را پس هر که راه یافت پس جز این نیست که

یَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَقُلْ إِنَّمَا أَنَا مِنَ الْمُنذَرِينَ ۲ وَقُلْ

راهی باید براسی لفع خویشی و هر که گمراه شود جز این نیست که من از بیم کنن ۳ و  
راهی باید بر لفع خود و هر که گمراه شود پس بخوان قرآن نیست که من از بیم کنن ۳ و

أَحْمَدُ لِلَّهِ سُبْحَانَكَ أَيَّتُهَا فَتَعْرِفُونَهَا وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ۳

ستایش خدای راست خواهد نمود شما را آیات خود پس بشناسید آنرا و نیست پروردگار تو بغیر از آنکه می کند  
بهرستایش خدا نیز است و خود است که ان بدید شما آیات خود را پس بشناسید آنرا و نیست پروردگار تو بغیر از آنکه می کند

سَوَاءٌ الْقَصَصُ وَنَسِئًا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ۴ وَتَمَّانِ أَيْتُهَا رُكُوعًا

بنام خداست بخشاینده مهربان  
آغازی کنم بنام خداوندی که بے اندازه مهربان نهایت با رحمت است

طَسَمَ ۱ تِلْكَ آيَةُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ ۲ تَتْلُوا عَلَيْكَ مِنْ نَحْنِ مُوسَىٰ وَ

این آیت هائے کتاب روشن است بخوانیم بر تو بعضی خبر موسی  
این آیت هائے کتاب روشن است بخوانیم بر تو بعضی خبر موسی

فِرْعَوْنَ بِالْحَقِّ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ ۳ إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَ

فرعون بر داسی برانگیزی که بر او می دارند بر آئین فرعون  
فرعون را بر داسی برای گردی که یقین می کنند و هر آینه فرعون بجز خود در زمین

جَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ مَطَائِفَ مِمَّنْهُمْ يَنْبَغِي أَنْبَاءَهُمْ وَ

ساخت این آن را گروه گروه زمین می گرفت جماعه را از ایشان می گفت پس این ایشان را  
گردانید این آنرا گروه گروه معجزه ساخت یک طایفه را از ایشان می گفت پس این ایشان را

يَسْتَنْبِغِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ ۴ وَتَرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَىٰ

زنده می گزاشت دختران ایشان را بر آئین دس بود از مضیبت ان و می خواستیم که گفت فرعون و می  
زنده می گزاشت دختران ایشان را بر آئین دس بود از مضیبت ان و می خواستیم که گفت فرعون و می

الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَهُمْ آيَةً وَجَعَلَهُمُ الْوَاقِعِينَ

آنانی که زمین گرفتند در زمین و پیشتر اسرا بک ایشان را و وارث کنیم ایشان را  
آنانکه ضعیف گردانیده بودند در زمین و بخوانیم ایشان را پیشوایان و بخوانیم ایشان را از ان زمان تا کنون

وَنَمُكِّنْ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَتَرَىٰ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمْ مِمَّنْهُمْ

و دسترس دیم ایشان را در زمین و بناییم فرعون را و هامان را و لشکر باکی ایشان را از زمین که زمین  
و جانی دیم ایشان را در زمین و مصر و شام و نشان دیم فرعون و هامان را و لشکر باکی ایشان را از دست بنی اسرائیل

مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ ۵ وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ آلِ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ وَأَاخُفِّ

آنجایی که رسیدند و الهام فرستادیم بسوی مادر موسی شیر بده او را پس چون بزرگی  
خدایی را که غرضمان از ان می رسیدند و حکم کردیم مادر موسی که شیر بده او را پس چون بزرگی

عَلَيْهِ فَالْقِيَاهُ فِي الْيَمِّ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي إِنَّا سرَادُوهُ إِلَيْكَ وَ

بر دس بپند از آنرا در دریا و دسترس دیم و غم گین مشو از آنکه ما باز رساننده اویم بسوی تو و  
بر دس بپند از او را در دریا و دسترس دیم و غم گین مشو از آنکه ما باز رساننده اویم بسوی تو و

جَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ ۶ فَالتَّظَلُّةُ الْفِرْعَوْنَ لِيَكُونَ لَهُمْ

گرداننده اویم از پسران مهربان پس بر گرفتند آن را اهل خانه فرعون تا آخر کار خود برانسان ایشان  
گرداننده اویم از پسران مهربان پس بر گرفتند آن را اهل خانه فرعون تا آخر کار خود برانسان ایشان















مِنْ شَاطِئِ الْوَادِ الْأَيْمَنِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ أَنْ

از کرانه راست میدان در جانبگاه با برکت از میان درخت

يَسْأَلُنِي رَبِّي أَنَا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ۝ وَأَنْ أَلْقِ عَصَاكَ فَلَمَّا

ای موسی هر آینه من خدایم پروردگار عالمها و آنکه باطن عصای خود را پس چون

رَأَاهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلَّى مُدْبِرًا وَلَّى يُعْقِبُ يَهُوسُفُ ۝ أُقْبِلْ

دید که عصا حرکت میکند گویا دزد است رو بگردانید پشت داده و باز نه گشت بقیتم ای موسی پیش بیا

وَلَا تَخَفْ ۚ إِنَّكَ مِنَ الْآمِنِينَ ۝ أَسْأَلُكَ يَدَاكَ فِي جَنَّتِكَ

و مترس هر آینه تو از ایمنی و در آمد دست خود را در گریبان خود

تَخْرُجُ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ ۚ وَاضْمُمُ إِلَيْكَ جَنَاحَكَ مِنَ الرَّهْبِ

تا بیرون آید سفید شده از غیر ضعیف و بهم آر بسوی خود بازوئی خود را از ترس

فَإِنَّكَ بَرْهَانٌ مِنْ رَبِّكَ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ ۚ إِنَّهُمْ كَانُوا

پس این بر دوش ایشان فرود آید از جانب پروردگار بسوی فرعون و جماعت او هر آینه ایشان بودند

قَوْمًا فَاسِقِينَ ۝ قَالَ رَبِّ إِنِّي قَتَلْتُ مِنْهُمْ نَفْسًا فَأَخَافُ أَنْ

گروه بدکاران گفت ای رب من هر آینه من کشته ام از ایشان یکی را پس می ترسم که

يَقْتُلُونِ ۝ وَأَخْبِيْهُمْ رُؤُوسَهُمْ أَفَصَحُّ مِنْ لِسَانِي ۚ وَأَسْأَلُ

بکشند و بر او سر برآورم از من از جهت زبان پس بفرست او را از جهت زبان پس بفرست او را

مَعِيَ رِدْءًا يُصَلِّي ۚ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُكَلِّمُونِ ۝ قَالَ سَتَشَدُّ

بهمراه من مدگنده که با او در دهر او هر آینه من می ترسم از آنکه دو عالمی سخن مرا گفت خدا حکم خواهد کرد

عَصَاكَ بِأَخِيكَ وَتَجْعَلُ لَكَ سُلْطَانًا فَلَا يَصِلُونَ إِلَيْكَ ۚ سَأَلُوكَ

بازوئی ترا به برادر تو خواهی داد شمار را غلبه پس نه توانی رسید بقصد ایها بسوی شما

بِأَيِّتِنَا أَنْتَبَاهُ وَمَنْ اتَّبَعَكَ الْغُلَيُّونَ ۝ فَلَمَّا جَاءَهُمْ مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا

بسیب نشانه های ما و آنکه پیروی شما کرده اند غالب میشوند پس چون آمد موسی نشان های ما را

بَيَّنَّتْ قُلُوبُهُمْ ۚ أَمَّا هَذِهِ الْأَسْحَرُ فَفُتِّرِي ۚ وَمَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي

روشن آید گفتند نیست این مگر جادوئی بر بسته و نشاند ایمن این را در

أَيُّهَا الْوَلِيُّ ۝ وَقَالَ مُوسَىٰ رَبِّي أَعْلَمُ بِمَنْ جَاءَ بِالْقُلُوبِ

پیدا کن خدایم و گفت موسی رب من خوب میداند که از کس است این سحر آورده سخن بدارت

بَيِّنَاتٍ ۚ وَكَذَلِكَ نَقُصُّ عَلَيْكَ الْقِصَّةَ الَّتِي كُنَّا نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ ۚ وَلَقَدْ

براهین و گواهی ها را بر تو می گویم و این را از پیش از این می گویم و این را از پیش از این می گویم

كُنَّا نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ ۚ وَلَقَدْ كُنَّا نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ ۚ وَلَقَدْ كُنَّا نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ ۚ

ما را از پیش از این می گویم و این را از پیش از این می گویم و این را از پیش از این می گویم

دل سخن برانید  
ترس که بسبب ظهور  
خوارش پیدا شده  
و ما مترجم گوید  
آدمی دو بانگ است  
است از نوع خاطر  
شورش نشدن چنانکه  
حقش چنانکه است  
است از تواضع  
تفسیر  
دست خود را به  
پهلوی خود ببرد  
کن خوف مار رنجی  
گردد شاید برای آینه  
بها و نصیحت  
از خوف نشان داده  
باشد عسله شخصی  
برای تصدیق و تائید  
بهره باشد قطوف  
انسان استوفای  
ی کرده و اگر در اثر  
نگذیب از طرف آنها  
قوت بخت و منظر  
برسد شاید بکشد  
من مانع بیان گردد  
صاحب وقت و نفاقت  
باردن بر او نهاده  
میرساند بر زبان  
او فصحی تره قیامت  
دست چون عزت  
را مشاهده نمود  
کتابی جلالت  
و متعلق او آن  
را بطرف خدا  
منسوب میکند  
نیز بخوانی جلوه  
است که فوش  
از صافیه آورده

است و این دعا  
ادامی گوید خدا برون  
و می نازل کرده است  
حقیقت نه از حق  
تجلی از برای سحر  
است لعل سخنانی  
را که گوید از خدا  
دنیا را خدای بگانه  
آفریده و بیک وقت  
هر دو را سحر کرده است  
و فرموده از طرف  
میشین با کثرت و گاهی  
بشمار



مَنْ عِنْدَهُ وَمَنْ تَكُونُ لَهُ عَاقِبَةُ الدِّارِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ ٩

وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا أَيُّهَا الْمَلَأَ مَا عَلِمْتُ لَكُمْ مِنْ إِلَهِ غَيْرِي ١٠

وَقَدْ بَلَغَ مِنْهُ كِبَرًا فَاسْتَكْبَرَ هُوَ وَاتَّخَذَ آلُوهُ بَنِيَةً حَتَّىٰ جَعَلَ لِكُلِّ بَنِيٍّ نِسَاءً ١١

وَلَمْ يُنْصَرِفْ هُوَ وَبَنُوهُ بِطَرْفِ الْأَيْمَنِ ١٢

وَجَعَلَهُمْ آيَةً يُدْعَوْنَ إِلَى الثَّارِ وَيَوْمَ الْقِيَمَةِ ١٣

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِ مَا هَلَكَ الْقُرُونُ الْأُولَىٰ بَصَائِرَ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّعَلَّهُمْ ١٤

وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الْغَرْبِيِّ إِذْ قَضَيْنَا إِلَىٰ مُوسَى الْأَمْرَ ١٥

وَمَا كُنْتَ مِنَ الشَّاهِدِينَ ١٦

وَلَكِنَّا أَنشَأْنَا قُرُونًا فَتَطَاوَلَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ ١٧

وَمَا كُنْتَ تَأْوِي فِي أَهْلِ مَدْيَنَ تَتَوَّاعِلِينَ ١٨

عاقبات آن عصر را  
چنان محبت در دلی  
و بطور تفصیل بیان  
میکنی که گویا در بهشت  
پیش از ظهور استاده  
می نگریستی حال آنکه ظاهر  
است که تو در آن وقت  
موجود نبودنی بر علاوه  
مردم میدادند که ای  
بسی و با هیچ یک عالم  
محبت هم نکرده و نه  
در آن عالم جسدی  
موجود بود که اوقات  
میج و حقیقی میدادند  
بنابرمان جائی وقت  
است که ترا این علم از  
کجا حاصل شد ؟  
حقیقت این است  
که بر سر اقوام دنیا  
امت بانی میدادند و در آخر  
از آن گذشت و در آخر  
این علم محرم نمیدادند  
شهر رفت و آن بیت  
روایتی ننهاد بود  
لهذا آن زمت علمم  
خبر داده فرمود که از  
زبان یک ای آن  
هم سبق بانی خواش  
شده را دوباره بیان  
هم گمان و بعد تصور  
آن اوقات عبرت  
آورد و معرفت آفرین  
را بکل محبت مرحم  
ساخته و بروی  
مردمان دنیا بنهاد تا  
چون مژگانند ناچار  
قبول کنند که حق با پیش  
کننده آن هانوقی  
موجود بود و تمام کلمات  
را بهر سبب به بیان  
پروردگار است که چون  
خود در آن عالم بود  
بودی غیر از این چه  
میگوئی گفت که این  
سخن بران هانوقی  
است که بزبان تو







وَيُؤْتُونَ أَجْرَهُمْ قَسْرَتَيْنِ بَيِّنَاتٍ أَوْ يَدَارِعُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ وَ

شود ایشان را نزد ایشان دو بار بسبب آنکه صبر کردند و دفع می کنند بخصالت شیک بدی را و  
چون بدایت اجر خود را داده شود به ایشان نزد ایشان در بار بسبب آنکه استوار ماندند (صبر کردند) سه روز متین و مقابل بدی (در)

مَبَارَكًا لَهُمْ يَفْقَهُونَ ﴿٣٠﴾ وَإِذْ اسْمِعُوا اللُّغُورَ عِزْوًا عَنَّا وَقَالُوا

از آنجکه روزی داده ایم ایشانرا خرج می کنند و چون بشنوند سخن بے هوده را در وجود احد از آن و گویند  
از آنجکه روزی داده ایم ایشانرا خرج می کنند و چون بشنوند سخن بے هوده را انکار می گیرند از آن و گویند

لَا أَعْمَلُ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ رَسُولًا عَلَيْكُمْ وَلَا تَبْتَغِي الْجَاهِلِينَ ٥

اراست کردار باکی او شمار ارست کردار باکی شما سلام بر شما باد می خواهم صحبت جا بلان مل  
اراست کردار باکی او شمار ارست کردار باکی شما سلام بر شما باد می خواهم (صحبت) جا بلان را

إِنَّا لَا تَقْدِرُ عَلَىٰ مَن أَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَن يَشَاءُ وَهُوَ

برایند و برآه آورده نمی توانی کسی را که دوست داری و لیکن الله براهی آورد کسی را که خواهی و داد

أَعْلَمُ بِالْمُنْتَدِينَ ٦ وَقَالُوا إِنْ تَسْبَحُ الْهَيْدَىٰ مَعَكَ تَخْطَفُ

و اما تراست بکسانیک بدایت را از اختیار می کنند و گفتند اگر چه بدی کنیم بدایت را با تو ر یوده شویم

مَنْ ارْضَاهُ اَوْ لَمْ يَرْضَهُ هُمْ خَيْرٌ مَا اَمْنَا يَجِبِي إِلَيْهِ نَسْرَتُ كُلِّ

از زمین خود آید جای تندادیم ایشان را در مقام محترم بامن کشانده میشود بسوی آن میوه‌های هر

لَمْ يَرْزُقْ قَائِمِينَ لَهَا وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٤﴾ وَلَمْ أَهْلِكْنَا

چیز (در حالیکه) روزی است از طرف ما و لیکن اکثر ایشان نمی دانستند و بسیار پاک گردیدیم

من فرید بطرک معیشتها فترک مسکنهم لم تسکن من

فریه را که از حد گذشتند در محبت خود پس اینهاست مسکن های ایشان (که سکنت کرده اند) اینجا بعد

بَعْدَ هَذَا أَقْبَلُوا وَكَتَبَ الْحُجَّاجُ أَبُو رَافِعٍ ٥ وَمَا كَانَ رَبُّكَ مُهْلِكَ  
الْإِسْلَامَ كَمَا تَقُولُونَ وَنَدِيمُكُمْ يَدِينُكُمْ أَرْثَرَةُ مَمْلُوكَاتِ الْإِسْلَامِ وَهِيَ نَسْتِ بِرُودِ دُكَّانِ تُولَاكِ كُنْتُمْ

از ایشان که اندک و بیشتر مآور آخر و ارث آن مساکین و نیست بیرون کار تو بک لکنه

فرست حتی یبعث فی اممها رسولا یتوا علیهم ایتنا و هو کذا  
در ما تا آنکه فرستد در قلمه آن پیغمبر که بخاند بر ایشان آیات ما و هرگز نیست

فریاد آنا آنگاه که شد در بند گزین آسنا پیغمبر که بخواند بر ایشان سخنان باراد هرگز

مهری الغری از و اهلها طایمون و ما اویسیدین می  
مالک گفته دید با مگر در آن حال که اهل آنهاست کار باشند و هر چه داده شد شمارا از هر نوع

بلک گفته قریباً گمرچین (در حالیکه مردم آن ستمگار باشند و آنچه داده بسما از چیز

فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرِيشُهَا وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَجْزَلُ  
 پس بہرہ مندی زندگانی دنیا و آرایش دیت و آنچه نزد یک خداست بہتر و پابندہ ترست آیا

پس بیهوشی زندگانی دنیا و آزارش آن است و آنچه نزد خداست بهتر و پائینتر است آیا

آیا سیکه و عده داد میش و عده نیک پس از دریا بنده آفت اندک باشد که هر خدا می بخش

آیا پس سکه و عدله کرده ایم بوی عدله نیک پس او را بیاد آن ناست ما نمی گسترده بود و مدتها می گذشت

ملك منكم گوید بهر دو  
 پیش از آنکه آنحضرت  
 علم بدین میرت کند  
 درج بهودیت نصرت  
 فرماید مقصد قرآن بود  
 وی گفتند عرب را  
 فرمان قرآن لازمست  
 ۱۲ و این مردمان  
 اخراج کنند ۱۲-  
**تفسیر عثمانی**  
 ۱۳ و خود را مقصود  
 و مستقنی گرفتند و نه از  
 قبول حق گرفته اند بلکه  
 بهر حق بهودیت که رسید  
 بر خود را طاعت و توحیدی  
 سر تسلیم خم کردند-  
 تفسیر- شیخ اکبر مرد  
 فتوحات نوشتند است  
 که ایمان این اهل کتاب  
 بر پیغمبر خود و مرتبه یعل  
 آمد- بار اول مستقل  
 یار دوم و من ایمان  
 آوردن بر نبی کریم صلی  
 الله علیه و سلم تویرا که  
 آنحضرت مصدق تمام  
 انبیای سابقین می  
 یابند تا که بدین معنای  
 که ایمان داشتن باینکه  
 ضروری است- بر  
 علاوه به خود آنحضرت  
 صلی الله علیه و سلم ایمان  
 آنها در درج بر پس آمد  
 یکی اکنون بالذات و  
 بالا استقلال دوم در من  
 است که بر پیغمبر خود بیشتر  
 ایمان آورد و بود و نه بر  
 هر پیغمبر را بآنحضرت  
 بشارت میداد و در  
 تصدیق نبوت او  
 پیشگویی می نمود و بنا بر  
 اجرائی مردم بهم در مرتبه  
 می باشد باقی شرح  
 ۱۰ ثلاثه تون  
 اجزاء مرتب را  
 ۹ که حدیث آمده می  
 تون درین مختصر دانست



وَلَا يَخْشَى فِي عَذَابٍ  
وَلَا يَخْشَى فِي عَذَابٍ  
وَلَا يَخْشَى فِي عَذَابٍ  
وَلَا يَخْشَى فِي عَذَابٍ

تفسير غنائی

عنه یعنی گفته میشود  
که اکنون آنها را برای  
کمال بطلید میگردانند  
از آماجها و تاهر  
میباشند چه خوششان  
و مصیبت خود گرفتار  
خواهند بود که اهل  
المقصود و فاعله  
تحمیل حضرت شاه  
ما حیث است است  
که شایعین چون نام  
نیکان را بگیرند پیشتر  
گفته شد که آن نیکان  
را بخوانند آن نیکان  
بجواب خواهند داد  
زیر آنکه تاهرین  
حرفات مشرکانه را  
نمودند و یا هیچ خبر  
نداشتند عده  
کامیابی آن جهان  
فقط بفرمان ایاان عمل  
مایل حاصل می گردد  
حاصل هم اگر کسی از کفر  
و شرک توبه کند و  
ایمان بیاورد و راه حق  
افتد نماید حق تعالی  
از خطای سابق  
او درگذشت و او را  
فایز المرام می گرداند  
(تفسیر) - معنی آن  
یکون من المفلحین  
و عده ایست که از  
و اندازد شش پانزده  
یعنی برادرانم است  
که امیدوارند از کفر باشند  
هر چه برای ایمان است  
چنین فعل کسی را  
مجدد کرده نمی تواند  
مگر این و عده را محض  
در نفس و کرم و نیکو

مَتَاعِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ هُوَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنَ الْمُحْضَرِينَ ۱ وَيَوْمَ

از متاع زندگانی دنیا باز و در روز قیامت از حاضر گردگان است و روزی که

يُنَادِيهِمْ يَقُولُ أَيُّكُمْ شَرٌّ أَلَمْ يَكُنْ مِنْكُمْ بَشَرٌ ۲ قَالَ

آواز دهد ایشان را پس گوید کدام از شما شرکشان من که شما را می گردید گفتند

الَّذِينَ كَفَرُوا ۳ قَالَ أُولَٰئِكَ هُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا ۴ قَالَ أُولَٰئِكَ هُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا ۵

آنانکه ثابت شد برای ایشان حکم عذاب است پس برود و کارهای آنکه که گناه کردیم گناه کردیم ایشان را

كَمَا غَوَيْتُمْ تَبٰرَكَ أَنَا إِلَهُكَ مَا كَانَ لَكَ الْإِلَٰهَ آخَرُ ۶ وَقِيلَ

چنانکه خود گمراه شدی که بگویند منم از همه پس تو ایشان را می گردیدی پس بگویند و گفته شد

ادْعُوا الشُّرَكَاءَ كَمَا دَعَوْتُمْهُمْ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ وَرَأَوُا الْعَذَابَ ۷

بخوانید شرکشان خود را پس بخوانند ایشان را پس ایشان قبول نکنند دعای آنجا و به بینند عذاب

لَهُمْ كَأَن لَّمْ يَرْجِعُوا إِلَى اللَّهِ ۸ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ يَقُولُ مَاذَا أَجَبْتُمُ

و گفتند کاش ایشان راه یابی بودند و روزی که آواز دهد خدا ایشان را پس گویند چه جواب داد و چه

الرُّسُلَ ۹ فَحَسِبْتَ عَلَيْهِمُ الْآثَانَ ۱۰ يَوْمَئِذٍ هُمْ لَا يَتَسَاءَلُونَ

پیغامبران را پس حسبت نمود برای ایشان خبر بانی آن روز پس ایشان بایکدیگر سوال نکنند و

وَأَمَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَعَسَىٰ أَنْ يَكُونَ مِنَ

پس آنکه توبه نمود و ایمان آورد و کرد کار نیک پس امید است که باشد از

الْمُفْلِحِينَ ۱۱ وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ ۱۲ مَا كَانَ لَهُمْ

درستکاران و پروردگار تو می آفریند هر چه خواهد و بری گردند هر که خواهد نیست ایشان را

الْخِيَرَةُ ۱۳ سُبْحَنَ اللَّهِ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ ۱۴ وَرَبُّكَ يَعْلَمُ مَا

اختیار کردن (اختیار) پالی الله را است برتر است از آنچه شرک می آرند و پروردگار تو میداند آنچه

تَكُنْ صَدُورُهُمْ وَمَا يَعْلَمُونَ ۱۵ وَهُوَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۱۶

پس آنچه در سینه های ایشان و آنچه می دانند و او است خداوند است و چه می دانند و او است خداوند است

الْحَمْدُ لِلَّهِ فِي الْأُولَىٰ وَالْآخِرَةِ ۱۷ وَرَبُّكَ يَعْلَمُ مَا

ستایش در دنیا و آخرت و او است حکم و بسوی او باز گردانیده می شود



مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بَضِيَاءٌ ۖ أَفَلَا تَسْمَعُونَ ۝ قُلْ أَرَأَيْتُمْ

کسیت معبودی غیر حق که میارید بپیش شما روشنایی را آیا نمی شنوید  
کسیت مأمور خدا را غیر از آنکه که بیارد نزد شما روشنی را آیا پس نمی شنوید

أَنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ النَّهَارَ سَمَرَمًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ ۚ مِنْ إِلَهٍ

که اگر کرده اند خدای توانای بر شما روز را پاینده  
از پروردگار الهی بر شما روز را پاینده

غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بَلِيلٌ ۚ تَسْكُنُونَ فِيهِ ۖ أَفَلَا تَبْصُرُونَ ۝ وَ

غیر خدا که میارید بپیش شما آب گرم که آرام میگیرد در آن  
غیر خدا که میارید نزد شما شب را که آرام گیرید در آن

مِنْ رَحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا

از رحمت خود ساخت برای شما شب و روز را تا آرام گیرید در شب و تا روزی طلب کنید  
از رحمت او دست که ساخت برای شما شب و روز را تا آرام گیرید در شب و تا روزی چیزی

مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ۝ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ

از فضل او مثل و تا شکر گذاری کنید  
از فضل او (در روز) و تا شکر گذاری کنید

شُرَكَاءِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ ۝ وَتَرَعْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ

آن شرکایان من که گمان می کردید  
آن شرکایان من که دعوی (گمان) می کردید

شَهِيدًا ۖ أَفَلَا نَحْمِلُهَا شُوبًا ۚ هَٰئِنْ هَٰئَانِكُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّ الْحَقَّ لِلَّهِ وَضَلَّ

کواکی را نیست پس گویند قوم را بیارید و دلیل خود  
پروردگار را کواکی را پس گویند (ایشان را) بیارید و دلیل خود را پس خواهند داشت که بر آید برای (او) خداوند است

عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْهَرُونَ ۝ إِنْ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَىٰ

از ایشان آنچه از برای کردند  
از ایشان سخنانی را آنچه که از برای کردند (بر آید) قارون بود از قوم موسی

فَبَغَىٰ عَلَيْهِمْ ۖ وَآتَيْنَاهُ مِنَ الْكُتُوبِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءُ ۖ

پس بغی کرد بر ایشان و عطا کرده بودیم او را از کتبها  
پس سر کرد بر ایشان داده بودیم او را از کتبها آن قدر که کلید باشد از گنجانی می کرد

بِالْعَصْبَةِ ۚ أُولَى الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ ۚ إِنَّ اللَّهَ لَا

بجانب صاحب توانایی را چون گفت باد قوم او مشا مشا هر آینه حسدا  
بجانب صاحبان قوت عه چون گفت باد قوم او مشا مشا مشا (بر آید) الهی

يُحِبُّ الْفَرِحِينَ ۝ وَابْتَغَ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ ۖ وَ

دوست می دارد و میبایست که گشتا و بجو در آنچه خدا عطا کرده است ترا عطا میسرای آخرت و  
دوست نمی دارد و نازد گان (مشا مشا گان) را عطا می کند گان در آنچه داده است ترا الهی سرای آخرت را عه و

لَا تُلْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا ۖ أَحْسَنِ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ ۚ

را در حق من حق خود و از دنیا و بجو کاری کن چنانکه احسان کرده است خدا بر تو  
را در حق من حق خود را از دنیا و بجو کن چنانکه بجو کرده الهی بتو

وَلَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ ۚ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ ۝

و بجو فساد در زمین و بجو فساد در زمین  
و بجو فساد در زمین و بجو فساد در زمین (بر آید) الهی دوست نمی دارد فساد گان را الهی

و اما یعنی در روز ۱۲  
و اما یعنی هر یک از  
بر قوم خود کواکی را بیارید  
و اما یعنی در دنیا  
علی صالح بجای از ۱۲  
تفسیر عثمانی  
و اما یعنی مصلحت  
و مصلحت و در آخرت  
تفسیر کرده اند یعنی  
قادر و انقدر پول  
داشت که کسی دست  
مردان تو من هم آنرا  
به حق می برداشتی  
قوات لیکن اکثر  
مفسرین و مفسران  
را کلیه تفسیر نموده  
اند یعنی عده مند و قها  
خزاین او انقدر زیاد  
بود که در برداشتن  
کلید های آن چندان  
مرد قوی نماند شوند  
این چندان مستعد  
نیست چنانکه بعضی  
تفسیر صورت آنرا  
شرح داده اند  
و اما این دوست  
آنانی در این چه خبر  
و مباحثات میکنی؟  
علا که اجمیت آن  
نزد خدای توانی برابر  
یک بال گشت نیست  
باید برای خدا شتالی  
آنرا خاص را که  
لافت میزند و خبر  
و غرضی نمایند  
پس در آنچه چیزی که  
مشاور حضرت آن ملک  
حقیقی نباشد جز  
تجاری با آن چیزی  
نیست عه مال  
مهره خدا برای این  
است که باید از این  
آنرا از آخرت  
بیارند تا که در خلقت  
و در کشتی فرق مشد  
خود را بیکدیگر سازند

نوعی با حضرت موسی علیه السلام مخالفت کن در زمین خدا قوتی برادر است روان شو. در ملکت فخر و فخر را بر پا کردن دین مردم شود مشرا انداختن تقبلا خوب نیست ۱۲.



ول یمن در صورت لزوم بادش بحال ملک نیست و الله اعلم تفسیر عثمانی  
 علیه السلام در صورت دولت علیه السلام و انبوس که او مشیت حق را فراوانش کرده و برودت و نیافت خدا و انبوس و متکبر گشت و آن دولت را انقیاد نیافت خود پنداشت خیر نداشت که چندین گروه را اثر شرارت و سرکشی خود در میان بپاشد و پاک شدند آنها اسطنت های قوی داشتند و نسبت به این بیون خزان و عساکر بیشتر را دارا بودند و او سرانجام ایشان را شنید مگر عبرت حاصل نکرد و الله این آیت کرد و دو توبه در دنیا و آخرت حاجت برسان نیست بلکه الهیانی بر هر زنده گناه آمیخته آگاه است و فرستگان آن عهد ائت کرده اند و گردان باب گاهی استفسار شود مقصد و مشور کردن و سرزنش نمودن خود بود و یا گناه از کثرت گناهان است یعنی تعداد آن گناه بقدری زیاد است که به رسیدن جزایات هر یک از آن نیست و مومن و انبوس آمده است و بدو توبه برستی پس نمی آید چه اگر که کار خود را در پیش میداشت چه آن می کرد چنانچه از مشایخ

قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي ۖ أَوَلَمْ يَعْلَم أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ

گفت جز این نیست که داده شده است مرا آن فراوان بنا برداشتی که نزدیک من است آیا ندانست که خدا پاک کرد

مِنْ قَبْلِهِ مِنَ الْقُرُونِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَ أَكْثَرُ جَمْعًا ۖ

پیش از او کسی را که او نیرومندتر و از روی قوت و زیادتر بودند از روی جمع کردن مال ع

وَلَا يُسْئَلُ عَنْ ذُنُوبِهِ الْمُتَجَرِّمُونَ ۝۳۰ فَخَرَجَ عَلَىٰ قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ ۖ

و پیر سیده نمی شوند که گاران از گنایان خویش و پس بر آمد و بروی قوم خود در آرایش خود

قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا لِيَلْبِثُنَا بِهَا مُنًى وَآؤْتِنَا

گفتند آنانکه طلب می کردند زندگی دنیا و میارایا اے کاش ما را باشد مانند آنچه داده شده است

قَارُونَ ۖ إِنَّكَ لَن تَذَرُنَا ۖ وَ قَالِ الَّذِينَ آؤْتُوا الْعِلْمَ

قارون را بجز آنکه دانی خداوند نصیب بزرگ است و گفتند آنانکه داده شد ایشان را علم

وَيَكْفُرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَخَبَرَ لَيْسَ مِنْكُمْ وَ عَمِلَ صَالِحًا وَلَا يُلْقِيهَا

وای بفرستگان تو اب خدا بهتر است مرا آنس را که ایمان آورد و کارهای نیک کرده و عیون این سخن

إِلَّا الصَّابِرُونَ ۝۳۱ فَخَسَفْنَا بِهِ وَبَدَارِهِ الْأَرْضَ فَمَا كَانَ لَهُ

مگر صابران را پس فرو بردیم قارون را و سرانجام او را بر زمین پس نبود برای او

مِنْ قُوَّةٍ يَنْصُرُوهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ ۖ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُنتَصِرِينَ ۝۳۲

نیکی کردی که نصرت دهند او را نصرت خدا و بنود خودش از انتقام کشندگان

وَأَصْبَحَ الَّذِينَ تَبَتَّلُوا مِنْهُ بِالْأَمْسِ يُقُولُونَ وَيَكُنَ اللَّهُ

و بامداد کردند آنانکه از روی گردند منزلت او را و بیز می گفتند اے عجب که خدا

يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَوْ أَنَّ مِنَ اللَّهِ

نشانده می کند رزق را برای هر که خواهد از بندگان خود و تنگ می سازد و اگر ندان بود که انعام کرد خدا

عَلَيْنَا خَسَفَ بَنَاءُ وَيَكُنَّ لَهُ الْيَفْلَحُ الْكَافِرُونَ ۖ تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ

بر ما هر آنچه بود و برده شد ما را اے عجب که رستگار می شوند کافران این سرای آخرت

يَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا ۖ وَ

مقرر می نماید آن را برای آنکه نمی خواهند برتری در زمین و فساد و

الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ ۝۳۳ مَنْ جَاءَ بِأَحْسَنَةٍ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا ۖ وَمَنْ

حسن عاقبت یزید بجز کاران راست هر که بیارد و پس از است بهتر از آن و هر که

گردد و از تمام دادی سودی نداند که فلان کس جز آنرا بدی کند و جز آنکه نمایم آنرا می دانند



جَاءَ السَّيِّئِينَ فَلَا يَجْزِي الَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ إِلَّا مَا كَانُوا

بارد	بدی	پس جزا داده نمی شوند آنانکه سخن آوردند	خطا	۱۰ بحسب آنچه
بارد	بدی	پس جزا داده نمی شوند آنانکه کردند	بدی بار	مگر بحسب آنچه

یارو بدی پس جزا داده نمی شوند آنانکه کردند بدی را را مگر بحسب آنچه

يَعْمَلُونَ ۝ إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ أَلَّا تَكُونَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ۝

هر آینه حسد ای که نازل کرد بر تو  
فرآن را البته باز گردانده است  
فرایب ای که خدای که دستاد بر تو  
فرآن را باز گردانده است

مهرمان را آید باز در اندام است که بر روی پای راست  
 (مهر آینه باز گردانده است) مرا بجای از دست و

قُلْ رَبِّيَ أَعْلَمُ مَنْ جَاءَ بِالْهُدَىٰ وَمَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٣﴾

بجوہر و گلابین اناتراست ہانکہ آورد  
ہدایت را دہر کہ دے در گمراہی ظاہرست

چو برون در آمدن انار است مانند آورد  
 هدایت را و بهر که دست در کمر اجی ظاهر است  
 چو برب من غیب میدانند که که آمد آورده است  
 هدایت را و کلام کس مرا یزید آشکار افزوده است و دانست بر آنکه آورده هدایت را و بهر که

[illegible]

وگوئی می داشتی که فرد آورده شود بسوئے تو کتاب

و کتابی که فرود آورده شود بر تو (بیسوئی) کتاب  
لیکن فرود فرستاده شد بسبب آنکه از تو دور و گارتو  
مگر از مهر بابائی رب تو (لیکن) فرود فرستاده شد بسبب آنکه از

و ملاشتی کونج که فرود آورده شود بر تو را بیوسه نفی کتاب مگر از مهر باقی رب تو را بیک روز فرستاده شد سبب برستی از

فَلَا تَكُونُوا مِنَ الْكَافِرِينَ ﴿٣٢﴾ وَلَا يَصِلَ إِلَيْكَ عَنْ آيَةِ اللَّهِ

مرد گار	کافران	و باز ندارند کافران ترا	از تبلیغ آیات خدا
مرد گار	کافران	و مسلمانان باز ندارند ترا	از تبلیغ آیات خدا

بسیار گزشت مددگار کافران و میاد باز دارند از کافران از تبلیغ آیات خدا

بَعْدَ إِذْ أَسْرَيْتَ إِلَيْهِكَ وَأَدْعَاكِ إِلَىٰ رَبِّكَ وَإِنَّكَ مِن

و دعوت کن بسوی پروردگار خویش و هرگز میاش از

بجوان بسوئے خود (بهرگش مشوار

المشركين ۝ وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ قَفْ

شیرکان دمحان با خدا معبود دیگر را نیست هیچ معبود بحق باینتر او

و مخوان بدون الله (يا الله) معبود دیگرے را نیست هیچ معبودی بدون او

كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ ط لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٦﴾

پاک شونده است بخردی او را است فراموشی و بسوی او باز گردانیده شود

[illegible]

سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا السَّحَابُ الْمَحْبُونِ

بنام خداے بخشنده مهربان

بنام خداست بخشایند مهربان  
شروع می کنم بنام خداوندی که به اندازه مهربان نهایت بارغم است

لَمْ أَحْصِ النَّاسَ أَنْ يُتْرَكَ أَنْ يَقُولُوا مَا وَهُمْ

لم احسب الناس ان يلدوا وان يهتفوا واما متاهلهم  
آينده اشند مردمان گمناشته شوند بخود آيد گويند ايمان آورديم و ايمان

آیاتی بنده اند مردم که گذاشته بودند بمجرو اینند گویند ایمان آوردیم و ایشان

اَيُّهَا الَّذِيْنَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ اَلَّذِيْنَ كُنْتُمْ تُرِيدُوْنَ اِلٰى الْاِيْمَانِ

وهر آيندا استخوان كرديم انا نافر اكر ميش از ايشان بودند پس البت مخرجي بجهد

محقق کرده شوند و هر آینه امتحان کردیم آنانرا که پیش از ایشان بودند پس البته متعجب بود  
محققان کرده شوند و هر آینه امتحان کردیم آنانرا که پیش از ایشان بودند پس البته متعجب بود

لِلَّذِينَ صَدَقُوا وَلِيَ الْكُفْرَيْنِ ۖ (٣) أَهْ حَسِبَ

الله الدين صدقوا وليعصم الدين ٣٥ حبيب

آنان را که راست گفتند و هر آینه معلوم از سخنرا طواغی کردند و بخویان را آیمای پند دارند

انانی را در راست نهادند و هر یک را بر سر او نهادند و بر او نهادند

لَا يَنْبَغِي أَنْ يَسْبُحُوا بِأَسْمَاءِ مَا يَجْعَلُونَ  
 نالکے بے شمار آوردند خطا با کہ پیشدستی کنند بر ما بد پیر سے ست کہ وہ ان حکم کی کنند

ناله بعض آورند خطا که پیشدستی کنند بر ما بد پیرایه ست که بدان حکم می کنند  
می کنند بدین بار که خات پانده از ار که پیشدستی کند بر او عاجز کنند اما بد است آنچه حکم می کند

ماده در آنجا که مستحق است (که فی الحقیقه) اگر فتح کند عساکر از قرب اهل بود چنانکه ابن عباس و عمر رضی الله عنهما در انشای قصیده از اجله انبیا و

ماده در اینجا که سفر است (کافی البخاری) مخرج که ملائقی از قرب اهل بود چنانکه ابن عباس و عمر رضی الله عنهما در تفسیر از احوال سفر آمده



عنه شخصی که در  
دوایب را این  
امیدی برود که من  
یک روز بخیر خدا  
حاضر شدم بهم دور  
آنجایان در برادر  
هر عمل بد موافقه می  
شود اگر ناکام باشد  
منی با آنکه از منی با  
موجوده غارتب بلند  
تر است برین نازل  
میشود اگر کامیاب  
بر آدم جمع گفت  
باور بخواهی کرد  
و خوشنودی الهی  
و دیدار او نصیب  
خواهد شد باید عقیده  
را راسخ داشته باشد  
که عده خدا احتیاجی  
است و هیچ قوت  
آزما باز داشته نمی  
تواند اندوهای که آن  
تخص بیل برزده  
بود برآورده میشود  
باعث روشنی و بیخ  
او می گردد خداوند  
سخنان بر کس رای  
شنوده میدهد و  
محنت هیچ کس را  
ضایع نمی کند عده  
الله تعالی را از اطاعت  
کسی بر نفع از معصیت  
کسی چه زبان میرسد  
او تعالی ازین چیزها  
بعلی بی نیاز است  
بند و اطاعت  
پروردگار خود هر قدر  
رجح و محنتی که یکیش  
قره آن را در دنیا  
و آخرت می یابد پس  
استخاضیک مجاهدت  
می کنند گاهی چنان  
خیال نکنند که از رجح  
و محنتی که در راه خدا  
می کشند بر او تعالی  
احسان می کنند -  
و امید باشد که احسان از او تعالی است که ایشان را توفیق اطاعت و ریاضت می بخشد من عزم حق تاسدی کنم بلکه تا برسد گمان عزمی کنم

مَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنَّ أَجَلَ اللَّهِ لَآتٍ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ٥

هر که امید داشته باشد ملاقات خدا را پس هر آینه میعاد خدا آتیه است و او دست شنوا دان

وَمَنْ جَاهَدَ فَإِنَّا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ ٦

هر که جهاد کند جز این نیست که جهاد کند برای نفس خویش (هر آینه) خدا غنی است از عالمیان عده

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ ٧

و آنانکه ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند البته بخوبییم از سرایشان خطایان ایشان را و

لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْسَنَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ ٨ وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ

البته جزا دهیم ایشان را به نیکوترین آنچه می کردند و تاکید داریم انسان را که

بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا وَإِن جَاهَدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ

به نسبت پدر و مادر و سه نیک محال کردن و اگر کوشش کنند یا تو سه انسان تا شریک آری با من آنچه نیست خدا

عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا إِلَىٰ مَرْجِعِكُمْ فَأَنْتُمْ بِنَاكُنَّهُ تَعْمَلُونَ ٩

و انشی پس فرمانبرداری ایشان من بسوی من است باز گشت شما پس خبر دهیم شمارا به آنچه می کردید

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُم فِي الصَّالِحِينَ ١٠

آنانکه ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند البته در آریم ایشان را در زمره شایستگان و

مِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ فَإِذَا أُوذِيَ فِي اللَّهِ جَعَلَ فِتْنَةً

از مردمان کسی هست که می گوید ایمان آوردم بخدا پس چون نصیب داده شد او را در راه خدا عذر و رنج دادند

النَّاسِ كَعَذَابِ اللَّهِ وَلَئِنْ جَاءَ نَصْرٌ مِّن رَّبِّكَ لَيَقُولُنَّ إِنَّا كُنَّا

مردمان را مانند عذاب خدا و اگر بیاید نفعی از نزدیک پروردگار تو گویند هر آینه ما

مَعَكُمْ أَوَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِمَا فِي صُدُورِ الْعَالَمِينَ ١١ وَلَيَعْلَمَنَّ

باشا بودیم آیت خدا و ناچار با آنچه در سینههای عالمیاست و البته ممتاز کند

اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْمُنَافِقِينَ ١٢ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا

خدا آنان را که ایمان آوردند و البته ممتاز کند منافقان را و گفتند کافران

لَلَّذِينَ آمَنُوا التَّبِعُوا سَبِيلَنَا وَلَنَحْمِلُ خَطِيئَتَكُمْ وَمَا هُمْ بِحَامِلِينَ

مسلمانان پیروی کنید راه ما را و بار داری کنان شمارا و نیستند ایشان بر دارنده

مِن خَطِيئَتِهِمْ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ١٣ وَيَحْسَبُونَ أَنَّ اللَّهَ

چیز از گناهان می گویند و دروغ می گویند و ایمان دارند و عفو می کنند و البته بر دارنده بارهای خویش را و بار بار

از گناهان ایشان هر آینه ایشان در عفو می کنند و هر آینه بر دارنده بارهای خود را و دیگر بار بار



مَعَ انْقَالِبِهِمْ وَلَيَسَّ لَكُنَّ يَوْمَ الْقِيَمَةِ عَمَّا كَانُوا يَفْعَلُونَ ۝ وَلَقَدْ

همراه بار ای خویش و البته سوال کرده شوند روز قیامت از آنچه از ای کردند و حل  
همراه بار ای خود و هر آنچه بر سیده شوند روز قیامت از سخنانی (آنچه) که از ای کردند و حل

ارسلنا نوحا الي قومك فليتب فيهم الف سنة الا خمسين عاما

فرستادیم نوح را بسوی قوم او پس توقف کرد در ایشان هزار سال  
ازستادیم نوح را بسوی قوم او پس توقف کرد در ایشان هزار سال

فاخذهم الطوفان وهم ظالمون ۝ فاجنيه واصحاب السفينة

پس گرفت ایشان طوفان و ایشان ستمکار بودند پس نجات دادیم نوح را و اهل کشتی را و  
پس گرفت ایشان طوفان و ایشان بودند ستمکاران پس نجات دادیم نوح را و اهل کشتی را و

جعلها آية للعالمين ۝ و ابراهيم اذ قال لقومه اعبدوا الله و

ساختیم کشتی را نشانه برای عالمها و فرستادیم ابراهیم را و گفت بگویم خود پرستش خدا کنید و  
کردیم کشتی را نشانه برای عالمیان و (فرستادیم) ابراهیم را و گفت بگویم خود پرستش کنید خدا را و

انقوه ذلکم خير لکم ان کنتم تعلمون ۝ انما نعبدون من

بزرگوارتر از من این بهتر است شما را اگر میدانید جز این نیست که می پرستید  
بزرگوارتر از من این بهتر است شما را اگر میدانید جز این نیست که می پرستید

دون الله او تاناو تخلفون افکا ان الذين تعبدون من دون

بخش خدا بجان را و بر می بندید دروغ را هر آنچه آنانکه پرستش می کنند بخیر  
بخش خدا بجان را و بر می بندید دروغ را هر آنچه آنانکه پرستش می کنند بخیر

الله لا یبکون لکم رزقا فابتنوا عند الله الرزق واعبدوه و

نداشته ای بخواهند برای شما روزی دادن پس طلب کنید از نزد خدا روزی را و پرستش او کنید و  
نداشته ای بخواهند برای شما روزی دادن پس طلب کنید از نزد خدا روزی را و پرستش او کنید و

اشکروا لله الیه ترجعون ۝ وان تکذبوا فقد کذب امم من

شکر او بجا آرید بسوی او باز گردانیده خواهد شد و اگر دروغ می گویید پس دروغ بجا آورده بودند امت  
شکر او بجا آرید بسوی او باز گردانیده خواهد شد و اگر تکذیب می کنید پس دروغ بجا آورده بودند امت

قبلکم و ما علی الرسول الا البلاغ المبين ۝ اولم یروا کیف یبدی

پیش از شما و نیست بر پیغمبر مگر پیغام رسانیدن آشکارا آیا ندیدند چگونه نوحی کند  
پیش از شما و نیست بر پیغمبر مگر پیغام رسانیدن آشکارا آیا ندیدند چگونه نوحی کند

الله الخلق ثم یعيدہ ان ذلک علی الله یسیر ۝ قل سیروا فی

خدا آفرینش را باز دیگر بار کند آفرینش هر آنچه این کار بر خدا آسان است بگو سیر کنید در  
خدا آفرینش را باز عاده می کند آنرا (هر آنچه) این کار بر خدا آسان است بگو سیر کنید در

الارض فانظروا کیف بدأ الخلق ثم الله یشیئ النشأة الاخرة و

زمین پس ببینید چگونه تو کرد آفرینش را باز خدا پدید آید آن پدید آید باز پسین  
زمین پس ببینید چگونه تو کرد آفرینش را باز الله می کند آن پدید آید آن پدید آید باز پسین

ان الله علی کل شیء قدیر ۝ یعذب من یشاء ویرحم من یشاء و

باز خدا بر هر چیز تواناست عذاب کند هر که را خواهد درم کند بر هر که خواهد  
باز خدا بر هر چیز تواناست عذاب کند هر که را خواهد درم کند بر هر که خواهد

والیه تقلبون ۝ و ما انکم بمعجزین فی الارض ولا فی السماء و

و بسوی او باز گردانیده خواهد شد و نیستید شما عاجز کننده در زمین و نه در آسمان  
و بسوی او باز گردانیده خواهد شد و نیستید شما عاجز کننده در زمین و نه در آسمان

لا یبذل روزی ایمان خود را باز نمائید و نیست که بدون الله توانی دیگر روزی و مبنده نیست و اوقات مطابق رضای خویش رزق عطا می فرماید پس خاص شکر

۱۳  
۱۴  
۱۵  
۱۶  
۱۷  
۱۸  
۱۹  
۲۰  
۲۱  
۲۲  
۲۳  
۲۴  
۲۵  
۲۶  
۲۷  
۲۸  
۲۹  
۳۰  
۳۱  
۳۲  
۳۳  
۳۴  
۳۵  
۳۶  
۳۷  
۳۸  
۳۹  
۴۰  
۴۱  
۴۲  
۴۳  
۴۴  
۴۵  
۴۶  
۴۷  
۴۸  
۴۹  
۵۰  
۵۱  
۵۲  
۵۳  
۵۴  
۵۵  
۵۶  
۵۷  
۵۸  
۵۹  
۶۰  
۶۱  
۶۲  
۶۳  
۶۴  
۶۵  
۶۶  
۶۷  
۶۸  
۶۹  
۷۰  
۷۱  
۷۲  
۷۳  
۷۴  
۷۵  
۷۶  
۷۷  
۷۸  
۷۹  
۸۰  
۸۱  
۸۲  
۸۳  
۸۴  
۸۵  
۸۶  
۸۷  
۸۸  
۸۹  
۹۰  
۹۱  
۹۲  
۹۳  
۹۴  
۹۵  
۹۶  
۹۷  
۹۸  
۹۹  
۱۰۰  
۱۰۱  
۱۰۲  
۱۰۳  
۱۰۴  
۱۰۵  
۱۰۶  
۱۰۷  
۱۰۸  
۱۰۹  
۱۱۰  
۱۱۱  
۱۱۲  
۱۱۳  
۱۱۴  
۱۱۵  
۱۱۶  
۱۱۷  
۱۱۸  
۱۱۹  
۱۲۰  
۱۲۱  
۱۲۲  
۱۲۳  
۱۲۴  
۱۲۵  
۱۲۶  
۱۲۷  
۱۲۸  
۱۲۹  
۱۳۰  
۱۳۱  
۱۳۲  
۱۳۳  
۱۳۴  
۱۳۵  
۱۳۶  
۱۳۷  
۱۳۸  
۱۳۹  
۱۴۰  
۱۴۱  
۱۴۲  
۱۴۳  
۱۴۴  
۱۴۵  
۱۴۶  
۱۴۷  
۱۴۸  
۱۴۹  
۱۵۰  
۱۵۱  
۱۵۲  
۱۵۳  
۱۵۴  
۱۵۵  
۱۵۶  
۱۵۷  
۱۵۸  
۱۵۹  
۱۶۰  
۱۶۱  
۱۶۲  
۱۶۳  
۱۶۴  
۱۶۵  
۱۶۶  
۱۶۷  
۱۶۸  
۱۶۹  
۱۷۰  
۱۷۱  
۱۷۲  
۱۷۳  
۱۷۴  
۱۷۵  
۱۷۶  
۱۷۷  
۱۷۸  
۱۷۹  
۱۸۰  
۱۸۱  
۱۸۲  
۱۸۳  
۱۸۴  
۱۸۵  
۱۸۶  
۱۸۷  
۱۸۸  
۱۸۹  
۱۹۰  
۱۹۱  
۱۹۲  
۱۹۳  
۱۹۴  
۱۹۵  
۱۹۶  
۱۹۷  
۱۹۸  
۱۹۹  
۲۰۰  
۲۰۱  
۲۰۲  
۲۰۳  
۲۰۴  
۲۰۵  
۲۰۶  
۲۰۷  
۲۰۸  
۲۰۹  
۲۱۰  
۲۱۱  
۲۱۲  
۲۱۳  
۲۱۴  
۲۱۵  
۲۱۶  
۲۱۷  
۲۱۸  
۲۱۹  
۲۲۰  
۲۲۱  
۲۲۲  
۲۲۳  
۲۲۴  
۲۲۵  
۲۲۶  
۲۲۷  
۲۲۸  
۲۲۹  
۲۳۰  
۲۳۱  
۲۳۲  
۲۳۳  
۲۳۴  
۲۳۵  
۲۳۶  
۲۳۷  
۲۳۸  
۲۳۹  
۲۴۰  
۲۴۱  
۲۴۲  
۲۴۳  
۲۴۴  
۲۴۵  
۲۴۶  
۲۴۷  
۲۴۸  
۲۴۹  
۲۵۰  
۲۵۱  
۲۵۲  
۲۵۳  
۲۵۴  
۲۵۵  
۲۵۶  
۲۵۷  
۲۵۸  
۲۵۹  
۲۶۰  
۲۶۱  
۲۶۲  
۲۶۳  
۲۶۴  
۲۶۵  
۲۶۶  
۲۶۷  
۲۶۸  
۲۶۹  
۲۷۰  
۲۷۱  
۲۷۲  
۲۷۳  
۲۷۴  
۲۷۵  
۲۷۶  
۲۷۷  
۲۷۸  
۲۷۹  
۲۸۰  
۲۸۱  
۲۸۲  
۲۸۳  
۲۸۴  
۲۸۵  
۲۸۶  
۲۸۷  
۲۸۸  
۲۸۹  
۲۹۰  
۲۹۱  
۲۹۲  
۲۹۳  
۲۹۴  
۲۹۵  
۲۹۶  
۲۹۷  
۲۹۸  
۲۹۹  
۳۰۰  
۳۰۱  
۳۰۲  
۳۰۳  
۳۰۴  
۳۰۵  
۳۰۶  
۳۰۷  
۳۰۸  
۳۰۹  
۳۱۰  
۳۱۱  
۳۱۲  
۳۱۳  
۳۱۴  
۳۱۵  
۳۱۶  
۳۱۷  
۳۱۸  
۳۱۹  
۳۲۰  
۳۲۱  
۳۲۲  
۳۲۳  
۳۲۴  
۳۲۵  
۳۲۶  
۳۲۷  
۳۲۸  
۳۲۹  
۳۳۰  
۳۳۱  
۳۳۲  
۳۳۳  
۳۳۴  
۳۳۵  
۳۳۶  
۳۳۷  
۳۳۸  
۳۳۹  
۳۴۰  
۳۴۱  
۳۴۲  
۳۴۳  
۳۴۴  
۳۴۵  
۳۴۶  
۳۴۷  
۳۴۸  
۳۴۹  
۳۵۰  
۳۵۱  
۳۵۲  
۳۵۳  
۳۵۴  
۳۵۵  
۳۵۶  
۳۵۷  
۳۵۸  
۳۵۹  
۳۶۰  
۳۶۱  
۳۶۲  
۳۶۳  
۳۶۴  
۳۶۵  
۳۶۶  
۳۶۷  
۳۶۸  
۳۶۹  
۳۷۰  
۳۷۱  
۳۷۲  
۳۷۳  
۳۷۴  
۳۷۵  
۳۷۶  
۳۷۷  
۳۷۸  
۳۷۹  
۳۸۰  
۳۸۱  
۳۸۲  
۳۸۳  
۳۸۴  
۳۸۵  
۳۸۶  
۳۸۷  
۳۸۸  
۳۸۹  
۳۹۰  
۳۹۱  
۳۹۲  
۳۹۳  
۳۹۴  
۳۹۵  
۳۹۶  
۳۹۷  
۳۹۸  
۳۹۹  
۴۰۰  
۴۰۱  
۴۰۲  
۴۰۳  
۴۰۴  
۴۰۵  
۴۰۶  
۴۰۷  
۴۰۸  
۴۰۹  
۴۱۰  
۴۱۱  
۴۱۲  
۴۱۳  
۴۱۴  
۴۱۵  
۴۱۶  
۴۱۷  
۴۱۸  
۴۱۹  
۴۲۰  
۴۲۱  
۴۲۲  
۴۲۳  
۴۲۴  
۴۲۵  
۴۲۶  
۴۲۷  
۴۲۸  
۴۲۹  
۴۳۰  
۴۳۱  
۴۳۲  
۴۳۳  
۴۳۴  
۴۳۵  
۴۳۶  
۴۳۷  
۴۳۸  
۴۳۹  
۴۴۰  
۴۴۱  
۴۴۲  
۴۴۳  
۴۴۴  
۴۴۵  
۴۴۶  
۴۴۷  
۴۴۸  
۴۴۹  
۴۵۰  
۴۵۱  
۴۵۲  
۴۵۳  
۴۵۴  
۴۵۵  
۴۵۶  
۴۵۷  
۴۵۸  
۴۵۹  
۴۶۰  
۴۶۱  
۴۶۲  
۴۶۳  
۴۶۴  
۴۶۵  
۴۶۶  
۴۶۷  
۴۶۸  
۴۶۹  
۴۷۰  
۴۷۱  
۴۷۲  
۴۷۳  
۴۷۴  
۴۷۵  
۴۷۶  
۴۷۷  
۴۷۸  
۴۷۹  
۴۸۰  
۴۸۱  
۴۸۲  
۴۸۳  
۴۸۴  
۴۸۵  
۴۸۶  
۴۸۷  
۴۸۸  
۴۸۹  
۴۹۰  
۴۹۱  
۴۹۲  
۴۹۳  
۴۹۴  
۴۹۵  
۴۹۶  
۴۹۷  
۴۹۸  
۴۹۹  
۵۰۰  
۵۰۱  
۵۰۲  
۵۰۳  
۵۰۴  
۵۰۵  
۵۰۶  
۵۰۷  
۵۰۸  
۵۰۹  
۵۱۰  
۵۱۱  
۵۱۲  
۵۱۳  
۵۱۴  
۵۱۵  
۵۱۶  
۵۱۷  
۵۱۸  
۵۱۹  
۵۲۰  
۵۲۱  
۵۲۲  
۵۲۳  
۵۲۴  
۵۲۵  
۵۲۶  
۵۲۷  
۵۲۸  
۵۲۹  
۵۳۰  
۵۳۱  
۵۳۲  
۵۳۳  
۵۳۴  
۵۳۵  
۵۳۶  
۵۳۷  
۵۳۸  
۵۳۹  
۵۴۰  
۵۴۱  
۵۴۲  
۵۴۳  
۵۴۴  
۵۴۵  
۵۴۶  
۵۴۷  
۵۴۸  
۵۴۹  
۵۵۰  
۵۵۱  
۵۵۲  
۵۵۳  
۵۵۴  
۵۵۵  
۵۵۶  
۵۵۷  
۵۵۸  
۵۵۹  
۵۶۰  
۵۶۱  
۵۶۲  
۵۶۳  
۵۶۴  
۵۶۵  
۵۶۶  
۵۶۷  
۵۶۸  
۵۶۹  
۵۷۰  
۵۷۱  
۵۷۲  
۵۷۳  
۵۷۴  
۵۷۵  
۵۷۶  
۵۷۷  
۵۷۸  
۵۷۹  
۵۸۰  
۵۸۱  
۵۸۲  
۵۸۳  
۵۸۴  
۵۸۵  
۵۸۶  
۵۸۷  
۵۸۸  
۵۸۹  
۵۹۰  
۵۹۱  
۵۹۲  
۵۹۳  
۵۹۴  
۵۹۵  
۵۹۶  
۵۹۷  
۵۹۸  
۵۹۹  
۶۰۰  
۶۰۱  
۶۰۲  
۶۰۳  
۶۰۴  
۶۰۵  
۶۰۶  
۶۰۷  
۶۰۸  
۶۰۹  
۶۱۰  
۶۱۱  
۶۱۲  
۶۱۳  
۶۱۴  
۶۱۵  
۶۱۶  
۶۱۷  
۶۱۸  
۶۱۹  
۶۲۰  
۶۲۱  
۶۲۲  
۶۲۳  
۶۲۴  
۶۲۵  
۶۲۶  
۶۲۷  
۶۲۸  
۶۲۹  
۶۳۰  
۶۳۱  
۶۳۲  
۶۳۳  
۶۳۴  
۶۳۵  
۶۳۶  
۶۳۷  
۶۳۸  
۶۳۹  
۶۴۰  
۶۴۱  
۶۴۲  
۶۴۳  
۶۴۴  
۶۴۵  
۶۴۶  
۶۴۷  
۶۴۸  
۶۴۹  
۶۵۰  
۶۵۱  
۶۵۲  
۶۵۳  
۶۵۴  
۶۵۵  
۶۵۶  
۶۵۷  
۶۵۸  
۶۵۹  
۶۶۰  
۶۶۱  
۶۶۲  
۶۶۳  
۶۶۴  
۶۶۵  
۶۶۶  
۶۶۷  
۶۶۸  
۶۶۹  
۶۷۰  
۶۷۱  
۶۷۲  
۶۷۳  
۶۷۴  
۶۷۵  
۶۷۶  
۶۷۷  
۶۷۸  
۶۷۹  
۶۸۰  
۶۸۱  
۶۸۲  
۶۸۳  
۶۸۴  
۶۸۵  
۶۸۶  
۶۸۷  
۶۸۸  
۶۸۹  
۶۹۰  
۶۹۱  
۶۹۲  
۶۹۳  
۶۹۴  
۶۹۵  
۶۹۶  
۶۹۷  
۶۹۸  
۶۹۹  
۷۰۰  
۷۰۱  
۷۰۲  
۷۰۳  
۷۰۴  
۷۰۵  
۷۰۶  
۷۰۷  
۷۰۸  
۷۰۹  
۷۱۰  
۷۱۱  
۷۱۲  
۷۱۳  
۷۱۴  
۷۱۵  
۷۱۶  
۷۱۷  
۷۱۸  
۷۱۹  
۷۲۰  
۷۲۱  
۷۲۲  
۷۲۳  
۷۲۴  
۷۲۵  
۷۲۶  
۷۲۷  
۷۲۸  
۷۲۹  
۷۳۰  
۷۳۱  
۷۳۲  
۷۳۳  
۷۳۴  
۷۳۵  
۷۳۶  
۷۳۷  
۷۳۸  
۷۳۹  
۷۴۰  
۷۴۱  
۷۴۲  
۷۴۳  
۷۴۴  
۷۴۵  
۷۴۶  
۷۴۷  
۷۴۸  
۷۴۹  
۷۵۰  
۷۵۱  
۷۵۲  
۷۵۳  
۷۵۴  
۷۵۵  
۷۵۶  
۷۵۷  
۷۵۸  
۷۵۹  
۷۶۰  
۷۶۱  
۷۶۲  
۷۶۳  
۷۶۴  
۷۶۵  
۷۶۶  
۷۶۷  
۷۶۸  
۷۶۹  
۷۷۰  
۷۷۱  
۷۷۲  
۷۷۳  
۷۷۴  
۷۷۵  
۷۷۶  
۷۷۷  
۷۷۸  
۷۷۹  
۷۸۰  
۷۸۱  
۷۸۲  
۷۸۳  
۷۸۴  
۷۸۵  
۷۸۶  
۷۸۷  
۷۸۸  
۷۸۹  
۷۹۰  
۷۹۱  
۷۹۲  
۷۹۳  
۷۹۴  
۷۹۵  
۷۹۶  
۷۹۷  
۷۹۸  
۷۹۹  
۸۰۰  
۸۰۱  
۸۰۲  
۸۰۳  
۸۰۴  
۸۰۵  
۸۰۶  
۸۰۷  
۸۰۸  
۸۰۹  
۸۱۰  
۸۱۱  
۸۱۲  
۸۱۳  
۸۱۴  
۸۱۵  
۸۱۶  
۸۱۷  
۸۱۸  
۸۱۹  
۸۲۰  
۸۲۱  
۸۲۲  
۸۲۳  
۸۲۴  
۸۲۵  
۸۲۶  
۸۲۷  
۸۲۸  
۸۲۹  
۸۳۰  
۸۳۱  
۸۳۲  
۸۳۳  
۸۳۴  
۸۳۵  
۸۳۶  
۸۳۷  
۸۳۸  
۸۳۹  
۸۴۰  
۸۴۱  
۸۴۲  
۸۴۳  
۸۴۴  
۸۴۵  
۸۴۶  
۸۴۷  
۸۴۸  
۸۴۹  
۸۵۰  
۸۵۱  
۸۵۲  
۸۵۳  
۸۵۴  
۸۵۵  
۸۵۶  
۸۵۷  
۸۵۸  
۸۵۹  
۸۶۰  
۸۶۱  
۸۶۲  
۸۶۳  
۸۶۴  
۸۶۵  
۸۶۶  
۸۶۷  
۸۶۸  
۸۶۹  
۸۷۰  
۸۷۱  
۸۷۲  
۸۷۳  
۸۷۴  
۸۷۵  
۸۷۶  
۸۷۷  
۸۷۸  
۸۷۹  
۸۸۰  
۸۸۱  
۸۸۲  
۸۸۳  
۸۸۴  
۸۸۵  
۸۸۶  
۸۸۷  
۸۸۸  
۸۸۹  
۸۹۰  
۸۹۱  
۸۹۲  
۸۹۳  
۸۹۴  
۸۹۵  
۸۹۶  
۸۹۷  
۸۹۸  
۸۹۹  
۹۰۰  
۹۰۱  
۹۰۲  
۹۰۳  
۹۰۴  
۹۰۵  
۹۰۶  
۹۰۷  
۹۰۸  
۹۰۹  
۹۱۰  
۹۱۱  
۹۱۲  
۹۱۳  
۹۱۴  
۹۱۵  
۹۱۶  
۹۱۷  
۹۱۸  
۹۱۹  
۹۲۰  
۹۲۱  
۹۲۲  
۹۲۳  
۹۲۴  
۹۲۵  
۹۲۶  
۹۲۷  
۹۲۸  
۹۲۹  
۹۳۰  
۹۳۱  
۹۳۲  
۹۳۳  
۹۳۴  
۹۳۵  
۹۳۶  
۹۳۷  
۹۳۸  
۹۳۹  
۹۴۰  
۹۴۱  
۹۴۲  
۹۴۳  
۹۴۴  
۹۴۵  
۹۴۶  
۹۴۷  
۹۴۸  
۹۴۹  
۹۵۰  
۹۵۱  
۹۵۲  
۹۵۳  
۹۵۴  
۹۵۵  
۹۵۶  
۹۵۷  
۹۵۸  
۹۵۹  
۹۶۰  
۹۶۱  
۹۶۲  
۹۶۳  
۹۶۴  
۹۶۵  
۹۶۶  
۹۶۷  
۹۶۸  
۹۶۹  
۹۷۰  
۹۷۱  
۹۷۲  
۹۷۳  
۹۷۴  
۹۷۵  
۹۷۶  
۹۷۷  
۹۷۸  
۹۷۹  
۹۸۰  
۹۸۱  
۹۸۲  
۹۸۳  
۹۸۴  
۹۸۵  
۹۸۶  
۹۸۷  
۹۸۸  
۹۸۹  
۹۹۰  
۹۹۱  
۹۹۲  
۹۹۳  
۹۹۴  
۹۹۵  
۹۹۶  
۹۹۷  
۹۹۸  
۹۹۹  
۱۰۰۰



وَمَالِكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِن وَّلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ۝۹ وَالَّذِينَ كَفَرُوا

و نیست شمارا بخیر خدا بیخ دوست و نه یاری دهنده و نیست کس شمارا بخیر خدا جای (دوست) نه مددگار

بِآيَاتِ اللَّهِ وَلِقَائِهِ أُولَٰئِكَ يَكْسِبُونَ حِمْلِي وَأُولَٰئِكَ لَهُمْ

آیات خدا و ملاقات او آن جماعه نا امید شدند از رحمت من و آن جماعه ایشان راست

عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝۱۰ فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا اقْتُلُوهُ أَوْ حَرِّقُوهُ

عذاب درد دهنده پس نبود جواب قوم ابراهیم مگر آنکه گفتند بکشید او را یا بسوزانید او را

فَاجْلِهِ اللَّهُ مِنَ النَّارِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ۝۱۱

پس برانید خدا او را از آتش هر آینه درین ماجرا نشانه است بر آنست که باور میدارند و

قَالَ إِنَّمَا اتَّخَذْتُم مِّن دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا مَّوَدَّةَ بَيْنِكُمْ فِي الْحَيَاةِ

گفت ابراهیم جز این نیست که بت گرفته اید بخیر خدا بجعت دوستی در میان خویش در زندگانی

الدُّنْيَا ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُ بَعْضُكُم بِبَعْضٍ ۖ لَّيْلُنَ لَبِئْسَ مَا تَشَا

دنیا باز در روز قیامت نامتقد شود بعض شما بعض و لعنت کند بعض شما

بَعْضًا زُومًا وَكُمُ النَّارُ وَمَالِكُمْ مِّنْ مُّصْرِينَ ۝۱۲ قَامَنَ لَهُ لُوطُ

بعض را دزدی شده و زحمت و نیست شمارا بیخ یاری دهنده پس باور داشت ابراهیم را لوط

وَقَالَ إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَىٰ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝۱۳ وَوَهَبْنَا

و گفت ابراهیم هر آینه من هجرت کننده ام بسوی پروردگار خویش هر آینه دے غالب با طاعت است و عطا کردیم

لَهُ الْإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِ النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ وَأَتَيْنَا

او را اسحق و یعقوب و مقدر داشتیم در اولاد دے پیغمبری در کتاب را و دادیم او را

أَجْرَهُ فِي الدُّنْيَا وَرَأَيْنَاهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ ۝۱۴ وَلُوطًا

مزد او در دنیا و هر آینه دے در آخرت از صالحان است و فرستادیم لوط را

إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ إِنَّكُمْ لَأَنْتُمْ الْفَاحِشُونَ فَمَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ

و گفت لوط گفت بگویم خود هر آینه شما بعل می آرید کار بے حیایی را که پیش منی نموده است بر شما بسوی آن بپایین

مِّنَ الْعَالَمِينَ ۝۱۵ أَيْتَكُمْ لَأَنْتُمْ الرِّجَالُ وَتَقَطَّعُونَ السَّبِيلَ ۝۱۶

از عالمیان آیا می ستایید بر مردان و قطع طریق می کنید

وَأَنْتُمْ فِي نَادِيكُمْ الْمُنْكَرُ فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا

و بعل می آرید در مجلس خود کار نا پسندیده پس نبود جواب قوم او مگر آنکه گفتند

و بعل می آرید در مجلس خود کار نا پسندیده را پس نبود جواب قوم او مگر آنکه گفتند

عنه بخیر خود من  
بت پرستی را چنانکه  
نمی دانند چه بت  
پرستان هم بدل خود  
میدانند که این حرکتی  
است شتبار و جلی  
معنی نمیکند برای استوار  
داشتن شیرازه قوی  
خوبی ساخته و مقهر  
کرده اند که بنام آن نما  
ایشان بخود مشفق  
و پاکیزه گرد و صحت  
و هم کار باشند چنانکه  
و این ارام طرز عمل  
اقوام عیسوی بود و ب  
را چنین مشاوری  
کنیم و یا این مطلب  
است که بت پرستی  
باین سبب شیوع  
نیافته که آن کلام کار  
موقوفی است بلکه  
سبب شده آن  
تقلید کور کورانه  
و تعصب قومی  
و لحاظ و ملاحظات  
باین می باشد  
و این دعا باشد  
که غشای بت پرستی  
بهین محبت دودستی  
باینی دوده است  
یعنی چندان از افراد  
مشهور و قوم که مردم  
آنها را دوست  
و استند چون از  
بان و فخر مردم به  
تذکار و نور محبت  
خویش نسبت این  
مجموعه و صواب نهاد  
را خند و بطور یادگار  
نگه داشته پس به  
تعلیم احترام آن سر  
و تصاویر بد اخلاقی  
و بلاقرآن تعلیم ترقی  
نموده عبادت کرده به  
مفسرین این امر  
احتمالات را که از  
آیت استنباط شود و بیان کرده اند ممکن است که از موده بینکم آن محبت بت پرستان مراد باشد که با بنیان خود را در بنیان دینی و انداز میگویند که بت پرستانند و فرموده



اِنتَابِعْنا بَعْدَ اِيَابِ اللّٰهِ اِنْ كُنْتَ مِنَ الصّٰدِقِيْنَ ۝ قَالَ رَبِّ

بیاورش ما عذاب خدا را اگر هستی از راست گویان گفت ای پروردگار من

اَضْرِنِيْ عَلٰى الْقَوْمِ الْفٰسِدِيْنَ ۝ وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا

عزت ده مرا بر قوم فاسدان و وقتی آوردند فرستادگان ما

اِبْرٰهِيْمَ بِالْبَشْرٰى ۝ قَالُوْا اَرَاۤىْسَ مَهْلِكُوْا اَهْلَ هٰذِهِ

پیش ابراهیم مشرود را گفتند هر آینه ما مالک کننده اهل این

الْقَرْيَةِ ۝ اِنْ اَهْلُهَا كَاۡثِرٌ اٰظْمِرِيْنَ ۝ قَالَ اِنْ فِیْهَا لَوْطًا

دشمن هر آینه اهل این دینه ستمکار بودند گفت ابراهیم هر آینه در اینجا لو ط است

قَالُوْا اَمْ نَحْنُ اَعْلَمُ بِمَنْ فِیْهَا لَنْ نَّجِیْبَنَّ وَاَهْلُهَا اِلَّا اَمْرًا تَذٰكُرُ

گفتند ما داناییم بهتر که آنجا ستمکارانند گفتند (هر آینه) در آن لو ط است

كَانَتْ مِنَ الْغٰیِبِيْنَ ۝ وَلَمَّا اَنَّ جَاءَتْ رُسُلُنَا اِسْمٰیءَ بِهَمَّ

باشد از بانی ماندگان و وقتی آمدند فرستادگان مایش لوطا اندکین کرده شد بسبب ایشان

وَضَاقَ بِهِمْ ذُرْعًا وَّقَالُوْا الْاِتْخَفُ وَاَلَا نَحْنُ اِنَّا عَمَّجُوْكَ

و شدل شد بسبب ایشان و گفتند آن فرستادگان مترس و اندوه بخور هر آینه شجاعت دهنده تو

وَاَهْلُكَ اِلَّا اَمْرًا تَذٰكُرُ مِنَ الْغٰیِبِيْنَ ۝ اِنَّا مُنْزِلُوْنَ

این توایم سحر زن تو باشد از بانی ماندگان هر آینه ما فرود آورنده ایم

عَلٰى اَهْلِ هٰذِهِ الْقَرْيَةِ رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوْا

بر اهل این دینه عقوبت را از آسمان بسبب آنکه

یَفْسُقُوْنَ ۝ وَلَقَدْ تَرَكْنٰمِنْهَا اٰیَةً بَیِّنَةً لِّقَوْمٍ یَّعْقِلُوْنَ ۝

بدکاری می کردند و هر آینه گذاشتیم از آن دینه نشانه واضحی که مردمی باشند

وَالِیْ مَدَیْنٍ اَخَاهُمْ شُعَبًا فَقَالَ یَقَوْمِ اعْبُدُوا اللّٰهَ وَاَزْجُوا

در ستادیم بسوی مدین برادر ایشان شعبی را پس گفت ای قوم من بپرستید خدا را و امید بدارید

الْیَوْمَ الْاٰخِرَ وَاَلَا تَعْتَوْنِیْ اِلَّا رُضٍ مُّقْصِدِیْنَ ۝ فَكَذَّبُوْهُ

روز باز چنین را دهر سو مگرید در زمین فسادکنان پس بدو نمی شنیدند و او را

فَاَخْلَتْ لَهُمُ الرَّجْفَةُ فَاَصْبَحُوْا فِیْ دَارِهِمْ جثَمٰیْنِ ۝ وَعَادَا

پس در گرفت ایشانرا زلزله پس بپاشید کردند در خانه های خود بر روی (بازوای) افتادگان و بپاک کردیم عدا

پس گرفت ایشان را زلزله پس بپاشید کردند در خانه های خود بر روی (بازوای) افتادگان و بپاک کردیم عدا

پس گرفت ایشان را زلزله پس بپاشید کردند در خانه های خود بر روی (بازوای) افتادگان و بپاک کردیم عدا

عنه ما شرعاً  
بود علیه السلام  
بفرستد ایشان را  
پس شد کائنات را  
پاک و تبار کند  
نخست زشتگان  
آیدند در روزگار  
اشرف و پسر یار  
واده گفتند که ما  
تا آن قریه رسدیم  
راحو و نالودیم زیرا  
که اهل آن بیخود  
از حرکات خشنود  
باز نمی آید  
این واقعات را  
اخوان یهود و  
و غیره گذشت است  
و تنبیه مشرود داد  
پس حضرت ابراهیم  
علیه السلام همراه  
ملکت قوم لوط  
اشد باین باشند  
که اگر کردگار  
زمینی را از قوی  
میکنند از طرف  
بینایک قوم  
یعنی اهل  
جهانی است  
عظمت ایشان را  
خویش بدین  
نموده است  
آیا ما بودیم  
بازم تره ما  
گند دیا این  
آنجای آورده  
می انگشید غاب  
حضرت ابراهیم  
راه شفقت  
که کچن این  
رو بروی  
نازل گردد  
از دین منظر  
عذاب و  
اضطراب  
گردد و برادر

درستگاه است و این مگر خاطرش خطور کرده باشد که حال وجودی و طایفه اسلام نیز عذاب را اجزا خواهند کرد و الله اعلم



والمترجم کرمه عاص  
 شراکت که ایشان  
 بنیان پناه برده اند و  
 تیان هیچ نفع ندیده  
 چنانکه غارت عکس و ساج  
 فائده نمید ۱۲۴  
 تفسیر عثمانی  
 عاصم از عاصم داشت  
 شونده تعجب کند که  
 بهر مورد آن باطل را  
 بیک رشته مضحک  
 فرمود کسی را استنار  
 نکو یعنی بعضی مردم بنیان  
 رای پرستند بعضی  
 آتش و آب را بعضی  
 ادیان و ادیان فرستادند  
 را پرستی کنند  
 بنابر آن تقدیر قائل فرمود  
 که خداوند بهر آگاهی  
 وارد اگر کسی را از آنها  
 قدرت و اختیار مستقل  
 میداشت خدا کافران  
 نفی مطلق بی ضرورت  
 عاصم مشرکین که  
 می گفتند که خدای تعالی  
 مثال ما نیست عکس و ساج  
 و ساج و عکس و ساج  
 حقیر را که منافی عظمت  
 اوست بیان میکند  
 در جواب آن فرمود که  
 این مثال باطل است  
 مقتضای حال  
 و بطریق مزبور و  
 بر مثل به پوره  
 منطبق میشود  
 مگر تنها خردمندانی  
 مطلب آن را بدین  
 می فهمند و اشخاص  
 جاهل و نادان را در  
 فهم آن حصر نباشد  
 بنابر مثال را بهر مشیت  
 در تفسیر مثال و نهاده  
 تفسیر واد بلکه  
 حیثیت عقل را  
 را بگوید اگر آن چیز  
 حق و کرمه باشد  
 عقل را از چنین چیزی بی

وَشَهُودًا وَقَدْ تَبَيَّنَ لَكُمْ مِنْ مَّسْكِنِهِمْ وَفَعَّ وَزَيْنَ لَهُمْ  
 و شهود را و بر آینه واضح شده است شمارا بعضی مسکن ایشان و آراسته ساخته بود برای ایشان  
 و شهود را و بر آینه ظاهر شده برای شما از مسکن ایشان و تخریب داده بود برای ایشان  
 الشَّيْطَانُ أَغْمَا لَهُمْ فَعَصَا هُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَكَانُوا  
 شیطان کردار ما را ایشان را پس باز داشت ایشان را از راه و ایشان  
 شیطان کردار ما را ایشان را پس باز داشت ایشان را از راه و ایشان  
 مُسْتَبْصِرِينَ ۵ وَقَارُونَ وَفِرْعَوْنَ وَهَامَانَ قَدْ وَقَدْ  
 بینا بودند و بلک کریم قارون و فرعون و هامان را و هیر آئینه  
 دانای بینایان و بلک ساحیم قارون و فرعون و هامان را و هیر آئینه  
 جَاءَهُمْ مُوسَى بِالْبَيِّنَاتِ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ وَمَا كَانُوا  
 آمده بود ایشان موسی با نشانهای پس واضح پس فکر کردند در زمین و نبودند  
 رسیده (آمده بود) ایشان موسی با نشانهای پس آشکارا پس فکر کردند در زمین و نبودند  
 سَابِقِينَ ۶ فَكَلَّا أَخَذْنَا بِنُوحٍ فَمِنْهُمْ مَنْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِ حَاصِبًا  
 سبقت کنندگان از ما پس هر یک را گرفتار ساختیم بویان کنایه از ایشان که بود که فرستادیم بر او باران سنگین  
 سبقت کنندگان از ما پس هر یک را گرفتار ساختیم بویان کنایه از ایشان که بود که فرستادیم بر او باران سنگین  
 وَمِنْهُمْ مَنْ أَخَذْنَا تِهَ الصَّيْحَةِ وَمِنْهُمْ مَنْ خَسَفْنَا لَهُ الْأَرْضَ  
 و از ایشان کسی بود که گرفت او را آواز صیحت و از ایشان کسی بود که فرو بردیم و غرق زمین  
 و از ایشان کسی بود که گرفت او را آواز صیحت و از ایشان کسی بود که فرو بردیم او را در زمین  
 وَمِنْهُمْ مَنْ أَعْرَفْنَاهُ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا  
 و از ایشان کسی بود که عرق ساحیم و هرگز ممکن نبود که خدا ظلم کند برای ایشان و لیکن ایشان  
 و از ایشان کسی بود که عرق ساحیم و چنین نبود خدا که ظلم کند برای ایشان و لیکن ایشان  
 أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ۱۰ مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ  
 بر خود ایشان استم می کردند و استر آنانکه دوستان گرفته اند بجز خدا  
 بر خود استم می کردند مثال آنانکه گرفتار بجز خدا دوستان  
 كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ  
 همچو داستان عنکبوت است که فرا گرفت خانه و هیر آئینه سست ترین خانهها  
 مانند مثال عنکبوت است که ساخت خانه و هیر آئینه سست ترین خانهها  
 لَبِيتُ الْعَنْكَبُوتِ مَلُوكًا تَوَاعِيَعُونَ ۱۱ إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا  
 خانه عنکبوت است اگر میدانستند و  
 خانه عنکبوت است اگر آنها بدانند (هر آینه خدا می داند آنچه)  
 يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ أَوْ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۱۲ وَتِلْكَ  
 می پرستند بخود و سب از هر چه باشد و اوست غالب با عظمت و این  
 می پرستند بخود از هر چه که باشد و اوست غالب با عظمت و این  
 الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ ۱۳ خَلَقَ اللَّهُ  
 داستانها بیان می کنیم آن را برای مردم و می فهمند آن را مگر دانایان آفرید خدا  
 مثال را بیان می کنیم آنرا برای مردم و می فهمند آن (مثال را) را مگر دانایان چه آفرید خدا  
 السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ بِالْحَقِّ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِلْمُؤْمِنِينَ ۱۴  
 آسمانها و زمین را بهر حق و راست هر آینه در این کار نشان است برای مسلمانان  
 آسمانها و زمین را بهر حق و راست (هر آینه) در این کار نشان است برای مؤمنان

تفسیر واد بگوید اگر آن چیز حق و کرمه باشد عقل را از چنین چیزی بی



اِنَّ مَا اَوْحٰى إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ

کتاب یا محمد آنچه وحی فرستاده شد بسوی تو از کتاب و

تو آن را می بینی آنچه وحی کرده شد بسوی تو از کتاب و

اقِمِ الصَّلَاةَ اِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهٰی عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ

بر یاد گرفتن نماز هر آنچه نماز منع میکند از کارهای فحاشی و عمل ناپسندیده و هر آنچه یاد کردن خدا

اَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ ۝ وَلَا تَجِدُوا اَهْلَ الْكِتَابِ اِلَّا بَاغِيَاتٍ

بغی است از بیم خدا میداند آنچه می کنید و مجاوره نمیدانید با اهل کتاب الا بغیاتی که

هُيْ اَحْسَنُ اِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوا اَمَّا بِالَّذِي اُنْزِلَ

است نیک تر است مگر با آنانی که ستم کردند از ایشان و بگویند اما آنکه آوردیم بر شما و

الْبَيِّنَاتِ اَنْزِلَ إِلَيْكُمْ وَالْهُدَى وَالْحُكْمُ وَاحِدٌ وَمَنْ كَفَرَ مِنْكُمْ

بسیاری با آنچه فرود آورده شد بسوی شما و هدایت و حکم و معبود شما یکی است و اما کفر و ایمان را در میان خود

كَذَلِكَ اَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ فَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمِنْ

چنانکه این کتاب را بای ساحتی فرود آورده بودیم هم چنان فرود آوریم بسوی تو کتاب پس آنانی که دادیم ایشان را کتاب ایمان می آورند باین و از

هُوَ لَا مَنْ يُؤْمِنُ بِهِ ۝ وَمَا يَجْحَدُ بِالْبَيِّنَاتِ اِلَّا الْكَافِرُونَ ۝ وَمَا كُنْتَ

کتاب هستی که ایمان می آورده اند و انکار نمی کنند آیات ما را مگر کافران و نمی

تَتَوَّاهُمْ مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كُتُبٍ وَلَا تَخْطُ بِمِثْلِكَ اِذَا ارْتَابَ الْمُبْطِلُونَ ۝

فرمانی پیش از نزول قرآن هیچ کتاب را و هیچ نوشته ای که کتاب را بدست راست خود آنگاه در شک می افتادند باین کتاب

بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ اَوْثَقُوا الْعِلْمَ وَمَا يَجْحَدُ بِالْبَيِّنَاتِ اِلَّا

در قرآن آیات روشن است محفوظ در سینهاست آنانی که داده شد ایشان را علم و انکار نمی کنند آیات ما را مگر

الظَّالِمُونَ ۝ وَقَالُوا لَوْلَا اَنْزِلَ عَلَيْهِ آيَاتٌ مِنْ رَبِّهِ قُلْ اِنَّمَا الْاٰيَاتُ

استگارانی فل و گفتند چرا فرستاده نشد بر او آیات از جانب پروردگار پس بگو چرا این نیست که شما

عِنْدَ اللَّهِ وَاِنَّمَا اَنْزَلْنَاهُ مُبِينًا ۝ اَوَلَمْ يَكْفِهِمْ اَنَّا اَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ

فرود آمد بر تو کتاب و این است که روشن کننده است برای ایشان آنکه انکار می کنند آیات را و می فرستادیم بر تو کتاب را

لَتَعْلَمَ عَلَيْهِمْ اَنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَرَحْمَةً وَذِكْرًا لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ۝

تا بدانند بر ایشان که در این است رحمت و تذکره برای قومی که ایمان آورند

قُلْ كَفَى بِاللَّهِ يَسِّنِّي وَيَسِّرُنِي ۝ اَلَمْ يَعْلَمُوا فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ

بگو کفایت خدا گواه میان من و میان شما میداند آنچه در آسمانها و زمین است

کتاب یا محمد آنچه وحی فرستاده شد بسوی تو از کتاب و

فتح الرحمن

فل منزه گویید بعض مفسران گفته اند که مراد از الذین اوتوا العلم تنها آن خدایانند که علم الهی را از طریق وحی و از راه علم الهی تفسیر عثمانی علی چهل سال عمر آن حضرت و صلی الله علیه و سلم پیش از نزول قرآن جمیع بین همین اهل کبریا داشت برسد اندک در هر یک آن حضرت صلی الله علیه و سلم پیش از آمدن آن حضرت در کتاب به خود اندک علم در دست خود گرفت و اگر چنین بود برای این باطل برستان گنجایش شدیدی بود که شاید کتب گذشته را خوانده و در چیزها از این اقتباس کرده و در تفسیر عبارات خود آورده و اکنون وقت تمایز اگر چه در صورت هم آن اظهار آنجا غلط بود زیرا هیچ انسان خواننده و نویسنده بلکه تمام آنرا خواننده و نویسنده و تفسیر و تیار هم اگر بخواهد هم دست شونود وقت تمام مخلوقات را با خود شایسته کنند چنین کتابی به نظر مردمین کرده فیه وند بازم برای ده قلوبیای موعود بدست می آمد و سخنانی جعل کنند اما این کتابی که در این

اما این کتابی که در این



فان تطلب من الله ما يريد  
 بشدة من ايات  
 كفى غفلا  
 على خاطري بايدي  
 جيز وقت مفره خودي  
 آيد و غفلاي را كه خواهي  
 خدا و تو را هم حضرت  
 شاه صاير الله ايشان  
 ك طالب اين است خاص  
 بود كه دست مسلمانان  
 قتل اسير شوند چنانچه  
 غيبيان كه به جلايه  
 عكره غفر من الله  
 بر سر آنها رسيد است  
 خدا شايان خواست ديا  
 بهي عذاب سخن خوا  
 زد مانند مال كسيد  
 زكوة غنيده در  
 حديث آمده است كه  
 ال يذركوا في شكل  
 با جان كردن بشود  
 و سرش را ميبرد و  
 خوابد گفت كه من مال  
 تو و خانه تو را ميبرد  
 حضرت شاه صاحب  
 رحمه الله عليه ميبرد  
 بزياد بلكه علم و ستم  
 گفته در ملك از ملكه گشت  
 پسرانان هم بجهت  
 داده شد چنانچه در  
 حدود پشتاد و سر غايه  
 بسوي حيشه رفتند  
 بعرف اين چيز است  
 است كه اين چيزه  
 زندگي را در هر جا  
 ملك باشد بگذراند  
 بعد از آن چه پيش  
 بجا و تقدي آيد  
 و سيله بهما چنين  
 داده شده فائز من  
 و مفقود از  
 آنحضرت صلي الله عليه  
 سلم بعد از شايان  
 و سنگين گفتند و همچو  
 خاطرنان نمودند  
 وطن خويش را ندي  
 و افتاد خود و بزرگ

وَالَّذِينَ آمَنُوا بِالْبَاطِلِ وَكَفَرُوا بِاللَّهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ١  
 و آنانكه ايمان آوردند بباطل و كفر شدند بخدا آن چاه ايشان اندر زيان كاران  
 و آنانكه ايمان آورده اند بباطل و كفر شدند بخدا آن چاه ايشان زيان كاران  
 وَيَسْتَعْمِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَوْ لَا أَجَلٌ مُّسَمًّى لَّجَاءَهُمُ الْعَذَابُ ٢  
 و استعمل كنند از تو عذاب را و اگر نبود دس معاد معين البته آمده بود بديشان عذاب و  
 و استعمل كنند از تو عذاب را و اگر نبود دس معاد معين البته آمده بود بديشان عذاب و  
 لَيَأْتِيَنَّهُمْ بَغْةٌ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ٣ يَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ ط ٤  
 بمر آيند بيايد بديشان ناگهان و ايشان ندانند استعجال طلب كنند از تو عذاب را و بمر آيند  
 بمر آيند بيايد بديشان (عذاب ناگهان و ايشان ندانند) عذاب طلب كنند از تو عذاب را و بمر آيند  
 جَهَنَّمَ لَمَّا جِئَ ط ٥ بِالْكَافِرِينَ ٦ يَوْمَ يَغْشَاهُمْ الْعَذَابُ مِنْ فَوْقِهِمْ وَ مِنْ  
 دوزخ در گيرنده است كافران را و دوزخ را بپوشاند ايشان را عذاب از بالاى ايشان و از  
 دوزخ احاطه مي كند مگر اين كافران را و دوزخ را بپوشاند ايشان را عذاب از بالاى ايشان و از  
 تَحْتَ أَرْجُلِهِمْ وَيَقُولُ ذوقوا ما كنتم تعملون ٧ يَعْمَادِي الَّذِينَ آمَنُوا  
 زير پاى ايشان و بگويد خدا بچشيد چنانچه مي كويد و اى بنده گان من سرمان من  
 زير پاى ايشان و بگويد خدا بچشيد چنانچه مي كويد و اى بنده گان من سرمان من  
 إِنْ أَرْضِي وَأَسْعَى فَأَيَّي فاعبدون ٨ كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ثُمَّ  
 هر آينه زير من نشاءد است پس مرا بخدمت كنيد هر نفس چشنده مرگ است باز  
 (هر آينه) زير من نشاءد است پس مرا بخدمت كنيد هر نفس چشنده مرگ است باز  
 الْبَنَاتُ رُجْعُونَ ٩ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُبَوِّئَنَّهُمْ مِنَ  
 بسوي ما باز گردانده شويد و آنانكه ايمان آوردند و كردند ايتا فرود آوريم ايشان را از  
 بسوي ما گردانده شويد و آنانكه ايمان آورده اند و كردند ايتا فرود آوريم ايشان را از  
 الْجَنَّةِ عُرُفًا تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ  
 بهشت نخلهاى بلند ميرو زير آن چو نهائى جاويدان آنجا نيك است مزد اين عمل كنندگان  
 جنت نخلهاى بلند ميرو زير آن چو نهائى جاويدان در آن نيك است ثواب عمل كنندگان  
 الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ١٠ وَكَانَ مِنْ دَآبَّةٍ لَا تُحْمِلُ  
 آنانكه صبر كردند و بر پروردگار خود توكل مي كنند و بسا جانور كه بر چرخي دارد  
 آنانكه صبر كردند و بر پروردگار خود توكل مي كنند و بسا جانوران كه بر چرخي دارند  
 رُسُفَهُمَا لِلَّهِ يَرْسُفُهُمَا وَإِيَّاكُمْ ذُوهُهُ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ١١ وَلَكِنْ سَأَلْتَهُمْ  
 روزي خود را خدا روزي ميدهد او را و شما را نيز وادست سئوا دانا و اگر سوال كنې ايشان را كه  
 روزي خود را خدا روزي ميدهد او را و شما را نيز وادست سئوا دانا و اگر بپرسى ايشان را  
 مَنِ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَنَحْنُ السَّمْسُ وَالْقَمَرُ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ فَأَنَّى  
 كيست آنكه آفريد آسمانها و زمين و ما را بزمين و ماه را البته گويند آن خداست پس از چه جهت و اين  
 كيست آنكه آفريد آسمانها و زمين و ما را بزمين و ماه را البته گويند الله پس چگونه  
 يَوْفُونَ ١٢ اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّسْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ  
 گرداننده ميشوند از راه توحد خدا فراخ ميگردوزي براي هر كه خواهد از چندان خويش و تنگ ميزد براي هر كه خواهد  
 باز گرداننده ميشوند خدا فراخ روزي را براي هر كه خواهد از چندان خود و تنگ ميزد براي هر كه خواهد  
 إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ١٣ وَلَكِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَالْتَمِ  
 آيند خدا بمر چيز دانا است و اگر بپرسى ايشان را كيست آنكه فرود داد و از آسمان آب را پس از نده ساخت  
 آيند خدا بمر چيز دانا است و اگر بپرسى ايشان را كيست آنكه فرود آورد از آسمان آب را پس از نده ساخت







الرَّحِيمِ ۵ وَعَدَ اللَّهُ لَا يَخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ وَلَكِنْ أَكْثَرُ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ۵

مهربان وعده کرده است خدا خدایت نمیکند خدا وعده خود را و لیکن بیشتر مردم نمیدانند

يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا لِّأَقْمِنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۶ وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَفْلُونَ ۶

میدانند ظاهراً از تدبیر زندگانی دنیا و آن مردم از آخرت بیخبر اند

أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنفُسِهِمْ مَّا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا

آیا نامل نکردند در خوی خود که نیاید پدید است خدا آسمان را و زمین را و آنچه

بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى ۷ وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ بِلِقَائِ رَبِّهِمْ

در میان آن هر دو است مگر به تدبیر درست و دو وعده مقرر در آینه بسیاری مردمان از ملاقات پروردگار خویش

لَا يَتَفَكَّرُونَ ۸ أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ

نامتقدانه آیا سیر نکردند در زمین پس بنگرند چگونه شد عاقبت

الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَأَنَارُوا الْأَرْضَ وَجَعَلُوا

آنانکه پیش از ایشان بودند بودند قویتر از ایشان و شعله را بر زمین زدند و آباد کردند آن را

أَكْثَرُ مِمَّا عَمِلُوا وَجَعَلُوا لَهَا رِجَالًا مِّنَ آلِ عَادٍ فَسَاءَ كَانِ اللَّهُ

بیشتر از آباد کردن ایشان آن زمین را آمدند بدیشان پیغامبران ایشان بخیر با پس ممکن نبود که خدا

لِيُظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ۹ ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ

استمر کردند بر ایشان و لیکن ایشان بر خویشان ستمی کردند باز حال بد عاقبت آن کسان شد که

إِسَاءُوا الشُّوْأَىٰ إِن كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ ۱۰

بدی کردند بسبب آنکه دروغ داشتند آیات خدا را و بان استهزا می کردند

اللَّهُ يبدؤُا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ ثُمَّ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ ۱۱ وَيَوْمَ نَقُومُ

خدا او را بدی کند آفرینش باز و بدو کند دل باز پس او را گردانیده شود و روزی که تمام شود

السَّاعَةِ يَبْلِسُ الْبَاجِرُونَ ۱۲ وَلَمْ يَكُن لَّهُمْ مِنْ شَرِكَائِهِمْ شَفْعُو

قیامت لازم شده خاموش باشند بندگان و نماز شد برای ایشان از شر بندگان ایشان شفاعت کنند

وَكَانُوا لَشُرِكَائِهِمْ كُفْرِينَ ۱۳ وَيَوْمَ نَقُومُ السَّاعَةِ يَوْمَ لَا يَنْفَعُونَ

و باشند شر بندگان خویش نامتقد و روزی که تمام شود قیامت آن روز پرانده شود مردم

فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَهُمْ فِي رَوْضَةٍ يُحْبَرُونَ ۱۴

اما آنانکه ایمان آوردند و کردند اعمال صالحه پس ایشان در بهشت خوش حال گردیده شوند

در بیان دوران عباد  
بر اینها هیچ دعوی  
نبوت رسول کریم صلی  
الله علیه و آله و سلم  
اسلامی برای الهی که  
سبب بجز مخصوصی  
نگردد مگر این که  
بجوان آتش پرست  
فاسد را دنیا بخود  
نزدیک میداند  
و تعاری از آدم و نوح  
که اهل کتاب بودند  
برادران مسلمانان و  
با ائمه و متان قریب  
آنها قرار دادی شد  
چون از علی بن ابی طالب  
میرسد مشهورست که  
می شدند آفرینندگان  
مسلمانان یک خال  
غلبه خودی گرفتند و  
توقعات خوبی برای  
آینده خودی نمودند  
مسلمانان نیز طبعاً  
آزاده می شدند که اگر  
عیسویان اهل کتاب  
از طرف جوس آتش  
پرست متذلل شوند  
عباد آنها باشند  
شأن مشرکین  
داتو کردند  
بالاخره از من بعد  
۲۸۱۳ (جنگ میلاد)  
ولادت نبی مصاب  
قری تقریباً چهل و  
پنج ساله از بعثت  
پنج سال گذشت بود  
و بعد خرد بود و  
اگرچه توانی امسک  
فارس پر دولت دم  
شکست مهملک و  
غیله کنی داد و آدر  
چنانچه شام و مصر و آ  
صفر و قمر را روی  
از دست و لاند و مکر  
و برای برتری بیدم  
را چنان زینت آید  
آنها را بجهاد آید



و اما الذين كفروا وكنوا بآياتنا ولقاءى الآخرة فاولئك في  
 العذاب محضون ۴ فسبى الله حين يمسون وحين يصبحون ۵  
 وله الحمد في السموات والارض وعشيتا وحين تظهرون ۶  
 يخرج الحي من الميت ويخرج الميت من الحي ويحيى الارض  
 بعد موتها وكذلك تخرجون ۷ ومن آيتيه ان خلقكم من  
 تراب ثم اذ انتم بشر تنثرون ۸ ومن آيتيه ان خلق لكم  
 من انفسكم ازواجا لتسكنوا اليها وجعل بينكم مودة ورحمة ۹  
 ان في ذلك لآيت لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ۱۰ ومن آيتيه خلق السموات  
 والارض واختلاف السننكم والوانكم ان في ذلك لآيت للعالين ۱۱  
 ومن آيتيه منامكم بالليل والنهار وابتعاؤكم من فضله ان  
 في ذلك لآيت لِّقَوْمٍ يَشْكُرُونَ ۱۲ ومن آيتيه ان يريك البرق خوفا  
 وطمعا وينزل من السماء ماء فيحيى به الارض بعد موتها ان  
 في ذلك لآيت لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ۱۳ ومن آيتيه ان تقوم الساعة  
 بغتة دون ودون من عند الله انتم لا تعلمون ۱۴

۱۰۱۱ کافر شدند و دوزخ داشتند آیت ما را و ملائکات آخرت را پس ایشان در  
 ۱۰۱۲ کافر شدند و تکذیب کردند آیت ما و ملائکات آخرت را پس ایشان در  
 ۴ عذاب حاضر کرده اند پس بیا که یاد کنید خدا را و قتی که شام می کشد و قتی که صبح در می آید  
 ۵ عذاب حاضر کرده اند پس بیا که یاد کنید خدا را و قتی که شام می کشد و قتی که صبح می کشد  
 ۶ در اورد است ستارهای در آسمان با وزین آفرود و آنگاه که در وقت زوال در می آید  
 ۶ در اورد است ستارهای در آسمان با وزین آفرود و آنگاه که در وقت زوال در می آید  
 ۷ بیا که یاد کنید خدا را و قتی که شام می کشد و قتی که صبح می کشد  
 ۷ بیا که یاد کنید خدا را و قتی که شام می کشد و قتی که صبح می کشد  
 ۸ بیا که یاد کنید خدا را و قتی که شام می کشد و قتی که صبح می کشد  
 ۸ بیا که یاد کنید خدا را و قتی که شام می کشد و قتی که صبح می کشد  
 ۹ بیا که یاد کنید خدا را و قتی که شام می کشد و قتی که صبح می کشد  
 ۹ بیا که یاد کنید خدا را و قتی که شام می کشد و قتی که صبح می کشد  
 ۱۰ بیا که یاد کنید خدا را و قتی که شام می کشد و قتی که صبح می کشد  
 ۱۰ بیا که یاد کنید خدا را و قتی که شام می کشد و قتی که صبح می کشد  
 ۱۱ بیا که یاد کنید خدا را و قتی که شام می کشد و قتی که صبح می کشد  
 ۱۱ بیا که یاد کنید خدا را و قتی که شام می کشد و قتی که صبح می کشد  
 ۱۲ بیا که یاد کنید خدا را و قتی که شام می کشد و قتی که صبح می کشد  
 ۱۲ بیا که یاد کنید خدا را و قتی که شام می کشد و قتی که صبح می کشد  
 ۱۳ بیا که یاد کنید خدا را و قتی که شام می کشد و قتی که صبح می کشد  
 ۱۳ بیا که یاد کنید خدا را و قتی که شام می کشد و قتی که صبح می کشد  
 ۱۴ بیا که یاد کنید خدا را و قتی که شام می کشد و قتی که صبح می کشد  
 ۱۴ بیا که یاد کنید خدا را و قتی که شام می کشد و قتی که صبح می کشد

نزدند صد شتر بخوانم و او در نه چنین نهاد شتر باید و من بدی حضرت ابوبکر را ای غمناک و بقیه سنین را که مقرر کرده بود پس بر او و بر کرمی که از او می خواهم و در آن



فلان من شئت  
که در ملک با ملک برابر  
نیش و پوس محو و خفت  
شاید او بتوان گفت که  
تفسیر عثمان  
بقیه حرفه هم در حق  
هرگز قهر و تمیز گزینی  
که اوست در اشیاء متعارف  
و در باره بدست آورد  
نگذرفت که اگر گویید  
مرا بر ناس  
پیر و بیانش  
از حق  
بر ایلیا  
اربع المفسرین پیاده  
مفسرین کمند  
خدا توانا همیشه  
که مطایق بیگانه و قریب  
مجاور داخل و خارج  
۹ سال از حق و ابد و فردا  
یک سال از حجت  
تمام در روز و در هر روز  
و یادری خدا و تعالی  
ما امان بر سر کین  
فتح و نصرت نمایان  
حاصل نموده شد و اما  
بای که در اندیشه و خفایت  
این خبر که خدا تعالی  
رومیان این کتاب  
را نیز ترجمه و بیان این  
مطهر و منوره نموده  
است بیشتر سرد  
شد و خداوند بیشتر  
که خداوند دشمنان  
زیاد نصیب شد  
بپاری مردم از دست  
تبعه اهل این بیابان  
میراث حق و آن امان  
آوردند حضرت  
بوی که در شتر از  
مشکین که گرفت و  
آن حضرت علی الشهد  
علیه السلام بپای آنها  
حکم مقرر داد و ان شاء الله  
علی الخیر ان شاء الله  
آلله اب هر ۱۲

الْأَرْضُ بِأَمْرِهِ ثُمَّ إِذَا دَعَاكُمْ دَعْوَةً مِّنَ الْأَرْضِ إِذَا أَنْتُمْ تَخْرُجُونَ  
زمین بچشم او باز چون بخواند شمار یک بار خواندن تا کین شما از زمین بر آید  
زمین بچشم او باز چون بخواند شمار خواندن از زمین آنچه شما بر آورده میشوید (از قبور خون)  
وَلَهُ مَن فِي السَّمُوتِ وَالْأَرْضِ كُلٌّ لَهُ قَانِتُونَ ۝ وَهُوَ الَّذِي يَبْدَأُ  
و در او است آنچه در آسمان و زمین است هر یک بر آن اذعان دارند و او است آنکه نو میکند  
و در او است آنچه در آسمان و زمین است همه برای او قانت و فرمانبردارند و او است آنکه ابتدای آفرینند  
الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَهُوَ أَهْوَنُ عَلَيْهِ وَلَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَىٰ فِي السَّمُوتِ  
آفرینش را باز دوباره کند و این دوباره کردن آسان تر است بر او و در او است صفت بلند تر در آسمان  
حق را باز عاده می کند آنرا این را عاده آسان تر است بر او و در او است شأن بلند تر در آسمان  
وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝ ضَرَبَ لَكُم مَّثَلًا مِّنْ أَنْفُسِكُمْ  
و زمین و او است غالب با حکمت بیان کرد برای شما مثال از نفس شما  
هَلْ لَّكُمْ مِّنْ مَّالِكٍ آيَاتُنَا لَكُمْ فِي مَا تَرَوْنَ فَانُتَبِهُوا  
آیا هست برای شما از پندگانه که مالک ایشان است و دست قهار و بیخبر عطا کردیم شما را تا شما  
آیا هست شما را از آنچه دست باری شما مالک آن اند از غذایان شما و شربیان در آنچه داده ایم شما را پس شما را این آیه را  
فِيهِ سَوَاءٌ مَّا تُفَوِّضُ لَكُم مِّنْ أَنْفُسِكُمْ ۝ كَذَلِكَ تَقْضِي الْآيَاتِ  
در ال یساو باشد بترسید از ایشان مانند ترسیدن از خود خویش همچنین بیان می کنیم نشان  
در آن برابرید می ترسید از ایشان مانند ترسیدن از خود خودتان هم چنین تقضی می دهید نشان بار  
لَقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ۝ بَلِ اتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَهْوَاءَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ  
برای قومی که می فهمند بلکه پیروی کرده اند ترس از آن خواهش باری نفس خود را بغير علم  
برای قومی که نمی کنند بلکه پیروی کرده اند از روی خود را بدون علم  
فَمَن يَهْدِي مَن أَضَلَّ اللَّهُ وَمَا لَهُمْ مِّنْ مُّصِيرٍ ۝ فَأَقِمْ وَجْهَكَ  
پس کراه نماید کسی را که گمراه کرد خدا و نیست ایشان را یاری دهنده پس راست کن روئ خود را  
پس که راه نماید کسی را که گمراه کرد خدا و نیست ایشان را یاری دهنده پس راست بدار روی خود را  
لِلَّذِينَ هَنَّا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ  
برای عبادت حقیقت شده پیروی کن دین خدا را که پدید آورد مردمان را بر او بی هیچ تبدیلی نیست  
بیت ز خدا بیکسو شده (لازم بگیر) دین خدا را که پدید آورد مردمان را بر او بی هیچ تبدیلی نیست  
أَخْلَقَ اللَّهُ ذَلِكَ الَّذِينَ الْقِيَمَةُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ۝  
این دین خدا را نیست دین راست و لیکن اکثر مردم نمیدانند  
دین خدا را این است دین راست و لیکن اکثر مردم نمیدانند  
مَنِيبِينَ إِلَيْهِ وَاتَّقُوا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ  
عبادت کنید در وجه پروردگار و بترسید از او و بر پا دارید نماز را و مباشید از مشرکان  
رجوع کنید بپای او و بترسید از او و بر پا دارید نماز را و مباشید از مشرکان  
مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا كُلَّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ  
مباشید از آنکه پراکنده ما عتد دین خود را و شریعت کرده کرده با آنچه نزد یک او است  
از آنکه پراکنده اند اعتد دین خود را پراکنده ما عتد دین خود را و شریعت کرده کرده هر گروهی بر آنچه نزد ایشان است  
فَرِحُونَ ۝ وَإِذَا مَسَّ النَّاسَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُمْ مُنِيبِينَ إِلَيْهِ ثُمَّ  
خوش هستند و چون برسد مردمان سختی بخوانند پروردگار خود را رجوع کنند بپای او باز  
خوش هستند و چون برسد مردم مصیبت بخوانند پروردگار خود را رجوع کنند بپای او باز







عنه تا بنده جهان  
اصل تباری را از کفر  
بگذاشته و از فضل و  
لطفش خدای تعالی

منفعت زیادی بدست  
آید درین نعمت با  
شکر خدا را همیشه بجا آید  
(تفسیر اول در باب  
اختلاف در شکر  
و آب و ذکر و دو مقابل  
آن درین دو نوع شکر  
و نعمت الهی را ندانند  
شاید بدین طریقی  
اشاره باشد که بعضی  
از بندگان با دو دنیا  
بهر جا را بگردانند  
دانش را نماند که بدان  
رحمت عظیم تامل

مشود با دای سرود  
شور و بوییدن خود  
خود فضل در رحمت  
را میرساند کافران بد  
باید که شکر است و کفر  
نعمت باز آیند و چینی  
الطاف و احسان

خدای تعالی را می بینند  
بنده شکر گزارند و شکر  
عنه می بخورند و بود  
که قبولان درود و دان  
چهار کرده بشویند و شکر  
از سبب انعامشان  
و چاره شکر و احوال اند  
اکنون خاطر نشانی  
فرمایند که این اجزا در

دنیا بقیه بقیه در دست  
زیر اعداد داده  
و عادت اوست که در  
همین و نکته این است  
گوید و عوالم کامل  
از اعداد و اعانت  
خود پرده شکران غالب  
نگراند و ذکر و درین

میان زمین سبب آمد  
که چنانچه پیش ازین  
با مان با دو بیوز  
هم در عبادات بلند  
و درین شکر میورده

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلُ

بگو سیر کنید در زمین پس در شکر کنید که چگونه شد انجام آنگاه پیش از ایشان بودند

كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُشْرِكِينَ ۖ فَقَوْمٌ لِلَّذِينَ اتَّقَوْهُ مِنْ

بودند بیشترین ایشان مشرکان پس راست کن روسته خود را برائے دین درست پیش بودند اکثر ایشان مشرکین پس راست کن روی خود را برادست دین درست پیش از

قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا مَرَدٍّ لَهُ مِنَ اللَّهِ يَوْمَئِذٍ يُصْطَفَعُونَ

از آنکه بیاید روز یک بازگشتن نیست آنرا از جانب خدا آنروز متفرق شوند هر که از آنکه بیاید روز یک بازگردد استیدن نیست آنرا از طرف خدا آن روز مردم جدا جدا می شوند هر که

كَفَرُوا عَلَيْهِمْ نَعْرَةً ۖ وَمِنْهُمْ عَمَلٌ صَالِحٌ فَلَا نَفْسٌ يُمْسِكُهُمْ

کافر شد پس بر دهنست ضرر کفر او و هر که کرده باشد شایسته پس این جامع برائے خود لطف آدم گاه راست می گویند کافر شد پس بر دهنست ضرر کفر او و هر که بکند کار شایسته پس برای نفس خودشان آرام گاه می سازند

لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ

تا جزا دهد خدا آنان را که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند از فضل خود هر آنکه و دهنست عین داد تا جزا دهد خدا آنان را که ایمان آوردند و کردند کارهای شایسته از فضل خود بر آید و دوست ندارد

الْكَافِرِينَ ۖ وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ يُرْسِلَ الرِّيحَ مُبَشِّرَةً وَلِيَذِيقَكُمْ

کافران را و از نشان هاست خدا آنست که می فرستد باد هاست مژده و دهنست بر آنکه بخت اندیشارا کافران را و از نشان هاست او دلخانی آنست که می فرستد باد هاست و دهنست و برای آنکه بخت اندیشارا

مِنْ رَحْمَتِهِ وَلِتَجْزِيَ الْفُلُكُ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ

از رحمت خود یعنی باران دهد برای آنکه جاری شوند کشتی با بفرمان او و تا طلب کنند از فضل او و در حق او شاکرند از رحمت خود (یعنی باران) و تا جاری شود کشتی با بفرمان او و تا طلب کنند از فضل او و در حق او شاکرند

تَشْكُرُون ۖ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاءَهُمْ

شکر کنید و هر آینه فرستادیم پیش از تو پیغامبران را البسی قومی ایشان پس آوردند پیش قوم خود شکر کنید و دهنست فرستادیم پیش از تو پیغامبران را البسی قومی ایشان پس آوردند پیش قوم خود

بِالْبَيِّنَاتِ فَاتَّقِمْتُمْ مِنَ الَّذِينَ أَجْرُكُمْ وَأَوْكَانَ حَقًّا عَلَيْكُمْ نَصْرُ

ایشان با پس انتقام کشیدیم از آنکه با فانی کردند و بوی نصرت مسلمانان نشانی برای روشن پس انتقام کشیدیم از آنکه با فانی کردند و حق است بر ما مدد

الْمُؤْمِنِينَ ۖ اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيحَ فَتَنُفِثُ سَحَابًا فَيَسْطُرُ فِي

لازم بر ما خدا آنست که می فرستد باد هاست بر آنکه از ایشان پس خدا بکشد از ایشان را در برای مومنان همه خدا آنست که می فرستد باد هاست بر آنکه از ایشان پس خدا بکشد از ایشان را در

السَّمَاءِ كَيْفَ يَشَاءُ وَيُجْعَلُهُ كِسْفًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ

آسمان چنانکه خواهد و بگردانش باره باره پس می بینی که قطرات بیرون می آیند از میان آن آسمان چنانکه خواهد و می نهد آنرا بر تو را میگرداندش باره باره پس می بینی که قطرات بیرون می آیند از میان آن

فَإِذَا أَصَابَ بِهِ مِنْ يَسَاءٍ مِنْ عِبَادَةٍ إِذْ أَهْمُ يَسْتَبْشِرُونَ ۖ وَإِنْ

پس چون برساندش بهر که خواهند از بندگان خود البیان ایشان شادمان شوند اگر چه پس چون برساندش بهر که خواهند از بندگان خود ناگاه ایشان شادمان شوند و دهنست

كَانُوا مِنْ قَبْلُ أَنْ يُنْزَلَ عَلَيْهِمْ مِنْ قَبْلِهِ لَسِبَلَسِينَ ۖ فَانْظُرْ إِلَى

بودند پیش از آنکه فرود آورده شود بر ایشان باران را تا امید عویند پس در شکر بوی بودند پیش از آنکه فرود آورده شد بر ایشان باران را تا امید عویند پس در شکر بوی

كَانُوا مِنْ قَبْلُ أَنْ يُنْزَلَ عَلَيْهِمْ مِنْ قَبْلِهِ لَسِبَلَسِينَ ۖ فَانْظُرْ إِلَى

بودند پیش از آنکه فرود آورده شود بر ایشان باران را تا امید عویند پس در شکر بوی بودند پیش از آنکه فرود آورده شد بر ایشان باران را تا امید عویند پس در شکر بوی

كَانُوا مِنْ قَبْلُ أَنْ يُنْزَلَ عَلَيْهِمْ مِنْ قَبْلِهِ لَسِبَلَسِينَ ۖ فَانْظُرْ إِلَى

بودند پیش از آنکه فرود آورده شود بر ایشان باران را تا امید عویند پس در شکر بوی بودند پیش از آنکه فرود آورده شد بر ایشان باران را تا امید عویند پس در شکر بوی



اِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ كَيْفَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ ذَلِكَ لَكُنْشَى

در رحمت خدا چگونه زنده می کند زمین را بعد از مرده بودن آن هر آینه دلی که زنده کند

النَّوَى وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ وَلَئِنْ أَرْسَلْنَا رِجَالًا

مردگان است و او بر همه چیز توانا است  
و اگر فرستیم پادشاهان پس به بینند آن کشت را

مُصَفِّرًا يَطْلُو أَمِّنَ بَعْدَهُ يَكْفُرُونَ ۝ فَإِنَّكَ لَا تَسْمِعُ النَّوَى وَ

زنده کننده البته شوند بعد از آن ناسپاسی کنند  
پس هر آینه تو نمی شنوائی مردگان را و

تَسْمِعُ الصَّمَّ الدُّعَاءَ إِذَا أُولُو الْأُذُنِ بَرِينٌ ۝ وَمَا أَنتَ بِهَذَا لَعْنَى

می شنوائی گویان را آواز خواندن چون رو برگردانند پشت داده و بیستی تو راه نمایند گویان را

عَنْ ضَلَلْتَ هُمْ إِنْ تَسْمِعُ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُسْمَعُونَ ۝

از برای ایشان نمی شنوائی مگر کسی را که باور میدارد آیات ما پس آن جماعه القیاد کنند اند

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ

خدا است که آفرید شما را از ابتداء تا توانائی باز و او شمارا بعد از ناتوانائی توانائی باز

جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَهُوَ الْعَلِيمُ

و او شمارا بعد از توانائی ناتوانائی و مسکون می آفریند هر چه می خواهد و او درست دانسته

الْعَدِيدُ ۝ وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُقْسِمُ الْمُجْرِمُونَ مَا لَنَا بِالنَّارِ

توان روزیک قائم شود قیامت سوگند خورند که ما را از آتش

بَعْدَةٍ كَذَلِكَ كَانُوا يُؤْفَكُونَ ۝ وَقَالَ الَّذِينَ أَتَوْا الْعِلْمَ وَ

راستی بگویند از راه برگردانیده می شوند و گویند آنا که علم و ایمان

الَّذِينَ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ أَلَمْ يَأْتِهِمُ الْكِتَابُ فَكُلُوا مِنْهُ

که کفر می کردند با خدا و رسول او هر آینه تو قوت کردی

وَلَكِنَّكُمْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ۝ فَيَوْمَئِذٍ لَا يُفْعَلُ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا عَذَابٌ

در این هنگام نمی دانستید پس آنروز هر سود ندهد

مِنْ أَجْلِ الْإِنْسَانِ ۝ وَلَقَدْ خَرَّبْنَا النَّاسَ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ

بازداشتن تو به طلب کرده شوند و هر آینه بیان کردیم برای مردم در این قرآن

كُلِّ مَثَلٍ وَلَئِنْ جِئْتَهُمْ بِآيَةٍ لَيَقُولُنَّ الْكَافِرُونَ إِنَّهُمْ إِلَّا

و کافرانی را و اگر نیاری پیش ایشان نشانه گویند

بِأَشْيَاءٍ غَائِبَةٍ لَعَنُوا الْكَافِرِينَ ۝

مگر

دل من چون عقوبات  
خداوند میانه کرده دنیا  
را پیش بر سر است خیال  
خداوند بر عکس آنکه دنیا  
حیات دنیا را اینده خلا  
خیال میگرداند و الله اعلم  
تفسیر عثمانی

عنه خلافت و دله  
اگر مرده باز زنده کند و  
شایخی تواند که سخن فضا  
بر مردگان بگوید و بگوید  
یا گوش کر را برسانید

۵ یا که با او این کنید  
ح خصوص و تنبیه آنها  
۱۳ اراده شنیدن و  
۸ مکتوب را هم ندانسته

باشید پس نباید از که  
و ناسپاسی آنها غم گین  
و طول شری تو مشغول  
رسانیدن احکام و

پیغام خدا هستی و اگر  
بدین سخن قبول نکرده  
باز خواست می شود  
سخن تو را که نمی شنود

که بر طاعت با هم و  
روشن با یقین نموده  
و بر او تسلیم القیاد  
روان می شوند (تبیان)

آتش بدین معنوی در  
آخر حده و غل  
گذشته دست آفر  
مطابق و اینده سخن

درین موقع به بحث  
و سماع صوتی گفتگو  
دارند این اختلافات  
از عهد صحابه رضی الله

عنهم آمده است و  
دو جانب بر نهوم  
قرآن و حدیث تسک  
کرده اند و این جا

باید دانست که در دنیا  
بسیار کاری بدون مشیت  
و اراده خدا امکان  
ندارد مگر کاری را که  
انسان در امر او است



فتح الرحمن

دل بوی شل قدر است  
 و اسفند بار ۱۲-  
 تفسیر عثمانی  
 بقره صفی ۹۹  
 شفا کسی را  
 بگوشت داین  
 من از آن فانی  
 گفته شود و در صورتیکه  
 برنگین مشی سنگ نرزه  
 شکری بنام و بر باد شد  
 می گویند که خدای تعالی  
 بر قدرت خود توانا تمام  
 فرمود اگر چه بدین علم  
 باز کردن هم کار قیامت  
 همان ذلت تواناست  
 و در بدین شیت او  
 گله تفنگ و یا توپ  
 هیچ تاثیر کرده نمی تواند  
 در تیر کیم در جلای دیگر  
 ز خود تیر تفنگ و  
 لکن الله حکیم و  
 و سیت اورد میت  
 و لکن الله ری و انفعال  
 و کرم چون این کلمه  
 یک واقعه خارق العاده  
 بود لهذا نقل و  
 در می و اگر نظر  
 مسلمانان و پیغمبر  
 آمدن و مستقیما بسوی  
 خدای تعالی نسبت کردند  
 مطلب و انگل لایع  
 المونی و رانیز چنین  
 بداند یعنی شافار  
 تیسرید که سخن بزرگ  
 و آواز خود را به سمع  
 مرده برسانید زیرا  
 این چیز خلاف سباب  
 ظاهری است اگر چه  
 کدام سخن شمار میشوند  
 بگویند من لدن انکار  
 کرده می تواند اکنون  
 اگر از انصاف و شرف  
 بعض سخنان باین  
 طریق غیر معمولی تابان  
 شود فقط تا همان حد  
 باید به صراحه مونی  
 را تا آن غریب محض از تبحر می توانیم سخنان دیگر تحت  
 صراحه ایماوریم - بهر حال در این آیت از تفسیر اصباح و مطلقا نفی صراحه می شود و الله اعلم ۱۲-

**مَبْطُونٌ ۵** كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ۵  
 بے بوده گوی بچنین مهر سے بند خدا بر دل  
 درونگويان هم چنين مهری بند خدا بر دل با نسی  
 آنانکه نمی فهمند (و نمیدانند)  
**فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَا يَسْتَخِفُّكَ الَّذِينَ لَا يُوقِنُونَ ۵**  
 پس صبر کن بر آینه وعده خدا راست است و بکسار نکند ترا آنانکه یقین نمانند  
 پس صبر کن بر آینه وعده خدا راست است و بکسار نکند ترا آنانکه یقین نمانند  
**بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۵**  
 بسم خدا بخشنایند  
 آغاز می کنم بنام خدا ای که بے اندازه مهربان نهایت یارم است  
**تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ ۱۱** وَرَحْمَةً لِلْحَسَنِينَ ۱۱  
 این آیت هاست کتاب با حکمت است بدایت و بخشایش شده برائے نیکو کاران  
 این آیت هاست کتاب با حکمت است بدایت و رحمت است برای نیکو کاران  
**يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ ۵**  
 بر پا می دارند نماز را و میدهند زکوة را و ایشان با آخرت یقین می دارند  
 بر پا می دارند نماز را و میدهند زکوة را و ایشان با آخرت یقین می دارند  
**أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِنْ رَبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۵**  
 این جماعه بر هدایت اند از پروردگار ایشان و این جماعه ایشانند رستگاران و از مردمان  
 این جماعه بر هدایت اند از پروردگار ایشان و این جماعه ایشانند رستگاران و از مردمان  
**مَنْ يَشْتَرِ لِنَفْسِهِ أَجْرًا لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ فِئْتَانٌ مِنْهُمْ ۵**  
 کسی است که می خردن سخنان بے بوده را تا گمراه کند مردم راه را خدا بجز علم و بجز آفرین  
 کسی است که می خردن سخنان بے بوده را تا گمراه کند مردم راه را خدا بجز علم و بجز آفرین  
**هَؤُلَاءِ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ ۵** وَإِذْ أَنْتَ عَلَيْنَا نَذِيرٌ ۵  
 راه خدا را این جماعه ایشان را است عذاب خوار کننده و چون خوانده شود بر این شخص آیات ما را بگرداند بگریزان  
 شتر این جماعه ایشان را است عذاب خوار کننده و چون خوانده شود بر این آیات ما را بگرداند بگریزان  
**كَانَ لَمْ يَسْمَعْهَا كَأَنَّ فِي أُذُنَيْهِ وَقْرًا فَبَسَّرَ بِعَذَابِ الْيَمِّ ۵**  
 گویا شنیده است آنرا گویا در هر دو گوش دسه گرا می است پس خبر ده او را بحداب در دریا  
 گویا شنیده است آنرا گویا در هر دو گوش او گری است پس خبر ده او را بحداب در دریا (بر آینه)  
**الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتُ النَّعِيمِ ۵** خَلِيدِينَ فِيهَا  
 آنانکه ایمان آوردند و کردار با نسی خالص کردند ایشان را است بهشت بای جا و دیدان آینه  
 آنانکه ایمان آوردند و کردار با نسی خالص کردند ایشان را است بهشت بای نعمت جا و دیدان در اینجا  
**وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۵** خَلَقَ السَّمَوَاتِ بَغَيْرِ عَمَدٍ  
 و وعده داده است خدا وعده راست و او است غالب با حکمت آفرید آسمان با  
 وعده داده است خدا وعده راست و او است غالب با حکمت آفرید آسمان با  
**ثَرَوًا وَآلَافٍ فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ ۵**  
 پر بیند آنرا و آنکند در زمین کوه با تا میلان و حرکت نماند شما را و پرانگند کرد در زمین از هر کس جا و آن  
 پر بیند آنرا و آنکند در زمین کوه با تا میلان و حرکت نماند شما را و پرانگند کرد در زمین از هر کس جا و آن  
**وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ ۵** هَذَا خَلْقُ  
 و فرود آوردیم از آسمان آبی پس رویانیدیم در زمین از هر جفت یک این است آفرینش  
 و فرود آوردیم از آسمان آبی پس رویانیدیم در زمین از هر جفت (و صنف) نیک این است آفرینش  
 را تا آن غریب محض از تبحر می توانیم سخنان دیگر تحت  
 صراحه ایماوریم - بهر حال در این آیت از تفسیر اصباح و مطلقا نفی صراحه می شود و الله اعلم ۱۲-



اللَّهُ فَاذْكُرُونِي مَاذَا خَلَقَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ بَلِ الظَّالِمُونَ فِي ضَلَالٍ

بسیار بنامند مرا چه چیز آفریدند آن که بجز من است بلکه ستیگران در گمراهی

بَلَيْنٌ ۝ وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ أَنْ اشْكُرْ لِلَّهِ وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا

وهر آینه عطا کردیم لقمان را حکمت (حکمت) که شکر کن خدا را و هر که شکر کند پس جز این نیست که

يُشْكِرَ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَفِيرٌ ۝ وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ

شکر کند برای نفس خود و هر که کفر نماید پس خدا بخشنده است و یاد کن چون گفت لقمان

يَبْنِي وَهُوَ يُعْطِيهِ يَبْنِي لَا تَشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ ۝

بنیاد می سازد و او پدید می آید آن پس را که شرک من شرک بزرگ است و یاد کن که شرک بزرگ

وَوَيْسًا آلَ إِسْحَانَ بَوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى وَهْنٍ وَفُصِّلَ

و ویس را که از آل اسحاق است و او را پدر و مادرش در حال سختی و در حال سختی و از

فِي عَامَيْنِ أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَى الْمَصِيدِ ۝ وَإِنْ جَاهَدَاكَ

در دو سال است که شکر کن برای من و برای پدر و مادر خود را به سوی من و از گمراهی کنند با تو

عَلَى أَنْ تَشْرَكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبُ هَمَاقِي

بر آن شرک کنی با من چیزی که نیست ترا بحقیقت آن دانش پس توان برداری ایشان کن و صحبت داری ایشان را

الدُّنْيَا مَعْرُوفَةٌ ۝ وَإِيتِ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ ثُمَّ إِلَىٰ مَرْجِعِكُمْ

جهنم دنیا بهر چه باشد بهر چه پیروی کن راه من که در پیروی من باز بسوی من است رجوع شما

فَالْيَوْمَ بِنَاكُمْ تَعْمَلُونَ ۝ يَبْنِي إِنَّهَا أَنْ تَكُ مَثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ

پس بیا که با شما کار آید بنیاد می سازد آن که در یاد من بر آید حله اگر باشند هم سنگ دانند از

خُودٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَاءِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِيهِ اللَّهُ

خود را که در صخره یا در آسمان یا در زمین بهر حال حاضر کند آنرا خدا

بِأَمْرٍ خَافٍ لَا يَخْلُ مِنْ جَهَنَّمَ ۝ يَبْنِي أَقِمِ الصَّلَاةَ وَامْرَأًا مَعْرُوفَةً ۝

ب امر خدا که از جحیم است پس بر پا دار نماز را و زنی پاکیزه و شایسته را

وَصَبِّرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ ۝ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ ۝ وَلَا تَصْغُرْ

و صبر کن بر آنچه برسد به تو هر آینه این مقدمه از کارهاست و متاب

عَنْ النَّاسِ وَلَا تَتَّبِعْ فِي الْأَرْضِ مَرَجًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ

از مردم و از طرف مردمان یعنی متکبر و راه مرد در زمین خرامان هر آینه خدا دوست نمیدارد هر که از خود

والی یعنی هر وقت  
سست تر نشود  
تفسیر عثمانی  
این است که حضرت  
لقمن پیغمبر بود یک  
یک انسان پاکیزه  
و پربر سر کار بود که  
چون تقابل در کمال به  
او عقل و فهم و دانستن  
و دانائی و طهارت  
بود نامبر و مدبر بود  
عقل و فکر عالی بود  
حقایق را انظار نمود  
و مطابق احکام و هدایت  
پیغمبر بود و نصایح  
عالمات و مصلحتان  
و ادب مردم و طهارت  
و نامرد و مدبر بود  
یک حضرت را در کمال  
فکر و فهم و دانستن  
و شرف او افزوده  
است شاید از ذکر  
آن مقصد این باشد  
هم چنانکه توحید بودن  
شرک داشتن آن  
از شهادت نفرت  
انسانی از دینی ایشان  
ثابت است خود مندان  
مخفی و نیاز این  
شهادت دوی در آید  
و تعقیب و تدبیر  
توحید را توحید و  
شرک را اختیار کردن  
گرای آشکار است  
(تفسیر) اینکه حضرت  
لقمان با خبر کدام  
ملک بود و کدام مصر  
زیربانی که و احوال  
بصورتی که این تفسیر  
الکرم می گویند که  
لقمان صفت بود و  
مهد حضرت داود  
علی السلام زبیر  
سیک بسیار نصیحت  
و عقل داد و تقاضا



عنه بعضی از چنان  
آنکه با او درین برهان  
احسان آنکه چنانچه  
خود را بپوشد و  
سند و حدیث  
التعالی و باری  
شئون و صفات  
و یا احکام و مشرک  
او مجادلی کند متناهی  
کلام اصل مادی عقلی  
دلند و کلام روشنی  
و دوست ایشان است  
و ناز که اهلادی بر حق  
هدایت یافته اند بلکه  
محض تقلید و کورانه  
آباد اجداد ایشان  
گرفته اند که اگر آن در  
آیت آئینه می باشد  
از توحید چنین برآید  
که توحید محقق قدس الله  
سوازه علم و غایب  
بطور عقلی و از سببی  
یک نوع طبیعت را در  
گرفته است که صفاتی  
ذاتی و وجهی را در  
عقل و فکر ناشی میشود  
مطلب این توحید  
که این مردم در فهم عادی  
دارند و با ایشان  
و جهانی حاصل است  
و در کتاب روشن بینی  
دلیل عقلی را در آورده اند  
این سخن ضعیف با  
توان است و تقریر  
ما را بآیت محض  
از عرض تسبیح یا رب  
توبه عده علامه  
خود را با التماس  
مروا و سزاوار  
و کذب کسی پاک  
دارد و مستحق هم  
محضر را حاضر شد  
اندوگان وقت تمام کرد  
آنها بیدار شدند  
آورده میشود آنها  
چرا خود را بپوشان کرده  
نیز آینه چه او کمال

**فَخُورًا وَاقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاعْصِصْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ**  
خود ستاننده را و میانه روی کن در رفتن خود و خود را در  
خود ستاننده را و میانه روی کن در رفتن خود و خود را در  
**الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرَةِ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ تَافِي السَّمَوَاتِ وَ**  
آوازها را آواز خرافان باشد آیا ندیدید که خدا را برای شما آنچه در آسمان است و  
آوازها را آواز خرافان است آیا ندیدید که خدا را برای شما آنچه در آسمان است و  
**تَافِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً وَمِنَ النَّاسِ مَن**  
آینه در زمین است و تمام کرد بر شما نعمت های خود را آشکارا و پنهان و از مردمان کسی است  
آینه در زمین است و تمام کرد بر شما نعمت های خود را آشکارا و پنهان و از مردمان کسی است  
**يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُنِيرٍ ۝ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ**  
که میبرد می کند در باب خدا بغير دانش و بغير هدایت و بغير کتاب روشن و چون گفته شود بایشان  
که مبارزه می کند در باره خدا بدون علم و هدایت و بغير کتاب روشن و چون گفته شود بایشان  
**اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَحْنُ عَابِدُونَ اللَّهِ وَإِنَّمَا نَحْنُ مُوَدَّعُونَ**  
که پیروی کنید چنانچه را که فرود آورده خدا گویند بلکه پیروی می کنیم چنانچه را که بایستیم بران پدران خود را آیا پیروی می کنند  
که پیروی کنید چنانچه را که فرود آورده خدا گویند بلکه پیروی می کنیم چنانچه را که بایستیم بران پدران خود را آیا پیروی می کنند  
**الشَّيْطَانُ يَدْعُوهُمْ إِلَى عَذَابِ السَّعِيرِ ۝ وَمَن يَسْلُجْهُ إِلَى اللَّهِ**  
شیطان می خواند ایشان را بسوی عذاب دوزخ و هر که متوجه ساخت روی خود را بسوی خدا  
شیطان می خواند ایشان را بسوی عذاب دوزخ و هر که متوجه ساخت روی خود را بسوی خدا  
**وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ وَإِلَى اللَّهِ عَاقِبَةُ**  
و دوسه تنگ کار است پس سر آئینه دست زده است بدست آویزی محکم و بسوی خداست بازگشت  
و دوسه تنگ کار است پس سر آئینه دست زده است بدست آویزی محکم و بسوی خداست بازگشت  
**الْأُمُورِ ۝ وَمَن كَفَرَ فَلَا يَحْزَنُهُ الْكُفْرُ ۝ إِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ فَنُنَبِّئُهُم**  
کارها و هر که کافر شود پس اندک بین ننگ تر از کفر روی بسوی ماست رجوع ایشان پس خبردار کنیم ایشان را  
کارها و هر که کافر شود پس اندک بین ننگ تر از کفر روی بسوی ماست رجوع ایشان پس خبردار کنیم ایشان را  
**بِمَا عَمِلُوا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ۝ نَسْتَعْتِبُكَ يَا رَبِّ**  
با آنچه می کردند هر آینه خدا داناست محضی که در سینه ها باشد بهره مندیم از ابراهیم ایشان را دانست که باز  
با آنچه می کردند هر آینه خدا داناست محضی که در سینه ها باشد بهره مندیم از ابراهیم ایشان را دانست که باز  
**نَضْطَرُّهُمْ إِلَىٰ عَذَابِ غَلِيظٍ ۝ وَلَئِن سَأَلْتَهُم مِّنْ خَلْقِ السَّمُورِ**  
به بیکارگی به ایم ایشان را بسوی عذاب سخت و اگر سوال کنی از ایشان کیست که بیا فرید آسمانها  
به بیکارگی به ایم ایشان را بسوی عذاب سخت و اگر سوال کنی از ایشان کیست که بیا فرید آسمانها  
**وَالْأَرْضِ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ مَقْلُ الْحَمْدِ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ**  
و زمین را البته بگویند خدا را فرید بگو ستایش خدا را راست بلکه اکثر ایشان نمی دانند  
و زمین را البته بگویند خدا را فرید بگو ستایش خدا را راست بلکه اکثر ایشان نمی دانند  
**يَا رَبِّ السَّمُوتِ وَالْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ۝ وَلَوْ أَنَّ**  
خدا را راست آنچه در آسمان و زمین است هر آینه خدا داناست که نیاز ندارد و اگر آنچه  
خدا را راست آنچه در آسمان و زمین است هر آینه خدا داناست که نیاز ندارد و اگر آنچه  
**فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ**  
در زمین است از درختان قلمها شوند و یا سیاهی بود و زیاده می کند ترا بیدار زمین دریا صفت و بی دریغ  
در زمین است از درختان قلمها شوند و یا سیاهی بود و زیاده می کند ترا بیدار زمین دریا صفت و بی دریغ  
**أَجْمَلُ ۝**



وَقَدْ كَلَّمَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ إِذَا اللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ۝ مَا خَلَقَكُمْ وَلَا يَعْزُبُ عَنْكُمْ

پایان رسیده سخن خدا و الهیة خدا غالب با حکمت است نیست آفریدن ستاره بر آفاق سخن خدا

وَأَن تَقُولَ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ فَلَسْتُ بِرَسُولٍ

لا انشد آفریدن و بران یقین یکتا بر آئینه خدا شنوا بیجا است آیا ندیدی که خدا درمی آرد

الملك والوزير والجنود

غیر مادر روز و در آرد و زردار شیب و رام گردانید آفتاب و ماه را

سید درود و در آن سید درود در دست و بکار انداخت در ام کرد آفتاب و امار

برای مبرود باعد سے معین و آیا ندیدی کہ خدا پانچویں کثرت خیردارست اس کار با

این خدا را آنچه می کند خبردار است این

بِإِذْنِ اللَّهِ سُبْحَانَ اللَّهِ وَإِنْ هِيَ إِلَّا عَذَابٌ مُبِينٌ

سبب آن است که تنها خدا حق است و هر که را (آپندار) میخوانند مجزوی باطل است و خدا

هو اعلى الكبير ⑪ ثم ان القلک جری فی بحر بیعت الله لیریکم

درست از بحر بالا بلندتر میباشد بزرگ آریا ندید که کشتی می رود در دریا بعضی خدا تا غنایه شمارا

مِنْ آيَاتِهِ أَنْ فِي ذَلِكَ لَكُنَّ صَيَارِثُكُمْ ۝ وَإِذْ أَعْيَشْتُمْ

شأن بانی خود برآیند و این نشانهاست برای هر صبر کننده و شکر گوینده و چون می مانند ایشانرا

مُؤَجَّجًا الظِّلِّ دَعَا اللَّهَ فَخَلِّصْنِي لَهُ الدِّينَ ۖ فَلَمَّا نَجَّاهُ إِلَى الْبَرِّ

من از شما سمان پا بخوانند خدا را خالص کرده برائے او عبادت پس آنکه که بخت داد او ایشان را بسوی بیان  
موسیٰ زبدر بیان ای ابریمو از خدا را در حالیکه خالص کنندگان اند بر ای او عبادت را پس بخت داد او ایشان را بسوی

فَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ ۖ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا كُلُّ خَائِرٍ قَفُورٍ ﴿٢٠﴾ مَا لِلنَّاسِ

بہ بعض ایشیائی ممالک رو باشند و انکار نمی کنند آفات امارت مگر بر عہد رشکندہ و ناپسند و در تہہ اسے مردان  
کند بر بعض ایشیائی ممالک رو باشند و انکار نمی کنند آفات امارت مگر بر عہد رشکندہ و ناپسند و در تہہ اسے مردان

الْقُرْآنُ كَرِيمٌ

بزرگوار و پروردگار خویش د خدا کنید از روزی که کفایت کند هیچ پدر بچائی پس هر خویش و نه فرزند

٣٠

٣١

٣٢

٣٣

٣٤

٣٥

٣٦

٣٧

٣٨

٣٩

٤٠

٤١

٤٢

٤٣

٤٤

٤٥

٤٦

٤٧

٤٨

٤٩

٥٠

٥١

٥٢

٥٣

٥٤

٥٥

٥٦

٥٧

٥٨

٥٩

٦٠

٦١

٦٢

٦٣

٦٤

٦٥

٦٦

٦٧

٦٨

٦٩

٧٠

٧١

٧٢

٧٣

٧٤

٧٥

٧٦

٧٧

٧٨

٧٩

٨٠

٨١

٨٢

٨٣

٨٤

٨٥

٨٦

٨٧

٨٨

٨٩

٩٠

٩١

٩٢

٩٣

٩٤

٩٥

٩٦

٩٧

٩٨

٩٩

١٠٠

١٠١

١٠٢

١٠٣

١٠٤

١٠٥

١٠٦

١٠٧

١٠٨

١٠٩

١١٠

١١١

١١٢

١١٣

١١٤

١١٥

١١٦

١١٧

١١٨

١١٩

١٢٠

١٢١

١٢٢

١٢٣

١٢٤

١٢٥

١٢٦

١٢٧

١٢٨

١٢٩

١٣٠

١٣١

١٣٢

١٣٣

١٣٤

١٣٥

١٣٦

١٣٧

١٣٨

١٣٩

١٤٠

١٤١

١٤٢

١٤٣

١٤٤

١٤٥

١٤٦

١٤٧

١٤٨

١٤٩

١٥٠

١٥١

١٥٢

١٥٣

١٥٤

١٥٥

١٥٦

١٥٧

١٥٨

١٥٩

١٦٠

١٦١

١٦٢

١٦٣

١٦٤

١٦٥

١٦٦

١٦٧

١٦٨

١٦٩

١٧٠

١٧١

١٧٢

١٧٣

١٧٤

١٧٥

١٧٦

١٧٧

١٧٨

١٧٩

١٨٠

١٨١

١٨٢

١٨٣

١٨٤

١٨٥

١٨٦

١٨٧

١٨٨

١٨٩

١٩٠

١٩١

١٩٢

١٩٣

١٩٤

١٩٥

١٩٦

١٩٧

١٩٨

١٩٩

٢٠٠

٢٠١

٢٠٢

٢٠٣

٢٠٤

٢٠٥

٢٠٦

٢٠٧

٢٠٨

٢٠٩

٢١٠

٢١١

٢١٢

٢١٣

٢١٤

٢١٥

٢١٦

٢١٧

٢١٨

٢١٩

٢٢٠

٢٢١

٢٢٢

٢٢٣

٢٢٤

٢٢٥

٢٢٦

٢٢٧

٢٢٨

٢٢٩

٢٣٠

٢٣١

٢٣٢

٢٣٣

٢٣٤

٢٣٥

٢٣٦

٢٣٧

٢٣٨

٢٣٩

٢٤٠

٢٤١

٢٤٢

٢٤٣

٢٤٤

٢٤٥

٢٤٦

٢٤٧

٢٤٨

٢٤٩

٢٥٠

٢٥١

٢٥٢

٢٥٣

٢٥٤

٢٥٥

٢٥٦

٢٥٧

٢٥٨

٢٥٩

٢٦٠

٢٦١

٢٦٢

٢٦٣

٢٦٤

٢٦٥

٢٦٦

٢٦٧

٢٦٨

٢٦٩

٢٧٠

٢٧١

٢٧٢

٢٧٣

٢٧٤

٢٧٥

٢٧٦

٢٧٧

٢٧٨

٢٧٩

٢٨٠

٢٨١

٢٨٢

٢٨٣

٢٨٤

٢٨٥

٢٨٦

٢٨٧

٢٨٨

٢٨٩

٢٩٠

٢٩١

٢٩٢

٢٩٣

٢٩٤

٢٩٥

٢٩٦

٢٩٧

٢٩٨

٢٩٩

٣٠٠

٣٠١

٣٠٢

٣٠٣

٣٠٤

٣٠٥

٣٠٦

٣٠٧

٣٠٨

٣٠٩

٣١٠

٣١١

٣١٢

٣١٣

٣١٤

٣١٥

٣١٦

٣١٧

٣١٨

٣١٩

٣٢٠

٣٢١

٣٢٢

٣٢٣

٣٢٤

٣٢٥

٣٢٦

٣٢٧

٣٢٨

٣٢٩

٣٣٠

٣٣١

٣٣٢

٣٣٣

٣٣٤

٣٣٥

٣٣٦

٣٣٧

٣٣٨

٣٣٩

٣٤٠

٣٤١

٣٤٢

٣٤٣

٣٤٤

٣٤٥

٣٤٦

٣٤٧

٣٤٨

٣٤٩

٣٥٠

٣٥١

٣٥٢

٣٥٣

٣٥٤

٣٥٥

٣٥٦

٣٥٧

٣٥٨

٣٥٩

٣٦٠

٣٦١

٣٦٢

٣٦٣

٣٦٤

٣٦٥

٣٦٦

٣٦٧

٣٦٨

٣٦٩

٣٧٠

٣٧١

٣٧٢

٣٧٣

٣٧٤

٣٧٥

٣٧٦

٣٧٧

٣٧٨

٣٧٩

٣٨٠

٣٨١

٣٨٢

٣٨٣

٣٨٤

٣٨٥

٣٨٦

٣٨٧

٣٨٨

٣٨٩

٣٩٠

٣٩١

٣٩٢

٣٩٣

٣٩٤

٣٩٥

٣٩٦

٣٩٧

٣٩٨

٣٩٩

٤٠٠

٤٠١

٤٠٢

٤٠٣

٤٠٤

٤٠٥

٤٠٦

٤٠٧

٤٠٨

٤٠٩

٤١٠

٤١١

٤١٢

٤١٣

٤١٤

عاقبت گفته باشد بجای پدر خود چیزی را بهر آئینه و عده خدای است مست پس فریب ندهد شمار از زندگانی دنیا

[illegible]

از رب ندوشار در مقدس خدا شیطان فریبده بر آیت خدا نژادیک اوست علم قیامت و فردو میفرستد

در کرب و در ستم و اندام خدا خرب و ستمه بر آینه نزد خداست علم قیامت و زودی آرد

قیمت و یعلّم ما فی الاسرار حرم و ما فی الری نفس و اذ انیسب غلاط

و امید انداخت در رحم بامست و نمیدانند هیچ نفسی که چه خواهد کرد زردا

۱۲۸۱-۱۲۸۲: لیکن نیست زیرا ملا تمام احوال را می شنود و تمام افغان را که در میان درج چیز است و او را نهایی از او تعالی پو رسیده نیست ۱۲-







قُلْ يَتُوبُكُمْ فَلَكَ الْمَوْتُ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ ٤٠

بگویند روح سالی که در ملک الموت که گماشته شده است بر شما باز می آید پروردگار خویش گره انداخته و گوید  
بگویند روح شما این ملک الموتی که مقرر شده بر شما باز می آید پروردگار خود گره انداخته و میگوید

وَلَقَدْ نَزَّلْنَاهُ بِذِكْرِ لَيْلٍ وَقُرْآنٍ مَّجِيدٍ  
وَلَقَدْ نَزَّلْنَاهُ بِالْأَسْفَرِ وَقُرْآنٍ مَّجِيدٍ

عجب کی آورد عکری و قتیله کنایه از آن که سرخویش باشند نزد بزرگوار خویش گویند اسه بزرگوار دادید بحد  
 (تسبیح) قتیله کنایه از آن که سرخویش باشند نزد بزرگوار خویش گویند اسه بزرگوار دادید بحد

وَمَعْنَاهُ فَارْجِعْنَا عَمَلُ صَالِحًا ۖ وَمُؤْمِنُونَ ۖ وَلَوْ شِئْنَا لَآتَيْنَا كُلَّ

شاید تم پس باز کرده اند اما تا بنیم کارش بسته بر آید مایهین کنند و ایم  
 و اگر می خواستیم البته می دادیم هر  
 تغییر پس باز کرده اند اما تا بنیم کارش بسته (بر آید) مایهین کنند و ایم

نَفْسٌ هَذَاهَا وَلَكِنْ حَقَّ الْقَوْلُ مِنِّي لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ ۖ وَ

بدایت او و لیکن ثابت شده است وعده از جانب من که بر اینست که دوزخ را از جنیان و  
بدایت او و لیکن ثابت شده است وعده از جانب من که بر اینست که دوزخ را از جنیان و

لنَّاسٍ آخَرَ عَيْنٍ ۚ فَذُقُوا إِيمَانِيكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا ۚ إِنَّا نَسِينَكُمْ

در بیان همه یک جا پس بکشید این عذاب بسبب آنکه فراموش کردید ملاقات این روز خود را اینها نیز فراموش کردید و بهشت را

وَذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٣٠﴾ إِنَّ مَائِدَتَنَا مِنْ يَدَيْنَا

دائم لبیب آید می کردید جز این نیست که ایمان می آرند به آیات ما  
عزیز و عزیز را لبیب آید می کردید جز این نیست که ایمان می آرند به آیات ما

لَا يَنْفَعُ إِذَا دُكِرُوا بِهَا خُرُوسُ أَصْوَابِهِمْ وَلَا تُفْعَلُ بِهِمْ شَيْءٌ إِلَّا أَجْمَعُوا عَلَيْهِمْ

و ایشان

يَسْتَكْبِرُونَ ﴿٢٧﴾ تَتَجَاوَزُ فِي جَنَّاتِهِمُ الْمُصَاجِرُ يَدْعُونَ بِهِمُ

دور میماند پهلوی ایشان از	خواهگاه می خوانند پروردگار خود را
بدا میماند پهلوی ایشان از	خواهگاه عقی می خوانند پروردگار خود را

تَوْفَاقًا وَصِدًّا رَافِقًا ۖ فَمِنْهُمْ يَرْفِقُونَ ﴿٥﴾ فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مِمَّا أُخْفِيَ

روزی فوت و طبع و از آنجکه داده ایم ایشان را طرح می کنند پس می اندازد و نفسی بخورد که ایشان گفته اند مرده است

لَهُمْ مِنْ قَرَّةٍ أَعْيُنُ جَزَاءُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٥﴾ أَفَمِنْ كَانِ

سازمان از منی چشم یاد او شد با چندی کردند  
آیا تسکین باشد

وَمِنَّا كَافِرٌ كَانَ فَاسِقًا ۖ لَا يَسْتَوُونَ ۚ أَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا

من باشد مانند کسی است که باشد ناسق بر او بر می شوند پس آنرا جوایمان آرد و دند و گردند و کار باری

صَلَحَتْ فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْهَوَايَ تَزِلُّ زَلِيلًا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝۸۱ وَالَّذِينَ

اگر کسی از ایشان راست بگفت یا غمازه بود و یا غش و بحث مباحثی بسبب کارهایی که می کردند و در (۱۶) ۱۳۲۱

سَقَوا قِيَادَهُمْ النَّارَ كُلَّهَا أَرَادُوا أَنْ يَخْرِجُوا مِنْهَا أَعْيُنَ وَافِيهَا

می کردند پس حاکم ایشان دوزخ است هر که تنگد خوانند که بیرون آیند از آن باز گردانند و شوند در آن

فانكده ددريشك منكر است. و بيق نوازل فانه كرامه او يا فوض من مذهب و شده و ارمه كرهه ايد. اگر چه ده كلات گنجايش من مذهب هم است. ليكن راجع به ده



و یکنه از تمام جوی  
و کنه را با ن ظالم استقام  
و گوییم این افراد  
کلامی تند و کینه داری  
خواهند یافت و بعد  
انسان بر رسول الله  
و صلح او تسلیم می دهد  
و از ظلم و اعراض و کینه  
و دیگر غیور و غیر موسی  
کتاب داده بودیم و حق  
اسرائیل از آن  
هدایت یافتند  
و از سیر و آن  
پیشوایان و ملائکه  
بزرگ و بی بی پدید آمدند  
به شنبه برای توهم از  
طرف الله تعالی کتاب  
عظیمی را فی نازل  
شد که حقوق بسیار  
از آن هدایت خواهند  
یافت و نسبت به بنی  
اسرائیل ملامت و  
سر و سامان بزرگوار  
است و بعد از آن خواهند  
شد و فیصله منکران  
را خود خدای تعالی  
خدا کرد و عمل و ظلم  
مکن فی مرتبه تعالی  
جمله ستم و است و  
و تو حیر و دل و کای اینک  
به شک و شبهه موسی  
کتاب داده شد  
و برای تو نیز  
چنان کتابی  
دادیم که سالان  
فریب و دغل نیست  
و در این ملاقات تو  
با موسی و مشی و صلح  
حقیقی است و هیچ  
فریب و شبهه نیست  
و بنده و اول و غیره  
راجع بقضی و  
تقدیر ثانی است  
محضر و علی  
علیه السلام است  
بنی اسرائیل را و دریا با  
و آب با طاعت مراد

وَقِيلَ لَهُمْ ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّتِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ ۝۹

و گفته شود بایشان بخشد عذاب آتشی که آنرا می داشتید

لَنذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَلَدِّ الَّذِي دُونَ الْعَذَابِ الْأُولَىٰ لَأَعْلَمَهُمْ بِرَجْعَتِهِ ۝۱۰

البته بخشایم ایشان را عذاب اندک و در ویل، سوای عذاب بزرگ تا ایشان باز گردند

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ ثُمَّ أَعْرَضَ عَنْهَا إِنَّا مِنَ الْجَاحِدِينَ ۝۱۱

و کیست ستمگر از آن کسی که پیغام داده شده آیات پروردگارش باز رو بگرداند از آن سرانجام ما از کینه داران

و کیست ظالم تر از کسی که پیغام داده شود به آیات پروردگارش باز روی بگرداند از آن (بهر آینه) ما از کینه داران

مَنْ تَقْوَىٰ ۝۱۲ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَىٰ الْكِتَابَ فَلَا تَكُنْ فِي مِرْيَةٍ مِنْ لِقَائِهِ

استقام کننده ایم و بهر آینه دادیم موسی را کتاب پس مباحث در ستم از ملاقات قرآن

و جَعَلْنَاهُ هُدًى لِّبَنِي إِسْرَءِيلَ ۝۱۳ وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ آيَةً لِلْعَالَمِينَ ۝۱۴

و ما خیم موسی را هدایت برای بنی اسرائیل و پدید آوردیم از ایشان پیغامی را که می نمودند

و گردانیدیم آنرا هدایت برای بنی اسرائیل و گردانیدیم از ایشان پیغامی که می نمودند

يَا مَعْزِرَاتُ صَبْرُوا ۝۱۵ وَكَانُوا يَتَنَبَّؤُنَ أَنَّ رَبَّهُمْ هُوَ يَفْصَلُ

ای مبالغه کننده ها صبر کنید و آیات مایهین می آوردند بهر آینه پروردگار تو فیصله کند

بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ۝۱۶ وَأَوَّلُ نَبَأِهِمْ أَنَّهُمْ أَهْلُكُمْ

میان ایشان روز قیامت در آنچه در آن اختلاف می کردند آیاده نمود ایشان را که جعفر ملاک گردید

مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسْجِدِهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً

پیش از ایشان از قرونهای میروند ایشان در خانه های آن جاده بهر آینه در مسجد کارشان است

أَفَلَا يَسْمَعُونَ ۝۱۷ أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرُزِ فَنُخْرِجُ

آیا نمی شنوند آیا ندیدند که ما رودان می نهم آب را بسوی زمین بی گناه تا سیردن آیدیم

بِهِ زُرْعَاتٍ أَكُلُ مِنْهُ أَعْمَاهُمْ وَانْفُسَهُمْ أَفَلَا يَصْخَرُونَ ۝۱۸ وَيَقُولُونَ

بسیب آن زراعت را می خورند از آن زراعت چهار پایان ایشان و خود ایشان نیز آبی می بینند و میگویند

بِرَأْسِ زُرْعَتِ الرَّسُولِ وَنُفْسُهُمْ أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ ۝۱۹ وَنُفْسُهُمْ أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ

بسر آن زراعت را که سر زراعتی چهار پایان ایشان و خود ایشان نیز آبی می بینند و میگویند

مَنْ هَذَا الْفَتْحُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۝۲۰ قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ

کس خواهد بود این فتح اگر راست گویند بگو روز فتح سود ندارد

الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَّا يَأْمَنُ اللَّهُ وَالَّذِينَ كَفَرُوا إِلَّا يَأْمَنُ اللَّهُ ۝۲۱

از آن را ایمان آوردند ایشان و از ایشان مهربانی داده شوند پس روی بگردان

عَنْهُمْ وَانْتَظِرْ إِنَّهُمْ مُنْتَظَرُونَ ۝۲۲

از ایشان و انتظار بکن بهر آینه ایشان نیز منتظرند



ول منزه محمد و آل محمد  
آیات رحمت بر قول  
لا فیه که مراد دل داد  
اند بر این حال نیست  
مقرر کرده بودند که ظاهر  
مثل احرام موندی  
شود و تعویض است  
بجواب طعن کافران و  
مناقضان به نسبت  
حضرت علی علیه  
سلم چون زینب را  
مزدوج فرمود که زن  
پسر خوانده را بزنند  
گرفتند و این بخت  
باین لقب بخوانند ۱۲  
ف لیکن در حرمت  
نکاح ۱۲ ف لیکن  
ارحام واجب است  
و قوارث بهر جهت مسلم  
منسوخ شده نباشد  
بقربان و در عام ۱۲  
تفسیر عثمانی  
ع تقاضای انصاف  
صحیح است که هر  
شخص بسوی پدر حقیقی  
خود فرستاد شود اگر  
شخصی کس دیگر را پسر  
خواند آن شخص پدر  
حقیقی او نمیکرد. اگر  
شخصی زن را شغقت  
و محبت کسی را مجاز  
پسر یا پدر خواند پیغمبر  
جداگانه غرض این است  
که در تعلقات نسبی و  
احکام آن نباید اشتباه  
و التباس واقع شود  
در اجزای اسامی رسول  
کریم صلی الله علیه و سلم  
زید بن حارثه را آزاد  
نموده پسر خواند و قرار  
رسم در دایره مردم او را  
تمام زید بن محمد صلی الله  
علیه وسلم خوانند چون  
این آیت نازل شد  
مردم او را زید بن حارثه  
خوانند. ع

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ

يَعْلَمُ حِكْمَهُ ۝ وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ مِنَ رَبِّكَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ

خَبِيرًا ۝ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا ۝ مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ

مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جُوفِهِ ۝ وَمَا جَعَلَ أَزْوَاجَكُمُ الْإِنثَاءَ فِي جُوفِ

الذَّكَاءِ ۝ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُ الْقَاسِرُ ۝ وَاللَّهُ

يَعْلَمُ مَا تَعْمَلُونَ ۝ وَمَا جَعَلَ أَزْوَاجَكُمُ الْإِنثَاءَ فِي جُوفِ

الذَّكَاءِ ۝ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُ الْقَاسِرُ ۝ وَاللَّهُ

يَعْلَمُ مَا تَعْمَلُونَ ۝ وَمَا جَعَلَ أَزْوَاجَكُمُ الْإِنثَاءَ فِي جُوفِ

الذَّكَاءِ ۝ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُ الْقَاسِرُ ۝ وَاللَّهُ

يَعْلَمُ مَا تَعْمَلُونَ ۝ وَمَا جَعَلَ أَزْوَاجَكُمُ الْإِنثَاءَ فِي جُوفِ

الذَّكَاءِ ۝ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُ الْقَاسِرُ ۝ وَاللَّهُ

يَعْلَمُ مَا تَعْمَلُونَ ۝ وَمَا جَعَلَ أَزْوَاجَكُمُ الْإِنثَاءَ فِي جُوفِ

الذَّكَاءِ ۝ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُ الْقَاسِرُ ۝ وَاللَّهُ

يَعْلَمُ مَا تَعْمَلُونَ ۝ وَمَا جَعَلَ أَزْوَاجَكُمُ الْإِنثَاءَ فِي جُوفِ

الذَّكَاءِ ۝ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُ الْقَاسِرُ ۝ وَاللَّهُ

يَعْلَمُ مَا تَعْمَلُونَ ۝ وَمَا جَعَلَ أَزْوَاجَكُمُ الْإِنثَاءَ فِي جُوفِ

الذَّكَاءِ ۝ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُ الْقَاسِرُ ۝ وَاللَّهُ

يَعْلَمُ مَا تَعْمَلُونَ ۝ وَمَا جَعَلَ أَزْوَاجَكُمُ الْإِنثَاءَ فِي جُوفِ

الذَّكَاءِ ۝ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُ الْقَاسِرُ ۝ وَاللَّهُ

يَعْلَمُ مَا تَعْمَلُونَ ۝ وَمَا جَعَلَ أَزْوَاجَكُمُ الْإِنثَاءَ فِي جُوفِ

الذَّكَاءِ ۝ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُ الْقَاسِرُ ۝ وَاللَّهُ

يَعْلَمُ مَا تَعْمَلُونَ ۝ وَمَا جَعَلَ أَزْوَاجَكُمُ الْإِنثَاءَ فِي جُوفِ

الذَّكَاءِ ۝ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُ الْقَاسِرُ ۝ وَاللَّهُ

يَعْلَمُ مَا تَعْمَلُونَ ۝ وَمَا جَعَلَ أَزْوَاجَكُمُ الْإِنثَاءَ فِي جُوفِ

الذَّكَاءِ ۝ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُ الْقَاسِرُ ۝ وَاللَّهُ

يَعْلَمُ مَا تَعْمَلُونَ ۝ وَمَا جَعَلَ أَزْوَاجَكُمُ الْإِنثَاءَ فِي جُوفِ

الذَّكَاءِ ۝ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُ الْقَاسِرُ ۝ وَاللَّهُ

يَعْلَمُ مَا تَعْمَلُونَ ۝ وَمَا جَعَلَ أَزْوَاجَكُمُ الْإِنثَاءَ فِي جُوفِ







ان فترته من الموت او القتل واذا لامتمتعون الا قليلا قل

من ذا الذي يعصمكم من الله ان اراد بكم سوءا او اراد بكم رحمة

ولا يجدون لهم دون الله وليا ولا نصيرا قد يعلم الله

سوء قلوبكم والقابلين اخوانهم هاهنا الياء ولا ياتون

اليك الا قليلا ايشة عليكم فاذا جاء الخوف رايهم

ينظرون اليك تدور اعينهم كالذي يعتب عليه من الموت

واذا ذهب الخوف سلقوكم بالسنة جدا ايشة على الخيل

وليك لم يؤمنوا فاحبط الله اعمالهم وكان ذلك على الله

يسيرا يحسبون الاحزاب لم يذهبوا وان يات الاحزاب يودو

واهم بادون في الاعراب يسألون عن انبيائهم ولو كانوا فكا

لقولوا قليلا لقد كان لكم في رسول الله اسوة حسنة لمن

كان يرجو الله واليوم الآخر وذكر الله كثيرا اولئك هم المؤمنون

الاحزاب قالوا هذا ما وعدنا الله ورسوله وصدق الله ورسوله

كان يرجو الله واليوم الآخر وذكر الله كثيرا اولئك هم المؤمنون

الاحزاب قالوا هذا ما وعدنا الله ورسوله وصدق الله ورسوله

كان يرجو الله واليوم الآخر وذكر الله كثيرا اولئك هم المؤمنون

الاحزاب قالوا هذا ما وعدنا الله ورسوله وصدق الله ورسوله

ولا يبين له

شما و يبين له

آينه و درنده ١٢

تفسير عثمان

بقية صفح ٢١٨

جليل و بهما ناسا

از ميدان جنگ گذار

گرفتند رسول كريم

صلی اللہ علیہ وسلم

شوره و فرود يلاخره

شوره حضرت سلمان

فارسی ترجمه بخداي

دران سمت شهر گذار

طرف اندیشه و در خطر

بود حضرت زمران

شديد استقامت داشت

تدبير و گروان شده

بود صحابه رضی اللہ

باز دارند در تیراندازی می شود گاه های افراط مخصوص فریقین در میدان بهار زده او شجاعت میدادند بقیه بر صفح ٢٢٠







وَمَنْ يَقْنَتْ مِنْكُمْ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ وَ

و هر که فرما برداری کند از شما خدا و پیغمبر او را و

عَمَلِ صَالِحٍ مِمَّا بَعَثْنَا مِنْهُمُ ابْنِ مَرْثِيٍّ وَاعْتَدْنَا لَهُمُ عَذَابًا

مندی کارهای بدی که از شما میسر کردیم و برای او عذاب را و

يَسْأَلُ النَّبِيَّ لَسْتُمْ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنْ تَقْبَلْنَ فَلَا تَخْضَعْنَ

پس از آنکه از پیغمبر بپرسید شما مانند یکی از زنان نیستید و اگر بپذیرید

بِقَوْلِ قَاطِعٍ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا وَفَرَّقَ

باز گفتن آنکه قاطع است که در دل او بیماری است و بگویند سخن نیکو و

فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَ

در خانه های خود و ظاهر نشیند در مجلس اول و مانند جاهلیت پیشین بود و برپا دارند نماز را و

آتَيْنَ الزَّكَاةَ وَأَطَعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ

که رسید زکوة را و اطاعت کند خدا و رسول او و خداوند میسر است که بخواهد از شما ببرد ریختن را

أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا ۝ وَاذْكُرْنَ مَا يُبَيِّنُ فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ

اهل بیت و پاک کند شما را پاک کننده و یاد کنید آنچه خوانده میشود در خانه های شما از آیات

اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ ۝ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا ۝ إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ

خدا و از حکمت ۵ و خداوند لطیف و آگاه است ۵ و مسلمانان و مسلمانان

وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ

و مؤمنان و مؤمنات و قانتان و قانتات و صادقان و صادقات

وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ

و صابران و صابرات و خاشعان و خاشعات و متصدقین و متصدقات

وَالصَّائِرِينَ وَالصَّائِرَاتِ وَهُمْ عَلَىٰ حِفْظٍ ۝ وَالدَّارُ الْآخِرَةُ

و صائران و صائرات و آنها در حفظ است ۵ و دار آخرت

لَهُمْ فِيهَا أَجْرٌ عَظِيمٌ ۝ وَكَذَلِكَ نَقُصُّ عَلَيْكَ مَا يَفْعَلُ اللَّهُ بِهِمْ

و اینها در آنجا پاداش بزرگ است ۵ و اینگونه روایت میکنیم آنچه خداوند

يُفْعَلُ بِهِمْ وَكَذَلِكَ نَقُصُّ عَلَيْكَ مَا يَفْعَلُ اللَّهُ بِهِمْ

و اینگونه روایت میکنیم آنچه خداوند

خونناک باو پیدا شد  
کریمین سکرینه باه  
چهره های گند خورده  
آتش با سکر افروخته  
بودند از خنده باو  
گرمی و دیگر های شین  
بر زمین افتاد و پیچ  
صورت بخت و پند  
نوازشند بر عاده  
از شدت باو خنده  
غلبه و ولسپ هاربا  
شده گوشت خورده  
و تارکین ملاقت فرسا  
نمودند در اثر آن شکر  
کنار پریشان و سر  
امیر شد بالا خرابو  
سفید رنگ توانا  
زبردست شان بود  
جل رحیل نواخت  
نهار تمام شکر گذار  
بر کوشش پرورده  
خائب و خاسر بر سر  
خود بر گشته و کفی  
الکد و المین القنالی  
۲۲ کان الله و یخبرنا  
ع این جنگ با جنگ  
۱ احزاب او با جایی  
جنگ خندق هم  
می گویند و موم برود  
من بدو بحالت فاقه  
و گریه خندق کنند  
و بین تو و او دشمنی  
محمود شد و جنگیدن  
حالاتی بود که فقیهین  
را زبانی دل خود را  
آوردند و مومینین  
از فتنه و استغلت  
نمودند حضرت صلی  
الله علیه و سلم در همین  
جنگ فرموده اند که در  
آینده کفار بر او هجوم  
آورند و می توانند بیکجا  
بر آنها هجوم خوانند  
چنانچه پس از ظهور  
رسید عیسی و  
رجوع کنند از آن



فل منترجم گوید و بر  
 آیت توبه است  
 بان توبه که آنحضرت  
 صلی الله علیه و آله فرمود  
 زینب را بر آنست و بر  
 خطبه فرموده آنرا زینب  
 و برادرش مکرر و در  
 و در معنی صاحب  
 ایشان بود و این علم  
 فل منترجم گوید و بر  
 آیت توبه است  
 بان توبه که آنحضرت  
 صلی الله علیه و آله فرمود  
 که آنرا در میان زینب  
 زینب مفارقت  
 واقع شود آنرا در  
 سنگ از و از طاهر  
 داخل نمایند لیکن آنرا  
 رعایت مرا هم شکو  
 خوابی بخشن تا مشورت  
 دلالت میفرمود ۱۲-  
 فل یعنی بعد از آنکه  
 هیچ بیخبر نباشد ۱۲-  
 و یعنی از جانب خدا  
 و فرشتگان ۱۳-  
 تفسیر عثمانی  
 و حضرت زینب  
 رضی الله عنها دختر  
 امیر بنت عبدالمطلب  
 یعنی عمزاده رسول  
 کریم صلی الله علیه و آله  
 و سلم و از خاندان  
 اعلای قریش بود  
 آنحضرت صلی الله علیه و آله  
 و سلم خواست که او را  
 بانی بن عاصه تزویج  
 نماید بجهت زهد و عبادت  
 و تقوا و از عصب شرعی  
 بود لیکن طای او را  
 در طوالت امیر گرفته  
 و در باره که بلور نظام  
 فروخت و حضرت عذرا  
 در معنی الله عنهما را آور  
 فرید و چند و چه بود  
 آنحضرت صلی الله علیه و آله  
 و سلم و بعد از آنکه

من امرهم و من یعزل الله و رسوله فقد ضلّ ضللاً مبيناً و اذ  
 در آن کار بایش و هر که تا زمانی کند خدا و رسول او را پس بر آینه گمراه شد که این ظاهر است و در آن کار  
 در کار ایشان و هر که تا زمانی کند خدا و رسول او را پس بر آینه گمراه شد که این ظاهر است و در آن کار  
 تقول للذي انعم الله عليه و انعمت عليه اميسك عليك زوجك  
 میگوید: بخفته که انعام کرده است خدا بر تو و تو بر خودی که نگاه دار خود زن خود را  
 و اتق الله و تخفي في نفسك ما الله مبديه و تخشى الناس و الله  
 و ترس از خدا و پنهانی کردی در نفس خود آنچه خدا پدید آورده آن است و ترسیدی از مردم و خدا  
 احق ان تخشاه فلما قضى زيد منها وطراً و جنبك ما لك يا كاهن  
 سزاوارتر است تا آنکه ترسی از من پس و تپید یا کاهن رسانید زید از زینب حاجت خود را این طلاق داد و بزنی دادیم ترا زینب را  
 سزاوارتر است تا آنکه ترسی از من پس چوین انجام رسانید زینب از آن عرض را حاجت خود را به نگاه تو و در آن روز  
 على الله مبین حرب في ازواج ادعياءهم اذ اقضوا منهم وطراً  
 بر مسلمان هیچ جنگی در میان در کردن زمان پس خواندن خویش چوین با خبر است من از ایشان حاجت را و  
 از مومنان کن (پس) در آن روز که در آن زمان پس خواندن ایشان چوین انجام رسانید از ایشان عرض خود را و  
 كان امر الله مفعولاً ما كان على النبي من حرج فيما فعل الله  
 هست امر خدا الفاعل کردنی و هست بر پیغمبر هیچ مفید و آنچه مقرر کرده خدا برای او  
 هست حکم در کار خدا بجا آورده شده نیست بر پیغمبر هیچ مفید و آنچه مقرر کرده خدا برای او  
 سنة الله في الذين خلوا من قبل و كان امر الله قدراً مقدوراً  
 مانند آیین خدا در حق آنان که گذشتند پیش ازین و هست کار خدا مانند مقرر کرده شده پیش از وجود مانند آیین خدا  
 مانند عادت خدا در حق آنان که گذشتند پیش ازین و هست حکم خدا اندازه مقرر کرده شده  
 الذين يبالغون رسل الله و يخشونه و لا يخشون احدا الا الله  
 در حق آنان که میرسانند پیغامهای خدا و ترسند از او و نمی ترسند از هیچ کس مگر از خدا و  
 از آنکه میرسانند پیغامهای خدا و ترسند از او و نمی ترسند از هیچ کس مگر از خدا و  
 كفى بالله حسيباً ما كان محمد اباً احداً من رجالكم و لكن رسولاً  
 بس است خدا صاحب گزند و نیست محمد پدر هیچ کس از مردان شما و لیکن پیغامبر  
 بس است خدا از حیث کافی بودن نیست محمد پدر هیچ کس از مردان شما و لیکن پیغامبر  
 الله و خاتم النبيين و كان الله بكل شئ عليماً يا ايها الذين امنوا  
 خداست و مهر پیغمبران است و هست خدا بهر چیز دانایان ای مسلمانان  
 خداست و مهر تمام پیغمبران است و هست خدا بهر چیز دانایان ای مومنان  
 اذكروا الله ذكر الكثیر و سمعوه بكرة و اصيلاً هو الذي  
 یاد کنید خدا را یاد کردن بسیار و بیای بخوانند او را صبح و شام او هست آنکه  
 یاد کنید خدا را یاد کردن بسیار و بیای بخوانند او را صبح و شام او هست آنکه  
 يصلي عليكم و عليكم ليخرجكم من الظلمات الى النور و كان  
 رحمت من فرستد بر شما و عاف می کند بر شما و فرستد از تاریکی به سوی روشنی و هست  
 رحمت من فرستد بر شما و عاف می کند بر شما و فرستد از تاریکی به سوی روشنی و هست  
 يا ايها الذين امنوا تحبهم يوم يلقونكم سلماً واعد لهم اجر  
 ای مسلمانان مهربان دعا می خرد ایشان و روزی که ملاقات کنند بخدا سلام داده کرده است برای ایشان  
 ای مومنان مهربان تحیت ایشان روزی که ملاقات کنند خدا را سلام است و آماده کرده است خدا برای ایشان جواب  
 و سلم و بعد از آنکه



کَرِیْمًا ۱۰ یَا أَيُّهَا النَّبِیُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَهِیدًا أَوْ بَشِيرًا أَوْ نَذِيرًا ۱۱ وَدَاعِيًا ۱۲  
 برای پیغمبر هر آینه ما فرستادیم ترا گواهی دهنده و مژده رس مژده و نذارنده و دوا کننده  
 و دافع کننده (از شر) ای پیغمبر هر آینه ترا نشان دهنده و مژده رس مژده و نذارنده و دوا کننده و دافع کننده

إِلَى اللَّهِ بِأَذْنِهِ ۱۳ وَبِشْرَ الْمُؤْمِنِينَ ۱۴ بَانَ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ  
 به سوی خدا بکلام او و چراغ روشن و بشارت ده مسلمانان را بآنکه ایشان را بشارت از جانب خدا  
 است خدا بکلام او و چراغ در ایشان و بشارت ده مومنان را بآنکه ایشان را بشارت از جانب خدا

فَضْلًا ۱۵ وَلَا تُطِيعُ الْكَافِرِينَ ۱۶ وَالْمُنَافِقِينَ ۱۷ وَذَكَرَ اللَّهُ تَوَكُّلَكُمْ  
 بخت بزرگ و فرمان میرا نرا و منافقان را و از لقا اعتبار مکن در میان ایشان را و توکل مکن بر  
 نفس بزرگ و اطاعت مکن منکرین و منافقان را و بگذار از بیت ایشان را و توکل مکن بر

اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا ۱۸ یَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ  
 خدا پس است خدا کار ساز ای مسلمانان چون نکاح کنید زنان مومنه را  
 بعد دین است خدا کار ساز ای مومنان چون به نکاح بپذیرید زنان مومنه را

طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَتَّصِفُوا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عَدَّةٍ  
 دین دهید ایشان را پیش از آنکه دست رمانید بایشان پس نیست شما برای زنان بیچ عده است که  
 دین دهید ایشان را پیش از آنکه دست بر سرانید بایشان پس نیست شما را هیچ برای ایشان دین در عده است

لَعَدَّوْنَهَا ۱۹ فَمَتَّعُوهُنَّ وَسِرَّوهُنَّ ۲۰ سِرًّا جَمِیلًا ۲۱ یَا أَيُّهَا النَّبِیُّ إِنَّا  
 شما دید آنرا پس متو دهید این مصلحتات را و بگذارید آنها را که ایشان ملک است پیغمبر هر آینه ما  
 نهاد آن را بپاره کنید پس متو دهید ایشان را و بگذارید ایشان را که ایشان ملک است پیغمبر هر آینه ما

أَحْلَلْنَا لَكَ أَزْوَاجَكَ الَّتِیْ أَتَيْتَ أَجُورَهُنَّ وَمَا مَلَكَتْ يَمِینُكَ ۲۲ مِمَّا آفَءَ  
 حلال کردیم برای تو زنان تو که داده مهر ایشان و نیز گای که مالک ایشان شده است دست و بازو  
 حلال کردانیم برای تو آن زنان ترا که داده مهر برای ایشان را و آنچه از گنای که مالک شده و ایشان ترا دست تو از آن

لِلَّهِ عَلَيْكَ وَبَنَاتُ عَمَّتِكَ وَبَنَاتُ خَالَكَ وَبَنَاتُ خَالَاتِكَ  
 به خداوند است بر تو و دختران عم ترا و دختران عمه ترا و دختران خاله ترا  
 خاله بر دست تو و دختران عم ترا و دختران عمه ترا و دختران خاله ترا

الَّتِیْ هَاجَرْنَ مَعَكَ ۲۳ وَامْرَأَتُ الْمُؤْمِنَاتِ ۲۴ وَهَبْتَ نَفْسَکَ لِلنَّبِیِّ إِنْ رَادَ النَّبِیُّ  
 آنکه بگریخت کرده اند با تو و عورت مومنه را اگر بگریخت خود را برای پیغمبر اگر خواهد پیغمبر  
 آنکه بگریخت کرده اند با تو و زن مومنه را اگر بگریخت خود را برای پیغمبر اگر خواهد پیغمبر

أَنْ تَنْتَحِبَ لَهُ خَالِصَةً لَكَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ ۲۵ قَدْ عَلِمْنَا مَا  
 بپس گیرد آنرا خاص برای تو بجز مسلمانان هر آینه و شکی نیست  
 که بخواهی بگیری آنرا این را هم خاص برای تو نیست بدین دیگر مسلمانان معلوم است ما هر چه بخواهیم از تو

فَوَضَعْنَا عَلَىکَ فِیْ أَزْوَاجِهِمْ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ لَکِنْ لَا یَكُونُ عَلَیْکَ  
 پس ما وضع کردیم بر ایشان در حق زنان ایشان و در حق نیز گای که مالک است ایشان است پس گزینم تا نباشد بر تو  
 مقرر کردیم بر ایشان در حق زنان ایشان و آنچه مالک شده دستهای ایشان تا نباشد بر تو

حَرَجٌ ۲۶ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِیمًا ۲۷ تَرْجِیْ مَنْ تَشَاءُ مِنْهُنَّ وَتُؤْوِیْ  
 هیچ حرج نیست خدا آمرزنده مهربان و پس باری هر که خواهی از ایشان و جانی و بی  
 حرج نیست خدا آمرزنده مهربان پس باری هر که خواهی از ایشان و جانی و بی

لِیْکَ مِنْ تَشَاءُ ۲۸ وَمَنْ ابْتَغَیْتَ مِنْ عَزْلَتٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَیْکَ ذَٰلِکَ  
 برای تو هر که خواهی و اگر خواهی از عجز گزینی پس نیست هیچ کنی به بر تو پس جفت و دین ترا  
 از خود هر که خواهی و کسی را که دلت بخواهد از عجز گزینی پس نیست هیچ کنی به بر تو پس

لَنْ تَنفَعُکَ خُفُوفُ أَدْبَانِهِمْ شَدَّکُمْ ۲۹ مَا شَرَّ دَرَجَاتِ الْفَرِیْقِیْنِ ۳۰ جَنَّاتُ عَدْنٍ ۳۱  
 نه سودمند نیست بر تو سبکی پاهای ایشان شدت کند شما را بدترین درجه است از دو فریق  
 بدترین درجه است از دو فریق جَنَّاتُ عَدْنٍ ۳۱

فل یخبر عن کفره تو  
 در میان او است ۱۲  
 یعنی پیغمبر و نواح آید  
 ۱۳ یعنی بشارت نواح  
 چیز است که بر امت  
 فرض شده و آن حضرت  
 ۱۴ تفسیر عثمانی  
 بقیه صفحه ۲۲۲-  
 خلیفه اندیش سراغ  
 اودا یا نقد یا لاخر عم  
 پدرش برادر او نیست  
 آن حضرت صلی الله علیه  
 و سلم رسیده و حق گرفته  
 که عداوت میگریزد  
 را یا بسیار بد رسول  
 کریم صلی الله علیه و سلم  
 فرمود که طردت مباد  
 نیست اگر خودی میزنی  
 خود بخود یا بشا برود  
 چون آنها به حضرت زید  
 میجو کرد حضرت زید  
 گفت یعنی خواهم که از  
 حضور آن حضرت صلی  
 الله علیه و سلم جدا شوم چه  
 او را نسبت بر او لادم  
 عزیز تر نگاه داشته  
 است و نسبت بر مادر  
 دیدم مرا دوست نر  
 میدارد آن حضرت معلوم  
 نامیده و ما پس خوانده  
 آزاد نمود چنانچه مردم  
 قرار دم در اوج آن عم  
 او را تمام زید بن محمد  
 میخواندند آنکه از بیت  
 او ادعای امام بود  
 آنست که الله نانی  
 شد و بعد از آن بجای  
 زید بن محمد او را  
 بنام پدرش زید بن  
 عاصم میخواندند چون  
 مطابق هم قرآن اندام  
 وی شرف این نسبت  
 بزرگ برداشته شد  
 شاید برای تلای آن  
 ازین جمیع سانه  
 صحابه رضی الله عنهم

لَنْ تَنفَعُکَ خُفُوفُ أَدْبَانِهِمْ شَدَّکُمْ ۲۹ مَا شَرَّ دَرَجَاتِ الْفَرِیْقِیْنِ ۳۰ جَنَّاتُ عَدْنٍ ۳۱



دل بخواه ای مسلمانان  
 از آنکه جنگ شود چشم ایشان را ندیده و ندیده شود  
 و فریب تر است بر آنکه در دشمن شود چشم بانی ایشان را ندیده و ندیده شود  
 و الله یعلم ما فی قلوبکم و کان الله علیما حلیم  
 و خدا میداند آنچه در دل بانی شماست و هست خدا دانایا برادر بار  
 و خدا میداند آنچه در دل بانی شماست و هست خدا دانایا برادر بار  
 من بعد و لا ان تبدل یمن من از و ایه و لو انجک حسنه انما  
 بعد ازین و لا و نه حال است آنکه بدل کنی بجای ایشان از زمان و دیگر را و اگر کثرت آمد ترا حسن ایشان مگر آنکه  
 بعد ازین و نه حال است آنکه بدل کنی بجای ایشان از زمان و دیگر را و اگر کثرت آمد ترا حسن ایشان مگر آنکه  
 ملک یمین و کان الله علی کل شیء رقیباً  
 مالک شد دست تو و هست خدا بر همه چیز نگهبان  
 و لا تدخلوا بیوت النبی الا ان یؤذن لکم الی طعام غیر نظیر  
 و نه بایست که شما بیایید بویوت پیغمبر مگر و قیود و مسواری داده شود شما را بر آنکه طعمی نه انتظار کسان  
 در نیاید بختانه بای پیغمبر مگر آنکه آذن داده شود بر شما بخوردن طعام در حلی که نظر نیاید  
 و لکن اذ ادعیتهم فادخلوا فادخلوا فان شربوا و لا  
 بختی شدن طعام را و لکن چون خوانده شود شما را در آمد پس چون طعام خوردید بر آنکه شربید و نه  
 بختی شدن آن را و لکن چون خواسته شربید پس در آمد پس چون طعام خوردید بر آنکه شربید و نه  
 مستانین کذب ان ذلکم کان یؤذی النبی فیسبخی منکم  
 آرام گیران بر آنکه سخن هر آینه این کار میرساند بختی میرساند پس شرم میداشت از شما  
 و الله لا یستحی من الحق و اذ اسالتهم فادخلوا فادخلوا  
 و خدا شرم نمیدارد از سخن راست و چون طلب کنید از زمان بختی پس طلب کنید آنرا از  
 و خدا شرم نمیدارد از سخن راست و چون خواهید از زمان بختی پس طلب کنید آنرا از  
 و ارجح ان ذلکم اطهر لقلوبکم و قلوبکم و ما کان لکم ان تؤذوا  
 پس بپزد این خلعت پاک ترست بر آنکه دل شما را دل ایشان و سر از این نیست شما را که بر بختی  
 بیرون برده این سوال بیرون برده پاک دارند تر است برای دل بانی شما و دل بانی ایشان چنان نیست شما را که بر بختی  
 رسول الله و لا ان تنکحوا از و ایه من بعد ابدان ذلکم کان  
 پیغمبر خدا را و نه آنکه کس از زمان او را پس از دوسه هرگز بر آید این کار هست  
 پیغمبر خدا را و نه آنکه کس از زمان او را پس از دوسه هرگز بر آید این کار هست  
 عند الله عظیم ان تبدوا شیء او مخفوه فان الله بکل شیء  
 نزد یک خدا گناه بزرگ است اگر آشکارا کنید چیزی را یا پنهان دارید آنرا پس هر آینه خدا هست بر هر چیزی  
 نزد خدا گناه بزرگ است اگر آشکارا کنید چیزی را یا پنهان دارید آنرا پس هر آینه خدا هست بر هر چیزی  
 علیه لا جناح علیهم فی ابائهم و لا ابناهم و لا اخوانهم  
 و ایست بر آنکه بر زمان در پیروید پیوسته شدن پیش پدران خویش و پیش پسران خویش و نه برادران خویش  
 و ایست بر آنکه بر زمان در پیروید پیوسته شدن پیش پدران خویش و پیش پسران خویش و نه برادران خویش  
 و لا ابناهم و لا اخوانهم و لا ابناهم و لا ابناهم و لا ابناهم  
 و نه پسران برادران خویش و نه پسران خواهران خویش و نه زنان  
 و نه نزد پسران برادران خود و نه نزد پسران خواهران خود و نه نزد زنان مسلمانان و نه نزد آنکه آنکس  
 و نه نزد پسران برادران خود و نه نزد پسران خواهران خود و نه نزد زنان مسلمانان و نه نزد آنکه آنکس

دل بخواه ای مسلمانان  
 از آنکه جنگ شود چشم ایشان را ندیده و ندیده شود  
 و فریب تر است بر آنکه در دشمن شود چشم بانی ایشان را ندیده و ندیده شود  
 و الله یعلم ما فی قلوبکم و کان الله علیما حلیم  
 و خدا میداند آنچه در دل بانی شماست و هست خدا دانایا برادر بار  
 و خدا میداند آنچه در دل بانی شماست و هست خدا دانایا برادر بار  
 من بعد و لا ان تبدل یمن من از و ایه و لو انجک حسنه انما  
 بعد ازین و لا و نه حال است آنکه بدل کنی بجای ایشان از زمان و دیگر را و اگر کثرت آمد ترا حسن ایشان مگر آنکه  
 بعد ازین و نه حال است آنکه بدل کنی بجای ایشان از زمان و دیگر را و اگر کثرت آمد ترا حسن ایشان مگر آنکه  
 ملک یمین و کان الله علی کل شیء رقیباً  
 مالک شد دست تو و هست خدا بر همه چیز نگهبان  
 و لا تدخلوا بیوت النبی الا ان یؤذن لکم الی طعام غیر نظیر  
 و نه بایست که شما بیایید بویوت پیغمبر مگر و قیود و مسواری داده شود شما را بر آنکه طعمی نه انتظار کسان  
 در نیاید بختانه بای پیغمبر مگر آنکه آذن داده شود بر شما بخوردن طعام در حلی که نظر نیاید  
 و لکن اذ ادعیتهم فادخلوا فادخلوا فان شربوا و لا  
 بختی شدن طعام را و لکن چون خوانده شود شما را در آمد پس چون طعام خوردید بر آنکه شربید و نه  
 بختی شدن آن را و لکن چون خواسته شربید پس در آمد پس چون طعام خوردید بر آنکه شربید و نه  
 مستانین کذب ان ذلکم کان یؤذی النبی فیسبخی منکم  
 آرام گیران بر آنکه سخن هر آینه این کار میرساند بختی میرساند پس شرم میداشت از شما  
 و الله لا یستحی من الحق و اذ اسالتهم فادخلوا فادخلوا  
 و خدا شرم نمیدارد از سخن راست و چون طلب کنید از زمان بختی پس طلب کنید آنرا از  
 و خدا شرم نمیدارد از سخن راست و چون خواهید از زمان بختی پس طلب کنید آنرا از  
 و ارجح ان ذلکم اطهر لقلوبکم و قلوبکم و ما کان لکم ان تؤذوا  
 پس بپزد این خلعت پاک ترست بر آنکه دل شما را دل ایشان و سر از این نیست شما را که بر بختی  
 بیرون برده این سوال بیرون برده پاک دارند تر است برای دل بانی شما و دل بانی ایشان چنان نیست شما را که بر بختی  
 رسول الله و لا ان تنکحوا از و ایه من بعد ابدان ذلکم کان  
 پیغمبر خدا را و نه آنکه کس از زمان او را پس از دوسه هرگز بر آید این کار هست  
 پیغمبر خدا را و نه آنکه کس از زمان او را پس از دوسه هرگز بر آید این کار هست  
 عند الله عظیم ان تبدوا شیء او مخفوه فان الله بکل شیء  
 نزد یک خدا گناه بزرگ است اگر آشکارا کنید چیزی را یا پنهان دارید آنرا پس هر آینه خدا هست بر هر چیزی  
 نزد خدا گناه بزرگ است اگر آشکارا کنید چیزی را یا پنهان دارید آنرا پس هر آینه خدا هست بر هر چیزی  
 علیه لا جناح علیهم فی ابائهم و لا ابناهم و لا اخوانهم  
 و ایست بر آنکه بر زمان در پیروید پیوسته شدن پیش پدران خویش و پیش پسران خویش و نه برادران خویش  
 و ایست بر آنکه بر زمان در پیروید پیوسته شدن پیش پدران خویش و پیش پسران خویش و نه برادران خویش  
 و لا ابناهم و لا اخوانهم و لا ابناهم و لا ابناهم و لا ابناهم  
 و نه پسران برادران خویش و نه پسران خواهران خویش و نه زنان  
 و نه نزد پسران برادران خود و نه نزد پسران خواهران خود و نه نزد زنان مسلمانان و نه نزد آنکه آنکس  
 و نه نزد پسران برادران خود و نه نزد پسران خواهران خود و نه نزد زنان مسلمانان و نه نزد آنکه آنکس



ایمانهم و اتقین الله ان الله کان علی کل شیء شهیدا ۱۵

دست ایشان و بترسیدای زدن از خدا هر آینه خدا است بر همه چیز گواه هر آینه

الله و ملکته یصلون علی النبی یا ایها الذین امنوا صلوا علیه

خدا و فرستادگان او درود میفرستید بر پیغمبر ای کسانی که ایمان آورده اید بر سر او درود فرستید بپدر و

وسلوا تسلیما ۱۶ ان الذین یؤذون الله ورسوله لعنهم الله فی

رسام گوئید سلام گفتی بر آنکه می ستایند خدا و پیغمبر او را لعنت کرد خدا ایشان را برادر

الدنیا و الآخرة واعد لهم عذابا مهینا ۱۷ والذین یؤذون المؤمنین

دنیا و آخرت و مهیا ساخت برای آن عذاب بخوار کننده و آنکه می ستایند مردمان مسلمان

والمؤمنات بغیر ما کتبهما فقلوا جهنما و انشأنا مبینا ۱۸ یا ایها

دین مسلمان را بغیر آن که برای آن تعیین کردیم عذاب بخوار کننده و آنکه می ستایند مردمان مسلمان

النبی قل لا یزواجک و بنتک و نساء المؤمنین یدنین علیهن من

پیغمبر بگو بزنان خود و دختران خود و زنان مسلمانان که زود کنند بر خود

جلا یدین ذلک اذنی ان یعرفن فلا یؤذین و کان الله غفورا

جدا بپای خود این نزد یک فرست بآنکه شن خسته شوند پس ایشانرا ایداده نشود هست خدا آمرزنده

رحیما ۱۹ لئن لم ینته المنفقون والذین فی قلوبهم مرض و الجفون

مهرمان و اگر باز نمانند منافقان و آنکه در دل ایشان بیماری است و خمر بدینش کنندگان

فی الدینة لخرینک یحرمهم ثم لا یجاءرونک فیها الا قلیلا ۲۰ فاعوذین

در دینة فک البینه علیه ترا بر ایشان باز حرامیه نمائند با و در مدینه مکه روزهای اندک و لعنت کرد و بیگان

اینا تقفوا اخذوا وقتا و اتقوا قتیلا ۲۱ سنة الله فی الذین خلوا من

بر که یا قتیله شوند اسیر گرفته شود ایشان را و کشته شود ایشانرا بسیار از آنکه گذشتند پس

قبل و کن تجد لسنة الله تبدیلا ۲۲ یسئلك الناس عن الساعة قل

از من و هرگز نیایی رویش خدا را خبر سوال می کنند ترا مردمان از قیامت

الساعة عند الله و ما یدریک لعل الساعة تكون قریبا ۲۳ ان الله

جزایی نیست که معرفت آن نزد یک خدا است و چه چیز خبر داد ترا شاید که قیامت موجود شود در زمان نزد یک بر آنکه خدا

لئن الکفرین و اعد لهم سعیرا ۲۴ خلدین فیها ابداء لا یجیون

لعنت کرده است کافران را و آماده ساخته است برای ایشان آتش سوزان در جای که جاویدان آنجا همیشه بنیاست

نفسها و کوه در پس طوفان خوار و مالک کرده شدند و یا مصلحان است که کوههای سابق هم کرده است که مصلحان را از بین خود خلع نماید چنانکه حضرت شامی

فما یجی عنفت  
ایشان را هرگز نشود و سستی  
تو عن ابنت نکند  
و الله اعلم و الله یجی  
کردن است خود را  
بسی جلادین کرد و خسته  
۲۲ تقی عنانی  
حضرت شاه صاحب  
می نویسد تا شناخته  
شدند که کفران نیستند  
بلکه خاتون های صاحب  
ناوس و دارای حب  
و نسب و نیک کردار  
از مردان دیگر دارد  
باید این را در آید  
۲۳ بدین چه جلیاب  
۲۴ چادر بر چهره او در  
کوهن علامه نبوت  
است تقیص حکم  
جلیاب بنابر ادب است  
است و اگر در غیر آن  
مثل جاری که انوار  
حقیق در دین کا  
گرفته خود نیز حاضر  
نباشد بدینان  
۲۵ فک البینه علیه ترا  
۲۶ فاعوذین  
۲۷ ایها الذین خلوا من  
۲۸ خلدین فیها ابداء  
۲۹ لئن الکفرین  
۳۰ یسئلك الناس  
۳۱ ان الله  
۳۲ خلدین فیها  
۳۳ لئن الکفرین  
۳۴ یسئلك الناس  
۳۵ ان الله  
۳۶ خلدین فیها  
۳۷ لئن الکفرین  
۳۸ یسئلك الناس  
۳۹ ان الله  
۴۰ خلدین فیها  
۴۱ لئن الکفرین  
۴۲ یسئلك الناس  
۴۳ ان الله  
۴۴ خلدین فیها  
۴۵ لئن الکفرین  
۴۶ یسئلك الناس  
۴۷ ان الله  
۴۸ خلدین فیها  
۴۹ لئن الکفرین  
۵۰ یسئلك الناس  
۵۱ ان الله  
۵۲ خلدین فیها  
۵۳ لئن الکفرین  
۵۴ یسئلك الناس  
۵۵ ان الله  
۵۶ خلدین فیها  
۵۷ لئن الکفرین  
۵۸ یسئلك الناس  
۵۹ ان الله  
۶۰ خلدین فیها  
۶۱ لئن الکفرین  
۶۲ یسئلك الناس  
۶۳ ان الله  
۶۴ خلدین فیها  
۶۵ لئن الکفرین  
۶۶ یسئلك الناس  
۶۷ ان الله  
۶۸ خلدین فیها  
۶۹ لئن الکفرین  
۷۰ یسئلك الناس  
۷۱ ان الله  
۷۲ خلدین فیها  
۷۳ لئن الکفرین  
۷۴ یسئلك الناس  
۷۵ ان الله  
۷۶ خلدین فیها  
۷۷ لئن الکفرین  
۷۸ یسئلك الناس  
۷۹ ان الله  
۸۰ خلدین فیها  
۸۱ لئن الکفرین  
۸۲ یسئلك الناس  
۸۳ ان الله  
۸۴ خلدین فیها  
۸۵ لئن الکفرین  
۸۶ یسئلك الناس  
۸۷ ان الله  
۸۸ خلدین فیها  
۸۹ لئن الکفرین  
۹۰ یسئلك الناس  
۹۱ ان الله  
۹۲ خلدین فیها  
۹۳ لئن الکفرین  
۹۴ یسئلك الناس  
۹۵ ان الله  
۹۶ خلدین فیها  
۹۷ لئن الکفرین  
۹۸ یسئلك الناس  
۹۹ ان الله  
۱۰۰ خلدین فیها



ما یستمعون من ربهم  
 وقت غل ستر سکر و جلا  
 بنی اسرائیل گفتند که  
 ادا دامت در دهنه  
 بحسب اتفاق و کلام  
 آب غل میگرد و جلا  
 خوبتر است بنده بود  
 بفرمان خدای تعالی  
 آن سنگ روان شد  
 موسی عقب میگردد  
 تا آنکه جاده از تنی  
 اسرائیل بریان  
 دیدند و گفتند  
 ادرت ندارد و ادرت  
 انتفاع خدی را گویند  
 والله اعلم و کلام  
 استعداد و تکلیف  
 باد و نواهی و انذار  
 کلام یعنی بالفعل عدا  
 و علم ندارد و قابلیت  
 آنها دارد و انذار  
 تفسیر شرفی  
 معانی را بر ترقی  
 بکنند که سبب انذار  
 پیغمبران گردید  
 آیه و جاست پیغمبر  
 نزل انذار بسمایار  
 است با و بیچ گزند  
 نقص نرسد چرا  
 تعالی تا کجای زای از  
 رسان را از پیغمبر  
 روی کند آری خبر  
 خرابی عاقبت برای  
 شمسیت پیغمبر که  
 مردم بر موسی علیه السلام  
 چند بنهاد از بیت  
 بار شدند  
 مگر الله تعالی از سبب  
 و جاست مقبولیت  
 او چه را باطل گردانید  
 بے خدادی عیب  
 بودن موسی علیه السلام  
 را با ثبات رسانید  
 در روایات است که  
 بعضی مفسرین بر جعفر  
 موسی علیه السلام  
 تحت گردانند که حضرت با دود را بکحل برده بکحل رسانیده است - خدا تعالی بیک طریق خلق العاده آنرا تردید فرمود - بقدر بر عین

وَلْيَاؤُلَا نَصِيرًا ۝ يَوْمَ تَقَلُّبُ وَجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ يَلَيْتُنَا

برایم دوستی و نه یاری و منیده روزی که گردانیده شود روی ایشان در آتش گویند آه ما را

أَطَعْنَا اللَّهَ وَأَطَعْنَا الرَّسُولَ ۝ وَقَالُوا رَبَّنَا آتِنَا سَادَتَنَا وَكَبَرَاءَنَا

فرمان می بردیم خدا را و فرمان می بردیم پسران را و گویند ای پروردگار ما را پسران ما را و بزرگان ما را

وَأَضْلُنَا السَّبِيلَ ۝ رَبَّنَا إِنَّهُمْ ضَعِيفٌ مِنَ الْعَذَابِ وَالْعَنَهُمُ اللَّهُ

پس گمراه ساخت ما از راه اے پروردگار ما پسران ما را و پسران ما را از عذاب و لعنت کن ایشان را لعنت

كِبْرًا ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ أَذَاكَمُوسَىٰ فَبَرَّاهُ اللَّهُ

سخت اے مسلمانان مباشید مانند آنکه را بنی بنده موسی را پس پاک ساخت خدا حق ادا

مِنَّا قَالُوا وَكَانَ عِنْدَ اللَّهِ وَجْهًا ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ

از آنچه گفتند بودند و مست نزد خدا با آبرو اے مسلمانان بترسید از خدا

وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ۝ يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ ۝

و بگویند سخن استوار تا بصلح آرد کردارهای شما را و بپاکیزد گناهان شما را و

مَنْ يَطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا ۝ إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَىٰ

سركه فرمانبرد خدا و رسول او را پس بر آید مطلب باب شریف روزی بزرگ بر آید بپیش روی ممانت را و

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا ۝

آسمانها و زمین و بر زمین و بر کوهها پس قبول نکردند که بردارند آنها و ترسیدند از آن و

حَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا ۝ يُعَذِّبُ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ

برداشت آنها آدمی بر آینه و سست استمکار نادان قلند و خود را از عذاب کند خدا متعلق مردان منافق

وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ وَيَتُوبُ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَ

و زنان منافق را و مردان مشرک و زنان مشرک را و برگشت رجوع کند بر مردان مسلمانان و

وَالْمُؤْمِنَاتِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ۝

و زنان مسلمان و بخت خدا آمرزنده مهربان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي له ما في السموات وما في الأرض وله الحمد في

جبروت و خلق خدا است که بدست او است آنچه در آسمان است و آنچه در زمین است و در او است ستایش در

جبروت و خلق خدا است که بدست او است آنچه در آسمان است و آنچه در زمین است و در او است ستایش در



تفسیر صفحہ ۳۲۷ - و در  
 مومنین است که حضرت  
 موسی از نهایت حیا  
 و رطوبت و راجح مرد  
 آنحضرت از مردم پنهان  
 غسل می کرد - مردم گفتند  
 که بدن او در ای  
 عیب است یعنی رخ  
 بر من در دو یا خفته  
 او آسمان را روزی  
 حضرت موسی علیه السلام  
 خواست بخون غسل  
 کند لباس را از برکت  
 به شکی بنه آن سنگ  
 کلام اگر قدر کثرت  
 حضرت موسی با و دعا  
 خود در عقب آن دید  
 سنگ در حالیکه مردم  
 دید و توانست ایستاده  
 شد - همه مردم حوسه  
 علیه السلام را بر سینه  
 و دانستند که در وجود  
 او عیبی نیست شاعران  
 چه خوب گفته اند پوشند  
 لبش پس بود و عیبی ندید  
 به عیبان را لباس  
 عربانی داد بعض  
 مفسرین نوشته اند که  
 قلدن بر لب یک مقدار  
 پول داد تا نسبت به  
 موسی قلم ثبت بند  
 او در محبت مردم ظاهر  
 نمود که موسی علیه السلام  
 را بسیار داشت بادی  
 گرفتار است با آخر  
 حق قمار قادر و دان  
 در زمین فرو برد و بخت  
 همان زن تزویر آن  
 جهت او انود چنانکه  
 در سوره قصص  
 گذشت (تفسیر)  
 و دیدن موسی علیه السلام  
 بحالت برنگی در پی  
 رنگ از سبب مجرب  
 و به اختیار خود و  
 شایان خیال هر پدرش

الْآخِرَةُ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ ۝ يَعْلَمُ مَا يَكُونُ فِي الْأَرْضِ كُلِّ مَخْرَجٍ مِنْهَا ۝  
 آخرت و اوست با حکمت آگاه  
 میداند آنچه در ای زمین و آنچه بر می آید از د  
 و مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرَجُ فِيهَا ۝ وَهُوَ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ ۝ وَقَالَ  
 و آنچه فرو می آید از آسمان و آنچه بالا میرود در د  
 و آنچه فرو می آید از آسمان و آنچه بالا میرود در ان  
 الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَأْتِيَنَا السَّاعَةُ قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتَأْتِيَنَكُمُ الْعِلْمُ الْغَيْبِ  
 کافران (کافران) نمی آید بر قیامت بخیر ای آری قسم است به پروردگار من هر آنچه را که شما پندارید که از  
 لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي السَّمَوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَلَا  
 غیب می شود از دس بمیزن ذره در آسمان یا  
 غیب نمی شود از دس به یک مقدار ذره در آسمان یا  
 أَصْغَرُ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرُ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ۝ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ  
 خود ترا از ان و نه بزرگ تر منگ نیست در کتاب ظاهر  
 هیچ چیز خود ترا از ان و نه بزرگ تر از ان مگر در کتاب آشکار است تا پا داشت و در کتابی را  
 آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ۝ وَالَّذِينَ  
 کایمان آوردند و عمل با س طاعت کردند آن جماعه ایشان راست آمرزش و روزی گرامی و آنان  
 ایمان آوردند و کردند اعمال شایسته آن مردمان اند که برای ایشان هست آمرزش و روزی گرامی و آنان  
 سَعَوْا فِي آيَاتِنَا مُعْجِزِينَ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مِنْ رِجْزِ آيَةٍ ۝ وَيَكْفُرُوا  
 سعی کردند در رد آیات ، مقابل کنند آن جماعه ایشان تراست عذاب از عقوبت در د میند و سعی میکنند  
 سعی کردند در آیت های ما برای شکست دادن و مقابل کنند آن مردمان مرا تراست عذاب شدید و در د میند و سعی میکنند  
 الَّذِينَ أَوْسُوا الْعِلْمَ الَّذِي أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ هُوَ الْحَقُّ وَيَكْهِنُونَ  
 آنان که داده شده است ایشان را علم چیزی را که خود آورده شده است از جانب پروردگار تو راست دولت کنند  
 آنان که داده شده است ایشان را علم چیزی را که خود آورده شده است از جانب پروردگار تو راست دولت کنند  
 إِلَىٰ صَرَاطِ الْعِزِّ الْحَمِيدِ ۝ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ نَدُلُّكُمْ عَلَىٰ  
 بسوئے راه هدایت غالب ستوده کار و گفتند کافران باید بگوئید آیا دولت کنیم شما را بر  
 بسوئے راه (خدای) غالب ستوده کار و می گویند کافران آیا دولت کنیم شما را بر  
 رَجُلٍ يُنَبِّئُكُمْ إِذَا امْرَأَتْكُمْ كُنَّ سَرَقٌ ۝ إِنَّكُمْ لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ ۝  
 مردی که خبر می دهد باینکه چون پاره کرده شوید تمام پاره بار مشند بر آینه شما و از آفرینش نو باشد  
 مردی که خبر میدهد شما را چون پاره پاره کرد شوید بکل پاره پاره شده (بر آینه) شما در آفرینش نو باشد  
 أَفَتُرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَمْ بِهِ جُنَّةٌ مُبِلٌ ۝ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ  
 آیا بر بسته است بر خدا و در را یا باه جوئے هست بلند آنان که ایمان نمی آرند با آخرت  
 آیا افرا کرده است بر خدا و در را یا باه جوئی است نه چنین است آنان که یقین ندارند به آخرت  
 فِي الْعَذَابِ وَالضَّلَالِ الْبَعِيدِ ۝ أَفَلَمْ يَرَوْا إِلَىٰ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا  
 در عقوبت باشند و در گمراهی دور اند آیا ندیدند بسوئے آنچه پیش روست ایشان است و آنچه  
 در عذاب و در گمراهی دور افتاده اند آیا نمی بینند در اندیشه به آنچه پیش روی ایشان است و آنچه  
 خَلْفَهُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ ۝ إِنَّ شَأْنَهُمْ خَسِيفٌ ۝  
 پس پشت ایشان است از آسمان و زمین اگر خواهیم خود بریم ایشان را بر زمین یا  
 پس پشت ایشان است از آسمان و زمین اگر خواهیم خود بریم ایشان را بر زمین یا

نموده و باث که سست به محیی رسیده موسی علیه السلام را ایستاده خواهد بود و حرکت سست بخود نشی عادت بود - بقیه بر ص ۳۲۸







فتح الرحمن

صلی الله علیه و آله

یعنی زبان حال ۱۲

فکلی ما من شفقت

و ادوا ۱۲

بقیه صفحہ ۲۸

درین وقت عذاب

کنند و خود را بتلاشی

کردند و به مجرمانه

حضرت سلیمان را

حسرت نمودند از کار

دست می کشند و می

ازین ماجرا هار شد

که شریف با طین

و غیره برای حضرت

سلیمان محض فضل

این روی بودند کسی و

اگر خدا بخواند می تواند

پس از مرگ شخص تم

در حق او آزاد گردد

و نیز مسبب تکمیل آن

انعامات گردد که به

سلیمان و در زندگانی

از ذاتی شده و بعد از

سوت هم تا یک وقت

لازمه آنرا و ام داد

و او الهود که کربا

مفوضه میفرمان را

الذی تعالی بجه

۸ تدبیر بنیاد می

رسانده یعنی نهاد

را در نظر نهاده و ندو

از شکر گذاری منعم

حقیقی روگردانیدند

لهذا غافل: از فرستادن

آن بند شکست تمام

با طهارت و با غرض شد

و میوه های لطیف و

نعمات اعلی و در خفا

بسیار و ویت های غله

دارند و میگردید جانیک

انگور و خیار و انوار

و اقسام نعمت با پیدا

می شد اکنون غیر از

کنند و میگردید

و بدلتهم یحییهم جنتین ذواتی اکل خمط وائل و شئی من

و عوض دادیم ایشان را بجای دو بوستان ایشان را سوخته و دیگر نهادند میوه های بد مزه و خداوند رحمت کرد و چیز بدی نداد

سیدر قلیل ۵ ذلک جزینهم بما کفروا و هل نجزی الا الکفور

درخت کنار این سزا دادیم ایشان را بسبب ناسپاسی ایشان و سزای بدی ندادیم مگر ناسپاس را

و جعلنا بینهم و بین القرى التي بركنا فیها قری ظاهرة و

دیده کردیم میان ایشان و میان آن دیه ها که برکت نهاده ایم در آن دیه ها منحصرا بایکدیگر

قد ان فیها السیر سیر و افیهما لیلی و ایاما امینین ۵ فقالوا ربنا

مقرر کردیم در آن دیه ها آمد رفت را بکفایت سیر کنید درین دیه ها بامشب بارون با این شده پس گفتند وای اے پروردگار ما

بعد بین اسفارنا و ظلموا انفسهم فجعلناهم احادیث و مرقمهم

در روی پید کن در میان سفرهای ما و ستم کردند بر خود پس کردیم ایشان را از اسفار و باره باره ستم ایشان را

كل مرقق طان فی ذلک لاییت لکل صبار شکور ۵ و لقد

تمام باره باره ستم حق می آید درین ماجرا از آنهاست هر صبر کننده شکر گویند و در آید

صدق علیهم ابلیس ظنه فاشبعوه الا فی یقامن الله امینین ۵

درست یافت شیطان در حق ایشان اندیشه خود را پس پیروی او کردند مگر کسب اندک از مسلمانان

وما کان له علیهم من سلطان الا لنعلمن یومن یا اخره من

و نبود شیطان را بر ایشان هیچ تسلطی مگر چنان گردانیدیم تا بداندیم کسی را که ایمانی آورد یا آخرت از او

هو من فی شک و ربک علی کل شیء حفیظ ۵ قل ادعوا الذین

دست در شبه است از دس پروردگار تو بر هر چیز نگهبان است بگو بخوانید تا آنرا که

رکعتهم من دون الله لا یملکون مثقال ذرة فی السموات و الارض

گمان نمیکنند بجز خدا مالک نیستند و وزن یک ذره در آسمان یا در زمین نیست ایشان را در

الارض و الله فیها من نزل و ماله منه من ظهیر ۵ و لا تنفع

آسمان و زمین بجز نازل شده و قدرت خدا را از ایشان بیدار می کند و سود نماند

الشفاعة عندک الا لمن اذن له طحی اذ افرع عن قلوبهم قالوا اذا

درخواست نزد یک خدا تنها بجز برای کسی که خدا اجازه دهد و در ملائکه این معجزه غیب نموده تا از ایشان بفرستد و در روز قیامت

قال ربکم قالوا الحق و هو العلی الکیذر ۵ قل من یرزقکم

فرموده است پروردگار شما گفتند حق و او است حق را و او است بلند مرتبه بزرگ قدر بگو که رزق میدهد شما را

و میوه های لذت و تنوع چیزی ندارد و بهترین آن و خشان یک غده قلیل بر هر کسی باشد این و آخر درین زمان حضرت مسیح و رسول محمد صلی الله علیه و آله و سلم به نوع پیوسته بقیه صفحہ ۲۸







لایقین عبادت طاعت  
بجست و سرسرایین  
بود پس گویا عبادت  
شیاطین کردند ۱۱

تفسیر عثمانی  
عنه تن بدعتانی که  
آیات خدا را در خود  
طرف طعن قرار داد

مردم را از آن بازی  
در نزدیکی پیدا آورد  
که خدا و رسول را

شکست میدهند  
پس همه آنها گرفتار  
برای محکوم شدن به  
عذاب حاضر کرده می  
شوند نه هیچ یک خاص  
شود و در ذکر تجویزی

تواند عباد این طایفه  
برای مسلمانان است  
که از نفاق دور  
افزونی افکند و انکار

کنند و خروج کردن از  
دین نمی باید - روزی  
مقدور به صورت بشا  
میرسد و مقدور چیز که

خدا می تالی بکند خود  
بخوابد کسی به بدخود  
گنبد یا ننگد هیچ کس و یا  
نیشی واقع نشود بلکه

آمرده او ضرر من  
گنبد بکند عابد میشود  
حق بکند و ساقطه آنرا  
میداد خواهد آن عرض

بجست مای غیور کند  
یا بشکل نفاق و  
نزدی قبی - و حاصل  
معاذ خدا در آخرت هم

یقینی است غلام  
نزد او تا هیچ چیز  
ندارد مای نباید که  
نسبت بکند ویزد

مستحق ال همیشه  
خوش بین  
و در مقابل جزوی  
او اندیش نکرده فاقدا

ادخل برده ندیده و  
نشان نوری اعرش

اذنارون ان تکفرو بالله ونجعل لک انداد واسر و التکامم لک  
چون میفرمودید ما را که کافر شویم بخدا و مقدر کنیم برای او همتا باز شر بیکان و دشمنان شد بدینسان و دو میشد بهر اندیشه بدینسان چون

راو العذاب وجعلنا الاعمال فی اعناق الذین کفروا هل یحزرون  
یا بینند عذاب را و یا اندازیم طوفان در گردن  
چون بینند عذاب را و بینیم طوفان را در گردن های

الا ما کانوا یعملون وما ارسلنا فی قریة من نذیر الا قال  
گرونی آنچه می کردند و نه فرستادیم در هیچ دینیم کننده را  
مگر موافق آنچه می کردند و نفرستادیم در هیچ قریه هیچ نیک کننده

مذکرها انابما ارسلتم به کفرون وقالوا نحن اکثر اموال  
سپاهان آن دین بر آیتها با چه فرستاده شده است شمار همراه آن نماندند و گفتند ما زیاده تریم یا اعتبار اموال و  
شماران (خود متندان) آن (بر آیتها) فرستاده شده آید به آن نماندند و گفتند ما زیاده تریم یا اعتبار اموال و

اولاد الا و ما نحن بعد بین قل ان ربی یبسط الرزق لمن  
اولاد و بیکم ما عذاب کرده شده بگو بر آیتها پروردگار من گشاده میکند روزی را بر آن هر که  
اولاد و بیکم ما عذاب کرده شده بگو بر آیتها پروردگار من عذاب را بر آن هر که

یشاء ویقدر ولکن اکثر الناس لا یعلمون و اما اولادکم  
خواهد و بیکم بر آن هر که خواهد و لیکن اکثر مردمان نمیدانند و نیست اموال شما و اولاد شما  
خواهد و بیکم بر آن هر که خواهد و لیکن اکثر مردمان نمیدانند و نیست اموال شما و اولاد شما

بالتی تقر بکم عندنا زلفی الا من امن وعمل صالحا فاولئک لهم  
آنچه که مقرب گرداند شمار از نزدیک با هر چه قربت لیکن مقرب آنست که ایمان آورد و کرد ارادت الهی پس بر آن عبادت است  
چیزی که مقرب گرداند شمار از نزدیک گردانند لیکن مقرب آنست که ایمان آورد و کرد ارادت الهی پس بر آن عبادت است

جزاء الضعف بما عملوا وهم فی العرفه امنون والذین یسعون  
جزا است دو چند بمقرب که عمل کردند و ایشان در کوششها بجهت ایمان باشند و آنانکه سعی می کنند  
جزای دو چند بسبب آنچه کردند و ایشان در نصیب ایمان باشند و آنانکه سعی می کنند

فی آیتنا معجزین اولئک فی العذاب محضرون قل ان سررتی  
در آیت ما معجزه کنن آن جماعه در عذاب حاضر کرده شوند بگو بر آیتها پروردگار من  
در آیت ما معجزه کنن آن جماعه در عذاب حاضر کرده شوند بگو بر آیتها پروردگار من

یبسط الرزق لمن یشاء من عباده و یقدر له و ما نقمت من شی  
شماره می کند روزی را بر آن هر که خواهد از بندگان خود و بیکم بر آن هر که خواهد و بیکم بر آن هر که خواهد  
شماره می کند روزی را بر آن هر که خواهد از بندگان خود و بیکم بر آن هر که خواهد و بیکم بر آن هر که خواهد

فیوم یخلفه و هو خیر الرزقین و یوم یحشرهم جمیعاً یقول  
پس خدا عرض آن را دهد و او بهترین روزی است و روزی که گشت و روزی که برانگیزد عباد ایشان را همگی را باز بگوید  
پس خدا عرض آن را دهد و او بهترین روزی است و روزی که گشت و روزی که برانگیزد عباد ایشان را همگی را باز بگوید

للسلکة اهلوا ایاکم کانوا یعبدون قالوا سبحنک انت ولینا  
بر فرستگان آیت ایشان شمار عبادت می کردند فرشتگان گویند یا ای تراست تو کارساز مانی  
بر فرستگان آیت ایشان شمار عبادت می کردند فرشتگان گویند یا ای تراست تو کارساز مانی

من دورهم بل کانوا یعبدون البجن اکثرهم بهم و یمنون  
مسواست ایشان عبادت می کردند دیوان را و اکثر ایشان بدیوان اعتقاد داشتند  
بلکه ایشان عبادت می کردند جن باشد اکثر ایشان به جن با اعتقاد کنندگان بودند



عده دواى نبوت  
بی غیر و محبت خدای  
او یارین اسلام که آمد  
شهر از آن و دین  
از یسجد کند و یازدن  
کوبد و با تاش و تاق  
میالند و بجز جادوی  
آشکارا چیز دیگری  
نیست از سید و بالمشا  
عده از تعصب غنا  
منصرف شده با نعل  
و افلاک تمام خدای  
تنه قیام کند چنانچه  
جمع شده با هم بحث و  
مشوره نمایند و پنهانی  
خورند و بیدار این  
رفیق شده و رسول  
الهدی معلوم که پیش از  
چهل سال پیش شما  
ز نیست نموده و در لوت  
جزئی و کلی اودا اند  
طوفان بش تاب و برون  
بچشم هر دیده اید و  
امانت و دیانت  
صدق عفت  
دینم دانش  
اورا و امانت  
بوده و در هیچ یک  
سالمه ای الزام  
نفسانیت و یا خود  
غرضی بر عاقل نگرد  
اید آید و امانت گمان کرد  
بیوتانید که اید و بالمشا  
ببرض چون جلاله  
در دم را دشمن هم  
دیگر رسد خفته است  
آیا از دست دیوان  
گان می آید که چنین  
سخنان حکمت گویند  
آیا بخونی می تواند بای  
قوم خود این قدر خیر  
خواهی و دلسوزی و بی  
لذت اخروی و ترقی  
دنیوی آنها چنین  
دستور اصل بزرگ  
تقدم نماید و دشمنان را  
نظرات پس مسلک و آئینده تباری اخیر که گمان تاریخ اقوم را بشماران می نماید و به دلاکی و شواهد نیز مشر شاد انبیا این کار باز آید از کار و امانت نیست بعد از

فَالْيَوْمَ لَا يَتَذَكَّرُ لَكُمْ بَعْضُ نَفَعًا وَلَا ضَرًّا وَنَقُولُ لِلَّذِينَ  
پس امروز نمی تواند بعضی شما برائت بعضی دیگر نفع و ضرر را  
پس امروز مالک شده می تواند بعضی شما برائت بعضی دیگر نفع و ضرر را  
ظلموا ذوقوا عذاب النار التي كنتم بها تكذبون و اذا انتقمنا منهم  
ستمگار این بختید عذاب آتشی که شما دروغ می داشتید آن را و چون خاندان میشوید برایشان  
ستمگار این را بختید عذاب آتشی را که شما آنرا دروغ می داشتید و چون خاندان میشوید برایشان  
ايتنا بينت قالوا ما هذا الا رجل يريد ان يصدكم عما كان  
آیات ما رویشان آمده گویند بایکدیگر نیست این پیغامبر مگر می خواهد که باند او شمارا انا بخت  
آیت بای ما رویشان گویند نیست این شخص مگر مردی است می خواهد که باند او شمارا از آنچه  
يعبد اباؤكم و قالوا ما هذا الا افك مفترى وقال الذين كفروا  
ی پرستیدند پدران شما و گویند نیست این (قرآن) مگر دروغی برافراشته و می گویند کافران  
لله الحق كما جاءهم ان هذا الا سحر مبين و ما آتيتهم من كتب  
سخن راست را چون برسد بایان نیست این مگر سحر ظاهر و ندادیم مستر کان عرب و کتابها  
سخن حق را چون برسد بایان نیست این مگر سحر جادوی آشکارا و ندادیم انش فرمایش کتابی  
بدرسونهم ما ارسلنا اليهم قبلك من نذير و كذب الذين  
که بخوانند آن شمارا و نه فرستادیم بهوای ایشان پیش از تو هیچ ترساننده و دروغی داشتند آنرا  
که بخوانند آنرا و نه فرستادیم بهوای ایشان پیش از تو هیچ ترساننده و بکذب کردند آنرا  
من قبلهم و ما بلغوا معشار ما آتيتهم فكلذ بوارسني فكيف  
پیش از ایشان بودند و از سرشان نرسیده اند و یک از تو بودیم به پیشانی پس بدو عتاب است که ندیدم بر این پس چگونه  
پیش از ایشان بودند و نرسیده اند (ایشان) به ده یک آنچه که داده بودیم ایشان را و پیشانیت که ندیدم بر این پس چگونه  
كان نكيرا قل انما اعظكم بواحده ان تقوموا لله مشركي  
بود عقوبت من بگو جز این نیست که بندگان شما را یک امر که بر خیزید برای خدا و گان دو گان و  
انكاروا عقوبت من بگو جز این نیست که بندگان شما را یک عقوبت که بر خیزید برای خدا و گان دو گان و  
فرادى ثم تفكروا فابصاحبكم من جنه طان هو الا نذير  
یک یک باز تامل کنید و نیست بایان است و بگو  
یک یک باز تامل کنید و نیست بایان است و بگو  
لكم بين يدي عذاب شديد قل ما سالتكم من اجر فربو  
برائت شما پیش از آمدن عذاب سخت بگو آنچه سوال کرده باستم از شما جیس مزایس آن  
برائت شما پیش از آمدن عذاب شدید عده بگو آنچه سوال کرده باستم از شما مزایس آن  
لكم ان اجرى الا على الله وهو على كل شئ شهيد قل  
شمار است نیست مزد من مگر بر خدا و او بر همه چیز خبردار است بگو  
برای شماست نیست مزد من مگر بر خدا و نذر او است بر همه چیز خبردار است بگو  
ان ربى يقذف بالحق علام الغيوب قل جاء الحق وما  
برائت شما پیش از آمدن حق و راست را دان برود کار و دانسته پوشیده باستم بگو آمد حق راست و  
(برائت شما پیش از آمدن حق و راست را دان برود کار و دانسته پوشیده باستم بگو آمد حق راست و  
بيدي الباطل وما يعبد قل ان ضللت فاشأ أضل على  
آتشش لونی کند و بگو باطل و دین دیگر بار آید بگو اگر گمراه شدم پس جز این نیست که گمراه میشوم  
پسند کرده می تواند در حق چیزی بگویند و او را عاوه کرده می تواند در حق چیزی بگویند و او را عاوه کرده می تواند در حق چیزی بگویند  
نظرات پس مسلک و آئینده تباری اخیر که گمان تاریخ اقوم را بشماران می نماید و به دلاکی و شواهد نیز مشر شاد انبیا این کار باز آید از کار و امانت نیست بعد از



























فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا ۖ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا ۚ

پس نخواهی یافت آیین خدا را تبدیلی و نخواهی یافت آیین خدا را تحویلی

أَوَلَمْ يُبَيِّنْ لَكُمْ فِي الْأَرْضِ قِيَمَتَ الْأَنْفُسِ ۖ كَإِنْ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ

آیا بیان نکرده اند در زمین تا به بیند چگونه شد سراسیمه آنانکه پیش از

قَبْلِهِمْ وَكَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً ۚ وَكَانَ اللَّهُ لِيُخْجِذَهُمْ مِنْ شَأْنِهِ

ایشان بودند و آن جماعه بودند زیاده تر از ایشان در قوت و دیر گزینست که عاجز کند خدا را چنین

فِي السَّمَوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ عَلِيمًا قَدِيرًا ۚ وَلَوْ يُوَلِّهِمْ

در آسمان باده و در زمین هر آنچه دوست داشت و توانا و اگر گرفته بود

اللَّهُ النَّاسَ بِمَا كَسَبُوا مَا تَرَكُوا عَلَى ظُهُرِهِمْ ۖ ذَاتَ آيَةٍ ۚ وَلَكِنْ يُوَخَّضُهُمْ

خدا مردمان را بسزائے آنچه می کردند نگذاشته بر پشت زمین هیچ جا نوری داد لیکن موقوف میداد ایشان را

إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى ۖ فَاذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِعِبَادِهِ بَصِيرًا ۚ

آیین و تعیین پس چون آمد میعاد ایشان پس هر آینه خدا هست به بندگان خود بینا

سَيُوفٍ يُصْبِحُ بِكَابِئٍ مُّكْتَبٍ ۚ قُلْ ثَلَاثَةٌ وَسِتُّ مِائَتُونَ ۚ وَخَمْسِينَ مِنْ أَوْلَادِكُمْ

در روز قیامت صبحی با کتبی مکتوبی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم خداوند بخشنده مهربان

يَس ۚ وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ ۚ إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ۚ عَلَى صِرَاطٍ

بسم بقرآن با حکمت هر آینه تو از پیمایان هستی بر راه

مُسْتَقِيمٍ ۚ تَنْزِيلَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ ۚ لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أَتَتْهُمْ

راستی مژگه را تو فرستادن غالب مهربان تا بترسانی قومی را که ترسانیده نشده اند

أَبَاؤُهُمْ فَهُمْ غَافِلُونَ ۚ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنسَانَ عَلَىٰ أَكْثَرِ حَقٍّ ۚ

پدران ایشان پس ایشان غافلان اند هر آینه ثابت شده وعده عذاب بر اکثر ایشان پس ایشان

لَا يُؤْمِنُونَ ۚ إِنَّا جَعَلْنَا فِيْ أَعْنَاقِهِمْ أَغْلًا ۚ فَبِئْسَ الْأَفْئَانُ

ایمان نمی آورند (هر آینه) ما گردانیدیم در گردن ایشان غلّی پس آن طوفی است از رخ بایستند

فَهُمْ مُّقَدَّرُونَ ۚ وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا ۚ وَمِنْ

پس ایشان سر باده گردانیدیم و ساختیم پیش روی ایشان دیواری و

بَيْنَ يَدَيْهِمْ سَدًّا ۚ وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا ۚ وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا ۚ وَمِنْ

پس ایشان سر باده گردانیدیم و ساختیم پیش روی ایشان دیواری و

ول یمنی در بی باری  
بجز بفرستد بفرستد  
بود ۱۲۰ تفسیر عثمانی  
عنه اگر در مقابل هر  
گناه جزئی مردمان را  
مواخذ و کند بکار می  
روح بر سطح زمین باقی  
نماند پس تا زمان باز  
سبب تا زمانی خود بجا  
شوند و زمان برودن  
کامل که عادت افتاد  
آنها بسیار کم است  
از سبب قلت عمر گویند  
زیرا عالم را نظامی  
است که زندگانی چند  
انسان صالح بجا  
نماند و خلاف حکمت  
است چون این  
دو طبقه مردم یکی  
از زمین می گردند  
کام نظری بر آن  
نگهداشتن حیوانات  
هم باقی نماند زیرا در  
آنها و بهی تمام عالم  
برای همین حضرت  
انسان است شاید  
خوفا باشد از خدا صاحب  
رحم الهی برین تفصیل  
کرد و چه ملازم گفته اند  
که نام تفسیری اطلاع  
یافت باشند اما غافل  
مغفرت در وجه ملازم  
چنین نوشته اند که گفته  
اند که تا زمان بسبب  
تا زمانی و زمان برود  
و در آب بواسطه  
عصیان عامیان که  
کرده می شوند غافل  
قرن کرم به کمال ایشان  
اعجازی و تعلیمات بر  
حکمت و مضامین  
عالی یک شاهد قوی  
است برین که چنین  
ای که انرا آورده  
یقیناً فرستاده خدا  
و بهی شک نیست











صلی بنی بر این از  
انفکانه رفته اند  
۱۲ صلی بنی شتر و کر

گدن ۱۲  
تفسیر عثمانی

۵۵ آفتاب راه نقره  
خوش را منتظر ایستاده  
و بقدر یک دقیقه یک  
انگشت هم از این نقره  
و شافری شود و انقضای  
که بدین معروف است  
باز نمی آید و در گوش  
شب روز و حرکت  
مالیانه خود مناد  
میخیزد و مقصد احتیاج  
ملی می کند پس بفرمان  
خداوندی و در پی حجت  
در از انجا مشرور می  
کند و این نظام را تفسیر  
قیامت بهین طریق  
جریان دارد و آنگاه  
وقتی فرارسد که یاد  
حکم داده میشود که از  
مغرب برگردد و این  
بهان دینی است که در  
بای تو به را می بینند  
نه که در فی الحقیقت  
البعیج حقیقت این  
است که تمام این نظام  
طالع و غروب آفتاب  
از طرف آن نفل آفتاب  
و با خبر بر باشد و است  
که یک ربع کس از نظام  
او غفلت دارد و کرده غفلت  
و در بر عت و دانسته  
او استغفار می گویند  
هر وقت و هر طور که  
خوش براده کند که  
این نظام را بر سر  
در بهم نایب کسی محال  
انکار ندارد و عسل  
حضرت شاه صاحب  
در حمد الله و در باب  
تعبیر لا اله الا الله  
لهم ان تدلک الفکر  
نکته بیان می نماید که  
و نیک ماه و آفتاب در آفریده و یکجا می شوند ماه را میگوید مگر آفتاب ماه را نمیگوید و نه همین سبب لا اله الا الله یعنی همان پدرک الشمس بالفرد و الله اعلم

وَمَا لَا يَعْلَمُونَ ۵۵ وَآيَةُ لَهُمُ اللَّيْلُ ۵۶ نَسِخَ مِنْهُ النَّهَارُ فَذَا هُمْ  
و از آنکه ایشان نمیدانند و نشانه هست ایشان را شب است که شب می کشیم از آن روز را پس ناگهان ایشان در  
و از آنکه نمیدانند و یک نشانه است برای ایشان شب می کشیم از آن روز را پس ناگهان ایشان در

مُظْلِمُونَ ۵۷ وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ  
تاریکی می باشند و آفتاب میرود بر آنست که قرارگاه و است  
تاریکی می باشند و آفتاب میرود بر آنست که قرارگاه خود این است انداز

الْعَلِيمِ ۵۸ وَالْقَمَرَ قَدَرَهُ مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ ۵۹  
دانا و ماه مقرر کردیم بر آنست او منزلها  
دانا و برای ماه مقرر کردیم منزلها تا آنکه باز گردد و مانند شاخه کهنه خوشه خراب

لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ تُسَابِقُ النَّهَارَ وَكُلٌّ  
نه آفتاب می رسد پیش کرد یا بد  
نه آفتاب را سزاوار است کرد یا بد و نه شب سبقت گرفته است بر روز و هر یکی

فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ ۶۰ وَآيَةُ لَهُمُ أَنْتَا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمُ فِي الْفَلَكِ  
از آفتاب و ماه دستار در آسمانی میری کنند و نشانه هست ایشان را که ما بر یاد ایشان قوم بنی آدم را در کشتی  
در مدار خود شنای کنند و یک نشانه است ایشان را که در اینم ما بر یاد ایشان قوم بنی آدم را در کشتی

الْمُشْحُونِ ۶۱ وَخَلَقْنَا لَهُمُ مِنْ مِثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ ۶۲ وَإِنْ نَشَاءُ غَرَقْنَاهُمْ  
بر کرده شده و آفریدیم بر آنست ایشان را کشتی آینه سواری شوند بر آن فلک و اگر خواهیم غرق کنیم ایشان را  
بر کرده شده و آفریدیم بر آنست ایشان را کشتی آینه سواری شوند بر آن فلک و اگر خواهیم غرق کنیم ایشان را

فَلَا صَرِيحَ لَهُمْ وَلَا هُمْ يُنْقِذُونَ ۶۳ إِلَّا رَحْمَةً مِنَّا وَمَتَاعًا إِلَىٰ حِينٍ ۶۴  
پس هیچ فریاد رس نباشد بر آنست ایشان و نه ایشان را بار کرده شوند لیکن رحمت کردیم از جانب خود و بهره متاعیم تا آنکه  
پس نباشد فریاد رسی بر آنست ایشان و نه ایشان را خلاص کرده شوند مگر از روی رحمت خود و بهره متاعیم تا آنکه

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا مَا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَاتَّقُوا مَا خَلْفَكُمْ أَعْلَمْتُمْ أَنَّكُمْ مُّسْرِحُونَ ۶۵  
و چون گفته شود بایشان که بترسید از عقوبت که پیش دوست شما باشد از عقوبت که پس پشت شما باشد بود که بر شما مقرر کرده شود از عقوبت  
و چون گفته شود بایشان که بترسید از عقوبت که پیش روی شماست و از آنچه که در عقب می گذارید تا شما را مقرر کرده شود از عقوبت

فَأَتَيْنَاهُمُ مِنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ الْأَنْوَاعَ هَامِخْرُصِينَ ۶۶ وَإِذَا  
می آید بایشان هیچ نشانه از ایشان بهانه برورد کار ایشان را از ایشان روگردان باشند و چون  
می آید بایشان حکمی از احکام رب ایشان مگر باشند از ایشان روگردانند لیکن و چون

قِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا رَبَّ الَّذِي خَلَقَكُمْ اللَّهُ قَالُوا الَّذِينَ كَفَرُوا الَّذِينَ آمَنُوا  
گفته شود بایشان که بترسید از خداوندی که خلق کرده است شما را خداوندی که قائلند این کافران و این مسلمانان  
گفته شود بایشان که بترسید از خداوندی که خلق کرده است شما را خداوندی که قائلند این کافران و این مسلمانان

الطَّعْمُ مَنْ تُوْثِقُ اللَّهُ أَطْعَمَهُ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ۶۷  
آیا طعام و آبیم کسی را که خدا میثاق داده است او را نیستید شما مگر در گمراهی ظاهر  
آیا طعام و آبیم کسی را که خدا میثاق داده است او را نیستید شما مگر در گمراهی ظاهر

يَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۶۸ مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا  
می گویند کافران که باشد این وعده اگر راست گویند انتظار نمی کشند مگر  
می گویند کافران که باشد این وعده اگر راست گویند انتظار نمی کشند مگر

صَبِيحَةٍ وَاحِدَةٍ تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُونَ ۶۹ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً  
یک روز تنها را بگذرانند ایشان را و ایشان حضومت گمان باشند پس نتوانند وصیت کردن  
یک آواز سخت را که بگذرد ایشان را در عالم ایشان در مصالحت خود حضومت می کنند پس نتوانند وصیت کردن

وَنُفِخَ فِي سَحَابٍ مِثْلِ الْبَرْقِ فَجَاءَ الْمُكَذِّبِينَ ۷۰  
و نیک ماه و آفتاب در آفریده و یکجا می شوند ماه را میگوید مگر آفتاب ماه را نمیگوید و نه همین سبب لا اله الا الله یعنی همان پدرک الشمس بالفرد و الله اعلم

وَنُفِخَ فِي سَحَابٍ مِثْلِ الْبَرْقِ فَجَاءَ الْمُكَذِّبِينَ ۷۰  
و نیک ماه و آفتاب در آفریده و یکجا می شوند ماه را میگوید مگر آفتاب ماه را نمیگوید و نه همین سبب لا اله الا الله یعنی همان پدرک الشمس بالفرد و الله اعلم



وَلَا إِلَىٰ أَهْلِهِ يَرْجِعُونَ ﴿١٨﴾ وَيُخْرِجُ فِي الصُّورِ فَاذَاهُمْ مِنَ الرِّجَالِ

در میان خود و در مردم و در سینه خود و در صورت و در میان ایشان از قهر ما

وَالَّذِينَ يَسْمَعُونَ ۝ قَالُوا يٰۤاَيُّهَا الْمَرْءُ الَّذِي كُنَّا نَعْتَقُكَ ۝

بہرے پروردگار خواہش بشتابند گویند اسے واسے برما کہ یہ چیز ان باد از خواب گاہ ما آرسایں ہلاکت

بسم الله الرحمن الرحيم

کریں کہ وہ دہرے ہوتے ہیں اور اسے کھینچ کر لے آئے۔

بنیاد داده اند قیاس قیامت سحر یک آواز

وَأُحْدِثُ فَاذْهَبْ جَمِيعٌ لِّدِينِنَا فَهْوَ وَنَ الْيَوْمَ لَا تَنْظُرُ نَفْسٌ شَيْئًا

پس آنکه ایشان جمع آورده نزد ما حاضر کرده شدگان را اندر امروز ستم کرده بخوابند و هیچ کس

٣٠٠

میرزا دادۀ مخاieست در نا محیب آنچه می کردید هر آنیز ابل بهشت امروز در کار سه بستند

بر آیت اهل بیت امروز در ماری میستند

فَيَهْوَن ٥ هَمْ وَارَوَا هَمْ بِى طَلَبِ عَلَى الْارَابِ كَيْ مَشَلُون ٦ لَمْ

ایشان و زنان ایشان در سایه ما بر تخت بنامیکه کنندگان اند ایشان راست

فِيهَا إِذْ يَدْعُونَ<sup>٤</sup> لِسُلَيْمَ<sup>٥</sup> قُولِ مَنْ رَبِّ<sup>٦</sup> رَجِيمٍ<sup>٧</sup> ۝

در پشت میوه و ایشان راست آنچه طلب کنند گفته شود سلام یاد از جانب پروردگار همس بان و

١٣٣٣

ای گناه گاران آ یا حکم نه فرستاد و بوم بسوی شما سے اولاد آدم کے

عمر میوه برای کارخان و جدا شوید امروزی جبران شد آیا عهد نموده بودم یا بشما سے خزانہ آدم کے

عبد و الشيطان انه لم عد و بين ١٥ وان عبد و في طه

شش تنه سلطان را (بر آئینه) او شمار است و ممکن است که او به آنکه برستید مرا این است

وَلَقَدْ أَضَلُّ مِنْكُمْ جِيلًا كَثِيرًا أَفَلَمْ تَكُونُوا

و بر آینه گمراه ساخت شیطان از قوم شما خلق بیدار را در راست  
و بر آینه گمراه ساخت از شما خلق بیدار را در راست

١٧

این آن دوزخ است که وعده داده می شد شما را در آئید بان امروز بسبب

در آئینه در این روز به سبب

نَم تَعْرُونِ ۝ اَلْيَوْمَ نَحْكُمُ عَلٰى اَتَوٰهُمۡ وَلَكِنَّا اِيْلٰهُمۡ وَشَهِدُ

امروز مهربانیم بر دهان ایسان و سخن گوید با او دستهای ایسان و گویای وید  
امروز مهربانیم بر دهان بای ایسان و سخن گوید با او دستهای ایسان و گویای وید

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَوْ لُفِّيَتْ سُدُورُكُمْ لَفُتَّتْ بِلَابِهَا إِلَى بَطْنِكُمْ ذَلِكُمْ بِمَا كُنتُمْ تَكْفُرُونَ ١٥

کے لئے ایشان باخجہی کردند و اگر خواہیم نابود کنیم چشم ایشان را

کتاب فی الفقه

میدان زمین معانی عالمی هم فاضل شدیدی است و این سر و کلاه با آن خود را به هیچ وجه نمیتوان داد و در صورتی که این کتاب لغت و معنی آن باشد











فتح الرحمن

ملک یعنی پادشاهان

والله اعلم ۱۲

والبین وانه

جانب چپ نیز

بجبت کراه کردن

والله اعلم ۱۲

تغییر ثانی

عنه این حکم نفی است

داده میشود که به

اینهارا مع

کرده ملاحظه

را به آیه نشان

دیده میشود

مرا از جهت

باینکه تم کبریا را

است و یا زان

کافه است و از

ایمیدون من

دون الله اعلم

و شایع غیر مرادند

عنه در حقیقت خود

تا ان ایمن شود وید

و اکنون الزام را

یگونی مای اندازید

ما چه قدرت داشتیم

که می گذاشتیم ایمان

در دل شما جائی

بگیرد بلکه خود از حد

و انصاف تجاوز

کردید و فرموده

تا همین به آرایش

را نشیند و اغوا

اذا پذیرفتید اگر

عقل، نهیم و حاجت

اندیشی خود را بجاری

برید گاهی بفرمان

ما گوش نمی نهادید

ظاهرت که ما گواه

بودیم و از یک گروه

بدون اینکه دیگران

بگرای دعوت نماید

چه توقع میتوان کرد

ناهان کدی را که

وَكُنَّا ثَرْبًا وَ عِظَامًا ۱۱ اِنَّا لَسَمِعُوْنُ ۱۲ اَوْ اَبَاوْنَا الْاَوَّلُوْنَ ۱۳ قُلْ

و یا سیم خاکست و استخوانی است چندانکه ما را بشنود و یا پاداران نخستین ما را بشنود و یا پاداران نخستین ما را بشنود

نعم و انتم داخرون ۱۴ فَاَتَسَاهِيْ زَجْرَةً وَّاحِدَةً فَاِذَا هُمْ يَنْظُرُوْنَ ۱۵

آری و شما خوار باشید پس جز این نیست که آن مرا بشنود یک نوحه باشد پس ناگهان، نشان میگردند و یا پاداران نخستین ما را بشنود و یا پاداران نخستین ما را بشنود

قَالَ اَيُّوْكُمْ هَذَا يَوْمُ الدِّينِ ۱۶ هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ الَّذِي كُنْتُمْ

گویند اے وای بر ما این است روز جزا گفت خود این است روزی که عمل کردن شما را که آن را

تَكْذِبُوْنَ ۱۷ احْشَرُوا الَّذِيْنَ ظَلَمُوا وَاَزْوَاجَهُمْ وَمَا كَانُوا يَعْبُدُوْنَ ۱۸

پدید رخ نیستی کردید که خود را از انکه استگار از ابا ابراهامان ایشان را دیاختی می پرسیدند

مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ فَاهْدُوْهُمْ اِلٰى صِرَاطِ الْحَقِّ ۱۹ وَقَفَّوْهُمْ اِنْ هُمْ

بجز خدا پس دلالت کنید ایشان را بسوی راه دوزخ و بازدارید ایشان را از راه که خود خوانند

مَّا لَكُمْ لَا تَنْصَرُوْنَ ۲۰ بَلْ هُمْ اَيُّوْمٌ مُّسْتَسْلِمُوْنَ ۲۱ وَاَقْبَلَ بَعْضُهُمْ

چسبست شمار ایا پدید می آید می گویند بلکه ایشان امروز گردن نهادگانند و او آوردند بعضی ایشان

عَلٰى بَعْضٍ يَّتَسَاءَلُوْنَ ۲۲ قَالُوا اَلَا كُنْتُمْ تَقُوْنٰ اَنْ يَّمِيْن ۲۳ قَالُوا بَلْ

بر بعضی از یک دیگر سوال کنندگان گفتند هرگز شما می آیدید از جانب راست گفتند نه چنین است بلکه

لَمْ تَكُوْنُوْا مُؤْمِنِيْنَ ۲۴ وَمَا كَانْ لَنَا عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطٰنٍ بَلْ كُنْتُمْ قَوْمًا

شما نبودید مسلمانان و نبود ما بر شما هیچ تسلط بلکه شما بودید گروهی

طٰغِيْنَ ۲۵ فَحَقَّ عَلَيْنَا قَوْلُ رَبِّنَا اِنَّكَ لَاقِيُوْنَ ۲۶ فَاَعُوْذُ بِكَ اِنَّا كُنَّا

از حد گذشتیم پس لازم شد بر ما سخن پروردگار که البته ما چشیده عذاب با سیم پس گواه کردیم شمار ابراهیم

غٰوِيْنَ ۲۷ فَاَتَمَّ يَوْمِيْ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُوْنَ ۲۸ اِنَّا كُنَّا نَقْعَلُ

گواه بودیم پس حقیقت همه ایشان آن که روز در عذاب با سیم مشترک باشند هر آینه ما هم چنین می کنیم

بِالسَّجْرِ مِيْنِ ۲۹ اِنَّهُمْ كَانُوْا اِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ يَسْتَكْبِرُوْنَ ۳۰

با کینه کاران هر آینه ایشان بودند که چون گفته می شد به ایشان که نیست هیچ معبودی بجز الله تکبر می کردند

وَيَقُوْلُوْنَ اِنَّا لَنَارِكُوْا اللّٰهَ الشَّاعِرِ مُجْرُوْنَ ۳۱ بَلْ جَاءَ بِالْحَقِّ وَ

وی گفتند آیات ما ترک کنند معبودان خود با سیم برای گفته شاعر دروانه چنین نیست بلکه آورده نیکو سخن را و

صَدَقَ الْمُرْسَلِيْنَ ۳۲ اِنَّكُمْ لَذٰلِكَ اِلَیْهِ وَاَنْتُمْ لَا تَعْلَمُوْنَ ۳۳

با در دامت سار پیغامبران را هر آینه شما چشیده عذاب در پییده با سیم و جز داده نخواهد شد و



لَا تَعْمَلُونَ إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ۱۹ أُولَٰئِكَ لَهُمْ رِزْقٌ

لکن بندگان خالص ساخت خداوند  
این جماعت ایشان را است روزی

مَعْلُومٌ فَوَاكِهِ وَهُمْ مُكْرَمُونَ ۲۱ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ ۲۲ عَلَى سُرُرٍ

مفرد انواع میوه با ایشان نواخت گاهند  
در بهشت بر سر تخت

مُتَقَبِّلِينَ ۲۳ يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِكَاسٍ مِنْ مَّعِينٍ بَيْضَاءَ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ ۲۴

رو برو سینه یکدیگر گردانیده می شود بر ایشان جگه  
از شراب جاری سفید رنگ لذت دهنده نوشندگان

لَا فِيهَا غَوْلٌ وَلَا هُمْ عَنْهَا يُنْزَوْنَ ۲۵ وَعِنْدَهُمْ قُصُورُ الْمَطَرِ فَرِيعِينَ ۲۶

نه در آن شراب تنه ناری باشد نه ایشان از آن شراب مست شوند و نزد یک ایشان درختان  
نزد آن است دوران سرو و ایشان از آن مست کرده می شوند که گویا گند و نزد ایشان باشد درختان فروع و آنند چشم

كَأَنَّهُمْ بِيضٌ مَكْنُونٌ ۲۷ فَاقْبَلْ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ ۲۸

گویا ایشان بر سر یکدیگر شتر مرغ و پرده پوشیده اند پس روئند بر بعضی این بهشت بر بعضی دیگر استفسار کنندگان  
گویا ایشانند بر سر یکدیگر شتر مرغ و پرده پوشیده اند پس روئند بر بعضی این بهشت بر بعضی دیگر استفسار کنندگان

قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ إِنِّي كَانَ لِي قَرِينٌ ۲۹ يَقُولُ أَتَيْتُكَ بُيُوتَ

گفت گوینده از ایشان (دیر آئینده بود مرا هم نصیبی از رفیقم)  
گویی گفت آیا تو

النَّاصِبِ قَبْلَ ۳۱ عَزَّامَتْنَا أَتَىٰ أَبَا جُذَافٍ لَمَّا جَاءَ ۳۲ قَالَ

زبان در اندگان شدی که آیا چون میسریم و شویم خاکی و استخوانی  
چند آریا جزا داده خواهیم شد باز گفت

هَلْ أَنْتُمْ مُطَّلِعُونَ ۳۳ فَاطَّلَعَ فَرَآهُ فِي سَوَاءٍ الْجَحِيمِ ۳۴ قَالَ تَاللَّهِ

آیا شما درمی نگرید و پس در نظر است پس دیدن آن بهشتی خود را در وسط دوزخ گفت بگفتند

إِن كُنْتُ لَكَ زُرِّيْنِ ۳۵ وَكَوَلَا نِعْمَةَ رَبِّي لَكُنْتُ مِنَ الْمُحْضَرِّينَ ۳۶ أَمْ

بر آئینده نزدیک بودی یا آنکه ملاک کنی مرا و اگر نبودی بخشاییش پروردگار من بر آئینده شدی از حاضر کردگان در عذاب آئینده نیستی  
بر آئینده نزدیک بودی که ملاک کنی مرا یا اینکه منم و اگر نبودی فضل پروردگار من بر آئینده بودم از حاضر کرده شدگان عذاب آئینده

حَسْبُ بَيْتَيْنِ ۳۷ إِلَّا مَوْتَتَنَا الْأُولَىٰ وَمَا خُنَّ بِمُعْذِرَتَيْنِ ۳۸ إِنَّ هَٰذَا

بازده شونده  
مگر بگویم تخمین خود و تخمین ما عذاب کرده شده  
هر آئینده این است

لَهُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ۳۹ لَيْسَ هَٰذَا فَلَيعْمَلِ الْعَمَلُونَ ۴۰ أَذَلَّكَ خَيْرٌ نَزَلَ

نیروی بزرگ  
برای این چنین فردی باید عمل کنند عمل کنندگان آیا آنچه مذکور شد میگویند درست است  
کامیابی بزرگ برای این چنین فردی باید عمل کنند عمل کنندگان آیا این بهتر است از حیث مهربانی

أَمْ شَجَرَةُ الزَّوْمِ ۴۱ إِنَّا جَعَلْنَاهَا فِتْنَةً لِلظَّالِمِينَ ۴۲ إِنَّمَا شَجَرَةُ الزَّوْمِ تَخْرُجُ

در دوزخ زقوم  
هر آئینده ما را غلبه بر آئینده و در حق است که برمی آید  
در دوزخ زقوم (هر آئینده ما را غلبه بر آئینده و در حق است که برمی آید)

فِي أَصْلِ الْجَحِيمِ ۴۳ طَلْعَهَا كَأَنَّ نَافِثَةً ۴۴ فَتَنْهَضُ ۴۵ فَتَنْهَضُ ۴۶ فَتَنْهَضُ ۴۷

در دوزخ خوشه آن مانند سر سبز است  
پس بر آئینده دوزخیان بخورند  
در دوزخ خوشه آن مانند سر سبز است پس (هر آئینده) ایشان خورند گاهند

فَتَنْهَضُ ۴۸ فَتَنْهَضُ ۴۹ فَتَنْهَضُ ۵۰ فَتَنْهَضُ ۵۱ فَتَنْهَضُ ۵۲ فَتَنْهَضُ ۵۳

پس بر آئینده دوزخیان بخورند  
پس (هر آئینده) ایشان خورند گاهند

فَتَنْهَضُ ۵۴ فَتَنْهَضُ ۵۵ فَتَنْهَضُ ۵۶ فَتَنْهَضُ ۵۷ فَتَنْهَضُ ۵۸ فَتَنْهَضُ ۵۹

پس بر آئینده دوزخیان بخورند  
پس (هر آئینده) ایشان خورند گاهند

فَتَنْهَضُ ۶۰ فَتَنْهَضُ ۶۱ فَتَنْهَضُ ۶۲ فَتَنْهَضُ ۶۳ فَتَنْهَضُ ۶۴ فَتَنْهَضُ ۶۵

پس بر آئینده دوزخیان بخورند  
پس (هر آئینده) ایشان خورند گاهند

فَتَنْهَضُ ۶۶ فَتَنْهَضُ ۶۷ فَتَنْهَضُ ۶۸ فَتَنْهَضُ ۶۹ فَتَنْهَضُ ۷۰ فَتَنْهَضُ ۷۱

پس بر آئینده دوزخیان بخورند  
پس (هر آئینده) ایشان خورند گاهند

فَتَنْهَضُ ۷۲ فَتَنْهَضُ ۷۳ فَتَنْهَضُ ۷۴ فَتَنْهَضُ ۷۵ فَتَنْهَضُ ۷۶ فَتَنْهَضُ ۷۷

پس بر آئینده دوزخیان بخورند  
پس (هر آئینده) ایشان خورند گاهند

فَتَنْهَضُ ۷۸ فَتَنْهَضُ ۷۹ فَتَنْهَضُ ۸۰ فَتَنْهَضُ ۸۱ فَتَنْهَضُ ۸۲ فَتَنْهَضُ ۸۳

پس بر آئینده دوزخیان بخورند  
پس (هر آئینده) ایشان خورند گاهند

فَتَنْهَضُ ۸۴ فَتَنْهَضُ ۸۵ فَتَنْهَضُ ۸۶ فَتَنْهَضُ ۸۷ فَتَنْهَضُ ۸۸ فَتَنْهَضُ ۸۹

پس بر آئینده دوزخیان بخورند  
پس (هر آئینده) ایشان خورند گاهند

فَتَنْهَضُ ۹۰ فَتَنْهَضُ ۹۱ فَتَنْهَضُ ۹۲ فَتَنْهَضُ ۹۳ فَتَنْهَضُ ۹۴ فَتَنْهَضُ ۹۵

پس بر آئینده دوزخیان بخورند  
پس (هر آئینده) ایشان خورند گاهند

فَتَنْهَضُ ۹۶ فَتَنْهَضُ ۹۷ فَتَنْهَضُ ۹۸ فَتَنْهَضُ ۹۹ فَتَنْهَضُ ۱۰۰ فَتَنْهَضُ ۱۰۱

پس بر آئینده دوزخیان بخورند  
پس (هر آئینده) ایشان خورند گاهند

شدند از زواری و بزرگو  
سوالی است که می شود  
تفسیر غمانی  
سلسله تا اینجا بیان  
میانست بهشتیان بود  
ازین همه جهانی در دنیا  
بیان میشود - ز قوم  
نام در حق است که آنرا  
نهایت تلخ و بد مزه  
می باشد حق تعالی  
بقدرت خود در دوزخ  
در حق خود میانه است  
که آنرا در اینجا نام -  
شجره الزقوم - یاد کرده  
آن درخت در دوزخ  
رسانه فریاد عالمیان  
یک بلای بزرگ است  
برای چون دوزخیان از  
شدت گرسنگی مضطرب  
شوند ازین درخت آتش  
خورانیده بشود که گفت  
فرمودن آن در حق  
تولید دوزخ خود و پس  
از فرمودن در صدها اثر  
تا گوشت و پیکر بخورد  
بر این لشکر و شدید  
می باشد - این در دنیا  
هم یک نوع بلا و آزار  
است که چون بعضی مردم  
ذکر آنرا در قرآن می کنند  
گمراهی کردند کسی میگوید  
که در آتش دوزخ چگونگی  
درخت سبز نمیدی  
تا آنرا حلاله مکن است  
مزار خود آن ناری  
باشد مانند سمندره  
که آتش پیدا شده  
در آتش زندگانی کنند  
در باغ سرکاری سبزه  
ترتیب بعضی در حقان  
بدرخت آتش میشود کسی  
گفته که زقوم و نهان  
گفت - خرمای و میوه  
را گویند این جزا را  
پیش روی مانده یکدیگر











دل یعنی در دوزخ  
تفسیر عثمانی  
سه نزد بعضی محققین  
حضرت الیاس علیه  
السلام از نس حضرت  
بارون است الله  
تعالی اورا بوی کرد  
از شهرهای ملک شام  
که در بعلبک نام  
داشت فرستاد و در  
آن یک بت درگاه بود  
نام گذاشته بودند  
کلی رسیدند حضرت  
الیاس آنها را از  
غضب خدا و از انجا  
بدین بدستی ترسانید  
عده آشکارا است  
که در بعضی از آنها  
خدیجه خلیل و ترکیب  
ظاهر الیاس و حمزه با و  
بودی آنند بیک  
آنها باین عمل صانع  
نی توان گفت صانع  
حقیقی ذاتی است  
که تمام اصول و  
فروع و ابرار  
و اطراف -  
صفات و موصوفات  
را پیدا آورده شما  
و پدران شما را آفرید  
است پس چگونه  
دارد که این لعن الخاقین  
را که مشبه به پیش  
بت بن و پسران  
و اذن ملک  
جویند حال  
آنکه بزرگوار  
به آفرین یک  
فره هم قدرت ندارد  
بلکه چو او در پیش  
پرستندگان دست  
زیر ابرو بگوید که  
مشکل صورت آفر  
ساخته و استاده  
کردند الیاس  
را - الیاسین و هم  
یگویند چنانکه بر هر ستمی

هَرُونَ ۱۰ اِنَّا كَذَلِكْ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ۱۱ اَهُمَا مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ۱۲  
 هرودن بر آینه بایم چنین جز امیدیم بیکو کاران را  
 هرودن (حقیقی) با چنین جز امیدیم بیکو کاران را  
 و اِنَّ الْيَاسَ لَمِنْ الْمُرْسَلِينَ ۱۳ اِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ اَلَا تَتَّقُونَ ۱۴  
 و هر آینه الیاس از فرستادگان بود  
 و حقیقی الیاس از رسولان است  
 و چون گفت بجم خود آیا پرهیزکاری می کنید یا پرهیزش نمی کنید  
 بعل و تذر و ن احسن الخالقین ۱۵ الله ربكم ورب آبائكم ۱۶  
 بعل را و دل نام می ست و ترک می کنید بیکو ترین آفرینندگان را ترک می کنید خدا را چه کرد و کارش را چه کرد و پدران  
 بعل را و می گذارد بر پرستش بیکو ترین آفرینندگان را (حقیقی) باشد یا ظاهر می باشد که انشاالله رب شما در رب پدران  
 الْاَوَّلِينَ ۱۷ فَكَذَّبُوهُ فَاتَمَّهُمْ كَحُضْرُونَ ۱۸ اَلَا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ۱۹  
 نخستین شما پس در وضع چند استند اورا پس بر آینه شما حاضر گردانند و بیکو بندگان حاضر کرده خدا  
 نخستین شما پس تلمذ می کردند اورا پس بر کسی که ایشان حاضر کرده می شوند بندگان برگزیده الله  
 وَتَرَكْنَا عَلَيْهِمْ فِي الْآخِرِينَ ۲۰ سَلَّمَ عَلَى الْيَاسِينَ ۲۱ اِنَّا كَذَلِكْ نَجْزِي  
 و گذاریم بر الیاس تنهائی بیک در پیشان سلام باد بر الیاس بر آینه ما هم چنین جز امیدیم  
 و باقی گذاریم بر الیاس در مردم پیشان (این را که) سلام باد بر الیاس سه (حقیقی) ما هم چنین جز امیدیم  
 الْمُحْسِنِينَ ۲۲ اِنَّا مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ۲۳ اِنْ لَوْ طَالَتْ لَيْسَ الْمُرْسَلِينَ ۲۴  
 بیکو کاران را  
 بیکو کاران را (حقیقی) او از بندگان گردانندگان حاضر است و حقیقی لوط از رسولان است  
 اِذْ نَجَّيْنَاهُ وَاهْلَهُ اَجْمَعِينَ ۲۵ اَلَا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ ۲۶ ثُمَّ دَمَرْنَا الْآخِرِينَ ۲۷  
 یاد کن چون نجات دادیم او را و اهل او را همه بیکو بزرگوار کردیم از بانیان بندگان باز ما را که ساهی آن دیگران را  
 چون نجات دادیم او را و اهل او را همه بیکو بزرگوار کردیم از بانیان بندگان باز از پنج برکنده اندا هیچ آن دیگران را  
 وَانْكُمُ لَتَبُونَ عَلَيْهِمْ مُّصْبِحِينَ ۲۸ وَبِالْغَيْلِ ۲۹ اَفَلَا تَعْقِلُونَ ۳۰ وَان  
 و هر آینه شما تلمذ می کنید بر سائن آن قوم هیچ گمان و بوقت شب نیز آیا در می یابید و هر آینه  
 و حقیقی ساهی گذرید بر ایشان وقت هیچ و هنگام شب آیا نقل می کنید و حقیقی  
 يُونُسَ لَمِنْ الْمُرْسَلِينَ ۳۱ اِذَا بَقِيَ اِلَى الْفَلَكَ الْمَشْهُونَ ۳۲ فَبَاهِم  
 یونس بود از فرستادگان چون گریخته رسید بسوی کشتی برگردده شده پس قرع اندازی کرد  
 يُونُسَ لَمِنْ الْمُرْسَلِينَ ۳۱ اِذَا بَقِيَ اِلَى الْفَلَكَ الْمَشْهُونَ ۳۲ فَبَاهِم  
 یونس بود از فرستادگان چون گریخته رسید بسوی کشتی برگردده شده پس قرع اندازی کرد  
 فَكَانَ مِنَ الْمُدْحَضِينَ ۳۳ فَالْتَقَمَهُ الْحُوتُ وَهُوَ مُلِيمٌ ۳۴ فَلَوْلَا اَنَّهُ  
 پس شد از مذبذبان پس فرو برد او را بای داده تلمذ بود که سبب سلامت یافت پس اگر نکند که در  
 پس شد از تلمذ بندگان (مذبذبان) پس لغو کرد او را بای و او بود سلامت شده پس اگر نبود این  
 كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ ۳۵ لَكُمُ فِي بَطْنِهَا اِلَى يَوْمٍ يَبْعَثُونَ ۳۶ فَنَبِّئْهُمْ  
 از پیغمبر کنندگان می بود  
 از بود از پیغمبر کنندگان  
 اَلْبَتَّ بَاتِي مَا يَدْرُسُكَ بِي تَارُوقِي مَرْدَانِ بَرَايِيخُ شَتُونْدِ پَسِ بَرْنَا نَعِيمِ اَدْرَا  
 اَلْبَتَّ بَاتِي مَا يَدْرُسُكَ بِي تَارُوقِي مَرْدَانِ بَرَايِيخُ شَتُونْدِ مَرْدَانِ پَسِ بِيغْلَنْدِ بِي اَدْرَا  
 بِالْهَرَاءِ وَهُوَ سَقِيمٌ ۳۷ وَانْبَتْنَا عَلَيْهِ شَجَرَةً مِّنْ يَقْطِينٍ ۳۸ وَارْسَلْنَا  
 بر زمین بے گیاه و او بیمار بود  
 بر زمین بے گیاه و او بیمار بود و در دنیا خیم بر سر او نهی از قسم کرد و فرستادیم او را  
 لِعِصَايَ بِي كِبَاءَ ۳۹ اِذْ يَبْكُ وَدُرُودُ رَحْمَتِي اَزْ نَوْعِ بِيَارِهِ دَارِ ۴۰ وَفَرَسْتَدِيمِ اَدْرَا  
 لِعِصَايَ بِي كِبَاءَ ۳۹ اِذْ يَبْكُ وَدُرُودُ رَحْمَتِي اَزْ نَوْعِ بِيَارِهِ دَارِ ۴۰ وَفَرَسْتَدِيمِ اَدْرَا  
 لِعِصَايَ بِي كِبَاءَ ۳۹ اِذْ يَبْكُ وَدُرُودُ رَحْمَتِي اَزْ نَوْعِ بِيَارِهِ دَارِ ۴۰ وَفَرَسْتَدِيمِ اَدْرَا  
 اِلَى مِائَةِ اَلْفٍ اَوْ يَزِيدُونَ ۴۱ فَاَمْنَا فَمَنْعْنَاهُمْ اِلَى حِينٍ ۴۲ فَاسْتَفْتَحُوا  
 بسوی صد هزار یا بیشتر از آن باز شدند  
 بسوی صد هزار یا بیشتر از آن باز شدند پس ایمان آوردند پس بهره مند ساقیم ایشان را تا ندید پس استغفار کن  
 بسوی صد هزار یا بیشتر از آن باز شدند پس ایمان آوردند پس بهره مند ساقیم ایشان را تا ندید پس استغفار کن  
 بسوی صد هزار یا بیشتر از آن باز شدند پس ایمان آوردند پس بهره مند ساقیم ایشان را تا ندید پس استغفار کن



إِنَّ يَكُ الْبَنَاتِ وَلَهُمُ الْبَنُونَ ۝ أَمْ خَلَقْنَا الْمَلَائِكَةَ إِنَاثًا وَهُمْ شَاهِدُونَ ۝  
 آیا در دگر ترا دخترانست و ایشان را پسران آیا و خدایم در ششگان را و ایشان حاضر بودند  
 آیا در دگر ترا پسران اند و ایشان را پسران آیا و خدایم در ششگان را و ایشان حاضر بودند  
 أَلَمْ نَكُنْ مِنْ أَقْبَاهِهِمْ لَيَقُولُنَّ ۝ وَلَدَّ اللَّهُ ۝ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ۝  
 آیا ما پیش بر آینه ایشان از دروغ گویی خود می گویند که پسران خداست و هر آینه ایشان دروغ می مانند  
 آیا ما پیش بر آینه ایشان از دروغ گویی خود می گویند که پسران خداست و هر آینه ایشان دروغ می مانند  
 صُطِفَ الْبَنَاتُ عَلَى الْبَنِينَ ۝ مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ۝ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ۝  
 آیا اختیار کرد دختران را بر پسران چیست شما را چگونه حکم می کنید آیا اندیشه نمی کنید  
 آیا اختیار کرد دختران را بر پسران چیست شما را چگونه حکم می کنید آیا اندیشه نمی کنید  
 لَكُمْ سُلْطَانٌ مُبِينٌ ۝ فَاتُوا بِكِتَابِكُمْ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۝ وَجَعَلُوا  
 برای شماست واضح است پس بیارید کتاب خود را اگر راست گوید و مقرر کردند کافران  
 برای شماست واضح است پس بیارید کتاب خود را اگر راست گوید و مقرر کردند کافران  
 بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجَنَّةِ نِسْبًا ۝ وَلَقَدْ عَلِمْتِ الْجِنَّةُ أَنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ ۝  
 میان خداست و میان جنها قرابت را و تحقیق دانستند جن را که ایشان البته حاضر کرده می شوند (عذاب)  
 میان خداست و میان جنها قرابت را و تحقیق دانستند جن را که ایشان البته حاضر کرده می شوند (عذاب)  
 سُبْحَنَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ ۝ ۝ الْأَعْبَادُ لِلَّهِ الْمُخْلِصِينَ ۝ فَانْتُمْ وَمَا  
 بیزاریست خدا را از آنچه بیان می کنند مگر بندگان حاضر کرده خدا را پس هر آینه شماست کافران و آنچه  
 بیزاریست خدا را از آنچه بیان می کنند مگر بندگان حاضر کرده خدا را پس هر آینه شماست کافران و آنچه  
 تَعْبُدُونَ ۝ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ بِفَاتِنِينَ ۝ إِلَّا مَنْ هُوَ صَالٍ لِحُجُومٍ ۝ وَمَا مَنَّا  
 می پرستید مثل نیستید همه گمراه کننده بر آنست عبادت آن موجود باطل مگر کسی را که او را آورده و دروغ است در علم الهی  
 می پرستید مثل نیستید همه گمراه کننده بر آنست عبادت آن موجود باطل مگر کسی را که او را آورده و دروغ است در علم الهی  
 إِلَّا لَهُمْ مَقَامٌ مَّعْلُومٌ ۝ وَإِنَّا لَنَخُنُ لَصَافُونَ ۝ وَإِنَّا لَنَخُنُ السَّابِقُونَ ۝  
 مگر او را جایست معین و تحقیق ما صفت زد گایم و در تائید ما سبیم گویند گایم  
 مگر او را جایست معین و تحقیق ما صفت زد گایم و در تائید ما سبیم گویند گایم  
 وَإِنْ كَانُوا لَيَقُولُنَّ ۝ لَوْ أَنَّ عِنْدَنَا ذِكْرًا مِنْ الْأَوَّلِينَ ۝ لَكُنَّا عِبَادَ  
 و هر آینه کافران عرب می گفتند اگر بودی پیش ما خبری از پیشینیان البته شرم بندگان  
 و هر آینه بودی پیش ما خبری از پیشینیان البته شرم بندگان  
 لِلَّهِ الْمُخْلِصِينَ ۝ فَكُفُّوا رَأْسَهُمْ فَيَسْجُدُونَ ۝ وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا  
 حاضر ساختیم خدا را بار کافران نه بان تران پس خواهند داشت عاقبت کار را و هر آینه سبقت ما را در عبادت  
 حاضر ساختیم خدا را بار کافران نه بان تران پس خواهند داشت عاقبت کار را و هر آینه سبقت ما را در عبادت  
 الْعِبَادَةِ الْمُرْسَلِينَ ۝ إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ ۝ وَإِنْ جُنَدًا لَهُمْ  
 برای بندهگان فرستاده خویش بر آینه پسران ایشان اند نصرت دادگان و هر آینه شکرا می بخت  
 برای بندهگان فرستاده خویش بر آینه پسران ایشان اند نصرت داده شدگان و هر آینه شکرا  
 الْغَالِبُونَ ۝ فَقَوْلُكَ عَنْهُمْ كُنْ حِينَ ۝ وَأَبْصُرْهُمْ فَسَوْفَ يَبْصُرُونَ ۝ أَفَبِعَذَابِنَا  
 باریس و بجز این از ایشان ندانم و بنگر ایشان را پس ایشان نیز خواهند دید آیا این کافران عذاب را  
 باریس و بجز این از ایشان ندانم و بنگر ایشان را پس ایشان نیز خواهند دید آیا این کافران عذاب را  
 يَسْتَعْجِلُونَ ۝ فَاذْأَنْزِلْ بِسَاحَتِهِمْ فَسَاءَ صَبَاحُ الْمُنْذَرِينَ ۝ وَقَوْلُكَ  
 شتاب می طلبند پس چون فرود آید عذاب میدان ایشان شتاب پس بدانش صبار ترسانند مشدگان و اعراض کن  
 شتاب می طلبند پس چون فرود آید عذاب میدان ایشان شتاب پس بدانش صبار ترسانند مشدگان و اعراض کن

و اما این برای حساب  
 و عذاب است یعنی  
 بیان عذاب است  
 واقع است ۳۳  
 یعنی شان ۱۲  
 تفسیر عثمانی  
 عذاب است یعنی  
 احوال فرشتگان و  
 جنیان بشود که در  
 باب آنها بعضی مردم  
 چه عقاید بے پرده  
 و باطل قائم کرده اند  
 چنانچه بعضی قبایل خود  
 می گفتند که فرشتگان  
 دختران خداوند چون  
 از ایشان پرسیده  
 می شد که ما را می  
 ارشد که می شود در  
 جواب می گفتند که دختران  
 جنیانند و گمانند  
 گویا با این طریق را می  
 باشد و فرشتگان  
 خدا را با این فرشتگان  
 قابل شده بودند و در  
 این حال هر دو ذکر  
 می نمود مگر ششگان  
 بود و بهر عقیده نمود  
 سبقت خوب را در کار  
 است چنانچه از ایشان  
 سوره بحداریکه آید  
 قدرت قاهره خود را  
 ضمن دلان و نقص  
 و قدرت و حدایت  
 خود بیان می کن چنان  
 می فرماید که اکنون این  
 پیغمبران پیوسته که اگر  
 فرضا خداست صاحب  
 این خلقت و قدرت  
 بے مثال بر آنست خود  
 اول و آخر می کرد  
 و خداوند آید و فرشت  
 ها برای خودی بفرست  
 در پسران را بشما  
 از برای می گردانم فی  
 نزدگ است که برای  
 خداوند تقدوس اولاد

و اما این برای حساب  
 و عذاب است یعنی  
 بیان عذاب است  
 واقع است ۳۳  
 یعنی شان ۱۲  
 تفسیر عثمانی  
 عذاب است یعنی  
 احوال فرشتگان و  
 جنیان بشود که در  
 باب آنها بعضی مردم  
 چه عقاید بے پرده  
 و باطل قائم کرده اند  
 چنانچه بعضی قبایل خود  
 می گفتند که فرشتگان  
 دختران خداوند چون  
 از ایشان پرسیده  
 می شد که ما را می  
 ارشد که می شود در  
 جواب می گفتند که دختران  
 جنیانند و گمانند  
 گویا با این طریق را می  
 باشد و فرشتگان  
 خدا را با این فرشتگان  
 قابل شده بودند و در  
 این حال هر دو ذکر  
 می نمود مگر ششگان  
 بود و بهر عقیده نمود  
 سبقت خوب را در کار  
 است چنانچه از ایشان  
 سوره بحداریکه آید  
 قدرت قاهره خود را  
 ضمن دلان و نقص  
 و قدرت و حدایت  
 خود بیان می کن چنان  
 می فرماید که اکنون این  
 پیغمبران پیوسته که اگر  
 فرضا خداست صاحب  
 این خلقت و قدرت  
 بے مثال بر آنست خود  
 اول و آخر می کرد  
 و خداوند آید و فرشت  
 ها برای خودی بفرست  
 در پسران را بشما  
 از برای می گردانم فی  
 نزدگ است که برای  
 خداوند تقدوس اولاد

و اما این برای حساب  
 و عذاب است یعنی  
 بیان عذاب است  
 واقع است ۳۳  
 یعنی شان ۱۲  
 تفسیر عثمانی  
 عذاب است یعنی  
 احوال فرشتگان و  
 جنیان بشود که در  
 باب آنها بعضی مردم  
 چه عقاید بے پرده  
 و باطل قائم کرده اند  
 چنانچه بعضی قبایل خود  
 می گفتند که فرشتگان  
 دختران خداوند چون  
 از ایشان پرسیده  
 می شد که ما را می  
 ارشد که می شود در  
 جواب می گفتند که دختران  
 جنیانند و گمانند  
 گویا با این طریق را می  
 باشد و فرشتگان  
 خدا را با این فرشتگان  
 قابل شده بودند و در  
 این حال هر دو ذکر  
 می نمود مگر ششگان  
 بود و بهر عقیده نمود  
 سبقت خوب را در کار  
 است چنانچه از ایشان  
 سوره بحداریکه آید  
 قدرت قاهره خود را  
 ضمن دلان و نقص  
 و قدرت و حدایت  
 خود بیان می کن چنان  
 می فرماید که اکنون این  
 پیغمبران پیوسته که اگر  
 فرضا خداست صاحب  
 این خلقت و قدرت  
 بے مثال بر آنست خود  
 اول و آخر می کرد  
 و خداوند آید و فرشت  
 ها برای خودی بفرست  
 در پسران را بشما  
 از برای می گردانم فی  
 نزدگ است که برای  
 خداوند تقدوس اولاد







صَحْبُ النَّبِيِّ أُولَئِكَ الْأَخْرَابُ إِنَّ كُلَّ الْأَكْذَابِ الرَّسُولُ فِي عَقَابِ

را این آیه که این گروه اند و چه است بزرگ نیست در هیچک از ایشان مگر تکلیف کرد و بجهاد در راه حق و تعالی و در این آیه که این گروه اند و چه است بزرگ نیست در هیچک از ایشان مگر تکلیف کرد و بجهاد در راه حق و تعالی و در این آیه که این گروه اند و چه است بزرگ نیست در هیچک از ایشان مگر تکلیف کرد و بجهاد در راه حق و تعالی

وَمَا يَنْظُرُهُمْ إِلَّا الْأَصْحَىٰ ۖ وَاحْدَةٌ مِّنْ لَّهُمْ

و گفتند بفرقی است از آنکه هر دو نفر

و غنچه دلبرین استیلا اے پروردگار ما

عجل لنا وقنا قبل يوم الحساب ٥ اصبر على ما يقوون واذكر عبدنا

مستجاب ده ادا میر و نیست از عقوبت پیش از روز حساب صبر کن بر آنچه می گویند و یاد کن بنده ما داود  
و زبده برائے ما نصیب ما را (از عذاب آتش از روز حساب صبر کن بر آنچه می گویند (مستغفرین) و یاد کن بنده ما داود)

داود ذا الاید الله اؤاد اناسخون الجمال

جلالوت را بر آینه اورجوع کننده بود دل بر آینه رام ساختیم همراه او کو بهار آید می گفتند بوقت شام

مداوند فوت را بدرستی که او نهایت رجوع کننده بود (یا) عید در سیکه مستر ساعی کوه بار اهرام و سیم می گفتند بر وقت شام

والاشراق الطير محشورة كل له اواب وشدة دن فلكنه واتين

و درام صاحب مرغان را به هم آورده هر یک براسه از قریب از در بود و حکم فرمود پادشاهی اوراد آتش  
و دستخسای حق مرغان را به یکجا کشیده هر یک برای او بر جوع کشیده بود و وقت دوام سلطنت او را و دوام او را

١٤٢  
عجبة وفصل الخطاب<sup>(٥)</sup> وهل أتاك نبؤ الخصم إذ تسوروا بنياد

دستور فصل گفتن و عذر و آداب است که گروه خصوصیت کنند و در این میان از آنکه بگویند که در این میان از آنکه بگویند که در این میان

و سکن فیصل کنند و عهده آید است خبر کرده خصوصیت کنند و چون از دیو لوله حقیقت داخل عباد و سخاوت کنند

و داود علی داود قفیر من قالا لا تخف احد من بعضنا  
 ن در آمدند بر داود پس بترسید از ایشان گفتند ترس ما و خشموت گفته ایم بترسیده است بعضی ما

در آمدند بر داد پس بر سید از ایشان گفتند مترس ما دو تصومت گفته ایم شما زده کرده بعضی ما

إلى بعض فالحكم بيننا بالحق ولا تشطط وأهدنا إلى سواء

بعض پس حکم کن میان بیماستی و جور مکن  
بعض پس حکم کن میان مایان نجات و سعاد و زکون (از حق)

د دلالت کن. باره

فَارِطَانِ هَذَا رِي لِكُمْ سَمْعٌ وَسَمْعُونَ نَحْنُ وَرِي نَحْنُ وَاجِدَةٌ  
مَنْ الْكِبَرَاءُ مَنْ مَت يَدِ مَت اَدَمَتِ نَوْدَنَ مِشْ دُپِشْ مَنْ يَكْ مِشْ مَت

ست در استیکه این برادر من است که او را او دونه میش است و مراست یک میش

قال افضلي واعزني في الخطاب <sup>٩</sup> قال لقد ظلمك بسؤال نعجتك

گفت این شخص من بسیار این یک پیش را درستی کرد با من در سخن گفت داد و برداریدم که بر تو بود استن پیش تر  
گفت (این برادر) بسیار آن یک پیش را هم من و غلبه که من در سخن گفت داد و برداریدم که بر تو بود استن پیش تر

نوعه و ان کثیر من الخطای که بعضی از آنها

عاجه و ان نثارين اعطاء یدہی بعضہم ای بعضی الی الی  
 آمد میهنای خود و ہر آئینہ بسیارے از ستریکان سمرقانی کنند بعضی این بن ریختے ستر آئینہ

سے خود دہر رستہ کیلے بسیار سے از مریگان ستم می کند بعض ایشان بر بعضی مکر آنا می

سواء عمو الصلح وقيل ما هم وضم داء انما قيت فاستغفر

ان آردند و کار بائے شائسته کردند و اندک اندک ایشان دست یافت راود که ما آژمودیم و این آرد این طلب آفرینش  
ان آردند و کردند کار بائے شائسته و اندک اندک ایشان دست یافت راود که ما آژمودیم و این آرد این طلب آفرینش

وَأَمَّا الْفُلُ فَأَنزَلْنَاهُ ذِكْرًا وَإِنَّا لَنَاقِلُونَ ﴿١٧﴾ فَغَفَرْنَا لَهُ ذَلِكَ وَإِنَّا لَعَنُوكَ

و باز گشت بحدایس، بیاسر و نیکیم اور آن زلفت او دهر آینه اورا نزد یک ما فرست و

درد و آزار خود میبخشد، قم نمونده در جوار خود بخوابد. بخیال این بیچاره ندانم برای او آنچه را که شفقت خواستریا بدو رسانیده است که از ما قریب و

بدر کمال غیری و صفت فیض میک و اکثر فردت به ابرو انقاسی افتاد تقریر و فیض کن فی یوز بهر حال حق تعالی او را ثبوت حسن تدبیر اوت فیض و کمالات گوناگون علم

۱۱. فل یقین بسوشت  
 صبح خدا ۱۲. فل ستریم  
 ۱۰. کبریا که داد و داد علیه  
 اسلام نمود و زن  
 داشت مع با از آن  
 دیگر که در خطبه شریفه  
 یاه کما ان او بود  
 درخواست کرده خدا  
 تعالی فرشتگان را  
 بجبهت تغیر داد و  
 جن جنم متکثر شد  
 اشدت باین قصه  
 است درین آیات  
 والله اعلم  
 تفسیر عثمانی  
 علیه و حضرت شاه  
 صاحب مینویسد  
 در این موقع  
 قصه داد علیه السلام  
 را باین اشارت یاد  
 آوردی نمود که در همه  
 عمر که متعالوت صبر و  
 تحمل زیاد نمود بالاخر  
 حکومت نصیب او  
 شد و جالوت و دیگر  
 مخالفین را در جهاد  
 مغلوب و منکوب ساخت  
 پیغمبر اکرم پسر احمرا  
 پیروز رسید حضرت  
 شاه صاحب -  
 ذواللایه را « در آن  
 دست میزدند و ترحم  
 کرده استند یعنی قوت  
 سلطنت و با اشاره  
 بیان است که آن  
 در دست دی شرمی  
 شد و با آن یزید دست  
 عبیدت از آن است  
 که از آن سلطنت بی  
 خود رفت و نظایرت  
 دست و بازو یخود  
 کفایتی کرده عیشت می  
 بود و اولیای یقود  
 بر ساطع نبوی خدا  
 بجور می کرد و سلطنت  
 بسیار مدوم و اناناد  
 و علی عطا نمود و در



دل بقی نادر  
معرفت خدا  
و لا یخفی ذلک  
کود ساقی آسمان را  
از جهت غیبت برادر  
خدا تعالی و الله اعلم  
قل من یرید سلیمان  
علیه السلام از  
امداد و منفی ۱۲  
شدد بخاطر آورد ۱۱  
که اسب با حد زن  
صحت دوم و هر زن  
چیز آید و هر که شاهر  
باشد جهاد کننده مرا  
اعتقاد حق امانت  
زنت گفت ان الله  
جو سلیمان بهر کوه پس  
بیچ زن حاضر لایک  
زن طلق نفس الخلق  
نادر آن طفل را بر  
تخت سلیمان انداختند  
سلیمان علیه السلام خبر  
شدد و چون بملکت  
کرد الله اعلم  
تفسیر عثمانی  
عنه در حدیث صحیح  
است که حضرت سلیمان  
وادی قسم خود را مقرب  
نزد نام زوجهات خود  
میرم که به بختاد و  
یاود و یا مدخر باغ  
میتنک نادر هر زن  
پسری تولد گردد که  
راه خدا جهاد کننده  
انشاء الله تعالی  
بزیان نراند اگر چه  
در دیش موجود بود  
زشت القادر که  
ان الله یجور ادا  
عذابا حق رفت که در  
نیقون مباشرت از  
بیچ زن او فرزند می  
بوج دنیا و تنها از  
بطن یک زن طفلی  
ناقص الخلق تولد  
شد بعضی مفسرین  
میگویند که او را آورده بر تخت سلیمان نهادند که در لایک بنحو قسم میآورد بن مور و محمد کبیر فرمود از شایده آن حضرت سلیمان علیه السلام را امانت دست داد

**حَسَن نَّابٍ ۱۱** يٰۤاُوْدُ اِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِی الْاَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ  
نیکی باز گفت راست گفتیم اے داود و هر آنچه سزا جیم ترا بادشاه در زمین پس حکم کن میان مردمان  
مستقیم چو اے داود و هر سیکه ما سزا جیم ترا انانیت در زمین پس حکم کن میان مردمان  
**بِالْحَقِّ ۱۲** لَا تَتَّبِعِ الْهَوَی فِیضْلُکَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ اِنَّ الَّذِیْنَ یَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ  
بر راستی و پیروی پس خواهش نفس را که آن گمراه کند ترا از راه خدا هر آنچه آید آنرا گمراهی خود از راه  
انصاف و پیروی پس خواهش را که گمراه کند ترا از راه الله بدرستی آنرا گمراهی میگویند از راه  
**اللّٰهُ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِیْدٌ ۱۳** یٰۤاَنسُوْا یَوْمَ الْحِسَابِ ۱۴ وَ مَا خَلَقْنَا السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضَ  
خدا ایشان را است عذاب سخت بسبب آنچه فراموش کردند روز حساب را و نیایدیم آسمان و زمین را و  
الله ایشان را است عذاب سخت بسبب آن که فراموش کردند روز حساب را و نیایدیم آسمان و زمین را و  
**وَابَیْنَهُمَا بَاطِلٌ ۱۵** اَذْ لَمْ یَكُنْ لِلَّذِیْنَ کَفَرُوا قَوْلٌ ۱۶ لِّلَّذِیْنَ کَفَرُوا مِنْ لَّکُمُ  
آنچه در میان اینهاست بے بهره این همان که ذرا است پس دانست که از آن را سزا از عو بیت انش  
آنچه در میان اینهاست عذاب این همان آمان است که منکر شده اند پس عذاب است از جنس آتش آنرا که منکر  
**اَمْ یَجْعَلُ لِلَّذِیْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصَّٰلِحٰتِ کَالْمُفْسِدِیْنَ ۱۷** اَلَمْ یَجْعَلْ  
آیا بسیاریم آنرا که ایمان آورد و نیکو کار باشد یا سزا کند که منافق و کفر کند کان در زمین آری سزا  
آیای کردیم آنان را که ایمان آوردند و نیکو کار باشند یا سزا کند که منافق و کفر کند کان در زمین آری آری کردیم  
**الْمُتَّقِیْنَ ۱۸** کَلَّا لَیْسَ اَنْزَلْنٰهٗ اِلَیْکَ فَاِذْ لَیْسَ اَنْزَلْنٰهٗ اِلَیْکَ فَاِذْ لَیْسَ اَنْزَلْنٰهٗ اِلَیْکَ  
بیزیر آنرا مانند هدایان این که آن کتب است یا برکت که فرود آوردیم او را بسوخته که تو مومن نامی کند در آیات او را چنانکه در  
فرستادن خدا را مانند هدایان (این که آن کتب است) بزرگ که فرود آوردیم آنرا بسوخته که تو مومن نامی کند در آیات او را چنانکه در  
**اَلْکِتٰبِ ۱۹** وَ وَهَبْنَا لِدَاوُدَ سُلَیْمٰنَ ۲۰ نَعْمَ الْعٰدِلُ ۲۱ اِنَّهٗ اَوَّاك اِذْ عَرَضَ عَلَیْهِ  
خود و وحی کردیم داود را و فرزند سلیمان نام چو بنده بود سلیمان بر او عطا کردیم بود بخدا اید پس چون نمودش  
داش و دادیم داود سلیمان چو بنده بود سلیمان را بر دست که او را عطا کردیم بود بخدا اید پس چون نمودش  
**بِالْعِشْقِ ۲۲** الصَّفٰتِ الْجَادَةِ ۲۳ فَقَالَ اِنِّیْ اَحْبَبْتُ حَبِیْبَیْکَ ۲۴ ذِکْرِ رِزْقِیْ  
و گفت که اسیان تیر و پس تحت بر آید دوست داشتیم این اسیان را از قبیل رغبت بآن اعراض کنان از ذکر و رزق  
بوقت عصر اسیان حاضر تیر و پس گفت سلیمان را بر دست که این بر گزیدیم حبت پس راز (سبب) یا مدخر و راز خود  
**حَتّٰی تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ ۲۵** وَ رَدَّوْهَا عَلَیْ قَطِیْقِ سَمِیۤا السُّوْقِ ۲۶ وَ الْاَعْنَاقِ ۲۷  
تا آنکه پنهان شد از حجاب در پرده فل باز گردانیدیم اسیان را بر من شروع کرد دست رسانیدن لبها و گردن های  
تا آنکه پنهان شد از حجاب در پرده (گفت) باز گردانید اسیان را بر من پس شروع کرد سر گردن ساق و گردن را و  
**لَقَدْ فَتَنَّا سُلَیْمٰنَ ۲۸** وَ الْقَبِیْلَةَ ۲۹ لِرِیَاسَةِ جَسَدِکَ ۳۰ اَنَّا کَانَ رَبُّ اَعْمُرِی ۳۱  
هر آینه از مودیم سلیمان را و انداختیم بر تخت او کالبدی که باز جوع کرد چنانکه گفت ای مودیم و کالبد من بسیار مراد  
(بدرست که) از مودیم سلیمان را و انداختیم بر تخت او جسدی که باز جوع نمود و چنانکه گفت (سلیمان) ای مودیم و کالبد من بسیار مراد  
**هَبْ لِّیْ مَلَاکَ اَیُّتُیْغِی ۳۲** اِحْدَی مِنْ بَعْدِیْ اِنَّکَ اَنْتَ الْوَهَّابُ ۳۳ فَسَخَّرْنَا لَهٗ  
عطا کن مرا آن بادشاهی که راست نیاید بیچ کسی را غیر از من بر آید تویی بخشاینده پس سخن گردانیدیم برای او  
عطا کن مرا بادشاهی که راست نیاید بیچ کسی را غیر از من بر آید تویی بخشاینده پس سخن گردانیدیم برای او  
**اَلِیَّ یَجْعَلُی ۳۴** بِاَمْرِکَ رَحْمَةً حِیْثُ اَصَابَ ۳۵ وَ الشَّیْطٰنِ ۳۶ کُلُّ بَنَیٍّ وَ خَوَّاصٍ  
با در ابرقت بفرمان او یا بختی روان شده هر جا که خواسته باشد و سخن گردانیدیم دیوان را بر عکس بنانند و با مودیم و مود  
مادر اگر بفرقت بفرمان او یا بختی هر جا که خواست و سخن گردانیدیم (رحمن) را بر مود و خواس را  
**وَ اٰخِرِیْنَ مَقْرَنِیْنَ ۳۷** فِی الْاَصْفَادِ ۳۸ هٰذَا عَطَاوْنَا فَاَمْنٌ ۳۹ اَوْ اَمْسٰکُ  
سخن گردانیدیم دیوان دیگر مودست و با هم بسته در زنجیر انقیر است بخشش پس عطا کن یا بختیار  
و دیگران را دست و پا بسته در زنجیر با این است عطا کن یا بختیار یا بختیار  
و دیگران را دست و پا بسته در زنجیر با این است عطا کن یا بختیار یا بختیار







ولی بنی نذر اسلمین  
تفسیر عثمانی  
عنه الامام علی و گروه  
با ان عبارت است از  
جمله امامان مقررین غیر  
هم که توسط آنجا تدبیر  
الهی و تعریفات کوشید  
بنظر رسیدند  
راجع به تدبیر ۲۳  
و مباحث که  
در باب فناء بقا  
نظام عالم بین ما و علی  
بنی ی آید آنگاه که  
که بشما اطلاع می گردد  
اسو یکا انشا الهی ترا  
خبر داده بشما بایان  
گردد هر چه می گویم  
الطوفی و اعلام اوست  
باجرای این مباحث و شری  
ام که همان را اذان  
مستقبل خواند  
آنگاه که فسادات تمام  
آگاه سازیم اینک آن  
وقت موعود و جزا می  
فر خواهد رسید و قیامت  
چو وقت بر پا خواهد شد  
یکس را بر او ایست  
خداوند در حدیث  
است که هر یک اجتماع  
بر او چند تن از پیغمبران  
علیه السلام حمل آمد  
راجع به درود و قیامت  
مذکور شد. بگفتن  
حضرت امیرالمؤمنین  
کردند فرمود که علم ندوم  
باز حضرت موسی و  
کردند او هم چنان جواب  
داد. بالاخر هر چه حق  
سبح علیه السلام و جوع  
نمودند و خود را در پیش  
رسالت میبیند قوت  
قیامت. بن معلوم  
نیت تنها این قیامت  
میدانم که خدای تعالی  
در و آن را این وعده  
و احوال را آنچه در  
عربی است که حضرت

قَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ أَخْرَجَهُمْ مِنَ ظُلُمَاتٍ إِلَى نُورٍ وَ هَدَىٰ لَهُمُ الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ۝

در آن وقت که خداوند بر مؤمنان رحمت کرد و ایشان را از تاریکی به نور رسانید و برای ایشان راه مستقیم را نشان داد

فِي النَّارِ ۝ وَقَالَ لَكَ لَا نَرِي رَحْمَةً عَلَيْكَ كُنَّا نَحْنُ الْمُغْتَابُونَ ۝

در آتش و گفتند ای دوزخ چه رحمتی بر ما داری که ما را از آتش دور کنی؟ ما را از آتش دور کنی؟ ما را از آتش دور کنی؟

إِنَّا أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ ۝ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ۝

ما را از نو خلق کردیم. آیا نمیفهمید؟

إِنَّا أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ ۝ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ۝

ما را از نو خلق کردیم. آیا نمیفهمید؟

إِنَّا أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ ۝ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ۝

ما را از نو خلق کردیم. آیا نمیفهمید؟

إِنَّا أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ ۝ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ۝

ما را از نو خلق کردیم. آیا نمیفهمید؟

إِنَّا أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ ۝ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ۝

ما را از نو خلق کردیم. آیا نمیفهمید؟

إِنَّا أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ ۝ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ۝

ما را از نو خلق کردیم. آیا نمیفهمید؟

إِنَّا أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ ۝ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ۝



صلی بنی دعوی دی  
 نم بنی بنی ۱۱ صل  
 بنی مقبول نزدیک  
 اوست ۱۲ صل بنی  
 بنی خوک ۱۳  
 تفسیر عثمانی  
 ۱۴ این در کتب  
 است که برای انصاف  
 اولاد خود میبایست چنانکه  
 نصیحت حضرت مسیح را  
 بپرسد اینخوانند  
 در عین زمان به  
 خدا قائل بوده  
 ۱۵ از این که از آن قبول  
 ی کنند و با بعضی قائل  
 عرب فرستادن را  
 دختران خدا میگفته  
 مطلب این است که اگر  
 بدین محال است قائل  
 برای اولاد قصد و  
 اراده میکرد ظاهر  
 است که قصد از جمله  
 حقوق توفیق می  
 را برای این امر  
 انتخاب می نمود  
 زیرا از ادله نقلی  
 باینجا رسید که هر چه  
 بجز خدا است همه  
 مخلوق اوست اکنون  
 بلی عیان در روشن  
 است که بن خالق و  
 مخلوق به یک درجه و  
 اندازه اشتراک نمی  
 با جنسی نیست پس  
 یکی چطور بجهت یا پسر  
 دیگری تواند شد و  
 چنان این رشته بین  
 خالق و مخلوق محال  
 است لهذا چنانکه اراده  
 هم از طرف الله تعالی  
 می باشد عباد  
 بران فرض کنی که اگر  
 این چیز محال بودی  
 باینهم فرستادن را در آخر  
 اگر حق به یقین دلیل  
 درست نمی آید عرفا

فَأَنذَرْتُكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ ۱۸ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ ۱۹ قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ ۲۰ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلَصِينَ ۲۱ قَالَ فَالْحَقُّ وَالْحَقُّ أَقُولُ ۲۲

بر آید تو از مهلت داده شده تا روز آن وقت معلوم گفت پس قسم بجزت تو که البته گمراه  
 جمعین ۱۸ الا عبادك منهم المخلصين ۱۹ قال فالحق والحق اقول ۲۰

هم مگر مندان برگزیده ترا از ایشان فرمود پس سخن راست است این سخن راست میگوید  
 فَاَلْحَقْ بِهِمْ جَهَنَّمَ إِنَّهُمْ أُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ ۲۱ قُلْ أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِمْ مِنْ جُزْءِ مَا

آنها را به جهنم دوزخ را از تو و از آنکه پیروی تو کنند از ایشان هر یک جایگاه سوال نمی کنم بر تبلیغ قرآن بزرگ مزد را  
 أَنَا مِنَ الْمُتَكَفِّرِينَ ۲۲ هُوَ الَّذِي ذَكَرَ الْعُلَیِّیْنَ وَلَتَعْلَمُنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ ۲۳

استم از تکلف کنندگان نیست قرآن مگر پند است عالمیان را البته خواهید دانست صدق آنرا بعد از مدتی  
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۱

بسم خدا بخت آید مهربان آغاز می کنم بنام خدا ای که اندازه مهربان نهایت باری است

نَزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ۱ إِنْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ

فرستادن این کتاب از جانب خداست غالب با حکمت است بر آید ما فرستادیم کیسے تو کتاب را بر استی  
 فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ ۲ أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ ۳ وَالَّذِينَ

پس عبادت کن خدا را خالص کرده برای او پرستش آگاه باش هر خدا را است مشد برستش کردن خالص و آنرا که  
 اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُوا إِلَى اللَّهِ زُلْفَىٰ ۴

درستان گرفتند بجز خدا و گفتند عبادت می کنیم ایشان را مگر برای آنکه نزدیک سازند ما را بخدا در مرتبه قرب بر آید  
 اللَّهُ يَخْلُكُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ۵ إِنْ أَرَادَ اللَّهُ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ

خدا حکم میکند میان ایشان در آنچه اختلاف دارند هر آینه خدا راه نمی نماید کسی را که  
 كَذِبَ ۶ فَإِنْ لَوْ أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا لَاصْطَفَىٰ مِمَّا يَشَاءُ ۷

در حق کوی ناسپاس است اگر خواسته خدا که فرزند گیرد البته برگزیده است از آنکه که حق کرده است چیزی را که میخواست  
 سُبْحَنَهُ هُوَ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ۸ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ ۹

بالی ادر است هوشت خدا یگانه یاقوت آفرید آسمانها زمین بند بر درست  
 يَكُونُ الْيَلُ عَلَى النَّهَارِ وَيَكُونُ النَّهَارُ عَلَى الْيَلِ ۱۰ وَسَخَّرَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرَ ۱۱

تا بماند شب را بر روز و می بچاند روز را بر شب و هم ساخت آفتاب و ماه را  
 كُلِّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ ۱۲ خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ

هر یک می رود در زمان معین آگاه باش هوشت غالب آفرید آسمانها زمین بند بر درست  
 وَرَبِّكَ يَوْمَ تَوَفَّاكَ فَأَسْبَغْ عَلَيْكَ حُلُمًا مَبِينًا ۱۳

و پروردگار تو روزی که تو را بپذیرد بر تو بپوشد حلیه ای روشن و آشکارا

در این مخلوق اراده انتخاب بلی آید این چه سن دارد که خدا برای خود چقدر اوقی و پست که خواست انتخابی کرد و برای خدا اولاد علی دانشمند که پسر است می بخشد ۱۲



ما لینی نزد ماد عالم  
نیز گاؤ گوشت و زرد  
والشاعلم ۱۲ و ما لینی  
شیر و رم و لبن و اللہ  
اعلم ۱۲- و ما لینی  
آیت قرین است  
بجهرت چشم ۱۲  
تفسیر عثمانی  
عنه الشان نجیب  
ما لینی و ما لینی  
گزارش عجیب گردد  
یاد کند برای بیند  
بجز حقیقت کسی  
میستد وانی تواند  
عرف کند باز مجرب  
بعضی در معنی آید  
و اللہ اعلم  
شد حالت اولی خود  
فراموش می کند کبریا  
رفق آن در کین نزدیکی  
بمقدور است و استقامت  
می نمود و در نشه عیش  
و تنعم جناس مست و  
غافل میگردد و گویا  
گاهی عادات نماز و  
نعت های را که خدا  
یا دوزخانی داشته  
خدایان باطل منسوب  
می کنند و به آنها جان  
ساطی نماید و کلامی  
ذات پروردگار بخانه  
است- این است که  
در تورات و تلمیذ خود  
گزاره میشود و از قول  
و حق خود بگویند  
و ایم گواه می کنند  
عنه غیب  
است و انشده ها  
چند از عیش و لذت  
این جهان بهره برآ  
و تا وقتیکه فانی نشد  
تو بهیست و داده است  
و نعمت های دنیا را  
بردارد- بعد از این حای  
تو در دفع است که از  
آنچه گاهی برای تو ای  
یافت سه کیسه دارد و نیاسی کند و آخرت به نیکی نایل گردد باین مطلب است که شخص شیکه پیش از آخرت در بین دنیا بی غریبی خواهد یافت ۱۲

وَاحِدَةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَنَزَلَ لَكُمْ مِنَ الْأَنْعَامِ ثَمْنِيَةَ أَزْوَاجٍ  
باز بیافرید از آن شخص زوجه را و فرستاد بر آسمان شازده را باین هشت قسم  
یک بود باز آفرید از آن جنس آنرا و فرستاد در آفرید برای شازده چهار پایان هشت نر و ماده و از آن جنات مختلفه  
یخ خلقه فی بطون اقم لکم خلقا من بعد خلق فی ظلمات ثلاث  
در آفرید شازده در شکم مادران شایک نوع آفرید بعد از آفریدن دیگر در تاریکی های سه گانه  
می آفرید شازده در شکم های مادران شایک نوع آفرید پس از آفریدن دیگر در تاریکی های سه گانه  
ذَٰلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَانِ تُصِرُّونَ إِنَّ نُكُورًا  
اینست خدا پروردگار شما و او است پادشاه بی نیست هیچ موجود دیگر او پس را می گردانید و می شود اگر کسی می کند  
این (کنند کارها) اله است پروردگار شما و او است پادشاه بی نیست هیچ موجود دیگر او پس را می گردانید و می شود اگر کسی می کند  
فَإِنَّ اللَّهَ عَمِّي عَنْكُمْ وَفِرَافُهُ لِعِبَادِهِ الْكَفَرُ وَإِنْ تَشْكُرُوا يَرْضَهُ  
پس هر آینه خدا بی نیازست از شما و بی بپسند در حق بندگان خود و ناسپاسی را و اگر سپاسداری کنید پسند کند آنرا  
پس هر آینه اله بی نیازست از شما و بی بپسند برای بندگان خود و کفر را و اگر شکر کنید در حق ایمان می پندارد آنرا  
لَكُمْ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ مَرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا  
برای شماست شازده ندارد هیچ پروردانده دارد و دیگری را باز بسوخته پروردگار شما از ثلث شصت پس خبر دهد شازده را باین  
برای شماست و برای دیگران ندارد و دیگری را پس بسوی پروردگار شماست باز ثلث شصت خبر دهد شازده را باین  
كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ۝ وَإِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ  
میگردید (هر آینه) او داناست به آنچه در سینه ها است و چون برسد انسان را  
می گردید (هر آینه) او داناست به آنچه در سینه ها است و چون برسد انسان را  
دَعَارُ رَبِّهِ يُنَادِي إِلَيْهِمْ ثُمَّ إِذَا ابْخُولَةٌ يُعْتِمِدُ سَعْيَ مَا كَانَ يَدْعُو إِلَيْهِ  
و دعوت کند بجناب پروردگار خود و بخواه کرده بسوخته او باز چون بخواهند سعه از نزد یک خود فراموش سازد آنچه می گردید بکوت او  
بخواهند بپروردگار خود و بخواه کرده بسوخته او باز چون بخواهند سعه از نزد یک خود فراموش سازد آنچه می گردید بکوت او  
مِنْ قَبْلُ وَجَعَلَ لِلَّهِ أَنْتَادًا لِّيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِهِ قُلُوبًا تَمَتُّعًا يَكْفُرُوا  
پیش ازین و مقرر کند برای خدا همسران را تا گمراه کند مردم را از راه خدا و بخواه بفرود بخواه خود  
پیش ازین و مقرر کند برای خدا همسران را تا گمراه کند مردم را از راه خدا و بخواه بفرود بخواه خود  
قَلِيلًا مِّنْ أَنْتُمْ مِّنْ أَصْحَابِ النَّارِ ۝ أَفَمَنْ هُوَ قَانِتٌ أَنَّكَ إِلِيلٌ سَاجِدًا  
اندر کم زبانی هر آینه توار اهل دوزخ می ده آلسید او عبادت کند است و در ساعت شب سجده کنان و  
اندر کم زبانی هر آینه توار اهل دوزخ می ده آلسید او عبادت کند است و در ساعت شب سجده کنان و  
قَالَسَا يَحْذَرُ الْأَخِيَّةَ وَيَرْجُو رَحْمَتَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ  
استاد شده می ترسد از آخرت و امید میدارد رحمت پروردگار خود را باینکه برایشان می دانند  
تمام کنان می ترسد از آخرت و امید میدارد رحمت پروردگار خود را باینکه برایشان می دانند  
وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُونَ أَلَّا يَكُونُوا مِنَ الْمُجْرِمِينَ قُلْ يَعْبَادُ الَّذِينَ  
و آنانی می دانند جز این نیست که بپند می گردند صاحبان غفلت بگو (از طرف من) آنست که آن مردگان من که  
و آنانی می دانند جز این نیست که بپند می گردند صاحبان غفلت بگو (از طرف من) آنست که آن مردگان من که  
آمِنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَأَرْضُ اللَّهِ  
ایمان آورده و بپند رسید از پروردگار خود را تا آنرا که بگو گارد در دنیا حالت نیک باشد زمین خدا  
ایمان آورده و بپند رسید از پروردگار خود را تا آنرا که بگو گارد در دنیا حالت نیک باشد زمین خدا  
وَاسِعَةٌ إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ قُلْ إِنِّي أَمْرٌ  
استاد است جز این نیست که تمام داده میشود صابران را از این ان بیشتر است بگو بر آینه فرموده شده مرا  
فراخ است جز این نیست که تمام داده میشود صابران را از این ان بیشتر است بگو بر آینه فرموده شده مرا

یافت سه کیسه دارد و نیاسی کند و آخرت به نیکی نایل گردد باین مطلب است که شخص شیکه پیش از آخرت در بین دنیا بی غریبی خواهد یافت ۱۲



ان اعبد الله فخلصا للدين ٥ واهرت لان اكون قول المسلمين

که چنانچه کسی را از این امر آگاه باشد و او را خبر دهد که در این راه  
کمی بگذرد تا آنجا که به این شهر رسد و اگر کسی را از این امر آگاه باشد

قل إني أخاف إن عصيت ربي عذاب يوم عظيم ﴿٥٧﴾ قل الله أعلم بما تعملون

فَخِصَالُهُ بَيْنِي ۝ فَأَعْبَدُوا مَا شِئْتُمْ مِنْ دُونِي قُلْ إِنْ أَخْبَرْتُمْ

لَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ ۚ أَلَا ذَٰلِكَ هُوَ الْخَسِرَانُ

لَمَّا نَدَّبَهُمْ خَارُجًا لَمْ تَزِدْهُمْ مِلًّا وَكَافًّا أَلَسَوْا بِمُحْسِنِينَ

[illegible]

ن یَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فَبَشِّرْ عِبَادِ ۝١٤٥ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ

قَوْلٌ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ ۖ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْهُدَى ۚ

الباب ٩٠ فَمَنْ حَقَّ عَلَيْهِ كَلِمَةُ الْعَذَابِ أَفَأَنْتَ تُنْقِذُ مَنْ فِي النَّارِ ٩٠

مَنْ الَّذِينَ انْقَرَوْا بِهٖمْ اَمْ عَرِفُوْا مِنْ فَوْقِهَا عَرْفٌ مُّبِيْنٌ

ان ائمہ کرام سے نہ تو پروردگار خود ایشاؓ کو فرقی آن بالا خانہ کافر کے دیکر عمارت کردہ شدہ میرود

آن جو کس و عدله کرده است خدا خلقت فی کمال خدا و عدله را  
آن جو کس و عدله کرده است الله خلقت فی کمال الله از عدله خود

آسان آید پس در آورد آنرا بچشمه ساربا در زمین بازبری آرد بسبب آن گشت را اگرناگون  
طرف آسان آید باز در آن گردان آید در چشمه ی زمین باری می آرد به آن گشت که مختلف است

فانه ثم کعبه قدره مصفاته یجعل حطامه ان فی ذلک لآذکار

سام از باز خشک میشود پس می بیند آفر از در شده بازی کند آنرا ریزه ریزه بر آینه درین مقصد پند که هست  
ب (الوار) آن باز خشک میشود پس می بیند آفر از در شده بازی میکند آنرا ریزه ریزه بر آینه درین مقصد نصیحت (تذکره)  
(دو کوزه زشت حکم قلاب برایشان نهاده است می توانند ادا می یابند چنانچه بد بخان را که موجب شقاوت ازلی شود آتش زده اند که ما س

دل سخن از شک ۴۲  
 دل سخن با کینه  
 خود او را می خادو  
 را بغیر از اعدا  
 تفسیر عثمانی  
 عه قدوم که خداست  
 بکام انصاف مندی  
 همان ذات بیان را می  
 کنم - شایسته که می پرستد  
 اعتقاد بدد مگر این  
 قدر بخشد که با تمام سرش  
 ماسوی الله چه خواهد شد  
 در آیت ما با تمام جان  
 عمل را تو هیچ می کنی  
 عهده منی با آنکه خداست  
 تو با کون می نشنود مگر  
 سخن غیب و معنی را  
 پذیرفته متابعت میکند  
 یا مطلب این است که  
 سخنان خدا را می شنود  
 در آنجا آنرا که متصل بر  
 هدایات الهی اعلی  
 است عمل می کند و نشنود  
 یک امر از یک حیث  
 پیروی و محضت و  
 اباحت دارد و از  
 پیروی دیگر محضیت  
 آنها را محضت و از آنجا  
 عزیمت را اعتقاد می  
 کنند و یا بجای ترجمه  
 کنند که کلام خدا را  
 شنیده سخنان بهتر از آن  
 پیروی می کنند و نیز  
 سخنان امام بهر بهتر و  
 صحیح است و گفتا  
 قال المفسون حضرت  
 شاه صاحب مطلب  
 آنرا این طور بیان کرد  
 است - نیک دانسته  
 اندرا عمل می آرند یعنی  
 اندرا تفصیل و از این  
 اجتناب می نمایند چنانکه  
 عمل کردن اول الذکر  
 نیک است اجرا کردن  
 آخر الذکر نیز نیک باشد  
 عه آری آنکه بسبب  
 او آورده و می تواند که



مطابق عدیه یا ۲

و عید و انذار یا ۱۳

بشارت ۱۲

فتیحه یا ۱۴

چیزهای نایب که عقاب

را باقی نگه دارد مانند

این بشارت باشد و مثل

یعنی بشارت که چند کس را یک

او باشند مانع شود

هم چنین کسی که بعنوان

بشارت بشارت می کند

مانع است و دیده که

خالص بر آن یک

کس است آن یک

کس است ولی هیچ امر را

باشد هم چنین کسی که

مرد باشد و خالص خدا

کار را از دست و اند

اعلم ۱۲

تفسیر عثمانی

مطلب ششانی

یعنی تکریم شده این است

و بسیار احمق و غلط

و نقص بر پیرایه ای

مختلف نگاره کرده اند

تا به حدی که زمین نشین

شود و نیز در حدیث است

آیت تکریم شود و

بعضی علیه از

و تفسیر و

مطابق این

مطلب گرفته اند

که بعضی آیات که

سلسله کتب

مضمون غلط و دارای

شود این قبیل آیات

را به اشتباه و گویند

در بعضی مواضع باید که

نوع مضمون در جمله

و در آن نوعیت متقابل

اش بهمان می شود چون

این را بر مبنای

نمودن انظار

مطابق یا

نمی تواند ای آقا

مغفرت را بر مبنای

بهر اعتبار الایم یا

لَا تُدْرِي لَكَ الْبَابُ ۚ أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَىٰ نُورٍ

خداوندان خود را آیا کسی که گشاده کرده است خدا سینه او را برای دین پس او بر روشنی باشد

برای خداوندان عقول آیا کسی که گشاده کرده است خدا سینه او را برای دین پس او بر روشنی باشد

مَنْ رِيَهُ قَوْلٍ لِّلْقِسِيَةِ قَوْلِهِمْ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ أَوْ لِكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

از جانب پروردگار خود مانند سخت و دان سخت پس و آینه آنرا که سخت است دل ایشان از یاد کردن خدا ایشانند و گمراهی است

از جانب پروردگار خود مانند سخت و دان سخت پس و آینه آنرا که سخت است دل ایشان از یاد کردن خدا ایشانند و گمراهی است

اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُّتَشَابِهًا مَّثَانِي تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودٌ

خدا تبارک و تعالی بهترین سخن را نازل کرد و آنرا دو بار است و چون از آن میخوانند گوشت از تنهای آن پوست

الذِينَ يُخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِيْنُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوْهُمُ اِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ ذٰلِكَ

آنانی که ترسند از پروردگار خود بعد از آن که ترسیده بودند و دل های ایشان را از یاد کردن خدا ایشانند و گمراهی است

آنانی که ترسند از پروردگار خود بعد از آن که ترسیده بودند و دل های ایشان را از یاد کردن خدا ایشانند و گمراهی است

هُدًى لِّلَّهِ يَهْدِيْ بِهٖ مَنْ يَّشَاءُ ۚ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ ۝

هدایت خدا را می نماید بآن هر که خواهد و هر که گمراه کند خدا پس نیست او را هیچ راه رساننده

و هر که گمراه کند خدا پس نیست او را هیچ راه رساننده و هر که گمراه کند خدا پس نیست او را هیچ راه رساننده

أَفَمَنْ يَّتَّقِيْ بَیْجَهُ سُوْرَ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَقِيلَ لِلظَّالِمِيْنَ ذُوْقُوا

آیا کسی که از سزا خود را بترسد روز قیامت و گفته شود ستمکاران را بچشید

آیا کسی که از سزا خود را بترسد روز قیامت و گفته شود ستمکاران را بچشید

مَا كُنْتُمْ تَكْسِبُوْنَ ۝ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَاتَتْهُمْ الْعَذَابُ مِنْ

و بال آنچه می کردید و بدو عذاب آمدند آنانی پیش از ایشان بودند پس ببارید بر ایشان عذاب از

آنانی که گمراه کردند آنانی پیش از ایشان بودند پس ببارید بر ایشان عذاب از

حَيْثُ لَا يَشْعُرُوْنَ ۝ فَآذَنَهُمُ اللَّهُ الْخَزْيَ فِي الْخَيْرِ فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

آنجا که نمیدانستند پس چشاند ایشان را خوار و در زندگانی دنیا و آخرت عذاب

چشاند آنانی که چشیدند عذاب را پس چشاند ایشان را الله و موالی را در زندگانی دنیا و آخرت عذاب

الْآخِرَةِ الْكِبْرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُوْنَ ۝ وَلَقَدْ ضَرَبْنَا النَّاسَ فِيْ هٰذَا الْقُرْآنِ

آخرت سخت ترست اگر میدانستند و بر آینه بیان کردیم بر آن مردمان در این قرآن

آخرت بزرگتر ترست اگر میدانستند و بر آینه بیان کردیم بر آن مردمان در این قرآن

مِنْ كُلِّ مَثَلٍ لِّعَلَّاهُمْ يَتَذَكَّرُوْنَ ۝ قَرَأْنَا عَرَبِيًّا غَيْرَ ذِي عِوَجٍ لِّعَلَّاهُمْ

از هر نوعی که داستان بود که ایشان پند گیرند و خود آوردم قرآن عربی بی عیب بود که ایشان

از هر نوعی که داستان بود که ایشان پند گیرند و خود آوردم قرآن عربی بی عیب بود که ایشان

يَتَّقُوْنَ ۝ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَّجُلًا فِيْهِ شَرَكٌ مُّتَشَابِهٌ سَوِيٌّ وَرَجُلًا سَلَامًا

برابر کرد خدا را که در میان شریمان اختلاف کند و باشد بر ضد یکدیگر و یک مردی که خالص باشد

برابر کرد خدا را که در میان شریمان اختلاف کند و باشد بر ضد یکدیگر و یک مردی که خالص باشد

لِرَجُلٍ هَلْ يَسْتَوِيْنَ مِثْلًا لِّلْحَمْدِ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُوْنَ ۝ إِنَّكَ

برای مردی آیا برابرند این هر دو مرد و بخت مثل و الهی (یعنی) هر دو برابر است بلکه اکثر ایشان نمی دانند که این سخن حق است

برای مردی آیا برابرند این هر دو مرد و بخت مثل و الهی (یعنی) هر دو برابر است بلکه اکثر ایشان نمی دانند که این سخن حق است

مَبِيتٍ وَأَنَّهُمْ مَيِّتُونَ ۝ ثُمَّ أَفَكُّ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ عِنْدَ رَبِّكَ فَخَصَّهُمْ مِنْ

خوابی مرد و بر آینه ایشان خواهند مرد باز البته شما روز قیامت نزدیک پروردگار خویش بایکدیگر خصوصت خواهید کرد

خوابی مرد و بر آینه ایشان خواهند مرد باز البته شما روز قیامت نزدیک پروردگار خویش بایکدیگر خصوصت خواهید کرد

مَرَدٍ مِّمَّنْ وَذَهَابَ الَّذِينَ هُمْ مَرَدٌ مِّمَّنْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ بَارِئًا مِّنْهُمْ وَذَهَابَ الَّذِينَ هُمْ مَرَدٌ مِّمَّنْ

مردی است و از میان ایشان هم مردی است و از میان ایشان هم مردی است و از میان ایشان هم مردی است

مردی است و از میان ایشان هم مردی است و از میان ایشان هم مردی است و از میان ایشان هم مردی است

مردی است و از میان ایشان هم مردی است و از میان ایشان هم مردی است و از میان ایشان هم مردی است



چند آیه  
چند در حدیث  
الله شاکر علی  
در شکر الله  
در شکر و جلیل  
شکر کن بیان شده  
بود تا بران مشرکین غیر  
علیه السلام از زبان  
خویش میسرند که  
هر شکر کن بسبب  
تو بین و تحقیق و دان  
لما البقره غصب  
عیار میاد از راه ساز  
الله و محزون و محظوظ  
الحواس بازند  
جواب داده شد که  
تفحیک نهاده خدای  
مستقر و یاد گردید  
ازین خدایان عاجز و  
نا توان چه خوف و  
هر اس دادر آقا و ابر  
احاد و طایف آن عزیز  
منتقم کافی نیست که  
دیگران برسد و بیگانه  
محبت کند این هم یک  
خط و گمراه و بیگانه  
که طرف این مشرکین  
بود می کند که می تواند  
پرستنده خدا باشد  
را با چنین باز کرد  
تبرسانند - حقیقت  
اینجا نهفته است  
که کسی را برادر راست  
روان کردن و باطن  
راه خرف ساختن  
همبختار خداوند  
است و حق خدا خفی  
را بسبب نادانی و بگو  
اش برده کامیابی  
و چون شود آن شخص  
همین خطا را محسوس  
و دیوانه می گردد حتی  
برای رسیدن سخنان  
عادی هم قوت و سلب  
می گردد و این سخن  
و ان این قدر می شود  
در تفسیر نهاده که  
انتهای و فواید این

**فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ عَلَى اللَّهِ وَكَذَبَ**  
پس کس است ستمگر تر از کسی که دروغ بر خدا و دروغ داشت  
پس کس است ستمگر تر از کسی که دروغ گفت بر خدا و کذب کرد

**بِالصِّدْقِ إِذْ جَاءَهُ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ ۝ وَالَّذِي**  
درین راست را چون بیا مد یاد آیات است در دوزخ جائی کاران  
سخت راست است و هر دیک رسیده او آیات است در دوزخ جائی کاران

**جَاءَ بِالصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهِ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ ۝ لَهُمْ فِي أَشْوَاقِهِمْ**  
آوردن دین راست را و آیتانی باور داشت آنرا آنکه ایمان از ایشان متقیان  
آوردن دین راست را و باور داشت آنرا آنکه ایمان از ایشان متقیان

**عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَلِكُمْ وَذِكْرُكَ أَجْزَأُ لِيُكَفِّرَ اللَّهُ عَنْهُمْ أَسْوَأَ الَّذِي**  
نزدیک پروردگار ایشان این است جز آنکه کاران  
نزدیک پروردگار ایشان این است پاداش میگو کاران تا در این کند خدا از ایشان بدترین آنچه

**عَمِلُوا وَيَجْزِيَهُمْ أَجْرَهُم بِأَحْسَنِ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ أَلَيْسَ لِلَّهِ**  
کند و بدید ایشان را از ایشان عمل میگو کاران تا در این کند خدا از ایشان بدترین آنچه  
کند و بدید ایشان را از ایشان عمل میگو کاران تا در این کند خدا از ایشان بدترین آنچه

**بِكَافٍ عَبْدَهُ وَيُخَوِّفُونَكَ بِالَّذِينَ مِنْ دُونِهِ وَمَنْ يَضِلَّ اللَّهُ فَمَا**  
کار سازنده خود را و می ترسانند ترا با آن که غیر خدا اند و هر گاه گمراه کند خدا پس نیست  
کافی سببه خود را و می ترسانند ترا با آن که غیر خدا اند و هر گاه گمراه کند خدا پس نیست

**لَهُ مِنْ هَادٍ ۝ وَمَنْ تَكُنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُضِلٍّ أَلَيْسَ لَهُ بَعْزٌ**  
اورانج راه نمانده و هر گاه راه نماند خدا نیست او را هیچ گمراه کننده آیات است خدا غالب  
اورانج راه نمانده و هر گاه راه نماند خدا نیست او را هیچ گمراه کننده آیات است خدا غالب

**ذِي انتِقَامٍ ۝ وَلَكِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ**  
خدا بدان انتقام کشیدن و اگر بر کسی ایشان را که آفرید آسمانها و زمین البته بگویند  
انتقام گیرنده و او است اگر بر کسی ایشان را که آفرید آسمانها و زمین را البته گویند

**اللَّهُ قُلْ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ أَرَادَنِيَ اللَّهُ بِضُرٍّ**  
خدا آفرید بخود دیدید آنرا که می پرستید بخیر خدا  
الله را آفرید بخود دیدید آنرا که می پرستید بخیر خدا

**لَهُمْ كَشَفَتْ ضَرَّةً أَوْ أَرَادَنِيَ بِرَحْمَةٍ هَلْ يُمْسِكُ رَحْمَتَهُ**  
آیا این توان دفع کند سختی او بستاند یا اگر خواب در حق من بخواست که آیا این توان بازدارنده بخیر باشد او بستاند  
آیا این توان دفع کند سختی او بستاند یا اگر خواب در حق من بخواست که آیا این توان بازدارنده بخیر باشد او بستاند

**قُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ ۝ قُلْ يَقَوْمِ اعْمَلُوا عَلَى**  
پس بس است مرا خدا بر دوسه تو عمل می کنی و عمل کنندگان  
پس بس است مرا خدا بر دوسه تو عمل می کنی و عمل کنندگان

**مَكَانَتِكُمْ إِلَى عَامِلٍ فَيُؤْتِيهِمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَهُمْ لَا يَمْلِكُونَ ۝ مَنْ يَأْتِ بِذَلَالٍ يَجْزِيهِ**  
و این خود بر آید من نیز عمل کنده ام بر دوسه تو عمل می کنی و عمل کنندگان  
و این خود بر آید من نیز عمل کنده ام بر دوسه تو عمل می کنی و عمل کنندگان

**يَحُلْ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُّقِيمٌ ۝ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ**  
کسی را که خود را بر دوسه عذاب دائم  
کسی را که خود را بر دوسه عذاب دائم

**وَأَنبَشْنَا لَكَ الْوَيْهَانَ ۝ وَنُفِخَ فِي سَحَابٍ مُمِدَّةٍ ۝ وَنُفِخَ فِي سَحَابٍ مُمِدَّةٍ**  
و این خود بر آید من نیز عمل کنده ام بر دوسه تو عمل می کنی و عمل کنندگان  
و این خود بر آید من نیز عمل کنده ام بر دوسه تو عمل می کنی و عمل کنندگان

و این خود بر آید من نیز عمل کنده ام بر دوسه تو عمل می کنی و عمل کنندگان



عنه حضرت شاه صاحب بنید  
یعنی خداوند متعال  
خواب هر روز و یا  
شب جان را بدین  
ی کند و باز پس  
میفرستد - چون  
علامه دانی از حضرت  
است - معلوم گردید  
که در حین خواب هم  
روح کشیده میشود  
چنانکه به تمام مرگ  
اجرای شود اگر در  
خواب روح مختل  
شده ماند تا صبح  
واقع شد بگزارین بودی  
است که آنرا بپوش  
و ظاهری نمی بیند  
چنانکه بوسید آن  
تغصن جاری میشود  
و نفس با حرکت میکند  
و آن معنی میشود آن  
دیگری است که پیش  
از موت نزع می شود  
و معنی القرآن الطوی  
از حضرت علی کرم الله  
و در نقل کرده است  
که در حین خواب  
روح می برآید مگر  
تعلق آن بند برشته  
باشد میان جانش  
با این سبب حاجت  
باطل نمی شود و هم  
چنانکه آفتاب از  
روی ۶۳ لیون  
میل زمین را بپوشد  
شما را گرم نگ  
سیند ازین بری  
آید که خواب هم  
همین چیزی برآید  
در وقت موت خارج  
میشود لیکن انقطاع  
بطوری نیست که از  
موت واقع میشود  
و الله اعلم - ۱۲ -

فَمَنْ اهْتَدَىٰ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَاِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهِ مَا كَسَبَ وَ مَا اَنْتَ عَلَيْهِ بِرَاحِمٍ  
پس هر که راه یاب شد پس لنفس او راست و هر که گمراه شد پس جز این نیست که گمراه میشود و هر روز و یا شب  
پس هر که راه یاب شد پس لنفس او راست و هر که گمراه شد پس جز این نیست که گمراه میشود و هر روز و یا شب  
يُؤْكِلُ ۝ اَللّٰهُ يَتَوَفَّى الْاَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا ۝ اَلَّتِي لَمْ تَكُنْ فِيْ مَنَامٍ ۝  
نظاره این خداست که نفس را در وح می کند نزد یک موت آن دال روح که زنده است نفس آن میکند نزد یک خواب آن  
زنده و از الله می کشد نفس را از حیات مرگ و از آن روحی کشد در خواب این نفس باقی را که زنده اند  
فِيْهِمْ سِدْرٌ اَلَّذِيْ قَضَىٰ عَلَيْهِمُ الْمَوْتَ ۝ وَيُرْسِلُ اِلَىٰ جَلِّ سَقَمِيْ ۝  
پس نگاه میدارد آن را که حکم موت کرده است بر دوسه و میگرداند آن دیگر را تا و تعلق همین بر آید  
پس نگاه میدارد آن نفس را که حکم کرده بر آنها مرگ را و میفرستد آن دیگر را تا وقت همین بدرستیک  
فِيْ ذٰلِكَ لَا يَتْلُوْهُمُ يَتَفَكَّرُوْنَ ۝ اَمْ اَتَاخَذُ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ شَفَعًا ۝  
در این مقدمه نشان است بر آنست که قس که تامل می کنند آیا شفاعت کنندگان گرفتارند - چون خدا  
در این نشانهاست بر آنست که قس که تامل می کنند آیا شفاعت کنندگان گرفتارند - چون خدا  
قُلْ اَوْ كُنَّا نَعْلَمُ اَلَا يَكُنُ شَيْءٌ اَلَا يَعْقِلُوْنَ ۝ قُلْ لِلّٰهِ الشَّفَاعَةُ جَمِيعًا ۝  
پس ایشان را که گرفتارند اگر چه نمی توانستند هیچ کاره و نمی دانستند بگردانند خداست شفاعت همه یک جا  
پس آیا شفاعت کنند اگر چه مالک نیستند چیزی را و نمی دانند بجز خاص الله است (ملکیت) اختصت همه را خواهد  
اَلَمْ يَكُنْ السَّمَوَاتُ وَالْاَرْضُ ثُمَّ اَلْبِهْمُ تَرْجَعُوْنَ ۝ وَاِذَا ذَكَرَ اللّٰهُ وَحْدَهُ  
مراد است بادشاهی آسمانها و زمین باز میسر و او گرداننده خواب است و چون یاد کرده شود خدا آنها  
مراد است بادشاهی آسمانها و زمین پس بسوی او گرداننده میگوید و چون یاد کرده شود خدا آنها  
اَتَمَارَتْ قُلُوْبُ الدّٰیْنِ لَا يُوْمِنُوْنَ بِالْآخِرَةِ ۝ وَاِذَا ذَكَرَ الدّٰیْنِ مِنْ دُوْنِهِ  
منصرف شود دل آنها از ایمان می آرند با حیرت و چون یاد کرده شوند آنها که بجز او هستند  
منقبض گردد دل های آنها که ایمان ندارند به آخرت و چون یاد کرده شوند آن مجبورانی که بجز او عالمی هستند  
اِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُوْنَ ۝ قُلْ اَللّٰهُمَّ فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْاَرْضِ عَلِمِ الْغَيْبِ ۝  
تاگاه ایشان شادمان میشوند بجز با خدا آید ایا س پیدا کننده آسمانها و زمین دانسته بهمان و  
آنکه شاد میشوند بجز او الله آفریننده آسمانها و زمین دانسته بهمان و  
الشَّهَادَةُ اَنْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبَادِكَ فِيْ مَا كَانُوْا فِيْهِ يَخْتَلِفُوْنَ ۝ وَلَوْ اَنَّ  
آشکارا تو حکم کنی میان بنده گان خود در چیزی که ایشان در آن اختلاف میکنند و اگر باشد  
آشکارا توئی که حکم کنی میان بنده گان خود در چیزی که ایشان در آن اختلاف می کردند اگر باشد  
لِلَّذِيْنَ ظَلَمُوْا فَاِذَا فِي الْاَرْضِ جَمِيعًا ۝ وَمَثَلُ هَٰؤُلَاءِ لَفِيْ سُوْءٍ  
آنان را که ستم کردند آنچه در زمین است همه یکجا و مانند آن بهره آن البته عوض خود میدهند ۱ ترا سبب سختی  
برای آنان که ظلم کردند آنچه در زمین است همه مانند آن بر آن البته تفریه خواهند کرد آنرا از  
الْعَذَابِ ۝ يَوْمَ الْقِيَمَةِ ۝ وَبَدَّ اللّٰهُمَّ مِنَ اللّٰهِ مَا لَمْ يَكُنُوْا يَحْتَسِبُوْنَ ۝ وَبَدَّ  
عذاب روز قیامت و ظاهر شود ایشان را از جانب خدا آنچه بکارمان نمیدانستند و ظاهر شود  
عذاب سخت در روز قیامت و ظاهر شود ایشان را از الله آنچه بکارمان نداشتند و ظاهر شود  
لَهُمْ سَيِّئَاتٌ مَا كَسَبُوْا ۝ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوْا يَسْتَهْزِءُوْنَ ۝ فَاِذَا هُمْ  
ایشان را جز آنست که بهایه اعمالی کرده بودند و احاطه کنند ایشان را آن علانی که بآن استیلا می کردند پس چو برسد  
ایشان را جز آنست که بهایه اعمالی کرده بودند و احاطه کنند ایشان را آن علانی که بآن استیلا می کردند پس چو برسد  
اَلْاِنْسَانُ حَرِيْدٌ عَانِدٌ ۝ اِذَا خُوْلِنَهُ نَعْمٌ مِّنَّا ۝ قَالَ اِنَّمَا اُوْتِيْتُ عَلَيْهِ  
آدمی را نمی توان باز چون بدیم او را سخن از طاعت خود گوید جز این نیست که داده شده مرا این نعمت را باز بگویم که هر گاه  
الانسان را نمی توان باز چون بدیم او را سخن از طاعت خود گوید جز این نیست که داده شده مرا این نعمت را باز بگویم که هر گاه



بَلْ هِيَ فِتْنَةٌ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ<sup>٥٦</sup> قَدْ قَالُوا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ

مجلس ششم) بلکه از اعطای این نوبت از اینجی امت و لیکن انکار ایشان نمیدانند بر سر آئینه گفتند این کلام از آنکو پیش از اینست بودند

فَمَا عَنْهُمْ قَاتِلُوا إِكْشِبُونَ ٩ فَاصْبِرْ لَهُمْ سِنَيَاتٍ مَا كُتِبَ لَهُمُ

پس رسید بدین ان عقوبات ایی کردند و

الدين ظلموا من هؤلاء عبيدكم سيئات فكتبوا وما هم بمجرمين

آنکه ستم کرده ازین گروه مشرکان خواهد رسید بالرحمان عقوبت بدیهی آن اعمالی که کرده اند نصیحتن الشان عاجز کننده

وَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّسْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّ فِي ذَلِكَ

آیا غفلت کردند و انداختند که الله فراخ می کند رزق را برای هر که خواهد و حکمی که او انداخته برای هر که خواهد، هر آنکه در این

لَا يَتْلُوهُ إِلَّا قَوْمٌ مُّؤْمِنُونَ ﴿١١﴾ قُلْ يٰعِبَادِىَ الَّذِينَ اسْرِفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ

دلائل امت برای قری که ایمانی آرند بخوانند (ای بنده گان من) تا آنکه زیادتى گردند بر نفس بائس خود

لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ

نامید مشوید از مهر باقی الله تحقیق اللهی امروز گنایان را همه لبر آینه لادست امروز کار

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدانا لهذا وَكُنَّا لَهُ كَافِرِينَ ۖ

مهریان که در جوار غنای خود و رفاه و فراوانی برداری گیر برای او پیش از آنکه بیاید شفا عذاب پس

لَا تَنْصُرُونَ ۝ وَاتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ ۚ قِيلَ إِنَّ

دو گروه نشوید و پیروی کنید بهترین سخن را از آنان شده بگوی شما از جانب پروردگار شما پیش از آنکه

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا هَذِهِ السُّبُلَ الَّتِي تَقُولُونَ نَحْنُ مُسْلِمُونَ ۖ إِنَّا طَرَفْنَا لَبِئْسَ الْأُمَّةَ ۚ وَأَن تَقُولُوا نَحْنُ مُسْلِمُونَ ۚ

عذاب ناکبران و مشرکان و منافقین در آتش است و عذاب مؤمنان و صالحان در جنت است

عَلَى مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ وَإِنْ كُنْتُ مِنَ السَّاجِدِينَ ۝ وَنَقُولُ لَهُ

و هر آینه من بودم از شیخ کهنه گان      و هر آینه من بودم از شیخ کهنه گان  
یا گوید اگر      یا گوید اگر

لِللّٰهِ هَذَا نَبِيٌّ لِّكُنْتُ مِنَ الْمُتَّقِينَ ۝ اَوْ تَقُولُ حِينَ تَرَى الْعَذَابَ لَوْ

شد چنانچه کردی مرا البتہ میگویم از ستمخان  
 که چنانچه می کردی مرا البتہ می گویم از ستمخان  
 یا گوید و قتیله ستمخیز کند عذاب را کاش  
 یا گوید و قتیله بپند عذاب را کاش

فَإِنْ لَمْ يَكُنْ مِنَ الْمُحْسِنِينَ ۖ يَلْعَبُ قَدْ جَاءَ نَكَاحُكَ إِلَيْنَا فَكَلِّبْ

از جوی باشد و اما تا به ششم از زینکو کاران (مقدار زیاد چلین نیست) بعد تحقیق آدمی مشورت و آیات من پس دروغ درستی آنرا

وَأَسْتَكْبَرْتَ وَكَنتَ مِنَ الْكَافِرِينَ ۝ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذِبُكَ أَكْبَرُ ۝

سحر کردی و شدی از کافران و روز قیامت  
 می بینی آنگاه راکه دور رخ  
 نوا می نمودی و بودی از کافران و روز قیامت  
 دور رخ

و در آن تو بیهوش گشته و حقایق بشنود - قیام مطلق مشیت است - اصحاب به محبت هر کلمات دیگر و نمود کرده اند که ارااده الهیه با کفر و شرک بدرود تو





فلان یعنی بخار و متصرف اوست  
والله اعلم - تفسیر عثمانی  
ع حضرت شاه  
مادیت میگوید که بار اول نفع خود را برای فزای عالم و بار دوم برای زنده شدن است. این نفع سوا بود از حشر برای بی پوش یافتن و نفع چهارم برای پوشیده کردن است. بود از آن تمام مخلوقات مفسود خداوند پیش میفرستد یا کسی غیر و خلق هلاک کردند اکثر طایفه نفع صورت فقط دو بار بلی از آن در مرتبه اول پیش براس مردان زایل میشود پس ندانای میرسد که اینک مرده بود و در مردان آنها کیفیت پیوستگی طای می شود و بعد نفع دوم و مدیده میفرستد بزرگان آن مردان مردگان بسوی ابدان بر می گردد و بی پیش شدگان با نماندنی آیند و در آن وقت منتظر عجیب غریب حیرت آورده شود ای نگردد پس از آن کمال عرش بخور خداوند تقدیر حاضر کرده میفرستد (تنبیه) از - الامن شاه الله بعضی برچسب میکانیل اسرافیل و ملک الموت را مراد گرفته اند بعضی بهر آن آینه را حله الحرف را نامیزش شال کرده اند نزد بعضی انبیاء شهید امر اند و الله اعلم بهر حال این سست شده و وقت آن لغوی باشد بعد از آن ممکن است بر آنها هم فساد شود. لمن الملك الیوم یعنی اهل انبیا و اهل انبیا و اهل انبیا

عَلَىٰ اللَّهِ وَجُوهُهُمْ مُّسْوَدَّةٌ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ ۝  
بر خدا روئے ایشان سیاه شده است آیا نیست در دوزخ جای متکبران  
يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰتَقُوا بِالْحَمْلِ لَا تَسْهَمُوا السُّوءَ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ۝  
ای کسانی که با حمل (از جهم) آتان را که بر نیز کردند بهرگاه میایی ایشان ترسد بایشان بدی و ایشان اندرین بشوند  
اللّٰهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ ۝ لَهُ مَقَالِيدُ السَّمٰوٰتِ  
خدا آفریننده هر چیز است و او بر هر چیز متصرف است مراد است کلیدهای آسمانها  
وَالَّذِيْنَ كَفَرُوْا يٰۤاَيُّهَا اللّٰهُ اُولٰٓئِكَ هُمُ الْخٰسِرُوْنَ ۝ قُلْ  
و زمین و آسمان کافر شدند به شما اینهاست خدا این جماع ایشانند زبانی کاران  
اَفَغَيَّرَ اللّٰهُ تَاْمُرُوْا فِيْ اَعْمَدٍ اِیَّهَا الْجَاهِلُوْنَ ۝ وَلَقَدْ اَوْحٰى اِلَيْكَ و  
آیای فرستاد من که بر ستمش کنم غیر خدا را اے نادان و هر آینه دینی فرستاده شد یا محمد بسوی تو  
اِلَى الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِكَ لَیْنِ اَشْرَكَتْ لِيَحْبِطَنَّ عَمَلُكَ وَلِتَكُوْنَنَّ مِنَ  
بسوی آتاکه پیش از تو بودند اگر شرک خدا مقرر می باشد تا بود کرد عمل تو و البته شوی از بسوی آتاکه پیش از تو بودند قسم است که اگر شرک آوردی البته تباه شود عمل تو (و هر آینه) شوی از  
اَلْخٰسِرِيْنَ ۝ بَلِ اللّٰهُ فَاعْبُدْ وَكُنْ مِنَ الشَّاكِرِيْنَ ۝ وَمَا قَدَرُوا اللّٰهَ  
نه یان کاران بلکه خدا را فقط عبادت کن و بگو از پاسداران و نه شستن خدند خدا را  
حَقَّ قَدْرُهُ ۝ وَالْاَرْضُ جَمِیْعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَالسَّمٰوٰتُ مَطْوٰیٰتٌ  
حق شناسان او در زمین هر یک مشت او است در روز قیامت و آسمانها بیجا شده بسته باشند  
يَوْمَ يَمِيْنُهُ سَبْعِيْنَةُ وَاَلْعَلَّ عَمَّا يَشْرِكُوْنَ ۝ وَنُفِخَ فِی الصُّوْرِ فَصَعِقَ  
در دست راست او پایی او است در بر سرست از آنکه شرک او مقرر می کنند و مدیده شود در صورت پس میبرد  
مِّنْ فِی السَّمٰوٰتِ وَمَنْ فِی الْاَرْضِ اِلَّا مَنْ شَاءَ اللّٰهُ طَلْعَ نُّفُخَ  
هر که در آسمانها و هر که در زمین است هر که در آسمانها و هر که در زمین است باز و مدیده شود  
فِیْهِ اٰخَرٰی فَاِذَا هُمْ قِيٰمٌ يَّظُنُّوْنَ ۝ وَاَشْرَقَتِ الْاَرْضُ بِنُوْرِ رَبِّهَا  
در صورت بار دیگر پس ناچار ایشان را از تابانگاه شدند سبب خود و روشن شود زمین نور پروردگار خود  
وَوَضِعَ الْكِتٰبَ وَجَاۤئِیْ بِالنَّبِیِّیْنَ وَاللّٰهُ عَلٰمٌ وَقَضٰی بَيْنَهُم بِالْحَقِّ  
و نهادن شود کتاب اعمال و آورده شود پیغمبران و گواهیان را و حکم کرده شود میان آدمیان براسی  
وَهُمْ لَا يَظُنُّوْنَ ۝ وَوَقِیْتُ كُلَّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ وَهُوَ اَعْلَمُ بِمَا يَفْعَلُوْنَ  
ایشان ستم کرده نشوند و تمام داده شود هر شخصی را جزای آنچه کرده است خدا دانای ترست یا بخند کند  
و ایشان تمام کرده نشود و تمام داده شود هر شخصی را جزای آنچه کرده است خدا دانای ترست یا بخند کند

نزد بعضی انبیاء شهید امر اند و الله اعلم بهر حال این سست شده و وقت آن لغوی باشد بعد از آن ممکن است بر آنها هم فساد شود. لمن الملك الیوم یعنی اهل انبیا و اهل انبیا و اهل انبیا



ملکوت اختتام

تفسیر عثمانی

حضرت شاه

صاحب (رحمته الهی)

نویس برای آنها

حکم برای آنکه بچند

مکتوبات کنند لیکن

کس آن جای را

طلبه که برای وی

آزاده شده است

و نزد بعضی مراد این

است که در جنت برین

سیر و ملاقات هم

رفت و آمد نیست

عنه تنگنایک حق

برای حساب نزد

احلال میفرماید

بدو عرش صف زده

مردود شمع و تمیذ

چهار و گار خودی باشد

ذات علم الحامین

بندهاں کمال محبت

و العاف قضاوت

ی نماید در اثر آن

بر طرف بخش و بخش

تمام فرمود الحمد لله رب

العالمین و ملکی کرد

بخش اینک دکل ستایش

و خوبی خدای را سرود

که پروردگار تمام عالمها

۸ که کار جهانی را باین

۵ خوبی و عدالت فیض

نمود باین نور و شمع

۵ بهار خرم میشود عوالم

مفسرین این آیت

را بهین اسلوب بیان

کرده اند لیکن حضرت

شاه صاحب حرر الله

این آیت را به حالت

حافظه عمل کرده و

ضمیمه قضی بنهم را

بوی ملایم را مع

نموده است چنانچه

مطلب

فیصل بین فرشتگان

وَسِيقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُمَرًا ۚ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُمْ فَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا

در دل کرده خود کافران را بسوی دوزخ کرده کرده تا و قیامت نزدیک دوزخ و او کرده شود دروازه های آن

وَقَالَ لَهُمْ خُذْنَهَا الُمَيَاتُكُمْ رَسُولٌ مِّنكُمْ يَتْلُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِ رَبِّكُمْ

و گویند ای ایشان را نگهبانان دوزخ آیت نامه بودند بشما میفرمایند از جنس شما میخوانند بر شما آیات پروردگار شما را

وَيَبْدُونَ لَكُمْ آيَاتِهِمْ يَوْمَ قِيَامِ ۚ وَذَلِكَ لِمُنَاسِقَةٍ ۚ

و بیزرسانند بر شما از ملاقات این روز شما گفتند آری و لیکن محقق شد حکم

وَيَبْدُونَ لَكُمْ آيَاتِهِمْ يَوْمَ قِيَامِ ۚ وَذَلِكَ لِمُنَاسِقَةٍ ۚ

و بیزرسانند بر شما از ملاقات این روز شما گویند آری و لیکن محقق شد حکم

وَيَبْدُونَ لَكُمْ آيَاتِهِمْ يَوْمَ قِيَامِ ۚ وَذَلِكَ لِمُنَاسِقَةٍ ۚ

و بیزرسانند بر شما از ملاقات این روز شما گویند آری و لیکن محقق شد حکم

وَيَبْدُونَ لَكُمْ آيَاتِهِمْ يَوْمَ قِيَامِ ۚ وَذَلِكَ لِمُنَاسِقَةٍ ۚ

و بیزرسانند بر شما از ملاقات این روز شما گویند آری و لیکن محقق شد حکم

وَيَبْدُونَ لَكُمْ آيَاتِهِمْ يَوْمَ قِيَامِ ۚ وَذَلِكَ لِمُنَاسِقَةٍ ۚ

و بیزرسانند بر شما از ملاقات این روز شما گویند آری و لیکن محقق شد حکم

وَيَبْدُونَ لَكُمْ آيَاتِهِمْ يَوْمَ قِيَامِ ۚ وَذَلِكَ لِمُنَاسِقَةٍ ۚ

و بیزرسانند بر شما از ملاقات این روز شما گویند آری و لیکن محقق شد حکم

وَيَبْدُونَ لَكُمْ آيَاتِهِمْ يَوْمَ قِيَامِ ۚ وَذَلِكَ لِمُنَاسِقَةٍ ۚ

و بیزرسانند بر شما از ملاقات این روز شما گویند آری و لیکن محقق شد حکم

وَيَبْدُونَ لَكُمْ آيَاتِهِمْ يَوْمَ قِيَامِ ۚ وَذَلِكَ لِمُنَاسِقَةٍ ۚ

و بیزرسانند بر شما از ملاقات این روز شما گویند آری و لیکن محقق شد حکم

وَيَبْدُونَ لَكُمْ آيَاتِهِمْ يَوْمَ قِيَامِ ۚ وَذَلِكَ لِمُنَاسِقَةٍ ۚ

و بیزرسانند بر شما از ملاقات این روز شما گویند آری و لیکن محقق شد حکم

وَيَبْدُونَ لَكُمْ آيَاتِهِمْ يَوْمَ قِيَامِ ۚ وَذَلِكَ لِمُنَاسِقَةٍ ۚ

و بیزرسانند بر شما از ملاقات این روز شما گویند آری و لیکن محقق شد حکم

وَيَبْدُونَ لَكُمْ آيَاتِهِمْ يَوْمَ قِيَامِ ۚ وَذَلِكَ لِمُنَاسِقَةٍ ۚ

و بیزرسانند بر شما از ملاقات این روز شما گویند آری و لیکن محقق شد حکم

وَيَبْدُونَ لَكُمْ آيَاتِهِمْ يَوْمَ قِيَامِ ۚ وَذَلِكَ لِمُنَاسِقَةٍ ۚ

و بیزرسانند بر شما از ملاقات این روز شما گویند آری و لیکن محقق شد حکم

وَيَبْدُونَ لَكُمْ آيَاتِهِمْ يَوْمَ قِيَامِ ۚ وَذَلِكَ لِمُنَاسِقَةٍ ۚ

و بیزرسانند بر شما از ملاقات این روز شما گویند آری و لیکن محقق شد حکم

وَيَبْدُونَ لَكُمْ آيَاتِهِمْ يَوْمَ قِيَامِ ۚ وَذَلِكَ لِمُنَاسِقَةٍ ۚ



تفسیر عثمانی  
علاء الدین محمد بن عثمان

اعمال خود بر پشت برادر  
چنانکه درین موقع ہم  
ز قید و من صلح  
ظاہر است و بعد از آن  
و صلح خودش زن و  
بچه دلدرد پدر را رنجی  
نہد لیکن گفت ہائے  
کوانین طور ہم است کہ  
بسیبیک لظہر ہم چہ زن  
و غرض نسبت بہ اعمال  
انہما بہ تہدیل تری  
برسانی۔ کتابال اللہ  
الحالی۔ والذین امنوا  
اتبعتم و شہدنا علیہم

[illegible]

شاه صاحب  
 درویش شد  
 اهل خاک بودید و  
 انقباض پس مرده بودید  
 پس روح دیده  
 شده دانه گردید  
 از مرده بود از این نظر  
 زنده کرده شده بر  
 نیکوتر شد بدایت  
 و موت و دو حیات  
 علی الله تعالی که

النَّصِيرُ ٣ مَا يُجَادِلُ فِي آيَاتِ اللَّهِ الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَا يَغْزِبُهُ رُكْ

کافران پس طرد	نند ترا	ملا بره نمی کنند در آیت های	هدا میگو	کافران پس طرد	نند ترا
کافران پس فریب	ند ترا	مجادله نمی کنند در سخنان	اللهم	کافران پس فریب	ند ترا

تَقْلَهُمْ فِي السَّالِكِ كَذَبْتَ قُلُوبَهُمْ وَمَرُوحَ وَالْأَنْفِ مِنْ

امور وقت ایشان در شهرها دروغ و استهغه پیش ایشان قوم لوح و جماعت گاهی دیگر  
 امور وقت ایشان در شهرها ناز و برکت و مسکن از ایشان قوم لوح و جماعت گاهی دیگر

334

بعد از قتل کورج و قتل کرد هر جماعتی به پشیمان خود تاب بکنند آخرا و مبارزه کردند به سببهاست بهبودی

عبدالرحمن بن محمد بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبدمناف بن قصى بن كلاب بن مره بن كنانة بن خزيمة بن مدركة بن إلياس بن مضر بن نضلة بن معد بن عدنان

فانا چیز سازند باں سخی در ست را پس کریم ایشان را پس محمود بود مقربیت من و نه چندی گماشت شد

انا ز یاد آرند به کسی حق را پس گرفتار کردم ایشان را پس چگونه بود عفویت من

كَلِمَةً رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ يُقْرَأُ لَهُمْ فِيهَا وَالْغُلَامَ الْمُحْتَمِلَ وَالْغُلَامَ الْمُرْتَدَّ وَالْغُلَامَ الْمُرْتَدَّ وَالْغُلَامَ الْمُرْتَدَّ

بر ۷ خان به این که ایشان اهل دوزخ اند

العرش ومن حولك يسبحون بحمدي ويؤيدون به ويستغفرون

عزیز را و آنکه کرد از عرض اندام شیخ حاج گویند هم راستا بعل پیر و کمر و عین و ایمان دارند با دو آرزوش می خوانند  
عزیز را و آنکه کرد از عرض اندام شیخ حاج گویند با همه پروردگار خود و ایمان دارند با دو آرزوش می خوانند

لِلَّذِينَ آمَنُوا وَسِعْتَ إِلَهُكَ أَعْيُنُهُمْ إِلَىٰ أَعْمَالِهِمْ وَأَعْلَمُ بِمَا فِي صُدُورِهِمْ وَأَعْلَمُ بِمَا يَحْكُمُونَ

ایرانیوں نے اسے پھانسی دے دی۔

وَقَهُمْ عَذَابَ الْحَرِيمِ ﴿٤٠﴾ إِنَّمَا لَكُمْ فِي الْحَرْبِ

توبہ کرو نہ بددیواری راہ کو بخود توبہ و انکار ایشان را از عذاب و دوزخ اسے پروردگار داد و اگر ایشان را بہ نیکوستان بھیجے

[illegible]

بیشتر مانند کرده و در ایران و در آفرینش هر که شایسته کار باشد از پدران ایشان و فرزندان ایشان

کامت کرده و عدله بایشان و نیز هر کس که بایست از پدران ایشان و زمان ایشان و فرزندان ایشان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿٥٨﴾ وَفِي الْمَدِينَةِ مَنَافِقُ يُؤْخِذُونَ الْغَافِلِينَ ۖ

هر آینه کوی غالب با حکمت و مدارا ساز از دیدها و دهر کراو نگاه داری از دیدها و دهر این روز

فقد ربحته موزيك هو الفوز العظيم (٥) ان الذي بنى نفرو اينادون

محققان هم گوی بروی و همین است کامیابی بزرگ (سهر آینه) آنانکه کافر شدند اندام خود که

لَمَقَاتِ اللَّهِ أَكْبَرُ مِنْ مَقَاتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ أَذْذُونَ إِلَى الْإِيمَانِ

میں نے اس کو دیکھا تھا کہ وہ ایک عورت کی طرح نظر آتا ہے۔  
وہ ایک عورت کی طرح نظر آتا ہے۔

فَتَكْفُرُونَ ① قَالُوا إِنَّمَا أَهْمُنَا لَفَنَاتُنَا فَنُحْمَى وَأَوْ لَا بَأْسَ بَالِ الْآخِرِينَ ②

پس کافر می اندید زیاد تر مست از دشتین شما خود را می گویند آنست که در دهر و مراجه ای ادویه را زنده گردانیدی مار ادویه

و ما تمشي و كذا في قوله تعالى و ما تمشي



يَذُنُّ لَكُمْ يَوْمَئِذٍ الْخُرُوجَ مِنْ سَبِيلٍ ۝ ذَلِكُمْ يَأْتِيَنَّكُمْ أَذًى مِنْ رَبِّكُمْ

بنا بآن خود پس آید بوسیله بیرون رفتن از راهی که میسر است و این عذاب لیبب است چون یاد کرده است خدا

وَحَدَّاهُ كَفَرْتُمْ وَأَنْ تَشْرِكُوا بِهِ ۝ وَمِنْ أَوْفَاقِهِمْ كُفْرٌ كَبِيرٌ ۝

وحداه کفر می کردید و اگر مشرک بودید با او مقرر کرده میشد با در می داشتند پس فرمان خدا راست بلند قدر بزرگواری

هُوَ الَّذِي يُرِيكُمْ آيَاتِهِ وَيُنَزِّلُ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ رِزْقًا فَلا تَمِيتُوا كُرْ

اوست آن که یتباید بشارت ایشان بآی خود و فرو می فرستد بر آسمان رزق را و میند بزرگی شود

الْأَنْفُسَ الَّتِي تُبْذِرُ ۝ فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ ۝ وَلَوْ كَرِهَ

کفر آن که یتباید بشارت ایشان بآی خود و فرو می فرستد بر آسمان رزق را و میند بزرگی شود

الْكَافِرُونَ ۝ رَفِيعَ الدَّرَجَاتِ ذُو الْعَرْشِ يُلْقِي الرُّوحَ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى

کافران است بلند کننده مرتبه با خداوند عرش

مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ لِيُنْزِلَ رُوحَهُ الْخَالِقِ ۝ يَوْمَ هُمْ بَارِزُونَ ۝

بر که خواهد از بندگان خود تا برساند آن روزه را از روز طاعات

لَا يَخْفَى عَلَى اللَّهِ مِنْهُمْ شَيْءٌ ۝ لِمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ ۝

پوشیده بر خداوند از ایشان چیزی نیست خدا فرماید که راست بادشاهی امروز باز خود جواب و پدر خداوند است

الْيَوْمَ جَزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ نِعْمَتَهَا كَسَبَتْ ۝ لَظَلِمَ الْيَوْمَ أَنْ يَسْئِرَ الْحِسَابُ ۝

روز جزا دادش داده شود هر نفس را بحسب آنچه کرده است

وَأَنْذَرُكُمْ يَوْمَ الْإِزْفَةِ إِذِ الْقُلُوبُ لَدَى الْحَنَاجِرِ كَظِيمٍ ۝

و انذار ایشان را از روز قیامت

لِالْظَّالِمِينَ مِنْ جَمِيعٍ وَلَا تَشْفِعُ بَطْءٌ ۝ يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي

بر سران ایشان را از روز زود آمدن

الصُّدُورِ ۝ وَاللَّهُ يَقْضِي بِالْحَقِّ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ

سینا خدا حکم می کند بر راستی و آنان که از ایشان می پرستند

و لا یمن با خداوند

و لا یمن با خداوند

تفسیر عثمانی

عنه التورن صورت

تدار که پس بدینا

فرستاده شود حالاً

در اثر اعمال گذشته

خود خدا چهار مجازات

می گردید این فیصله

بلاست ابدی و حق

شما از سببی شده است

که شما در مقابل این

دعوت که حق قیامت

ذات یگانگی است

گاهی گوش ننهادید

دائماً از ذات او و یا

و حدایتش انکار کردید

بلی اگر کسی شمارا بگوید

خدا ی باطل دعوت

میداد فوراً آنرا ملامت

گفته پیروی می نموده

ازین دافعه سرشت

و طبیعت شما بجنبه

اندازه میشود که اگر بزرگ

بار هم بدینار رجعت

داده شود پس کفر

و مشرک را کتب

کرده پس می آید بنا

بر این امروز مجازات

بجای جرم شما پس

دوام است که از محک

عدالت عالی آن خدا

گیر صادر شده است

و در این جای مرا فخر

آن امکان ندارد

آرزوی تحقیر ازین

بلی عبت است

عنه بلندگان باید

از فهم و دانش کار

اگر بزرگ و فقط بسوی

خدا و احدی رجوع

کرده او را بگویند

بندگی وی کسی را شریک

نمی دانند و بی شک

کافران و مشرکان

ازین عمل و روش

بهر حال



فل یعنی محله را بگوید  
 بسیار بنا کردند  
 تفسیر عثمان  
 مع چون کسی آمان  
 را از عذاب دنیا نجات  
 داده نتوانست از عذاب  
 آخرت چنان رستگاری  
 خواهد داد **ع** حضرت  
 شاه صاحب رعد الهی  
 میگوید به فرعون گفت  
 بود که مرا بگذارد شاید  
 از کین سلطنت او  
 مشوره قتل را نپذیرد  
 زیرا از شایسته سبوت  
 ترسیده بود و نیکباده  
 رب داد انتقام بگیرد  
 مزید بر آن خود فرعون هم  
 بدل ترسان در عوب  
 شده بود لیکن فرعون  
 اینکه مردم قوت و  
 شجاعت خود را اظهار  
 کند از انتهای شقاوت  
 و بی حیالی خود این  
 چنان ملامت زد تا مردم  
 بداند که هیچ خوف  
 و هراس در او از اعدا  
 حکم قتل نیست  
 و اراده او را هیچ تو  
 بازداشت نمی تواند  
 مع چون موسی  
 علیه السلام از مشوره  
 بای آنها آید  
 یافت به قوم  
 خود فرمود که من  
 این تهدیدات را  
 قطعاً خیال نمی آورم  
 یک شخص فرعون چیست  
 اگر متکبر بن جبارین  
 تمام دنیا یک جامع  
 شود باز هم پروردگار  
 من دشمنای کانی است  
 که از شر آنها نجات  
 دهن من خود را فقط به  
 پناه او سپرده ام همان  
 ذات تعالی حامی و  
 مددگار من است

هَمْ أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَأَنَا فِي الْأَرْضِ فَآخِذٌ هُمْ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ  
 زنده تر از ایشان بکوت و بهشت آنها در زمین است پس گرفتار کرد ایشان را خدا بگناهان ایشان  
 ایشان سخت تر از ایشان از روی قوت و لشکرهای باور زمین پس گرفت ایشان را الله بسبب گناهان ایشان  
 وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَاَقٍ ۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانَتْ تَأْتِيهِمْ رُسُلُهُمْ  
 و نبود ایشان را از خدا هیچ پناه دهنده این عقوبت بسبب آن بود که آمدند بایشان پیغامبران ایشان  
 و نیست ایشان را از (عذاب) الله هیچ منع کننده عذاب این گرفت بسبب آن است که می آمدند بایشان پیغامبران آنان  
 بِالْبَيِّنَاتِ فَكَفَرُوا فَآخِذٌ هُمْ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ قَوِيٌّ شَدِيدٌ الْعِقَابِ ۝  
 به نشانههای پس ایشان را گرفتار کرد ایشان را خدا بگناهان ایشان به تحقیق الله قوی سخت عقوبت است  
 وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا وَسُلْطٰنٍ مُّبِينٍ ۝  
 و هر آینه فرستادیم موسی را به نشانههای خود و بخت ظاهر (قسم است) به تحقیق فرستادیم موسی را بایشان بای خویشتن و محبت ظاهر  
 هَامِّنٍ وَقَارُونَ فَقَالُوا سِحْرٌ كَذَّابٌ ۝  
 هامن و قارون پس گفتند جادوگری درو غلو نیست پس چون آمد بدیشان به پیغام راست از  
 هامن و قارون پس گفتند جادوگری درو غلو نیست پس چون آورد بایشان حق را از  
 عِنْدِنَا قَالُوا اقْتُلُوا أَبْنَاءَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ وَاسْتَحْيُوا نِسَاءَهُمْ  
 نزد ما گفتند بکشید فرزندان آنانکه ایمان آوردند همراه او و زننده بگذارید دختران ایشان را  
 زنده گفتند بکشید پس آن آنانی را که ایمان آوردند همراه او و زننده بگذارید زنان (دختران) ایشان را  
 وَمَا كَيْدُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ ۝  
 و نیست کید سازای کافران مگر در تباهی و گفت فرعون ای پادشاه بگذارید مرا تا بکشم  
 و نیست کید سازای کافران مگر در تباهی و گفت فرعون بگذارید مرا تا بکشم  
 مُوسَىٰ وَلَيْدٌ عَرَبِيٌّ أَخَافُ أَنْ يُبَدِّلَ دِينَكُمْ أَوْ أَنْ يُظْهِرَ  
 موسی را و باید که عا کند بجناب پروردگار خویش هر آینه من میترسم از آن که بدین دین شمارا یا بدیده آرد  
 موسی را و باید که بخواند پروردگار خود را (با عا خود) عا (که من) میترسم از آنکه بدین دین شمارا یا ظاهر سازد  
 فِي الْأَرْضِ فَسَادٌ ۝ وَقَالَ مُوسَىٰ إِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ  
 در زمین فساد را و گفت موسی هر آینه من پناه گرفته ام به پروردگار خود و پروردگار شما  
 در زمین فساد را و گفت موسی (هر آینه) من پناه بردم به پروردگار خود و پروردگار شما  
 مِنْ كُلِّ مَثَكٍ كَبِيرٍ ۝ يَوْمَ الْحِسَابِ ۝ وَقَالَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ  
 از هر مَثکی که بزرگ است که باور نمیدارد روز حساب را و گفت مردی مؤمن  
 از هر مَثکی که بزرگ است که باور نمیدارد روز حساب را و گفت مرد مؤمن  
 مِّنَ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ أَتَقْتُلُونَ رَجُلًا أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ  
 از خویشان فرعون که پنهان میداشت ایمان خود را آیا می کشید مردی را بسبب آنکه می گوید پروردگار من  
 از اقارب فرعون که پنهان میداشت ایمان خود را آیا می کشید مردی را بسبب آنکه می گوید پروردگار من  
 اللَّهُ وَقَدْ جَاءَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ مِنْ رَبِّكُمْ وَأَنْ يَكُ كَاذِبًا فَعَلَيْهِ  
 خداست و هر آینه آمده است پیش شما نشانههای از جانب پروردگار شما و اگر بفرصت دروغ گو باشد پس و ببال  
 خداست حال آنکه به تحقیق آورده است بگناهانهای باور شما از پروردگار شما و اگر بایست دروغ گوئی پس بروی است  
 كَذِبُهُ وَأَنْ يَكُ صَادِقًا يُصِيبَكُمْ بَعْضُ الَّذِي يَعِدُكُمْ إِنَّ اللَّهَ  
 برادر است دروغ گو را و اگر راست گو باشد البتة برسد بشما بعضی از آنچه وعده می کند بر شما به تحقیق الله  
 برادر است دروغ گو را و اگر راست گو باشد بر شما بعضی از آنچه وعده می کند بر شما به تحقیق الله

لَا تَعْلَمُ الْقِيَامَةَ لَا تَعْلَمُ الْخَاتَمُ دَارِي (طه رکوع ۴) بنا بر آن چون حمایت و امداد و تعالی حاصل باشد از انسان ضرور و متکبر چه خوف خواهد بود ۱۲۰



لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ ۱ يَقَوْمُكُمْ الْمَلَائِكَةُ الْيَوْمَ

وهم تائبين من ذنوبهم ورايهم انهم قد كفروا ورايهم انهم قد كفروا ورايهم انهم قد كفروا

ظَاهِرِينَ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ يَنْصُرُنَا مِنَ بَاسِ اللَّهِ إِنْ جَاءَنَا

غالب شده در زمین پس کلفت و دمار از عذاب خدا اگر بیاید پس

قَالَ فِرْعَوْنُ مَا أُرِيكُمْ إِلَّا مَا أَرَىٰ وَمَا أَهْدِيكُمْ إِلَّا سَبِيلَ

لَفْت فرعون گفت من نمی بینم شما را چیزی جز آنچه من می بینم و شما را چیزی جز راه

الضَّلَالَةِ ۲ وَقَالَ الَّذِينَ آمَنُوا يَقَوْمِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ مِثْلَ

راستی و کلفت که ایمان آورده بود اے قوم من هر آنچه من می بینم بر شما از مانند

يَوْمِ الْأَحْزَابِ ۳ مِثْلَ دَابِ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ الَّذِينَ

روز جماعت با من است مانند صورت حال قوم نوح و عاد و ثمود و آنانکه

مِنْ بَعْدِهِمْ وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ ظَلَمًا لِلْعِبَادِ ۴ وَيَقَوْمِ إِنِّي أَخَافُ

بعد از ایشان بودند و خدا اراده نمی کند بر شما ظلم و اے قوم من هر آنچه من می بینم

عَلَيْكُمْ يَوْمَ التَّنَادِ ۵ يَوْمَ تَوَلَّوْنَ مُدْبِرِينَ مَا لَكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ

بر شما از روز آواز دادن باینکه یکدیگر را بگریزید و از موقف باز گشتن است شمارا از الله هیچ

عَاصِمٍ ۶ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ ۶ وَلَقَدْ جَاءَكُمْ يُوسُفُ

نگهبانان و هر گاه گمراه سازد خدا پس نیست او را هیچ راه نایافته و هر آنچه آمده بود پیش ازین بشما یوسف

مِنْ قَبْلِ الْيَاسَنِ فَتَبَيَّنَتْ فِي شَكِّكُمْ مَسَاجِدُكُمْ حَتَّىٰ إِذَا هَدَاكُمْ

پس بهیچ در شک بودید از آنچه آورده بود پیش شما آنرا تا وقتیکه گمراه

فَلَمَّا كُنْتُمْ تَبْتَغُونَ يَرْسَدُ إِلَيْكُمْ رَسُولُكُمْ كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ هُوَ

لقد فرستاد خدا بعد از آنکه شما را گمراه می کند خدا هر گاه است او

مُسْرِفٌ مُّرْتَابٌ ۷ الَّذِينَ يَجَادِلُونَ فِي آلِ اللَّهِ يَغْوِي سُلْطَنُ

از حد در گذراندن شک آورده آنانکه از مبارزه می کنند در آیات خدا بغیر کدام سندیک

أَتَاهُمْ طَعْنٌ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ الَّذِينَ آمَنُوا كَذَلِكَ يُطَبِّعُ اللَّهُ

آید باشد پیش ایشان سخت تا پسند شد این مبارزه ایشان نزد یک خدا نزدیک آنانکه ایمان آورند و چنین می بیند خدا

عَلَىٰ كُلِّ قَلْبٍ مُّتَكَبِّرٍ جَبَّارٌ ۸ وَقَالَ فِرْعَوْنُ إِنِّي لَأَمْلَأُ

و کلفت فرعون اے ایمان عمارت کن بر اے من که

عنه يوم مفسرين  
از يوم التناد روز  
نزدای کی بدگری روز  
قیامت را هر که میگرد  
و قیامت هر که میگرد  
جمع شدن و حساب  
دادن و درخت خزانده  
میشود و اهل جنت  
و اهل دوزخ و اهل  
اطراف یکدیگر را  
صدوخا میگرد کرد بالاخر  
نذاخواهد آمد و یا اهل  
الجنة خلواصوت  
و یا اهل النار خلواصوت  
موت و کما دردی اند  
لیکن حضرت شاه  
صاحب روح الله اله  
میوم التناد روزی را  
مرا در وقت است که در  
بر فرعون عذاب  
نازل شد چنانچه  
می گویند که روزی  
بر ایشان و در شد  
که در هر قلمم طرق  
گردیدند و هنگام فرق  
شدن تمام نفری یک  
و دیگر را صدای کردند  
تا بدین مردومون  
بدری کشف معلوم کرد  
باشند و یا ازین قیامت  
که بر قوم عذاب بین  
طرد دارد می شود  
انبار کردید که قفص  
تمام شد و از بغیر  
بود و اکنون بعد از  
او کدام پیغمبری آمدنی  
است و یا از ابتدا  
مسلسله رسالت بی  
انکار گردید لیکن حضرت  
شاه صاحب روح الله  
میگوید که اهل مصر  
در حیات حضرت یوسف  
به نبوت او قائل نشدند  
بعد از وفات وی چون  
سر رشته سلطنت مصر  
رویکرد الی مرثدا و اظهار  
نمودند که یوسف درین

و کلفت فرعون اے ایمان عمارت کن بر اے من که

و کلفت فرعون اے ایمان عمارت کن بر اے من که



لَعِبُوا بِالْأَسْبَاطِ ۖ أَسْبَابُ السَّمَوَاتِ وَطَلْعُ الْإِلَهِ مُوسَىٰ وَ

تو تابش که بر سم پایی راه باراه بائے آسمانیا  
تو تابش که بر سم پایی راه باراه بائے آسمانیا

اِنَّيْ لَا اُظْلِمُ كَاذِبًا وَكَذَلِكَ نُزِّلَ الْفُرْقَانُ سُوْرَةً عَمِلَ وَصُدَّ عَنْ

هر آینه من دره علوی پند اصل و هم چنین آراسته شد در نظر فرعون عمل بداد و باز داشته شد از  
(هر آینه من می پندارم موسی را در علوی و هم چنین) مثل زخمین این گفتار زبنت داده شد برای (طوق عمل بداد و باز آینه من)

السَّبِيلُ وَمَا كَيْدُ فَرْعَوْنَ وَالْآفِ تِيَابِ ۝ وَقَالَ الَّذِي آمَنَ يَوْمَ

راه هواپ و بنود چله سازی فرعون مگر در تپایی و گفت آنکه ایمان آورده بود اے قوم من  
راه راست و نیست مگر فرعون مگر در تپایی و گفت آنکه ایمان آورده بود ای قوم من

تَبْعُونَ أَهْدَاكُمْ سَبِيلَ الرَّشَادِ ۝ يَقَوْمِ إِنَّا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا

پیروی کچھ را تا بر ستم شمارا براہ صواب ای قوم من جز این نیست کہ این زندگانی دنیا

متاع زوان الخزة هي دار القرار ٢ من عمل سبعة فرائج

انک بهر (فانی شدنی) است و (بهر آئینه) سرای آخرت همچون است سرای جاویدین هر که کندیدی پس جز ازدادونی شود باد

الامثالها ومن عيى صالحا من ذرأى انسى و هو من

مرد باشد یا زن در حالی که مؤمن بود

فأولئك يدعون الجنة يرزقون فيها غير حساب (٣) ويقولون ربنا

کس آن کرده در آینه پرست در حالی که رزق داده میشد ایشانرا در آن بی شمار و ای قوم من چیست مرا

که می آید بخارا که بوی بخت و شادمانی در آید در آید دوزخ می آید در آید در آید که کافر شود

کردن می گفتم شمار ایسوی نبات و دود می کشند مرا ایسوی دوزخ بخورند مرا باقیه کار فرستوم

بجذا و شریک او مقرر کنم چیزی که نیست مرا بجهت آن علم و من میخواهم ستاره بسوی خدا غالب

بدرت و درین راه بر او نیست مراد (مجموعه) آن علم و دین و دنیا و آخرت و بیوی ذات غالب

آمرزگار به شیه چیز که ظاهر می باشد مرا بسوی آن نیت آنچه را بچو را بچو کردن دعا نه در دنیا

وَأَنفِ الْآخِرَةَ ۖ إِنَّ مَرْزُقَنَا مِنَ اللَّهِ وَآتِ الْمَسْمُومِينَ هُمْ أَصْحَابُ

و نه در آخرت و بی شک از گشت مایه است و نه شیه از حد گذشتن ایشان اند  
و نه در آخرت عده و (محقق است) که هر آنچه از گشت مایه است و نه شیه از حد گذشتن ایشان اند

النَّاسِ ٦ فَمَسَدُكُمْ وَمَا أَقُولُ لَكُمْ وَأَفُوضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ

دورخ	پس یاد طایفه مذکور	آپ کی گویم بہ شا	و می پرارم مقدمہ خود را	بخدا
دورخ	مہر پس بزدی یاد می کشد	آپ کی گویم بشما	و می سپارم کار خود را	بہ اللہ

إِنَّ اللَّهَ بِصِيِّرٍ بِالْعِبَادِ ④ فَوَقَّعَهُ اللَّهُ سَيِّئَاتٍ مَّا مَكُرُوا وَاحِقَ

هر آینه خدا بیناست با حوال بندگان پس نگاه داشت و از خدا از ستمی های بدستای ایشان در گرفت  
هر آینه الله بیناست به بندگان خود پس نگاه داشت و مصلحت را (یا مردوم را) الله از شدائد مگر آنها و بر علس نازل شد

ی با کشت هم به پهن خای واحد است ۴۰۰ در آنجا رسد هر کس تقوای عدوان و بیباکی خود را خواصید دید. اکنون خوب بندهش که چه زیاد در...



علیه مقصد این است  
 که بر لایق سر نیز از شما باد  
 آستان آن خدای واحد  
 غم نماند که هم نهایت زیر  
 دست است و هم آفرینش  
 خطای بی شرار باشد  
 (اگر عجز را مواخذ  
 نماید کسی اراد را بناید)  
 نتواند او گمافات  
 فراید کسی ادا ازین  
 کار باز داشته نتواند  
 بمان خات بر حق  
 آن است که انسان  
 از خوف و جفا بخشود  
 او سر عیوب و خود را  
 کند و بداند که من در  
 پناه همان خدا آمده ام  
 که بی او شمارا دعوت  
 میدادیم **ع** بجز خدا  
 و دیگری نیست که در  
 دنیا و آخرت ادنی  
 توفیق نفع و ضرر را  
 مالک باشد پس مردم  
 را به بندگی و غلامی  
 آن چیز حقیر  
 دعوت دادند  
 منهای جبل و  
 حاق است و من  
 اصل من یاروس  
 دون الله من لا یجیب  
 الی یوم القیمة و هم  
 دعا بم طالع و اذا  
 حشر الناس كانوا لهم  
 اعداء و كانوا لیهما  
 لا یمن و لا یتق  
 رکوع انسان  
 بجز دلیل و مشهود  
 را بسوی چنین چیزی  
 عاجز تا توان دعوت  
 بداد و طرف تر آنکه  
 درین این معبودان  
 به تحقیق است  
 است که خود را نبیند  
 بجز خود دعوت  
 نمیدهند بلکه دست  
 دعوت دادند و این  
 خداوند به باغ و این



بَلْ فِي سَعْتِنَ سَوَاءُ الْعَذَابِ ۝ الْكَافِرُونَ عَلَيْهِمْ عَذَابٌ ذُو قُنُوطٍ ۝

در وقت این آتش جافتر کرده میشود بر آتش نگاه و آن آتش است پیش کرده میشود بر آتش

عَشِيَاءَ يَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ ۝ اَدْخُلُوا الِذُرُوعُنَ اَشَدَّ الْعَذَابِ ۝

شام و روزی که قائم شود قیامت گویند در آتش خورشیدان در خون را در سخت ترین عذاب شام و در روزی که قائم شود قیامت از طرف خدا در آید در خون و در آن آتش عذاب

وَاذِيحَاجُونَ فِي الْبَارِ فَيَقُولُ الضَّعُفَةُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا ۝

و یادکن بخوان با هم مکاره می کنند در دوزخ پس گویند تاوان سرکشان را و یادکن ایوان با هم مجادله می کنند در آتش پس گویند تاوان (پیروان) بیکدیگر (رو سوار)

اَلَا كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۝ اَنْتُمْ مَغْنُومُونَ عَنَّا نَصِيْبًا مِّنَ النَّارِ ۝ قَالَ

بر آئینه ما تا نمی بودیم شمارا پس آیا شما دانستید که سهمی از سرایک حصه از عقوبت آتش گویند (بر آئینه) ما بودیم شمارا پیروان پس آیا شما دانستید که سهمی از جافتر را از آتش گویند

الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا ۝ اَلَا كُلُّ فِيهَا اِنَّ اللَّهَ قَدْ حَكَمَ بَيْنَ الْعِبَادِ ۝

سرکشان سر آئینه ما همه در آتشیم هر آئینه خدا مقدمه فیصل کرده است در میان بندگان سرکشان بر آئینه ما همه در آئیم هر آئینه الله بقیق فیصل کرده است میان بندگان

وَقَالَ الَّذِينَ فِي النَّارِ لِخَزَنَةِ جَهَنَّمَ ادْعُوا رَبَّكُمْ يُخَفِّفْ عَنَّا

و گویند آنانی که در آتش اند که شما بندگان دوزخ را دعا کنید بخواب پروردگار خود را تا سبک کند از ما و گویند آنانی که در آتش اند برای (فرشتگان) متفقان دوزخ بخوابید از پروردگار خود تا تخفیف کند از ما

يَوْمًا مِّنَ الْعَذَابِ ۝ قَالُوا اَوَّلَ مَا تَدْعُوْنَا بِهٖ نَدْعُوْكُمْ رُسُلَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا

همه یک روزه از عذاب گویند که شما بندگان آیدند بشما پیران شما با همه ما گویند آری روزی اندک از عذاب گویند (مغلمان دوزخ) آیا اوقات دعا را اصرار می کنید تا بندگان آیدند بشما پیران شما با همه ما گویند آری

بَلَىٰ قَالُوا اَفَادْعَاوُا وَاَدْعُوا الْكَافِرِينَ اِلَّا فِي ضَلٰلٍ ۝ اِنَّا لَنَنصُرُ

بندگان گویند پس شما دعا کنید و نیست دعا می کاخزان مگر در ضلالتی بر آئینه ما قدرت داریم گویند (مغلمان پس خودتان) بخوابید (از طرف خدا فرموده میشود) و نیست خواست کاخزان مگر در ضلالتی (بر آئینه) ما دعوی کنیم

رُسُلَنَا وَالَّذِينَ اٰمَنُوْا فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الشَّهَادُ ۝

پیامبران خود و مؤمنان را و آنان را که ایمان آوردند در زندگی دنیا و روزی که قائم شوند کواچان و پیروان خود و مؤمنان را در زندگی دنیا و روزی که قائم میشوند کواچان

يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِيْنَ مَعٰذِرُهُمْ وَلَهُمُ الْعَذَابُ ۝ وَلَهُمُ السَّوْءُ الدَّارُ ۝

روزی که سود ندارد معذرت آنان در روزی که قائم شود عذاب و برای آنان است سرای بد روزی که لغت ندارد معذرت آنان در روزی که قائم شود عذاب و برای آنان است سرای بد

وَلَقَدْ اَتَيْنَا مُوسٰى الْهُدٰى وَاَوْثَقْنٰ بِرَبِّهِ الْاِسْرَءِيْلَ الْكِتٰبَ ۝

و هر آئینه دادیم موسی را هدایت و وارث کتاب سلیم بنی اسرائیل را بر آستین راه نمودن و بقیق دادیم موسی را امور هدایت و میراث دادیم بنی اسرائیل را کتاب هدایت گفته

فَاذْكُرْ اِلٰى اَوَّلٰى الْاَلْبَابِ ۝ فَاصْبِرْ اِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ ۝ اَسْتَغْفِرُ

و یادداون خداوند آن خردا پس صبر کن بر آئینه و عده خدا راست است و آمرزش طلب کن و بیدار بماند برای خداوندان عقول پس صبر کن (ایمانی ای قهار) بقیق و عده الله راست است و آمرزش بخواب برای آنانی که نسبت بیشان تو

لَذٰلِكَ وَاَسْمٰى بِحَمْدِ رَبِّكَ الْعَشِيِّ وَالْاَبْكَارِ ۝ اِنَّ الَّذِيْنَ

بر آستین گفته خداوند شایسته را با ستایش پروردگار خود شام و نگاه بر آئینه آنانی که در روزی که قائم شود عذاب و برای آنان است سرای بد روزی که لغت ندارد معذرت آنان در روزی که قائم شود عذاب و برای آنان است سرای بد

اَسْتَغْفِرُكَ وَاَسْمٰى بِحَمْدِ رَبِّكَ الْعَشِيِّ وَالْاَبْكَارِ ۝ اِنَّ الَّذِيْنَ

آید شایسته و تو بایان الله بر مؤمنان علیها عذاب و عیشاه و الفاظ حدیث در باب روز قیامت و عرض علیه مقدمه با القاد و العشی بی بین باشد و الله تعالی اعلم ۱۱

فل یغفر لکم  
گویای و سپند ۱۱  
تفسیر عثمانی  
سه ممکن آنکن که  
در روز قیامت در روز  
قیامت در این حدیث  
میشود بهر چه و شام  
پیش آن که این حدیث  
میشود تا بعد از آن یک  
مزه یعنی آن عذاب  
آینده را چشیده  
بروید تا این بود حال حال  
بروز از احادیث  
ثابت است که باین  
صورت هر روز بهر چه  
جای نشینش در روز  
در این حدیث قرارگاه  
جنت بهر چه و شام  
داده میشود (تفسیر)  
از این آیه فقط تفسیر  
فرموده اند در این حدیث  
ثابت شده بود  
از این حدیث تفسیر  
الذی علیه السلام میفرماید  
که هیچ کس را بیک گناه  
نمی بینیم هم در روز  
مذهب میشوند از احادیث  
الذی علیه السلام میفرماید  
حدیث الصبیح و یحضر  
آوردیم برای آنکه باین حدیث  
از جمله جنتیان آوردیم  
شهادت در حواله  
پیران باین حدیث  
شده است و رحمت می  
کنند از جمله دوزخیان  
آوردیم از جمله دوزخیان  
در حواله میفرماید  
سیاه داخل نموده  
بر ریح و شام بسوی  
دوزخ میفرستند  
و البته اقامت از دوزخ  
با اجساد آنها در  
جنت دایم دوزخ در  
آخرت میباشند اگر  
این حدیث باشد شاید  
آیات بین کلمات



فل یمنی اعداءه ویشا  
تفسیر عثمانی  
عنه کسانیکه دلائل  
توحید و کتب مساویه  
و معجزات و هدایات  
پیغمبران او خواخواه  
مجادد و کائنات و از اهل  
مخزن فی سنده  
خاندان عدای غیر از خود  
نمایند حقیقه در دست  
آنها هیچ حجت دلیلی  
نیست و نه در حقیقت  
این چیزهای واضح  
و آشکار گنجایش شک  
و تردید باشد فقط  
تکبر مانع آنهاست  
که حق را تسلیم و به  
پیغمبری پیروی نمایند  
زیرا آنچه این نسبت  
به پیغمبر و قدر باشد  
و یا اظهارش او به غیر  
شدن مجبور نشوند  
لیکن بدانند که آنها  
باین مقصد خود  
گامی نخواهند  
رسید آنها مجبور  
میشوند که یا بطلان  
پیغمبر سرطاعت  
نمکنند و یا بجهنم  
با درجه ذلت و رسوا  
برسدند و حق است  
از بد بخواهند  
و عاقبتش توبه و توبه  
است این آیت  
مطهر شد که خدا بفرمود  
بندگان میرسد  
این سخن بدون شک  
و شدید صحیح است  
مگر مطلب این نیست  
که هر دعای هر بنده  
را قبول کند یعنی آنچه  
بخواهد یا بداند  
بلکه اجابت و جزای  
نوع است که در  
احادیث بیان شده  
اعطای چیزی بوقت  
بر مشیت او و تاملی حکمت است

يَجَادُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ إِنْ فِي صُدُورِهِمْ إِلَّا  
شکری کنند در آیت های خدا بیکسختی که آمده باشد بایشان نیست در سینه ایشان مگر  
بجادی کنند در آیت های خدا بدون هیچ که آمده باشد بایشان نیست در سینه ایشان مگر  
كِبْرًا هُمْ بِالْغَيْبِ فَاسْتَوْعِدْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ۶ خَلَقَ  
اراده غلبه کنند بایشان رسیده بآن پس پناه طلب کن از خدا هر آنچه خدا بخواست شنوا بینا  
هری که گاهی نیستند رسدگان به آن همه پس پناه ببر به الله از شکر آنها بجهنم الله دوست شنوا بینا  
السَّمُوتِ وَالْأَرْضِ أَكْبَرُ مِنْ خَلْقِ النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ  
آسمانها و زمین بزرگتر است از آفریدن آدمیان و لیکن اکثر مردمان  
آسمانها و زمین بزرگتر است از آفریدن آدمیان و لیکن اکثر مردمان  
لَا يَعْلَمُونَ ۷ وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ ۸ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا  
نمی دانند و برابر نیستند نابینا و بینا و برابر نیستند آتاکم ایمان آورده اند کارهای  
نیکه اند و برابر نیستند گور و دنیا (برابر نیستند) آتاکم ایمان آورده اند و کردند  
الصَّالِحَاتِ وَلَا الْمُسِيءَ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ ۹ إِنَّ السَّاعَةَ لَأْتِيَةٌ  
شایسته کرده اند بایده کار اند که پند پذیر می شوید هر آنچه قیامت آمدنی است  
و کارهای نیک و بد کار اند پسند می پذیرید قیامت آمدنی است  
لَا رَيْبَ فِيهَا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ ۱۰ وَقَالَ رَبُّكُمْ  
نیست شک در آن و لیکن اکثر مردمان باور نمی دارند و گفت پروردگار شما  
نیست شک در آن و لیکن اکثر مردمان باور نمی کنند و میفرماید پروردگار شما  
ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ  
دعایند بجناب من تا قبول کنم دعای شما را هر آنچه آتاکم بجزای کنند از عبادات من داخل خواهند شد  
سرا بخواهند قبول می کنم خواست شما را بجهنم آتاکم بجزای کنند از عبادات من بزرگی در آیند  
جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ ۱۱ اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ  
پروردگار خوار شده خداست که آفرید برائے شما شب را تا آرام گیرید  
در روزی که دلیل شدگان همه الله همان ذاتی است که آفرید برائے شما شب را تا آرام کنید در آن  
وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ  
در آن و آفرید روز را بجهنم که در آن دیدن بایده کار باشد هر آنچه خدا دادند فضل است بر مردمان و لیکن اکثر  
(در گردانیده) روز را طوری که در آن دیدن می شود (جهنم) الله خداوند فضل است بر مردمان و لیکن اکثر  
النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ ۱۲ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ مَلَا إِلَهَ  
مردمان شکر نمی کنند این است خدا پروردگار شما آفریننده هر چیز نیست هیچ معبودی  
مردمان شکر نمی کنند این است این است الله پروردگار شما آفریننده هر چیز نیست هیچ معبودی  
الْأَهْوَىٰ أَتَىٰ مُؤَمِّكُونَ ۱۳ كَذَلِكَ يُؤَفِّكُ الَّذِينَ كَانُوا يَلْبِسُ اللَّهُ  
بجزو پس از محال گردانیده میشود هم چنین بر گردانیده میشود آتاکم بایات خدا  
بر حق می گواهد پس بجا معرفت کرده میشود هم چنین معرفت کرده شده بودند آتاکم بایات خدا  
يُخَوِّدُونَ ۱۴ اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ قَرَارًا وَالسَّمَاءَ  
آسمانی کردند خداست که ساخت برای شما زمین را قرارگاه و آسمان را  
الطَّيِّبَاتِ وَذَلِكُمْ  
سایه و صورت است شما را پس بنویس ساخت صورت های شما و روزی داد شمار از چیزهای پاکیزه آن است  
سقف و صورت است شما را پس بنویس ساخت صورت های شما و روزی داد شمار از چیزهای پاکیزه آن است

بر مشیت او و تاملی حکمت است که تامل فی موضع آخره فیکشف اید عن الیه الشاء (الهم رکوع ۴) بهر حال کار بنده خواستن است و خدا خواستن یک عبادت بلند











مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٥﴾ فَلَمَّا جَاءَهُمْ رَسُولٌ بِأَمْرٍ بِالْبَيْتِ قَرَّوَالِهَما

آنچه می کردند پس چون آمدند به امر ایشان با شادمانی شدند و آنچه

عِنْدَهُمْ مِنَ الْعِلْمِ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ ﴿٥﴾ فَلَمَّا

نزد ایشان بود از دانش و در گرفت ایشان را آنچه بآن استهزای کردند پس و قبح

رَأَوْا بَاسًا نَّكَالًا أَمَّا بِاللَّهِ وَحْدَهُ وَكَفَرْنَا بِمَا كُنَّا بِهِ مُشْرِكِينَ ﴿٦﴾

دیدند عقوبت ما گفتند ما و خداستیم خدا را تنها و مشرک شدیم با آنچه از شرک می کردیم

فَلَمَّا يَكُنْ يَنْفَعُهُمْ أَيْمَانُكُمْ لَمَّا رَأَوْا بَاسًا نَّكَالًا سُبْحَنَ اللَّهِ الَّذِي قَدْ

پس هرگز نفع نمیداد ایشان را ایمان ایشان و گفتند دیدند عقوبت ما آئین خدا را

خَلَقْتَ فِي عِبَادِهِ وَخَسِرَ هُنَاكَ الْكَافِرُونَ ﴿٧﴾

گذاشته است در بندگان او و زیان کاران شدند اینجا کافران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم خداست بخشنده مهربان

حم ﴿١﴾ تَنْزِيلٌ مِنَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿٢﴾ كِتَابٌ فَصَّلْتَ آيَاتِهِ قُرْآنًا

این نازل شد از جانب خدای بخشنده مهربان این کتاب است در آن آیات را جدا کردی و در میان

عَرَبِيًّا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿٣﴾ بَشِيرًا وَنَذِيرًا فَأَعْرَضَ أَكْثَرُهُمْ

عربی است برای قومی که میدانند بشارت و نگرسانند پس اعراض کردند اکثر ایشان

فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ ﴿٤﴾ وَقَالُوا أَأَتُونَا فِي إِلَهِنَا وَمَا نَدْعُوْنَا

پس ایشان نمی شنوند و گفتند آیا می آوریم ما را در خدایمان و آنچه ندا می خوانیم

أَلِهَؤُنَا وَفِي آذَانِنَا وَقُرْءَانٍ مِّنْ بَيْنِ يَدَيْنَا نَزَّلَ الْحَقُّ عَلَيْنَا

آلهه و در گوش ما قرآنی است و میان ما و میان تو عجب است پس بر ما نازل شد حق

عِبَادُونَ ﴿٥﴾ قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ الْوَحْيُ فَاتَّبِعُونِي أَوْ لَا تَأْمِنُوا

عبادان من گویم من بشری هستم مثل شما وحی می آید به من پس مرا پیروی کنید یا نه

إِلَهُ وَاحِدٌ فَاسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ وَاسْتَغْفِرُوا لَهُمْ وَوَيْلٌ لِلْمُصْرِكِينَ ﴿٦﴾

خداوند واحد است پس مستقیم شوید به سوی او و طلب کنید از او و وای است برای مشرکان را

الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ ﴿٧﴾ إِنَّ

آنکه نمی دهند زکوة و ایشانند که در آخرت کافرانند

الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ ﴿٧﴾ إِنَّ

آنکه نمی دهند زکوة و ایشانند که در آخرت کافرانند

ملک بنی برادرش  
ملک بنی برادرش  
تفسیر عثمان  
ملک در سابق با  
اقدام گذشتند اندک  
تعداد وقت نسبت  
به اینها بر آبشتر  
بودند نیز آنها نسبت  
به این مردم با کربا  
و آثار بزرگتر خود مالی  
گذاشته بیکس چون  
غضب خدا رسید  
تا آن روز وقت  
و سازد سالن شان  
بهر نیامده و مانند  
کش و خاک  
آنها در بیاد شد  
عده اکنون از شما  
و اعتراض به تعبیر  
فانده حاصل می شود  
چقدر تو به ایمان  
گذشت از مشاهد  
غضب بر کنی اینجا  
یقین کن که مرا  
یقین موجب نجات  
نمی شود و از سبب  
آن غضب نازل شد  
بر من و خلق الله  
تو ای دوست حق  
لنزلن بطون السموات  
حتی اذا حضر احدکم  
الموت قال انی جئت  
الان ولا الذین یوتون  
وهم کفار (سجده ۸)  
و قال فی قصه  
فرعون اللہ  
و قصص  
قبل و گفت  
من المفسرین و فی  
الحدیث ان اللہ  
قال یبذل قلوب الیوم  
بالمیزرعه و همیشه  
علیت عروم آنست  
که اول از راه انوار  
و استنار پیش می  
آید بآن چون گرفتار  
شوند بفرموده

فخ الرحمن  
حم السجدة ۳۱  
م ۲۷۵ نزل  
من اظم ۲۳



فتح الرحمن  
فلما يعني مقلا حكم  
من شؤده الله اعلم  
فلما يعني سنة ١٥٧٦  
تفسير عثمان  
منه چه ارزودنيشتر  
دور شد و دور دور  
اسما بهار اساخت  
محو عاشق روز شد  
چنانچه بديگر حامي  
سنة ايام و لغت شده  
تنبيا از حمد آن  
حادثه در فوج كراچ  
خلق كاشيات و  
صين و ترتيب روزها  
دهه است كه الله تعالى  
لان چيز را ده فلان  
بهتر ميدهد اگر چه قد  
مجموع آموخته من  
دست است هستي  
بارة حديث ابو هريره  
در صحيح مسلم است  
بن كثير (رحم الله)  
يبدو و چون  
ارباب الصحيح و قد  
الله البخاري في التاريخ  
مقال رواه بعضهم  
بن ابى هريره عن عبد  
اجاباره و هو الاصح  
روايع المصنفين  
افضل شافعي نقل  
رواه است و تقوية  
مسلم و قد تعلم عليه  
الحفاظ على ابن المصنفين  
بخاري و غيره بما  
جلوه من كلام كعب  
ان ابى هريره انا  
معه و لكن اشتبه  
في بعض الروايات فعمل  
رواه البزار  
سنة قرآن كريم و  
سنة سورة بقره ثم  
توفي بالي السافهون  
ج سلك و امن  
سهر ميشو و كه هفت  
سنان بعد از ايد الشرا

الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ٨

آنانکه ایمان آوردند کارهای شایسته کردند ایشانراست مزد غیر موقوفه  
آنانکه ایمان آوردند و کردند کارهای نیک ایشانراست مزد غیر موقوفه

قُلْ إِنِّي كُنتُ لَكُفْرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ وَ

جواب شما نامتقدماتیوید به کسی که آفرید زمین را در دوزخ  
جواب شما کافیشوید به آنرا که آفرید زمین را در دوزخ

تَجْعَلُونَ لَهُ أُنْدَادًا ذَٰلِكَ رَبُّ الْعَالَمِينَ ١٠ وَجَعَلَ فِيهَا

مقدری کند بمسخر آنرا بپایه ۱۰ ایست پروردگار عالمها و پیدا کرد در زمین

رَوَا بِي مِنْ فَوْقِهَا وَبَرَكَ فِيهَا وَقَدْ سُرِفَتْهَا قَوْلُ أَتَهَانِي

کوه یا بالای آن دیرکت نهاد در آن و اندازد کرد اندر آن گشت این آن را در غمت

الرَّبْعَةُ اسْمُ سَوَادٍ لِلْسَّابِلِينَ ﴿٢﴾ ثُمَّ اسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ

چهار روز بیان واضح کرده شد برای سوال کنندگان باز متوجه شد بسوی آسمان

هِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ ائْتِيَا بِطِينٍ مِنْ هَاهُنَا قَالَتَا لَا نَحْمِلُ الْبَلَّ نَحْنُ إِنْسَانٌ خَشِينٌ

و گوید مانند گفت ادرا د زمین را نیز بپایند بخوشی

اَتَيْنَا طَارِيعِينَ ۳ فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَوَآتٍ فِي يَوْمٍ وَاحِدٍ

بر دو آردم بخوشی پس ساخت بغفت آستان در دوزخ دین

اَوْحٰی فِیْ كُلِّ سَمَاءٍ اَمْرًا هَادٍ وَزَيْنًا الشَّمْسِ اَلْاِیَّاهُ یُحِیْطُ

و بنیاد استوار آسمانی تدبیر آنرا

وَحَفِظَ ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ (۴) فَإِنْ أَعْرَضَ فَقَدْ

وَلَا يَدْرَأُ سَعْتِمُ وَلَا ابْنِ سَعْتٍ قَدِيرٌ خَلَقَ مَا يَشَاءُ يُخَوِّلُ غِنًى لِمَن يَشَاءُ وَلَا يَجِدُ أَفْقًا يُدْرِكُهُ

این است تلخیص حدیثی غالب دانا پس اگر عوامان کنند (ای محرابی لغاری)

ترسانند هم شمار از حقوقی مانند عقوبت عاد و نمود و تقید آمدند بدین

الرسل من بينكم

از پیش روئے ایشان و از پس پشت ایشان که مبادت کند

پیمبران از پیش ایشان و از پس آنها (باین که عبادات ننهید)

خدا سے رافتد اگر خواستے ہو تو درکار ماہ و فرستادے فرستائیں ہر ایک ماہ پر فرستادہ شدہ ہو

کند و خستد اگرخواست پیرو د کار ما البته (و میفرستاد فرستادن را پس) (بهر آینه) ما به پخته فرستاده شدید به آن

نامتو کرم اقاوم عاد پس سحر کردند در زمین ناچ

ما فرایتم هر چه قوم عادات است پس بنگر کردند در زمین بناتق



وَقَالُوا اَمِنْ اَشَدِّ مَنَاقِبَةٍ اَوْ لَمْ يَرَوْا اَنَّ اللَّهَ الَّذِي

و گفتند کسیت زیاده تر از ما بقوت آید ندیدند که آن خدا سئو که

خَلَقَهُمْ هُوَ اَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ

بیا فرید ایشان را از زیاد تر از ایشان بقوت و ایشان آیات ما انکار می کردند

فَاَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ بَرِيحًا صَرْصَرًا فِيْ اَيَّامٍ مَّخْسُاتٍ لِّنُذِيقَهُمْ

پس فرستادیم بر ایشان باد سستنده در روزهای شوم تا بمشایم ایشان را

عَذَابِ الْخِزْيِ فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ اَخْزٰى

عذاب رسوائی در زندگانی دنیا و دهر آئینه عذاب آخرت رسوا کننده تر است

وَهُمْ لَا يَصْزَوْنَ ۝ وَاَمَّا شُعْرٌ فَمَا يَنْبَغِيْ لَهُمْ فَاَسْتَحَبُّوا الْعَمٰلَ

و ایشان نصرت داده نشوند و اما شود پس راه نمودیم ایشان را پس اختیار کردند نابینایی را

عَلٰى الْهٰدِيْ فَاخَذَ تَهُمْ صُفْعَةً الْعَذَابِ الْهُوْنِ بِمَا كَانُوا

بر راه یابی پس در گرفت ایشان را عقوبت سخت عذاب خفای بسبب آنچه

يَكْسِبُونَ ۝ وَنَجِّنَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُوْنَ ۝ وَيَوْمَ

ی کردند و نجات دادیم آنان را که ایمان آوردند و پرهیزگاری می کردند و آن روز که

يَحْشُرُ الْعَدَاةُ اِلَى السَّارِ فَهُمْ يَوْمًا يُؤْعَوْنَ ۝ حَتّٰى اِذَا مَا

برانگیخته شوند دشمنان خدا را و آن سار بوی آتش پس ایشان باین صفت باشند و تا وقتیکه

جَاءَ وَهٰذَا شَهِدٌ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَاَبْصَارُهُمْ وَاجْلُودُهُمْ

بیایند نزدیک دوزخ گواهی دهد بر ایشان گوش ایشان و چشم ایشان و پوست ایشان

بِمَا كَانُوا يَعْمَلُوْنَ ۝ وَقَالُوا اِلَّا جُلُودُهُمْ لَمْ يَشْهَدْ عَلَيْنَا

با آنچه می کردند و گفتند پوستهای خود را چرا گواهی دادید بر ما

قَالُوا اَنْظَرْنَا اِلَى الَّذِيْ نُنْقِى كُلَّ شَيْءٍ وَّ هُوَ خَلَقَكُمْ اَوَّلَ

گویند گویا کرد ما را آن خدا سئو که گویا ساخته است هر چیز را و او بیا فرید شما را اول

مَرَّةٍ وَّ اِلَيْهِ تُرْجَعُوْنَ ۝ وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَرْوْنَ اَنْ يَّشْهَدَ

بار و بسوی او باز گردانیده شوید دور پند نهان نمی شدید و آن گواهی دهد

عَلَيْكُمْ سَمْعَكُمْ وَاَبْصَارَكُمْ وَاَجْلُودَكُمْ وَاَلَيْسَ لَكُنْ ظَنَنَّا اَنَّ اللَّهَ

بر شما گوش شما و چشمهای شما و پوستهای شما و لیکن پندارستید که خدا

بصورت ایشان را بجزم حکمشان در روز اول خود بپندارید و بپندارید که خدا

فتح الرحمن  
علا که بعضی را  
بوسیدن بعضی اشاره  
کرده میشود الله اعلم  
و کسی درین دار  
خوف آنکه ۱۲  
تفسیر عثمانی  
بقیمت ۱۵  
دارد که ازین الفاظ  
ترغی فی الاخبار و یا  
ترغی در حق مراد میجویم  
چنانکه در شمکان من  
الذین آمنوا و اوصوا  
بالعبر و قوا مواجعه  
(پاره ۳۰ کوش ۱۵)  
در جای دیگر در مقتل  
بدو ملک زخم مبارک  
۱۲ کوش ۳۰  
مراد گرفته شده است  
بهر حال هر قرآن کریم  
تفسیر ترتیب زمانی  
۲ نیست دارای درنگ  
۱۰ لغت ذکر زمین و  
درنگ گرفت و  
۱۲ اعدت ذکر آسمان  
مقدم کرده شده و  
نکته آن به اولی تا من  
و تدبیر معلوم میشود  
تفصیل از زمانی توان  
در اینجا آورد و چند  
جمله فقط بفرق تنبیه  
این علم نوشته شده  
۱۵ شاید در جواب  
تنبیه بر عباد اهل ظن  
ببینان پس آنرا  
گفته باشند که از راه  
آورد ترکیب که اندو  
خوایم آیاتمان  
اوردان قوی را که  
موجب ساخته میتوان  
حضرت شاه از علما  
میگوید که این مردم  
بسیار حسیم قوی بودند  
بقوت بدنی خود تا بدیدند  
لیکن فرود بخیر انسان  
بجسور الله تعالی شود  
پس که جانی می گردد  
پس که آدم خانه و







اولئك هم في الحيوة الدنيا وفي الآخرة ولكم فيها ما تشتهي

نفسكم ولكم فيها ما تدعون ۱ نزل من غفور رحيم ۲

احسن قولاً لمن دعا الى الله وعمل صالحاً قال انقضي من

المسلمين ۱ ولا تستوي احسن ولا السيئ ۲ ادفع بالتي هي

احسن فاذ الذي بينك وبينه عداوة كانا بينكم ۳ وما

يلقبها الا الذين صبروا وما يلقبها الا ذو حظ عظيم ۴

واما ينزع عنك من الشيطان نزع فاستعذ بالله انه هو

السميع العليم ۵ ومن آياته الليل والنهار والشمس والقمر

لا تسجدوا للشمس ولا للقمر واسجدوا لله الذي خلقهن

ان كنتم اياه تعبدون ۶ فان استكبروا فالذين عند ربك

يسمعون له بالليل والنهار وهم لا يسعون ۷ ومن آياته

انك ترى الارض خاشعة فاذا انزلنا عليها الماء اهتزت

وربت طران الذي احياها لحي الموتى طرات على كل

امرئ شدة ۸

۱ وشار است درین جا آنچه طلبید وشار است در آن آنچه خواهید می کنید

۲ وشار است آنچه در خواست کنید بطریق مهربانی از جانب خداست آنچه کار هر کس نیست وشار است در آن آنچه می طلبید بطریق مهربانی از جانب خداست آنچه مهربان نیست

۳ وشار است آنچه در خواست کنید بطریق مهربانی از جانب خداست آنچه کار هر کس نیست وشار است در آن آنچه می طلبید بطریق مهربانی از جانب خداست آنچه مهربان نیست

۴ وشار است آنچه در خواست کنید بطریق مهربانی از جانب خداست آنچه کار هر کس نیست وشار است در آن آنچه می طلبید بطریق مهربانی از جانب خداست آنچه مهربان نیست

تفسیر عثمانی  
سوره این آیات یک  
سوره ای الی الله معاذ  
را که من اظلم ۳۳  
هم در دو نیم می بیند  
نیک بداند که یکی  
یاد می دهی با یکی  
برابر نیست و هر یک  
تأثیر جدا دارد  
بلکه بعضی نیک نیست  
به یکی دیگر خوشتر  
بعضی بدی نسبت به  
دیگری و غیره قریب  
به برابر من تمام  
و حق تعالی را می طلبد  
را سستی بایستاد  
که دیگر را با یکی  
نکند بلکه آنرا نکند  
مقابل بدی به نیکی  
پیش بیاورد اگر کسی  
حق زشت بگوید یا  
بگوید یا بدی مقابل  
دیگری اختیار کند  
که بهتر از این باشد  
مطلوبه و جواب نهد  
فقط به یوه یاری  
در جواب دشمنان به  
تهدیب و شایسته  
نموده و جواب نهد  
به نری و مهربانی  
بیاید و حق تعالی  
طریق را از هر دو  
دشمن برست  
می گوید و اگر چه  
از دل دوست  
نشود و حق تعالی  
اگر او ظالم را از نیک  
دوست می یابد  
و خداوند کرد بلکه ممکن  
است بعد از آنکه  
و در لذت و دوست  
شود و بعضی عداوت  
را یک علم نقل بیرون  
نزد که قابل نمی باشد  
البتة ان بعضی را  
بهر حال که

۱ وشار است درین جا آنچه طلبید وشار است در آن آنچه خواهید می کنید



عنه آنکه آنخاص از  
 زبان آنایکرم را بگوید  
 خدای متعال دعوت  
 می دهند آیت تزییل  
 را می شنوند و آیات کوچه  
 خدا را می شنود و در  
 بینند باز هم از کجروی  
 باز نمی آیند و سخنان  
 واضح و راست را تو  
 شبیهات بی اساس  
 هیچ می سازند و با آنرا  
 قصد تحریف و تغییر  
 داده و مطلب را غلط  
 معنوشان کنند و با توبایل  
 نموده و از پذیرفتن این  
 آیات پشیمانی میکنند  
 حق تعالی چنین بگردانید  
 خوب میدانند ممکن است  
 که این مردم بر سرکاری  
 بای خود بنزدند و بگویند  
 رفتار و کردار آنها  
 برخلاف حق نیست -  
 آنکه که بجهنم رود  
 تعالی روزی بچشم سر  
 خواهند دیدنی الحاق  
 او تعالی آنها را سهل  
 داده است زیرا عادت  
 اوست که بجز را فو  
 گزیند نمی کند از زمین  
 سبب خود را معلوم  
 شمرند از باطلون  
 بعیر یعنی هر چه  
 بخوابد بکینید  
 بگویند و او را بشنید  
 که تمام حرکات تان  
 نزد الله تعالی ثبت و  
 محفوظ است و عذری  
 خار از او خواهد  
 برداشت. چنانچه  
 فکر کنید آن تفصیل  
 بجزای شریعت های خود  
 در آن شطرنج بگذرد  
 و تفصیل از سبب  
 رفتار شرافت مندانه  
 و کردار صالحان و نجسان  
 خود را با پس و مسلم

شَيْءٌ قَدِيرٌ ۝ اِنَّ الَّذِيْنَ يَلْحَدُوْنَ فِيْ اَيْتِنَا لَا يَخْفَوْنَ عَلَيْنَا ۝  
 چیزی تواناست (حقیق) آنکه هیچ رفتاری میکنند در آیت های ما پوشیده نمی شود بر ما پس جزا میدهند بر آنچه بگویند و می شنود  
 اَمَنْ يُّسَلِّقُ فِي السَّارِ خَيْرٌ اَمْ مَنْ يَّاتِيْ اَمْسَانِيْ مَا لِقِيْمَةُ ط  
 آیا کسی که انداخته شود در آتش بهتر است یا کسی که بیاید ایمین شده روز قیامت  
 آیا آنکه انداخته شود در آتش بهتر است یا آنکه بیاید به اسن روز قیامت  
 اَعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ اِنَّنَا بِمَا تَعْمَلُوْنَ بَصِيْرٌ ۝ اِنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا  
 بکنید هر چه خواهید هر آنچه خدا بآنجای که بخواهد بیناست  
 و بپوشیده اند و بپوشیده اند و بپوشیده اند و بپوشیده اند (حقیق) آنکه کافر شدند  
 بِالَّذِيْ كَرِهْتُمْ اَجَاءَ هُمْ وَاِنَّهٗ لَكُنْزٌ عَزِيْزٌ ۝ لَا يَأْتِيْهِ الْبَاطِلُ  
 بقرآن و قبیله آمد بدیشان پوشیده نیستند از ما حقیق آن کتابیست که برای قدر راه می یابد بدو باطل  
 به لغت از آن کجروی که آمد به ایشان (پوشیده نیستند از ما) حقیق آن کتابیست که برای قدر راه می یابد بدو باطل  
 مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهٖ تَنْزِيْلٌ ۝ مَنْ حَكِمٌ حَسِيْدٌ  
 از پیش روی او و نه از پس پشت او فرستاده شده است از خدا و نه از دانا ستوده  
 از پیش روی آن و نه از عقب آن فرستاده شده است از حکیم ستوده  
 مَا يَقَالُ لَكَ اِلَّا مَا قَدْ قِيلَ لِلرُّسُلِ مِنْ قَبْلِكَ اِنَّ رَبَّكَ  
 یا محمد گفته نمی شود ترا سرگشته و بود و پند میرسان  
 را پیش از تو هر آنچه پند و پروردگار تو  
 لَذُوْ مَغْفِرَةٍ وَّ ذُوْ عِقَابٍ اَلِيْمٍ ۝ وَلَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْاٰنًا اَعْجَبِيَّا  
 خداوند آمرزش است و خداوند عقوبت درد دهنده است و اگر می ساختیم این کتاب را قرآنی بزرگان  
 خداوند آمرزش است (مومنان را) و خداوند عقوبت درد دهنده است (کافران را) و اگر می ساختیم این کتاب را قرآنی بزرگان  
 لَقَالُوْا الْوَلَا فِصْلَتْ اَيْتُهُ طءٌ اَعْجَبِيْ قَوْمِيْ قُلْ هُوَ الَّذِيْنَ  
 هر آنچه می گفتند کافران عرب چرا واضح کرده شد آیات و آیات قرآن عجیب است و مخاطب عربی بگو قرآن مسلمانان  
 هر آنچه می گفتند (کافران عرب) چرا بیان کرده شد (بزرگان ما) آیت های او (قرآن) عجیب است و مخاطب عربی بگو او را قرآن  
 اَمْ نُوْهِدِيْ وَّ تَشْفَعُ ۝ وَالَّذِيْنَ لَا يَمِيْنُوْنَ فِيْ اَذَانِهِمْ قُرْ  
 را هدایت و شفاست و آنکه ایمان ندارند در گوش ایشان گران نیست  
 مومنان هدایت و شفاست و آنکه ایمان نمی آورند در گوشهایشان گران است  
 وَ هُوَ عَلَيْهِمْ عَمِيْ اَوْ لَيْسَ يَنَادُوْنَ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيْدٍ ۝ وَاَلْقَدْ  
 و قرآن بر ایشان گران نیست این اجماع باشد چنانکه از او داده میشوند از جائی دور  
 و قرآن بر ایشان گران نیست آن جمله و چنان اندک از او داده میشوند از جائی دور (و حقیق)  
 اَتَيْنَا مُوسٰى الْكِتٰبَ فَاخْتَلَفَ فِيْهِ وَاُولٰٓئِكَ سَبَقَتْ مِنْ سَرِّكَ  
 دادیم موسی کتاب پس اختلاف کرده در آن و اگر نبود که کتاب سابق صادر شده از پروردگار تو  
 دادیم موسی کتاب پس اختلاف کرده در آن و اگر نبود که کتاب سابق صادر شده از پروردگار تو  
 لَقَضٰى بَيْنَهُمْ وَاَلْهَمْنٰهُمُ لِقٰى شَرِّ مِّنْهُ مُرِيْبٌ ۝ مَنْ عَمِلْ صَالِحًا  
 البته فیصل کرده شد در میان ایشان و هر آنچه ایشان در شک قوی اند از طرف قرآن  
 البته فیصل کرده شد در میان ایشان و هر آنچه ایشان در شک اختلاط اند از قرآن هر که بکند کار نیک  
 فَلِنَفْسِهٖ وَّمَنْ اٰسَاۗءَ فَعَلٰىهَا وَمَا رَّبُّكَ بِظَلٰمٍ لِّلْعَبِيْدِ ۝  
 پس بپس او است و هر که بدکاری کند پس و بال بر ویست و نیست پروردگار گناه کننده بر بندگان  
 پس برای (پس) خود او است و هر که بدکاری کند پس و بال آن بر ویست و نیست پروردگار گناه کننده بر بندگان

عنه از کجروی خود در سخنان نبوت شبیهات پیدا می کنند و آنکه از هیچ طرف دامن نگذارند و دروغ نیست آن نصیحت











فَجَعَلَ لَكَ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا يَذُرُوكَ

و بعد از آنکه از مجلس چهارم باین اقسام چند پراکنده می کنند شمار  
بخت یا از چهار باین بخت پراکنده و بسیار می سازد شمار

وَلَيْسَ بِشَيْءٍ وَهُوَ الشَّيْخُ الْبَصِيرُ ٧ لَهُ قُلُوبُ السَّمَوَاتِ

این سند بهر گشت باشد از هر چیزی وادعت سفینا بینا را در است می بای آسان با

والارض يبسط الرزق لمن يشاء ويقدر ان يهلك شئ مما

[illegible]

سید محمد بن الدین باطنی پیر نوح و الدیاحی او حیدر البیاض و

برین خود را (التماس) راه روشن بپای شما از دین آنچه را که وصیت کرد و بود به این قوم را و آنچه را که در حق گویدم بسوخته شود

ابراہیم و موسیٰ و عیسیٰ علیہم السلام ان فیہم الدین و ان تقرؤا

و طبیعی را عده که بر ما بدارید و این را د اقلات عین افندی

دران و طوار آمد بر مشرقان آید کی خوانی ایشان را بان  
 خدا بر می گردند بسوئے خود بر گردان

و ان گران است که ششین آمدند و دوستی کنی ایشان را با بوسه آن

خداوند در راه می نماید بسوی خود هر کس را چو می کند دل  
دور افکنده شد ندامتها مگر بعد از آن که آمد بدین نشان

و در راهی ایامی که آن هزار دیو بر می سجد آن احکامات کردند که بعد از آن آمد ایشان

الشرابی نے حسد و درمیان خود و اگر بنوے سنے درسا لکھا اور شد از پند و کار تو کہ مہلت دادہ شود تا از ایام حسین

تَقْضُوا مِنْهُمْ وَأُولَٰئِكَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ

الذی فیص کرده میشد بیان ایشان و هر آینه آن نامه داده شد ایشان را کتاب بعد از انبیا و در شبهه قوی اند

منه مريب ٥ فلذلك فادع واستقم ٥

از این پس بسوئے این دین و ملت کن و قیام کن و در پیش محاسب آنرا فرموده شد ترا و پیروی کن خواهی این کار را  
مخاطب آنکه اندامان پس باین رسد و دولت کن و این کار را تمام کن و در پیش محاسب آنرا فرموده شد ترا و پیروی کن خواهی این کار را

وَقُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأُمِرْتُ لِأَعْلَانِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

و فرموده شد که اگر صفات کم میان شما خدا  
و ایمان آوردم به آنچه در کتاب و فرستاده الله کتاب و اهورش امام که علی گم به ایمان شما

تَبَارَكُ لَنَا اَعْمَالُنَاوَلَكُمْ اَعْمَالُكُمْ لَا حِجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ وَاللَّهُ

دردگار است و پروردگار شامت مارا علیہاے است و دنیا علیہاے شامت لغو نیست و این و میان شامت  
دردگار و پروردگار شامت مار است کردار بائے ما و شامت کردار بی شایع خصوصیت نیست و این و میان شامت

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

بازرگانی و مادیان شاد و لبوسه دوست  
 بازرگانی و مادیان شاد و لبوسه دوست

ایمانی است که شرعاً و منہجاً جا ۱۲۴ -







لا اسئلكم عليه اجر الا المودة في القربى ومن يقصد

و تمام ز شمع بر شمع قرآن و هیچ مزدی باینکه پیش گیرید دوستی در میان خویش و دانا و دهر که بکند نیکی  
و تمام ز شمع بر شمع قرآن و هیچ مزدی باینکه دوستی در قرابت و دهر که بکند نیکی

زَدَلَهُ فِيهَا حَسْبًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ ۝ أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَىٰ عَلَىٰ

ی الا یخبر برای او در آن یکتایی  
بجای آنکه از کار خداوندش است

اللَّهُ لَذِي بَاءَ فَإِنْ يُشْرَا لَللَّهِ يَخْتَرِمُ عَلَى قَلْبِكَ ط وَيَسْمَعُ اللَّهُ الْبَاطِلَ وَ

شده در غار (اگرچه چنان بودی) پس اگر خواهی اله مهر نبرد ببرد تو را کمال کند از تو آن و می را اگر می خواهی آمد دنیا بود میانه و اله میسر و

بِحَقِّ الْحَقِّ بِكَلِمَاتِهِ إِنَّهُ عَلَيْهِ ثَنَاتٌ الصَّادِقُ وَهُوَ الَّذِي

ثبات می کند دین درست است بعضی مانع خود (هر آئین) خدا دانست به آنچه در سینه است و دوست آنست

قبل التوبه عن عبادته ويعفوا عن السيئات ويعلم ما يفعلون

از بندگان خود و در می گذرد از کنایان و می دانند آنچه می شنید

جواب الدین استواء صلی اللہ علیہ وسلم ویریدہ من فضلیہ  
 قبول کنند دعا سے آنا کہ ایمان آورده اند و کار سے شایسته کرده اند و زیاده می دهد ایشان از فضل خود

یونانی سید علی ابن رازیان اور دہندہ و گردہ ہارے ٹیک و زیادہ می دہا یت سدا ارفقن خود

لا اذن ايشان رامت عذاب سخت و اگر فراخ گردد خدا رزق را بر بندگان خود

و در این کتاب که در این کتاب است

بنیة فساد می کردند در زمین ■ لیکن فرود می آرد ■ باندازه آنچه خواهد ■ هر آینه خدا بر بندگان خود دانا  
بنیة طغیان می کردند در زمین ■ لیکن فرود می آرد ■ باندازه آنچه خواهد ■ هر آینه الله بر بندگان خود دانا

صِدْرٌ ۝ وَهُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ الْغَيْثَ مِنْ بَعْدِ مَا قُطِعَ أُولَئِكَ رَحْمَةً

نامت وادست آن که فردوسی آرد باران را بعد از آنکه نا امید شدند و پراکنده می سازد رحمت خود را  
نیاست وادست آنکه فردوسی آرد باران را بعد از قطار امید آنها و پراکنده می سازد رحمت خود را

هُوَ الْوَلِيُّ الْأَمِيدُ ۝ وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقَ السَّمُوتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا ۝

دست کار ساز ستوده کار و از نشان بای او آفریدن آسمانها زمین است و آفریدن آنچه بر آنند را

بِهِمَا مِنْ دَابَّةٍ وَهُوَ عَلَىٰ جَمْعِهِمْ إِذْ يَشَاءُ قَدِيرٌ ۝ وَمَا أَصَابَكُمْ

این بر دوازدها و دران آیتان و فیکد خواه توانا است  
آسمان با زمین از جنندگان واد بر فرا هم کردن آیتان و فیکد خواه توانا است و آنچه برسد بشما

١١٠  
 ١١١  
 ١١٢  
 ١١٣  
 ١١٤  
 ١١٥  
 ١١٦  
 ١١٧  
 ١١٨  
 ١١٩  
 ١٢٠  
 ١٢١  
 ١٢٢  
 ١٢٣  
 ١٢٤  
 ١٢٥  
 ١٢٦  
 ١٢٧  
 ١٢٨  
 ١٢٩  
 ١٣٠  
 ١٣١  
 ١٣٢  
 ١٣٣  
 ١٣٤  
 ١٣٥  
 ١٣٦  
 ١٣٧  
 ١٣٨  
 ١٣٩  
 ١٤٠  
 ١٤١  
 ١٤٢  
 ١٤٣  
 ١٤٤  
 ١٤٥  
 ١٤٦  
 ١٤٧  
 ١٤٨  
 ١٤٩  
 ١٥٠  
 ١٥١  
 ١٥٢  
 ١٥٣  
 ١٥٤  
 ١٥٥  
 ١٥٦  
 ١٥٧  
 ١٥٨  
 ١٥٩  
 ١٦٠  
 ١٦١  
 ١٦٢  
 ١٦٣  
 ١٦٤  
 ١٦٥  
 ١٦٦  
 ١٦٧  
 ١٦٨  
 ١٦٩  
 ١٧٠  
 ١٧١  
 ١٧٢  
 ١٧٣  
 ١٧٤  
 ١٧٥  
 ١٧٦  
 ١٧٧  
 ١٧٨  
 ١٧٩  
 ١٨٠  
 ١٨١  
 ١٨٢  
 ١٨٣  
 ١٨٤  
 ١٨٥  
 ١٨٦  
 ١٨٧  
 ١٨٨  
 ١٨٩  
 ١٩٠  
 ١٩١  
 ١٩٢  
 ١٩٣  
 ١٩٤  
 ١٩٥  
 ١٩٦  
 ١٩٧  
 ١٩٨  
 ١٩٩  
 ٢٠٠  
 ٢٠١  
 ٢٠٢  
 ٢٠٣  
 ٢٠٤  
 ٢٠٥  
 ٢٠٦  
 ٢٠٧  
 ٢٠٨  
 ٢٠٩  
 ٢١٠  
 ٢١١  
 ٢١٢  
 ٢١٣  
 ٢١٤  
 ٢١٥  
 ٢١٦  
 ٢١٧  
 ٢١٨  
 ٢١٩  
 ٢٢٠  
 ٢٢١  
 ٢٢٢  
 ٢٢٣  
 ٢٢٤  
 ٢٢٥  
 ٢٢٦  
 ٢٢٧  
 ٢٢٨  
 ٢٢٩  
 ٢٣٠  
 ٢٣١  
 ٢٣٢  
 ٢٣٣  
 ٢٣٤  
 ٢٣٥  
 ٢٣٦  
 ٢٣٧  
 ٢٣٨  
 ٢٣٩  
 ٢٤٠  
 ٢٤١  
 ٢٤٢  
 ٢٤٣  
 ٢٤٤  
 ٢٤٥  
 ٢٤٦  
 ٢٤٧  
 ٢٤٨  
 ٢٤٩  
 ٢٥٠  
 ٢٥١  
 ٢٥٢  
 ٢٥٣  
 ٢٥٤  
 ٢٥٥  
 ٢٥٦  
 ٢٥٧  
 ٢٥٨  
 ٢٥٩  
 ٢٦٠  
 ٢٦١  
 ٢٦٢  
 ٢٦٣  
 ٢٦٤  
 ٢٦٥  
 ٢٦٦  
 ٢٦٧  
 ٢٦٨  
 ٢٦٩  
 ٢٧٠  
 ٢٧١  
 ٢٧٢  
 ٢٧٣  
 ٢٧٤  
 ٢٧٥  
 ٢٧٦  
 ٢٧٧  
 ٢٧٨  
 ٢٧٩  
 ٢٨٠  
 ٢٨١  
 ٢٨٢  
 ٢٨٣  
 ٢٨٤  
 ٢٨٥  
 ٢٨٦  
 ٢٨٧  
 ٢٨٨  
 ٢٨٩  
 ٢٩٠  
 ٢٩١  
 ٢٩٢  
 ٢٩٣  
 ٢٩٤  
 ٢٩٥  
 ٢٩٦  
 ٢٩٧  
 ٢٩٨  
 ٢٩٩  
 ٣٠٠  
 ٣٠١  
 ٣٠٢  
 ٣٠٣  
 ٣٠٤  
 ٣٠٥  
 ٣٠٦  
 ٣٠٧  
 ٣٠٨  
 ٣٠٩  
 ٣١٠  
 ٣١١  
 ٣١٢  
 ٣١٣  
 ٣١٤  
 ٣١٥  
 ٣١٦  
 ٣١٧  
 ٣١٨  
 ٣١٩  
 ٣٢٠  
 ٣٢١  
 ٣٢٢  
 ٣٢٣  
 ٣٢٤  
 ٣٢٥  
 ٣٢٦  
 ٣٢٧  
 ٣٢٨  
 ٣٢٩  
 ٣٣٠  
 ٣٣١  
 ٣٣٢  
 ٣٣٣  
 ٣٣٤  
 ٣٣٥  
 ٣٣٦  
 ٣٣٧  
 ٣٣٨  
 ٣٣٩  
 ٣٤٠  
 ٣٤١  
 ٣٤٢  
 ٣٤٣  
 ٣٤٤  
 ٣٤٥  
 ٣٤٦  
 ٣٤٧  
 ٣٤٨  
 ٣٤٩  
 ٣٥٠  
 ٣٥١  
 ٣٥٢  
 ٣٥٣  
 ٣٥٤  
 ٣٥٥  
 ٣٥٦  
 ٣٥٧  
 ٣٥٨  
 ٣٥٩  
 ٣٦٠  
 ٣٦١  
 ٣٦٢  
 ٣٦٣  
 ٣٦٤  
 ٣٦٥  
 ٣٦٦  
 ٣٦٧  
 ٣٦٨  
 ٣٦٩  
 ٣٧٠  
 ٣٧١  
 ٣٧٢  
 ٣٧٣  
 ٣٧٤  
 ٣٧٥  
 ٣٧٦  
 ٣٧٧  
 ٣٧٨  
 ٣٧٩  
 ٣٨٠  
 ٣٨١  
 ٣٨٢  
 ٣٨٣  
 ٣٨٤  
 ٣٨٥  
 ٣٨٦  
 ٣٨٧  
 ٣٨٨  
 ٣٨٩  
 ٣٩٠  
 ٣٩١  
 ٣٩٢  
 ٣٩٣  
 ٣٩٤  
 ٣٩٥  
 ٣٩٦  
 ٣٩٧  
 ٣٩٨  
 ٣٩٩  
 ٤٠٠  
 ٤٠١  
 ٤٠٢  
 ٤٠٣  
 ٤٠٤  
 ٤٠٥  
 ٤٠٦  
 ٤٠٧  
 ٤٠٨  
 ٤٠٩  
 ٤١٠  
 ٤١١  
 ٤١٢  
 ٤١٣  
 ٤١٤  
 ٤١٥  
 ٤١٦  
 ٤١٧  
 ٤١٨  
 ٤١٩  
 ٤٢٠  
 ٤٢١  
 ٤٢٢  
 ٤٢٣  
 ٤٢٤  
 ٤٢٥  
 ٤٢٦  
 ٤٢٧  
 ٤٢٨  
 ٤٢٩  
 ٤٣٠  
 ٤٣١  
 ٤٣٢  
 ٤٣٣  
 ٤٣٤  
 ٤٣٥  
 ٤٣٦  
 ٤٣٧  
 ٤٣٨  
 ٤٣٩  
 ٤٤٠  
 ٤٤١  
 ٤٤٢  
 ٤٤٣  
 ٤٤٤  
 ٤٤٥  
 ٤٤٦  
 ٤٤٧  
 ٤٤٨  
 ٤٤٩  
 ٤٥٠  
 ٤٥١  
 ٤٥٢  
 ٤٥٣  
 ٤٥٤  
 ٤٥٥  
 ٤٥٦  
 ٤٥٧  
 ٤٥٨  
 ٤٥٩  
 ٤٦٠  
 ٤٦١  
 ٤٦٢  
 ٤٦٣  
 ٤٦٤  
 ٤٦٥  
 ٤٦٦  
 ٤٦٧  
 ٤٦٨  
 ٤٦٩  
 ٤٧٠  
 ٤٧١  
 ٤٧٢  
 ٤٧٣  
 ٤٧٤  
 ٤٧٥  
 ٤٧٦  
 ٤٧٧  
 ٤٧٨  
 ٤٧٩  
 ٤٨٠  
 ٤٨١  
 ٤

پس بسبب آنست که گسب کرده دستهای شما و در می گذرد از بسبب ری (گنجان) و نیستید شما

معجزین فی الارض وما لکم من دون اللہ من ولی ولا نصیر

بر کشته گان خدارا (گر بیزندگان) در زمین و نیست شمارا بحجر التیاج کلد سازی



مل مترجم اوست  
 از هر شیعی که از حق  
 کند که ان تعبیه متفق  
 شوند استقام شده اند  
 اعلم اول مترجم بود  
 مغفرت در حق خود  
 است و اتفاق بر حق  
 و در حق خود استقام  
 لازم است که از حق  
 جدا نماند و از علم  
 تفسیر غمانی  
 علم ایشان پس  
 و بعد تجاری کردند  
 مجازات بعضی اعیان  
 آباد داده شود و نیز  
 معاشین بزرگ کردند  
 که از نعمت خداست  
 هیچ جای گریز و پناه  
 نیست و حضرت شاه  
 صاحب دولت الهی  
 نویسد یک بندگی  
 هر قطره را از ناسخ نمک  
 خود میداند در آنوقت  
 بلی در حق الله ایشان  
 از غنای دنیا ندی  
 تدبیری بکنجه نخواهند  
 توانست همه بی  
 در جائیداد و مناسبت  
 با حق که شفا  
 چون از حرکت نشاند  
 حقش که هرگز ندوخت  
 نفس در کار ایشان نشد  
 بر بزرگ و قصور و عجز  
 کرد و ایشان صحت  
 گردانید فضل محمود  
 و بی نیاز استقامت  
 با حق شفا بخشیدن  
 سبب کوفت غایت و لذت  
 زود در علم و فساد  
 آوردن و شمشیر کند  
 یا از دم مافوق و جوی  
 بر جود و جود است او  
 از باری ذاتی نظر از  
 میثاق شخصی به توین  
 دین با اوست تا بیل  
 جمعیت مسلمین میسر  
 شد و در این صفت

وَمِنْ آيَاتِهِ الْجَوَارِ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ ۝ إِنَّ يَسْكُنُ الرِّيحَ

و از نشانی است او که در دریا مانند کوه ها

و از نشانی است او که در دریا مانند کوه ها

و از نشانی است او که در دریا مانند کوه ها

و از نشانی است او که در دریا مانند کوه ها

و از نشانی است او که در دریا مانند کوه ها

و از نشانی است او که در دریا مانند کوه ها

و از نشانی است او که در دریا مانند کوه ها

و از نشانی است او که در دریا مانند کوه ها

و از نشانی است او که در دریا مانند کوه ها

و از نشانی است او که در دریا مانند کوه ها

و از نشانی است او که در دریا مانند کوه ها

و از نشانی است او که در دریا مانند کوه ها

و از نشانی است او که در دریا مانند کوه ها

و از نشانی است او که در دریا مانند کوه ها

و از نشانی است او که در دریا مانند کوه ها

و از نشانی است او که در دریا مانند کوه ها

و از نشانی است او که در دریا مانند کوه ها

و از نشانی است او که در دریا مانند کوه ها

و از نشانی است او که در دریا مانند کوه ها

و از نشانی است او که در دریا مانند کوه ها

و از نشانی است او که در دریا مانند کوه ها

و از نشانی است او که در دریا مانند کوه ها

و از نشانی است او که در دریا مانند کوه ها

و از نشانی است او که در دریا مانند کوه ها

و از نشانی است او که در دریا مانند کوه ها

و از نشانی است او که در دریا مانند کوه ها

و از نشانی است او که در دریا مانند کوه ها

و از نشانی است او که در دریا مانند کوه ها

و از نشانی است او که در دریا مانند کوه ها

و از نشانی است او که در دریا مانند کوه ها

و از نشانی است او که در دریا مانند کوه ها

و از نشانی است او که در دریا مانند کوه ها

و از نشانی است او که در دریا مانند کوه ها

و از نشانی است او که در دریا مانند کوه ها

و از نشانی است او که در دریا مانند کوه ها

و از نشانی است او که در دریا مانند کوه ها

و از نشانی است او که در دریا مانند کوه ها

و از نشانی است او که در دریا مانند کوه ها

و از نشانی است او که در دریا مانند کوه ها

و از نشانی است او که در دریا مانند کوه ها

و از نشانی است او که در دریا مانند کوه ها

و از نشانی است او که در دریا مانند کوه ها

و از نشانی است او که در دریا مانند کوه ها



لِيَنْعَزِمَ الْأُمُورُ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ سَبِيلٍ مِنْ بَعْدِهِ

از کارخانه است و هرگز همراه کند      خدا پس نیست و او را هیچ کارسازی بخدا و

تَرَى الظَّالِمِينَ لَسَّارًا أَوَّاعًا يَبْقَوْنَ فِي الْعَذَابِ هَلْ إِلَى مَرَدٍّ مِّنْ سَبِيلٍ ۚ

بہارِ عشق و محبت

وَتَرْكُهُمْ يُعْزِزُهُمْ عَلَيْهِمْ أَخْشَعُونَ مِنَ الَّذِينَ يَنْظُرُونَ مِنْ طَرَفٍ

دو تن ایشان را پیش آورده شوند نزدیک دوزخ متواضع شده از غباری خنجر بلند بگوشه چشم  
ایستادند و از آن پیش کرده شوند بر آتش دو تن از آن وقت می گنجد از ناله و جوش و دود

خَفِيَ وَقَالَ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ الْخَبِيرِينَ الَّذِينَ خَبَهُ وَالنَّفْسَ

دکتر احمد اهل ایمان بر آئینه زبان کاران آمانند  
دکتر یحیی اهل ایمان بر آئینه زبان کاران آمانند

أَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۖ وَالْآلُ الْكَافِرَةُ ۖ

در وقت و ندان خود را روز قیامت آگاه نموده این استعدادهای  
 الهی خود را در روز رستاخیز آگاه نماند این استعدادهای الهی

گان اهل من اولیاء بنصر و هدی من دون الله و رحمة

پیشانی را که گریست و دشت را که کشیدند  
پیشانی را که سازان را جانان که درین آستان

فَبَالَ مِنْ سَيِّئَاتِهِ اسْتَجِبْ إِلَيَّ يَا مَنْ قَبْلَ

مست اور لنگی راسته قزاق کجول تپید پر دود مار خود را پیش از آنکه برآید روزی که بازگشت

١٠٠

بیت آخر از جانب خدا نیست خدا میفرماید آن روز در کتب بر او شایع باز خواست کند

وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي هَدَانَا لِهٰذَا وَمَا كُنَّا لَكَ شَاكِرِيْنَ

کمر اگرچه بجا نماند پس نه دست داده ایم ترا برایش از فکریان  
 نیست بر تو مگر بی نام و رسا ندین

٣٥٠

برایند چون بخشایم آوی بر از جانب خود می کشد این شود بان و اگر برسد یاد میسار

*[Faint handwritten notes at the bottom of the page]*

بسیار استاده است دست ایشان پس آدمی ناکار چنان دانده است که از دست پادشاهی آساکه

فصل في بيان ما يجب من التوبة في كل سنة من العبادات

می آفریدد بر به جای عطا می کند دستان هرگز خوابد و عهای کشید پسران

۱۶

یاجع کنه برآه ایشاں پسران دد حقون دی ساند هر کرا غرا د نراینده هر اکندو

میرزا - یا جوقش دهر ایشان دنا پسران دودستان دنی کردند سیر را در خواب به شیر زمانای (هراقلیم) دوست



دل مترجم گوید اشارت  
عمدت از دیدن خواب  
است و از انانی علم در  
ظاهر بطریق الهام و از  
پس برده عبارت از  
است که او را شنود  
و کسی را ندیده و قسم  
ثالث آنست که زخرفه  
بعصرت آدمی متشکل  
شود و سخن گوید و الله  
اعلم اما در ترجمه  
گوید قسم خود را که چیزی  
اشبات همان چیز را از  
آنچه گنایت است  
آنکه آنچه خود را بیل  
خودست چنان گویند  
قسم بلب میگویند و از  
شگون تو که زخرفی  
در بانی و الله اعلم  
و معنی عادی  
و گوید زخرف  
قوی تر از زنده  
تفسیر عثمانی  
عنه یعنی بشرف اعتبار  
را بخان مغربی  
دوای موجود  
خود طاقت ندارد که  
خداوند قدس مدین  
و نیایادی مشافهت  
سخن گوید مادام سخن  
کرده بتواند ازین  
سبب مکالمه را با بشر  
سرحدت دارد و الله  
بلاده از پشت پرده  
سخن زدن یعنی قوت  
سامعینی از استماع  
کلام لذت اندوزی  
درین حالت چشم باز  
دوست دیده و متعجب شود  
نموده چنانکه حضرت  
موسی علیه السلام بطور  
و به قائم الانبیاء و صلی الله  
علیه و سلم در حدیث  
بیش از عذاب الله تعالی  
در اسطر فرشته سخن  
گوید که فرشته تجرد  
شده بر سر روی چشم ظاهری شود بلکه مستقیماً بقلب بنی نازل می کند و فرشته و عدوت آن سخن بفرشته تمسب ادراک می شود و بقره بر مصلحت

عَلَيْهِمْ قَدِيرٌ ۝ وَكَانَ لِشِرَانِ يُكَلِّمُهُ اللَّهُ الْأَوْحِيَاؤُ مِنْ وَسْرَائِي ۝  
و اما توانا است و ممکن نیست چیزی را که سخن گوید یا او سخن را بشنود یا از پس  
در ناز بر چیز بسیار توانا و است طاقت برای آنچه بشنود یا او سخن گوید یا او سخن را بشنود یا از پس

حِجَابٍ أَوْ رَسِيلٍ رَسُولًا فَيُوحِي بِأُذُنِهِ فَاِشَاءُ طَائِفَةٍ عَلَىٰ حَكِيمٍ ۝  
پرده یا بفرستد فرشته را پس نازل کند حکم خدا آنچه خدا خواهد است بر هر چه بفرستد یا بفرستد  
پرده یا بفرستد رسولی را پس بفرستد حکم او آنچه خدا خواهد است بر هر چه بفرستد یا بفرستد

كَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَ  
همچنین وحی فرستادیم بسوی تو قرآن را از کلام خود و همچنین وحی فرستادیم بسوی تو که میدانی که چیست کتاب و  
همچنین وحی فرستادیم بسوی تو روح از امر ما را از کلام خود و همچنین وحی فرستادیم بسوی تو که میدانی که چیست کتاب و

لَا الْإِيمَانُ وَلَكِنْ جَعَلْنَاهُ نُورًا نَهْدِي بِهِ مَنْ نَشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا  
نمیدانستی که چیست ایمان و لیکن ساختیم آن را نوری را به هدایت می نمایم به آن کسی را که خواهیم از بندگان خود  
نمیدانستی که چیست ایمان و لیکن گردانیدیم آن را روشنی که هدایت می نمایم به آن کسی را که خواهیم از بندگان خود

وَإِنَّكَ لَنَهْدِي إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ۝ صِرَاطَ اللَّهِ الَّذِي  
و بهر آئینه تو به هدایت می نمایم بسوی راه راست و بهر آئینه تو به هدایت می نمایم بسوی راه راست  
و بهر آئینه تو به هدایت می نمایم بسوی راه راست و بهر آئینه تو به هدایت می نمایم بسوی راه راست

لَهُ مَا فِي السَّمُوتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۝ أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ ۝  
و او راست است آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین است آگاه شو بسوی خدا باز میگردی کارها  
و او راست است آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین است آگاه شو بسوی خدا باز میگردی کارها

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۝  
بسم الله الرحمن الرحيم  
بسم الله الرحمن الرحيم

حَمْدٌ ۝ وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ ۝ إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ  
قسم به کتاب واضح و بهر آئینه ما ساختیم این کتاب را کلام عربی بود که شما  
قسم است به کتاب واضح و بهر آئینه ما گردانیدیم این کتاب را قرآن عربی زبان تا شما

تَعْقِلُونَ ۝ وَإِنَّ فِي أَمْرِ الْكِتَابِ لَذِينَ الْعَالَمِينَ حَكِيمٌ ۝ أَفَنَضْرِبُ  
و بهر آئینه این کتاب حجت است در لوح محفوظ نزدیک ما بهر آئینه این کتاب بلیغ قد با حجت است و آیات  
و بهر آئینه این کتاب حجت است در لوح محفوظ نزدیک ما بهر آئینه این کتاب بلیغ قد با حجت است و آیات

عَنْكُمْ الذِّكْرَ صَفْحًا أَنْ كُنْتُمْ قَوْمًا مُسْرِفِينَ ۝ وَكَمْ أَرْسَلْنَا مِنْ  
از شما پسند را اعراض کرده بر آنکه که بهر آئینه از هر فرشته و بسیار فرستادیم  
از شما این قرآن را اعراض کن ازین سبب که بهر آئینه از هر فرشته و بسیار فرستادیم

نَبِيٍّ فِي الْأَوَّلِينَ ۝ وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ قَبْلِ الْآيَاتِ إِلَّا نَوَابٍ يُسْتَهْزَءُونَ ۝  
پیغمبران را در پیشش میماند و نمی آید بایشان این نشانهها مگر استهزای کردند  
پیغمبران را در پیشش میماند و نمی آید بایشان این نشانهها مگر استهزای کردند

فَإِذَا كُنَّا أَشَدَّ مِنْهُمْ بَطْشًا وَنَحْنُ الْعَاقِلُونَ ۝ وَلَكِنْ  
پس هلاک کردیم سخت تر از قریش شد با عقیدت درست و داری و مذکور شد استخوان پستی و اگر  
پس هلاک کردیم قوم سخت تر از پیشش میماند و از قریش از روی قوه و گذشت و استخوان محب پرستش میماند و در قسم است اگر

سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمُوتَ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ خَلَقَهُنَّ الْعَزِيزُ  
سوال کنی از ایشان که چه کسی آفرید آسمانها و زمین را البته گویند بیا فرید آفریدار خداست غالب  
بهر کسی ایشان را که آفرید آسمانها و زمین را (بهر آئینه) گویند آفریده آنها را غالب

سأله بقره می فرستد تجرد  
شده بر سر روی چشم ظاهری شود بلکه مستقیماً بقلب بنی نازل می کند و فرشته و عدوت آن سخن بفرشته تمسب ادراک می شود و بقره بر مصلحت



















فَلَا تَمْتَرْنَ بِهَا وَاتَّبِعُونِ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ٥ وَلَا يَصُدَّنَّكُمْ

بش مشیر مکنید و قیامت دینجو یا محمد پیروی من مکنید ایست راه راست  
بش مشک بنیادین و آمدن قیامت و پیروی کنید مرا این است راه راست

الشَّيْطَانُ إِنَّكُمْ عِدُوٌّ مُبِينٌ ٤ وَلَمَّا جَاءَ عِيسَى بِالْبَيِّنَاتِ قَالَ

شیطان ہر آئینہ اور حق شہادۂ عین تلہ برست  
شیطان ہر آئینہ اور برای شہادۂ نفسی است آشکارا

قَدْ جِئْتُكُمْ بِالْحِكْمَةِ وَلِأَيِّنْ لَكُمْ بَعْضُ الَّذِي تَخْتَلِفُونَ فِيهِ

درود هم بجا گفت را و آورده ام تا بیان کنم برای شما بعضی از این اختلاف می کنید  
درود هم بشما محنتان محکم و تا بیان کنم برای شما بعضی از این اختلاف می کردید در آن

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا أَمْرَ اللَّهِ هُوَ زِيَّ وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ

پس بر سید ارشد افران من برید هر آینه خدا پروردگار من و پروردگار شماست پس بر سید ادرالست  
پس بر سید ازالد و اطاعت کن مرا هر آینه الله اوست پروردگار من و پروردگار شماست پس بر سید ادر این راه

٨) فَخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ

است است پس از هم هدایت‌دهند چندین گروه از بین ایشان عده پس داعی برای آنانک ظلم کردند از

عَذَابٍ يَوْمَ إِلَهِمْ هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ

عزت روز در دود و دهنده ایا استقامتی کنند مگر قیامت را که بیاید بدینسان ناگهیاں و ایشار  
 دلب روز در دود استقامتی کنند مگر قیامت را که بیاید بایشان ناگهان در عالم انبساط

يَسْتَعْرُونَ ١٥) الاخلاء يومئذ بعضهم لبعض عدو الا المتقين

دوستان آنروز بس ایستادند و من باشدم  
دوستان در آنروز بعض ایشان با بعضی دشمن باشند مگر هر میز گاران لاله

عِبَادِ احْوِ عَلَيَكُمُ الْيَوْمَ وَلَا اَنْتُمْ تَحْزَنُونَ ۝ الَّذِينَ اٰمَنُوا بِاٰيَاتِنَا وَ

۱۳۶۲

انوار مسليمين ۱۷) ادخلوا الجنة انتم و اولادكم تحبون يطاف  
 سلمان بودند گفته شود در آید به بهشت شما و زنان شما خوشحال ساخته گردانیده شود

دوند فرمان بر دار در آمد به پشت شما و زمان شتاب کرد دانیده شده گردانیده شود

ایشان کامیاب می‌باشند و در آن روز دوزخ باز می‌گردد و در بهشت باشد آنچه خواستند نفس و لذت گیرد

ایشان کلاه باری بر دانه طمانی و صراحی و و باشد در بهشت آنچه خواهد پیش کند نفس با ولادت گیرد

عین والتم فیہا حلال و ن ویدک جنت الی اور موهامی نام  
یدن ادچشما و شمایجا جوادان باشید ولین آن بهشت است که عطا کرده شد شمار البسب آنچه

دین او چشم پادشاه را سنجی باشید جاوید و این آن بهشت است که (امثال) امیراث دارد و شمار السبب آن

ی کردید شمار است اینجا میوه بسیار که از آن میخورید  
هر آینه که در آن در

در

اب دوزخ جهادیدال اند

بیک کردانیده گفتو از ایشان عذاب و ایشان در آن عذاب نماند می باشد (از غایت) دانستم

چون که در این کتاب آمده است که در این کتاب آمده است



فلان یقول انی قد

شدت عنتی

ولی یقول انی قد

تقی عثمان

سنة ثمان مائة

ازین خواهد بود که برای

حضرت ابی پسران و

و قرآن قبول کنند

بایشان بکار آید

محل خدا و اولاد و

باشد من اولاد و

بسم که اولاد و

در پیش قدم بر آورد

و نایش از حد و

حضرت او مشغول و

کسی را بران در وقت

که بخدا شهادت

نیت بر او

هم باشد و چون

سین و اصل و

بسیک و اولاد

اد قول می کند

تالون که در حق

قانون را قبول

کرم و اولاد و

و ان كان كاذبا هم الظالمين و ادوا لهما ليعقبن عليهما ربنا قال

و ان كان كاذبا هم الظالمين و ادوا لهما ليعقبن عليهما ربنا قال

و ان كان كاذبا هم الظالمين و ادوا لهما ليعقبن عليهما ربنا قال

و ان كان كاذبا هم الظالمين و ادوا لهما ليعقبن عليهما ربنا قال

و ان كان كاذبا هم الظالمين و ادوا لهما ليعقبن عليهما ربنا قال

و ان كان كاذبا هم الظالمين و ادوا لهما ليعقبن عليهما ربنا قال

و ان كان كاذبا هم الظالمين و ادوا لهما ليعقبن عليهما ربنا قال

و ان كان كاذبا هم الظالمين و ادوا لهما ليعقبن عليهما ربنا قال

و ان كان كاذبا هم الظالمين و ادوا لهما ليعقبن عليهما ربنا قال

و ان كان كاذبا هم الظالمين و ادوا لهما ليعقبن عليهما ربنا قال

و ان كان كاذبا هم الظالمين و ادوا لهما ليعقبن عليهما ربنا قال

و ان كان كاذبا هم الظالمين و ادوا لهما ليعقبن عليهما ربنا قال

و ان كان كاذبا هم الظالمين و ادوا لهما ليعقبن عليهما ربنا قال

و ان كان كاذبا هم الظالمين و ادوا لهما ليعقبن عليهما ربنا قال

و ان كان كاذبا هم الظالمين و ادوا لهما ليعقبن عليهما ربنا قال

و ان كان كاذبا هم الظالمين و ادوا لهما ليعقبن عليهما ربنا قال

و ان كان كاذبا هم الظالمين و ادوا لهما ليعقبن عليهما ربنا قال

و ان كان كاذبا هم الظالمين و ادوا لهما ليعقبن عليهما ربنا قال

و ان كان كاذبا هم الظالمين و ادوا لهما ليعقبن عليهما ربنا قال

و ان كان كاذبا هم الظالمين و ادوا لهما ليعقبن عليهما ربنا قال

و ان كان كاذبا هم الظالمين و ادوا لهما ليعقبن عليهما ربنا قال

و ان كان كاذبا هم الظالمين و ادوا لهما ليعقبن عليهما ربنا قال

و ان كان كاذبا هم الظالمين و ادوا لهما ليعقبن عليهما ربنا قال

و ان كان كاذبا هم الظالمين و ادوا لهما ليعقبن عليهما ربنا قال

و ان كان كاذبا هم الظالمين و ادوا لهما ليعقبن عليهما ربنا قال

و ان كان كاذبا هم الظالمين و ادوا لهما ليعقبن عليهما ربنا قال







ع دین اندر شکن  
که جدا از یک بقدرت  
الله جل و علاه  
آدم کمال خود باقی ماند  
و فرعونیان هم از ان  
بگذرند آنرا بهمان حال  
بگذارند زیر آلودن  
شکر فرعون  
این راه را  
ببیند در ان  
میدانند چنانچه  
طورش چون فرعونیا  
راه را خشک مانت  
دیدند در ان آفتاب  
از حد دانه آب بحر  
بحر خدای تعالی از  
چهار طرف حرکت  
کرده با هم پیوست  
و بدین وسیله تمام  
شکر در آب غرق گردید  
ع دین اسرائیل  
را مالک تن ساختیم  
چنانکه سوره شعرا  
نزد کار یافتن بری  
آید که بعد از فرعونیا  
بنی اسرائیل در مصر  
دست یافتند و اگر  
این واقعیت ثابت نشد  
مطلب چنین میشود  
لوح سامانیکه فرعونیا  
گذاشته بودند همان  
قسم را به بنی اسرائیل  
دادیم و الله اعلم -  
ع در دانات  
ست که بر مردن  
آن در دانه آسان  
می گردد که از ان روزی  
اش فرودی آید و با  
عل صالح او  
از ان بالا رفت ۱۳  
و از زمین پان ها  
موج بر می خیزد  
کنند که بر ان غار  
می افتد یعنی  
الموس که این  
سمات از ان

مُخْرَجُونَ ۴۴) كَمْ تَرَكُوا مِنْ جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ۴۵) وَزُرُوعٍ ۴۶) وَمَقَامٍ كَرِيمٍ ۴۷) وَ  
عشق شده بسیار گذاشته اند از بوستانها و چشمه ها و شستنها و محل گرای  
سزق شده گاهند ع بسیار گذاشته اند باغها و چشمه ها و کشت با و منازل و  
نعمه گانوافیه کافکهاین ۴۸) كَذَلِكَ وَأَوْرَثْنَاهَا خَيْرِينَ ۴۹) فَمَا بَكَتْ  
گذران بار فایست که در ان محفوظ بودند هم چنین شد و عطا کردیم این چیزها که در دیگر را پس نگر نیست  
سازمان آسایش که بودند در ان نعمت ان چنین شد و میراث دادیم ان بار برای قوم آخر ع پس گریه نکرد  
عَلَيْهِمْ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنْظَرِينَ ۵۰) وَلَقَدْ أَخَذْنَا ابْنِي  
بر من قوم فرعون آسمان و زمین و زمین دادیم و عطا کردیم و هر آنچه را که خواص کردیم بنی  
بفرعونیان آسمان و زمین و زمین دادیم و عطا کردیم و هر آنچه را که خواص کردیم بنی  
إِسْرَءِيلَ مِنَ الْعَذَابِ ۵۱) إِنَّهُمْ يَكْفُرُونَ ۵۲) إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا  
اسرائیل را از عذاب خوار کننده که از جانب فرعون بود هر آنچه فرعون بود سرکش  
اسرائیل را از عذاب ذلیل کننده از عذاب فرعون (هر آنچه فرعون بود)  
مِنَ السَّرَفِينَ ۵۳) وَلَقَدْ اخْتَرْنَاهُمْ عَلَىٰ عِلْمٍ عَلَی الْعَالَمِينَ ۵۴) وَأَتَيْنَاهُمْ  
از نهدی کنندگان و هر آنچه برگزیدیم بنی اسرائیل را دانسته بر عالم با و دادیم ایشان را  
از جلد از حد گذرندگان و (هر آنچه برگزیدیم بنی اسرائیل را دانسته بر عالم با و دادیم ایشان را)  
مِنَ الْآيَاتِ مَا فِيهِ بَآئِرٌ ۵۵) إِنَّهُمْ كَانُوا لَيَقُولُونَ ۵۶) إِنْ هِيَ إِلَّا  
از قسم معجزات آنچه در ان امتحان ظاهر بود هر آنچه این جماعه می گویند که نیست عاقبت کار ع  
از ان با آنچه در ان نعمت آشکارا بود لاف (هر آنچه این کفار مکی گویند نیست هیچ مردن (که بعد از ان)  
مَوْتِنَا الْأُولَىٰ وَمَا نَحْنُ بِمُشْرِكِينَ ۵۷) فَأَتُوا بِآبَائِنَا كُفْرًا ۵۸) وَ  
بنی موت عتق و پیوسته ما بر اینچه شده پس بیارید پدران ما اگر هستیم  
مردن عتق و پیوسته ما بر اینچه شدگان پس بیارید پدران ما اگر هستیم  
صَادِقِينَ ۵۹) أَهْمْ خَيْرًا قَوْمٌ نَبِعُ ۶۰) وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ أَهْلَكْنَاهُمْ  
راست گو آیا این جماعه بهتر اند یا قوم تبع قیری و آنکه پیش از ایشان بودند بایک ساختیم آنها را  
راست گو یا این ایشان بهتر اند یا قوم تبع و آنکه پیش از ایشان بودند بایک ساختیم آنها را  
إِنَّهُمْ كَانُوا أَجْرَمِينَ ۶۱) وَمَا خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا  
هر آنچه آنها نگذاشته بودند و نیافریدیم آسمان و زمین را و آنچه در میان بردو است  
بدرستی ایشان بودند کافران و نیافریدیم آسمان و زمین را و آنچه در میان بردو است  
لَعِينٍ ۶۲) مَا خَلَقْنَاهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ۶۳) إِنْ  
بازی کنس نیافریدیم این هر دو را مگر بر درست و لیکن اکثر مردم نمیدانند  
بازی کنان (یعنی عیب) نیافریدیم هر دو را مگر بر درست و لیکن اکثر مردم نمیدانند  
يَوْمَ الْفَصْلِ ۶۴) مِيقَاتُهُمْ أَجْمَعِينَ ۶۵) يَوْمَ لَا يُغْنِي عَنْهُمْ كُفْرُهُمْ  
روز قیامت میعاد ایشانست همه یک جا روزی که در آن کفر هیچ دوستی از دوست دیگر چیز را  
روز قیامت موعده مقدر همه ایشان است روزی که در آن کفر هیچ دوستی از دوست دیگر چیز را  
وَأَنَّهُمْ يَنْصُرُونَ ۶۶) إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ۶۷) إِنْ  
و آنکه ایشان را نصرت داده شود مگر آنکه رحم کرد بر خدا هر آنچه خدا غالب مهربان است هر آنچه  
و آنکه ایشان مدد کرده شوند مگر آنکه رحم کند الله هر آنچه الله غالب بار هم است هر آنچه  
شُكْرُ الزُّقُومِ ۶۸) طَعَامُ الْأَشْيَمِ ۶۹) كَالْمُهْلِ يَغْلِي فِي الْبُطُونِ ۷۰) وَ  
درخت زقوم طعام اشیم مثل مس که جوشیده در شکم با  
درخت زقوم خوراک گناه کار (خلان) است مانند مس که جوشیده در شکم با  
استانده شد کافران که خشم مل صالح ندارد در آسمان و زمین بر گش می کند بکشت بدوش میشود و کشت کم شد و جهان پاک الله می بندد و جنت







فلن يلقى مقتله  
 كجاءت جزائه كمال  
 الريان باشت  
 تفيير عثمان  
 على الشان بعد از  
 غور تفكر فقيده ميتواند  
 كاین چیز از اختیار  
 افتد از خارج بود  
 محض از فضل الله  
 قله قدرت كاملا  
 این اشعار در كار  
 مبرود اند تا بر  
 برانم لازم است كه  
 بكاری مشغول بایم و آن  
 كار فقط همین است كه  
 فزون بردی و اطاعت  
 آن نعم حقیقی و محسوس  
 علی الاطلاق لحاظ  
 مستعار خود را صرف  
 نایم تا در آن دست  
 سراجیم با درست  
 گردیده در آنجا  
 رسیده بر نوبت بدی  
 و شكایتش روی خواهد  
 آمد كه پس با دامن گرفتار  
 نای دور خواهد یافت  
 مدتی قوت داده  
 سبقت باقت فیصله  
 و با شنان و آتش با اینهم  
 و تقه دین با شنان عطا  
 فرمود و حقد بر غیران سید  
 ازین بهانه بیست گردانیم  
 این و فغانی روحانی  
 غیر ازین فغانی جسمانی  
 با شنان لبلا داده شد  
 حتی دامن و سولی بر  
 ایشان فرو فرستاده شد  
 الله درین عصر تمام  
 جهان را با شنان فضیلت  
 كل حاصل بود اما باعتبار  
 بعضی نقصان جزیه قیده  
 و آن عصر هم ضرورت  
 نداد و بعضی احكام  
 نهایت واضح و مفصل  
 و با حجت آشكاره  
 بر عالمی كه در باب  
 و برهان پیش کرده میشود

تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ تَنْتَهِهَا عَلَيْكَ يَا حَقُّقُ فَيَا حَبِيبُ تَعَالَى إِلَيْهِ يُؤْمِنُونَ

این نشانیها خداست بنوازم آنها بر تو بر راستی پس بکدام سخن بعد از سخن الله و آیت های او ایمان آرند

وَيْلٌ لِّكُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ ۝ سَمِعَ آيَاتُ اللَّهِ تَنْتَهِ عَلَيْكَ ثُمَّ يَصْرُ مُسْتَكْبِرًا كَانُ

وایاست هر دروغگوئی گناهگار را ۱ میشود آیات خدا را خوانده میشوند بروی باز اصراری كن و بگو خود را مستكبر كرده

لَمْ يَسْمَعْهَا فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ۝ وَإِذْ عَلِمْنَا مِنْ آيَاتِنَا شَيْئًا أَخَذْنَا حُرُوقًا

نشیده است آنرا پس بفرموده او را عذاب درد آید و چون دانفت شد بر چیزه از آیات ما به سخن گیر و آنرا

أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ ۝ مَنْ وَرَّاهُمْ جَهَنَّمَ وَلَا يَغْنَى عَنْهُمْ مَا

آنجا که ایشانراست عذاب خوار کننده آن طرف ایشان دوزخست و دفع نمکند از ایشان آنچه

كَسَبُوا شَيْئًا وَلَا مَا أَخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ۝

كسب کردند چیزی را و دفع نمکند نیز آنچه دوستان گرفته اند بجز خدا و ایشانراست عذاب بزرگ

هَذَا هُدًى وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝

این قرآن هدایت است و آنانی که کافرتند با آیات پروردگار خویش ایشانراست عذاب درد دهنده از جنس عذاب سخت خدا

الَّذِي سَخَّرَ لَكُمْ الْبَحْرَ لَتَجْرِي أَلْفَاكٌ فِيهِ يَأْمُرُهُ وَيَتَبَعُوهَا مِنْ فَضْلِهِ ۝

آنست كه سخر كرد برائے شما دریا را تا روان شوند كشتیها و در آن بفرمان او و تا طلب كنند از فضل او

لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ۝ وَسَخَّرَ لَكُمْ فِي السَّمُوتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جُنُودًا

تا شكر كنید ۱ و سخر كرد برائے شما آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین است بر شما و آنچه در زمین است خود

إِنْ فِي ذَلِكَ لَا آيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ۝ قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ

اگر آینه درین مقدار نشان نیست كه فكر می كنند بگو مسلمانانرا كه در گذر كنند از آنجا كه

لَا يَرْجُونَ أَتَمَّ اللَّهُ لِيَجْزِيَ قَوْمًا تَسَاءَلُوا أَكُفْرًا ۝ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا

تو بخود روزگاری خدا ندارد و تا سزا دهد خدا كه رسیه را از ایشان محسب آنچه می گردند هر كه بلند كارش است

فَلْيَنْفُسِهِ ۝ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ ۝ وَلَقَدْ آتَيْنَا بَنِي

پس نفس او را است و هر كه بد کاری کند پس و بال بر او است باز بسوی پروردگار خویش رجوع کرده خواهد شد و هر آنچه از این

إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنَّبُوءَةَ وَرَبِّ قَوْمٍ مِنَ الطَّيِّبِينَ فَفَضَّلْنَاهُمْ

اسرائیل را کتاب و حکمت و پیغمبری و روزی دادیم ایشان را از جهت این که پاکیزه و فضیلت داریم ایشان را

عَلَى الْعَالَمِينَ ۝ وَآتَيْنَاهُمْ بَيِّنَاتٍ مِنَ الْأَمْرِ فَمَا اخْتَلَفُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمْ

بر عالمها لغوه دادیم ایشانرا از جهات واضح و در باب دین روشن نمودیم و بعد از آنکه آمد بدیشان

بِرَءَائِهِمْ ۝ وَآتَيْنَاهُمْ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنَّبُوءَةَ وَرَبِّ قَوْمٍ مِنَ الطَّيِّبِينَ فَفَضَّلْنَاهُمْ

و دادیم ایشانرا کتاب و حکمت و پیغمبری و روزی دادیم ایشان را از جهت این که پاکیزه و فضیلت داریم ایشان را

عَلَى الْعَالَمِينَ ۝ وَآتَيْنَاهُمْ بَيِّنَاتٍ مِنَ الْأَمْرِ فَمَا اخْتَلَفُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمْ

بر عالمها لغوه دادیم ایشانرا از جهات واضح و در باب دین روشن نمودیم و بعد از آنکه آمد بدیشان







اَكْثَرُ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ <sup>وَاللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ</sup> وَلِلَّهِ مَلَكُ السَّمُوتِ وَالْأَرْضِ وَيَوْمَ تَقُومُ

السَّاعَةُ يَوْمَئِذٍ يَخْسِرُ الْمُبْطِلُونَ <sup>وَيَوْمَئِذٍ يَكُونُ</sup> وَتَرَى كُلَّ أُمَّةٍ جاثيةً <sup>وَيَوْمَئِذٍ يَكُونُ</sup> فَعَكْلًا أُمَّةً

تَدْعِي إِلَى كِتَابِهَا الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ <sup>وَيَوْمَئِذٍ يَكُونُ</sup> هَذَا كِتَابُنَا يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ

بِالْحَقِّ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ <sup>وَيَوْمَئِذٍ يَكُونُ</sup> فَكُلًّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

فَقَدْ خَلَعْنَا رُبَّهُمْ فِي رَحْمَتِهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ <sup>وَيَوْمَئِذٍ يَكُونُ</sup> وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا

أَفَلَمْ تَكُنْ آيَتِي تَتْلُو عَلَيْكُمْ فَاسْتَكْبَرْتُمْ وَكُنتُمْ قَوْمًا مُجْرِمِينَ <sup>وَيَوْمَئِذٍ يَكُونُ</sup> وَإِذَا قِيلَ

لِلَّذِينَ هُمْ يُعَذِّبُونَ <sup>وَيَوْمَئِذٍ يَكُونُ</sup> وَالسَّاعَةُ لَا تَرِيبُكُمْ فَمَا كُنتُمْ تَقُولُونَ <sup>وَيَوْمَئِذٍ يَكُونُ</sup> إِنْ وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا

لَا تُخْلِفُكُمْ عَلَيْهِمْ <sup>وَيَوْمَئِذٍ يَكُونُ</sup> وَبَدَّلَ اللَّهُ سَيِّئَاتِ مَا عَمِلُوا حَقًّا بِهَمٍّ مَّا

كَانُوا يَسْتَهْزِءُونَ <sup>وَيَوْمَئِذٍ يَكُونُ</sup> وَقِيلَ الْيَوْمَ نَنْسِفُكُمْ كَمَا نَسَفْنَا قَوْمَ لُوطٍ وَنَجْعَلُكُمْ خِثْلًا حَنَاقٍ

هَٰذَا وَنُفِثُكُمْ مِمَّا تَصِفُونَ <sup>وَيَوْمَئِذٍ يَكُونُ</sup> فَالْيَوْمَ لَا يَخْرُجُونَ مِنْهَا وَلَا هُمْ

يَسْتَعْتَبُونَ <sup>وَيَوْمَئِذٍ يَكُونُ</sup> فَلِلَّهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمُوتِ وَرَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ <sup>وَيَوْمَئِذٍ يَكُونُ</sup>

وَلَهُ الْكِبَرُ يَكْفِي فِي السَّمُوتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ <sup>وَيَوْمَئِذٍ يَكُونُ</sup>

عنه اگر از طرف ما این لغت التفسیر ۱۹ تمام جهت کتب که تفسیر شد لکن سرخرود ششم گفت با لاف بصورت کامل جرات کار شریف و یا از کتب تو با حرمین و این مطلب گرفته شود که شما از دل به جرات کاری آفریده بودید و در اوقات دنیا گرفتار آمدن و بیگانه خیال میکردید که از این دنیا گریخت و در دشت رحمت بر زمین و حضور خدا پیش مشایخ است و اگر گاهی بد ما شما خطورتی کرد دل خود را باین تصور تسلی دادید که «شلیک ما در دنیا مقابل مسلمانان است» آرزای استیم در آخرت هم چنین زود فوت را خواهیم داشت و سه انسان باید بسوی او تعالی متوجه شود احسانات و انعامات او را قدر کند محض بر بدایات او درون شود از همه متصرف شد و نقد برای حصول قوتی نوئی او تعالی فکر کند مقابل بزرگی عظمت او همیشه با اختیار و رضای خود مطیع و متقدمات خیال نمرد و سرکش را گاهی بدل خود دنیا در حدیث قدسی است «الکبریه را انی العزیز از برای من تازم» و احاطه منافع و فی التذکره چادر من عظمت از این است بخارون هر کسی را در این دو چیز با من متعلقه و مناسبت کند من از آتش پرتاب خواهم نمود



سورة الاحقاف مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

ثلثون واربعة آية

بسم خداست بخشاینده مهر بان  
خدا می گفتم بنام خداوندی که بخیرت بدارم است

حم تنزيل الكتاب من الله العزيز الحكيم

فرو فرستادن کتاب از جانب خداست غایب حکمت است  
فرو فرستادن کتاب است از طرف الله غایب با علمت

ما خلقنا السموات والارض وما بينهما الا بالحق واجل مسمى والذين

نیافریم آسمانها و زمین و آنچه در میان هر دوست مگر به حق و بحدی که در وقت و بجا و آنگاه  
نیافریم آسمانها و زمین را و آنچه در میان آنهاست مگر بحکمت و بحدی که در بجا و آنگاه

نكفوا عما اندر و امعرضون قل اسرعتتم ان تدعون من دون

خدا را بازگردانید و فرستادید و از آنرا بگردانید و بگو آیدید آنچه می پرسید  
بازگردانید از آنچه ترسانید و فرستادید و از آنرا بگردانید و بگو آیدید آنچه می پرسید

الله اروني ماذا خلقوا من الارض ام لهم شرك في السموات ايتوني

خدا بیا بیا مرا چه چیز آفریده اند از زمین یا ایشان را شریکیت در آسمانها بیا بیا بمن  
الله بیا بیا مرا چه چیز آفریده اند از زمین یا ایشان را شریکیت در آسمانها بیا بیا بمن

يكذب من قبل هذا او اثرة من علم ان كنتم صدقين ومن

کتاب که آمده باشد پیش ازین یا بقیه از علم اگر راست است و کذب  
کتابی که قبل ازین (قرآن) است یا بقیه از علم (پیغمبران) اگر راست گویند و کذب

اضل فمن يدعوا من دون الله من لا يستجيب له الى يوم القيمة

گمراه تر از کسی که بخواند و خدا چیزی را قبول نکند و بپایان قیامت  
گمراه تر از کسی که بخواند و خدا چیزی را قبول نکند و بپایان قیامت

وهم عن دعاهم غفلون واذا احبب الناس كانوا لهم اعداء وكانوا

و این معبودان باطل از خواندن ایشان غافل اند و چون محب کرده شوند مردمان باشند این معبودان را دشمنان و باشند  
ایشان از خواندن ایشان بے خبران اند و چون محب کرده شوند مردمان باشند این معبودان را دشمنان و باشند

يعبادهم كفريقين واذا اتوا عليهم ايتنا بينت قال الذين كفروا

عبادت ایشان را بگویند و چون خوانند خود بر ایشان آیت بانی آشکارا بگویند آن که کافر شدند (به نسبت)  
عبادت ایشان را بگویند و چون خوانند خود بر ایشان آیت بانی آشکارا بگویند آن که کافر شدند (به نسبت)

لالحق لنا جاءهم هذا يسحرمبين ام يقولون افتره قل ان

حق در دست را بگویند بیا بر ایشان این سخن ظاهر است بلکه بگویند بر سر است آنرا بیغایب بگو اگر  
حق (قرآن) بخودی گماند بایشان این جادوی غایب است (بلکه آیه ای گویند که آنرا کرده است آنرا (محمد) بگو اگر

افتريته فلا تمكون لي من الله شيئا هو اعلم بما تفيضون فيه

بر سر است آنرا پس نمی توانید شما برای من از خدا چیزی را خدا دانای تر است بآنچه شما در قرآن  
آنرا کرده باشم آنرا پس نمی توانید برای من از الله چیزی را خدا دانای تر است بآنچه شما در قرآن

كفبه شهيدا ايمني وبينكم وهو الغفور الرحيم قل فاكنت بدعا

بسم خدا اظهار حق کننده در میان من و در میان شما و دوست آنرا هر بیان بگوئیم من  
کافی گواه است الله میان من و میان شما و دوست آنرا هر بیان بگوئیم من

من الرسل وما ادرى ما يفعل بي ولا بكم ان اتبع الا ما يوحى

پیغمبران و نمیدانم چه کرده خواهد شد با من و با شما یعنی در دنیا پیروی می کنم از آنچه وحی فرستاده میشود  
از رسولان و نمیدانم (بگوید تفصیل) چه کرده خواهد شد با من و شما یعنی در دنیا پیروی می کنم از آنچه وحی فرستاده میشود

اگر در دعای شریک  
خود است همیشه  
از کدام کتاب  
آسانی سندی  
بیاورید یا بچین  
اصول علی ثابت  
کنید که زود عطا و نازل  
مسلم باقی ماند باشد  
چیز که در نقل یا عقل  
ندوان چیز بگویند  
خواهد شد و چه گمراهی  
حافظ بزرگ قرآنی  
فعل خواهد بود که از خدا  
منهت شد و چنان  
مخلوق بجان و پای  
اعتقادی را حاجت  
ردای خویش فراموشند  
که اختیار مستقل خود به  
فرمان کسی رسیده و نتوانند  
بلکه این هم ضروری نیست  
که آنها را خواندن کسی  
الیه آنگاه اختیار باشد  
فعل نظر از چنان سستی  
که بگویند اختیار را  
نداند حتی فرشتگان  
و پیغمبران هم که قدرت  
و ادب هر چیز را بشنوند  
و یا کاری را اجرا کنند  
مذلل و تقیاض سخن  
را شنیده و همان کاری  
را اجرا کرده می توانند  
که از طرف الهی اجازه  
قدت آن بایشان  
اعطای شده باشد  
چون در محضر به امداد  
اعانت بیشتر حاجت  
می افتد این معبودان  
بجای هر پیوسته گان  
بیاورده می توانند  
از بی خبر و شمن و متوکل  
آنها را آیت در گمان کنند  
و نیز از زیادتی و در  
انظار خواهند کرد بلکه  
این اندازه اظهار  
خواهد نمود که ما توانا  
ایمانی بدو و اقصی



عده در آن زمان  
مشرکان جاهل عرب  
بی علم و عقل بنی اسرائیل  
عقیده داشتند چون  
صیت شهرت نبوت  
آنحضرت صلی الله علیه  
وسلم بلند شد مشرکین  
خواستند فکر  
علای بنی اسرائیل  
را درین باره معلوم  
کنند غرض حقیقی این بود  
این بود که آن مردم فکر  
را نگذیرد تا برای  
شان و بیلی به دست آید  
که بگویند این علم اهل  
کتاب هم سخنان ادرا  
تکذیب می کنند مسگر  
مشرکین درین مقصد  
بیشتر ناامید ماندند -  
خدای تعالی از زبان  
بنی اسرائیل تصدیق  
تائید آنحضرت صلی الله  
علیه وسلم را قودت فقط  
بهین عقیده سخن که آن  
مردم هم مانند قرآن  
تورات را کتاب آسمانی  
دانند آنحضرت صلی الله  
علیه وسلم حضرت موسی  
را پیغمبری گفته بدین  
طریق دوی رسالت  
از طرف آنحضرت  
و دخی قرآن که کم چیز  
جدید و غریب نیست  
بلکه باین طریق که بعضی  
علمای یهود و صهیون  
کردند و گواهی دادند که  
بدون شک مشیر در  
کتاب بنی اسرائیل  
بک رسالت ایشان  
از ملک عرب و کتاب  
ادبیه و ادبیه و ادبی  
رسول همان رسول بود  
است و این کتاب  
هم چنان است که  
در آن باره خبر داده اند  
بود این مشاهدات ای  
علای بنیود در حقیقت بران

إِلَىٰ وَمَا أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ ۝ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَ

بگوئید من و پیغمبر من مگر ترسان شده و آشکار  
بگوئید من و پیغمبر من مگر ترسان شده و آشکار

كُفِّرْتُمْ بِهِ وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِنْ بَنِي إِسْرَءِيلَ عَلَىٰ مِثْلِهِ فَأَمِنْ وَ

مگر شهادت یان و گواهی داده باشد گواهی از بنی اسرائیل بر قرآن پس و گواهی آن آورده  
سازگار شده باشد بآن و گواهی داده است گواهی از بنی اسرائیل بر قرآن پس ایمان آورد (به آن) و

اسْتَكْبَرْتُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ۝ وَقَالَ الَّذِينَ

سرکشی کردید شما البته ستمگار باشید هر آینه خدا راه نمی نماید گروه ستمکاران را و گفتند  
مگر کردید (ایا علم نیستید) هر آینه خدا راه نمی نماید قوم ظالمان را عه و گفتند آنرا

كُفِّرُوا الَّذِينَ آمَنُوا لَوْ كَانَ خَيْرًا مَّا سَبَقُونَا إِلَيْهِ وَإِذْ لَمْ يَهْتَدُوا بِهِ

کافران در حق مسلمانان اگر این دین بهتر بود سبقت نکردند به بر ما می رسد آن و چون راه نیافتند بآن  
کافران در حق آنرا که ایمان آوردند اگر این دین بهتر بود سبقت نمی کردند بر ما می رسد آن و چون راه نیافتند بآن

فَسَيَقُولُونَ هَذَا أَفْكٌ قَدِيمٌ ۝ وَمِنْ قَبْلِهِ كَتَبَ مُوسَىٰ أُمَمًا وَرَحْمَةً

خواهند گفت این دروغی است قدیم و پیش از قرآن کتاب موسی بود پیشوا و بخشایش  
پس اکنون می گویند این دروغی است قدیمی علی آنگاه پیش ازین (قرآن) کتاب موسی بود پیشوا و رحمت

وَهَذَا كِتَابٌ مُصَدِّقٌ لِّسَانِ عَزِيزٍ لِّبْنِ الرَّحْمَنِ الَّذِيْنَ ظَلَمُوا هَٰؤُلَاءِ وَبَشَرِ

و این کتاب صیت باور دارنده از زبان عزیزی است که بر آنکه بر سر ستمکاران را و برای مژده دادن  
و این (قرآن) کتابی است تصدیق کننده بر زبان عزیزی است که بر آنکه بر سر ستمکاران را و برای مژده دادن

لِلْحَسَنِينَ ۝ إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَفْهَمُوا فَلَخَافُوا

نیکی کاران را هر آینه آنان که گفتند پروردگار ما خداست باز قانع ماندند پس هیچ ترس نیست  
نیکی کاران را هر آینه آنان که گفتند پروردگار ما خداست باز قانع ماندند (بران) پس ترس نیست

عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يُخْزَنُونَ ۝ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا بِإِذْنِ

بر ایشان و نه ایشان اندوه نوزند اینجا اهل بهشت اند جاویدان آن جا پاداش داده شوند  
بر ایشان و نه ایشان عکس شوند آن گروه اهل بهشت اند جاویدان در آن پاداش داده شوند

بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا طَحْمَلَتْهُ

بموجب آنچه می کردند و امر کردیم انسان را که بخواند کند به پدر و مادر خود براداشت و در آن  
به حسب آنچه می کردند و امر کردیم انسان را که بخواند کند به پدر و مادر خود براداشت و در آن

أُمُّهُ كَرْهًا وَوَضَعَتْهُ كَرْهًا وَحَمْلُهُ وَفُصِّلَ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ

مادر او را با ستواری و زاده است او را با ستواری و او را شیر باز کردن او را با ستواری و زنده ماند تا وقتیکه رسید  
مادر او به مشقت و زانیه است او را به مشقت و مده عمل او و جدا کردن او از شیر می ماه است تا چون رسید آن

أَشْدَّاهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي

بجای قوت خود در رسید چهل سال گفت ای پروردگار من الهام کن مرا تا شکر گویم در مشایخ گفت گو  
بجای قوت خود در رسید چهل سال گفت ای پروردگار من الهام کن مرا تا شکر گویم گفت قرآن آن نعمت که

أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلَحَ رُبِّي

انعام کرده بر من و بر پدر و مادر من و کار نیک کنم که خوشنود شوی از آن و صلاح پیدا کن بر آن من  
انعام کرده بر من و بر والدین من و اینکه کار نیکو بپوشی از آن و صلاحیت بخش برای من

فِي ذُرِّيَّتِي ۝ إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ ۝ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ

در فرزندان من بر آنکه در حق مردم بگوئید تو و بر آنکه از مسلمانان  
در اولاد من بر آنکه در حق مردم بگوئید تو و بر آنکه از مسلمانان



تَقْبَلُ عَنْهُمْ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَنَتَجِزُّ عَنْ سَيِّئِهِمْ فِي أَصْحَابِ الْجَنَّةِ

بنا بر این که از ایشان بپذیرد بهترین آنچه کرده اند و در گذرم از بدیهای ایشان این گروه داخل اند در بهشت

وَعَدَ الصِّدِّيقُ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ وَالَّذِي قَالَ لِوَالِدَيْهِ أُفٍّ

بوقی وعده راستی که داده می شود و آنکه گفت به پدر و مادر خود و دل تنگ شدم

لَكُنَّا اتَّعِدُ نَبِيَّ أَنْ أَخْرِجَ وَقَدْ خَلَّتِ الْقُرُونُ مِنْ قَبْلِي وَهِيَ كَالْيَسْتَعْيُنِ لِلَّهِ

بنا بر این که ما وعده میدادیم که اگر آورده شود ما را بر آید که گذشتند و اینهاست که مردم پیش از من و آن بر رویای کن بودند

وَيْلٌكَ أَمِنْ هَٰذَا وَعَدَ اللَّهُ حَقٌّ يَقُولُ مَا هَٰذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ

وای که از این که وعده خدا راست است پس گوید نیست این وعده مگر اساطیر پیشین

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنِّ

اینها آنانند که ثابت شد بر ایشان سخن عذاب در مملکت بائید گذشت است قبل از ایشان از جن

وَالْإِنْسِ أَتَاهُمْ كَانُوا خَيْرِينَ وَلَئِنْ رَجَعْتَ فَمَا عَمَلُوا وَلَوْ قِيلَ لَهُمْ سَمِعْنَا

و آدمیان بر ایشان آمدند بودند زبان کار و برنگار مهربانست بحسب آنچه عمل کردند و تا بنام دیدند ایشان را جزا

وَهُمْ لَا يظلمُونَ وَيَوْمَ يَعُضُّ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَىٰ أَيْدِيهِمْ طَبَقَتُهُمْ

و ایشان ستم کرده نشوند و روزی که پیش آورده شوند و آن بر آید

فِي حَيَاتِهِمُ الدُّنْيَا وَاسْتَمْتَعْتُمْ بِهَا فَإِنَّ يَوْمَ تَجْزُونَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنتُمْ

در زندگی دنیا و استمتاع به آن پس امروز جزا داده شود شما را عذاب خواری بسبب آنکه

تُكْتَبِرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنتُمْ تَفْسُقُونَ وَأَذْكُرْ أَخَا عَادٍ

تجبر کردید در زمین ناحق و بسبب آنکه با فراموشی کردید و یاد کن برادران عاد را

إِذْ أَنْذَرْتَهُمْ قَوْمَهُ بِأَلْحِقَافٍ وَقَدْ خَلَّتِ اللَّيْلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ

چون برسانید قوم خود را بر زمین احقاف و در آید که گشتند و ترسانند کان پیش رو و پس از او

الْأَتَقْدِرُ وَاللَّهُ إِنْ أَخَافَ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ قَالُوا اجْعَلْنَا

بر خدایت گنبد مگر خدا را بر آنچه می ترسم بر شما از عذاب روز بزرگ گفتند آیا آمده پیش ما

لِتَأْكُلَنَا عَنِ الْهَيْئَةِ فَإِنَّا بِمَا تَعْدُو لَنَا كُنْتُمْ مِنَ الصَّادِقِينَ قَالَ إِنَّمَا

تا باز داری ما را از بهر گشتن میوه دان خود پس بیا بر آنچه وعده میدادی ما را اگر راست گویانی گفت بر این نیست که

أَعْلَمُ عِنْدَ اللَّهِ وَأَبْلَغُ قَالُوا سَلِّمْ إِلَيْنَا وَلَا تَكُنْ أَرَكُمُ قَوْمًا يَجْهَلُونَ

منم نزد یک خداست و میرسانم بشما آنچه فرستاده شده است همراه او و لیکن می بینم که شما گروهی هستید که نادانی می کنید

نم آن نزد خداست و میرسانم بشما آنچه فرستاده شده است به آن لیکن من می بینم که شما گروهی هستید که نادانی می کنید

نم آن نزد خداست و میرسانم بشما آنچه فرستاده شده است به آن لیکن من می بینم که شما گروهی هستید که نادانی می کنید

ملایم از قرآن است  
یعنی در هیچ کس از ایشان  
باز نماندند و این اعلم  
و ستمگر گوید این  
تو و است حال سجد  
و شقی پس سجد حق  
خدا توانی حق این  
بجای آورد با تو لغت  
مخلف ظاهر شود و حق  
حق توانی رجوع میکند  
و شقی می کند میان  
کفر و حقوق و الدین  
و انکار مولود صورت  
سجد منطبق است  
بر حضرت ابوبکر صدیق  
و بر غیر ایشان نیز و الله  
اعلم و این از هر  
جانب باین مضمون  
تفسیر عثمانی  
بقیه بر صفحه ۵۲  
ما انما ارسلنا اليك رسولا  
شاهدنا عليكم كما ارسلنا  
الي ذنون رسولا و انزل  
ركعنا و از این سبب  
بعض احبار منصف  
حق برست به و چون  
عبد الله بن سلام و غیره  
بمجموعه و این روی اخبر  
علي الله عليه السلام اسما  
آوردند و اظهار کرده  
گفتند اننا انما ارسلنا  
ليس بوجه كتاب و این  
چهره در درنگ نیست  
آنها بختانیت می کنند  
و اشیاء العجا که قرآن  
است گواهی و اند پس  
چون موسی علیه السلام  
تقریباً هزار سال  
پیش از تو بر جزی  
ایمان آورد و علمای یهود  
بر صدق آن گواهی میدهند  
و بعضی احبار یهود به  
شهادت علی و زبانی  
مشرف با سلام شوند  
لهم با وجود این همه  
شهادت تا با اقرار











دل بی جنگ و تفت  
شود و اعیان بساج  
نماید و الله اعلم

تفسیر عثمانی

ع خدا قدرت دارد  
که برین کافران عذاب  
آسان بفرستد و مانند  
«عاده» و «نوح» را آنجا  
بیاورد که بیک منظور خدا  
از مشرک خود چون جهنم  
و قتال این بلاست

که بندگان را مع

استخوان کند او

میخواهد ببیند که چند

مسلمان برای

نثار کردن جان

مال خود در مقابل نام

خدا آماده هستند و از

بین کفار چند نفر ازین

پیش آمد با تکیه و بیدار

میشتند و ازین مصلحتی که

الله تعالی بایشان

داده است قاناه می

بردارند ازین موجب

مانند قومهای سابق

آنها را یکدم نمی گیرد و

مستصل می کنند حال

بهشتی که از زبان انبیاء

عظیم السلام و جلال

موجع طویشان بایشان

معرفی معلوم شده بود

دران داخل کرده بودند

چون در آنجا رسند هر

بهشتی نشین خود را

خود بخواند و شناخت

و لش بهان طرف

که جای رایش

اوست می یابد

و تنبیه ابن عباس

«عزیز الله» را بعضی

طیبهایم میگویند است

یعنی جنت یا خوشبختی

بای گوناگون برای ش

مطرح کرده شده است

عنه شایسته گویند

که متحرک اند

چگونه درین جهان ذلیل

در سواستند و هوای

بی آسایش ازین

جنگ برآوردند

شد آریاب کافران

اسراف و سزا

باز داده شد

۱۴۰۰

الَّذِينَ كَفَرُوا اتَّبَعُوا الْبَاطِلَ وَأَنَّ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّبَعُوا الْحَقَّ مِنْ

که کاذبان پیروی  
را راست کردند  
و مؤمنان پیروی  
را راست کردند

ذِكْرِهِمْ كَذَلِكَ يُضِرُّ اللَّهُ لِلنَّاسِ آمَنَاتِهِمْ ۖ فَآذِ الْقِيَمَةِ الَّذِينَ

ببرورد کار ایشانست  
بچنین بیان می کند  
خدا برای آنکه مردمان  
را آگاه سازد از حال ایشان  
که کافران را پس چون مصیبت  
کنند با

كُفْرُوا فَضَرْبُ الرِّقَابِ ۖ حَتَّىٰ إِذَا أَتَتْهُمُ وَأَمْشَوْا وَهُمْ فَشِدَّةٌ وَالْوَثَاقِ فَمَمَّكُمَا

کافران پس بزنند  
گردن بار  
تا وقتی که خونریزی  
بسیار کردید در ایشان  
پس حکم کنید قید را پس با حسان  
نهادن کردن

بَعْدَ وَامَّا فِدَاءُ حَتَّىٰ تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهُمْ ۚ ذَٰلِكَ ۖ وَلَوْ كَشَاءَ اللَّهُ

بعد ازین و یا مایه  
بجوش گرفتن تا آنکه  
بهمه جنگ  
بگذارند و یا مایه  
نهند تا آنکه

لَا تَصْرَفْنَهُمْ وَلَكِنْ لِّيَبْلُو أَعْضَاءَ بَعْضٍ ۖ وَالَّذِينَ قَتَلُوا فِي سَبِيلِ

خود انعام  
نشدند از ایشان  
و لیکن میخواهد  
که بعضی را بعضی  
شمارد یا بعضی  
و آنرا که کشته شدند  
در راه

اللَّهِ فَلَن يُضِلَّ أَعْمَالَهُمْ سِيْهًا يَّهْمُ وَيُصْلِحُ بِأَلْهَمٍ ۚ وَيُؤْتِيهِمُ الْجَنَّةَ

خدا پس خطا نخواهد کرد  
عمل ایشان را راه  
خواهد نمود ایشان را  
و نیک خواهد کرد  
حال ایشان را و خواهد  
داد از ایشان را

عَرَفَهُمْ ۚ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ

که شناسا کرده است  
ایشان را یا ای  
مسلمانان اگر نصرت  
دهید به خدا  
نصرت دهد خدا شما را  
و ثابت کند

أَقْدَارَكُمْ ۚ وَالَّذِينَ كَفَرُوا فَتَعْسًا لَهُمْ وَأَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ ۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ

تقدیم باین شمارا  
و آنرا که  
کافرانند پس ملاک  
با ایشان را  
عطا خواهد کرد  
عمل ایشان را  
این سبب است که ایشان

كُفَرُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ ۚ أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا

نمانند کرده چنانچه  
را که فرود آورده است  
خدا پس خطا خواهد کرد  
عمل ایشان را  
این سبب است که ایشان  
نمانند کرده چنانچه  
را که فرود آورده است  
خدا پس خطا خواهد کرد  
عمل ایشان را

كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ ۚ دَمَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ ۚ ذَٰلِكَ لِكُفْرِي

چگونه بود عاقبت  
آنکه پیش از ایشان  
بودی  
برهم زد خدا  
بر ایشان  
و کافران را میبندد

أَمْثَلَهُمْ ۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ۚ وَاللَّهُ يَهْدِي الْقَوْمَ

مانند این عقوبت  
این سبب است  
که ایشان  
کافرانند و رسول خدا  
را نمانند کرده چنانچه  
را که فرود آورده است  
خدا پس خطا خواهد کرد  
عمل ایشان را

إِنَّ اللَّهَ يَدْخُلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ

هر آینه خدا در آورد  
آنها را که ایمان  
آورده اند  
و کارهای  
نیک کرده اند  
پس بولوست  
نهادن نمود از ایشان

تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ۚ وَأَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَّيِّنٍ لَا يَتَغَيَّرُ طَعْمُهُ ۚ وَأَنْهَارٌ مِنْ

جوی آب  
و آنرا که  
کافرانند پس ملاک  
با ایشان را  
عطا خواهد کرد  
عمل ایشان را  
این سبب است که ایشان  
نمانند کرده چنانچه  
را که فرود آورده است  
خدا پس خطا خواهد کرد  
عمل ایشان را

وَأَنْهَارٌ مِنْ نَّعِيمٍ ۚ وَأَنْهَارٌ مِنْ نَّعِيمٍ ۚ وَأَنْهَارٌ مِنْ نَّعِيمٍ ۚ وَأَنْهَارٌ مِنْ

و آنرا که  
کافرانند پس ملاک  
با ایشان را  
عطا خواهد کرد  
عمل ایشان را  
این سبب است که ایشان  
نمانند کرده چنانچه  
را که فرود آورده است  
خدا پس خطا خواهد کرد  
عمل ایشان را

وَأَنْهَارٌ مِنْ نَّعِيمٍ ۚ وَأَنْهَارٌ مِنْ نَّعِيمٍ ۚ وَأَنْهَارٌ مِنْ نَّعِيمٍ ۚ وَأَنْهَارٌ مِنْ

و آنرا که  
کافرانند پس ملاک  
با ایشان را  
عطا خواهد کرد  
عمل ایشان را  
این سبب است که ایشان  
نمانند کرده چنانچه  
را که فرود آورده است  
خدا پس خطا خواهد کرد  
عمل ایشان را

و آنرا که  
کافرانند پس ملاک  
با ایشان را  
عطا خواهد کرد  
عمل ایشان را  
این سبب است که ایشان  
نمانند کرده چنانچه  
را که فرود آورده است  
خدا پس خطا خواهد کرد  
عمل ایشان را



وَالنَّارُ مَثْوًى لَّهُمْ ۚ وَكَانَ مِنْ قَرْيَةٍ هِيَ أَشَدُّ قُوَّةً مِنْ قَرْيَةٍ تَرَكُوا

آتش جایگاهشان است و بسیار از دین کوفی تر بود از دین تو

الْبَقِ أَخْرَجْنَاكَ أَهْلَكَ نَهْمُ فَلَا نَجَا لَهُمْ ۚ أَفَسِنَّ كَانَ عَلَى بَيْنَةٍ مِنْ

که جلا وطن گردانیم و از ایشان را پس نیست بچهارت و نه برای ایشان آسایش که باشد بر راه روشن از که بیرون گردانیم

رَبِّهِمْ كَمَنْ زَيْنَ لَهُ سَوَاءٌ عَمَلُهُ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ ۚ مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي

پیرود کار خویش مانند آن کسی است که آراسته کرده شد در نظار برای او مانند آنکه پیرودی گرداند و اسیر خود را صفت پیغمبر بود و کار خود مانند کسی است که زینت داده شد برای او مثل پیرودی که خود را صفت پیغمبر کرد

وَعَدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ نَارٍ غَيْرِ آسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرْ

داده داده شد متقین را اینست در آن بهشت چو نه است از آب که بپزد و چو نه است از شیر که مزه از دهنه داده شده به متقین این است در آن چو نه است از آب که بپزد و چو نه است از شیر که مزه از دهنه داده شده

طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِنْ خَمْرٍ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ وَأَنْهَارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّى وَلَهُمْ

برند گشته و چو نه است از شراب لذت دهنده آشامیدن پس را و چو نه است از عسل که صاف شده و دهنه از شراب و چو نه است از شراب لذت دهنده آشامیدن پس را و چو نه است از عسل که صاف شده

فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَمَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ طَيِّبٌ هُوَ خَالِدٌ فِي

آنجا هر جنس میوه و دالیشان راست آمرزش از پیرود کار ایشان آنجا هر جنس میوه و دالیشان راست آمرزش از پیرود کار ایشان

النَّارِ وَسُقُومَاءٌ حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ وَمِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ

آتش و نوشانیده و شونده آب گرم پس پاره پاره ساخت و دهنه ایشان را و از مردمان است که گوش می شنود از آتش نوشانیده و شونده آب گرم پس پاره پاره ساخت و دهنه ایشان را و از مردمان است که گوش می شنود

حَتَّى إِذَا خَرَجُوا مِنْ عِنْدِكَ قَالُوا لِلَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مَاذَا قَالَ

تا آنکه بیرون روند از نزد تو گویند آنکه عطا کرده شد ایشان را علم چه چیز گفت پس هر تا چون بیرون روند از نزد تو گویند آنکه عطا کرده شد ایشان را علم چه چیز گفت

أَنْفَاكَ أُولَئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ ۚ

آحل آن جمعه آنست که مهر نهاده است خدا بر دل ایشان و پیرودی گرداند و ایشان پس خود را کنون آن جمعه آنانند که مهر نهاده است خدا بر دل ایشان و پیرودی گرداند و ایشان پس خود را

وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى وَآتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ ۚ فَهُمْ يَنْظُرُونَ

و مانند راه یاب شدند زیاده کرد خدا ایشان را هدایت و عطا کرد بد ایشان تقوی ایشان را و استقامت کردند و آنکه راه یاب شدند زیاده کرد خدا ایشان را هدایت و عطا کرد بد ایشان تقوی ایشان را و استقامت کردند

إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً ۚ فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا فَأَنَّى لَهُمْ إِذَا

که قیامت را که بیاید بد ایشان و هر چه است علامات قیامت پس از کجاست برای ایشان پس از کجاست برای ایشان پس از کجاست برای ایشان

جَاءَ تَهُمْ ذِكْرُهُمْ ۚ فَاَعْلَمُوا أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ

بیاید قیامت ایشان پس یقین کن که نیست هیچ معبود مگر خدا و آمرزش طلب کن برای آن که خود را بیاید قیامت ایشان پس یقین کن که نیست هیچ معبود مگر خدا و آمرزش طلب کن برای آن که خود را

لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ۚ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مُتَقَلَّبَكُمْ وَمَثْوَاكُمْ ۚ وَيَقُولُ

در حق مردمان مسلمان و زنان مسلمان و خدا میداند جایگاهتان و جایی که ماندن شما و می گویند برای مردمان مؤمن و زنان مؤمن و خدا میداند بازگشت شما را و مسکن شما را و می گویند

وَاللَّهُ يَعْلَمُ مُتَقَلَّبَكُمْ وَمَثْوَاكُمْ ۚ وَيَقُولُ

و خدا میداند بازگشت شما را و مسکن شما را و می گویند

و الله اعلم  
تا آنکه فرموده در باب جهنم  
مردم ضعیف الدین نازل  
شد ۱۲ فصل حاصل این  
آیات خمس آن شخص  
است که به مجلس علم در  
آیه لغیم حقیقت آن  
نرسد بسبب جهل و غرور  
نفس بر دل او و حجاب  
استفسار دیگران گردد  
و تحریف است بقیامت  
مثل این شخص را الله  
اعلم ۱۲

تفسیر عثمانی  
عنه یعنی همان قرآن  
مثلاً به جز آن که تمام  
گذشته و عده و دهنه  
جنت و دوزخ همه را  
شنیده اند اکنون برای  
باز کردن انتظار کدام  
وقت را در اندازند همان  
ساعتی را انتظار دارند  
که قیامت قائم شود چنانچه  
علامات قیامت بظهور  
شده است و تقیید نیست  
در مدتی که قیامت  
قائم و آتش و باد کردن  
برای آنها کجایانی همانند  
یعنی فهمیدن و باد کردن  
آنوقت بکار می آید زیرا  
که قیامت به آن مرتب  
نی شود و حضرت شاه  
عزیز علی نویسد  
علامه بزرگ قیامت  
بعثت نبی است به  
انذار انتظار بعثت  
خاتم النبیین و ایشانند  
چون او مبعوث شد  
و مقصود تحقیق عالم  
حاصل گشت از انوار  
فقط قیامت قیامت  
باقی است و در حدیث  
آمده که نبی کریم صلی  
الله علیه و آله و سلم  
و انکشت و علی اشاره به  
فرموده فرموده انذار است

و الله اعلم

و الله اعلم



فل یغنی عننا فاقان  
یا یهود و یا یحیی  
ظلمت نقایا برورس  
ایشان بویه ای شد  
والله اعلم ۱۲  
تفسیر عثمانی  
عنه حضرت شاه  
صاحب (رحم الله)  
مینویسد یعنی از حق  
به تنگ آمده آمدیدی  
جهادی کنیده و اگر خدا  
حزب شمارا غالب  
کند فدا بری بای غایب  
(تنبیه) مترجم محقق  
قدس الشریه ترجمه  
«تولیم را» به حدیث  
ناقص شد به «کرده است»  
چنانکه دانی بسیاری  
مفسرین چنین است  
علمای دیگر «تولی»  
را بمعنی اعراض گرفته  
چنین مطلبی گیرند  
اگر شمار جهاد در راه  
الله توانی اعراض کنیده  
ظاهر است که در دنیا  
امن و الضمان قائم  
نمی شود چون در دنیا  
امن و الضمان باقی  
نماند ظاهر است که  
فساد بدامنی و حق  
ناشناسی بود  
کاری آید و بعضی چنان  
تفسیر کرده اند که اگر شمار  
از ایمان آوردن در عرض  
کردید کیفیت زمام  
جاهلیت خود می کشد  
یعنی خرابی با دلی نمی با  
وفادی که در انحصار  
وقت بود و بر  
مؤمنان ادنی  
و جزئی روابط  
و خلیف دینی منقطع  
میگردد تمام لشکر بقی  
با دیگر عالم میشود و اگر  
خطاب آیت مخصوص  
مناقضین باشد

الذین آمنوا ولا یزکت سورة فاذا انزلت سورة فذکر فیها  
سماوات پر افرو فرستاده نشد سوره ای پس چون فرستاده شود سوره ای  
مؤمنان چرا فرستاده نشد سوره ای پس چون فرستاده شود سوره ای  
القتال رایت الذین فی قلوبهم مرض ینظرون الیک نظر  
قتال به بینی آنان را که در دل ایشان بیماری است می نگرند به تو مانند نظر کردن کسی که  
جنگ می بینی آنان را که در دل ایشان مرض (بیماری) است می نگرند به تو مانند نظر کردن کسی که  
المتغنی علیک من الموت فاولی لهم طاعة وقول معروف فاذا  
اورایه پوششی بر سینه باشد بسبب حضور موت پس واسطه ایشان را حال ایشان بحسب ظاهر یا برادر است یا نه  
به پوششی واقع شده باشد بروی بسبب پس دای برایشان (کار ایشان) نرسد بر داری و سخن نیکو گفتن است پس چون  
عزم الامر فلو صدقوا الله لکان خیر لهم فهل عسیت ان  
مهم شود کار اگر عده خود راست کردند به با خدا بهتر بود است برائے ایشان پس اسه ضعیف ایمان آنرا متولی  
مؤکد شود کار پس اگر راست کردند ی ر عده خود را به الله البتة بهتر بود برای ایشان پس آیا توقع میشود از شما که اگر حلیت  
لو لیت ان تفسدوا فی الارض وتقطعوا ارحاکم اولیک الذین  
اگر مردمان شود البتة نزدیک اید از آنکه تباہی کاری کنید و زمین و قطع کنید داری غایب این جماعه آمانند  
داده شود شمارا آمانند اول کنید و زمین و قطع کنید رشت داری بای خود را آری امه آن جماعه آن اند  
لعنهم الله فاصبرهم واعلم انهم یزکتون القرآن  
کفرست کرد ایشان را خدا پس کمر ساخت ایشان را و کور کرد چشمهای ایشان را آیات اهل بی کنت در قرآن  
کفرست کرد ایشان را الله پس کمر ساخت ایشان را و کور کرد چشمهای ایشان را آیات اهل بی کنت در قرآن  
ام علی قلوب اقلکها ان الذین ارتدوا علی ادبارهم من بعد  
یا بر دل با قفل آن دلهاست بهر آینه آمانند بر پشت بر پشت خویش پس از آن که  
یا بر دلهای ایشان قفلهاست بهر آینه آمانند بر پشت بر پشت بای خود پس از آنکه  
ما تبیین لهم الهدی الشیطان سؤل لهم وامر لهم ذلک بانهم قالوا  
اظهار شد ایشان را راه هدایت شیطان آراسته کرده (است بر علیه ایشان) مهلت داده است لیت ترا انهم بسبب است ایشان  
اظهار شد برای ایشان راه راست شیطان آسان کرد برای ایشان (از کتاب گمراهی) و دعه در ازای (و از روم) و ادبایشان این  
لذین کرهوا ما نزل الله سنطیعکم فی بعض الامر والله  
با آنکه ناپسند کرده اند چیزی را که خدا فرستاده است و فرما بر داری شما خواهیم کرد در بعض کار با حق و خدا  
بر تانی که ناپسندید چیزی را که خدا فرستاده است که فرمان برداری شما خواهیم کرد در بعض کار با حق و الله  
یعلم اندر اهلهم فکیف اذا توفتهم المملکة یضربون وجوههم  
میدان سخن پنهان گفتن ایشان را پس چنانکه یافت حال وقتی که نفس روح ایشان گفت فرستاد میزند بر روی بای ایشان  
میدان را از گفتن ایشان را پس چه حال که باشد چون بعضی کند و اوج ایشان از فرشتگان در حال که میزند بر روی بای ایشان را  
واد بارهم ذلک بانهم اتبعوا ما اسخط الله و کرهوا رضوان فاحبط  
و پشتمانی ایشان را این عقوبت بسبب است که ایشان پیروی چیزه کردند که خشم آورده خدا را و پشند کردند رضوانی او را  
و پشت بای ایشان را این بسبب است که پیروی کردند چیزه را که خشم آورده خدا را و ناپسندید رضوانی او را که موجب ارضای  
اعمالهم ام حسب الذین فی قلوبهم مرض ان ینخرج الله  
اعمال ایشان را آیا پندارشته اند آنان در دل با حق ایشان بیماری است که ظاهر بخوابد کرد خدا  
علمای ایشان را آیا پندارشته اند آنان در دلهای ایشان مرض است که ظاهر بنگد الله  
اضغانهم ولو نشاء اکر ینکهم فلعرفتمهم بسیدهم ولتعرفتمهم  
کنیدای ایشان را اگر میخواهید می نمودیم ایشان را بگو پس می شناسی ایشان را به حق ایشان را و به ایشان می شناسی  
کنیدای ایشان را و اگر بخواهیم نشان می دادیم بگو ایشان را (در سخن) بگو پس البتة شناسایی ایشان را به عبارات ایشان می دانید  
چنین مطلب می گرفته می شود که اگر جهاد اعراض کنید از شما بین توقع که و میگوید که از شرارت بای من فدا خود در زمین خرابی بر پا میسازد و از مسلمانان











مَنْ يَكْفُرْ فَإِنَّمَا يَسْتَأْذِنُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أُوْفِيَ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مَنْ يَكْفُرْ فَإِنَّمَا يَسْتَأْذِنُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أُوْفِيَ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ

فَسِيؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا سَيَقُولُ لَكَ الْمُخَلَّفُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ شَغَلَتْنَا

أَمْوَالُنَا وَأَهْلُونَا فَاسْتَغْفِرْ لَنَا يَقُولُونَ بِالسَّيِّئَةِ مَا لَيْسَ فِي

قُلُوبِهِمْ قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ لَكُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ بِكُمْ ضَرًّا أَوْ أَرَادَ

بِكُمْ نِعْمَةً بَلْ كَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا بَلْ ظَنَنْتُمْ أَنْ لَنْ

يَنْقَلِبَ الرَّسُولُ وَالْمُؤْمِنُونَ إِلَى أَهْلِيهِمْ أَبَدًا وَزَيَّنَ ذَلِكَ فِي قُلُوبِكُمْ

وَظَنَنْتُمْ ظَنَّ السَّوْءِ وَكُنْتُمْ قَوْمًا بُورًا وَمَنْ لَمْ يُؤْمَرْ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ

فَإِنَّمَا أَعِذْنَ الْأَكْفَرِينَ سَعِيرًا وَلِلَّهِ فُلُكُ السَّمُوتِ وَالْأَرْضِ يُعْظِرُ

مَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا سَيَقُولُ

لَا تَنْصَرِفْ حَتَّى تَقُولُوا لَا تَنْصَرِفْ حَتَّى تَقُولُوا لَا تَنْصَرِفْ حَتَّى تَقُولُوا لَا تَنْصَرِفْ

حَتَّى تَقُولُوا لَا تَنْصَرِفْ حَتَّى تَقُولُوا لَا تَنْصَرِفْ حَتَّى تَقُولُوا لَا تَنْصَرِفْ

حَتَّى تَقُولُوا لَا تَنْصَرِفْ حَتَّى تَقُولُوا لَا تَنْصَرِفْ حَتَّى تَقُولُوا لَا تَنْصَرِفْ

حَتَّى تَقُولُوا لَا تَنْصَرِفْ حَتَّى تَقُولُوا لَا تَنْصَرِفْ حَتَّى تَقُولُوا لَا تَنْصَرِفْ

حَتَّى تَقُولُوا لَا تَنْصَرِفْ حَتَّى تَقُولُوا لَا تَنْصَرِفْ حَتَّى تَقُولُوا لَا تَنْصَرِفْ

حَتَّى تَقُولُوا لَا تَنْصَرِفْ حَتَّى تَقُولُوا لَا تَنْصَرِفْ حَتَّى تَقُولُوا لَا تَنْصَرِفْ

حَتَّى تَقُولُوا لَا تَنْصَرِفْ حَتَّى تَقُولُوا لَا تَنْصَرِفْ حَتَّى تَقُولُوا لَا تَنْصَرِفْ

حَتَّى تَقُولُوا لَا تَنْصَرِفْ حَتَّى تَقُولُوا لَا تَنْصَرِفْ حَتَّى تَقُولُوا لَا تَنْصَرِفْ

حَتَّى تَقُولُوا لَا تَنْصَرِفْ حَتَّى تَقُولُوا لَا تَنْصَرِفْ حَتَّى تَقُولُوا لَا تَنْصَرِفْ

حَتَّى تَقُولُوا لَا تَنْصَرِفْ حَتَّى تَقُولُوا لَا تَنْصَرِفْ حَتَّى تَقُولُوا لَا تَنْصَرِفْ

حَتَّى تَقُولُوا لَا تَنْصَرِفْ حَتَّى تَقُولُوا لَا تَنْصَرِفْ حَتَّى تَقُولُوا لَا تَنْصَرِفْ

حَتَّى تَقُولُوا لَا تَنْصَرِفْ حَتَّى تَقُولُوا لَا تَنْصَرِفْ حَتَّى تَقُولُوا لَا تَنْصَرِفْ

صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم در  
سفر حدیبیہ موافقت  
شکرتند و اللہ اعلم ۱۲  
۱۰ یعنی غنیمت های  
خیر را از دست  
فازد و در دم و لطف  
در زبان حضرت ابوبکر  
و حضرت عمر متحقق  
شد و اللہ اعلم ۱۳  
تفسیر عثمانی  
عبد الرحمن اجبت  
حدیبیہ به آنحضرت  
صلی اللہ علیہ وسلم حکم  
دادہ شد کہ به «خیمہ»  
اجتماع برده شود و در آنجا  
بسیار سکونت داشتند  
و آنجا بمذبحی کردند و در  
جنگ «احزاب»  
اقوام کفار را برای هجوم  
بر آن آماده ساخته  
آورد و چون در حق تعالی  
به آنحضرت خبر دادند  
نشان اینکه به «حدیبیہ»  
نزاع بودند و مکرر فریز  
استماعی شغولیت  
خواهند کرد چرا کہ درین  
بجای خط و کثر امید  
غنیمت بیشتر است  
بایشان بگویش از  
استماعی شغولیت تعالی  
بماطلعت داده است  
که شادین سفر یعنی  
بازگشتن خواهد رفت  
درین صورت شما  
چگونه همراه رفتی  
قوانید اگر با بروید  
منا آن این میشود  
که گویا فرموده خداوند  
تجدیل کرده شده حال  
آنکه پیغمبر صلیت تبدیل  
آن ممکن نیست ع  
یعنی اینها غلبی کم فهم اند  
و از بخیر و نبی غی  
توانند که مسلمانان  
هم در وقت اقامت  
آیا این غرض است

بسیار است که بر شامه بر نه آید ممکن است که بخیر اندازد و حدیبیہ بخیر است و ابوبکر را (الباقی)



فان طيعوا يؤتكم الله اجرا حسنا وان تتولوا كما توليت من  
 پس اگر فرمان بر داری که بپسندید خدا شما را و اگر روگردان شوید چنانکه روگردان شده بودید  
 قبل يعذبكم عذابا اليما ليس على الاغصان حرج ولا على الاغصان  
 پیش از این عذاب کند شما را عذاب دردناک نیست بر تنهایان تعلیف و نه بر تنگ  
 حرج ولا على السريض حرج مو من يطع الله ورسوله يدخله  
 گنبد و نه بر بیمار گنبد و نه بر جوان ببرد خدا را و رسول او را و او را در دشت  
 جنة تجري من تحتها الانهار ومن يتول يعذب به عذابا اليما  
 بهشت بازمیرود زیر درختان آن جوهرها و هر که روگردان شود عذاب کند او را به عذاب دردناک  
 لقد رضي الله عن المؤمنين اذ يبايعونك تحت الشجرة فعلم  
 پس اینها خوشنودش خدا از مسلمانان و قتیله بیعت می کردند یا تو زیر درخت پس دانست  
 ما في قلوبهم فانزل السكينة عليهم واثابهم فتحا قريبا  
 آنچه در دل ایشان است پس فرو داد آسودگی دل بر ایشان و پاداش ایشان را فتح نزدیک  
 و مغنم كثيرة ياخذونها و كان الله عزيزا حكيم  
 و غنیمت های بسیار که بگیرند آنها و هست خدا غالب با حکمت و عده داده است شما را  
 الله مغنم كثيرة اخذونها و كان الله عزيزا حكيم  
 خدا غنیمت های بسیار که بگیرد آنها را پس زود عطا کرد پس غنیمت و باز داشت  
 ابدى الناس عنكم ولتكون آية للمؤمنين ويهدى لكم صراطا  
 دست مردمان را از شما و تا باشد آیه ای برای مؤمنان و تا باشد خدا شما را راه  
 مستقيما و اخرى لم تقدروا عليهم قد احاط الله بهما و كان الله على  
 راست و و عده داد خدا غنیمت های دیگر نیز که بخور دست نیافتنی اید بران و البته است خدا آنرا دست خدا بر  
 كل شئ قدير اولو فانلكم الذين كفروا لولا ادبارتم لا يكونون  
 بر چیز توانا تر و اگر جنگ می کردند با شما کافران البته می بودند و شما را باز نمی یافتند  
 وليا ولا نصيرا سنة الله التي قد خلت من قبل و كن تجد  
 کار ساز و نه نصرت دهنده مانند آیین خدا که گذشته است پیش ازین و نخواهی یافت  
 لسنة الله تبدلا وهو الذي كف ايديهم عنكم و ايدىكم  
 آیین خدا را تبدیلی دادست که باز داشت دست کافران از شما و دست شما را  
 من يقاتل يقاتل الله ورسوله وقاتل الذين كفروا و الله مع الصابرين  
 هر که بجنگد بجنگد خدا و رسول او و بجنگد آنکه کفر کرده اند و خدا است با صابران

فان طيعوا يؤتكم الله اجرا حسنا وان تتولوا كما توليت من  
 پس اگر فرمان بر داری که بپسندید خدا شما را و اگر روگردان شوید چنانکه روگردان شده بودید  
 قبل يعذبكم عذابا اليما ليس على الاغصان حرج ولا على الاغصان  
 پیش از این عذاب کند شما را عذاب دردناک نیست بر تنهایان تعلیف و نه بر تنگ  
 حرج ولا على السريض حرج مو من يطع الله ورسوله يدخله  
 گنبد و نه بر بیمار گنبد و نه بر جوان ببرد خدا را و رسول او را و او را در دشت  
 جنة تجري من تحتها الانهار ومن يتول يعذب به عذابا اليما  
 بهشت بازمیرود زیر درختان آن جوهرها و هر که روگردان شود عذاب کند او را به عذاب دردناک  
 لقد رضي الله عن المؤمنين اذ يبايعونك تحت الشجرة فعلم  
 پس اینها خوشنودش خدا از مسلمانان و قتیله بیعت می کردند یا تو زیر درخت پس دانست  
 ما في قلوبهم فانزل السكينة عليهم واثابهم فتحا قريبا  
 آنچه در دل ایشان است پس فرو داد آسودگی دل بر ایشان و پاداش ایشان را فتح نزدیک  
 و مغنم كثيرة ياخذونها و كان الله عزيزا حكيم  
 و غنیمت های بسیار که بگیرند آنها و هست خدا غالب با حکمت و عده داده است شما را  
 الله مغنم كثيرة اخذونها و كان الله عزيزا حكيم  
 خدا غنیمت های بسیار که بگیرد آنها را پس زود عطا کرد پس غنیمت و باز داشت  
 ابدى الناس عنكم ولتكون آية للمؤمنين ويهدى لكم صراطا  
 دست مردمان را از شما و تا باشد آیه ای برای مؤمنان و تا باشد خدا شما را راه  
 مستقيما و اخرى لم تقدروا عليهم قد احاط الله بهما و كان الله على  
 راست و و عده داد خدا غنیمت های دیگر نیز که بخور دست نیافتنی اید بران و البته است خدا آنرا دست خدا بر  
 كل شئ قدير اولو فانلكم الذين كفروا لولا ادبارتم لا يكونون  
 بر چیز توانا تر و اگر جنگ می کردند با شما کافران البته می بودند و شما را باز نمی یافتند  
 وليا ولا نصيرا سنة الله التي قد خلت من قبل و كن تجد  
 کار ساز و نه نصرت دهنده مانند آیین خدا که گذشته است پیش ازین و نخواهی یافت  
 لسنة الله تبدلا وهو الذي كف ايديهم عنكم و ايدىكم  
 آیین خدا را تبدیلی دادست که باز داشت دست کافران از شما و دست شما را  
 من يقاتل يقاتل الله ورسوله وقاتل الذين كفروا و الله مع الصابرين  
 هر که بجنگد بجنگد خدا و رسول او و بجنگد آنکه کفر کرده اند و خدا است با صابران



عَمَّ يَبْطِنُ مَكَّةَ مِنْ بَعْدِ اَنْ اُظْفِرَكُمْ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ

از کافران در میان که بعد از آنکه فیروز شد ساخت شمارا بر ایشان و هست خدا با آنچه می کنید

بَصِيرًا هُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَالْهَدْيِ

چنانکه این کفار قریش آنانند که کافر شدند و بازداشتند شمارا از مسجد حرام و بازداشتند قربانی را

مَعُوقًا اَنْ يَكُنَّ فِجْلًا وَلَوْ لَا رِجَالٌ مُؤْمِنُونَ وَنِسَاءٌ مُؤْمِنَاتٌ

موقوفه داشته از آنکه برسد بجای خود و اگر نبودند مردان مسلمان و زنان مسلمان

مُتَعَلِّمُوهُمْ اَنْ تَطُوَّهُمْ فَيُضَيِّقُكُمْ فَمَعْرَةٌ بَغِيرَ عِلْمٍ لِيَدْخُلَ

از شما آید ایشان را اگر نبودند خود را که تپانند بر شما پس برسد بشما تا که بغیر دانستند فتح را مگر خدا تا در آید

اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ

خدا را که خواهد هر محبت خود اگر بترسیدند جدا می شد از کفار البتة عذاب میدادیم آنان را که کافر شدند از ایشان

عَذَابًا أَلِيمًا اِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ حَمِيَّةَ

عقوبت در دو منده آنگاه که قسم کردند کافران در دل بی عفت را از جنس غیر

الْجَاهِلِيَّةِ فَاَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ

جاهلیت پس فرود آورد خدا اطمینان خود را بر پیغمبر خود و بر مسلمانان

وَالْكَافِرَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا ط وَكَانَ اللَّهُ

و ثابت گردید ایشان سخن پر بیم گاری و بودند سزاوار آن و اهل آن و هست خدا

بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا لَقَدْ صَدَّقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّسُلَ بِالْحَقِّ

هر چیز داناست و ثابت بر آینه راست نمود خدا پیغمبر خود را جواب مطابق واقع

لَدْخُلِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ اِنْ شَاءَ اللَّهُ اٰمِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُءُوسَكُمْ

باید محققان که البته داخل خواهند شد مسجد حرام اگر خدا خواهد است امان شده تراشیده روسته سر خود را

وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا فَجَعَلَ مِنْ دُونِ ذَلِكَ

و محقراض گرفته تر سزاوار شده پس دانست آنچه ندانستید شما پس میسر کرد پیش از این

فَتْحًا قَرِيبًا هُوَ الَّذِي ارْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظَاهِرَهُ

فتح نزدیک را اوست آنکه فرستاد پیغمبر خود را به هدایت و دین حق تا غالب کند دشمن

عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ

بر ادیان همه آن و کفایت است خدا اظهار حق کننده محمد صلعم پیغمبر خداست و آنکه همراه اویند

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا تَوَّاهِينَ مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللَّهِ وَآلُكَ هُمُ الْبَرَاءُ

و که پیروان او است الله محمد فرستاد و الله و آنانکه همراه اویند

فصل توفیق است  
بأن تفسر بعد انفقاد  
صلح هتفا و حق از او باشر  
قریش خواستند که بخیر  
بر صحابه تاخت آرند  
صحابه همه را اسیر کرده  
پیش آنحضرت علی الله  
علیه وسلم آوردند تا خنجر  
معلومه ظاهر از نزدیک  
برنده ضعیف ست و  
جمع آنست که این آ  
بشارت بفتح کرد  
آوردن لفظی از  
جهت تحقیق و توح  
بشارت و الله اعلم  
فصل یعنی تصدیق رویا  
یا فضل تحقق شریعت  
در حق ما ظاهر شریعت  
و الله اعلم و الله اعلم  
جماعت از مسلمانان این  
صلح را کرده بودند آخر  
خداست اطمینان را  
بدل ایشان انداخت  
تا بر حق آنحضرت صلی الله  
علیه وسلم رضاد او دانند  
اعلم

تفسیر غمانی  
چند سوره متواتر  
در حدیث و رسیده  
بودند که فتح یافتند آخر  
را شهید کنند و بعضی  
مسلمانان را که تیرباران  
آوردند بکشتن چنانکه  
اندازه آورده اند و سرانجام  
حتی یک مسلمان را هم  
کشتند کلمات استثنائی  
آنکه گفتند با کفر صحابه  
رضی الله عنهم آنهارا  
زنده و ستمگر کرده  
بجسور رسول کریم صلی الله  
علیه وسلم حاضر کردند  
آنحضرت آنها را اسیر  
فرمود و هیچ اعتقاد نکردن  
در حق آنکه پیغمبر حقین  
و اوقات اشتهار شده  
و در بیان که «لایحیی











يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِشْمٌ

اے مسلمانان! اجتناب کنید از بسیاری گمان بد هر آنچه بعضی بد گمانی گناه است

وَلَا تَحْسَبُوا أَوْلِيَّتَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا يَحِبُّ أَحَدُكُمْ أَن يَأْكُلَ

و چاسوسی ننمید و غیبت ننمید بعضی شما بعضی را آید دوست میدارد که از شما بخورد

لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْنَاهُ وَأَتَقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ يَا أَيُّهَا

گوشت برادر خود کشته باشد پس متفرق ننمید از وی: بر سر خدا هر آینه خدا توبه پذیرنده مهربان است

النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاهُ مِن ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاهُ شَعْرًا قَبِيلًا

مردان! هر آینه ما آدمیان را از یک مرد و یک زن و ما ایشان را جماعتها و قبیلهها

لِتَعَارَفُوا إِنَّا كَرَّمَكُم مِّنْ عِندِ اللَّهِ أَتَقُونَ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ قَالَتْ

تا با یکدیگر بشناسانید هر آینه گرامی ترین شما نزد یک خداست بر سر کارترین شماست هر آینه خدا دانای جزو است گفتند

الْأَعْرَابُ أَمْ أَفْلَحَ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قَوْلُوا اسْلُمُوا وَلَا يَكُنْ خَلَاؤُكُمْ

اعراب ایمان آوردیم یا نه؟ تحقیقت ندارد و بدید و بگوئید منقاد شده ایم و بنیز در میان آمده است ایمان

فِي قُلُوبِكُمْ وَإِنْ تُطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَا يَلِفْ لَكُمْ أَعْمَالُكُمْ شَيْئًا

بدل نمائید شما و اگر فرمانبرداری خدا و رسول او کنید که نپذیرد شما از جزای عمل شما چیزی را

إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ

هر آینه خدا آمرزگار مهربان است جز این نیست که مؤمنان آنانیست که ایمان آورده اند و در توحید و توحید با خدا

تَمَكُّمٌ يَرْتَابُوا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ

باز شجاعت نکرده و جهاد نموده با اموال خود و جان خود در راه خدا آن جماعت

هُمُ الصَّدُوقُونَ قُلْ أَعْلَمُونَ اللَّهُ بِدِينِكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي

ایشانند راست گویان! بگو آیا خبر داری که دین خدا را بدین خود و خدا میداند آنچه در

السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ يَسْمُونَ عَلَيْهِ

آسمانها و آنچه در زمین است و خدا بهر چیز داناست منت می بینند بر تو

إِنْ أَسْلَمُوا أَطَقُوا لَكُمْ إِسْلَامَكُمْ بَلِ اللَّهُ يَمُنُّ عَلَيْكُمْ أَنْ

بایک مسلمان شده اند بگو منت ننمید برین با اسلام خود بلکه خدا منت می بیند بر شما بایک

هَذَا كُمْ لِلْإِيمَانِ أَنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَوَاتِ

بدانست که شما را بایمان اگر راست گوئید این خدا میداند پنهان آسمانها

عنه در این آیت و  
انودی کند که چون بماند  
و یقین که حق و دل  
را رخ شود و ریشه در دانه  
خفا کل غیبت عیب  
جونی و طره از ارم دور  
میشود و تفصیل عیب  
و از امان و دیگران  
آفته باشد بداند  
کردن وی ایمان تا  
هنوز بلی جانگزی در  
طریق آمده یا معشر  
من این است و علم  
نیغی ایمان الی تبیه  
و تقیید المسکین را  
تتبع و راهم را حجت  
(من کثر مع یوم)  
حضرت شاه صاحب  
رحم الله علیه بی  
میگوید که اسما می بین  
مسلمان را قبول کردیم  
درین صورت معاف  
نیت ۱۰ میگوید  
که من پوره یقین در دم  
یقین او کامل است  
آنها آن کجاست کسیک  
و انچه باب ایمان  
خود یقین کامل دارد و  
از انچه در زمین و دوی  
میرسد وی شریک  
عنه حضرت شاه  
صاحب رحم الله علیه  
میگوید اگر یکی از  
دست مایل آید و حق  
و تخمین خود نیست  
بلکه استخفاف است  
که اجرای آن بی بار  
توفیق داده گوید خاتمه  
سوره خاطرنشان نمود  
که اگر برای یا بدین  
به هدایت قرآنی و طبع  
اصلاح توفیق نصیب  
شما شود احسان و  
منت گذارد به یک  
شکر احسان و تمام  
خدای را ادا کنید  
که او بشما چنین توفیق



١٢٧ واصل یعنی انواع  
از حیث ایشان ١٢  
محفوظ ١٢



تفسیر عثمانی

طاعت از بزرگی عظمت  
 شکران شرف چه فزون  
 لغت این کتابی است  
 که بر مژول خود بجهت کتابها  
 را عنون کرده و با قوت  
 المجازیه و اسرار و مود  
 بی انتهای خود دینار  
 محو حیرت ساخت و بهر  
 قرائن و ادای محو حیرت  
 بدلت خود شاید است  
 که از هر گونه نقض عیب  
 پاک بوده و هیچ فکر  
 آن طرف ننگ جینی و  
 نقاد واقع معشور با  
 این سخنکاران تا بقول  
 نمی کنند - انبار آهنگها  
 ازین سبب نیست  
 که آنها بر علی آید کدام  
 حجت و بر با نادار و  
 بلکه محض ازین حقاقت  
 خود بر این واقعیت  
 می کند که چنان از  
 خاندان و طایفه خود نام  
 مردم و عنوان رسول  
 بسوی آید و خود را  
 بزرگ معرفی کرده بکنان  
 را برانید و نصیحت میدهد  
 عزیز بر آن سخن مجیدی  
 لغت کجای کس آنرا  
 با هر کرده خواند - اینک  
 از مشغله آید باز موسی  
 زنگی بر گردانده مشغول  
 آید از مشغول بسیار  
 در دوازده عقل و از هر  
 طاعت بجز عبادت  
 علاوه بر اینک  
 بر در امان است



لَبَسَ مِنْ خَلْقٍ جَدِيدٍ ۝ وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعَلَهُمُ الْتَوَسُّوسَ

اشبه انداز آفرینش نو و هر آینه آفریدیم آدمی را و میدادیم چیز و غلط میکرد را اندیش

شبه انداز آفرینش نو و هر آینه آفریدیم آدمی را و میدادیم چیز را که بی خطر گذارنده

بِهِ نَفْسَهُ ۝ وَكُنْ أَقْرَبَ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلٍ ۝ لَوْ رِيدَ إِذِ تَلَقَّى الْمُتَلَقِّينَ عَنْ

نفس او و نزدیک فریم باوی از رگ جان انگاه که یادی گیرند و یادی گیرند به پهلوئی

أَنْزَلَ نَزْلًا ۝ وَمِنْ دُونِكَ نَزْلًا ۝ وَمِنْ دُونِكَ نَزْلًا ۝ وَمِنْ دُونِكَ نَزْلًا ۝ وَمِنْ دُونِكَ نَزْلًا ۝

آزما نزل را و از جانب چپ نشیندگان بر زبان می آرد (آدمی) سخن مگر نزدیک او گامی نیست میباید

الْيَمِينِ ۝ وَعَنِ الشِّمَالِ قَعِيدٌ ۝ مَا يَلْفُظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ ۝

راست نشینده و به پهلوئی چپ نشینده دل بر زبان می آرد (آدمی) سخن مگر نزدیک او گامی نیست میباید

وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ ۝ ذَلِكُمْ مَّا كُنْتُمْ تُحِيدُونَ ۝ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ ۝

و بیاد می آید بموت بر راستی ایست آنچه از این نکرده می بودی و دمیده شود در صور

ذَلِكَ يَوْمَ الْوَعْدِ ۝ وَجَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَعَ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ ۝ لَقَدْ

ایست روز وعده عذاب و بیاد هر نفسی همراه او روان کننده است و گواهی دهنده است گویم هر آینه

كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَٰذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَ كُفْرِكَ الْيَوْمَ ۝ حَرِيدٌ ۝

بودی در بے خبری از این روز پس برداشتم از تو پرده (غفلت) قرا پس چشم تو امروز نیز است

وَقَالَ قَرِينُهُ هَٰذَا مَا لَدَىٰ عَتِيدٍ ۝ أَلْقِيَ فِيْ جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَتِيدٍ ۝

و گفت فرشته هم نشین او ایست آنچه نزدیک من بود حاضر کرده شده گویم به شنیده و در فرشته در روز هر ناپسند سرکش را

مِّنَ الْخَيْرِ مَعْتَدٌ ۝ مَّرِيبٌ ۝ الَّذِي جَعَلَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ ۝ الْقِيَمَةُ فِي

بر اسمال کننده مال را در گذشته از حد و شک اندازنده آنکه مقدر کرد با خدا معبودی دیگر پس با شنیده این بر سر خدا در

الْعَذَابِ الشَّدِيدِ ۝ قَالَ قَرِينُهُ رَبَّنَا مَا أَطْغَيْتَنِي ۝ لَكِن كَانِ فِي ضَلَالٍ

عذاب سخت گفت هم نشین او گفت ای پروردگار ما من گمراه نکردم این شخص را و لیکن و سه بود در گمراهی

بَعِيدٍ ۝ قَالَ لَا تَخْتَصِمُوا لَدُنِّي ۝ وَقَدْ قَدَّمْتُ إِلَيْكُمْ بِالْوَعْدِ ۝

دور فرمود خصومت کنید نزدیک من حالانکه پیش ازین فرستاده بودم بسوئی شما وعده عذاب

مَا يَبْدُلُ الْقَوْلُ لَدُنِّي ۝ وَمَا أَنَا بِظَالِمٍ ۝ لِلْعَبِيدِ ۝ يَوْمَ نَقُولُ لِرَجُلٍ

نیز داده سخن شود و عده نزدیک من و نیست من ستم کننده به بندگان روز یک باویم و در رخ را

هَلْ أَمْتَلَكْتَ ۝ وَتَقُولُ هَلْ مِنْ مَّزِيدٍ ۝ وَازْلَفْتَ الْجَنَّةَ لِمُتَّقِينَ غَيْرِ

آیا پنداشتی و دوزخ گوید آیا هیچ زیاده ازین بهشت است و نزدیک گرداننده شود بهشت برای متقیان

بَعِيدٍ ۝ هَٰذَا مَا تُوَعَّدُونَ ۝ لِكُلِّ أَوَّابٍ حَفِيفٌ ۝ مِّنْ خَشْيَةِ الرَّحْمَنِ

دور نده گویم این است آنچه وعده شده را نزدیک کرده شده برایتان رجوع کننده اب نماند نمانده را برایتان برگرداننده

و الله اعلم بالصواب  
یعنی اگر حق باشد  
فرشته دست راست  
ی نویسد و اگر گمراه  
باشد فرشته دست چپ  
س نویسد و الله اعلم  
تس مراد جنس روان  
کننده و گواهی دهنده  
و مگر مگر گوید عذاب  
بادشاه است که اسیر را  
پیش ایشان و کس  
گرفته می آید ازین جهت  
دو فرشته را خطاطی  
و مگر مگر گوید عذاب  
از این جنس و الله اعلم  
و مگر مگر گوید عذاب  
اندازنده زیاد طلب کند  
و الله اعلم  
تفسیر عثمانی  
س مراد از رگ جان  
رگ گردن است که  
آنها را شریک میگویند  
که چون رگ بریده  
شود انسان می میرد  
شاید گویا از جان و  
روح باشد مطلب  
این است که ما با خدا  
علم از روح و نفس  
هم نزدیکتریم یعنی چنانکه  
انسان در باب اعمال  
خود علم دارد و علم بالعباد  
یعنی که او چنان خودش  
و دهر هم بیشتر است  
نیز علت و نشانه  
باسم و ناشی  
چنان قریب حاصل  
می باشد که معلول  
ناشی را یا نفس خود را  
هم نمی باشد حضرت  
شاه صاحب الزمان  
نویسد که خداوند  
دانش انسان نزدیک  
است اما رگ قلوب  
از جان است و کسی  
به غیب آگاه است  
جان نهان و در جسم و او در جان نهان  
ای نهان ای جان جان



بِالْغَيْبِ وَجَاءَ بِقَلْبٍ مُنِيبٍ ۖ ادْخُلُوا هَاسِلًا ذَٰلِكَ يَوْمَ الْخُلُودِ ۚ لَهُمْ

ناریده و پیش آمد بدل متوجه شده گوئیم داخل شوید در بهشت همراه سلاطین ایستاد و همیشه با ایشان ایشا فرستاد

مَا يَشَاءُونَ فِيهَا وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ ۚ وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ هُمْ

آنچه خواهند در بهشت و نزد ما زیاده است از آن و بسیار هلاک کردیم پیش از این است با که

أَشَدُّ مِنْهُمْ بَطْشًا فَنَقَّبُوا فِي الْبِلَادِ هَلْ مِنْ مَّجِيصٍ ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ

زنی تر بودند از این چنان در دست درازی پس نقش کردند در شهرها که بگریز گریخته بهشت هر آینه درین مقدره

لَذِكْرَى لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ آتَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ ۚ وَلَقَدْ خَلَقْنَا

برست کسی را کردی که دل یا گوش بنهد متوجه شده و هر آینه آفریدیم

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَمَا مَسَّنَا مِنْ لُغُوبٍ ۚ

آسمانها و زمین و آنچه در میان است در شش روز و نرسیده بماندی

فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ

پس صبر کن بر آنچه میگویند و بپای یاد کن همراه ستایش پروردگار خویش پیش از برآمدن آفتاب و پیش از

الْغُرُوبِ ۚ وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَأَدْبَارَ السُّجُودِ ۚ وَاسْتَغْفِرْ يَوْمَ يَنَادُ

فرو شدن و در بعض اوقات شب بپای یاد کن خدا را و عقب نماز نیز و بچندین نوبت روز یک آواز دهد

السَّنَادُ ۚ قَرِيبٌ يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَٰلِكَ يَوْمُ

آواز دهنده از جای نزدیک و روزیک بشنوند نوحه تند بفرود آید و آنروز روز

الْخُرُوجِ ۚ إِنَّا نَحْنُ نَحْيُ وَنُمِيتُ ۚ وَاللَّيْلُ الْمُسْتَبِيرُ ۚ يَوْمَ تَشَقُّقُ

بر آمدن ایشا نیست هر آینه ازنده می کنیم و می میرانیم و شبی است باز گشت روزیک بظناند

الْأَرْضُ عَنْهُمْ سَرَاعًا ذَٰلِكَ حَشْرٌ عَلَيْنَا يَسِيرٌ ۚ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ

زمین از سر ایشان بیرون آید و شتابان این بر ایشان است آسمان بر ما بسیار آید می گویند

وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِجَبَّارٍ فَذَكَرْ بِالْقُرْآنِ مَنْ يَتَّخِذُ وَعْدَ

و تویی که بر ایشان جبر کننده پس بپند ده به قرآن هر که میگیرد وعده عذاب من

وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آلِهَتِهِمْ كَاذِبُونَ ۚ إِنَّ إِلَهُهُمُ إِلَهُ وَاحِدٌ ۚ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ

و آنانی که از آلهه خود کاذبند و خدا را می پرستند و آنکه میگویند که ما را آلهه های دیگر است

وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آلِهَتِهِمْ كَاذِبُونَ ۚ إِنَّ إِلَهُهُمُ إِلَهُ وَاحِدٌ ۚ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ

و آنانی که از آلهه خود کاذبند و خدا را می پرستند و آنکه میگویند که ما را آلهه های دیگر است

فلان این تصویر هست  
آنرا که در استماع  
نداسادی باشند  
والله اعلم بالصواب  
ازفاق و بلاد بار ۱۱۱  
تفسیر عثمانی  
سختی که در  
و میانه ادایا که کند از  
کتابان محفوظ بوده  
بسیاری از این نمودند  
و بدین مشاهده از تفرقه  
جلال او ترسیدند و بیک  
دل پاک و رجوع کنند  
بمستوراد حاضرند و نقد  
این جنت به بجز مردم  
داده شده بود و تفرقه  
رسیده که سلاطین و  
عاقبت در آن داخل  
گردند و فرشتگان را  
سلام گویند و میگویند  
و از بر آتان رسند  
عبد اهل بیان تعزیر  
افزونی نگار بود در میان  
مقابل آنها که ترسند این  
جنت آمد اکنون با ناز  
مجازات نگار گری کند  
یعنی پیش از آخرت  
ده دنیا هم چندان قوم  
شمرند و سرکش را تباہ  
کرده ایم که آنها در قوت  
و تقدیر نسبت به قوام  
موجوده نگارند و تبار  
بیشتر بودند و آنها بر  
شهری بزرگ و زیاده  
دست یافت بودند  
۱۱۱ باز چون عذاب الهی  
۱۱۱ در رسید بر وی زمین  
بسیاری جای گریز پناه  
نیافتند و از این عذاب  
است که در وقت عذاب  
خدا سستند و در قیامت  
خود جای پناه و فراری  
کنند و هیچ پناهی و آوازی  
نیافتند و هیچ تفرقه  
از خدا ترند و این است  
بشارت اول آن که



انما توعد من لصادق وان الدين لواقع والسماء ذات الحملك ٤ انكم

والاینها مورد است  
 مختلف دارند اما شکل  
 و شکل بره و شکل  
 و تقریب و الله اعلم  
 و بعضی میزن از بود  
 از جاری در عالم ملکوت نند  
 عقوبت و امتثال آن  
 تصور میشود و الله  
 اعلم و بعضی این سخن را  
 نفس غریبه و ابره  
 البت میگویند که بچین  
 این خبر تقریب باید آورد  
 الله اعلم

لَقِيَ قَوْلَ مُخْتَلِفٍ يُوَفِّدُ عَنْهُ مَنْ أَوَّلَهُ قَتَلَ الْخَرَّاصُونَ ۝ الَّذِينَ هُمْ

تفسیر عثمانی  
بیشتر قسمت

در پیغمبری اندر قاضی و شافعی گفندہ اند۔ حق پرست کے ظاہر بود روز جزا آوے آن روز کہ الٹ اندر آور آتش عذاب کرده شد

در عبادت الهی می  
زرا ایندند و در آفرینش

لوگوں پر چشمہ این عقوبت خود را بنست ایچہ آنرا سستاب طلب سے کر دید ہر آئینہ متقیان در بوستانہا

دلیب با عداد از خداوند  
ازش تقصیر آفرینش را  
از این جهت که

چشمه باباشند به دست آورده آنچه داد ایشانرا بپردرد کار ایشان سپر آینه ایشان بودند  
چشمه باباشند گردگان آنچه داده ایشانرا بپردرد کار ایشان (سپر آینه) ایشان بودند پیش ازین نیکو کاران بودند

ن عبودیت را دادا کرده  
و این نیست که تا می فروخته اند

باین صفت) که اندکی از مشرب خواب کو رندی (بواسطه شغل و رعایات) دور می آید ایشان طلب آموزش نمودند و بعد از آنکه

و بهر وقت خویش مواف  
و به کثرت عبادت

درای سوال گفته و بی بهره (که سوال نمی کند) در زمین است آنهاست یعنی کنندگان را و در ذات ای شایسته آید

به تناسب ترقی

سَلِّ مَا أَنْتُمْ تَنْطِقُونَ ۚ هَلْ أَنْتَكَ حَدِيثٌ ضَيْفَ بَارِئِهِمُ الشُّكْرُ مَدِينٌ ۖ

شیت آنها

خَلَّوْا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ قَوْمٌ مُنْكَدِرُونَ ﴿٥٠﴾ فَرَأَى إِلَى أَهْلِهِ فَجَاءَ

۳۳

[illegible]

نی زدن خود شبیه  
بیدارین کلام هم

و کلمات داندش لغزش داندش و دانای پس پیش آمدن ایام با دوازده و طایفه زور و سستی خود را اینی به تحسین  
و خود را داند او را به کس چون دانای پس پیش آمدن او در حل و عقد زدن پس طایفه زور و خود را

فی یقیناً خواهد رسید

ت آید بزیاد بپیر زن ناز آید، فرستادن گفتند که چنین فرمود پیر در دگام و پیر آینه اوست یا حلقه زانا  
ست (آیا میرایم حال آید) من پیر زن ناز آیم گفتند چنین گفت پیر در دگام تو (پیر آینه) او بکان است یا حلقه با علم

یت حتمی آید و

سید روح الله علی شاد







دل بینه آدمیان هندی  
 یگرند نادرا کل شریب  
 سوانت کنی بخلات  
 غذا و اشراط علم  
 یعنی توبت یا قرآن  
 و تائید آنکه در آسان  
 است ۱۱ تفسیر عثمانی  
 علیه و زلفه و دعوت  
 و تبلیغ و الما حظ ادا کرد  
 ازین آیه را تفسیر  
 زیاده و اندکین  
 شدن برای توبه خود  
 نیست الزام هر یک  
 اطاعتی بر او شد خود  
 ایشان خواهد آمد آری  
 و عطف و تلقین و تقسیم  
 است پس این کلام  
 دوا میده در تفسیر سیر  
 ایمان بر شد این پند  
 توبه ای تمام می شود  
 کس نیکو ایمان آورد و نند  
 آینه بزرگ نفع خدایان  
 می شوند و نیز بر  
 کافران محبت  
 خدا تمام می شود ۱۳  
 عده از بندگی ۲  
 شان من بچ خوانده  
 نمی رسد بلکه نفع خود  
 ایشان است من  
 چنان آقا مالک است  
 که به ظمان خود بگویم  
 به برهید برای من کما  
 کنند و باین نان و  
 خوراک به بریده فالت  
 بی نیاز من ازین بخلات  
 پاک و برتر است من  
 از آنها روزی نخواهم  
 بلکه ایشان روزی  
 میرسد خوب بسجده  
 بچون واقعه و منند  
 تواناد باید در راه  
 خدات شایم  
 حاجت است  
 حکم بندگی محض  
 ازین جهت بتداوده  
 شد که قوی و قلا به شهادت عقلت و کبرای ما اعتراف کرده مستحق الطاف و احسان خود می گردید من شرم خلق ناسودگی کنم بلکه تا بر بندگان جوی کنم

نذیر مبین ۳ وَلَا تَجْعَلُوا مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ إِنِّي لَكُم مِّنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ ۵

ترسنانده آشکارم و مقرر نموده با خدا معبودی دیگر را بر آئین من برانسته شما از جانب او ترسنانده آشکارم

کَذَلِكَ مَا آتَى الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا قَالُوا سِحْرٌ آو

هم چنین نموده است نزد یک آن که پیش از ایشان بودند هیچ پند میرسد مگر گفتن جادو و کسیت یا

جَنُونَ ۶ أَتَوَا صَوَابَهُ بَلْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ ۷ فَنُفِّلْ عَنْهُمْ فَمَا

دلواند است آیا بایکدیگر و صحت کرده آمده و نداد با یکدیگر ایشان کرده سرکش اند پس روست باز کش از ایشان پس بستی

أَنْتَ بِسُلُوكِهِ ۸ وَذَكَرَ فَإِنَّ الذِّكْرَى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ ۹ وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ

تو لامت کرده شده پندیده بر آئین پند دادن سود میدهد مومنان را و نیز فریاده ام جن

وَالنَّاسِ إِلَّا لِيُعْبَدُونَ ۱۰ مَا أَرِيدُ مِنْهُمْ رَرْقَ وَلَا أَتُوبُ ۱۱

و انرا را مگر برای آنکه بپرستند مرا یعنی از آنها پند را خواهم از ایشان هیچ رزق و توبه نخواهم کرد

يُطْعَمُونَ ۱۲ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ ۱۳ فَإِنَّ لِلَّذِينَ

مرا طعام میدهند (هر آینه) الله همان است روزی دهنده خداوند توانا پس بر آئین آنها را که

ظَلَمُوا ذُنُوبًا مِّثْلَ ذُنُوبِ أَصْحَابِهِمْ فَلَا يَسْتَعْبِدُونَ ۱۴ قَوْلٌ

ستم کرده اند نصیب است یعنی از تقویت مانند نصیب یاران گذشته ایشان پس باید که شتاب طلب نکنند ازین پس دانستی

لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ يَوْمِهِمُ الَّذِي يُوعَدُونَ ۱۵

کافران را از آن روز ایشان که وعده داده میشوند

وَالطُّورُ ۱۶ وَكِتَابٍ مَّسْطُورٍ ۱۷ فِي رَقٍّ مَّنشُورٍ ۱۸ وَالْبَيْتِ الْمَعْدُورِ ۱۹ وَالسَّعْفِ

شعر به کوه طور و مسمی بکتاب نوشته شده در کاغذ کشاده و کشا و قسم بکانه معور و قسم بسقف

الْمَرْفُوعِ ۲۰ وَالْبَحْرِ الْمَسْجُورِ ۲۱ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ لَوَاقِعٌ ۲۲ وَمَا يَدْرِي

برافراشته شده و مسمی به دریا پر کرده شده بر آئین عذاب پر در درگاه کوه بود نیست نیست اورا هیچ دفع کننده

يَوْمَ تَمُورُ السَّمَاءُ مَوْرًا ۲۳ وَتَسِيرُ الْجِبَالُ سَيْرًا ۲۴ قَوْلٌ

روز که جنبش کند آسمان جنبش کردنی و روان شود کوه با روان شدنی پس دانستی آن روز

لِلْمُكَذِّبِينَ ۲۵ الَّذِينَ هُمْ فِي خَوْضٍ يَلْعَبُونَ ۲۶ يَوْمَ يَدْعُ

روز که شعارندگان را آنکه ایشان به بیهوده گوئی باز نمی کنند روزی که به سختی روان کرده شوند



إِلَىٰ نَارِ جَهَنَّمَ دَعَا ۖ هَذِهِ النَّارُ الَّتِي كُنْتُمْ يُهَادُّونَهَا يُوتُونَ ۖ أَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ ۚ

بسی آتش دوزخ روان کردی ایست آتشی که شما آنرا دورو می نمودید  
بسی آتش دوزخ روان کردی ای گفتنی و دیش از این همان آتشی است که شما آنرا تکلیف می کردید آیا عجز است این

أَمْ أَنْتُمْ لَا تَبْصُرُونَ ۚ إِنْ صُلُّوا فَأَصْدُرُوا أَوْ لَا تَصْدُرُوا ۖ سَوَاءٌ عَلَيْكُمْ ۚ

یا شما در نمی بینید  
یا شما نمی بینید در آمدن دوزخ پس صبر کنید یا صبر نکنید برابر است بشما

أَنْتُمْ مَجْزُونَ ۚ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۚ إِنَّ الْمُسْلِمِينَ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ ۖ

جزای نیست که جزا داده خواهد شد محب آنچه می کردید  
جزای نیست که با دوش داده میشود به آن چیز بدی کردید هر آینه متقیان (ترسدگان) در بهشت با نعمت با هستند و طایفه از آن

بِمَا أَتَوْا بِهِمْ ۚ وَوَقَّعَهُمُ رَبُّهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ ۚ كَذَلِكَ يُبَاهِيهِمْ رَبُّهُمْ

بسیب آنکه نعمت داد ایشان را برود و کار ایشان را بسبب آنکه نیکو داشت ایشان را از عذاب دوزخ بخارید و خوشتر گوید از ایشان  
هر آنچه که عطا کرده ایشان را برود و کار ایشان را (به آنکه نیکو داشت ایشان را) از عذاب دوزخ بخارید و خوشتر گوید از ایشان

كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۚ مَتَّكِينَ عَلَىٰ سُرُجٍ مَّقْصُوفَةٍ ۖ وَزَوَّجَهُمُ الْجُحُورُ عِلِينَ ۚ

می کردید  
می کردید بر تخت های گسترده شده قطار و جفت گردانیم ایشان را با جوارهای بزرگ چشم

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ ۖ

و آنان که ایمان آوردند و بر پی ایشان رفت و اولاد ایشان را ایمان برسانیم بدیشان اولاد ایشان را و نعمان کنیم ایشان را  
و کسانی که ایمان آوردند و پیروی کرد ایشان را اولاد ایشان را ایمان برسانیم بدیشان اولاد ایشان را و نعمان کنیم ایشان را

مَنْ عَمِلَ لَهُمْ مِنْ شَيْءٍ كُلِّ امْرَأٍ يَسْتَكْسِبُ رَهِيْنًا ۖ وَأَمْدَدْنَاهُمْ بِكَافَّةٍ

از جزای عمل ایشان چیزی را هر مردی یا چیزی عمل کرد در گره باشد  
از جزای عمل ایشان چیزی را هر شخص بر آنچه عمل کرد در گره است و بی در پی عطا کنیم ایشان را میوه ها

وَلَحِيمٍ ۚ فَمَا يَشْتَهُونَ ۚ يَتَنَزَّعُونَ فِيهَا كَأَسَا ۚ لَعُوقِيهَا وَلَا تَأْتِيهِمْ

و گوشت از جلیک طلب کنند از دست یک دیگری که نماند بجای شراب نه پیوده گونی باشد در آن دانه بزه کاری  
و گوشت از هر آنچه آرزو برسد از دست یک دیگری که نماند بجای شراب نه پیوده گونی باشد در آن دانه گناه

وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ غِلْمَانٌ لَهُمْ كَأَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ نَّكَوْنُ ۚ وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ

و آمد و شد کنند ایشان را بچند از ایشان گویا آن لوز جان مردارید در پیله به نهان اند و در آورد بعضی ایشان  
و می گردند بر ایشان لوز جانان ایشان گویا که ایشان را خادمان می گردانیدند در خلعت (صفوف) و در آورد بعضی ایشان

عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ ۚ قَالُوا إِنَّا كُنَّا قَبْلُ فِي أَهْلِكَ مُشْفِقِينَ ۚ

بر بعضی از یکدیگر سوال گشتند  
بر بعضی از یکدیگر می پرسیدند و می پرسیدند در پیش از این در میان اهل خانه خود ترسان بودیم

فَمَنْ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَعَفْنَا عَنْهُ أَبِ السَّمُوءِ ۚ إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلُ نَدْعُوهُ ۚ

پس نعمت فراوان داد ما را خدا و عفو بدادست ما را از عذاب باد گرم هر آینه ما پیش از این عبادت می کردیم او را  
پس احسان کرد خدا بر ما و نیکو داشت ما را از عذاب محوم (هر آینه) ما بودیم پیش از این می خواندیم خدای را

إِنَّهُ هُوَ الْبَرُّ الرَّحِيمُ ۚ فَلَمَّا أَنْتَ بِنِعْمَتِ رَبِّكَ بِكَاهِنٍ ۚ وَلَا

هر آینه اوست احسان کننده مهربان یا محمد پس پیونده پس نیستی تو بقتل پروردگار خود کاهن و نه  
بدستیک اوست نیکو کار مهربان عه پس پیونده و دایم پس نیستی تو بقتل پروردگار خود (کاهن) خبر گیرنده از جن ها و نه

مَجْنُونٍ ۚ أَمْ يَقُولُونَ شَاعِرٌ مِثْلَ بَعْضِ رِيبِ السَّمُونِ ۚ قُلْ

دلوانه  
دلوانه عه آیای گویند که شاعر است انتظار می کشید برود هر دو ش زمانه را

در آن هنگام  
بهشتیان بسوی یکدیگر  
متوجه شده و محبت خواهند  
کرده ایمان خوشنود  
خاسته گفت که ما در دنیا  
همیشه ترسان و در زمان  
بودیم و فکری کردیم که پس  
از مرگ سرانجامی ما چه  
خواهد شد و در اندیشه  
کنیده و همیشه در اندیشه  
احسان پروردگار را  
کنیده که امروز چنان بار  
ما عمن و مطمئن داشت  
و از حرارت آتش دوزخ  
بر کنار فرموده است  
ما از خدای خویش خوف  
در جاداشتیم و او را  
می خواندیم امروز دیدیم  
که حضرت او محض به  
لطف و کرم خود بفریاد  
ما رسید و با ما چنانکه  
سزاوار عظمت او است  
رفتار نمود و ما را کافرا  
پیغمبر خدا الهی دانست  
و گاهی کاین سخن گفتند  
و چنان می پنداشتند  
که از جن ها و شیاطین  
چند خبر داشت و در میان  
گرفته نشی می کنند  
مسلمانین این قدر نمی گویند  
که کدام دلوانه و کاهنی  
تا امروز توانسته که چنین  
نصائح قیمته را بدهد  
زبان حکمانه را بچنین  
طرح آشکار و شایسته  
بیان نماید ازین سبب  
فرمود که آنها را از آنجا  
نیک بداند و نصیحت  
پیغمبر را بایشان  
ببرساند و از یاد  
گونی آنها بفرماید  
مشو بفضل و رحمت  
کردگار یار و مددگار است  
نه کاهنی و نه مجنون بلکه  
رسول مقدس خدای  
ازین سبب به تبلیغ



عنه آیا خیر می کند  
کلمات پیغمبر کلام  
خانیست بید از دل  
خود را تراشیده است  
و بدو را بسوی خدا  
منسوب نموده علی  
شخصی که بر سختی یقین  
ندارد و نخواهد که از تسلیم  
کن چنین احتمالات  
بده بوده و به دور و را  
برای کند و نه برای  
تقصیر یا در گذشته قوی  
بدان بهمان نسبت است  
ببین مفهوم کافی است  
که اگر مردم هیچ کوتاهی  
دنیا را نیکانته باز هم  
مانند این قرآن آورده  
غیر از آن چنانکه پیشتر  
نی تواند مثل خدا  
زمین و آسمان پیدا  
کند سختی مثل قرآن  
خدا می تواند نام ساخته  
نی تواند عده چرا  
سخت پیغمبر را نمی پذیرد  
آیا فوق ایشان خدای  
نیست که پذیرفتن سخن  
او بر آنها لازم باشد  
آیا ایشان بدون کدام  
آفریننده خود خود پیدا  
شده اند و یا خود را خدا  
می پندارند و یا این  
خیال خام را می پذیرد که  
آسمان و زمین آفریده  
خود آنهاست و بنا بر این  
هر چه بخواهند میکنند  
و هیچکس مانع آنها  
نیست این همه  
قیامت مجلی باطل و  
مهل است ایشان  
هم در دل با آن خودی  
دانند که خدا ضرور  
موجود است که خود  
ایشان و جمیع  
آسمانها و زمین را زنده  
پیدا کرده است  
مگر با وجود این علم  
از ان ایمان و ایتقان

تَرْصُوفَانِي مَعَكُمْ مِنَ الْبَرِّ بَصِيْنٌ ۝ أَمْ تَأْمُرُهُمْ أَحْلَافُهُمْ بِهَذَا  
انتظار کنید هر آینه من باشم از انتظار کشیدن تمام  
آیا می فرمایید باین عقیده عقل باشد ایشان  
آیا می آموزانده ایشان عقل باشد ایشان این را  
أَمْ هُمْ قَوْمٌ طَاعُونَ ۝ أَمْ يَقُولُونَ تَقَوَّلَهُ بَلْ لَا يُؤْمِنُونَ ۝ فَلْيَاثُوا  
یا ایشان گروهی سرکش اند آیا می گویند بر بسته است قرآن را نه بلکه ایمان نه پس باید که بپارند  
یا ایشان گروه سرکش اند آیا می گویند که خود گفته است از قرآن را بلکه ایشان ایمان نمی آورند پس باید بیارند  
بحدیث مثله ان كانوا صدقین ۝ أَمْ خَلِقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ أَمْ هُمْ  
سخن مانند این اگر راست گویند آیا ایشان آفریده شدند بجز از چیزی آفریننده یا ایشان  
سخن مانند این اگر بسته است گویان عده آیا آفریده شده اند بدون آفریننده یا خود ایشان  
الْخَالِقُونَ ۝ أَمْ خَلِقُوا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ بَلْ لَا يُؤْفِقُونَ ۝ أَمْ عِنْدَهُمْ  
خود آفریدگانند آیا آفریده اند آسمان با زمین را بلکه ایشان باور نمی کنند آیا نزد ایشان  
آفرینندگانند آیا آفریده اند آسمان با زمین را (نه چنین است) بلکه یقین نمی کنند عده آیا نزد ایشان  
خَزَائِنِ رَبِّكَ أَمْ هُمْ الْمُضْطَرُّونَ ۝ أَمْ لَهُمْ سُلُمٌ يَسْتَبْعُونَ  
خزاینه های پروردگار است یا ایشان متضررند بجزیره و صفت  
آیا ایشان را مردمانی هست که بران صعود کرده  
خزاینه های پروردگار است یا ایشان متضررند بجزیره و صفت  
آیا ایشان را مردمانی هست که بران صعود کرده  
فِيهِ فَلْيَاثُ مَسْتَقِيمٌ ۝ أَمْ لَهُ الْبَنَاتُ وَلَكُمْ  
می شوند پس باید که بپارند مستقیمند ایشان دلیل ظاهر را  
آیا خداوند دختران پسند می می تواند شمارا  
بران پس باید که بپارند مستقیمند ایشان دلیل ظاهر را  
آیا خداوند دختران پسند می می تواند شمارا  
الْبَنُونَ ۝ أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِنْ مَغْرَمٍ مُثْقَلُونَ ۝ أَمْ عِنْدَهُمْ  
پسران آیا سوال می کنید از ایشان مزدی بر سرانست پس ایشان از عزامت گرانبار شده اند آیا نزد یک ایشان  
پسران آیا می خای از ایشان مزدی پس ایشان از نادان گرانبار اند آیا نزد ایشان  
الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتَبُونَ ۝ أَمْ يُرِيدُونَ كَيْدًا فَالَّذِينَ كَفَرُوا هُمْ  
علم غیب است پس ایشان می نویسند آیا می خواهند  
بدانند یعنی پس کافران ایشان در  
علم غیب است پس ایشان نوشته نگاه میدارند آیا می خواهند که را پس آنانکه منکر اند ایشان در  
الْمَكِيدُونَ ۝ أَمْ لَهُمْ آلٌ غَيْرُ اللَّهِ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ ۝ وَ  
ضرر بداند یعنی گرفتار شده آیا ایشان را معبودی هست بجز خدا یا که خدا است از آنکه شرک می کنند و  
ضرر بداند یعنی گرفتار شده آیا ایشان را معبودی بجز الهی پاک است خدای از آنکه شرک می آورند و  
إِنْ يَرَوْا كِسْفًا مِنَ السَّمَاءِ سَاقِطًا يَقُولُوا سَحَابٌ مَرْكُومٌ ۝ فَذَرْهُمْ حَتَّى  
اگر ببینند یک باره از آسمان افتاده گویند این ابر است برهم نشسته  
اگر ببینند باره از آسمان زود آید گویند ابر است بیره  
پس بگذار ایشان را تا آنکه  
يَلْقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي فِيهِ يَصْعَقُونَ ۝ يَوْمَ لَا يُغْنِي عَنْهُمْ كَيْدُهُمْ  
لحقات کنند بان روز خود که در آن بپوش کرده شوند  
لحقات کنند آن روز خود که در آن بپوش کرده شوند  
روز بگذرد تلقین از ایشان مگر ایشان  
روز بگذرد تلقین از ایشان مگر ایشان  
شَيْءًا وَلَا هُمْ يَنْصُرُونَ ۝ وَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا عَذَابًا دُونَ ذَلِكَ  
چیزه را و نه ایشان نصرت داده شوند دهر آینه  
چیزه را و نه ایشان مدد کرده شوند (و بحقیق) ستمگران را عذابی است بیش از آن  
ستمگران را عذابی است بیش از آن  
وَلَكِنْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ۝ وَأَصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا ۝ وَ  
و لیکن اکثر ایشان نمی دانند  
و لیکن اکثر ایشان نمی دانند  
و با صبر بپارند حکم پروردگار خود را که خود را بر آینه تو حضور چشم می  
و لیکن اکثر ایشان نمی دانند  
و لیکن اکثر ایشان نمی دانند  
و با صبر بپارند حکم پروردگار خود را که خود را بر آینه تو حضور چشم می







فلما بينت ان  
 نهيت علم الاشياء  
 انفس عثمان  
 بقية ٥٥٥ رب  
 خود اهل خود و ديدين  
 رویت نهی باطل و طلب  
 نبود ملک و بصیر بود  
 از ویدار بود و کار بود  
 و لذت اند و زود و جزا  
 از ویدار و بصیر بود  
 آید از همین سبب  
 این عباس در بعضی آیات  
 ظریف فرموده که راه  
 مرتین بر تقدیر و بعد  
 درین موقع از ویدار و لذت  
 مطلب این است که  
 در یک وقت واحد و دو  
 طریق دیدار کمال وافی  
 حدیث انشقاق القمر  
 بلکه مرتین تمام بنظر  
 چشم ظاهری  
 و هم بنظر  
 چشم دل اما  
 باید دانست که این دو  
 آن درستی نیست که نفی  
 آن در و لا تمسک الاله  
 کرده شده زیرا که غرض  
 از ان نفی احاطه است  
 یعنی نگاه احوال  
 کرده نمی تواند علاوه  
 بران چون از این علم  
 پرسیده شد که دعوی  
 رویت مخالف آیت  
 لا تدرك الابصار  
 می باشد فرمود  
 در و یک ذاک  
 اذا تجلی بوجه  
 الذي هو نور  
 تزدی ازین معلوم شد  
 که تجلیات و اوار خداوند  
 قدوس متفاوت است  
 بعضی اوار ظاهر البصر  
 است و بعضی نیست  
 در و بدی در بی مجرای  
 هر دو در مادی است  
 و از همین سبب  
 گفت که در حدیثی که در آخرت

فَلْيَهْدِ الْآخِرَةَ وَالْأُولَىٰ ۚ وَكَمْ مِّن فُلْكَ فِي السَّمَوَاتِ لَا تُغْنِي شِفَاعَتُهُمْ  
 پس خدا تراست آنچه از این جهان و بسیار فرشته اند در آسمان باشد که نفع نمی کند شفاعت ایشان  
 پس تراست بگوئی آن جهان را این جهان و بسیار فرشته است در آسمان با نفع نمی کند شفاعت ایشان  
 شَعْرًا إِلَّا مِنْ بَعْدِ أَنْ يَأْذَنَ اللَّهُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُرْضَىٰ إِنَّ الَّذِينَ  
 چیزه را مگر بعد از آنکه دستور می دهد خدا و رضا مند شود بر آنست هر که خواهد پس آئینده آنانکه  
 چیزی مگر بعد از آنکه حکم دهد اله برای کسیکه بخواهد خدا را پسند کند (در تحقیق) آنانکه  
 لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ لَيْسُوا مِنَ الْمَلَائِكَةِ تَشْمِيَةً إِلَّا نَفْسٌ وَمَا لَهُمْ بِهِ  
 باور ندارند آخرت را مسخر می کنند فرشتگان را بنام و خیران و نیت ایشانرا بشعور این مقدمه  
 ایمان نمی آرند بر آخرت (بر آئین) می نامند ملائکه را بنام زنان و نیت ایشان را باین (گفته خود)  
 مِنْ عِلْمٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا  
 آنچه دانش پیروی نمی کنند مگر و هم را و بر آئینده و هم نفع نمیدهد از شناخت حقیقت چیزی را  
 آنچه علم پیروی نمی کنند مگر و هم را و بر آئینده و هم نفع نمیدهد از شناخت حقیقت چیزی را  
 فَأَعْرِضْ عَنْ مَن تَوَلَّىٰ عَنْ ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ۚ هَٰؤُلَاءِ  
 پس اعراض کن از کسی که روگردان شد از یاد کردن ما و طلب نکرد مگر زندگی این جبهه را اینست  
 پس اعراض کن از کسی که روگردانید از ذکر ما و طلب نکرد مگر زندگی دنیا را این است (طلب دنیا)  
 مَا لَكُمْ مِنَ الْعِلْمِ أَنْ رَبَّكُمْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ  
 نهایت ایشان از روسته دانش و بر آئینده پیرو دگر گو و انا است هر که غلط کرد راه خدا و اوست  
 رسیدن ایشان از علم تحقیق که رب تو اود انا تراست هر کسی که گمراه شده از راه او داد  
 أَعْلَمُ بِمَنْ اهْتَدَىٰ ۚ وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لِيَجْزِيَ  
 و انا تراست که راه یافت و خدا تراست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است عاقبت کار جز ابد  
 انا تراست که راه یافت و خدا تراست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است تا جز ابد  
 الَّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِي الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحَسَنَةِ ۚ الَّذِينَ  
 آنانکه بدکاری کردند محاسب آنچه عمل نمودند و جزا دهد آنان را که نیکو کاری کردند بحسب نیک آنانکه  
 آنانکه بدی کردند قرار عمل شان و جزا دهد آنان را که نیکو کردند بنیادش نیک (جنت) آنانکه  
 يَجْتَنِبُونَ كَبِيرَ الْأَثَمِ وَالْفَوَاحِشَ إِلَّا اللَّيْمَ إِنَّ رَبَّكَ وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ  
 پرهیز گاری کنند از کبیر گناهان و بیه حیاتی با سوائے گناهان صغیره بر آئینده دگر گو بسیار آمرزش است  
 پرهیز می کنند از گناه بیه و از کارهای بی حیاتی لیکن از آنکه آلودگی (گناه صغیره) تحقیق در آمرزش بر دگر گو  
 هُوَ أَعْلَمُ بِكُمْ إِذْ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَإِذْ أَنْتُمْ أَجْنَتُمْ فِي بُطُونِ  
 اوست و انا باحوال شما و قیام پیدا کرد شما را از زمین و وقتیکه شما نطفه بودید در شکم  
 اود انا تراست باحوال شما و قیام پیدا کرد شما را از زمین و وقتیکه شما نطفه بودید در شکم پائی  
 أَهْلَكُمْ فَلَا تَزُكُوا أَنفُسَكُمْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ اتَّقَىٰ ۚ أَفَرَأَيْتَ الَّذِي  
 را در این خویش پس ستایش کنید خویش را خدا انا تراست بگو که پرهیز گاری کرد آیا دیدی کسی را که  
 را دران خود پس ستایش کنید نفس پائی خود را اود انا تراست بگو که پرهیز گاری کرد آیا دیدی کسی را که  
 تَوَلَّىٰ ۚ هُوَ أَعْطَىٰ قَلِيلًا وَأَكْثَىٰ ۚ أَعِنْدَهُ عِلْمُ الْغَيْبِ فَهُوَ يُرَىٰ ۚ أَمْ  
 روگردان شد و داد اند که از مال و سخت دل شد آیا نزدیک اوست علم غیب پس گویا او هر چیز را بحسب می بیند آیا  
 روی گردانیده و داد اندکی و سخت دل شد آیا نزدیک اوست علم غیب پس گویا او هر چیز را بحسب می بیند آیا  
 لَمْ يَكُنْ بِمِثْقَلِ ذَرَّةٍ مِّنْ عِلْمٍ مَّوْسَىٰ ۚ وَابْرَاهِيمَ الَّذِي وَفَّىٰ ۚ أَلَا تَرَىٰ رَاسَهُ  
 چهره نشد یا پند در صحیفه مویس و ابراهیم که نهاده بود مصحفش آنکه پند را بدست بردارند و  
 چهره نشد یا پند در صحیفه مویس و ابراهیم که نهاده بود مصحفش آنکه پند را بدست بردارند و

و از همین سبب گفت که در آخرت العیب غنمان میشود و نفی است که توبه بین فی ایشان نیز و کمال تر است از عیب میشود و هیچ وقت پرهیز



وَزُرْ أُخْرَى ۝ وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى ۝ وَأَنْ سَعَى سَوْفَ

بارگناه دیگری را و آنکه نرسد آدمی را و آنکه آنچه عمل کرده است و آنکه سعی آدمی

يُرَى ۝ ثُمَّ يَجْزِيهِ الْجَزَاءُ الْأَوْفَى ۝ وَأَنْ إِلَى رَبِّكَ الْمُنْتَهَى ۝ وَأَنْ هُوَ

دیده خواهد شد باز داده خواهد شد بحسب آن سعی جزای تمام و آنکه بسوی پروردگار گشت بازگشت و آنکه او (تعالی)

أَضْحَكَ وَأَبْكَى ۝ وَأَنْ هُوَ أَمَاتٌ وَاحٍ ۝ وَأَنْهُ خَلَقَ الزَّوْجَيْنِ

خندانید و گریانید و آنکه او میرانید و ازنده کرد و آنکه خدا آفرید و درستم

الَّذِ كَرُوا الْأَنْثَى ۝ مِنْ نطفَةٍ إِذَا أَنْشَى ۝ وَأَنْ عَلَيْهِ الشَّاءَ الْآخِرَى ۝

نزداده را از نطفه چو رخته شود در رحم و آنکه بر خدا لازم است آن پسید اگر در دیگر

وَأَنْهُ هُوَ غَنِيٌّ وَافٍ ۝ وَأَنْهُ هُوَ رَبُّ الشَّعْرَى ۝ وَأَنْهُ أَهْلَكَ

و آنکه او تو بخیر ساخت و سرمایه داد و آنکه بهر نسبت پروردگار ستاره مغرب و آنکه او هلاک ساخت

عَادَ الْاُولَى ۝ وَتَوَدَّعَا الْاَنْفَى ۝ وَتَوَدَّعَا الْاَنْفَى ۝ وَتَوَدَّعَا الْاَنْفَى ۝

عاد نخستین را و تودر آید باقی نماند از آنست و تودر آید باقی نماند از آنست و تودر آید باقی نماند از آنست

كَانُواهُمْ أَظْلَمَ وَأَظْفَى ۝ وَتَوَدَّعَا الْاَنْفَى ۝ وَتَوَدَّعَا الْاَنْفَى ۝ وَتَوَدَّعَا الْاَنْفَى ۝

بودند ستمگارتر و از حد گذشته تر و تودر آید باقی نماند از آنست و تودر آید باقی نماند از آنست

فَيَا أَيُّهَا رَبِّكَ تَتَمَارَى ۝ هَذَا نَذِيرٌ مِنَ النَّذِيرِ الْأُولَى ۝ أَزِفَتْ

پس در کدام یک از تو گفت با من پروردگار خود را به آدمی شبیه می آید این نذیر است از نذیر نخستین و نزدیک آمد

الْأَرْفَةُ ۝ لَيْسَ لَهَا مِنْ دُونِ اللَّهِ كَاشِفَةٌ ۝ أَقْبِنُ هَذَا

قیامت نیست او را سواست خدا هیچ ظاهر کننده و آنکه ازین

الْحَدِيثُ تَعْجَبُونَ ۝ وَتَضْحَكُونَ وَلَا تَبْكُونَ ۝ وَأَنْتُمْ

سخن تعجب می کنید و خنده می نمائید و نمی گریید و شما

سَامِدُونَ ۝ فَاسْجُدْ لِلَّهِ وَاعْبُدْ ۝ وَأَنْ

بازی کننده هستید پس سجده کنید خدا را و پرستش نمائید

سَوْفَ يَكْفِيكُمْ خَيْرٌ مِنَ اللَّهِ ۝ فَاسْجُدْ لِلَّهِ وَاعْبُدْ ۝ وَأَنْ

آغازی کمتر تمام خدا نمیکند از اندازه مهربان مهربان است

أَقْرَبَتْ السَّاعَةُ وَالشَّقِيقُ الْقَهْرُ ۝ وَإِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرَضُوا وَيَقُولُوا

نزدیک آمد قیامت و بشکافت ماه و اگر بگویند که این آیه ایست که می بینید که از آن نشانی روی می گردانید و می گویند

فل یعنی سنگ باران کرد ۱۲ اشارت بان تدرک کافران از حضرت پناهمبر صلی الله علیه و سلم سجزه طلب کرده اند قدری از او قطعه نشانی بر کوه ابو قیس و دیگر بر کوه قیقین داشتند

تفسیر غمانی بقیه آیه که از آن سخن را برداشت کرده تواند در حالیکه آن چیز در دنیا بیکس حاصل نیست علی یک رویت است خاص بروقی روایت ابن عباس در شب معراج به سیدنا محمد صلی الله علیه و سلم رسید شاد و درین خصوصیت هیچ بشر شریک بهیم آنحضرت صلی الله علیه و سلم نیست نیز اگر تفاوت در میان او بود و تجلیات در نظر گرفته شود متوجه گفت کرد اقوال غافله و اینها را رضی الله عنهما هیچ ازین نیست بایام المؤمنین و در یک درجه نمی کنند و ابن عباس اثبات آنرا در حدیث دیگری نمائید و بهین طور در روایات

در حدیثی که از آن سخن را برداشت کرده تواند در حالیکه آن چیز در دنیا بیکس حاصل نیست علی یک رویت است خاص بروقی روایت ابن عباس در شب معراج به سیدنا محمد صلی الله علیه و سلم رسید شاد و درین خصوصیت هیچ بشر شریک بهیم آنحضرت صلی الله علیه و سلم نیست نیز اگر تفاوت در میان او بود و تجلیات در نظر گرفته شود متوجه گفت کرد اقوال غافله و اینها را رضی الله عنهما هیچ ازین نیست بایام المؤمنین و در یک درجه نمی کنند و ابن عباس اثبات آنرا در حدیث دیگری نمائید و بهین طور در روایات

در حدیثی که از آن سخن را برداشت کرده تواند در حالیکه آن چیز در دنیا بیکس حاصل نیست علی یک رویت است خاص بروقی روایت ابن عباس در شب معراج به سیدنا محمد صلی الله علیه و سلم رسید شاد و درین خصوصیت هیچ بشر شریک بهیم آنحضرت صلی الله علیه و سلم نیست نیز اگر تفاوت در میان او بود و تجلیات در نظر گرفته شود متوجه گفت کرد اقوال غافله و اینها را رضی الله عنهما هیچ ازین نیست بایام المؤمنین و در یک درجه نمی کنند و ابن عباس اثبات آنرا در حدیث دیگری نمائید و بهین طور در روایات

در حدیثی که از آن سخن را برداشت کرده تواند در حالیکه آن چیز در دنیا بیکس حاصل نیست علی یک رویت است خاص بروقی روایت ابن عباس در شب معراج به سیدنا محمد صلی الله علیه و سلم رسید شاد و درین خصوصیت هیچ بشر شریک بهیم آنحضرت صلی الله علیه و سلم نیست نیز اگر تفاوت در میان او بود و تجلیات در نظر گرفته شود متوجه گفت کرد اقوال غافله و اینها را رضی الله عنهما هیچ ازین نیست بایام المؤمنین و در یک درجه نمی کنند و ابن عباس اثبات آنرا در حدیث دیگری نمائید و بهین طور در روایات



من مینی پاک قوم  
فک یحیی برای اشتقا  
خصومت نوح ۱۲-  
تفسیر عثمانی  
عنه بزرگترین از  
قرآن: نخل آسان است  
زیر اصفایین مربوط به  
ترغیب ترمیب  
وانذار تبشیر  
آن علی صاف  
وسیل مؤثر  
است پس کسی که  
اراده تمییدن داشت  
می فیه تمیید مطلب  
آیت این نیست که  
قرآن محض یک کتاب  
سطحی است و یکسره  
دقائق و خواص خانی  
است در باب کلام  
عظیم و جبر و جود چنین  
گمان می توان کرد آنگاه  
می توان فرض نمود که چون  
الله باریندگان خود کلام  
می کند (معاذ الله) از  
علوم غیر متناهی خود  
بلی تمییدی کرده و  
شک نیست که کلام  
وی آنقدر دارای حقایق  
و عمیق و نکات دقیق  
است که در کلام دیگر  
جستجوی آن کار نیست  
بیله بود و از خواص است  
که در حدیث آمده است  
«لا تنقضي عجائبه»  
(عجایب و اسرار قرآن  
گاهی ختم شدنی نیست)  
علامه است و حکامی  
ملت و در کشت و تائق  
و اسرار این کتاب در  
استنباط استخراج  
هنر با احکام عملی  
خود صرف  
کردند باز هم  
په کز و عمق  
آن رسیده  
توانستند ۱۲-

بسم الله الرحمن الرحیم و کذبوا و اتبعوا أهواءهم و كل أمر مستقر و

تحریرست قوی و دروغ میگویند و پیروی خواهیش خود کردند و هر چیزی در وقت خود قرار گرفته است و  
چون دوی دائمی است و تندیب کردند و پیروی کردند خواهش های خود را و بر کاری مستقر بوقت خود است و

لقد جاءهم من الأنباء ما فيه من دجر و حکمة بالغه فما نغف

بر آینه آمده است بدیشان از خبر با آنچه در آن پند است د آمده است دانش تمام پس فایده تمیید به  
(تحقیق) آمده بایشان از خبر برای پیشینیان آنچه در آن (پند) است (آمده است) حکمت بالغه پس تا کنده نمی دهد

النذر و قتل عنهم يوم يدع الله الى شئ فکرة خشع ابصارهم

تو ساندن بپس اعراض کن از ایشان آنروز که خواهند خوانند بسوئی چیزی را تا خوار و خوار نیایش ظاهر شده باشد در چشم ایشان  
ایشان را ترسانند بپس اعراض کن از ایشان آنروز که دعوت کنند دعوت کننده چیزی را تا کوار و خوار نیایش ظاهر شده باشد در چشم ایشان

يخرجون من الأجداث كأنهم جراد منشر و طوعين الى الله

بر آیند آن روز از قبور گویا ایشان را بپس آینه انداخته اند شتاب کنان بسوئی آن خواننده  
می بر آیند از قبور گویا ایشان را بپس آینه انداخته اند شتاب کنان بسوئی آن دعوت کننده

يقول الكفرون هذا يوم عسر و کذب قبلهم قوم نوح فکذبوا

گویند کافران این روز سست دشوار دروغ میگویند پیش از ایشان قوم نوح پس دروغ میگویند و داشتند  
می گویند منکران این روز نیست سخت تندیب کردند پیش از ایشان قوم نوح پس تندیب کردند

عبدنا و قالوا نحن و اذ دجر و قد عاربه الى مغلوب و انتصر

بنده ما را و گفتند دیوانه است ما و سخن درشت گفتند پس دعا کرد و مجاب بود در کار خود که من مغلوب شده ام پس انتقام بگیر  
بنده ما را و گفتند دیوانه است تهدید کرده شد بنده ما پس دعا کرد و مجاب بود در کار خود که من مغلوب شده ام پس انتقام بگیر

ففتحن الأبواب السماء من هجر و ففتحنا الأرض عيوننا فالتق السماء

پس گشادیم در بانه آسمان را بپس بسیار و ریزنده و روان کردیم از زمین چشم ها پس جمع شد آب  
پس گشادیم در بانه آسمان را بپس بسیار و ریزان و جاری کردیم از زمین چشم ها پس یک جا شدند آب ها

على امر قد قد و حملته على ذات الواح و دسر تجرى باعينه اجزاء

از هر جانب بنابر کار می مقدس شده بود و سوار کردیم نوح را بر کشتی خداوند سخت با و میجا میرفت محض و جبر استقام  
بنابر امری که مقدس شده بود و بر داشتیم او را نوح را بر کشتی وای سخت با و میجا میرفت پیش نظر با جبر استقام

لئن كان كفرون و لقد تركنا آية فهل من مدكر و فكيف كان

برای کسی که کفر با در نه اشتباه بود و نداد و افک و هر آینه که استیم این عقوبت را نشان پس آیا هیچ پندیرنده هست پس چگونه بود  
کسی که میقدری او کرده شده بود و (تحقیق) بگذر استیم این را نشان پس آیا هیچ پندیرنده هست پس چگونه بود

عذابى و نذرى و لقد يسرنا القرآن للذکر فهل من مدكر و کذب

عقوبت من و ترسانند بپس من و هر آینه آسان کردیم قرآن را تا پسند گیرند پس آیا هیچ پندیرنده هست در پیش میگویند  
عذاب و ترسانند بپس من و در دستگیر آسان گردانیدم قرآن را برای تمییدن (پند گرفتن) پس آیا هیچ پندیرنده هست در پیش میگویند

عاد فكيف كان عذابى و نذرى و انا ارسلنا عليهم رجا صررا

قوم عاد پس چگونه بود عذاب من و ترسانند بپس من هر آینه ما فرستادیم بر ایشان باد تشدرا  
قوم عاد پس چگونه بود عذاب و ترسانند بپس من و هر آینه فرستادیم بر ایشان باد تشدرا

في يوم نحس مستقر و نذر الناس كأنهم عجا زخل متفعر فكيف

در روز شوم بظافت سخت بر می کنند مردمان را گویا ایشان تنهائے درختان خرما از بیخ میچینند و پندیرنده اند پس چگونه بود  
در روز شوم که شوی آن نازد من بر دهن آنها مستقر بود از بیخ میچیند مردم را گویا ایشان تنهائے درختان خرما از بیخ میچینند و پندیرنده اند پس چگونه بود

كان عذابى و نذرى و لقد يسرنا القرآن للذکر فهل من مدكر و

عقوبت من و ترسانند بپس من و هر آینه آسان کردیم قرآن را تا پسند گیرند پس آیا هیچ پندیرنده هست  
عقوبت و ترسانند بپس من و (تحقیق) آسان گردانیدم قرآن را برای تمییدن (پند گرفتن) پس آیا هیچ پندیرنده هست

عقوبت و ترسانند بپس من و هر آینه آسان گردانیدم قرآن را تا پسند گیرند پس آیا هیچ پندیرنده هست



كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِالنَّدْرِ ۝١ فَقَالُوا أَأَبْشَرُ مِنْكُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ إِلَّا بَشَرًا مِثْلُكُمْ ۝٢ فَخَلَّاهُمْ فَأَنشَرَهُمْ ۝٣ وَكَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهُمْ إِذِ انبَعَثَ أَشْقَى ۝٤ وَقِيلَ لَهُمْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ ۝٥ فَتَوَلَّىٰ وَكَانَ الْحَصْبُ يَسْأَلُ السَّاعِثِينَ ۝٦ وَتِلْكَ نَارُ اللَّهِ الَّتِي ظَلَمْتُمْ ۝٧ ذُكِّرُوا وَلَٰكِنْ يَتَذَكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ ۝٨

در غم خود قوم ثمود ترسانندگان را پس گفتند ای ایک آدمی را از قوم خود بیرون کردی پس برآیند ما آن گاه

تکذیب کردند قوم ثمود ترسانندگان را پس گفتند آیا یک آدم از قوم خود را بیرون کردی پس برآیند ما آن گاه

فَتَوَلَّىٰ وَكَانَ الْحَصْبُ يَسْأَلُ السَّاعِثِينَ ۝٦

در گمراهی و دیوانگی با ششم آیتان از کوه مشرق و غربی از میان آتشی بگذاشتند و در غم خود

اَشْرَ ۝٣ سَيَعْلَمُونَ ۝٤ اَلَمْ يَكُنْ اَبَ الْاَشْرَ ۝٥ اِنَّا مَرْسَلُو

خود پسندست طاعت خداست خدا کیست در غم خود خود پسند خود پسند

النَّافِثِينَ لَهُمْ فَاذْقِبْهُمْ ۝٦ وَاصْطَبِرْ ۝٧ وَنَبِّئْهُمْ اَنَّ الْمَاءَ قِسْمَةٌ

باده شتر را بجهت آبیاری ایشان را پس ای صاحب منظر ایشان بادش و مبرقش کرد و خدا را که آب مقسم است

بَيْنَهُمْ ۝٨ كُلٌّ لِّغَرَبٍ مَّحْتَضَرٍ ۝٩ فَنَادُوا صَاحِبَهُمْ فَتَعَاطَىٰ فَعَقَرَ ۝١٠

در میان ایشان بهر یک حصه از آب حاضر شود صاحبش پس آواز دادند یار خود را پس دست درازی کرد و بحدود ساخت

فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنَدْرِ ۝١١ اِنَّا ارْسَلْنَا عَلَيْهِمْ صَيْحَةً وَاحِدَةً

پس چگونه بود عقوبت من و ترسانندنهاست من برآیند ما فرستادیم بر ایشان یک صحره

فَكَانُوا كَهَشِيمِ الْحَمِيطِ ۝١٢ وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلَّذِي هُوَ مِنْ

پس شدند مانند خیزه و هم گشتند که خطبه سازنده آفرینا کرده باشد و هر آینه آسان ساطع قرآن را بر آستین آید پس آید

مُدَّكَ ۝١٣ كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ بِالنَّدْرِ ۝١٤ اِنَّا ارْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَاصِبًا ۝١٥

بندگراست دروغ خودند قوم لوط ترسانندگان را برآیند ما فرستادیم بر ایشان باد سستار

اَلْاَوْطِجُيْنَهُمْ بِسَجَرٍ ۝١٦ نَعْمَ مِنْ عَذَابِنَا كُنَّا لَكُمُ الْجَنَّةِ مِنْ شَجَرٍ

ای خانه لوط که خلاص ساطع ایشان را وقت محرم برای از نزد و یک طریقی هم چنین برای دیم هر گاه گدازی کرد

وَلَقَدْ اَنذَرْنَاهُمْ بِطُغْيَانِهِمُ فَنَادُوا ابْنَهُمْ اِيَّاكَ ۝١٧ وَلَقَدْ رَاوَدُوهُ عَنْ

و هر آینه لوط ترسانند بود ایشان را از عقوبت ما پس مکاره کردند و آن ترسانندنها و هر آینه سخن گفتند تا غفلت دهند لوط را از

صَيْغِهِ فَطَمَسْنَا اَعْيُنَهُمْ فَذُوقُوا عَذَابِي وَنَدْرِ ۝١٨ وَلَقَدْ صَبَبْنَاهُمْ

خطه هانان او پس محرم بود چشم ایشان را پس گفتیم بجهت عذاب مراد ترسانندنهاست مرا و هر آینه عارت کرد ایشان را

بَكْرَةٍ عَذَابٍ مُّسْتَقَرٍّ ۝١٩ فَذُوقُوا عَذَابِي وَنَدْرِ ۝٢٠ وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ

یک باره عقوبت جاست گزیده پس گفتیم بجهت عذاب مراد ترسانندنهاست مرا و هر آینه آسان ساطع قرآن را

لِلَّذِي هُوَ مِنْ مُّدَّكَ ۝٢١ وَلَقَدْ جَاءَ اَلْفِرْعَوْنَ النَّدْرُ ۝٢٢ كَذَّبُو

ایمان آید گزیده کرد پس آید بجهت گزیده است و هر آینه آمدند غرض و ندان فرعون را ترسانندگان دروغ خودند

فل منترم کوی خطبه  
احاط است که از شاهان  
خشک و خوار بران  
گوسفند را که از آن  
مردمان یا مال خود  
که در خداست و آن  
پایان شد و تشبیه داد  
تفسیر عثمانی  
سه فرشته آسمانی  
نیست بلکه اندام  
یک بشر است و ملائکه  
بر آن تنها است که  
بج قوت و جمعی ندارد  
میخواهد که مملو شود  
و تابع خود بسیار بگردد  
چنین نمی شود منتها  
چون و طاعت خواهد  
بود که گرفتار دام تبلیغ  
او گردیم - او را از ایشان  
که او را قبول نکردند  
در آتش خواستند آتش  
عالم که واقعه بر عکس  
است چه اگر تابع  
او شویم گویا خود را در  
آتش می افکینیم  
عنه حضرت شاه  
صاحب دام الله  
تعالی اینجاست - آن  
شهر شاه بهر آید  
میرفت همه جانوران  
می رویید و می می کردند  
و الله تعالی بوقت مقدر  
فرمود که یک روز او برود  
و روز دیگر جانوران دیگر  
آب بخورند سه  
حضرت شاه صاحب  
در حق الله اینجاست  
هذه به کاری که یک  
تعداد مواشی داشت  
یک دفعه خدا را تحریک  
کرد که شتر را در یک  
آن مرد و شتر را کرد  
لله یعنی حضرت  
لوط علیه السلام را  
تکذیب کردند لوط  
و بلکه تمام پیغمبران را



ملین در سرعت

وجود مولد آسان بودن

ست ٥٥ یعنی در

در محظوظ ١٢

تفسیر عثمانی

١٥ ایجاد و جود را

ارزانی را شرف نعمت

بزرگ او تعالی بلکه

اصل و بیغ نعمت است

و آن برود قسم است

«ایجاد ذات»

«ایجاد صفت»

اکنون الله تعالی

آدم را بگوید که

در و صفت

«علم بیان» نیز نهاد

یعنی این را قدرت

داد که باقی الصبر خود را

بر تمامیت معانی و غنی

او کند و سخن در بگویند

را بنماید و تواند بگوید

بین صفت انسان

قرآن را می بخورند و

دیگران را می آموزند

و سخنان خیر و شر

بدایت و

فصلت ایمان ١٠

و کفر و نفاق و آخرت را

بیورد و اخ می دهد و

می نماید و عده عینه

طوبی و غضب و کرم

زیادت و کمالات و

مانند برود و بیک

حالت علوانا بنماید

آفتاب و اجابت

تجدیدی بقول و اعم

و لایق مختلف بر

صفیات اثر انداختن

این بر احوال یک

حساب خاص و نظام

است و لایق می آید چه

چهل کلان برود از

دانه و آن بیرون قدم

نهاد و چون صفاتی که

او تملک از برای نهادن

نمود برود و شایسته

بایتنا کما فاختن هم اخذ عزیز مقتدر ١٠ انکار که خیر من اولیکه

تأمل که ما را از این پس گرفتار ایشانند در گرفتن غالب قوی

آیات ادا نمی پس گرفتن با ایشانند در گرفتن غالب قوی

آیات ادا نمی پس گرفتن با ایشانند در گرفتن غالب قوی

آیات ادا نمی پس گرفتن با ایشانند در گرفتن غالب قوی

آیات ادا نمی پس گرفتن با ایشانند در گرفتن غالب قوی

آیات ادا نمی پس گرفتن با ایشانند در گرفتن غالب قوی

آیات ادا نمی پس گرفتن با ایشانند در گرفتن غالب قوی

آیات ادا نمی پس گرفتن با ایشانند در گرفتن غالب قوی

آیات ادا نمی پس گرفتن با ایشانند در گرفتن غالب قوی

آیات ادا نمی پس گرفتن با ایشانند در گرفتن غالب قوی

آیات ادا نمی پس گرفتن با ایشانند در گرفتن غالب قوی

آیات ادا نمی پس گرفتن با ایشانند در گرفتن غالب قوی

آیات ادا نمی پس گرفتن با ایشانند در گرفتن غالب قوی

آیات ادا نمی پس گرفتن با ایشانند در گرفتن غالب قوی

آیات ادا نمی پس گرفتن با ایشانند در گرفتن غالب قوی

آیات ادا نمی پس گرفتن با ایشانند در گرفتن غالب قوی

آیات ادا نمی پس گرفتن با ایشانند در گرفتن غالب قوی

آیات ادا نمی پس گرفتن با ایشانند در گرفتن غالب قوی

آیات ادا نمی پس گرفتن با ایشانند در گرفتن غالب قوی

آیات ادا نمی پس گرفتن با ایشانند در گرفتن غالب قوی

آیات ادا نمی پس گرفتن با ایشانند در گرفتن غالب قوی

آیات ادا نمی پس گرفتن با ایشانند در گرفتن غالب قوی

آیات ادا نمی پس گرفتن با ایشانند در گرفتن غالب قوی

آیات ادا نمی پس گرفتن با ایشانند در گرفتن غالب قوی

آیات ادا نمی پس گرفتن با ایشانند در گرفتن غالب قوی

آیات ادا نمی پس گرفتن با ایشانند در گرفتن غالب قوی

آیات ادا نمی پس گرفتن با ایشانند در گرفتن غالب قوی

آیات ادا نمی پس گرفتن با ایشانند در گرفتن غالب قوی

آیات ادا نمی پس گرفتن با ایشانند در گرفتن غالب قوی

آیات ادا نمی پس گرفتن با ایشانند در گرفتن غالب قوی

آیات ادا نمی پس گرفتن با ایشانند در گرفتن غالب قوی

آیات ادا نمی پس گرفتن با ایشانند در گرفتن غالب قوی

آیات ادا نمی پس گرفتن با ایشانند در گرفتن غالب قوی

آیات ادا نمی پس گرفتن با ایشانند در گرفتن غالب قوی

آیات ادا نمی پس گرفتن با ایشانند در گرفتن غالب قوی

آیات ادا نمی پس گرفتن با ایشانند در گرفتن غالب قوی

آیات ادا نمی پس گرفتن با ایشانند در گرفتن غالب قوی

آیات ادا نمی پس گرفتن با ایشانند در گرفتن غالب قوی

آیات ادا نمی پس گرفتن با ایشانند در گرفتن غالب قوی

آیات ادا نمی پس گرفتن با ایشانند در گرفتن غالب قوی

آیات ادا نمی پس گرفتن با ایشانند در گرفتن غالب قوی

آیات ادا نمی پس گرفتن با ایشانند در گرفتن غالب قوی

آیات ادا نمی پس گرفتن با ایشانند در گرفتن غالب قوی







صلواتی بهیولت  
توان گرفت ۱۲-  
تفسیر عثمانی

عنه جبرئیل ساجد  
دادن هم در حق نادان  
حقیقه انعام است و  
بیان کردن این سزا  
تا مردم در استماع آن  
دست از گناه گشند  
نیز یک انعام مستقل است  
حضرت شاه صاحب  
در حرمه الله بنویسد  
«در هر آیت نعمتی را  
نشان داده بعضی

از آنها بی حال  
نعمت است  
و در باب دیگری  
خبر دادن هم نعمت  
است تا از این  
گناه گشند»

عنه از انسان  
و بیان بفرض اینکه در باب  
گناهان او علم آوری  
شود سوال کرده نمی شود  
زیر که خدای تعالی از

ازل هر چیز را میداند  
و آگاه است البته  
بظهور الزام و توقع  
استغفار قانونی پس  
می آید که تا آن «توبیک  
لنفسهم الغفین» اگر  
رکوع ۱۶ و یا مطلب  
این است که بوقت  
بر غافلون از قریب

سوال می شود تا پش  
بعد از آن متانی آن  
نمیست منه کسیکه  
در دنیا فایده برسان  
نموده و در حق تعالی

رب خود ایستاده و شد  
و در راه حساب اذن  
داده و از مسبب همان  
بیم و ترس از تافاتی  
الطمانه می گردد و گاه  
بر راه های تقوی رها  
بود برای وی در پیش

دو باغ عالمیان همیا  
است که صفات آن حد آیت  
ما بعد بیان کرده شده ۱۲-

الْأَرْضِ رَبِّكُمْ أَنْتُمْ بِنِ ۱۱ فَاذْ أَنْشَقَّتْ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ ۱۲

از نعمت باشد پروردگار خویش دروغ می شنید پس چون بشکافت آسمان  
نعمت های پروردگار خود ظاهر و کذب می گنید پس چون باره گردد آسمان

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۱۳ فَيَوْمَ مِمَّا لَا يُسْأَلُ عَنْ ذُنُوبِهِ السَّعْيُ ۱۴

پس کدام یک از نعمت های پروردگار خویش دروغ می شنید پس آنروز سوال کرده شود  
پس کدام نعمت های پروردگار خود ظاهر و کذب می گنید پس در آن روز پرسیده نشود از گناه او یا بچ آدمی

لَا جُنَّ ۱۵ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۱۶ يَعْرِفُ الْبَحْرُ مَوْنَ بِسَبِيحَتِهِمْ فَيُؤْخَذُ ۱۷

نه چنی پس کدام یک از نعمت های پروردگار خویش دروغ می شنید پس  
نه چن هفت پس کدام نعمت های پروردگار خود ظاهر و کذب می گنید پس

بِالنَّوَاصِي وَالْأَقْدَامِ ۱۸ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۱۹ هَذِهِ الْجَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذِّبُ ۲۰

موسسه پیشانی و پایها نیز پس کدام یک از نعمت های پروردگار خویش دروغ می شنید پس  
از موسسه پیشانی و پایها پس کدام نعمت های پروردگار خود ظاهر و کذب می گنید پس

بِهَا الْبَحْرُ مَوْنَ ۲۱ يَطْوُونَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ حَمِيمٍ ۲۲ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا ۲۳

آنها که در آن گدازند میان آن آتش و میان آب گرم جوشیده  
آنها که در آن گدازند میان آن آتش و میان آب گرم جوشان

تُكَذِّبَانِ ۲۴ وَلَيْسَ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ ۲۵ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۲۶

دروغ می شنید پس کدام یک از نعمت های پروردگار خویش دروغ می شنید پس  
شاهزاده کذب می گنید پس کدام یک از نعمت های پروردگار خویش دروغ می شنید پس

ذَوَاتَا أَفْنَانٍ ۲۷ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۲۸ فِيهَا عَابِدُونَ لِرَبِّهِمْ ۲۹

دو بوستان خداوند شاهزاده پس کدام یک از نعمت های پروردگار خویش دروغ می شنید پس  
کردار انشا خدایه پس کدام نعمت های پروردگار خود ظاهر و کذب می گنید در آن دو بوستان و چشمه جاری

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۳۰ فِيهَا مِنْ كُلِّ فَاكِهَةٍ رِزْقٌ ۳۱ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا ۳۲

پس کدام یک از نعمت های پروردگار خود دروغ می شنید در آن دو بوستان از هر میوه دو قسم باشد پس کدام یک از نعمت های پروردگار خود  
پس کدام نعمت های پروردگار خود ظاهر و کذب می گنید در آن دو بوستان از هر میوه دو قسم می باشد پس کدام یک از نعمت های پروردگار خود

تُكَذِّبَانِ ۳۳ مَتَكِينٍ عَلَى فُرُشٍ بَطَائِنُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ ۳۴ وَجَنَّاتُ الْجَنَّةِ ۳۵

دروغ می شنید پس کدام یک از نعمت های پروردگار خود دروغ می شنید پس  
شاهزاده کذب می گنید پس کدام یک از نعمت های پروردگار خود ظاهر و کذب می گنید پس

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۳۶ فِيهِمْ قَصْرٌ مِمَّا قُصِرَتْ ۳۷ لَمْ يَطْمِئِنُّ السَّعْيُ ۳۸

پس کدام یک از نعمت های پروردگار خود دروغ می شنید پس  
پس کدام نعمت های پروردگار خود ظاهر و کذب می گنید پس کدام یک از نعمت های پروردگار خود

وَلِجَانٍ ۳۹ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۴۰ كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ ۴۱

و نیز چنی پس کدام یک از نعمت های پروردگار خود دروغ می شنید پس  
و نیز چن پس کدام نعمت های پروردگار خود ظاهر و کذب می گنید پس کدام یک از نعمت های پروردگار خود

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۴۲ هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ ۴۳ فَبِأَيِّ ۴۴

پس کدام یک از نعمت های پروردگار خود دروغ می شنید پس  
پس کدام نعمت های پروردگار خود ظاهر و کذب می گنید پس کدام یک از نعمت های پروردگار خود

الْأَرْضِ رَبِّكُمْ أَنْتُمْ بِنِ ۴۵ وَمِنْ دُونِهَا جَنَّاتٍ ۴۶ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۴۷

از نعمت های پروردگار خود دروغ می شنید پس  
نعمت های پروردگار خود ظاهر و کذب می گنید پس کدام یک از نعمت های پروردگار خود







دل بی بفتح و دال

تفسیر عثمان

عده در آنجا بخوان

نموده ایهات و یاوه

مغولی باشد از کسی

حدود می گوید و نه دیگر

تجرب و پختن می کنند

از هر طرف تنها آواز

های سلام یا سلام

یا بلند می شنو چنان

یکدیگر را در فرشتگان

به چشمان سلام می کنند

و سلام که مردم می رسد

که صحتی است از آنجا

و اگر نه نهایت زیاده است

کثرت سلام اشاره

بوی این مطلب

است که اکنون در اینجا

رسیده از تمام آفات

و مصائب و آفات

و معصوم و معجزه

می باشد و چگونه آزار

بیشتر رسد و گاهی نه

موت و زخم را بر شای

آیه طالع

میوه های گوناگون در

و نهایت فراوان

نه بیشتر کسی آنرا

جده و مانند میوه است

موسمی و وقتی دنیا نیست

که نتواند و بیک اید و یاد

هر وقت و هر آن میوه

می باشد و بگرفت آن

هم این نوع حالت

و مندی گاهی پیش

می ناید و هر بار

در زمان دنیا که در جزیت

نصیب می شوند و پیرا

و نشو و نمای آنست

خاطری و جنو که بیشتر

خوب و خوش شکل خوش

اندام و جوان می باشد

و سفید شیرین و ناز

و انگار در با و بیاض

آنها نهایت جالب

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تَقْرَءُوْا لِكِتٰبِ الْغَيْبِ حَتّٰى يَخْشَى الْفِتْنَةَ سَاطِرَةً عَلَیْكُمْ ۚ وَ لَا تَسْأَلُوْا عَنْ شَيْءٍ حَتّٰى يَخْرُجَ اِلَيْكُمْ فَاِنْ سَأَلْتُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْۢ بَدَاۤئِئِ الْغَيْبِ لَا يَخْبَرُكُمْ بِهِۦ ۚ وَ لَا تَقْرَءُوْا لِكِتٰبِ الْغَيْبِ حَتّٰى يَخْشَى الْفِتْنَةَ سَاطِرَةً عَلَیْكُمْ ۚ وَ لَا تَسْأَلُوْا عَنْ شَيْءٍ حَتّٰى يَخْرُجَ اِلَيْكُمْ

آید و شدی کند بر ایشان نور جوان چاویدان  
گردش می کنند بخبر ایشان بچکان چاوید مانند گان  
یا آنکه را و برایتان یا آنکه را باز گشتان  
و پیاپی از و پیاپی از

مَرۡعٍ ۚ لَا يَصِدُّ عَنْهَا وَلَا يَزۡفُقُ ۚ وَ فَاِذَا تَخَيَّرُوْنَ

شراب جاری نذر و سر داده شود ایشان را از آن شراب و نه بیوش شوند  
شراب صاف (جاری) کرده سرورده میشوند از آن و نه شطویات گویند (بیوش می شوند) و میوه از آنچه که پسند کنند  
در آنجا که میوه و نه بیوش شوند  
در آنجا که میوه و نه بیوش شوند

وَلَحِمَّ طَيْرٍ مِّمَّا بَشَنَّهُوْنَ ۚ وَ حَوْرٍ عَيْنٍ ۚ كَا مَثَالِ لِلۡلَّوۡءِ الْمَكۡنُونِ

و با گوشت مرغان از هر جنس که پسند کنند  
و گوشت پرند از آنچه خواست کنند و حوران گوی چشم  
و از آنجا که چشم مانند مروارید باشد  
و از آنجا که چشم مانند مروارید باشد

جَزَآءَ بَنَاتِكَ اَلۡاَعۡمٰلُوْنَ ۚ لَا يَسۡمَعُوْنَ فِيْهَا لَغَ۫وًا وَّلَا نِثۡمًا ۚ اَلۡاَقِلَّآ

پاداش دینیم بکسب آنچه می کردند  
پاداش آن کارهای که می کردند  
نه می شنوند در بهشت  
در آنجا که میوه و نه بیوش شوند

سَلٰمًا سَلٰمًا ۚ وَ اَصۡحٰبُ الْيَمِيْنِ ۚ مَا اَصۡحٰبُ الْيَمِيْنِ فِيْ سِدۡرٍ مَّخۡصُوۡدٍ

که هر یک سلام می گوید و اهل سعادت چه حال دارند  
سلام باد سلام باد و اهل سعادت و اهل سعادت  
در درختان کنار درختان  
در درختان کنار درختان

وَ طَلۡفٍ مَّتَّصُوۡدٍ ۚ وَ ظِلٌّ مَّتَّوۡدٍ ۚ وَ مَاۤءٌ مَّسۡكُوۡبٍ ۚ وَ فَاِذَا كُنۡتُمۡ

در درختان کنار درختان و در سایه دراز  
در درختان کنار درختان و در سایه دراز  
در درختان کنار درختان و در سایه دراز  
در درختان کنار درختان و در سایه دراز

لَا مَقۡطُوۡعَةٍ وَّلَا مَنۡعُوۡعَةٍ ۚ وَ فَرۡشٌ مَّرۡفُوۡعَةٍ ۚ اِنَّا اَلۡشَّآءُ مِّنۡ اِنۡشَآءِ

نه پایان رسد و نه مانع کرده شود  
نه قطع شده و نه منع کرده شده  
و فرشهای برافراشته شده  
و فرشهای برافراشته شده

فَجَعَلۡنَهُنَّ اَبۡكَارًا لِّعَرۡبٍ اَتۡرَآءٍ ۚ لَا اَصۡحٰبُ الْيَمِيْنِ ۚ ثَلَاثَةٌ مِّنۡ

پس ما قسیم ایشان را کردیم و نیزه خوب شوند نزدیک شوهران و  
پس ما قسیم ایشان را کردیم و نیزه خوب شوند نزدیک شوهران و  
پس ما قسیم ایشان را کردیم و نیزه خوب شوند نزدیک شوهران و  
پس ما قسیم ایشان را کردیم و نیزه خوب شوند نزدیک شوهران و

الۡاَوَّلِيْنَ ۚ وَ ثَلَاثَةٌ مِّنۡ الْاٰخِرِيْنَ ۚ وَ اَصۡحٰبُ الشِّمَالِ ۚ مَا اَصۡحٰبُ

پیشینان  
پیشینان  
پیشینان  
پیشینان

الشِّمَالِ ۚ فِيْ سَمُوۡمٍ وَ حَمِيۡمٍ ۚ وَ ظِلٌّ مِّنۡ يَّحۡمُوۡمٍ ۚ اَلۡاَبَارِدُ

در باد گرم و آب گرم باشند  
در باد گرم و آب گرم باشند  
در باد گرم و آب گرم باشند  
در باد گرم و آب گرم باشند

لَا كَرِيۡمٍ ۚ اِنَّهٗمۡ كَانُوۡا قَبۡلَ ذٰلِكَ مَرۡفُۡقِيۡنَ ۚ وَ كَانُوۡا اَبۡصَرُّوۡنَ عَلَی

نه با عزت بود  
نه با عزت بود  
نه با عزت بود  
نه با عزت بود

الۡجَنۡتِ الْعَظِيۡمِ ۚ وَ كَانُوۡا اَيۡقُوۡوُنَ ۚ اَيۡدَاۤءُ مِّنَا وَ كُنَّا نَرٰ اَبَا وَّ عَظَمًا

کنایه بزرگ یعنی شرک  
کنایه بزرگ یعنی شرک  
کنایه بزرگ یعنی شرک  
کنایه بزرگ یعنی شرک

عَاۤا تَلۡبَعُوۡنَ ۚ اَوَّابًا وَّنَا الْاَوَّلُوۡنَ ۚ قُلْ اِنَّ الْاَوَّلِيْنَ وَالۡاٰخِرِيْنَ

آیا بر آنچه می شنویم  
آیا بر آنچه می شنویم  
آیا بر آنچه می شنویم  
آیا بر آنچه می شنویم

آیا بر آنچه می شنویم  
آیا بر آنچه می شنویم  
آیا بر آنچه می شنویم  
آیا بر آنچه می شنویم

آیا بر آنچه می شنویم  
آیا بر آنچه می شنویم  
آیا بر آنچه می شنویم  
آیا بر آنچه می شنویم







لا یعرفه لوح محفوظ  
 لا یترجم گوید لفظ  
 تولد داخل است میر  
 معجزه تبار اعلیٰ آن سب  
 تأکید است ۱۲-

بشدت پارسا شده میشود هم چنین به بحر ان راجع به بد حالی دیدن کنی آهنگ اطلاع داده میشود ۱۲.

وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ لِّتُتَعْلَمُوا عَظِيمٌ ۝١٩٢ إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ ۝١٩٣ فِي كِتَابٍ مَّكْنُونٍ ۝١٩٤

در تحقیق / این قسمی است اگر بدانید قسم بزرگ  
چرا ایند این کتاب قرآنیت را میگوید نوشته شده است در کتاب پیرامون  
تحقیق این قرآنی است یا عزت نوشته شده در کتاب یوسفیده

لَا يَسْتَكْبِرُ إِلَّا الْفُتُورُونَ ﴿٥٥﴾ تَزِيلُ مَنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٥٦﴾ أَقْبَضُ الْحَبْلَ

کردست بخدیو مانند بآل مگر پاک کردوگان و دست تار و شوره است از پروردگار عالمی

سوی کندن را هر یک ساخته شدن را با کمال آفرینش داده شده از طرف پروردگار عالم اکنون آری بر این

شما کارکننده آید و می سازید نفی خود آنکه شاید دروغ البت می گوید پس نگاه کرد و دروغ گفت

وای برین کفر و جور ایستند که بیهوده می کشند امرای  
پس چرا نه چنان بکشند

و شامگاه می بینید و مانند یک عریض با او به نسبت شما و لیکن  
روح بیگو حال آنکه در شما در آن وقت می بینید و مانند یک عریض با او به نسبت شما و لیکن

الْبَصِيرُونَ ۝ فَاُولَٰئِكَ كُنتُمْ فِي ذَمِّ لَيْسَانَ ۝ ۱۰ تَرْجِعُوهُنَّ اِنْ كُنْتُمْ

نی بنید پس اگر بنسید غیر مقید حکم الی چرا باز گردانید روح را اگر  
نی بنید پس چرا نه اگر بنسید غیر مقید حکم الی (یعنی هزار داده شدگان) چرا باز نمی گردانید آن روح را اگر بنسید

صدوقین فاما ان کان من البقرین ۷۷ فرو ۷ ورجان هوجن

راست گویان پس اگر باشد آن مرده از جمله مقرین پس برای آن راحت در روزی و بهشت

وَأَهْلَ بَابِ الْحَبِيبِ وَسَلَامُكَ يَا حَبِيبِي  
وَأَهْلَ الْكَرَامَاتِ مِنْ أَهْلِ السَّعَادَاتِ

وَأَمَّا أَنْ كَانَ مِنَ الْعَمَلِ الَّذِي الضَّالُّ فِيهِ فَنَزَلَ مِنْ جَمَلِهِ ٥

و اما اگر باشد از دروغ شمارندگان      کرامان      پس اولست مهابت از آب گرم و اور است در آمدن

حَجِّمْ ۝ إِنَّ هَذَا هُوَ الْحَقُّ الْيَقِينُ ۝ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ ۝

بزرگ خود را

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۲ آغازی کلمه بنام خداوند بے اندازه سبزه بان نهایت بار حق است

پای باد که خدایا بر صدر آسمانها وزین ست وادست عالمی دانا ورامت پادشاهی

سَمْعَتِ مَوَاضِیَ وَرِیْنِ اسْتِ وَاوَسْتِ عَالِبِ بِاَحْکَمَتِ مَرَا اسْتِ بِاَدَبِی

و زمین زنده می گرداند وی میراند داو بر سر چرخ تواناست اوست

الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿١٣﴾ هُوَ الَّذِي

چنین همه وادست آخرین همه وادست آشکار وادست پنهام وادبهر چیز داناست اوست آنکه  
یش از همه و پس از (نهای) همه وادست ظاهر وادست پنهام وادبهر چیز داناست اوست آنکه

مین به عمران راجع به بد حالی و بد خلقی آنها اطلاع داد و پیشه ۱۲.



فل يطلع رز است  
برم ۱۲ صبح هر  
کس که نمردا بنگذره  
ملک خدا باشد پس آن  
نخل کون نهایت  
شفیع است  
تفسیر عثمانی  
۱۵ از ایمان آوردن  
بر الله و یا از تعقیب  
راهی معرفت و یقین  
که هر چیزی را  
مشهود درین مسامه  
سستی یعنی انقض  
چرا باشد غرور وقت  
کنیده و تیکه رسول خدا  
شمار ایوی که هر چیز  
غیر انوس متحول بلکه  
بطرف پروردگار و حق  
حقیقی شده موت می کند  
که عقیده آن در اصل  
فطرت شده و لیست  
نهاده شده و نیز انوار  
رو بیت او تامل را  
پیش از آمدن خود دنیا  
گوده ای به چنانچه تا پیش  
اقرار یک اندازد تا بهر  
چیزی در قلوب بنی آدم  
یافت بشود باز درین  
دلائل و براین ممال  
رسل یاد دانی و تجوید  
آن عهد و پیمان ازانی  
نیز کرده است و انبیای  
سابقین از امت های  
خود این عهد را هم  
گرفتند که به انبیا  
خاتم الانبیا صلی الله  
علیه و سلم خواهند پرداخت  
نیز بسیاری از شما  
هستند که بر دست  
سیدک رسول کریم  
صلی الله علیه و سلم عهد  
انگیز کرده اند که بیعت  
و طاعت و انقیاد  
فی سبیل الله و طریقه  
انوار ایمانی بای خود خواهند  
پس بعد از این جمعی

خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ ط  
آفرید آسمانها و زمین را در شش روز باز مستقر شد بر عرش  
بیا فرید آسمانها و زمین را در شش روز باز مستقر شد (تصد کرد) بر عرش  
يَعْلَمُ مَا يَلْجِجُ فِي الْأَرْضِ مَا يَخْرِجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ  
میداند آنچه درمی آید به زمین و آنچه بر می آید از آن و آنچه فرو می آید از آسمان و آنچه بالا می رود  
میداند آنچه می دارید در زمین و آنچه می بر آید از آن و آنچه فرو می آید از آسمان و آنچه بالا می رود  
فِيهَا وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ٥ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ  
اندر او و او با شماست هر جا که باشید و خدا با آنچه می کنید بیناست اوراست پادشاهی آسمانها  
دران و او با شماست هر جا که باشید و الله به آنچه می کنید بیناست اوراست پادشاهی آسمانها  
وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ يَرْجِعُ الْأَمْوَارَ ٥ يَوْمَ يُرَى الْيَلُ فِي النَّهَارِ وَيُورِجُ النَّهَارُ  
و زمین و بسوی خدا باز گردانیده میشود کارها و درمی آرد شب را در روز و در می آرد روز را  
و زمین و بسوی الله باز گردانیده میشود کارها و در می آید شب را در روز و داخل می کند روز را  
فِي الْيَلِ وَهُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ٦ اٰمِنُوْا بِاللّٰهِ وَرَسُوْلِهِ وَاَنْتَقُوا  
در شب و او داناست بملکون سینهها ایمان آرید بخدا و رسول او و خرج کنید  
در شب و او داناست به آنچه در سینههاست ایمان آرید به الله و رسول او و خرج کنید  
مِمَّا جَعَلَكُمْ مُّسْتَخْلَفِيْنَ فِيْهِ فَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا مِنْكُمْ وَاَنْتَقُوا لَهُمْ اَجْرٌ  
از آنچه آن مال که ساخته است شما را و بیکران در دس پس آنان که ایمان آورند و خرج کردند از شراکات انراست مزد  
از آنچه که بدست شما داده است نامی خود ساخته دران (از جمله آن مانی که ساخته است شما را اجانشین و بیکران پس آنکه ایمان آورند از شما و  
كَيْفَ ٧ وَمَا لَكُمْ لَا تُؤْمِنُوْنَ بِاللّٰهِ وَالرَّسُوْلِ يَدْعُوْكُمْ لَتُؤْمِنُوْا بِرَبِّكُمْ  
بزرگ و چیست شما را که ایمان نیارید بخدا و رسول او دعوت می کند شما را که ایمان آید به پروردگار و بزرگ  
بزرگ و چه شده شما را که ایمان نمی آرید به الله در حالیکه رسول می خواند شما را که ایمان بیارید به پروردگار خود  
وَقَدْ اَخَذَ مِيْثَاقَكُمْ اِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِيْنَ ٨ هُوَ الَّذِيْ يَنْزِلُ عَلٰى عَبْدٍ  
و هر آنکه عهد گرفته است از شما که اگر هستید با پروردارنده و دوست آنکه در میفرستد بر بنده خود  
و هر آنکه گرفته است عهد حکم از شما اگر هستید مؤمنان به او دوست آنکه فرو میفرستد بر بنده خود  
اِنَّ رَبِّيْنَا لَيَخْرِجُكُمْ مِّنَ الظُّلُمٰتِ اِلَى النُّوْرِ وَاِنَّ اللّٰهَ بِكُمْ لَعَوُفٌ  
آیات و اخرج تا بیرون آرد شما را از تاریکی با بسوی روشنی و خدا بر شما بحث میکند  
آیات و اخرج تا بیرون آرد شما را از تاریکی با بسوی روشنی و هر تحقیق الله بر شما نازل کند (و بحث میکند)  
رَّحِيْمٌ ٩ وَمَا لَكُمْ لَا تَتَّقُوْا اِنِّيْ سَبِيْلُ اللّٰهِ وَلِلّٰهِ يَرْثُ السَّمٰوٰتِ وَ  
مهربان است و چیست شما را که خجسته کنید در راه خدا و خدا است و اوست که گذارنده آسمانها و  
مهربان است و چه شده شما را که خجسته نمی کنید در راه الله و خدا است میراث آسمانها و  
اَلْاَرْضِ لَا يَسْتَوِيْ مِنْكُمْ مَنْ اَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْغَنَةِ وَاَنْفَقَ مِنْكُمْ  
زمین و فلک برابر نیست از شما آنکه خرج کرد پیش از غنای و آنکه خرج کرد بعد از آن که  
برابر نیست از شما آن که خرج کرد پیش از غنای و آنکه خرج کرد بعد از آن که  
اَعْظَمُ دَرَجَةً مِّنَ الَّذِيْنَ اَنْفَقُوْا مِنْ بَعْدِ وَقَاتَلُوْا وَاُولٰٓئِكَ عَدَدَ اللّٰهِ  
در مرتبه بزرگ ترند از آنان که خرج کردند بعد از جنگ و قتال کردند و هر یک را و عده داده است خدا  
بزرگ ترند از روی در هر از آنان که خرج کردند بعد از جنگ و مقاتله کردند و هر دو فریق را عده داده است  
اَحْسَنُ ١٠ وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُوْنَ خَبِيْرٌ ١١ مَنْ ذَا الَّذِيْ يُقْرِضُ اللّٰهَ قَرْضًا  
حاصلت نیک و خدا با آنچه می کنید خبردار است و کیست آنکه قرض دهد خدا را قرض دادن  
نبوی که بهشت است و خدا به آنچه می کند خبردار است کیست آنکه قرض دهد الله را قرض دادن  
پس بعد از این جمعی

تا پیش از این جمعی که یاد کرده باشد یا در کتب یا در کتب و عیاق خود برگزیده



والمترجم كونه بنی  
 ودریناوردید و تفسیر  
 کنید که اینجا تفسیر نور  
 نیست و الله اعلم  
 وکلیت بر حضرت  
 مسلمانان ما را  
 یعنی اجل ۱۲  
 تفسیر عثمانی  
 در صورت است  
 دریناوردید  
 و دریناوردید  
 ی که دریناوردید  
 شایان بود که دریناوردید  
 لایات و شبهات شود  
 راه نفاق را اختیار کرده  
 بودید و نفس خود را فحش  
 داد و خود را در پاکت  
 انداختید باز هیچ توبه  
 نکردید بلکه شکر خود را بگفتید  
 چقدر آید اسلام و  
 مسلمانان مورد کرم  
 آنست بلا و دفع میشود  
 در این بدین حال که  
 شکر و شبهات بود  
 در این فریب که خود را  
 کرده اند هیچ جزای  
 این که دریناوردید  
 منافقان را بیایند  
 بلکه این خیالات و  
 توهمات را بیدار شود  
 پروردگارند که مغفیر  
 این همه شر و غفلت است  
 و مسلمانان بیایند  
 رسید باغ فرات  
 میشود می ماند قدر آخرت  
 پس در اینجا هم بکلام حیل  
 نبات خواهم یافت  
 شایسته این خیالات  
 بود که حکم الله متعالی  
 رسید و کوی شادان  
 شادان و آن در قیامت  
 کائنات سلطان است  
 انده کشیده چنان  
 مردم تان نمود  
 اکنون هیچ راه نیست  
 باقی فائده ۱۲

حَسَنًا فَيُضَعِّفْ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ ① يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

نیک پس و چنداں اندک آن قرین را برساند و او را است مزد بزرگ یا کوی روزیکه برین مردان مسلمانان را و زنان مسلمانان را

تَسْعُ نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ يَوْمَ جُمِعَتُ النُّجُومُ ②

باین صفت که می شتابد نور ایشان پیش دست ایشان و بجانب راست ایشان گفته شود مرده باد شمار امر و شمار است پوست آنها میرود که می شتابد نور ایشان پیش روی ایشان و بفرست های راست ایشان گفته میشود مرده باد شمار امر و شمار است پوست آنها میرود

تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خُلِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ③ يَوْمَ يَقُولُ

زیر آن جوئے با جاوید باشد آن جا نیست مطلب یا بی بزرگ روزیکه گویند زیر درختان آن جویم جاویدان باشند در آن همین است کامیابی بزرگ روزیکه می گویند

الْمُتَّقُونَ أَلَمْ نَكُفِّرْ بَالَّذِينَ آمَنُوا أَنْ نَنْتَقِبَ مِنْ تَوْرِكَ ④

مردان متقین و زنان متقین یا مسلمانان بظرف خفقت نگریه سوئے تا در دشتی گیریم از نور شما مردان متقین و زنان متقین مسلمانان را انتظار ما را بکشید تا در دشتی بگیریم از نور شما

قِيلَ ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا فَضُرِبَ بَيْنَهُم بِسُورَةٍ ⑤

گفته شود باز گردید پس پشت خویش پس بگردید و دشتی را طلب کنید و در میان ایشان دیواری که او را در و ده باشد گفته می شود باز گردید در عقب خود پس بگردید و دشتی را طلب کنید و در میان ایشان دیواری که او را در و ده باشد

بِأُطْنَةِ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَظَاهِرُهُ مِنْ قِبَلِهِ الْعَذَابُ ⑥ يُنَادُوهُمْ أَمْ تُكِنُّ

اندرون آن دیوار آید بگر حمت است و بیرون آن دیوار بجانب پیش او عذاب است اولاد منافقان مسلمانان را آیا می نوزدیم در او امر آن رحمت است و از طرف بیرون آن عذاب است خداوند منافقان مسلمانان را آیا می نوزدیم

مَعَكُمْ قَالُوا بَلَىٰ وَلَكِنَّكُمْ فَتَنْتُمْ أَنْفُسَكُمْ وَتَلَبُّنُمْ وَإِنَّا بِكُمْ

بهره شما گفتند آری و لیکن شما در بار ما گفتید و فریفتید ما را و انتظار کردید و شک آوردید و فریفتید کرد شما را بهره شما گویند آری و لیکن شما در بار ما گفتید و فریفتید ما را و انتظار کردید و شک آوردید و فریفتید شما را

الْأَمَانِي حَتَّىٰ جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ وَغُرِّكُمْ بِاللَّهِ الْغُرُورُ ⑦ قَالِیَوْمَ لَا يُخَدَّ

آرزو ما تا آنکه برسد فرمان خدا و فریب داد شما را در فریب داری خدا شیطانی فریبده پس امروز فرا گرفته شود آرزو ما تا آنکه برسد حکم خدا و فریب داد شما را به (کرم) الله شیطانی فریبده معین امروز قبول نمی شود

مِنْكُمْ فَلَیْئَةُ ⑧ الَّذِينَ كَفَرُوا مَا وَكُمُ النَّارُ مِنْ مَوْلَاكُمْ وَ

از شما فداست و نه از کافران گرفته شود چنانچه شما آتش است همان آتش لایق شماست و از شما فداست و نه از کافران جای ببرد شما در آخر است همان آتش رقیق (لایق) شماست و

يَكُنُ الْمُحْصِرُ ⑨ أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ

بدر بازگشت است و سه آیات نرسیده است مسلمانان را که نیایش کنند دل ایشان و وقت یاد کردن خدا بد یادگشت است آیات وقت آن فرسیده مؤمنان که بترسد دل بایست ایشان از یاد کردن الله

وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُنُ أَكَاذِبِينَ ⑩ أَوَلَمْ يَكُنْ مِنْ قَبْلُ فُطْرًا

و وقت یاد آوردن آنچه آمده است و حق است و این و نباشند آنگاه آمده شده است ایشان را حجاب پیش ازین پس دراز گشت و آنچه نرود آمده ازین حق و نباشند آنگاه داده شده است ایشان را کتاب پیش ازین پس دراز شد

عَلَيْهِمُ الْأَمْدُ فَفَسَدَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَسِقُونَ ⑪ اَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ

بر ایشان امدت پس بخت شد دل ایشان و بسیدای از ایشان بدکاران آمد بدانند که خدا بر ایشان زمان پس بخت شد دل بایست ایشان و بسیاری از ایشان نافرمانند بدانند که الله

يَحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ⑫ إِنْ

زنده می کند زمین را بعد از مرده بودن آن بر آیت بیان کردیم برای شما نشانی آنها بود که شما در آید بر آیت زنده می گرداند زمین را بعد از مردن آن (بهر آیت) واضح بیان کردیم برای شما نشانی آنها را شاید شما عقل کنید بجهنم



تفسیر عثمان

عنه مترجم محقق

در حدیث الباقی

الشهداء را

الصدیقین قبول کرد

است یعنی کس یکبار

الله و حج بفرمان او

کافران آورند باید

از طریق آبها در امان

و احوال آنها قلمبراش

ایمانداران راست

۲۰۰ راجع به مردم

اند و همین حضرت

نزد الله تبارک و تعالی

۱۸۰ احوال دیگر مردم اند

کاتان و کذبلک

جنتکم است و سقا الله قوا

شهادت علی الناس و

بکون الرسول علیکم شهادت

و بقوله کرم الله له آخرت

باین ایمانداران راجع

قرقرش و در میان ایشان

توب و شفاعت ایشان

و تفسیر این آیه چنان

در قم دیگر تفسیر شده

این تفسیر گواهی نقل

مفضل آن را کرده

عنه علم الله تبارک و تعالی

بهر چیز علم ذاتی است

و بهر علم آنرا حاصل

نکوه بهایرین برای

و چه مشکل است

که مطابق علم حیوانی

تمام اوقات و حوادث

را قبل از وقوع در لوح

مخفوف در قلم است

عادت اکثر داندیشان

جبر این است که بسیار

وقت و کلمات بفرستند

که چون نام الفیق گویند

شود پس از جبر ایشان

نمی آید و فیق رفیق

شمن نمی خورند و خود

شمن در کیم کار میکنند

چندین بار علیه دیگران

به قول دشمن خود جوی

میدانند و خود قلم

المُكْمِلِينَ وَالْمُتَّكِلِينَ وَأَفْرَضُوا لِلَّهِ قَرْضًا حَسَنًا يَضَعْفُ

مردان تجارت دهنده و زنان تجارت دهنده و آنکه قرض داده اند خدا را قرض نیک دو چند داده شود

مردان صدقه دهنده و زنان صدقه دهنده و آنکه قرض میدهند خدا را قرض نیک دو چند داده میشود

لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصِّدِّيقُونَ

ایشان را و ایشانراست مزد گرامی قدر و آنکه ایمان آوردند بخدا و پیغمبران او آنجا که ایشانند صدیقان

بایشان و ایشانراست ثواب گرامی و آنکه ایمان آورده اند به الله و تمام رسولان او آن گروه ایشانند ایمان دهنان راست

وَالشَّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا

و شهادت کنند نزد پروردگار خویش ایشانراست ثواب ایشان و نور ایشان و آنکه کافر شدند و دوروغ شدند

و کذاب شدند نزد پروردگار خود ایشانراست ثواب ایشان و نور ایشان و آنکه کافر شدند و دوروغ شدند

بآیات ما را آن گروه این دوزخ اند بداند که زندگانی دنیا پاز نیست و میوه نیست و آرایش است

آیات ما را آن گروه این دوزخ اند بداند که زندگانی دنیا پاز نیست و میوه نیست و آرایش است

وَتَفَاخَرُوا بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرُوا فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ

و خود ستایست در میان خویش و از یکدیگر زیادگیست در ثواب و آنکه کفارند و خود ستایست در میان تان و زیادگیست در مال و اولاد مانند بارانی که خود را ساقط کند و آب را

نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهْبِجُ فَتُرَدُّ مُمْصِرَاتُهُ يَكُونُ حُطَامًا وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ

رستخوار و باز خشک شود پس زرد به بینی آنرا باز در بیم شکست گردد و در آخرت عذاب

بسیز آن باز بقوت می آید خشک میشود پس میوه در بیم شکست را پاشان شده و در آخرت عذاب

شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَمْتَاعٌ

عزت است و نیز آرزوی است از جانب خدا و خوشبود است و نیست زندگانی دنیا مگر بهر که

عزت است و نیز آرزوی است از جانب خدا و خوشبود است و نیست زندگانی دنیا مگر متاع

الْغُرُورُ ۱ سَابِقُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ

بهشت فریب باشد سبقت کنید بهر آرزوی است از جانب خدا و بهشتی که پهنای او مانند پهنای آسمان

فَرِيبٌ يَشْتَابِرُ بِلِسْوَىٰ أَمْرٍ شَرٍّ أَوْ جَانِبٍ يَرُدُّ وَكَارِهُمَا سَمْتَ وِلْوَىٰ بِلِسْوَىٰ كِبْرِيَاءِ أَوْ مَانِ بِنَهَائِ آسَمَانِ

و زمین باشد آواره کرده شده برای آنکه ایمان می آید بخدا و پیمان بران او نیست فضل خدا

و زمین باشد آواره کرده شده برای آنکه ایمان می آید بخدا و پیمان بران او نیست فضل خدا

مَنْ يَشَاءِ اللَّهُ ذُو الْقَضَائِ الْعَظِيمِ مَا أَصَابَ مِنْ مَّصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ

بهر که خواهد و خدا قضاوت فضل بزرگست و هر که خواهد و خدا قضاوت فضل بزرگست

وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كَيْدٍ مِّن قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا طَائِفًا ذَلِكُمْ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ

و نه در جان شما که نخواستن شده است در کتاب پیش از آنکه بیافرینیم آن را که بر خدا آسان است

و نه در نفس جان شما که نخواستن شده است در کتاب پیش از آنکه بیافرینیم آن را که بر خدا آسان است

لَكِبَلَاتٍ لَّاسُوَا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَعْرُخُوا بِمَا آتَاكُمْ وَاللَّهُ رَاجِعُ كُلِّ شَيْءٍ

چند باره ایمان آورده بخدا و تا شادمانی خوشید با آنچه عطا کرد و دشوار و آسان دوستی دارد و هر چیز که

چند باره ایمان آورده بخدا و تا شادمانی خوشید با آنچه عطا کرد و دشوار و آسان دوستی دارد و هر چیز که

فَخُورٌ ۱ الَّذِينَ يَخْلَوْنَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَمَنْ يَتَوَلَّ

خودستانند را دوست نمی دارد آنان را که بخل می کنند و مردمان را به بخل می فرمایند و هر که در دامن خود

خودستانند را دوست نمی دارد آنان را که بخل می کنند و مردمان را به بخل می فرمایند و هر که در دامن خود

خودستانند را دوست نمی دارد آنان را که بخل می کنند و مردمان را به بخل می فرمایند و هر که در دامن خود

خودستانند را دوست نمی دارد آنان را که بخل می کنند و مردمان را به بخل می فرمایند و هر که در دامن خود



والمؤمنون على الله  
عليه وسلم لا يفترون  
يؤمنون بالله على ما  
تفسير عثمان  
عنه انهم انما  
اكثر تافهون الله ورسوله  
به خاتم الانبياء ورسوله  
عليه وسلم ايمانهم انهم  
اكثر به حقيقت انهم  
عنه ان كتاب  
اعمال يغير ان  
سابق را شنیده  
آزادی کردند که  
مافوس باذان ۱۹  
بیتقرن غنی پسان  
بیداشتم براسه  
بدست آغوش آن  
درجات محال است که  
صحت انبیاء حاصل  
شود بیدانند که از  
مثال این رسول دا  
مبوت فرموده در  
محبت او میتوان  
نسبت به سابق دو  
چند کمال و بزرگی بدست  
آورده و فضل خدا  
موقوف نشده است  
تنبیه حضرت شاه  
صاحب محمد بن قاسم  
آیت را اقرار فون کرده  
است لیکن از اکثر  
سلف منقول است  
که درین موقع در کتاب  
علم با معنی که علم  
است یعنی تا آن املی  
کتاب (که ایمان بیاورد)  
بدانند که آنها بر فضل  
خدا قدرت ندارند و  
فضل فقط بدست خدا  
است بهر که نخواهد  
اودانی میفرماید  
چون کسی که از  
این کتاب بر  
خاتم الانبیاء  
(صلی الله علیه وسلم)  
ایمان آورد و در ایشان  
این فضل کرد که ایشان و چون  
اجزاده بشود و خفایای گذشته  
شان صحت و برای ایشان  
در شرف رحمت می گردد و  
کسی که ایمان نیاورد و  
نداند آنها را این احوال محرم اند

فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ۝ لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ

الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ ۚ وَأَنزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ

شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ ۚ إِنَّ اللَّهَ

عَزِيزٌ قَوِيٌّ ۝ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا

الْيَتِيمَ وَالْكَتَبَ فَمِنْهُمْ هَادٍ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَسِقُونَ ۝ ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَى

أَنبِيَائِهِم بِرُسُلِنَا وَقَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَآتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ وَجَعَلْنَا

فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً ۚ وَرَهَابًا لِلَّذِينَ يُبَدِّلُونَ

الْأَيَّامَ ۚ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا

الْيَتِيمَ وَالْكَتَبَ فَمِنْهُمْ هَادٍ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَسِقُونَ ۝ ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَى

أَنبِيَائِهِم بِرُسُلِنَا وَقَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَآتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ وَجَعَلْنَا

فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً ۚ وَرَهَابًا لِلَّذِينَ يُبَدِّلُونَ

الْأَيَّامَ ۚ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا

الْيَتِيمَ وَالْكَتَبَ فَمِنْهُمْ هَادٍ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَسِقُونَ ۝ ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَى

أَنبِيَائِهِم بِرُسُلِنَا وَقَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَآتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ وَجَعَلْنَا

فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً ۚ وَرَهَابًا لِلَّذِينَ يُبَدِّلُونَ

الْأَيَّامَ ۚ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا

الْيَتِيمَ وَالْكَتَبَ فَمِنْهُمْ هَادٍ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَسِقُونَ ۝ ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَى

أَنبِيَائِهِم بِرُسُلِنَا وَقَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَآتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ وَجَعَلْنَا

فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً ۚ وَرَهَابًا لِلَّذِينَ يُبَدِّلُونَ

الْأَيَّامَ ۚ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا

الْيَتِيمَ وَالْكَتَبَ فَمِنْهُمْ هَادٍ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَسِقُونَ ۝ ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَى

أَنبِيَائِهِم بِرُسُلِنَا وَقَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَآتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ وَجَعَلْنَا

فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً ۚ وَرَهَابًا لِلَّذِينَ يُبَدِّلُونَ

الْأَيَّامَ ۚ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا

الْيَتِيمَ وَالْكَتَبَ فَمِنْهُمْ هَادٍ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَسِقُونَ ۝ ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَى

أَنبِيَائِهِم بِرُسُلِنَا وَقَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَآتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ وَجَعَلْنَا

فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً ۚ وَرَهَابًا لِلَّذِينَ يُبَدِّلُونَ

الْأَيَّامَ ۚ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا

الْيَتِيمَ وَالْكَتَبَ فَمِنْهُمْ هَادٍ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَسِقُونَ ۝ ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَى











دل متروک کیدان  
 حکم مشرع است بآفر  
 کی آید و الله اعلم به  
 دل یعنی منافقان با  
 پیرو دینی که بودند و الله  
 اعلم  
 کفر عتقات  
 علم قسم های دروغ  
 خورده جان و مال خود را  
 از دست مسلمانان  
 می کنند و خود را مسلمان  
 می کرده به پیروی دینی  
 دیگران را از قبل  
 به روی راه هدایت  
 میدارند پس باید  
 داشت که اینها  
 بدین طریق بکفر  
 یافته می توانستند که از  
 نهایت ذلت آید  
 همان گشتار شده فی  
 بسند و چون حق  
 میزداد و در یکس  
 دیگری را از اهل الهی  
 نجات داده نمی توانست  
 نهال که ظاهر بود و  
 اولاد بداد آنها خوا  
 خورد که برای حفاظت  
 آنها قسم های دروغ  
 خورده و بعضی حالات  
 و روش انجام دادار و  
 هم بکار خود میبرد  
 شکی که نزد خدا و روح  
 گفته ظاهر می شد و  
 وی چند اندک مصلی  
 بوسیله بستم و حیل  
 خوبی بکار می برد  
 ظاهر می نمودن قسم  
 دروغ تباری شوند که  
 پروردگار را که چنین  
 بودیم بدین قسم  
 لایم و شاید بدعا بود  
 بهر وجه باشند که  
 در انجام همین اهل  
 ربانی خواهند یافت  
 سرانجام لشکر  
 شیطان یعنی خراب

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا اِذَا نَاجَيْتُمُ الرَّسُوْلَ فَقَدِمْوْا  
 به آفرینی کنید چنانچه در دست  
 به آفرینی کنید چنانچه در دست  
 باین بیدی تجو که صدق قه که خیر لکم و اظهره فان لم تجدوا  
 پیش از داد و سخن خود خیرات را این کار بهتر است  
 چنانچه بگوی خیرات این کار بهتر است  
 فان الله غفور رحيم  
 بهر آنکه خدا آمرزگار مهربان است و  
 پس از آیت الله آمرزنده مهربان است  
 صدق قه و اذ لم تفعلوا و تاب الله عليكم فاقموا الصلوة و اتوا الزکوة  
 خیرات را پس چون نکردید و در گزرا نیت خدا از شما  
 خیرات را پس چون نکردید و در گذشت خدا از شما  
 و اطيعوا الله و رسوله و الله خير بما تعملون  
 و فرمانبرداری کنید خدا را و رسول او را و خدا  
 و فرمانبرداری کنید خدا را و رسول او را و خدا  
 لکن یدهم یعلمون  
 و ایشان میدانند که خدا را  
 و ایشان میدانند که خدا را  
 ما کوا یعلمون  
 و ایشان میدانند که خدا را  
 و ایشان میدانند که خدا را  
 فله عذاب یومین  
 پس بر سر عذاب است عذاب خورنده و دفع  
 پس ایشان را است عذاب ذلت آورد و دفع  
 شیان اولیک اصحاب النار هم فيها خالدون  
 بهر آنکه این جماعت اهل دوزخ اند  
 بهر آنکه این جماعت اهل دوزخ اند  
 جمیعاً یحلفون له کما یحلفون لکم و یحسبون انهم علی شئ  
 بهر آنکه جمیع سوگند خورند و حضور او چنانکه سوگند  
 بهر آنکه جمیع سوگند خورند و حضور خدا چنانکه سوگند  
 انهم هم الکذبون  
 بهر آنکه اینها دروغگو  
 بهر آنکه اینها دروغگو  
 اولیک حزب الشیطن الا ان حزب الشیطن هم الخسرون  
 این جماعت لشکر شیطان است  
 این جماعت لشکر شیطان است

است. قصصیات آن زود نیاروی کامیابی را دیده می تواند و زود آخرت کدام راه نجات در بائی است از عذاب مشایخ



فل من ترجم توبه  
 آنحضرت می باشد علی  
 و سلم چون بدین آمده بانی  
 تفسیر می کردند و ایشان  
 بسبب شهادت ازلی  
 می در عداوت آنحضرت  
 پیش از آنکه آنحضرت  
 اراده فرمود که کفر را  
 جلا دهد و فرموده ایشان  
 آن ملعون را بکشید  
 فرستادند که شما قتل  
 کنید و در جنگ استادی  
 در نزدیکی ارفیق شما  
 ایم خدا است که بر خلاف  
 اراده منافقان در این  
 جمع کردن لشکر می رود  
 القادریه تا حاضر کنند  
 و جلا دهند آنرا که کردند  
 و سخن این لقا را  
 نشنیدند و بقتل و  
 تکرار جمع رجال  
 اتفاق یافت و  
 اهل ایشان  
 فی شرف آن را  
 گویند که بغیر قتل است  
 مسلمانان از قتل  
 قتال منت بر مسلمانان  
 نهاده که می بیان فرمود  
 و از اراده منافقان خبر  
 دلوا شد اعلم به  
 تفسیر عثمانی  
 سه مراد از اهل الحشر  
 نزدیک بعضی مفسرین این  
 است که برای قوم  
 یهود و این اولین  
 موعده بود که در آن  
 خود را ترک گویند  
 بیشتر چنین دانسته  
 پیش از آنکه یهود  
 یار و لال الحشر  
 بدون طرف اشاره  
 باشد که مدینه را  
 گذاشته بسیار  
 یهود به غیر یهود  
 رفته و مشرک آن  
 خواب بود که در عهد  
 خلافت حضرت عمر بود

إِنَّ الَّذِينَ يُحَادُّونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ فِي الْأَذَلِّينَ ٩

بر آنکه آنانکه خلاف می کنند با خدا و رسول او این جماعه در جهل خورترین مردم اند حکم کرد

به تحقیق آنانکه خلاف می کنند با خدا و رسول او این جماعه اند در جهل ذلیل ترین مردمان پورته است

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَيَرْسِلُ إِلَيْهِم رُسُلَهُ ١٠

خدا البتة غالب شوم من و غالب شوند پیغمبران من هر آنکه خدا توانا غالب است نخواهی یافت قوی را

الله (البتة) غالب شوم من و پیغمبران من به تحقیق خدا توانا زبردست است نخواهی یافت قوی را

يَوْمَ مَنُونٍ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ١١

که ایمان دارند بخدا و روز آخر پایش صفت کرد دوستی کنند با کسی که خلاف کرده است با خدا و رسول او

و لَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ ١٢

اگر چه این جماعه باشند پدران ایشان پسران ایشان برادران ایشان یا قبیله خویش و ندان ایشان که با کافران دوستی نمایند

أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ ١٣

اگر چه باشند آن جماعه پدران ایشان یا پسران ایشان یا برادران ایشان یا قبیله خویش و ندان ایشان که با کافران دوستی نمایند

كُتِبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانُ ١٤

نوشته است خدا در دل ایشان ایمان را و قوت داده است ایشان را بقبض

نوشته است خدا در دل ایشان ایمان را و قوت داده است ایشان را بقبض

جَنَّتْ بَجْرَتِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَمْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ ١٥

بویستانها می رود زیر درختانش جو بهای جاودان باشند در آن خوشنودند خدا از ایشان و

رَضُوا عَنْهُ ١٦

خوشنودند خدا از ایشان از خدا ایشانند شکر خدا آگاه شوهر آینه شکر خدا ایشانند رستگار آرا

را قبیله شدند آنان از خدا این گروه اند گروه (شکر) خدا آگاه باش (به تحقیق) گروه خدا ایشان اند رستگار آنان

سُبْحَانَ اللَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ١٧

دل بهای یاد کرد خدا را آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین است و دوست غالب یا حکمت

بهای یاد کرد خدای را آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین است و دوست غالب یا حکمت

هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ ١٨

او است آنکه بر آورد آنان را که کافر شدند از اهل کتاب از خانه های ایشان

و دوست آنکه بر آورد آنان را که کافر شدند از اهل کتاب از خانه های ایشان

لَا أَوَّلَ الْحَشْرِ ١٩

در اول جمع کردن لشکر کمان خداستند شماست مسلمانان که بر آید و کمان می کردند اینک آن کافران را نگاه داشته است

و در اول جمع آوردی لشکره همان خداستند (ای مسلمانان) اینک بر آید ایشان (ای کفار) و کمان می کردند اینک آن کافران را نگاه داشته است

حُصُونَهُمْ مِنَ اللَّهِ فَاتَّخَذَهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا ٢٠

قلوبی ای ایشان از عقوبت خدا پس بر بای ایشان عقوبت خدا از آنجا که نمی دانستند

قلوبی ای ایشان از عقوبت خدا پس بر بای ایشان عقوبت خدا از آنجا که نمی دانستند

قَدْ فُتِيَ قُلُوبُهُمُ الرَّعْبُ يُجْرِبُونَ يَوْمَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي

انگشت در دل ایشان ترس را خراب می کردند خانه های خود را بدستهای خویش و بدست بای

انگشت در دل ایشان ترس را خراب می کردند خانه های خود را بدستهای خویش و بدست بای

انگشت در دل ایشان ترس را خراب می کردند خانه های خود را بدستهای خویش و بدست بای



الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ ۝ وَلَوْلَا أَنْ كَتَبَ اللَّهُ

مسلمانان پس عبرت گیرید ای کسانی که بینایانید و دیدید و اگر نه آن بود که نوشت خدا

عَلَيْهِمْ الْجَهَنَّمَ لََعَلَّ هُمْ فِي الذِّكْرِ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابُ النَّارِ ۝

بر ایشان جها دمی را آید عذوبت می کرد ایشان را در دنیا و ایشان را است در آخرت عذاب آتش

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ ۝ وَمَنْ يُشَاقِقِ اللَّهَ فَإِنَّ اللَّهَ

این عذاب بسبب آنست که ایشان مخالفت کردند با خدا و رسول او و هر که مخالفت کند با خدا

شَدِيدُ الْعِقَابِ ۝ مَا قَطَعْتُمْ مِنْ لَيْتَةٍ أَوْ نَرَكْتُمْ هَاقًا بِمَا عَلَى

خودتان کرده عذوبت است آنچه بریدید از درخت خرما یا اگر استخفید آنرا استاده بر

أَصُولِهَا فَإِنَّ اللَّهَ وَلِيَّ الْمُفْسِقِينَ ۝ وَمَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى

خودش پس بفرمان خدا بود و تا شود کند بدکار آنرا و آن مالیک عائد گردانید خدا بر

رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَمَا أُوجِفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ وَلَا رِكَابٍ لَكِنَّ اللَّهَ

پیامبر خود را از اموال بنی نضیر پس بنی نضیر بودید بران اسبان را و نه شتران را و لیکن خدا

يَسْطَرُ سُلَّةً عَلَى مَنْ يَشَاءُ ۝ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ مَا

غالب می گرداند بر خاندان خود را بر هر که خواهد و خدا بر همه چیز تواناست آنچه

أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي

عائد گردانید خدا بر پیامبر خود از اموال سالکان و بر این خدا توانست و پیغمبر را و غیر ایشان و ندان

الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ ۚ كُنْ لَكُمْ دُولَةٌ يَتَرَفَقُونَ

را و یتیمان را و یتیمان را و فقرا را و راه گزیده را میان خود و شما تا باشد میان و مکه و مدینه

الْأَغْنِيَاءَ مِنْكُمْ وَمَا اتَّكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ

تو بفرمان از شما و هر چه بفرماند شما را بپذیرید و هر چه منع کند شما را از آن

فَاتَّقُوا اللَّهَ طَائِفًا إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ۝ لِلْعَقْرَاءِ السَّهَرِ

از ایشان و بر سید از خدا بر آید خداست کننده عذوبت است آن بی بیان بجزرت کننده را است

الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ

آنکه بیرون کرده شد ایشان را از خانه های ایشان و اموال ایشان می طلبند نعمت را از پروردگار خویش

وَمِنْ ضَرَاوَانٍ وَيُنْصِرُونَ ۝ وَاللَّهُ وَرَسُولُهُ أَوْلَىٰ بِهِمْ الضُّعُفَانِ ۝

و خوشنودی را و نصرت میدهد خدا و پیغمبر او را این جماعت ایشانند راست و عدل

و در طاعتی او را و مدد می کند الله و رسول او را این جماعت ایشانند راستان

صل بنوع و بنوع و بنوع  
اعلم و صل بنوع و بنوع  
درخت بنوع و بنوع و بنوع  
جهاد و بنوع و بنوع و بنوع  
آن بنوع و بنوع و بنوع و بنوع  
صل بنوع و بنوع و بنوع و بنوع

تفسیر

صل بنوع و بنوع و بنوع و بنوع

صل بنوع و بنوع و بنوع و بنوع

صل بنوع و بنوع و بنوع و بنوع

صل بنوع و بنوع و بنوع و بنوع

صل بنوع و بنوع و بنوع و بنوع

صل بنوع و بنوع و بنوع و بنوع

صل بنوع و بنوع و بنوع و بنوع

صل بنوع و بنوع و بنوع و بنوع

صل بنوع و بنوع و بنوع و بنوع

صل بنوع و بنوع و بنوع و بنوع

صل بنوع و بنوع و بنوع و بنوع

صل بنوع و بنوع و بنوع و بنوع

صل بنوع و بنوع و بنوع و بنوع

صل بنوع و بنوع و بنوع و بنوع

صل بنوع و بنوع و بنوع و بنوع

صل بنوع و بنوع و بنوع و بنوع

صل بنوع و بنوع و بنوع و بنوع

صل بنوع و بنوع و بنوع و بنوع

صل بنوع و بنوع و بنوع و بنوع

صل بنوع و بنوع و بنوع و بنوع

صل بنوع و بنوع و بنوع و بنوع

صل بنوع و بنوع و بنوع و بنوع

صل بنوع و بنوع و بنوع و بنوع

صل بنوع و بنوع و بنوع و بنوع

صل بنوع و بنوع و بنوع و بنوع

صل بنوع و بنوع و بنوع و بنوع











صلواته مزمع كيد  
 اخفرت على الله  
 عليه السلام خواستند  
 كنفع كنسرتون  
 مری شریف آن بود  
 که این کبر القصد  
 اخفرت مصلح نکت  
 ناگهان بر سر ایشان  
 رسد کی از صحابہ کرام  
 ایشان نام نوشتند  
 بر قصد مصلح نکت  
 خداوند تمام آن حضرت  
 صلی الله علیه و آله را  
 اطلاع داد تا آن نذر  
 را از راه باز آورند و  
 خاصه تفسیر در باب  
 منع از دست کشیدن از نازل  
 ساخت ۱۲  
 تفسیر عثمان  
 صلی الله علیه و آله  
 که در سوره ۱۱۰ انعام  
 مذکور شد و بود این  
 صلی الله علیه و آله  
 با او کافران عهد شکنی  
 کردند در اثر آن  
 اخفرت بار باره فتح  
 که نهانی در تنبیه  
 قریب شد و بود که  
 گفت که آن آدمی  
 ایشان نیز نشوند  
 مباد آنچه بیزاری  
 جنگ را شروع  
 کنند و بدین واسطه  
 چنانکه در حرم شریف  
 ناگزیر گردید و سستی  
 بنام حاطب بن ابی  
 بلتع که از صحابہ کرام  
 و اصحاب مدینه بود  
 به او ای که مکتوبی فرستاد  
 که شکر محمد صلی الله علیه  
 و سلم مانند شب  
 سیلاب در شب  
 تاریک به شایع  
 آمد و حق است آن حضرت  
 بنزدیکی آگاه گردید  
 چنانچه حضرت علی و سایر  
 چند صحابه حکم داد که زنی  
 عازم سفر گردید و در فلان  
 مقام ادر او اجماع یافت  
 آن زن مکتوبی داد و از آن  
 مرد به یاد یقین بر صفت ۹۵

يَسْبَحُ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

یاد می کند او را هر چه در آسمانها و زمین است و دوست غالب با حکمت

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ

وفا اے مسلمانان دوست می گیرید و دشمنان مرا و دشمنان خود را می شناسید

الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ كَمَثُورٍ بَعُثُوا بِيَهُمْ نَبِيًّا

بوسه ایشان پیغام بسبب دوستی و بر آید ایشان کافران با کفر آمده است بشما از دین راست جلادین می کنند پیغام را و

أَيُّكُمْ أَنْ تَوَفَّوْا بِاللَّهِ رَبَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُوا

شمار آید بر آنکه ایمان آوردید به الله که پروردگار شماست اگر بر آمده اید از اوطان خود بر لیس جهاد در راه من و بطیب

فَرَضَاتِي يُسِرُّونَ إِلَيْهِمُ بِاللَّهِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِهِمْ أَخْفِيَكُمْ وَمَا تُنْفِقُونَ

رخصه مندی من بنمایان میسر می کنند بسوی ایشان پیغام بسبب دوستی و من میدانم آنچه بنمایان می کنند و آنچه آشکارا می نمایند

وَمَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ

و هر که از شما بلند این کار هر آینه خطا کرد راه بهار را اگر کافران بنمایان شما را دشمن

لَكُمْ أَعْدَاءٌ وَيَسْطُرُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ وَأَسْنَتُهُمْ بِالسُّوءِ وَوَدُّوا

باشند در حق شما و بکشایند بسوی شما دستهای خود را و زبانهای خود را بایدها و دوست دارند که

تَكْفُرُوا لَنْ تَنْفَعَكُمْ أَرْحَامُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ يَفْصَلُ

لا قریب شما و آنچه اسند واد شما و خویشاوندان شما و فرزندان شما روز قیامت فصل خواهد کرد خدا

بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ يَتَعَمَّلُونَ بِصِيرَةٍ قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أَسْنَةٌ حَسَنَةً فَرِحَ

در میان شما و خدا با آنچه می کنید بیناست هر آینه هست شما را پیروی نیک

إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا الْقَوْمُ هُمُ نَابِرَةٌ وَآمَنُوا وَمِمَّا تَعْبُدُونَ

ابراهم و آنکه همراه او بودند چون گفتند قوم خود را بر آنچه ما به تعلیم از شما و از آنچه می پرستید

مِنْ دُونِ اللَّهِ تَعْبُدُونَ وَيَدَّابُنَا أَيْدِيكُمْ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ

چون خدا نامعقد شدیم بشما و بدید آمد میان ما و میان شما دشمنی و ناخوشی

أَيُّكُمْ أَحَقُّ تَوَفَّوْا بِاللَّهِ وَحْدَهُ الْإِقُولُ إِبْرَاهِيمَ الْبَصِيرَ لَا تَسْتَعْفِفُونَ

بیشتر تا و گنبد ایمان آید به خدا که تنها شما را پیروی نیک است ابراهیم که در قول ابراهیم پدر خود را که الهی عرض طلب خواهم کرد

بِصِيرَةٍ تَعْبُدُونَ بِصِيرَةٍ تَعْبُدُونَ بِصِيرَةٍ تَعْبُدُونَ بِصِيرَةٍ تَعْبُدُونَ

بیشتر تا و گنبد ایمان آید به خدا که تنها شما را پیروی نیک است ابراهیم که در قول ابراهیم پدر خود را که الهی عرض طلب خواهم کرد

بِصِيرَةٍ تَعْبُدُونَ بِصِيرَةٍ تَعْبُدُونَ بِصِيرَةٍ تَعْبُدُونَ بِصِيرَةٍ تَعْبُدُونَ



لَكَ وَمَا أَفْكُ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ مَرَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنَبْنَا

برای تو بودی تو را که برای تو است و تو از خدا چیزی نیستی و تو گفت ای پروردگار ما بر تو توکل کردیم و بسوی تو رجوع نمودیم  
برای تو بودی تو را که برای تو است و تو از خدا چیزی نیستی و تو گفت ای پروردگار ما بر تو توکل کردیم و بسوی تو رجوع نمودیم

وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ ۝ رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَاعْفُ عَنَّا رَبَّنَا

و بسوی تو تست باز گشت ای پروردگار ما را از بدی و بدست کافران و بیامرز ما را ای پروردگار ما  
و بسوی تو تست باز گشت ای پروردگار ما را از بدی و بدست کافران و بیامرز ما را ای پروردگار ما

إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝ لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن

برای آنکه توئی غالب با حکمت  
برای آنکه توئی غالب با حکمت

كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَمَن يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ

امید دار و محتاجات خدا را و روز آخرت را و هر که روگردان شود پس هر آنکه خدا را  
امید دار و محتاجات خدا را و روز آخرت را و هر که روگردان شود پس هر آنکه خدا را

الْحَمِيدُ ۝ عَسَى أَن يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الَّذِينَ هُمْ بِهِمُ

ستون کار است عزیز است خدا از آنکه امید کند در میان شما و در میان  
ستون کار است عزیز است خدا از آنکه امید کند در میان شما و در میان

مَوَدَّةٍ وَاللَّهُ قَدِيرٌ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ۝ لَا يَهْدِي اللَّهُ الْفَاسِقِينَ

دوستی را و خدا بهر چیز تواناست و خدا آمرزگار مهربان است  
دوستی را و خدا بهر چیز تواناست و خدا آمرزگار مهربان است

لَمُوقَاتِلِهِمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ إِن تَبَرَأْ لَهُمْ

جنگ کرده اند با شما در مقدس دین و بیرون کرده اند شما را از خانه های شما  
جنگ کرده اند با شما در مقدس دین و بیرون کرده اند شما را از خانه های شما

نَفْسُ طَوَّارٍ إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ ۝ إِنَّمَا يَهْدِي اللَّهُ

الضَّالِّينَ قَاتِلُهُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَظَاهِرُوا عَلَى

مواصلت آنکه جنگ کرده اند با شما در مقدس دین و بیرون کرده اند شما را از خانه های شما و ظاهر شده اند  
مواصلت آنکه جنگ کرده اند با شما در مقدس دین و بیرون کرده اند شما را از خانه های شما و ظاهر شده اند

أَخْرَاجُهُمْ أَن تَوَلَّوْهُمْ وَمَن يَتَوَلَّهُمْ فَاُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ۝ يَا أَيُّهَا

الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمُ الْمُؤْمِنَاتُ فَاجْتَنِبُوا

مسلمانان چون بیایند پیش شما زنان مسلمان بگریزید که پس امتحان کنید ایشان را و خدا داناست  
مسلمانان چون بیایند پیش شما زنان مسلمان بگریزید که پس امتحان کنید ایشان را و خدا داناست

بِأَيِّمَا هُنَّ ۚ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٌ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ

بایمان ایشان پس اگر مسلمان دانید ایشان را باز نگردانید ایشان را  
بایمان ایشان پس اگر مسلمان دانید ایشان را باز نگردانید ایشان را

لَا هُنَّ حِلٌّ لَّهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَيْسَ وَأَشْهُوهُمَ مَا نَفَقُوا وَأُولَٰئِكَ جُنَاحٌ

نه این زنان حلال اند که از آن کافران حلال اند این زنان را و بدیده بشوهران اینچنین کردند و بیست گناه  
نه این زنان حلال اند که از آن کافران حلال اند این زنان را و بدیده بشوهران اینچنین کردند و بیست گناه

نیت خواستم بر کافران منت نهادم و معا و عدا این خدمت از اهل و عیال من خبر گیری کرده و با آنها سلوک نیک کند - بقره صفحہ ۵۰۰

و ما یحیی و یرزق  
اقتدار بابر ابراهیم نشاید  
کردن و استغفار بر  
کافر دست نیست  
والله اعلم ۱۲  
یعنی ایش از او تو حق اسلام  
و ۱۲ و ۱۳ مترجم گوید  
در صلح حدیبیه بعضی نشاء  
نقد بجهت کرده و بعضی  
ی آه اند بعضی نشاء  
مسلمین مرد گشته به کافرا  
الحق می باشد خداست  
تو ای حکم این جمله بیا  
فرموده الله اعلم ۱۲ و ۱۳  
یعنی قسم و سب و دشنام  
کسب ناخوشی  
ک شومین خود را بلیب  
عشق جوان دیگر نداند  
و عدو الله اعلم ۱۲ و ۱۳  
یعنی هر که شومین  
کفار داده بودند باز  
گردانید و الله اعلم ۱۲  
تفسیر عثمانی  
بقیه صفحہ ۵۰۰ این  
نقیر بسبب تمام  
معان شد و وزن  
مذکور را عین بیان  
مقام گرفتار کردند و  
مذکور بود از لیت صل و  
منافقه زیادی خطرا  
بدین لیس بود  
خواندن معلوم شد که  
حاطب بن ابی بلتعبر  
کفار نوشته است و  
اطلاع بجم مسلمانان  
را داده است آنحضرت  
حاطب را بکشتن و خود  
خواستار عتق این  
حرکت را بر سرید  
نامیده گفت - یا رسول  
الله! این من کفر اختیار  
کرده ام و از اسلام  
برگشته ام - سخن دعوت  
بهین است که اهل عیال  
من در کوفه و بیچ کس  
حاجی و در کار آنها







فل يبعث الله رسولا  
 كذبت دابة فأنزلنا  
 ولسا من تروج في  
 عيسى سبي كروند  
 تفسير عثمان  
 عيسى بن ماری  
 ر الصديق ای کم و دبا  
 بیغیر سینه و شارت  
 میدم اگر چه در کافیا  
 سابقین ام راجع به  
 بعثت خاتم الانبیاء صلی  
 الله علیه وسلم پیشه  
 بشارت میداده اند  
 لیکن با م راحت و  
 وضاحت و اتمامی که  
 حضرت مسیح علیه السلام  
 راجع به تشریف آوری  
 آنحضرت صلی الله علیه  
 وسلم شروه داده آن  
 قدر از کس دیگر متقول  
 نیست - شاید این  
 خصوصیت در صحر  
 مسیح علیه السلام از  
 سبب قرب عهد آمد  
 باشد از برای اذن بدین  
 پیغمبر آخر الزمان که پیغمبر  
 دیگر نبوت شدنی نباشد  
 تحقیق است مسلم که  
 فقلت بجهان و مخالف  
 متهم از پیغمبر و نصاری  
 امروزه هیچ نشو و جمیع  
 تورات و انجیل و صلی  
 رادر دسترس دنیا  
 نگذاشته است  
 اگر چه مسلم این بدست  
 درک می کردیم و می دانیم  
 که انبیای سابقین  
 خصوصاً حضرت  
 مسیح علیه السلام در  
 باب خاتم الانبیاء صلی  
 الله علیه وسلم بکلام الفاظ  
 و کلام عتوبان نبوت  
 داده بودند ببار علیه  
 و هیچ کس حق ندیده که  
 بیان صاف و صریح  
 توان کرد را بگذرد

مَا لَا تَقْعُدُونَ ۝ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ صَفَا كَاهُمْ  
 چیزی که ننگید و دل هر آنچه خدا دوست میدارد آنان را که جنگ می کنند در راه خدا صفت زده گو یا ایشان  
 چیزی را که نمی کند (بحقیق) الله دوست می دارد آنان را که جنگ می کنند در راه او صفت زده گو یا ایشان  
 بَنِيَّانُ مَرَصُوصٌ ۝ وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يُقَوْمِ لِمَ تُوذُّونَنِي وَقَدْ تَعْلَمُونَ  
 عاریت بنی اسرائیل را یک و یک حبسیده و یاد کن چون گفت موسی قوم خود را ای قوم من چرا مرا می آید می دانید  
 و بنی اسرائیل را یک و یک حبسیده اند و بنی اسرائیل را که موسی قوم خود را ای قوم من چرا مرا می آید می دانید  
 اِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ۝ وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ بَنِي إِسْرَءِيلَ إِنِّي  
 من فرستاده خدایم بیوسه شاپس و تنبیه کردی ساخت خدا دل ایشان را و خدا راه نمی نماید  
 من فرستاده خدایم بیوسه شاپس چون رج رفتند بر کشته از حق رج ساخت الله دل بانی شان را و خدا راه نمی نماید  
 رُسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَبَلِّغُوا رِسُولَ  
 پیغمبر خدایم بیوسه شاپس و دارنده آنچه پیش دست هست از کوریت و بشارت دهنده به پیغمبر  
 فرستاده خدایم بیوسه شاپس کتاب آنچه پیش روی من است از کوریت و طرده دهنده به پیغمبر  
 يَأْتِي مِنْ بَعْدِي أَسْمَاءُ أَحْمَدٌ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا إِسْحَارٌ  
 که بنی اسرائیل از من نام او احمد باشد پس چون آمد احمد صلی الله علیه وسلم پیش ایشان با براهین و براهین صریح  
 که می آید بعد از من نام او احمد است پس چون آورد بایشان اثباتهای واضح را گفتند این جادوی  
 مُبِينٌ ۝ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُوَ يُدْعَى إِلَى  
 ظاهر برست و گشت ستمکار از کسی که بر گشت بر خدا دروغ را داد خوانده میشود بیوسه  
 آشکار است چه و گشت ظالم تر از کسی که افترا کرد بر الله دروغ را در حالی که او خوانده میشود بیوسه  
 الْإِسْلَامَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ۝ يُرِيدُونَ لِيُطْفَؤُا نُورُ اللَّهِ  
 اسلام و خدا راه نمی نماید کرده ستمکاران را می خواهند این کادران که روش متدور خدا را  
 اسلام و خدا راه نمی نماید کرده ظالمان را می خواهند که کل کنند نور خدا را  
 بِأَنَّهُمْ هُمُ اللَّهُ مُتَمِّتَةٌ تَوْرَةٍ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ ۝ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ  
 بدینهاست خویش و خدا تمام کند نور خود است اگر چه ناخوش دارند کافران دوست آنکه فرستاد پیغمبر خود را  
 بدینهاست خود خدا تمام کند نور خدا است اگر چه بدیدانند کافران دوست آنکه فرستاده است پیغمبر خود را  
 بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ ۝  
 به هدایت و دین راست تا غالب گردد بر ادیان همه آن اگر چه ناخوش دارند مشرکان  
 به هدایت و دین راست تا غالب کند آنرا بر همه ادیان اگر چه بدیدانند مشرکان  
 يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَى تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ  
 مسلمانان آیا دلالتم کنم شما را بر تجارتی که نجات دهد شما را از عذاب دردناک  
 ای مومنان آیا دلالتم کنم شما را بر تجارتی که نجات دهد شما را از عذاب دردناک  
 تَعْمَلُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ  
 ایمان آرید بخدا و رسول او و جهاد کنید در راه خدا با اموال خود و  
 ایمان آرید به الله و رسول او و جهاد کنید در راه خدا با اموال خود و  
 أَنْفُسِكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۝ يَغْفِرُ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ  
 جان خود این بهتر است بر شما اگر میدانید این چنین کنید بپایان دهنده شما را از گناهان شما و  
 نفسهای خود این بهتر است بر شما اگر میدانید این چنین کنید بپایان دهنده شما را از گناهان شما و

در کلام عتوبان نبوت  
 داده بودند ببار علیه  
 و هیچ کس حق ندیده که  
 بیان صاف و صریح  
 توان کرد را بگذرد

در کلام عتوبان نبوت داده بودند ببار علیه و هیچ کس حق ندیده که بیان صاف و صریح توان کرد را بگذرد











لِرَسُولِهِ وَاللَّهُ يَشْهَدُ أَنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ ﴿١٠﴾ اتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ

پیامبر اودی و خدا گواہی میدهد که منافقان دروغ گویند و کفر انداخته اند  
پیامبر اودی و خدا گواہی میدهد که منافقان دروغ گویند و کفر انداخته اند

حَتَّىٰ فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ أَتَاهُمْ نَارُ الْهَرَمَاءِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٥٠﴾ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ

خود را پس باز ماندند از راه خدا هر آینه ایشان بدست آنچه می گشته این بسبب آنست که

مِنْهُمْ قُلُوبُهُمْ عَلَيْهِمْ أَقْطَعُ عَلَى قُلُوبِهِمْ أَنْ يَفْقَهُوا وَأَنْزَلْنَا لَهُمْ الْقُرْآنَ فَذَكَرُوا آيَاتِهِ

ایمان آید اور دنیا باز کافر نہ رہے نہ بد دل الشاق پس اگر شاں نے جہنم دیوں میں ایسا نرا سنبھ کند ترا

این ایام و روزها که در این کتاب مذکور است در این روزها که در این کتاب مذکور است

ایمان ایشان و اگر بگویند خوشی بد سخن ایشان گویا ایشان  
چو بپایانند بدو بار بار بنیاد و سے پندارند

جسہا کے ایشان و اگر حق کو پسند بخوی حق ایشان را بوی ایشان جو سہا ہی بدیوں کی یادہ شدہ اند می پسند دارند

پای میزد خود ایش بند و ستمان پس بترس از ایشان لعنت کرد ایش ترا خدا را نماز کرد و ایش بند و ستمان را

بر آواز خدا را بیا بیای بر خود را بشناسند دشمنان شما پس خدا کن از ایشان بپاک گرداند الله ایشان را چگونه گردانیده و میفرماید از حق

وَرَادَ اَيْنِ لَهُم لَعَالِ اَيْسَعِي لِكِرْسُونِ اللّٰهُ وَاَرْءُو سَمْعَهُ وَاِيَهُمْ  
وَعَلِ لَفْتِ شُوْدَمَنْ فَاَنْ رَا اَيْدِي تَاْطَلَبَ اَمْرُغْ لَكِنْ بَرَا سَيِّ شَا مَغَايِرَ خَدَاةَ يَحْيَا مَسْرُوحُو دُرَا وَيَهْنِي الشَّامُزَا

و چون گفت شود بمنافقان بیاستدنا امرزش بخواد برای شارسون خدا می چنانند دسر بای خود را از اعراض می کنند و می

يصلون وهم مستلبون سواء عليهم أُنذرتهم أم لم تُستعبر

دردی می گردد. اختلال در حالیکه ایشان تجربه نیند، مانند بزرگداشت بر ایشان که آموزش میجوای برای ایشان یا آموزش میجوای

لَهُمْ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ لَهُمُ الَّذِينَ

برای ایشان هر که می آید از ایشان را هر آینه را می باید گروه نافرمان را ایشان آنان اند که

يَقُولُونَ لَا تَتَّبِعُوا عَلِيًّا مَنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى يَنْفَضُوا ۚ وَلِلَّهِ خَزَائِنُ

ی گویند یا دان خود را خرج میکنند بر جماعت که نزد رسول خدا میفرستند تا بر آنکه شود خدا را راست خزانها می  
ی گویند (یا دان خود را) خرج میکنند بر آنکه نزد رسول خدا آیند تا بر آنکه شوند خدا را راست خزانها می

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنَّ السَّافِقِينَ إِفْقَهُونَ يَقُولُونَ لَئِنْ رَجَعْنَا

آسانها و زمین	در لیکن	منا فغان	خی دانشند	خی گویند البرار رسیم
آسانها و زمین	و لیکن	منا فغان	خی دانشند	خی گویند البرار رسیم

الْبَدِئَةِ لَتَنفِخَ فِي الصُّورِ اذْأَسْمَاءُ الْعِيسَى وَرَسُولُهُ وَلِلَّهِ الْمُنْدَرِجَاتُ

یہ حدیث البیت پر آرد بزرگ تو حجاز شہر ازمذہبہ و خدا تراست بزرگ و ستائیم اور اسمائے گمان را

وَأَمَّا الْفُلُ فَأَنزَلْنَاهُ ذِكْرًا لِّعِبَادِنَا إِنَّهُ لَكَفَّارٌ ذَلِيلٌ

وہم، منافقان، منہ پرست، اسے مسلمانان، مشغول ہو کر داند شمار، احوال بنا و

میدان مشرقی ای مومنان عالمی تفسیر شریعت مال اکتیو

و در زمان شاه یار کردن خدا و هر که بلند این کار پس آنجا که ایشان زبان کاران و

و هرگز بکنند این کار را پس آن جامه ایست که بریان کار این و

و نمود آنها را هم با خود نگذاشتند که از این بین ابراهیم چنان بر دستش می‌گرفت که می‌پنداشت که دارد مردی را می‌گرفت است. مردم زیر اسلحه طعن و تشنیع قرار دادند آن بیچاره را





عنه بل من كان قنيد  
 بر انسان بار افزوده  
 بايستی که نگذارد برو  
 ايمان می آورد و در آنجا  
 آن متعجب حقیقی را می بیند  
 که چنان ظهور رسیده  
 و بعضی کافر گشته اند  
 و بعضی ایمان  
 یافته اند بدین  
 شب و شب  
 الله تعالی در وجود  
 این استعداد و قوت  
 پذیرفتی کفر و ایمان  
 را در وقت کرده بود  
 که وقت مردمان را  
 بدست محمد صلی الله علیه و آله  
 بود پس کسی که برای  
 قدرت قائم مانده کسی  
 از حالات بر محیط خود  
 متاثر شده برضات  
 آن راه دیگری اختیار  
 نمود - الله تعالی زایل  
 علم این مردود چیز را  
 داشت که کدام کس  
 به اراده و اختیار خود  
 کدام طرف خواهد رفت  
 و باز بر حق این سزا  
 و یا الهام و کلام را  
 سخن خواهد شد همین  
 چیز را مطلق علم خود  
 در قسمت او نوشته  
 بود چنان می آید  
 علم محیط الله تعالی  
 مستلزم آن نیست  
 که در دنیا قوت او را  
 و اختیار مافی ثمانه  
 اراده و علم که برین  
 مسئله دقیق یک  
 معقون مستقل  
 بنویسیم - والله الموفق  
 علی ما یصلح لک  
 ما یصلح لک ما را  
 هدایت می کند اگر  
 فرستاده و پیغمبر خود  
 می بود یا کسی فرستاده  
 از آسمان می فرستاده

انفقوا من مآثرکم من قبل ان یأتی احدکم الموت فبقول رب  
 خرج کتبه از آنچه عطا کرده ایم شمارا پیش از آنکه  
 خرج کند از آنچه عطا کرده ایم شمارا پیش از آنکه  
 لولا اخرتني الى اجل قريب فاصدق واکن من الصالحين و  
 ماضی موقوف می کند امانی مرا تا مدت و دمی که از  
 چرا مصلحت ندادی مرا تا مدت اندک تا خبرات می کردم و می شنیدم از نیکوکاران  
 ان یؤخر الله نفسا اذا جاء اجلها والله خبير بما تعملون  
 هرگز مصلحت ندهد خدا را کسی را پیش از اجل او و خدا خبردار است  
 هرگز مصلحت نمی دهد الله بیکس را چون بیايد اجل او و خدا خبردار است به آنچه می کند  
 يسو التغابن وکذا  
 بنام خداست بخشایند مهربان  
 آغاز می کنم بنام خدا می کند به انداز مهربان مهربان است  
 يسبح لله ما فی السموت وما فی الارض له الملك وله الحمد وهو على  
 حال باد می کند خدا را آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین است و او است پادشاه و او است ستایش داد  
 بهای بادی که کند الله را آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است و او است پادشاه و او است ستایش داد و او  
 کل شیء قدير هو الذي خلقکم فمنکم کافر و منکم مؤمن و الله بما  
 همه چیز تواناست او است آفرید شمارا پس بعضی از شما کافر است و بعضی از شما مؤمن و خدا با آنچه  
 همه چیز تواناست او است آفرید شمارا پس بعضی از شما کافر است و بعضی از شما مؤمن است و خدا به آنچه  
 تعملون بصير و خلق السموت و الارض بالحق و صورکم فاحسن  
 می کند شما را و آفرید آسمان با و زمین را به حق و صورت بدست شمارا پس نیکو ساخت  
 می کند شما را و آفرید آسمان با و زمین را به حق و صورت بدست شمارا پس نیکو ساخت  
 صورکم و اليه المصير و يعلم ما فی السموت و الارض يعلم ما تیسرون  
 صورتهای شمارا و بسوی او است بازگشت میدان آنچه در آسمانها و زمین است و میدان آنچه پنهان میدانید  
 صورتهای شمارا و بسوی او است بازگشت همه میدان آنچه در آسمانها و زمین است و میدان آنچه پنهان میدانید  
 و ما تعملون و الله عليم بذات الصدور و انکم نبؤ الذين کفروا  
 و آنچه شما را می کند و خدا داناست بملکون سینهها و آید آنچه است بظاهر آنرا کافر بودند  
 و آنچه شما را می کند و خدا داناست به آنچه در سینهها است آید آنچه است بظاهر آنرا کافر شدند  
 من قبل فذا واول بال افرهم و لهم عذاب الیم و ذلک بما کانتم  
 پیش ازین پس چشیدند و اول کار خود را و ایشانراست عذاب درد دهنده این عذاب آلتیست که  
 پیش ازین پس چشیدند سزای کار خود را و ایشانراست عذاب درد ناک این بسبب آن است که  
 انهم رسالهم بالبینات فقالوا انکم یهود و نزار فکفر و اوتوا و اوا  
 می آمدند پیش ایشان چنانکه بران ایشان با یمن پس گفتند آیا آدمیان راه نماند ما را پس کافر شدند و گردانیدند و  
 می آوردند نزد ایشان چنانکه بران ایشان با یمن پس گفتند آیا آدمیان راه نماند ما را پس کافر شدند و گردانیدند و  
 استغفر الله و الله غنی حمید و رعم الذين کفروا ان کن یبعثوا  
 به نیاز است خدا و خدا گوهر ستوده است پنداشته کافران که بر ایشان خواهند شد  
 ای نیاز است الله (از ایمان آوردن آنها) و خدا بی پروا ستوده است پنداشته کافران که بر ایشان خواهند شد  
 قل بلی و انی کتبعتن ثم کنتن بیا علمکم و ذلک علی الله یسریر  
 بگو آری من پروردگار من البته بر اینها شهادت داده شود شمارا با آنچه می کرد و این بر خدا آسان است  
 بگو آری من پروردگار من است به پروردگار من بر اینها شهادت داده میشود شمارا با آنچه می کرد و این بر الله آسان است

و بگو نزد آنها و بطریقت و در حالت منافات بود از همین سبب ایشان کفر را اختیار کردند و از پذیرفتن سخنان پیغمبران انکار نمودند تغییر ازین آیت ثابت کرد که حق با پیغمبر است



ملک یوزان ۱۱۱

یعنی آنکه در حق هر کس که

تفسیر عثمان

یعنی هر که در حق

در حق و است خاصه

در حق و زمان الله و

رسول الله را بفرستد

آنکه چنان کند که نعمان

خود شاست رسول

خداوند نیک و بد را

چنانچه در حق خود را

ادانده از اطاعت

و یا محبت شایسته

الله یعنی نعم و انصاف

نبرد با اوقات

السان در محبت و

نکویان و اطفال

گرفتار

آمد الله

و احکام ۱۱

اورا فرمود می

کند در این تفکرات

افتاده مرکب جدید

برای گردانیدن

شیء محرم میشود فاش

با و هر دو زن و

اولاد و وقت اورا

آرام می گذارد و درین

گیر و دار مبتلا شده

از آخرت غافل

میشود بر ظاهر است

که اهل و عیالی کسب

این قدر خنده و لغو

کلیان کند حقیقتا

دوست گفته نمی شوند

بلکه بدترین دشمنان

اند و دشمنی و عداوت

آنها را بسیار اوقات

انسان احسان نمی

کند از همین سبب

حق قضاة ظاهر آن

نموده از این دشمنان

بر خدا باشد و در این

را اختیار کند که

سبب اصلاح و بهبود

و نیکی ایشان بدو

بر باد دادن وین نتیجه

باشد مطلب آن نیست

که در دنیا تمام زحمات

و بعد اولاد این قبیل

قَامُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْتَّوْرَ الَّذِي أَنْزَلْنَا وَاللَّهُ يَمَّا تَعْمَلُونَ

پس ایمان آورید بخدا و رسول او و بخود س که داد فرستاده ایم و خدا با آنچه می کنید

پس ایمان آورید به الله و رسول او و به آن توری که فرستاده ایم و خدا با آنچه می کنید

خَبِيرٌ ۵ يَوْمَ يَجْمَعُكُمْ لِيَوْمِ الْجَمْعِ ذَلِكَ يَوْمُ التَّغَابُنِ وَمَنْ يُؤْمِنْ

خبردار است خبر داده شود شمار او قیامت بهم برآورد شمار در روز قیامت آن روز در روز ظهور غیبی نیست یعنی باشد و هر که ایمان آورد

خبردار است (خبر داده شود بشمار) روزی که جمع کنند شمار در روز جمع (قیامت) آن روز در روز ظهور غیبی است و هر که

بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ

بخدا و بپند کارشایسته و در کند از و هر چه باشد او را و در آورش به بوستانها میرود

بخدا و بپند کارشایسته دور می کند از می بدیهای او را و داخل می کند او را به بوستانها نیک میرود

تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ۶ وَالَّذِينَ

زیر آن جویها جاویدان آنجا همیشه است نبردنی بزرگ و آنجا

زیر (قصرهای آن) جویها جاویدان باشند در آن همیشه این است کامیابی بزرگ و آنجا

كُفَرُوا وَكَانُوا يُبَايِعُونَكَ أَهْلَ الْبُيُوتِ الَّذِينَ كَانُوا يَكْفُرُونَ فِيهَا يُكَلِّفُ

کافر شدند و بدو رخ نصبت کردند آیات ما را آن جماعت اهل دوزخ اند جاویدان آنجا و بد جاویدان

کافر شدند و کذب کردند آیات ما را آن جماعت اهل دوزخ اند جاویدان باشند در آن و بد

الْمُؤْمِنِينَ ۷ مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ

دورخ نه میرسد هیچ مصیبت مگر بحکم خدا و هر که جویند بخدا

دورخ است دورخ نمیرسد هیچ مصیبت مگر بحکم خدا و هر که ایمان آورد بخدا

يَهْدِ اللَّهُ سَبِيلَهُ لِلَّذِينَ يَدِينُونَ أَلْسِنَتَهُمُ لِلدِّينِ وَأَطَاعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ

راه نماید دل او را و خدا بپیش و انا است و اطاعت کند خدا و اطاعت کند

راه نماید دل او را و خدا بپیش و انا است و اطاعت کند خدا و اطاعت کند

فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَإِنَّمَا عَلَىٰ رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ ۸ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي

پس اگر روگردان شوید پس جز این نیست که بر شما مبراینم رسانیدن آشکار است خدا هیچ معبود نیست مگر او و

پس اگر روگردان شوید پس جز این نیست که بر شما مبراینم رسانیدن آشکار است خدا او است نیست هیچ معبود جز او و

عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ۹ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّا

بر خدا باید که توکل کنید مؤمنان ای مسلمانان بر آئیند بعض

باید بر خدا توکل کنید مؤمنان ای مؤمنان (توکل)

أَرْوَاكُمْ وَأَوْزَادَكُمْ عَدُوَّكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَإِنْ تَعَفَّوْا فَتَعَفَّوْا

ازواج شما و بعض اولاد شما دشمنان اند و حق شایسته ایشان است و اگر دور گردانید و رو بگردانید

زنها را شما و اولاد شما دشمنان اند در حق شما حذر کنید از ایشان و اگر عفو کنید و در گذرید

تَعَفَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۱۰ إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فَتَنَةٌ

بپا رزید پس هر آنچه خدا امروز کار مهربان است جز این نیست که اموال شما و اولاد شما آزمون است

بخشید پس (بر آئیند) خدا امروز کار مهربان است جز این نیست که اموال شما و اولاد شما آزمون است

وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ ۱۱ فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَأَسْمِعُوا

و خدا نزد یک او است مزد بزرگ پس بترسید از خدا آن قدر که توانست و سخن شنوید و

خدا نزد او ثواب بزرگ است پس بترسید از الله هر قدر که توانست و سخن شنوید و

أَطِيعُوا وَأَنْفِقُوا خَيْرًا لِّأَنْفُسِكُمْ وَمَنْ يُوقِ شَهْرَ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ

فرمان برده می کنید و خرج کنید بهتر باشد برای جان شما و هر که نگاه داشته شد از بکل نفس خود پس آن جماعت

اطاعت کنید و خرج کنید برای خیر نفس باشد خود و هر که نگاه داشته شود از حرم رجب (نفس خود پس آن جماعت

بر باد دادن وین نتیجه باشد مطلب آن نیست که در دنیا تمام زحمات و بعد اولاد این قبیل می باشند بسیاری از زنان خدا و سر چنان اند که دین شوهران خود را محال می کند

بر باد دادن وین نتیجه باشد مطلب آن نیست که در دنیا تمام زحمات و بعد اولاد این قبیل می باشند بسیاری از زنان خدا و سر چنان اند که دین شوهران خود را محال می کند

بر باد دادن وین نتیجه باشد مطلب آن نیست که در دنیا تمام زحمات و بعد اولاد این قبیل می باشند بسیاری از زنان خدا و سر چنان اند که دین شوهران خود را محال می کند

بر باد دادن وین نتیجه باشد مطلب آن نیست که در دنیا تمام زحمات و بعد اولاد این قبیل می باشند بسیاری از زنان خدا و سر چنان اند که دین شوهران خود را محال می کند

بر باد دادن وین نتیجه باشد مطلب آن نیست که در دنیا تمام زحمات و بعد اولاد این قبیل می باشند بسیاری از زنان خدا و سر چنان اند که دین شوهران خود را محال می کند

بر باد دادن وین نتیجه باشد مطلب آن نیست که در دنیا تمام زحمات و بعد اولاد این قبیل می باشند بسیاری از زنان خدا و سر چنان اند که دین شوهران خود را محال می کند

بر باد دادن وین نتیجه باشد مطلب آن نیست که در دنیا تمام زحمات و بعد اولاد این قبیل می باشند بسیاری از زنان خدا و سر چنان اند که دین شوهران خود را محال می کند

بر باد دادن وین نتیجه باشد مطلب آن نیست که در دنیا تمام زحمات و بعد اولاد این قبیل می باشند بسیاری از زنان خدا و سر چنان اند که دین شوهران خود را محال می کند

بر باد دادن وین نتیجه باشد مطلب آن نیست که در دنیا تمام زحمات و بعد اولاد این قبیل می باشند بسیاری از زنان خدا و سر چنان اند که دین شوهران خود را محال می کند



هُمُ الْمُفْلِحُونَ ٦ اِنْ تَقْرَضُوا مِنَ اللَّهِ قَرْضًا حَسَنًا لَّا يَضْعَفُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ

اگر قرض دهمید خدا از قرض بشود دو چند دهد و اگر قرض دهمید خدا را قرض بشود دو چند بده آن را

لَكُمْ وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ ٧ عَلَمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ٨

شمارا و خدا قدر شناس برادر بار است و دانسته پنهان و آشکارا و خدا قدر دان برادر بار است و دانسته پنهان و آشکارا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم خدا می گویم بخشنده مهربان

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اذْأَطْلَقْهُمُ الْبَسَاءَ فَطَلَقَهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ

ای پیامبر چون طلاق دهمی زنان را پس طلاق دهمی ایشان را بر عدت ایشان و بشمار کنید عدت را

فَقَالُوا اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا تَخْرُجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ

فرموده خدا که اگر چه بیرون آورید ایشان را از خانه های ایشان و نباید که ایشان بیرون روند مگر آنکه بیاید

بِفَاحِشَةٍ مُّبَيَّنَةٍ ٩ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ

کار بے حیایی آشکارا و این حد های مقرر کرده الهی است و هر که تجاوز کند از حدود الهی پس با تحقیق ظلم کرد بر خود

لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا ١٠ فَاذْأَبْلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ

نمی دانی شاید که خدا بعد از آن امری بآید پس چون برسد مطلقات میباید که بایستد ایشان را

مَعْرُوفًا وَفَارْفُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ ١١ وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ

بوجه پسندیده یا جدا کنید ایشان را بوجه پسندیده و گواه گیرید دو کس صاحب تقوی را از قوم خود و راست ادا کنید شهادت را

لَكُمْ يَوْمَ عَظِيمٍ ١٢ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ١٣ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ

در روز عظیم این حکم کند داده شود بآن هر که مؤمن باشد بخدا و دیر روز آخر و هر که بترسد از خدا

يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا ١٤ وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ ١٥ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ

پیدا آرد بر او راه و مخرجی از اضراس گاه و رزق دهدش از آنجا که گمان ندارد و هر که توکل کند بر الهی پس خدا

حَسْبُهُ ١٦ اِنَّ اللَّهَ بِالْأَعْيُنِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا ١٧ وَالَّذِي يُكْسِنُ

بر او است او را بر آینه خدا رسیده است هر چه را که خواهد کرد از هر چه است خدا بر چیز را اندازه و آنرا که بپوشد

مِنَ الْحَيَضِ مِنْ نِسَائِكُمْ إِنْ رَأَيْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثًا أَوْ أَرْبَعًا ١٨ وَالَّذِي لَمْ يَحْضِرْ

از حیض از زنان شما و اگر نبینید افتاده آید پس عدت ایشان سه است و آنرا که بر حیض برسد اندر عدت ایشان سه است

فَأُولَئِكَ الْأَحْصَاءُ ١٩ إِنْ يَتَضَعَنَّ مِنْهَا مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ ٢٠ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ

و آنرا که از آن است اگر چه بگذارد از آن و هر که بترسد از خدا پیدا آرد

مل بعهده مهر است  
بر ماس نکوه یا بشود  
۱۱ وک یعنی موافقت  
۱۲ پدید آید و مراجعت  
۱۳ کند و الله اعلم  
۱۴ مکتوبی از مطلقات  
۱۵ تفسیر عثمان  
۱۶ سبب طلاق این  
آیت اگر چه حضرت  
رسول کریم صلی الله  
علیه وسلم است مگر  
خطاب بتمام امت  
است یعنی چون مردی  
(برابر که ام ضرورت  
و تجوری) طلاق زن  
خود را داده کند باید  
بر عدت طلاق بدید  
در سوره بقره مخرج  
داشته که عدت  
مطلقة مرجع است  
(که باو نهی الحنفیه)  
بنابر این پیش از حیض  
در حالت طهر باید زن  
را طلاق داد تا تمام  
حیض داخل شده بود  
کنید که اگر در وقت حیض  
طلاق بدید حال غلط  
آن حیض را در حد آن طلاق  
داده است و عدت سه  
گنیم و باز در صورت دل  
پیش از انقطاع طلاق هر  
قدر وقت از حیض گذشته  
از عدت کم میشود و حیض  
که آنکه بی غایب است  
در آن چون علاقه بر  
حیض موجود مرجع  
شمار میشود بنابر این  
این حیض زیاده از  
مرجع خواهد بود بنا  
بر این طریق مشروع  
همین است که در طهر  
طلاق داده شود و از  
عدت این قید نمیشود  
است که بدان طهر  
مباشرت نکوه و مباشرت

در آنکه اگر چه بگذارد از آن و هر که بترسد از خدا پیدا آرد











صلی الله علیه و آله حضرت  
 علی در هر روز یک مرتبه در آن  
 و فرج کنایت است  
 اندم ۱۲-  
 تفسیر عثمانی  
 ع حضرت  
 نوح حضرت ۱۹  
 لوط و عیسی و یونس و  
 زکریا و یحیی و عیسی و یونس و  
 اینها را بنام ائمه اربعین  
 داشتند لیکن بدل  
 شریک حال کافران  
 بودند پس بنیاد تمام آنها  
 چرخش الله تعالی ایشان  
 را هم بهمراه عام  
 و در میان به دور رخ  
 انصاف و رشتن و جنت  
 پیغمبران آنها را از دوزخ  
 عذاب الهی برسانید  
 نتوانست بر عکس آنها  
 خام فرعون حضرت  
 آسیه بنت مزاحم  
 ایام دارا رخ و لیه  
 کامله و شوهر او یزید بن  
 باغی خدا بود آن خام  
 نیک شوهر خود را از  
 عقاب خدا برانید  
 نتوانست و از جرم  
 بیاد و شرارت  
 شوهر باغی فرعون کوفت  
 رسید حضرت  
 شاهزاده الله  
 میباید یعنی  
 ایمان خود را در  
 کنید نه شوهر زن  
 خود را بخت داده می  
 تواند زن شوهر را  
 این (نانون بطوریکه)  
 پیوسته اندیده شده  
 است بنیاد این و هم  
 بدل آورده شود که  
 رسالت الله بیان  
 این مثل به اوج  
 مظهر است که است  
 بگردیده آنجا آن  
 شد که در سوره نور است

لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ كَفَرُوا  
 سخت روز قیامت نمی کنند خدا را آنچه فرموده است ایستاده هر چه حکم میشود از آن خود گویند ای کافران  
 نافرمانی نمی کنند الله را آنچه فرموده است خدا را آنچه می کنند آنچه امر کرده میشود (کفر میشود و انحراف) ای کافران  
 لَا تَعْتَذِرُوا الْيَوْمَ إِنَّا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا  
 عذر پیش منیارید امروز جز این نیست که جزا داده میشود شما را بحسب آنچه می کردید ای مسلمانان  
 عذر نکنید امروز جز این نیست که جزا داده میشود مطابق آنچه می کردید ای مؤمنان  
 تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً تَصَوحًا عَسَىٰ إِنَّكُمْ لَكُمْ أَجْرٌ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ كَفَرُوا  
 رجوع کنید بسوی الله توبه صریح کنید که از این گناهان توبه کنید از شما چه پندارم شما را در آورده اند  
 توبه کنید بسوی الله توبه صریح کنید امید است که در دگر شما دور کند از شما گناهان شما را در آورده اند  
 جَنَّتْ جَنَّتِي مِنْ نَجْمِهَا الْإِنْفَرُ الْيَوْمَ لَا يَنْفِرُ اللَّهُ النَّبِيُّ وَالَّذِينَ آمَنُوا  
 بپوشیده است من از زیر آن جوهرها روزی که رسوا شوند خدا چنان میرود که آنرا از ایمان آورده اند  
 به پوششانی که پوشیده بود و زیر (قهر) آن جوهرها (میرد) در روزی که رسوا می کنند الله بپوشد آنرا از ایمان آورده اند  
 مَعَهُ تَوَكَّلْهُمْ كَيْفَ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَنفُسِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا آتِنَا تَوَكَّلْنَا  
 همراه او تواران میروند میان دو دست ایشان و بجانب راست ایشان می گویند ای سرور ما که ما را در آورده اند  
 همراه او و تواران می رشتند پیش روی ایشان و طوطی های راست ایشان می گویند ای سرور ما که ما را در آورده اند  
 اغْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفْرَ وَالْمُنَافِقِينَ  
 بیامر ما را هر آنچه تو بخواهی هر چیز توانائی ای پیغمبر جهاد کن با کافران و منافقان  
 بیامر ما را هر آنچه تو بخواهی هر چیز توانائی ای پیغمبر جهاد کن با کافران و منافقان  
 وَأَعْلَظْ عَلَيْهِمْ وَمَا وَهُمْ هَكَذَا ۝ وَبِئْسَ النَّاصِرُونَ ۝ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا الَّذِينَ  
 در مشت تواران ایشان و چنانکه ایشان در دست و پا چنانست که پدید آورده اند استایه را بر سر آنگاه  
 در دست تواران ایشان و چنانست که ایشان در دست و پا چنانست که پدید آورده اند استایه را بر سر آنگاه  
 كَفَرُوا أَمْرَاتِ نَوْرٍ وَأَمْرَاتِ لَوْ ۝ كَانَتْ حَتَّىٰ عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا  
 کافران زن نور را دوزن لوط را بودند زیر کلاه و دیننده ششایست از  
 کافران زن نور را و زن لوط را بودند زیر کلاه و دیننده از  
 صَاحِبَيْنِ فَخَانَهُمَا فَلَمْ يُعَيَّا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ  
 بنده گان ما پس خجاست کردند آن دو بنده پس دفع نه کردند ایشان از آن دوزن پس بر سر آنها از عقاب خدا  
 بنده گان صانع ما پس خجاست کردند آن دو بنده پس دفع نکردند ایشان از آن دوزن پس بر سر آنها از عقاب خدا  
 مَعَ الَّذِينَ أُخْلِيُوا ۝ وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا الَّذِينَ آمَنُوا أَمْرَاتِ نَوْرٍ وَأَمْرَاتِ لَوْ ۝  
 با در آید گان و پدید آورده اند استایه را بر سر آنگاه ایمان آورده اند زن فرعون را چون گفت  
 با در آید گان و بیان کرد الله یک مثل برای مؤمنان زن فرعون را چه چون گفت  
 رَبِّ إِنِّي لِيُ عِنْدَكَ بِئْتَانِي لِحَنَةٍ وَخَفِيٍّ مِنْ فَرْغُونَ وَكَمَلُ وَخَفِيٍّ مِنْ  
 ای سرور من بیا که من نزد تو یک خجاست و خفا من مرا از فرعون و کار او و خلاصی ده مرا از  
 ای سرور من بیا که من نزد تو یک خجاست و خفا من مرا از فرعون و کار او و خلاصی ده مرا از  
 الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ۝ وَمَنْ يَمْلِكُ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ أَنْ يَكُونَ لَكُمْ مَصْرَفًا ۝  
 قوم ستم گران و هر کس می تواند از قوم ستم گران را که نگاه داشت فرج خود را پس دیدم در فرج او  
 قوم ظالمان (و مثل بیان کرد خدا) هر کس می تواند از قوم ستم گران را که نگاه داشت فرج خود را پس دیدم در فرج او  
 مِنْ رُوحَانَا وَصَلَّاتٍ بَيْنَهُمَا وَكُتِبَ وَكَانَتْ مِنَ الْقَبِيلَيْنِ ۝  
 روح خود را و باورد داشت سخنان پر درد کار خود را و کتابهاست او را و بود از فرما بر دینندگان و  
 یک روح از طرف خود و لیس یک روح از طرف خود و کتابهاست او را و بود از عبادت کنندگان

الطهین رو: اگر بفرغ محال چنان و بکار شود مثال حاضر آن فرعون بر کرد که کس لعین کرده شود - لا حول ولا قوة الا بالله







صلی علیهم وعلیٰ آله  
 مثل است کافر من  
 را و انشاء الله  
 تفسیر عثمانی  
 علی ۱۲ باب  
 آسمان زمین تذکار  
 میان آمده بود در بخا  
 ذکر چیزهای است  
 که بین زمین و  
 آسمان واقع  
 است یعنی قدرت خدا  
 بیست و یک در گمان در میان  
 زمین و آسمان گاهی  
 باد آشفته گاهی آفتاب  
 مع کوه چگونگی پرواز  
 می باشد و با وجودیکه  
 جسم آنها نفیض باشد  
 الی مرکز است پایان  
 نمی افتند و توفه چنانچه  
 زمین این پرندگی کوچک  
 را بسوی خود جذب  
 می کند بخوبی بدون  
 رهن دست کس  
 که آنها را در فضا  
 نگه  
 داشته  
 است  
 بیست و یک  
 رحمت و حکمت خود  
 ساختن آنها را چنان  
 کرده و در آن توفی نهاده  
 است که این پرندگان  
 به آن وسیله ساخت  
 بای دارند و باقیام  
 کرده و توانست به آن  
 ذات تعالی استعلا و هر  
 چیز را می انداخته و تمام  
 را در خفاقت خود نگاه  
 میدارد شاید باریان  
 شالیه ندانند و این  
 موقع بدین طرف هم  
 اشاره باشد که خداوند  
 آسمان به تنزیه غدا  
 قادر است و کفار از  
 کفر و شرارت خود متحیر  
 غلاب نیز می باشد لیکن چنانکه رحمت

السَّعِيرِ ۱۱) إِنَّ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ

دوزخ را هر آنکه از آنکه ترسند از پروردگار خویش غایبانه ایشان تراست آمرزش و مزد

کبیر ۱۲) وَأَسِرُوا قَوْلَكُمْ أَوِ اجْهَرُوا بِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ۱۳)

بزرگ و پنهان کنید سخن خود را یا آشکارا گویند آنرا (هر آنکه) خدا بسیار داناست به آنچه در سینه ها است

الَّذِينَ يَعْلَمُونَ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ ۱۴) هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ

آیا ندانند (آنچه در دنیا است) آنکس که می آفرید (مخلوق را) و دانسته اسرار خیر و اوست آن ذاتیکه گرداننده برای شما

الْأَرْضَ ذُلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهَا وَالْيَدِ

زمین را تاراه رویه در نواحی آن و بخورید از رزق خدا و سوسه اوست

النَّشُورِ ۱۵) أَمْ أَمِنْتُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يَخْسِفَ بِكُمْ الْأَرْضَ فَإِذَا

برای غرقن آیا ایمن شده اید از کسی که در آسمان است از آنکه فرود شما را بر زمین پس ناگهان

هِيَ تَكُونُ ۱۶) أَمْ أَمِنْتُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا

زمین جنبش کند آیا ایمن شده اید از کسی که در آسمان است از آنکه بفرستد بر شما باد سنبلار

فَسَتَعْلَمُونَ كَيْفَ نَذِيرِ ۱۷) وَلَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَكَيْفَ

پس خواهید دانست چگونه ترسانید من و هر آنکه دروغ داشتند آنانکه پیش از ایشان بودند پس چگونه

كَانَ نَذِيرِ ۱۸) أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ فَوْقَهُمْ صَفًى وَيَقْبِضْنَ ۱۹) أَمْ

توفیق است آنانکه دیده اند بسوی مرغان بالا می خود کشانده باز و گاه گاه فراخ می آرند

يَسْأَلُهُمْ إِلَّا الرَّحْمَنُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ بَصِيرٌ ۲۰) أَمْ نَكُنْ مِنْكُمْ

نگاه می آید از ایشان مگر خدا (هر آنکه) او بهر چیز بیناست آیا نیست آنکه

هُوَ جُنْدُكُمْ يَنْصَرُّكُمْ مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ إِنَّ الْكَافِرِينَ ۲۱) الْإِنْفِ

و است لشکر است برای شما که مدد کند شما را بخیر خدا نیستند کافران مگر در

عُرُورٍ ۲۲) أَمْ نَكُنْ مِنْكُمْ لَمَّا جَعَلْنَا لَكُمْ نُفُوزًا ۲۳) أَمْ نَكُنْ مِنْكُمْ

فریب آیا نیست آنکه روزی دید شما را اگر منع کند خدا رزق خود را چنین نیست بلکه

لَجُؤًا إِلَى عِثْرِ الْيَسْرِ ۲۴) أَمْ نَكُنْ مِنْكُمْ لَمَّا جَعَلْنَا لَكُمْ نُفُوزًا ۲۵) أَمْ نَكُنْ مِنْكُمْ

حکم بیست و سه اند در سرگشتی و رسیدن آیا سبک می رود بر روی خود افتاده راه یافت تراست یا سبک

يَسْأَلُهُمْ إِلَّا الرَّحْمَنُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ بَصِيرٌ ۲۶) أَمْ نَكُنْ مِنْكُمْ

میرود تراست البتاه بر راه راست بخود اوست آنکه بیا فرید شما را و

غلاب نیز می باشد لیکن چنانکه رحمت خداوند است عذاب هم از رحمت او باز داشته شده است عذاب کافران به فریب بزرگی بخدا اند اگر آنها می چند اند که



قلب یعنی برآوردن  
تغییر عثمانی

عنه چون با ایمان  
داریم یقین است که بطریق

ایمان رسالت را خواهیم شد

و چون یقین میج بر همان  
ذات توکل داریم کامیاب

دارم مقاصد یقینی است

از من توکل علی الله فهو

حسب ان الله بالغ امره

هر وقت چیزی در وجود شما

نیست خدا ایمان و توکل

پس شما چه طوری فکر

بسته علم هستید علم یقینی

ما چنانکه شما گمان دارید

و یا شما چنانکه ماضی

داریم همه همایان

زندگی و پاکت بیغوث

همان الله تعالی است

مثلاً آب که سبب زندگی

بر چیز است فرض کنید

آب را چه بخرم یا چه

فروشک شده در زمین

فروخته و چنانکه اکثر مردم

تأبستان پیش می آید

کیست که آب صاف

و شفاف باشد و در این

۲ رابان مقدار کثیر

۱۶ گریز برای زندگی و تنگ

شما کافی باشد بسیار

۲ کند بهر آب باید که من

توکل بر همان خلق الهی

و مالک علی الاطلاق توکل

جَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ ۖ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ ①

پدید آورد برای شما شنوایی و بینایی و دلیها اندک است شکر می کنید

قُلْ هُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ② وَيَقُولُونَ

بگو اوست که پراکنده ساخت شما را در زمین و بسوخته او بر این زمین و به سوی او بر می گردانید (کافران برای

متی هَذَا الْوَعْدِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ③ قُلْ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ

کس باشد این وعده اگر راست گوئید بگو جز این نیست که علم نزد یک

الله وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُبِينٌ ④ فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سَيَّئَتْ وَجُوهُهُ

خداست و جز این نیست که من بیم کننده آشکارم و آنگاه که بر بینند او را نزدیک شده ناخوش گشته و صورت روئین

الَّذِينَ كَفَرُوا وَقِيلَ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَدْعُونَ ⑤ قُلْ

آنکه کافر شدند و گفته شود (از طرف خدا) این است آنچه می طلبید

أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَهْلَكْنِي اللَّهُ وَمَنْ مَعِيَ أَوْ رَحِمَنَا فَمَنْ يُرَحِّمُهُ

آیا دیدید اگر بیاک کند مرا خدا و آنرا که همراه من اند یا رحمت کند بر ما هر حال که خدا می دهد

الْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابِ الْيَوْمِ ⑥ قُلْ هُوَ الرَّحْمَنُ أَمَّنَّابَهُ وَعَلَيْهِ

کافران را از عذاب درود منده بگو اوست نهایت بخشاینده ایمان آوردیم و بر وی

تَوَكَّلْنَا ۖ فَسْتَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ⑦ قُلْ

توکل نمودیم پس خواهید دانست که کیست در گمراهی آشکار عده

أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ ⑧

آیا دیدید اگر شود آب شما فروخته پس که بیارد بر شما آب روان را

سُبْحَانَ الْقَلَمِ وَابْنِ السُّمْرِ ⑨

سبحان قلم و بن سمر

ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ ⑩ مَا أَنْتَ بِمُعْجِزٍ ⑪

و قلم و آنچه می نویسد تو را نیست که بفروری و دگر تو دیوانه

إِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَسْنُونٍ ⑫ وَإِنَّكَ لَعَلَّ خَلْقَ عَصَاكَ

بهر آینه تراست مزدی نهایت و هر آینه تو بر خاستی بشارت بزرگی

فَسَتُبْصِرُ وَيُبْصِرُونَ ⑬ بِأَيِّكُمْ الْكَافِتُونَ ⑭ إِنْ رَبُّكَ هُوَ

پس خواهی دید و ایشان نیز خواهند دید که کدام یک از شما دیوانه است

بیشک پروردگار تو اوست







نوح الرحمن

صلی الله علیه و آله

است از شدت حال

تفسیر عثمانی

عنه بر سر میانه کتب

ترین آنها و در شایع

هم چنین مشهور و دیگران

را عزیز ساخته باشد

که خدا فرمود

ما کنه این همه را

انما اولیای ایدانید

و از راه انوار حق

در بیخ کعبه چون کسی

سخن او را گوش بشنود

خاموش شود و شریک

حال ایشان گشت

آنکون از مشاهده این

نبای سخن اول خود را

بیاد ایشان داد

عنه قدر کفایت

۱۵ در حدیث

مع چنین آمده

که حق تعالی

در میدان قیامت

ساق خود را ظاهر خواهد

فرمود این ساق

فرمود چنانکه در قرآن

الغالبه یومئذ

و در هر چه (چهره) آمده

است این خدمت

از هر تشابهات

مطهره میشود باید بود

بماند همان پاکیزه

آورد و کبر و ذلت و جود

جست و مع و بصرف

صفات (الاعمال)

در همین حدیث است

که از مشاهدات آن عجب

تمام مومنین و مومنان

در همه خواسته اند

مگر شخصی که در دنیا

مهره ربانی می گرداند

آن از کوشش نمی تواند

مانند حقیر را دست

ی ماعود چون اهل دنیا

و نفاق بر سر می نهاند

نوشته اند کفار بران بطریق اولی ثابت شد این چیزها بر عترت از ان سبب نقل آورده میشود که مومن و کافر و مخلص و منافق بطریق معلوم شوند و حالت باطنی هر یکی بطریق

يُؤَيِّنَا تَاكِتًا طَغِين ۳۱ عَسَى رَبِّنَا أَنْ يَبْدُلَنَا خَيْرًا مِنْهَا إِنَّا إِلَى

است و ای ما را بر آید ما بودیم از حد گذشتن امید است پروردگار که عوض دهد و ما را بویستارانی بهتر از این بر آید ما بودیم

رَبَّنَا اغْفِرْ ۳۲ كَذَلِكَ الْعَذَابُ وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كُنَّا نَعْلَمُونَ

پروردگار خود تو بخواند و از حد گذشتن چنین است عذاب و هر آینه عذاب آخرت بزرگتر است عذاب

يَعْلَمُونَ ۳۳ إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتُ النَّعِيمِ ۱ أَفَنَجْعَلُ

می دانند هر آینه متقین را نزد یک پروردگار ایشان بویستارانی نعمت باشند آیا گردانیم

الْمُسْلِمِينَ ۲ كَالْمُجْرِمِينَ ۳ مَا لَكُمْ وَقِفْهُ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ۴ أَمْ لَكُمْ

مسلمانان را برابر کند گاربان مسلمانان را برابر کند گاربان چیست شمارا چگونه مقرر می کنید آیا نزد یک شما

كُتِبَ فِيهِ تَدْرُسُونَ ۵ إِنَّ لَكُمْ فِيهِ لَمَا تَخَيَّرُونَ ۶ أَمْ لَكُمْ

کتب شده است که در دو سه تفاوت می کند این معنوی که هر آینه شمارا باشد در مواد آنچه اختیار می کنید آیا شمارا

إِيمَانٌ عَلَيْنَا بِالْعَقْلِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ۷ إِنَّ لَكُمْ فِيهِ لَمَا تَحْكُمُونَ ۸ سَلَامٌ

عبد با من حکم است بر من که حکم آن تا به قیامت باقی باشد باین معنوی که هر آینه شمارا است آنچه مقرر می کنید بر این امر

أَيُّهُمْ يَذَّكَّرُ ۹ أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ ۱۰ فَلْيَأْتُوا بِشُرَكَائِهِمْ إِنْ

که ام از ایشان باین مقدار متعهد است آیا این شرکان را شرکیان هستند پس باید که بیارند شرکیان خود را اگر

كَانُوا صِدْقِينَ ۱۱ يَوْمَ يَكْشَفُ عَنْ سَاقٍ وَيُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ

راست گویان روزی که جامه برداشته شود از ساق و خوانده شود ایشان را بسجده

فَلَا يَسْتَطِيعُونَ ۱۲ خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهُفُهُمْ ذُلٌّ وَقَدْ كَانُوا

پس نه توانمند دل نیایش ظاهر باشد بر چشم هاست ایشان فرو گیرد ایشان را خواری و هر آینه

يُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ وَهُمْ سَالِمُونَ ۱۳ قَدْ زُيِّنَ وَمَنْ يَكْذِبُ

خوانده می ایشان را بسجده حال آنکه ایشان به علت بودند پس بگذار مرا یا لیک در روزی شمر

بِهَذَا الْحَدِيثِ تَسْتَسْتَدِرُّهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ ۱۴ وَأَمَّا

این سخن را پایه بر این حدیث است این جامع را از ان راه که نمیدانند و مهملت خواهیم داد

لَهُمْ إِنْ كُنْزِي مَتِينٌ ۱۵ أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِنْ مَغْرَمٍ

ایشان را بر آید جلد من حکم است آیا می از بجا میزد پس ایشان از نادان

مَثْقُونٌ ۱۶ أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُمُونَ ۱۷ فَاصْبِرْ لِحُكْمِ

را از نادانند آیا نزد یک این جامع علم غیب است پس ایشان میگویند پس صبر کن با انتظار حکم

کرا بیارند آیا نزد ایشان خبر غیب است پس ایشان میگویند پس صبر کن بر آن حکم

نوشته اند کفار بران بطریق اولی ثابت شد این چیزها بر عترت از ان سبب نقل آورده میشود که مومن و کافر و مخلص و منافق بطریق معلوم شوند و حالت باطنی هر یکی بطریق











فَلَيْسَ لَهُ الْيَوْمَ هَهُنًا حَمِيمٌ ٣٥ وَلَا طَعَامٌ إِلَّا مِنْ غَسِيلٍ ٣٦

پس نیست این شخص را امروز اینجا خوشاوندی و نیست این شخص را هیچ طعمی مگر از زرداب

يَا أَكْلَهُ إِلَّا الْخَاطِؤُنَ ٣٧ فَلَا أَفْسِمُ بِمَا تُبْصِرُونَ ٣٨ وَمَا لَا تُبْصِرُونَ ٣٩

خورد آنرا مگر گناهکاران پس قسم بخورم آنچه می بینید و آنچه نمی بینید

إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ ٤٠ وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ ٤١

بهر آینه قرآن گفتار فرشته بزرگوار است و نیست آن گفتار شاعر اندکی شما ایستاد می آید

وَأَكْبَرُ ٤٢ وَلَئِنْ كُنْتُمْ فِي شَكٍّ مِنْهُ ٤٣ لَتَلَذَّ طَعَامُ لَا يَذُقُ لَمْ يَمُذَّ ٤٤ وَلَئِنْ كُنْتُمْ فِي شَكٍّ مِنْهُ ٤٥ لَتَلَذَّ طَعَامُ لَا يَذُقُ لَمْ يَمُذَّ ٤٦

و بزرگتر و اگر در شک از آن بودی که لذت نمی خورد و نیکو نداشت و اگر در شک از آن بودی که لذت نمی خورد و نیکو نداشت

وَأَكْبَرُ ٤٢ وَلَئِنْ كُنْتُمْ فِي شَكٍّ مِنْهُ ٤٣ لَتَلَذَّ طَعَامُ لَا يَذُقُ لَمْ يَمُذَّ ٤٤ وَلَئِنْ كُنْتُمْ فِي شَكٍّ مِنْهُ ٤٥ لَتَلَذَّ طَعَامُ لَا يَذُقُ لَمْ يَمُذَّ ٤٦

و بزرگتر و اگر در شک از آن بودی که لذت نمی خورد و نیکو نداشت و اگر در شک از آن بودی که لذت نمی خورد و نیکو نداشت

وَأَكْبَرُ ٤٢ وَلَئِنْ كُنْتُمْ فِي شَكٍّ مِنْهُ ٤٣ لَتَلَذَّ طَعَامُ لَا يَذُقُ لَمْ يَمُذَّ ٤٤ وَلَئِنْ كُنْتُمْ فِي شَكٍّ مِنْهُ ٤٥ لَتَلَذَّ طَعَامُ لَا يَذُقُ لَمْ يَمُذَّ ٤٦

و بزرگتر و اگر در شک از آن بودی که لذت نمی خورد و نیکو نداشت و اگر در شک از آن بودی که لذت نمی خورد و نیکو نداشت

وَأَكْبَرُ ٤٢ وَلَئِنْ كُنْتُمْ فِي شَكٍّ مِنْهُ ٤٣ لَتَلَذَّ طَعَامُ لَا يَذُقُ لَمْ يَمُذَّ ٤٤ وَلَئِنْ كُنْتُمْ فِي شَكٍّ مِنْهُ ٤٥ لَتَلَذَّ طَعَامُ لَا يَذُقُ لَمْ يَمُذَّ ٤٦

و بزرگتر و اگر در شک از آن بودی که لذت نمی خورد و نیکو نداشت و اگر در شک از آن بودی که لذت نمی خورد و نیکو نداشت

وَأَكْبَرُ ٤٢ وَلَئِنْ كُنْتُمْ فِي شَكٍّ مِنْهُ ٤٣ لَتَلَذَّ طَعَامُ لَا يَذُقُ لَمْ يَمُذَّ ٤٤ وَلَئِنْ كُنْتُمْ فِي شَكٍّ مِنْهُ ٤٥ لَتَلَذَّ طَعَامُ لَا يَذُقُ لَمْ يَمُذَّ ٤٦

و بزرگتر و اگر در شک از آن بودی که لذت نمی خورد و نیکو نداشت و اگر در شک از آن بودی که لذت نمی خورد و نیکو نداشت

وَأَكْبَرُ ٤٢ وَلَئِنْ كُنْتُمْ فِي شَكٍّ مِنْهُ ٤٣ لَتَلَذَّ طَعَامُ لَا يَذُقُ لَمْ يَمُذَّ ٤٤ وَلَئِنْ كُنْتُمْ فِي شَكٍّ مِنْهُ ٤٥ لَتَلَذَّ طَعَامُ لَا يَذُقُ لَمْ يَمُذَّ ٤٦

و بزرگتر و اگر در شک از آن بودی که لذت نمی خورد و نیکو نداشت و اگر در شک از آن بودی که لذت نمی خورد و نیکو نداشت

وَأَكْبَرُ ٤٢ وَلَئِنْ كُنْتُمْ فِي شَكٍّ مِنْهُ ٤٣ لَتَلَذَّ طَعَامُ لَا يَذُقُ لَمْ يَمُذَّ ٤٤ وَلَئِنْ كُنْتُمْ فِي شَكٍّ مِنْهُ ٤٥ لَتَلَذَّ طَعَامُ لَا يَذُقُ لَمْ يَمُذَّ ٤٦

و بزرگتر و اگر در شک از آن بودی که لذت نمی خورد و نیکو نداشت و اگر در شک از آن بودی که لذت نمی خورد و نیکو نداشت

وَأَكْبَرُ ٤٢ وَلَئِنْ كُنْتُمْ فِي شَكٍّ مِنْهُ ٤٣ لَتَلَذَّ طَعَامُ لَا يَذُقُ لَمْ يَمُذَّ ٤٤ وَلَئِنْ كُنْتُمْ فِي شَكٍّ مِنْهُ ٤٥ لَتَلَذَّ طَعَامُ لَا يَذُقُ لَمْ يَمُذَّ ٤٦

و بزرگتر و اگر در شک از آن بودی که لذت نمی خورد و نیکو نداشت و اگر در شک از آن بودی که لذت نمی خورد و نیکو نداشت

وَأَكْبَرُ ٤٢ وَلَئِنْ كُنْتُمْ فِي شَكٍّ مِنْهُ ٤٣ لَتَلَذَّ طَعَامُ لَا يَذُقُ لَمْ يَمُذَّ ٤٤ وَلَئِنْ كُنْتُمْ فِي شَكٍّ مِنْهُ ٤٥ لَتَلَذَّ طَعَامُ لَا يَذُقُ لَمْ يَمُذَّ ٤٦

و بزرگتر و اگر در شک از آن بودی که لذت نمی خورد و نیکو نداشت و اگر در شک از آن بودی که لذت نمی خورد و نیکو نداشت

وَأَكْبَرُ ٤٢ وَلَئِنْ كُنْتُمْ فِي شَكٍّ مِنْهُ ٤٣ لَتَلَذَّ طَعَامُ لَا يَذُقُ لَمْ يَمُذَّ ٤٤ وَلَئِنْ كُنْتُمْ فِي شَكٍّ مِنْهُ ٤٥ لَتَلَذَّ طَعَامُ لَا يَذُقُ لَمْ يَمُذَّ ٤٦

صل منزه گوید عادت  
میاف آنست که دست  
راست اسیر رادوست  
چپ خود گیرد و بشیر  
بگردن او  
کن لبها باین  
اصول گفتار  
فلا یعنی وقت را  
فلا یعنی گفتار  
الوداع گفتار  
فلا یعنی خبر  
تفسیر عثمانی  
عده خوراک هم با  
انسان قوت میرساند  
مگر به در خیال چنان  
طعام مرغی داده نمی  
شود که سبب راحت  
دقت ارتقا گردد  
طی بریم زخم با خود  
باداده میشود که آنرا  
غیر از همان گناهکاران  
کسی خورد نمی تواند  
آن هم از فطرت سرسنگی  
و نفسی چنان می پندارد  
که از خوردن آن بانه  
ظاهر میشود که با  
خوردن آن  
نسبت به  
عذاب گرسنگی  
عذابی است بزرگتر  
را عذابا و لذت من  
جمع انواع العذاب  
فی الدنیا و الاخره  
عده یعنی چیزی که  
از جنت و دوزخ  
بیان شده آن  
شماره ای است و نه  
مکانی می باشد  
لا نهان است بلکه  
این قرآن کلام الهی است  
که از یک فرشته  
بزرگ از آسمان  
گرفته بر یک بزرگترین  
پیغمبر فرود آورده و  
آنکس که از آسمان آورده و هم آنکس که با الهی زمین رسانیده هر دو رسول کریم اند که هر دو یک را یک چشم سری بیند که است و بزرگی دیگری از میان کریم اول الذکر ثابت است

آنکس که از آسمان آورده و هم آنکس که با الهی زمین رسانیده هر دو رسول کریم اند که هر دو یک را یک چشم سری بیند که است و بزرگی دیگری از میان کریم اول الذکر ثابت است







وَلَمْ يَكُنْ لَكُمْ كُفْرًا

وَلَمْ يَكُنْ لَكُمْ كُفْرًا

وَلَمْ يَكُنْ لَكُمْ كُفْرًا

وَلَمْ يَكُنْ لَكُمْ كُفْرًا

وَلَمْ يَكُنْ لَكُمْ كُفْرًا

وَلَمْ يَكُنْ لَكُمْ كُفْرًا

وَلَمْ يَكُنْ لَكُمْ كُفْرًا

وَلَمْ يَكُنْ لَكُمْ كُفْرًا

وَلَمْ يَكُنْ لَكُمْ كُفْرًا

وَلَمْ يَكُنْ لَكُمْ كُفْرًا

وَلَمْ يَكُنْ لَكُمْ كُفْرًا

وَلَمْ يَكُنْ لَكُمْ كُفْرًا

وَلَمْ يَكُنْ لَكُمْ كُفْرًا

وَلَمْ يَكُنْ لَكُمْ كُفْرًا

وَلَمْ يَكُنْ لَكُمْ كُفْرًا

وَلَمْ يَكُنْ لَكُمْ كُفْرًا

وَلَمْ يَكُنْ لَكُمْ كُفْرًا

وَلَمْ يَكُنْ لَكُمْ كُفْرًا

وَلَمْ يَكُنْ لَكُمْ كُفْرًا

وَلَمْ يَكُنْ لَكُمْ كُفْرًا

وَلَمْ يَكُنْ لَكُمْ كُفْرًا

وَلَمْ يَكُنْ لَكُمْ كُفْرًا

وَلَمْ يَكُنْ لَكُمْ كُفْرًا

وَلَمْ يَكُنْ لَكُمْ كُفْرًا

وَلَمْ يَكُنْ لَكُمْ كُفْرًا

وَلَمْ يَكُنْ لَكُمْ كُفْرًا

وَلَمْ يَكُنْ لَكُمْ كُفْرًا

وَلَمْ يَكُنْ لَكُمْ كُفْرًا

وَلَمْ يَكُنْ لَكُمْ كُفْرًا

وَلَمْ يَكُنْ لَكُمْ كُفْرًا

الَّذِينَ هُمْ يَشْهَدُهُمْ قَائِمُونَ ۝ وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ

يُحَافِظُونَ ۝ أُولَٰئِكَ فِي جَنَّاتٍ مُّكْرَمُونَ ۝ قَمَالِ الَّذِينَ كَفَرُوا

قَبْلَكَ مُهْطِعِينَ ۝ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ عِزِينَ ۝ يُطْمَعُ

كُلُّ أَمْرٍ مِّنْهُمْ أَنْ يَدْخُلَ جَنَّةَ نَعِيمٍ ۝ كَلَّا إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ قَدْ

يَعْلَمُونَ ۝ فَلَا أَقْسَمُ بِرَبِّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ إِنَّا لَقَدِ رَوَّعْنَا

عَلَىٰ أَنْ يُبَدِّلَ خَيْرَ أَمْرِهِمْ وَمَا كُنَّا بِمُسْبِقِينَ ۝ قَدْ رَكِبُوا خُوضًا

وَيَلْعَبُوا حَتَّىٰ يُلْقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوْعَدُونَ ۝ يَوْمَ يُخْرَجُونَ مِنْ

الْأَجْدَاثِ سِرَاعًا كَأَنَّهُمْ إِلَىٰ نُصُبٍ يُوفِضُونَ ۝ خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ

تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ ۝ ذَٰلِكَ الْيَوْمُ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ ۝

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۝

إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ أَنْ أَنْذِرْ قَوْمَكَ مِن قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَهُمْ

عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝ قَالَ يَقَوْمِ إِنِّي كُنْتُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ ۝ أَنِ اعْبُدُوا

اللَّهَ وَاتَّقُوهُ وَأَطِيعُوا ۝ يَعْفِرْ لَكُمْ مِّنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُخْرِجَكُمْ

مِنَ الْمَسْجِدِ الَّذِي كُنتُمْ تُعْبَدُونَ ۝

وَلَا تَقْرَأُ الْكِتَابَ ۝

وَلَا تَقْرَأُ الْكِتَابَ ۝

وَلَا تَقْرَأُ الْكِتَابَ ۝

وَلَا تَقْرَأُ الْكِتَابَ ۝

وَلَا تَقْرَأُ الْكِتَابَ ۝

وَلَا تَقْرَأُ الْكِتَابَ ۝

وَلَا تَقْرَأُ الْكِتَابَ ۝

وَلَا تَقْرَأُ الْكِتَابَ ۝

وَلَا تَقْرَأُ الْكِتَابَ ۝

وَلَا تَقْرَأُ الْكِتَابَ ۝

وَلَا تَقْرَأُ الْكِتَابَ ۝

وَلَا تَقْرَأُ الْكِتَابَ ۝

وَلَا تَقْرَأُ الْكِتَابَ ۝

وَلَا تَقْرَأُ الْكِتَابَ ۝

وَلَا تَقْرَأُ الْكِتَابَ ۝

وَلَا تَقْرَأُ الْكِتَابَ ۝



صلی یعنی بر سر  
کفار ۱۳  
تفسیر عثمانی

عده در صورت ایمان  
نیارودن و عده که بطلب  
داده شده چون بسپرد  
به طاقت کس رود  
نی شود و نیک و قبیله  
مهلک داده میشود و یا  
این مطلب باشد که  
در صورت در وقت  
معین ضروری است  
در آن تأخیر عمل نمی آید  
والظاهر به اول دل

حضرت شاه صاحب  
این آیات را بطریق  
شرح می کند یعنی  
بندگی کنید تا نوع  
انسان تا قیامت  
دوام کند اما قیامت  
تأخیر واقع نمی شود و اگر  
بدرخواست از بندگی مرگ  
نفر کنید بگنجان فی الحال  
باید می شود چنانچه  
طوائف بشری آنرا بیک  
نفر هم خلاصی نیافت  
در آخر بندگان محتاج  
در اسلام نوع انسانی

عده یعنی نوح  
علیه السلام تا بنص  
و پنج ساله ایشان  
تأخیر می کرد و تفسیر  
راه امید باقی نماند و  
و متکلم شده ببار  
گاه الهی عرض کرده بد  
خدا یا من از طرف  
خود دعوت و تبلیغ  
و قیود فرودگاه است  
عمر خود و تبارگی  
شرب و در روشنی

۹ روز ایشان را بکشم  
میسوی تو میخوانم مگر  
تجوازی شد که بر تو  
ایشان را میسوی تو  
دعوت نمود این بد  
بجای آن زیادتر از این

تفسیر عثمانی

إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ۚ إِنْ أَجَلَ اللَّهِ إِذَا جَاءَ لَا يُؤَخَّرُونَ ۚ لَوْ كُنْتُمْ

تا وقت مقرر  
هر آنکه وقت مقرر کرده خدا چون بیاید هرگز ساقط  
تا وقت معین  
هر آنکه عده مقرر کرده است چون بیاید تأخیر کرده نمی شود عده اگر شما

تَعْلَمُونَ ۚ قَالَ رَبِّ اِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَبِيسًا ۚ فَمَنْ يَزِدُّهُمْ

میدانید  
گفت ای من پروردگار من هر آنکه از من بخوانم قوم خود را شب و روز پس زیاده نکرد در حق ایشان  
میدانید گفت ای پروردگار من (به تحقیق) دعوت کردم قوم خود را در شب و روز پس زیاده نکرد در حق ایشان

دُعَاۤءِي ۚ اِلَّا فِرَارًا ۚ وَ اِنِّي كُلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا

خواندن من مگر گریختن را و هر آنکه من هرگاه دعوت کردم ایشان را تا بیاورم از من برای ایشان در آوردند  
دعوت من مگر میدان عده (به تحقیق) من هرگاه دعوت کردم ایشان را تا بیاورم از من برای ایشان را در آوردند

اَصَابِعَهُمْ فِی اِذْ اَنۡهَمُ ۚ وَ اسْتَغْشَوۡا ثِيَابَهُمْ وَ اَصَرُّوۡا وَ اسْتَكْبَرُوۡا

انگشتان خود را در گوشه های خویش و بپوشیدند جامه های خویش را و مدوامت کردند بر کفر و سرکشی نمودند  
انگشتان خود را در گوشه های خود و بپوشیدند جامه های خود را و مدوامت کردند بر کفر و سرکشی نمودند

اَسْتَكْبَرُوۡا ۚ ثُمَّ اِنِّي دَعَوْتُهُمْ بِهَآرَاۤءَ ۚ ثُمَّ اِنِّي اَعْلَنۡتُ لَهُمْ وَاَسْرَرۡتُ

سرکشی تمام  
باز هر آنکه من دعوت کردم ایشان را باور بیاورند باز هر آنکه من آشکارا بگویم بآنها که کفر بران ایشان و پنهان گفت  
سرکشی بزرگ  
باز به تحقیق دعوت کردم ایشان را آشکارا باز هر آنکه من آشکارا بگویم بآنها که کفر بران ایشان و پنهان گفت

لَهُمْ اَسْرَارًا ۚ فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوۡا رَبِّكُمْ ۚ اِنَّهٗ كَانَ غَفَّارًا ۚ يُرْسِلُ

ایشان را از پنهان گفتن پس گفت طلب آمرزش کنید از پروردگار خود  
ایشان را از پنهان پس گفت آمرزش کن بان طلبید از پروردگار خود به تحقیق او مستجاب آمرزش را تا بفرستد

السَّمَآءَ عَلَیْكُمْ قَدَرًا ۚ اَوۡمِسُّ دَكِّمَۢمَۤا ۚ وَ بَیۡنَیۡنَ وَ یَجْعَلُ لَّكُمۡ

بر شما باران را از پنهان  
باران بر شما بارندگی در بی و زیادت کند برای شما احوال و فرزندان و بدید شمارا

جَنَّتٍ وَ یَجْعَلُ لَّكُمۡ اَنْهَارًا ۚ مَا لَکُمۡ لَا تَرْجُوۡنَ لِلّٰهِ وَقَارًا ۚ وَ قَدْ

بوستا نهاد و بدید آورد بران شما جویها چیست شمارا که اعتقاد نمی کنید بران خدا بزرگی را حال آنکه  
بوستا نهاد و بدید آورد بران شما جویها چیست شمارا که امید نمی کنید از الله بزرگی را (باینکه ایمان برارید او)

خَلَقَکُمۡ اَطۡوَارًا ۚ اَلَمْ تَرَوْا کَیۡفَ خَلَقَ اللّٰهُ سَبۡعَ سَمُوۡتٍ طَبَاقًا ۚ وَ

آفریده است شمارا بطورهای مختلف آیات می بینید چگونه آفرید خدا هفت آسمان را تو بر تو و  
آفریده است شمارا چگونه آفرید آیات می بینید چگونه آفرید الله هفت آسمان را طبقه بر طبقه و

جَعَلَ الْقَمَرَ فِیۡهِنَّ نُوۡرًا وَ جَعَلَ الشَّمْسُ سِرَاجًا ۚ وَ اللّٰهُ اُنۡبَتَکُمۡ

ساخت ماه را در میان اینها از درخشان و ساخت آفتاب را چراغ درخشان و خدا و یا بنید شمارا  
گردانید ماه را در میان آنها روشنی و ساخت آفتاب را چراغ فرزدند و خدا و یا بنید شمارا

مِّنَ الْاَرْضِ نَبَاتًا ۚ ثُمَّ یُعِیۡدُکُمۡ فِیۡهَا وَ یُخْرِجُکُمۡ اَخْرَاجًا ۚ وَ اللّٰهُ

از زمین نوسه از رویانیدن پس باز در آورد شمارا بر زمین و بیرون آوردن از زمین و خدا  
از زمین نوعی از رویانیدن از اعدای می کند شمارا در زمین و بیرون می آورد شمارا دوباره بیرون آوردن و خدا

جَعَلَ لَّکُمۡ الْاَرْضَ بِسَاطًا ۚ لِّتَسْلُکُوۡا مِنْهَا سُبُلًا فِیۡ حَاجَّ ۚ قَالَ

ساخت بران شما زمین را فراشته تا بروید در آن زمین بر راهها  
گردانید برای شما زمین را فرش تا بروید بر راههای کشادگان گفت

نُوۡحَ رَبِّ اَنۡہُمْ عَصَوۡنِیۡ وَ اتَّبَعُوۡا مَنۡ لَّمۡ یَزِدۡکُمَا لَہٗ وَّ وَلَدَۃُ الْاِخۡسَارِ ۚ

نوح ای پروردگار من (به تحقیق) ایشان گفت مرا از پسران خود پیروی کردند کسی را که زیاده نکرد و عده است او را مال او و فرزند او مگر زیاده نکرده  
نوح ای پروردگار من (به تحقیق) ایشان گفت مرا از پسران خود پیروی کردند کسی را که زیاده نکرد و عده است او را مال او و فرزند او مگر زیاده نکرده

تفسیر عثمانی



فلان این پنج بیت  
بودند و فلان مترجم  
نویسد و نیز آنحضرت  
علی السلام سلم نماز  
صبح بیرون میخواندند  
تا از جن آخر استماع  
کردند و ایمان آوردند  
خداوند تعالی از ایمان  
ایشان گفتگو کند  
ایشان با قوم خود  
درین سوره خبر داد تا  
قولوان واستقاموا  
والله اعلم  
تفسیر عثمانی  
عنه ابن عباس  
جان ایشان است  
برای هر مصلحتی بخواهد  
بود و همان بتابد  
ازین در عرب روان  
پیدا کرد و در هندستان  
هم بجهت پادشاههای  
بفتوا بیا  
اندر شوم  
و همان  
و فرموده مشهور است  
حضرت شاه عبدالعزیز  
رحمته تحقیق منقص  
آن را در تفسیر عربی  
کرده است و بعض  
روایات است که  
در از منافع چند  
مرد بزرگ بودند و بعد از  
وفات ایشان قومی  
یاغرای شیطان تعاون  
ایشان را بلورید و کار  
تراشیده نصب کردند  
آهسته آهسته پرستش  
آنها شروع شد  
- اما خداوند تعالی  
یک کافر را هم زنده  
نگه داشت و این کس را  
آن نیست که باقی  
نگه داشته شود هر  
کسی باقی ماند از تجربه  
من میگوید که از لطف  
او هم افراد بی حیا  
معاذ مکرر و ناسپاس پیدا خواهند شد زیرا تا زمانیکه در بین ایشان

وَمَكْرُوا مَكْرَ كِبَارًا ۚ وَقَالُوا لَا تَذَرُنَّ آلِهَتَكُمْ وَلَا تَذَرُنَّ وَدَّاقَ  
و بدستگاه کردن ریسان بدستگاه عظیم و گفتند هرگز ترک نکنید معبودان خود را و هرگز ترک نکنید و د  
و جیل کردند جیل بزرگ و گفتند هرگز ترک نکنید معبودان خود را و هرگز ترک نکنید و در ا و  
اَزْ سِوَا عَالِهَةٍ ۚ وَلَا يَغُوثَ وَيَعُوقَ وَنَسْرًا ۚ وَقَدْ أَضَلُّوا كَثِيرًا ۚ وَلَا تَزِدِ  
سوار و یغوث و یعوق و نسر را و گفتند تو هرگز آئینه گمراه کردن بسایر را و زیادده خدا یا  
ز سوار را و نسر را و یغوث را و یعوق را و گفت تو هرگز آئینه گمراه کردن بسایر را و میفرای  
الظَّالِمِينَ ۚ إِلَّا ضَلَالًا ۚ يَمَّا خَطْبُكُمُ أَغْرَقُوا فَأَدْخِلُونَا رَاهُ فَلَمْ  
ستگار از راهی سبب گنایان خود غرق کرده شد ایش ترا پس آوردند و ایش ترا باقی لیل  
ستگار از راهی سبب گنایان خود غرق کرده شدند پس در آورده شدند در آتش پس  
يَحْدُ وَالْهَمُّ مِّنْ دُونِ اللَّهِ أَنْصَارَاهُ ۚ وَقَالَ يُوحَىٰ رَبِّ لَا تَذَرْنِي عَلَىٰ  
نیافتند برای خود معبودان بخلاف خداوند مددگار و گفت یوحی ای پروردگار من نگذار  
بیر یافتند برای خود معبودان بخلاف خداوند مددگار و گفت یوحی ای پروردگار من نگذار  
الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا ۚ إِنَّكَ إِن تَذَرْنَاهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ ۚ وَ  
زمین از کافران سبب گنایان شوند و هرگز آئینه گمراه کردن بسایر را و زیادده خدا یا  
زمین از کافران سبب گنایان شوند و هرگز آئینه گمراه کردن بسایر را و زیادده خدا یا  
لَا يَلِدُوا إِلَّا فَاغْرًا كَفَّارًا ۚ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ  
نزد آیند مگر بدکار ناسپاس و در ا ای پروردگار من بپارز مرا و پدر و مادر مرا و هر که در اید  
نزد آیند مگر بدکار ناسپاس و در ا ای پروردگار من بپارز مرا و پدر و مادر مرا و هر که در اید  
بَنِي مُؤْمِنًا ۚ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتُ ۚ وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا ۚ  
بنی مؤمنان آورده و جمیع مؤمنین و مؤمنات را و زیادده ستمکاران را ستمکاران را  
در خانه من در حالیکه مؤمن باشند و جمیع مردان مؤمنین و زنان مؤمنات را و میفرای ستمکاران را  
ستمکاران را و جمیع مؤمنین و مؤمنات را و زیادده ستمکاران را ستمکاران را  
سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ ۚ إِنَّ اللَّهَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ۚ  
بسم الله خداوند بخشنده مهربان  
آغازی کنم بنام خداوندی که اندازه مهربان نهایت بار رحمت است  
قُلْ أُوحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا  
فلان بگوئی فرستاده شد بسوئے من که گوش نهادند از جن پس گفتند هرگز آئینه گمراه کردن بسایر را و زیادده خدا یا  
بگوئی فرستاده شد بسوئے من که گوش نهادند از جن پس گفتند هرگز آئینه گمراه کردن بسایر را و زیادده خدا یا  
عَجَبًا ۚ يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَامْتَابُوا ۚ وَلَنِ شَرِكٌ بِرَبِّنَا أَحَدًا ۚ  
که دلالت می کند بسوئے راه راست پس ایمان آوردیم آن و شریک مقرر نخواهیم کرد با پروردگار خویش هیچ یک را  
که دلالت می کند بسوئے راه راست پس ایمان آوردیم آن و شریک مقرر نخواهیم کرد با پروردگار خویش هیچ یک را  
وَأَنَّهُ تَعَالَىٰ جَدُّ رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا ۚ وَأَنَّهُ كَانَ  
و بیان کردند آن جلایان که بلندست بزرگی پروردگار ما فراتر گرفته است زن و فرزند و آنکه اقرا  
(و تقدیر نمودیم باین) که بلند است شان پروردگار ما فراتر گرفته است زنی و فرزند و آنکه اقرا  
يَقُولُ سَفِيهُنَا عَلَى اللَّهِ شَطَطًا ۚ وَأَنَّا ظَنَنَّا أَن لَّنْ نَقُولَ  
سے که جاهل ما بر خدا دروغ و آنکه ما پنداشتیم که هرگز نگوئیم  
نادان ما که می گفت بر خدا دروغ و آنکه ما پنداشتیم که هرگز نگوئیم  
الْإِنْسِ وَالْجِنِّ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا ۚ وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِّنَ الْإِنْسِ  
سے آدم و جن بر خدا دروغ را و آنکه مردان و آنکه میگویند مردانی از انسان  
انسان و جن بر الله دروغی (و میگویند) از انسان

معاذ مکرر و ناسپاس پیدا خواهند شد زیرا تا زمانیکه در بین ایشان



فل اشادات است  
 بانکه در جالبیت چون  
 بجایه فرودی آمدگی  
 گفتند اعدا بسید بنذا  
 اوادی من سقیا تو  
 فل یعنی بنیامر بن  
 ۱۱ فل یعنی برای  
 شغیرن کلام ملائکه ۱۲  
 وکلی یعنی ازانی میشد  
 وکلی یعنی آمد وکلی  
 محمد علی علیه السلام  
 تفسیر عثمانی  
 عه پیش از نزول  
 قرآن هم تمام جنیان  
 بیک راه بودند برخی  
 نیک و شاکه بودند  
 و بسیاری بدکار و بنا  
 بنجار بین ایشان  
 هم فرق ماه جمیع با  
 خراب بود بعضی مشرک  
 بعضی نصرانی جمعی یهودی  
 و غیر ذلک و فل را  
 عمل هر یکی جدا خواهد  
 بود و الا قرآن نازل شد  
 که اختلافات لغزات  
 را محو کرد و یو ادبیک  
 اینکند مردم یکاستند  
 که هر حق را قبول کرده  
 بیک راه روان شوند  
 چون چنین مردم پیدا  
 نمی شود که تمامی حق را  
 بپذیرند بنابر آن هنوز  
 هم اختلافات باقی می  
 ماند - عه من مملکت  
 را در حضور حضرت الهی  
 بایک اندیشه بنام شد  
 نه خوف نقصان که  
 نیکی و محنت ادراکشان  
 بود و نه ترس از بے  
 انصافی که ترس از جرمی  
 دیگری بود و شادانگی  
 شود انقضای آن شخص  
 از نقصان بیفادانت  
 در سوای تانامون  
 محفوظ است ۱۳

يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا ۝ وَاتَّخَذُوا آلَهُمِ الْكُفْرَ  
 بپناه می گرفتند - مردوان جن پس زیاده کردند در حق آن جنیان سرکش را و آنکه آدمیان گمان کردند چنانکه  
 از جن پس زیاده کردند آنهم را الیه ترا سرکش را و می شود بهین اگر جنیان گمان کردند چنانکه  
 ظَنَنْتُمْ أَنَّ لَنُيَبِّعَنَّ اللَّهَ أَحَدًا ۝ وَآلَا لَكُمُ السَّمَاءُ فَوْجَدًا ۝  
 و شما گمان کرده بودید که هرگز نه فرستد خدا هیچ کس را اوست و آنکه یاد دست رسانیدیم با آسمان پس یا قیوم که آسمان  
 (شما را) آتش گمان کردید که هرگز دو باره زنده نکند الله و کسی را و (پس) گمان کردند جنیان آنکه ما رسیدیم به آسمان پس یا قیوم آنرا  
 مِلَّتَ حَرَسًا شَدِيدًا وَشُهَبًا ۝ وَآلَا كُنَّا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقَاعِدَ لِلسَّمْعِ  
 پر کرده شده است بهایسایان محکم و بسیار باشد فرود آورنده است شستم پیش ازین بجایا برآست شغیرن و  
 پر کرده شده بهایسایان محکم و بسیار است و آنکه ای شستم در شستم گاه باز آسمان برای شغیرن (خبر آسانی)  
 فَمَنْ يَسْتَمِعِ الْآنَ يَجِدْ لَهُ شَهَابًا رَصَدًا ۝ وَآلَا لَأَنذَرِي أَكْثَرَ  
 پس هر که گوش بدهد آسمان بپاید برآست خود ستاره همیاساخته و آنکه ما نمیدانیم آیا ما  
 پس اکنون کسی که گوش بدهد بپاید برای خود ستاره های آفتاب (زیاده تر نسبت بسایه) دور کهین و آنکه ما نمیدانیم آیا ما  
 أَرِيدُ بِكُمْ فِي الْأَرْضِ أَمْ أَرَادَ بِهِمْ رَبُّهُمْ رَشَدًا ۝ وَآلَا مَسَا  
 اراده کرده شده در حق آنانکه در زمین اند یا اراده کرده است در حق ایشان پروردگار ایشان خبر را و آنکه از ما  
 خواسته شدی در حق آنانکه در زمین اند یا خواسته است در حق آنها پروردگار ایشان هدایت را و آنکه از ما  
 الصَّالِحُونَ وَمِمَّا دُونَ ذَلِكَ كَثِيرٌ مِمَّا يَخْفَى ۝ وَآلَا ظَنَنْتَ أَنَّ  
 حق شاکست کاران اند و بعضی از ما سواست اینست شستم فرق باست مختلف و آنکه ما دانستیم که  
 نیکوکاران اند و بعضی از ما سواي آن بودیم ما برآه های مختلف عه و آنکه ما دانستیم که  
 لَنُعْجِزَ اللَّهَ فِي الْأَرْضِ وَلَنُفْعِزَهُ هَرَبًا ۝ وَآلَا لَنَا سَمْعًا  
 هرگز عاجز نخواهیم کرد خدا را در زمین و عاجز نخواهیم کرد او را از روی کرختن و آنکه ما چون شنیدیم  
 هرگز عاجز نخواهیم کرد الله را در زمین و عاجز نخواهیم کرد او را از روی کرختن و آنکه ما چون شنیدیم  
 الْهَدَىٰ أَمَّا بِي ۝ فَمَنْ يُؤْمِنُ بِرَبِّهِ فَلَا يَخَافُ بَخْسًا وَلَا رَهَقًا ۝  
 هدایت را ایمان آوردیم با آن پس هر که ایمان آرد به پروردگار خویش پس او را ترسد از بیک نقصان و از از هیچ عه  
 هدایت (قرآن) را ایمانی آوردیم بر آن پس هر که ایمان آرد به پروردگار خود پس نمی ترسد از بیک نقصانی و از از مستی عه  
 وَآلَا مِمَّا الْمُسْلِمُونَ وَمِمَّا الْقَاسِطُونَ ۝ فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولَٰئِكَ  
 و آنکه بعضی از ما مسلمانند و بعضی از ما سفاکند پس هر که مسلمان شده پس آن جماعه  
 و آنکه بعضی از ما مسلمان اند و بعضی از ما سفاکند پس هر که مسلمان شد پس آن جماعه  
 تَحَرَّوْا رَشَدًا ۝ وَآلَا الْقَاسِطُونَ فَكَأُ الْجَهَنَّمَ حَطَبًا ۝ وَآلَا لَوْ  
 قصد کردند راه راست را و اما سفاکاران پس باشند بهر راهی و در حق و نیز بگو یا محمد کردی و شادانگی است بسوست  
 قصد کردند راه راست را و اما سفاکاران پس باشند برای دوزخ بهر راهی و (ازین هم آذین من) که اگر  
 اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِيَنَّهُمْ مَاءً غَدًّا ۝ لَنَنْفِثَنَّهُمْ فِيهِ  
 راست می استقامند بر راه راست البته می نوشانیم آب بسیار تا باز آیم ایشان را در آن  
 بسیار تا باز آیم ایشان را در آن  
 وَمَنْ يُعْرِضْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكْهُ عَذَابًا صَعَدًا ۝ وَآلَا الْمَسْجِدَ  
 و هر که اعراض کند از ذکر پروردگار خود در آرد در عذاب بپایه سخت و آنکه مسجد را  
 و هر که اعراض کند از ذکر پروردگار خود در آورد الله او را در عذاب سخت و آنکه مسجد را  
 لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا ۝ وَآلَا لَهُ لَمَّا قَامَ عَبْدُ اللَّهِ يَدْعُوهُ  
 مخصوص برآست خداست پس عبادت کنید با خدا هیچ یک را و آنکه چون استقامند عبادت خدا را و عبادت کنند الله را  
 خاص برای ذکر خداست پس بر شستن بکنند با الله هیچ یک را و آنکه چون برخواستند عبادت الله را و عبادت کنند الله را



صلی علی ارحم  
براسته از قرآن ۱۱  
صلی علی ارحم  
در خارج تحقق گردد  
زیرا آن لازم علم است  
والله اعلم ۱۲  
مترجم و در ابتدای  
اسلام خدا تعالی قیام  
لیل بر آن حضرت می نمود  
علیه السلام بر مسلمانان  
مواکد گردانید و چون  
این معنی بر ایشان  
نهایت دشوار آمد بعد  
یک سال حضرت  
نازل فرمود آن ربک  
تعلیم الی آخر السوره  
تا هر که خواهد قیام کند  
و هر که نخواهد نکند و هر  
قدر خواهد بخواند و الله  
اعلم ۱۳  
بسیب و دی ۱۲  
بسیب اگر بعضی شبها یکی  
گناه نباشد الله اعلم  
تفسیر عثمان  
سوره بقره که کثرت  
از راه مخالفت چرا  
دعای می کنند و آن کلام  
چیز است که موجب  
خفقان و عدم رفقا  
شماره ای گردان  
یعنی سخن بد و نامقول  
نیگویم بلکه تنهائی  
خود را میگویم  
یعنی کس را  
شریک او نمیدانم پس  
در سخن من چه چیز  
بنظر شما سیه گفتم  
مناقشه و مجادلیات  
اگر شما بنا مشق نشو  
بخواهید بر من بگویم  
بیاد بد فراموش کنید  
کوس بران ذاتی اعتماد  
و توکل دلم که از هر  
نوع شرکت پاک  
بی نیاز است طبع  
افشاد من بعضی  
و ساینده من و پیغام آوردن است از طرف الله بسوی بت دکان و بسبب بغای میس و فطیه در حایه و پناه او ایم ۱۲

كَادُوا يَكُونُونَ عَلَيْهِ لِبَدًا ۱۱ قُلْ إِنَّمَا أَدْعُوا رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِهِ

نزد یک بود که بر من بپوشیده شود و الله بخوان این نیست که عبادت می کنی پروردگار خود را و شریک نمی کنی با او

أَحَدًا ۱۲ قُلْ إِنِّي لَا أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا رَشَدًا ۱۳ قُلْ إِنِّي لَنْ

ایجاد یک را بخیر آید من نمی توانم در حق شما ضرر رسانم و نه لازم کردن طریق راستی بخیر آید

يُخَيِّرَنِي مِنَ اللَّهِ أَحَدًا ۱۴ وَلَنْ أَحْدَمَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحِدًا ۱۵ الْبَلَاءُ

پناه ندهد مرا از عقوبت خدا هیچ یک و هرگز نیامد بخیر دمی پناه بدهد مرا از عقوبت الله هیچ یک

مَنْ اللَّهُ وَرِسَالَتِهِ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ

از جانب خدا و تبلیغ پیغامهاست و هر که نافرمانی کند خدا را و پیغامبر او را پس هر آینه او راست است و در حق او جانب الله و پیغامهای او را عده و هر که نافرمانی کند الله را و رسول او را پس (هر آینه) او راست است و در حق

خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ۱۶ حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَيَسْمَعُونَ

جواب دیدن در اینجا همیشه در غفلت خود باشند تا وقتی که ببینند آنچه وعده داده میشود ایشانرا پس خواهند دانست

مَنْ أَوْفَعُ نَاصِرًا وَقُلَّ عَدًّا ۱۷ قُلْ إِنْ أَدْرِي أَقْرَبُ مَكَانًا

کریست تا توان تر با نصیران قدرت و پیروز و کمتر از روی شمار

تُوعَدُونَ أَمْ يَجْعَلُ لَهُ رَبِّي أَمَدًا ۱۸ عَلَيْهِمُ الْغَيْبُ فَلَا يُظَاهَرُ عَلَىٰ غَيْبٍ

و وعده داده میشود شما را یا مقرر کند بر آنست و پروردگار من میعاد می دهد و آنچه پنهان است پس مطلع نمی سازد بر علم غیب خود

أَحَدًا ۱۹ إِلَّا مَنْ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْأَلُكَ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ

ایجاد یک را مگر کسی که پسند کرد او را مراد از پیغامبر است پس هر آینه خدا در آن میلند پیش دست دے و

مِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا ۲۰ لِيَعْلَمَ أَنْ قَدْ أَبْلَغُوا رِسَالَتِي رَحْمَةً وَاحِاطَةً

پس پشت دے و فرستگان نگاه بمان را تا بداند خدا که تحقیق رسانیده اند پیغامهای پروردگار خود را طواف و خدا از هر جهت پروردگار

سِيرَةُ الْمُرْتَلِّ مَكِينُوهِي لَدَيْهِمْ وَاحْصَةُ كُلِّ شَيْءٍ عَدَدًا ۲۱ عِشْرِينَ وَفِيهَا كُنُوزٌ

نزدیک ایشان است و در آن است هر چیز را از روی شمار

وَلِلَّهِ الرَّحْمَةِ ۲۲

و برای الله رحمت ۲۲

يَا أَيُّهَا الْمَرْفُوقُ ۲۳ قِمَ اللَّيْلُ إِلَّا قَلِيلًا ۲۴ بَصْفَةً أَوْ انْقُصَ مِنْهُ

و ای تو که پیوسته و جامه بر خود تنیده و قیام لیل کن مگر اندک است قیام نیم شب کن یا اندک از نیم شب

قَلِيلًا ۲۵ أَوْزِدْ عَلَيْهِ وَرِثَ الْفَرَّانِ تَرْتِيلًا ۲۶ إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ

کم تا یا اندک بر تو شب بیفزاید و تر لیل کن قرآن را بواجع خواندن هر آینه ما را ایم نازل کرد بر تو

اندری یا زیاده من بران و واجع بخوان قرآن را واضح و قفقه (هر آینه) انعامی کنیم بر تو



قَوْلًا ثَقِيلًا ۱۰ إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْأً وَأَقْوَمُ قِيلًا ۱۱ إِنَّ

فرمانی دشوار است هر آینه قیام شب زیاده ترست در مواظقت زبان بادل و در دست ترست در حفظ الفاظ هر آینه

لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا ۱۲ وَادْكُرْ اسْمَ رَبِّكَ وَتَبْتَئِلَ إِلَيْهِ ۱۳

ترا در روز سبختی است بسیار و یاد کن نام پروردگار خود را و از هر جهت گسسته شو متوجه شده بسوی او

تَبْتَئِلُ ۱۴ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا ۱۵

تو گسسته شدن پروردگار مشرق و مغرب نیست نیست پیوسته بود مگر او پس کار ساز گیر او را

وَاصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ وَاجْهَرْهُمْ كَھْجًا جَمِيلًا ۱۶ وَذَرْنِي وَالْمُكَذِّبِينَ ۱۷

و صبر کن بر آنچه می گویند و حرک کن ایشان را ترک کردن نیکو و بگذار مرا با دروغ شمارندگان

أُولَى النَّعْمَةِ وَمَهَلْهُمْ قُلِيلًا ۱۸ إِنَّ لَدَيْنَا أَنْكَالًا وَجَحِيمًا ۱۹ وَ

خداوندان نعمت و مهلت ده ایشان را اندک است هر آینه هست نزد یک ما قید های گران و آتش افروخته و

طَعَامًا ذَا غُصَّةٍ وَعَذَابًا أَلِيمًا ۲۰ يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ ۲۱

طعام گوار و عذاب دردناک و در روزی که بجنبند زمین و کوه ها و

كَانَتْ الْجِبَالُ كَثِيبًا مَهِيلًا ۲۲ إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا ۲۳ شَاهِدًا

شود کوه ها مانند تپه های ریخته شده هر آینه ما فرستادیم بسوی شما پیغمبری که گواهی دهنده

عَلَيْكُمْ كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا ۲۴ فَعَصَىٰ فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ ۲۵

بر شما چنانکه فرستاده بودیم بسوی فرعون پیغمبر را پس نافرمانی کرد فرعون آن پیغمبر را

فَاخَذْنَاهُ أَخَذًا وَبِيلًا ۲۶ فَكَيْفَ تَتَّقُونَ ۲۷ إِنْ كَفَرْتُمْ يَوْمًا يَجْعَلُ

پس در گرفتن سخت پس اگر نافرمانی بکنید چون در پناه شوید از روزی که اطفال را

الْوِلْدَانَ شِيبًا ۲۸ السَّمَاءُ مُنْفَطِرٌ بِهِ ۲۹ كَانَ وَعْدُهُ مَفْعُولًا ۳۰ إِنَّ

بچه گردان را پیران آسمان شکافته باشد در آن روز هست و عده خدا البته کردنی

هَذِهِ تَذْكِرَةٌ ۳۱ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذْ إِلَىٰ نَبِيِّهِ سَبِيلًا ۳۲ إِنَّ رَبَّكَ

این پند است پس هر که خواهد راه پیروی بسوی پروردگار خویش

يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ ثُلُثِ اللَّيْلِ وَنِصْفَهُ وَثُلُثُهَا بَيْنَ يَدَيْهِ ۳۳

میداند که تو ایستاده ای نزدیک یک و نیم ثلث شب و نیم ثلث شب و نیم ثلث شب

الَّذِينَ مَعَكَ ۳۴ وَاللَّهُ يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ عَلِمَ أَنْ لَنْ تُحْصَوْهُ فَتَابَ

آنکه همراه تو است و خدا اندازه می کند شب و روز را دانست خدا که تو ایستاده ای بر محنت باز نشستی

بِحَقِّ مَا سَوَىٰ اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلْ عَلَىٰ رَبِّكَ ۳۵ إِنَّكَ تَكُنُ مِنَ الْغَافِلِينَ ۳۶

بجای حق ماسوی الله فلینتوکل علی ربک ۳۵ إِنَّكَ تَكُنُ مِنَ الْغَافِلِينَ ۳۶

دل یعنی دعوت کلام  
باسلام ۱۲ یعنی  
مواظبت بقرآن و غیره  
تفسیر عثمانی  
عنه حضرت شاه  
ماحب (رحم الله)  
متوجه به یعنی بیادمانست  
را اختیار کن تا با دیگران  
سبک شود آن بار  
اچنان بار است که در  
مقابل آن تحمل ریداری  
شب آسان است  
مطلب این است  
که بعد از آن قرآن را  
بیشتر بر تو نازل می کنم  
که با عباد قدر منزلت  
خود یعنی قیمت دارد و  
وزن دله و بی نظیر  
و لازم خطی سنگین و  
گران است در اعلا  
است که در حین نزول  
قرآن بر آن حضرت  
علی الله علیه السلام گواهی  
و حق زیادی میگذشت  
چنانچه در فضل و متان  
عرق میکرد اگر سواد  
بود چنانکه فرستاده بودیم  
بر او سواد را رسول را  
آنرا نمی توانست فسخ  
سر مبارک پیغمبر در آن  
زمین ثابت باشد و گواهی  
نقل شد زمین ثابت  
چنان حس کرد که در آن  
او از بار فوق العاده  
بار خواهد شد  
۱۹ عده عده بر تو  
شب در اوقات  
روز هم اگر چه ظاهر  
مواظقت و علاقی با  
مخوف ضروری است  
لیکن اعتدال خود را  
بیشتر بپروردگار  
توجه نموده و در آن  
گشت و گذار نیست  
در خواست بیاد از  
فانی مشغول باش  
بجای حق ماسوی الله  
فلینتوکل علی ربک  
۳۵ إِنَّكَ تَكُنُ مِنَ  
الْغَافِلِينَ ۳۶



دل معنی صرف مال  
کنید و در هر دو توفیق ثواب  
آفرید و الله اعلم  
من مترجم گوید این  
آیت بعد یک سال نازل  
شد و آنحضرت صلی الله  
علیه و آله در همین سوره  
لاحق کردند بجهت  
مناسبت و لهذا الهام  
سوره را سلوب مخفی  
ماند و الله اعلم  
یعنی از بیست و هجده  
و من معنی پدید بیرون  
بر ریشی تا کسی زیاده  
از قیمت هدیه رعایت  
کنند از اطلاق زبده است  
تفسیر عثمانی  
عنه اندازد و مع  
و کامل شب روز  
تهنیه خداوند  
مسلح است و یک  
انلاذ خاص گاهی شب  
را از روز کوتاه تر و گاهی  
و از تره گاهی برود را  
جوابی سازد برای  
بندگان در آن وقت  
خواب غفلت کشف  
یا یک ثلث یا دو ثلث  
شب و بطور کامل  
حفاظت کردن خصوصاً  
بنیامیکه و سایل فتنی  
مانند ساعت و غیره  
همینا باشد کار آسان  
نیست بنابر این بعضی  
صحابه تمام شب خواب  
نمی کردند که بباد خواب  
روند و از بیداری یک  
ثلث شب محروم گردند  
بنابر این الله تعالی  
بر رحمت خود آنرا آسان  
کرد و فرمود که شایسته  
باید ترا بر سر سانه  
نهی توانید لهذا اسیر کرد  
که فتنی بیدار شوی  
و حق باشد هر قدر که  
خواب در این بخت نازل  
یرامت در نماز بعد از فرض است و نه کدام قید و نیست و یا مقدار تلاوت ۱۲

عَلَيْكُمْ قَافِرٌ وَأَمَّا لَكُمْ مِنَ الشَّارِحِ عِلْمٌ أَنْ سَيَكُونُ مِنْكُمْ مُرْضٍ

بر شما پس بخوانید آنچه آسان باشد از قرآن دانست خدا که خوانند بود بعضی از شما بخوان  
بر شما اکنون بخوانید قدری که آسان باشد از قرآن دانست الله که بخواند بعضی از شما مرخصان

وَأَخْرُونَ يَصْرَبُونَ فِي الْأَرْضِ يَتَّبِعُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَأَخْرُونَ

و دیگران که سفر است کنند در زمین طلب روزی بستانند از فضل خدا و دیگران که  
و دیگران معز می کنند در زمین طلب می کنند فضل خدا (روزی را) و دیگران

يَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ قَافِرٌ وَأَمَّا تَبَسُّرُ مِنْهُ وَأَقِمُوا الصَّلَاةَ

کارزار می کنند در راه الله بخوانید آنچه آسان باشد از قرآن و بر پا دارید نماز را و  
جنگ می کنند در راه الله بخوانید قدری که آسان باشد از قرآن و بر پا دارید نماز را و

اتُوا الزَّكَاةَ وَأَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ

بدهید زکوة را و وام دهید خدا را وام نیک و آنچه پیش میفرستید برای خود خواستن از  
داده باشید زکوة را و وام دهید الله را قرض نیک و آنچه پیش میفرستید برای خود کدام

خَيْرٌ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ وَأَعْظَمُ أَجْرًا وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ

عمل نیک آنرا بهتر خواهید یافت نزد الله که خیرتر و بزرگتر با عبادت خود و طلب آمرزش کنید از خدا  
نیتی که بپایید آنرا نزد الله بهتر و بزرگتر از روی ثواب و آمرزش بخوانید از الله

سُبْحَانَ الْمَلِكِ الْقَيُّومِ إِنَّ اللَّهَ عَفْوٌ رَحِيمٌ

هر آینه خدا آمرزگار مهربان است  
بجای حق خدا آمرزگار مهربان است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم الله الرحمن الرحيم  
بسم الله الرحمن الرحيم

يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُونَ قُمْ فَأَنْذِرْ ۚ وَرَبَّكَ فَكَبِّرْ ۚ وَثِيَابَكَ فَطَهِّرْ ۚ وَ

ای مرد جامه بر خود تنبیده و کلاه بر چرخ بر سران و پروردگار خود را پس به بزرگی یاد کن و جامه های خود را پاک ساز و  
ای لحاف پوششیده بر چرخ بر سران و پروردگار خود را تعظیم کن و لباس های خود را پاک دار و

الرِّجْزَ فَاهْجُرْ ۚ وَلَا تَمْنُنْ تَسْتَكْثِرُ ۚ وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ ۚ فَإِذَا أَنْقَرْ

پلیدی را دور کن و نیاید که چیزی را پدید بیاورد و طلب کن و دوام ده و بر سر خود را صبر کن و اگر آنقدر  
پلیدی ریت و شرک را ترک کرده باش و احسان کن در حالی که غرض بسیار خواهی و برای را امتثال امر پروردگار خود مکن پس بگو

فِي النَّافِرِينَ ۚ قَدْ لَكَ يَوْمَئِذٍ عَسِيرٌ ۚ عَلَى الْكَافِرِينَ غَيْرُ عَسِيرٍ ۚ

در صورت دشوار شود حال پس آنوقت و آخر وقت دشوار باشد بر کافران نه وقت آسان  
در صورت پس آنگاه آن روز روزی است دشوار بر کافران غیر آسان

ذُرِّيٍّ وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيدًا ۚ وَجَعَلْتُ لَهُ مَالًا مَمْدُودًا ۚ وَبَنِينَ

پلیدی مرا یا کسی که آفریدم تنها و دوام آورد مال فراوان و فرزندان  
پلیدی مرا و آنرا که آفریدم در حالیکه تنه بود (از همه چیز) و دوام آورد مال فراوان و دیگران

شُحُودًا ۚ وَمَهَّدْتُ لَهُ تَهْنِيدًا ۚ ثُمَّ يَرْجِعُهُمْ إِلَىٰ رَبِّكَ ۚ فَكَارِهًا ۚ

حاضر شوند محاسن و وسعت دادم و وسعت دادم و باز جمع می کند که زیاده بپایند هر آینه دوست  
حاضر (در مجلس باو) و آماده کردم برای او (اسباه جاه و ثروت) آماده گردانی باز طبع می کند که زیاده دهم او را هرگز نمی (هر آینه) او

كَانَ لَا يَتَنَا عَيْنًا ۚ سَأَرْهَقُ صَعُودًا ۚ إِنَّ فَكْرًا وَقَدَرًا فَقِيلَ

بایات ما سترنده حلیف خواهم دادا و را بپایند  
بسیار معاند است به آیت های ما زود است که بخورش بپایند به پلایان بر پلیدی بزرگ (هر آینه) او فکر کرد که طبع می کند که زیاده داند او را پس







فمن یحیی کویند باید  
و کتاب بر هر یک نازل  
شود ۱۲ ص که آید  
البته موت خواهد شد  
و کما یقی آمده است  
و کما یقی صدق جاریه  
و علم بانی ۱۲ ص مترجم  
محمد بن جریر تبیین  
آنحضرت مسلم و ی آنرا  
آنحضرت مسلم و ی آنرا  
را انجام تمام فرموده  
و هم مخصوص جریر تبیین  
الغضار و ی آنرا  
تا از خاطر مبارک نرود  
خدا تعالی باین موفی باشد  
فرموده ۱۲ -

تفسیر عثمان

عنه و حق  
خدا را شایسته  
و ان خبر ۱۲  
بنده کلان خدا را از حق  
ایستاد تقلید در مان دیگر  
بر غایت حق باشد  
کردیم در محبت پدر  
نموده در شکوک شبیه  
غرق شده در فتنه و بزرگ  
ترین و وحشی ترین سخن  
اینگاه گوی یحیی بنایان  
کردن انصاف بهم آمده  
است این چیز را  
تکذیب می کردیم تا اینکه  
ساعت موت در رسید  
و چشم سر دیده به آن  
سختی که تکذیب می  
کردیم یقین حاصل  
شد عه این

درخواست با حق بیرون  
شان هم برای این  
نیست که اگر می چنین  
بهم آورده شود و افتا  
قبول خواهند کرد بلکه  
سبب تحقیق آن زن  
است که این مرد را  
عذاب نمی رسد - و  
منظورشان طلب  
حق نیست و این  
درخواست بعضی از وی نیست

است اگر فرض این درخواست  
های شان پوره کرده شود باز هم ایمان نمی آید که تا آن حد  
و او نیز ملک کنایاتی قرطاس غصه بایستیم قطع باین نفوذ

است اگر فرض این درخواست  
های شان پوره کرده شود باز هم ایمان نمی آید که تا آن حد  
و او نیز ملک کنایاتی قرطاس غصه بایستیم قطع باین نفوذ

است اگر فرض این درخواست  
های شان پوره کرده شود باز هم ایمان نمی آید که تا آن حد  
و او نیز ملک کنایاتی قرطاس غصه بایستیم قطع باین نفوذ

است اگر فرض این درخواست  
های شان پوره کرده شود باز هم ایمان نمی آید که تا آن حد  
و او نیز ملک کنایاتی قرطاس غصه بایستیم قطع باین نفوذ

است اگر فرض این درخواست  
های شان پوره کرده شود باز هم ایمان نمی آید که تا آن حد  
و او نیز ملک کنایاتی قرطاس غصه بایستیم قطع باین نفوذ

است اگر فرض این درخواست  
های شان پوره کرده شود باز هم ایمان نمی آید که تا آن حد  
و او نیز ملک کنایاتی قرطاس غصه بایستیم قطع باین نفوذ

است اگر فرض این درخواست  
های شان پوره کرده شود باز هم ایمان نمی آید که تا آن حد  
و او نیز ملک کنایاتی قرطاس غصه بایستیم قطع باین نفوذ

است اگر فرض این درخواست  
های شان پوره کرده شود باز هم ایمان نمی آید که تا آن حد  
و او نیز ملک کنایاتی قرطاس غصه بایستیم قطع باین نفوذ

است اگر فرض این درخواست  
های شان پوره کرده شود باز هم ایمان نمی آید که تا آن حد  
و او نیز ملک کنایاتی قرطاس غصه بایستیم قطع باین نفوذ

است اگر فرض این درخواست  
های شان پوره کرده شود باز هم ایمان نمی آید که تا آن حد  
و او نیز ملک کنایاتی قرطاس غصه بایستیم قطع باین نفوذ

است اگر فرض این درخواست  
های شان پوره کرده شود باز هم ایمان نمی آید که تا آن حد  
و او نیز ملک کنایاتی قرطاس غصه بایستیم قطع باین نفوذ

است اگر فرض این درخواست  
های شان پوره کرده شود باز هم ایمان نمی آید که تا آن حد  
و او نیز ملک کنایاتی قرطاس غصه بایستیم قطع باین نفوذ

نطعم المسکین ۱۳ و کنا فحوض مع الخاضین ۱۴ و کنا فحوض مع الخاضین ۱۴ و کنا فحوض مع الخاضین ۱۴

نطعم المسکین ۱۳ و کنا فحوض مع الخاضین ۱۴ و کنا فحوض مع الخاضین ۱۴ و کنا فحوض مع الخاضین ۱۴

نطعم المسکین ۱۳ و کنا فحوض مع الخاضین ۱۴ و کنا فحوض مع الخاضین ۱۴ و کنا فحوض مع الخاضین ۱۴

نطعم المسکین ۱۳ و کنا فحوض مع الخاضین ۱۴ و کنا فحوض مع الخاضین ۱۴ و کنا فحوض مع الخاضین ۱۴

نطعم المسکین ۱۳ و کنا فحوض مع الخاضین ۱۴ و کنا فحوض مع الخاضین ۱۴ و کنا فحوض مع الخاضین ۱۴

نطعم المسکین ۱۳ و کنا فحوض مع الخاضین ۱۴ و کنا فحوض مع الخاضین ۱۴ و کنا فحوض مع الخاضین ۱۴

نطعم المسکین ۱۳ و کنا فحوض مع الخاضین ۱۴ و کنا فحوض مع الخاضین ۱۴ و کنا فحوض مع الخاضین ۱۴

نطعم المسکین ۱۳ و کنا فحوض مع الخاضین ۱۴ و کنا فحوض مع الخاضین ۱۴ و کنا فحوض مع الخاضین ۱۴

نطعم المسکین ۱۳ و کنا فحوض مع الخاضین ۱۴ و کنا فحوض مع الخاضین ۱۴ و کنا فحوض مع الخاضین ۱۴

نطعم المسکین ۱۳ و کنا فحوض مع الخاضین ۱۴ و کنا فحوض مع الخاضین ۱۴ و کنا فحوض مع الخاضین ۱۴

نطعم المسکین ۱۳ و کنا فحوض مع الخاضین ۱۴ و کنا فحوض مع الخاضین ۱۴ و کنا فحوض مع الخاضین ۱۴

نطعم المسکین ۱۳ و کنا فحوض مع الخاضین ۱۴ و کنا فحوض مع الخاضین ۱۴ و کنا فحوض مع الخاضین ۱۴

نطعم المسکین ۱۳ و کنا فحوض مع الخاضین ۱۴ و کنا فحوض مع الخاضین ۱۴ و کنا فحوض مع الخاضین ۱۴

نطعم المسکین ۱۳ و کنا فحوض مع الخاضین ۱۴ و کنا فحوض مع الخاضین ۱۴ و کنا فحوض مع الخاضین ۱۴

نطعم المسکین ۱۳ و کنا فحوض مع الخاضین ۱۴ و کنا فحوض مع الخاضین ۱۴ و کنا فحوض مع الخاضین ۱۴

نطعم المسکین ۱۳ و کنا فحوض مع الخاضین ۱۴ و کنا فحوض مع الخاضین ۱۴ و کنا فحوض مع الخاضین ۱۴

نطعم المسکین ۱۳ و کنا فحوض مع الخاضین ۱۴ و کنا فحوض مع الخاضین ۱۴ و کنا فحوض مع الخاضین ۱۴

نطعم المسکین ۱۳ و کنا فحوض مع الخاضین ۱۴ و کنا فحوض مع الخاضین ۱۴ و کنا فحوض مع الخاضین ۱۴

نطعم المسکین ۱۳ و کنا فحوض مع الخاضین ۱۴ و کنا فحوض مع الخاضین ۱۴ و کنا فحوض مع الخاضین ۱۴

نطعم المسکین ۱۳ و کنا فحوض مع الخاضین ۱۴ و کنا فحوض مع الخاضین ۱۴ و کنا فحوض مع الخاضین ۱۴

نطعم المسکین ۱۳ و کنا فحوض مع الخاضین ۱۴ و کنا فحوض مع الخاضین ۱۴ و کنا فحوض مع الخاضین ۱۴

نطعم المسکین ۱۳ و کنا فحوض مع الخاضین ۱۴ و کنا فحوض مع الخاضین ۱۴ و کنا فحوض مع الخاضین ۱۴



صلوات من کتب ظاهر  
نزدیک شده است که  
منی آیت چنین باشد  
آیت و عدد لازم است و  
منی کردن قرآن و رضا  
حفظ و قرات آن عصر  
بعد عصر و الضحی بقیه  
معانی آن خدا تعالی بر  
دست شفیق رضی الله  
عنه مانع آن کرده و هر  
زمانه تبارک و تعالی  
که ملاحظه شود به تجلی  
و هر زمانه مصلحت  
الوفیق داد که در تفسیر  
آن سنی نمایند و الله  
اعلم بالصواب  
باب حرکت نامه ۱۲  
کتاب یعنی مرد و منی  
زن و خون حیض از کتاب  
تفسیر عثمانی  
عنه بعضی اوقات از  
منی سکر است موت  
یک ساق به ساق دیگر  
می پیچید و نیزه می زد  
تعلق روح از جسد مصل  
بدن جدا می شود و جانی  
ساق و آن را از  
یک دیگر جدا می  
با اختیار او می ماند و  
یک ساق بر ساق دیگر  
بی اختیار می افتد  
و بعضی سلف گفته که  
ساق در محاورات و عز  
کنایه است از معیبت  
خلاق العاده درین صورت  
ترجمه آیت چنین میشود که  
یک منی با منی دوم  
و امیر و وزیر را می بیند  
در آن وقت باد منی  
دچار میشود و سخی اول  
عبادت از دنیا رفتن را  
و اسباب الی و طویل  
چاه و چشم را ترک او  
خوشی و غم زنی و  
و خیال رنج و دوش

لَا تُحَرِّكْ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ ۚ إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ ۚ فَإِذَا قَرَأَهُ  
تَجَنَّبَ وَتَتْلُوهُ فَوَهْمًا ۚ وَتَتْلُوهُ فَوَهْمًا ۚ وَتَتْلُوهُ فَوَهْمًا ۚ وَتَتْلُوهُ فَوَهْمًا ۚ  
فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ ۚ ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ ۚ كَلَّا بَلْ تُحِبُّونَ الْعَاجِلَاتِ ۖ وَتَذَوْنِ  
الْآخِرَةِ ۖ وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ تَاضَرُةٌ ۖ إِلَىٰ ذُنُوبِهَا ۖ ذَرُوعًا ۖ وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُّسْتَبْشِرَةٌ ۖ  
تَنْظُرُونَ ۚ أَنْ يَقْعَلَ لَهَا فَاقِرَّةٌ ۚ كَلَّا إِذَا بَلَغَتِ الثَّرَاقِي ۖ وَقِيلَ لَهَا مِمَّنْ رَقِ  
وَحْظَنَ أَنَّهَا الْفَرَاقِ ۖ وَالتَّتِلَفُ لِسَاقٍ ۖ بِالسَّاقِ ۖ إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمَسَاقِ ۖ  
فَلَا صَدَقَ وَلَا صَلَ ۖ وَلَكِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّى ۖ ثُمَّ ذَهَبَ إِلَىٰ أَهْلِهِ يَتَمَطَّى ۖ  
أَوَلَيْكَ فَالُوى ثُمَّ أَوَلَىٰ لَكَ فَالُوى ۖ ائْتِجَسِبِ الْإِنْسَانُ أَنْ يَبْذُرَكَ سَدًى ۖ  
الْمَرْيَكُ نَظْفَةً مِّنْ مَّنِيٍّ يُمْنَةٍ ۖ ثُمَّ كَانَ عَلَقَةً فَخَلَقَ فَسَوَّىٰ ۖ فَنَجَعَلَ مِنْهُ  
الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ ۖ أَلَيْسَ ذَلِكَ بِقَدِرٍ عَلَىٰ أَنْ يُبْجِيَ السَّوْىَ ۖ  
رَبُّكَ اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ۖ هَلْ أَتَىٰ عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُن شَيْئًا مَّا كُنَّا خَلْقًا  
الْإِنْسَانُ مِنْ نَّطْفَةٍ أَمْشَاجٍ ۖ نَّبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا ۖ إِنَّا هَدَيْنَاهُ  
السَّبِيلَ ۖ إِمَّا نَشَاكَرُوا ۖ أَوْ إِمَّا نَكْفُرُوا ۖ إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلَاسِلًا وَأَغْلَاقًا  
وَحْشًا وَغَمًّا ۖ وَنُفِثْنَا فِيهِمْ أَهْلًا ۖ إِنَّهُمْ قَوْمٌ مُّكْذِبُونَ ۖ وَنُفِثْنَا فِيهِمْ أَهْلًا ۖ إِنَّهُمْ قَوْمٌ مُّكْذِبُونَ ۖ

و حق و دین برتر از آن است و آن عبادت است از احوال قمر و آخرت که کیفیت آنرا می توان بیان کرد ۱۲



سَعِيرًا ۚ إِنَّ الْآبْرَارَ لَشَرٌّ مِنْكَ ۚ كَانُوا فَزَارًا ۚ عَيْنَا يَشْرَبُ

تس ادر دخت بر آینه نیو کادان می نوشند از پیلان مشاب که آینهش دس آب حشره کور باشد و قطره حشره که آتش منده  
تس شلزلن عه به حقیق چو کادان می نوشند از پیلان مشاب که باشد آینهش آن لاور حشره که خنوشد

كَمَا عَادَ اللَّهُ يُنْجِيهِ وَيَكْفِيهِ وَيَكُنُّ لَهُ مُوْتَدِرًا يُؤْتُونَ بِالْأَسْرِ وَأَسْأَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُونَ لِيُخْرِجَهُمْ مِنَ الْأَسْرِ وَقَدْ خَلَوْنَهُمْ فِي الْوَيْدِ

از این بندگان مقرب خدا را اول کند از ارباب گروهی که وفای کنند به نذر و می ترسند از روز پیکر مشقت آن ناعلی باشد  
از این بندگان خدا را می سازند از ارباب گروهی که وفای کنند به نذر و می ترسند از روز پیکر مشقت آن

مستطرا (٤) ويطعمون الطعام على حبه مسكينا ويتوا (٥) اسارا (٦) انما

و میبندد طعام با وجود احتیاج بان قهر را و قهر را میبندد طعام را با وجود احتیاج

طَعْنُكَ لَهُ حَقُّ اللَّهِ أَنْ يَدْمِغَكَ خَالِدُ بْنُ الْوَلِيدِ

بہار آئینہ سائنس از سرسید احمد خان

عمر قبط

روز و رسانید ایشان را تا نزدیکی ده خجالی

پس جہاں سے آئے اندر اس کے ان دو دروازے تھے ایک دروازہ جس کی طرف سے آئے تھے اور دوسرا دروازہ جس کی طرف سے آئے تھے

چند اودا ایف نرا بمقاربت صبر ایف نر بوستان و جامه ایف نر کی میکره زده باشنده آسجا بر تخت ها نه مینده

و اما در این کتاب که از حضرت و امام علی علیه السلام است و در آن بر هر یک از

سچا کریم آفتاب مولدہ سرمائے خداداد و نزدیک شوق یافتہ پیر ارث ان سائبر پائے آن بوستان و سہل محصول کردہ و دیوہ پائے ان

و کز ویل سوزنده بر ایشان صاحبان ایشان در نام کرده شده است میوه های آن

پہل کرونی و آدمو شکر کردہ شود بر ایشان باوند با  
از لغو و پاچا مهاجرتی که یاس شد مانند آگینها

از قهر و مراعی با که باشند

ایمیدارم آیدینا از قهره انداده که بر تاشند ساقیان آخر انداده که درونی و کوشانین که کورایشانرا آنجا چلیم عالم دیگر است همین منزل

از هر دور جانید اندازه کرده اند اسباب را اندازه گرفته و دوستانیده شود بایشان و در این جام شرفی که هست اسمش شرفان

[illegible]

مجله در پشت کتابخانه و بنویسد و بنویسد  
دی کردند نزد ایشان نو جوانان که پیشه نو جوان باشند

دارایم سیدیم نو و او که در ۱۳۰۰ و در دارالینت در بیت و حیات و ملک

و چون بفری آید بستی بستی ای فراوان طلب

پایہ تختہ بیاہ دستا پین حصہ دار استای و سہ اسماء زمین

رنگ ای ایشان باشد جامه های زبر کسبم تازک سبز و ایریتم سبز و در شانیه و کج ایشان رسته اند از لقمه

[illegible]

شما سائله ایشان را پروردگار ایشان شتراب پاک گفته و دل آنها را بشهود و اطراف آنها را بر زمینهای این است برای شما و این است که شما

در اسمیده میشود و ابتدا اطمینان بعد از آن جفاکس را برادر که بیان فرموده است ۱۲-







عنه منكرين تبارك  
ی پنداشتند که دنیا  
باین کلماتی که می فرمود  
کدام کس یاوری کند  
کردنی خواهد آمد که او را  
هم مرده باشند و یکی  
از آنانی که نماند و این  
دورخ نهید است غذا  
پیر مختار می بود و چلی  
معلوم میشود باین فرمود  
جواب آنها داده شده  
که قبلاً چندین مردم بودند  
و چندین قوم بجز آن  
که با او بوده و تبارک کرده شد  
اند پس در عقب  
آنها هم این سلسله  
موت و طاعت بهم جاری  
است - آنکه و کرامات  
قدیم با نسبت به بحران  
معلوم شد با نسیب که  
کفار عصر حاضر را هم  
بدینان پیشینان خواهد  
فرستاد و آنی که در ازمنه  
مختلف مردمان توتم  
و نیرومند افتاد و مجربین  
قوی را با یک کرده و متوجه  
برین امر چگونه قادر  
نیست که بر مخلوق  
را یکدم نیست  
و نابود کند و تمام  
مجرمان را بیک  
وقت مرده عذاب  
بخشد این عده در  
زمین بچگونه با چیز سخت  
و سنگین را آفرید کار  
های خود بچیز آسانی  
کنند و در همین زمین  
چشمهای آب را که در  
سبب نرم و سیال  
بودن دانه و روانی  
باشند و آشناسند  
به بسیار آسانی  
سیراب میشود  
پس خدا نیک  
در این زمین حق فرمود  
بای متفاد قدرت  
خود و متاخر موت و حیات

الْآخِرِينَ ۱۴ كَذَلِكَ تَعْمَلُ بِالسَّجَرَيْنِ ۱۵ وَيَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ۱۶ اَلَمْ تَخْلَقْنَا  
و اینها را هم چنین می کنیم با کتله گاران و ای دران روز برای تکذیب کنندگان آیتها فرموده ایم شمارا  
مِنْ قُلُوبِهِمْ ۱۷ فَجَعَلْنَاهُ فِي قُرَارٍ مُّكِينٍ ۱۸ اِلَى قَدَرٍ مَّعْلُومٍ ۱۹ فَقَدْ نَأْتَيْنَهُمْ  
از آب محقر پس نهادیم آن آب را در جای معلوم تا اندازه همین پس اندازه کردیم پس نیکو  
از آب بی قدر پس نهادیم آنرا در قرارگاه استوار تا مدت مقرر باز پورده کرده و اشیاء آنرا پس نیکو  
الْقَادِرُونَ ۲۰ وَيَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ۲۱ اَلَمْ تَجْعَلِ الْاَرْضَ كَفَاتًا ۲۲ اَحْيَاءُ  
اندازه کنند گانیم و آنرا در روز دروغ شمارندگان را آیتها فرموده ایم زمین را می کنند آدمیان جمع کنند زندگان را  
توانایان را و ای دران روز برای تکذیب کنندگان آیتها فرموده ایم زمین را جمع کنند زندگان  
و اَمْوَاتًا ۲۳ وَجَعَلْنَا فِيهَا رِوَاسِي شَجَیْنٍ ۲۴ و اَسْقَيْنَهُمْ غَاءً ۲۵ وَبَلَّغْنَاهُمْ يَوْمَهُمْ  
و مردگان را و آفریدیم در زمین کوهها بلند و نوشانیدیم شمارا آب شیرین و آنرا در روز  
و مردگان و آفریدیم در زمین کوههای بلند و نوشانیدیم شمارا آب شیرین و نوشانیدیم شمارا آب شیرین و نوشانیدیم شمارا آب شیرین  
لِلْمُكَذِّبِينَ ۲۶ اِنَّا نَطْلُقُوهَا اِلَى مَآكِنٍ مَّيْمَةٍ ۲۷ وَتَكْذِبُونَ ۲۸ اِنَّا نَطْلُقُوهَا اِلَى مَآكِنٍ مَّيْمَةٍ ۲۹  
دور از شمارندگان گفته شود برودید پس آنچه را که آنرا در روز می نوردید گفتند برودید پس آنچه را که آنرا در روز می نوردید گفتند برودید  
ببرای تکذیب کنندگان گفته شود برای ایشان آیتها فرموده ایم چیزی که شماران تکذیب می کردید برودید پس آنچه را که آنرا در روز می نوردید گفتند برودید  
شَعْبٍ ۳۰ لَا ظَلِيلٍ وَلَا يُغْنِي عَنْهُمُ الْهَبَّ ۳۱ اِنَّا نَأْتِيهِمْ مِنْ اَنْفُسٍ ۳۲ اَلَمْ تَجْعَلِ الْاَرْضَ كَفَاتًا ۳۳ اَحْيَاءُ  
شعبه نه سبزه سر و پا شده و کفایت کند از گرمی آتش هر آینه آن آتش می افکند شربا مانند کوشک گویان شربا شربان زندگان  
شعبه دارد نه سبزه آینه و کفایت نمی کند در دفع گرمی آتش (هر آینه آن آتش می افکند شربا مانند کوشک گویان شربا شربان زندگان)  
وَيَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ۳۴ هَذَا يَوْمُ لَا يَنْطِقُونَ ۳۵ وَلَا يُؤْذِنُ لَهُمْ فَيَعْتَذِرُونَ ۳۶ وَيَوْمَئِذٍ  
و آنرا در روز دروغ شمارندگان را این روز روز نیست که سخن بگویند و روز دستور داده شود الی الله را تا عذر بفرمایند و آنرا  
و ای دران روز برای تکذیب کنندگان این روز روز نیست که سخن بگویند و روز دستور داده شود الی الله را تا عذر بفرمایند و آنرا  
يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ۳۷ هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ ۳۸ جَمَعْنَاهُمْ وَاَلَا وَاَلَا ۳۹ اِنَّا نَأْتِيهِمْ مِنْ اَنْفُسٍ ۴۰ اَلَمْ تَجْعَلِ الْاَرْضَ كَفَاتًا ۴۱  
آنروز دروغ شمارندگان را این روز روز نیست که سخن بگویند و روز دستور داده شود الی الله را تا عذر بفرمایند و آنرا  
دران روز برای تکذیب کنندگان این روز روز نیست که سخن بگویند و روز دستور داده شود الی الله را تا عذر بفرمایند و آنرا  
كَيْدٍ فُكِّدُونَ ۴۲ وَيَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ۴۳ اِنَّا نَأْتِيهِمْ مِنْ اَنْفُسٍ ۴۴ اَلَمْ تَجْعَلِ الْاَرْضَ كَفَاتًا ۴۵ اَحْيَاءُ  
حیلست بدستگاری کنند در حق و آنرا آنروز دروغ شمارندگان را هر آینه متفقان در سبزه باشند و  
مکوی پس مکر کنند با من و ای دران روز برای تکذیب کنندگان هر آینه متفقان باشند در سبزه باشند و  
عَمُونَ ۴۶ وَفَوَكَهَ يَتَأَسْتَفُونَ ۴۷ كَلَّا وَاتَّخَذُوا هَذِهِ اَمْكِنًا ۴۸ تَعْمَلُونَ ۴۹ اِنَّا  
در چشمها و در میوهها از بیستی گرفتار کنند بگویم بخورید و بنوشید خوردن و نوشیدن گویا بسبب آنچه می کردید هر آینه  
در این روز نه سبزه با آینه آنچه آنروز می کنند (گفته شود برای ایشان آیتها فرموده ایم چیزی که شماران تکذیب می کردید برودید پس آنچه را که آنرا در روز می نوردید گفتند برودید)  
كَذَلِكَ يَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ۵۰ وَيَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ۵۱ كَلَّا وَاتَّخَذُوا هَذِهِ اَمْكِنًا ۵۲ تَعْمَلُونَ ۵۳ اِنَّا  
هم چنین جزای دیم نیکو کاران را و ای دران روز برای تکذیب کنندگان بخورید و بنوشید خوردن و نوشیدن گویا بسبب آنچه می کردید  
فَلْيَلَا اِنَّكُمْ مَعْجُونُونَ ۵۴ وَيَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ۵۵ وَاِذَا قِيلَ لَهُمْ اَرْكِعُوا  
بندگی بر آینه شمارندگان را و آنرا آنروز دروغ شمارندگان را و ای دران روز برای تکذیب کنندگان بخورید و بنوشید خوردن و نوشیدن گویا بسبب آنچه می کردید  
اِنْ كُنْتُمْ اِلَّا رَكْعُونَ ۵۶ وَيَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ۵۷ اِنَّا نَأْتِيهِمْ مِنْ اَنْفُسٍ ۵۸ اَلَمْ تَجْعَلِ الْاَرْضَ كَفَاتًا ۵۹ اَحْيَاءُ  
نازنی گذارند و آنرا آنروز دروغ شمارندگان را پس بگویم سخن بعد از آن ایسان خواستند آورد  
و ای دران روز برای تکذیب کنندگان پس بگویم سخن بعد از آن ایسان خواستند آورد  
لَا يَرْكِعُونَ ۶۰ وَيَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ۶۱ فَاَيَّ حَالٍ يَتَّبِعُ يَوْمَئِذٍ ۶۲ اَحْيَاءُ  
و ای دران روز برای تکذیب کنندگان پس بگویم سخن بعد از آن ایسان خواستند آورد  
و ای دران روز برای تکذیب کنندگان پس بگویم سخن بعد از آن ایسان خواستند آورد  
لَا يَرْكِعُونَ ۶۳ وَيَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ۶۴ فَاَيَّ حَالٍ يَتَّبِعُ يَوْمَئِذٍ ۶۵ اَحْيَاءُ

خود و متاخر موت و حیات و ستمی و نری را نشان میدهد آیا در میدان مشرق نظر ملاحظه متقی و نری و نجات و پاکت را و انوار کرده می تواند و نیز بفرست کسی که آفرین پاک کردن







فل یمنی کل اسما  
 فل یمنی یک باره  
 اولیج راجع سخی ۱۲  
 فل یمنی یک باره  
 دیگر بطریق سخی  
 اولیج در سخی  
 هو اسنانی ۱۲  
 فل یمنی از یک دیگر  
 سبقت کردی ۱۲  
 یعنی نفی اولی و نفی  
 ثانیه وجود ۱۲  
 تفسیر عثمان  
 علیه السلام یمنی مکافات  
 حق کشش رحمت  
 الهی است در هر طرف  
 زکی را قد تست  
 و در قرآن اگر انسان  
 به یمن اعمال حسنه  
 از عذاب نجات یابد  
 مشکل است حصول  
 بهشت محض عطا  
 کرم الهی می باشد  
 و اینکه جنت را عوض  
 اعمال را قرار داده زده  
 نوازی و نعمت خداوند  
 است علیه یمنی قسم  
 بقرشتانیک روح  
 مومن را از قید  
 جسم رها کنند و در آن  
 حال روح آنها  
 بقون عالم قدس  
 چنان به نشاء پروانه  
 میگرد که اسیر از قید  
 رها شود اما روح  
 بدکاران از این نشاء  
 بهره نمی باشد و  
 فرشتگان آنها کسان  
 کشتن می برند  
 فرمودن نباید کرد  
 که این در باره  
 روح است  
 جسم به بد  
 از آنکه در باب  
 ارواح حکم  
 مکافات یا محاسن  
 صادر شد بهر  
 و سر مشهور ای آن می بود از انبیا مطلق که برای تدبیر نظام عالم مقرر اند و الظاهر بوالاولی باید داشت که معنی از الذخعت و النشفت و غیر مفسرین اقوال ۴۹

حساباً و کذا یأیبتنا کن ارباً و کذا شیء احصینة کتاباً

حساب را و کذب می کردند آیات ما را بدو رخ و آتش بر چرخ را  
 حساب را و کذب می کردند آیات ما را (دور و آتش) و هر چیز را احصا کرده ایم بنویشتن

فذر و قوا فلن تریدکم الا عذاباً ان للشیقین مزاراً حدائق

پس بگذرید پس زیاد نخواهیم داد شما را مگر عذوبت را  
 پس بگذرید پس هرگز نه از ایم شما را مگر عذوبت  
 بیوک خدا ترمان را کامیاب است باعلاست

و انما اباء و کواعب ان اباء و کاسان هانما لا یسمعون فیها

در خزان و غور باشد و زمان دو شهر بهر یک دیگر باشند و پیر شراب برگزیده نشوند اینجا  
 و انکرها و دو شیرگان از بستان هم سال و جام باشد لبریز می شنوند در اینجا

لغوا و لا کن ذاباً جزا من ربک عطاء حساباً و ترب السعوت

سخن بگوید و نه کذب مکارانی است از جانب رب تو عطا حساب  
 رب آسمانها

و الارض و ما بینهما الرحمن لا یملکون من خطاباً و یوم

و زمین و آنچه  
 زمین و چیز که در بین آنهاست خداست بخشایند و تو از عذاب نیست و سه سخن گفتن روزی که

یوم الروح و التملیکه صفاء لا یتکلمون الا من اذن له

بایستد فرشته روح نام و سایر فرشتگان نیز صف زده سخن نگویند حاضران محشر  
 بایستد روح و فرشتگان صف بستان سخن نگویند مگر آنکه اجازه داد او را

الرحمن و قال صوابه ذلك الیوم الحق فمن شاء ان یخذ

خدا و گفت باشد سخن درست و حق این روز تحقیق است  
 رحمن و بگوید سخن راست آن روز نیست حق پس هر که خواهد بگوید

الی ربیه ما یله انما اندرکم عن ابا قریبه یوم ینظر السعوت

بوسه پروردگار خود میبرد بر آینه ما را ساندیم شما را از عذوبت نزدیک آید روزی که ببیند آدمی آنچه  
 بجز رب خود نیاید (بر آینه) ما را ساندیم (ایم) شما را از عذاب نزدیک آید روزی که ببیند آدمی چیز نرسد را که

قد مت یدیه و یقول الکفر یدیه کنت ثراباً

پیش فرستاده بود و دست دس و بگوید کافرا ای کامل من خاک بودی  
 پیش فرستاده بود و دستهایش و گوید کافر کاشکی من خاک می بودم

بسم الله الرحمن الرحیم

الذخعت غرقاً و النشفت نشطاً و السیمت سیمت و السبقت

سبقت کردی و پس سیم بکافات فرشتگان که سیم می کردند و سیم می کردند و سیم می کردند و سیم می کردند  
 سبقت کردی پس سیم بکافات فرشتگان که سیم می کردند و سیم می کردند و سیم می کردند و سیم می کردند

الرادفة قلوب یومین و اجفة ابصارها خاشعة یقولون

الربس در آینه دل یک جمع دل با آن روز فرستادن باشد و در آینه دل یک جمع دل با آن روز فرستادن باشد  
 از آینه در آینه دل یک جمع دل با آن روز فرستادن باشد و در آینه دل یک جمع دل با آن روز فرستادن باشد



عَنِ الْمُرَدِّدِينَ فِي الْحَافِرَةِ طَوَّافَةً عِظَامًا نَخْرَةً ۝ قَالَ

آیا بایں شوم و استخوان بایں یوسیده گفتند  
آیا بایں شوم و استخوان بایں یوسیده گفتند

تِلْكَ اِلْكِرَّةُ خَاسِرَةٌ ۖ فَاِذَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ ۖ فَاِذَا هُمْ

ان را چون آنگاه برین نیل دهنده باشد پس جزایر نیست که آن واقع شود آواز  
 این باز شکر است زبان آورده پس تحقیق آن یک آواز شده است

بِالسَّاهِرَةِ ۝ هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَى ۝ إِذْ نَادَاهُ رَبُّهُ بِأَنَّهُ

بر روی زمین آمده باشند آن آمده است پیش از خبر موسی بول  
فرمیدان باشد غصه آید آید  
آواز دادش چو در در گارد بودی  
و گفت آواز دادش را در میدان

المقدس طوى الى فريكون انك طغى فقل همل

نیل طے نام	کہ بر دھبوں کے فرقان	پر آئینہ	و سے از حد اکثر امت پس گوئی
نیل کا نقش طہی است	برو	میوی	فرعون
			بر آئینہ او سر تا پا کردہ

لَكَ إِلَى أَنْ تَرْكَبَهُ ۖ وَآهْدِيكَ إِلَى رَبِّكَ فَتَخْشَعُ لَهُ ۖ وَأَسْرِعُ

پس بنود لغویون

آية الكبرى فكتب وعطى له ادبر يسع

ان مجبوراً بزرگ داشت پس شروع داشت و ناخرافی کرد پس از آن مجلس باز نشست تدبیر کن پس دهم کرد قوم خود را مجبوراً بزرگ پس تکذیب کرد و ناخرافی نمود پس نشست کرد و اندک و به چشم افتاد پس گرد آورد و بگرد

فَنَادَىٰ <sup>زَيْدٌ</sup>فَقَالَ أَنَارَ بِكُمْ الْأَعْمَىٰ فَأَخَذَهُ اللَّهُ نَكَالَ الْأَوْخَةِ ۝٩

پس آواز داد پس گفت من بزود کار بندم تو در مشا ام  
پس که کار کرد او را خدا  
پس که گفت من بزود کار بندم تو در مشا ام  
پس که گفت من بزود کار بندم تو در مشا ام

لاولى (١) ان (٢) زالك (٣) لغيره (٤) انتم اشد خلو

ہر آئینہ درونِ کبریا سے بہت بڑے بڑے آئینا حکیم خرید دے آفرینش  
ہر آئینہ درونِ کبریا سے بہت بڑے بڑے آئینا حکیم خرید دے آفرینش

م الشاء <sup>١</sup> ينها <sup>٢</sup> رفع <sup>٣</sup> سبها <sup>٤</sup> شاة <sup>٥</sup> ي <sup>٦</sup> غطش <sup>٧</sup> لها <sup>٨</sup> خ

آسمان خدا را که در آن آسمان است ساخت از لُغاح اود ايس در مدت ساخت آسمان و ايرانيك كردش اود را و ليلوهر آورد

*[Faint handwritten text at the bottom of the page]*

بجای در آمد و زمین را بعد از آخرین آسمان بخوار کرد و  
 بیرون آورد از زمین آب و در

و اما در این کتاب که در بیان احوال و عیال و اولاد و غیره است

و تو ماں آستوار نمود از برائے شفقت شما و چهار بایان شما پس و قتل

تِلْكَ الطَّائِفَةُ الْكَاذِبَةُ يَوْمَ تَتَدْرَأُ الْإِنْسَانُ مَا سَعَى

باید قیامت روز یک یاد کند آدمی آنچه عمل کرده بود

34  
 35  
 36  
 37  
 38  
 39  
 40  
 41  
 42  
 43  
 44  
 45  
 46  
 47  
 48  
 49  
 50  
 51  
 52  
 53  
 54  
 55  
 56  
 57  
 58  
 59  
 60  
 61  
 62  
 63  
 64  
 65  
 66  
 67  
 68  
 69  
 70  
 71  
 72  
 73  
 74  
 75  
 76  
 77  
 78  
 79  
 80  
 81  
 82  
 83  
 84  
 85  
 86  
 87  
 88  
 89  
 90  
 91  
 92  
 93  
 94  
 95  
 96  
 97  
 98  
 99  
 100  
 101  
 102  
 103  
 104  
 105  
 106  
 107  
 108  
 109  
 110  
 111  
 112  
 113  
 114  
 115  
 116  
 117  
 118  
 119  
 120  
 121  
 122  
 123  
 124  
 125  
 126  
 127  
 128  
 129  
 130  
 131  
 132  
 133  
 134  
 135  
 136  
 137  
 138  
 139  
 140  
 141  
 142  
 143  
 144  
 145  
 146  
 147  
 148  
 149  
 150  
 151  
 152  
 153  
 154  
 155  
 156  
 157  
 158  
 159  
 160  
 161  
 162  
 163  
 164  
 165  
 166  
 167  
 168  
 169  
 170  
 171  
 172  
 173  
 174  
 175  
 176  
 177  
 178  
 179  
 180  
 181  
 182  
 183  
 184  
 185  
 186  
 187  
 188  
 189  
 190  
 191  
 192  
 193  
 194  
 195  
 196  
 197  
 198  
 199  
 200  
 201  
 202  
 203  
 204  
 205  
 206  
 207  
 208  
 209  
 210  
 211  
 212  
 213  
 214  
 215  
 216  
 217  
 218  
 219  
 220  
 221  
 222  
 223  
 224  
 225  
 226  
 227  
 228  
 229  
 230  
 231  
 232  
 233  
 234  
 235  
 236  
 237  
 238  
 239  
 240  
 241  
 242  
 243  
 244  
 245  
 246  
 247  
 248  
 249  
 250  
 251  
 252  
 253  
 254  
 255  
 256  
 257  
 258  
 259  
 260  
 261  
 262  
 263  
 264  
 265  
 266  
 267  
 268  
 269  
 270  
 271  
 272  
 273  
 274  
 275  
 276  
 277  
 278  
 279  
 280  
 281  
 282  
 283  
 284  
 285  
 286  
 287  
 288  
 289  
 290  
 291  
 292  
 293  
 294  
 295  
 296  
 297  
 298  
 299  
 300  
 301  
 302  
 303  
 304  
 305  
 306  
 307  
 308  
 309  
 310  
 311  
 312  
 313  
 314  
 315  
 316  
 317  
 318  
 319  
 320  
 321  
 322  
 323  
 324  
 325  
 326  
 327  
 328  
 329  
 330  
 331  
 332  
 333  
 334  
 335  
 336  
 337  
 338  
 339  
 340  
 341  
 342  
 343  
 344  
 345  
 346  
 347  
 348  
 349  
 350  
 351  
 352  
 353  
 354  
 355  
 356  
 357  
 358  
 359  
 360  
 361  
 362  
 363  
 364  
 365  
 366  
 367  
 368  
 369  
 370  
 371  
 372  
 373  
 374  
 375  
 376  
 377  
 378  
 379  
 380  
 381  
 382  
 383  
 384  
 385  
 386  
 387  
 388  
 389  
 390  
 391  
 392  
 393  
 394  
 395  
 396  
 397  
 398  
 399  
 400  
 401  
 402  
 403  
 404  
 405  
 406  
 407  
 408  
 409  
 410  
 411  
 412  
 413  
 414  
 415  
 416  
 417  
 418  
 419  
 420  
 421  
 422  
 423  
 424  
 425  
 426  
 427  
 428  
 429  
 430  
 431  
 432  
 433  
 434  
 435  
 436  
 437  
 438  
 439  
 440  
 441  
 442  
 443  
 444  
 445  
 446  
 447  
 448  
 449  
 450  
 451  
 452  
 453  
 454  
 455  
 456  
 457  
 458  
 459  
 460  
 461  
 462  
 463  
 464  
 465  
 466  
 467  
 468  
 469  
 470  
 471  
 472  
 473  
 474  
 475  
 476  
 477  
 478  
 479  
 480  
 481  
 482  
 483  
 484  
 485  
 486  
 487  
 488  
 489  
 490  
 491  
 492  
 493  
 494  
 495  
 496  
 497  
 498  
 499  
 500  
 501  
 502  
 503  
 504  
 505  
 506  
 507  
 508  
 509  
 510  
 511  
 512  
 513  
 514  
 515  
 516  
 517  
 518  
 519  
 520  
 521  
 522  
 523  
 524  
 525  
 526  
 527  
 528  
 529  
 530  
 531  
 532  
 533  
 534  
 535  
 536  
 537  
 538  
 539  
 540  
 541  
 542  
 543  
 544  
 545  
 546  
 547  
 548  
 549  
 550  
 551  
 552  
 553

برای آنکه هر که دیدنش خواهد گویای اعتقاد محقق گردد و آنکه هر که ندیده باشد و بزرگتر بداند و باشد زندگانی این همه که این همه

پس بیست

... و ...



الْحَجِيمِ هِيَ الْمَأْوَى ۝ وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ

دورخ بمانست جلست او و اما کسی که ترسیده باشد از ایستادن بخشود برورد و کار خویش و باز داشت نفس را

عَنِ الْهَوَى ۝ فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَى ۝ يُسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ

از شهوات پس هر آنچه بهشت بمانست جائے او سے پرسند ترا از قیامت از خواہش پس بیشک جنت بگانه جای اوست می پرسند ترا از قیامت

أَيَّانَ مَرْسِمُهَا ۝ قِيمَ أَنْتَ مِنْ ذِكْرُهَا ۝ إِلَى رَبِّكَ مِنْتُمْ هَاهُنَا إِنَّمَا

کے باشد منتقم آن در چه منزل تو از علم آن بپوستے پروردگار است غنیمتے علم آن جز این نیست کہ چہ وقت است قیام آن ترا چه کار از ذکر آن بپوستے پروردگار است غنیمتے علم آن سہر آئینہ

أَنْتَ مُنْذِرٌ مِّنْ يُخْشَاهَا ۝ كَانَتْهُمْ يَوْمَ يُرَوُّهَا لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا عَشِيَّةً

تو ترسانندہ کسی را کہ ترسد از او سے روز یکہ برینند آخرا چنانست کہ ایشان رنگ نکرہ بودند بدینا محکم یک وقت شام تو محض ترسانندہ ہر کہ کہ ترسد از قیامت ایشان روز یکہ بینند آخرا چنانست کہ تو را در رنگ نکرہ بودند دنیا محکم شبان گاہی

سُورَةُ الْكَافِرَاتِ ۝ وَفِي ثَلَاثِينَ ۝ أَوْ ضَرْبًا ۝

سورۃ کافرات و فی ثلاثین یا یک وقت صبحی کہ پیش از آن بود یا چاشت گاہ آن روز

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۝

بسم خداے بخشنایندہ مہربان آغاز می کنم بسم خداے که بے اندازہ مہربان سہایت بارحم است

عَبَسَ وَتَوَلَّى ۝ أَنْ جَاءَهُ الْأَعْنَى ۝ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّه يَزْكُرُ ۝

دورخ کرد و اعراض نمود بسبب آنکہ بیاد پیش او نایافت و چه چیز خبردار کرد تراست بدوے پاک میشد دورخ نمود و اعراض کرد عہ بسبب آنکہ بیاد پیش او نایافت و چه چیز دانکار کرد ترا شاید او اصلاح می شد

أَوِ يَنفَعُكَ تَنْفَعَةُ الْذَّكَرَى ۝ إِنَّمَا مِّنْ أَسْتِغْنَى ۝ فَاَنْتَ لَتَتَصَدَّقَ ۝

یا پسندے تفسید پس نفع میدادش آن پسند شہندان اما یکہ تو توکراست پس تو بپوستے ادا اقبال می کنی یا پسند می گرفت پس نفع میداد او را آن پسند اما یکہ بی نیاز کرد (از ایمان) پس تو را در فکر می کنی

وَمَا عَلَيْكَ إِلَّا يَرْكُبُ ۝ وَأَمَّا مِّنْ جَاءَكَ يُسْعَى ۝ وَهُوَ يُخْشَى ۝ فَاَنْتَ

و زبان نیست بر تو در اندک پاک نشود و اما کسی که بیاد پیش تو نشنایان و از خداے خود ترسان پس تو و انرا می نیست بر تو در اصلاح ناشدن آن و اما کسی که بیاد پیش تو نشنایان و از ترسان پس تو

عَنْ تَلْكَ ۝ كَلَّا إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ ۝ فَمِنْ شَاءَ ذِكْرُكَ ۝ فِي صُحُفٍ

از دے غفلت می کنی سنے سہر آئینہ این آیات قرآن پسندست پس ہر کہ خواہد یاد کند آن را ہر آئینہ آیات قرآن ثبت ست در نامہ ہائے از وی بدینکہ مشغول می شودی چنین نباید کرد ہر آئینہ آیات قرآن محض پسندست پس ہر کہ خواہد آنرا بخواند و پسند گیرد آیات است در صحیفہ ہائی

مَكْرَمَةٍ ۝ مَرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ ۝ بِأَيْدِي سَفَرَةٍ ۝ كِرَامٍ بَرَرَةٍ ۝

کرامی بلند قدر پاک کردہ شدہ بدست ہائے نویسندگان بزرگ مشغول شکر کردار و کرامی بلند قدر نہایت پاک بدست نویسندگان بزرگ مشغول شکر کردار

قَتَلَ الْإِنْسَانَ مَا أَكْفَرَهُ ۝ مِنْ أَيِّ شَيْءٍ خَلَقَهُ ۝ مِنْ نُّطْفَةٍ ۝

کشت کردہ شد آدمی را چه بلاناہستہ اوست خدا انہرہ چیز آفریدشش از نطفہ منی پاک باد انسان چه ناسپس است از چه چیز آفرید او را از یک قطرہ آب

خَلَقَهُ فَقَدَرَهُ ۝ ثُمَّ السَّبِيلَ يَسْرَهُ ۝ ثُمَّ أَمَاتَهُ فَأَقْبَرَهُ ۝ ثُمَّ إِذَا

آفریدش پس اندازہ مسین کردش باز راہ برآمد آسان نمودش باز میمراندشش پس در گور کردش باز وقتیکہ آفریدش پس اندازہ کرد او را پس راہ را بروی آسان کرد باز میمراندشش پس در گور کردش پس وقتیکہ

أَفْرَأَيْتَ إِنْ كُنَّا نَحْنُ الْغَايِبُونَ ۝ فَأَنزَلْنَاهُ فَاخْلُقْهُ ۝ أَفَرَأَيْتَ إِنْ كُنَّا نَحْنُ الْغَايِبُونَ ۝

آفریدیم اگر ما غایب ہستیم پس فرستادیم او را تا خلق کند او را اگر ما غایب ہستیم پس فرستادیم او را تا خلق کند او را اگر ما غایب ہستیم پس فرستادیم او را تا خلق کند او را

أَفَرَأَيْتَ إِنْ كُنَّا نَحْنُ الْغَايِبُونَ ۝ فَأَنزَلْنَاهُ فَاخْلُقْهُ ۝ أَفَرَأَيْتَ إِنْ كُنَّا نَحْنُ الْغَايِبُونَ ۝

آفریدیم اگر ما غایب ہستیم پس فرستادیم او را تا خلق کند او را اگر ما غایب ہستیم پس فرستادیم او را تا خلق کند او را اگر ما غایب ہستیم پس فرستادیم او را تا خلق کند او را

أَفَرَأَيْتَ إِنْ كُنَّا نَحْنُ الْغَايِبُونَ ۝ فَأَنزَلْنَاهُ فَاخْلُقْهُ ۝ أَفَرَأَيْتَ إِنْ كُنَّا نَحْنُ الْغَايِبُونَ ۝

آفریدیم اگر ما غایب ہستیم پس فرستادیم او را تا خلق کند او را اگر ما غایب ہستیم پس فرستادیم او را تا خلق کند او را اگر ما غایب ہستیم پس فرستادیم او را تا خلق کند او را

أَفَرَأَيْتَ إِنْ كُنَّا نَحْنُ الْغَايِبُونَ ۝ فَأَنزَلْنَاهُ فَاخْلُقْهُ ۝ أَفَرَأَيْتَ إِنْ كُنَّا نَحْنُ الْغَايِبُونَ ۝

آفریدیم اگر ما غایب ہستیم پس فرستادیم او را تا خلق کند او را اگر ما غایب ہستیم پس فرستادیم او را تا خلق کند او را اگر ما غایب ہستیم پس فرستادیم او را تا خلق کند او را

أَفَرَأَيْتَ إِنْ كُنَّا نَحْنُ الْغَايِبُونَ ۝ فَأَنزَلْنَاهُ فَاخْلُقْهُ ۝ أَفَرَأَيْتَ إِنْ كُنَّا نَحْنُ الْغَايِبُونَ ۝

آفریدیم اگر ما غایب ہستیم پس فرستادیم او را تا خلق کند او را اگر ما غایب ہستیم پس فرستادیم او را تا خلق کند او را اگر ما غایب ہستیم پس فرستادیم او را تا خلق کند او را

من نایبناست از فقرا و محایہ مجلس آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم در آمد و بعد الہای مکرر تلوین داد و آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم در آن حالت بدعت اشرف عرب مشغول بودند پس آنرا کردہ داشتہ اعراض نمودند خداے تعالیٰ بر خلق عظیم دالالت فرمود ۱۲- فیکہ یعنی ۲۰ تفسیر عثمان عہ روزی صنادیدہ قریش در مجلس خفہ بنوی ۲۰ حاضر و حضرت ۲۰ پیغمبر صلی اللہ علیہ وسلم ایشانرا باسلام دعوت بہ آنہا سرگرا مذاکرہ بود ناگاہ عبد اللہ ابن ابی مہکوم کہ از دیدگان نایبنا بود وارد شد و عرض کرد: یا رسول اللہ از طلعی کہ خداوند تو را زلزلے داشت مرا میخواند و عرض تا شکام عبد اللہ مورد التفات رسالت مآلی واقع نشد زیرا آنحضرت باہر مہم تبلیغ اشتغال داشت و تصور کردہ کہ در مجلس مبارک سر دادن قریش حاضر اند و این با مردان بالغ و ذہن رؤسای قومی باشد اگر مشرف ایمان مشرف شتوند ممکن است علم نیز از انان ما پیرو کنند و دائرہ اسلام وسعت پذیرد- ابن ام مکتوم مسلمان و از بدایان گان حضور نبوت است و او را مرقع تبلیغ و تعلیم بسیار است اگر عبد اللہ طغف شوم بر بزرگان قریش گران می آید و بارہ بد تبلیغات اسلامی گوش میدہند اما عبد اللہ ابن ام مکتوم بر عرض خود اصرار



شَاءَ الْإِنشَارَ ۚ كَلَّا لَمَّا يُقْضَىٰ مَا أَمَرَهُ ۚ فَلْيَنْظُرِ الْإِنسَانُ إِلَىٰ

خواست زنده را پیش از آنکه بمیرد و آنچه فرمودش خوا بزند اش گرداند آن بی که بمیرد آنچه فرمودش

طَعَامِهِ ۚ أَنَا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا ۚ ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا ۚ

طعام خود بسوخته آنکه ما بکفیم آب را درختی باز شق کنیم زمین را از میوه شقا یعنی

فَأَثْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا ۚ وَعَبْنَا وَقَضَا ۚ وَزَيَّنَّا وَنُحَلًّا ۚ وَوَحَدًا

پس رویا بیدیم در آن زمین دانه را و آب و بخت را و درختان خرا را و باغها را

غَلًّا ۚ وَفَاكِهِةً وَآبًا ۚ مَتَاعًا لَّكُمْ وَلِأَنعَامِكُمْ ۚ فَإِذَا جَاءَتِ

درختان بسیار دارد و میوه را و آب و منفعت شما و چهار پایان شما

الصَّاحَّةُ ۚ يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ ۚ وَأُمُّهُ وَأَبِيهِ ۚ وَ

آواز گشت روزی که بگریزد مرد از برادر خود و از مادر خود و از پدر خود و

صَاحِبَتَهُ وَبَنِيهِ ۚ لِكُلِّ أُمَرٍ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ ۚ

از زن خود و فرزندان خود هر مردی را از ایشان آفرود

وَجَوْهَ يَوْمَئِذٍ مَسْفُورَةٍ ۚ ضَاحِكَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ ۚ وَوَجْوهٌ يَوْمَئِذٍ

روانی در آن روز تابان خندان و شادان باشد و روی باری باشند در آن روز

عَلَيْهَا غَبَرَةٌ ۚ تَرْهَقُهَا قَتَرَةٌ ۚ أُولَٰئِكَ هُمُ الْكَافِرَةُ الْفَجَرَةُ ۚ

بر آن غبار باشد غالب آید بر روی آن گروه ایشانند کافران بدکاران

سُئِلْتُ عَنْ لَيْسَ عَلَیْهِ ذَنْبٌ قُلْتُ ۚ وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ ۚ وَإِذَا الْإِبْجَالُ

و قتی که در آفتاب بپاشد و قتی که ستارگان شود و قتی که کوه ها

سَدِرَتْ ۚ وَإِذَا الْعُشَارُ عُطِّلَتْ ۚ وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ ۚ

روان کرده شود و قتی که شتران باردار را مسکن گذارند شود و قتی که جانوران وحشی را جمع کرده شود

وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ ۚ وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ ۚ وَإِذَا الْمَوْءِدَةُ

و قتی که دریاها را شعله آتش افروز شود و قتی که ارواح را با جسد جمع کرده شود و قتی که از زنده در گور بودند

سُئِلْتُ عَنْ بَابٍ ذَنْبٌ قُلْتُ ۚ وَإِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ ۚ وَإِذَا السَّمَاءُ

پرسیده شود که کدام گناه گشته شد و قتی که نامه های اعمال را کشاده شود و قتی که آسمان را

سُئِلْتُ عَنْ بَابٍ ذَنْبٌ قُلْتُ ۚ

پرسیده شود که کدام گناه گشته شد و قتی که نامه های اعمال را کشاده شود و قتی که آسمان را

تفسیر عثمانی  
عنه یعنی حیوانات گله  
که از سایه انسان دم  
می کشند در آن روز چنین  
مضطرب میشوند که با  
حیوانات الهی در آبها  
یک جا شده گرد آیند  
چنانکه در اوقات خوف  
کنون هم دیده میشود  
شقا در اینجا که سرما  
شدت می کشد با  
مشاهده اختلاف بعضی  
درندگان در شهر  
پناه آورده اند سالی  
دریای گنگا در جانا پور  
شد و بر یک جهری  
چند نفر نشست بودند  
و چند بار نیز در یک گوشه  
چیزی خورد و با یکدیگر  
بودند و از پس بجان می  
بودند یکی بد دیگری مدخل  
کرده نمی توانست  
ا (تفسیر بعضی مفسرین  
در شتر) را بپخته  
مرگ عمومی تفسیر  
کرده اند و بعضی معنی  
عشر که از مرگ عمومی  
است و الله اعلم  
عنه و در عبارت  
روان بود که پدران  
و فرزان خود را با شترانی  
بی رحمی زنده گوری کردند  
بعضی از سبب ننگدستی  
و بیم مصروف فراموشی و  
بعضی از جهل از نزد  
داماد این است که قوت  
کریم آنها را از جهل  
که ازین بفرمان  
منظور می رسیده میشود  
که یکدم گناه گشته شد  
ایده پدران خیال میکنند  
بفرمان شترانست خود شتران  
است و هر سخی که به  
آنها کند حق ندارد

بلکه جرم گشتن اولاد خفه ها که زنده در گور کردن باشد نسبت به نفس بی گانه و دیگر نوع شکن سنگین تر است



دل ایسی صرخہ شود  
 مانند بڑے کوپو مت  
 اس طرح کہ وہ باشند ۱۲  
 و لا تخرج من کوثر علی  
 مشقہ فی صرخہ و نہ ہو  
 عطا دین سستارہ  
 تجوہ او دل سیر کہہ  
 قلم سے رسد از ان باز  
 کی کو ندوبہ مقامے  
 سے کو دبو دنا اقبال  
 بلند و جوں وقت  
 از ان آید غائب شوند  
 اللہ اعلم ۱۳  
 تفسیر غنائی

۵۰ گفت جبرئیل است  
 گفت آنت که  
 سطر و زانیدن قرآن  
 حضرت جبرئیل و  
 حضرت رسول اکرم  
 و امی و دو ذات  
 در داری صفاتی  
 باشد که صدق  
 قرآن هر چه  
 شریف  
 بیانی باشد  
 قبول  
 افت احب ارد  
 آیات شرط بزرگ  
 است که رادی  
 قضاوت بر تو

دل - ضابطه - حافظ  
 می باشد و از فانی  
 روایت می کنند که  
 از او استراحت را  
 است بزرگ که معتبر  
 است او اعتماد  
 دارد بر جمال او چون  
 نگذارد این همه  
 خط و خط و خط و خط  
 و است جبرین  
 و قهر است  
 و بی شکی تو را با  
 و آن که در  
 و آن که در  
 و آن که در

گشطت ۱۱ و اذ الجحیم سعرت ۱۲ و اذ الجنة اذلفت ۱۳ علیک

پوست برنگه شود و وقتی که دوزخ برافروخته شود و وقتی که برشت را نزد یک ساخته شود بداند  
 مثل پوست برنگه شود و وقتی که دوزخ برافروخته شود و وقتی که برشت نزد یک آورد بداند

مل پوست برنگه شود و فیتا و وزغ بر او ریخته شود و فیتا برشت نزد یک آورد شود

نَفْسٌ مَّا أَحْضَرْتُ ۖ فَلَا أَشْمِي بِالْخَنَسِ ۖ الْجَوَارِ الْكُنَسِ ۖ ﴿١٦﴾

بر شخص آبچرخ حاضر ساخته است پس قسم بخورم بستاندگان باز کرده میر نماینده غائب شوند  
بر شخص آبچرخ حاضر ساخته است پس قسم بخورم بستاندگان باز کرده میر نماینده غائب شوند

باز کرده سیر نمایند غائب شوند

و قسم بشب چون باز گردد      و قسم به صبح چون بدید

و ششم شب پهلوان با دلیران  
و ششم به پنج و قیلک بدید  
و ششم به پنج و قیلک بدید  
و ششم به پنج و قیلک بدید

كريم ١٩ ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ ٢٠ مُطَاعٍ ثَمَّ أَمِيرٍ

عصای نوانانی باوقار نزدیک خداوند عرض فرمایند وادی کرده شده و ملکوت آسمان

نزدیک دادای توانایی با وفادار نزدیک خداوند عرض بلیذ مرتبه است فزین بوده شده در ملکوت آسمان مصطفی بمانت و

وَمَا صَاحِبُكُمْ يَبْجُنُونَ ﴿٦٠﴾ وَلَقَدْ رَاَهُ بِآلِ الْفُقَاحِ ﴿٦١﴾ وَمَا

دوهم آینه یار شهادت دیده بود آن فرشته را بگانه های آسمان و نیست یار شهادت

وینست رقیق بان دلیانده دهر آینه رقیق سوادیده و د آن فرشته رادر کناره قایم آسمان وینست رقیق شام

عَلَى الْغَيْبِ بَضِيئِينَ ﴿٧٠﴾ وَمَا هُوَ يَقُولُ شَيْطَانٌ مَرَجِيمٌ ﴿٧١﴾

بر کرم پنهان بر سر سجده ایست قرآن لغتار و نیست قرآن لغتار  
بر تعلیم اسرار غیب بخین شیطان زانده شده پس کجا پس کجا

تَنْ هَبُونِ اِنَّ هُوَ الْاَزْكٰى لِلْعٰلَمِیْنَ

نیت قرآن مسکونہ عالمی دار

نیت قرآن مگر بندی مرعالمیان را  
برای آنکه خواهد از شما کرد

يُسْتَقِيمُ ٢٨ وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ

است برود و بخوابد مگر و نشیک بخوابد  
است برود و بخوابد مگر و نشیک بخوابد

يسوع الانجيلي المكتوب في تسعة عشر سنة

لَا تَقْرَأُ فِيهَا كِتَابًا وَلَا تَحْسَبُ فِيهَا حِسَابًا

\_\_\_\_\_

سورة الرعد

بنام خداے بخشننده  
آغاز می کنم بنام خداوند

آغاز می کنم بنام خداوند  
بزرگوار و بزرگوار و بزرگوار

وإذا انشأت من فوقها سماء فتبينت

فريقه آسمان شکافته شود و در فتيحه ستارگان از اتمم بریزند و در فتيحه درياها  
فريقه آسمان شکافته شود و در فتيحه ستارگان از اتمم خورند و در فتيحه درياها

١٢٠ هـ و اذا القبور بعثت ١٣٠ هـ علمت نفس اقل مت

اول کرده شود. نهایت شدت و وقتیکه کور را را شمع فتنه شود بداند هر چه آنچه پیش مرستاده بود

مواضع خود بنشیند (روان) شود و وقتیکه گویا باز بر سر کرده شود بداند بر نفس آنچه پیش از دست داده و

خَرْتُ ۝ يٰٓاَيُّهَا الْاِنْسَانُ مَا غَرَّبَكَ اَلَيْسَ الَّذِي اَنْشَأَكَ مِنْ عَلَقٍ ۝

چونکه بانه پس ترا نشد بود اے آدمی چه چیز زلفت ترا به هر دو درگار بزرگوار تو این خدا کنی  
چونکه مانده ای آدمی چه چیز زلفت ترا به هر دو درگار کریمت آلا خدا کنی







بَلْ سَكَتَ رَأْيُكَ عَلَىٰ قَوْلِهِمْ مَا كَانَ لَأَيُّهَا لَكَيْسٌ بَلْ سَكَتَ رَأْيُكَ عَلَىٰ قَوْلِهِمْ مَا كَانَ لَأَيُّهَا لَكَيْسٌ

بلکه زنگ بسته است بر دل بایسته ایشان آنچه می کردند سکت بر آئینه ایشان از پروردگار خویش

يَوْمَ يَكْفُرُ لَكُمْ وَيَكْفُرُونَ أَنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ لَمَّا رَأَوْا كِسْفًا مِّنَ الْجِبَالِ تَوَالًا

آنروز کفر با شماست باز هر آینه ایشان در آینه گان دوزخ باشند باز کفر شود ایشان را اینست

الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَكْفُرُونَ كَذَّبُوا رَأْيُكَ كَذَّبُوا رَأْيُكَ كَذَّبُوا رَأْيُكَ كَذَّبُوا رَأْيُكَ

آنچه شما آنرا در دوزخ می شنیدید همانرا که آنرا از آینه ایشان در آینه گان دوزخ می شنیدید

مَا أَدْرَاكَ مَا عِلِّيُّونَ كَذَّبُوا رَأْيُكَ كَذَّبُوا رَأْيُكَ كَذَّبُوا رَأْيُكَ كَذَّبُوا رَأْيُكَ

چه چیز مطلع ساخت ترا که چیست علویون کتابی است نوشته شده که حاضر شوند نزدیک کردگان خدا

لَقَدْ نَعَّمْنَا عَلَىٰ الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ تَعْرِفُ فِي وَجْهِهِمْ نَضْرَةَ

در نعمت با شماست بر نعمت با شماست نگاه می کنند می شناسی در روی ایشان تازگی

النَّعِيمِ لَيْسَقُونَ مِنْ رَحِيقٍ مَّخْتَلَمٍ خَمْرٌ مَّخْتَلَمٌ خَمْرٌ مَّخْتَلَمٌ

نعمت نوشانیده می شوند از شراب خالص سرخسیر بجایست موم سحر او شکر باشد و بهین شراب پاک

فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ وَمِنْ أَجْلِ نَسِيمٍ عَيْنَا لَشَرِّبَ

باید که رقبت کنند رقبت کنند گان و آینه ای آن از آب نسیم باشد مراد دیدار چشم کسی که نوشند

لَهُمَا الْمُقَرَّبُونَ إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا

از آن نزدیک کردگان خدا هر آینه گاه ایشان از آن نزدیکان یاد گاه الهی هر آینه گاه ایشان

يَضْحَكُونَ وَإِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامَزُونَ وَإِذَا انْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ

می خندیدند و چون می گذشتند به ایشان با یکدیگر چشم میزدند و خاترات کرده و چون باز می گشتند بآهل خانه خود

انْقَلَبُوا فَاكْهَيْنَ وَإِذَا رَأَوْهُمْ قَالُوا إِنَّ هَؤُلَاءِ لَضَالُونَ وَمَا

باز می گشتند ادا مان شده و چون می دیدند ایشان را می گفتند هر آینه ایشان گمراهان اندالغ و حال آنکه

أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَفَظِينَ فَأَلْيَوْمَ الَّذِينَ آمَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ

فرستاده شد بر مؤمنان نگهبانان پس امروز مؤمنان با کافران

يَضْحَكُونَ عَلَىٰ الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ هَلْ ثَوَابَ الْكُفَّارِ مَا كَانَ

می خندند بر نعمت با شماست نگاه می کنند بهر جانب آیا جزا داده شد کافرانرا بحسب آنچه

يَفْعَلُونَ

می کردند می کردند

عنه در آیات ما شک و شبه نیست حقیقت این است که از کثرت گناه آئینه دل ایشان را زنگ گرفته و سیاه شده باین صورت حقایق بطور صحیح در آن منعکس نمی شود در حدیث است که چون بنده گناهی می کند در دلش یک نقطه سیاه پیدا می شود پس اگر توبه نکند زایل گردد و الا هر قدر گناه کند آن نقطه نیز کسب و وسعت می کند و باطل دلش سیاه می گردد و بعدی که حق را از باطل فریاد نمی تواند و مکه بین مذکور ازین قبیل مردم اند که از شرارت بای بی بی دلشان مسخ شده به آیات الهی تمسخر می نمایند و علویون جایی است که در آن اسمای اعلیٰ جنت مندرج و نام بایسته اعمال شان مرتب گذاشته میشود و اوداج آنها را تخت بر آفتاب برنده بعد بمقام شان رسانند و اوداج شان را با قیود آن بایک نوع تعلق باشد و گویند این موضع بالای آسمان بهتم بوده و اوداج مفران عالی مقام در آن قیام پذیرند و الله اعلم بالصواب خود شای می کردند بر مسلمین تمسخر و نکته گری می نمودند و بر عیش و تنعم ۳۴ خلیش مفرور گردیده تصور می کردند که اگر زمین عقاقد و افکار ما صحیح نیست چرا اینچنین عیش و استراحت رسیده ایم لعله که این گروه نادانان را به زهد و ریاضت می گذرانند و لذا اندوه می رانند و لذا سوگو و ترحم می نمایند و زحمت می















فل من وضع نام گیه

خاردارست ۱۲

تفسیر عثمان

عنه فی تفسیر

تحریر نام پروردگار

غوث را یاد کرد

باز ناز کرد و بعض

سلف (ترکی) را زکوة

داد و ترجمه در اینجا

فقط تفسیر کرده اند

از ذکر اسم رب تعالی

عیزه از (فصلی) نماز

عبدی بی پروا و عاقل

صدقه فقط باز غیرات

و باز نماز است الظاهر

هو الاول تفسیر علی

مذہب جعفری تفسیر

اول ازین آیت گرفته

و مسند است

کرده اند اول اینکه

در تحریر خاص گفتن

کلمه الله ذکر فرقی

نیست و مطلق ذکر

نام خدا که مشرب بنظم

باشد و

شکل عرض و

و حاجت بنده کانی

است: فرائد احادیث

می گفتن (الله ذکر)

سنت یا واجب است

و هم اینکه تفسیر

در نماز شرط است نه

رکن: چرا که عطف

(فصلی) بر (ذکر اسم رب)

طاعت و ادب و غیرت

معطوف و معطوف

علیه و الله اعلم

عنه یعنی بزرگوار

مصابه اخلاص و

بسیب آن خسته و

در مانده و بعضی گفته

انداز

(عاطف) و

مراد حال

دیناست از ابراهیم

دو دنیا معقل است

ذکر اسم ربیه فصل ۱۵ بَلْ تَوَثُّونَ الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا ۱۷ وَالْآخِرَةَ خَيْرٌ

یاد کرد نام پروردگار خود را پس ناز کرد بلکه اختیاری کنید زندگانی این جهان را و آخرت بهتر است

و آخرت بهتر است و آخرت بهتر است

و آتی ۱۴ اِنْ هٰذَا لَفِي الصُّحُفِ الْاُولٰی ۱۵ صُحُفِ اِبْرٰهٖمَ وَ مُوسٰی

و پانزده مرتبه بر آینه این مقدمه مذکور بود در صحیفه های عقیقین صحیفه های ابراهیم و موسی

و پانزده مرتبه بر آینه این مضمون مذکور است در صحیفه های پیشینیان (در صحیفه های اولی) صحیفه های ابراهیم و موسی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ۱۶ كُنْ ۱۷ اِنَّا نَحْنُ الْغٰلِبُونَ ۱۸

بسم نام خداست بخشنده مهربان

آغاز می کنم بنام خدا ای که بے اندازه مهربان نهایت بزرگوار است

هَلْ اَتٰكَ حَدِیْثُ الْغٰشِیَةِ ۱۹ وَ جَوَابُ مِمَّنْ خَاشَعَةٌ ۲۰ عَامِلَةٌ

آیا آمده است خبری از غاشیه و جوابی از آنکه خاشعانه کار کند

آیا آمده است خبری از غاشیه (قیامت) رویهای در آن روز خوار باشند رنج برنده

تَاَصِیۡتَ ۲۱ تَصِلُ نَارَ اَحَامِیۡ ۲۲ تُسْقٰی مِنْ عَیۡنِ اَنۡبِیَآءٍ ۲۳ لَیْسَ لَهُمْ

محنت کشنده باشند در آینه باقی از خوش شده آب نوشانده شوند از چشمه نهایت گرم میاشند ایشانرا

محنت کشنده در آینه باقی از خوش شده آب نوشانده شوند از چشمه نهایت گرم نیست ایشانرا

طَعَامٌ ۲۴ اِلَّا مِنْ اَرۡضٍ ۲۵ لَا یَسۡمِنُ وَلَا یَغۡنِیۡ مِنْ جُوعٍ ۲۶ وَ جَوَابُ مِمَّنْ

خوردن طعام مگر از زمین که فربه نکند و دفع گرسنگی نه نماید یک پاره رو به آنها آفرند

خوردن مگر از گیاه خاوار که فربه کند خوردنده را و دفع گرسنگی رویهای در آن روز

تَاَعۡمَ ۲۷ لَسَعۡیَارَ اَضِیۡۃٍ ۲۸ فِی جَنَّةٍ عَالِیَةِ ۲۹ اَلۡتَمَعۡ فِیۡهَا الرِّغۡیۡۃُ ۳۰

تا اعم تا از سحرانند بیخ خود در همانند شده باشند در بهشت عالی

تا از سحرانند بیخ خود در همانند شده باشند در بهشت بلند نمی شوند در آن سخن بے بوده

فِیۡهَا عَیۡنٌ جَارِیۡۃٌ ۳۱ فِیۡهَا سُرُورٌ مَّرۡفُوعٌ ۳۲ وَ اَوَّلُ اَبۡمَوْضُوعَةٍ ۳۳ وَ نَارٌ

در آنجا چشمه روان باشد در آنجا محبت بے ملل باشد و کوزه بے نهاده شده و و سار با

در آن چشمه آب روان باشد در آن محبت بای بلند باشد و قدحهای نهاده شده و باقی بای

مَصۡفُوفَةٌ ۳۴ وَ زُرَّابٌ مَبۡثُوثٌ ۳۵ اَفَلَا یَنۡظُرُوۡنَ اِلَیۡ اٰیٰتِیۡ كَیۡفَ خَلَقَ ۳۶

بدر بایک دیگر گزاشته و بساط بایک تیس پر کنده کرده آینه می نگارند ستره ای چگونه آفریده شد

ستره و بساط بایک گزاشته آینه می نگارند ستره ای چگونه آفریده شده اند

وَ اِلَی السَّمَآءِ كَیۡفَ رَفَعَتْ ۳۷ وَ اِلَی الْجِبَالِ كَیۡفَ نَصَبَتْ ۳۸ وَ اِلَی

و بساط آسمان چگونه برافراشته شد و بساط کوهها چگونه برافراشته شد و بساط

و بساط آسمان چگونه برافراشته شده و بساط کوهها چگونه برافراشته شده و بساط

اَلۡاَرْضِ كَیۡفَ سَطَّحَتْ ۳۹ فَذَرٰكِیۡنِ اِنۡمَآ اَنْتَ مَذۡكُورٌ ۴۰ لَسۡتَ عَلَیۡهِمَ

زمین چگونه پهن کرده شد پس بپنده جز این نیست که گویند و سنده میانی بر ایشان

زمین چگونه گسترده شده پس بپنده جز این نیست که گویند و سنده میانی تو بر ایشان

بِمَصِیۡطِ ۴۱ اِلَّا مَنْ تَوَلٰی وَ كَفَرٰ ۴۲ فَبَعۡدَ بِهٖ اللّٰهُ الْعَدَابُ اَبَ الْاَكۡبَرِ ۴۳

بماشته شد لیکن هر که رو بگرداند کافر شود پس عذاب کند خدا بجهنم بزرگ

مسلم هر که رو بگرداند کافر شود پس عذاب می کند او را الله عذاب بزرگتر

اِنَّ اِلَیۡنَا اِیَّاهُمۡ ۴۴ ثُمَّ اِنَّا عَلَیۡنَا حِسَابُهُمۡ ۴۵

پس آئیند میوسه است رجوع ایشان باز بر آئیند بر ماست حساب ایشان

پس آئیند میوسه است باز گشت ایشان باز بر ماست حساب ایشان

پس آئیند میوسه است باز گشت ایشان باز بر ماست حساب ایشان

پس آئیند میوسه است باز گشت ایشان باز بر ماست حساب ایشان

پس آئیند میوسه است باز گشت ایشان باز بر ماست حساب ایشان

پس آئیند میوسه است باز گشت ایشان باز بر ماست حساب ایشان

پس آئیند میوسه است باز گشت ایشان باز بر ماست حساب ایشان

پس آئیند میوسه است باز گشت ایشان باز بر ماست حساب ایشان







دل به چه واقع شود که بیکس خبر او برسان  
تهدیدت و انذار علم  
دل یعنی تراقتال  
در یک حال خواب  
ش ۱۲ و ۱۳  
یعنی آدم و قبیح  
قدت ۱۲ و ۱۳ یعنی  
عادت آدمی است که  
بقوت خود فکر کند  
و نه بیند که چه قدر ناتوان  
میگردد و نیز سیه لال  
فرزند و بی دانند که خدا  
اورای بین که نهایت  
حق و بخت است  
کلیبی خیر و شر  
کلیبی تحقیق  
قوت آنست که این  
اعمال بجا آرد  
یعنی شب چهاردهم  
تفسیر عثمانی  
سینه خفاوند  
بل جده آفرین  
را چنان عذاب شد  
که در چنان سخت در  
بنده افتد که بدان گونه  
شدت از طرف احد  
برسد و هیچ مجری نشود  
باشد حضرت شاه  
عبدالعزیز صاحب  
میلند که در آن  
روز بیکس مانند  
عذاب او تالی عذاب  
نشانده آتش نه  
مؤکین و دروغ  
به اورد کردیم  
دفعه زبانه  
این عذاب با عذاب  
جهانی است و عذاب  
الهی عذاب روحانی  
است که در مجرم  
را در صورت انداخت  
و چاره ای ندارد و بدین  
است که آن را با این  
مناسبتی نیست و  
مانند قید او دیگری قید  
نمونه اند و مؤکین و دروغ اگر چه در میان طرق انداخته و نیز خیرا حکم بهت بدو می انداختند و منافق و دروغ را از طریق انحراف می توانست گرفت و خیال

احد ۲۷ یا ايْتِيهَا النَّفْسُ الْمَطْمَئِنَّةُ ۲۸ اَرْجِعِي اِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً  
یعنی کس دل گرفتار روح من را وقت مرگ ای نفس آرام گیرنده باز گرد بپوش تو خوشنود شده  
باز گرد بسوی پروردگارت خوشنود کرده گردیده

مَرْضِيَّةٌ ۲۹ فَاَدْخُلِي فِي عِبَادِي ۳۰ فَاَدْخُلِي جَنَّاتِي ۳۱  
و از تو نیز خوشنود گردیده پس در آنبر مرده بندگان خاص من و در آید بهشت من  
خوشنود کرده شده پس شل تو در بندگان من و در ای در بهشت من

سَوَاءٌ لَّكَ الْيَمِينُ وَالشِّمَالُ ۳۲ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لِكَرِيمٍ  
بنام خداست بخشاینده  
آغاز می کند بنام خدا می کند اندازه مهربان نهایت بارم است

لَا اُقْسِمُ بِهٰذَا الْبَلَدِ ۳۳ وَاَنْتَ حَلُّ هٰذَا الْبَلَدِ ۳۴ وَوَالِدِ مَا وَلَدَ ۳۵ لَقَدْ  
قسم می کنم باین شهر یعنی که مبارک و دو حال خدای می باشد باین شهر و قسم می کنم باین شهر و پدر چه زاده است و سر آینه  
قسم می کنم باین شهر و بی وفایت نخواهد بود در این شهر و قسم می کنم باین شهر و پدر چه زاده است و سر آینه

خَلَقْنَا الْاِنْسَانَ فِيْ كَيْدٍ ۳۶ اَيَحْسَبُ اَنْ لَّنْ يَّقْدِرَ عَلَيْهِ اَحَدٌ ۳۷ يَقُولُ  
آفریدیم آدمی را در مشقت و آیا گمان می کند آدمی که قادر نشود بر دوی بیکس می گوید  
آفریدیم انسان را در مشقت آیا می بیند که هرگز قدرت بر دوی نباید هیچ کس می گوید

اَهْلَكَ مَا لَا يُكِدُّ ۳۸ اَيَحْسَبُ اَنْ لَّمْ يَكُنْ لَّ عَيْنَيْنِ ۳۹  
خرید کردم مال تو بر تو آید می بیند که ندیده است او را هیچ کس آیا نیافریده ایم بر کسی او دو چشم را  
خرید کردم مال بسیار آید می بیند که ندیده است او را هیچ کس آیا نیافریده ایم برای او دو چشم

وَلِسَانًا وَتَفْتَيْنِ ۴۰ وَهَكَذَا يَبْتَغِي الْجَدِيْنَ ۴۱ فَلَا تَقْتَحِ الْعَقْبَةَ ۴۲ وَمَا  
دندان را و دو لب را و دو لبت را و نمودیم او را دو راه پس نماند گذرگاه سخت و پدر چه  
دندان را و دو لب را و نمودیم او را دو راه پس نماند گذرگاه سخت و پدر چه

اَدْرَاكَ مَا الْعَقْبَةُ ۴۳ فَكُلْ مِنْ قَبْرِ ۴۴ اَوْ رَاطِعَةٍ فِيْ يَوْمٍ مِّنْ مَّسْغَبَةٍ ۴۵  
مطلع ساخت ترا که صیت گذرگاه سخت و خلاص کردن برده باطعام دادن بر روز هر سستی  
و اما کرد ترا که صیت گذرگاه سخت آزاد کردن برده باطعام دادن در روز هر سستی

ذَا مَقْرَبَةٍ ۴۶ اَوْ مَسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ ۴۷ لَقَدْ كَانَ مِنَ الَّذِيْنَ اٰمَنُوا وَتَوَّاصَوْا  
صاحب قربت را یا فقیر صاحب فاکدی را بعد از این باشد از آنکه ایمان آورده اند و با یکدیگر وصیت کرده اند  
صاحب قربت را یا مسکین فاکسار را پس باشد از آنکه ایمان آورده اند و وصیت کردند

بِالصَّبْرِ وَتَوَّاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ ۴۸ اُولٰٓئِكَ اَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ ۴۹ وَالَّذِيْنَ  
بیکدیگاری و با یکدیگر وصیت کردند بشفقت بر حق الله این چنان است که اهل نیک بختی و آنانکه  
هم دیگر را بفرمود وصیت کردند هم دیگر را بدین بانی ایشان اند صاحبان حظ بسیار و سبب

تَقَرُّوْا بِاٰیٰتِنَا هُمْ اَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ ۵۰ عَلَيْهِمْ نَارٌ مُّؤَصَّدَةٌ ۵۱  
کافرشند بآیات ما بختی بر ایشان آتش گماشته شود از هر جهت کرد آورده شده  
کافرشند بآیات ایشان اند صاحبان شامت و نکت بر ایشان است آتش سر پوش کرده شده

سَوَاءٌ لَّكَ الْيَمِينُ وَالشِّمَالُ ۵۲ كَذٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لِكَرِيْمٍ  
بنام خداست بخشاینده  
آغاز می کند بنام خدا می کند اندازه مهربان نهایت بارم است

وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا ۵۳ وَالْقَمَرُ اِذَا تَلَّهَا ۵۴ وَالتَّهَارُ اِذَا جَلَّهَا ۵۵ وَالنَّيْلُ  
قسم بآفتاب و روشنی او و قسم بماه چون از سینه آفتاب در آید و قسم بر روز چون نمایان کند آفتاب و قسم بلب  
و قسم بآفتاب و روشنی آن و بما آفتاب چون بیاید بدینال آن و بر روز چون در سینه سازد آفتاب و شب

وَالنَّيْلُ ۵۶ وَالتَّهَارُ اِذَا جَلَّهَا ۵۷ وَالْقَمَرُ اِذَا تَلَّهَا ۵۸ وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا ۵۹  
قسم بآفتاب و روشنی او و قسم بماه چون از سینه آفتاب در آید و قسم بر روز چون نمایان کند آفتاب و قسم بلب  
و قسم بآفتاب و روشنی آن و بما آفتاب چون بیاید بدینال آن و بر روز چون در سینه سازد آفتاب و شب











لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ۝ ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ

بر آینه آدمی را در نیکوترین صورت پس گردانیدیم آفر خود ترا از

سَافِلِينَ ۝ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ

هم فروماندگان و مگر آنانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند پس ایشانراست اجر غیر

مَمْنُونٍ ۝ فَمَا يَكْبُرُكَ بَعْدَ الْإِيمَانِ ۝ أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ

نهایت پس اے آدمی چه چیز عمل میکند ترا بعد از ایمان و در باب جزای اعمال و آیت خدا حکم کننده ترین حاکم

سُبْحَانَ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم الله خدا را بختشایند مهربان آغاز می کنم بنام خدا که بزرگوار است

إِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ ۝ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ ۝

بخوان نام پروردگار خود را که آفریدگار است آفرید آدمی را از خون پاک بسته

رَبِّكَ الْأَكْرَمُ ۝ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ ۝ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ ۝

پروردگار تو بزرگوار تر است آنکه علم آموخت بدستیاری قلم آدمی را آنچه نمیدانست و حق با حق را آموخت

الْإِنْسَانَ لِيَفْخَرُ ۝ أَنْ رَأَاهُ اسْتَغْنَى ۝ إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الرُّجْعَ ۝ أَرَأَيْتَ

آدمی را از حد بگذرد و تشنه بگوید خود را تو خرد شده پس آید به سوی پروردگار شکست رنجور آیا دیدی

الَّذِي يَكْفُرُ ۝ عَبْدًا إِذَا أَصْلَىٰ ۝ أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ عَلَى الْهُدَىٰ ۝

آنکه کفر می کند بنده را چون نماز می گذارد آیا دیدی آنکه اگر بر راه راست بودی یا به پروردگار

بِالتَّقْوَىٰ ۝ أَرَأَيْتَ إِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ ۝ أَلَمْ يَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ ۝

خود را به تقوی یا کفر می کند بنده را چون نماز می گذارد آیا دیدی آنکه اگر بر راه راست می بود یا بر پروردگار

لَئِنْ أَمْنَتْهُ لَنَسْفَعًا بِالنَّاصِيَةِ ۝ نَاصِيَةٍ كَاذِبَةٍ خَاطِئَةٍ ۝ فليدع

اگر باز ایستد و خدایم کشد او را بوسیله پیشانی دروغ زن خطا کار پس باید که فریاد کند

نَادِيَهُ ۝ سَنَدْعُ الزَّبَانِيَةَ ۝ كَلَّا لَا تَطَعُ ۝ وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ ۝

او را بخواند ما نیز خواهیم طلبید پیاد را از آن که دران قبول من و نماز گذارد و قرب خدا طلب من

سُبْحَانَ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم الله خدا را بختشایند مهربان آغاز می کنم بنام خدا که بزرگوار است

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ ۝ وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ ۝

پس آنرا نازل کردیم در شب قدر و چه چیز میداند ترا که چیست شب قدر

الْقَدْرِ ۝ هُوَ الْقَدَرُ ۝

آنقدر است که در شب قدر و چه چیز میداند ترا که چیست شب قدر

و لا یخفى و قد کافر  
ش فطرت سلیم را  
منش ساخت ۱۱-  
و لا یخفى و قد کافر  
آیت چنین باشد پس  
چه چیز باعث تندیب  
اگر میشود یا محمود  
جز اعلی بولایت  
بند ۱۲-  
۲- گوید اقرا باسم  
ربک تا عالم تعلیم اول  
چیز است که بر آفت  
صلی الله علیه وسلم  
نازل شد و سخن  
اقران است برای  
و حی قرآن تلاوت  
آن ۱۳-  
و است که عاقبت  
استاد و هدایت بهشت  
ست و عاقبت فطرت  
و اضلال و دروغ ست  
پس این دعا را بخوان  
از لایق ادا کرده شد  
۱۴- یعنی رشتگی  
صفت عقوبت کنند  
و لا یخفى و قد کافر  
از لوح محفوظ آسمان  
۱۵-  
تفسیر عثمان  
۱۶-  
تا عالم تعلیم و این فتح  
آیت و سر و ته است  
قرآن کریم پیشتر بود  
یا حضرت  
بنویس در غایت  
۱۷-  
۱۸-  
۱۹-  
۲۰-  
۲۱-  
۲۲-  
۲۳-  
۲۴-  
۲۵-  
۲۶-  
۲۷-  
۲۸-  
۲۹-  
۳۰-  
۳۱-  
۳۲-  
۳۳-  
۳۴-  
۳۵-  
۳۶-  
۳۷-  
۳۸-  
۳۹-  
۴۰-  
۴۱-  
۴۲-  
۴۳-  
۴۴-  
۴۵-  
۴۶-  
۴۷-  
۴۸-  
۴۹-  
۵۰-  
۵۱-  
۵۲-  
۵۳-  
۵۴-  
۵۵-  
۵۶-  
۵۷-  
۵۸-  
۵۹-  
۶۰-  
۶۱-  
۶۲-  
۶۳-  
۶۴-  
۶۵-  
۶۶-  
۶۷-  
۶۸-  
۶۹-  
۷۰-  
۷۱-  
۷۲-  
۷۳-  
۷۴-  
۷۵-  
۷۶-  
۷۷-  
۷۸-  
۷۹-  
۸۰-  
۸۱-  
۸۲-  
۸۳-  
۸۴-  
۸۵-  
۸۶-  
۸۷-  
۸۸-  
۸۹-  
۹۰-  
۹۱-  
۹۲-  
۹۳-  
۹۴-  
۹۵-  
۹۶-  
۹۷-  
۹۸-  
۹۹-  
۱۰۰-



لَيْلَةُ الْقَدَرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ تَنْزِيلُ الْمَلَكَةِ وَالرُّوحِ

بہرست از ہزار ماہ فردے آیند فرستمان درج

فردی آیند فرشتگان و روح

فِيهَا يَأْذِنُ لَهُمْ مِنْ كُلِّ امْرَأَةٍ سَلَامٌ تَقْبَلُهَا حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ (٥)

شیخ بفران ہمدرد کا رخویش برائے سر انجام کروں ہر کارے آن شب تا وقت طلوع فجر محض سلامتی ست

بمقام رب ایشان از برای هر کار عده آموخت سلامت است آن شب تا طلوع صبح

سورة البقرة

بنام خداے بخشاینده مهربان

آغاز می کنم بنام خدا انیکه علی انداز مهربان نهایت بارحم است

لَهُ يَكُنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ الْمَشْرُكِينَ مُنْفَرِّقِينَ

کافران و ان اهل کتاب و مسترکان جدا شوند و یعنی از آئین خود

اما آنکه گفتار اختیار کردند از اهل کتاب و مشرکان بازار استادان

حَتَّى نَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَاتُ ۖ رِسُولٌ مِّنَ اللَّهِ يَتْلُو صُحُفًا مُّطَهَّرَةً ﴿٢﴾

بلکہ بیاید بایشان محبت ظاہر نکند کہ پیغمبر است از جانب خدا میخواند کھیفہائے پاک یعنی سوره قرآن

میباشد ایشانرا جمعی آشکارا رسول از جانب خداوند که میخواند محمدی پال را

فِيهَا كُتِبَ قِيمَةٌ ۝ وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ

محققا احکامیت راست درست و متفرق نشدند

محققان حکامی است راست و محکم و پیران کنده نشینند اهل کتاب

عَلَى مَا جَاءَ تَهُمُ الْبَيِّنَاتُ ۖ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيُعْبَدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ

و فرموده شد ای فرزانه اگر آنکه عبادت کنند خدا را خالص

که آمد ایشان را بجمعیت رود مشن و ما مورد شدند مگر آنکه بپرستند خدا وند را خالص

الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهَوْنَ ۚ وَكَانُوا يَتَكْبَرُونَ

ادب و شرف را متذکرین بدین ابراهیم شده و بر یاد دارند که از او بدینند که از او و این است احکام

دوبند کی راہ راہ امیر اکیم و برپا دارند نماز را و بدیند زکوة را و این است طریق مردمان

لَقِيبَةً ۖ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ الْمَشْرُكِينَ فِي

میر آینه آناک کافر شدند از این کتاب و مشرکان

بر آینه آماند کافر شدند از این کتاب و مشرکان

لَا رَحْمَةً خَلَدَيْنَ فِيهَا ۖ أُولَٰئِكَ هُمُ الْبَرِيَّةُ ۖ إِنَّ الَّذِينَ

دور از باشند جاوید ال آنجا آنگاه ایشانند بدترین خلق هر آینه آنانکه

دورخ باشند جاویدان در اسبجا ایشانند بدترین خلق

مَنْ أَوْعَىٰ الصُّلَاحُ أَوْلَىٰكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ ﴿٤﴾ جَزَاءُ هُمْ عِنْدَ

جزا سے ایشان نزدیک

اور دنگ و کار با سے شائستہ کردند ایشانند بهترین عقل جزای شان نزد

وَهُمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا

کار ایشان بوسه با شکر دست سیرود ریزان جو بهما جاویدان ارجا

درمان بوسهها باشد زیرا سلوک ابدی روان باشد زید در همان آن بجای آجاوید آن باشد در آن

رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ۚ ذَٰلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ ۝

[illegible]

سید خدا از ایمان و طاعت و بندایشان (از خدا) این دغدغه است مریضی را (بیمار) از پروردگار

فصل فی بیان  
الشیان متفق  
برسال رسول و  
انزال کتاب  
الشفا  
بود ازین  
جهت رسول فرستادیم  
و قرآن فرو دادیم  
فصل فی اثبات  
تعلیف نزد مردم ترک  
ادیان خویش مکرر  
اتمامت حجت ظاهر است  
فصل فی بعض مقبول  
شدند و بعض مردود  
تفسیر عثمانی

سیه کار بیک  
 در این سال جز انعام  
 عالم مقدره ندر مشکاف  
 برای نسیب نفاذ آن  
 فوددی آید کما مرئی  
 سورة الدخان یاذا  
 (من کل امر) مراد هر  
 خیر است یعنی هر نوع  
 امور خیریه را با خود  
 گرفته از آن مسکن فوددی  
 آرنده الله اعلم الله  
 قبل از بعثت با  
 سعادت آن حضرت  
 از باب ادیان متغیر  
 بود و پیر و اولیای هر گشت  
 برین است قاطع  
 خویش خرد و معتد  
 اد ضاع آن عصر  
 متقاضی بود که بنیاد  
 خرافات متزلزل  
 گردد و مردمان از  
 وادی ظلمات بسر  
 منزل هدایت بر سرند  
 فاین امر خطیر لایست  
 سلاطین و دولتش  
 حکما و هدایت  
 اولیا میرفتی  
 که در مکه  
 بیرونی او شاد  
 پیغمبر ایشان  
 متفکر که در آنکس







يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْتُوتِ ۖ وَتَكُونُ الْجِبَالُ

باشند مردم	باشند مردمان	پراکنده ساخته	و باشند	کوهها
باشند مردم	باشند مردمان	پراکنده	و باشند	کوهها

كَالْعِهْنِ الْمُنفُوشِ ٥ وَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ ٦ فَهُوَ فِي

مانند بسم رب کلین مخلوق نموده پس اما بیکر که گران شد پهلای حسنات او پس آن شخص در  
مانند بسم رب کلین ندائی شده پس اما سید که آن شد وزن مائے اعمال او پس او در

عِيشَةٍ رَّاضِيَةٍ ﴿٤﴾ وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ ﴿٥﴾ فَأُمُّهُ

زندگانی پسندیده باشد و اما سگ شد و زن نامی اعلیٰ داد پس جای داد

هَآوِيَةٌ ۙ وَمَا أَدْرَاكَ مَا هِيَ ۖ ۝٩ نَارُ حَامِيَةٍ ۖ ۝١٠

باوید باشد  
دو چیز مطیع ترا که چسبند باوید آتش است جو شونده  
باوید است  
و چه چیز داناند ترا که حسرت آن آتش است نهامت سوزان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداست بخشاینده  
آغاز می کنم بنام خداوندگار اندازده مهر باد نصابت ماه جم است

الْهَيْمَةُ التَّكَاثُرُ ١ حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ ٢ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ٣ ثُمَّ كَلَّا

غافل کو ہمارا ایک دیگر بسیار ظلمی مال تا وقتیکہ رسید یہ بچہ رستہ نہاد لے گئے خواہ امید و انت با زنی کو نیم نے ہے

سَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿٥٠﴾ كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ ﴿٥١﴾ لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ ﴿٥٢﴾

خواجه ایدالت  
 ۱۹۱۳ اگر بدانی حقیقت کار را / بگویم یقین عامل می شوی  
 خواجه ایدالت  
 اگر بدانی حقیقت کار را / بگویم یقین عامل می شوی

ثُمَّ لَتَوْتُمْهَا عَيْنَ الْيَقِينِ ۝ ثُمَّ لَنَسْأَلَنَّ يَوْمَ مِيزَانِ النَّجْوِ ۝

باز البتہ خواہد دید دوزخ را دیدن ظاهر ہے شبیر باز البتہ سوال کرده خواہد شد آرزو از نعمت و  
 پس بر آرزو میزند از آنجست یعنی پس بر آرزو میسر و خواہد شد در آن روز از نعمت

رَبِّهِ الْعَظِيمِ  
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
وَمِنْ ثَمَرَاتِ آيَاتِهِ

بشام خدائے مجتہدیندہ مہربان  
آغاز نمائش خدائے بارانوار مہربان ہدایت بارحم است

وَالْعَصْرِ ۝ إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَ خَاسِرٌ ۝ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْزِي اللَّهُ الْخَاسِرِينَ

قسم بزم بان کہ ہر آئینہ آدمی در زبان مست مگر آئینہ ایمان اور تند و غلبہا کے  
قسمت الحسب عمر ہر آئینہ انسان در زبان است مگر آئینہ ایمان اور تند و کوند کارا کے

الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ ۖ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ ۝

شائسته کردند و بیکدیگر را وصیت کردند بدین درصت و بیکدیگر را وصیت کردند بشکلی که  
 بیکدیگر وصیت کردند بیکدیگر را وصیت کردند بدین درصت و بیکدیگر را وصیت کردند بشکلی که

سورة الفلق

بنام خدا سے بخشا شدہ  
آغازی کنونام ظاہر کیا، انوارہ مہر بان نہایت ماحرم است

وَيَكُلُّ هُمْزَةً ثَمَرَةً ① الَّذِي جَمَعَ مَا لَا وَعَدَ لَهُ ②

دوای هر عیب گفته بخت گوینده را  
آنکه فرام آورد مال را ونگ داشت آنرا



يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ ۖ كَلَّا لَيَكْبَدَنَّ فِي الْخُطْمَةِ ۖ وَمَا

مهر بند ارد که مال او در دلی جاوید هم نشد

أُذْرِكَ مَا الْخُطْمَةُ ۖ نَاسِرُ اللَّهِ الْمُوقَدَةُ ۖ الَّتِي تَطْلُعُ عَلَى

مطلع ساخت ترا که چیت خطه آتش خدا افروخته شده

الْأَفْدَةِ ۖ إِنَّهَا عَلَيْهِمْ مُّوَصَّدَةٌ ۖ فِي عَمَدٍ مُّمَدَّدَةٍ ۖ

و لها بر آینه آن آتش بر ایشان نگاشته شده است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم الله الرحمن الرحيم

الْمُتَرَكِّفُ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ ۖ أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ

ول آیدیدی چو نه محال کرد پروردگار تو

فِي تَضْلِيلٍ ۖ وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ ۖ تَرْمِيهِمْ

در بے فاندگی و فرستاد بر ایشان پرندگان

بِحِجَارَةٍ مِنْ سِجِّيلٍ ۖ فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّأْكُولٍ ۖ

سنگ بزرگ از سبیل پس ساخت ایشان را مانند آخر و باقی مانند برادران و دوا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم الله الرحمن الرحيم

إِذَا يَلَفَ فَرِيشُ ۖ الْفِهِمْ رَحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ ۖ

برای شکفتن رفتن و رفتن

فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ ۖ الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ ۖ

پس باید که عبادت کنند پروردگار این خانه را

وَأَمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ ۖ

و امن داد ایشان را از بهر آن که ترسان بودند

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم الله الرحمن الرحيم

أَرَعَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالْدِّينِ ۖ فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ

آیدیدی آن شخص را که دروغ می گوید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم الله الرحمن الرحيم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم الله الرحمن الرحيم

فصل مترجم گوید  
بادشاه بن عمر  
بنام کبر کرد و فیضان  
بسیار داشت که به شای  
بهم آورد چون نزدیک  
کعبه رسید خداوند  
ایا بیل را بکمر خود  
تا ببلای کشد  
تفسیر عثمان  
۲۹  
از راجات بدیستی نمی  
شود ازین رو فریشت  
زمنان بدین نیست  
که مملکت کرم بر است  
و تابستان بزم که  
شاداب و سر سبز  
است و هر دیار که  
میرفتند مردم در آنجا  
بدیده احترام می  
نمودند و آنها را  
مجاور حرم و خدم  
بیت الله می  
داشتند و بجان  
۳۰  
و مال آنها تعرض  
نمی کردند و بجهت  
فتح فراوان بر می  
داشتند و چون بخانه  
بازی می گشتند ازین  
منافع اندوختن باین  
و آسوده گی استفاده  
می کردند و انگاه در  
نمودند و باینکه در  
اطراف کعبه مردمان  
دزدی میکردند و راه  
نمی بردند و بازار  
یضا و چادول گرم  
۳۱  
بود لیکن و بیکس  
بپاس احترام کعبه  
بقریش دست دراز  
نمی کردند لهذا خداوند  
درین آیات انعام  
خود را ذکر می کند  
که میفرماید خداوند  
این خانه را بطبیعت  
خود خویش بر شما  
روزی داد نعمت  
و آسایش از زان فرمود  
از بجوم اصحاب قبل حراست کرد چه ایوی عبادت نمی کشید و به پیغمبر محبوب او ایذا میرسانید این همه جز نهایت کفران نعمت و فراموشی



و لا یخسرون  
و یک پال و دلو و مانند  
آن منظم گوید نصف  
این سوره تصویر حال  
کافرت و نصف  
تصویر حال منافق  
و الذی اعظم ۱۲  
نک کوفت نام  
حوضت  
کرد آخرت خواهد ۳۲  
بود امت آنحضرت  
صلی الله علیه و سلم  
از ان خواستد آشت  
مید ۱۲

تفسیر عثمانی  
عنه کوفت یعنی غیر  
کثیر است و یعنی غوی  
و بهتری زیاد  
موجب  
بحر احوال بیت سیم  
و شش قول ذکر رود  
تجمل این قول را ترجمه  
داده که این کلمه بر بکر  
افواض نعمت باشد  
دینی و دنیوی حسی متوفی  
شامل است که خواه  
بخود آنحضرت صلی الله  
علیه و سلم رسید است  
و خواه بغیر حضرت  
دی مراستند ادرا  
رسید نیست حوض  
کوثر که از نعمت  
عظیم الشان خداوند  
دود است که بنام  
کوثر مشهور  
است نیز در  
این نعمت با هم  
داخل است حضرت  
نبوی صلی الله علیه و سلم  
است خویش را در  
دو قیامت به آب  
این حوض سیراب  
می فرمایند متذکر  
بعض محمد بن حریث  
حوض کوثر بعد قیامت  
رسیده و لهذا بر هر  
مسلمان لازم است که به آن

الْيَتِيمَ ۝ وَلَا يَحْضُ عَلَى طَعَامِ الْيَسْرِكِينَ ۝ قَوْلُ

یتیم را در غیبت نمیدهد بر طعام دادن فقیر  
و تحریص نمی کند بر طعم دادن محتاج پس خرابی راوی

لِلْمَصْلِينَ ۝ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ ۝

آن نمازگزاران را که ایشان از نماز خود غفلت می ورزند  
آن نماز گذاران را که ایشان از نماز خویش غافلند

الَّذِينَ هُمْ يَرَاءُونَ ۝ وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ ۝

آنانکه ایشان را می کنند و عاریت نمیدهند ماعون را  
آنانکه را می کنند و نمی دهند ماعون را

سُوَالُ الْكُوفَةِ ۝ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۝

بسم نام خداست بخشنده مهربان  
آغاز می کنم بسم خدا می که بی اندازه مهربان نهایت بارحم است

إِنَّا أَعْطَيْنَكَ الْكَوْثَرَ ۝ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ ۝

ما بخود بر آینه اعطا کردیم تر کوثر فل  
هر آنچه بر آینه دادیم ترا کوثر است پس نماز گزار برای رب خود و قربانی کن

إِنْ شَاءَ نَكَهْهُوَ الْأَبْتَرُ ۝

هر آینه دشمن تو بماند دم بریده  
هر آینه دشمن تو بماند است دم بریده

سُوَالُ الْكُوفَةِ ۝ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۝

بسم نام خداست بخشنده مهربان  
آغاز می کنم بسم خدا می که بی اندازه مهربان نهایت بارحم است

قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ ۝ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ ۝

بگو ای کافران  
پرستش نمی کنم آنچه شما می پرستید

وَلَا أَنَا عَابِدٌ ۝ وَلَا أَتَّبِعُكُمْ ۝ وَلَا أَتَّبِعُكُمْ ۝ وَلَا أَتَّبِعُكُمْ ۝

و نه شما پرستش نمی کنید آنچه من می پرستم  
و نه شما می پرستید آنچه من می پرستم  
و نه من می پرستم آنچه شما می پرستید  
و نه شما می پرستید آنچه من می پرستم

لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ ۝

شما را دین شماست و مرا دین من  
شما را دین شماست و مرا دین من

إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ ۝ وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ

و کشید بیاید نصرت خدا و ظهور آید فتح  
و کشید بیاید مدد خدا و فیروزی  
پس چون دیدی که مردم را در مدخل می روند  
و پس چون دیدی که مردم را در مدخل می روند

و لا یخسرون و یک پال و دلو و مانند آن منظم گوید نصف این سوره تصویر حال کافرت و نصف تصویر حال منافق و الذی اعظم ۱۲ نک کوفت نام حوضت کرد آخرت خواهد بود امت آنحضرت صلی الله علیه و سلم از ان خواستد آشت مید ۱۲



فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا ۝ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْ لَهُ ۝

در دین خدا افواج پنج گانه پس بپای یاد کن براه ستایش پروردگار خود را و آمرزش طلب کن از او

در دین خدا پنج گانه پس بپای یاد کن براه ستایش پروردگار خود را و آمرزش خواه از او

سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ ۝ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا ۝ وَهُوَ خَيْرُ الْمُنِيبِينَ ۝

بهر آئینه خدا است بر محبت و عفو کننده دل

بهر آئینه او است نهایت پل برنده گوی

بسم الله الرحمن الرحيم

تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ ۝ مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَمَا

بلاک باد و دست و دهن ابی لهب و مال او بولیب و دفع نیکو از سر ابی لهب مال او و آنچه

بلاک شد هر دو دست ابی لهب و بلاک شد خود او دفع نیکو از وی مال او و آنچه

كَسَبَ ۝ سَيَصْلَىٰ نَارًا إِذَا تَلَهَّبَ ۝ وَافْرَأَتْهُ

و سید اکرده بود خواهد در آمد آتش صاحب شعله و زن او نیز در آید

کرب کرده بزودی در آید به آتش شعله و زن او

حَمَلَةَ الْحَطَبِ ۝ فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّن مَّسَدٍ ۝

مرد و سیدم بر دانه میزم را در گردن او و سخی است از لیف خرامت

کر و دانه میزم است در گردنش ریشانی است از لیف خرام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۝ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

بسم الله الرحمن الرحيم بخشاینده مهربان

آغازی کنم بنام خدا که بے اندازه مهربان نهایت بار هم است

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ۝ اللَّهُ الصَّمَدُ ۝ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ

بگو خدا یگانه است خدا بے نیاز است خدا بے نیاز است

بگو او الله یگانه است الله بے نیاز است نژاد می را و نه

يُولَدْ ۝ وَلَمْ يَكُن لَّهُ كُفُوًا أَحَدٌ ۝

زاده نشده و نیست هیچ کس او را بسم

زاده شده از کسی و نیست او را بسم

سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ ۝ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا ۝

بسم الله الرحمن الرحيم بخشاینده مهربان

آغازی کنم بنام خدا که بے اندازه مهربان نهایت بار هم است

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ ۝ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ ۝ قَ مِنْ

بگو پناه می گیرم به پروردگار من از شر هر چه آفریده است و از

بگو پناه می گیرم به رب من از شر آنچه آفریده است و از

شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ ۝ وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ ۝

شر مت تاریک چون تاریکی او خنجر شود و از شر زنان سحر کننده و از شر

شر تاریکی چون داخل گردد و از شر زنان و سحر در گره

وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ ۝

و از شر حاسد که چشم زخم زند چون حسد زند

و از شر حاسد که چشم زخم زند چون حسد زند

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۝ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

بسم الله الرحمن الرحيم بخشاینده مهربان

آغازی کنم بنام خدا که بے اندازه مهربان نهایت بار هم است

در دین خدا افواج پنج گانه پس بپای یاد کن براه ستایش پروردگار خود را و آمرزش طلب کن از او

در دین خدا پنج گانه پس بپای یاد کن براه ستایش پروردگار خود را و آمرزش خواه از او

بهر آئینه خدا است بر محبت و عفو کننده دل

بهر آئینه او است نهایت پل برنده گوی

بسم الله الرحمن الرحيم

بلاک باد و دست و دهن ابی لهب و مال او بولیب و دفع نیکو از سر ابی لهب مال او و آنچه

بلاک شد هر دو دست ابی لهب و بلاک شد خود او دفع نیکو از وی مال او و آنچه

و سید اکرده بود خواهد در آمد آتش صاحب شعله و زن او نیز در آید

کرب کرده بزودی در آید به آتش شعله و زن او

مرد و سیدم بر دانه میزم را در گردن او و سخی است از لیف خرامت

کر و دانه میزم است در گردنش ریشانی است از لیف خرام

بسم الله الرحمن الرحيم بخشاینده مهربان

آغازی کنم بنام خدا که بے اندازه مهربان نهایت بار هم است

بگو خدا یگانه است خدا بے نیاز است خدا بے نیاز است

بگو او الله یگانه است الله بے نیاز است نژاد می را و نه

زاده نشده و نیست هیچ کس او را بسم

زاده شده از کسی و نیست او را بسم

بسم الله الرحمن الرحيم بخشاینده مهربان

آغازی کنم بنام خدا که بے اندازه مهربان نهایت بار هم است

بگو پناه می گیرم به پروردگار من از شر هر چه آفریده است و از

بگو پناه می گیرم به رب من از شر آنچه آفریده است و از

شر مت تاریک چون تاریکی او خنجر شود و از شر زنان سحر کننده و از شر

شر تاریکی چون داخل گردد و از شر زنان و سحر در گره

و از شر حاسد که چشم زخم زند چون حسد زند

و از شر حاسد که چشم زخم زند چون حسد زند

بسم الله الرحمن الرحيم بخشاینده مهربان

آغازی کنم بنام خدا که بے اندازه مهربان نهایت بار هم است

بسم الله الرحمن الرحيم بخشاینده مهربان



عنه شان ربوبیت  
و پادشاهی الهی  
شامل عام مخلوقات  
است اما این صفات  
را چنانکه در انسان  
نہادہ اند در سایر  
مخلوقات نیافریدہ  
اند لهذا محمد رب و  
ملک و فیروان انسان  
صفاتی شد و خصوصاً  
و سوسہ کجرا  
انسان مخلوق  
درگیری را  
بدان شان ۳۹  
نیمت  
شیطان پنهان از نظر  
انسان انسان را  
کی فریب بدوی لغزانیہ  
و تسلط آن بر انسان  
تا وقتی کہ بابت کردہ  
در غفلت است اما  
ہمین کہ انسان غنیہ  
شود و دیگر پروردگار  
مشغول گردد تسلط  
شیطان بہم خورد  
و از انسان دور  
گرمز و سوسہ شیطان  
در جن و انسان ہر  
دو موجود است  
و کذا لک جعلنا لعل  
بخی عدد از شیاطین  
الانسان و الجن و حی  
بعضہم الی بعض فخرت  
القول غرور لکم (الانکاف)  
رکوع ۳۸ اول و سوسہ  
از ہر دو نیکوہ ہر دو

بسم اللہ الرحمن الرحیم  
الحمد لله رب العالمین  
والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله

آغازی کنم بنام خدا سوسہ ہشتا ہندہ مہربان

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ ۝ مَلِكِ ۝ إِلَهِ ۝

بگو پادشاه میگیرم بہ پروردگار مردمان  
بگو پناه می گیرم برب مردمان پناہ شہادہ مردمان معبود

النَّاسِ ۝ مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ ۝ الَّذِي

مردمان سے از مکر و سوسہ اندازندہ چون ذکر گفتہ شد باز پس روندہ آنکہ  
مردمان سے از مکر و سوسہ کنندہ پنهان شوندہ سے

يُؤَسَّسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ ۝ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ ۝

و سوسہ می افکند در سینہ ہائے مردمان از جنس جن باشد یا از جنس مردمان  
و سوسہ می افکند در دل ہائے مردمان از جنیان و مردمان سے

دُعَاءُ قُرْآنِ

اللَّهُمَّ اِنْسُ وَحَشِيَّتِي فِي قَبْرِى ۝ اللَّهُمَّ ارحمني بِالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ

الہی بخیر من میری وحشت دور کر  
الہی رحم کن بر من بظہیر قرآن عظیم

وَاجْعَلْ لِي اِمَامًا وَنُورًا وَهَدًى وَرَحْمَةً ۝ اللَّهُمَّ كُنْ لِي مِنْهُ مَا كُنْتَ

اور اس کو میرے سے پیشوا اور روشنی اور ہدایت اور رحمت بنادے الہی بخیر یاد دلا دے جو میں سے بچوں کیا ہوں  
و اسے آں را برائے من امام و روشنی و ہدایت و رحمت الہی بخیر از ان سہو کردم مرا یاد دہان

وَعَلِّمْنِي مِنْهُ مَا جَعَلْتَ اَرْزُقْنِي تِلْكَ اَنْتَ اَيُّهَا الْيَقِيْنُ اِنَّكَ النُّوْرُ وَاجْعَلْ

اور بخیر سکھادے اس میں سے جو بخیر نتاہوں اور اس فی تلووت رات دن میرے نصیب کر اور اس کو  
و آنچه خدا قسم مرا معلوم گردان و مرا توفیق ارزانی فرما بکلمات قرآن و ساعات شب و ساعات روز و بآزاد

لِي حِجَّةً يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ آمِينَ

میرے لئے یا رب العالمین حجت بنا دے  
برائے من و میں اسے پروردگار جہانان دعا نمود قبول فرما

فهرس السور بترتيب التلاوة

العدد	السورة	الصفحة	ركوعاتها	آياتها	ترتيب نزولها	الجزء مع العدد
1	الفاتحة	مكية	2	1	5	1 الم
2	البقرة	مدنية	3	30	84	2 الم
3	آل عمران	"	50	20	89	3 تلك الرسل
4	النساء	"	58	23	92	4 ان تناولوا
5	المائدة	"	104	14	112	5 لا يحب الله
6	الانعام	مكية	129	20	55	6 واذ اسمعوا
7	الاعراف	"	151	23	38	7 ولواثنا
8	الانفال	مدنية	148	10	88	8 قال الهلا
9	التوبة	"	188	14	113	9 واعلموا
10	يونس	مكية	208	11	51	10 يعتذرون

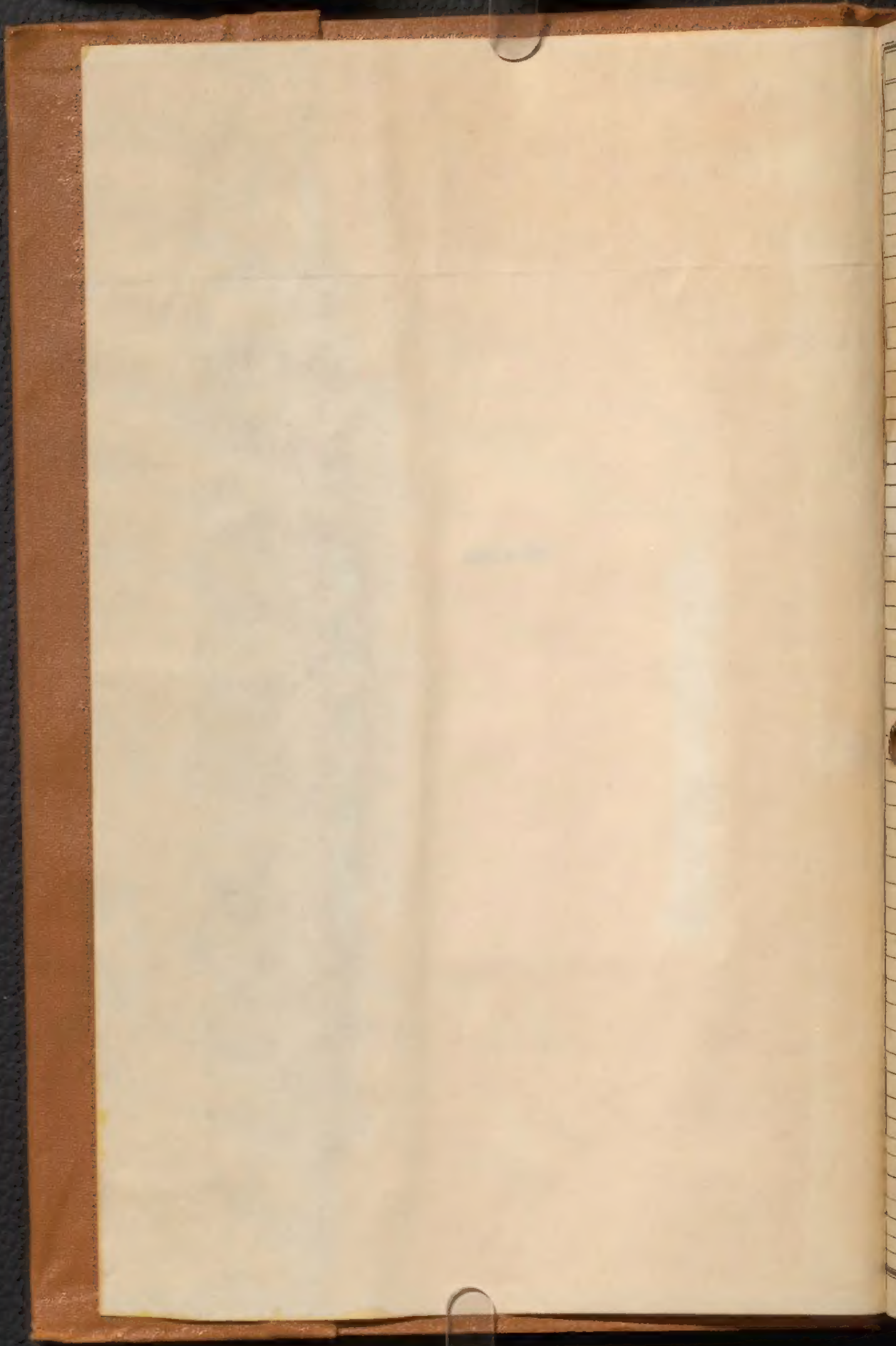


العدد	السورة	الصفحة	آياتها	ترتيب نزولها	الحزب مع العدد
١١	هود مكية	٢٢٢	١٢٣	٥٢	يغفرون ١١
١٢	يوسف مدية	٢٣٤	١١١	٥٣	وامن واتين ١٢
١٣	الرعد مدية	٢٣٩	٢٣	٩٦	وآبرك ١٣
١٤	ابراهيم مدية	٢٥٦	٥٢	٤٢	ايضا ١٤
١٥	الحجر مدية	٢٦٢	٩٩	٥٣	ايضا ١٥
١٦	الاعراف مدية	٢٦٨	١٢٨	٤٠	ربما ١٦
١٧	مجادل مدية	٢٨٣	١١١	٥٠	سبحن الذي ١٧
١٨	الكهف مدية	٢٩٢	١١٠	٦٩	ايضا ١٨
١٩	مريم مدية	٣٠٦	٩٨	٣٣	قال الم ١٩
٢٠	طه مدية	٣١٣	١٣٥	٣٥	ايضا ٢٠
٢١	الانبيا مدية	٣٢٣	١١٢	٤٣	اقرب للناس ٢١
٢٢	الحج مدية	٣٣١	٤٨	١٠٣	ايضا ٢٢
٢٣	المؤمن مكية	٣٣١	١١٨	٤٢	قد اطلع المؤمنين ٢٣
٢٤	التور مدية	٣٣٨	٦٣	١٠٢	ايضا ٢٤
٢٥	الفرقان مكية	٣٥٨	٤٤	٣٢	ايضا ٢٥
٢٦	الشعراء مدية	٣٦٥	٢٢٤	٣٤	وقال الذين ٢٦
٢٧	النمل مدية	٣٤٥	٩٣	٣٨	ايضا ٢٧
٢٨	القصاص مدية	٣٨٣	٨٨	٣٩	امن خلق السموات ٢٨
٢٩	العنكبوت مدية	٣٩٥	٦٩	٨٥	ايضا ٢٩
٣٠	الزمر مدية	٤٠٣	٦٠	٨٣	ال ما ادى ٣٠
٣١	لقمان مدية	٤١٠	٣٣	٥٤	ايضا ٣١
٣٢	السجدة مدية	٤١٣	٣٠	٤٥	ايضا ٣٢
٣٣	الاحزاب مدية	٤١٤	٤٣	٩٠	ايضا ٣٣
٣٤	سبا مكية	٤٢٦	٥٢	٥٨	ومن يفتن ٣٤
٣٥	فاطر مدية	٤٣٣	٣٥	٣٣	ايضا ٣٥
٣٦	يونس مدية	٤٣٩	٨٣	٣١	ايضا ٣٦
٣٧	القصص مدية	٤٤٥	١٨٢	٥٦	واما ٣٧
٣٨	ص مدية	٤٥٢	٨٨	٣٨	ايضا ٣٨
٣٩	الزمر مدية	٤٥٤	٤٥	٥٩	ايضا ٣٩
٤٠	المؤمن مدية	٤٦٥	٨٥	٦٠	من اظلم ٤٠
٤١	الحج مدية	٤٦٥	٥٢	٦١	ايضا ٤١
٤٢	الشورى مدية	٤٨٢	٥٣	٦٢	اليه يرد ٤٢
٤٣	الزخرف مدية	٤٨٨	٨٩	٦٣	ايضا ٤٣
٤٤	الدخان مدية	٤٩٢	٥٩	٦٣	ايضا ٤٤
٤٥	الجماع مدية	٤٩٤	٣٤	٦٥	ايضا ٤٥
٤٦	الاحقاف مدية	٥٠١	٣٥	٦٦	حسم ٤٦
٤٧	محمد مدية	٥٠٥	٣٨	٩٥	ايضا ٤٧
٤٨	الفتح مدية	٥١٠	٢٩	١١١	ايضا ٤٨
٤٩	الحجرات مدية	٥١٢	١٨	١٠٦	ايضا ٤٩
٥٠	ق مكية	٥١٤	٣٥	٣٠	ايضا ٥٠
٥١	التاريك مدية	٥١٩	٦٠	٦٤	ايضا ٥١
٥٢	الطور مدية	٥٢٢	٢٩	٤٦	قال فما خطبكم ٥٢
٥٣	الغشم مدية	٥٢٥	٦٢	٢٣	ايضا ٥٣
٥٤	القمر مدية	٥٢٤	٥٥	٣٤	ايضا ٥٤
٥٥	الرحمن مدية	٥٣٠	٤٨	٩٠	ايضا ٥٥
٥٦	الواقعة مدية	٥٣٣	٩٦	٣٦	ايضا ٥٦
٥٧	الحديد مدية	٥٣٦	٢٩	٩٣	ايضا ٥٧
٥٨	المجادلة مدية	٥٣١	٢٢	١٠٥	قد سمع الله ٥٨
٥٩	الحشر مدية	٥٣٢	٢٣	١٠١	ايضا ٥٩
٦٠	المتفحة مدية	٥٣٨	١٣	٩١	ايضا ٦٠
٦١	القصف مدية	٥٥٠	١٣	١٠٩	ايضا ٦١
٦٢	الجمعة مدية	٥٥٢	١١	١١٠	ايضا ٦٢

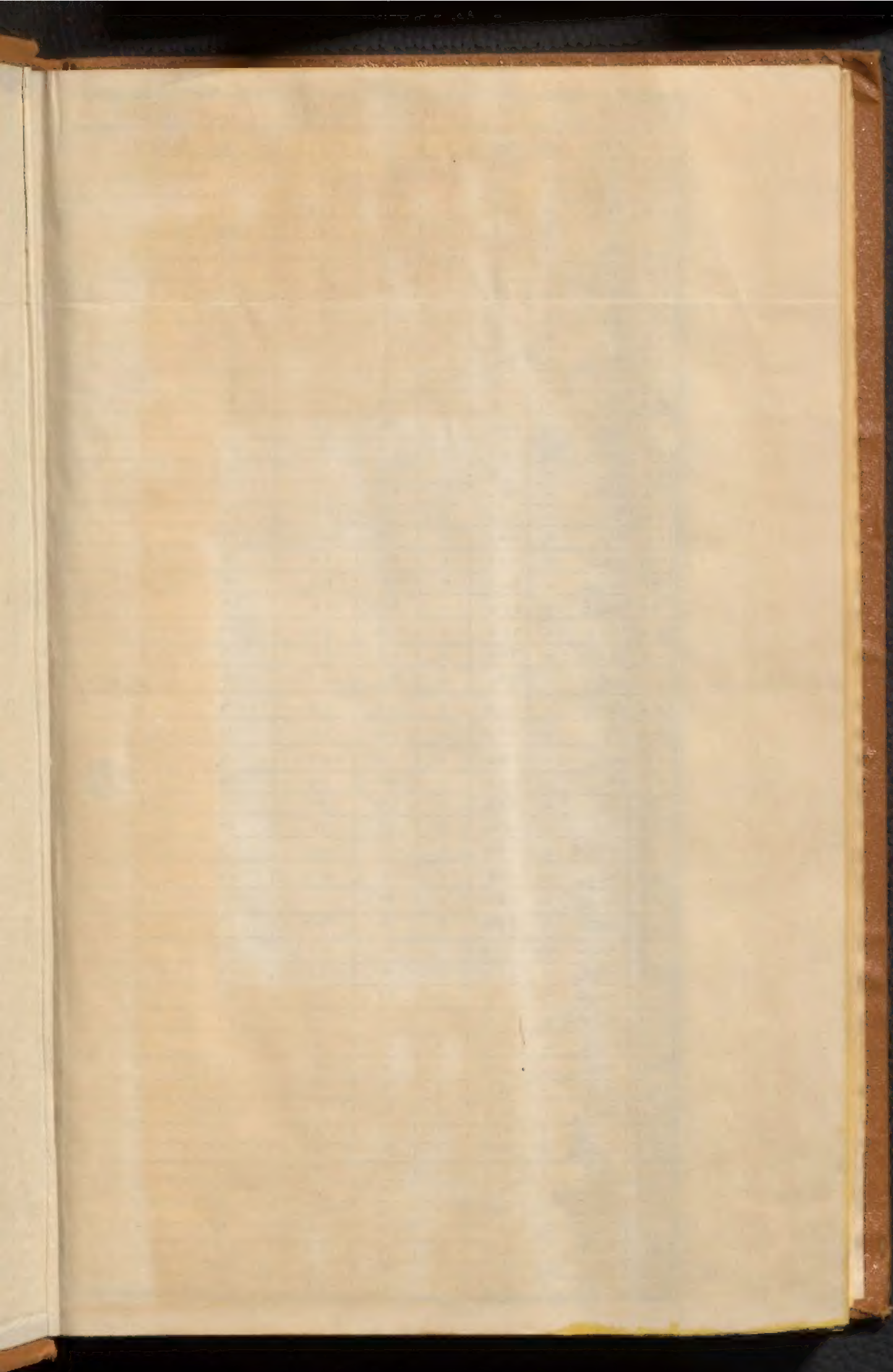


العدد	السورة	الصفحة	رؤسائها	آياتها	تتبع نزولها	الجزء مع العدد
٢٣	المنفقون مكية	٥٥٣	٢	١١	١٠٣	٢٨ قد سمع الله
٢٣	التغابن	٥٥٥	٢	١٨	١٠٨	"
٢٥	الطلاق	٥٥٤	٢	١٢	٩٩	"
٢٦	التحريم	٥٥٩	٢	١٢	١٠٤	"
٢٤	الملك مكية	٥٦١	٢	٣٠	٤٤	٢٩ تبارك الذي
٢٨	القيم	٥٦٣	٢	٥٢	٢	"
٢٩	الحاقة	٥٦٦	٢	٥٢	٤٨	"
٤٠	المعارج	٥٦٨	٢	٣٣	٤٩	"
٤١	نوح	٥٤٠	٢	٢٨	٤١	"
٤٢	الجن	٥٤٢	٢	٢٨	٣٠	"
٤٣	الزلزل	٥٤٣	٢	٢٠	٣	"
٤٣	القدر	٥٤٦	٢	٥٤	٣	"
٤٥	القيمة	٥٤٨	٢	٣٠	٣١	"
٤٦	الذهم مكية	٥٤٩	٢	٣١	٩٨	"
٤٤	المزمل مكية	٥٨١	٢	٥٠	٣٣	"
٤٨	الشمس	٥٨٣	٢	٣٠	٨٠	٣٠ علم
٤٩	الزلزل	٥٨٣	٢	٣٦	٨١	"
٨٠	طس	٥٨٦	١	٣٢	٢٣	"
٨١	التكوير	٥٨٤	١	٢٩	٤	"
٨٢	الانفطار	٥٨٨	١	١٩	٨٢	"
٨٣	انشقاق	٥٨٩	١	٣٦	٨٦	"
٨٣	الانشقاق	٥٩١	١	٢٥	٨٣	"
٨٥	البروج	٥٩٢	١	٢٢	٢٤	"
٨٦	التارق	٥٩٣	١	١٤	٣٦	"
٨٤	الاعلى	٥٩٣	١	١٩	٨	"
٨٨	الغاشية	٥٩٣	١	٢٦	٦٨	"
٨٩	الفجر	٥٩٥	١	٣٠	١٠	"
٩٠	البلد	٥٩٦	١	٢٠	٣٥	"
٩١	الشمس	٥٩٦	١	١٥	٢٦	"
٩٢	النيل	٥٩٤	١	٢١	٩	"
٩٣	المنطق	٥٩٨	١	١١	١١	"
٩٣	الانشراح	٥٩٨	١	٨	١٢	"
٩٥	النس	٥٩٨	١	٨	٢٠	"
٩٦	العلق	٥٩٩	١	١٩	١	"
٩٤	القدر	٥٩٩	١	٥	٢٥	"
٩٨	البينة مكية	٦٠٠	١	٨	١٠٠	"
٩٩	الزلزال	٦٠١	١	٨	٩٣	"
١٠٠	القدر مكية	٦٠١	١	١١	١٣	"
١٠١	التارعة	٦٠١	١	١١	٣٠	"
١٠٢	الكافرون	٦٠٢	١	٨	١٦	"
١٠٣	العصر	٦٠٢	١	٣	١٣	"
١٠٣	الحمة	٦٠٢	١	٩	٣٢	"
١٠٥	الفيل	٦٠٣	١	٥	١٩	"
١٠٦	القدر	٦٠٣	١	٣	٢٩	"
١٠٤	الماعون	٦٠٣	١	٤	١٤	"
١٠٨	التكوير	٦٠٣	١	٣	١٥	"
١٠٩	الكافرون	٦٠٣	١	٤	١٨	"
١١٠	النصر مكية	٦٠٣	١	٣	١١٣	"
١١١	القصص مكية	٦٠٥	١	٢٦	٣٠	"
١١٣	الاحقاص	٦٠٥	١	٢٦	٢٢	"
١١٣	القصص مكية	٦٠٥	١	٢٥	٢٠	"
١١٣	الشمس	٦٠٦	١	٢	٢١	"











JUN 14 1983



